www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن

دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

علوم کیهان شناسی و ریاضیات
علوم زیست شناسی و پزشکی

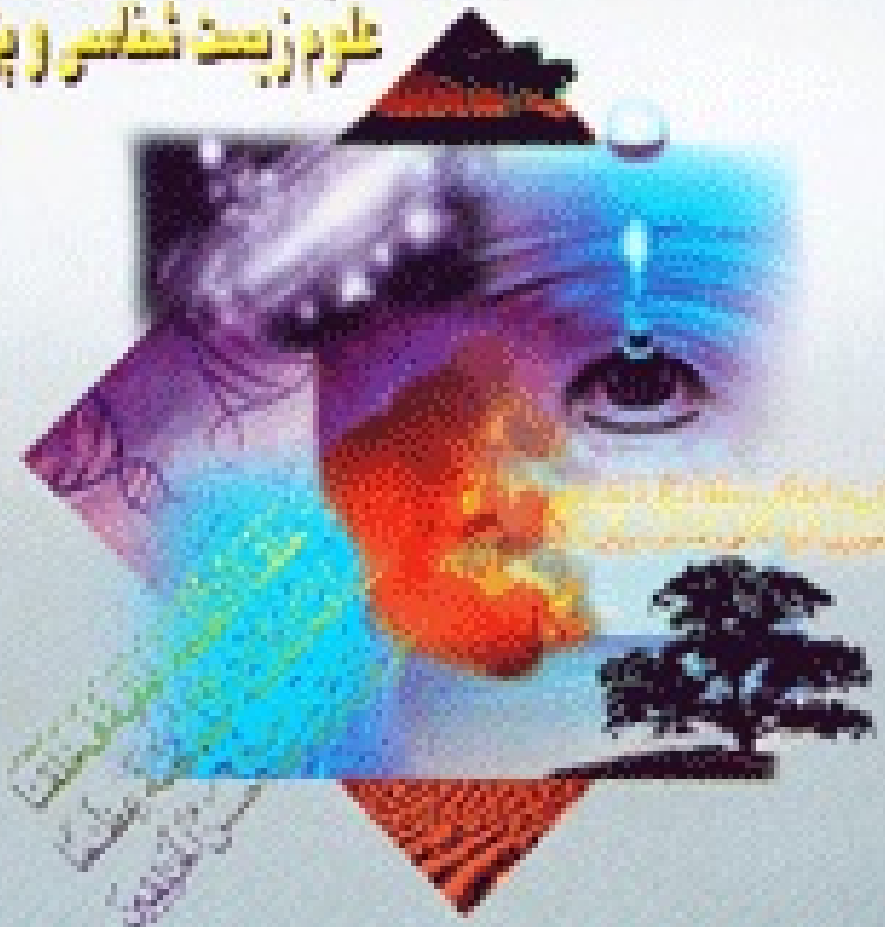

بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

کتاب مبین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
پژوهشی در اعجاز علمی قرآن ----- ۳۳
مشخصات کتاب ----- ۳۳
مقدمه ----- ۳۳
اشاره ----- ۳۳
موضوع تحقیق ----- ۳۳
پرسش‌های تحقیق ----- ۳۳
اهداف تحقیق ----- ۳۴
انگیزه تحقیق ----- ۳۴
پیشینه تحقیق ----- ۳۴
ضرورت تحقیق ----- ۳۴
پیش فرض‌های تحقیق ----- ۳۴
فرضیه تحقیق ----- ۳۵
روش تحقیق ----- ۳۵
محدودیت‌های تحقیق ----- ۳۵
بخش اول: کلیّات ----- ۳۵
درآمد ----- ۳۵
الف: تاریخچه اجمالی انطباق قرآن با علوم تجربی و اعجاز علمی ----- ۳۵
مقدمه ----- ۳۶
معنای اصطلاحی تفسیر علمی (انطباق قرآن با علوم تجربی) ----- ۳۶
اشاره ----- ۳۶
اول: پیشینه تاریخی تفسیر علمی در غرب ----- ۳۶
دوم: پیشینه تاریخی تفسیر علمی در اسلام ----- ۳۸

تفسیر علمی در یک قرن اخیر و علل گسترش آن ----- ۳۹
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ----- ۴۲
ب: تقسیم اجمالی علوم بشری: ----- ۴۲
علم چیست؟ ----- ۴۲
تقسیم‌بندی علوم بر اساس روش: ----- ۴۳
پ: آیا همه علوم بشری در قرآن موجود است؟ ----- ۴۴
اشاره ----- ۴۴
دیدگاه اول: ----- ۴۴
اشاره ----- ۴۴
دلایل دیدگاه اول: ----- ۴۴
دیدگاه دوم: ----- ۴۵
دیدگاه سوم: ----- ۴۵
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ----- ۴۶
ت: اهداف اصلی و فرعی قرآن: ----- ۴۶
اشاره ----- ۴۶
بررسی: ----- ۴۸
فواید ذکر مثالهای علمی در قرآن کریم: ----- ۴۹
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ----- ۴۹
ث: اقسام انطباق قرآن با علوم تجربی: ----- ۵۰
اقسام تفسیر علمی بر اساس هدف مفسّر: ----- ۵۰
اقسام انطباق قرآن با مطالب علمی از جهت شکل و شیوه: ----- ۵۰
اشاره ----- ۵۰
۱. استخراج همه علوم از قرآن کریم: ----- ۵۱
۲. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم: ----- ۵۱

۳. استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن: ۵۲
ج: معیارهای تفسیر علمی معتبر: ۵۲
اشاره ۵۲
معیار شناخت مصادیق تفسیر علمی غیر معتبر: ۵۳
ح: آثار مثبت و منفی انطباق قرآن با علوم تجربی ۵۴
آثار مثبت انطباق قرآن با علوم تجربی ۵۴
آثار منفی انطباق قرآن با علوم تجربی: ۵۴
خلاصه و نتیجه‌گیری: ۵۵
خ: ماهیت معجزه و تفاوت آن با امور خارق العاده دیگر ۵۵
مقدمه: (تاریخچه) ۵۵
معجزه و واژه‌های قرآنی آن: ۵۵
اشاره ۵۵
اول: معنای لغوی واژه‌ها: ۵۶
الف: «آیه»: ۵۶
ب: «بیّنه»: ۵۶
ج: «برهان»: ۵۶
د: «سلطان»: ۵۷
ه: «معجزه»: ۵۷
دوم: معنای اصطلاحی معجزه: ۵۸
نقد و بررسی: ۵۹
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ۶۰
تفاوت‌های معجزه با خوارق عادات دیگر ۶۰
اشاره ۶۰
الف: تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان ۶۱

ب: تفاوت معجزه و کرامت: ۶۲
تناسب معجزه با زمان: ۶۲
اقسام معجزه: ۶۳
اشاره ۶۳
الف: معجزه اقتراحی و غیر اقتراحی: ۶۳
ب: معجزه حسّی و عقلی: ۶۳
پ: معجزه موقت و دائمی: ۶۳
د: اعجاز قرآن کریم و ابعاد آن: ۶۳
درآمد: ۶۳
قسمت اول: تحدّی قرآن کریم (دلیل اعجاز قرآن) ۶۴
الف: آیات تحدّی (مبارزه‌طلبی) ۶۴
ب: قلمرو تحدّی قرآن: مبارزه‌طلبی قرآن سه نوع شمول دارد ۶۴
۱. شمول افرادی: ۶۴
۲. شمول زمانی: ۶۵
۳. شمول احوالی: ۶۵
پ: مرجع ضمیر «من مثله» ۶۵
قسمت دوم: دیدگاهها درباره جهت اعجاز قرآن (سرّ مثل نداشتن آن): ۶۶
اشاره ۶۶
اول: فصاحت و بلاغت: ۶۶
دوم: سبک و نظم خاص قرآن: ۶۶
سوم: شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن یا روحانیت قرآن: ۶۷
چهارم: معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امّی: ۶۷
پنجم: قوانین محکم قرآن: ۶۷
ششم: برهان‌های عالی قرآن: ۶۷

هفتم: خبرهای غیبی از گذشته و آینده: ۶۸
هشتم: اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی): ۶۸
نهم: استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن): ۶۸
دهم: ایجاد انقلاب اجتماعی: ۶۸
یازدهم: صرفه: ۶۹
دوازدهم: همه این جهات از اعجاز قرآن است (مگر صرفه): ۶۹
نظریه مختار و بررسی آن ۶۹
دلایل و شواهد: ۷۰
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ۷۱
قسمت سوم: راز اعجاز قرآن: ۷۱
ذ: انطباق قرآن با علوم تجربی، اثبات‌گر اعجاز علمی قرآن است. ۷۲
اشاره ۷۲
تذکر مهم: ۷۲
پاسخ اشکالات: ۷۳
مقصود از معجزه علمی قرآن: ۷۴
ر: تفاوت حکمت و علت در شریعت: ۷۴
اشاره ۷۴
مصالح و مفاسد احکام: ۷۴
احکام تعبدی: ۷۶
بخش دوم: قرآن و علوم کیهان‌شناسی ۷۷
درآمد: ۷۷
۱. آغاز جهان: ۷۷
اشاره ۷۷
نکات: ۷۷

نظریه‌های علمی درباره پیدایش جهان: ۷۷
اشاره ۷۷
الف: نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ): ۷۸
ب: نظریه حالت پایدار: ۷۹
ج: جهان پلاسما: ۷۹
د: جهان انفجارهای کوچک (کهبانگ): ۷۹
نکات تفسیری و اسرار علمی آیات: ۷۹
بررسی: ۸۳
۲. مراحل خلقت جهان: ۸۳
اشاره ۸۳
مباحث لغوی و اصطلاحی: ۸۴
الف: یوم در لغت و قرآن: ۸۴
ب: سماوات و ارض در لغت و قرآن: ۸۵
تاریخچه: ۸۵
اشاره ۸۵
الف: پیدایش جهان در نظر فلاسفه یونان: ۸۶
ب: پیدایش جهان از نظر کتاب مقدس (تورات): ۸۶
مراحل خلقت از منظر قرآن کریم و علم: ۸۷
اشاره ۸۷
الف: آفرینش کیهان: ۸۹
ب: آفرینش ستارگان: ۸۹
ج: پیدایش خورشید: ۸۹
د: پیدایش زمین و منظومه شمسی: ۹۰
ه: سرنوشت زمین: ۹۰

و: پیدایش حیات در روی زمین «۲» (این مطلب را در یک بحث مستقل بررسی می‌کنیم) ----- ۹۰
جمع‌بندی و بررسی: ----- ۹۱
تعارض ظاهری آیات سوره فصلت با خلقت جهان در شش دوره: ----- ۹۳
جمع‌بندی و بررسی: ----- ۹۴
۳. هفت آسمان و زمین: ----- ۹۵
اشاره ----- ۹۵
تاریخچه و دیدگاهها: ----- ۹۵
نکات تفسیری: ----- ۹۹
اشاره ----- ۹۹
پرسش اول: مقصود از آسمان (سماء) چیست؟ ----- ۹۹
جمع‌بندی: ----- ۱۰۰
پرسش دوم: مقصود از زمین (ارض) چیست؟ ----- ۱۰۱
جمع‌بندی: ----- ۱۰۱
پرسش سوم: مقصود از سبع (هفت) چیست؟ ----- ۱۰۱
پرسش چهارم: مقصود از مثل هم بودن (مثلهن) در آیه چیست؟ ----- ۱۰۲
اشاره ----- ۱۰۲
الف: همانند بودن آسمان و زمین در مورد تعداد (عدد هفت) «۴»: ----- ۱۰۲
ب: مثل بودن زمین و آسمان در مورد معلق بودن و شناور شدن در فضا: ----- ۱۰۲
پ: مثل هم بودن در مورد ملکوتی بودن: ----- ۱۰۳
پرسش پنجم: مقصود قرآن از واژه «هفت آسمان» چیست؟ ----- ۱۰۳
پرسش ششم: مقصود از هفت زمین چیست؟ ----- ۱۰۴
بررسی: ----- ۱۰۴
۴. گسترش جهان: ----- ۱۰۵
اشاره ----- ۱۰۵

نکات تفسیری: ----- ۱۰۵
تاریخچه نظریه گسترش جهان: ----- ۱۰۵
اشاره ----- ۱۰۵
الف: انقباض و ایستا بودن جهان: ----- ۱۰۵
ب: انبساط و گسترش جهان: ----- ۱۰۶
اسرار علمی ----- ۱۰۶
بررسی: ----- ۱۰۷
۵. جاذبه عمومی موجودات: ----- ۱۰۸
اشاره ----- ۱۰۸
نکات تفسیری: ----- ۱۰۸
تاریخچه: ----- ۱۰۹
اسرار علمی ----- ۱۰۹
اشاره ----- ۱۰۹
الف: اسرار علمی آیه اول و دوم (بغیر عمد ترونها) «۱» ----- ۱۱۰
ب: اسرار علمی آیه سوم (کفاتا) «۱» ----- ۱۱۱
ج: اسرار علمی آیه چهارم یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا «۵» ----- ۱۱۱
بررسی: ----- ۱۱۱
۶. خورشید و حرکات آن: ----- ۱۱۲
اشاره ----- ۱۱۲
نکات تفسیری ----- ۱۱۳
تاریخچه: ----- ۱۱۴
اسرار علمی: ----- ۱۱۵
اشاره ----- ۱۱۵
اول: مفسران قدیمی: ----- ۱۱۵

دوم: مفسران و صاحب‌نظران جدید: ۱۱۶
اشاره ۱۱۶
الف: حرکت انتقالی خورشید در درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی) ۱۱۶
ب: حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان: (حرکت دورانی) ۱۱۷
ج: حرکت وضعی خورشید به دور خود: ۱۱۸
د: ادامه حیات خورشید تا زمان معین: ۱۱۹
ه: حرکات درونی خورشید: ۱۱۹
بررسی: ۱۲۰
۷. زمین: ۱۲۱
اشاره ۱۲۱
تاریخچه: ۱۲۱
اول: حرکت زمین: ۱۲۲
اشاره ۱۲۲
بررسی: ۱۲۳
بررسی: ۱۲۴
بررسی: ۱۲۵
بررسی: ۱۲۶
بررسی: ۱۲۷
بررسی: ۱۲۸
بررسی: ۱۲۸
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ۱۲۹
دوم: کرویت زمین: ۱۲۹
اشاره ۱۲۹
تاریخچه: ۱۳۰

مغرب و مشرق از نظر علمی: ----- ۱۳۰
اسرار علمی: ----- ۱۳۱
بررسی: ----- ۱۳۲
اشاره ----- ۱۳۲
تعارض بین تعبیر مشارق و مغارب با واژه مغرب و مشرق در قرآن: ----- ۱۳۳
پاسخ تعارض: ----- ۱۳۳
۸. موجودات زنده در آسمان‌ها: ----- ۱۳۴
اشاره ----- ۱۳۵
تاریخچه: ----- ۱۳۵
اسرار علمی: ----- ۱۳۶
اشاره ----- ۱۳۶
الف: وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّةٍ «۵» ----- ۱۳۶
بررسی: ----- ۱۳۷
ب: آیاتی که تعبیر «مشارق و مغارب» و «العالمین» دارد: ----- ۱۳۸
بررسی: ----- ۱۳۸
ج: آیاتی که تعبیر مَنْ فِی السَّماواتِ و ما فِی السَّماواتِ و امثال آنها دارد: ----- ۱۳۹
د: لا یَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلی ----- ۱۳۹
ه: اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَ ----- ۱۴۰
بررسی: ----- ۱۴۰
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ----- ۱۴۰
۹. پایان جهان: ----- ۱۴۱
اشاره ----- ۱۴۱
نظریه‌های علمی در مورد پایان جهان: ----- ۱۴۱
اشاره ----- ۱۴۲

اول: سرانجام حرکت انبساطی جهان: ----- ۱۴۲
دوم: سرانجام خورشید و ستارگان و زمین: ----- ۱۴۲
نکات تفسیر و اسرار علمی: ----- ۱۴۳
بررسی: ----- ۱۴۵
بخش سوّم قرآن و علوم ریاضی ----- ۱۴۶
اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن «۱» ----- ۱۴۶
مقدمه: ----- ۱۴۶
الف: موافقان اعجاز عددی قرآن: ----- ۱۴۶
اشاره ----- ۱۴۷
۱. معجزة القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه: ----- ۱۴۷
۲. اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، تألیف رشاد خلیفه، ترجمه و ضمائم از سید محمد تقی آیت اللهی: ----- ۱۴۸
۳. معجزة القرن العشرین من کشف سباعیّة و ثلاثیة اوامر القرآن الکریم، ابن خلیفه علیوی: ----- ۱۴۸
۴. المنظومات العددیة فی القرآن العظیم، مهندس مصطفی ابو سیف بدران: ----- ۱۴۸
۵. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبد الرزاق نوفل: ----- ۱۴۸
۶. اعجازات حدیثة علمیة و رقمیّة فی القرآن، دکتر رفیق ابو السعود: ----- ۱۴۹
۷. کاربرد روش سیستم‌ها (راسل. ل. ا. ک) به ضمیمه تعبیر قرآن آربری، ترجمه محمد جواد سهلانی: ----- ۱۴۹
۸. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسّام نهاد جرّار: ----- ۱۴۹
۹. تفسیر نمونه، آیة اللّه مکارم شیرازی: ----- ۱۴۹
۱۰. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی: ----- ۱۴۹
۱۱. المعجزة، مهندس عدنان رفاعی: ----- ۱۵۰
۱۲. الاعجاز العددی فی سورة الفاتحة، طلحة جوهر: ----- ۱۵۰
۱۳. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کوروش جم‌نشان: ----- ۱۵۰
۱۴. ماوراء احتمال، عبد الله اریک: ----- ۱۵۰
۱۵. من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، دکتر ابو زهرا نجدی: ----- ۱۵۰

ب: مخالفان اعجاز عددی قرآن: ----- ۱۵۰
اشاره ----- ۱۵۰
۱. تسعهٔ عشر ملکا، بیان ان فریهٔ الاعجاز العددی للقرآن خدعهٔ بهائیهٔ، حسین ناجی محمد محی الدین: ----- ۱۵۱
۲. المعجزهٔ القرآنیهٔ، دکتر محمد حسن هیتو: ----- ۱۵۱
۳. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسام نهاد جرّار: ----- ۱۵۱
۴. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی: ----- ۱۵۲
بررسی و جمع‌بندی: ----- ۱۵۳
بخش چهارم: قرآن و علوم زیست‌شناسی ----- ۱۵۴
۱. منشأ پیدایش حیات در زمین: ----- ۱۵۴
اشاره ----- ۱۵۴
بررسی لغوی و اصطلاحی: ----- ۱۵۵
نکات تفسیری و اسرار علمی: ----- ۱۵۶
جمع‌بندی و بررسی: ----- ۱۵۸
۲. آیا انسان می‌تواند موجود زنده‌ای بوجود آورد؟ ----- ۱۵۹
اشاره ----- ۱۵۹
نکات تفسیری و اسرار علمی: ----- ۱۶۰
جمع‌بندی و بررسی: ----- ۱۶۱
۳. خلقت انسان اولیه و نظریه تکامل داروین: ----- ۱۶۲
اشاره ----- ۱۶۲
تاریخچه بحث تکامل و دیدگاههای دانشمندان علوم تجربی: ----- ۱۶۳
تبیین نظریه تکامل و اثبات انواع: ----- ۱۶۳
دلایل طرفداران تکامل: ----- ۱۶۴
پاسخهای طرفداران ثبوت انواع: ----- ۱۶۴
فرضیه تکامل و مسأله خداشناسی: ----- ۱۶۵

فرضیه تکامل و پیدایش انسان: ۱۶۵
فرضیه تکامل و قرآن: ۱۶۶
اول: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه تکامل مورد استناد قرار گرفته است: ۱۶۷
اشاره ۱۶۷
الف: آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می‌داند: ۱۶۷
بررسی: ۱۶۷
بررسی: ۱۶۸
ب: آیاتی که به سر مرحله خلقت اشاره دارند: ۱۶۹
بررسی: ۱۷۰
ج: آیاتی که به مرحله اول آفرینش انسان اشاره می‌کند (ماده اولیه): ۱۷۰
۱. ج: آفرینش انسان از خاک: ۱۷۰
بررسی: ۱۷۱
۲. ج: آفرینش انسان از آب: ۱۷۲
بررسی: ۱۷۲
۳. ج: آفرینش انسان از نطفه: ۱۷۲
بررسی: ۱۷۳
د: آیاتی که به مرحله دوم آفرینش انسان اشاره می‌کند (بعد از شکل‌گیری انسان و قبل از انتخاب آدم (ع)): ۱۷۳
بررسی: ۱۷۴
ه: آیاتی که به مرحله سوم (انتخاب آدم از بین انسان‌ها) اشاره دارد: ۱۷۴
بررسی: ۱۷۵
دوم: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه ثبات انواع (فیکسیسم) مورد استناد واقع شده است ۱۷۵
اشاره ۱۷۵
الف: آیاتی که خلقت همه انسان را از یک نفس واحد می‌داند: ۱۷۵
بررسی: ۱۷۶

ب: آیاتی که خلقت آدم (ع) را از خاک می‌دانند: ۱۷۶
بررسی: ۱۷۷
سوم: آیاتی که قابل انطباق با هر دو نظریه تکامل و ثبات انواع هست: ۱۷۸
بررسی: ۱۷۸
جمع‌بندی و بررسی نهایی مبحث نظریه تکامل و قرآن: ۱۷۹
تذکرات: ۱۷۹
۴. زوجیت: ۱۷۹
اشاره ۱۷۹
نکات تفسیری: ۱۸۰
تاریخچه: ۱۸۰
اسرار علمی: ۱۸۱
بررسی: ۱۸۲
تعارض زوجیت عمومی و بکرزائی: ۱۸۳
بررسی تعارض زوجیت و بکرزایی: ۱۸۴
۵. لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها) ۱۸۴
اشاره ۱۸۴
نکات تفسیری: ۱۸۵
تاریخچه: ۱۸۵
اسرار علمی: ۱۸۵
اشاره ۱۸۵
الف: مقصود لقاح گیاهان است: ۱۸۵
ب: مقصود لقاح ابرهاست: ۱۸۶
ج: مقصود لقاح ابرها و گیاهان است: ۱۸۷
بررسی: ۱۸۸

بخش پنجم: قرآن و علوم پزشکی فصل اول: قرآن و علوم پزشکی فصل دوّم: قرآن و درمان بیماری‌ها فصل سوم: قرآن و اسرار خلقت در علوم پزشکی ۸

درآمد: ۱۸۸

راز رشد علوم پزشکی در بین مسلمانان: ۱۸۹

فصل اوّل: قرآن و بهداشت ۱۹۰

مقدمه: ۱۹۰

الف: بهداشت غذائی ۱۹۰

۱. دعوت به غذاهای پاک و پاکیزه (طیّب): ۱۹۰

اشاره ۱۹۰

نزول: ۱۹۱

تاریخچه: ۱۹۱

احکام: ۱۹۲

حکمت‌ها و اسرار علمی: ۱۹۲

بررسی: ۱۹۲

۲. ممنوعیت غذاهای غیر بهداشتی (خبیث): ۱۹۳

اشاره ۱۹۳

نزول: ۱۹۳

تاریخچه: ۱۹۳

احکام: ۱۹۳

حکمت‌ها و اسرار: ۱۹۴

بررسی: ۱۹۴

۳. ممنوعیت اسراف در غذا: ۱۹۴

اشاره ۱۹۵

نزول: ۱۹۵

تبیین موضوع: ۱۹۵

احکام: ۱۹۶
حکمت‌ها و اسرار علمی: ۱۹۶
بررسی: ۱۹۷
۴. ممنوعیت خوردن گوشت مردار: ۱۹۷
اشاره ۱۹۸
نزول: ۱۹۸
تاریخچه: ۱۹۸
احکام: ۱۹۹
حکمت‌ها و اسرار علمی: ۱۹۹
بررسی: ۲۰۱
۵. ممنوعیت خوردن گوشت خوک: ۲۰۱
اشاره ۲۰۱
نزول: ۲۰۲
تاریخچه: ۲۰۲
احکام: ۲۰۲
حکمت‌ها و اسرار علمی: ۲۰۲
بررسی: ۲۰۵
۶. ممنوعیت خوردن خون: ۲۰۵
اشاره ۲۰۵
نزول: ۲۰۵
تاریخچه: ۲۰۶
احکام: ۲۰۶
حکمت و اسرار علمی: ۲۰۷
بررسی: ۲۰۸

۷. ممنوعیت نوشیدن شراب (خمر): ----- ۲۰۹
اشاره ----- ۲۰۹
مراحل برخورد قرآن با شرابخواری: ----- ۲۰۹
تاریخچه شرابخواری: ----- ۲۱۱
احکام: ----- ۲۱۲
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۱۲
اشاره ----- ۲۱۲
الف: آثار شراب‌خواری در روایات: ----- ۲۱۲
ب: آثار معنوی و اجتماعی: ----- ۲۱۳
اشاره ----- ۲۱۳
۱. خروج شراب خوار از حوزه انسانیت: ----- ۲۱۳
۲. ضررهای اجتماعی شراب‌خواری: ----- ۲۱۳
۳. زیان‌های اقتصادی شراب‌خواری: ----- ۲۱۳
۴. ضررهای معنوی شراب‌خواری: ----- ۲۱۳
پ: آثار زیانبار خمر از نظر علوم پزشکی: ----- ۲۱۴
اشاره ----- ۲۱۴
الف: الکلیسم و بیماری‌های عصبی: ----- ۲۱۵
ب: الکل و بیماری‌های گوارشی: ----- ۲۱۵
ج: الکل و بیماریهای قلبی: ----- ۲۱۶
د: الکل و نارسایی‌های خونی: ----- ۲۱۷
ه: الکل و فعالیت‌های جنسی: ----- ۲۱۷
و: الکل و سرطان: ----- ۲۱۷
ح: الکل و بیماریهای روانی: ----- ۲۱۷
ط: مسائل متفرقه: ----- ۲۱۸

بررسی: ----- ۲۱۸
ب: بهداشت شخصی (جسمی) ----- ۲۱۹
۱. وضو: ----- ۲۱۹
اشاره ----- ۲۱۹
نکات تفسیری: ----- ۲۱۹
تاریخچه: ----- ۲۲۰
احکام: ----- ۲۲۰
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۲۱
اشاره ----- ۲۲۱
۱. حکمت‌های وضو در روایات: ----- ۲۲۱
۲. نظام‌مند کردن نظافت شخصی: ----- ۲۲۱
۳. آثار وضو در بهداشت انسان: ----- ۲۲۱
بررسی: ----- ۲۲۲
۲. غسل: ----- ۲۲۳
اشاره ----- ۲۲۳
تاریخچه: ----- ۲۲۴
احکام: ----- ۲۲۴
حکمت‌ها و اسرار علمی غسل: ----- ۲۲۵
اشاره ----- ۲۲۵
۱. حکمت غسل در روایات: ----- ۲۲۵
۲. اثر معنوی غسل: ----- ۲۲۵
۳. فواید بهداشتی غسل: ----- ۲۲۵
۴. آثار اجتماعی غسل: ----- ۲۲۶
۵. فواید خاص غسل مسّ میت: ----- ۲۲۷

بررسی: ----- ۲۲۷
۳. طهارت لباس: ----- ۲۲۷
اشاره ----- ۲۲۷
نزول: ----- ۲۲۸
تاریخچه: ----- ۲۲۸
احکام: ----- ۲۲۹
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۲۹
بررسی: ----- ۲۲۹
۴. پاکیزگی محیط زیست: ----- ۲۳۰
اشاره ----- ۲۳۰
نزول: ----- ۲۳۰
تاریخچه: ----- ۲۳۰
احکام: ----- ۲۳۰
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۳۱
بررسی: ----- ۲۳۱
ج: بهداشت مسایل جنسی: ----- ۲۳۲
۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه: ----- ۲۳۲
اشاره ----- ۲۳۲
نزول: ----- ۲۳۲
تاریخچه: ----- ۲۳۲
احکام: ----- ۲۳۳
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۳۳
بررسی: ----- ۲۳۵
۲. ممنوعیت زنا: ----- ۲۳۶

اشاره ----- ۲۳۶
نزول: ----- ۲۳۷
تاریخچه: ----- ۲۳۸
احکام: ----- ۲۳۸
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۳۸
اشاره ----- ۲۳۸
۱. آثار زنا در روایات: ----- ۲۳۹
۲. آثار معنوی: ----- ۲۳۹
۳. آثار اجتماعی زنا: ----- ۲۳۹
۴. انتشار بیماری‌های آمیزشی در جامعه: ----- ۲۳۹
اشاره ----- ۲۳۹
شیوع بیماری‌های مقاربتی: ----- ۲۴۰
۵. انتشار بیماری ایدز: ----- ۲۴۰
۶. روش حکیمانه اسلام در جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی: ----- ۲۴۰
بررسی: ----- ۲۴۲
۳. ممنوعیت هم جنس‌بازی (لواط): ----- ۲۴۲
اشاره ----- ۲۴۲
نزول: ----- ۲۴۴
تاریخچه: ----- ۲۴۴
احکام: ----- ۲۴۵
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۴۵
بررسی: ----- ۲۴۵
۴. ممنوعیت استمناء (جلق‌زدن خودارضائی): ----- ۲۴۶
اشاره ----- ۲۴۶

نزول: ----- ۲۴۶
احکام: ----- ۲۴۷
حکمت‌ها و اسرار علمی: ----- ۲۴۷
اشاره ----- ۲۴۷
۱. آثار زیان‌بار روانی و اخلاقی: ----- ۲۴۷
۲. أثر زیان‌بار اجتماعی: ----- ۲۴۷
۳. آثار زیان‌بار آن از نظر جسمی: ----- ۲۴۷
بررسی: ----- ۲۴۸
د: قرآن و بهداشت روان انسان: ----- ۲۴۹
اشاره ----- ۲۴۹
اول: آیات قرآن در مورد شفابخشی آن: ----- ۲۴۹
نکات تفسیری: ----- ۲۴۹
دوم: شفابخشی قرآن در بستر تاریخ: ----- ۲۵۰
سوم: شفابخشی قرآن از منظر علوم پزشکی: ----- ۲۵۰
اشاره ----- ۲۵۰
الف: تأثیرات قرائت قرآن بر کاهش درد، اضطراب و افسردگی: ----- ۲۵۱
ب: تأثیرات آموزه‌های قرآن بر بهداشت روانی فردی و اجتماعی بشر: ----- ۲۵۱
نتیجه‌گیری و بررسی: ----- ۲۵۳
فصل دوم: قرآن و درمان بیماری‌ها ----- ۲۵۴
الف: قرآن و درمان بیماری‌های روانی و روحی: ----- ۲۵۴
ب: قرآن و درمان بیماری‌های جسمی: ----- ۲۵۵
۱. عسل: ----- ۲۵۵
اشاره ----- ۲۵۵
نکات تفسیری: ----- ۲۵۵

تاریخچه: ۲۵۵
حکمت‌ها و اسرار علمی: ۲۵۵
اشاره ۲۵۶
۱. عسل و بیماری‌های پوستی (yjolotamreD): ۲۵۷
۲. عسل و بیماری‌های گوارشی: ۲۵۸
۳. عسل و بیماری‌های تنفسی: ۲۵۹
۴. عسل و درمان بیماری‌های چشم: ۲۵۹
۵. عسل و درمان بیماری‌های زنان و زایمان: ۲۶۰
۶. عسل و درمان بیماری‌های گوش، حلق و بینی: ۲۶۰
۷. عسل و درمان بیماری‌های قلبی: ۲۶۰
۸. عسل و بیماری‌های کلیه: ۲۶۱
۹. عسل و دستگاه عصبی: ۲۶۱
بررسی: ۲۶۱
۲. روزه: ۲۶۲
اشاره ۲۶۲
نکات تفسیری: ۲۶۲
تاریخچه: ۲۶۳
احکام: ۲۶۳
حکمت‌ها و اسرار علمی: ۲۶۴
اشاره ۲۶۴
۱. روزه در روایات: ۲۶۴
۲. روزه موجب تقویت اراده و قوای روحی انسان می‌شود. ۲۶۴
۳. تأثیر مثبت روزه بر بیماری‌ها: ۲۶۵
۴. تأثیر روزه در پیشگیری از بیماری‌ها: ۲۶۵

بررسی: ----- ۲۶۶
۳. نماز: ----- ۲۶۷
اشاره ----- ۲۶۷
بررسی: ----- ۲۶۷
فصل سوّم: قرآن و اسرار خلقت انسان (از نظر پزشکی) ----- ۲۶۸
درآمد: ----- ۲۶۸
مراحل خلقت انسان: ----- ۲۶۸
فهرست مراحل خلقت انسان تا مرگ: ----- ۲۶۹
تاریخچه: ----- ۲۷۰
مرحله اوّل: آفرینش انسان از خاک: ----- ۲۷۰
اشاره ----- ۲۷۰
اسرار علمی: ----- ۲۷۰
بررسی: ----- ۲۷۱
مرحله دوّم: آفرینش انسان از آب: ----- ۲۷۲
اشاره ----- ۲۷۲
واژه «آب» در لغت: ----- ۲۷۲
اسرار علمی: ----- ۲۷۳
اشاره ----- ۲۷۳
اوّل: مقصود از خلقت انسان از آب چیست؟ ----- ۲۷۳
بررسی: ----- ۲۷۵
دوّم: مقصود از ماء دافق و صلب و ترائب چیست؟ ----- ۲۷۶
اشاره ----- ۲۷۶
۱. ماء دافق: ----- ۲۷۶
بررسی: ----- ۲۷۶

۲. مراد از «صلب» چیست؟ ۲۷۷
بررسی: ۲۷۷
۳. مقصود از «ترائب» چیست؟ ۲۷۸
بررسی: ۲۷۹
نتیجه‌گیری: ۲۸۰
سوّم: منشأ منی کجاست (صلب- ظهور)؟ ۲۸۱
اشاره ۲۸۱
نکات تفسیری: ۲۸۱
اسرار علمی: ۲۸۲
بررسی: ۲۸۳
مرحله سوّم: آفرینش انسان از منی: ۲۸۴
اشاره ۲۸۴
منی در لغت: ۲۸۴
منی از نظر علم پزشکی: ۲۸۴
بررسی: ۲۸۵
خلقت همسر آدم (ع) و عیسی (ع) و پدیده دو جنسی حقیقی (بکرزائی): ۲۸۶
اسرار علمی خلقت آدم (ع) و عیسی (ع): ۲۸۷
بررسی: ۲۸۸
مرحله چهارم: خلقت انسان از نطفه: ۲۸۹
اشاره ۲۸۹
نطفه در لغت: ۲۹۰
نطفه در اصطلاح: ۲۹۰
نطفه در قرآن کریم: ۲۹۱
نتیجه‌گیری: ۲۹۲

اسرار و نکات علمی: ۲۹۲
جمع‌بندی: ۲۹۵
نقد و بررسی: ۲۹۵
مرحله پنجم: آفرینش انسان از علق: ۲۹۷
اشاره ۲۹۷
نزول: ۲۹۷
علق در لغت: ۲۹۸
اسرار علمی: ۲۹۸
بررسی: ۲۹۹
پرورش انسان در سه فضای تاریک: ۳۰۰
نکته تفسیری: ۳۰۱
اسرار علمی: ۳۰۱
بررسی: ۳۰۲
مرحله ششم: آفرینش انسان از مضغه: ۳۰۴
اشاره ۳۰۴
بررسی لغوی: ۳۰۴
اسرار علمی: ۳۰۴
جمع‌بندی: ۳۰۶
بررسی: ۳۰۷
مرحله هفتم: تصویر و تسویه انسان: ۳۰۷
اشاره ۳۰۸
دیدگاه لغویین: ۳۰۸
نکات تفسیری و اسرار علمی: ۳۰۹
جمع‌بندی: ۳۱۰

بررسی: ----- ۳۱۰
مرحله هشتم: شکل‌گیری استخوان‌ها: ----- ۳۱۱
مرحله نهم: پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها: ----- ۳۱۱
اشاره ----- ۳۱۱
نکات علمی: ----- ۳۱۱
یک اشکال علمی: ----- ۳۱۳
بررسی: ----- ۳۱۴
مرحله دهم: آفرینش جنس جنین (مذکر یا مؤنث): ----- ۳۱۵
اشاره ----- ۳۱۵
نکات علمی: ----- ۳۱۵
بررسی: ----- ۳۱۷
علم به جنس جنین قبل از تولد: ----- ۳۱۷
نکات علمی: ----- ۳۱۸
جمع‌بندی و بررسی: ----- ۳۲۰
مرحله یازدهم: آفرینش روح (دمیدن جان در جنین) ----- ۳۲۱
اشاره ----- ۳۲۱
نکات تفسیری و علمی: ----- ۳۲۱
جمع‌بندی و بررسی: ----- ۳۲۳
پیدایش گوش و چشم: ----- ۳۲۴
فؤاد در لغت: ----- ۳۲۴
نکات تفسیری و علمی: ----- ۳۲۴
اشاره ----- ۳۲۴
اوّل: پیدایش چشم و گوش در چه مرحله‌ای از تطورات جنین انجام می‌پذیرد: ----- ۳۲۵
پاسخ‌ها: ----- ۳۲۵

دوّم: آیا مقصود قرآن کریم در آیات مورد بحث، ذکر یک مرحله خلقت است یا تذکر نعمت‌ها؟ پاسخ‌ها: ۳۲۵
نتیجه‌گیری: ۳۲۵
سوّم: چرا قرآن از بین حواس ظاهری و باطنی انسان فقط چشم و گوش و فؤاد را ذکر کرده است؟ پاسخ: ۳۲۶
چهارم: چرا قرآن معمولا وسیله شنوائی (سمع) را قبل از وسیله بینائی (ابصار) ذکر می‌کند؟ پاسخ‌ها: ۳۲۷
جمع‌بندی و بررسی: ۳۲۸
مرحله دوازدهم: تولد طفل: ۳۲۸
اشاره ۳۲۹
نکات تفسیری و علمی: ۳۲۹
بررسی: ۳۳۰
زمان بارداری: ۳۳۰
اشاره ۳۳۰
۱. کوتاهترین مدت بارداری شش ماه است: ۳۳۰
اشاره ۳۳۰
نکات تفسیری: ۳۳۰
تاریخچه: ۳۳۱
احکام: ۳۳۱
اسرار علمی: ۳۳۱
بررسی: ۳۳۲
۲. زمان تشخیص قطعی بارداری: ۳۳۲
اشاره ۳۳۲
نزول و نکات تفسیری: ۳۳۲
احکام: ۳۳۳
اسرار علمی و حکمت‌ها: ۳۳۳
بررسی: ۳۳۵

۳. مدّت ثابت زمان بارداری: ۳۳۶
اشاره ۳۳۶
نکات تفسیری: ۳۳۶
اسرار علمی: ۳۳۷
بررسی: ۳۳۷
مرحله سیزدهم: بلوغ ۳۳۸
اشاره ۳۳۸
مقصود از «بلوغ اشدّ» چیست؟ ۳۳۹
جمع‌بندی: ۳۳۹
مرحله چهاردهم: کهن سالی (پیری) ۳۴۰
اشاره ۳۴۰
اسرار علمی: ۳۴۰
جمع‌بندی و بررسی: ۳۴۱
مرحله پانزدهم: مرگ: ۳۴۱
اشاره ۳۴۱
اسرار علمی: ۳۴۲
جمع‌بندی و بررسی: ۳۴۳
جمع‌بندی و بررسی نهائی مراحل خلقت انسان: ۳۴۴
فهرست آیات ۳۴۴
فهرست روایات ۳۴۹
نمایه اعلام، اشخاص و موضوعات ۳۵۰
فهرست منابع ۳۷۴
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۳۸۰

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی - ۱۳۴۱ عنوان و نام پدیدآور : پژوهشی در اعجاز علمی قرآن محمدعلی رضایی اصفهانی مشخصات نشر : رشت کتاب مبین ۱۳۸۱. مشخصات ظاهری : ۲ ج در یک مجلدنمودار شابک : ۹۶۴-۹۱۰۷۲-۸-X۴۰۰۰۰ریال (دوره ؛ ۹۶۴-۹۲۴۰۰-۶-۳(ج ۱) ؛ ۹۶۴-۹۲۴۰۰-۷-۱(ج ۲) وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : چاپ قبلی کتاب مبین ۱۳۸۰؛ (با فروست یادداشت : ص ع به‌انگلیسی M. A. Rezai. The critical study of the quran's scientific miraculousness. یادداشت : کتابنامه مندرجات : ج ۱. علوم کیهان‌شناسی و ریاضیات .-- ج ۲. علوم زیست‌شناسی و پزشکی موضوع : قرآن و علوم موضوع : قرآن -- اعجاز رده بندی کنگره : BP۱۰۳/۶/ر۵۴پ۴ ۱۳۸۱ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۸ شماره کتابشناسی ملی : م۸۱-۴۸۰۴۴

مقدمه

اشاره

مقدمه : قرآن کریم آخرین سروش آسمانی است که بر آخرین پیامبر یعنی حضرت محمد (ص) فرو آمد. و جهانیان را به نور و کمال هدایت کرد. قرآن نه فقط یک کتاب بلکه، یک معجزه است، که نشانه صدق پیامبر (ص) می‌باشد و از این رو اعجاز قرآن از همان اوایل ظهور اسلام مورد توجه مسلمانان و مخالفان آنها قرار گرفت. اعجاز قرآن دارای ابعاد متفاوتی است مثل: فصاحت و بلاغت، محتوای عالی، اخبار غیبی و ... پس از آشنائی مسلمانان با علوم یونان (از قرن دوم به بعد) و انطباق قرآن با علوم تجربی که از قرن چهارم هجری (در نوشته‌های بو علی سینا) رخ نمود. نوع جدیدی از تفسیر قرآن پیدا شد که به نام تفسیر علمی خوانده شد و در دو قرن اخیر، در پی رشد چشمگیر علوم تجربی در غرب، این نوع از تفسیر اوج گرفت. در دامن تفسیر علمی، بعدی دیگر از اعجاز قرآن مطرح شد که به نام اعجاز علمی قرآن خوانده شد. و بسیاری از مفسران قرآن و صاحب نظران (پزشکان، مهندسان و ...) در این حوزه قلم زدند. اما در این میان برخی راه افراط و تفریط را در پیش گرفتند. به طوری که برخی بیش از ۳۰۰ آیه قرآن را با علوم تجربی تطبیق کردند و در بسیاری از موارد ادعای اعجاز علمی نمودند و برخی دیگر این مطالب را غیر صحیح و تحمیل بر قرآن دانستند و اعجاز علمی را به کلی منکر شدند. اما ما برآنیم که راه میانه‌ای بپیماییم و موارد صحیح اعجاز علمی را بپذیریم و ادعاهای نادرست را نقد کنیم.

موضوع تحقیق

موضوع تحقیق : اعجاز علمی قرآن به مطالب و اسرار علمی گفته می‌شود که در قرآن بیان شده و در عصر نزول قرآن برای بشر معلوم نبوده و پس از پیشرفت علوم کشف شده است. ما در این نوشتار برآنیم که اشکالات تفسیری و علمی انطباق آیات با علوم تجربی و نقاط پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶ ضعف و قوت ادعاهای اعجاز علمی قرآن را بررسی کنیم. زیرا که گاهی مطالب علمی که با آیات قرآن تطبیق شده و به عنوان اعجاز علمی مطرح شده است، مطالبی سست یا نظریه‌هایی در کنار نظریه‌های رقیب بوده است و گاهی قواعد تفسیری در این مورد رعایت نشده است.

پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های تحقیق : ۱. کدامیک از آیات قرآن با یافته‌های قطعی علوم تجربی منطبق است؟ ۲. در چه مواردی این انطباق‌ها اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند؟ ۳. در چه مواردی نظریه‌های علمی بر ظواهر آیات قرآن تحمیل شده است؟ ۴. اشکال‌های تفسیری این انطباق‌ها چیست؟ ۵. آیا تعارض ادعا شده بین برخی آیات با یافته‌های علوم تجربی صحیح است؟

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق : الف: بیان مواردی از اعجازهای علمی قرآن که صحیح و قابل قبول است و حقانیت این کتاب مقدس را اثبات می‌کند. ب: بیان مواردی از اعجازهای علمی قرآن که ادعا شده است و غیر صحیح و غیر قابل قبول است. ج: جلوگیری از آثار سوء علم‌زدگی در تفسیر قرآن. د: جلوگیری از تعارض علم و قرآن.

انگیزه تحقیق

انگیزه تحقیق : پژوهشگر به قصد خدمت به آستان مقدس قرآن کریم و جلوگیری از افراط و تفریطها در انطباق قرآن با علوم تجربی و در راستای تفسیر بهتر قرآن کریم، این نوشتار را برشته تحریر در می‌آورد. امید است مورد قبول خدای متعال و مورد عنایت قرآن ناطق (امام عصر عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق : تفسیر علمی، سابقه‌ای هزار ساله دارد (یعنی از نوشته‌های بو علی سینا شروع شده است) ولی ادعای اعجاز علمی قرآن، در دو قرن اخیر مطرح شده است، که بسیاری از پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷ کشفیات علوم تجربی با قرآن منطبق شد و صحت و اتقان این کتاب الهی بیش از پیش به اثبات رسید. بسیاری از کتاب‌ها به انطباق قرآن با علوم تجربی یا تفسیر علمی پرداخته‌اند و یا ادعای اعجاز علمی قرآن را مطرح کرده‌اند. مثل: تفسیر الجواهر، از طنطاوی، تفسیر نمونه، از استاد مکارم شیرازی (و همکاران ایشان)، کتاب‌های عبد الرزاق نوفل، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، از دکتر پاک‌نژاد و بسیاری از دانشمندان هند و مصر و سوریه و ... و در این میان، برخی از نویسندگان آثار دیگران را نقد کرده‌اند. برای مثال ادعای اعجاز عددی قرآن توسط دکتر رشاد خلیفه مطرح شد و توسط بسیاری از صاحب‌نظران نقد شده است. ما در فهرست منابع بسیاری از این کتابها را معرفی می‌کنیم. اما در این میان، کتابی که تمام موارد آیات مربوط به ادعای اعجاز علمی قرآن را جمع آوری کند و مورد نقد و بررسی قرار دهد نیافتیم.

ضرورت تحقیق

ضرورت تحقیق : افراط و تفریط برخی صاحب نظران در مورد مصادیق اعجاز علمی قرآن و نبودن کتابی مستقل و جامع در این زمینه، موضوع فوق را روشن می‌سازد. بویژه آنکه بسیاری از مفسران قرآن از این مطالب استفاده کرده، و آنها را نقل می‌کنند، ولی فرصت کافی برای یک تحقیق عمیق و مستقل در این موارد را ندارند. و لذا بسیاری از نویسندگان در این مورد مرتکب خطاهای علمی یا تفسیری می‌شوند.

پیش فرض‌های تحقیق

پیش فرض‌های تحقیق : ۱. قرآن کریم به عنوان وحی الهی به صورت متواتر و تحریف ناشده به ما رسیده است. ۲. ظنی بودن علوم تجربی در غالب موارد. ۳. سازگاری علم و دین در حوزه اسلام.

فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق : قرآن کریم معجزه پیامبر اسلام (ص) است که یکی از ابعاد آن، اعجاز علمی است که در برخی موارد قابل اثبات است اما اکثر مواردی که ادعای اعجاز علمی شده است نقد پذیر و یا غیر قابل قبول است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸

روش تحقیق

روش تحقیق : روش زمینه‌ای و موردی: در این روش، پژوهش گسترده‌ای از موقعیت فعلی و قبلی یک واحد انجام می‌شود و کنش و واکنشهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحقیق ما بیان می‌کند که چه هست، نه اینکه چه خواهد بود. در این شیوه، متغیرهای گوناگون، در یک نمونه واحد بررسی شده و تصویر کاملی از آن ارائه می‌گردد. روش جمع‌آوری اطلاعات: در این تحقیق، به صورت استفاده از کتابخانه‌ها می‌باشد که عمدتا از کتب و علوم تجربی استفاده شده است. هر چند در این شیوه تحقیق تأثیرات ذهنی پژوهشگر، غیر قابل اجتناب است؛ و لکن ما سعی می‌کنیم با رعایت انصاف و امانت، آنها را به حدّاقل برسانیم.

محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های تحقیق : الف: محدودیتهای خارج از کنترل محقق: ۱. تاثیر ذهن پژوهشگر، در انتخاب موارد و ارزیابی آنها غیر قابل کنترل است، گر چه کوشش کرده‌ایم این تأثیر را به حدّاقل برسانیم. ۲. پراکندگی موارد تفسیر علمی و اعجاز علمی در تفاسیر بزرگ و مفصل، که دسترسی به همه آنها دشوار می‌نماید. ب: محدودیت‌های تحت کنترل محقق (محدوده تحقیق): ۱. در گستره علوم تجربی و انطباق آنها با قرآن، بحث و بررسی کنیم و متعرض علوم، نقلی و عقلی (غیر از اعجاز ریاضی) نشویم (چون انطباق قرآن با علوم عقلی و نقلی رساله مستقلی می‌طلبد.) ۲. تفسیر علمی را به حوزه قرآن محدود می‌کنیم، در حالی که روایات اسلامی نیز متعرض مطالب علمی جالبی شده‌اند. و الحمد للّه رب العالمین قم- محمد علی رضائی ۱۷/ ۴/ ۱۳۷۸ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹

بخش اول: کلیّات

درآمد

درآمد : با توجه به اینکه بحث اعجاز علمی قرآن از سویی زیر مجموعه بحث انطباق قرآن با علوم تجربی یعنی تفسیر علمی به شمار می‌آید و از سوی دیگر، زیر مجموعه اعجاز علمی قرآن محسوب می‌شود، در اینجا ناچاریم که فصل اول را به کلیاتی در مورد انطباق قرآن با علوم تجربی (تفسیر علمی) و بحث معجزه و اعجاز علمی اختصاص دهیم، تا واژه‌ها و مفاهیم و معیارهای بحث شفاف شود. در این راستا تاریخچه بحث انطباق قرآن با علوم تجربی و اعجاز علمی و اقسام و آثار آنها را یادآوری می‌کنیم و سپس مقصود خود را از علم بیان می‌داریم و آنگاه بحثی پیرامون معجزه، اعجاز قرآن و مقصود از اعجاز علمی ارائه می‌کنیم.

الف: تاریخچه اجمالی انطباق قرآن با علوم تجربی و اعجاز علمی

مقدمه

مقدمه : قرآن کریم، معجزه آخرین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) است که برای راهنمایی انسانها نازل گردید. هر چند قرآن به زبان عربی واضح بر پیامبر اسلام فرو فرستاده شد و حتی مردم به راحتی آنرا درک می کردند و از آن بهره‌ها می‌بردند و در مواقعی که هدف و مقصود یک آیه روشن نبود به آسانی از طریق پیامبر (ص) این مشکل حل می گردید. اما این دوران طلایی دیری نپایید و پیامبر (ص) از بین مسلمانان رحلت کردند و آنان را با هزاران پرسش تنها گذارند. اینجا بود که احتیاج به تفسیر و تبیین قرآن آشکار شد بویژه که هر سال بر قلمرو مسلمانان در سرتاسر جهان افزوده می گردید و هزاران نفر با هزاران سؤال و فکر جدید با اسلام و مسلمانان روبرو می‌شدند. از اینجا بود که مسلمانان به دنبال اصحاب، یاران و اهل بیت پیامبر (ص) رفتند و از آنها تفسیر قرآن را خواستند. شیعیان به دنبال علی (ع) و اهل بیت (ع) که ثقل اصغر هستند روان شدند و گروههای دیگر اسلامی نیز هر کدام به دنبال پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲ یکی از اصحاب پیامبر (ص) حرکت کردند تا از سرچشمه زلال قرآن سیراب شوند. اینجا بود که علم تفسیر پیدا شد و راههای گوناگونی برای تفسیر قرآن ارائه گردید. یکی از این راهها، تفسیر علمی بود که از همان سده‌های نخستین اسلام شروع شد و تا به حال ادامه دارد و نظریات موافق و مخالف زیادی را، برانگیخته است.

معنای اصطلاحی تفسیر علمی (انطباق قرآن با علوم تجربی)

اشاره

معنای اصطلاحی تفسیر علمی (انطباق قرآن با علوم تجربی) : تفسیر همان برداشتن پرده و حجاب از چیزی است و در مورد قرآن، روشن کردن نکات مشکل در الفاظ، معانی و اهداف یک آیه را تفسیر گویند. اما علم در اینجا مراد علوم تجربی است، یعنی علومی که با شیوه امتحان و تجربه (آزمایش و خطا) درستی و یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می کند. پس منظور از تفسیر علمی، همان توضیح دادن آیات قرآن، به وسیله علوم تجربی است. ولی تفسیر علمی، به شیوه‌های مختلفی (توسط مفسران یا غیر مفسران) انجام گرفته است، به همین خاطر، هر کس با توجه به شیوه عمل خاصی که از تفسیر علمی در ذهن خود مجسم کرده، در مقابل آن موضع مخالف، یا موافق گرفته و آن را تعریف کرده است و یا نام خاصی (مانند: تطبیق، تفسیر علمی، استخراج علوم از قرآن، استخدام علوم و تحمیل علوم بر قرآن) به آن داده است. مرحوم علامه طباطبائی (ره) در مورد روش متکلمان، فلاسفه و کسانی که علوم جدید را با آیات قرآن، وفق می‌دهند و آنچه موافق مذهب و رأی آنهاست از قرآن اخذ می کنند و آیات مخالف را تأویل می کنند، می‌فرماید: «این طریق از بحث را سزاوار است که تطبیق، بنامیم و نام تفسیر بر آن نگذاریم» «۱» و یا دکتر ذهبی در التفسیر و المفسرون می گوید: «منظور ما از تفسیر علمی، آن تفسیر است که اصطلاحات علمی را، بر عبارت قرآن حاکم می کند و تلاش می‌نماید تا علوم مختلف و نظریات فلسفی را، از قرآن استخراج سازد.» «۲» البته نظر علامه طباطبائی، به نوع خاصی از تفسیر علمی است و نظر دکتر ذهبی به نوع دیگری از تفسیر علمی است؛ که در ادامه اقسام تفسیر علمی را توضیح خواهیم داد (_____. ۱) المیزان، ج ۱، ص ۴ به بعد. (۲) التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۴ (بر خلاف نظر ذهبی تفسیر علمی را از تفسیر فلسفی جدا می کنیم). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳

اول: پیشینه تاریخی تفسیر علمی در غرب

اول: پیشینه تاریخی تفسیر علمی در غرب : انسان در طول تاریخ خود، همواره با دو نوع معرفت، آشنا شده است: یکی معرفت دینی، یعنی علوم و معارفی که از طریق وحی و الهام، به واسطه پیامبران (ع) به دست او رسیده و او را به طرف خدا و ماورای طبیعت رهنمون شده است و دوم معرفت تجربی و عقلی او که با دقت در پدیده‌های طبیعی و تفکر، به دست آورده است (هر چند نوع دوم، خود به دو قسم علوم عقلی و تجربی تقسیم می‌شود). امّا علوم بشری همواره این گونه مجاز نبوده است. دانشمندان دینی، علوم طبیعی، و انسانی در طی هزاران سال، جدا نبودند؛ بلکه گاهی یک نفر در یک زمان، فقیه، فیلسوف، پزشک و ... بوده است. و از طرف دیگر، حوزه‌ها و موضوعات علوم طبیعی و الهی، به طور کامل و روشن تقسیم نشده بود، از این رو تداخل‌هایی در دو حوزه به وجود آمده بعضی از دانشمندان علوم تجربی، در مسائل خارج از حوزه خود، یعنی متافیزیک اظهار نظر کردند و یا متکلمان (دانشمندان دینی) در نتایج و موضوعات علوم تجربی دخالت ورزیدند و از اینجا بود که تعارض بین علم و دین ظاهر شد. این مسأله خصوصا در جهان غرب (اروپا) اوج گرفت و در دوران سخت قرون وسطی، دادگاههای تفتیش عقاید را پدید آورد. دوران رویارویی دانشمندان علوم تجربی و دینی، برای علوم و ادیان الهی تلخ و مصیبت‌بار بود و آثار سوء آن، هنوز در اروپا به چشم می‌خورد. یکی از این آثار سوء سرخوردگی از دین و دینداران بود که موجب گردید تا بسیاری از مکتبهای الحادی مانند مارکسیسم پیدا شوند و به اصل دین و دیانت بتازند. «۱» این تجربه تلخ موجب شد که انسانها یکی از دو راه را انتخاب کنند: الف: جدا کردن مطلق حوزه‌های علم و دین (مانند نظریات کانت، اگزیستانسیالیست ها و پوزیتویست ها) که بیشتر در اروپا مورد توجه قرار گرفت. «۲» ب: توافق علم و دین که در این راه، بعضی زیاده‌روی کرده و تداخل علم و دین را قائل شدند و بعضی راه اعتدال در پیش گرفتند و سازگاری علم و دین را پیشنهاد نمودند. «۳» آری تطبیق آیات الهی کتابهای مقدس، با علوم تجربی، یک واکنش طبیعی در مقابل (_____ ۱) برای اطلاع بیشتر ر. ک: استاد احمد امین، راه تکامل، ج ۱، ص ۶۵ به بعد، ترجمه آقایان بهشتی، لاری، امامی، انتشارات دار الکتب الاسلامیة. (۲) ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۲۲۳- ۲۶۷. (۳) همان. (راه حل دوم در سرزمینهای اسلامی، بیشتر مورد توجه قرار گرفت و یک نوع از تفسیر علمی را به وجود آورد.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴ نفی دین، توسط غربی‌ها بود و به دنبال تعارضات علم و دین در اروپا اوج گرفت. برای مثال در جریان محاکمه گالیله که عقیده به مرکزیت خورشید و حرکت زمین به دور آن داشت، در متن حکم دادگاه تفتیش عقاید این طور آمده است: «نظر به این که سکونت و مرکزیت آفتاب نسبت به زمین، عقیده‌ای است ضلالت‌آمیز و از جهت اختلاف واضح آن با تعالیم کتاب مقدس، باطل و منسوخ است ...» «۱» این متن ظهور کامل در این مطلب دارد که مسیحیان، تعالیم تورات و انجیل را با هیئت بطلمیوسی تطبیق نمودند، تا آنجا که مخالفت با اصول هیئت بطلمیوسی را ضلالت معرفی می‌کردند؛ ولی این حرکت تفسیری در غرب، ادامه نیافت، زیرا کتاب مقدس پس از رویارویی با علوم جدید هر روز عقب‌نشینی بیشتری کرد و ناسازگاری آن، با پیشرفت‌ها و کشفیات علوم تجربی آشکارتر گردید (به خلاف قرآن که سازگاری خاصی، با علوم داشته و یکی از ابعاد اعجاز آن، اعجاز علمی بود) ایان باربور فیزیکدان معاصر می‌نویسد: «مدتها پیش از داروین، دانش علمی، از اخترشناسی کوپرنیکی گرفته تا زمین‌شناسی جدید، سایه تردیدی بر نص‌گرایی (ترک تأویل) کتاب مقدس افکنده بود. به علاوه، تحلیل علمی نصوص کتاب مقدس، تحقیقات تاریخی و ادبی که به انتقاد برتر، موسوم شده بود، به دلایل بکلی متفاوتی، رفته رفته خطا ناپذیری (معصومیت: مصونیت از خطا) متون مقدس را، مورد چون و چرا قرار داده بود.» «۲» دکتر بوکای می‌نویسد: «تعداد مهمی از مفسران مسیحی، این هوشیاری را پیدا کرده‌اند که برای توجیه خطاها، دوری از حقیقت‌ها یا تناقض‌های قصص عهدین، این عذر را برای مصنّفان کتاب مقدس بتراشند که آنان افکار و احساسات خود را به تبعیت از عوامل اجتماعی یک فرهنگ، یا اندیشه‌های متفاوت، بیان می‌کنند.» «۳» (_____ ۱) علم و دین، أثر عباسعلی

سرفرازی، ص ۱۷. (۲) ایـان بـارپور، علم و دین، ص ۱۱۹- ۱۲۰، ترجمه خرمشاهی، (نشـر دانشگاهی) (۳) دکتر بوکای، مقایسه‌ای میـان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۵۷، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، چاپ سوم (دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵

دوم: پیشینه تاریخی تفسیر علمی در اسلام

دوم: پیشـینه تاریخی تفسـیر علمی در اسلام : هنگامی که خورشید اسلام، در سرزمین عربستان طلوع کرد، اعراب آن سرزمین را که تعداد افراد با سواد آنها، از تعداد انگشتان انسان تجاوز نمی‌کرد، به علم و دانش دعوت کرد و قرآن را به عنوان معجزه معرفی نمود. قرآن با دعوت به تفکر و تعمق در آیات الهی، خلقت آسمان‌ها، زمین و ... مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد. مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اول هجری، به سـرزمین‌های تازه‌ای دست یافته بودنـد، هر روز با افکار نو و ادیان دیگر آشـنا می‌شدند و با فروکش کردن نسبی جنگها، تبادل فرهنگی بین اسـلام، ادیان و تمـدن‌های ایران، روم و یونان آغاز شد و ترجمه آثار دیگر ملل، در دوره هـارون الرشـید و مأمون شـدّت گرفت. «۱» مسـلمانان، علومی ماننـد: طب، ریاضـیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسـفه را از یونـان گرفتند و مطالب زیادی، به آنها اضافه کردند و در طی چند قرن، خود را به اوج قلّه دانش رساندند. چنانکه، مسـلمانان در قرن سوم و چهارم هجری، بهترین کتابها را در زمینه طب (ماننـد قانون بو علی سـینا) در زمینه فلسـفه (ماننـد شـفای بو علی سـینا) ریاضـیات و نجوم نگاشـتند. حتی غرب که اصـل این علوم را از یونـان گرفته و به مسـلمانان وام داده بود مجبور شـد، دوباره آنها را از مسـلمانان اخذ کند از این رو در قرن دوازده میلادی به بعد نهضت ترجمه در اروپا شکل گرفت و نظریات بو علی سینا و ابن رشد، تا سالها در دانشـگاه‌های اروپـا، تفکر حاکم بود. باری، ترجمه و تألیف آثار غیر مسـلمانان در زمینه علوم مختلف، موجب شـد تا تعارضاتی بین ظاهر بعض آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید. دانشـمندان مسـلمان، در همان قرنهای اولیه اسـلام، در تلاش برای رفع این معضل، دو طریـق را انتخـاب کردنـد که به این شـرح است: الف: ردّ مطـالب باطـل این علوم، که برای آگـاهی مردم و ارشـاد آنـان صورت می‌گرفت زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان، قابل خدشه و اشکال بود و از طرفی با دین اسلام هم به معارضه برخاسته بود. بر این اساس، کتابهایی ماننـد: تهافت الفلاسـفه (تألیف ابو حامـد غزالی) و مفاتیـح الغیب (تألیف فخر رازی) نوشـته شـد. ب: انطباق آیـــات قرآن بـــا علـــوم تجربی یونـــان، تـــا بـــه مردم ثـــابت کننـــد کـــه قرآن بر حـــق و

(_____ ۱) جرجی زیـدان، تاریـخ التمـدن الاسلامی، ج ۲، ص ۱۵۳. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶ مطالب علمی آن صـحیح است و حتی برخی سعی کردند بدین وسیله اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند. آنان آیاتی از قرآن، مانند آسـمانهای هفتگانه (سبع سماوات) را بر سیارات هفتگانه که در نجوم یونـانی، اثبـات شـده بود، حمـل کردنـد. فخر رازی (۵۴۴- ۶۰۶ ق) در تفسـیر کـبیر خـود در مـورد آیه شـریفه: فَسَوَّاهُنَّ سَـبْعَ سَمـاواتٍ وَ هُـوَ بِکُـلِّ شَـیْءٍ عَلِیمٌ «۱» می‌گویـد: «بـدان کـه قرآن دلالـت بر وجـود هفـت آسـمان دارد و اصـحاب هیئت می‌گوینـد: نزدیکترین آنهـا به مـا، کره قمر (مـاه) است و فوق آن کره عطارد، سـپس زهره، خورشـید، مریـخ، مشتری و زحل است.» «۲» از بین فلاسفه، بو علی سینا (۳۷۰- ۴۲۸ ق) سعی کرد بین فلسفه (به معنای عام آن که شامل علم هم می‌شود) و قرآن جمع کند و عرش را همان فلک الافلاک (فلک نهم هیئت بطلمیوسی) قرار داد. «۳» در مورد تاریخ تفسیر علمی، علامه طباطبائی (در مورد متکلمان قرن دوم هجری که بعـد از ورود فلسـفه یونان و پیدایش آرای کلامی، به فرقه‌های مختلف تقسـیم شدند و هر کدام آیات را بر نظر خود تطبیق می‌کردند) می‌فرماید: «متکلمان و نظرات فرقه‌ای آنها موجب شد تا بر طبق اختلاف نظرات خود در تفسـیر قرآن، گام بردارند و هر کـدام آنچه را که موافق نظرشـان (مـذهبشان) بود می‌گرفتنـد و آنچه را که مخـالف آن بود تأویل می‌کردنـد ... بهتر است این طریقه را تطبیق بنـامیم و تفسـیر نگـوییم.» «۴» ایشـان نظیر همین کلام را، در مـورد فلاسـفه، که آیـات را بـا مطـالب فلسـفی تطبیق

می‌کردند، ابراز کرده و می‌فرماید: «آنها آیات را با فلسفه، به معنای اعم (یعنی ریاضیات، طبیعیات، الهیات و اخلاق) تطبیق می‌کردند، خصوصا مشائین (پیروان فلسفه ارسطوئی) که آیات وارده در حقایق ماورای طبیعی و آیات خلق و پیدایش آسمانها و زمین، آیات برزخ و معاد را تأویل می‌کردند، حتی آنها آیاتی را که با فرضیه‌ها و اصول موضوعه علوم طبیعی سازگار نبود تأویل می‌نمودند (_____. ۱) بقره/ ۲۹. (۲) فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۴۴ (چاپ دار الکتب العلمیة بیروت سال ۱۴۱۱) (۳) رسائل ابن سینا، ص ۱۲۸- ۱۲۹، برای اطلاع بیشتر ر. ک: کتاب التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۱۹ به بعد. (۴) تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷ برای مثال: نظام افلاک کلیه و جزئیه، ترتیب عناصر، احکام فلکی و عنصری و ... با اینکه آنها تصریح کرده بودند که این نظریه‌ها، مبتنی بر اصولی است که بدیهی نیست و دلیلی هم بر آنها اقامه نشده است.» «۱» این تطبیق یا تفسیر علمی، قرنها ادامه داشته است و در این زمینه علمای اهل سنت و شیعه، هر دو اقدام به تفسیر علمی کرده‌اند. برای مثال: علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) در تفسیر همان آیه شریفه ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ «۲» می‌فرماید: «هفت آسمان بدل یا تفسیر است (برای السماء) و هفتگانه بودن آسمانها، منافاتی با افلاک نه‌گانه که منجمان اثبات کرده‌اند ندارد؛ زیرا فلک هشتم و نهم در زبان دینی به نام کرسی و عرش نامیده شده است.» «۳» سپس این عقیده که «همه علوم، در قرآن وجود دارد» (چنانکه تعدادی از مفسران و غیر آنها مانند: غزالی، سیوطی و ... عقیده داشتند) موجب شد که این نوع تفسیر رشد کند و مورد توجه بیشتر قرار گیرد. «۴» البته توجه قرآن به علم و ذکر مطالب علمی در مورد آسمانها، کرات، زمین و گیاهان در توجه مسلمانان به علوم و رشد آنها و توجه به رابطه قرآن با علم و در نتیجه رشد تفسیر علمی کمک شایانی کرد. البته توجه قرآن به علم و ذکر مطالب علمی در مورد آسمانها، کرات، زمین و گیاهان در توجه مسلمانان به علوم و رشد آنها و توجه به رابطه قرآن با علم و در نتیجه رشد تفسیر علمی کمک شایانی کرد.

تفسیر علمی در یک قرن اخیر و علل گسترش آن

تفسیر علمی در یک قرن اخیر و علل گسترش آن : در یک قرن اخیر، تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن مورد توجه مسلمانان و مفسران قرار گرفت و کتابهای زیادی در این مورد نوشته شد و حتی فردی مثل طنطاوی، یک دوره تفسیر مستقل در این موضوع نوشت (تفسیر جواهر القرآن) که ما در بحث‌های آینده، شمار زیادی از این کتابها را معرفی خواهیم کرد. ولی این نکته قابل توجه است که با آنکه بیش از هزار سال، از عمر تفسیر علمی می‌گذرد اما در این یک قرن اخیر، اوج گرفت و مورد توجه طبقه تحصیل کرده جامعه و مفسران و (_____ ۱) المیزان، ج ۱، ص ۶. (۲) بقره/ ۲۹. (۳) بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۵، (چاپ دار الکتب الاسلامیة تهران)، علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) از علمای بزرگ شیعه است که صاحب کتابهای متعدد بوده و مورد توجه دانشمندان امامیه می‌باشد. (۴) ما در بخش بعدی این قول را با دلایل موافق و مخالف بررسی کامل می‌کنیم. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸ دانشمندان قرار گرفت. در مصر «۱»، ایران، هند «۲» و کشورهای دیگر اسلامی، تلاش و سعی برای انطباق آیات قرآن با علوم تجربی آغاز شد و هر کس تحت عنوانی خاص، کتابی نوشت. در این میان نام بسیاری از دانشمندان علوم تجربی (مانند پزشکان، مهندسان و ...) به چشم می‌خورد که بعضی از راه دلسوزی و برخی از طریق شیطنت، دست به تفسیر علمی قرآن زدند و مفسران عالیقدر شیعه و سنی نیز، از این قافله عقب نمانده و تفسیرهای جدید با آمار، ارقام، قوانین و نظریات جدید علوم تجربی، همراه گشت. در این مورد علل مختلفی وجود داشته که ما به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم: علّت اوّل: حس دفاع از حقایق دینی: در مقابل حمله به دین که در اروپا انجام شد و امواج آن به کشورهای اسلامی نیز وارد شد. در اروپا پس از پیروزی اصالت حس (پیروان هیوم) و رشد بی‌سابقه علوم تجربی، در دو قرن اخیر (قرن نوزده و بیست میلادی) تعارضی بین علم و دین، شروع گردید. همان طور که در قسمت «پیشینه تاریخی تفسیر علمی در

غرب» بیان کردیم؛ کتاب مقدس به خاطر نقاط ضعف و تحریفات و اختلاط آن، با هیئت بطلمیوسی و داستانهای مجعول، نتوانست حقایق علمی را، تحمل کند و کم‌کم تعارضی عمیق، بین آیات کتاب مقدس و کلیسا از یک طرف و دانشمندان علوم تجربی (مانند طرفداران نظریه تکامل انواع) از طرف دیگر شروع شد و در نهایت این جریان به پیدایش مکتبهای الحادی و مخالف دین (مانند مارکسیسم) منجر شد که در اوایل قرن بیستم میلادی، این جریانات رشد چشمگیری در غرب پیدا کردند. آنها از ضعف بنیادهای دینی مسیحیت، استفاده کردند و افکار خود را تبلیغ نموده و تا آنجا پیش رفتند که موفق به تشکیل حکومت الحادی کمونیستی در روسیه (شوروی سابق) شدند (البته دلایل دیگری هم، به رشد آنان کمک کرد) هر چند پیشینه تعارض کلیسائیان با دانشمندان علوم تجربی، به قرون وسطی برمی‌گردد اما یکی از قله‌های اوج آن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. این برخوردها در کتابها و مجلات منعکس شد و کم‌کم به زبان عربی ترجمه گردید و به کشورهای اسلامی سرازیر گشت. (_____ ۱) در مصر بعد از ورود سید جمال الدین اسدآبادی (۱۳۱۵ ق) و تربیت شاگردانی مانند عبده، تفسیر علمی آغاز شد. او به شاگردان تعلیم داد که اسلام با تمدن و پیشرفت در زندگی معارضت ندارد و تفسیر قرآن را با توجه به این مطلب آغاز کرد. (۲) در هند از پیشگامان این حرکت، می‌توان از سر احمدخان هندی (۱۸۱۷ م) و سید امیر علی (۱۲۶۵ ق) را نام برد که کوشش کردند مسائل دینی را با علوم جدید آمیخته کنند. برای اطلاع بیشتر به کتاب تاریخ نهضتهای دینی- سیاسی معاصر، اثر آقای دکتر علی اصغر حلبی، ص ۱۴۶ مراجعه شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹ در این میان، مصر از اولین کشورهایی بود که تحت تأثیر این افکار قرار گرفت زیرا از لحاظ جغرافیایی، مصر، به اروپا نزدیکتر و در ضمن، یک مرکز تمدن و فرهنگ قدیمی بود و بسیاری از روشنفکران مسلمان آنجا که به اروپا مسافرت کرده و یا در آنجا تحصیل کرده بودند، به همراه علم و تکنیک، این افکار را برای ملل خود به ارمغان آوردند. مسلمانان غیور و دانشمندان اسلامی، دریافتند که اصل دین در خطر است و افکار جوانان مسلمان، ممکن است دستخوش الحاد و گروههای مارکسیستی گردد. از طرف دیگر می‌دانستند که این تعارض بین علم و دین، در جهان اسلام زمینه‌ای ندارد، زیرا اسلام خود حامی و مشوق علم است. از این رو ضروری بود که این حقیقت مهم برای مسلمانان آشکار شود که اسلام با پیشرفت علوم تجربی و حقایق علمی، تعارضی ندارد بلکه علم قطعی، مؤید دین اسلام و اسلام مؤید علم قطعی است. ظواهر آیات و روایات با علوم تجربی قابل جمع است و اگر تعارضی به چشم می‌خورد ابتدایی و بدوی است که با تأمل رفع می‌شود. به این علت بود که بسیاری از دانشمندان و مفسران مسلمان به میدان آمدند و با تذکر حقایق علمی قرآن (که مورد قبول علوم تجربی بود) و با جمع کردن بین نظریه‌های علمی و ظواهر قرآن، به رفع آن توهم (تعارض بین علم و دین) همت گماشتند، هر چند در این بین افراط و تفریطهایی، صورت گرفت و همه افراد در یک ردیف عمل نکرده‌اند. «۱» علت دوم: علت دیگر اوج‌گیری تفسیر علمی در یک قرن اخیر، در بین مسلمانان این بود که عده‌ای از مفسران و علمای دین و یا دانشمندان علوم تجربی که حس دینی قوی داشتند، کوشش کردند با استخدام علوم تجربی، اعجاز قرآن را اثبات کنند. قرآن که کتاب آسمانی و وحی شده بر پیامبر اسلام (ص) است، معجزه جاوید اوست و همیشه، سند زنده و حاضر برای حقانیت اسلام بوده است و جنبه‌های گوناگونی، از اعجاز آن اثبات شده است (مانند فصاحت، بلاغت، عدم تعارض و تناقض در آن، آهنگ عجیب آن و تأثیر فوق‌العاده بر انسانها) و با پیشرفت علوم و فنون بشری، هر زمان، بعد تازه‌ای از اعجاز آن به اثبات می‌رسد. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن که در یک قرن اخیر، مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است، جنبه اعجاز علمی قرآن است. آری قرآن، مثالها و مطالب علمی فراوانی، ارائه می‌کند که با جدیدترین قوانین و نظریات (_____ ۱) ما در بررسی نمونه‌های اعجاز علمی، در بخش‌های بعدی کتاب به این افراط و تفریطها اشاره خواهیم کرد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰ اثبات شده علمی، موافقت دارد و همین نکته، عجیب مورد توجه دانشمندان مسلمان، مفسران، حتی بسیاری از پزشکان،

مهندسان مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفت؛ تا آنجا که بسیاری از غربی‌ها، مجذوب این بعد علمی قرآن شدند و به حقانیت اسلام پی بردند و به دین اسلام مشرف شدند. «۱» از این رو بسیاری از مفسران شیعه و سنی کوشش کردند، با کنار هم‌گذاردن مطالب علمی و آیات قرآن، اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند. برای مثال تفسیر نمونه «۲» از شیعه و جواهر القرآن طنطاوی «۳» از اهل سنت و نیز کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر از دکتر پاک‌نژاد، کتاب‌های عبد الرزاق نوفل و ده‌ها کتاب دیگر در این زمینه نوشته شده است. «۴» در این زمینه نمونه‌های زیادی از آیات قرآن که نشان‌دهنده اعجاز آن است وجود دارد. و فقط در اینجا اشاره می‌کنیم که قرآن در چهارده قرن قبل، در سرزمین عربستان، مطالبی در مورد آسمانها، زوجیت گیاهان، حرکت خورشید، زمین و ... بیان کرده که امروز پس از هزار و اندی سال، دانشمندان علوم تجربی به حقانیت آنها پی برده‌اند و جالب این است که بسیاری از نظرات قرآن، در محیطهای علمی آن زمان (مانند تمدن ایران، روم و یونان) قابل قبول نبوده؛ چرا که هیئت بطلمیوسی حاکم بر افکار دانشمندان نمی‌پذیرفت که زمین حرکت کند و حتی گالیله را، به جرم چنین سخنی (قرنها پس از بیان قرآن) محاکمه و محکوم کردند. «۵» علت سوم: علت دیگری که می‌توان برای رشد تفسیر علمی در قرن اخیر ذکر نمود، رشد افکار التقاطی و انحرافی بعضی از روشنفکران در جوامع اسلامی بود. بعضی از مسلمانان که به کشورهای غربی مسافرت کرده یا در آنجا تحصیل نموده و یا به نوعی تحت تأثیر پیروزی اصالت حس و پیشرفت اعجاب‌انگیز علوم تجربی، در اروپا قرار گرفتند، سعی کردند به تقلید کورکورانه از غربی‌ها بپردازند. آنها روش حسی و تجربی را تنها راه پیشرفت دانستند و راه عقل و وحی را مسدود دانسته و سعی کردند آیات قرآن را با (_____ ۱) در این مورد کتابهای زیادی نوشته شده است برای نمونه ر. ک: دکتر بوکای؛ کتاب مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، سید علی اکبر صداقت، کتاب قرآن و دیگران می‌توان اشاره کرد. (۲) تفسیر نمونه، ۲۷ جلدی، اثر آیة اللّه مکارم شیرازی و همکاران، چاپ مدرسة الامام امیر المؤمنین (ع)، قم. (۳) طنطاوی (۱۲۸۷- ۱۳۵۸ ق) شاعر، نویسنده و فیلسوف مصری، صاحب تألیفات بسیار از جمله التاج المرصع بجواهر القرآن العلوم. (۴) ما نام این افراد و کتابهایشان و نظرات آنها را در بررسی نمونه‌های اعجاز علمی بیان خواهیم کرد. (۵) ر. ک: عباسعلی سرفرازی، علم و دین، ص ۱۶ به بعد، چاپ دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱ علوم تجربی، تطبیق دهند و در مواردی که ظاهر آیات با علوم تجربی ناسازگاری داشت به تأویل آیات یا تفسیر به رأی آنها پرداختند. این گروه در جوامع اسلامی زندگی می‌کردند و سعی در جذب جوانان مسلمان و تشکیل گروهها و تغییر وضع اجتماعی، به نحو دلخواه داشتند. برخی از این عده، معتقد به اسلام بودند ولی اغلب گرایشات غیر اسلامی داشتند (مانند مارکسیستها یا ...) و برخی دیگر در ظاهر مسلمان بودند و در باطن غیر مسلمان. یعنی از روش نفاق استفاده می‌کردند زیرا می‌دانستند که اگر از اول، اصل دین را انکار کنند، نمی‌توانند بین جوانان مسلمان و جوامع اسلامی پایگاهی کسب نمایند از این جهت با حفظ ظاهر آیات و روایات، محتوای آنها را بر افکار خود تطبیق می‌نمودند؛ تا آنجا که هابیل و قابیل را اشاره به دو دوره جامعه (جامعه بی‌طبقه و دوره فئودالیسم) می‌گرفتند «۱» و یا روح را خاصیت و أثر ماده معرفی می‌کردند و نبوت را نوعی نبوغ، می‌خواندند «۲»، که برای اصلاح جامعه، قانون‌گذاری می‌کند. ما در بخش‌های بعدی کتاب، نمونه‌های منفی و انحرافی تفسیر علمی را، نیز ذکر خواهیم کرد و آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. ورود این گروه، به عرصه تفسیر علمی، موجب شد تا بعضی از دانشمندان و مفسران اسلامی یکسره این روش را تخطئه کنند. برای نمونه به این سخن توجه کنید: «نمونه‌ای از این کژاندیشی را، می‌توان در تفسیر طنطاوی دید؛ او در زمانه‌ای می‌زیست که علوم غربی، تازه به مصر راه یافته و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان سیطره پیدا کرده بود و او به گمان خود، برای آنکه مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غرب باز دارد، در کتاب جواهر القرآن کوشید تا بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهد.» «۳» علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان در این باب سخنی دارند که گذشت. «۴» استاد شهید مطهری در مورد تأثیر اصالت حس اروپا در بین مسلمانان می‌گویند: «چنانکه می‌دانیم در اروپا روش

حسی و تجربی در شناخت طبیعت بر روش قیاسی پیروز شد پس از این پیروزی این فکر پیدا شد که روش قیاسی و تعقلی در هیچ جا، اعتبار ندارد (_____ ۱) استاد آیة اللّه مکارم شیرازی، تفسیر به رأی، ص ۷۸. (۲) تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۷ به بعد. (۳) استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۶-۲۲۷. (۴) تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۷ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲ تنها فلسفه قابل اعتماد، فلسفه حسی است نتیجه قهری این نظریه، این شد که الهیات به سبب خارج بودن از دسترس حس و تجربه، مشکوک، مجهول و غیر قابل تحقیق اعلام شود و برخی آنها را یکسره انکار کنند. این جریانی بود که در جهان غرب رخ داد. در جهان اسلام، سابقه موج مخالفت با هر گونه تفکر و تعمق، از طرف اهل حدیث از یک طرف و موفقیتهای پی‌درپی روش حسی، در شناخت طبیعت از طرف دیگر و دشواری تعمق و حل مسائل فلسفی از جانب سوم، گروهی از نویسندگان را سخت به هیجان درآورد و موجب پیدایش یک نظریه تلفیقی در میان آنها شد مبنی بر اینکه: الهیات قابل تحقیق است ولی در الهیات نیز، منحصر لازم است از روش حسی و تجربی که برای شناخت طبیعت، مورد استفاده قرار می‌گیرد استفاده کرد. فرید وجدی در کتاب «علی اطلال المذاهب المادی» و سید ابو الحسن ندوی در «ما خسر العالم بانحطاط المسلمین» و همچنین نویسندگان اخوان المسلمین مانند: سید قطب، محمد قطب و غیر اینها، این نظر را تبلیغ و نظر مخالف را تخطئه می‌کنند.» «۱»

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: از تمام مطالب گذشته روشن شد که انطباق قرآن با علوم تجربی، از قرن دوم هجری شروع شد و به زودی جای خود را به عنوان یک روش تفسیر قرآن باز کرد و بسیاری از مفسران، فلاسفه، متکلمان و محدثان به آن روی آوردند. «۲» در یک قرن اخیر، در جوامع اسلامی، توجه بیشتری به این روش تفسیری شد، تا آنجا که بسیاری از روشنفکران و مفسران و حتی متخصصان علوم تجربی هم به تفسیر آیات به وسیله علوم تجربی و اثبات اعجاز علمی قرآن روی آوردند، هر چند هدف هر گروه، یا فردی از این نوع تفسیر با دیگران تفاوت داشت. بطور خلاصه علل عمده شروع و گسترش این روش تفسیری در بین مسلمانان چنین بود: ۱. توجه قرآن به علم، ذکر مثالهای علمی و ترغیب به تفکر در آیات الهی در آسمانها، زمین و خود انسان که موجب رشد علوم، معارف و مقایسه آنها با آیات قرآن شد. ۲. ترجمه آثار علوم طبیعی و فلسفی از یونان، روم و ایران، به عربی و نشر آن در بین مسلمانان که از قرن دوم هجری به بعد صورت گرفت. (_____ ۱) شهید مطهری (ره)، روش رئالیسم، ج ۵، ص ۲۵، پاورقی. (۲) برای اطلاعات بیشتر از تاریخ انطباق قرآن با علوم تجربی ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، انتشارات اسوه، ۱۳۶۵ ش. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳ ۳. این تفکر که همه علوم در قرآن هست و ما باید آنها را از آیات، به دست آوریم. ۴. توجه به علوم طبیعی و کشفیات جدید، برای اثبات اعجاز علمی قرآن نیز به رشد تفسیر علمی کمک شایانی کرد. ۵. پیروزی تفکر اصالت حس، در اروپا و تأثیرگذاری آن بر افکار مسلمانان و به وجود آمدن گروههای التقاطی یا انحرافی، در میان مسلمانان که به تأویل و تطبیق آیات قرآن، منجر شد. ۶. حس دفاع دانشمندان مسلمان در مقابل حملات غربی‌ها به دین و القای تفکر تعارض علم و دین، موجب شد تا سازگاری آیات قرآن با علوم تجربی، در تفاسیر و کتاب‌ها وارد شود.

ب: تقسیم اجمالی علوم بشری:

علم چیست؟

علم چیست؟ مفهوم لغوی کلمه علم و معادلهای آن، مثل دانش و دانستن، روشن است «۱» ولی «علم» معانی اصطلاحی مختلفی دارد که ما برای روشن کردن مقصود خود، از این کلمه، ناچاریم اشارات مختصری به آنها بکنیم. واژه علم در این موارد و معانی به کار می‌رود: ۱. اعتقاد یقینی مطابق با واقع، در برابر جهل بسیط و مرکب. ۲. مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته شود، هر چند قضایای شخصی و خاص باشد مانند علم تاریخ (دانستن حوادث خاص تاریخی)، علم رجال و ... ۳. مجموعه قضایای کلّی که محور خاصی برای آنها لحاظ شده و هر کدام از آنها قابل صدق و انطباق بر موارد و مصادیق متعدد می‌باشد، هر چند قضایای اعتباری و قراردادی باشد. به این معنا علوم غیر حقیقی و قراردادی مانند لغت و دستور زبان هم، علم خوانده می‌شود. ۴. مجموعه قضایای کلی حقیقی (غیر قراردادی) که دارای محور خاصی باشد و این اصطلاح علوم نظری و علمی، از جمله الهیات و ما بعد الطبیعه را در برگیرد (_____. ۱) منطقیین علم را: حصول صورة الشیء عند العقل (حاصل شدن صورت چیزی در ذهن انسان) می‌دانند چنانچه مرحوم مظفر در مقدمه کتاب المنطق می‌گوید. ولی فلاسفه آن را به علم حصولی و حضوری تقسیم می‌کنند و بحث ما در علم حصولی است که همان معنای منطقی علم است، هر چند در این زمینه فلاسفه غرب سخنان دیگری دارند که در خلال بحث به آنها اشاره خواهد شد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴ ۵. مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست‌ها، به کار می‌برند و بر اساس آن، علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی‌شمارد: این اصطلاح امروزه در سطح جهان رواج یافته و طبق آن، علم را در مقابل فلسفه قرار می‌دهند. «۱» هر چند جعل اصطلاح اشکال ندارد امّا اصطلاح اخیر، به خاطر دیدگاه خاص پوزیتیویست‌ها «۲» در دایره معرفت یقینی و شناخت واقعی انسان است که آن را محدود به امور حسی و تجربی می‌پندارند و لذا اندیشیدن، در ماورای طبیعت را لغو و بی‌حاصل می‌دانند. «۳» ۶. در روایات اسلامی، علم به معنای دیگری نیز آمده است: «نوری که توسط خدا در قلب می‌تابد». ولی این علم حقیقی یا نورانی «۴»، از مورد بحث ما خارج است و ما اینجا در مورد علوم ظاهری سخن می‌گوییم. منظور ما از علم در اعجاز علمی معنای پنجم می‌باشد (علوم قابل تجربه حسی که پوزیتیویستها می‌گویند) پس علم به معنای فلسفه و یا الهیات، از دایره بحث ما خارج است زیرا کسانی که قرآن را با علوم تجربی، تطبیق می‌کنند بیشتر نظر به همین علوم قابل تجربه حسی دارند.

تقسیم‌بندی علوم بر اساس روش:

تقسیم‌بندی علوم بر اساس روش: در این تقسیم، علوم، به چهار گروه تقسیم می‌شود که به این شرح است: الف: علوم تجربی «۵»: که شامل دو قسم می‌شود: اول: علوم طبیعی «۶» مانند: فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ... دوم: علوم انسانی «۷» مانند: جامعه‌شناسی، اقتصاد و ... روش این علوم، بر اساس مشاهده و تجربه حسّی است. (_____ ۱) علم در نظر آنان مطابق با کلمه ecneicS است. (۲). emsivitisoP مکتبی که توسط آگوست کنت (۱۸۵۷ -۱۷۸۹ م) etsuguA etnoC بنیاد نهاده شد و ریشه او در اصالت حس هیوم بود که معرفت بشر را، محدود به تجربه حسی می‌داند. (۳) استاد مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱، با تلخیص. (۴) ر. ک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۶، ماده علم. (۵) (۶) secneicS latnemirepxE (۷) secneicS larutaN secneicS seitinamuH پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵ ب: علوم عقلی: که آن نیز شامل دو قسم می‌شود: اول: علوم منطق و ریاضیات که تا قبل از برتراند راسل، گمان می‌شد ریاضیات اصل منطق است ولی او اثبات کرد که منطق، اصل ریاضیات است. دوم: علم راجع به واقع، یعنی فلسفه که شامل فلسفه‌های مضاف (مانند فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ و ...) و فلسفه‌های غیر مضاف (مانند متافیزیک یا امور عامه) می‌شود. ج: علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و ... که در

آنها از نقل استفاده می گردد (البته منظور در اینجا علوم تعبدی شرعی نیست) د: علوم شهودی: که با علم حضوری، به دست می آید مانند: علوم پیامبران (ع) و عرفا. شاید این طبقه‌بندی، کاملترین تقسیم علوم باشد. که تا کنون ارائه شده است. «۱»

پ: آیا همه علوم بشری در قرآن موجود است؟

اشاره

پ: آیا همه علوم بشری در قرآن موجود است؟ در این مورد سه دیدگاه عمده وجود دارد که بصورت مختصر بدانها اشاره می کنیم و دلایل آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

دیدگاه اول:

اشاره

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد: برای اولین بار این اندیشه در کتاب «احیاء العلوم» و «جواهر القرآن» ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ ق) دیده شده است. او سعی کرد که نشان دهد همه علوم را می‌توان از قرآن استخراج کرد. او می‌نویسد: «پس علوم، همه آنها در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفات خود را توضیح می‌دهد و این علوم بی‌نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آنها اشاره شده است.» «۲» سپس ابو الفضل المرسی (۶۵۵- ۵۷۰ ق) که صاحب کتاب تفسیر است این دیدگاه را بصورت افراطی می‌پذیرد و می گوید: «همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد.» «۳»

(_____۱) برای آگاهی از تقسیم‌بندی‌های دیگر علوم، ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده. (۲) احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹ چاپ دار المعرفة، بیروت. (۳) ر. ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۸- ۴۸۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶ آنگاه بدر الدین زرکشی (م ۷۶۴ ق) در «البرهان» این نظریه را می‌پذیرد. «۱» و پس از او جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» و «الاکلیل فی استنباط التنزیل» دیدگاه غزالی و المرسی را می‌پذیرد و تقویت می کند. «۲» و مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) هم در مقدمه تفسیر «صافی» این دیدگاه را به صورت خاصی در قسمتی از علوم می‌پذیرد. «۳» در عصر جدید هم با پیشرفت علوم این دیدگاه تقویت شد و کسانی مثل طنطاوی جوهری (متولد ۱۸۶۲ م) در تفسیر مشهور «الجواهر فی تفسیر القرآن» سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد. و جدیدترین تمایل نسبت به این نظریه از طرف شخصی بنام رضا نیازمند در سال گذشته (۱۳۷۵ ش) اظهار شد که در مقاله‌ای نوشت: «کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم هم هست و در آن هر چیز بر اساس دانش تفصیل داده شده است.» «۴»

دلایل دیدگاه اول:

دلایل دیدگاه اول: ۱. ظاهر برخی آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. مثل: نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ «۵» «و کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده هر چیز است.» ۲. آیاتی که اشاره به علوم مختلف می کند. مثل: آیه‌ای که از حساب سخن می گوید اشاره به علوم ریاضی دارد: وَ کَفی بِنا حاسِبِینَ «۶» و از آیه رَفِیعُ الدَّرَجاتِ «۷» با حساب ابجد ۳۶۰ درجه بودن درجات دایره را در هندسه استخراج می‌شود. و علم پزشکی از آیه وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ «۸» بدست می آید. ۳.

روایاتی که دلالت می‌کند همه علوم در قرآن کریم وجود دارد. مثل: از امام باقر (ع) روایت شده که فرمودند: (_____ ۱) البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱ چاپ دار المعرفة، بیروت. (۲) الاکلیل فی استنباط التنزیل، ص ۲ و الاتقان، ج ۲، ص ۲۷۱- ۲۸۲ دار الکتب العلمیة، بیروت. (۳) تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷. (۴) مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۲۱ تابستان ۱۳۷۵ ش. (۵) نحل/ ۸۹. (۶) انبیاء/ ۴۷. (۷) غافر/ ۱۵. (۸) شعراء/ ۸۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷ ان اللّه تبارک و تعالی لم یدع شیئا تحتاج الیه الامة الا نزله فی کتابه و بیّنه لرسوله «۱» خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج می‌باشند، فرو گذار نکرده است مگر آنکه آنها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر (ص) بیان کرده است. ۴. دلیل دیگر بر وجود همه علوم در قرآن، مسأله بطون آن است که در روایات متعددی وارد شده که قرآن دارای بطون مختلف است. «۲» غزالی در «احیاء العلوم» به همین مطالب استشهاد کرده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم ذکر کرده است. و بعد می‌گوید این عدد چهار برابر می‌شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد «۳». تذکر: دلایل این دیدگاه را در هنگام ذکر دیدگاه دوم و سوم مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم.

دیدگاه دوم:

دیدگاه دوم: قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است. این دیدگاه را می‌توان از سخنان برخی از صاحب‌نظران و مفسران استفاده کرد. برای مثال ابو اسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) که اولین مخالف با نظریه غزالی و المرسی بود می‌گوید: «قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.» «۴» نویسندگان تفسیرهای «مجمع البیان» و «کشاف» نیز می‌نویسند: «منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است.» «۵» تذکر ۱: دلایل این دیدگاه همراه با دیدگاه سوم بیان می‌شود. تذکر ۲: سخنان این بزرگان قابل توجیه و تأویل است و نمی‌توان گفت که آنان متمایل به دیدگاه سوم نبوده‌اند. و گرنه ظاهر سخن آنان با ظواهر آیات قرآن ناسازگار می‌آید چرا که در قرآن احکام و حدود و حتی قوانین ارث و دستورات جنگ و حکومت و اقتصاد و ... بیان شده است که مربوط به دنیای مردم است. «۶» (_____ ۱) نور الثقلین، ج ۲، ص ۷۴. (۲) بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵. (۳) احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹. (۴) الموافقات، ج ۲، ص ۷۶- ۷۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵. (۵) طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸. (۶) آیات مربوط به آیات الاحکام حدود پانصد آیه است که در کتابهائی تحت همین عنوان جمع‌آوری شده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸

دیدگاه سوم:

دیدگاه سوم: دیدگاه تفصیل؛ یعنی از طرفی همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت‌گری بشر به سوی خداست. و از طرفی دیگر قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می‌کند و برخی از مثال‌ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می‌کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است. دلایل این دیدگاه، همراه با ردّ دلایل دیدگاه اول را چنین می‌توان خلاصه کرد: ۱. قرآن کتاب هدایت، اخلاق، تربیت و دین است و نازل شده است تا انسان‌ها را به سوی فضیلت‌ها و خداشناسی هدایت کند. بنابراین ضرورتی ندارد که قرآن، همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول‌های آنها، بیان کند. هر چند که این موارد گاهی اشارات حق و صادقی دارد. این مطلب مورد تأکید مفسران قدیمی «۱» و صاحب‌نظران معاصر «۲» است. ۲. ظهور آیاتی که می‌فرماید: «همه چیز در قرآن است» قابل استناد نیست چرا که: اولا: این ظهور بر خلاف بداهت است چون بسیاری از فرمول‌های

شیمی و فیزیک در قرآن کریم نیست. ثانیا: ظهور این آیات مورد انکار صریح برخی از مفسران قرار گرفته است و گفته‌اند که منظور وجود چیزهایی است که در مورد هدایت انسان لازم است و اینها در قرآن وجود دارد. «۳» (کل شیء امور دینی) ثالثا: لفظ «کتاب» در آیات مورد بحث نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ «۴» ممکن است به چند معنا باشد: «قرآن کریم، لوح محفوظ، اجل، علم خدا، امام مبین» «۵» پس نمی‌توان گفت که حتما مراد قرآن است و همه چیز در آن است. و همین اشکال در مورد روایاتی که مورد استناد واقع شده بود نیز وارد است. رابعا: این آیات با دلیل عقل (قرینه لبّی) تخصیص می‌خورد و محدود می‌شود. چون (_____ ۱) ر. ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۸ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸. (۲) ر. ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۲۲۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۱- ۳۶۲. (۳) ر. ک: تفسیر القرآن الحکیم (معروف به المنار)، ج ۷، ص ۳۹۵ و تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج ۸، ص ۱۳۰ و التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۹. (۴) نحل/ ۸۹. (۵) ر. ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ و ج ۶، ص ۳۸۰ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸ و المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و ... پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹ عقل انسان حکم می‌کند که قرآن در مورد هدف خود (هدایت معنوی انسان) بیان همه چیز باشد نه در اموری که خارج از حوزه هدف اوست. ۳. آیاتی از قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی دارد هدف آنها کشف فرمولهای هندسه و شیمی و ... نیست بلکه این اشارات را بطور استطرادی و حاشیه‌ای مطرح کرده است. یعنی صرفا ذکر مثال (البته حق و واقعی) است و هدف آن آموزش علوم نیست. علاوه بر آنکه برخی از آیاتی که مورد استشهاد طرفداران دیدگاه اول قرار گرفت از لحاظ موازین تفسیری قابل نقد است برای مثال: آیه «رفیع الدرجات» ربطی به درجات دایره ندارد. و حمل آیات بدون قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر یک مطلب موجب تفسیر به رأی می‌شود. ۴. مسأله بطون قرآن و علم أئمه: از مورد بحث ما خارج است چون موضوع بحث در اینجا این است که آیا همه علوم بشری را می‌توان از ظواهر قرآن استخراج کرد یا نه؟

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: بنا بر آنچه بیان کردیم به این نتیجه می‌رسیم که ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد. بلی در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است ولی همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست. و آیاتی که در این زمینه است (مثل آیه ۸۹ سوره نحل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعام) دلالت بر این مطلب دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است «۱»

ت: اهداف اصلی و فرعی قرآن:

اشاره

ت: اهداف اصلی و فرعی قرآن: آیا مطالب و مثالهای علمی قرآن استطرادی است: بعد از اینکه در مبحث قبل روشن شد که قرآن دارای مطالب و اشارات علمی است ولی همه علوم علمی در قرآن وجود ندارد، اینک به دنبال این هستیم که بدانیم آیا اشارات علمی قرآن، هدف اصلی آن است و یا اصلا قرآن به صورت سمبلیک سخن گفته است. در این مورد ممکن است سه نظریه ارائه کنیم: اول: ذکر مطالب و مثال‌های علمی در قرآن کریم، هدف اصلی و نهایی قرآن نیست؛ (_____ ۱) برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و بررسی تفصیلی دلایل طرفین ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش، قم. پژوهشی در اعجاز

علمی قرآن، ص: ۴۰ بلکه هدف اصلی قرآن هدایت انسان به سوی خداست. اما برای مثال زدن و شاهد آوردن، از مطالب علمی حق و واقعی استفاده می‌کند این دیدگاه مطابق نظر بعضی از بزرگان و کسانی است که می‌گفتند: قرآن تبیان (بیان کننده) هر چیزی است که در رابطه با هدایت دینی باشد. «۱» یکی از مفسران معاصر می‌فرماید: «بر طبق این دیدگاه گرچه قرآن در ظاهرش علوم و دانش‌های دیگر را مطرح نکرده اما آیات قرآن انگیزه برای علم و معرفت ایجاد نموده است که به چهار طریق انجام گرفته است: ۱. تجلیل از علم و دانش. ۲. مهمترین راه شناخت خدا مطالعه آیات آفاقی و انفسی است. ۳. تکیه قرآن بر منابع شش‌گانه شناخت که این به معنای لزوم به کارگیری این منابع است. ۴. بحث از صفات خدا و جنبه تربیتی آن وقتی سخن از صفات خداوند به میان می‌آید معنایش این است که این صفات در انسان هم منعکس شود.» «۲» دوم: هدایت و بیان مطالب علمی دو هدف اصیل قرآن: همان‌طور که بیان هدایت دینی و معنوی انسان و معارف الهی، از اهداف اولیه و اصیل قرآن کریم است، بیان مطالب علمی هم، از هدف‌های اصیل قرآن می‌باشد. این کلام می‌تواند مطابق نظر کسانی باشد که می‌گفتند: در قرآن همه معارف دینی و علوم بشری وجود دارد. «۳» چون در بحث قبل، وجود همه علوم در ظواهر قرآن را رد کردیم، بر این اساس مبنای دیدگاه دوم باطل شده است. اما برای روشن شدن مطلب، کلام یکی از نویسندگان را در مورد مطالب علمی قرآن می‌آوریم: «بعضی از بزرگان معاصر این‌طور فرموده‌اند: در قرآن کریم، بحث درباره جهان، طبیعت و انسان به طور استطرادی و تطفلی (حاشیه‌ای) به میان آمده است و شاید هیچ آیه‌ای نیابیم که مستقلا به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمانها و زمین پرداخته باشد. همواره این بحث‌ها به منظور دیگر عنوان شده است. در موارد بسیار گفت‌وگو از آفرینش جهان و انواع آفریده‌ها برای آگاهانیدن انسان و رهنمونی اوست به عظمت الهی و سترگی حکمت که خدا در آفرینش به کار برده است. در همه جا نیز این هدف ممکن است منظور باشد که انسان با نگرشی به عالم از آن (

---

۱) المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ (در یک احتمال که ذکر کرده)، کشاف، ج ۲، ص ۲۱ و ۳۱. (۲) مجموعه سخنرانیهای سومین کنفرانس دار القرآن کریم، قم، ص ۴۰، سخنرانی استاد آیت الله مکارم شیرازی، دامت برکاته (با اندکی تصرف در عبارات) (۳) تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷، مجمع البیان (در یکی از احتمالاتی که ذکر کرده است)، ج ۴، ص ۲۹۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱ جهت که آفریده خدا و در چنبره تدبیر اوست- معرفت فطری و شناخت حضوری خود را شکوفائی دهد و شدت و نیروی بیشتری بخشد (و عقربه دل او را در جهت خدا نگه دارد). به عبارت دیگر، قرآن، کتاب فیزیک، گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی و یا کیهان‌شناسی نیست. قرآن کتاب انسان‌سازی است و نازل شده است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی (تقرب به خدای متعال) نیاز دارد به او بیاموزد و لذا آیات مربوط به جهان و کیهان در هیچ زمینه، هیچ‌گاه به بحث‌های تفصیلی، در مورد موجودات نپرداخته است؛ بلکه به همان اندازه‌هائی که هدف قرآن در هدایت مردم تأمین می‌شده، بسنده کرده است. به همین جهت بر خلاف بسیاری از آیات دیگر، این آیات دارای ابهام‌هایی است و کمتر می‌توانیم یک نظر قطعی به قرآن نسبت دهیم.» «۱» سوم: قرآن در داستان‌ها و مثال‌های علمی، به صورت سمبلیک و طبق فرهنگ مخاطبین خود سخن می‌گوید و هدف آن، بیان مطالب علمی، به صورت اصلی یا عرضی نیست. در این‌جا به نمونه‌ای از این کلمات اشاره می‌شود: «به زبان قرآن سخن می‌گویم که عمیق‌ترین و مترقی‌ترین اومانیسم را در قصه آدم و خلقت وی یافتم. آدم مظهر نوع انسان است، حقیقت نوعی انسان به معنای فلسفی نه بیولوژیک ... در آفرینش آدم زبانش زبان متشابه معنا و رمزی و فلسفی است. خلقت انسان؛ یعنی، حقیقت و سرنوشت معنوی و صفات نوعی او، در قصه آدم فرمول دارد: روح خدا- لجن متعفن- انسان؛ لجن متعفن و روح خدا، دو رمز است، دو اشاره سمبلیک است. انسان واقعا نه از لجن بدبو حَمَإٍ مَسْنُونٍ «۲» ساخته شده و نه از روح خدا؛ بلکه اولی پستی، رکود و توقف مطلق را نشان می‌دهد و دیگری تکامل بی‌نهایت و برتری لا یتناهی را می‌رساند. برای رساندن این معنای ترکیبی بهتر از روح خدا نمی‌توان یافت» در جای دیگر می‌گوید: «اگر قصه‌های متشابه را، به عنوان وقایع تاریخی بگیریم، نامفهوم و بی‌نتیجه است، اما اگر به عنوان حقایق

سمبلیک بگیریم، مملو از اسرار علمی، انسان‌شناسی و تاریخ‌شناسی است. پس وقتی داستان هابیل و قابیل گفته می‌شود: داستان آغاز بشریت را می‌خواهد به صورت رمزی و سمبلیک (همان‌طور که آلبر کامو، در داستان اوران می‌گوید) بگوید. (_____ ۱) استاد محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۵- ۲۲۶- ۲۲۸ با تلخیص. (۲) حجر/ ۲۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲ پس هابیل نماینده یک مرحله از تاریخ بشری است. انسان‌ها در آن دوره، هابیلی هستند؛ دوره‌ای که اصولاـ همه منابع اقتصادی در اختیار همه انسانها به تساوی بوده است. قابیل نماینده دوره‌ای است که یک قطعه زمین خدا را، محصور می‌کند و نام خودش را بر آن منبع تولید می‌گذارد و بعد دیگران را به استثمار و بردگی می‌کشد و با از بین رفتن هابیل و ماندن قابیل ما همه فرزندان قابیل هستیم» «۱» برایت ویت، یکی از طرفداران تحلیل زبانی، در مورد داستانهای خاص نظیر سیره مسیح (ع) می‌گوید: «در واقع یک داستان، شاید اگر بی‌انسجام باشد، پشتوانه بهتری برای سلوک علمی دراز مدت، ایجاد می‌کند، داستانها مجعولات مفیدند که نه تأکید اکیدی در باب آنها هست و نه ایمان شدیدی ولی همواره چون منبع الهامی برای عمل بوده‌اند. دین یک نقش ارزشمند ایفا می‌کند، بی‌آنکه احکامی راجع به واقعیت صادر کرده باشد.» «۲»

بررسی:

بررسی: نظریه اخیر ریشه در همان نظریات تحلیل زبانی اروپا دارد، زیرا یکی از نظریات آنان این است که زبان دین، واقعیت تاریخی یا علمی را نشان نمی‌دهد؛ بلکه احکامی راجع به واقعیت ندارد. «۳» یکی از مفسران معاصر در اینجا سخنی دارند، ایشان می‌فرماید: «مسأله رمزی بودن آیات و شکل سمبلیک به آنها دادن، در حالی که هیچ مانع عقلی و نقلی وجود ندارد که انسان در اصل از لجن متعفن آفریده شده باشد، همان چیزی که به عقیده زیست‌شناسان آماده‌ترین ماده بی‌جان برای پیدایش حیات و زندگی است و نخستین جوانه حیات در جهان، طبق تحقیقات دانشمندان، به احتمال قوی از آن پیدا (_____ ۱) برای اطلاع بیشتر، به مکارم شیرازی، تفسیر به رأی ۷۳- ۷۵ و دکتر علی شریعتی، اسلام‌شناسی، و جزوه‌های ۱۵ و ۱۶، حسینیه ارشاد ۴۳ به بعد مراجعه فرمایید. (۲) ایان باربور، علم و دین، ص ۲۸۳، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی (نشر دانشگاهی) (۳) از بزرگان این مکتب می‌توان از «برتراندراسل». و «مور» نام برد شعار آنها این بود: از مفهوم یک گزاره سؤال نکن از کاربرد آن بپرس و برای زبان دینی و علمی نقش‌های جداگانه قائل بودند. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۸، از بنتام تا راسل، ترجمه خرمشاهی، ص ۴۳۸- ۵۳۵ و نیز کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، نگارنده، ص ۲۵۶ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳ شده است و نیز هیچ مانع عقلی و نقلی، برای اینکه یک روح الهی، در انسان قرار گرفته باشد وجود ندارد و با نبودن هیچ قرینه‌ای برخلاف مفهوم اصلی لغات و جمله‌هایی که در زمینه خلقت انسان بکار رفته، آنها را به صورت رمزی و سمبلیک تفسیر کردن چیزی جز تفسیر به رأی نیست. فتح این باب سبب می‌شود که یکی موسی را کنایه از روح انقلاب توده‌های زحمتکش و فرعون را اشاره به رژیم‌های جبار می‌گیرد و دیگری عیسی را به معنای افکار زنده کننده اجتماع و مریم را کنایه از روح پاکی و عفت می‌داند و کم‌کم دامنه این تفسیر به رأی به احکام و قوانین اسلام کشیده می‌شود، یکی می‌گوید: منظور از نماز توجه باطنی به خداست دیگری می‌گوید روزه به معنای خویشتن‌داری از گناه است و به این ترتیب همه قوانین زیر چرخ‌های تفسیر به رأی درهم کوبیده می‌شود.» «۱» علاوه بر آن مثالهای علمی قرآن گاهی به صورت گزاره‌های خبری (نه قصه و مثال) است و لذا قابل حمل بر مثالهای سمبلیک نیست برای نمونه: آیه شریفه وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها «۲» که به حرکت بلکه جریان خورشید اشاره می‌کند و امروزه از نمونه‌های اعجازآمیز قرآن محسوب می‌شود.

فواید ذکر مثالهای علمی در قرآن کریم:

فوایـد ذکر مثالهای علمی در قرآن کریم: ۱. مطالب و مثال‌های علمی قرآن، راه قرآن را در زمینه خداشناسـی هموار می‌کنـد؛ چون هدف قرآن بیان آیات الهی و توجه دادن مردم به جلوه‌های فیض و قدرت الهی است تا مردم را بیشتر متوجه خدا کند، این مطلب از راه ذکر مثالهای علمی و آیات الهی در آسمانها، زمین، دریاها، عجایب خلقت انسان و جانوران تأمین شده است از این رو احتیاج به ذکر فرمول‌هـا و تفاصـیل هر مطلب نیست بلکه اشاره ضـمنی کافی است. ۲. برخی مطـالب علمی قرآن، اعجـاز علمی قرآن را ثابت می‌کنـد. این مثالهـای حق و واقعی- که با مطالب اثبات شـده و یقینی علوم (نه نظریه‌های متزلزل و ظنی) مطابقت دارد- ما را متوجه می‌کنـد که قرآن این مسائل را از محیط اجتماعی خود الهام نگرفته است؛ چون قرآن در جزیرهٔ العرب فاقـد تمدن نازل شده است و حتی تمدن‌های آن زمان- که در ایران و روم برپا بوده است- چنین پیشـرفت‌های علمی نداشته‌اند تا بتوانند نظریه‌های علمی قرآن را

(_____ ۱) استاد مکـارم شیرازی، تفسیر به رأی، ص ۷۳ به بعد. (۲) یس/ ۳۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴ به پیامبر (ص) القاء کننـد بنابراین قرآن از طرف خدای حکیـم و عـالم نـازل شـده است. نکته جـالب این جـاست که بعضـی از مسائـل مطرح شـده در قرآن مثـل حرکت زمین، یـا زوجیت گیاهـان، بـا دیـدگاه‌های علمی موجود در عصـر نزول قرآن مطـابقت نـداشت ولی قرآن با شـجاعت مطالب علمی محکم و بـدور از خرافات را بیان می‌کند. «۱» ۳. مثال‌های علمی واقعی در قرآن موجب کنجکاوی بشـر و تفکر او در عجایب آسمان‌ها، خلقت انسان و دیگر موجودات می‌شود و بشـر را متوجه نیروهای ناشـناخته طبیعت می‌کند؛ یعنی کار مهم قرآن ایجاد سؤال در ذهن انسان است؛ زیرا تـا انسـان سؤال نداشـته باشـد به دنبـال کشف علم نمی‌رود؛ چون فکر می‌کنـد همه چیز را می‌دانـد و دچـار یـک جهـل مرکب می‌گردد ولی قرآن مسائل ناشـناخته کهکشان‌ها و موجودات ناشناخته را بزرگ جلوه می‌دهد و دعوت به تفکر در طبیعت می‌کند و این موجب پیشـرفت علوم و صـنایع بشـر می‌گردد؛ چنان که در چند قرن اولیه تمدن اسلامی همین امر موجب پیشرفت؛ بلکه جهش علمی مسلمانان شد. «۲» ۴. همین توجه اسلام و قرآن به علم و مطالب علمی است که منشأ بسیاری از علوم شد (هر چند بیان کردیم که تمام علوم با جزئیات آنها در قرآن وجود ندارد) و الهام‌بخش بسیاری از معارف بشـری گردید و رشد علوم را تسریع کرد. برای مثال: توجه اسـلام به آسـمان‌ها، حرکت خورشـید، سـتارگان و سیارات موجب شد تا علم کیهان‌شناسی (نجوم) در میان مسلمانان به سرعت رشد کند هر چند مسأله قبله در نماز و احتیاج به جهت‌شناسی هم در آن تأثیر زیادی داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

جمع‌بنـدی و نتیجه‌گیری: در اینجا به چنـد مطلب مهم اشاره می‌کنیم: اول: در مورد مطالب علمی قرآن چنـد هدف قابل توجه است: الف: ظاهر مطالب علمی قرآن گاهی در رابطه با شـناخت آیات الهی و توجه به مبـدأ هستی است همانگونه که قرآن می‌فرمایـد: إِنَّ فِی خَلْـــقِ السَّمـــاواتِ وَ الْـــأَرْضِ وَ اخْتِلاـــفِ اللَّیْـــلِ وَ النَّهـــارِ لَآیـــاتٍ لِـــأُولِی الْأَلْبـــابِ «۳»

(_____ ۱) نحـل/ ۸۹، یس/ ۳۶- برای اطلاعات بیشتر به بخش‌های بعدی همین نوشـتار رجوع کنید. (۲) سـرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۴۳ به بعد با تلخیص و اضافات. (۳) آل عمران/ ۱۹۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵ «در پیدایش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌هایی برای صاحبـان خرد وجود دارد.» ب: گاهی آیات علمی قرآن نشانه عظمت آن مطلب است؛ یعنی گوینـده سـخن، به ظاهر قصـد دارد که اهمیت یک مطلب علمی را برسانـد پس آنرا ذکر می‌کنـد؛ برای مثال قسم‌های قرآن به خورشـید، ماه و ... «۱» از این قبیل است. ج: گاهی آیات علمی قرآن برای اثبات معاد است؛ برای مثال می‌فرمایـد: فَلْیَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ

وَ التَّرائِبِ إِنَّهُ عَلی رَجْعِهِ لَقادِرٌ «۲» «پس آدمی بنگرد از چه چیز آفریده شده از آبی جهنده آفریده شده است که از میان پشت و سینه بیرون می‌آید خداوند به بازگردانیدن او قادر است» دوم: مطالب علمی قرآن را، تا حد مثال‌های ساده، پایین آوردن خلاف انصاف است؛ چون «مثال» برای ساده کردن فهم مطالب گوینده است و گاهی واقعیت و حقیقت ندارد، اما مطالب علمی قرآن، حقایق کشف نشده‌ای را در بردارد که پس از قرن‌ها دانشمندان را به اعجاب وا می‌دارد. و اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند. این ساده‌اندیشی است که بگوییم قرآن برای بیان یک مطلب، یک مثال علمی زده است و اتفاقا صحیح از آب درآمده، علاوه بر آن بیان کردیم این مطالب علمی، یک بعد از اعجاز قرآن را نشان می‌دهد، پس، از حد مثال بالاتر است. سوم: امکان دارد این‌طور گفته شود که قرآن، یک هدف اصلی و عمده دارد و آن به کمال رساندن انسان- که همانا تقرب الی اللّه است- می‌باشد و اهداف فرعی دیگری هم دارد که در طول و راستای همان هدف اصلی است، از جمله آن اهداف، اثبات معاد، نبوت و اعجاز خود قرآن، که مقدمه‌ای برای پذیرش وحی، توسط مردم است، می‌باشد. بر این اساس، بیان مطالب علمی، از اهداف قرآن است؛ چون اعجاز قرآن را ثابت می‌کند ولی هدف اصلی و عمده قرآن نیست. این مطلب خصوصا با این نکته روشن می‌شود که آیاتی که همه چیز را به قرآن نسبت می‌دهد، در مورد هدایت و دین است پس هدف اصلی، هدایت انسان و بیان معارف دینی است؛ ولی یکی از اموری که مربوط به دین است، اثبات اعجاز قرآن است و یکی از ابعاد اعجاز قرآن اعجاز علمی آن است. از این رو مطالب علمی

(_____ ۱) شمس/ ۱ به بعد. (۲) طارق/ ۵-

۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶ قرآن (در بعضی موارد) خود از هدف قرآن است، اما اهداف عمده و اصلی نیست. چهارم: در تطبیق آیات قرآن با نظریات و قوانین علمی کاملا با احتیاط عمل کنیم تا به تحمیل نظریات اثبات نشده علمی بر قرآن کریم و یا استخراج علوم از قرآن، گرفتار نشویم، بلکه استخدام علوم تجربی در فهم قرآن صحیح است که آن هم شرایط متعددی دارد. «۱»

ث: اقسام انطباق قرآن با علوم تجربی:

اقسام تفسیر علمی بر اساس هدف مفسّر:

اقسام تفسیر علمی بر اساس هدف مفسّر: افرادی که در طول تاریخ اسلام، اقدام به انطباق آیات با علوم تجربی نموده‌اند، اهداف گوناگونی داشته‌اند و هر کدام با هدف خاص خود، به تفسیر علمی نگریسته و این شیوه تفسیری را در خدمت هدف خود درآورده‌اند. اگر هدف تفسیر کننده، مقدس و خوب بوده، در همان راه از شیوه تفسیر علمی استفاده کرده و اگر هدف انحرافی داشته، برای اثبات انحراف خود از این شیوه تفسیر استفاده کرده است و به همین دلیل است که برخوردها و دیدگاهها، در رابطه با تفسیر علمی مختلف و بلکه متضاد است. تفسیر علمی مانند هر شیوه تفسیری دیگر (تفسیر عقلی، عرفانی، روانی و ...) می‌تواند به طور صحیح و برای هدف ارشاد و هدایت مردم به کار رود و هم می‌تواند در راه اضلال و گمراه کردن مردم، به خدمت گرفته شود. ما در اینجا چند هدفی را که ممکن است، تفسیر علمی در خدمت آن قرار گیرد برمی‌شماریم: ۱. تفسیر علمی با هدف اثبات اعجاز قرآن کریم. ۲. تفسیر علمی با هدف نشان دادن اهمیت علم در نظر اسلام. ۳. تفسیر علمی با هدف اثبات افکار انحرافی. ۴. تفسیر علمی با هدف فهم بهتر معنای آیات قرآن.

اقسام انطباق قرآن با مطالب علمی از جهت شکل و شیوه:

اشاره

اقسام انطباق قرآن با مطالب علمی از جهت شکل و شیوه: تفسیر علمی، یک روش تفسیری است که خود دارای روشهای فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می‌شود و همین مطلب موجب شده تا برخی تفسیر علمی را بکلی رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند (_____ ۱) برای اطلاع بیشتر از روش‌ها و معیارهای انطباق قرآن با علوم تجربی ر. ک: مقاله علم محوری در تفسیر قرآن، مجله بینات، ش ۹، بهار ۱۳۷۵، به قلم نگارنده. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷ و گروهی آن را قبول نمایند و بگویند تفسیر علمی، یکی از راههای اثبات اعجاز قرآن است. ما در اینجا شیوه‌های فرعی تفسیر علمی را مطرح می کنیم، تا هر کدام جداگانه به معرض قضاوت گذارده شود و از خلط مباحث جلوگیری گردد:

۱. استخراج همه علوم از قرآن کریم:

۱. استخراج همه علوم از قرآن کریم: علماء قدیمی (مانند: ابن ابی الفضل المرسی، غزالی و ...) کوشیده‌اند، تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند، زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن، وجود دارد و در این راستا، آیاتی که ظاهر آنها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تاویل می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند برمی گرداندند. از اینجا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند. برای مثال از آیه شریفه إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ «۱» آنجا که خداوند از قول حضرت ابراهیم (ع) نقل می کند که: «وقتی من بیمار شدم اوست که شفا می‌دهد». علم پزشکی را استخراج کردند «۲» و علم جبر را از حروف مقطعه اوائل سوره‌ها استفاده کردند «۳» و از آیه شریفه إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها زمین‌لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش‌بینی کردند. «۴» روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد، در آیات قرآن بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر الفاظ و معنای لغوی آنها می‌شود. از همین روست که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را، نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند «۵» که البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است و ما قبلا، اقوال و دلایل مختلف این مسئله (وجود همه علوم در ظواهر قرآن) را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این کلام مبنای صحیحی ندارد.

۲. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم:

۲. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم: این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، رواج یافت و بسیاری از افراد، با مسلم (_____ ۱) شعراء/ ۸۰. (۲) ابو حامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل خامس (چاپ بیروت، المرکز العربی للکتاب) (۳) التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۱ از ابن ابی الفضل مرسی نقل می کند. (۴) البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱- ۱۸۲ (چاپ دار المعرفة بیروت) (۵) ر. ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵- ۴۹۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸ پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی؛ سعی کردند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هر گاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را برخلاف معانی ظاهری، حمل می کردند. برای مثال، در آیه شریفه: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها «۱» «اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت» کلمه نفس را به معنای پروتون و زوج را الکترون معنا کردند و گفتند منظور قرآن این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است آفریدیم و در این تفسیر حتی

رعایت معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند. «۲» این‌گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان، نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یکسره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن، طرد کردند. چنانکه علامه طباطبائی تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. «۳» البته در مورد این نوع تفسیر علمی نیز، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هر گونه پیشداوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر یک نظریه علمی را انتخاب کند و بر قرآن تحمیل نماید، پا را در طریق تفسیر به رأی گذاشته که در روایات وعده عذاب برای آن داده شده است.

۳. استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن:

۳. استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن: در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند. او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم (که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود) و با ظاهر آیات قرآن (طبق معنای لغوی و اصطلاحی) موافق است به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است. ما در مبحث آینده، معیار این‌گونه تفسیر را، به‌طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در

(_____ ۱) اعراف/ ۱۸۹، با ترجمه الهی قمشه‌ای. (۲) القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶. (۳) به مقدمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد مراجعه کنید. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹ اینجا تاکید می‌کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هر گونه تاویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت، زیرا علوم تجربی بخاطر ظنی بودن و استقراء ناقص در روش آنها نمی‌توانند نظریات قطعی بدهند. برای مثال آیه شریفه وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها «۱» «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌دانستند به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند؛ در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است، زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم همان‌طور که مسافر یک قطار خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بینند. با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید روشن شد که خورشید هم خود را دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب بلکه واقعی) و خورشید بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری، در حرکت است و کهکشانها و ستارگان با سرعت سرسام‌آوری از همدیگر، دور می‌شوند و عالم انبساط پیدا می‌کند. «۲» پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی انتقالی، خورشید است. «۳» در ضمن از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می‌شود؛ چرا که برای مثال قانون زوجیت عمومی گیاهان، در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن، از زوج بودن همه گیاهان سخن گفته است. «۴»

ج: معیارهای تفسیر علمی معتبر:

اشاره

ج: معیارهای تفسیر علمی معتبر: با توجه به اینکه ما از سه شیوه تفسیر علمی، یک قسم را پذیرفتیم (استخدام علوم در فهم قرآن) و با عنایت به مبانی و مطالبی که ما در مورد عدم قطعیت علوم تجربی از آن یاد کردیم و با توجه به شرایط مفسر و تفسیر معتبر، در اینجا

معیارهای زیر را برای صحت و اعتبار تفسیر علمی لازم می‌دانیم:

(۱) یس/ ۳۸. (۲) دکتر اریک- اوبلاکر، کتاب فیزیک نوین، ص ۴۵- ۴۸، ترجمه بهروز بیضائی (انتشارات قدیانی زمستان ۱۳۷۰) (۳) در مباحث آینده این آیه را به صورت کامل مورد بررسی قرار خواهیم داد. (۴) یس/ ۳۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰ ۱. تفسیر علمی توسط مفسری صورت پذیرد که دارای شرایط لازم باشد یعنی آشنایی با ادبیات عرب، آگاهی به شان نزول آیه، آشنایی با تاریخ پیامبر (ص) و صدر اسلام، در حدودی که به آیه مربوط است، اطلاع از علوم قرآن مانند ناسخ و منسوخ، مراجعه به احادیث و اصول فقه، آگاهی از بینشهای فلسفی، علمی، اجتماعی و اخلاقی، پرهیز از هر گونه پیشداوری، تطبیق و تحمیل، آشنائی با تفسیر و عدم تقلید از مفسران. «۱» ۲. معیارهای تفسیر معتبر، در آن رعایت شده باشد مانند: پیروی از روش صحیح تفسیر، عدم منافات تفسیر با سنت قطعی، تفسیر بدون پیشداوری غیر ضروری، عدم منافات تفسیر با آیات دیگر و حکم قطعی عقل و استفاده از منابع صحیح در تفسیر. این معیارها لازم است در تفسیر علمی نیز رعایت گردد. «۲» ۳. تفسیر علمی باید به وسیله علوم قطعی صورت گیرد (علومی که علاوه بر تجربه، به وسیله دلیل عقلی و ... تأیید شود) در جای خود اثبات شده که علوم تجربی، به تنهایی نمی‌تواند یقین به معنای اخص بیاورد؛ چرا که قوانین علوم تجربی، از طریق استقراء ناقص تعمیم می‌یابد و یا اینکه اطمینان می‌آورد، ما احتمال طرف مقابل را به صفر نمی‌رساند، بنابر این یقین به معنای اخص (اطمینان به یک طرف و عدم احتمال طرف مقابل، یعنی یقین مطابق واقع) نمی‌آورد و حتی طبق آخرین نظریات دانشمندان، قوانین علمی نداریم، بلکه نظریه‌ها یا افسانه‌های مفید هستند «۳» از این جهت در قضایای علمی چند احتمال وجود دارد: اول: قضیه علمی که یقین به معنای اخص آورده، قطع مطابق واقع می‌آورد؛ چرا که تجربه علمی همراه با دلیل عقلی است «۴» (و یا به مرحله بداهت حسی رسیده باشد) دوم: قضیه علمی، یقین به معنای اعم می‌آورد، یعنی اطمینان حاصل می‌شود ولی احتمال طرف مقابل به صفر نمی‌رسد، چنانکه بیشتر قضایای اثبات شده علوم تجربی، اینگونه است. سوم: قضیه علمی، به صورت تئوری یا نظریه ظنی باشد که هنوز به مرحله اثبات نرسیده است. بنابراین در صورت نخست، تفسیر علمی جایز است، زیرا قرآن و علم قطعی (که به

(۱) ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۱۸۵- ۲۰۵. (۲) ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۱۸۵- ۲۰۵. (۳) همان، ص ۵۳- ۷۴. (۴) برای این مورد، مثال حرکت زمین یا تسخیر ماه را می‌آورند و با آیات قرآن، مطابقت می‌کنند، اما این مثالها قابل خدشه است، زیرا بداهت حسی دارد اما بداهت عقلی (مانند قضایای اولیه، اجتماع نقیضین و کل اعظم از جزء است) ندارد لکن بحث ما در تقسیم علوم است، اگر چه مثال فعلی در قرآن و علم نداشته باشد و این ضرری به صحت مطلب نمی‌زند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱ قطع عقلی برمی‌گردد) معارضت ندارد، بلکه قراین قطعی «نقلی، عقلی و علمی» برای تفسیر قرآن لازم است. در صورت دوم، تفسیر علمی، اگر به صورت «احتمال» ذکر شود، صحیح به نظر می‌رسد برای مثال، گفته شود: چون ظاهر قرآن، با حرکت انتقالی خورشید، مطابق است به احتمال قوی منظور قرآن، همین حرکت است. در صورت سوم هم، تفسیر علمی صحیح نیست، زیرا همان اشکالاتی را پدید می‌آورد که مخالفان تفسیر علمی می‌گفتند (مانند انطباق قرآن با علوم متغیر، شک کردن مردم در صحت قرآن و ...) تذکر: در چه صورت تفسیر علمی منتهی به اثبات اعجاز علمی قرآن می‌شود؟ پاسخ این پرسش را در مباحث آینده بیان خواهیم کرد.

معیار شناخت مصادیق تفسیر علمی غیر معتبر:

معیار شناخت مصادیق تفسیر علمی غیر معتبر: با توجه به معیارهای تفسیر علمی معتبر، هر تفسیر علمی که از این دایره خارج باشد و

دارای اموری به این شرح باشد، معتبر و صحیح نیست: ۱. تفسیر به رأی: هرگاه مفسر سعی کند آیات علمی قرآن را، طبق نظر خود تفسیر کند و به اصطلاح، استقلال در تفسیر داشته و بدون مراجعه به قراین عقلی و نقلی به تفسیر علمی، بپردازد، موجب تفسیر به رأی می‌شود که وعده عذاب بر آن داده شده است. «۱» ۲. تحمیل نظریه علمی یا نظر مفسر بر قرآن: اگر تفسیر علمی، بدون هماهنگی و توافق با ظواهر الفاظ و معانی لغوی و اصطلاحی آنها صورت گیرد، در نهایت منجر به تفسیر به رأی، یا تأویلهای غیر معتبر در قرآن می‌گردد. ۳. استخراج علوم، با تمسک به تأویل غیر صحیح آیات قرآن، هر چند نظریه وجود داشتن تمام علوم در قرآن مردود است (چنانکه در بخش قبل متذکر شدیم) اما این عقیده پایه‌ای برای تأویلهای غیر صحیح می‌گردد که نمونه‌های آن را در بخش‌های بعدی کتاب می‌آوریم. ۴. تفسیر علمی افراد غیر متخصص، در علم تفسیر، اگر چه در رشته‌ای از علوم تجربی متخصص باشند، ارزشی در تفسیر ندارد، بلکه گاهی منجر به تفسیر به رأی نیز می‌شود همان‌طور که اظهار نظر یک مفسر در علوم پزشکی (بدون تخصص در آنها) ارزشی ندارد. ۵. اگر قرآن به وسیله علوم ظنی، نظریه‌ها و تئوریها، تفسیر گردد تفسیر علمی معتبری (_____ ۱) ر. ک: تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۱۹ و سنن ترمذی، ج ۲۵، ص ۱۹۹ (عن النبی (ص): من قال فی القرآن برأیه فلیتبوء مقعده من النار) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲ نیست، زیرا وحی قطعی مطابق واقع را با علوم ظنی متغیر، انطباق دادن، پیامدی غیر از در معرض تغییر قرار دادن قرآن ندارد که آن هم بعد از تغییر علوم موجب شک مردم در آیات و اخبار قرآنی می‌شود. ۶. تفسیر قرآن به وسیله قضایای یقینی (یقین به معنای اعم اطمینان با احتمال ضعف طرف مقابل) جایز نیست، مگر به صورت احتمالی یعنی بگوید به احتمال قوی مقصود قرآن این است، زیرا احتمال خطا در قضایای علوم تجربی (که با عقل تأیید نشده) وجود دارد. پس اسناد قطعی این علوم به قرآن، همانا تحمیل یک نظریه علمی بر قرآن است.

ح: آثار مثبت و منفی انطباق قرآن با علوم تجربی

آثار مثبت انطباق قرآن با علوم تجربی

آثار مثبت انطباق قرآن با علوم تجربی : طرفداران تفسیر علمی، آثار و نتایج مثبتی را برای انطباق قرآن با علوم تجربی و تفسیر علمی متذکر شده‌اند که ما، به طور خلاصه آنها را ذکر می‌کنیم: ۱. اثبات اعجاز علمی قرآن که این مطلب خود دو پیامد مهم دارد: الف: موجب اتمام حجت بر کفار در دعوت آنان به اسلام و احیانا میل آنان به اسلام می گردد، زیرا قرآن (بر خلاف کتابهای مقدس رایج در دنیا) نه تنها با علم معارضت ندارد بلکه مطالب علمی مهمی را نیز برای بشر، به ارمغان آورده است. ب: موجب تقویت ایمان مسلمانان به قرآن، نبوت و حقانیت اسلام می‌شود. ۲. روشن شدن تفسیر علمی آیات قرآن؛ چرا که تفسیر علمی، خود یک روش در تفسیر است که بدون آن، تفسیر قرآن ناقص خواهد بود. ۳. جلوگیری از پندار تعارض علم و دین؛ چرا که با روشن شدن مطالب علمی قرآن، همه افراد با انصاف متوجه می‌شوند که اسلام، نه تنها با علوم سازگار است، بلکه علم مؤید دین است. ۴. موجب تعمیق فهم ما از قرآن و توسعه مدلول آیات قرآن می‌شود. تذکر: معمولا- این آثار مثبت برای تفسیر علمی نوع سوم (استخدام علوم در فهم قرآن) پدید می‌آید.

آثار منفی انطباق قرآن با علوم تجربی:

آثار منفی انطباق قرآن با علوم تجربی: مخالفان تفسیر علمی قرآن و انطباق قرآن با علوم تجربی، یا کسانی که با یک شیوه از تفسیر علمی، مخالف هستند آثار منفی این شیوه را چنین برشمرده‌اند: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳ ۱. موجب تفسیر به رأی

می گردد که نهی شده است. ۲. تفسیر علمی، منجر به تأویلهای غیر مجاز در آیات می‌شود. ۳. حقایق قرآن، تبدیل به مجازات می گردد. ۴. تفسیر علمی، اعتراف به این است که قرآن احتیاج به غیر دارد. ۵. موجب تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن می‌شود. ۶. موجب شک مردم در صحت قرآن می گردد، زیرا نظریات علمی، در معرض تغییر است و پس از چندی که تغییر کرد، با ظاهر قرآن (که قبلاً موافق آن بود) مخالف می‌شود و مردم که مطالب علمی را می‌پذیرند، در صحت قرآن شک می کنند. ۷. موجب فراموش شدن هدف اصلی قرآن (تربیت انسان و هدایت او به سوی خدا) می‌شود. ۸. احتمال دارد ملل مسلمان، به همین توجیهات علمی، دل خوش کنند و به دنبال کسب علوم جدید، نروند و محتاج علوم دیگران شوند. ۹. به اعجاز ادبی و بلاغت قرآن، ضرر می‌زند. ۱۰. تفسیر علمی، در خدمت مادی گری و الحاد قرار می گیرد و برای اثبات آن مکاتب به کار می‌رود. ۱۱. مطالب باطل و تضادهای علوم، به قرآن راه می‌یابد. ۱۲. قرآن تابع علوم می‌شود، با اینکه علوم در معرض خطاست. ۱۳. مفسر را، از فهم خالص عرب از لغات قرآن، دور می کند. ۱۴. تفسیر علمی، موجب سوء فهم مقاصد قرآن می گردد. «۱» تذکر: با بررسی دلایل مخالفان تفسیر علمی روشن می‌شود که تمام این پیامدها، برای دو قسم از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم تجربی، استخراج علوم از قرآن) است و قسم سوم تفسیر علمی (استخدام علوم در فهم قرآن) از این عوارض مبرّاست

خلاصه و نتیجه‌گیری:

خلاصه و نتیجه‌گیری: از مجموع مطالب مطرح شده، در این مبحث و بررسی آثار موافقان و مخالفان تفسیر علمی، به این نتیجه رسیدیم که رد کامل یا قبول کامل (همه انواع تفسیر علمی) صحیح نیست. (_____۱) ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۳۲۴- ۳۲۷ و نیز التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵- ۴۹۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴

خ: ماهیت معجزه و تفاوت آن با امور خارق العاده دیگر

مقدمه: (تاریخچه)

مقدمه: (تاریخچه) در طول تاریخ همیشه بشر با اعمال خارق العاده‌ای روبرو می‌شده، که از برخی انسانها هویدا شده است. این اعمال خارق العاده همیشه اعجاب و تحسین بشر را برانگیخته و گاه موجب ایمان او به کسی یا چیزی و یا بی‌ایمانی او شده است. پیامبران الهی از این اعمال خارق العاده به عنوان آیه و معجزه یاد می کردند و دیگران را به مبارزه برای آوردن مثل آن (تحدّی) دعوت می کردند و آن را شاهد صدق نبوت خویش می‌شمردند. امّا در مقابل این مردان حق طلب، کسانی بودند که اعمال خارق العاده‌ای انجام می‌دادند که سحر نامیده می‌شد. و گاهی امر بر مردم مشتبه می گشت که کدامیک حق است. و لذا مخالفان ادیان الهی به پیامبران تهمت سحر می‌زدند. تاریخ دقیقی از اولین معجزه در دست نیست امّا می‌دانیم که پیامبران الهی معمولاً معجزه داشته‌اند به‌طوری که مردم از هر پیامبر جدیدی معجزه می‌طلبیدند. امّا آیا براستی ماهیت معجزه چیست؟ و چه تفاوتی با کرامت و سحر دارد؟ پاسخ به این پرسشها موضوع این نوشتار است.

معجزه و واژه‌های قرآنی آن:

اشاره

معجزه و واژه‌های قرآنی آن: قرآن کریم واژه «آیه»، «بیّنه»، «برهان» و «سلطان» را در مورد امور خارق عادت و معجزات پیامبران

بکار برده است. و از واژه «معجزه» در این مورد استفاده نکرده است امّا اصطلاح رایج و مشهور در این مورد واژه «معجزه» است. ما در این نوشتار ابتدا معانی لغوی و اصطلاحی این واژه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول: معنای لغوی واژه‌ها:

الف: «آیه»:

الف: «آیه»: واژه «آیه» در لغت به معنای «علامت و نشانه» است و آن چیز ظاهری است که ملازم با چیز غیر ظاهری است. «۱»

(_____ ۱) مفردات راغب اصفهانی، واژه آی. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵ و برخی لغویین گفته‌اند: آیه چیزی است که مورد توجه و قصد به سوی مقصود واقع می‌شود. و وسیله‌ای برای رسیدن به مقصود است. «۱» قرآن کریم واژه «آیه» را در مورد معجزات انبیاء به کار برده است. مثال: بَلْ قالُوا أَضْغاثُ أَحْلامٍ، بَلِ افْتَراهُ بَلْ هُوَ شاعِرٌ فَلْيَأْتِنا بِآيَةٍ كَما أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ «۲» «بلکه گفتند خوابهای شوریده است، [نه بلکه آن را بربافته، بلکه او شاعری است. پس همان‌گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه‌ای [معجزه‌ای بیاورد.» وَ رَسُولًا إِلى بَنِي إِسْرائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْراً بِإِذْنِ اللَّهِ ... «۳» «و [او را به عنوان پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می‌فرستد، که او به آنان می گوید:] در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان نشانه [معجزه آورده‌ام. من از گل برای شما [چیزی به شکل پرنده می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود.»

ب: «بیّنه»:

ب: «بیّنه»: واژه «بیّنه» در لغت به معنای «دلیل واضح» آمده است چه عقلی یا محسوس باشد. «۴» برخی لغویین گفته‌اند که (از ریشه بین) معنی حقیقی آن انکشاف و وضوح بوسیله جدا کردن و تفریق است و «آیه» و «بیّنه» بمعنی امری است که کشف شده و از بین امور عادی جدا شده است. «۵» قرآن کریم در مواردی از معجزات انبیاء تعبیر به «بیّنه» کرده است. مثال: وَ إِلى ثَمُودَ أَخاهُمْ صالِحاً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هذِهِ ناقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً «۶» «و به سوی [قوم ثمود، صالح، برادرشان را [فرستادیم گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید، برای شما معبودی جز او نیست، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان

(_____ ۱) ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، واژه «آیه». (۲) انبیاء/ ۵. (۳) آل عمران/ ۴۹. (۴) مفردات راغب اصفهانی، واژه بین. (۵) مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۶۶- ۳۶۷، واژه بین. (۶) اعراف/ ۷۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶ دلیلی آشکار آمده است. این ماده شتر خدا برای شماست که پدیده‌ای شگرف است.» أَ لَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ «۱» «آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است. فرستادگانشان دلایل آشکار بر ایشان آوردند.»

ج: «برهان»:

ج: «برهـان»: واژه «برهـان» در لغت به معنـای بیان- حجت و وضوح آن می‌آیـد. «۲» و برخی لغویین برآننـد که اصـل کلمه «برهان» مصدر بره به معنی «ابیض» است. و به هر کلام روشنی که ابهام ندارد و امر واضحی که خفاء ندارد، گویند. برهانان (قصص/ ۳۲) به معنی دو امر روشن و دو آیه واضح (دو معجزه) برای اثبات دعوت حضـرت موسـی (ع) است. «۳» واژه «برهان» به معنای «دلیل» هم می‌آیـد که یـک اصـطلاح منطقی است «۴» و خـارج از معنـای لغـوی اسـت. قرآن کریم در برخی مـوارد واژه «برهـان» را در مـورد معجزات انبیاء به کار برده است. برای مثال در سوره قصـص پس از آنکه عصای موسـی (ع) و ید بیضاء را مطرح می‌کند می‌فرماید: فَذانِکَ بُرْهانـانِ مِنْ رَبِّکَ إِلی فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ «۵» «این دو [نشـانه دو برهـان از جانب پروردگار تو است [که بایـد] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری » و در سوره نسـاء می‌فرمایـد: یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً «۶» «ای مردم در حقیقـت برای شـما از جـانب پروردگارتـان برهـانی آمـده اسـت و مـا بـه سـوی شـما نـوری تابنـاک فرو فرسـتاده‌ایم.»

(_____ ۱) ابراهیـم/ ۹. (۲) مفردات راغب اصـفهانی، ماده برهن و نیز زمخشری، اساس البلاغه و فیّومی، مصباح المنیر. (۳) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۲- ۲۶۳ مـاده برهن. (۴) ر. ک: مظفر، المنطـق. (۵) قصص/ ۳۲. (۶) نساء/ ۱۷۴. پژوهشـی در اعجـاز علمی قرآن، ص: ۵۷ مفسران دو احتمـال در مـورد کلمـه «برهـان» در این آیه مطرح کرده‌انـد، یکی قرآن و دیگری پیـامبر (ص) «۱» و ایـن در حـالی است که قرآن معجزه پیامبر اسلام (ص) است.

د: «سلطان»:

د: «سـلطان»: سـلطان از نظر لغوی به معنای تسلط قهری است و به دلیل و حجت نیز سلطان گویند چون بر قلوب افراد مسلط می‌شود. «۲» قرآن کریم در برخی آیات تعبیر «سـلطان» را در مورد معجزه به کار برده است. مثال: قالَتْ لَهُمْ رُسُـلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَـرٌ مِثْلُکُمْ وَ لکِنَّ اللَّهَ یَمُنُّ عَلی مَنْ یَشـاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ ما کانَ لَنا أَنْ نَأْتِیَکُمْ بِسُـلْطانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ... «۳» «پیامبرانشان به آنها گفتند درست است که ما بشری هماننـد شـما هستیم ولی خداونـد بر هر کس از بنـدگانش بخواهـد (و شایسـته بینـد) نعمت می‌بخشـد (و مقام رسالت عطا می‌کند) و ما هرگز نمی‌توانیم معجزه‌ای جز به فرمان خدا بیاوریم.» «۴»

ه: «معجزه»:

ه: «معجزه»: این واژه از ریشه «عجز» است. لغـویین معـانی و اسـتعمالات متعـددی برای آن شـمرده‌اند: ۱. برخی ریشـه این لغت را به معنـای «تأخر از چیزی» می‌داننـد و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود. «۵» ۲. گروهی از لغویین اصل این لغت را به معنای «ضـعف» می‌دانند. «۶» لغت «عـاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوز» گوینـد. ۳. برخی لغویین آن را به معنای فوت چیزی (از دست رفتن) می‌داننـد. «۷» ۴. برخی لغویین آن را به معنای «یافتن ضـعف در دیگری» دانسته‌اند. «۸» ۵. برخی لغـــــــویین آن را بـــــــه معنـــــــای «ایجـــــــاد ضـــــــعف در دیگری» دانســـــــته‌اند. «۹»

(_____ ۱) المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰. (۲) مفردات راغب، ماده سلط. (۳) ابراهیم/ ۱۱. (۴) تفسیر نمونه نیز کلمه سـلطان را در این آیه به معنای معجزه دانسته است (نمونه، ج ۱۰، ص ۲۹۳) (۵) ر. ک: مفردات راغـب اصـفهانی و نیز ابن فـارس، مقـاییس اللغـة، این معنـا را در یکی از دو معنـای اصـلی بیـان می‌کند. (۶) مفردات راغب این را به معنـای ثـانوی لغت عجز می‌دانـد ولی مقاییس آن را یکی از دو معنای اصـلی می‌دانـد. (۷) ر.

ک: فیومی، مصباح اللغهٔ و اقرب الموارد، ج ۲، ماده عجز، (این معنا در هنگامی است که در مورد اشیاء بکار رود- اعجزه شیء) (۸) همان (این معنا هنگامی است که در باب افعال به کار رود- أعجزت زیدا) (۹) همان (این معنا هنگامی است که باب تفعیل به کار رود- عجّزته تعجیزا) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸ نتیجه: به نظر می‌رسد که ریشه اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» است که مقابل قدرت است. و این ضعف دارای مراتبی است. و به همین لحاظ است که به زنان کهن سال عجوز گویند چون ضعیف شده و طراوت و تحرک و زایش خود را از دست داده‌اند و به مؤخّر و پشت انسان نیز «عجز» گویند چون که پست و ضعیف است و اعجاز ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است. در قرآن کریم لغت «معجزه» به معنای اصطلاحی (عمل خارق العاده که گواه نبوت باشد) یافت نشد امّا در موارد متعددی این لغت به شکل‌های گوناگون به کار رفته است. مثال: «عجوز» (هود/ ۷۲ و صافات/ ۱۳۵) که مقصود همان ضعف و عجز در تولید فرزند است. «أعجزت» (مائده/ ۳۱) که مقصود همان ضعف و نفی اقتدار است. «معاجزین» (سباء/ ۳۸) که استمرار حالت عجز است. «معجزی اللّه» (توبه/ ۲) که مقصود آن است که خدا ضعیف نمی‌شود. «معجزین» (انعام/ ۱۳۴- فصلت/ ۳۱- نور/ ۵۷- عنکبوت/ ۲۲) «لیعجزه» (فاطر/ ۴۴) که مقصود ایجاد عجز است. «اعجاز» (قمر/ ۲۰- حاقهٔ/ ۷) که مقصود ریشه‌های درخت خرماست که بعد از کنده شدن از زمین حالت محرومیت از مواد غذایی پیدا می‌کند. نکته اول: «اعجاز» به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر و تسلط و تفوق و حکومت است. «۱» نکته دوم: جالب این است که لغت «معجزه» در روایات اهل بیت (ع) به معنای اصطلاحی به کار رفته است و لذا معلوم می‌شود که این لغت از زمان ائمه (ع) کاربرد داشته و به جای «آیه» به کار می‌رفته است. برای مثال به این روایت توجه کنید: عن الصادق (ع): المعجزهٔ علامهٔ للّه لا- یعطیها الّا انبیاءه و رسله و حججه لیعرف به صدق الصادق من کذب الکاذب. «۲» «معجزه علامتی الهی است که آن را به غیر از انبیاء و رسولان و حجت‌های خویش عطا نمی‌کند تا بوسیله آن راستگوئی راستگویان از دروغگوئی دروغگویان باز شناخته شود.»

(_____ ۱) حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۹. (۲) بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱، و نیز میزان الحکمهٔ، ج ۶، ص ۶۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹

دوم: معنای اصطلاحی معجزه:

دوم: معنای اصطلاحی معجزه: بحث معجزه حدّاقل در چهار علم تفسیر، علوم قرآن، اصول و کلام مطرح شده است. به برخی از قدماء نسبت داده شده که آن را جزئی از علم اصول می‌دانستند. (مثل شیخ طوسی و طبرسی) «۱» برخی دیگر آن را در علم کلام (عقاید) مطرح می‌کنند. (مثل خواجه طوسی و علامه حلی در تجرید الاعتقاد، صاحب نثر طوبی و ملا فتح اللّه کاشانی) «۲» و بعضی مفسران آن را در لابلای تفسیر قرآن و به مناسبت معجزات انبیاء مطرح کرده‌اند (مثل علامه طباطبائی در المیزان و آیهٔ اللّه طیب در اطیب البیان و ...) «۳» امّا گروهی نیز آن را در علوم قرآن مطرح کرده‌اند (مثل سیوطی در الاتقان و آیهٔ اللّه معرفت در التمهید) «۴» ما در این نوشتار بر آن نیستیم که جایگاه حقیقی این بحث را مطرح کنیم امّا شاید طرح مبحث اعجاز در علوم مختلف به جهت ابعاد گوناگون این بحث باشد. که هر گروهی از زاویه‌ای خاص بدان نظر کرده‌اند. و از آنجا که این بحث در علوم مختلف طرح شده، تعریفهای متفاوتی نیز از آن ارائه شده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. خواجه طوسی (ره) معجزه را اینگونه تعریف کرده است: «راه شناخت راستگوئی پیامبر این است که به دست او معجزه‌ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود.» «۵» و سپس علامه حلی در شرح این کلام چندین شرط را مقرر می‌کند: الف: امت شخص معجزه‌گر از آوردن مثل آن عاجز باشند. ب: معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد (_____ ۱) ر. ک: تفسیر

تبیان، ص ۳، و شیخ طوسی، زندگی نامه، ص ۱۱۰ و علامه طباطبائی (ره) اعجاز قرآن، مقدمه علیرضا میرزا محمد، ص ۹. (شاید مقصود آنان همان علم اصول اعتقادات یعنی کلام باشد. نه اصول الفقه) (۲) ر. ک: منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۴ و نثر طوبی، ج ۲، ص ۱۱۹. (۳) ر. ک: اطیب البیان، ج ۱، ص ۴۰- ۵۹ و المیزان، ج ۱، ص ۷۳ به بعد. (۴) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴ و سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳. (۵) خواجه طوسی و علامه حلی»، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰ ج: معجزه در زمان تکلیف باشد. د: معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه‌گر مدعی نبوت دیگری نباشد. «۱» و: آن عمل خارق عادت باشد. ۲. سیوطی در الاتقان معجزه را اینگونه تعریف کرده است: «امر خارق عادتی که همراه با تحدّی و سالم از معارضه باشد.» «۲» ۳. آیة اللّه خوئی (ره) در تعریف معجزه می‌نویسد: «معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می‌آورد به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز بوده تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد.» و سپس ایشان چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می‌سازد: الف: امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد، مثلا ادعای خدائی نکند) ب: آنچه می‌گوید بر طبق آن انجام دهد. ج: عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد. د: تحدّی (مبارزه طلبی) کند. «۳» ۴. علامه طباطبائی (ره) در تعریف معجزه می‌فرماید: «معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ماوراء طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرف کرده است. و این به آن معنا نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است.» «۴» ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «معجزه یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنانکه از لفظش پیداست امر خارق العاده‌ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحدّی (دعوت به مقابله) تحقق پیدا می‌کند ... معجزه هر چه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد بالاخره امری است خارق العاده، و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسببات که عادتا ما با آنها انس گرفته‌ایم و آنها را می‌شناسیم.» «۵»

(_____ ۱) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق. (۲) سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳. (۳) البیان، ص ۱۰۳. (۴) المیزان، ج ۱، ص ۷۲. (۵) علامه طباطبائی (ره)، اعجاز قرآن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱ ۵. ایجی که از متکلمان اهل سنت است در تعریف معجزه می‌نویسد: «معجزه بر حسب اصطلاح در نزد ما عبارت است از آنچه بوسیله آن قصد شود که راستگوئی مدعی نبوت را ظاهر کند.» و سپس هفت شرط برای معجزه قرار می‌دهد: کار خدا باشد- خارق عادت باشد- کسی نتواند با آن معارضه کند- بدست مدعی نبوت انجام شود- موافق ادعای او باشد- معجزه او را تکذیب نکند (برخلاف ادعای او سخن نراند)- معجزه قبل از ادعای نبوت نباشد. «۱» ۶. استاد مصباح یزدی می‌نویسد: «معجزه عبارت است از: امر خارق العاده‌ای که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد. «۲» ۷. برخی از نویسندگان در مورد معجزه نوشته‌اند: «دلیلی که برای صدق پیامبر در ادعایش آورده می‌شود، معجزه نام دارد و آن عبارت است از تغییر در وجود- کوچک یا بزرگ- که قوانین طبیعی را که از طریق حس و تجربه بدست می‌آید به مبارزه می‌طلبد. «۳»

نقد و بررسی:

نقد و بررسی: بررسی همه تعاریف و نقد آنها از حوصله این نوشتار خارج است امّا می‌توان گفت که برخی از تعاریف ناقص و برخی دیگر قابل نقض بود. (جامع و مانع نبود) در اینجا به پاره‌ای از اشکالات آنها اشاره می‌کنیم: ۱. یکی از شرایطی که علامه حلّی در کشف المراد بیان کرده، این بود که: مدعی نبوت دیگری در زمان او نباشد، تا معلوم شود که معجزه از او صادر شده است. در حالی که برخی پیامبران همزمان بوده‌اند مثل حضرت ابراهیم و لوط، پس ممکن است که هر دو معجزاتی داشته باشند. ۲. در تعریف‌های علامه طباطبائی (ره) از معجزه قیدهای دیگری هم لازم بود مثل اینکه «معجزه» مغلوب واقع نمی‌شود- دیگران از آوردن

مثل آن عاجز باشند و ...» ۳. در تعریف ایجی آمده بود که «معجزه کار خدا باشد.»

(_____ ۱) ایجی، شرح مواقف، ص ۵۴۷.

(۲) آموزش عقاید، ص ۲۶۳ (دو جلدی) (۳) سید محمد باقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۷ که این مطلب را از شهید صدر (ره) نقل کرده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۲ در حالی که این عین ادعائی است که معجزه می‌خواهد آن را اثبات کند که لازمه آن صدق نبوت است. پس نمی‌تواند خود این مطلب شرط معجزه باشد. و از طرف دیگر گفته بود که معجزه راستگوئی (صدق) نبوت را ظاهر می‌کند در حالی که معجزه منحصر به اثبات ادعای نبوت نیست بلکه هر منصب الهی (مثل امامت) را نیز اثبات می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: معجزه (آیه، بیّنه، برهان) عبارت است از چیزی (کار- سخن- شیء) که این ویژگی‌ها و عناصر را داشته باشد: الف: خارق عادت باشد. یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض کند. البته معجزه به معنی انجام محال عقلی نیست بلکه ارتکاب محال عادی است و نیز معجزه به معنی شکستن قانون علیت نیست چرا که تحت قانون علیت عام است و فقط علت آن امری غیر مادی است. ب: از مدعی منصب الهی و پس از ادعای آن واقع شود. پس اگر چیز خارق عادت قبل از ادعای نبوت واقع شده باشد نمی‌تواند دلیل ادعای نبوت باشد. و نیز اگر کار خارق عادت بدون ادعای منصبی از مناصب الهی واقع شود کرامت خوانده می‌شود و معجزه اصطلاحی نیست. پ: همراه با تحدّی و مبارزه طلبی باشد؛ یعنی دیگران را دعوت کند که مثل آن را بیاورند. ت: مغلوب واقع نشود و دیگران نیز از آوردن مثل آن عاجز باشند. یعنی مثل سحر و اعمال مرتاضان و ... نباشد که تحت تأثیر اراده قوی‌تر نقض می‌شود و یا از بین می‌رود. ث: برای اثبات اموری باشد که غیر ممکن نباشد. پس معجزه نمی‌تواند برای اثبات محال عقلی (مثل ادعای خدائی) یا محال نقلی (مثل ادعای نبوت بعد پیامبر اسلام (ص)) باشد. ج: از امور شر نباشد که موجب ضرر به دیگران شود چون با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست. چ: معجزه گواه صدق مدعی باشد. یعنی آنچه که ادعا شده همان واقع شود. برای مثال اگر ادعا کرده، کور را شفا می‌دهد پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۳ به جای آن کر شفا پیدا نکند و نیز آن معجزه، آورنده خود را تکذیب نکند. مثلا به سخن آید و بگوید این مدعی دروغگو است. به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت و جهت وجود دارد: اول: جهت معجزه‌گر است (که باید مدعی منصب الهی و تحدّی کننده و ... باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد). دوم: جهت خود معجزه است. (که باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ هم نباشد.) سوم: جهت مردمی که برای آنها معجزه صورت می‌گیرد (که باید از آوردن مثل آن معجزه ناتوان باشند.)

تفاوت‌های معجزه با خوارق عادات دیگر

اشاره

تفاوت‌های معجزه با خوارق عادات دیگر : معجزه یک عمل خارق عادت است و مثل بقیه اعمال خارق عادت علتی برتر از علل طبیعی دارد که علامه طباطبائی از آن تعبیر به اراده می‌کرد. حال بر ماست که تفاوت معجزه را با خوارق عادات دیگر مثل سحر، کرامت و ... بیان کنیم:

الف: تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان

الف: تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان : قرآن کریم به سحر و جادو اشاره کرده است (بقره/ ۱۰۲ و طه/ ۶۶) این عمل خارق‌العاده در شریعت اسلام حرام شمرده شده است «۱». و در قوانین اسلامی، ساحر محکوم به اعدام می‌شود. تفاوت‌های اساسی سحر با معجزه عبارتند از: ۱. معجزه قابل تعلیم و تعلّم نیست بلکه عنایتی الهی و به اذن خداست. امّا سحر قابل تعلیم و تعلّم است. یعنی انسان می‌تواند نزد استاد فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. در قرآن کریم نیز اشاره‌ای به قابل تعلیم بودن سحر شده است يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ «۲». ۲. معجزه سببی غیر مغلوب دارد چون متکی به قدرت نامحدود خداست یعنی امری نامحدود و حق است که کسی بر آن مسلط نمی‌شود و باطل نمی‌گردد. امّا سحر و ساحر مراتبی دارند و هر جادوئی با جادوی برتر مغلوب می‌شود و باطل می‌گردد. یعنی امری محدود و باطل است. چون متکی بر قدرت محدود انسان است.

(_____ ۱) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷، مسأله ثالث و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۹. (۲) بقره/ ۱۰۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۴ علامه طباطبائی (ره) تفاوت اصلی سحر و معجزه را همین مطلب می‌داند. «۱» ۳. معجزه همراه با تحدّی (مبارزه طلبی) است یعنی معجزه‌گر دیگران را دعوت می‌کند که مثل آن معجزه را بیاورند. و همینکه نتوانند مثل آن معجزه را بیاورند و عاجز شوند دلیل حقانیت آن معجزه و معجزه‌گر است. قرآن کریم نیز به عنوان یک معجزه این مبارزه‌طلبی را در موارد متعددی اعلام می‌کند. «۲» ۴. معجزه می‌تواند ماهیت چیزی را عوض کند امّا سحر ماهیت چیزی را عوض نمی‌کند (قلب ماهیت نمی‌کند) یعنی جادوگر، شعبده‌باز و ... با مهارت در قوه بینائی یا خیال افراد تصرف می‌کنند و چیزی را بر خلاف واقعیت آن نمایش می‌دهند. برای مثال کاغذی را تبدیل به اسکناس درشت می‌کنند. و پس از ساعاتی همان کاغذ اصلی در دست شماست. قرآن کریم نیز به خیالی بودن سحر اشاره کرده است. «۳» امّا در معجزه اینگونه نیست مثلا اگر انسانی مسخ شد واقعا تغییر ماهیت می‌دهد و کاذب نیست. ۵. سحر ممکن است به دیگران ضرر بزند و اختلاف بین زن و شوهر بیندازد همانطور که قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره‌ای دارد. «۴» و لذا علامه طباطبائی (ره) در مورد سحر و کهانت و ... تعبیر «شرور» را بکار می‌برد. «۵» امّا معجزه خیر است و برای هدایت بشر است و اگر ضرر برای دیگران داشته باشد، نقض غرض می‌شود و خلاف حکمت الهی است و لذا معجزه موجب ضرر به دیگران نیست. ۶. معجزه قابل تکرار نیست چون اختیار آوردن آن به دست انسان نیست بلکه به اذن خدا است. امّا سحر قابل تکرار است چون این ساحر است که تصمیم می‌گیرد آن عمل انجام شود یا نشود. ۷. تفاوت در هدف: معجزه هدفی عالی و تربیتی دارد یعنی هدف آن اصلاح جامعه و عقاید مردم است. امّا سحر و ساحران معمولا اهداف بی‌ارزش و دنیائی دارند. و گاهی بی‌هدف هستند. «۶» ۸. تفاوت در پدیده آورنده: حالات و صفات پدید آورندگان معجزه و سحر متفاوت است.

(_____ ۱) المیزان، ج ۱، ص ۸۲ و نیز ر. ک: استاد مصباح، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ (دو جلدی) (۲) إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ... (بقره/ ۲۲) (۳) فَإِذا حِبالُهُمْ وَ عِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّها تَسْعى (طه/ ۶۶) (۴) فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ (بقره/ ۱۰۲) (۵) المیزان، ج ۱، ص ۸۲. (۶) برای اطلاع بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸- ۳۵۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۵ معجزه‌گران، انبیاء الهی هستند که دارای صفات عالی انسانی مثل پاکدامنی، حق‌طلبی و پارسائی هستند و برای پول و ثروت و مقام و منافع شخصی کار نمی‌کنند. بلکه هدف آنها هدایت مردم و اصلاح جامعه است. امّا ساحران افرادی منحرف، اغفال‌گر و سودجو هستند، که هرگز روی رستگاری نمی‌بینند وَ لا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ «۱» و «۲» تذکر: همین تفاوت‌ها غالبا در مورد تفاوت معجزه با اعمال مرتاضان نیز صادق است. مرتاضان با نوعی ورزش جسمی- روحی توانایی انجام کارهای خارق عادت را پیدا می‌کنند که

در آن موارد نیز اراده شخص مرتاض همراه با اسباب غیر عادی در کار است. «۳»

ب: تفاوت معجزه و کرامت:

ب: تفاوت معجزه و کرامت: معجزه و کرامت هر دو عمل خارق العاده‌ای است که متکی بر نیروی ماوراء طبیعی است. اما چند تفاوت دارند: ۱. معجزه همراه با تحدّی (مبارزه‌طلبی) است امّا کرامت اینگونه نیست. از این رو کراماتی که از اولیاء الهی صادر می‌شود، مثل شفا دادن بیماران توسط امام رضا (ع) همراه با تحدّی نیست. ۲. معجزه همراه با ادعای نبوت یا منصبی الهی است امّا کرامات اینگونه نیست و صاحب کرامت ممکن است هیچ‌گونه ادعائی نداشته باشد. ۳. کرامات از اولیاء الهی صادر می‌شود چه پیامبر یا امام باشند یا نباشند. امّا معجزه از کسی صادر می‌شود که منصبی الهی (نبوت یا امامت) داشته باشد. تذکر: البته معجزه و کرامت هر دو از امور خارق العاده الهی شمرده می‌شود که قابل تعلیم و تعلّم نیست و تحت تأثیر نیروی قوی‌تری واقع نمی‌شود و مخصوص بندگان خاص خداست. «۴» پس انسان‌هایی که پیامبر یا امام نیستند هم می‌توانند اعمال خارق عادت داشته باشند که به آنها کرامت می‌گوییم. قرآن کریم به دو نمونه از این کرامات اشاره کرده که مورد استدلال متکلمان و مفسران (_____ ۱) یونس/ ۷۷. (۲) برای اطلاع بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸- ۳۵۹. (۳) ر. ک: علامه طباطبائی؛ اعجاز قرآن، ص ۱۲۲. (۴) برای اطلاعات بیشتر ر. ک: استاد مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵ و کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی و خواجه طوسی»، ص ۳۵۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۶ نیز واقع شده است. یکی از کرامات حضرت مریم (س) (مریم/ ۱۶ به بعد) و دوم داستان آصف و آوردن تخت بلقیس برای سلیمان (نمل/ ۳۸- ۴۰) «۱»

تناسب معجزه با زمان:

تناسب معجزه با زمان: پیامبران الهی وقتی به سوی ملتی مبعوث می‌شدند شرایط زمانی و مکانی و سطح علمی مردم را در نظر می‌گرفتند و مطالبی در خور فهم آنان می‌آورند و بیان می‌کردند. حتی معجزات انبیاء متناسب با علوم پیشرفته زمان خودشان بود. تا فرزانگان مردم زودتر و بهتر معجزات آنان را درک کنند و ایمان آورند. یعنی هر پیامبری با خارق عادتی، از نوع پیشرفته‌ترین علوم زمان خویش مجهز بوده است تا ارتباط او با عالم ماوراء طبیعت روشن‌تر گردد. و دانشمندان عصر در برابر آن خضوع کرده و به حقانیت آن اعتراف کنند. در حدیثی آمده که از امام رضا (ع) پرسیدند: چرا هر پیامبری نوعی از معجزات داشته است. حضرت فرمودند: «در عصر موسی سحر غالب بود و موسی (ع) عملی انجام داد که همه ساحران در برابر آن عاجز ماندند در زمان مسیح و محیط دعوت او پزشکان مهارت فوق العاده‌ای در معالجه بیماران داشتند، عیسی با درمان بیماران غیر قابل علاج، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به ثبوت رساند. و در عصر پیامبر اسلام (ص) غالب بر اهل زمان ادبیات (خطبه‌ها، کلام و شعر) بود. و پیامبر (ص) از طرف خدا مواعظ و حکمت‌هائی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجت بر آنها تمام شد.» «۲» البته معنای این حدیث این نیست که قرآن کریم فقط از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است بلکه معجزه‌ای جاویدان و برای همه زمان و مکان‌ها و مردم تا قیامت است. ابعاد اعجاز قرآن متنوع است و برای هر مردمی جنبه‌ای از اعجاز آن تبلور می‌یابد و درخشش دارد. (چنانکه خواهد آمد (_____ ۱) همان‌ها. (۲) کافی، ج ۱، ص ۴- ۵ و علامه مجلسی (ره)، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۱۰ و نیز استاد مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۸- ۴۱۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۷

اقسام معجزه:

اشاره

اقسام معجزه: معجزات از جهات گوناگون قابل تقسیم است که به آنها اشاره می کنیم:

الف: معجزه اقتراحی و غیر اقتراحی:

الف: معجزه اقتراحی و غیر اقتراحی: معجزه‌ای که با درخواست مردم انجام گرفته باشد معجزه اقتراحی نامند. و معجزه‌ای که بدون درخواست مردم انجام گرفته باشد معجزه غیر اقتراحی نامند (مثل نزول قرآن و ...)

ب: معجزه حسّی و عقلی:

ب: معجزه حسّی و عقلی: معجزه حسّی آن است که با حواس ظاهری انسان درک می‌شود مثل عصای موسی (ع) که مردم اعجاز آن را می‌دیدند. امّا معجزه عقلی آن است که پس از تعقل و تفکر اعجاز آن روشن می‌شود، مثل قرآن کریم.

پ: معجزه موقت و دائمی:

پ: معجزه موقت و دائمی: معجزه موقت معجزه‌ای است که مخصوص زمان و مکان خاصی است و بعد از آن از بین می‌رود ولی برای نسل‌های آینده حکایت می‌شود و اگر حکایت یقینی باشد برای مردم بعدی هم حجت است. مثل: ید بیضای موسی (ع) یا ناقه صالح و ... معجزه باقیه، دائمی یا جاویدان آن است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها اعجاز آن ادامه دارد و برای مردم اعصار بعد نیز حجت است و اعجاز آن قابل اثبات است. مثل قرآن کریم که معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) است. «۱» نکته: ادیانی که موقت بوده‌اند مثل یهودیت و مسیحیت معجزات آنها نیز موقت است امّا دین اسلام که همیشگی و تا قیامت است معجزه آن نیز دائمی و جاویدان است (_____. ۱) برای اطلاع بیشتر ر. ک: سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳ به بعد و نیز میر محمدی، تاریخ و علوم قرآن، ص ۱۸۵- ۱۸۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۸

د: اعجاز قرآن کریم و ابعاد آن:

درآمد:

درآمد: قرآن معجزه جاویدان پیامبر اسلام و سند زنده حقانیت راه اوست. قرآن عزیز تنها معجزه حاضر در عصر ماست که گواه همیشه صادق اسلام و راهنمای انسانها است. از تعریفهایی که برای معجزه بیان شد برمی‌آید که معجزه در اصطلاح عبارت از امر خارق عادتی است که برای اثبات ادعای نبوت آورده می‌شود بطوری که موافق ادعا باشد و شخص دیگری نتواند مثل آن را انجام

دهـد بلکه همه در آوردن آن عـاجز باشـند. ولی بـا این حـال معجزه امری منافی با حکم عقل یا باطل کننـده اصل علّیت نیست. «۱» اکنون پرسـش این است که اعجاز قرآن از کدام جهت است یعنی تحدّی قرآن به آوردن «مثل» آن یعنی چه؟ و مثلیت در چه جهتی مراد است. پاسخ به این پرسـش موضوع این قسـمت نوشـتار است که دیدگاهها را در این زمینه بررسـی می‌کند. این نوشتار در چند قسـمت ارائه می‌گردد. قسـمت اول: بررسـی تحـدّی و مبـارزه‌طلبی قرآن کریم (دلیـل اعجاز قرآن) قسـمت دوم: بررسـی دیـدگاهها درباره جهت اعجاز قرآن (رمز مثل نداشتن آن) قسمت سوم: راز اعجاز قرآن کریم.

قسمت اول: تحدّی قرآن کریم (دلیل اعجاز قرآن)

الف: آیات تحدّی (مبارزه‌طلبی)

الف: آیات تحـدّی (مبارزه‌طلبی) آیاتی که تحـدّی (مبارزه‌طلبی) قرآن در آنها مطرح شـده است چند گونه است. گاهی مردم را در مورد کل قرآن و یا ده سوره آن به مبارزه می‌طلبـد و گاهی می‌فرمایـد اگر می‌توانیـد یک سوره مثل آن بیاورید. به این آیات توجه کنیـد: قُـلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْـإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَـأْتُوا بِمِثْـلِ هـذَا الْقُرْآنِ لاـ یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کـانَ بَعْضُـهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً «۲» (_____ ۱) ر. ک: استاد میر محمدی، تاریخ و علوم قرآن، ص ۸۸ و علامـه طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۷۲ و تفسیر البیان آیة اللّه خوئی (ره)، ص ۲۰. (۲) اسراء/ ۸۸. پژوهشی در اعجـاز علمی قرآن، ص: ۶۹ «بگو اگر تمـامی انسـان و جن جمع شونـد تـا مثل این قرآن را بیاورنـد نخواهنـد توانست و لو آنکه برخی آنهـا به کمـک دیگران بشـتابند.» أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْـرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْـتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ «۱» «آیا می‌گوینـد که [محمـد (ص)] افترا می‌بنـدد (و کلام خود را کلام خـدا می‌خوانـد) پس ده سوره مانند آن بسازید و بیاوریـد و از هر کس، غیر از خـدا، می‌خواهیـد کمک بگیریـد، اگر راست می‌گوییـد.» وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُـهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صـادِقِینَ «۲» «و اگر در مورد آنچه به بنـده خود [محمد] نازل کردیم شـکی دارید پس سوره‌ای از جنس آن بیاورید و گواهان خود را، غیر از خدا بخوانید، اگر راسـتگویانید.» سوره یونس آیه ۳۸ نیز مضمونی شبیه آیه ۲۳ سوره بقره دارد. فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ با این تفاوت که کلمه «من» در سوره بقره هست اما در سوره یونس «مثله» بـدون کلمه «من» آمـده است. (در مورد این نکته بعـدا توضـیح خواهیم داد.) أَمْ یَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لا یُؤْمِنُونَ فَلْیَأْتُوا بِحَدِیثٍ مِثْلِهِ إِنْ کانُوا صادِقِینَ «۳» «یـا (آیـا) می‌گوینـد او قرآن را از خود بـافته است بلکه ایمـان نمی‌آورنـد. اگر راست می‌گوینـد پس کلامی مثل آن (قرآن) را بیاورنـد.» هر چنـد که ظـاهر کلمه «مثله» این است که کـل قرآن مراد باشـد ولی کلمه حـدیث «کلام» شامل کمتر از یک سوره هم می‌شود. و لـذا برخی احتمـال داده‌انـد که مقـدار معجزه بودن قرآن یـک سوره و یـا تعـدادی از آیات است که به انـدازه یک سوره باشد. «۴» تذکر: نکته جالب در آیات فوق این است: آنجایی که سخن از آوردن مثل کل قرآن یا ده سوره آن است سخنی از یاری افراد به همـدیگر است امـا جـائی که سـخن از یـک سوره و حـدیث است مسأله شاهـدان- و نه یاوران- را مطرح می‌کنـد. علت این تعبیرات شایـد این باشـد که در صورت اول این کـار برای یـک نفر مشـکل است و یا اینکه اشاره به وجود اعجاز قرآن و مراتب آن است (_____ ۱) هـود/ ۱۳. (۲) بقره/ ۲۳. (۳) طور/ ۳۳- ۳۴. (۴) ر. ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۰

ب: قلمرو تحدّی قرآن: مبارزه‌طلبی قرآن سه نوع شمول دارد

۱. شمول افرادی:

۱. شمول افرادی: قرآن می‌فرماید: لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هـذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ «۱» یعنی اگر همه افراد انسانها و حتی جن‌ها جمع شوند نمی‌توانند. مثل قرآن را بیاورند و به اصطلاح، عام افرادی است. بطوری که شامل همه افراد موجود انسانها و حتی افرادی که در آینده می‌آیند می‌شود.

۲. شمول زمانی:

۲. شمول زمانی: یعنی این دعوت و تحدّی قرآن از زمان صدر اسلام شروع شده و همیشه ادامه دارد و لذا می‌فرماید فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا «۲» اگر در گذشته نتوانستید مثل قرآن را بیاورید و هرگز هم نخواهید توانست.

۳. شمول احوالی:

۳. شمول احوالی: در هیچ حالی نمی‌توانید مثل قرآن را بیاورید یعنی اگر عرب و یا عجم، ادیب (متخصص ادبیات عرب) و یا متخصص در هر زمینه دیگر باشید نمی‌توانید مثل قرآن را بیاورید. البته این مطلب از اطلاق آیه استفاده می‌شود. «۳» و از این شمول و عموم و اطلاق آیه می‌توان استفاده کرد که آن جهت و رمز اعجاز قرآن باید چیزی دیگر باشد. که شامل همه زمانها و همه احوال باشد. و این در حالی است که برخی مثل شاطبی می‌گویند: اعجاز قرآن مخصوص زمان صدر اسلام است. و همین که ادیبان آن دوره نتوانستند مثل قرآن را بیاورند دلیل معجزه بودن قرآن است و در اعصار بعدی فقط به همین مطلب احتجاج می‌شود. «۴»

پ: مرجع ضمیر «من مثله»

پ: مرجع ضمیر «من مثله» در سوره بقره آیه ۱۲ میخوانیم: فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ در مورد مرجع ضمیر غایب «مثله» می‌توان چند احتمال را مطرح کرد: ۱. مرجع ضمیر قرآن (ما نزّلنا) باشد یعنی: «پس سوره‌ای از جنس (از مثل) قرآن بیاورید.»

(_____ ۱) اسراء/ ۸۸. (۲) بقره/ ۲۴. (۳) ر. ک: التمهید فی علوم قرآن، ج ۴، ص ۲۲، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۶ ق. (۴) الاعجاز البیانی، ص ۶۵- ۶۸ به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۲۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۱

از ظاهر آیه همین معنا استفاده می‌شود و مشهور در زبان‌ها هم همین است. و علامه طباطبائی (ره) در المیزان نیز این احتمال را ذکر می‌کند. «۱» ۲. مرجع ضمیر خدا باشد یعنی: «اگر می‌توانید سوره‌ای از مثل خدا بیاورید» این مطلب در کلام الزملکانی (م ۶۵۱ ق) به عنوان یک احتمال نقل شده که ضعیف است چرا که سیاق این آیه با آیه قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ «۲» واحد است در حالی که ضمیر در این آیه به خدا برنمی‌گردد. «۳» ۳. مرجع ضمیر به عبد (پیامبر (ص)) برمی‌گردد، یعنی: «پس سوره‌ای از مثل پیامبر (ص) (که امی است) بیاورید.» یعنی صدور یک سوره مثل سوره‌های قرآن از فردی درس نخوانده مثل پیامبر (ص) ممکن نیست. این احتمال را علامه طباطبائی در المیزان «۴» بیان می‌کند. تذکر: شاید این مطلب اشاره به مراتب اعجاز نیز باشد. یعنی آوردن یک سوره با توجه به اینکه همه جهات اعجاز را در برندارد از فردی امّی معجزه است و از افراد امّی برنمی‌آید همانطور که آوردن ده سوره (با توجه به محتوای آن سوره‌ها و جهات عدیده اعجاز آنها) از دست افراد کثیر با تخصص‌های گوناگون هم ساخته نیست. یعنی هر آیه‌ای خطاب به شخص یا اشخاص خاص (امی- جن و انس) است و مرتبه‌ای از اعجاز را بیان می‌کند. و شاهد این مطلب همان چیزی است که قبلا بیان کردیم که تحدّی قرآن در مورد

ده سوره و کل قرآن همراه با اشاره به یاوران انس و جن است اما در مورد تحدّی به یک سوره سخنی از آنها به میان نمی‌آید بلکه داوران و شاهدانی را برای قضاوت بین دو سوره که از فرد امی صادر می‌شود فرا می‌خواند. تا روشن شود که هیچ فرد امّی نمی‌تواند مثل پیامبر (ص) باشد و سوره‌ای معجزه‌آسا آورد. و از این مطلب جواب «الزملکانی» هم روشن شد که سیاق دو آیه یکسان نیست چرا که در سوره هود سخن از ده سوره- و نه یک سوره- است. و نیز در سوره هود مرجعی مثل «عبد» وجود ندارد و نیز کلمه «من» در آنجا نیست. پس هر چند ظاهر آیه معنای اول را نشان می‌دهد اما معنای سوم دقیق‌تر بنظر می‌رسد. (_____ ۱) المیزان، ج ۱، ص ۵۸. (۲) هود/ ۱۳ بگو پس ده سوره مانند آن (قرآن) بیاورید. (۳) التمهید، ج ۴، ص ۷۷. (۴) المیزان، ج ۱، ص ۵۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۲ ۴. علامه طباطبائی (ره) در المیزان «۱» احتمال دیگر نیز مطرح می کند که ضمیر به خود سوره (بقره مثلا) برگردد. و سپس آن احتمال را تضعیف می کند.

قسمت دوم: دیدگاهها درباره جهت اعجاز قرآن (سرّ مثل نداشتن آن):

اشاره

قسمت دوم: دیدگاهها درباره جهت اعجاز قرآن (سرّ مثل نداشتن آن): در این مورد آراء و نظریه‌های متفاوتی از زمانهای قدیم مطرح بوده است ولی این نظریه‌ها را می‌توان در یازده دیدگاه خلاصه کرد، که ما به آنها اشاره می کنیم و به مهمترین طرفداران هر دیدگاه اشاره می کنیم، و اگر یک نفر در مورد چند دیدگاه نظر مثبت دارد او را در همه موارد ذکر می کنیم:

اول: فصاحت و بلاغت:

اول: فصاحت و بلاغت: یعنی قرآن یک معجزه ادبی است به طوری که فصیح بودن آن در حد اعلای فصاحت و بلیغ و رسا بودن آن نیز کامل است به طوری که در قبل و بعد از ظهور اسلام هیچ شعر یا خطبه و کلام عربی به پایه آن نرسیده است. «۲»

دوم: سبک و نظم خاص قرآن:

دوم: سبک و نظم خاص قرآن: هر چند قرآن از حروف و کلمات معمولی زبان عرب تشکیل شده است اما نظم خاص خود و تألیف منحصر به فرد آن در ترکیبات کلامی آن معجزه است یعنی سبک خاص آن، نه شعر، نه نظم است بلکه کلامی خاص است که قابل تقلید نیست. چرا که خداوند از همه حروف و کلمات و ترکیبات آگاهی دارد و بهترین آنها را انتخاب (_____ ۱) المیزان، ج ۱، ص ۵۸. (۲) این نظریه شاید مشهورترین دیدگاه در باب اعجاز قرآن است و از جمله کسانی که آن را پذیرفته‌اند میتوان از این افراد نام برد: ۱. عبد القادر الجرجانی (م ۴۷۱ ق) (دلایل الاعجاز و الشافیهٔ به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۱۴.) ۲. السکاکی (م ۵۶۷ ق) (مفتاح العلوم، ص ۱۹۶- ۱۹۹.) ۳. فخر الدین الرازی (م ۶۰۶ ق) (نهایهٔ الایحار فی درایهٔ الایحار به نقل از التمهید، ج ۴، ص ۵۰.) ۴. قاضی عبد الجبار (م ۴۱۵ ق) (شرح الاصول الخمسهٔ، للقاضی عبد الجبار، ص ۵۸۶- ۵۹۴.) ۵. ابن میثم البحرانی (۶۳۶- ۶۹۹ ق) او این دیدگاه را به اکثر معتزله نسبت می‌دهد. (التمهید، ج ۴، ص ۸۰). ۶. شیخ محمد عبده. (همان، ص ۱۲۹.) ۷. شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (۱۳۷۳ ق) (همان، ص ۱۳۲.) ۸. استاد آیهٔ الله سید ابو الفضل میر محمدی در کتاب تاریخ و علوم قرآن، (معاصر) (تاریخ و علوم

قرآن، ص ۲۰۰ چاپ دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم بهار ۱۳۷۵.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۳ کرده است ولی ما نه علم کامل الهی را داریم و نه قدرت او را و لذا نمی‌توانیم مثل او سخنی بگوئیم. «۱»

سوم: شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن یا روحانیت قرآن:

سوم: شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن یا روحانیت قرآن: از همان اوایل بعثت پیامبر (ص) تأثیر شگرف قرآن در قلوب مردم واضح بود به طوری که مشرکین عرب، مردم را از گوش دادن به قرآن منع می‌کردند تا جذب کلام الهی نشوند. و شیرینی آن را نچشند. و همین مطلب امروزه گاهی، تحت عنوان «موسیقی قرآن» خوانده می‌شود که برخی از متأخران مصر و ایران به آن تمایل دارند. و می‌گویند این جنبه از قرآن معجزه است و دیگران از آوردن کلامی که چنین تأثیری داشته باشد عاجزند. «۲»

چهارم: معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امّی:

چهارم: معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امّی: وقتی معارف قرآن در زمینه توحید و صفات خدا با دیگر کتابهای آسمانی و سخنان فلاسفه و حکما، مقایسه می‌شود متوجه می‌شویم که قرآن چیز دیگری است که عقل‌ها را متحیر می‌نماید. و دیگران از آوردن معارفی مثل آن عاجزند و این در حالی است که همه این

(_____۱) از جمله قائلین به این نظریه می‌توان از این افراد نام برد: ۱. ابن سلیمان الخطابی البستی (م ۳۸۸ ق) (ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، الرسالة الاولی الخطائی، ص ۹- ۲۱.) ۲. ابن عطیه (م ۵۴۲ ق) (الزرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۹۷.) ۳. الراغب الاصفهانی (م ۵۰۲ ق) (مقدمه تفسیر، ص ۱۰۴- ۱۰۹). ۴. الشیخ الطوسی (ره) (م ۴۶۰ ق) (الاقتصاد فی اصول الاعتقاد، ص ۷۴- ۱۶۶.) ۵. القطب الراوندی (۵۷۳ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۶۴.) ۶. الزملکانی (م ۶۵۱ ق) (همان، ۷۵.) ۷. شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (همان، ص ۱۳۲.) ۸. شیخ محمد جواد بلاغی (همان، ص ۱۳۳.) ۹. استاد سید ابو الفضل میر محمدی نیز همین نظر را تقویت می‌کند. (در کتاب تاریخ و علوم قرآن، ص ۲۰۰.). (۲) از جمله کسانی که قائل به این سخن است: ۱. ابن سلیمان البستی (م ۳۸۸ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۳۸.) ۲. سید قطب (همان، ص ۱۰۴.) ۳. استاد مصطفی محمود (همان، ص ۱۰۶.) ۴. دکتر محمد عبد الله دراز (همان، ص ۱۱۲.) ۵. محمد صادق الرافعی. (همان، ص ۱۱۸.) ۶. استاد محمد فرید وجدی. (همان، ص ۱۲۷.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۴ معارف توسط یک فرد امّی (بی‌سواد) بیان شده است قائل این سخن آیة الله خوئی (ره) است. «۱»

پنجم: قوانین محکم قرآن:

پنجم: قوانین محکم قرآن: نظام تشریع و قانون‌گذاری قرآن از چنان متانت و استواری برخوردار است که هیچ کس قادر نیست مثل آن را بیاورد بلکه انسان‌ها هر قانونی که می‌گذارند پس از گذشت چندی اشکالات و سستی آن آشکار می‌شود و خود ناچار به تغییر آن می‌شوند. برای مثال قرآن به نظام عدل و وسط، برادری و علم دعوت می‌کند و در جایی که به آخرت می‌پردازد دنیا را هم فراموش نمی‌کند. قائل این سخن نیز آیة الله خوئی (ره) است. «۲»

ششم: برهان‌های عالی قرآن:

ششم: برهان‌های عالی قرآن: قرآن کریم وقتی سخن از توحید و معاد و نبوت می‌کند چنان استوار و بر اساس قوانین صحیح فکر

(منطق) سخن می گوید، تو گویی پیامبر اسلام (ص) ده‌ها سال منطق و فلسفه خوانده است در حالی که او یک فرد امّی بود. این، اعجاز قرآن را می‌رساند چرا که هیچ فرد امّی نمی‌تواند اینگونه سخن بگوید. از جمله قائلین این سخن شیخ محمد جواد بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمن است. «۳»

هفتم: خبرهای غیبی از گذشته و آینده:

هفتم: خبرهای غیبی از گذشته و آینده: قرآن در موارد متعددی از اقوام گذشته که اثری از آنها نبود مثل قوم لوط و عاد و ثمود و ... سخن گفته است و اکتشافات بعدی باستان‌شناسان این مسائل را اثبات کرده و می کند. و یا در مواردی از مسائل آینده سخن می‌راند مثل پیش‌بینی شکست ایران از روم که به وقوع پیوست. این اخبار غیبی است که بشر عادی از آوردن مثل آن عاجز است. «۴» (_____ ۱) البیان فی تفسیر القرآن، المقدمه، ص ۴۳- ۹۱ و التمهید، ج ۴، ص ۱۳۵. (۲) البیان فی تفسیر القرآن، المقدمه، ص ۴۳- ۹۱ و التمهید، ج ۴، ص ۱۳۵. (۳) التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳. (۴) از جمله قائلین این دیدگاه این افراد هستند: ۱. القطب الراوندی (م ۵۷۳ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۶۴.) ۲. سید عبد الله شبر (م ۱۲۴۲ ق) (همان، ص ۱۰۰.) ۳. شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ ق) (همان، ص ۱۳۲.) ۴. آیة الله خوئی (ره) (البیان، ص ۴۳- ۹۱.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۵

هشتم: اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی):

هشتم: اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی): یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی واداشت و برخی صاحب‌نظران علوم قرآن بدان تصریح کرده‌اند همان گزاره‌های قرآن در مورد مسایل علمی مثل: زوجیت گیاهان و حرکت خورشید و زمین است. در حالی که انسانها تا قرن‌ها بعد از نزول قرآن بدان مطالب علمی دسترسی نداشتند. یا به نظریه بطلمیوسی که بر خلاف آنهاست، معتقد بودند. «۱»

نهم: استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن):

نهم: استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن): قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر (ص) نازل شد که گاهی در شرایط جنگ، صلح، سفر و ... بود ولی با این حال اختلاف و تناقضی در بیانات قرآنی وجود ندارد. در حالی که اگر یک نویسنده در طی چند سال مشغول نوشتن باشد گاهی در ابتدا و انتها و مطالب داخل نوشته تناقضاتی به چشم می‌خورد. این مطلب، اعجاز قرآن را می‌رساند که هیچ انسانی نمی‌تواند مثل قرآن اینگونه سخن گوید. از جمله کسانی که این نظریه را پذیرفته‌اند آیة اللّه خوئی (ره) در البیان است. «۲» همچنین شیخ محمد جواد بلاغی نیز قبل از ایشان قائل به این نظر شده‌اند. «۳»

دهم: ایجاد انقلاب اجتماعی:

دهم: ایجاد انقلاب اجتماعی: برخی از صاحب‌نظران برآنند که اعجاز قرآن کریم این است که تغییر عظیم و جدّی و انقلاب بزرگی در حیات انسان به وجود آورده است که با قوانین عادی و تجربی بشر در اجتماع و سنن تاریخی سازگار نیست. به عنوان نمونه وضع اجتماع اعراب جزیرة العرب را مثال می‌زنند که قبل از اسلام با تمدن و مدنیت آشنا نبودند ولی کتابی مثل قرآن از آنجا برخاست در حالی که هر کتاب آئینه_____

(۱) از جمله کسانی که قائل به این مطلب است: ۱. آیة الله خوئی (ره) در تفسیر البیان است. (البیان، ص ۴۳- ۹۱.) ۲. سید عبد الله شبر (م ۱۲۴۲ ق) (۲) البیان، ص ۴۳- ۹۱. (۳) التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۶ فرهنگ و علم جامعه خویش است اما قرآن کریم برخلاف قوانین طبیعی و اجتماعی بوجود آمد و توانست جامعه عرب را صاحب فرهنگ و تمدن جدیدی کند. «۱»

یازدهم: صرفه:

یازدهم: صرفه: برخی معتقدند که اعجاز قرآن از آن جهت است که خداوند اجازه نمی‌دهد کسی مثل قرآن را بیاورد یعنی قدرت را از مخالفین سلب می‌کند. البته این نظریه به سه صورت تصویر شده است. «۲» اول: این که بگوئیم خداوند انگیزه افراد مخالف قرآن را سلب می‌کند. دوم: اینکه بگوئیم خداوند علوم لازم آنها را سلب می‌کند. سوم: اینکه بگوئیم با اینکه قصد مخالفت دارند و قدرت برآوردن مثل قرآن دارند، اما خداوند جلوی آنها را جبرا می‌گیرد. البته به این دیدگاه جواب‌های متعددی داده شده است. «۳» و معمولا اساتید و صاحب‌نظران علوم قرآن این دیدگاه را نمی‌پذیرند. «۴»

دوازدهم: همه این جهات از اعجاز قرآن است (مگر صرفه):

دوازدهم: همه این جهات از اعجاز قرآن است (مگر صرفه): این حاصل کلام علامه طباطبائی (ره) و آیة اللّه خوئی (ره) و نیز استاد معرفت است که در ادامه نوشتار بدان می‌پردازیم. این دیدگاه در بین علمای سابق هم طرفدارانی داشته است مثل: ۱. سید عبد الله شبر (م ۱۲۴۲ ق) «۵» ۲. شیخ محمد جواد بلاغی. «۶»

(_____ ۱) سید محمد باقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۹- ۱۳۰. (ایشان برخی مقالات شهید صدر را در متن کتاب به صورت کامل آورده است. و این مطلب از آن مقالات است.) (۲) التمهید، ج ۴، ص ۱۴۱. (۳) ر. ک: التمهید، ج ۴، ص ۱۵۲. (۴) برخی از کسانی که قائل به این سخن هستند، عبارتند از: ۱. ابن اسحاق النظام (م ۲۳۱ ق) (التمهید، ج ۴، ص ۱۴۱.) ۲. الشریف المرتضی (سید مرتضی) (م ۴۳۶ ق) (همان، ص ۱۸۰.) (۵) حق الیقین، ج ۱، ص ۹۹- ۱۰۱. (۶) التمهید، ج ۴، ص ۱۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۷

نظریه مختار و بررسی آن

نظریه مختار و بررسی آن قرآن کریم دارای ابعاد گوناگونی مثل فصاحت، بلاغت، اخبار غیبی گذشته و آینده، اسرار علمی، موسیقی خاص (جذب نفوس یا روحانیت خاص قرآن)، معارف عالی، قوانین محکم، براهین عالی و استقامت بیان است. که همه این ابعاد از اعجاز قرآن است. و فقط قرآن از لحاظ صرفه معجزه نیست. بلکه صرفه باطل است. البته همان‌طور که گذشت این دیدگاه مورد قبول ما، یعنی دیدگاه دوازدهم، در علمای سابق و حاضر طرفدارانی دارد و هر کدام این دیدگاه را به روش خاصی تفسیر کرده‌اند. که به برخی آنها اشاره می‌کنیم: ۱. از کلمات علامه طباطبائی (ره) و آیة الله معرفت برمی‌آید که: تمام ابعاد قرآن معجزه است ولی با اختلاف مخاطبین متفاوت است. برای مثال قرآن معجزه ادبی برای ادیبان و معجزه سیاسی برای اهل سیاست و معجزه در حکمت برای حکیمان و ... است. بنابراین نظریه اعجاز قرآن، شامل همه افراد و همه زمانها و همه حالات می‌شود. «۱» ۲. شیخ محمد جواد بلاغی صاحب تفسیر آلاء الرحمن می‌فرماید: برای اعراب و بقیه مردم ابعاد دیگر اعجاز (مثل اسرار غیبی و ...) وجود دارد. «۲» آیة الله معرفت می‌فرماید اگر چه ظاهر قرآن این است که (با توجه به تبحّر مردم عرب صدر اسلام در علوم ادبی)

اعجاز قرآن از جنبه فصاحت و بلاغت است اما در دوره‌های بعد که خطاب عمومی شد و شامل همه بشریت گردید تحدّی قرآن هم با همه جهات صورت می‌گیرد و منحصر در فصاحت و بلاغت نیست. «۳» ۳. آیة الله خوئی (ره) نیز همه این ابعاد را نشانه اعجاز قرآن می‌داند. اما آن را منحصر به مخاطبین عرب یا عجم و یا اهل فن و علم خاص نمی‌کند. «۴»

(_____ ۱) المیزان، ج ۱، ص ۵۷- ۶۷ و التمهید، ج ۴، ص ۲۳ و ص ۱۳۴. (۲) التمهید، ج ۴، ص ۱۸۰. (۳) همان، ص ۲۳. (۴) البیان، ص ۴۳- ۹۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۸

دلایل و شواهد:

دلایل و شواهد: طرفداران دیدگاه دوازدهم، در لابلای بحث‌ها دلایلی را می‌آورند از جمله می‌فرمایند: اول: اگر اعجاز قرآن منحصر به فصاحت و بلاغت باشد، اعجاز قرآن منحصر به اعراب می‌شود که این مطلب را درک می‌کنند آن هم اعرابی که ادیب باشند. در حالی که قرآن برای همه بشر آمده و همانگونه که گذشت تحدّی آن هم از جهت افراد و زمانها شمول دارد. «۱» دوم: از آنجا که فصاحت و بلاغت امری مبهم و ذوقی است و معیار کاملی ندارد، لذا انحصار اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت موجب شد که برخی از بزرگان در دامن قول به صرفه بیفتند، از جمله سید مرتضی (ره) و دیگران که دیدند کلمات فصیح و بلیغ در عرب زیاد است و برخی در الفاظ مشابه سوره‌های کوچک قرآن است (هر چند در محتوا به پای آن نمی‌رسید) و لذا دیدگاه صرفه را پذیرفتند. «۲» بررسی و اشکالات: در مورد این نظریه دو اشکال اساسی مطرح شده است که عبارتند از: اول: اگر اعجاز قرآن شامل غیر از فصاحت و بلاغت باشد (یعنی اعجاز علمی و اسرار غیبی و ...) در این صورت این اعجاز در همه سوره‌ها یافت نمی‌شود. «۳» در این مورد می‌توان به دو گونه پاسخ داد: الف: جواب نقضی: برخی از وجوه اعجاز قرآن مثل تأثیر در نفوس (اعجاز روحانی یا موسیقی خاص قرآن) در همه سوره‌ها یافت می‌شود پس باید آن را هم ملحق به فصاحت و بلاغت کنند و از وجوه اعجاز قرآن بدانند چرا که در همه سوره‌ها هست و کسی هم نتوانسته مثل آن را بیاورد. ب: جواب حلّی: از آنجا که قبلا ثابت کردیم که اعجاز قرآن شامل همه افراد و حالات بشر و زمانها می‌شود پس تحدّی قرآن به نسبت به هر مخاطب خاصی به نوع ویژه‌ای است یعنی به ادیب می‌گوید اگر می‌توانی مثل قرآن را در فصاحت و بلاغت بیاور و به هر متخصص بر طبق تخصص او تحدّی می‌کند پس وجه اعجاز هر سوره، نسبت به هر شخص متفاوت است.

(_____ ۱) ر. ک: المیزان، ج ۱، ص ۵۷- ۶۷ و التمهید، ج ۴، ص ۲۳ به بعد. (۲) ر. ک: التمهید، ج ۴، ص ۱۷۱. (۳) ر. ک: استاد میر محمدی، تاریخ علوم قرآن، ص ۲۰۰ و نیز التمهید، ج ۴، ص ۷۷ و ۱۰۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۷۹ علاوه بر آنکه در بخش اول بیان کردیم که قرآن در جائی که اعجاز را در یک سوره و کلام کوتاه مطرح می‌کند فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ «۱» صدور یک سوره از یک فرد امّی را مطرح می‌کند بنابراین که (ضمیر «من مثله» به عبد، که پیامبر است برگردد) پس در آن مورد و بر طبق ظاهر قرآن تحدّی به فصاحت و بلاغت و امثال این امور است. اما در جائی که تحدّی به همه قرآن یا ده سوره می‌شود همه افراد بشر را به مبارزه می‌طلبد و لذا بر طبق استعداد و تخصص افراد همه ابعاد اعجاز مطرح می‌گردد. دوم: فصاحت و بلاغت قرآن در خود قرآن وجود دارد و از لحاظ قرآن بودن معجزه است. اما ابعاد دیگر اعجاز مثل اخبار غیبی و اسرار علمی به هر زبان یا در هر کتابی که باشد معجزه است و اعجاز آنها ربطی به قرآن بودن آنها ندارد. یعنی اگر کسی با لفظ فارسی یا انگلیسی هم خبر غیبی بدهد آیه و معجزه است در صورتی که ما می‌خواهیم اعجاز خاص قرآن را ثابت کنیم. پاسخ: در آیات تحدّی کلمه «مثل» «۲» آمده است، و این کلمه اطلاق دارد یعنی نفرموده است که: «اگر می‌توانید مثل الفاظ قرآن را در فصاحت و بلاغت آورید.» بلکه فرموده است که: «اگر می‌توانید

مثل قرآن را بیاورید.» یعنی مثل الفاظ و ترکیبهای قرآن یا مثل معانی بلند و اخبار غیبی آن. البته اعجاز قرآن در الفاظ و ترکیب‌های کلامی با توجه به مضامین و معانی و محتوای خاص آن است. پس اگر کسی الفاظی و ترکیبی فصیح و بلیغ شبیه قرآن بیاورد که محتوای آن را نداشته باشد، نتوانسته است مثل قرآن را بیاورد. «۳» و نیز اگر کسی محتوا و اخبار غیبی بیاورد که دارای الفاظ عربی و ترکیبهای فصیح و بلیغ مشابه قرآن نباشد نتوانسته است مثل قرآن را بیاورد. پس نه لفظ فصیح و بلیغ قرآن و نه محتوای آن به تنهایی قرآن نیست هر چند که هر کدام از آنها بعدی از اعجاز قرآن است چون در حد اعلا واقع شده و بشر نتوانسته نظیر آنها را بیاورد (_____. ۱) بقره/ ۲۳. (۲) بقره/ ۲۳.

(۳) از همین روست که گفته‌اند ترجمه کامل قرآن به زبان دیگر بطوری که، مثلا قرآنی به زبان فارسی داشته باشیم، ممکن نیست چون نمی‌توان همه خصوصیات محتوا و لفظ را از زبان عربی قرآن به زبان دوم منتقل کرد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۰

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: بنابر آنچه که گذشت، اعجاز قرآن ابعاد متعددی مثل فصاحت، بلاغت، محتوا، اخبار غیبی و ... دارد. وجه و جهت تحدّی و مبارزه‌طلبی قرآن همه وجوه اعجاز قرآن است (غیر از صرفه که باطل است) البته جهات اعجاز قرآن نسبت به مخاطبین مختلف، متفاوت است و هر کسی را بر اساس تخصص و استعداد او و در همان زمینه به مبارزه می‌طلبد. هر چند اعجاز قرآن و تحدّی آن شامل همه زمانها می گردد. و همینکه در طول چهارده قرن کسی نتوانسته مثل قرآن را بیاورد، اعجاز قرآن و حقانیت و صداقت پیامبر اسلام (ص) ثابت می‌شود.

قسمت سوم: راز اعجاز قرآن:

قسمت سوم: راز اعجاز قرآن: چرا پس از چهارده قرن هنوز کسی نتوانسته است به تحدّی (مبارزه‌طلبی) قرآن پاسخ دهد و سوره‌ای مثل آن بیاورد. رمز این عجز و ناتوانی در چیست؟ آیا انسانها، زبان عرب و قواعد آن را نمی‌دانند یا نمی‌توانند فراگیرند؟ آیا علم بشر ناکافی است؟ همین پرسش مشکل است که برخی از متفکران و صاحب‌نظران را به دامن «صرفه» انداخته است. در پاسخ به این پرسش می‌توان اینگونه گفت: قرآن کلامی است که از جهات و ابعاد گوناگون معجزه است قرآن کتابی است با الفاظ محدود و معانی بسیار و عالی، قرآن کتابی است با الفاظ عربی معمولی اما در اوج فصاحت و بلاغت که مثل آن وجود ندارد. قرآن مثل هر کتاب دیگر از سه عنصر «لفظ، معنا و نظم» تشکیل شده است پس اگر کسی بخواهد کتابی مثل قرآن بیاورد باید حدّاقل سه شرط داشته باشد: ۱. علم به تمام الفاظ، اسمها، فعل‌ها و ... داشته باشد بطوری که بتواند بهترین و مناسبترین آنها را در هر جمله به کار بندد. ۲. عقل او تمام معانی الفاظ، اسمها، فعل‌ها و ... را بفهمد تا بتواند در موقع سخن گفتن بهترین و مناسبترین معنا را در مورد مقصود خود ارائه دهد. ۳. علم به تمام وجوه نظم کلمات و معانی داشته باشد تا بتواند در مواقع لزوم بهترین و مناسب‌ترین آنها را برای کلام خویش انتخاب کند. از آنجا که این (الفاظ، معانی، نظم آنها) هنگامی که در همدیگر ضرب شوند یک مجموعه بی‌نهایت (به اصطلاح ریاضی) را تشکیل می‌دهند. لذا تسلط و احاطه بر آنها و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۱ حضور ذهن در مورد همه این امور برای یک انسان مقدور نیست. علاوه بر آنکه مطالب و محتوای عالی قرآن و اسرار علمی و جهات دیگر آن، خود، علومی دیگر را می‌طلبد که در دسترس بشر نیست. پس تنها خداست که بر همه چیز احاطه دارد و علم او نامحدود است و می‌تواند این مجموعه را یکجا در نظر گیرد و کتابی بوجود آورد که فصیح‌ترین الفاظ، صحیح‌ترین معانی و بهترین نظم را استفاده کند: أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ «۱» آری به نظر می‌رسد که سرّ عجز انسان در آوردن مثل قرآن و راز اعجاز این کتاب الهی در محدودیت علم و عقل بشر و نامحدود بودن علم و عقل خدا نهفته است: وَ ما أُوتِیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیلًا. «۲» و از این روست که هر چه

علم بشر بیشتر رشد کند و عقل و تفکر او قوی‌تر و عمیق گردد، بهتر می‌تواند، اسرار الفاظ، معانی و نظم قرآن را دریابد و بر اعجاب او نسبت به این کتاب آسمانی افزوده می‌شود، ولی هیچگاه قادر نخواهد بود، مثل آن را بیاورد. قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هـذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً «۳» «بگو اگر تمام انسان و جن جمع شوند تا مثل این قرآن را بیاورند، نخواهند توانست و لو آنکه برخی آنها به کمک دیگران بشتابند.»

ذ: انطباق قرآن با علوم تجربی، اثبات‌گر اعجاز علمی قرآن است.

اشاره

ذ: انطباق قرآن با علوم تجربی، اثبات گر اعجاز علمی قرآن است. قرآن معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) و دلیل نبوت و راستگویی پیامبر است، یعنی دلیل اعتبار اسلام است، ولی اعجاز قرآن، از جهات گوناگون اثبات شده است. از آن جمله: اعجاز در الفاظ، محتوا، عدم تناقض در مفاهیم آن، آهنگ قرآن، نفوذ آیات آن در دلها، پیشگوئیها و اخبار غیبی قرآن شمرده شده است. «۴» ولی اعجاز علمی قرآن، در قرنهای اخیر بین مفسران جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ چون علوم تجربی تکامل یافت و رشد سریع نمود و رازهای علمی قرآن را آشکار کرد و این در

(۱) بقره/ ۱۰۶. (۲) اسراء/ ۸۵. (۳) اسراء/ ۸۸. (۴) در این مورد به تفاسیر قرآن، از جمله: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۸- ۸۳ و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۱ و ج ۲، ص ۴۳۲ و ج ۳، ص ۳، و ج ۷، ص ۶۴ و ج ۸، ص ۲۸۹ و ج ۱۱، ص ۴۱۰ و ج ۱۲، ص ۲۷۵ و ج ۱۵، ۵۶۸ و ج ۲۰، ص ۲۸۹ مراجعه شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۲ حالی بود که کتاب مقدس (تورات و انجیل) هر روز با پیشرفت علوم، عقب‌نشینی کرد و تحریفات آن برملا گردید. از این رو مفسران در موارد متعدد به اعجاز علمی قرآن (آیاتی که از قوانین و یافته‌های علمی بشر، در چندین قرن بعد خبر می‌دهد) اشاره کرده‌اند «۱» و حتی دانشمندان اروپایی به ابعاد علمی قرآن، اعتراف نموده‌اند. برای مثال، لورا واکسیا واگلیری استاد دانشگاه ناپل می گوید: ما در این کتاب گنجینه‌ها و ذخایری از علوم می‌بینیم که فوق استعداد و ظرفیت با هوش‌ترین اشخاص و بزرگترین فیلسوفان، قویترین رجال سیاست و قانون است و بدلیل این جهات است که قرآن نمی‌تواند، کار یک مرد تحصیل کرده و دانشمند باشد. «۲»

تذکر مهم:

تذکر مهم: توافق قرآن با علوم جدید، بر سر یک مطلب علمی، اعجاز قرآن را اثبات می کند، اما ناگفته نماند که اعجاز قرآن، منحصر در همین بعد آن نیست. پس اگر مطالب علمی قرآن توسط علوم تجربی، مورد تأیید قرار نگرفت، موجب بی‌اعتباری قرآن نمی‌شود؛ چون اعجاز قرآن از راه‌های متعدد ثابت شده است و اگر از لحاظ علمی هم، در بعضی موارد اثبات شود شاهد دیگری، بر اعجاز آن است و اگر ثابت نشود، ضرری به اعتبار قرآن نمی‌زند. به عبارت دیگر، رابطه مطالب علمی قرآن با علوم تجربی، سه صورت دارد: الف: مطالب علمی قرآن که مورد تأیید علوم قرار گرفته، در بسیاری موارد شگفتی دانشمندان جدید را برانگیخته که چگونه یک کتاب مذهبی، در چهارده قرن قبل، از جدیدترین نظریات علمی با دقت سخن گفته است مانند: حرکت خورشید، زوجیت گیاهان و ... که ما در بخش‌های بعدی کتاب، نمونه‌های آنها را می‌آوریم. ب: مطالب علمی که در قرآن وجود دارد و با نظریات علوم تجربی، ناسازگار می‌نماید که این بحث مربوط به تعارض علم و دین می‌شود که تعارض علم قطعی، با دین ممکن نیست بلکه این تعارض ظاهری است که با دقت بیشتر برطرف می‌شود. ج: مطالب علمی که در قرآن هست، ولی توسط علوم

تجربی، اثبات یا نفی نشده (_____ ۱) در این مورد به تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۳۵ و ج ۸، ص ۲۲۷ و ج ۱۰، ص ۱۱۹ و ج ۱۱، ص ۱۸۳ و ج ۱۵، ص ۵۶۸ و ... مراجعه شود. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۸ از کتاب پیشرفت سریع اسلام نقل می‌کنند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۳ است و ممکن است قرنها بعد با پیشرفت علوم، کشف شود و هیچ دلیلی بر رد آنها نداریم، بنابراین مانعی در اعتقاد به آنها وجود ندارد. اشکالات مخالفان: بعضی مخالفین تفسیر علمی، می‌گویند که این نوع تفسیر، اعجاز قرآن را اثبات نمی‌کند زیرا: ۱. اینکه بعضی مطالب علمی قرآن، با اکتشافات جدید مطابق است، ثابت می‌کند که قرآن را یک نفر انسان عادی بیان نکرده، بلکه از طرف خدای دانای به حقایق نازل شده است ولی این مطلب نمی‌رساند که قرآن معجزه است چون تورات و انجیل اصلی هم، از طرف خدا نازل شده ولی معجزه نبود؛ بلکه اعجاز قرآن که تحدّی قرآن برای آن است در مورد اعجاز بیانی و ادبی قرآن است که کسی مثل آنرا نمی‌توانست و نمی‌تواند بیاورد. ۲. آیات و مطالب علمی قرآن در همه سوره‌ها نیست، در حالی که تحدّی قرآن این است که أَمْ يَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ «۱»، وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ. «۲» «یک سوره مانند قرآن را بیاورید» پس اعجاز قرآن با هر سوره‌ای اثبات می‌شود، در حالی که طبق نظریه اعجاز علمی، فقط سوره‌هایی که آیات علمی دارد، اعجاز را ثابت می‌کند. ۳. این نوع اعجاز را فقط اهل علم و کسانی که تخصص در علوم تجربی دارند می‌فهمند در حالی که قرآن معجزه‌ای برای همه افراد است. ۴. بحث اعجاز قرآن با علم تفسیر مخلوط شده است؛ چون هدف علم تفسیر بیان معانی الفاظ و جملات است ولی هدف اعجاز، دلیل آوردن بر صدق سخن پیامبر (ص) است و این دو با هم ربطی ندارد. «۳»

پاسخ اشکالات:

پاسخ اشکالات: ۱. معجزه، عملی خارق عادت است که از کسی که ادعای نبوت دارد برای اثبات صدق ادعای او و با اذن خدا صادر می‌شود و دیگران از آوردن مثل آن ناتوان هستند. کسانی که می‌گویند مطالب علمی قرآن، بر اعجاز آن دلالت دارد، منظورشان این است که آورده شدن مطالب علمی در چهارده قرن قبل که دانشمندان، بعد از قرنها آنها را از (_____ ۱) یونس/ ۳۸. (۲) بقره/ ۲۲. (۳) احمد عمر ابو حجر، التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۱۳۰- ۱۳۸، چاپ دار القتیبهٔ- بیروت ۱۴۱۱ ق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۴ طریق علوم تجربی کشف کردند، نشان می‌دهد که قرآن، کلام صادر شده از یک انسان معمولی نیست، بلکه از طرف خدا آمده است (تا اینجا با اشکال کننده توافق داشتیم) پس انسان عادی نمی‌تواند مانند این مطالب علمی را بیاورد، نه در عصر پیامبر (ص) می‌توانستند و نه الان کسی می‌تواند، مطالب علمی قرنها بعد را بیان کند. پس قرآن معجزه بوده و الان هم نسبت به مطالب علمی که یک قرن بعد، کشف می‌شود معجزه است (در عین حال که اعجاز ادبی آن هم پابرجاست.) اینکه ما از قرآن در هر زمان، یک مطلب جدید به دست می‌آوریم، خود اعجاز کلام را می‌رساند و برای اثبات اعجاز قرآن (یا از طرف خدا بودنش) احتیاج به دلیلی غیر خودش نداریم. تورات و انجیل از طرف خدا بود ولی اثبات صدق موسی (ع) و عیسی (ع) بوسیله تورات و انجیل نبود (پس نفس تورات و انجیل معجزه نبود به خلاف قرآن) بلکه اثبات تورات و انجیل (که کلام خدا باشد) احتیاج به معجزه و دلیل صدق (مثل عصای موسی) داشت همانطور که این معجزه اصل نبوت آنان را نیز اثبات می‌کرد. به عبارت دیگر در مورد قرآن، معجزه و کتاب پیامبر (ص) (که کلام خداست) یکی شده است اما در مورد تورات و انجیل این دو از هم جدا می‌شود؛ یعنی مطالب علمی قرآن دو چیز را اثبات می‌کند: اول معجزه بودن قرآن و دوم اینکه از طرف خدا نازل شده است. ۲. اعجاز علمی قرآن، در بعضی سوره‌ها برای ما آشکار شده و در بعضی سوره‌ها آشکار نشده است و روشن نشدن آنها دلیل بر عدم اعجاز علمی آن

سوره‌ها نیست. از طرف دیگر کسی که ادعا می کند قرآن اعجاز علمی دارد نمی گوید تک‌تک آیات و سوره‌ها اعجاز علمی دارد تا اشکال به او وارد شود که تحدی قرآن در مورد تک‌تک سوره‌هاست، اعجاز قرآن جهات مختلف (ادبی، علمی، عدم وجود اختلاف، قوانین عالی و ...) دارد. و لازم نیست هر سوره از همه جهات معجزه باشد بلکه از یک جهت هم که معجزه باشد تحدّی قرآن صحیح است. ۳. اشکال سوم به همه جهات اعجاز قرآن وارد است چون اعجاز ادبی قرآن را هم همه انسانها خصوصا غیر عرب‌هایی که اهل علم نیستند نمی‌توانند تشخیص دهند ولی این دلیل بی‌اعتباری اعجاز ادبی یا علمی قرآن نمی‌شود. ۴. اشکال چهارم مطلب حقی است چرا که تفسیر علمی با هدفهای گوناگون انجام می گیرد که عبارتند از: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۵ * گاهی هدف تفسیر علمی قرآن روشن کردن معانی و مقاصد قرآن است که همان تفسیر اصطلاحی است. * گاهی هدف تفسیر علمی، اثبات اعجاز قرآن است. * گاهی هدف تفسیر علمی، اثبات نظرات انحرافی یا تفسیر به رأی، یا اثبات وجود همه علوم در قرآن است که این امور موجب بدبینی به تفسیر علمی می‌شود و نوعی سوء فهم یا سوء استفاده از این روش تفسیری است.

مقصود از معجزه علمی قرآن:

مقصود از معجزه علمی قرآن: مراد آیاتی از قرآن کریم است که بدین صورت باشد: ۱. رازگویی علمی باشد؛ یعنی مطلبی علمی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته بیان کند، به طوری که مدتها بعد از نزول آیه مطلب علمی کشف شود. و این مسأله علمی طوری باشد که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نباشد. ۲. اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی باشد که در هنگام نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته و پس از خبر دادن قرآن طبق همان خبر واقع شود. و این خبر طوری باشد که بوسیله وسایل عادی قابل پیش‌بینی نباشد. پس اگر مطلبی را قرآن خبر داده که قبلا در کتابهای آسمانی گذشته به آن اشاره شده است و یا در مراکز علمی یونان و ایران و ... در لابلای کتابهای علمی و آراء دانشمندان آمده است و یا مطلبی باشد که طبیعتا و یا بصورت غریزی قابل فهم بوده است این امور معجزه علمی محسوب نمی‌شود.

ر: تفاوت حکمت و علت در شریعت:

اشاره

ر: تفاوت حکمت و علت در شریعت: در این نوشتار ناچاریم تا از اصطلاح حکمت (فلسفه)، علت، مصلحت و مفسده، زیاد استفاده کنیم و لذا مناسب است که این اصطلاحات را بصورت مختصر تعریف و یا تبیین کنیم:

مصالح و مفاسد احکام:

مصالح و مفاسد احکام: بر طبق مبانی کلامی شیعیان، احکام اسلامی تابع مصلحت‌های واقعی و مفاسد واقعی جعل و تشریع شده است، یعنی قانونگذار (خداوند یا پیامبر (ص) و ...) با در نظر گرفتن مفاسد واقعی شراب، آن را حرام کرده و با در نظر گرفتن مصلحت‌هایی که در روزه‌داری پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۶ وجود دارد آن را واجب گردانیده است. «۱» پس ما می‌توانیم در زمینه همه احکام اسلامی بدنبال مصالح و مفاسدی باشیم که موجب پیدایش آن احکام شده است. در این مصالح و مفاسد، گاهی ما به علت و یا سبب حکم و گاهی به فلسفه و حکمت حکم برمی‌خوریم که در روایات اسلامی به عنوان «علل الشرایع» از آنها یاد می‌شود. علت حکم: چیزی که حکم وجودا و عدما (نفیا و اثباتا) دائر مدار آن است. یعنی مصلحت و مفسده‌ای که در قانونگذاری دخالت دارد و هرگاه وجود داشته باشد حکم می‌آید و هرگاه نباشد حکم می‌رود به عبارت دیگر در اینجا علت

تـامه حکم مراد است و علت تامه عبارتست از جمیع اموری که در وجود شـیء دخالت دارد اعم از علل چهارگانه (صوری- مادی- غائی- فاعلی) و عدم مانع و معدّات و شـروط. مثال: نوشیدن شراب در شریعت اسلام حرام است و در روایات آمده که علت حرمت آن مست‌کننـدگی (مسـکر بـودن) آن اسـت. از آنجـا کـه مـا به علت تشـریع این حکم پی بردیم، پس هرگـاه این علت باشـد حکم حرمت نوشیدن شراب نیز هست و هرگاه مثلا ماده الکلی باشد که مست‌کننده نباشد (مثل الکل صنعتی) نوشیدن آن حرام نیست. از طرف دیگر اگر ماده‌ای بوجود آید که مست‌کننده باشد اما نام شراب نداشته باشد باز هم حرام است چون علت (مست‌کنندگی) در آن وجـود دارد. از این مطلب در فقه و منطق به عنـوان قیـاس منصـوص العلـة یـاد می‌شود. «۲» تـذکر: پیـدا کردن علل واقعی یعنی مصالح و مفاسد واقعی که موجب تشـریع احکام شده است بسیار دشوار است و تنها از راه تصریح شارع یا راهی که یقین‌آور است، بدست می‌آید و بدون قطع به علت تامه حکم نمی‌توان حکم را به موارد مشابه سـرایت داد. حکمت حکم (فلسفه حکم): چیزی که در تشـریع حکم از طرف شارع دخالت داشـته است اما حکم نفیا و اثباتا دائر مـدار آن نیست. «۳» یعنی مصـلحت یا مفسده‌ای که در تشـریع حکـم دخـالت دارد امـا علـت تـامه وجـود و عـدم

(_____۱) ر. ک: علامه حلی، شرح تجرید، ص ۳۰۲، چاپ جـامعه مدرسـین قم و نیز اصول الفقه، مظفر، ج ۱، ص ۲۱۶. (۲) ر. ک: مظفر، المنطـق، ص ۲۹۹- ۳۰۱، انتشارات معارف اسلامی. (۳) ر. ک: احمـد اهتمام، فلسـفه احکام، ص ۱۱. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۷ حکم نیست. به عبارت دیگر ممکن است این حکمت در جـای دیگر وجود داشـته باشـد امـا حکم نباشـد و یـا گاهی این فلسـفه و حکمت از بین برود ولی حکم بـاقی باشـد. مثـال: نظافت و بهـداشت جسم یکی از فلسـفه‌ها و حکمت‌های تشـریع وجوب غسل در اسـلام است. اما نمی‌توان گفت این مطلب علت تـامه وجوب غسـل است و لـذا کسـی که کاملا نظیف است اما در اثر «دخول» جنب شـده است و بـدن او نیز آلوده نشـده است، غسـل بر او واجب می‌شود امـا کسـی که بـدن او کثیف است و کاملا احتیاج به حمام دارد اما جنب نشـده است، غسل بر او واجب نمی‌شود. چرا که در تشـریع حکم، مصـلحت‌های بهداشتی و معنوی هر دو مورد نظر شارع بوده است و حکم دائر مـدار نظافت و عـدم نظافت بدن نیست. تذکر ۱: بسـیاری از مواردی که در مورد آیـات قرآن به عنوان فلسـفه و حکمت حکم (مثل فلسـفه‌های بهـداشتی حرمت خـوردن گـوشت خـوک، خـون، مردار و ...) از آنهـا یـاد می‌شـود از این نوع است. که در ادامه بـدانها می‌پردازیم. تـذکر ۲: سـرایت حکـم از مـوردی که فلسـفه و حکمت آن را به دست آورده‌ایم به مـوارد مشـابه، قیـاس فقهی (تمـثیل منطقی) نامیده می‌شود که در فقه شـیعه ممنوع است. «۱» چون که ما علت تامه و کامل حکم را کشف نکرده‌ایم و لـذا ممکن اسـت در موارد مشابه علت واقعی و اصـلی حکم، چیزی غیر از این حکمت و فلسـفه حکم باشـد که ما کشف کرده‌ایم. تفاوتهای حکمت (فلسـفه) و علت حکم عبارتند از: اول: در علت حکم مراد علت تامه است و در حکمت مراد علت ناقصه است. دوم: در علت حکم، حکم شـرعی وجودا و عـدما دائر مدار علت است اما در حکمت اینگونه نیست. سوم: علت حکم برخاسـته از مفاسد و مصالح واقعی است اما حکمت و فلسـفه حکم ممکن است کاملا منطبق با مصلحت و مفسده واقعی نباشد بلکه قسمتی از آن را نشان دهد. چهارم: هنگـامی که علت حکم برای مـا کشـف شـد می‌توان حکم را از مورد آن به موارد مشـابه که علت حکم در آن وجود دارد سـرایت داد. امـا در مـورد حکمـت و فلسـفه حکـم ایـن امر ممکـن نیسـت.

(_____۱) ر. ک: مظفر، المنطـق، ص ۲۹۹- ۳۰۱، اصـول الفقه، ج ۳- ۴، ص ۱۸۱. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۸۸ چرا که نمی‌توانیم به سـادگی علل واقعی احکام را کشف کنیم: در این مورد سـخنان متعـددی گفته شده است که به صورت خلاصه بدان‌ها اشاره می‌کنیم: ۱. فلسفه یا حکمتی که با توجه به علوم تجربی و حدسـیات بنظر مـا آمـده یا از عبارت آیه یا روایتی به صورت غیر قطعی برداشت کرده‌ایم، ممکن است علت اصـلی و تامه نباشد، بلکه جزء العلة یا علت ناقصه باشد و مصالح دیگری نیز در این رابطه وجود داشته باشد. (اعم از مصالح مادی یا

معنوی، اجتماعی یا فردی) که ما بـدان‌ها دسترسـی پیدا نکرده‌ایم. ۲. ممکن است حکمت یا فلسـفه حکم سـبب منحصر نباشد. یعنی برای یک حکم ممکن است مصالـح مختلفی وجود داشـته باشد که ما یکی از آنها را کشف کرده‌ایم و لذا نمی‌توانیم بگوئیم هر جا این مصلحت نیست حکم منتفی می‌شود. ۳. ممکن است خصوصـیات و شرایط خاصی در بیان حکمت یا فلسفه حکم دخالت داشته است که بـا توجه به آن شـرایط و خصوصـیات شارع مقـدس یک حکمت یا فلسـفه خاص را برای حکم بیان کرده است. مثال: اگر یـک نفر یهـودی از حکمت حکمی پرسـش کرده، ممکن است پیـامبر (ص) بـا توجه به مطـالب تورات و ذهنیت خـاص آن یهودی یکی از حکمتهای حکم را بیان کرده است تا آن یهودی با توجه به تطابق آن حکمت با مطالب تورات پی به حقانیت اسلام ببرد در حـالی که این مطلب علت تامه حکم نبوده است. ۴. ممکن است حکمت یـا فلسـفه علمی را که ما با توجه به علوم تجربی روز برای یک آیه و حکم آن پیـدا کرده‌ایم، سـخن نهایی آن علم نباشـد و چه بسا که با توجه به پیشـرفت دائمی علوم در آینده اسـرار علمی دیگری در آن رابطه کشف شود. پس مثلاـ بصورت قطعی نمی‌توان گفت که مسائل بهـداشتی که تا کنون بشـر کشف کرده اسـت علت تـامه حرمت گوشت خوک یا مردار باشـد. چرا که ممکن است اسـرار علمی دیگری نیز در آینـده کشف شود که اهمیت آنها بیشتر از مسایـل بهـداشتی باشـد و در مصـلحت و علت حکم دخـالت داشـته است و این اتفاق هر ساله در مورد حقایق دینی و آیات قرآن اتفـاق می‌افتـد و هر روز پرده‌ای از اسـرار علمی آن کنـار می‌رود و چهره نـورانی قرآن روشن‌تر می‌شـود. پژوهشـی در اعجـاز علمی قرآن، ص: ۸۹

احکام تعبدی:

احکام تعبـدی: در شـریعت اسـلام چند گونه حکم وجود دارد: اول: احکامی که علت تشـریع آنها معلوم است که گاهی خود شارع آن را تصـریح کرده (مثل حرمت شـراب) و گاهی عقل بصورت قطعی علت آن را کشف می‌کند (مثل حسن عدل، نظم و ...) دوم: احکامی که علت تشـریع آنها برای ما معلوم نیست ولی فلسفه و حکمت آن برای ما تا حدودی روشن شده است که گاهی ائمه (ع) در روایات به این علل اشاره کرده‌انـد (مثل حرمت خوردن خون که روایات آن می‌آید) و یا علوم تجربی جدید اسـرار علمی آن را کشف کرده‌اند (مثل ضـررهای خوردن مردار) سوم: احکامی که علت تشـریع و حکمت و فلسفه آن برای ما روشن نشده است و در آیـات و روایـات بـدانها اشـاره نشـده و علوم تجربی اسـرار آنرا کشف نکرده است و به عبارت دیگر عقل راهی برای کشف علت و حکمت آنها نـدارد. این احکام از آنجا که از منبع وحی صادر شده است و ما یقین داریم که شارع طبق مفاسد و مصالح انسانها این احکام را صادر کرده است آنها را می‌پذیریم و این احکام را با عنوان «احکام تعبدی» می‌خوانیم: (مثل عدد رکعت‌های نماز صبح و ظهر و مغرب) احکـام تعبـدی در گذشـته زیـاد بوده است (مثل حرمت گوشت خوک و حرمت نوشـیدن شـراب که انسان‌ها علت و فلسـفه آن را نمی‌دانسـتند) ولی با پیشـرفت علوم بشـری این حکمت‌ها و علت‌ها روشن می‌شود و در هر عصـر، از تعداد آنها کاسـته می‌شود. تـذکر: در حقیقت قسم اول و دوم احکام تعبـدی از احکام علم پـذیر است و قسم سوم احکام تعبدی، احکامی فراتر از علم فعلی بشـر (علم گریز) است. ولی در اسـلام احکام علم ستیز وجود ندارد. «۱» یعنی ممکن است احکامی باشـد که عقل و علم فعلی بشـر نتواند علل و فلسـفه‌های تشـریع آنها را دریابد اما احکامی مخالف و متناقض با عقل وجود ندارد. بنابراین ما مدعی هستیم و در این نوشـتار اثبات خواهیم کرد که بسـیاری از آیات قرآن و احکام اسلام با یافته‌های جدید علوم تجربی منطبق است ولی هیچ آیه یا حکمی از احکـــام اســـلام بـــا احکـــام قطعی عقـــل یـــا یافته‌هـــای قطعی دانش بشـــری متنـــاقض نیســـت.

(_____ ۱) برای اطلاعـــات بیشـــتر ر. ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۹۵ و ۳۹۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۹۱

بخش دوم: قرآن و علوم کیهان‌شناسی

درآمد:

درآمد: پدیده آسمان و ستارگان خیره کننده آن در شب همیشه یکی از دغدغه‌های فکر بشر بوده و توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است. تا آنجا که رشته‌ای از علوم بشری اختصاص به شناخت آسمان‌ها، ستارگان، سیارات و قمرهای آنها پیدا کرده و تحت عنوان «علم هیئت، نجوم و کیهان‌شناسی» از آن یاد می‌شود. قرآن کریم نیز به این پدیده عظیم خلقت توجه فراوان نموده و در آیات متعددی از آن یاد کرده است. گاه دعوت به تفکر در خلقت آسمان و زمین می‌کند و گاه اشارات علمی به آنها دارد که قرن‌ها بعد، کیهان‌شناسی جدید آن مطالب علمی را کشف می‌کند. و اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند. در اینجا آیاتی از قرآن را که با مطالب علمی کیهان‌شناختی و فیزیک کیهانی انطباق داده‌اند مورد دقت و بررسی قرار می‌دهیم.

۱. آغاز جهان:

اشاره

۱. آغاز جهان: چگونگی پیدایش جهان از اندیشه‌هایی بوده که همیشه فکر بشر را مشغول کرده است. قرآن کریم در آیات متعددی اشاراتی به این مسأله کرده است و دانشمندان کیهان‌شناس نیز در این مورد نظریاتی ابراز کرده‌اند و حتی بعضی صاحب‌نظران خواسته‌اند با انطباق آیات قرآن با برخی از این نظریات علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند که این مطالب قابل نقد و بررسی است. مفسران و صاحب نظران در این مورد به این آیات توجه کرده‌اند: ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ «۱» «سپس آهنگ [آفرینش آسمان کرد، و آن دودی بود.» (۱) فصلت/ ۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۹۴ أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَ فَلا یُؤْمِنُونَ «۱» «آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم ایمان نمی‌آورند؟»

نکات:

نکات: ۱. «دخان» در لغت به معنی چیزی است که به دنبال شعله و لهیب آتش برمی‌خیزد. «۲» ۲. «سماء» در لغت به معنی طرف بالا است و در قرآن در معانی و مصادیق متعددی به کار رفته است از جمله: جهت بالا (ابراهیم/ ۲۴)- جوّ زمین (ق/ ۹)- محل کرات بالا (فصلت/ ۱۲)، آسمان معنوی (سجده/ ۵) و ... «۳» ۳. «رتق» چیز بهم پیوسته را گویند و «فتق» جدا کردن دو چیز متصل بهم را گویند. «۴»

نظریه‌های علمی درباره پیدایش جهان:

اشاره

نظریه‌های علمی درباره پیدایش جهان: در مورد پیدایش جهان چند دیدگاه عمده، در بین کیهان‌شناسان جدید وجود دارد که عبارتند از:

الف: نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ):

الف: نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ): این نظریه از سال ۱۹۰۰ م پیشنهاد شد و هم اکنون از سوی اکثر اخترشناسان به عنوان بهترین نظریه موجود تلقی می‌شود. خلاصه این نظریه آن است که حدود ۲۰ بیلیون سال پیش تمام ماده و انرژی موجود در جهان، در نقطه‌ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است. این نقطه کوچک و بی‌نهایت چگال و مرکب از ماده- انرژی منفجر شد و به فاصله چند ثانیه پس از انفجار این آتشگوی، ماده- انرژی با سرعتی نزدیک به سرعت نور در همه سو منتشر شد. پس از مدت کمی، احتمالا- چند ثانیه تا چند سال، ماده و انرژی از هم تفکیک شدند. و تمام اجزاء گوناگون جهان امروز از دل این انفجار نخستین بیرون ریخته‌اند (_____. ۱) انبیاء/ ۳۰. (۲) راغب اصفهانی، مفردات، ماده دخن. (۳) ر. ک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده سمو، و نیز تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵ به بعد و نیز بحث «هفت آسمان» که بدنبال می‌آید. (۴) راغب اصفهانی، مفردات، ماده رتق، فتق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۹۵ هواداران این نظریه ادعا می‌کنند تمامی کهکشان‌ها، ستارگان و سیارات هنوز تحت تأثیر شتاب ناشی از انفجار، با سرعت زیادی از همدیگر دور می‌شوند و این مطلب بوسیله مشاهدات «ادوین هابل» (۱۹۱۹ م) تأیید شد. «استفن ویلیام هاولینگ» کیهان‌شناس معروف معاصر پس از تشریح انفجار اولیه و مراحل اولیه آن تا تشکیل گازهای داغ و سوزان، این نظریه را به دانشمند روسی «ژرژگاموف» نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «با گذشت زمان، گازهای ئیدروژن و هلیوم موجود در کهکشان به پاره‌های ابر مانند تقسیم می‌شدند که تحت أثر گرانش خود در هم فرو می‌نشستند ... سپس در اثر درجه حرارت بالا واکنش‌های هسته‌ای شروع شد. و ستارگانی مانند خورشید ما تشکیل شد. خورشید ستاره نسل دوم یا سومی است که حدود پنج هزار میلیون سال قبل از ابر متشکله از گاز چرخانی که محتوی سوپر نوواهای پیشین بوده است بوجود آمده است ...» «۱» دکتر «اریک اوبلا» مراحل پیدایش جهان را به هشت مرحله تقسیم می‌کند و می‌نویسد: در مرحله اول (صفر تا ۴۳- ۱۰ ثانیه) چیزی منفجر شد و تبدیل به گلوله آتشین شد. در مرحله دوم (۴۳- ۱۰ ثانیه تا ۳۲- ۱۰ ثانیه) اولین سنگ بناهای ماده مثلا کوارک‌ها و الکترون‌ها از برخورد پرتوها با یکدیگر به وجود آمد. در مرحله سوم (از ۳۲- ۱۰ ثانیه تا ۶- ۱۰ ثانیه) کیهان از مخلوطی از کوارک‌ها، لپتونها فوتونها و سایر ذرات دیگر تشکیل شده و خیلی سریع در حال از دست دادن حرارت بودند. در مرحله چهارم (از ۱۰- ۶ ثانیه تا ۱۰- ۳ ثانیه) تقریبا تمام کوارک‌ها و ضد کوارکها به صورت پرتو ذرّه‌ها به انرژی تبدیل می‌شوند. در مرحله پنجم (از ۱۰- ۳ ثانیه تا ۱۰۰ ثانیه) الکترونها و ضد الکترونها (پوزیترونها) در برخورد با یکدیگر به أشعه تبدیل می‌شوند. در مرحله ششم (از ۱۰۰ ثانیه تا ۳۰ دقیقه) در درجه حرارت بسیار بالا- اولین هسته‌های اتمهای سبک و پایدار مثل: هیدروژن و هلیوم ساخته می‌شوند. در مرحله هفتم (از ۳۰ دقیقه تا یک میلیون سال) گوی آتشین حرارت خود را از دست می‌دهد (به حدود ۳۰۰۰ درجه می‌رسد) و هسته اتمها و الکترونها پیوند می‌خورد و آن مخلوط ذره‌ای قابل دیدن می‌شود. (_____ ۱) استفن ویلیام هاوکینگ، تاریخچه زمان، ترجمه دادفرما، ص ۱۴۵- ۱۴۹، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۹۶ در مرحله هشتم (از یک میلیون سال پس از خلقت تا امروز) از ابرهای هیدروژنی دستگاه‌های راه شیری، ستارگان و سیارات به وجود می‌آیند این سیر تحوّل را در ایجاد ستارگان، امروزه هم می‌توان هنوز مشاهده کرد. ابرهای گازی که قرار است از آنها ستاره بوجود آید به سوی همدیگر کشیده شده متراکم می‌شوند سپس به شکل گلوله در می‌آیند و اگر واکنشهای هسته‌ای پدید آید یک خورشید جدید متولد می‌شود. «۱»

ب: نظریه حالت پایدار:

ب: نظریه حالت پایدار: در سال ۱۹۴۰ این نظریه توسط (فردهویل)، اختر فیزیک‌دان انگلیسی پیشنهاد شد. خلاصه این نظریه این است که جهان نه تنها از نظر فضایی یکنواخت است (اصل کیهان شناختی) بلکه در طول زمان تغییرناپذیر نیز هست. این نظریه به حادثه خاصی نظیر انفجار بزرگ وابسته نیست. در نظریه حالت پایدار ستارگان و کهکشانها ممکن است تغییر کنند اما در هر زمان تصویر کلی جهان با تصویر امروزین آن، تفاوتی ندارد. بر طبق این نظریه حالت انبساط جهان پذیرفته می‌شود امّا معتقدند که به تدریج ماده جدیدی در بین کهکشان‌های دور شونده، ظاهر می‌شود این ماده جدید به تدریج اتم‌های هیدروژن را می‌سازد و آنها به نوبه خود ستارگان جدیدی را شکل می‌دهد. تذکر: خلق پیوسته ماده از فضای خالی اشکالاتی را برای این نظریه پدید آورده است. و این نظریه بعد از کشف تفاوت سن ستارگان رد شد.

ج: جهان پلاسما:

ج: جهان پلاسما: تعداد کمی از اخترشناسان خلقت جهان را با مدل «هانس آلفون» دانشمند سوئدی می‌بینند. خلاصه این نظریه آنست که ۹۹٪ جهان قابل مشاهده (عمدتا ستارگان) از پلاسما ساخته شده است. پلاسما گاز یونیده‌ای است که بارهای الکتریکی آن از هم جدا شده‌اند. پلاسما، گاهی حالت چهارم ماده خوانده می‌شود. صاحبان این نظریه معتقد هستند که انفجار بزرگ (_____۱) اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، ص ۵۱- ۵۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۹۷ هیچگاه رخ نداده و جهان آکنده است از جریانهای الکتریکی غول‌آسا و میدانهای عظیم مغناطیسی. از این دیدگاه جهان ازلی است و به وسیله نیروی برقاطیس اداره می‌شود. بنابراین جهان آغازی معین و انجامی قابل پیش‌بینی ندارد. و کهکشانها حدود ۱۰۰ بیلیون سال پیش شکل گرفته‌اند.

د: جهان انفجارهای کوچک (کهبانگ):

د: جهان انفجارهای کوچک (کهبانگ): گروهی دیگر از اخترشناسان نظریه حالت پایدار دیگری را که با رصدهای اخترشناسی انطباق خوبی دارد پیشنهاد می‌کنند. بر طبق این نظریه جهان بدون آغاز و انجام است. ماده بطور پیوسته در خلال انفجارهای کوچک (کهبانگ‌ها) و احتمالا با همکاری اختروشهای اسرارآمیز خلق می‌شود. در این نظریه جدید جهان به تدریج انبساط می‌یابد و کهکشانها شکل می‌گیرند. «۱»

نکات تفسیری و اسرار علمی آیات:

نکات تفسیری و اسرار علمی آیات: ۱. در مورد آیه اول (فصلت/ ۱۱) برخی از مفسران می‌نویسند: «جمله (هی دخان- آسمانها در آغاز به صورت دود بود.) نشان می‌دهد که آغاز آفرینش آسمانها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده است و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملا هماهنگ است. هم اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده‌ای از گازها و دخان هستند.» «۲» ۲. در مورد معنای «رتق» و «فتق» (پیوستگی و جدائی) آسمانها و زمین که در آیه دوم (انبیاء/ ۳۰) آمده مفسران سه احتمال را مطرح کرده‌اند: الف: به هم پیوستگی آسمان و زمین اشاره به آغاز خلقت است که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجا تجزیه شد و

کواکب و ستاره‌ها از جمله منظومه شمسی و کره زمین بوجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است. برخی از روایات اهل بیت (ع) اشاره به این تفسیر دارد. «۳»

(۱) ر. ک: ری ویلار و دیگران، کیهان و راه کهکشان، ترجمه سید محمد امین محمدی، ص ۳۴- ۵۰. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۸. (۳) همان، ج ۱۳، ص ۳۹۴ و ص ۳۹۵ و تفسیر نور الثقلین ذیل آیه سی‌ام انبیاء. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۹۸ ب: منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است به طوری که همه درهم فرو رفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می‌کرد امّا با گذشت زمان، مواد از هم جدا شدند و ترکیبات جدید پیدا کردند و انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند. «۱» ج: منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی نمی‌بارید و مقصود از به هم پیوستگی زمین آن است که در آن زمان گیاهی نمی‌روئید امّا خدا این هر دو را گشود از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویاند. روایات متعددی از اهل بیت (ع) اشاره به معنای اخیر دارد. «۲» تفسیر سوم (ج) با چشم قابل رؤیت است و با جمله أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا ... «آیا کسانی که کافر شدند ندیدند ...» سازگار است و با جمله ذیل آیه وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ نیز هماهنگی دارد. ولی تفسیر اول و دوم (الف، ب) نیز با معنای وسیع این جمله‌ها مخالف نیست چرا که گاهی رؤیت به معنی «علم» می‌آید. و از اینجاست که برخی مفسران معتقدند که مانعی ندارد آیه فوق دارای هر سه تفسیر باشد. «۳» ۳. استاد آیة اللّه معرفت بحث مفصلی در مورد آیه ۳۰ سوره أنبیاء دارند. و معنای سوم (عدم بارش باران) را مخالف تعبیر آیه و تحقیق می‌دانند و روایاتی «۴» را که در این زمینه حکایت شده ضعیف دانسته‌اند. و امّا معنانی دوم (پیدایش انواع و اقسام موجودات از یک چیز بهم چسبیده) را از قتاده، سعید بن جبیر، عکرمه از ابن عباس، فخر رازی «۵» نقل می‌کند و آن را نظری معروف در عصر قدیم و جدید می‌داند. آنگاه معنای دیگری را از ابو مسلم اصفهانی نقل می‌کند که «فتق» به معنای ایجاد و اظهار باشد. و این معنا را موافق کلام علی (ع) در نهج البلاغه فتق الاجواء ... ثم فتق بین السموات العلی «۶» می‌دانند.

(۱) المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۸- ۲۷۹.

(۲) تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۴۷. (۳) ر. ک: نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶. (۴) الکافی، ج ۸، ص ۹۵ و ص ۱۲۰ و تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۰. (۵) تفسیر کبیر، ج ۲۲، ص ۱۶۳. (۶) نهج البلاغه، خطبه/ ۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۹۹ و این معنا را موافق آیات ۱۱- ۱۲ سوره فصلت ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ معرفی می‌کنند. که دخان همان ماده اولیه خلقت آسمانها و زمین است و از آن آسمان بوجود آمد. و واژه «ائتیا» در آیات سوره فصلت را به معنای امر تکوینی و ایجادی می‌دانند و از آیه استفاده می‌کنند که ماده آسمانها قبل از وجودشان موجود بوده است و خدا صورت‌های آنها را ایجاد کرد. آنگاه متذکر می‌شود که در تورات به مسأله پیدایش موجودات از یک اصل واحد اشاره شده است، که خدا جوهری را خلق کرد سپس با نظر هیبت به آن نگاه کرد به صورت آب در آمد و سپس آسمانها و زمین را از آنها خلق کرد و آنها را از همدیگر جدا ساخت. «۱» و آنگاه از طنطاوی نقل می‌کند که مضمون این آیات معجزه علمی است. «۲» سپس ایشان مطالبی علمی در مورد پیدایش جهان از لاپلاس و دیگران نقل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که هدف قرآن بیان مطالب علمی نبوده است امّا اشاراتی به فتق آسمانها داشته است ولی حقیقت آن برای ما روشن نیست هر چند که نظریه‌های علمی هم با آن موافق است. امّا ما به تطبیق این نظریات با قرآن نمی‌پردازیم. «۳» ۴. یکی از صاحب‌نظران تحت عنوان پیدایش نخستین جهان با مطرح کردن آیه ۱۱ سوره فصلت مطالبی را از دانشمندان مختلف در مورد انفجار اولیه نقل می‌کند و سپس از قول «ادوارد لوترکپل» می‌نویسد: «علم نه تنها حدوث عالم را ثابت می‌کند بلکه روشن می‌سازد که دنیا از حالت گازی در یک (لحظه معینی) در نتیجه یک انفجار بزرگ بوجود آمده است و این لحظه، تقریبا پنج بیلیون سال پیش بوده و هنوز هم در حال توسعه است.» «۴» ۵. نویسنده معاصر دیگری نیز آیات (سوره فصلت/ ۱۱ و انبیاء/ ۳۰) را مطرح می‌کند و با توجه به هماهنگی این آیات با اکتشافات دانشمندان آنرا دلیل معجزه بودن قرآن می‌داند. ایشان می‌نویسد: «علم هیئت

ثابت کرده است که در ابتدای خلقت، کرات آسمانی به صورت گاز به هم چسبیده و متصل بودند و بعدها به مرور زمان بر اثر فشردگی و تراکم شدید گازها تبدیل

(۱) ایشان آن عبارت را از تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۲۲، ص ۱۶۲ نقل می‌کند و می گوید: از اول تورات فعلی حذف کرده‌اند. (۲) الجواهر، ج ۱۰، ص ۱۹۹. (۳) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۹- ۱۳۹. (۴) مهندس جعفر رضائی‌فر، قرآن و آخرین پدیده‌های علمی (اعجازهای علمی قرآن)، انتشارات فوژان، ۱۳۷۵ ش. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۰ به جسم شدند. این واقعیت علمی اولین بار توسط «لاپلاس» ریاضی‌دان و منجم مشهور فرانسوی، در حدود دو قرن پیش اظهار گردید و امروز نجوم جدید با دستاوردهای جدید خود صحت فرضیه علمی لاپلاس را ثابت کرده است.» «۱» سپس از ژرژگاموف نقل می کند که: «زمین و خورشید از گازهای بسیار سوزانی که در چندین میلیارد سال پیش بوده‌اند به وجود آمده‌اند.» «۲» ۶. دکتر «موریس بوکای» با طرح آیات (سوره فصلت/ ۱۱ و انبیاء/ ۳۰) بحث «روش اساسی ایجاد جهان در نظر قرآن» را مطرح می کند و می گوید قرآن وجود توده‌ای گازی با بخشچه‌های ریز را تأیید می کند و یک روند جدائی (فتق) ماده‌ای ابتدائی یگانه‌ای که عناصر آن نخست به هم ملصق (رتق) بودند را تذکر می‌دهد. سپس به نظریه تکوین عالم در دانش نو می‌پردازد که: «جهان از جرم گازی با دوران کند تشکیل شد» و سپس چگونگی تشکیل ستارگان و زمین را توضیح می‌دهد. و قدمت کهکشانها را ده میلیارد سال و قدمت زمین و خورشید را ۴/۵ میلیارد سال تخمین می‌زند. سپس می‌نویسد: «دانش به ما می‌آموزد چنانچه به عنوان مثال (و تنها مثال) تکوین خورشید و محصول فرعی آن یعنی زمین را در نظر گیریم، جریان امر توسط تراکم سحابی نخستین و تفکیک آن رخ داده است. این دقیقا همان است که قرآن به طریق کاملا- صریح با ذکر ماجراهائی که «دود» آسمانی ابتدا یک نوع الصاق سپس یک نوع انفکاک را بوجود آورده بیان نموده است.» «۳» ۷. یک پرسش و پاسخ علمی: پرسش: در سوره فصلت آیات ۹- ۱۱ خلقت زمین را در دو دوره (یوم) مطرح می کند: قُلْ أَ إِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِی خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَنْداداً ذلِکَ رَبُّ الْعالَمِینَ* وَ جَعَلَ فِیها رَواسِیَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَکَ فِیها وَ قَدَّرَ فِیها أَقْواتَها فِی أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ سَواءً لِلسَّائِلِینَ ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ ...

(۱) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۷- ۱۹، از جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۲۳۵، نقل می کند. (۲) مطالب شگفت‌انگیز، ص ۱۸، از سرگذشت زمین، ژرژگاموف، ترجمه دکتر محمود بهزاد، ص ۴۳، نقل می کند. (۳) دکتر بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص ۱۸۹- ۲۰۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۱ «بگو: آیا این شمایید که واقعا به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتایانی قرار می‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان. و در زمین از فراز آن [لنگرآسا] کوه‌ها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد. و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد [که برای خواهندگان، درست و متناسب با نیازهایشان است. سپس آهنگ [آفرینش آسمان کرد و آن دودی بود.» قرآن در آیه ۱۱ (مورد بحث ما) آسمانها و مسأله دود را مطرح می‌سازد. اگر مقصود قرآن آن است که تمام جهان از گاز خلق شده است چرا خلقت زمین را قبل از آسمانها مطرح کرده است و حتی با «ثم» (فصلت/ ۱۱) عطف کرده که ترتیب را می‌رساند در حالی که زمین جزئی از آسمان‌ها و بصورت طبیعی باید پس از خلقت آسمانها را در عرض آنها خلق شود. پاسخ: «دکتر موریس بوکای» با توجه به این پرسش نکته‌ای علمی را مطرح کرده است که در قرآن کریم، در سوره نازعات ۲۷- ۳۱ مسأله خلقت آسمانها و زمین به صورتی دیگر مطرح شده است. أَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْکَها فَسَوَّاها وَ أَغْطَشَ لَیْلَها وَ أَخْرَجَ ضُحاها وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها أَخْرَجَ مِنْها ماءَها وَ مَرْعاها «آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است؟ سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین درست کرد و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترد، آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد.» در این آیات آفرینش آسمانها قبل از زمین ذکر شده است و با کلمه «بعد ذلک» آمده

است. ایشان می‌نویسد: «دانش، تداخل دو رویداد تکوین یک ستاره (مانند خورشید) و سیاره‌اش یا یکی از سیاراتش (مانند زمین) را مبرهن می‌سازد. آیا همین اختلاط در نص قرآن (همانطور که دیده شد) ذکر نشده است؟» «۱» ۸. عبد الرزاق نوفل نیز با طرح دو آیه ۳۰ سوره انبیاء و ۱۱ سوره فصلت مسأله ابتداء خلقت را مطرح می‌کند، که آسمانها و زمین ابتداء یک قطعه واحد بود و سپس جدا شد. و سپس نظریه‌های علمی را مطرح می‌کند که می‌گویند: جهان در ابتداء از ماده‌ای داغ (_____ ۱) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۸۸- ۲۰۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۲ و سخت تشکیل شده بود. که مناسب‌ترین لغت برای آن همان کلمه «دخان» است. که در قرآن به کار رفته است. «۱» و این مطلب را از اخبار علمی قرآن می‌داند که قرن‌ها بعد علوم جدید به آن پی بردند. ۹. احمد محمد سلیمان نیز با طرح آیه ۳۰ سوره انبیاء می‌نویسد: «اینکه قرآن می‌فرماید آسمان و زمین قطعه واحدی بود و سپس از هم جدا شد همان نظریه علمی جدید در مورد منظومه شمسی است که می‌گوید: جهان یک قطعه‌ای آتشین رها شده در فضا بود و سپس تحت تأثیر جاذبه شیء عظیم از اجرام سماوی دیگر قرار گرفت و تکه‌تکه شد و به صورت حلزونی درآمد. و سپس این اجزاء کوچک کم‌کم سیارات را به وجود آورد.» سپس این آیات را نشانه علم غیب پیامبر اکرم (ص) می‌داند و از آنها به عنوان اسرار علمی قرآن یاد می‌کند. «۲» ۱۰. سید هبة الدین شهرستانی معتقد است که مقصود از کلمه سماء و دخان در آیه ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ «۳». همان جوّ زمین (اتمسفر) است که آن را با نام «کره بخار» اطراف زمین می‌خواند. ایشان در ابتداء معانی کلمه «سماء» را برمی‌شمارد. و آن را در عرف و لغت به معنای (شیء علوی) «هر چه بالای زمین» است می‌داند. که شارع نیز در استعمال الفاظ و اسامی تابع عرف بوده است و سپس می‌گوید در مقالات دینی لفظ سماء به یکی از سه معنا می‌آید: اول: عین هوای عالی و فضای خالی. دوم: جسم عظیم کروی محیط بر زمین ما (که اکثر موارد استعمال در شرع ناظر به این معناست) سوم: عین کرات علوی و اراضی سیاره. آنگاه می‌گوید: «وقتی که اطلاق لفظ «سماء» بر هر موجود علوی جایز و شایع شد چرا جایز نباشد که آسمان زمین ما عبارت باشد از کره بخاری که محیط بر هوای زمین ما است.» سپس ایشان ده دسته دلیل شرعی (آیات و روایات) می‌آورد تا ثابت کند که مقصود از آسمان همین کره بخار است. دسته دوم از دلایل ایشان همین آیه ۱۱ سوره فصلت و روایاتی (_____ ۱) ر. ک: عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۶۲- ۱۶۳، بیروت، ۱۴۰۴ ق، دار الکتاب العربی. (۲) احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۵۳- ۵۴ با تلخیص، دار العوده، بیروت، الطبعة الخامسة ۱۹۸۱ م. (۳) فصلت/ ۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۳ است که می‌فرماید آسمانها از دود آفریده شده است. و دود (دخان) را در آیه ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ «۱» به معنای همان بخار مصطلح می‌داند و در پایان نتیجه می‌گیرد که: «آنچه از مجموع اخبار مسطوره استفاده می‌کنیم مقصود از دود همان بخار است منتها آنکه چون بخار و دود هر دو از یک منشأ هستند و یا چون در عرف و در بدو نظر شبیه همند اسم دخان بر بخار اطلاق شده است. [پس نتیجه همانا کلیه اخبار مزبوره ناطق است بر اینکه تمامی آسمانهای هفتگانه که محیط بر زمین‌های هفت‌گانه است از بخار آفریده شده است.» «۲» ۱۱. برخی صاحب‌نظران معاصر نیز با طرح آیه ۳۰ سوره انبیاء می‌نویسند که این آیه خبر می‌دهد که آسمانها چیز واحدی بود و سپس جدا شد و این یکی از معجزات قرآن است که علم جدید آن را تأیید می‌کند. «۳» همچنین با طرح آیات ۹- ۱۱ سوره فصلت آن را دلیل بر پیدایش خلق از «دخان» می‌داند. «۴» ۱۲. محمد کامل عبد الصمد نیز آیات ۱۱- ۱۲ سوره فصلت را دلیل اعجاز علمی قرآن می‌داند، که خبر داده است آسمانها در ابتدا «دخان» بود. «۵» ۱۳. سلیم الجابی نیز با طرح نظریه انفجار بزرگ و پس از بررسی لغوی و تفسیری آیه ۳۰ سوره انبیاء به این نتیجه می‌رسد که آیه فوق و نظریه انفجار بزرگ با هم منطبق هستند و حتی خطاب آیه أَ وَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا ... به کفار بصورت عام و اروپائیان به صورت خاص است که وحی الهی ۱۴ قرن قبل یک نظریه جدید آنها را بیان کرده است. «۶»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. سخنان مرحوم سید هبهٔ الدین شهرستانی از چند جهت قابل نقد است: اول: ایشان کلمه «سماء» را به سه معنا آورده است در حالی که اشاره کردیم که این لغت در موارد و مصادیق بیشتری در قرآن استعمال شده است (_____. ۱) فصلت/ ۱۱. (۲) سید هبهٔ الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۳۱- ۱۴۵- با تلخیص، مطبعهٔ الغری فی النجف، ۱۳۵۶ ق. (۳) ر. ک: محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دار المحبهٔ، دمشق، بی‌تا. (۴) همان، ص ۳۴. (۵) ر. ک: محمد کامل عبد الصمد، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، ص ۴۷. (۶) ر. ک: سلیم الجابی، النظریهٔ القرآنیهٔ الکونیهٔ حول خلق العالم، ص ۱۰۶- ۱۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۴ دوم: ایشان کلمه «سماء» در آیه فصلت/ ۱۱ را به معنای جوّ زمین معنا کرده‌اند در حالی که از سیاق آیات ۹- ۱۲ سوره فصلت برمی‌آید که مقصود از «سماء» آسمانها و کرات غیر زمین است چرا که در ابتداء خلقت زمین را مطرح می‌کند. خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ «۱» و سپس خلقت آسمان را در حالی که دود است مطرح می‌کند ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ «۲» و آنگاه در آیه بعد توضیح می‌دهد که هفت آسمان خلق گشت «۳» که یکی از آنها آسمان دنیا بود که ستارگان را در آن قرار داد. فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ فِی یَوْمَیْنِ وَ أَوْحی فِی کُلِّ سَماءٍ أَمْرَها وَ زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِمَصابِیحَ وَ حِفْظاً. پس مقصود از سماء (بر طبق ظاهر آیات) جوّ زمین نیست. سوم: ایشان کلمه «دخان» را که به معنای «دود» است به معنای «کره بخار اطراف زمین» معنا می‌کند که در آیه (فصلت/ ۱۱) هیچ قرینه‌ای نداریم تا از معنای لغوی (آنچه به دنبال شعله آتش برمی‌خیزد) «۴» دست برداریم. و یک معنای مجازی (بخار) را بر آیه تحمیل کنیم و صرف شباهت عرفی کفایت نمی‌کند. البته ممکن است در روایات کلمه دخان بر بخار اطلاق شده باشد (همانگونه که ایشان روایات متعددی آورده‌اند) ولی اولا این روایات از لحاظ سندی جای بحث دارد چرا که از تفاسیری همچون «تفسیر قمی» نقل شده است. و ثانیا ممکن است مراد از بخار آب و دود در این موارد همان ذرات بنیادین تشکیل دهنده اشیاء (مثل هیدروژن- اکسیژن و ...) باشد. که برای تقریب به ذهن با تعابیری همچون بخار آب آورده شده است. ۲. ظاهر آیات قرآن در مورد آغاز خلقت که از «دخان» شروع شده است، با نظریه مشهور خلقت جهان یعنی نظریه مهبانگ تا حدود زیادی همخوانی دارد و در نقاطی با هم مشترک است. یعنی از ظاهر قرآن و علم برمی‌آید که جهان در ابتداء از گازهای داغ تشکیل شده است امّا آیات قرآن در مورد عناصر دیگر نظریه مهبانگ (مثل انفجار اولیه) مطلب صریحی ندارد. ۳. با توجه به تعدد نظریه‌ها در مورد آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آنها، در حال حاضر نمی‌توان هیچکدام را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد. (_____ ۱) فصلت/ ۹. (۲) فصلت/ ۱۱. (۳) در مورد آسمانهای هفت‌گانه و مقصود قرآن از آنها به صورت جداگانه بحث کرده‌ایم. (۴) ر. ک: مفردات راغب، ماده دخن. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۵ ۴. اگر روزی نظریه مهبانگ به صورت قطعی اثبات شود این مطلب اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند. چرا که نوعی رازگوئی علمی قرآن کریم است. امّا این مطلب به صورت کنونی آن، بیش از یک هماهنگی شگفت‌انگیز ظاهر قرآن و علم نیست.

۲. مراحل خلقت جهان:

اشاره

۲. مراحل خلقت جهان: قرآن کریم همچون تورات، مراحل و دوره‌های خلقت جهان را در آیاتی چند تذکر داده است. در اینجا مراحل خلقت از نظر قرآن و علم را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس اشاره‌ای به مراحل خلقت از نظر تورات خواهیم داشت. قرآن

کریم در این مورد چند دسته آیات دارد: اول: إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ «۱» «در حقیقت پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید.» دوم: اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ «۲» «خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست را در شش روز آفرید.» تذکر: به نظر می‌رسد که مقصود از «سموات و ارض» مجموعه جهان هستی باشد یعنی تعبیر «آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست» کنایه از مجموعه هستی است. سوم: قُلْ أَ إِنَّکُمْ لَتَکْفُرُونَ بِالَّذِی خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَنْداداً ذلِکَ رَبُّ الْعالَمِینَ وَ جَعَلَ فِیها رَواسِیَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَکَ فِیها وَ قَدَّرَ فِیها أَقْواتَها فِی أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ سَواءً لِلسَّائِلِینَ ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلْأَرْضِ ائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً قالَتا أَتَیْنا طائِعِینَ فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ فِی یَوْمَیْنِ وَ أَوْحی فِی کُلِّ سَماءٍ أَمْرَها وَ زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِمَصابِیحَ وَ حِفْظاً ذلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ «۳» «بگو: آیا شمایید که واقعا به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتایانی قرار می‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان. و در [زمین از فراز آن (_____ ۱)

اعراف/ ۵۴ و نیز یونس/ ۳ و هود/ ۷ و حدید/ ۴. (۲) سجده/ ۴ و نیز فرقان/ ۵۹ و ق/ ۳۸. (۳) فصلت/ ۹- ۱۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۶ [لنگرآسا] کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد [که برای خواهندگان، درست [و متناسب با نیازهایشان است. سپس آهنگ [آفرینش آسمان کرد، و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود: «خواه یا ناخواه بیایید». آن دو گفتند: «فرمان پذیر آمدیم.» پس آنها را [به صورت هفت آسمان، در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمان کار [مربوط به آن را وحی فرمود، و آسمان [این دنیا را به چراغها آذین کردیم و [آن را نیک نگاه داشتیم؛ این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا.» أَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْکَها فَسَوَّاها وَ أَغْطَشَ لَیْلَها وَ أَخْرَجَ ضُحاها وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها أَخْرَجَ مِنْها ماءَها وَ مَرْعاها وَ الْجِبالَ أَرْساها مَتاعاً لَکُمْ وَ لِأَنْعامِکُمْ «۱» «آیا زنده شدن شما [بعد از مرگ مهمتر است یا آفرینش آسمان؟ خداوند آن را بنا کرد و برافراشت و منظم ساخت، شب آن را تاریک و روز آن را آشکار ساخت، و زمین را بعد از آن گسترد، آبهای درونی آن و گیاهان و چراگاههای آن را خارج نمود، و کوهها را بعد از آن پا برجا ساخت، تا وسیله زندگی برای شما و چهارپایانتان فراهم گردد.» تذکر: در آیات دسته اول یک مضمون تکرار شده است. و آن اینکه خداوند «آسمانها و زمین را در شش روز (یوم) خلق کرده است». در آیات دسته دوم کلمه «بینهما» اضافه شد یعنی خداوند آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست را در شش روز (یوم) خلق کرد. در آیات دسته سوم (فصلت/ ۹- ۱۲) مجموعا سخن از هشت روز (یوم) گفته شده است. در اینجا چند پرسش مطرح می‌شود که باید در ضمن مباحث آینده روشن شود: ۱. منظور از «سموات و ارض» چیست؟ ۲. منظور از «یوم» چیست؟ آیا قبل از خلقت خورشید و زمین و پدید آمدن شب و روز می‌توان سخنی از آفرینش جهان در شش «روز» (فاصله طلوع تا غروب خورشید) گفت؟ ۳. اگر مراد از یوم روز معمولی است، تعارض این مطلب با یافته‌های علمی چگونه حل می‌شود؟ که می‌گویند جهان در طی میلیاردها سال بوجود آمده است. ۴. اگر مقصود از «یوم» شش دوره است این دوره‌ها از نظر علمی کدام است (_____؟ ۱) نازعات/

۲۷- ۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۷ ۵. تعارض آیات سوره فصلت که سخن از هشت یوم می‌گوید با آیات دسته اوّل و دوّم که خلقت سموات و ارض را در شش یوم می‌داند چگونه حل می‌شود؟ ۶. با توجه به اینکه قدرت خدا نامحدود و مطلق است پس چرا جهان را در یک لحظه نیافرید و در شش روز یا شش دوره خلق کرد؟

مباحث لغوی و اصطلاحی:

الف: یوم در لغت و قرآن:

الف: یوم در لغت و قرآن: اصل این لغت به معنای زمان محدود مطلق است چه کم یا زیاد، مادی یا ماوراء مادی، روز یا اعم از روز و شب. و این واژه «یوم» در قرآن در لغت حدّاقل در چند معنا استعمال شده است: ۱. از طلوع خورشید تا غروب آن: مثل فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلاثَةِ أَیَّامٍ فِی الْحَجِّ «۱» «و هر کس که [قربانی حج نیافت [باید] در هنگام حج سه روز روزه [بدارد]». ۲. مقداری (دوره‌ای) از زمان: مثل وَ ذَکِّرْهُمْ بِأَیَّامِ اللَّهِ. «۲» «و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن» تِلْکَ الْأَیَّامُ نُداوِلُها بَیْنَ النَّاسِ. «۳» «ما این روزها [ی شکست و پیروزی را میان مردم به نوبت می‌گردانیم.» در حدیثی از امیر المؤمنین علی (ع) آمده است: «الدهر یومان یوم لک و یوم علیک». «۴» «روزگار دو روز (دوره) است یک دوره به نفع تو و یک دوره بر علیه توست.» و در روایتی زیر آیه ۵۴ سوره اعراف از معصوم (ع) نقل شده که فرمودند: «فی ستة ایام یعنی فی ستة اوقات.» «۵» «در شش روز یعنی در شش وقت.»

(_____ ۱) بقره/ ۱۹۶. (۲) ابراهیم/ ۵. (۳) آل عمران/ ۱۴۰. (۴) نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰. (۵) ر. ک: تفسیر برهان، زیر آیه ۵۴ سوره اعراف و تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۰۰ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۸ تذکر: با توجه به سیاق آیات خلقت آسمانها و زمین در شش یوم، مقصود از «یوم» همان دوره یا مرحله است. و از اینجا پاسخ پرسش سوم (تعارض بین یافته‌های علمی در باب خلقت جهان در میلیاردها سال با آیات مربوط به خلقت آنها در شش روز) روشن می‌شود. چرا که اگر مقصود آیات شش دوره یا مرحله خلقت باشد و مقصود شش روز معمولی (از طلوع تا غروب) نباشد دیگر تعارضی پیدا نمی‌شود. و یافته‌های علمی با آیات خلقت جهان در شش دوره قابل جمع است. ۳. زمان خارج از مفهوم مادی مثل: الیوم الاخر، یوم القیامة و ... «۱»

ب: سماوات و ارض در لغت و قرآن:

ب: سماوات و ارض در لغت و قرآن: در لغت به بالای هر چیزی «سماء» گویند و پایین هر چیزی را «ارض» گویند. «۲» امّا آسمان و زمین در قرآن به معانی متعددی بکار رفته و یا به مصادیق گوناگون اطلاق شده است (که توضیح همه آنها از موضوع این قسمت نوشتار خارج است) «۳» و فقط به چند معنا و مصداق اشاره می‌کنیم. ۱. آسمان به معنی جهت بالا و زمین بمعنی پایین (ابراهیم/ ۴) ۲. آسمان به معنی جوّ اطراف زمین (ق/ ۹) ۳. آسمان به معنی کرات آسمانی و زمین به معنی کره زمین (فصلت/ ۱۱) ۴. آسمان به معنی مقام قرب و حضور الهی و زمین به معنی مراتب نازل وجود. (سجده/ ۵) که شامل آسمان معنوی می‌شود. پس همیشه آسمان و زمین در قرآن به معنای مادی نیست. تا بخواهیم آن را در مورد خلقت جهان مادی و مراحل تشکیل و تکوّن آن حمل کنیم. هر چند که ظاهر آیات ۹- ۱۲ سوره فصلت همین آسمان و زمین مادی است. امّا برخی مفسران در مورد آیات ۴- ۵ سوره سجده احتمال آسمان معنوی را تقویت می‌کنند. «۴» تذکر: بیان تعداد آسمانها (سموات سبع) و رمز عدد هفت یک بحث مستقل می‌طلبد و لذا در اینجا متعرض نمی‌شویم. «۵»

(۱) ر. ک: مفردات راغب و نیز التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده یوم. (۲) همان، ماده سماء و ارض. (۳) برای اطلاعات بیشتر ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵ به بعد و نیز بحث «هفت آسمان» در همین نوشتار. (۴) برای اطلاعات بیشتر ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۷. (۵) ر. ک: مبحث «هفت آسمان» در همین نوشتار. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۰۹

تاریخچه:

اشاره

تاریخچه: پیدایش جهان هستی و مراحلی که گذرانده است یکی از پرسش‌های دیرین بشریت بوده و هست. هرگاه انسان به آسمان

پرستاره، کوهها، دریاها و ... خیره می‌شود با خود می‌اندیشد که چه کسی و چگونه اینها را بوجود آورد و چه دوران‌ها و مراحلی را گذرانده است. در این رابطه ادیان الهی، فلاسفه و متخصصان کیهان‌شناس و زمین‌شناس اظهار نظرهائی کرده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف: پیدایش جهان در نظر فلاسفه یونان:

الف: پیدایش جهان در نظر فلاسفه یونان: ۱. «تالس» (۶۴۰ قبل از میلاد) که او را نخستین فیلسوف یونانی دانسته‌اند معتقد بود که: جهان هستی از آب بوجود آمده و همه تغییرات جهان در اثر عناصری است که در آب تأثیر می گذارد تخته سنگ‌ها، آبهای یخ بسته‌ای است که سالها از انجماد آنها گذشته است. خاک ریزه‌ها در أثر تغییرات هوا پیدا شده است و هوا آبی است که به صورت بخار در آمده است و آتش از برخورد اجسام منجمد شده که از آب بوجود آمده است پیدا شده است. ابرها که از بخار آب تشکیل شده با بخارهای جدید برخورد می کند و در نتیجه آتشی از آنها بوجود می‌آید که برق می‌نامیم و این آتش به طرف فوقانی جهان متصاعد می‌شود و سوراخ‌هایی ایجاد می کند که این سوراخ‌ها نورانی هستند و ستارگان نامیده می‌شوند. «۱» ۲. اناکسیمندر شاگرد تالس می گفت: اصل هستی، مبهم یا بی‌انتها است و مقصود او هوا و خلأ- نامحدود بود. در آن همه چیز ظاهر می‌شود و ناپدید می گردد و این عمل در أثر حرکت دائمی است. او جهان را به صورت سه لوله (دیوار جامد تو خالی) تو در تو تصور می کرد که لوله اولی سوراخی دارد که ما آنرا به صورت آفتاب مشاهده می کنیم. ۳. «لوسیت» و «دموکریت» مکتب اتمی را پایه‌گذاری کردند و گفتند: خلأ- جهان، آکنده از ذرات مخفی است که به چشم درنمی‌آید و این ذرات ازلی است و جوهر آن تغییر ناپذیر است. آسمان و زمین از آنها پدید آمده است. ۴. «اناگزاگور» معتقد بود که عناصر جهان چهار چیز است: آتش، آب، هوا، خاک. که همگی ازلی هستند (_____. ۱) محمد غلاب، فلسفه یونان، ج ۱، ص ۸ و نیز عبد الغنی الخطیب، قرآن و علم امروز، ص ۶۹- ۷۰، ترجمه دکتر اسد الله مبشری. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۰ ۵. «هراکلیت» می گفت: اصل ستارگانی که ما می‌بینیم بخارهایی است که متراکم و سنگ شده است.

ب: پیدایش جهان از نظر کتاب مقدس (تورات):

ب: پیدایش جهان از نظر کتاب مقدس (تورات): در سفر پیدایش مراحل خلقت را اینگونه می‌بینیم: روز اول: خدا آسمانها و زمین را آفرید. و شب و روز را آفرید. (نور را ایجاد کرد) روز دوم: خدا گفت فلکی باشد در میان آبها و آبها را از هم جدا کند. و خدا فلک را آسمان نامید. روز سوم: خدا گفت آبهای زیر آسمان در یک جا جمع شود و خشکی ظاهر گردد و خشکی را زمین نامید. و خدا گفت زمین نباتات برویاند. (علف و درخت و میوه و ...) روز چهارم: خدا دو نیّر (شیئی نورانی) بزرگ ساخت نیّر اعظم را برای سلطنت روز و نیّر اصغر را برای سلطنت شب و ستارگان را. و خدا آنها را در فلک آسمان گذاشت. روز پنجم: خدا گفت آبها به انبوه جانوران پر شود (نهنگ‌ها و خزندگان و ...) و پرندگان بالای زمین بر روی فلک آسمان پرواز کنند. روز ششم: پس خدا حیوانات زمین بهایم و حشرات زمین را به اجناس آنها بساخت. پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. «۱» روز هفتم: خدا از همه کار خود که ساخته بود فارغ شد و آرامی گرفت. پس خدا روز هفتم را مبارک خواند. «۲» «مستر هاکس» در قاموس کتاب مقدس در مورد مقصود از واژه «روز» در مراحل خلقت می‌نویسد: «امّا باید دانست که قصد از لفظ روز نه همین بیست و چهار ساعت معتاد می‌باشد. بلکه قصد از مدت مدید و طویلی است.» و سپس در مورد تعارض مطالب سفر پیدایش با یافته‌های علوم تجربی می‌نویسد: «اگر کسی به دیده اعتراض بنگرد و در باب اول سفر پیدایش نظر کرده بگوید اینها به هیچ وجه با قواعد علم هیئت و معرفة الارض

و علم نبات و حیوان مطابقت نمی‌نماید.

(۱) کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب اول، شماره ۱- ۳۱ با تلخیص. (۲) همان، باب دوم، شماره ۱- ۳ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۱ جواب گوئیم اولاـ مطلب و قصد از این مطالب علمی نیست. ثانیا نیک واضح است که با علوم رئیسه بخوبی مطابقت می‌نماید و ما را فرصت گنجایش آن مطالب در اینجا نمی‌باشد.» «۱» امّا دکتر موریس بوکای فرانسوی در این مورد می‌نویسد: «حکایت کتاب مقدس بدون هیچ ابهامی آفرینش را در شش روز که یک روز استراحت (روز سبت) در پی دارد. (با تشبیه به روزهای هفته) نقل می‌کند: بنابر استنباط از کتاب مقدس، کلمه «روز» فاصله زمانی واقع بین دو طلوع متوالی یا دو غروب متوالی خورشید برای ساکن زمینی است روزی که بدین ترتیب تعریف شود، تابع دوران زمین به دور خودش می‌باشد، بدیهی است که بنابر منطق محض نمی‌توان از روزهایی که اینچنین تعریف شده سخن گفت و حال آنکه سازمانی که باعث پدید آمدن آن گردد- یعنی وجود زمین و گردش دور خورشید- طبق حکایت مقدس در نخستین مراحل آفرینش هنوز مستقر نشده است.» «۲»

مراحل خلقت از منظر قرآن کریم و علم:

اشاره

مراحل خلقت از منظر قرآن کریم و علم: در مورد مراحل شش‌گانه با توجه به یافته‌های علمی و برداشت‌هایی که از قرآن می‌شود احتمالات متعددی می‌تواند مطرح شود. ۱. علامه طباطبائی (ره) در المیزان زیر آیه ۹ سوره فصلت می‌نویسند: «مقصود از «یوم» در خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ برهه‌ای از زمان است نه روز خاص معهود یعنی مقدار حرکت کره زمین به دور خودش که این (احتمال دوم) ظاهر الفساد است و اطلاق کلمه «یوم» بر قطعه‌ای از زمان که حوادث زیادی را در بردارد، زیاد است و استعمال شایعی است». و سپس به آیه ۱۴۰ سوره آل عمران و ۱۰۲ سوره یونس استشهاد می‌جویند و می‌نویسند: «پس دو روزی که خداوند زمین را در آن دو خلق کرد دو قطعه زمان است که زمین در آن دو مرحله کامل شد. و اینکه یک روز نفرمود دلیل این است که دو مرحله متغایر بوده مثل مرحله مذاب بودن و جامد یا مثل آن.»

(۱) مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، چاپ اول اساطیر، بیروت، ۱۳۷۷ ش. (۲) دکتر موریس بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، ص ۱۸۳- ۱۸۴ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۲ و سپس شش روز بودن خلقت آسمانها و زمین را متذکر می‌شوند و بیان می‌کنند که چهار مرحله آن در سوره فصلت بیان شده است دو مرحله در مورد خلقت زمین و دو مرحله در مورد خلقت آسمان (از مرحله دخان بودن تا تسویه آسمانهای هفتگانه) و سپس توجیه خاصی برای «اربعهٔ ایام» (فصلت/ ۱۰) می‌کنند که در مبحث بعدی ذکر می‌کنیم. «۱» ۲. استاد مصباح یزدی در مورد شش روز (ستهٔ ایام- اعراف/ ۵۴) دو احتمال را مطرح می‌کنند: الف: شش روز هفته (روزهای معمولی): ایشان متذکر می‌شوند که در میان بنی اسرائیل و اهل کتاب بویژه یهود این مطلب شهرت داشت که خداوند آفرینش را از یکشنبه آغازید و در جمعه به پایان برد و شنبه را به استراحت پرداخت. و سپس متذکر می‌شوند: ظاهرا این احتمال خیلی بعید است زیرا «روزها» از نظر علم جغرافیا عبارتند از مدت حرکت زمین به دور خودش (حرکت وضعی) و در لغت گاه روز را در برابر شب به کار می‌بریم که در عربی «نهار» می‌گویند. و یوم: اعم است از روز تنها یا شبانه روز. قبل از پیدایش زمین و خورشید و آسمان تصور روز ممکن نمی‌بود. و شنبه و یکشنبه‌ای در میان نبود. اگر نص قاطعی نیز در این مورد می‌داشتیم در نهایت می‌توانستیم گفت که: روز در این مورد یعنی زمانی به اندازه بیست و چهارم

ساعت ولی چنین نصی نیز نداریم. ب: شش دوره خلقت: ایشان، با بررسی واژه «یوم» در قرآن می گوید که «یوم» در معانی غیر از «روز» هم به کار رفته است. و آیات یوسف/ ۵۴، نحل/ ۸ و حج/ ۴۷ و معارج/ ۴ و حدیثی از نهج البلاغه را شاهد می‌آورد. و سپس نتیجه می گیرد که: از بررسی این همه می‌توان گفت که احتمال اینکه منظور از شش روز، شش دوره خلقت باشد بعید نیست. و سپس با ذکر آیات ۹- ۱۲ فصلت می‌نویسند: می‌توان احتمال داد که منظور از دو روز، در آفرینش آسمان دو مرحله خلقت باشد: در یک مرحله به صورت گاز یا دود (دخان) و مرحله بعدی به صورت آسمان هفتگانه. در زمین نیز به همین قرار: یک روز به گونه گاز یا مایع و روز دیگر مرحله‌ای که به صورت جامد درآمده است (که هنوز مرکز زمین مایع است) «۲»

(_____ ۱) المیزان، ج ۱۷، ص ۳۶۳- ۳۶۴.

(۲) معارف قرآن، دو جلدی، ص ۲۴۱- ۲۴۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۳ ۳. استاد مکارم شیرازی «۱» با توجه به آیات ۵۴ سوره اعراف و ۹- ۱۲ سوره فصلت و یافته‌های علمی، دوران‌های احتمالی شش‌گانه خلقت را اینگونه مطرح کرده‌اند: اول: مرحله‌ای که جهان به صورت توده گازی شکلی بود. دوم: دورانی که توده‌های عظیمی از آن جدا شد و بر محور توده مرکزی به گردش درآمد. سوم: مرحله‌ای که منظومه شمسی تشکیل یافت (از جمله خورشید و زمین) چهارم: روزی که زمین سرد و آماده حیات گردید. پنجم: مرحله بوجود آمدن گیاهان و درختان در زمین. ششم: مرحله پیدایش حیوانات و انسان در روی زمین. ایشان در تفسیر آیات ۹- ۱۲ سوره فصلت چند نکته را یادآوری می کنند: الف: استعمال «یوم» و معادل آن در فارسی (واژه روز) و در لغات دیگر به معنی «دوران» بسیار رایج و متداول است. ب: در مورد کلمه «ثم» ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ «۲» که ظاهرا خلقت آسمان‌ها را پس از خلقت زمین و متعلقات آن قرار داده است می‌نویسند: تعبیر «ثم» (سپس) معمولا برای تأخیر در زمان می‌آید ولی گاه به معنی تأخیر در بیان می‌باشد. اگر به معنی اول باشد مفهومش این است که آفرینش آسمانها بعد از خلقت زمین صورت گرفته است ولی اگر به معنی دوم باشد هیچ مانعی ندارد که آفرینش آسمانها قبلا صورت گرفته و زمین بعد از آن، ولی به هنگام بیان کردن، نخست از زمین و ارزاق، که مورد توجه انسانهاست شروع کرده و سپس به شرح آفرینش آسمانها پرداخته است. معنای دوم گذشته از این که با اکتشافات علمی هماهنگ‌تر است با آیات دیگر قرآن نیز موافقت دارد. و سپس به عنوان شاهد آیات ۲۷- ۳۳ سوره نازعات أَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْکَها فَسَوَّاها وَ أَغْطَشَ لَیْلَها وَ أَخْرَجَ ضُحاها وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها را ذکر می کنند. که روشن می‌سازد مسایل مربوط به زمین بعد از آفرینش آسمان‌ها بوده است. سپس مطالبی راجع به آسمان‌های هفتگانه و آسمان دنیا و «اربعهٔ ایام» در آیه ۱۰ سوره فصلت بیان می کند که در جای مناسب مطالب ایشان را ذکر خواهیم کرد. «۳»

(_____ ۱) ر. ک: آیهٔ اللّه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۰۲ و نیز ج ۲۰، ص ۲۲۲ به بعد و نیز پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۶۶- ۱۶۷. (۲) فصلت/ ۱۱. (۳) ر. ک: نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۲- ۲۳۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۴ ۴. آقای دکتر موریس بوکای در مورد مراحل شش‌گانه خلقت پس از توجه به این نکته که: در تورات سخن از شش روز متعارف است که خدا در روز هفتم (روز شنبه که آن را «سبت» می‌خوانند) به استراحت می‌پردازد. و این روز همین فاصله زمانی واقع بین دو طلوع یا دو غروب متوالی خورشید برای ساکن زمینی است. متذکر می‌شود که: در قرآن کریم کلمه یوم بکار رفته که بمعنای دوره می‌آید و سخن از روز هفتم استراحت نیست و این نکته از عجایب علمی قرآن است ایشان سپس آیات ۵۴ سوره اعراف و ۹- ۱۲ سوره فصلت را مطرح می کند و به بحث می‌پردازد. «۱» سپس در مورد مراحل خلقت از نظر علوم جدید می‌نویسد: «دانش نو می گوید که جهان از جرم گازی با دوران کند تشکیل شده و جزء اصلی آن هیدروژن و بقیه هلیوم بود سپس این سحابی به پاره‌های متعدد با ابعاد و اجرام قابل ملاحظه‌ای تقسیم شد ... و همین جرم گازی بعدها کهکشانها را تشکیل داد ... و در اثر فشارها و نیروی جاذبه و پرتوهای وارده باعث شروع واکنشهای (گرما- هسته‌ای) شد و از اتمهای ساده اتمهای سنگین بوجود آمد و هیدروژن به هلیوم و سپس کربن و اکسیژن تبدیل می گردد تا به فلزات

و شبه فلزات منتهی می‌شود.» «۲» سپس نتیجه‌گیری می‌کند که: جریان کلی خلقت دو مرحله داشته است: الف: تکاثف و تراکم توده‌ای گازی در حال چرخش. ب: انفکاک آن به صورت پاره‌هائی با استقرار خورشید و سیارات منجمله زمین. «۳» سپس یادآور می‌شود که طبق آیات ۹- ۱۲ سوره فصلت نیز همین دو مرحله لازم بود تا اجسام آسمانی و زمین تکوین یابد. امّا در مورد چهار دوره بعد که مربوط به زمین و گیاهان و حیوانات است یادآور می‌شود که زمین چند عصر و دوره زمین‌شناسی دارد که انسان در عهد چهارم پدید آمد. «۴» ۵. یکی از صاحب‌نظران معاصر خلقت جهان را در چند عنوان بررسی کرده و با آیات قرآن تطبیق می‌کند که مطابق با صورت خلاصه ذکر می‌کنیم:

(۱) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۸۳- ۱۸۷. (۲) همان، ص ۱۹۶ با تلخیص. (۳) همان، ص ۱۹۸. (۴) همان، ص ۲۰۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۵

الف: آفرینش کیهان:

الف: آفرینش کیهان: ایشان با ذکر آیه ۷ سوره هود وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ می‌نویسند: «در آغاز ظلمت و تاریکی سراسر جهان را فرا گرفته بود و بجز خداوند یکتا هیچ کس و هیچ چیز نبود. فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ فِی یَوْمَیْنِ «۱» آنگاه خداوند متعال طی دو نوبت فرمان بنای آسمان‌های هفت‌گانه را صادر فرمود.» سپس با اظهار بی‌اطلاعی از ماده اولیه جهان (و تأیید آن به وسیله آیه ۵۱ سوره کهف و سخنی از برخی دانشمندان) می‌نویسند: آنچه از نظر قرآن و دانشمندان محقق است این مصالح عبارت بودند از ذرات دود و گاز که در فضا سرگردان امّا چنان پراکنده بودند که بندرت به یکدیگر برمی‌خوردند. ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ «۲» ایشان به عنوان شاهد سخن «سرجمیس جینز» دانشمند فلک‌شناس را می‌آورد که می‌گوید: ماده کون از گازهائی که در فضا انتشار دارد آغاز گشته و از تراکم این گازها سدیم (مه رقیق) پدید آمده است. «۳» سپس نتیجه می‌گیرند که: خداوند طی دو دوره از این گازها آسمانهای هفتگانه را بنا نهاد (فصلت/ ۱۲) و بوسیله ستونهای نامرئی که امروز از آنها به نیروی جاذبه عمومی تعبیر می‌شود کرات آسمانی را استوار گرداند (لقمان/ ۱۰)

ب: آفرینش ستارگان:

ب: آفرینش ستارگان: ایشان با ذکر آیه ۷ صافات: إِنَّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِزِینَةٍ الْکَواکِبِ «ما آسمان پایین را با ستارگان درخشان زینت بخشیدیم» می‌نویسند: بدین ترتیب میلیون‌ها ذره گاز و دود به شکل ابرهای عظیم به دور هم گرد آمدند ... توده‌های ابر ذرات را به سوی مرکز جذب می‌کرد و بالاخره توده انبوه ابر جمع می‌گشت و ذرات آن به یکدیگر نزدیک می‌شد. این ذرات که به یکدیگر اصطکاک پیدا می‌نمود، تولید گرما می‌کرد و گاهی در مرکز ابر گرما چنان شدت می‌یافت که توده را به تابش می‌افکند و فضای تاریک را روشن می‌ساخت سرانجام میلیون‌ها توده ابر به صورت ستاره درآمدند. و آسمان پایین چراغانی گردید. (البته همه ستارگان هم در یک زمان پیدا نشدند.)

(۱) فصلت/ ۱۲. (۲) فصلت/ ۱۱. (۳) جمیس جینز، پیدایش و مرگ خورشید و نیز النجوم فی مسالکها. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۶

ج: پیدایش خورشید:

ج: پیدایش خورشید: در میان این دریای جوشان (دود و گاز) طرحی مارپیچی، از اثر چرخش ماده دواری پیدا گردید. این شکل مارپیچ که آن را کهکشان راه شیری می‌نامند. ماده خورشید و منظومه شمسی و زمین ما در یکی از بازوان آن قرار داشت. وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِراجاً «۱» «و خداوند خورشید را چراغ جهان افروز قرار داد.» در این بازوی کهکشان راه شیری طوفانی پر آشوب پدید آمد و جریان تند گازها آنها را به چرخش درآورد و همچنانکه می‌چرخید به شکل فرفره‌ای پهن و عظیم درآمد و پاره‌های نورانی، بر گرد آن روان گشت. این فرفره بزرگ چرخید تا اینکه کم‌کم گازها به مرکز آن کشیده شد و در آنجا به صورت گوی عظیم و فروزانی تراکم یافت و سرانجام این گوی فروزان «خورشید» گردید.

د: پیدایش زمین و منظومه شمسی:

د: پیدایش زمین و منظومه شمسی: پاره‌های گاز و غباری که گرداگرد خورشید را هاله‌وار، فرا گرفته بود از هم پاشید و هر پاره از آن به صورت گردابی درآمد. هر گرداب مسیری جداگانه داشت و در آن مسیر به دور خورشید می گردید. در گردابهای نزدیک به خورشید گرما و در گردابهای دور دست سرما حکومت می‌کرد. از برخی ذرات گاز، بخار آب پدید آمد و مانند شبنم روی ذرات غبار می‌نشست و چون ذرات غبار به هم می‌رسیدند، رطوبت شبنم آنها را به یکدیگر می‌چسبانید. و گاهی نیز به شکل پاره‌های یخ زده آب و گل در می‌آمدند. نیروی جاذبه این پاره‌ها را به سوی یکدیگر جذب می‌کرد و بزرگ می‌شدند و گوی عظیم و چرخانی پدید می‌آورند. و سرانجام این گوی «زمین» گردید. بعد سایر سیارات (عطارد- زهره- مریخ- مشتری- زحل- اورانوس و نپتون و ...) نیز از گردابها پدید آمدند. و هر سیاره در مسیر خود، بر گرد خورشید می گردید.

ه: سرنوشت زمین:

ه: سرنوشت زمین: زمین شکل می‌بندد و به صورت گوی بزرگی از صخره‌های خشک و عریان جلوه گر است. (نه حیات- نه هوا- نه ابر) توده‌های بخار آب و دیگر گازها همراه با تودهای گل، قرنها پیش در آن مدفون شده و اینک آن گازها، در میان صخره‌های زمین محبوسند. از شکسته شدن اتم‌های مخصوص صخره‌های زمین گرما پدید می‌آید و در ژرفای زمین صخره‌ها چنان گرم می‌شوند که گداخته می گردند و همراه با حباب‌های گاز به جوش در

(_____ ۱) نوح/ ۱۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۷ می‌آیند و از آتشفشانها فوران کرده به روی زمین روان می‌شوند. گازها نیز از آتشفشانها بیرون می‌زنند و در پیرامون زمین گسترده می‌شوند و پوششی از هوا بر روی آن می کشند. بخار آب سرد می‌شود و ابرهای کلان پدید می‌آید و بارانهای نخستین فرو می‌بارد. میلیونها سال همچنان باران می‌بارد و در گودال‌های زمین فرو می‌رود ... قرآن در این باره می‌فرماید: وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِی الْأَرْضِ «۱» «و بقدری آب از آسمان فرو فرستادیم که آن را در زمین مسکن دادیم».

و: پیدایش حیات در روی زمین «۲» (این مطلب را در یک بحث مستقل بررسی می‌کنیم)

و: پیدایش حیات در روی زمین «۲» (این مطلب را در یک بحث مستقل بررسی می کنیم) ۶. دکتر پاک‌نژاد در یک جلد از کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر مبحث مفصلی تحت عنوان «اسلام و بیولوژی» دارد که چگونگی شروع خلقت و آغاز حیات را مورد بررسی علمی- قرآنی- روائی قرار می‌دهد و آن را به صورت یک فیلم خیالی جالب بیان می کند. «۳» ایشان در ابتداء با ذکر آیه وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ «۴» به توضیح سه واژه ایام، عرش و ماء می‌پردازد. و «ایام» را

به «دوران» معنا می‌کند. «۵» و سپس نتیجه می‌گیرد که: خدا قبل از هر چیز روح را، عقل را، قدرت را، نور را و ملائکه را آفرید سپس ظلمت را، همه در اخبار دیده می‌شود شاید بتوان گفت به نظر اسلام ابتداء یک مرحله متافیزیک (عقل، روح و ...) سپس قدرت و انرژی و بعد آب و آنگاه دخان آفریده شد. توده‌های دخان موجود بهم برخورده ایجاد گرما کردند بعدها خیلی سوزان شدند سپس در أثر طوفان‌های ایجاد شده شروع به چرخیدن نموده جزائر فلکی یا کهکشان‌ها و کاسارها درست شد. «۶» ایشان در جای دیگر می‌نویسد: دانشمندان زیست‌شناس که در بسیاری از مطالب نظریه‌های مخالف و مغایر هم داشتند، در بسیاری موارد و از جمله درباره نشان دادن (_____ ۱) مؤمنون/ ۱۸. (۲) بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۱۹- ۳۱ با تلخیص. (۳) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۹۶. (۴) هود/ ۷. (۵) همان، ص ۱۰۴. (۶) همان، ص ۱۱۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۸ مراحل تکاملی آفرینش اتفاق رأی داشتند: به ترتیب زیر: توده‌ای از گاز کهکشان‌ها- منظومه شمسی- زمین، به ترتیب بوجود آمدند. ابتدا زمین گداخته بود- سرد شد- جز جماد چیزی یافت نمی‌شد- آبی پیدا شد- ملکولهای اولیه- گیاه- جنبندگان- خزندگان و پستانداران به ترتیب در گردونه تکامل آفرینش قدم به عرصه وجود گذاشتند. و سپس می‌نویسد: اکثر دانشمندان زیست‌شناس برای تعیین قدمت و زمان حیات هر کدام از این دسته طرحی داشته‌اند. بدین طریق که از ابتدای خلقت تا پیدایش انسان را یک سال یا یک هفته یا یک شبانه روز فرض کرده و برای هر کدام آن مدت مفروض را تقسیم زمانی کرده‌اند. مثلا دانشمندی تمام مدت خلقت را یک شبانه روز فرض کرده: پیدایش کهکشان‌ها را حدود ساعت هفت و خورشید را هنگام ظهر و زمین را یک و دوازده ثانیه و پیدایش حیات را شش بعد از ظهر، و چهار دقیقه و دوازده ثانیه به ساعت ۱۲ مانده را برای پیدایش پیش آهنگان انسانی اختصاص داده است. «۱» ۷. دکتر حمید النجدی در مورد آیات سوره فصلت/ ۹- ۱۱ می‌نویسد که: «قبلا دانشمندان فکر می‌کردند که زمین و آسمانها از یک جنس تشکیل شده است امّا مباحث جدید علمی روشن کرد که عناصر تشکیل دهنده زمین و کرات آسمانی متفاوت است. یعنی ستارگان از ۹۹٪ هیدروژن تشکیل شده است امّا زمین از عناصر و فلزات (حدود صد عنصر) تشکیل شده است. و نتیجه گرفتند که هر چند که منشأ زمین و آسمانها یکی است امّا اول زمین تشکیل شده و سپس ستارگان بوجود آمده‌اند یعنی ظرف تشکیل زمین با ظرف تشکیل ستارگان و سیارات متفاوت است و سپس متذکر می‌شود که اگر قرآن کریم در آیات فوق اول خلقت زمین و سپس خلقت آسمان را مطرح کرده است به همین لحاظ است.» «۲» ۸. صاحب نظران دیگری که به این بحث پرداخته‌اند عبارتند از: حنفی احمد «ستهٔ ایام» را به معنای شش نوبت از وقایع و حوادث می‌داند و توضیحات مفصلی در مورد ادوار خلقت جهان و تطبیق آن با آیات بیان می‌کند. «۳» (_____» ۱) همان، ص ۱۴۸ با تلخیص. (۲) ر. ک: دکتر حمید النجدی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۹۱- ۹۴. (۳) ر. ک: حنفی احمد، التفسیر العلمی للایات الکونیهٔ فی القرآن، ص ۱۱۹ و ۱۲۸ و ۱۳۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۱۹ عبد المنعم السید عشری نیز «ستهٔ ایام» را به معنای شش دوره می‌داند و می‌گوید جنس أیام در اینجا غیر از روزهای معمولی ماست. «۱»

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: در مورد آنچه که مفسران و صاحب نظران محترم در مورد مراحل خلقت آسمانها و زمین بیان داشتند تذکر چند مطلب لازم است: ۱. آنچه که از آیات قرآن برمی‌آید خلقت آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست در شش مرحله (یوم) صورت گرفته است. در دو مرحله آفرینش آسمانها (از دخان تا سبع سموات) انجام پذیرفته است. در دو مرحله خلقت زمین صورت گرفته است. در دو مرحله بعدی آنچه ما بین زمین و آسمان است (کوهها، ارزاق، معادن ...) قرآن در این مورد اشاراتی کلی کرده و وارد جزئیات و تعیین زمان دوره‌ها و نوع خاص تحوّلات آن نشده است. ۲. تعیین دوره‌ها و مراحل نسبت به چیزهای تدریجی

امکان‌پذیر است. و تعیین مراحل و دوره‌ها امری اعتباری و نسبی است. و لذا گاهی در یک موضوع ثابت (مثل رشد علم بشر یا پیدایش و تطور هنر ...) تقسیم‌بندی‌ها و مراحل متفاوتی ذکر می‌شود که هر کدام از زاویه خاصی به موضوع می‌نگرد. گاهی همه این مراحل و تقسیم‌بندی‌ها صحیح و لازم است. و زوایای پنهان موضوع را روشن می‌کند. در مورد مراحل خلقت نیز این مطلب صادق است. یعنی ممکن است دوران‌های خلقت آسمانها و زمین را از منظرها و حیثیت‌های مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی کرد. و ریشه همه اختلافات در نظریه‌های علمی مراحل آفرینش جهان همین مطلب است. گاهی تقسیم‌بندی بر اساس گاز- مایع- جامد صورت می‌گیرد. گاهی تقسیم‌بندی بر اساس کرات آسمانی- زمین- انسان صورت می‌گیرد. گاهی تقسیم‌بندی بر اساس موجودات بی‌جان و جاندار صورت می‌گیرد. پس اشکالی ندارد که علوم کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی و زیست‌شناسی مراحل

(_____ ۱) ر. ک: عبد المنعم السید عشری، تفسیر الایات الکونیهٔ فی القرآن الکریم، ص ۲۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۰ خلقت را به گونه‌ای متفاوت با قرآن یا کتاب مقدس تقسیم کرده باشد. و لازم نیست که این مراحل همیشه با هم انطباق داشته باشد. و تفاوت تقسیم‌بندی‌ها از لحاظ طول دوره‌ها یا نوع دوره‌ها مستلزم تعارض علم و دین نیست. چون هر کدام از این تقسیم‌بندی‌ها از دیدگاه خاصی صورت گرفته و ممکن است در جای خود صحیح و لازم باشد به عبارت دیگر زبان علم و دین در این موارد متفاوت است. تذکر: این نکته روشن است که مبنای تقسیم‌بندی مراحل خلقت در قرآن (آسمان- زمین- ما بین آنها) است. ۳. همانطور که گذشت واژه «سموات و ارض» در قرآن در معانی مختلفی استعمال می‌شود. و لذا ممکن است که گفته شود همه آیات مربوط به مراحل خلقت آسمان و زمین ناظر به خلقت آسمان و زمین معهود و مادی که ما می‌بینیم نیست بلکه در برخی از آیات (مثل سجده/ ۴- ۵) احتمال دارد که مقصود خلقت موجودات ماوراء طبیعی و معنوی از درجات بالا تا پایین باشد همانطور که برخی از مفسران اشاره کرده بودند. «۱» ۴. از مقایسه برخورد قرآن با مراحل خلقت با مطالب تورات فعلی و فلاسفه یونان و یافته‌های جدید علوم تجربی معلوم می‌گردد که مطالب قرآن سازگار با یافته‌های علوم است در حالی که برخی مطالب تورات و فلاسفه، این سازگاری را ندارد. (همان‌طور که بیان شد) و این مطلب عظمت و حقانیت قرآن کریم را نشان می‌دهد. بلکه اعجاب هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد. امّا این مطالب، اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی‌کند. چرا که مراحل کلی خلقت در شش روز قبل از اسلام (در تورات) نیز مطرح بوده است و به صورت طبیعی مردم جزیرهٔ العرب که با یهودیان زندگی می‌کردند فی الجمله از آن اطلاع داشتند. (هر چند که در قرآن روز هفتم یعنی روز استراحت مطرح نشده است.) قرآن کریم نیز وارد جزئیات نشده است. پس تذکر این مطالب در قرآن (به صورت کلی و مجمل) نمی‌تواند اعجاز علمی آن را اثبات کند. ۵. از آنجا که مطالب قرآن در مورد خلقت آسمانها و زمین به صورت کلی و مجمل است تطبیق قطعی آن با نظریه علمی خاص در باب مراحل پیدایش جهان صحیح به نظر نمی‌رسد.

(_____ ۱) ر. ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۱ بلی اگر مثلا بگوئیم محتمل است که مقصود از دخان همان مراحل گاز بودن جهان باشد و ... اشکالی ندارد. ۶. مراحلی که استاد مکارم شیرازی فرمودند با آیاتی که مراحل خلقت را برمی‌شمارد منطبق نیست چرا که طبق نظر خود ایشان مرحله اول و دوم مربوط به خلقت آسمانها و مرحله سوم و چهارم مربوط به خلقت زمین است و مرحله پنجم و ششم که در آیه ۱۰ سوره فصلت بیان شده است وَ جَعَلَ فِیها رَواسِیَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَکَ فِیها وَ قَدَّرَ فِیها أَقْواتَها فِی أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ مربوط به خلقت کوهها، معادن، و ارزاق است و در این مراحل سخنی از خلقت انسان و حیوان در میان نیست. در حالی که ایشان مرحله ششم خلقت را مربوط به پیدایش حیوانات و انسان می‌دانند. «۱» و این مطلب با مرحله ششم تورات تناسب بیشتری دارد. تذکر: ممکن است کسی بگوید خلقت آسمان و زمین در شش مرحله بوده و خلقت انسان پس از آن بوده است. و لذا در قرآن نامی از خلقت انسان در دوران‌های شش‌گانه برده نشده است. پس بعد از اتمام خلق زمین از خاک انسان را آفرید (سجده/ ۸- ۹) و به ملائکه نیز

اعلام کرد (بقره/ ۳۰) ۷. در مورد مراحلی که آقای دکتر بی‌آزار شیرازی برشمردند باید متذکر شویم اولا ظاهر کلام ایشان این است که آفرینش خورشید را یک مرحله مستقل قرار داده است در حالی که در قرآن کریم خلقت آسمانها (دخان- سبع سموات) دو مرحله قرار داده شده است و آفرینش خورشید نیز در دل این دو مرحله جای می‌گیرد. و ثانیا لازم بود که ایشان ذکر می‌کردند که این تطبیق‌ها بین مطالب علمی و قرآن به صورت احتمالی است. چرا که ممکن است مبنای تقسیم‌بندی مراحل در قرآن و علم یکسان نباشد و یا در آینده تقسیم‌بندی‌های علمی تغییر کند. ۸. در مورد سخنان آقای دکتر پاک‌نژاد باید متذکر شویم که خلقت مرحله متافیزیک (روح، عقل، قدرت، نور، ملائکه) که ایشان از روایات استفاده کرده بود از موضوع بحث ما که مراحل خلقت آسمانها و زمین مادی است خارج است. و تحت آیات (ستهٔ ایام) مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. مگر آنکه آسمان را در این آیات اعم از آسمان معنوی و مادی فرض کنیم. (_____ ۱) نمونه، ج ۶، ص ۲۰۲ و ج ۲۰، ص ۲۲۲ و پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۶۶- ۱۶۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۲

تعارض ظاهری آیات سوره فصلت با خلقت جهان در شش دوره:

تعارض ظاهری آیات سوره فصلت با خلقت جهان در شش دوره: در آیات دسته اول و دوم که در صدر بحث ذکر شد (هفت آیه اعراف/ ۵۴- یونس/ ۳- هود/ ۷- حدید/ ۴- سجده/ ۴- فرقان/ ۵۹- ق/ ۳۸) مراحل خلقت جهان در شش دوره (یوم) گفته شده است. امّا در آیات سوره فصلت/ ۹- ۱۲ به نظر می‌رسد که هشت دوره بیان شده است. خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ- وَ قَدَّرَ فِیها أَقْواتَها فِی أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ- فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ فِی یَوْمَیْنِ «خلقت زمین در دو مرحله و خلقت کوهها و ارزاق در چهار مرحله و خلقت آسمانها در دو مرحله که جمعا هشت مرحله (دوران) می‌شود.» پاسخ: مفسران قرآن در این زمینه چند نظر ابراز کرده‌اند که هر کدام می‌توانند معانی آیات را با هم سازگار و جمع کند و تعارض ظاهری را برطرف کند. ۱. راه مشهور و معروف آن است که بگوییم آنجا که قرآن می‌فرماید: چهار دوران (اربعهٔ ایام فصلت/ ۱۰) منظور تتمه چهار دوره است. بدین ترتیب که در دو دوره اول از این چهار دوره، زمین آفریده شد و در دو دوره بعد از همان چهار دوره سایر خصوصیات زمین بوجود آمد. و دو دوره هم که خلقت آسمانها بود مجموعا شش دوره (یوم) می‌شود که در آیات هفتگانه اول بدان اشاره شده بود. یعنی آیات هفتگانه (ستهٔ ایام) قرینه این تفسیر و تقدیر می‌شود. «۱» این تفسیر مورد قبول صاحبان تفسیر نمونه نیز هست. «۲» ۲. علامه طباطبائی در المیزان می‌نویسد: مقصود از «اربعهٔ ایام» با توجه به قرائن همان فصول چهارگانه است که بر اساس میل شمالی و جنوبی زمین بوجود می‌آید. و تقدیر ارزاق در این چهار فصل است پس جمله (فی اربعهٔ ایام) فقط قید جمله اخیر (قدر فیها اقواتها) است و حذف و تقدیری در آیه وجود ندارد. «۳» تذکر: بنابراین تفسیر آیه ۱۰ سوره فصلت مربوط به اصل خلقت زمین و آسمانها نیست و از دو آیه قبل و بعد مستقل است (_____ ۱) بر طبق این تفسیر، آیه ۱۰ سوره فصلت تقدیر دارد یعنی اینگونه بوده است: (و قدر فیها اقواتها فی تتمهٔ اربعهٔ ایام) و یا به تعبیری که در تفسیر کشاف آمده است (کل ذلک فی اربعهٔ ایام) (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۴. (۳) تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۶۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۳ آقای دکتر صادقی نیز معتقد است که در تعارض هشت روز با شش روز تقریبا عموم مفسران متحیر مانده‌اند و سخنانی برخلاف ظاهر آیه دارند و سخن حق این است که «اربعهٔ أیام» در این آیات مربوط به اصل آفرینش زمین نیست بلکه مربوط به تکمیل آن است و روی این اصل دو روز برای خلقت زمین‌ها و دو روز برای تشکیل هفت آسمان و دو روز دیگر در این آیات فصلت ذکر نشده است. مربوط به آفرینش ستارگان در نخستین آسمان و دیگر امور بوده است. «۱» ۳. ممکن است گفته شود که آیه ۱۰ سوره فصلت وَ جَعَلَ فِیها رَواسِیَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَکَ فِیها وَ قَدَّرَ فِیها أَقْواتَها فِی أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ سَواءً لِلسَّائِلِینَ

یک آیه مستقل است که مربوط به حالات و تغییرات خاص زمین در چهار مرحله است. (نه خلقت اصل زمین که در دو مرحله بوده است) که در این چهار دوره زمین‌شناسی، پیدایش کوهها، معادن و ارزاق موجودات پدید آمد. «۲» دکتر موریس بوکای با یک جمله (زمین چند عصر و دوره زمین‌شناسی دارد که انسان در عهد چهارم پدید آمد) اشاره‌ای مختصر به این احتمال کرده است. «۳»

(_____ ۱) ر. ک: دکتر محمد صادقی، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، ص ۹۴- ۱۰۳. (۲) از نظر فسیل‌شناسان و دیرین‌شناسان دوره‌های پیدایش جانداران به این صورت است: دوران اول: انواع مرجان‌ها، ماهیان زره‌دار، سوسماران، مارها، لاکپشت‌ها، و خزندگان زمینی پدید آمده است. گیاهان این دوره جلبک‌ها، سرخس‌ها، پنجه گرگ‌ها و دم اسب‌ها. دوران دوم: پرندگان پیدا شدند که قدیمی‌ترین آنها «ارکئورنیت» است که شبیه بچه کبوتر بوده است. گیاهان این دوره گلدار بودند مانند: انجیر، بلوط و گردو ... دوران سوم: پستانداران که در اواخر دوره دوم پیدا شده بودند زیاد شدند. و تنوع پیدا کردند. مثل: اسب، گاو، شتر و ... گیاهان در این دوره تنوع و تکثیر یافتند. دوران چهارم: انسان پیدا می‌شود و وضع گیاهان به صورت کنونی در جهان جلوه‌گر می‌گردد. (برای اطلاعات بیشتر ر. ک: بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۳۷- ۴۲ که از زمین‌شناسی و تکامل نقل می‌کند.) البته دوران‌های زمین‌شناسی را به چهار دوره یخبندان نیز تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: اول: گونز ۵۰۰ هزار سال پیش. دوم: میندل ۲۷۵ تا ۲۰۰ هزار سال پیش. سوم: رپس ۲۰۰ تا ۷۵ هزار سال پیش. چهارم: و ورم ۷۵ تا ۱۰ هزار سال پیش. انسان در دوره چهارم بوجود آمد. (ر. ک: احمد رهبری، انسان پیش از تاریخ، ص ۱۳، دانشکده ادبیات ۱۳۵۴ ش، که از باستان‌شناسی عصر حجر نقل می‌کند.) (۳) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۰۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۴

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: هر کدام از سه راه حل ارائه شده را بپذیریم سازگاری و جمع بین آیات سوره فصلت و آیات دیگر در مورد مراحل خلقت برقرار می‌شود. امّا لازم است که اشاره به نقد و بررسی این راه حل‌ها بنمائیم. راه اول: مستلزم تقدیر گرفتن کلمه‌ای محذوف (تتمه- کل ذلک) است و تقدیر خلاف ظاهر است. پس راه اول مستلزم قبول چیزی برخلاف ظاهر آیه است. راه دوم: (نظر علامه طباطبائی) توسط صاحبان تفسیر نمونه از چند جهت مورد اشکال واقع شده است: الف: این تفسیر هماهنگی میان جمله‌های آیات مورد بحث (فصلت/ ۹- ۱۲) را تأمین نمی‌کند. چرا که در مورد خلقت آسمان و زمین یوم به معنای دوران آغاز پیدایش است ولی یوم در مورد خصوصیات زمین و مواد غذائی به معنی فصول سال می‌باشد. ب: نتیجه این تفسیر آن است که در آیه فوق از شش روز آفرینش تنها از دو روز آفرینش زمین و آفرینش آسمان‌ها بحث شده امّا از دو روز باقیمانده که مربوط به خلقت موجوداتی میان زمین و آسمان (ما بینهما) است سخنی به میان نیامده است. «۱» البته اشکال اول قابل جواب است. چرا که در مباحث قبل بیان شد که «یوم» در قرآن کریم در معانی متعددی به کار رفته است و اشکالی ندارد که در اینجا نیز در دو آیه به دو معنای متفاوت به کار رود. و اشکال دوم نیز قابل جواب است چرا که لازم نیست در هر آیه‌ای تمام مراحل خلقت بیان شود و لذا در آیات سوره‌های اعراف/ ۵۴- یونس/ ۳- هود/ ۷- حدید/ ۴ سخن از خلقت شش دوره‌ای آسمانها و زمین شده است امّا هیچ سخنی از خلقت موجودات بین آسمان و زمین (ما بینهما) نشده است. راه حل سوم از دو جهت قابل اشکال است: اول آنکه در آیه ۱۰ سوره فصلت سخن از چهار مرحله نمی‌گوید بلکه سه مرحله جَعَلَ فِیها رَواسِیَ- بارَکَ- قَدَّرَ فِیها أَقْواتَها آفرینش کوهها، معادن و تقدیر ارزاق را بیان می‌کند. و ثانیا سخنی از خلقت انسان نمی‌گوید تا بگوئیم در عهد چهارم زمین‌شناسی انسان بوجود آمد.

(_____ ۱) برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۵ نتیجه: توجه به آیات ۲۷- ۳۳ سوره نازعات برای مبحث ما راهگشاست در آنجا

مراحل خلقت را این‌گونه برمی‌شمارد: أَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْکَها فَسَوَّاها وَ أَغْطَشَ لَیْلَها وَ أَخْرَجَ ضُحاها وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها أَخْرَجَ مِنْها ماءَها وَ مَرْعاها وَ الْجِبالَ أَرْساها. یعنی دو مرحله مربوط به خلقت آسمانها (بنا کردن و برافراشتن- تسویه و تنظیم) و دو مرحله مربوط به زمین (پیدایش شب و روز که مربوط به حرکت زمین است- دحو الارض) «۱» و دو مرحله مربوط به حوادث زمینی (منابع آب و گیاهان- آفرینش کوهها) پس با توجه به آیات سوره نازعات و تطبیق آن با آیات سوره فصلت می‌توانیم نتیجه بگیریم که راه حل اول (یعنی تقدیر گرفتن: فی تتمه اربعهٔ ایام- کل ذلک فی اربعهٔ ایام) مناسب‌ترین راه حل است. «۲» چرا که قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره فصلت نیز همان مطالب آیه ۲۷ سوره نازعات را می‌فرماید: وَ جَعَلَ فِیها رَواسِیَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَکَ فِیها وَ قَدَّرَ فِیها أَقْواتَها «۳» أَخْرَجَ مِنْها ماءَها وَ مَرْعاها وَ الْجِبالَ أَرْساها «۴» ارزاق و اقوات از همان گیاهان است و آب یکی از موارد منابع است و قرآن نیز در این موارد نمونه ذکر می‌کند و در مقام شمارش تمام ارزاق و منابع نیست. و مسأله کوهها نیز در هر دو آیه آمده است. پس معلوم شد که مقصود از چهار دوره (اربعهٔ ایام) در فصلت/ ۱۰ همان دو مرحله خلقت زمین به اضافه دو مرحله خلقت ملحقات زمین (کوهها- ارزاق- منابع ...) است. چرا خدای قادر مطلق جهان را در یک لحظه نیافرید؟ برخی مفسران با طرح این پرسش اینگونه پاسخ داده‌اند: خداوند قادر مطلق است و می‌توانست جهان را در یک لحظه یا شش دوره طولانی

(_____ ۱) در مورد «دحو الارض» و معانی احتمالی آن (حرکت زمین- گسترش زمین و ...) به مبحث زمین در همین نوشتار مراجعه کنید. (۲) هر چند که تقدیر گرفتن خلاف ظاهر است امّا با توجه به قرائن (آیات دیگر) ناچاریم این تقدیر را بپذیریم این روش در ادبیات فارسی هم مرسوم است چنانکه می‌گویید: از اینجا تا مکه ده کیلومتر است و تا مدینه پانزده کیلومتر است یعنی راه اینجا تا مکه (ده کیلومتر) به اضافه تتمه راه بین مکه و مدینه (پنج کیلومتر) مجموعا پانزده کیلومتر است. در اینجا نیز دو دوره خلقت زمین و دو دوره خلقت ملحقات زمین مجموعا چهار دوره است. (۳) فصلت/ ۱۰. (۴) نازعات/ ۲۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۶ بیافرینید. ولی چرا در شش دوره آفرید: پاسخ این پرسش را در این مطلب می‌توان یافت که اگر خدا جهان را در یک لحظه می‌آفرید انسان کمتر می‌توانست علم و قدرت و نظم و برنامه‌ریزی حساب شده خلقت را احساس کند. همین طی مراحل مختلف و طولانی می‌تواند نظم فوق‌العاده و قدرت ناظم را به بشر بشناساند. مثل کودکی که در طی ۹ ماه و با طی مراحل مختلف بوجود می‌آید. «۱»

۳. هفت آسمان و زمین:

اشاره

۳. هفت آسمان و زمین: در قرآن کریم هفت مورد به صراحت و دو مورد به کنایه سخن از آسمانهای هفت‌گانه گفته شده است. و در یک مورد نیز ظاهرا سخن از زمین‌های هفت‌گانه گفته شده است. که به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم: اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَیْنَهُنَّ «۲» «خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را، فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می‌آید.» در آیات (سوره بقره/ ۲۹- اسراء/ ۴۴- مؤمنون/ ۸۶- فصلت/ ۱۲- ملک/ ۳- نوح/ ۱۵) نیز سخن از آسمانهای هفتگانه است. و در مؤمنون/ ۱۷ نیز ظاهرا سخن از آسمانهای هفتگانه آمده است وَ لَقَدْ خَلَقْنا فَوْقَکُمْ سَبْعَ طَرائِقَ امّا تصریح نشده است. همچنانکه در آیه ۱۳ سوره عم وَ بَنَیْنا فَوْقَکُمْ سَبْعاً شِداداً به کنایه آمده است. و در آیه ۱۲ سوره طلاق که گذشت ظاهرا سخن از زمین‌های هفتگانه وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ شده است ولی تصریح نشده است.

تاریخچه و دیدگاهها:

تاریخچه و دیدگاهها: قرآن کریم هفت آسمان را از کلام نوح (نوح/ ۱۵) نقل می‌کند و علامه طباطبائی در ذیل آیه نتیجه می‌گیرد که مشرکین معتقد به هفت آسمان بوده‌اند که نوح بوسیله این مطلب با آنان احتجاج می‌کند. پس معلوم می‌شود مسأله هفت آسمان قبل از اسلام بلکه قبل از (_____ ۱) برای اطلاعات بیشتر، ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۰۳. (۲) طلاق/ ۱۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۷ پیدایش ادیان یهود و مسیحیت مطرح بوده است. در کتاب مقدس نیز به صورت متعددی سخن از آسمان گفته شده است گاهی آسمان مادی و گاهی آسمان روحانی که خارج از این دنیاست و در آنجا قداست و سعادت برقرار می‌باشد. و محل مخصوص حضرت اقدس الهی است. و حضرت مسیح یا پسر انسان از آنجا نزول می‌کند. خاخامهای یهود بر این عقیده‌اند که هفت آسمان هست سه تا از آنها هیولائی (یا جسمانی) است و چهار تا روحانی می‌باشد. که ملائکه و مقدسین در آنجا ساکنند. «۱» مدّتی پس از آنکه قرآن کریم سخن از آسمانهای هفت‌گانه گفت، نظریه‌های کیهان‌شناسی یونانی وارد حوزه جهان اسلام شد و مسلمانان در دوره خلافت عباسیان با هیئت بطلمیوسی «۲» آشنا شدند. در اینجا اشکالی پدید آمد: تعداد افلاک در هیئت بطلمیوسی نه عدد بود امّا تعداد آسمانهای قرآن هفت عدد بود. از این رو دانشمندان مسلمان در پی توجیه و انطباق یافته‌های علمی زمانه خود با آیات قرآن برآمدند. و در این رابطه چند راه حل اندیشیده شد: ۱. بو علی سینا (۳۷۰- ۴۲۸ ق) بیان داشت که عرش در قرآن وَ یَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمانِیَةٌ «۳» همان فلک نهم یا فلک الافلاک هیئت بطلمیوسی است. او افلاک هشتگانه را همان ملائکه‌ای می‌دانست که عرش را حمل می‌کنند. «۴» او سعی کرد بدین وسیله بین کلام الهی و هیئت بطلمیوسی جمع کند. ۲. خواجه طوسی (۵۹۷- ۶۷۲ ق) متکلم و منجم مشهور مسلمان تلاش کرد تا عدد افلاک را از نه، به هفت تقلیل دهد. امّا مورد حمایت دانشمندان قرار نگرفت. «۵» ۳. علامه مجلسی (ره) (م ۱۱۱۱ ق) محدث مشهور شیعه در مورد آیه ۲۹ سوره بقره (_____ ۱) ر. ک: جمیزهاکس، قاموس کتاب مقدس، ماده آسمان. (۲) بطلمیوس (soamelotP) منجم و جغرافی‌دان معروف یونانی صاحب کتابهای مجسطی و آثار البلاد (زنده در قرن دوم میلادی) او معتقد بود که زمین ساکن و مرکز جهان است و هفت فلک به دور آن می‌چرخند که عبارتند از (قمر، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل، فلک هشتم که ستاره‌های ثابت هستند و فلک نهم یا فلک الافلاک یا فلک اطلس که همه افلاک در آن قرار دارند) در مورد هیئت بطلمیوسی در مبحث «حرکت خورشید» سخن گفتیم. (۳) حاقه/ ۱۷. (۴) رسائل ابن سینا، ص ۱۲۸- ۱۲۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۲۶. (۵) محمد باقر بهبودی، هفت آسمان، ص ۸، کتابخانه مسجد جعفری (قیطریه) تهران، بی تا. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۸ ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ نوشت: هفتگانه بودن آسمانها منافاتی با نه‌گانه بودن آنها که در علم نجوم، ثابت شده است، ندارد، زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش تعبیر شده است. «۱» ۴. حاج ملا هادی سبزواری در کتاب شرح منظومه خویش که در سال ۱۲۶۱ ق نوشته شده است، فلک هشتم را کرسی و فلک اطلس (فلک نهم) را همان عرش می‌داند. و علّت این امر را جمع بین عقل و شرع می‌داند. «۲» تذکر: بو علی سینا و علامه مجلسی و ملا هادی سبزواری دلیل قانع‌کننده‌ای بر این تطبیق ارائه نکرده‌اند و لذا کلام ایشان قابل قبول به نظر نمی‌رسد. بلکه معنای لغوی و اصطلاحی عرش و کرسی با فلک هشتم و نهم مناسبتی ندارد. کرسی به معنای تخت و کنایه از سلطه و سیطره و تدبیر و قیومیت خدا است. «۳» عرش نیز در لغت، در اصل به معنای خانه سقف‌دار است و به معنای تخت حکومت نیز آمده است چرا که بلند است. و در قرآن و روایات به معنای مرکز دستورات عالم است که رشته امور جهان به آن منتهی می‌شود «۴» و مفسران نیز آن را به معنای «مظهر حکومت» دانسته‌اند. و منظور سلطنت و حکومت الهی است. «۵» ۵. ید الله نیازمند شیرازی در کتاب خویش می‌گوید منظور از عرش کائنات لا یتناهی است و آسمان‌های هفت‌گانه کراتی است که به دور زمین و خورشید هر دو در حرکت هستند که هفت عددند. «۶» تذکر: جالب است که بدانیم تعداد سیارات منظومه شمسی

که تا زمان انتشار کتاب فوق (۱۳۳۵ ش) کشف شده بود و مؤلف از آنها اطلاع داشت نه عدد بوده‌اند ولی شش عدد آنها همراه با ماه به دور زمین می‌چرخند و لذا ایشان دو مورد (یعنی عطارد و زهره) را به حساب نیاورده و شش عدد باقی مانده را از آسمانهای هفتگانه دانسته و وقتی یکی کمبود داشته است کره ماه را هم اضافه کرده است. ۶. امام فخر رازی نیز بر آن است که آسمانهای هفتگانه همان هفت فلک (قمر- عطارد

(_____۱) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۵، (چاپ دار الکتب الاسلامیة) (۲) شرح منظومه، قسمت فلسفه، ص ۲۶۹ (انتشارات دار العلم) (۳) ر. ک: قاموس قرآن، ج ۶، واژه کرسی و نیز نمونه، ج ۲، ذیل آیه ۱۵۵ بقره. (۴) ر. ک: قاموس قرآن، ج ۴، واژه عرش. (۵) ر. ک: المیزان، ج ۱۰، ص ۱۵۵. (۶) ید الله نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۱۴۵ و ۱۶۷ (شرکت چاپ میهن- ۱۳۳۵ ش) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۲۹ - زهره- خورشید- مریخ- مشتری- زحل) است. و آن را با هیئت بطلمیوسی تطبیق داده‌اند. «۱» ۷. شیخ قاسمی در تفسیر محاسن التأویل می گوید که آسمانهای هفتگانه در قرآن همان سیارات هفتگانه است. که برخی فوق برخی قرار دارد. «۲» تذکر: البته فخر رازی و شیخ قاسمی نمی‌دانستند که روزی اورانوس، نپتون و پلوتن و سیاره‌های کوچک بین مشتری و مریخ بر تعداد سیارات منظومه شمسی اضافه می‌شود. «۳» و اصولاـ همانطور که بیان خواهیم کرد لفظ «آسمان» به معنای کرات آسمانی (سیارات و ستارگان) در لغت و اصطلاح نیامده است تا هفت آسمان بر هفت سیاره منظومه شمسی حمل شود. بلی آسمان به معنای جهت بالا، جوّ زمین و جایگاه ستارگان (فرقان/ ۶۱- ابراهیم/ ۲۴- ق/ ۹) در قرآن آمده است. ولی به معنای خود ستارگان نیامده است. «۴» پس کلام نیازمند شیرازی، فخر رازی و شیخ قاسمی دلیلی ندارد. و نوعی تحمیل بر قرآن است. ۸. عبد القادر مغربی می‌نویسد که: حکمت ذکر هفت آسمان در قرآن این است که مخاطبین نمی‌توانستند بیشتر از آن هفت سیاره را ببینند و درباره آن‌ها فکر کنند. و این هفت عدد مشهور بین مردم بود و لذا قرآن به این تعداد اکتفا کرد. «۵» تذکر: این مطلب هم دلیلی ندارد و مخالف حس است چرا که اعراب و غیر اعراب در شب‌ها ستارگان زیادی می‌دیدند که می‌توانستند راجع به آنها فکر کنند. بلکه قرآن در برخی موارد مطالبی را ذکر می کند که بشر از شمارش و فهم آنها عاجز است: إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها. «۶» بلی اگر مقصود ایشان این باشد که عدد هفت دلالت بر کثرت می کند احتمال معقولی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. ۹. برخی دیگر از علما گفتند که مقصود از آسمانهای هفتگانه مدارهای سیاراتی است که دور خورشید می گردند. «۷»

(_____۱) تفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۶. (۲) محاسن التأویل، طبع عیسی الحلبی، ۱۹۷۰، ۱۶/ ۵۸۷۷ به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابو حجر، ص ۳۸۰. (۳) نپتون در سال ۱۸۴۶ و پلوتن در سال ۱۹۳۰ کشف شد. (۴) در ادامه بعدی معانی لغوی و اصطلاحی «سماء» را بررسی خواهیم کرد. (۵) عبد القادر مغربی، تفسیر جزء تبارک، ط قاهره، ۱۹۴۷ م، ص ۴ به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۳۸۳. (۶) ابراهیم/ ۳۴ و نحل/ ۱۸. (۷) المنتخب فی التفسیر، تعلیق الخبراء، ۱/ ۱۶، به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۳۸۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۰ تذکر: این مطلب هم با معنای لغوی و اصطلاحی سماء مناسبتی ندارد همانطور که بیان خواهیم کرد. ۱۰. برخی دیگر گفتند که مقصود طبقات مختلفی است که بر زمین احاطه دارند. «۱» از جمله نویسنده کتاب «راز آسمانهای هفتگانه» می‌نویسد: «با مطالعه و تحقیقی که اینجانب در این مورد داشتم به این نتیجه رسیده‌ام که منظور از «سبع سماوات» هفت لایه مجزا از اتمسفر است که زمین را در برگرفته است و از مجاورت زمین شروع می‌شود و تا هزاران کیلومتر اطراف آن ادامه می‌یابد. این هفت لایه که به صورت شماتیک نمایش داده می‌شود: به ترتیب از مجاورت زمین عبارتند از: لایه‌های هموسفر- یونوسفر- لایه N مولکولی- لایه O اتمی- لایه eH اتمی- لایه H اتمی و بالاخره لایه خلأ که مقدار آنها مجموعا هفت تا می گردد. لازم به ذکر است که این لایه‌ها از هم مجزا هستند.» سپس تذکر می‌دهند که پیشنهاد مادی بودن هفت آسمان منتفی کننده نظریه معنوی بودن

آنها نیست زیرا نظم ماوراء مادی می‌تواند در خود ماده و عالم ماده ظهور داشته باشد. سپس با ارائه شکل‌ها، اطلاعات مفصلی راجع به ضخامت و محتوای این لایه‌ها ارائه می‌کند. «۲» تذکر: آسمان گاهی به معنای جوّ زمین می‌آید (مثل آیه ۷ سوره ق) پس این احتمال قابل طرح است و از این رو بعدا در مورد آن سخن خواهیم گفت. ۱۱. علامه شهرستانی می‌گوید: «در قرآن و حدیث آمده است که ما هفت زمین و هفت آسمان آفریده‌ایم. هفت زمین عبارتند از: عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل و اورانوس؛ و هفت آسمان همان جوّ اتمسفری است که این سیارات هفتگانه را احاطه کرده است. تذکر: هنگامی که از علامه شهرستانی پرسیدند چرا نپتون و پلوتن را به حساب نمی‌آورید؟ پاسخ داد که این دو سیاره با چشم عادی قابل رؤیت نیستند. از این رو در لیست قرآن و حدیث نیامده‌اند. «۳» (_____ ۱) المنتخب فی التفسیر، تعلیق الخبراء، ۱/ ۱۶، به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۳۸۴. (۲) ایمان مرادی، رازهای آسمان‌های هفتگانه، ص ۸۴ به بعد، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۳ ش. (۳) محمد باقر بهبودی، هفت آسمان، ص ۱۰ و نیز دکتر محمد صادقی، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، ص ۲۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۱ البته اشکال اصلی سخن علامه شهرستانی آن است که لفظ «ارض» لغتا و اصطلاحا بر شش سیاره فوق اطلاق نمی‌شود. ۱۲. برخی دیگر از صاحب‌نظران و مفسران برآنند که: همه این سیارات و منظومه‌ها و ستارگان و حتی کهکشانها فقط آسمان اول قرآن هستند و شش آسمان دیگر خارج از دیدگاه بشری قرار گرفته‌اند. «۱» و همین احتمال مورد قبول صاحبان تفسیر نمونه قرار گرفته است. «۲» تذکر: این سخن در حد یک احتمال قابل طرح است که بعدا بدان خواهیم پرداخت. ۱۳. محمد باقر بهبودی در کتاب هفت آسمان به این نظریه رسید که: قرآن درباره هفت آسمان، تنها به خانواده منظومه شمسی نظر دارد، نه سایر منظومه‌ها چون سرنوشت کره زمین فقط، با سرنوشت منظومه شمسی ارتباط دارد. و در منظومه شمسی هفت آسمان همان هفت کره سیاره‌ای است که بر فراز کره زمین و فراز سر بشر در پرواز است نه آن سیاره‌های زیرین که در حکم زمین‌اند و از فراز سر نمی‌گذرند. این هفت آسمان عبارتند از: مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون، پلوتن و خرده سیارات آستروئید (کلید معمای هفت آسمان) «۳» سپس ایشان توضیحات مفصلی در مورد هر یک از این سیارات (آسمان‌ها) می‌دهند. تذکر: ایشان توضیح نمی‌دهد که چرا عطارد و زهره را از دور خارج کرد. و یا ماه را که بر فراز سر ما عبور می‌کند به حساب نیاورد. و نیز توضیح نداد که چگونه سرنوشت زمین با خارج از منظومه شمسی (با توجه به حرکت خورشید و منظومه و ستاره‌های دنباله‌دار ...) بی‌ارتباط است. ۱۴. از مجموع سخنان علامه طباطبائی (ره) در زیر آیات (سجده/ ۵- فصلت/ ۱۲- مؤمنون/ ۱۷- نوح/ ۱۵) بدست می‌آید که ایشان در مورد واژه آسمان در قرآن معنای دیگری مطرح می‌کنند و آن را امری معنوی یعنی مقام قرب و حضور و راهی برای سلوک امر و تدبیر عالم و رفت و آمد ملائکه می‌داند که از آن طریق امر الهی جریان می‌یابد. «۴» تذکر: هر چند که آسمان به معنای مقام قرب و حضور (آسمان معنوی) در همه آیات قرآن قابل قبول نیست چرا که در برخی آیات سخن از نزول باران از آسمان (یعنی جوّ زمین و (_____ ۱) همان، ص ۱۱. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵- ۱۶۷ و نیز ذیل آیه ۱۲ طلاق. (۳) محمد باقر بهبودی، هفت آسمان، ص ۱۳ (با تلخیص). (۴) ر. ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۷ و ج ۱۹، ص ۳۲۷ (چاپ بیروت) و ذیل آیات هفت آسمان. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۲ محل ابرها) است. وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَکاً «۱» امّا سخن علامه در برخی موارد صحیح است و می‌توانند چهره بحث را در آن موارد عوض کند که در ادامه به آن می‌پردازیم. نکته: قبلا بیان شد که یهودیان و مسیحیان نیز آسمان معنوی را قبول داشتند. ۱۵. برخی دیگر از نویسندگان برآنند که از آیه ۲۹ سوره بقره و آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نوح استفاده می‌شود که منظور از هفت آسمان آسمانهای زمین است که ماه در آن تابان و خورشید در میانشان فروزان می‌باشد. خواه جوّ زمین که از لحاظ غلظت و رقت هوا به هفت قسمت تقسیم شده، باشد خواه هفت ستاره منظومه شمسی که خورشید چون چراغی کاشانه آنها را گرم و نورانی می‌سازد. احتمال دیگر

این است که تقسیم آسمانها به «هفت» تقسیمی است که نزد خدا روشن امّا بر بشر مجهول است. «۲» تذکر: اشکال این سخن که «هفت آسمان همان هفت سیاره منظومه شمسی باشد» گذشت. ۱۶. دکتر محمد جمال الدین الفندی هفت آسمان قرآن را اینگونه تقسیم‌بندی می کند: آسمان اول: همان منظومه شمسی است. آسمان دوم: کهکشان راه شیری است. آسمان سوم: مجموعه‌ای از کهکشان‌هاست که نام آن «المجموعة المحلیة» است. آسمان چهارم: فلک «عناقید الدرجة الاولی» است که حدود ۲۰- ۵۰ میلیون سال نوری از ما دور است. آسمان پنجم: فلک «عناقید الدرجة الثانیة» که ۱۰۰- ۱۵۰ میلیون سال نوری از ما دور هستند. آسمان ششم: فلک «عناقید الدرجة الثالثة» هستند که ۲- ۳ بیلیون سال نوری از ما دور هستند. و آسمان هفتم: آسمانی است که از امواج رادیویی آن خبر داریم. «۳» تذکر: سخن ایشان دلیلی ندارد. یعنی لفظ «سماء» لغتا و اصطلاحا بر کهکشان خاصی اطلاق نشده است و کاربرد آن در قرآن به این صورت اثبات نشده است. ۱۷. طنطاوی بر آن است که عدد هفت در آیات هفت آسمان واقعی نیست و می‌تواند (_____ ۱) ق/ ۹. (۲) عباسعلی محمودی، ساکنان آسمان از نظر قرآن، ص ۴۶. (۳) مع القرآن فی الکون، ص ۱۸۹- ۱۹۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۳ تعداد زیادتری آسمان وجود داشته باشد. و ریشه تعیین عدد هفت همان افکار یونانیان است که از علمای اسکندریه به ارث رسیده که نه فلک را قائل بودند که هفت عدد آنها (ماه- عطارد- زهره- خورشید- مریخ- مشتری- زحل) به دور زمین می‌چرخند و فلک هشتم جایگاه ثوابت و فلک نهم مبدء حرکت (فلک اطلس) بوده است این افکار که از طریق فارابی و بو علی به ما رسیده است باعث تطبیق با «سموات سبع» قرآن و عرش و کرسی شد. در حالی که در علوم جدید حدود ششصد سیاره بسیار کوچک میان مریخ و مشتری یافته‌اند. که بزرگترین آنها «سرس» نام دارد که ۵۰۰ میل قطر دارد. پس اگر خدا فرمود که هفت آسمان هست منافاتی ندارد که تعداد بیشتری آسمان وجود داشته باشد. و عدد قید نیست. و این عدد هفت در قرآن دلیل بر انحصار تعداد آسمانها نیست. «۱» تذکر: برخی نویسندگان معاصر به طنطاوی به شدت اشکال کرده‌اند که این سخنان خلاف ظاهر آیات قرآن است که عدد هفت را معین می کنند. «۲» ۱۸. دکتر محمد صادقی تعداد آسمانها را هفت عدد واقعی می‌داند و آسمان را جرم نه فضای خالی معرفی می کند و تمام سیارات منظومه شمسی از آسمان اول است و آسمانهای دیگر بر آن احاطه دارد که نمی‌دانیم در آنها چیست. و همه در اثر تقسیم گاز اولیه جهان بوجود آمده‌اند. «۳» ۱۹. برخی از صاحب نظران با طرح مسأله هفت آسمان قرآن کریم مدعی شده‌اند که با توجه به کشفیات جدید علوم کیهان‌شناسی در صحنه کهکشانها، این گزاره قرآن نوعی اعجاز علمی قرآن را در بردارد. «۴» تذکر: در مورد این دو دیدگاه در ادامه سخن خواهیم گفت.

نکات تفسیری:

اشاره

نکات تفسیری: اکنون برای آنکه مقصود قرآن از هفت آسمان و زمین روشن شود ناچاریم که به چند پرسش اساسی پاسخ گوییم و نظرات لغویین و مفسران قرآن را در این زمینه بررسی کنیم: (_____ ۱) ر. ک: تفسیر الجواهر، ج ۱، ص ۴۶ (نقل به مضمون). (۲) ر. ک: دکتر محمد صادقی، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، ص ۲۲۶. (۳) همان، ص ۲۲۷ و ۲۳۲ و ۲۴۲ و ۲. (۴) دکتر پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۴

پرسش اول: مقصود از آسمان (سماء) چیست؟

پرسش اول: مقصود از آسمان (سماء) چیست؟ کلمه «سماء» و مشتقات آن که سیصد و ده بار در قرآن کریم به کار رفته است، مفهوم جامعی است که مصادیق و معانی متعددی از آن اراده می‌شود. و لذا در لغت، علم و قرآن با مقاصد و معانی متفاوتی بکار رفته است: الف: «سماء» در لغت از ریشه «سمو» (به معنای بلندی) است و اصل آن از آرامی و سریانی و عبری (شیمیا) است. «۱» و به معنای بالا و برتر (فوق) است. آسمان هر چیزی، بالای آن چیز را گویند. و حتی برخی لغویین ادعا کرده‌اند هر بالایی نسبت به پایین آن آسمان و هر پایین نسبت به بالای آن زمین است. «۲» ب: آسمان در فیزیک جدید اینگونه تعریف شده است: «پدیده‌ای نابوده [معدوم و گنبدنما که زمینه دیدن سیارات و ستارگان است.» «۳» پ: آسمان در قرآن: کلمه «سماء» (آسمان) در قرآن به صورت مفرد (السماء- سما) و جمع (سموات- السموات) بیش از سیصد مرتبه به کار رفته است. ولی در همه موارد به یک معنا و در یک مصداق بکار نرفته است. و بطور کلی آسمان در قرآن در دو مفهوم مادی (حسی) و معنوی به کار رفته است. که برخی از موارد آن عبارتند از: ۱. آسمان (سما) در معنای بالا (جهت بالا): این معنا موافق معنای لغوی آسمان است و برای نمونه آیه زیر را مثال زده‌اند: أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ «۴» «همانند درخت پر برکت و پاکیزه که ریشه آن در زمین ثابت و محکم است و شاخه‌های آن به آسمان کشیده شده» این معنا را برخی از مفسران معاصر آورده‌اند «۵» ولی برخی دیگر از صاحب‌نظران برآنند که این معنا بصورت مجازی یا مسامحه در قرآن به کار رفته است. «۶» چرا که فوق

(_____ ۱) حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۲۵۴. (۲) مفردات راغب، ماده سماء. (۳) ر. ک: بینات، سال دوم، شماره ۸، ص ۸۶- ۸۷. (۴) ابراهیم/ ۲۴. (۵) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵- ۱۶۷، چاپ دار الکتب الاسلامیة. (۶) استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۵ (جهت بالا) جمع بسته نمی‌شود پس مثلا «سبع سموات» نمی‌تواند به این معنا باشد. ۲. آسمان به معنای جوّ اطراف زمین یعنی جایی که ابرها قرار گرفته‌اند و هوا در آن است. مثال: وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَکاً «۱» «و از آسمان آب مبارکی را فرو فرستادیم» ۳. آسمان به معنای مکان سیارات و ستارگان: مثال: تَبارَکَ الَّذِی جَعَلَ فِی السَّماءِ بُرُوجاً وَ جَعَلَ فِیها سِراجاً وَ قَمَراً مُنِیراً «۲» «بزرگوار آن خدائی که در آسمان برجها مقرر داشت و در آن چراغ روشن خورشید و ماه تابان را روشن ساخت.» ۴. آسمان به معنای مقام قرب و مقام حضور که محل تدبیر امور عالم است. برخی از مفسران مثل علامه طباطبائی (ره) در موارد متعدد «سماء» را به این معنا ارجاع داده‌اند. «۳» مثال: یُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّماءِ إِلَی الْأَرْضِ «۴» «اوست که امر عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند.» ۵. آسمان به معنای موجود عالی و حقیقی: برخی از صاحب‌نظران برآنند که آسمان در قرآن همانگونه که به معنای آسمان مادی بکار رفته است. (مثل سموات سبع) در معنای علوّ مرتبه وجود و موجود عالی نیز بکار رفته است که همان سماء معنوی و عالم فوق ماده است که همه هستی از آن مرتبه بالاتر نازل می‌شود. «۵» مثال: وَ فِی السَّماءِ رِزْقُکُمْ وَ ما تُوعَدُونَ «۶» «روزی‌تان و آنچه به شما وعده داده می‌شود (که ظاهرا بهشت منظور است) در آسمان قرار دارد.»

(_____ ۱) ق/ ۹. (۲) فرقان/ ۶۱. (۳) ر. ک: المیزان، ج ۱۶، ص ۲۴۷ و ج ۱۹، ص ۳۲۷، چاپ بیروت. (۴) سجده/ ۵. (۵) استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۴- ۲۳۶. (۶) ذاریات/ ۲۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۶

جمع‌بندی:

جمع‌بندی: لفظ «سماء» در قرآن و علم و لغت به یک معنای واحد به کار نرفته است بلکه در معانی و مصادیق مختلف بکار رفته است. و به عبارت دیگر مشترک لفظی است. هر چند ممکن است برخی از این معانی و مصادیق را در یک مفهوم واحد جمع کرد. برای مثال معنای چهارم و پنجم قرآنی (که از علامه طباطبائی (ره) و استاد مصباح یزدی نقل کردیم) را می‌توان در معنای آسمان

معنوی جمع کرد.

پرسش دوم: مقصود از زمین (ارض) چیست؟

پرسش دوم: مقصود از زمین (ارض) چیست؟ کلمه «ارض» در قرآن کریم ۴۶۱ بار به کار رفته است و هیچگاه به صورت جمع نیامده است. بلکه در قرآن همیشه مفرد استعمال شده است. امّا این کلمه در لغت و قرآن دارای معانی و مصادیق مختلف است: الف: در لغت: ارض جنس است و جمع آن «ارضون و اراضی» است به معنای کره خاکی که انسان بر روی آن زندگی می‌کند، می‌باشد. البته گاهی به مفهومی در مقابل «سماء» آمده که به معنای هر چیزی پست و پایین می‌باشد. «۱» و نیز به معنای جرم آمده است. امّا معنای حقیقی آن پایین مقابل بلندی و بالا (سما) است و هنگامی که مطلق گفته شود به معنای کره خاکی است. «۲» ب: در قرآن کریم ارض به چند معنا به کار رفته است: ۱. ارض به معنای کره زمین که بصورت اسم خاص و علم شخصی است. (مثال‌ها و آیات آن زیاد است.) ۲. ارض به معنای قطعات زمین. مثال: در قرآن در مورد تبعید محاربین آمده است: أَوْ یُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ «۳» «یا محاربین را از زمینی (که در آن زندگی می‌کنند) خارج می‌کنند.» روشن است که در اینجا مراد از «ارض» کره زمین نیست بلکه مقصود سرزمین آنهاست_____.

(۱) ر. ک: مفردات راغب، ماده سما و ارض. (۲) ر. ک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۵۶ (مرکز نشر کتاب). (۳) مائده/ ۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۷ ۳. ارض به معنای «عالم طبیعت» در مقابل «سما» به معنای عالم ماوراء طبیعت: مثال: وَ لکِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَی الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَواهُ ... «امّا او (بلعم باعورا) بر زمین، روی آورد و از خواهش‌های خویش پیروی کرد و ...» که در اینجا «اخلد الی الارض» به معنای دلبستگی به زمین و دنیاست که یک امر قلبی است. و بر اساس این معنا و با این اطلاق آسمان مادی هم ارض است. «۱» یعنی آسمان و زمین هر دو جزء دنیاست. ۴. ارض در هنگامی که جمع بسته شود (ارضون) به معنای طبقات داخلی زمین است. ۵. ارض در هنگامی که جمع بسته شود (ارضون) به معنای مناطق آباد زمین یا اقلیم‌های آن است. در قدیم اقلیم‌های هفتگانه داشته‌اند و امروزه هم زمین را به مناطق هفتگانه (دو منطقه منجمد شمالی و جنوبی- دو منطقه معتدله- دو منطقه حاره و یک منطقه استوایی) تقسیم می‌کنند. تذکر: این دو معنای اخیر را برخی مفسران به صورت احتمال در زیر آیه ۱۲ سوره طلاق فرموده‌اند. «۲»

جمع‌بندی:

جمع‌بندی: می‌توان گفت که کلمه «ارض» نیز مثل «سما» دارای دو قسم ارزشی و غیر ارزشی (مادی و معنوی) است. و زمین (حسی) غیر ارزشی گاهی به معنای قطعات و قاره‌ها- طبقات داخلی زمین- کره خاکی می‌آید. و ارض ارزشی (معنوی) به معنای عالم پست طبیعت است.

پرسش سوم: مقصود از سبع (هفت) چیست؟

پرسش سوم: مقصود از سبع (هفت) چیست؟ کلمه سبع (هفت) در عربی به دو صورت بکار می‌رود: الف: هفت به معنای عدد مشخص و معین که در ریاضیات بکار می‌رود. ب: هفت به عنوان نماد کثرت؛ چرا که گاهی در عرب کلمه «هفت» بکار می‌رود و (_____۱) استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۸- ۲۳۹. (۲) ر. ک: المیزان، ج ۱۹، ص ۳۲۶ و تفسیر نمونه، زیر آیه فوق (طلاق/ ۱۲). پژوهشی در اعجاز علمی

قرآن، ص: ۱۳۸ معنای کنائی آن (تعداد زیاد و کثیر) مراد است. برای مثال در قرآن می‌خوانیم: وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ «۱» «و اگر هر درخت روی زمین قلم شود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مداد گردد باز نگارش کلمات خدا ناتمام بماند همانا خدا را اقتدار و حکمت (بی‌پایان) است.» روشن است که مراد از «هفت دریا» در اینجا بیان کثرت است و اگر صدها دریا هم باشد برای نگارش کلمات خدا کافی نیست. در آیات «سبع سموات» برخی از مفسران احتمال دوم را ذکر کرده‌اند «۲» و برخی از صاحب‌نظران نیز احتمال اول را قوی دانسته‌اند «۳» ولی هر دو احتمال در «سبع سموات» بعید بنظر نمی‌رسد. اگر احتمال اول را پذیرفتیم پس مراد (در آیه ۱۲ سوره طلاق) آن است که هفت آسمان واقعی وجود دارد و اگر احتمال دوم را پذیرفتیم مراد آیه آن است که تعداد زیادی آسمان وجود دارد. البته بر حسب معانی مختلف «ارض و سما» که بیان شد معانی متناسب و متفاوتی از آیه پیدا می‌شود مثال: هفت آسمان پر از ستاره و سیاره آفرید و هفت عدد کره زمین آفرید. هفت طبقه جوّ زمین را آفرید و هفت طبقه داخلی زمین را آفرید. هفت مرتبه عالی وجود و مقام قرب آفرید و هفت مرتبه پایین از طبیعت آفرید.

پرسش چهارم: مقصود از مثل هم بودن (مثلهن) در آیه چیست؟

اشاره

پرسش چهارم: مقصود از مثل هم بودن (مثلهن) در آیه چیست؟ در مورد مثلیت در آیه (۱۲ سوره طلاق) چند احتمال وجود دارد:

الف: همانند بودن آسمان و زمین در مورد تعداد (عدد هفت) «۴»:

الف: همانند بودن آسمان و زمین در مورد تعداد (عدد هفت) «۴»: یعنی: خداوند هفت آسمان آفرید و همانند آنها هفت زمین خلق کرد در این صورت «من» در «من الارض مثلهن» بیان جنس است یعنی از جنس زمین نیز هفت عدد آفرید. اگر این احتمال را در مورد «مثل» بپذیریم، همان احتمالات گذشته در مورد زمین و

(_____ ۱) لقمان/ ۲۷. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵- ۱۶۷ و زیر آیه ۱۲ سوره طلاق. (۳) استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۳۹- ۲۴۰. (۴) ر. ک: تفسیر اطیب البیان، ذیل آیه ۱۲ سوره طلاق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۳۹ آسمان (ارض- سما) پیدا می‌شود که لازم است به صورت متناسب در نظر گرفته شود. برای مثال: هفت طبقه آسمان (جو زمین) با هفت طبقه داخلی زمین. هفت عالم و جهان پر از ستاره با هفت عدد کره زمین. هفت مرتبه عالی وجود و حضور و قرب الهی با هفت مرتبه وجودی پایین

ب: مثل بودن زمین و آسمان در مورد معلق بودن و شناور شدن در فضا:

ب: مثل بودن زمین و آسمان در مورد معلق بودن و شناور شدن در فضا: یعنی: همانگونه که خداوند سیارات و ستارگان آسمانها را شناور در فضا و بدون تکیه‌گاه و ستون آفرید، زمین را نیز همانگونه خلق کرد. «۱» در این صورت آسمان به معنای مجموعه سیارات و ستارگان معنا می‌شود. و زمین به معنای کره خاکی است. و می‌تواند عدد «هفت» در مورد زمین مقصود نباشد.

پ: مثل هم بودن در مورد ملکوتی بودن:

پ: مثل هم بودن در مورد ملکوتی بودن: یعنی: خداوند آسمان (مقام قرب و حضور و ملکوت) را آفرید و از زمین چیزی شبیه آسمان آفرید، یعنی انسانی را خلق کرد که مرکب از ماده زمینی و روح ملکوتی آسمانی است. «۲» در این صورت «من» در «من الارض مثلهن» به معنای نشویه است یعنی: از زمین (خاک) انسانی ملکوتی مانند آسمان ملکوتی نشأت گرفت و آفریده شد. که در این صورت چندین معنای «ارض» و «سما» مطرح نمی‌شود بلکه آسمان به معنای مقام قرب و حضور و ملکوت است و ارض به معنای کره خاکی یا مرتبه پست طبیعت است.

پرسش پنجم: مقصود قرآن از واژه «هفت آسمان» چیست؟

پرسش پنجم: مقصود قرآن از واژه «هفت آسمان» چیست؟ با توجه به مقدماتی که گذشت و معانی و مصادیقی که برای کلمه «ارض- سما- سبع- مثل»، بیان شد می‌توانیم نتیجه بگیریم که چندین احتمال در مورد واژه «هفت آسمان» وجود دارد: ۱. هفت به معنای عدد حقیقی باشد که در این صورت این احتمالات متصور است: (_____۱) ظاهر آیه همین معنا است و فخر رازی هم در تفسیر کبیر همین احتمال را در معنای «مثل» پذیرفته است. هر چند که سیارات هفت‌گانه را با اقالیم هفت‌گانه در مقابل هم قرار داده است. (ر. ک: تفسیر کبیر، ج ۳۰، زیر آیه ۱۲ سوره طلاق). (۲) ر. ک: المیزان، ج ۱۹، ص ۳۲۶ که بصورت احتمال ذکر می‌کند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۰ الف: هفت آسمان پر از ستاره و سیاره مثل هفت کره خاکی زمین. این مطلب از نظر علمی نیز ممکن است چرا که برخی دانشمندان گفته‌اند که میلیون‌ها خورشید و سیاره مشابه زمین در کهکشان‌های جهان وجود دارد. همانگونه که احتمال وجود جهان‌های مشابه این آسمان پر ستاره را بعید نمی‌دانند چرا که دانشمندان علم نجوم و فیزیک کیهانی با تلسکوپ‌های خود توانسته‌اند تا میلیاردها ستاره و سیاره را ببینند ولی می‌گویند که هنوز فضاهای ناشناخته و تاریکی وجود دارد که از دامنه دید ما خارج است. «۱» پس احتمال وجود شش جهان مشابه و شش آسمان دیگر که هنوز کشف نشده است وجود دارد. و این مطلب با ظاهر برخی آیات قرآن نیز همگونی دارد. «۲» ب: هفت مقام قرب و حضور و موجود عالی معنوی (هفت آسمان) در مقابل هفت مرتبه پست وجودی طبیعت (هفت زمین). تذکر: در این دو صورت مثل بودن آسمان و زمین در «هفت بودن» آنهاست. ۲. هفت به معنای کثرت باشد: در این صورت احتمالات زیر متصور است: الف: آسمان‌های زیادی (مجموعه کرات و سیارات و ...) خلق کرد. و زمین‌های زیادی (کره‌های خاکی مشابه زمین) خلق کرد. که همه آنها در فضا شناور و معلق هستند. ب: تعداد زیادی از طبقات جوّ زمین را خلق کرد. و تعداد زیادی از طبقات داخلی زمین یا قطعات زمین و اقلیم‌ها را خلق کرد. امروزه در علوم زمین‌شناسی و هواشناسی طبقات آنها را از نظر مقدار تراکم مواد یا مواد سازنده آنها تقسیم می‌کنند. و در این صورت آیه اشاره به این طبقات است. و یا اشاره به مناطق هفتگانه زمین باشد. که قبلا- بیان کردیم. پ: مراتب معنوی و مقامات قرب و حضور و موجودات عالی بسیاری خلق کرد مراتب پست طبیعت را که بسیار است خلق کرد. تذکر: در اینجا احتمالات دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد و برخی افراد نیز بدان‌ها اشاره کرده‌اند ولی چون بسیار ضعیف و دور از ظاهر آیه بود بدان‌ها اشاره نکردیم. (مثل اینکه مراد هفت سیاره منظومه شمسی باشد) البته در بین همین احتمالات نیز که ذکر شد برخی با ظاهر آیه مناسب‌تر است و برخی از ظاهر آیه دورتر است که قضاوت و اختیار (_____۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص

۱۶۵- ۱۶۷ و زیر آیه ۱۲/ طلاق. (۲) ر. ک: صافات/ ۶ (انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب) و نیز ملک/ ۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۱ هر معنا را به عهده خوانندگان صاحب نظر می گذاریم هر چند در این موارد قضاوت قطعی بسیار سخت است.

پرسش ششم: مقصود از هفت زمین چیست؟

پرسش ششم: مقصود از هفت زمین چیست؟ در قرآن کریم آیه‌ای به صورت صریح در مورد هفت زمین وجود ندارد و تنها آیه‌ای که می‌تواند اشاره به هفت زمین محسوب شود همین آیه ۱۲ سوره طلاق است. البته اگر مثلیت در این آیه را به معنای «مثل هم بودن در عدد هفت» بدانیم. در حالی که دو احتمال دیگر در مورد مثل بودن (مثلیت در معلق بودن کرات در فضا و مثلیت در ملکوتی بودن) وجود داشت. امّا در روایات کلمه «الارضین السبع» «۱» زمین‌های هفتگانه آمده است و در نهج البلاغه نیز کلمه «الارضین» آمده است: «و رکوبها اعناق سهول الارضین» «۲» « (کوهها) برگردن همواریهای زمین‌ها سوارند.» «الم یکونوا اربابا فی اقطار الارضین» «۳» «آیا در اطراف زمین‌ها پادشاهان و مالک رقاب نبودند.» «فهم حکام علی العالمین و ملوک فی اطراف الارضین» «۴» « (اعراب) در اطراف زمین‌ها پادشاهان شدند.» البته با توجه به قرائن موجود در کلام حضرت امیر (ع) در همه موارد «ارضین» به معنای قطعات زمین و خشکی‌هاست. پس اگر زمین‌های هفتگانه را بتوانیم از قرآن برداشت کنیم می‌توانیم به یکی از معانی گذشته یعنی هفت قطعه و اقلیم زمین همانگونه که در روایات آمده یا هفت کره خاکی یا هفت طبقه داخلی زمین حمل کنیم.

بررسی:

بررسی: ۱. با توجه به معانی متفاوتی که از آسمان، زمین، مثلیت آنها، هفت و هفت آسمان بیان کردیم و با توجه به احتمالات متعدد تفسیری در این آیات نمی‌توان گفت که مقصود

(_____۱) وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۰۷: لا اله الّا اللّه ربّ السماوات السبع و ربّ الارضین السبع. (۲) نهج البلاغه (سه جلدی)، ج ۱، ص ۱۷۴ و نیز ر. ک: قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۶۵. (۳) نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۷. (۴) نهج البلاغه، ص ۱۷۹ و نیز خطبه ۱۹۹ و الارضین المدحوة و الجبال ذات الطول .... پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۲ قرآن در همه موارد یک معنای آسمان بوده است و نمی‌توان یک معنای خاصی را بر قرآن در مورد هفت آسمان تحمیل کرد. پس معلوم می‌شود که تمام کسانی که به صورت قاطع یک معنا را به قرآن نسبت می‌دادند و بر آن پافشاری می کردند راه صواب نرفته‌اند. (علاوه بر اشکالات واضحی که در این دیدگاهها وجود داشت که به برخی از آنها اشاره داشتیم) ۲. با توجه به ابهامی که در معنای هفت آسمان قرآن وجود دارد و با توجه به ابهاماتی که در مورد آسمان و کهکشانها از نظر علمی وجود دارد و نظریه‌های متفاوت و بالنده‌ای که هر روز ارائه می‌شود، نمی‌توان گفت که نظر قطعی قرآن کدام نظریه است. با توجه به این مطلب، ادعای اعجاز علمی قرآن در آیات مربوط به هفت آسمان صحیح به نظر نمی‌رسد و حتی اگر یک نظریه علمی در مورد هفت آسمان به اثبات برسد باز اعجاز علمی ثابت نمی‌شود چرا که همانطور که گذشت هفت آسمان قبل از اسلام در قوم نوح و بین یهودیان مطرح بوده است. ۳. از آنجا که ممکن است مقصود از واژه آسمان در اصطلاح قرآن و اصطلاحات علمی متفاوت باشد (مثلا- یکی آسمان معنوی بگوید و یکی فضای خالی یا جایگاه کرات آسمانی) پس نمی‌توان گفت که تعارضی بین گزاره هفت آسمان قرآن با یافته‌های علوم کیهان‌شناسی وجود دارد. چرا که علوم کیهان‌شناسی ادعا می کند: هنوز هفت آسمان کشف نکرده است. و قرآن ادعا می کند هفت آسمان وجود دارد. پس با توجه به احتمال اشتراک لفظی واژه «آسمان» نمی‌توان گفت دو گزاره فوق معارض است و اگر هم هر دو (علم و دین) یک معنا را از آسمان اراده کنند باز

هم علم، وجود آسمانهای هفتگانه را نفی نمی‌کند بلکه آنها را اثبات نکرده است. امّا قرآن از طریق وحی خبر از وجود آنها می‌دهد پس ممکن است در آینده آسمانهای دیگری کشف شود و گزاره دینی به اثبات برسد.

۴. گسترش جهان:

اشاره

۴. گسترش جهان: برخی از صاحب نظران و مفسران برآنند که جهان دائما در حال گسترش است و کهکشان‌ها از همدیگر دور می‌شوند. در این رابطه به برخی از آیات قرآن استناد شده است که عبارتند از: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۳ وَ السَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ «۱» «و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم و همواره آن را گسترش می‌بخشیم.» إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ «۲» «و ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.» أَلا إِلَی اللَّهِ تَصِیرُ الْأُمُورُ «۳» «هشدار که [همه کارها به خدا باز می‌گردد.»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: آیه اول در مقام بیان آیات عظمت خداوند در عالم آفرینش است و «أید» (بر وزن صید) به معنی قدرت و قوت است و این واژه در آیات قرآن مجید مکرر به این معنا آمده است و در اینجا اشاره به قدرت کامله خداوند بزرگ در آفرینش آسمان‌ها دارد. «۴» آیه دوم در مقام بیان صفات صابرین است که آنان در هنگام مصیبت می‌گویند (ما از خدا هستیم) اشاره به اینکه همه نعمتها از خداست پس برای از دست دادن آنها ناراحت نشویم (و به سوی او باز می‌گردیم) اشاره به اینکه، اینجا سرای جاویدان نیست و این نعمت‌ها زودگذر و وسیله کمال است. «۵» آیه سوم در مورد راه مستقیم الهی است: صِراطِ اللَّهِ الَّذِی لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ و در حقیقت دلیل این مطلب است که راه مستقیم تنها راهی است که به سوی خدا می‌رود و در حقیقت این جمله بشارتی برای پرهیزکاران و تهدیدی برای ظالمان و گنهکاران است که بازگشت همه آنها به سوی خدا است. «۶»

تاریخچه نظریه گسترش جهان:

اشاره

تاریخچه نظریه گسترش جهان: بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان و اخترشناسان در مورد گسترش جهان و انطباق آن با آیات قرآن اظهار نظر کرده‌اند که در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم؛ امّا قبل از نقل

(_____ ۱) ذاریات/ ۴۷. (۲) بقره/ ۱۵۶. (۳) شوری/ ۵۳. (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۱ و ۳۷۲. (۵) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۲۵. (۶) همان، ج ۲۰، ص ۵۰۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۴ سخنان آنها اشاره می‌کنیم که در بین دانشمندان در مورد گسترش جهان دو دیدگاه عمده وجود دارد:

الف: انقباض و ایستا بودن جهان:

الف: انقباض و ایستا بودن جهان: پروفسور «هاوکینگ» کیهان‌شناس بزرگ می‌نویسد: «برخی از دانشمندان مثل نیوتن (۱۶۴۳- ۱۷۲۷ م) و دیگران می‌خواستند نتیجه‌گیری کنند که تحت تأثیر و نفوذ نیروی گرانش این مجموعه کیهانی ایستاد بزودی شروع به

انقباض خواهد کرد.» «۱»

ب: انبساط و گسترش جهان:

ب: انبساط و گسترش جهان: مجموعه کیهانی شامل چند صد هزار میلیون کهکشان است که هر کدام محتوی چند صد هزار میلیون ستاره هستند «۲» و تقریبا همه آنها در حال دور شدن از ما هستند. این مطلب بوسیله تجزیه نور ستارگان که به ما می‌رسد بر دانشمندان معلوم شد یعنی طیف‌های سرخ‌گرا از طیف آبی‌گرا بیشتر است. و این سرخ‌گرا بودن هم بر اساس نظم خاصی است یعنی متناسب با فاصله هر کهکشان از ماست. به عبارت دیگر هر چه یک کهکشان از ما دورتر باشد تندتر از ما دوری می‌گزیند. «۳» نخستین کسی که به این واقعیت پی برد. دانشمندی به نام «سلیفر» «۴» (متولد ۱۸۷۵ م) مدیر رصد خانه «لاول» بود او در سال ۱۹۱۲ کشف کرد که ستارگان از ما می‌گریزند. «۵» بعد از او «هابل» در سال ۱۹۲۹ اعلام کرد که این دور شدن ستارگان به صورت منظم است «۶» یعنی کهکشانی که در فاصله یک میلیون سال نوری ماست با سرعت ۱۸۶ کیلومتر

(_____ ۱) استفن ویلیام هاوکینگ، تاریخچه زمان، ترجمه دادفرما، ص ۵۸. (۲) همان، ص ۵۵. (۳) همان، ص ۵۸. (۴) (۵) rehpilS) تاریخ علوم، ص ۷۳۹ به نقل از دانش عصر فضا، استاد حسین نوری، ص ۱۹۴. برخی نوشته‌اند که تئوری گسترش جهان توسط «ژرژلومتر» ریاضی‌دان بلژیکی ارائه گردید و وقتی مورد پذیرش محافل علمی جهان قرار گرفت که دوربین کیهانی «پالومار» در این راه به کار گرفته شد. (ر. ک: گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۲۱ و نیز ترورای. ویلیامز، اختراعات و اکتشافات قرن بیستم، ترجمه لاله صاحبی، ص ۱۳۳ و مجید یکتایی، تاریخ آفرینش، ص ۶۳). (۶) تاریخچه زمان، ص ۵۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۵ در ثانیه و آنکه در فاصله دو میلیون سال نوری است دو برابر این سرعت (۳۷۲ کیلومتر). از ما دور می‌شوند. «۱» برای مثال ستاره عیوق در هر طپش قلب ۳۰ کیلومتر از ما دور می‌شود. و کهکشان شجاع در هر ثانیه حدود ۶۰ هزار کیلومتر از ما فاصله می‌گیرد. «۲» نظریه گسترش جهان امروزه مورد قبول دانشمندان است؛ اعم از کسانی که نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ اولیه) را می‌پذیرند و یا دانشمندانی که نظریه کهبانگ (جهان پلاسما و جهان انفجارهای کوچک) را قبول دارند و یا دانشمندانی که نظریه حالت پایدار جهان را ترجیح می‌دهند. «۳»

اسرار علمی

اسرار علمی در مورد انطباق آیات قرآن و نظریه علمی گسترش جهان به صورت مختصر سخنان برخی از صاحب‌نظران را نقل می‌کنیم: ۱. آیة اللّه مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۴۷ سوره ذاریات در مورد «انا لموسعون» چهار تفسیر ذکر می‌کند: الف: به معنای توسعه در رزق از سوی خدا بر بندگان از طریق نزول باران. ب: به معنای توسعه در رزق از سوی خدا بر بندگان از هر نظر. ج: به معنای بی‌نیازی خداوند چون خزائن او آنقدر گسترده است که با اعطاء رزق به خلایق پایان نمی‌پذیرد. د: خداوند آسمان‌ها را آفریده و دائما گسترش می‌دهد. ایشان معنای چهارم را تقویت می‌کند و می‌نویسد: «با توجه به مسأله آفرینش آسمان‌ها در جمله قبل و با توجه به کشفیات اخیر دانشمندان در مسأله «گسترش جهان» که از طریق مشاهدات حسی نیز تأیید شده است معنی لطیف‌تری برای آیه می‌توان یافت و آن اینکه خداوند آسمانها را آفریده و دائما گسترش می‌دهد ... یعنی ستارگانی که در یک کهکشان قرار دارند به سرعت از مرکز کهکشان دور می‌شوند.» «۴»

(_____ ۱) دانش عصر فضا، ص ۱۹۶ و نیز ر. ک: از اتم تا ستاره، ص ۱۰۴ و تسخیر ستارگان، ص ۴۰۹. (۲) دانش عصر فضا، ص ۱۹۵ و نیز: از جهان‌های دور، ص ۱۵ و

مرزهای نجوم، ترجمه رضا اقصی، ص ۳۳۸. (۳) ر. ک: ری ویلارد و دیگران، کیهان و راه کهکشان، ترجمه سید محمد امین محمدی، ص ۳۴- ۵۰. (۴) تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۶ سپس شواهد زیادی از سخنان دانشمندان کیهان‌شناس در مورد گسترش جهان می‌آورد. «۱» آنگاه می‌نویسد: «جالب توجه اینکه تعبیر به إِنَّا لَمُوسِعُونَ (ما گسترش دهندگانیم) با استفاده از جمله اسمیه و فاعل دلیل بر تداوم این موضوع است و نشان می‌دهد که این گسترش همواره وجود داشته و همچنان ادامه دارد. و این درست همان چیزی است که امروز به آن رسیده‌اند.» «۲» ۲. یکی از نویسندگان معاصر در این مورد می‌نویسد: «تمامی کهکشانهای هستی و اجرام کوچک و بزرگ آسمانی با سرعت زیادی از یکدیگر دور می‌شوند و با سرعت محیّر العقولی یعنی ۶۰ /۰۰۰ تا ۱۵۰ /۰۰۰ کیلومتر در ثانیه رو به سوی نقطه‌ای نامعلوم در حرکت‌اند. و شاید این مطلب مصداق آیه إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ (بازگشت همه چیز به سوی اوست) باشد و یا آیه‌ای دیگر که می‌فرماید أَلا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (بازگشت همه امور به سوی اوست)» سپس آیه ۴۷ سوره ذاریات را می‌آورد. و این مطلب را از نویسندگان متعددی نقل می‌کند «۳» و می‌نویسد: «آری قرآن کریم در عصری که نه از دوربین‌های معمولی خبری بود و نه از تلسکوپ‌های غول‌پیکر امروزی، به گسترش و انبساط عالم اشاره نموده است.» «۴» ۳. دکتر «موریس بوکای» با ذکر آیه ۴۷ سوره ذاریات و نظریه انبساط جهان در پایان نتیجه می‌گیرد که: «و (این آیه) انبساط جهان را بدون کمترین ابهام ذکر می‌کند.» «۵» او بر ترجمه‌های دیگر قرآن بویژه ترجمه مستشرق معروف «بلاشر» اشکال می‌کند و می‌گوید: «موسعون از فعل «اوسع» است که در مورد اشیاء: عریض کردن، گستردن، وسیع‌تر کردن، جادارتر کردن معنا می‌دهد_____.»

(۱) از کتابهای مرزهای نجوم، ترجمه رضا اقصی، ص ۳۳۹- ۳۴۰ و آغاز و انجام جهان، ص ۷۴- ۷۷ و ژرژ گاموف در کتاب آفرینش جهان (نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۳- ۳۷۵) (۲) نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۵. (۳) ر. ک: عبد الفتاح طبار، سیری در قرآن، ترجمه رسول دریایی، ص ۱۸۸ و صدر الدین بلاغی، قصص قرآن، ص ۳۰۷ به بعد و آیة اللّه طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۱ و ۲، ص ۲۱۴. (۴) مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۲۱- ۲۲. (۵) دکتر بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص ۲۲۵- ۲۲۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۷ برخی مترجمان که قابلیت فراگیری معنی این کلمه اخیر را ندارند معانیی عرضه می‌دارند که به نظر من غلط می‌آیند مانند معنایی که از «بلاشر» با عبارت «ما سرشار از سخاوت هستیم» می‌کند. مؤلفان دیگر معنا را حدس می‌زنند ولی جرأت اظهار نظر آنرا ندارند.» «۱» ۴. استاد آیة اللّه معرفت نیز در مورد آیه ۴۷ سوره ذاریات همان دیدگاه توسعه جهان را مطرح می‌کند و می‌پذیرند. و در این مورد شواهد متعدد علمی بیان می‌کند. و توسعه رزق را در آیه فوق یک معنای مجازی می‌دانند که از توسعه مکانی گرفته شده است. «۲»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. در مورد آیه دوم إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ «۳» و آیه سوم أَلا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ «۴» باید گفت که ظاهر این آیات تناسبی با مسأله گسترش جهان ندارد و احتمالی که آن نویسنده معاصر (کتاب مطالب شگفت‌انگیز قرآن) داده، هیچ دلیل و قرینه‌ای به همراه ندارد. چرا که ظاهر آیه اول بازگشت همه موجودات به سوی خداوند است و ربطی به حرکت مادی کرات آسمانی در فضا ندارد. و ظاهر آیه دوم هم در مقام تهدید گناهکاران و بشارت نیکوکاران است و نزدیک بدین معناست که: همه کارها به سوی خدا برمی‌گردد. مواظب اعمالتان باشید که حساب آنها با خداست. و این ربطی به حرکت کهکشانها در فضای لا یتناهی ندارد. ۲. در مورد آیه اول وَ السَّماءَ بَنَيْناها بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ «۵» باید گفت که ظاهر آیه همان معنای چهارم تفسیری است که در تفسیر نمونه تقویت کرده بودند یعنی گسترش آسمانها به صورت مداوم. با توجه به اینکه این مطلب علمی در صدر اسلام برای مردم و دانشمندان نجوم روشن نبوده است و حتی تا قرن هفدهم دانشمندان بزرگی مثل نیوتن

متمایل به دیدگاه ایستا بودن جهان و انقباض آن داشته‌اند، پس می‌توانیم بگوییم که این رازگوئی قرآن که با جدیدترین (_____ ۱) همان، ص ۲۲۶. (۲) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۱۱- ۱۱۴. (۳) بقره/ ۱۵۶. (۴) شوری/ ۵۳. (۵) ذاریات/ ۴۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۸ یافته‌های علوم تجربی مطابق است عظمت قرآن و پیامبر (ص) را می‌رساند. ۳. آیا تطابق نظریه گسترش جهان با آیه ۴۷ سوره ذاریات دلیل اعجاز علمی قرآن است؟ اگر نظریه گسترش جهان به صورت قطعی اثبات شود با توجه به مطالب بالا می‌توانیم بگوییم که اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند. ولی با توجه به اینکه نظریه‌های علمی همیشه پا برجا نیست و احتمال خطا و تغییر در آنها وجود دارد. «۱» پس نمی‌توان به طور قطعی نظریه گسترش جهان را به قرآن نسبت داد و اعجاز علمی آن را نتیجه گرفت. بلکه حدّ اکثر می‌توان گفت ظاهر قرآن (ذاریات/ ۴۷) با نظریه گسترش جهان هماهنگی دارد. و تا وقتی این نظریه پا برجاست می‌تواند یکی از معانی و تفسیرهای آیه بشمار آید.

۵. جاذبه عمومی موجودات:

اشاره

۵. جاذبه عمومی موجودات: نیروی جاذبه یا قانون جاذبه عمومی بدین معناست که کلیه اجسام بزرگ و کوچک در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و همدیگر را جذب می‌کنند. برخی صاحب‌نظران و مفسران برآنند که قرآن کریم در چند مورد به نیروهای جاذبه اشاره کرده است که عبارتند از: اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها «۲» «خدا [همان کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت.» خَلَقَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها «۳» «آسمانها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد.» أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ کِفاتاً «۴» «آیا زمین را جایگاه گرفتن و جذب قرار ندادیم؟» «۵» إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً «۶» (_____ ۱) یعنی بهترین نظریه در علم آن است که عرف جامعه علمی آن را بپذیرد و نظریه جانشین بهتری نداشته باشد. (۲) رعد/ ۲. (۳) لقمان/ ۱۰. (۴) مرسلات/ ۲۵. (۵) برخی از مترجمان قرآن، آیه را اینگونه ترجمه کرده‌اند: «مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم.» (ترجمه قرآن استاد فولادوند) (۶) فاطر/ ۴۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۴۹ «همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا نیفتند و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی‌دارد؛ اوست بردبار آمرزنده.» و نیز همین مضمون در آیه ۶۵ سوره حج آمده است.

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: ۱. آیات فوق در بستر شمارش نشانه‌ها و نعمت‌های خداست. تا مردم به لقای خدا ایمان آورند (رعد) و اینکه ببینند دیگران نمی‌توانند مثل خدا چنین مخلوقاتی داشته باشند (لقمان) و هنگامی که این آیات برای انسانها گفته شد اگر کسی باز هم تکذیب آیات الهی کند بد عاقبتی دارد و وای به حال او (مرسلات) ۲. کلمه «عمد» (بر وزن قمر) جمع عمود به معنی «ستون» است. برای جمله «ترونها» دو تفسیر گفته‌اند یکی اینکه صفت برای «عمد» باشد یعنی: «آسمان‌ها را بدون ستونی که دیدنی باشد برافراشتیم» که لازمه آن وجود ستون‌های نامرئی برای آسمان است. دیگر آنکه «بغیر عمد» متعلق به جمله «ترونها» باشد (ترونها بغیر عمد) یعنی: «همانگونه که می‌بینید آسمان بدون ستون است». البته برخی نیز جمله ترونها را معترضه گرفته‌اند. و همین معنای دوم را پذیرفته‌اند. «۱» تفسیر دوم خلاف ظاهر آیه است چرا که لازمه آن تقدیم و تأخیر است. «۲»

تاریخچه:

تاریخچه: برخی معتقدند که (بعد از اشارات علمی قرآن و روایات اهل بیت (ع)) ابو ریحان بیرونی (۴۴۰ ق) اولین کسی بود که به نیروی جاذبه پی برد. «۳» امّا مشهور آن است که نیروی جاذبه عمومی اولین بار توسط نیوتن «۴» (در قرن هفدهم میلادی) کشف (_____۱) ر. ک: استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۴۹. تذکر: شاید نظر ایشان جمله استینافیه باشد و گرنه جمله معترضه در اینجا معنای محصلی ندارد و از نظر ادبی صحیح نیست. و اصولا با همان معنای دوم (بغیر عمد متعلق به ترونها باشد) یک معنا کرده‌اند. پس تفاوتی از نظر معنی ندارد. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۱۰ و نیز، ج ۱۷، ص ۲۹. (۳) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۴۱. (۴) اسحاق نیوتن (۱۶۴۳- ۱۷۲۷ م) منجم و ریاضی‌دان معروف انگلیسی، کاشف نیروی جاذبه و بنیانگذار حساب عنصرهای بی‌نهایت کوچک و تئوری نور است، معروف‌ترین اثر او «اصول ریاضی فلسفه طبیعت» نام دارد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۰ شد. «۱» داستان افتادن سیب از درخت و انتقال ذهنی نیوتن به نیروی جاذبه معروف است. «۲» نیوتن بر اساس قوانین کلی حرکت سیارات را اینگونه تبیین کرد: الف: بر طبق قانون جاذبه عمومی کلیه اجسام همدیگر را جذب می‌کنند و این کشش به دو چیز بستگی دارد: جرم و فاصله یعنی با جرم نسبت مستقیم دارد و هر قدر جرم یک جسم بیشتر باشد نیروی کشش آن نیز زیادتر می‌شود. برای مثال جرم خورشید ۳۳۰ هزار برابر جرم زمین است و لذا نیروی جاذبه خورشید نیز ۳۳۰ برابر نیروی جاذبه زمین است و بر همین اساس است که زمین تحت تأثیر جاذبه خورشید قرار می‌گیرد. و چون جرم زمین ۸۱ برابر جرم ماه است لذا ماه تحت تأثیر نیروی جاذبه زمین قرار گرفته و دور زمین می‌چرخد. امّا هر چه فاصله دو جسم بیشتر باشد، تأثیر جاذبه کمتر می‌شود و به نسبت مجذور این فاصله نیروی جاذبه کاهش می‌یابد مثلا اگر این فاصله دو برابر شد نیروی جاذبه چهار برابر کمتر می‌شود. ب: بر طبق قانون گریز از مرکز هر جسمی که بر گرد مرکزی حرکت کند در آن جسم طبعا کششی بوجود می‌آید که می‌خواهد از آن مرکز دور شود. مثل قطعه سنگی که به ریسمانی بسته‌ایم و می‌گردانیم. حرکت زمین، سیارات، قمرها و اجرام آسمانی در مدارهای خود و گرد همدیگر در نتیجه ترکیب دو نیروی جاذبه و گریز از مرکز است همین دو نیرو است که اجرام فضائی را در مدار خود نگاه می‌دارد و از سقوط آنها و از تصادم و اصطکاک آنها با هم جلوگیری می‌کند. «۳»

اسرار علمی

اشاره

اسرار علمی در مورد انطباق آیات فوق با یافته‌های اخترشناسی نوین بسیاری از صاحب‌نظران و مفسران سخن گفته‌اند که در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم (_____: ۱) برخی معتقدند که نیوتن در کشف قانون جاذبه، مبتکر نبود زیرا «کوپرنیک» و «کپلر» هر دو قبل از او به این مطلب توجه کرده بودند. لکن نیوتن نخستین کسی است که این موضوع را تحت فرمول و حساب درآورد (ر. ک: تاریخ علوم، ص ۲۶۴ و دانش عصر فضا، ص ۴۴). (۲) برخی کتاب‌ها مثل جهان‌های دور، ص ۴۲ و ۲۰۱ و دنیای ستارگان، ص ۱۵۰ و قهرمانان تمدن، ص ۱۸۲ داستان سیب را نقل می‌کنند و حتی می‌گویند هر چند که این درخت در سال ۱۸۱۴ از بین رفت ولی پیوندی از آن درخت را در باغ نیوتن کالج کامبریج کاشتند. امّا کتاب تاریخ علوم، ص ۲۶۲ در صحت این داستان شک می‌کند. (۳) برگرفته از استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۴۴- ۴۸ با تلخیص و نیز ر. ک: اندیشه پرواز، ص ۱۶۲ و از جهان‌های دور، ص ۲۰۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۱

الف: اسرار علمی آیه اول و دوم (بغیر عمد ترونها) «۱»

الف: اسرار علمی آیه اول و دوم (بغیر عمد ترونها) «۱» ۱. آیهٔ اللّه مکارم شیرازی در هر دو مورد به نکات علمی آیه اشاره می‌کند و آن را یکی از معجزات علمی قرآن مجید می‌داند. و پس از ذکر دو تفسیر برای آیه و ترجیح تفسیری که «ترونها» را صفت «عمد» می‌داند می‌نویسند: «مقید ساختن آن (عمد) به «ترونها» دلیل بر این است که آسمان ستون‌های مرئی ندارد مفهوم این سخن آن است که ستون‌هایی دارد امّا قابل رؤیت نیست ... این تعبیر لطیفی است به قانون جاذبه و دافعه که همچون ستونی بسیار نیرومند امّا نامرئی کرات آسمانی را در جای خود نگه داشته.» و سپس به حدیثی از امام رضا (ع) استشهاد می‌کند که: حسین بن خالد می‌گوید از امام رضا (ع) پرسیدیم: اینکه خداوند فرموده: وَ السَّماءِ ذاتِ الْحُبُکِ «سوگند به آسمان که دارای راههاست» یعنی چه؟ فرمود: این آسمان راههائی به سوی زمین دارد. حسین بن خالد می‌گوید: عرض کردم چگونه می‌تواند راه ارتباطی با زمین داشته باشد در حالی که خداوند می‌فرماید: آسمان‌ها، بی‌ستون است. امام فرمود: سبحان اللّه، ا لیس اللّه یقول بغیر عمد ترونها؟ قلت بلی، فقال ثم عمد و لکن لا ترونها. «عجیب است آیا خداوند نمی‌فرماید: بدون ستونی که قابل مشاهده باشد؟ من عرض کردم: آری. فرمود پس ستونهایی هست لکن شما نمی‌بینید.» «۲» سپس ایشان متذکر می‌شوند که این آیات و احادیث برخلاف تفکرات نجومی آن زمان هیئت بطلمیوسی بود. «۳» ۲. آیهٔ اللّه حسین نوری نیز با ذکر آیه ۲ سوره رعد همین مطلب را از آیه برداشت کرده و حدیث مذکور را از امام رضا (ع) در تفسیر آیه می‌آورد. سپس متذکر نکته لطیفی در تعبیر «عمد» می‌شوند و می‌نویسند: «میان «ستون» که تکیه‌گاه و نگاه دارنده است، با جسمی که بر آن تکیه کرده است،

(_____ ۱) رعد/ ۲- لقمان/ ۱۰. (۲) ر. ک: تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۷۸، که از تفسیر علی ابراهیم و تفسیر عیاشی نقل کرده است. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۰ و ۱۱۱ و نیز پیام قرآن، ج ۸، ص ۱۴۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۲ لازم است تناسب و محاسبه کامل رعایت شود. یعنی هر اندازه جسم سنگین‌تر است بهمان نسبت باید «ستون» دارای قدرت و مقاومت بیشتری باشد ... بنابر این نیروی جاذبه و سایر قوانین حرکت مربوط به این اجرام با نظام دقیق و فرمول مخصوص خود مورد محاسبه قرار گرفته است تا توانسته هر یک از آنها را در ارتفاع و مدار معین در طی میلیاردها سال نگاه بدارد. با توجه به این نکته روشن می‌شود که تعبیرات قرآن- که راهنمای سعادت بشر است چه اندازه اعجازآمیز و لطیف است.» «۱» تذکر: منظور ایشان این است که تعبیر عمد (ستون) علاوه بر اینکه به اصل نیروی جاذبه اشاره دارد به لزوم تناسب کمی و کیفی بین ستون (نیروی جاذبه) و دو طرف ستون نیز اشاره دارد. ۳. برخی نویسندگان معاصر نیز به این دو آیه استناد کرده و ستون نامرئی را به معنای نیروی جاذبه دانسته‌اند. که قرآن هزار و چهار صد سال قبل از نیوتن پرده از روی معمای آن برداشته است. و سپس روایات مذکور را از امام رضا (ع) آورده است. «۲» ۴. آیهٔ اللّه مصباح پس از اینکه دو تفسیر برای آیه (بغیر عمد ترونها) ذکر می‌کند (ترونها صفت عمد باشد یا جمله معترضه «۳» باشد) می‌نویسند: «به هر حال هر دو تفسیر قابل تصور است و ظاهرا مانعی برای تصور هیچیک از دو وجه وجود ندارد.» «۴» ۵. برخی دیگر از نویسندگان و صاحب‌نظران معاصر نیز به دو آیه مورد بحث در مورد نیروی جاذبه استناد کرده‌اند که عبارتند از: محمد حسن هیتو «۵» و آیهٔ اللّه معرفت که بحث مفصلی پیرامون نیروی جاذبه و آیات فوق دارند «۶» و لطیف راشدی. «۷»

(_____ ۱) دانش عصر فضا، ص ۵۵ و ۵۶.

(۲) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۴۱- ۴۶. (۳) در این مورد در پاورقی نکات تفسیری، توضیح دادیم. (۴) استاد محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۴۷- ۲۴۸. (۵) ر. ک: دکتر محمد حسین هیتو، المعجزة القرآنیة (الاعجاز العلمی و الغیبی)، ص ۱۸۰. (۶) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۲- ۱۲۸. (۷) لطیف راشدی، نگرشی به علوم طبیعی در قرآن،

ص ۵۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۳

ب: اسرار علمی آیه سوم (کفاتا) «۱»

ب: اسرار علمی آیه سوم (کفاتا) «۱» ۱. آیهٔ اللّه مصباح یزدی در مورد آیه فوق می‌نویسند: «کفات موضعی است که اشیاء در آن جمع‌آوری می گردد. و در اصل معنای آن گرفتن و ضمیمه کردن (قبض و ضمّ) وجود دارد. از همین جا می‌توان بهره برد که زمین اشیاء را به خود جذب می کند، می گیرد. و بعید نیست که اشاره به نیروی جاذبه زمین باشد که با توجه به سرعت شگرف حرکت زمین، اگر این نیروی جاذبه نمی‌بود، همه اشیاء روی زمین در فضا پراکنده می‌شد و سپس اشاره می کند که کفات به معنای سرعت هم آمده است امّا معنای دوم را ضعیف‌تر می‌داند. «۲» ۲. یکی دیگر از صاحب‌نظران از معنای لغوی کلمه کفات چند مطلب را استخراج می کند. حرکت وضعی و انتقالی زمین و سرعت طیران آن در فضا- وجود مواد مذاب داخل زمین- تغییرات سطحی و عمقی کره خاک- نیروی جاذبه زمین ایشان به معنای لغوی «کفات» استناد می کند که: الکفات: موضع یکفت فیه الشیء ای یضم و یجمع. «۳» ۳. برخی از نویسندگان و یکی از مفسران معاصر نیز از این آیه نیروی جاذبه را استفاده کرده است. «۴»

ج: اسرار علمی آیه چهارم یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا «۵»

ج: اسرار علمی آیه چهارم یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا «۵» ۱. آیهٔ اللّه حسین نوری پس از آنکه بحث مفصلی در مورد نیروی جاذبه می کند و به آیه فوق استشهاد می کند، کلمه «تزولا» را به معنای «انحراف» گرفته است. «۶» ۲. برخی از نویسندگان معاصر نیز این آیه را ذکر کرده و می‌نویسند: «مگر این نگاه داشتن غیر از همان نیروی جاذبه عمومی است که خداوند در بین کرات قرار داده تا از مدارشان منحرف نشوند.» «۷»

(۱) مرسلات/ ۲۵. (۲) معارف قرآن، ص ۲۵۴. (۳) ر. ک: ید اللّه نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۸۸- ۹۹. (۴) دکتر صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲۹، ص ۳۴۱ و گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۴۳. (۵) فاطر/ ۴۱. (۶) دانش عصر فضا، ص ۵۵. (۷) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۴۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۴ ۳. برخی از مفسرین برای آیه فوق دو گونه تفسیر کرده‌اند: یکی تأکید آیه بر مسأله حفظ نظام عالم هستی یعنی همان چیزی که در بحث‌های فلسفی به اثبات رسیده که ممکنات در بقای خود همانگونه نیازمند به مبدأ هستند که در حدوث خود. دوم اینکه کرات آسمانی میلیون‌ها سال در مدار خود در حرکت هستند و این مطلب از نیروی جاذبه و دافعه سرچشمه می گیرد. «۱»

بررسی:

بررسی: در مورد انطباق قانون جاذبه عمومی با آیات مورد بحث تذکر چند نکته لازم است: ۱. در تفسیر آیه اول و دوم (بغیر عمد ترونها) به نیروی جاذبه دو نکته قابل تأمل است: اول: آنکه کلمه «عمد» جمع است و به معنی «ستون‌ها» می‌باشد، پس هر چند تفسیر آن به نیروی جاذبه ممکن است ولی امکان دارد که مقصود از ستون‌ها چندین نیروی متفاوت باشد که یکی از آنها نیروی جاذبه است و چه بسا دانشمندان دیگری پیدا شوند و آنها را کشف کنند. پس حصر عمد (ستون‌ها) در نیروی جاذبه صحیح بنظر نمی‌رسد. دوم: آنکه کلمه «سماوات» در قرآن معانی متعددی دارد (مثل: جهت بالا، جوّ زمین، کرات آسمانی، آسمانهای معنوی، ستارگان و سیارات و ... «۲») و در اینجا در صورتی تفسیر آیه به نیروی جاذبه صحیح است که آسمان را به معنای «کرات آسمانی»

معنا کنیم. اما با توجه به سیاق آیه ۱۰ سوره لقمان که در مورد نزول باران از آسمان سخن می‌گوید و آسمانها را در مقابل زمین به کار می‌برد و در آیه ۲ سوره رعد که بدنبال ذکر آسمانها از خورشید و ماه و سپس زمین (در آیه بعد) سخن می‌گوید، معلوم می‌شود که قدر متیقن از آسمان در این موارد همان آسمان مادی (یعنی کرات آسمانی یا طبقات جوّ زمین و ...) است. ۲. در مورد آیه چهارم: إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا «۳» که می‌فرماید: «همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد. تا نیفتد» (یا تا منحرف نشوند) نیز سه نکته قابل تأمل است:

(_____۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۸۷. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵ و حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده سمو و بحث ما تحت عنوان «آسمان‌های هفتگانه» در همین نوشتار. (۳) فاطر/ ۴۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۵ یکی اینکه در اینجا هم باید آسمان‌ها را به معنای کرات آسمانی فرض کنیم. و دوم اینکه نگهداری آسمان و زمین توسط خدا را به معنای نگهداری آنها توسط نیروی جاذبه معنا کنیم. آری ممکن است که خداوند توسط وسایل و نیروهای متعددی آسمان‌ها و زمین را نگهداری کند تا منحرف نشوند که نیروی جاذبه یکی از آنهاست نه تمام آنها پس انحصار معنای آیه فوق نیز در نیروی جاذبه صحیح نیست. سوم اینکه این آیه دو تفسیر دارد (همانطور که گذشت) و بر اساس یکی از آنها قابل انطباق با نیروی جاذبه است. ۳. آیه سوم (کفاتا) در لغت حدّاقل به معنای: جمع، سرعت آمده است. «۱» و برخی آن را به معنای جمع انسانها (مرده و زنده) در زمین و برخی به معنای حرکت زمین گرفته‌اند همانگونه که برخی به معنای جاذبه گفته‌اند. پس تفسیر نیروی جاذبه زمین در مورد کفایت یکی از احتمالات آیه است و به صورت قطعی نمی‌توان این مطلب را به آیه فوق استناد داد. مفسران بزرگی مثل علامه طباطبائی (ره) و صاحب تفسیر نمونه اشاره‌ای به این احتمال (استفاده نیروی جاذبه از آیه نکرده‌اند) و آیه را به معنای جمع مردم (زنده و مرده) در زمین گرفته‌اند. یعنی معنای «جمع» را برای «کفات» ترجیح داده‌اند. «۲» نتیجه: احتمال دلالت آیات اول و دوم، بر نیروی جاذبه قوی است، ولی معنای آیات فوق منحصر در نیروی جاذبه نیست، بلکه نیروی جاذبه یکی از مصادیق «عمد» (ستون‌ها) است. اما بهر حال این یک اشاره علمی قرآن به شمار می‌آید که با توجه به عدم اطلاع مردم و دانشمندان عصر نزول قرآن از نیروی جاذبه، عظمت قرآن کریم را در بیان اسرار علمی روشن می‌سازد. و می‌تواند اعجاز علمی قرآن به شمار آید.

۶. خورشید و حرکات آن:

اشاره

۶. خورشید و حرکات آن: خورشید یکی از نشانه‌های الهی است که خداوند در قرآن به آن سوگند خورده است. «۳» در آیات متعددی از خورشید و حرکت‌های آن یاد شده است و لذا بسیاری از مفسران و صاحب‌نظران و متخصصان کیهان‌شناسی در این مورد اظهار نظر کرده‌اند. آیاتی (_____ ۱) ر. ک: راغب اصفهانی، مفردات، ماده کفت. (۲) ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۱۶۸ و نمونه، ج ۲۵، ۴۱۱- ۴۱۲. (۳) شمس/ ۱ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها .... پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۶ که در این مورد به آنها استناد شده عبارتند از: وَ آیَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ «۱» «و نشانه‌ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست از آن برمی‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند و خورشید به [سوی قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است.» لَا الشَّمْسُ یَنْبَغِی لَها أَنْ تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّیْلُ سابِقُ النَّهارِ وَ کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ «۲» «نه خورشید را سزد که به ماه رسد، و نه شب به روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند.» وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ «۳» «و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است. هر کدام از این دو در مداری [معین شناورند.» وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى «۴» «و خورشید و ماه را رام گردانید؛ هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند.» وَ سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دائِبَيْنِ «۵» «و خداوند خورشید و ماه را در حالی که هر دو در حال حرکت هستند به نفع شما مقهور و مسخّر گردانید.»

نکات تفسیری

نکات تفسیری ۱. آیات فوق برای معرفی نشانه‌های حق است و به مردم یادآوری می‌شود تا ایمان آورند و یا ایمان آنان تقویت گردد. و لذا آیات سوره یس با کلمه وَ آيَةٌ لَهُمُ ... شروع می‌شود و آیه ۲ سوره رعد با جمله لَعَلَّكُمْ بِلِقاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ «امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید» پایان می‌یابد. ۲. «لام» در کلمه «لمستقر» ممکن است به چند معنا باشد: (_____ ۱) یس/ ۳۷- ۳۸. (۲) یس/ ۴۰. (۳) انبیاء/ ۳۳. (۴) رعد/ ۲- فاطر/ ۱۳- زمر/ ۵. همین آیه در لقمان/ ۲۹ به این صورت آمده است كُلٌّ يَجْرِي إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى. (۵) ابراهیم/ ۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۷ الف: لام به معنای «الی» (خورشید به سوی قرارگاه خود روان است) «۱» ب: لام به معنای «فی» (خورشید در قرارگاه خود روان است) «۲» ج: لام برای غایت «تا» باشد (خورشید تا قرارگاه خود روان است) «۳» د: لام به معنای تأکید باشد (خورشید روان است مر قرارگاه خود را) ۳. آیه فوق به نحو دیگری نیز قرائت شده است: ۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲ و الشمس تجری لا مستقر لها ۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ یعنی روان است و قرارگاه ندارد. «۴» ۴. کلمه مستقر در «لمستقر» ممکن است مصدر میمی، یا اسم زمان و یا اسم مکان باشد. پس معنا آن است که «خورشید به طرف قرار گرفتن خود حرکت می‌کند و یا تا آنجا که قرار گیرد حرکت می‌کند یعنی تا سر آمدن اجل آن و یا زمان استقرار و یا محل استقرارش حرکت می‌کند.» «۵» این احتمال (سر آمدن اجل یا زمان استقرار) بوسیله آیه كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى «۶» تأیید می‌شود. چرا که «لاجل مسمی» به جای «لمستقر لها» به کار رفته است. مگر آنکه ادعا شود که آیه وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَها «۷» می‌خواهد در مورد خورشید به مطلب تازه‌ای اشاره کند که در آیات دیگر (فاطر/ ۱۳- رعد/ ۲- زمر/ ۵) اشاره نشده بود. یعنی خورشید و ماه هر دو زمان استقرار و پایانی زمانی حرکت دارند و علاوه بر آن خورشید پایان مکانی نیز دارد. ۵. ابن کثیر نیز در تفسیر خود در مورد «لمستقر لها» دو احتمال را مطرح می‌کند: اول اینکه مقصود مستقر مکانی باشد. یعنی تحت عرش الهی که نزدیک زمین است. دوم آنکه مقصود انتهای سیر خورشید در قیامت باشد. «۸ (_____ » ۱) ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت- ۱۴۱۷ ق. (۲) سید هبهٔ الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۸۴ و تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲. (۳) ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت- ۱۴۱۷ ق. (۴) ر. ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۷۲ (ده جلدی)، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۵ ق. این قرائت از امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و نیز ابن عباس، ابن مسعود و عکرمه و عطاء نقل شده است و مرحوم طبرسی در توجیه آن می‌گوید: ظاهر این قرائت عموم است امّا معنای آن خاص است یعنی تا وقتی آسمانها همانطور برپاست خورشید محل استقرار ندارد امّا هنگامی که آسمان‌ها درهم فرو ریخت خورشید نیز مستقر می‌شود. (۵) ر. ک: المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت- ۱۴۱۷ ق. (۶) فاطر/ ۱۳- رعد/ ۲- زمر/ ۵. (۷) یس/ ۳۸. (۸) ر. ک: مختصر ابن کثیر، ۳/ ۱۶۲ و نیز دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۳۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۸ ۶. فلک در لغت به معنای کشتی است و فلک به معنای مجرای کواکب است که به خاطر شباهت آن با کشتی (در شناور بودن) فلک نامیده شده است. «۱» یکی از مفسران می‌نویسد: «کلمه فلک در لغت به معنی برآمدن پستان دختران و شکل دورانی به خود گرفتن است سپس به قطعاتی از زمین که

مـدور است و یـا اشـیاء مـدور دیگر نیز اطلاـق شـده و از همین رو به مسیر دورانی کواکب نیز اطلاق می‌شود». «۲» سـید هبهٔ الدین شهرستانی با ذکر ۱۴ دلیل اثبات می‌کنـد که کلمه «فلک» در اسـلام به معنای مدار نجوم و مجرای کواکب است. «۳» ۷. یسبحون از مـاده «سـباحت» در اصل به معنای حرکت سـریع در آب و هوا است. «۴» ۸. دائـبین از ریشـه «دأب» است که به معنی «ادامه دادن به سیر» است. و بمعنی عادت مستمره هم می‌آید. «۵» البته صاحب تفسیر نمونه می‌گوید: دائب از ریشه «دئوب» به معنی استمرار چیزی در انجام یک برنامه به صورت یک حالت و سنت است ... ولی در معنی دائب حرکت در مکان نیفتاده است. و لذا نور افشانی و أثر تربیتی، خورشـید را مدلول دائب می‌کند. «۶» امّا به نظر می‌رسـد که با توجه به سـخن راغب اصـفهانی ایشان به یکی از معانی دائب توجه نکرده است (ادامه دادن به سیر) هر چند که تفسیر نمونه هیچ منبع لغوی را نیز در این مورد معرفی نکرده است.

تاریخچه:

تاریخچه: خورشـید سـتاره‌ای است که هر انسانی می‌تواند هر روز آن را ببیند و حرکت کاذب روزانه آن (از طرف مشرق به مغرب) «۷» همیشه توجه انسـان را به خود جلب کرده است. انسان‌هـا تـا قرن‌ها فکر می‌کردنـد که خورشـید به دور زمین می‌چرخـد و هیئت پیچیده (_____ ۱) راغب اصفهانی، مفردات، ماده فلک. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷. (۳) اسلام و هیئت، ص ۱۹ به بعد. (۴) مفردات راغب، ماده سبح. (۵) مفردات راغب، ماده دئب. (۶) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۵۰ و ۳۵۷. (۷) حرکت روزانه خورشید از مشرق به مغرب در حقیقت کاذب است و حقیقی نیست، چون در اثر حرکت زمین از مغرب به مشـرق برای انسان خطای دیـد حاصل می‌شود و گمان می‌کنـد که خورشـید حرکت می‌کند. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۵۹ بطلمیوسـی نیز بر همین اساس پایه‌گذاری شده بود که زمین مرکز جهان است. «۱» بطلمیوس کره زمین را سـاکن و مرکز کلیه کرات پنداشـته بود او می‌گفت: «سه چهـارم از سـطح زمین را آب فرا گرفته و کره هوا به مجموع خـاک و آب احـاطه کرده و کره هوا را کره آتش در میان گرفته و آتش را کره قمر در آغوش دارد. (فلک قمر را جز خود ماه ستاره‌ای نیست) و پس از فلک قمر افلاک عطارد و زهره و شمس و مریخ و مشتری و زحل به ترتیب هر فلک بعدی محیط بر فلک قبلی است و هر یک را فقط یک سـتاره است که هم بنام آن نامیده می‌شود. و پس از فلک زحل کره هشـتم یا فلک ثوابت است که جمیع کواکب ثابته ماننـد میخ بر پیکر آن کوبیده است. و پس از فلک هشـتم کره نهم یا فلک اطلس است که تمام افلاک هشتگانه به ترتیبی که ذکر شد. در شکم آن جا دارد. (مثل پیازی که لایه لایه بر همدیگر هستند) فلک مزبور خالی از ستاره و دارای قطر نامحـدود اسـت ... و در یـک شـبانه روز بـا کلیـه افلاـکی کـه در جـوف آن است به گرد زمین می‌چرخـد.» «۲» هیئت بطلمیوسـی هفده قرن بر فکر بشر حکومت کرد و پس از آن کوپرنیک (۱۵۴۴ م) هیئت جدید (هیئت کوپرنیکی) را ارائه داد که بر اسـاس آن زمیـن به دور خورشـید می‌چرخیـد. ولی شـکل چرخش را دایره‌ای می‌دانست که پس از اوکپلر (۱۶۵۰ م) شکل بیضوی گردش زمین به دور خورشید را کشف کرد. و سپس عقیده این دو نفر توسط گالیله ایتالیائی مستقر و مدلّل گردید «۳» و از آن پس نظام منظومه شمسـی به صورت نوین پایه‌گذاری شد که سـیارات به دور خورشید می‌چرخد (عطارد- زهره- زمین- مریخ- مشتری- زحل- اورانوس- نپتون- پلوتون) ولی هنوز عقیده اخترشـناسان (حتی کوپرنیک، کپلر و گالیله) بر آن بود که خورشید ثابت ایستاده اسـت. «۴» و حـتی در ادعانـامه‌ای کـه علیـه گـالیله در دادگـاه قرائـت شـد او را متهم (_____ ۱) در تاریخ حکماء آمـده است که چنـد دانشـمند یونانی به نام بطلمیوس خوانـده می‌شدنـد که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس دلس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسـی به نام اوست و ۱۴۰ سال قبل میلاد می‌زیسته است. ر. ک: اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص ۵. (محمد نژد در فرهنگ دانستنیها، ج ۱، ص ۷۵۲، بطلمیوس را از دانشمندان قرن دوم میلادی می‌داند.) (۲) اسلام و هیئت،

ص ۵- ۷. (۳) ر. ک: همـان، ص ۹- ۱۰. (۴) مطالب شـگفت‌انگیز قرآن، ص ۲۴ و نیز احمـد امین، راه تکامـل، ج ۵، ص ۹ و نیز شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۷۹ ایشان پس از نقل کلام کوپرنیک در اینکه خورشید را مرکز و ساکن می‌داند توجیه می کند که او خورشـید را نسـبت به زمین (داخل منظومه شمسـی) ساکن می‌دانست نه نسبت به خارج آن. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۰ به اعتقـاد به سـکون خورشـید (برخلاـف گفته کتاب مقـدس که خورشـید را متحرک می‌دانست) «۱» کردند و او حاضـر نشـد حرکت خورشید را بپذیرد. «۲» امّا در اعصار جدید روشن شد که خورشـید دارای چند حرکت است: اول حرکت وضعی که هر ۵/ ۲۵ روز یک بار به دور خود می‌چرخد. دوم حرکت انتقالی از جنوب آسـمان به سوی شـمال آن که هر ثانیه ۵/ ۱۹ کیلومتر همراه با منظومه شمسـی حرکت می کند. و سوم حرکتی انتقالی که با سـرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثـانیه به دور مرکز کهکشـان می گردد. که در این حرکت نیز منظومه شمسـی را بهمراه خود می‌برد. «۳» البته برای خورشـید حرکت‌های دیگری نیز گفته شده که در نکات علمی اشاره می کنیم.

اسرار علمی:

اشاره

اسرار علمی: در مورد آیات مربوط به حرکت خورشید مفسران قرآن دو گروه شده‌اند:

اول: مفسران قدیمی:

اول: مفسـران قدیمی: مفسـران قرآن کریم از دیر زمان در پی فهم آیات مربوط به حرکت خورشید بودند ولی از طرفی نظریه هیئت بطلمیوسـی بر جهانیـان سـایه افکنـده بـود و از طرف دیگر ظـاهر آیـات قرآن (در مـورد حرکـت خورشـید و زمیـن در مـدار خـاص خودشان) هیئت بطلمیوسـی را برنمی‌تافت و لذا برخی از مفسران در پی آن شدند تا با توجیه خلاف ظاهری، آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسـی و حرکت کاذب روزانه خورشید سازگار کنند. طبری (۳۱۰ ق) در تفسـیرش حرکت خورشید را بر همان حرکت روزانه و محـل اسـتقرار خورشـید را دورترین منازل، در غروب می‌دانـد. «۴» طبرسـی مفسـر گرانقدر شیعه (م ۵۴۸ ق) می گویـد: «در مورد اسـتقرار خورشـید سه قـول است (_____: ۱) کتـاب مقـدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور ۱۹/ ۵ و « [خورشـید] مثل پهلوان از دویـدن در میـدان شادی می کنـد.» (۲) ر. ک: آرتور کوستلر، خوابگردها، ترجمه منوچهر روحانی، ص ۵۹۰. (۳) شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۸۰ و استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و جهان‌هـای دور، ص ۲۹۳ و تاریـخ علوم، ص ۳۴۷ و دنیای سـتارگان، ص ۱۴۶ و مرزهای نجوم، ص ۲۴۶. (۴) تفسـیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، ج ۲۳، ص ۵- ۶ (چاپ دار المعرفهٔ بیروت) پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۱ اول: اینکه خورشـید جریـان می‌یابـد تـا اینکه دنیـا به پایـان برسـد. بنـابراین به معنـای این است که محل اسـتقرار نـدارد. دوم: اینکه خورشـید برای زمان معینی جریان دارد و از آنجا تجاوز نمی کند. سوم: اینکه خورشـید در منازل خود در زمسـتان و تابستان حرکت می کنـد و از آنها تجاوز نمی‌نمایـد. پس همان ارتفاع و هبوط خورشـید محل اسـتقرار اوست.» «۱» شهرسـتانی در مورد آیه: کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ «۲» می‌نویسد: «هر یک در فلکی شنا می کنند» و مکرر گفتیم که ظاهر این آیه با هیئت قدیم راست نمی‌آمد زیرا بنابر آن هیئت حرکت کوکب در جسم فلـک ممتنع است و از این جهت قـدماء ظـاهر آیه را حمل بر مجاز کرده سـباحت را هم به معنی مطلق حرکت گرفته و گفته‌انـد مقصود این است که: هر سـتاره‌ای با فلک خود بالتبع حرکت می کند.» این در حالی است که در آیه «فی» (در) دارد یعنی خورشـید در فلک و مـدار شـناور است. و نیز در مورد آیه وَ الشَّمْسُ تَجْرِی «۳» می‌نویسد: «متقدمین بدین آیه

احتجاج کرده حرکتی را که از طلوع و غروب آفتاب مشاهده می‌شود متعلق به جرم خورشید دانسته‌اند. ولی در معنای کلمه «مستقر» دچار اضطراب و اختلاف عقیده شده‌اند. ... برخی گفته‌اند آفتاب سیر می‌کند تا مستقر خود که برج حمل است. (که لازمه آن سکون خورشید در برج حمل است و این معنا باطل است.) ... و برخی گفته‌اند شمس حرکت می‌کند در فلک خود. (که از نظر هیئت قدیم باطل است)» «۴» عجب این است که صاحب تفسیر نمونه نیز در تفسیر آیه وَ کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ «۵» احتمال می‌دهد که مقصود همین حرکت خورشید بر حسب حسّ ما یا حرکت ظاهری [کاذب و خطای دید] باشد و آن احتمال را در کنار احتمالات دیگر می‌آورد و ردّ (_____ ۱)

مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۲۴ و ۴۲۵ ذیل آیه ۳۸/ یس (چاپ دار احیاء التراث العربی) بیروت ۱۳۷۹ ق. (۲) یس/ ۴۰. (۳) یس/ ۳۸. (۴) اسلام و هیئت، ص ۱۸۳- ۱۸۵ با تلخیص. (۵) یس/ ۴۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۲ نمی‌کند «۱» در حالی که این آیات در مقام شمارش آیات خداست و حرکت کاذب نمی‌تواند آیه و نشانه الهی باشد. «۲»

دوم: مفسران و صاحب‌نظران جدید:

اشاره

دوم: مفسران و صاحب‌نظران جدید: پس از آنکه در هیئت جدید، حرکت زمین به دور خورشید و سپس حرکت‌های چندگانه خورشید به اثبات رسید آیات مربوط به حرکت خورشید معنای جدیدی پیدا کرد و متخصصان، صاحب نظران و مفسران قرآن در این مورد اظهار نظرهای متفاوتی کردند و برداشتهای زیبائی از آیات فوق بعمل آوردند، که بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

الف: حرکت انتقالی خورشید در درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی)

الف: حرکت انتقالی خورشید در درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی) مفسر معاصر آیهٔ اللّه مکارم شیرازی پس از اشاره به تفسیرهای «تجری، یس/ ۳۸» می‌نویسد: «آخرین و جدیدترین تفسیر برای آیه فوق همان است که اخیرا دانشمندان کشف کرده‌اند و آن حرکت خورشید با مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به سوی یک سمت معین و ستاره دور دستی که آن را ستاره «وگا» نامیده‌اند، می‌باشد.» «۳» و در جای دیگر «جریان» را اشاره به حرکت طولی می‌داند.» «۴» تذکر: در این معنا باید «لام» در «لمستقر لها» را به معنای «الی» بگیریم یعنی: «خورشید به سوی قرارگاه خود جریان دارد.» همانگونه که برخی از نویسندگان عرب بدان تصریح کرده‌اند. «۵» یکی از صاحب‌نظران پس از اینکه حرکت خورشید از جنوب به سوی شمال آسمان را ۱۹/ ۵ کیلومتر در ثانیه می‌داند در ادامه به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد حرکت خورشید استناد می‌جوید. «۶» (_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص

۳۸۶- ۳۸۹. (۲) این سخن از ایشان عجیب است چون قرآن کریم هنگامی که می‌خواهد سخن از حرکت کاذب (طلوع و غروب با توجه به خطای دید بیننده) بگوید می‌فرماید: وَ تَرَی الشَّمْسَ إِذا طَلَعَتْ تَتَزاوَرُ عَنْ کَهْفِهِمْ (کهف/ ۱۷) و آفتاب را می‌بینی که چون برآید از غارشان. در این آیه جمله با «تری» شروع می‌شود یعنی شما می‌بینید و گمان می‌کنید خورشید طلوع می‌کند. امّا هنگامی که در مقام بیان حقیقت امر حرکت خورشید است می‌فرماید: الشَّمْسُ تَجْرِی ... کُلٌّ فِی فَلَکٍ ... و چیزی که دلالت بر حرکت کاذب باشد نمی‌آورد. (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲. (۴) همان، ص ۳۸۸. (۵) ر. ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص

۳۵. (۶) استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۲۵- ۳۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۳ یکی دیگر از نویسندگان معاصر در مورد کلمه «مستقر» در آیه تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها می‌نویسد: این حرکت به سوی قرارگاه شاید همان حرکت خورشید به سوی ستاره وگا باشد که علم نجوم امروز بدان پی برده است و سپس آن را معجزه علمی قرآن می‌داند. «۱» علامه طباطبائی پس از آنکه جریان شمس را همان حرکت خورشید می‌داند، می‌فرماید: «امّا از نظر علمی تا آنجا که ابحاث علمی حکم می‌کند قضیه درست بر عسک (حس) است یعنی خورشید دور زمین نمی‌گردد بلکه زمین به دور خورشید می‌گردد و نیز اثبات می‌کند که خورشید یا سیاراتی که پیرامون آن هستند به سوی ستاره (نسر ثابت) حرکت انتقالی دارند ...» «۲» سید هبهٔ الدین شهرستانی حرکت خورشید را به طرف ستاره‌ای بر ران راست «جائی» معرفی می‌کند و در جای دیگر آن را به طرف مجموعه نجوم (هرکیل) می‌داند. «۳» و کلمه «تجری» را اشاره به حرکت انتقالی خورشید می‌داند. «۴» طنطاوی در تفسیر الجواهر نیز پس از ذکر مقدمه‌ای در انواع حرکات آیه فوق را بر حرکت خورشید و مجموعه همراه او به دور یک ستاره (کوکب) حمل می‌کند و سپس مطالبی طولانی در مورد حرکت‌های هواپیماها، اتومبیل‌ها و ... می‌دهد که ربطی به تفسیر آیه ندارد. «۵» و در همین مورد کتاب «زنده جاوید و اعجاز قرآن» أثر مهندس محمد علی سادات «۶»، و نیز قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، مهندس جعفر رضایی‌فر «۷»، و نیز «القرآن الکریم و العلم الحدیث»، دکتر منصور محمد حسب النبی «۸»، مطالب مشابهی دارند.

ب: حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان: (حرکت دورانی)

ب: حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان: (حرکت دورانی) آیهٔ اللّه مکارم شیرازی: در مورد آیه وَ کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ «۹» «و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند.» دو احتمال می‌دهند:

(_____ ۱) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۲۵- ۲۶. (۲) المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹. (۳) اسلام و هیئت، ص ۱۸۱. (۴) اسلام و هیئت، ص ۱۸۱. (۵) طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۷۲- ۱۷۲، دار الفکر، بی‌تا. (۶) زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۲۸- ۳۰. (۷) قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، ص ۱۳۱. (۸) القرآن الکریم و العلم الحدیث، ص ۲۶۴. (۹) یس/ ۴۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۴ یکی حرکت خورشید به حسب حس ما یا حرکت ظاهری [حرکت کاذب روزانه خورشید که در اثر حرکت زمین به خطا دیده می‌شود و عرف مردم این حرکت را به خورشید نسبت می‌دهند. «۱»] دوم: منظور از شناور بودن خورشید در فلک خود حرکت آن همراه با منظومه شمسی و همراه با کهکشان که ما در آن قرار داریم می‌باشد چه اینکه امروزه ثابت شده است که منظومه شمسی ما جزئی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است. و در پایان، این آیه فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ را اشاره به حرکت دورانی خورشید می‌داند که برخلاف هیئت بطلمیوسی حاکم در زمان نزول قرآن سخن گفته است و بدین ترتیب معجزه علمی دیگری از قرآن به ثبوت می‌رسد. «۲» یکی از صاحب‌نظران نیز پس از آنکه حرکت دورانی خورشید را هر ۲۰۰ میلیون سال یک بار با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می‌داند به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم برای اثبات حرکت خورشید استناد می‌جوید. «۳» دکتر موریس بوکای با استناد به آیه ۳۳ سوره انبیاء و ۴۰ سوره یس کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ نتیجه می‌گیرد که قرآن تصریح کرده که خورشید روی مداری حرکت می‌کند. در حالی که این مطلب بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در عصر پیامبر (ص) بود. او می‌گوید: «با اینکه نظر بطلمیوس در زمان پیامبر اسلام (ص) هم مورد گرایش بود در هیچ جای قرآن به چشم نمی‌خورد.» و سپس با اشاره به ترجمه‌های غلط قرآن به زبان فرانسه که فلک را به معنای مغشوش (کره آسمانی- میله آهنی) آورده‌اند چون نمی‌توانستند حرکت دورانی خورشید را تصور کنند، می‌گوید اولین ترجمه قرآن که به زبان

فرانسوی کلمه «فلک» را «مدار» ترجمه کرد ترجمه «حمید الله» دانشمند پاکستانی بود. «۴» سید هبة الدین شهرستانی در مورد حرکت خورشید و منظومه شمسی (از قول برخی) نقل می‌کند که:

(_____۱) به پاورقی صفحات قبل مراجعه

کنید که در مورد حرکت صادق و کاذب خورشید مطالبی بیان کردیم. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۶- ۳۸۹. (۳) ر. ک: استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۳۵- ۳۶. (۴) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، تألیف دکتر بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، ص ۲۱۵ و ۲۱۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۵ «خورشید با همه اتباع خود به دور روشن‌ترین ستاره‌ای که در ثریا است می‌چرخد و نام آن ستاره به زبان فرنگی «الکبوتی» و به زبان عربی «عقد الثریا» است.» برخی دیگر از نویسندگان مثل (القرآن و العلم الحدیث)، عبد الرزاق نوفل «۱» همین حرکت دورانی را به آیات قرآن (یس/ ۴۰) نسبت داده‌اند: استاد مصباح یزدی نیز با طرح آیه فوق (یس/ ۴۰) می‌نویسند: «قرآن، فلک را چون دریایی می‌داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند، پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می‌کنند و مدار حرکتشان را در آن فضا، تعیین می‌کنند. نه آنچنان که قدماء می‌گفتند: فلک حرکت می‌کند و آنها در فلک ثابتند. قرآن از ابتدا «فرضیه فلکیات» قدیم را مردود می‌دانسته است ... پس از این آیه می‌توان استفاده برد که اجرام علوی، همه در حرکتند و این چیزی است که نجوم جدید اثبات می‌کند.» «۲» تذکر: به نظر می‌رسد که ظاهر آیه همین معنای دوم (حرکت خورشید در یک مدار) است که با توجه به جمله ذیل آیه کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ تأیید می‌شود.

ج: حرکت وضعی خورشید به دور خود:

ج: حرکت وضعی خورشید به دور خود: در تفسیر نمونه آمده است: «بعضی دیگر آن (تجری- یس/ ۳۸) را اشاره به حرکت وضعی کره آفتاب دانسته‌اند زیرا مطالعات دانشمندان به طور قطع ثابت کرده که خورشید به دور خود گردش می‌کند» «۳» و سپس در پاورقی توضیح می‌دهند که بر طبق این تفسیر «لام» در «لمستقر لها» به معنای «فی» (در) است. «۴» تذکر: در این صورت معنا اینگونه می‌شود: «خورشید در قرارگاه خود جریان دارد.» [و به دور خود می‌چرخد]. احمد محمد سلیمان نیز در کتاب القرآن و العلم می‌گوید کلمه لام در عربی ۱۳ معنی دارد و سپس توضیح می‌دهد که اگر لام به معنای «فی» باشد حرکت وضعی خورشید را

(_____۱) القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۷۸

به بعد. (۲) معارف قرآن، ص ۲۵۲. (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲. (۴) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۶ می‌رساند و اگر به معنای «الی» باشد حرکت انتقالی خورشید را می‌رساند و سپس می‌گوید این معجزه بلاغی قرآن است که یک کلمه «لمستقر لها» دو معجزه علمی را با هم می‌رساند. «۱» سید هبة الدین شهرستانی نیز از علامه مرعشی شهرستانی (سید محمد حسین) و غیر او نقل می‌کند که احتمال داده‌اند کلمه «مستقر» به معنی محل استقرار و حرف لام به معنی «فی» و مقصود حرکت وضعی آفتاب باشد. «۲» یکی از صاحب‌نظران نیز پس از آنکه حرکت وضعی خورشید را ۲۵/ ۵ روز یک مرتبه به دور خود معرفی می‌کند به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد اثبات حرکت خورشید استناد می‌جوید. «۳» برخی دیگر از نویسندگان مانند: محمد علی سادات، آیه ۳۸ و ۴۰ سوره یس را دلیل حرکت وضعی خورشید گرفته‌اند. «۴» یکی دیگر از صاحب‌نظران نیز با ذکر اینکه ممکن است لام در کلمه «لمستقر» به معنای «فی» یا «تأکید» باشد آن را اشاره به حرکت وضعی خورشید می‌داند. «۵»

د: ادامه حیات خورشید تا زمان معین:

د: ادامه حیات خورشید تا زمان معین: یکی از صاحب‌نظران در مورد آیه کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّی «۶» «هر یک از خورشید و ماه تا زمان معینی به گردش خود ادامه می‌دهند» می‌نویسد: «ظاهرا مقصود از اینکه خورشید و ماه تا زمانی معینی به گردش خود ادامه می‌دهند این است که زمانی فرا خواهد رسید که این چراغ‌های آسمانی خاموش گردد و آن روز قیامت است.» «۷» همین معنا را سید هبهٔ الدین شهرستانی در مورد آیه وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها «۸» می‌پذیرد و می گوید: «مقصود از جریان حرکت انتقالی آفتاب است در اعماق فضا و مراد از «مستقر» زمان

(_____ ۱) احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۳۵- ۳۶. (۲) ر. ک: اسلام و هیئت، ص ۱۸۶. (۳) ر. ک: استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ۳۵- ۳۶. (۴) ر. ک: زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۲۸- ۳۰. (۵) مصطفی زمانی، پیشگویی‌های علمی قرآن، ص ۳۴. (۶) رعد/ ۲. (۷) استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۳۵. (۸) یس/ ۳۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۷ استقرار است نه مکان استقرار و معنا چنین می‌شود: آفتاب حرکت می کند تا هنگامی که باید قرار گیرد، یعنی روز قیامت.» تذکر: در این صورت «مستقر» را در آیه اسم زمان معنا کرده‌اند. فیزیکدانان جدید می‌نویسند: «خورشید می‌تواند تا ۱۰ میلیارد سال بدرخشد و از این عمر طولانی پنج میلیارد سال آن گذشته است. بنابراین اکنون خورشید در نیمه راه زندگی خود قرار دارد.» «۱»

ه: حرکات درونی خورشید:

ه: حرکات درونی خورشید: به نظر می‌رسد که کلمه «تجری» در آیه وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها «۲» معنای دیگری را نیز بدهد یعنی بین کلمه «تحرک» و «تجری» تفاوتی هست و آن اینکه کلمه «تحرک» فقط حرکت را می‌رساند مثل حرکت اتومبیلی که به جلو یا عقب می‌رود. ولی زیر و رو نمی‌شود. امّا کلمه «تجری» در مورد مایعات مثل آب به کار می‌رود که در هنگام حرکت علاوه بر جلو رفتن، زیر و رو هم می‌شود و بر سر هم می‌خورد. امروزه دانشمندان کشف کرده‌اند که خورشید علاوه بر حرکت وضعی، انتقالی طولی و انتقالی دورانی دارای یک حرکت دیگر هم هست چرا که درون خورشید دائما انفجارات هسته‌ای صورت می گیرد تا انرژی نورانی و گرما را تولید کند و روشنی‌بخش ما باشد «۳» و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید شده و گاه تا کیلومترها به بیرون پرتاب می‌شود. «۴»

(_____ ۱) ر. ک: دکتر اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، ص ۲۰- ۲۱ او می‌نویسد: خورشید در ثانیه ۵۶۴ میلیون تن هیدروژن به عنوان سوخت مصرف می کند که از این مقدار ۵۶۰ تن هلیوم بوجود می‌آید ۴ میلیون تن مواد باقیمانده (که فقط ۷٪ سوخت مصرفی می‌باشد) تبدیل به انرژی می‌شود که در نهایت به صورت نور و گرما انتشار می‌یابد. (۲) یس/ ۳۸. (۳) ر. ک: فیزیک نوین، ص ۲۰. او می‌نویسد: «در درجه حرارت ۱۵ میلیون سانتیگراد و فشار اتمسفری ۲۰۰ میلیارد اتمسفر به بیان خیلی ساده هسته‌های اتمهای هیدروژن به هسته‌های هلیوم تبدیل می‌شود ... بنابراین در این میان مقداری جرم از دست می‌رود که برابر فرمول (انشتین) به انرژی تبدیل می‌شود این عمل ذوب هسته‌ای یا جوشش هسته‌ای نام دارد. (۴) ر. ک: مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳، مهر ۱۳۷۴ ش، که در یک گزارش علمی می‌نویسند: خورشید هر دو ساعت و ۴۰ دقیقه سطح آن با سرعت ۶ کیلومتر به داخل و خارج می‌رود. و قطر آن ۱۰ کیلومتر تغییر می کند و این طپش خورشید است. و در اثر میدانهای مغناطیسی اطراف، لکه‌ها بوجود می‌آید و با سرعت ۰۰۰/ ۶۰۰/ ۱ کیلومتر در

ساعت از خورشید فوران می کند و دور می‌شود و به سرعت خاموش می‌شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۸ به عبارت دیگر خورشید فقط حرکت نمی کند بلکه مثل آب جریان دارد و دائما زیر و رو می‌شود. و این لطافت تعبیر قرآنی غیر از طریق وحی نمی‌تواند صادر شده باشد و از این رو ممکن است اعجاز علمی قرآن را برساند. تذکر: در اینجا ممکن است گفته شود که با توجه کاربرد واژه «تجری» در قرآن که در مورد حرکت ماه و خورشید هر دو به کار رفته است (فاطر/ ۱۳- زمر/ ۵- لقمان/ ۲۹) وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّی در حالی که ماه از مواد مذاب تشکیل نشده است پس همیشه واژه تجری به معنای مذاب بودن متعلق جریان (مثل آب و خورشید) نیست. بلکه این تعبیر کنایه است که در این موارد فضا را مثل یک اقیانوسی در نظر گرفته است که ماه و خورشید مثل کشتی در آن شناور هستند. پس این واژه دلالت قطعی بر یک معنا (شناور بودن یا مذاب بودن) در مورد خورشید ندارد از این رو نمی‌توان گفت که اعجاز علمی قرآن را ثابت می کند. تذکر دیگر: برخی از صاحب‌نظران (دکتر السید الجمیلی) نیز با طرح آیه ۳۶ سوره یس حرکت خورشید و منظومه شمسی را ۷۰۰ کیلومتر در ثانیه دانسته‌اند. ولی نوع حرکت را مشخص نکرده‌اند که دورانی به دور مرکز کهکشان یا مستقیم است. «۱»

بررسی:

بررسی: در مورد انطباق حرکت‌های خورشید با آیات مورد بحث تذکر چند نکته لازم است: ۱. بیان کردیم که سه احتمال در کلمه «مستقر» (یس/ ۳۸) وجود دارد (مصدر میمی- اسم مکان- اسم زمان) و نیز بیان شد که چند احتمال در معنای لام «لمستقر» وجود دارد (بمعنی الی- فی- غایة) و نیز گذشت که در مورد کلمه «جریان» چهار احتمال وجود دارد (حرکت انتقالی طولی- حرکت وضعی- ادامه حیات زمانی- حرکت درونی خورشید) در اثر ضرب این احتمالات در یک دیگر عدد ۳۶ حاصل می‌شود «۲» یعنی ۳۶ احتمال در معنای آیه متصور است و ممکن است در واقع همه این احتمالات مراد آیه باشد. پس این احتمال هم وجود دارد که جریان (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که کشف نشده و آن هم مراد باشد. از این رو نمی‌توان به طور قطعی گفت که مقصود آیه یکی از این احتمالات است و نفی احتمالات (شناخته شده یا کشف نشده) دیگر کرد.

(_____ ۱) ر. ک: دکتر السید الجمیلی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۳۱. (۲). ۳۶ ۴* ۹ ۳* ۳ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۶۹ البته همانطور که بیان کردیم ظاهر آیه (یس/ ۳۷- ۴۰) همان معنای دوم (حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت) است. که با واژه (یسبحون) در ذیل آیه تأیید می‌شود. ۲. حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می‌توان از کلمه «لمستقر» استفاده کرد. امّا تعیین این مکان (ستاره وگا- جائی یا هرکیل یا ...) و یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح بنظر نمی‌رسد چرا که تعیین قطعی این مکان مشخص نیست. و لذا نمی‌توان مکان‌های حدسی را به قرآن نسبت داد. ۳. اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هر کدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم) از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است. چون که قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می‌شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام (ص)) را نشان می‌دهد. ۴. آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می کند؟ در این مورد می‌توان تفصیل قائل شد؛ یعنی بگوئیم بخشی از این حرکت‌ها قبلا توسط کتاب مقدس گزارش شده بود «۱» و لذا اخبار قرآن در این مورد اعجاز علمی نیست. امّا آن بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن، برخلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد اعجاز علمی قرآن است. قسم اول یعنی بخشی که کتاب مقدس خبر داد، همان جمله‌ای است که «می گوید: و [خورشید] مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.» «۲» از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید

استفاده می‌شود چون پهلوانان ر میادین بطرف جلو و بصورت دورانی می‌دوند. «۳» امّا حرکت‌های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی و حرکت وضعی و حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است. و اعجاز علمی آن را ثابت می کند.

(_____ ۱) کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور نوزدهم/ ۵. (۲) کتاب مقدس، کتاب مزامیر، زبور داود، مزمور نوزدهم/ ۵. (۳) هر چند ممکن است که ارباب کلیسا در قرون وسطی از این جمله حرکت کاذب روزانه خورشید را برداشت می کردند ولی این جمله به خودی خود حرکت انتقالی دورانی را نتیجه می‌دهد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۰

۷. زمین:

اشاره

۷. زمین: در مورد حرکت و کروی بودن زمین به آیات متعددی استناد شده است ولی قبل از بررسی آیات بهتر است که مقدمه‌ای را در باب تاریخچه این بحث ارائه کنیم:

تاریخچه:

تاریخچه: زمین عبارت است از کره خاکی که ما انسانها بر روی آن زندگی می کنیم. این سیاره دارای وزنی معادل ۹۵۵/ ۵ میلیارد میلیارد تن است و نیز حجمی معادل ۱ /۰۸۳ میلیارد کیلومتر مکعب دارد. این تصور سطحی از زمان‌های دور در ذهن بشر ریشه دوانده بود که تمام ستارگان و سیارات به دور زمین می‌چرخند و این به خاطر دید حسّی کاذبی بود که از حرکت زمین داشتند و فکر می کردند که زمین ساکن است. عقیده به حرکت زمین آنقدر موهون و غریب بود که حتی بر حکما نیز تجویز آن دشوار بود. اول کسی که جرأت ورزید و این عقیده را اظهار داشت «فیثاغورث» نابغه قرن پنجم قبل از میلاد بود. «فلوته خوس» و «ارشمیدس» نیز از او پیروی نمودند و پس از دویست سال «استرخوس ساموسی» این قول را تقویت نمود و گردش سالیانه زمین به دور خورشید را کشف کرد و اعلام نمود. او را به جرم این کشف مهم تکفیر کردند و پس از سی سال دیگر «کلیانتوس آسوسی» برای زمین دو حرکت قائل شد و او نیز تکفیر شد. «۱» و سپس بطلمیوس (حدود ۱۴۰ قبل از میلاد) به دنیا آمد. او گمان می کرد که زمین ساکن است و خورشید به دور آن می‌چرخد این تفکر نزدیک شانزده قرن بر فکر بشر حاکم بود و با مخالفان آن برخورد فیزیکی می‌شد. «۲» بر طبق تاریخ علم مشهور، اولین کسی که زمین مرکزی را رد کرد و حرکت خورشید به دور زمین را مطرح کرد کوپرنیک «۳» (کوپرنیکس) بود و سپس کپلر «۴» آلمانی آن را

(_____ ۱) سید هبهٔ الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۴۴. (۲) برای اطلاعات بیشتر ر. ک: پی‌یرروسو، تاریخ علوم، ص ۱۹۳ به بعد، آرتور کوستلر، خوابگردها، ص ۱۶۱ به بعد، ولکوف، زمین و زمان، ص ۴۱- ۴۷، ترجمه محمد قاضی. (۳) ۱۵۴۳ -۱۴۹۸) kginreppoK م) در کتاب (درباره دوران افلاک) (۴) ۱۶۳۰ -۱۵۷۱) relppeK م) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۱ پرورش داد و مدارهای بیضوی را پیشنهاد کرد و در آخر گالیله «۱» آن را اظهار کرد و بر آن پای فشرد و دعوایی با کلیسا براه انداختند. «۲» در مورد اینکه کوپرنیک این نظریه را از کجا آورده بود به این گزارش تاریخی توجه کنید: «دانشمندان روم شرقی بعضی آثار دانشمندان اسلامی را در دوره ایلخانی به زبان یونانی ترجمه کردند ثمره نظریه سیاره‌ای مکتب مراغه به «کوپرنیکوس» [کپرنیک و منجمان اروپایی متأخرتر رسید که از آن برای ساختن تصویر خورشید مرکزی جهان، که پس از قرن شانزدهم میلادی در اروپا غلبه پیدا کرد، کمک جستند. در صورتی که

مسلمانان که کاملا از امکان منظومه خورشید مرکزی آگاه بودند به منظومه زمین مرکزی دلخوش ماندند، چنانچه «بیرونی» «۳» به صراحت بیان کرده است که به این نتیجه رسیدند (که): تصمیم گرفتن درباره این امر بیش از آنکه به علم نجوم وابسته باشد به ما بعد الطبیعهٔ (فلسفه) و علم کلام بستگی دارد.» «۴» پس از تکمیل هیئت جدید و کشفیات اخترشناسان روشن گردید که زمین حرکت‌های متعددی دارد و برخی منجمان تا چهارده حرکت برای زمین نوشته‌اند. «۵» اینک مشهورترین حرکات را برمی‌شماریم: ۱. حرکت وضعی به دور خود از مغرب به مشرق که باعث پیدایش شبانه‌روز می‌شود. زمان این حرکت ۲۳ ساعت و ۵۸ دقیقه و ۴۹ ثانیه است. سرعت زمین در هر دقیقه ۳۰ کیلومتر. ۲. حرکت انتقالی زمین به دور خورشید که در یک مدار بیضی شکل صورت می‌گیرد و مدت آن ۳۶۵ روز و شش ساعت و هشت دقیقه و ۳۸ ثانیه است. از این حرکت ماه‌های دوازده‌گانه پدید می‌آید. سرعت زمین در این حرکت در هر ثانیه حدود ۳۰ کیلومتر است یعنی حدود صد هزار کیلومتر در ساعت است. (_____ ۱) . ۱۵۶۴ - ۱۶۴۲ میلادی. (۲) ر. ک: آرتور کوستلر، خوابگردها، ص ۱۶۱. (۳) ابو ریحان بیرونی (۴۴۰ قمری) او در قرن پنجم قمری یعنی قرن یازدهم میلادی زندگی می‌کرده است یعنی حدود شش قرن قبل از تولد کپرنیک و گالیله می‌زیسته است. (۴) مهدی سپهر، سیر تحول علوم تجربی در علوم اسلام، ص ۲۶ به نقل از مدخلی بر آموزه‌های جهان‌شناختی اسلام، ص ۱۳۵- ۱۳۶. دکتر سید حسین نصر نیز در کتاب علم و تمدن در اسلام همین گزارش را نسبت به ابو ریحان بیرونی آورده است. (۵) سید هبهٔ الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۷۶، او از کامبل فلا مریون، منجم مشهور فرانسوی نقل می‌کند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۲ ۳. حرکت اقبالیه زمین: دایره استوایی آن اقبال به سوی دایرهٔ البروج دارد و در ۶۷۰ سال یک درجه جلو می‌آید. ۴. حرکت دو نقطه اوج و حضیض کره زمین بر وفق محیط دایرهٔ البروج که دوره کامل آن ۲۰۹۳۱ سال است و علت این حرکت تجاذب زهره و مشتری با زمین است. ۵. حرکت تقدیم اعتدال ربیعی و خریفی است که بواسطه آن ثوابت را در هر ۲۶ هزار سال خورشیدی یک بار بر موازات دائرهٔ البروج متحرک می‌بینیم. ۶. حرکت رقصی یا ارتعاشی قمری است که بر دور محور زمین عارض و در هر ۲۹ سال یک بار زمین به سوی دائرهٔ البروج متمایل می‌شود. ۷. حرکت ارتعاشی شمسی است که بواسطه جاذبه خورشید محور زمین در دو جهت قطبین مرتعش می‌گردد. و در هر سال شمسی یک حرکت را تمام می‌کند. ۸. حرکت تبعی است که زمین با سایر سیارات به تبعیت خورشید در فضا حرکت می‌کند. «۱» تذکر: این حرکت تبعی خود دارای اقسامی است مثل حرکت انتقالی خورشید مستقیم به طرف مکان نامعلوم یا ستاره وگا و حرکت انتقالی خورشیدی به دور مرکز کهکشان.

اول: حرکت زمین:

اشاره

اول: حرکت زمین: در مورد حرکت زمین به آیات متعددی استناد شده است که در ابتداء آن آیات را فهرست وار برمی‌شماریم و سپس هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم: * آیات زیر در مورد حرکت وضعی زمین مورد استناد واقع شده است: مرسلات/ ۲۵- شمس/ ۶- نمل/ ۸۹- نبأ/ ۷- نحل/ ۱۵- انبیاء/ ۳۱- لقمان/ ۱۰. * آیات زیر در مورد حرکت انتقالی زمین مورد استناد واقع شده است: ملک/ ۱۵- مرسلات/ ۲۵- شمس/ ۶- نمل/ ۸۹- فصلت/ ۱۱. * آیات زیر در مورد حرکت‌های دیگر زمین مورد استناد واقع شده است: زخرف/ ۱۰- طه/ ۵۳- نبأ/ ۶- بقره/ ۲۲. اینک هر کدام از آیات را به صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌دهیم (_____: ۱) ر. ک: اسلام و هیئت و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ و نیز ابو طالب تجلیل، راههای خداشناسی در طبیعت، ص ۱۵۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن،

ص: ۱۷۳ ۱. وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ «۱» «و می‌بینی کوهها را و گمان می‌کنی که ایستاده‌اند در حالی که آنها مانند ابرها در حرکت هستند.» صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «قراین فراوانی در آیه وجود دارد که تفسیر دیگری را تأیید می‌کند و آن اینکه آیه از قبیل آیات توحید و نشانه‌های عظمت خداوند، در همین دنیاست و به حرکت زمین که برای ما محسوس نیست اشاره می‌کند. مسلما حرکت کوهها بدون حرکت زمینهایی دیگر که به آنها متصل است معنا ندارد و به این ترتیب معنای آیه چنین می‌شود که: زمین با سرعت حرکت می‌کند همچون حرکت ابرها. طبق محاسبات دانشمندان امروز، سرعت سیر حرکت زمین، به دور خود نزدیک به ۳۰ کیلومتر در هر دقیقه است و سیر آن در حرکت انتقالی، به دور خورشید از این هم بیشتر است به هر حال آیه فوق، از معجزات علمی قرآن است زیرا حرکت زمین توسط گالیله ایتالیائی و کپرنیک لهستانی در حدود قرن هفده میلادی کشف شد در حالی که قرآن حدود هزار سال قبل از آن سخن گفته است.» «۲» برخی مفسران مثل مرحوم طبرسی در مجمع البیان حرکت کوهها را مربوط به قیامت و تلاش آنها می‌دانند و این مطلب را از ابن عباس نقل می‌کند. «۳» امّا برخی از مفسران مثل استاد مکارم شیرازی این احتمال را رد می‌کنند و می‌گویند: تشبیه به ابر و حرکت آرام آن که در دنباله آیه هست متناسب با برقراری نظم جهان و آرامش فعلی آن و نه حوادث قیامت است. و از طرف دیگر تعبیر اینکه «گمان می‌کنی کوهها جامدند» با حوادث قیامت که آشکار است، ناسازگار است. «۴» سید هبة الدین شهرستانی نیز با ذکر آیه فوق حرکت زمین را از آن استفاده می‌کند و تذکر می‌دهد که: مرحوم علی قلی اعتضاد السلطنه پسر فتحعلی شاه بیش از پنجاه سال پیش، از این آیه حرکت زمین را استنباط نموده و کسی در این استخراج بر او پیشی نگرفته است. و سپس در مورد تشبیه حرکت زمین به ابر چند نکته را برمی‌شمارد: نرمی و همواری

(_____ ۱) نمل/ ۸۹. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸- ۵۶۹. (۳) مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۶. (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۴ سیر در عین سرعت- اختلاف حرکت ابرها که گاهی به طرف شرق و غرب و ... مثل زمین- بدون لرزش بودن هر دو حرکت. «۱» برخی از نویسندگان معاصر نیز از آیه فوق حرکت زمین را استفاده کرده‌اند و می‌گویند پیداست که سرعت ابر اشاره به سرعت زیاد زمین است همانگونه که می‌گوییم: فلانی مثل باد حرکت می‌کند. «۲» و نیز در مقدمه کتاب اعجاز قرآن، علامه طباطبائی (ره) از آیه فوق (نمل/ ۸۸) حرکت انتقالی زمین را استفاده می‌کنند. «۳» استاد حسین نوری نیز همین آیه (نمل/ ۸۸) را اشاره به حرکت کوهها و زمین می‌داند. «۴» همانگونه که مهندس علی سادات همین معنا را پذیرفته است. «۵»

بررسی:

بررسی: استفاده حرکت انتقالی زمین از آیه فوق (نمل/ ۸۹) مناسبت دارد، چرا که کوهها را به ابر تشبیه کرده است و ابر حرکت انتقالی به دور زمین دارد ولی حرکت دورانی (وضعی) به دور خود ندارد پس حرکت وضعی زمین از این تشبیه قرآنی استفاده نمی‌شود و لذا اشاره تفسیر نمونه به حرکت دورانی زمین، بر مبنای آیه فوق مناسبت ندارد. ۲. الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً «۶» «و اوست که زمین را برای شما گاهواره‌ای قرار داد.» و همین مضمون در سوره طه/ ۵۳ و نبأ/ ۶ (مهادا) آمده است. و نیز در سوره بقره/ ۲۲ می‌فرماید: الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِراشاً «آنکه زمین را برای شما بستر (آرامش) قرار داد.» برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران از تعبیر «مهدا» حرکت زمین را استفاده کرده‌اند و می‌نویسند:

(_____ ۱) سید هبة الدین شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۵۷- ۵۹. (۲) عباسعلی سرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۳۳- ۳۴. (۳) علامه طباطبائی، اعجاز قرآن، ص ۱۳، ویراسته علی رضا میرزا محمد، ص ۱۳. (۴) دانش عصر فضا، ص ۳۵. (۵) زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۲۴. (۶) زخرف/ ۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۵ «چه تشبیه جالبی: قرآن زمین را مانند گاهواره توصیف می‌کند. همانطور که می‌دانید از ویژگیهای

گاهواره این است که در عین اینکه حرکت می کند، موجب ناراحتی و رنجش کودک نمی‌شود. بلکه سبب استراحت و آسایش اوست.» «۱» برخی دیگر از نویسندگان نیز همین استفاده (حرکت زمین) را نموده‌اند. «۲» در مقدمه کتاب اعجاز قرآن علامه طباطبائی (ره) نیز از آیه ۵۳ سوره طه حرکت انتقالی زمین را استفاده کرده‌اند. «۳» همچنین شیخ نزیه القمیحا از آیه ۵۳ سوره طه و آیه ۱۰ سوره زخرف حرکت زمین را استفاده کرده است. «۴» مهندس سادات نیز همین معنا را از آیه ۱۰ سوره زخرف و ۶ سوره نبأ استفاده کرده است. «۵» سید هبة الدین شهرستانی (ره) نیز آیه فوق (زخرف/ ۱۰) را دلیل بر حرکت زمین می‌داند و تشبیه زمین به گاهواره را از جهت حرکت آرام آنها و اینکه هر دو باعث رشد و نمو (بچه در گاهواره و انسان در زمین) می‌شوند، می‌داند. «۶» استاد مصباح یزدی با رد استفاده حرکت زمین از آیه فوق می‌نویسند: «مهد و مهاد نیز معنایی همانند «فراش» دارند، برخی گفته‌اند که می‌توان از این دو کلمه دریافت که همچون گاهواره دارای حرکت است امّا این روشن نیست زیرا در آن صورت جای آن است که دیگری بگوید نوع این حرکت، گاهواره‌ای و دارای رفت و برگشت است در حالی که چنین نیست. بنابراین ظاهر آیه همان اشاره به راحتی و جای استراحت و آرامش است همچنان که گاهواره برای نوزاد چنین است.» «۷» تذکر: واژه «مهد و مهاد» در لغت به معنای محلی است که آماده سکونت و استراحت

(_____ ۱) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۳۵- ۳۶. علامه خوئی، مرزهای اعجاز، ص ۱۱۹، ترجمه استاد سبحانی. (۲) سرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۳۳. (۳) علامه طباطبائی؛ اعجاز قرآن، ص ۱۳، ویراسته علیرضا میرزا محمد. (۴) ر. ک: القرآن یتجلی فی عصر العلم، ص ۱۴۹. (۵) سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۲۴. (۶) شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۵۴- ۵۵. (۷) استاد مصباح، معارف قرآن، ص ۲۵۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۶ شده است و یکی از مصادیق آن گاهواره کودک و زمین آماده و محل خواب است. «۱» و همچنین به زمین به خاطر صافی و نرمی و آمادگی آن (با وجود معادن، دریاها و ...) برای زندگی انسان «مهد» گویند. «۲»

بررسی:

بررسی: اگر بپذیریم که «مهد و مهاد» فقط به معنای گاهواره کودک است پس از آیات فوق و تعبیر «مهد و مهاد» حرکت زمین استفاده می‌شود امّا نوع خاصی از حرکت که به نام میل شمالی و جنوبی که ۲۳ درجه و ۲۳ دقیقه است. «۳» یعنی زمین مثل گاهواره‌ای میل شمالی و جنوبی آرامی را در طول سال طی می کند. پس اشکال استاد مصباح (در مورد حرکت رفت و برگشت) برطرف می‌شود چرا که یکی از حرکتهای زمین گاهواره‌ای است. و امّا حرکت انتقالی از آیات فوق برداشت نمی‌شود و اصلا خود تشبیه گاهواره می‌تواند این اشاره را داشته باشد چون گاهواره هیچ‌گاه حرکت وضعی و انتقالی ندارد بلکه رفت و برگشت منظم در حول یک محور دارد. امّا با توجه به معنای لغوی «مهد و مهاد» که همیشه به معنای گاهواره کودک نیست بلکه به معنای محل آماده استراحت و یا محل آماده زندگی می‌آید، و گاهواره یکی از مصادیق آن است پس نمی‌توان قطعا بیان داشت که به کار بردن تعبیر «مهد و مهاد» در مورد زمین با توجه و عنایت به حرکتهای گاهواره‌ای آن بوده است. هر چند که این احتمال نیز وجود دارد و قابل نفی نیست. امّا با توجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی «مهد و مهاد» در آیات دیگر ممکن است به معنای محل استراحت و آماده زندگی (نه محل دارای حرکت) باشد. پس اشکال استاد مصباح (در مورد نفی نسبت قطعی حرکت گاهواره‌ای زمین به آیات فوق) وارد است. و نمی‌توان به طور قطعی حرکت گاهواره‌ای زمین را بر طبق آیه فوق به قرآن نسبت داد. ۳. وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحاها «۴» «سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد.»

(_____ ۱) ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی

کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۸۹ و نیز مصباح اللغهٔ و مقاییس اللغهٔ. (۲) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ص ۱۹۰. (۳) ر. ک: محمدنژد، جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، ج ۲، ص ۵۳۹. (۴) الشمس/ ۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۷ وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها «۱» «و پس آن زمین را با غلطانیدن گسترد» راغب در مفردات می‌نویسد: معنای لغت «طحو» مثل لغت «دحو» است و آن توسعه چیزی و حرکت دادن آن است و در جای دیگر در مورد لغت «دحا» می‌گوید حرکت دادن (زمین) از محل خود است. «۲» صاحب تفسیر پرتوی از قرآن با استفاده از معنای لغوی «طحا» نتیجه می‌گیرد که آیه بر حرکت وضعی و انتقال زمین دلالت دارد. «۳» یکی از نویسندگان عرب بعد از آن که می‌گوید: لغت «الطحو» و «الدحو» به یک معناست شواهد لغوی و احادیث متعددی می‌آورد بر اینکه در معنای «دحو» مسأله توسعه دادن (بسط) و حرکت نهفته است. و «مداحی» همان گلوله‌ای است که کودکان مدینه با آن بازی می‌کردند که گاهی از جنس سنگ یا گردو و ... بوده است. و «مدحاهٔ» چوبی است که اطفال به روی زمین می‌چرخانند (فرفره یا قرقره) سپس می‌نویسد: «دحو» بر اساس استعمال لغوی، دو حرکت برای همان «مدحو» (گلوله) یکی حرکت انتقالی و دیگری دورانی. و دفعی از طرف فاعل را شامل می‌شود. و اگر به علم جدید مراجعه کنیم که در مورد حرکتهای زمین چه می‌گوید متوجه می‌شویم که دقیقترین وصف را قرآن در مورد زمین با کلمه «دحو» بکار برده است. چرا که زمین یک حرکت وضعی و یک حرکت انتقالی دارد.» «۴» یکی دیگر از نویسندگان عرب با اشاره به موارد استعمال «طحا» و «دحا» در عرب می‌گوید: اگر طحا به معنی انداختن یا دفع باشد معنای آیه این است که خدا قسم خورده، به انداختن و دفع زمین در فضا و اگر «طحا» بمعنی (اقتطع) جدا کردن باشد معنای آیه این است که خدا قسم خورده به جدا کردن زمین که جزئی از منظومه شمسی بوده است. «۵» در مقدمه کتاب اعجاز قرآن علامه طباطبائی حرکت وضعی زمین از آیه (۳۰ سوره نازعات) استفاده شده و آمده است: «هزار سال پیش از آنکه گالیله از حرکت زمین به دور

(_____ ۱) نازعات/ ۳۰. (۲) الطحو کالدحو و هو بسط الشیء و ذهاب به- دحا ای ازالها عن مقرّها (مفردات راغب) (۳) ر. ک: آیهٔ الله طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۱۰. (۴) شیخ خالد عبد الرحمن العک، الفرقان و القرآن، ص ۴۶۸- ۴۶۹ با تلخیص. (۵) احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۸ خود سخن می‌گوید ... قرآن به صراحت از چرخش زمین بحث کرده است (نازعات/ ۳۰) و در احادیث اهلبیت به قدری از آن بحث گردیده که «دحو الارض» زبانزد همگان شده است» و سپس توضیح می‌دهد که: واژه «دحو» در لغت به معنای غلطانیدن است و به صورت اسم فاعل و اسم مفعول در نهج البلاغه «۱» بکار رفته و در بعضی روایات روز دحو الارض را ۲۵ ذی القعده گفته‌اند «۲» و اعمال معین کرده‌اند. «۳» سید هبهٔ الدین شهرستانی معتقد است که اولین کسی که آیه ۳۰ سوره نازعات را اشاره به حرکت زمین دانست علامه سید محمد حسین مرعشی شهرستانی (متوفای ۱۳۱۵ ق) در رساله «موائد» بود که به زبان پارسی منتشر شده است. و سپس مرحوم شهرستانی با توضیح معنای لغوی «دحو» و توضیح دحو الارض مفاد آیه ۳۰ سوره نازعات را اشاره به حرکت زمین می‌داند. و سپس هفت قرینه از لغت و حدیث بر مطلب می‌آورد. «۴» صاحب تفسیر نمونه کلمه «طحاها» را به معنای گستردن زمین و خروج آن از زیر آب می‌داند ولی با ذکر معنای «راندن» می‌گوید که برخی معتقدند این تعبیر اشاره اجمالی به حرکت انتقالی و وضعی زمین دارد و این احتمال را رد نمی‌کند. «۵»

بررسی:

بررسی: با توجه به معنای لغوی «دحو» و «طحو» می‌توان گفت که آیات فوق اشاره به حرکت وضعی و انتقالی زمین دارد؛ هر چند که ممکن است معنای دیگر «دحو» و «طحو» یعنی گستردن نیز مراد باشد و جمع آنها منافاتی ندارد. ۴. أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ کِفاتاً «۶» «مگر زمین را کفات نگردانیدیم؟» کفات را در لغت اینگونه معنا کرده‌اند:

(_____ ۱) فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۱۶۸، ص ۲۵۸، ص ۶۴۵، خ ۱۹۹/ ۱۰ و خ ۷۲/ ۱. (۲) نثر طوبی، ج ۱، ص ۲۵۳. (۳) علامه طباطبائی، اعجاز قرآن، ص ۱۳، ویراسته علیرضا میرزا محمد. (۴) شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۵۱ و ۵۴. (۵) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴. (۶) مرسلات/ ۲۵.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۷۹

۱. بمعنای قبض و جمع یعنی زمین زنده و مرده را جمع کرده است؛ یا انسان‌ها و حیوانات زنده را با جمادات مرده جمع کرده است. «۱» ۲. پرواز سریع و حقیقت معنای «کفات» حالت پرنده در جمع کردن بال‌ها برای پرواز است. «۲» صاحب تفسیر نمونه با ذکر دو معنای «کفات» دو احتمال در معنای آیه مطرح می‌کند: یکی اینکه زمین قرارگاه همه انسانها (زندگان و مردگان) است و دوم پرواز سریع زمین که اشاره به حرکت زمین به دور خورشید و حرکات دیگر است که در زمان نزول قرآن مسلما کشف نشده بود، ولی با توجه به آیه بعد (احیاء و امواتا) تفسیر اول را مناسب‌تر می‌داند. «۳» برخی از صاحب‌نظران این نکات علمی را از آیه استفاده کرده‌اند: الف: حرکت وضعی و انتقالی زمین و سرعت طیر آن در فضا و استدلال می‌کنند به اینکه در لغت «کفات» به معنی پرنده و غیر آن آمده است. (فی لغهٔ کفاتا الطائرهٔ و غیره اسرع فی الطیران) ب: تغییرات سطحی و عمقی کره خاک (کفت الشیء تقلب الشیء ظهر البطن و بطنا لظهر) ج: وجود مواد مذاب در داخل زمین (الکفت قدر الصغیرهٔ- دیک کوچک) «۴» یکی از نویسندگان عرب نیز با ذکر معانی لغوی کفات می‌گوید: این تعبیر دقیق نشان می‌دهد که زمین کفات است از حیث سرعت که در مدار خود حرکت می‌کند و در همان حال ساکنان خود را در حال حیات و مرگ بر پشت خود نگاه می‌دارد. «۵» برخی از صاحب‌نظران معاصر از این آیه نیروی جاذبه و حرکت سریع زمین را استفاده می‌کنند. مهندس سادات با استناد حرکت زمین به آیه مورد بحث می‌نویسد: «کفات مصدر است به معنای پرواز سریع که پرنده از شدت سرعت برای حفظ اعتدال خود بال و پرش را جمع می‌کند، این جمع کردن بال و پر از شدت سرعت را «کفات» گویند. «کفات» در اینجا به صورت مصدر استعمال شده و هر وقت مصدر به صورت اسم فاعل به کار برده شود، مبالغه را می‌رساند یعنی در اینجا شدت فوق العاده پرواز نشان داده شده است پس مفهوم آیه

(_____ ۱) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده کفت و لسان العرب ابن منظور، (۲/ ۷۸- ۷۹) (۲) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده کفت و لسان العرب ابن منظور، (۲/ ۷۸- ۷۹) (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۱۲- ۴۱۳. (۴) ید الله نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۸۰ به بعد. (۵) الشیخ خالد عبد الرحمن العک، الفرقان و القرآن، ص ۴۶۶- ۴۶۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۰

چنین می‌شود: «آیا زمین را به صورت پرواز (یا پرنده‌ای سریع السیر) نیافریدیم؟ که در عین حال که با سرعت پرواز می‌کند از مرده و زنده در خود نگه می‌دارد و از آنها حفاظت و حراست می‌نماید» و این حفاظت اشاره به نیروی جاذبه زمین می‌باشد. پس در این آیه دو اصل علمی بیان شده است: یکی حرکت زمین و دیگری وجود نیروی جاذبه.» «۱» استاد مصباح یزدی استفاده حرکت زمین از آیه فوق را ضعیف می‌داند و می‌نویسد: «کفات موضعی است که اشیاء در آن جمع‌آوری می‌گردد و در اصل معنای آن گرفتن و ضمیمه کردن (قبض و ضم) وجود دارد ... کفات دارای معنای دیگری نیز می‌باشد. عرب می‌گوید: کفت الطائر، ای اسرع فی الطیران- پرنده به سرعت پریده با توجه به همین معنا، برخی گفته‌اند این آیه اشاره‌ای است به حرکت انتقالی زمین. امّا ظاهرا این احتمال از احتمال نخستین ضعیف‌تر است زیرا کفات معنای مصدری دارد بنابراین معنای آیه چنین می‌شود که: زمین سرعت است. نه اینکه سرعت دارد مگر آنکه مصدر را به معنای صفت بگیریم که این نیز خلاف ظاهر است.» «۲» علامه طباطبائی (ره) نیز در تفسیر آیه فقط معنای جمع کردن را پذیرفته است (جمع بندگان زنده و مرده روی زمین) «۳»

بررسی:

بررسی: با توجه به معنای لغت «کفات» آیه می‌تواند اشاره به حرکت انتقالی زمین داشته باشد و اشکال ادبی استاد مصباح (مصدر بودن کفات) هم مرتفع است چون ممکن است مصدر به معنای اسم فاعل باشد همانطور که برخی مفسران به آن تصریح کرده‌اند «۴» و این مطلب علمی با سیاق آیه که در مقام شمارش آیات و نعمت‌های الهی است سازگار می‌باشد البته این احتمال هم وجود دارد که مقصود از آیه، جمع‌کردن مردم زنده و مرده در قیامت باشد همانطور که برخی مفسران احتمال داده‌اند «۵» و نیز ممکن است اشاره به نیروی جاذبه باشد. البته جمع این معانی هم امکان دارد؛ چرا که لغت کفات تحمل چند معنا را دارد امّا به

(_____ ۱) سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۲۵- ۲۶. (۲) معارف قرآن، ص ۲۵۴. (۳) المیزان، ج ۲۰، ص ۱۶۸. (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۱۲- ۴۱۳. (۵) همان، زیر آیه ۲۵ سوره مرسلات. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۱ هر حال از لغت کفات در آیه، حرکت وضعی زمین استفاده نمی‌شود آنگونه که برخی گفتند؛ چون در ماده لغوی اشاره‌ای به حرکت دورانی شیئی به دور خود نشده است. در ضمن معنای ب و ج (تغییرات سطحی و مواد مذاب) درون زمین هم در لغت یافت نشد. ۵. هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِی مَناکِبِها «۱» «او خدایی است که زمین را برای شما مرکبی راهوار و رام شده قرار داد تا بتوانید در روی آن راهپیمائی کنید ...» صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «ذلول» به معنای «رام» تعبیر جامعی در مورد زمین است چرا که زمین با حرکت‌های متعدد و سریعی که دارد آنچنان رام به نظر می‌رسد که گویی ساکن است. و کلمه مناکب جمع منکب (بر وزن مغرب) به معنای شانه است. گویی انسان پا بر شانه زمین می‌گذارد و چنان زمین آرام است که می‌تواند تعادل خود را حفظ کند.» «۲» استاد مصباح یزدی در مورد آیه فوق می‌نویسد: «نکته‌ای که در آیه اخیر بر آن تکیه شده، این است که: زمین زیر پای آدمی، رام است و چون مرکبی راهوار و از آن می‌توان دریافت که زمین دارای حرکت انتقالی است زیرا «ذلول» به معنی شتر راهوار است.» «۳» سید هبهٔ الدین شهرستانی نیز می‌نویسد که کلمه «ذلول» در لغت و عرف عرب، اطلاق می‌شود بر نوعی از شتر که در راهواری و هواری و آسان سواری ممتاز است ... اگر مانع قطعی خارجی نباشد استظهار حرکت زمین و استفاده آن، از این آیه برای ما روا و جایز خواهد بود. «۴» برخی از نویسندگان معاصر مثل: گودرز نجفی «۵»، مهندس محمد علی سادات، «۶» و نویسنده مقدمه اعجاز قرآن علامه طباطبائی «۷» نیز این آیه را اشاره به حرکت انتقالی زمین دانسته‌اند.

(_____ ۱) ملک/ ۱۵. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۳۷. (۳) معارف قرآن، ص ۲۵۳. (۴) شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۵۶. (۵) ر. ک: مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۳۴. (۶) ر. ک: زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۲۴. (۷) ر. ک: اعجاز قرآن، علامه طباطبائی (ویراسته علیرضا میرزا محمد)، ص ۱۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۲

بررسی:

بررسی: ظاهرا استفاده حرکت انتقالی زمین از آیه فوق مانعی ندارد. و با معنای لغوی و ظاهر آیه متناسب است. ۶. ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلْأَرْضِ ائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً قالَتا أَتَیْنا طائِعِینَ «۱» «سپس آهنگ [آفرینش آسمان کرده و آن بخاری بود پس به آن و به زمین فرمود: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمان‌پذیر آمدیم.» سید هبهٔ الدین شهرستانی درباره آیه فوق می‌نویسد: «این آیه از جمله آیاتی است که دلالت آن را بر حرکت زمین چنین فهمیده‌ام که لفظ «اتیان- آمدن» در عرف لغت، ظهور در حرکت حسی و انتقالی دارد. و متقدمین چون حرکت زمین را جایز نمی‌دانستند این ظواهر را بر غیر معانی حقیقی خود تأویل می‌کردند ولی ما که قائل به حرکت زمین هستیم به هیچ وجه محتاج به تأویلات آنان نیستیم و البته موافقت با ظواهر لفظ هم اولی است مخصوصا بنابر اینکه آسمان دنیا عبارت باشد از کره (اتمسفر- بخار آب) که محیط بر کره زمین است. چنانکه از جمله

(و هی دخان) معلوم می‌شود.» سپس آیه را چنین معنا می‌کند: «عنایت و اراده خدا متوجه شد به سوی آسمان دنیا (کره محیط به زمین) در حالی که عبارت بود از بخار آب پس به یک فرمان تکوینی به آسمان دنیا و کره زمین فرمود هر دو با هم منتقل شوید و از جای خود حرکت کنید. به یکی از دو طریقه: یا مطابق نظام و تشکیلات این شمس (نظام عالم شمسی ما) و یا بر خلاف آن و مطابق نظام و جاذبیهٔ عالم دیگر. پس به زبان حال که فصیح‌تر از زبان مقال است جواب دادند که آمدیم و حرکت کردیم مطابق همین نظام و در مقابل نوامیس این جاذبه که تو ایجاد کرده‌ای مطیع و خاضع خواهیم بود.» «۲» یکی از نویسندگان معاصر در مورد آیه فوق می‌نویسد (_____: ۱) فصلت/ ۱۱.

(۲) شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۵۹- ۶۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۳ «آیه فوق نیز به آغاز خلقت و حرکت کرات آسمانی از جمله حرکت زمین اشاره دارد.» «۱» صاحب تفسیر نمونه در ترجمه آیه فوق می‌نویسد: «در این هنگام به آسمان و زمین فرمود بوجود آیید و شکل گیرید چه از روی اطاعت و چه اکراه» و سپس در توضیح آن می‌نویسد: « [این آیه به این معنا نیست که واقعا سخنی با لفظ گفته شده باشد بلکه گفته خداوند همان فرمان تکوینی و اراده او بر امر آفرینش است و جمله «اتینا طائعین» ما از روی اطاعت شکل نهائی به خود گرفتیم، اشاره به این است که مواد تشکیل دهنده آسمان و زمین از نظر تکوین و آفرینش کاملا تسلیم اراده فرمان خدا بود.» «۲» علامه طباطبائی (ره) نیز این کلمات (ائتیا- اتینا) را تکوینی می‌داند و نوعی تعبیرات عرفی برای نشان دادن خلق الهی می‌داند. «۳»

بررسی:

بررسی: تفسیر مرحوم شهرستانی در اینجا با ظاهر آیه و کلمه «ائتیا و اتینا» تناسب بیشتری دارد و تفسیر صاحب نمونه احتیاج به تقدیر (به وجود آئید- شکل نهائی به خود گرفتیم) دارد که نوعی خلاف ظاهر است. هر چند که دو تفسیر قابل جمع است یعنی می‌تواند آیه اشاره به ایجاد و حرکت، هر دو باشد. پس حدّاقل آن است که آیه می‌تواند اشاره‌ای به حرکت زمین داشته باشد. ۷. وَ الْجِبالَ أَوْتاداً «۴» «و کوهها را میخ‌های زمین قرار دادیم.» وَ أَلْقی فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ أَنْ تَمِیدَ بِکُمْ «۵» «و در زمین کوههایی استوار افکند تا شما را نجبانند (_____.» ۱) مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۳۵. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۲- ۲۲۸. (۳) المیزان، ج ۱۷، ص ۳۶۶. (۴) نبأ/ ۷. (۵) نحل/ ۱۵ و نیز انبیاء/ ۳۱ و لقمان/ ۱۰ همین مضمون را دارند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۴ برخی از نویسندگان معاصر با استناد به آیات فوق، حرکت وضعی زمین را از قرآن استفاده کرده‌اند و در مورد آیه اول می‌نویسند: «همانطور که می‌دانید چیزی را میخ می‌کوبند که در حرکت ترس از متلاشی شدنش باشد.» و سپس با اشاره به سخنان ژرژگاموف که می‌گوید «قسمت عمده هر کوهی زیر سطح زمین قرار دارد» «۱» می‌نویسند: «چه جالب! قرآن، چهارده قرن پیش پرده از روی این راز بزرگ برداشته و کوهها را میخ‌های زمین معرفی کرده است، زیرا فایده و نتیجه اینکه خداوند کوهها را میخ‌ها و مسمار زمین قرار داده این است که اجزائش در حال حرکت از هم متلاشی نشود.» و در مورد آیه دوم می‌نویسند: «احتمالا آیه فوق (نحل/ ۱۵) نیز اشاره به حرکت وضعی زمین دارد.» «۲» سید هبهٔ الدین شهرستانی نیز با تقسیم میخ به دو قسم (خارجی و داخلی) آیات را حمل بر میخ داخلی می‌کند که بوسیله آن اجزاء یک چیز را به یکدیگر مربوط و متصل می‌سازند. و سپس نتیجه می‌گیرد که: «پس اینکه شریعت ما کوهها را میخ زمین دانسته نه مقصود بیان سکون زمین بوده بلکه بر عکس و بر خلاف رأی متقدمین حرکت زمین را اعلام فرموده است.» «۳»

بررسی:

بررسی: یکی از حرکت‌های زمین، حرکت قاره‌ای یا حرکت پوسته جامد زمین است که گاهی باعث بوجود آمدن زلزله‌ها می‌شود و آیه فوق اشاره‌ای به ثبات زمین در أثر وجود کوهها دارد و می‌تواند لازمه آن اشاره به حرکت پوسته زمین باشد. امّا آیات فوق اشاره به حرکت وضعی یا انتقالی زمین ندارد؛ چرا که از نظر قرآن خود کوهها نیز در حال حرکت است: وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ «۴ (_____» ۱) سرگذشت زمین، ص ۱۲۶. (۲) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۳۶- ۳۷ و نیز فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۷۵ و نیز موسوی لاری، مبانی اعتقادات در اسلام، ج ۲، ص ۱۶۷- ۱۶۸. (۳) شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۶۱- ۶۴. (۴) نمل/ ۸۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۵ «و می‌بینی کوهها را و گمان می‌کنی که ایستاده‌اند در حالی که آنها مانند ابرها در حرکت هستند.» پس تصریح این صاحب‌نظران به حرکت وضعی و استناد آن به آیات فوق صحیح بنظر نمی‌رسد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: در مورد حرکت زمین و آیات مورد استناد تذکر چند نکته لازم است: ۱. در مجموع از ۱۳ آیه‌ای که مورد بحث واقع شد و با توجه به اشکالاتی که به دلالت برخی آیات وارد شد می‌توان نتیجه گرفت که اجمالا حرکت زمین مورد پذیرش قرآن کریم بوده است هر چند که این آیات به حرکت‌های متفاوت زمین اشاره می‌کند و تنها یک حرکت خاص را در نظر ندارد. ۲. تعبیرات قرآن و اشارات علمی آن به حرکت زمین، بر خلاف هیئت بطلمیوسی حاکم بر فضای علمی زمان نزول قرآن بوده است چرا که در هیئت بطلمیوسی زمین را ساکن و مرکز جهان می‌دانستند امّا قرآن سخن از حرکت آن گفته است و این یکی از مطالب علمی حق و صادق قرآن بود که حدود ۹ قرن بعد از نزول آنها توسط امثال کپرنیک به اثبات رسید. این گونه مطالب عظمت قرآن و پیامبر (ص) را می‌رساند. ۳. خبر دادن قرآن از حرکت زمین، هر چند که عظمت قرآن را می‌رساند ولی اعجاز علمی قرآن محسوب نمی‌شود چرا که در تاریخچه بیان کردیم که افرادی مثل فیساغورس و فلوته خوس، ارشمیدس، استرخوس ساموسی و کلیانتوس آسوسی قبل از بطلمیوس قائل به حرکت زمین شده بودند. پس قبل از ظهور اسلام دو دیدگاه در محافل علمی جهان در مورد حرکت و سکون زمین بوده است که دیدگاه حاکم و مشهور همان سکون زمین یعنی نظریه بطلمیوس بود و دیدگاه مغلوب همان حرکت زمین بود. اعجاز علمی وقتی صادق است که نظریه‌ای را قرآن ابراز کند و کسی نتواند مثل و مانند آن را به صورت عادی بیاورد. در حالی که نظریه حرکت زمین قبل از قرآن آورده شده بود ولی مشهور نبود. هر چند که این مطلب ضرری به عظمت قرآن نمی‌زند چرا که قرآن در عصری که مشهور دانشمندان مقهور نظریه سکون زمین بطلمیوس بودند شجاعانه و با صراحت بر خلاف آن سخن گفت و مطالب علمی حق و صادقی را به جهان عرضه کرد که قرن‌ها بعد به صورت قطعی به اثبات رسید. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۶

دوم: کرویت زمین:

اشاره

دوم: کرویت زمین: برای اثبات کرویت زمین از نظر قرآن کریم به آیاتی که تعبیر «مشارق و مغارب» دارد استناد شده است. این آیات عبارتند از: فَلا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ إِنَّا لَقادِرُونَ «۱» «سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم.» وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِینَ کانُوا یُسْتَضْعَفُونَ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغارِبَهَا «۲» «و آن گروهی را که ذلیل و خوار شمرده می‌شدند وارث مشرق‌ها و مغرب‌های زمین قرار دادیم.» رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ رَبُّ الْمَشارِقِ «۳» «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان

آنهاست و پروردگار مشرق‌ها» نکته: آیه اول مشارق و مغارب را به صورت مطلق آورده و مقید به زمین یا خورشید یا ستارگان دیگر نکرده است؛ امّا آیه دوم مشارق و مغارب زمین را تذکر می‌دهد و آیه سوم فقط مسأله مشارق را متذکر شده ولی به صورت مطلق آورده و مقید به مشارق زمین، خورشید یا ستارگان دیگر نکرده است.

تاریخچه:

تاریخچه: اگر انسان با یک نگاه سطحی به زمین بنگرد آن را مسطح و غیر کروی می‌پندارد. و همین مطلب از زمانهای دور عقیده غالب مردم بوده است امّا در مورد شکل زمین عقاید متفاوتی در میان دانشمندان وجود داشته که بدانها اشاره می‌کنیم: ۱. انکسیانوس می‌پنداشت که زمین مانند تخته‌ای از سرب بر روی آب افتاده در هوا معلق است و مادامی که مسطح است بر روی آب قرار دارد و چون جمع شود فرو می‌رود. ۲. برخی صاحب‌نظران قدیمی کلیسا بر آن بودند که زمین به شکل عمودی بر روی پایه‌های مجهول استوار است. ۳. برخی زمین را به شکل مخروطی می‌پنداشتند که سر آن به طرف بالا و بن آن به

(_____ ۱) معارج/ ۴۰. (۲) اعراف/ ۱۳۷.

(۳) صافات/ ۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۷ سمت پایین بوده و از طرف زیرین غیر متناهی است. ۴. انکسیمندر آن را به شکل ستونی مدور می‌پنداشت. ۵. برخی آن را از نظر حجم مکعب و از نظر شکل مسدس می‌دانستند. ۶. برخی آن را به شکل دفّ (دایره‌ای از آلات ضرب) می‌دانستند. ۷. برخی آن را به شکل طبل می‌دانستند. ۸. برخی آن را به شکل نصف طبل می‌دانستند. ۹. هر کلیتوس آن را مانند کشتی میان تهی می‌دانست. ۱۰. برخی آن را به شکل سپر می‌دانستند. ۱۱. به عقیده برخی یونانیان، زمین به شکل دایره است که مرکز آن کشور یونان و محیط آن سواحل بحر محیط است. ۱۲. به نظر اکثر حکمای فارس و یونان، زمین کره‌ای است تام و تمام که محیط استوائی و قطبی آن با هم مساوی است. این عقیده در مغرب زمین مقارن با تاریخ کشف آمریکا (۱۴۹۲ م) پیدا شد و برخی این نظریه را به همه علمای اسلامی در صدر اسلام نسبت داده‌اند. ۱۳. نیوتن (۱۷۶۷ م) بر آن شد که زمین، شبیه کره است یعنی کرویت آن حقیقی و تمام نیست چرا که در قطب جنوب و شمال آن فرو رفتگی وجود دارد. یعنی محیط قطبی زمین سیزده فرسنگ از محیط استوائی کوچکتر است و قطر قطبی آن دو میل از قطر استوائی کمتر است. این نظریه امروزه مشهور است و شواهد و براهین منطقی و حسّی آن را تأیید می‌کند. «۱»

مغرب و مشرق از نظر علمی:

مغرب و مشرق از نظر علمی: قبل از آنکه به نظرات و دیدگاههای صاحب‌نظران و مفسران در مورد تعبیر مشارق و مغارب بپردازیم توضیح یک مطلب علمی لازم بنظر می‌رسد: از یک طرف کره زمین دارای دو قطب مغناطیسی است که به نام شمال و جنوب خوانده می‌شود، و از طرف دیگر چون زمین دارای دو حرکت وضعی (به دور خود) و حرکت انتقالی (به دور خورشید) است به نظر می‌آید که خورشید در صبحگاهان از یک طرف خارج

(_____ ۱) برگرفته از اسلام و هیئت، شهرستانی، ص ۳۲- ۳۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۸ و کم‌کم بالای سر ما می‌آید و سپس هنگام شامگاهان در طرف دیگر فرو می‌رود. (هر چند که این مطلب خطای دید ماست و در حقیقت این زمین است که در اثر گردش وضعی به دور خود گاهی مقابل نور خورشید قرار می‌گیرد. لذا به نظر می‌رسد خورشید طلوع و غروب می‌کند) و در عرف مردم و اصطلاح علمی آن طرفی که خورشید طلوع می‌کند به نام مشرق و آن طرف که خورشید غروب می‌کند به نام مغرب نامیده می‌شود و لذا به دو ناحیه

طلوع و غروب خورشید از نظر لغوی «مغرب و مشرق» گویند. «۱» از طرف دیگر هر انسان بالا و پایین دارد که آسمان و زمین است پس هر انسانی به صورت طبیعی با شش جهت سر و کار دارد. به عبارت دیگر اگر انسانی به طرف قطب شمال بایستد که جلو بدن او به طرف شمال باشد و پشت سر او جنوب باشد دست راست او مشرق و دست چپ او مغرب می‌شود و کره زمین در هر لحظه طلوع و غروب دارد یعنی از آنجا که زمین به شکل کره است همیشه در برخی از نقاط زمین آفتاب در حال طلوع کردن است و در برخی نقاط دیگر در حال غروب کردن است. و علاوه بر آن خورشید در هر روز در ساعت معین طلوع و غروب می‌کند که با ساعت طلوع و غروب روز قبل و بعد متفاوت است. پس می‌توان گفت که طلوع و غروب نسبت به جایگاه هر کس متفاوت است یعنی هر کس در هر نقطه‌ای که باشد یک مشرق و یک مغرب دارد. و نیز می‌توان گفت که کره زمین مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد دارد که هر لحظه نو به نو (جدید) می‌شود. چرا که زمین همیشه در حال حرکت وضعی (به دور خود) است و در هر لحظه غروب و طلوع جدیدی برای نقاط زمین پیدا می‌شود و نیز به تعداد روزهای سال طلوع و غروب جدید و در نتیجه مغرب و مشرق نو داریم.

اسرار علمی:

اسرار علمی: در مورد کروی بودن زمین از نظر قرآن و تعبیرات کنایی آیات در این مورد، اظهار نظرهای متعددی شده است که بدان‌ها اشاره می‌کنیم: ۱. سید هبة الدین شهرستانی در مورد آیه ۴۰ سوره معارج می‌نویسد: «سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغربها، که دلالت دارد بر کثرت و تعدد هر یک از

(۱) مفردات راغب، ماده شرق.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۸۹ مشرق و مغرب مطابق هیئت جدید، زیرا کرویت زمین مستلزم آن است که در هر موقع هر نقطه از زمین برای گروهی مشرق و برای گروهی دیگر مغرب باشد. پس کثرت مشارق و مغارب با قول به کرویت زمین راست آید بدون اینکه در تفسیر آن محتاج تکلّفی باشیم.» و سپس در مورد کروی بودن زمین شواهد متعددی از روایات می‌آورد. «۱» ۲. مفسران قرآن در مورد تعبیر «مشارق و مغارب» دو احتمال ذکر کرده‌اند: الف: خورشید هر روز از نقطه تازه‌ای طلوع و در نقطه تازه‌ای غروب می‌کند و لذا به تعداد روزهای سال مغرب و مشرق داریم و آیه به همین مطلب علمی اشاره دارد. آنان به عنوان شاهد، روایتی از امیر المؤمنین (ع) را می‌آورند که در جواب «ابن کواء» می‌فرماید: ۳۶۰ مشرق و مغرب وجود دارد. «۲» ب: در نقاط مختلف زمین، مشرق و مغرب متفاوت است و گاهی مغرب یک نقطه، همزمان، مشرق نقطه دیگر است (که در دو طرف کره زمین واقع شده‌اند) و تعبیر مشارق و مغارب اشاره به همین اختلاف افق‌های زمین است. البته در آیه ۱۳۷ سوره اعراف، تفسیر دوم (ب) ترجیح داده شده است و تفسیر نمونه در این مورد می‌نویسد: «تعبیر به «مشارق الارض و مغاربها» (مشرق‌ها و مغرب‌های زمین) اشاره به سرزمینهای وسیع و پهناوری هست که در اختیار فرعونیان بود، زیرا سرزمینهای کوچک، مشرق‌ها و مغرب‌های مختلف و به تعبیر دیگر افق‌های متعدد ندارد، امّا یک سرزمین پهناور، حتما اختلاف افق و مشرق‌ها و مغرب‌ها به خاطر خاصیت کرویت زمین خواهد داشت. «۳» در آیه ۵ سوره صافات هر دو احتمال (الف و ب) وجود دارد بلکه در اینجا سه احتمال وجود دارد: اول: طلوع‌های خورشید در هر روز از نقاط مختلف. دوم: مشرق‌های مختلف زمین به خاطر کروی بودن آن. سوم: مشرق‌های ستارگان مختلف (

. ۱) اسلام و هیئت، ص ۳۴-۳۵. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۵؛ تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۱۶۸؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۲۹ و تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۲۰. (۳) تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۰ به هر حال آیه ۵ سوره صافات ما را به کرویت زمین و مشرق‌های آن توجه می‌دهد. «۱» ۳. برخی از نویسندگان معاصر نیز آیات ۱۳۷ سوره اعراف و ۵ سوره صافات و ۴۰ سوره معارج را دلیل کرویت زمین از نظر قرآن می‌دانند و آن را یکی از معجزات علمی قرآن می‌دانند و با ذکر آیه وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

سُطِحَتْ «۲» « [به زمین نمی‌نگرند] که چگونه گسترده شده است» می‌نویسند که: مسطح بودن زمین، مانع کرویت آن نمی‌شود چرا که هر کره‌ای برای خود سطحی نیز دارد و از این روست که در هندسه کره را یکی از اقسام سطح بشمار آورده‌اند. و توضیح می‌دهد که مسطح بودن به معنای مقابل کروی، یک اصطلاح هندسی جدید است و مقصود از سطحت در آیه «گسترش» است. «۳» ۴. مهندس سادات نیز با ذکر آیه ۴۰ سوره معارج می‌نویسد: « (قرآن) کروی بودن زمین را نیز به صورت کنایه‌ای و سمبلیک و بسیار بدیع بدین ترتیب بیان می‌دارد ... بدیهی است که لازمه کثرت و تعدد مشرق و مغرب کروی بودن زمین است زیرا کروی «۴» بودن زمین و حرکت وضعی آن به دور خود تعداد مغرب و مشرق از ۲ تجاوز کرده و سر به بی‌نهایت می‌زند ... توجه فرمایید که این مسائل در زمانی ارائه شده که نه دوربین گالیله وجود داشته و نه دستگاههای نجومی امروزی موجود بودند و نه پاندول فوکو در کار بود هیچکدام از این وسایل نبود و خود پیغمبر اسلام به گواهی تاریخ اساسا امکان و فرصت این قبیل کارها را نداشتند.» «۵» ۵. شیخ احمد محیی الدین العجوز، کرویت زمین را از آیه ۴۱ سوره معارج نتیجه گرفته است. «۶» همانگونه که شیخ نزیه القمیحا نیز از آیه فوق کرویت زمین را نتیجه گرفته است. «۷»

(_____ ۱) همان، ج ۱۹، ص ۱۳- ۱۴. (۲) غاشیه/ ۲۰. (۳) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۲۸- ۳۰ و نیز احمد امین، کتاب راه تکامل، ج ۷، ص ۱۴۵ و ماهنامه مکتب اسلام، س ۱۲، ش ۱۱ و ید الله نیازمند، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۱۸۹. (۴) ظاهرا جمله کتاب افتادگی دارد و باید اینگونه باشد: زیرا در «صورت» کروی بودن ... (۵) مهندس سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۲۷- ۲۸. (۶) ر. ک: شیخ احمد محیی الدین العجوز، معالم القرآن فی عوالم الاکوان، ص ۳۸. (۷) ر. ک: الشیخ نزیه القمیحا، القرآن یتجلی فی عصر العلم، ص ۱۴۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۱

بررسی:

اشاره

بررسی: در مورد آیات فوق تذکر چند نکته لازم است: ۱. تعبیر «مشارق و مغارب» در آیات مورد بحث، دلالت مطابقی بر کرویت زمین ندارد یعنی به صورت مستقیم نمی‌فرماید که زمین گرد است، ولی به صورت دلالت التزامی بر کرویت زمین دلالت دارد؛ چرا که وجود مشرق‌ها و مغربهای متعدد برای زمین با کروی نبودن زمین ناسازگار است. این تعبیر هر چند که گرد بودن زمین را می‌رساند امّا نسبت به کرویت کامل یا ناقص آن ساکت است. ۲. از طرفی از برخی تعبیرات یونانیان در مورد حرکت زمین و شکل زمین (مثل ستون مدور- مخروط- عمودی بر پایه- طبل) برمی‌آید که آنها به نوعی توجه به لزوم گرد بودن زمین داشته‌اند ولی کروی بودن کامل زمین را تصریح نکرده‌اند. و از طرف دیگر قرآن نیز تصریحی به کروی بودن زمین ندارد. (بلکه کروی بودن لازمه معنای مشارق و مغارب است) پس به طور قاطع نمی‌توان گفت این تعبیرات (مشارق و مغارب) اعجاز علمی قرآن کریم است بلکه بهتر است بگوییم این تعبیر از لطائف قرآنی است که اشاره‌ای به مطالب علمی دارد و لازمه آن مطلب علمی، کرویت زمین است. چرا که وجود مشرق‌ها و مغرب‌های زمانی مختلف، برای همه مردم قابل حس بوده است چون می‌دیدند که زمان طلوع و غروب خورشید در طول سال تغییر می‌کند و مشرق‌ها و مغرب‌های مختلف داریم بیان این مطلب چیزی نیست که کسی نتواند مثل آنرا بیاورد و اعجاز علمی محسوب شود. آری لازمه این اشاره علمی، کرویت زمین است که اگر قرآن بدان تصریح کرده بود اعجاز علمی قرآن محسوب می‌شد.

تعارض بین تعبیر مشارق و مغارب با واژه مغرب و مشرق در قرآن:

تعارض بین تعبیر مشارق و مغارب با واژه مغرب و مشرق در قرآن: در اینجا پرسشی مطرح است که چرا قرآن کریم گاهی تعبیر مشارق و مغارب و گاهی تعبیر مشرق و مغرب بکار می‌برد در حالی که این مطلب تناقض نماست.

پاسخ تعارض:

پاسخ تعارض: این پرسش از دیر زمان برای مسلمانان مطرح بوده است و لذا در روایات می‌خوانیم که همین پرسش را «ابن کواء» از حضرت علی (ع) نمود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۲ امّا برای پاسخگویی به این پرسش با توجه به مطالب علمی که در بحث کرویت زمین مطرح شد آیات مربوطه را دسته‌بندی و بررسی می‌کنیم. ۱. قرآن کریم در موارد متعددی تعبیر مشرق و مغرب (به صورت مفرد) بکار برده است و می‌فرماید: وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ «۱» «و مشرق و مغرب از آن خداست.» لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ «۲» «نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب بگردانید.» تذکر: این آیات با عرف و اصطلاح علمی مغرب و مشرق منافاتی ندارد زیرا بیان نمودیم که در اثر حرکت زمین و نسبت به هر فرد ساکن در زمین یک مغرب و یک مشرق وجود دارد و در اینجا مفرد معنای جنس دارد و تنها تکیه روی اصل مشرق و مغرب است بی‌آنکه نظر به افراد داشته باشد. ۲. قرآن کریم در چند مورد تعبیر جمع (مشارق- مغارب) یا تثنیه (مشرقین- مغربین؛ یعنی دو مشرق و دو مغرب) بکار برده است. که ظاهر این آیات با وجود یک مشرق یک مغرب ناسازگار است در اینجا دو پاسخ ارائه می‌کنیم: الف: پاسخ اجمالی: همانطور که بیان شد اگر وضعیت حرکت زمین نسبت به خورشید در نظر گرفته شود در هر نقطه زمین یک مشرق و مغرب، در أثر طلوع و غروب مکرر خورشید پیدا می‌شود، پس تعبیر مشارق و مغارب اشکالی ندارد و یک تعبیر دقیق علمی است. ب: پاسخ تفصیلی: آن است که در مورد هر آیه تفسیر آن بیان شود، در اینجا ۵ آیه وجود دارد که عبارتند از: اول: حَتَّی إِذا جاءَنا قالَ یا لَیْتَ بَیْنِی وَ بَیْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ «۳» «تا زمانی که در قیامت نزد ما حاضر شود می‌گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب (دو مشرق) بود (_____» ۱) بقره/ ۱۱۵ و ۱۴۲. (۲) بقره/ ۱۷۷ و نیز: بقره/ ۲۵۸- کهف/ ۸۶- شعرا/ ۲۸- مزمل/ ۹. (۳) زخرف/ ۳۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۳ تعبیر «مشرقین» در اینجا طبق عادت عرب است که هنگامی می‌خواهند از دو جنس مختلف تثنیه بسازند لفظ را از یکی انتخاب می‌کنند مانند شمسین (اشاره به خورشید و ماه) و ظهرین (اشاره به نماز ظهر و عصر) و عشائین (اشاره به نماز مغرب و عشاء) «۱» و این تعبیر کنایه از دورترین فاصله است که بنظر می‌رسد افراد در قیامت می‌خواهند فاصله آنها و قرین آنها (مثل شیطان یا رهبر بد و ...) به اندازه فاصله دو مشرق و مغرب بود. البته برخی نیز «مشرقین» در آیه را به معنای مشرق زمستان و تابستان گرفته‌اند. «۲» ولی این دیدگاه تفسیری را مفسران نپذیرفته‌اند چون با ظاهر آیه مناسبت ندارد. تذکر: بنابر هر دو نظریه تفسیری در آیه فوق مطلب از نظر علمی بلا اشکال است چون تابستان و زمستان، طلوع و غروب خورشید متفاوت است و لذا مغرب و مشرق خاص خود را دارد و اگر مقصود تفسیر اول هم باشد که مشرق و مغرب عادی مراد است و باز اشکال علمی ندارد. دوم: رَبُّ الْمَشْرِقَیْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَیْنِ «۳» «او پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است.» در مورد این آیه چند احتمال تفسیری داده شده است: ۱. مقصود از دو مغرب، مغرب تابستان و زمستان و مقصود از دو مشرق، مشرق تابستان و مشرق زمستان باشد. و در این رابطه روایتی از حضرت علی (ع) نیز وارد شده است که: ان مشرق الشتاء علی حده و مشرق الصیف علی حده «مشرق زمستان و تابستان هر کدام بر حد خود است.» «۴» ۲. مقصود از دو مشرق و دو مغرب، مشرق و مغرب خورشید و ماه باشد. ولی برخی از مفسران این معنا را مناسب آیه

نمی‌دانند. «۵ » ۳. مقصود از مشرقین پیامبر اکرم (ص) و امیر المؤمنین (ع) باشد و مراد از مغربین امام (_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۶۶ و نیز اطیب البیان، ج ۱۲، ص ۲۹ و مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۸. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۶۶، و مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۸. (۳) رحمن/ ۱۷. (۴) ر. ک: مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۰۱ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۰۸ و نیز تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۲۰. (۵) ر. ک: مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۰۱ و نیز تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۲۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۴ حسن (ع) و امام حسین (ع) باشند که این مطلب از امام صادق (ع) نقل شده است. «۱» البته این مطلب بیان باطن یا تأویل آیه است که در طلوع اسلام پیامبر (ص) و علی (ع) محل طلوع اسلام بودند و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در دوره غروب اسلام اصیل از صحنه جامعه بودند که شهید شدند. «۲» تذکر ۱: هر یک از معانی سه‌گانه فوق را بپذیریم با مبانی علمی طلوع و غروب و مغرب و مشرق خورشید و زمین منافات ندارد. عدم منافات معنای سوم که روشن است امّا عدم منافات معنای دوم به این دلیل است که ماه و خورشید هر کدام طلوع و غروب خاص خود را دارند. امّا معنای اول را برخی از مفسران دلیل اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند «۳» چرا که مطلب علمی را می‌فرماید که مردم اطلاع نداشتند. در مورد این معنا لازم است بگوییم که حرکت زمین در نیم کره شمالی و جنوبی به حدّاکثر و حدّاقل خود می‌رسد که به نام میل شمالی (۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه) و میل جنوبی (۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه) «۴» مشهور است که باعث پیدایش فصول چهارگانه و برکات زیادی می‌شود و لذا مشرق و مغرب خورشید در تابستان و زمستان متفاوت است و خداوند این را که موجب پیدایش نعمت فصل‌ها و ... می‌شود تذکر می‌دهد. تذکر ۲: با توجه به اینکه در آیه فوق چند احتمال وجود دارد نمی‌توان گفت که حتما معنای اول مقصود آیه بوده تا بتوان با آن معنا اعجاز علمی قرآن را به اثبات رسانید و با توجه به اینکه زمان مشرق و مغرب در تابستان و زمستان متفاوت است و این مطلبی حسی و واضح است پس اگر مراد آیه همین مغرب و مشرق تابستان باشد تذکر یک نعمت الهی است که واضح بوده است هر چند که راز علمی آن (یعنی میل شمالی و جنوبی زمین به اندازه ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه) بعدها کشف شد. ولی قرآن کریم اشاره‌ای به راز علمی آن نکرده است. سوم: فَلا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ إِنَّا لَقادِرُونَ «۵» «سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغربها که ما قادریم» (_____ ۱) ر. ک: تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۰۸. (۲) ر. ک: تفسیر اطیب البیان، ج ۱۲، ص ۳۷۵. (۳) ر. ک: تفسیر اطیب البیان، ج ۱۲، ص ۳۷۵. (۴) محمدنژد، جهان دانش فرهنگ دانستنیها، ج ۲، ص ۵۳۹. (مدار شمالی یعنی حدّاکثر اوج خورشید در مدار شمالی در آغاز تابستان و حدّاقل پایین آمدن خورشید در مدار جنوب در آغاز زمستان است. که به نام مدار رأس السرطان و رأس الجدی نیز خوانده می‌شود.) (۵) معارج/ ۴۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۵ و نیز نزدیک به همین تعبیر در سوره اعراف/ ۱۳۷ و صافات/ ۵، البته در مورد آیات فوق چند احتمال داده شده است: ۱. خورشید هر روز از نقطه تازه‌ای طلوع و در نقطه تازه‌ای غروب می‌کند و لذا به تعداد روزهای سال مغرب و مشرق داریم و تعبیر جمع (مشارق و مغارب) اشاره به همین مطلب است. «۱» و روایتی که از امیر المؤمنین (ع) در جواب ابن کواء نقل شد این معنا را تأیید می‌کند که می‌فرماید ۳۶۰ مشرق و مغرب وجود دارد. «۲» ۲. از آنجا که در نقاط مختلف زمین مشرق و مغرب مختلف است و گاهی مغرب یک نقطه همزمان با مشرق نقطه دیگر است (که در دو طرف کره زمین واقع شده‌اند) و لذا تعبیر مشارق و مغارب اشاره به همین اختلاف افق‌هاست. «۳» تذکر ۱: این دو معنا هر کدام در مورد آیه پذیرفته شود با مبانی علمی جدید منافات ندارد بلکه همانطور که گذشت مبانی علمی، مشرق‌ها و مغربهای زیادی برای خورشید و زمین می‌پذیرد. تذکر ۲: در سوره اعراف/ ۱۳۷ معنای دوم (اختلاف افق‌ها) ترجیح داده شده و در سوره صافات/ ۵ مشارق ستارگان و خورشید هر دو احتمال وجود دارد. «۴»

۸. موجودات زنده در آسمان‌ها:

اشاره

۸. موجودات زنده در آسمان‌ها: آسمان یکی از شورانگیزترین موضوعات فکری بشر بوده است و این فکر که آیا در آسمان موجودات زنده یا عاقل دیگری وجود دارد یا ندارد یکی از دغدغه‌های بشر است. برخی آیات قرآن به وجود موجوداتی زنده در آسمان اشاره دارد. مفسران و صاحب‌نظران در این مورد به این آیات استدلال کرده‌اند: وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّةٍ وَ هُوَ عَلی جَمْعِهِمْ إِذا یَشاءُ قَدِیرٌ «۵» «و از نشانه‌های [قدرت اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از [انواع جنبنده در (_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۵. (۲) تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۱۹۸، و صافی، ج ۵، ص ۲۲۹ و نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۲۰. (۳) تفسیر اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۱۹۸. (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ذیل دو آیه مذکور. (۵) شوری/ ۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۶ میان آن دو پراکنده است و او هرگاه بخواهد برگرد آوردن آنان تواناست.» یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ «۱» «هر که در آسمان‌ها و زمین است از او درخواست می‌کند؛ هر زمان، او در کاری است.» و نیز آیاتی دیگر که تعبیر «من فی السموات» دارد: رعد/ ۱۵- اسراء/ ۵۵- مریم/ ۹۳- انبیاء/ ۱۹. وَ لِلَّهِ یَسْجُدُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَ الْمَلائِکَةُ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ «۲» «و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنبندگان و فرشتگان است، برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند» تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِیهِنَّ «۳» «آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند.» اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ ... «۴» «خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها (هفت) زمین آفرید.» قالَ رَبِّی یَعْلَمُ الْقَوْلَ فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ «۵» «[پیامبر] گفت: پروردگارم [هر] گفتار [ی را در آسمان و زمین می‌داند» إِنَّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِزِینَةٍ الْکَواکِبِ وَ حِفْظاً مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ مارِدٍ لا یَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلی وَ یُقْذَفُونَ مِنْ کُلِّ جانِبٍ «۶» «ما آسمان دنیا را به آرایش ستارگان درخشنده بیاراستیم و آن را از هر شیطنت کار تجاوزگری محفوظ داشتیم به طوری که نمی‌توانند به سوی مردم بالاتر گوش فرا دارند و اگر بخواهند تجاوز نمایند از هر طرف تیرباران می‌شوند.» «۷» و نیز آیاتی که تعبیر «مشارق و مغارب» دارد (معارج/ ۴۰- صافات/ ۵- اعراف/ ۱۳۷) و نیز کلمه «العالمین» (جهان‌ها) که هفتاد و سه بار در قرآن تکرار شده است. (_____ ۱) رحمن/ ۲۹. (۲) نحل/ ۴۹. (۳) اسراء/ ۴۴. (۴) طلاق/ ۱۲. (۵) انبیاء/ ۴. (۶) صافات/ ۶- ۸. (۷) ترجمه این آیه از: مهندس جعفر رضایی‌فر، قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، ص ۱۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۷

تاریخچه:

تاریخچه: انسانها بر اساس هیئت بطلمیوسی قرن‌ها فکر می‌کردند که ستارگان میخ‌های کوبیده بر سقف آسمان هستند «۱» ولی پس از پیدایش هیئت جدید کپرنیکی و کشفیات تازه در پهنه آسمان به فکر وجود موجودات عاقل و متفکر در کرات دیگر افتادند و در این مورد به تفکر و جستجو پرداختند و قسمتی از تلاش بشر برای صعود به آسمانها در پی همین جستجوگری بوده است. ایزاک آسیموف در کتاب اکتشافات قرن بیستم می‌نویسد: «بخاطر نتایج و داده‌های صحیح سفر فضایی، باید به ستارگان دست یابیم، ما باید سیاراتی نظیر زمین را که دور آنها می‌چرخند و بر روی خود دوست و دشمن، ابر مردها و هیولاها را حمل می‌کنند، پیدا کنیم.» «۲» هنگامی که اولین انسان یعنی «آرمسترانک» در ژولای سال ۱۹۶۹ میلادی پا به سطح ماه گذاشت این عطش شدیدتر شد. در این مورد مطالعات گسترده دانشمندان حاکی از آن است که: تنها در کهکشان ما (راه شیری) ۶۰۰ کره مسکونی وجود دارد و در این ستارگان تمدنی شبیه تمدن زمین دیده می‌شود. و بر طبق حسابی در عالم هستی ۶۰۰ میلیون کره مسکونی وجود دارد. «۳» و در

تحقیقی که با همکاری یکی از دانشمندان فضایی شوروی و آمریکا تحت عنوان «ما تنها نیستیم» منتشر شد، اعلام گردید که: در کهکشان ما دست کم ۱۰۰۰ میلیون کره قابل زندگی موجود است. «۴» جمعی از دانشمندان اخترشناس که «هرثل» از جمله آنهاست معتقدند که مجموع ستارگان ثابت و سیار مسکون می‌باشند و تجلیات اسرارآمیز حیات هرگز منحصر به زمین نیست. منتهی شرایط حیات بر حسب انواع جاندارانی که در هر یک از کرات آسمانی زندگی می‌کنند متفاوت است. «۵» عبد الرزاق نوفل نیز گزارشات متعددی از دانشمندان نقل می‌کند که حالی از وجود

(_____ ۱) برای اطلاعات بیشتر از هیئت جدید و قدیم ر. ک: مبحث حرکت خورشید در همین نوشتار. (۲) ایزاک آسیموف، اکتشافات قرن بیستم (سیارات)، ص ۶۷- ۶۸، ترجمه علی رضا توکلی صابری. (۳) استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۱۶۸ به نقل از اطلاعات، ۷/ ۷/ ۱۳۴۳. (۴) استاد حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۱۶۸، از دانستنی‌های جهان علم، ۲۲۷ نقل می‌کند. (۵) همان، ص ۱۶۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۸ حیات و موجودات زنده در کرات دیگر است. «۱» و سپس از قول برخی دانشمندان نقل می‌کند که: تا کنون وجود موجودات زنده عاقل در غیر زمین اثبات نشده است ولی با تفکر و شواهد علمی می‌توان گفت که در کرات دیگر حیات وجود دارد پس معقول نیست که بگوییم ما تنها ساکنان این جهان بزرگ هستیم. «۲» عبد الغنی الخطیب طی یک بحث مفصل، موضوع وجود زندگی در کرات دیگر را از سه جهت (عقلی- علمی- قرآنی) مورد بررسی قرار داده است. از جهت عقلی استدلال می‌کند که: اگر در فضای کرات به وسعت آسمانها، آفریده‌ای نباشد بر حکمت خدا شایسته نیست که آنها را خالی بگذارد ... عقل تیزبین این امر را بعید می‌داند و معتقد است که در فضای هستی آفریدگان دیگری هستند که مانند موجودات زمینی زندگی می‌کنند «۳» و از نظر علمی استدلال می‌کند که: سراسر جهان هستی از حیث ترکیب و ساختمان و نظم شبیه به هم هستند و این نشان می‌دهد که ایجاد کننده آنها یکی است و ماده آنها همانند است و موجودات آنها همانند موجودات زمین‌اند ... اگر دانشمندان نتوانسته‌اند این موجودات زنده را ببینند و به آن یقین حاصل کنند به این معنا نیست که منکر وجود هستی در ستارگان باشند ممکن است دانشمندان دیگر بتوانند با وسایل خود این مجهول را کشف کنند و به وجود زندگی در کرات دیگر یقین آورند. «۴»

اسرار علمی:

اشاره

اسرار علمی: در اینجا آیات را به صورت جداگانه می‌آوریم و نظرات مفسران و صاحب‌نظران را در مورد آنها مرور می‌کنیم:

الف: وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّةٍ «۵»

الف: وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِیهِما مِنْ دابَّةٍ «۵» «و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها خلق کرده است و منتشر نموده است»

(_____ ۱) القرآن و العلم الحدیث، ص ۲۰۰- ۲۱۴. (۲) همان، ص ۲۰۹. (۳) قرآن و علم امروز، ص ۲۲۱- ۲۲۲ و در اصل عربی کتاب: اضواء من القرآن علی الانسان و نشأة الکون، مکتبة دار الفتح، دمشق ۱۳۹۰ ه، ص ۲۲۸. (۴) همان، ص ۲۲۲ و ۲۲۳. (۵) شوری/ ۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۱۹۹ علامه طباطبائی (ره) در ذیل آیه فوق می‌فرماید: «ظاهر آیه این است که در آسمانها خلقی از جنبندگان (دواب) مثل روی

زمین وجود دارد و اگر کسی بگوید که منظور از جنبندگان آسمان ملائکه هستند مردود است چرا که کلمه «دواب» بر ملائکه اطلاق نشده است.» «۱» و صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «کلمه «دابة» شامل موجودات ذره‌بینی تا حیوانات غول‌پیکر می‌شود ... و این آیه دلالت بر وجود انواع موجودات زنده در آسمان‌ها دارد گر چه هنوز دانشمندان به صورت قاطعی در این زمینه قضاوت نمی‌کنند و سر بسته می‌گویند در میان کواکب آسمان به احتمال قوی ستارگان (سیاره‌های) زیادی هستند که دارای موجودات زنده‌اند ولی قرآن با صراحت این حقیقت را بیان می‌دارد که در پهنه آسمان نیز جنبندگان زنده، فراوان وجود دارد.» «۲» در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است: (هذه النجوم التی فی السماء مدائن مثل المدائن التی فی الارض مربوطة کل مدینة الی عمود من نور). «۳» «این ستارگانی که در آسمان است شهرهایی همچون شهرهای زمین هستند، هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره‌ای با ستاره دیگر) با ستونی از نور مربوط است» عبد الرزاق نوفل پس از ذکر یک مقدمه طولانی و نقل و قول‌های مختلف از دانشمندان در مورد وجود حیات در سیارات دیگر می‌نویسد: قرآن کریم ده‌ها قرن قبل خبر از وجود حیات و جنبندگان در آسمان‌ها می‌دهد همانگونه که در زمین هستند و سپس به آیاتی از جمله، آیه ۲۹ سوره شوری استشهاد می‌کند و از آن نتیجه می‌گیرد که خداوند می‌تواند اهل آسمان‌ها و زمین را در یک جا جمع کند. «۴» عبد الغنی الخطیب نیز با استدلال به آیه فوق در مورد وجود موجودات در کرات دیگر به نقل قول از دیگران می‌پردازد و می‌نویسد «۵»: زمخشری در تفسیر خود می‌گوید:

(_____ ۱) برگرفته از المیزان، ج ۱۸، ص ۵۸. (۲) برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۳۶- ۴۳۹. (۳) سفینة البحار، ج ۲، ص ۵۷۴ ماده «نجم» از تفسیر علی بن ابراهیم نقل می‌کند. (۴) القرآن و العلم الحدیث، ص ۲۱۴- ۲۱۶. (۵) قرآن و علم امروز، ص ۲۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۰

بعید نیست در آسمان‌ها حیواناتی که بر روی زمین راه می‌روند آفریده شده باشد. «۱» و ابو السعود در تفسیر خود می‌گوید: یا در آسمان حیوانی آفریده شده باشد که در آنجا مانند انسان در زمین راه برود. فخر رازی هم بعید نمی‌داند که: خدا در آسمانها انواعی از حیوانات را آفریده باشد که مانند مردمان روی زمین (در آسمان‌ها) راه بروند. «۲» آیة اللّه حسین نوری با ذکر این نکته که اخیرا برخی از دانشمندان فضایی شوروی اعلام کردند که در کهکشان ما دست کم ۱۰۰۰ میلیون کره قابل زندگی وجود دارد، می‌نویسد: «جالب اینکه از این موضوع مهم در حدود چهارده قرن قبل قرآن مجید با صراحت خبر می‌دهد» و سپس به آیه فوق (شوری/ ۲۹) استدلال کرده و دو نکته از آن برداشت می‌کند: ۱. در آسمان‌ها نیز مانند زمین موجودات زنده وجود دارد. ۲. هر موقع که مشیت خدا اقتضا کند سکنه کرات آسمانی و زمین با یک دیگر ملاقات خواهند کرد. «۳» و نیز در مقدمه کتاب اعجاز قرآن که منسوب به علامه طباطبائی (ره) است، به همین آیه (شوری/ ۲۹) در مورد وجود موجودات زنده در جهان بالا استدلال شده است. «۴» یکی از نویسندگان نیز با ذکر آیات فوق (شوری/ ۲۹- نحل/ ۵۳- نور/ ۴۵) در مورد وجود جانوران در آسمان و حتی وجود گیاهان و خانه‌سازی (بروج/ ۲) استدلال کرده است. «۵»

بررسی:

بررسی: در مورد انطباق آیه فوق (شوری/ ۲۹) با وجود حیات و موجودات زنده در کرات دیگر تذکر چند نکته لازم است: ۱. واژه «سماء» و «سموات» در قرآن به چند معنا به کار می‌رود: جهت بالا- کرات آسمانی- جو زمین و .... «۶»

(_____ ۱) الکشاف، ج ۴، ص ۲۲۵، المکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ ق. (۲) فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۷۱، طبع سوم، بی‌تا، بی‌نا، بی‌جا. (۳) دانش عصر فضا، ص ۱۶۸- ۱۶۹. (۴) استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی، اعجاز قرآن، ص ۱۵، ویراسته علی رضا میرزا محمد. (۵) عباسعلی محمودی، ساکنان آسمان از نظر قرآن، ص ۹۵- ۹۹. (۶) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۵- ۱۶۶. پژوهشی در اعجاز

علمی قرآن، ص: ۲۰۱ تفسیر آیه فوق به وجود موجودات زنده در کرات دیگر وقتی صحیح است که ثابت کنیم کلمه «سموات» در آیه مورد بحث به معنای کرات آسمانی می‌آید. در حالی که ممکن است کسی احتمال دهد که «سموات» در آیه فوق طبقات جو اطراف زمین است و مراد از دابهٔ موجودات ریزه ذره‌بینی (مثل ویروسها و ...) و درشت (مثل پرندگان) است که در فضای اطراف ما پراکنده‌اند. امّا با این حال می‌توان گفت که ممکن است مراد از آیه هر دو تفسیر (کرات آسمانی و طبقات جو زمین) باشد. ۲. با توجه به اینکه هنوز وجود موجودات زنده در کرات دیگر از لحاظ علمی اثبات نشده و به صورت یک احتمال قوی از آن یاد می‌شود لذا نمی‌توان به صورت قطعی، تفسیر اول (وجود موجودات زنده در کرات دیگر) را به قرآن نسبت داد و این تفسیر احتمالی هم اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی‌کند. ۳. اگر احتمال دوم (وجود موجودات ریز و درشت در جو اطراف زمین) را بپذیریم آیه فوق در قسمت حیوانات درشت (مثل پرندگان) بیان یک واقعیت خارجی است که همه می‌بینند ولی نشانه الهی است از این جهت که خداوند طوری هوا و پرندگان را خلق کرد که بتوانند در فضا پرواز کنند امّا در قسمت موجودات ریزه ذره‌بینی با توجه به عدم اطلاع مردم عرب صدر اسلام از آنها می‌توان گفت که نوعی رازگویی علمی است که علوم جدید بدان دست یافته است. ولی با توجه به احتمالی بودن تفسیر فوق و اینکه این مطلب از نوع یافتن مصداق جدید برای کلمه «دابهٔ» است نمی‌توان آن تفسیر و معنا را در شمار اعجاز علمی قرآن به حساب آورد.

ب: آیاتی که تعبیر «مشارق و مغارب» و «العالمین» دارد:

ب: آیاتی که تعبیر «مشارق و مغارب» و «العالمین» دارد: برخی از صاحب‌نظران از تعبیر «مشارق و مغارب» (معارج/ ۴۰- صافات/ ۵) در قرآن و نیز از کلمه «العالمین» (جهانها) که هفتاد و سه مرتبه در قرآن آمده است، خواسته‌اند استفاده کنند که: «قرآن مجید با صراحت اعلام می‌کند که خدا پروردگار چندین جهان است. و اینکه خورشیدهای فراوان دیگری وجود دارد که آنها هم نورافشانی می‌کنند و مشرق و مغرب دارند.» «۱»

(۱) ر. ک: مصطفی زمانی، پیشگوئی‌های علمی قرآن، ص ۳۴- ۳۵، انتشارات پیام اسلام، ۱۳۵۰ ش. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۲ ایشان می‌نویسند: «باری کلمات مشارق، مغارب و العالمین، به خوبی ما را روشن می‌گرداند که تعداد فراوانی خورشید و جهان وجود دارد که همانطوری که ما تحت پرورش و ربوبیت خداوند قرار داریم آنها نیز مشمول عنایت و ربوبیت خدا هستند امّا هنوز بشر نتوانسته است حقایق آن عوالم را درک کند و به همنوعان خود عرضه کند و با تمدن‌های دیگر مقایسه و ارزیابی نماید.» «۱»

بررسی:

بررسی: ۱. کلمه «العالمین» جمع عالم و از ریشه «العلم» به معنی اثر و نشانه است و لذا به نشانه‌های راهها و پرچم سیاه نیز علم گویند. امّا در مورد اینکه به جهان «عالم» گویند و در قرآن تعبیر «عالمین» آمده چند احتمال وجود دارد. اول: اینکه عالم نام تمام انسانها و موجودات جهان باشد چرا که نشانه‌هایی است که دانسته می‌شود و بوسیله آن خدا شناخته می‌شود (جهان‌ها) دوم: مقصود عالم جن، عالم انسان، عالم آب و ... باشد (جهانیان) سوم: مقصود انسانهای عالم و فاضل باشد (جهانیان) «۲» برخی از مفسران نیز در مورد کلمه «العالمین» می‌نویسند: «مجموعه‌ای از موجودات مختلف که دارای صفات مشترک و یا زمان و مکان مشترک هستند مثلا می‌گوییم عالم انسان و عالم حیوان و عالم گیاه و یا می‌گوییم عالم شرق و عالم غرب و عالم امروز و عالم دیروز ... و هنگامی که عالم جمع بسته می‌شود اشاره به تمام مجموعه‌های این جهان است.» «۳» صاحب تفسیر المنار، عالمین را تنها شامل انسانها

می‌داند و این مطلب را از امام صادق (ع) نقل می‌کند. «۴» با توجه به مطالب فوق نمی‌توان به صورت قطعی ادعا کرد که مراد از «عالمین» همان «جهان‌ها» باشد که هر جهان شامل خورشید، زمین و موجوداتی مثل انسان باشد چرا که این

(_____ ۱) ر. ک: مصطفی زمانی، پیشگویی‌های علمی قرآن، ص ۳۴- ۳۵، انتشارات پیام اسلام، ۱۳۵۰ ش. (۲) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده علم. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۰. (۴) تفسیر المنار، ج ۱، ص ۵۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۳ مطلب از کلمه «عالمین» درنمی‌آید (هر چند که ممکن است در جای خود مطلب درستی باشد) بلی می‌توان این مطلب را به صورت یک احتمال در کلمه «عالمین» مطرح کرد. ۲. در مورد تعبیر «مشارق و مغارب» هم با توجه به گردش زمین به دور خورشید و این که از نظر علمی هر لحظه مشرق و مغرب جدیدی داریم، چند احتمال وجود دارد: الف: به تعداد روزها مشرق و مغرب داریم و روایتی از علی (ع) نیز این معنا را تأیید می‌کند. ب: به تعداد مکانها در زمین مشرق و مغرب داریم. «۱» پس تعبیر مشارق و مغارب قرآن دلیلی بر وجود کرات مسکونی دیگر و موجودات زنده در آنها نیست.

ج: آیاتی که تعبیر مَنْ فِی السَّماواتِ و ما فِی السَّماواتِ و امثال آنها دارد:

ج: آیاتی که تعبیر مَنْ فِی السَّماواتِ و ما فِی السَّماواتِ و امثال آنها دارد: یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: با وجود این می‌توانیم بگوییم عقل متفکر منحصر به این عالم هستی نیست زیرا موجود شبیه انسان در بعضی از ستارگان (سیارات) دیگر نیز یافت می‌شود در حالی که تنها در کهکشان ما بر حسب محاسبات ریاضی احتمالی، تعداد ستارگان از دو میلیون کمتر نیست و از نقطه نظر دینی، بدون شک شبیه انسان در غیر زمین وجود دارد به این سخن خداوند متعال توجه بفرمایید: قالَ رَبِّی یَعْلَمُ الْقَوْلَ فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ «۲» « (امّا پیامبر) گفت: پروردگار من همه سخنان را چه در آسمان باشد و چه در زمین می‌داند او شنوا و داناست.» و نیز می‌فرماید: یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ «۳» «تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می‌کنند و او هر روز در شأن و کاری است.» «۴»

(_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۵ و نیز اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۱۹۸ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۲۹ و نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۲۰. (۲) انبیاء/ ۴. (۳) رحمن/ ۲۹. (۴) ر. ک: دکتر محمد جمال الدین الفندی، شگفتیهای اعجاز در قرآن کریم، ترجمه سید حسین میردامادی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۳۹- ۱۴۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۴ از جمله کسانی که به این آیات در مورد وجود حیات و موجودات زنده در آسمانها استدلال کرده است عبد الرزاق نوفل است. «۱» عبد الغنی الخطیب نیز به برخی از آیات فوق استدلال کرده است و سپس می‌نویسد: «پس کلمه (ما فی السموات و من فی الارض) به طور کلی و عمومی کلمه، به آفریده‌های دانایی مخصوصا به فرشتگان اشاره می‌کند.» «۲» تذکر: احتمال وجود انسانهایی شبیه ما، در کرات دیگر از نظر علمی قابل توجه است امّا آنچه که ایشان به طور قطعی از این آیات استفاده می‌کند صحیح به نظر نمی‌رسد و حدّاکثر می‌توان به صورت یک احتمال در کنار احتمالات دیگر ذکر شود و آیاتی که مورد استشهاد قرار گرفته است بر مطلب ایشان دلالت صریح ندارد بلکه ظهور در آن مطلب هم ندارد چرا که ممکن است مراد از «من» (کسانی) و «قول» (سخن) اعم از سخن انسان و غیر انسان باشد یعنی مراد سخن فرشتگان و اجنه و انسانها و سؤال و درخواست آنها از خدا باشد که انسانها در زمین و بقیه در آسمانها هستند.

د: لا یَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلی

د: لا یَسَّمَّعُونَ إِلَی الْمَلَإِ الْأَعْلی «۳» یکی از نویسندگان این آیه را اینگونه ترجمه کرده است: «به طوری که نمی‌توانند به سوی مردم بالاتر گوش فرا دارند» سپس به این آیه در مورد «وجود موجودات زنده در کرات دیگر» استدلال کرده است و می‌نویسد: «با وجود اکتشافات علمی متعدد، در مورد وجود زندگی در کرات دیگر شکی باقی نمانده است. در زمان نزول قرآن، دانش بشری تا حدی رسیده بود که زمین را مرکز عالم پنداشته و تمام ستارگان، ماه و خورشید را دور زمین در حال گردش می‌پنداشتند. مردم آن زمان، ستارگان را میخ‌های نورانی آسمان می‌پنداشتند: در آن زمان اگر گفته می‌شد در ستارگان دیگر زندگی وجود دارد گوینده را دیوانه می‌انگاشتند. در چنین زمانی این آیات نازل شد و به انسان‌ها اعلام کرد که در ستارگان و کرات دیگر

(_____ ۱) القرآن و العلم و الحدیث، ص ۲۱۵. (۲) عبد الغنی الخطیب، قرآن و علم امروز، ص ۲۲۸- ۲۳۸، ترجمه دکتر اسد الله مبشری. (عبارت فوق در ص ۲۳۰ است.) (۳) صافات/ ۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۵ موجودات زنده، حتی قوی‌تر و پیش رفته‌تر از انسان‌های زمین وجود دارد.» «۱» تذکر: در مورد کلمه «الملأ الاعلی» در تفاسیر اینگونه آمده است: «ملأ اعلی به معنی فرشتگان عالم بالاست زیرا «ملأ» در اصل به جماعت و گروهی گفته می‌شود که بر نظر واحدی اتفاق دارند و چشم دیگران را با این هماهنگی و وحدت پر می‌کنند ... ولی هنگامی که توصیف به «اعلی» می‌شود اشاره به ملائکه کرام و فرشتگان والا مقام حق است.» «۲» ولی نویسنده سطور بالا معلوم نیست که در ترجمه آیات قرآن به چه منبع لغوی یا تفسیری استناد کرده که «الملأ الاعلی» را به معنای «مردم بالاتر» آورده است. و لذا هر چند اصل سخن ایشان قابل توجه است امّا استناد ایشان به آیه فوق صحیح به نظر نمی‌رسد.

ه: اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَ

ه: اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَ «۳» «خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها (هفت) زمین آفرید.» دکتر موریس بوکای با استدلال به آیه فوق و آیاتی که کلمه «العالمین» دارند می‌نویسد: «بنابراین آسمانها متعددند و زمین‌ها نیز و این یکی از بزرگترین شگفتیهای خواننده جدید قرآن است که در متنی از آن زمان اعلام این مطلب را بیابد که زمین‌هایی مانند زمین ما می‌توانند در جهان یافت شوند که انسان‌ها هنوز در زمان ما نتوانسته‌اند وارسی کنند.» «۴» و سپس با ذکر تعدد جهان‌ها و اینکه در کهکشان ما احتمالا باید نیمی از صد میلیارد ستاره، مانند خورشید، دارای منظومه سیاره‌ای باشند، می‌نویسد: «منظومه‌های سیاره‌ای، با وضوح تمام به وفور در جهان پراکنده‌اند منظومه شمسی و زمین یگانه نیست ... و در نتیجه زندگی همانند سیاراتی که به آن پناه می‌دهند در تمام جهان آنجاهایی که شرایط لازم برای شکفتگی و بسط یافت شود پخش گردیده است.» «۵»

(_____ ۱) مهندس جعفر رضایی‌فر، قرآن و آخرین پدیده‌های علمی (اعجاز علمی قرآن)، ص ۱۳۳- ۱۳۵. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۸. (۳) طلاق/ ۱۲. (۴) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۸۹- ۱۹۲. (۵) همان، ص ۱۹۸ و ۱۹۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۶

بررسی:

بررسی: در مورد کلمه «مثلهن» (زمین مثل آسمانها) مفسران بسیار سخن گفته‌اند که آیا مراد شباهت در تعداد یا شباهت در ترکیب و ... است. «۱» بر فرض که ثابت شود تعداد هفت زمین (یا تعداد کثیری زمین) در جهان وجود دارد این مطلب به صورت قطعی ثابت نمی‌کند که در آنها هم موجودات عاقلی مثل انسان‌ها وجود داشته باشد و فقط احتمال حیات در آنها تقویت می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: با توجه به آیات و تفاسیر و نکات علمی و بررسی که از هر آیه نمودیم می‌توانیم بگوییم که: اولا در میان آیات مطرح شده فقط آیه اول (شوری/ ۲۹) و آیاتی که «العالمین» در آنها آمده است به صورت احتمالی دلالت بر وجود موجودات زنده در کرات دیگر می‌کنند. امّا با توجه به این که از طرفی احتمالات دیگر در همین آیات وجود دارد و از طرف دیگر وجود موجودات زنده در کره‌ای غیر از زمین هنوز به اثبات نرسیده است پس نمی‌توان به صورت قطعی این تفسیر (وجود موجودات زنده در کرات دیگر) را به آیات فوق نسبت داد. در نتیجه این آیات بر اساس یک تفسیر احتمالی نوعی رازگویی علمی از آینده است که هنوز مطلب علمی آن توسط دانشمندان به اثبات نرسیده است پس نمی‌توان گفت که این آیات دلالت بر اعجاز علمی قرآن دارد. مگر آنکه وجود موجودات زنده (و بویژه عاقل) در کرات دیگر به صورت قطعی در حوزه علوم تجربی ثابت شود.

۹. پایان جهان:

اشاره

۹. پایان جهان: قرآن کریم قیامت را پایان جهان معرفی می‌کند و آغاز جهانی دیگر. این کتاب آسمانی در آیات متعددی سخن از حوادثی می‌گوید که در آستانه قیامت رخ می‌دهند و برخی از آنها نشانه‌های قیامت شمرده می‌شوند. مفسران و صاحب‌نظران علوم کیهان‌شناسی در مورد پایان جهان فعلی به چند دسته از آیات نظر دارند: (_____ ۱) ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۳۲۶ و نیز تفسیر اطیب البیان، ذیل آیه طلاق/ ۱۲. و نیز بحث هفت آسمان در همین نوشتار. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۷ الف: آیاتی که اشاره به مرگ خورشید و ستارگان می‌کند. وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّی. «۱» «و خورشید و ماه را رام گردانید، هر کدام برای مدّتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند.» إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْکَدَرَتْ «۲» «آنگاه که خورشید به تاریکی گراید و آنگاه که ستارگان خاموش شوند.» ب: آیه‌ای که به شکافتن ماه اشاره دارد: اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ «۳» «قیامت نزدیک می‌شود و ماه شکافته می‌شود.» ج: آیاتی که اشاره به درهم ریختن نظام فعلی آسمان و ستارگان می‌کنند: إِذَا السَّماءُ انْفَطَرَتْ وَ إِذَا الْکَواکِبُ انْتَثَرَتْ «۴» «آنگاه که آسمان شکافته می‌شود و آنگاه که ستارگان فرو ریخته و از هم پاشیده شوند.» وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ «۵» «و آفتاب و ماه بهم گرد آیند.» د: آیاتی که اشاره به زلزله‌های عظیم در زمین می‌کند: إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَیْءٌ عَظِیمٌ «۶» «که زلزله رستاخیز مطلب مهمی است.» ه: آیاتی که اشاره به فروپاشی کوهها می‌کند: وَ تَکُونُ الْجِبالُ کَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ «۷» «و (روزی که) کوهها مانند پشم زده شده رنگین شود.» و: آیاتی که اشاره به انفجار و برافروختگی دریاها دارد: (_____ ۱) رعد/ ۲. (۲) تکویر/ ۱- ۲. (۳) قمر/ ۱. (۴) انفطار/ ۱- ۲ و نیز انشقاق/ ۱- حاقه/ ۱۶- فرقان/ ۲۵- مرسلات/ ۹- طور/ ۹. (۵) قیامت/ ۹ و نیز انبیاء/ ۱۰۴- مرسلات/ ۸. (۶) حج/ ۱ و نیز مزمل/ ۱۴- واقعه/ ۴- زلزال/ ۱- ۲- نازعات/ ۶- ۷. (۷) قارعه/ ۵ و نیز نباء/ ۲۰- واقعه/ ۵- ۶- مزمل/ ۱۴- حاقه/ ۱۴- طور/ ۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۸ وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ «۱» «و در آن هنگام که دریاها برافروخته شود.» ز: آیه‌ای که به دود در آسمان اشاره می‌کند: فَارْتَقِبْ یَوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِینٍ «۲» «منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید می‌آورد.»

نظریه‌های علمی در مورد پایان جهان:

اشاره

نظریه‌های علمی در مورد پایان جهان: در مباحث کیهان‌شناختی دو مطلب در مورد پایان جهان مطرح می‌شود:

اول: سرانجام حرکت انبساطی جهان:

اول: سرانجام حرکت انبساطی جهان: جهان در حال گسترش است و کهکشانها از همدیگر با سرعت دور می‌شوند. «۳» ولی آیا جهان همیشه انبساط می‌یابد؟ یا انبساط روزی متوقف می‌شود و یا حتی جهان به نقطه آغازین خود بازمی‌گردد؟ دانشمندان در این مورد سه احتمال مطرح کرده‌اند: الف: گسترش جهان دائمی است. ب: جهان سرانجام در اثر نیروی جاذبه منقبض شده و به یک نقطه باز می‌گردد (رمبش) ج: جهان دائما بین انفجارها و رمبش‌های بزرگ در نوسان است. «الکساندر فریدمن» فیزیکدان روسی در ۱۹۲۰ م نشان داد که پاسخ این پرسشها بستگی به جرم جهان دارد. اگر جهان به اندازه کافی ماده داشته باشد، سرانجام گرانش (نیروی جاذبه) انبساط جهان را متوقف خواهد کرد و اجرام به سوی هم حرکت می‌کنند و در آخر همه آنها در یک نقطه یگانه جمع می‌شوند این حادثه «رمبش بزرگ» خوانده می‌شود. امّا اگر جرم کافی وجود نداشته باشد، جهان همچنان به انبساط خود ادامه خواهد داد. دانشمندان همچنان سعی می‌کنند با اندازه‌گیری جرم جهان دریابند که کدام حالت ممکن است.» «۴»

(_____ ۱) تکویر/ ۶ و نیز انفطار/ ۳. (۲) دخان/ ۱۰. (۳) این مطلب را تحت عنوان «گسترش جهان» زیر آیه وَ السَّماءَ بَنَیْناها بِأَیْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ (ذاریات/ ۴۷) مورد بررسی قرار می‌دهیم. (۴) ری ویلارد، کیهان و راه کهکشان، ترجمه سید محمد امین محمدی، ص ۵۰- ۵۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۰۹

دوم: سرانجام خورشید و ستارگان و زمین:

دوم: سرانجام خورشید و ستارگان و زمین: برخی متخصصان فیزیک و کیهان‌شناسان برآنند که: «خورشید در هر ثانیه ۵۶۴ میلیون تن هیدروژن به عنوان سوخت مصرف می‌کند که از این مقدار ۵۶۰ میلیون تن هلیم به وجود می‌آید ۴ میلیون تن مواد باقی مانده که فقط ۷/ ۰٪ سوخت مصرفی می‌باشد تبدیل به انرژی می‌شود که در نهایت به صورت نور و گرما انتشار می‌یابد. با وجود نیاز عظیمی که خورشید ما به سوخت دارد می‌تواند به مدت ۱۰ میلیارد سال بدرخشد که از این عمر طولانی ۵ میلیارد سال را گذرانده است. بنابراین خورشید هم اکنون در نیمه راه زندگی خود قرار دارد.» «۱» «پس سیاره آبی رنگ ما (زمین) هنوز حدود ۵ میلیارد سال دیگر به دور خورشید خواهد چرخید آنگاه خورشید در آخرین روزهای عمر خود مانند یک بادکنک کاملا باد کرده خواهد شد و به صورت یک ستاره عظیم و غول‌پیکر سرخ فام در خواهد آمد. و دو سیاره داخلی منظومه شمسی خود یعنی عطارد و زهره را فرو می‌بلعد. زمین تا هزار درجه سانتیگراد حرارت خواهد یافت تمام آثار زندگی و حیات، مدتها قبل از بین رفته و تمام آب اقیانوس‌ها بخار شده است.» «۲» برخی دیگر از صاحب‌نظران در مورد مرگ یک ستاره می‌نویسند: «از آنجا که همه ستارگان در واقع مولدهای جوش هسته‌ای هستند سرانجام روزی سوختشان را به پایان می‌رسانند، انبساط می‌یابند و انبوهی از گازهای درخشان پوسته ستاره به صورتهای خیال‌انگیزی در فضا رها می‌شوند که بنام «سحابیهای سیاره‌نما» خوانده می‌شود. هنگامی که سوخت هسته‌ای ستاره پایان یافت نیروی گرانش سریعا ستاره را در خود فرو می‌برد و ستاره به تلی از خاکستر بسیار داغ تبدیل می‌شود که «کوتوله سفید» خوانده می‌شود. ستارهای بسیار پر حجم با یک انفجار به حیات خود پایان می‌دهند. هنگامی که هسته ستاره منفجر شد پوسته‌های بیرونی آن به بیرون پرتاب می‌شوند ستاره محتضر (در

(_____ ۱) دکتر اریک. اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، ص ۲۰- ۲۱. (۲) همان، ص ۵۴- ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۰ حال مرگ) تنها در خلال چند ساعت، انرژیی را از خود منتشر می‌کند که خورشید ما در مدت پنج بیلیون سال منتشر کرده است. و در این حال ستاره چند میلیون بار درخشان‌تر می‌شود. این پدیده را ابر نو اختر نامند.» «۱»

نکات تفسیر و اسرار علمی:

نکات تفسیر و اسرار علمی: برخی از مفسران و صاحب‌نظران در مورد انطباق آیات و یافته‌های کیهان‌شناسی که به پایان جهان اشاره می‌کنند اظهار نظر کرده‌اند: ۱. استاد آیة اللّه مکارم شیرازی در تفسیر موضوعی پیام قرآن، آیات مربوط به پایان جهان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در مورد إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْکَدَرَتْ «۲» می‌نویسد: «کوّرت از ماده تکویر در اصل به معنی پیچیدن و جمع و جور کردن چیزی است و این واژه به معنی تاریک شدن یا افکندن نیز آمده است و ظاهرا این دو معنی در مورد خورشید لازم و ملزوم یکدیگر است به این ترتیب که خورشید تدریجا لاغر و جمع و جور می‌شود و رو به تاریکی و بی‌فروغی می‌گذارد. انکدرت از ماده انکدر به معنی تیرگی و تاریکی یا سقوط و پراکندگی است. آری طبق گواهی قرآن در پایان جهان، پر فروغ‌ترین مبدأ نور در منظومه شمسی ما که مایه روشنایی تمام سیارات خاموش و جمع می‌شود و ستارگان دیگر نیز به همین سرنوشت گرفتار می‌گردند. سپس اشاره می‌کند که دانشمندان امروز معتقدند که انرژی خورشید از احتراق هسته‌ای به دست می‌آید و هر شبانه روز سیصد و پنجاه هزار میلیون تن از وزن این کره کاسته می‌شود. و همین امر سبب می‌گردد که تدریجا لاغر و کم‌نور شود و این همان جمع شدن و کم‌نور شدن، یعنی دو مفهومی است که در ماده تکویر طبق گفته ارباب لغت وجود دارد.» «۳» ایشان در مورد جمع شدن خورشید و ماه وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ «۴» می‌نویسند: (_____ ۱) کیهان و راه کهکشان، ص ۲۵- ۲۶ با تلخیص. (۲) تکویر/ ۱- ۲. (۳) آیة اللّه ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۳- ۳۴. (۴) قیامت/ ۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۱ «جمع شدن خورشید و ماه ممکن است از این جهت باشد که با از بین رفتن تعادل جاذبه و دافعه، کره ماه جذب به مرکز اصلی یعنی خورشید خواهد شد. «۱» آنگاه با اشاره به آیه وَ إِذَا الْکَواکِبُ انْتَثَرَتْ «۲» می‌نویسد: «نظام موجود کواکب نیز درهم می‌ریزد گوئی تعادل جاذبه و دافعه که ارتباط با جرمها و سرعت حرکت آنها دارد به هم می‌خورد و شاید این همان چیزی است که در قرآن به آن اشاره شده است (آن زمان ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند)». «۳» ایشان در مورد زلزله‌های عجیب و تلاشی کوهها می‌گویند: «آیا این حوادث عجیب و هولناک که دامنگیر کوهها می‌شود بر اثر انفجارات درونی و متلاشی شدن نظام اتمی آنها و آزاد شدن انرژی‌های نهفته درونی است؟ یا ضربه‌ای از خارج بر آنها وارد می‌شود مانند برخورد سیاره‌های آسمانی با سرعت و جاذبه شدید به یکدیگر؟ یا علل دیگری که امروز برای ما ناشناخته است؟ هیچ کس بدرستی نمی‌تواند پاسخی به این سئوالات بدهد و علوم روز نیز از توضیح این مطلب عاجز است. همین اندازه می‌گوید که در کرات آسمانی در گذشته و حال انفجارات عظیمی روی داده و می‌دهد.» «۴» ایشان با اشاره به آیه‌های وَ إِذَا الْبِحارُ فُجِّرَتْ «۵» وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ «۶» که در مورد انفجار و برافروخته شدن دریاهاست «۷» سه احتمال مطرح می‌کنند: اول: اینکه آب از دو عنصر اکسیژن و ئیدروژن تشکیل شده که هر دو شدیدا قابل احتراق است اگر عواملی سبب تجزیه آبها شوند دریاها مبدل به کوره‌های عظیمی از آتش سوزان خواهد شد و یک جرقه کوچک کافی است که عالمی از آتش ایجاد شود. دوم: اینکه زلزله‌های شدید آستانه رستاخیز، سبب شکافتن زمین‌ها و راه یافتن دریاها به یکدیگر می‌شوند. (_____ ۱) همان، ص ۳۵. (۲) انفطار/ ۱- ۲.

(۳) پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۵. (۴) همان، ص ۳۰. (۵) انفطار/ ۳. (۶) تکویر/ ۶. (۷) «فجرت» از ریشه «فجر» به معنی شکافتن به کار رفته که ممکن است اشاره به انفجار و برافروختگی دریاها باشد و «سجرت» از ماده تسجیر و در اصل به معنی برافروختن و به هیجان در آوردن آتش و گاه به معنی پر شدن نیز آمده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۲ سوم: اینکه متلاشی شدن کوهها و ریخته شدن غبار آنها به دریاها و یا فرود سنگهای آسمانی در آنها موجب می‌شود تا دریاها پر شود و آب سراسر خشکی را فرا می‌گیرد. «۱» ۲. یکی از نویسندگان معاصر نیز با اشاره به آیه وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ «۲» به درهم ریختن نظام هستی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «فضای ما بین هسته اتم و الکترونهایی که گرد آن در حرکت‌اند نسبت به حجمشان بسیار وسیع و فضایی خالی و هولناک است شما اگر یک اتم را یک کیلومتر (۱۰۰۰ متر) فرض کنید تنها یک متر آن توسط هسته و پرتون اشغال شده است و الکترون در فاصله یک کیلومتری به دور هسته حرکت می‌کند. در واقع کلیه موجودات جهان اعم از جاندار و بی‌جان از موجودی تو خالی چون اتم تشکیل یافته‌اند و چون بیکباره فاصله و فضای خالی اتمها از بین برود همه موجودات عالم با حفظ وزن قبلی خود به موجودات بسیار ریزی تبدیل خواهند شد و در آن هنگام است که نظم عالم مادی در یک چشم به هم زدن از هم خواهد پاشید. آنگاه است که کره زمین به اندازه یک نارنج کوچک در خواهد آمد «۳» و سپس اجرام آسمانی که به صورت گویهای کوچکی درآمده به همدیگر برخورد خواهد کرد. این واقعیتی است که برای ستاره‌شناسان امروز با نظاره ستاره بزرگی چون سیریوس که در یک چشم بر هم زدن به ستاره کوچکی تبدیل شد آشکار گشته است». «۴» ۳. برخی صاحب‌نظران اشاره به آیه وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ «۵» مسأله انفجار اتمی را در اثر رها شدن اتم اکسیژن از هیدروژن (در ترکیب آب‌ها) مطرح می‌کنند. «۶» ۴. برخی از نویسندگان معاصر با اشاره به آیات قرآن (تکویر/ ۱- ۲، انفطار/ ۱- ۲) در مورد مرگ خورشید و ستارگان با نقل سخنان دانشمندان، چند نظریه را مطرح کرده‌اند: الف: دکتر ژرژ گاموف می‌گوید: روزی فرا خواهد رسید که زمین (و نیز همه سیارات دیگر) پس از انفجاری بزرگ به صورت گاز رقیقی درخواهد آمد. «۷»

(_____ ۱) پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۱- ۳۲، با تلخیص. (۲) قیامت/ ۹. (۳) دانشمندی بنام «ژولیو» می‌گوید: اگر فواصل اتمهای بدن انسان از بین برود انسان با حفظ وزن، مثلا ۷۰ کیلویی خود، به شکل میکروبی ۷۰ کیلویی در خواهد آمد که تنها به وسیله میکروسکوپ قابل رؤیت است. (۴) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۲۹- ۱۳۱ با تلخیص. (۵) تکویر/ ۶. (۶) احمد امین، راه تکامل، ج ۳، ص ۱۸۹ و گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۳۲. (۷) ژرژ گاموف، پیدایش و مرگ خورشید، ترجمه احمد آرام، ص ۱۶۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۳ ب: پروفسور آ. ماسویچ می‌گوید: روزی کلیه ذخایر هیدروژن خورشید در اثر فعل و انفعالات هسته‌ای به انتها می‌رسد. «۱» ج: یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: طبق قانون دوم ترمودینامیک و اصل انتروپی همه اجسام به تدریج حرارت خود را از دست می‌دهند و رو به نابودی می‌روند. به این ترتیب روزی فرا خواهد رسید که حرارت در همه اجسام، مساوی ایجاد شود و آن روز دیگر روز مرگ کلیه موجودات و اجرام آسمانی است. «۲» ۵. برخی نویسندگان در مورد شکافته شدن ماه انْشَقَّ الْقَمَرُ «۳» اینگونه نگاشته‌اند: «مطلبی که دانشمندان ستاره‌شناس، اخیرا بدان دست یافته‌اند این است که می‌گویند: روزی بیاید که ماه به دو قسمت یا بیشتر تقسیم گردد و این قسمت‌ها نیز به نوبه خود به طور هول‌انگیزی منفجر و هزار بار تکه پاره شوند. و از «سرجمیس» ستاره‌شناس اروپایی نقل می‌کند که: «در آینده ماه به قدری رفته رفته به زمین که به بی‌نهایت درجه نزدیکی می‌رسد در این موقع که زمین در معرض خطر سقوط قرار گرفته است تقدیر الهی که در بر هم ریختن ماه و از هم پاشیدن آن تعلق گرفته به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.» «۴» ۶. عبد الرزاق نوفل نیز در مورد پایان جهان و سرنوشت خورشید و ماه چند نظریه را مطرح می‌کند. سپس در مورد آیات وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ «۵» و إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ «۶» و إِذَا الْبِحارُ فُجِّرَتْ «۷» می‌گوید که در اثر جدایی اکسیژن از هیدروژن و آمادگی آنها برای اشتعال این امور رخ می‌دهد. و سپس با ذکر آیه ۳۷ سوره الرحمن و ۸- ۹ و ۱۵- ۱۶

سوره معارج می گوید که این امور در اثر هلیوم است که همه آسمان را آتش فرا می گیرد و سپس انفجارات و فروپاشی وحدت خلق را مطرح می کند. «۸ (_____» ۱) مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۳۴ با تلخیص. (۲) مهندس مهدی بازرگان، راه بی‌انتها، ص ۴۹۰ و راه تکامل، ج ۳، ص ۱۸۳. (۳) قمر/ ۱. (۴) دکتر عبد الکریم بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۱۸۳ از «النجوم فی سالکها»، نقل می کند. (۵) طور/ ۶- ۷. (۶) تکویر/ ۶. (۷) انفطار/ ۳. (۸) عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۶۳- ۱۶۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۴

۷. احمد محمد سلیمان نیز با ذکر احتمالات متعدد در مورد آیات مورد بحث، آیه فَارْتَقِبْ یَوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِینٍ «۱» را مطرح می کند و می گوید «دخان در اینجا آتش است» و آن را بر حوادث پایان جهان حمل می کند. سپس دو احتمال انفجار خورشید و نقصان نور خورشید را مطرح می کند که موجب نابودی زمین در اثر زبانه‌های آتش خورشید و یا سرمای شدید می‌شود. «۲» ۸. برخی صاحب‌نظران نیز با طرح آیه ۱۰ سوره دخان آن را معجزه الهی در قرآن می‌دانند که جهان در قیامت «دخان» می‌شود همانطوری که اول بود و این حقیقتی علمی است. «۳»

بررسی:

بررسی: هر چند برخی از مطالب علمی با ظاهر آیات قرآن در مورد پایان جهان سازگار است، امّا به نظر می‌رسد، تذکر چند نکته لازم باشد: ۱. مطالب ذکر شده در مورد شکافته شدن ماه انْشَقَّ الْقَمَرُ «۴» از دو جهت قابل اشکال است: نخست اینکه مطالب علمی که بیان شد از استحکام لازم برخوردار نیست و دلیل بر فروپاشی ماه از نظر علوم تجربی ذکر نشد و تنها به ذکر این نکته اکتفا شده بود که ماه به زمین نزدیک می‌شود. این مطلب بر فرض صحت، مستلزم جذب ماه به زمین است. در حالی که قرآن کریم سخن از جمع شدن خورشید و ماه در آستانه قیامت می کند: وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ «۵». دوم اینکه مفسران در مورد انشقاق قمر دو احتمال ذکر کرده‌اند: الف: مقصود از آیه همان شق القمر معروف باشد که به عنوان معجزه در زمان پیامبر (ص) اتفاق افتاد «۶» و خود یکی از نشانه‌های نزدیکی قیامت است. همانگونه که بعثت پیامبر (ص) از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت است. (_____» ۱) دخان/ ۱۰. (۲) احمد محمد سلیمان، القرآن و العلم، ص ۶۸- ۷۱. (۳) محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۳۵، دار المحبة، دمشق. (۴) قمر/ ۱. (۵) قیامت/ ۹. (۶) برای اطلاعات بیشتر در مورد شق القمر و مسایل علمی آن ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۲- ۱۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۵ ب: مقصود شکافته شدن ماه در آستانه قیامت باشد. تفسیر «الف» با ظاهر آیه تناسب بیشتری دارد چرا که لفظ آیه (انشق) ماضی است و حکایت از شکافتن ماه در گذشته- نه در آینده- می کند. و بسیاری از مفسران نیز تفسیر «الف» را پذیرفته‌اند و کمتر کسی از مفسران تفسیر «ب» را پذیرفته است. «۱» ۲. در مورد آیه یَوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِینٍ «۲» سه احتمال در تفاسیر ذکر شده است: اول: اینکه مقصود دود شرربار، در قیامت باشد که نوعی عذاب است. دوم: اینکه مقصود از دود معنای مجازی آن باشد یعنی کنایه از خشکسالی باشد که در زمان پیامبر گروه عظیمی از کفار را گرفت. سوم: اینکه مقصود دودی باشد که در آستانه قیامت همه جا را می‌پوشاند و مردم دست به دامن لطف خدا می‌شوند و کمی عذاب برطرف می‌شود. مفسران معنای اول و دوم را بعید می‌دانند و معنای سوم را قوی‌تر می‌دانند و روایات متعددی هم در کتابهای شیعه و اهل سنت بر طبق آن وارد شده است. «۳» به هر حال استفاده‌ای که احمد محمد سلیمان از آیه کرده بود یعنی دخان را به معنای آتش گرفته بود، معنای لغوی یا قرینه‌ای روائی آن را تأیید نمی کند. ۳. در مورد مرگ خورشید و ستارگان و درهم ریختن نظام آنها اگر چه در قرآن کریم اشارات کلی به آنها شده است امّا با توجه به تعدد نظریه‌ها در این مورد (انفجار بزرگ- از دست دادن حرارت طبق اصل دوم ترمودینامیک و ...) و عدم اثبات قطعی آنها، نمی‌توان یک نظریه را به قرآن نسبت داد. ۴. در مورد تعبیر فجّرت و

سجّرت (انفطار/ ۳- تکویر/ ۶) و انطباق آن با انفجار اتم‌های آب، قرینه قطعی در دست نیست. در مورد جدا شدن اکسیژن از هیدروژن و آتش گرفتن آنها نیز فقط در حد احتمال می‌توان سخن گفت بویژه آنکه دو احتمال دیگر نیز در معنای آیات فوق وجود دارد که با ریشه لغوی فجرت و سجرت بی‌تناسب نیست. (همانطور که گذشت) ۵. مطالب آیات قرآن در مورد پایان کار خورشید و ستارگان و سیارات با نظریه‌های

(_____۱) ر. ک: پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۴- ۲۵. (۲) دخان/ ۱۰. (۳) ر. ک: پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۵- ۲۷ و نیز تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۲۷، ص ۲۴۲ و نیز روح المعانی، ج ۲۵، ص ۱۰۷ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹ و درّ المنثور، ج ۶، ص ۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۶ علمی موجود تا حدود زیادی سازگار است و این مطلب نوعی رازگوئی علمی قرآن محسوب می‌شود و اگر روزی از نظر علمی به صورت قطعی اثبات شود می‌تواند اعجاز علمی قرآن محسوب شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۱۷

بخش سوّم قرآن و علوم ریاضی

اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن «۱»

مقدمه:

مقدمه: همانطور که در بخش اوّل بیان کردیم اعجاز قرآن ابعاد گوناگونی دارد: از قبیل؛ فصاحت و بلاغت، محتوای عالی از پیامبری امّی، اعجاز علمی و ... برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران در چند دهه اخیر بعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده‌اند که همان اعجاز عددی قرآن است. اینان ادعا می‌کنند که یک نظم ریاضی بر قرآن حاکم است. هر چند که در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» سیوطی، رد پای این فکر دیده می‌شود. «۲» امّا تا چند سال اخیر این راز علمی پنهان مانده بود و با ظهور رایانه‌هایی که می‌تواند حساب‌های بسیار زیادی را در مدت زمان کمی و با دقت بالائی انجام دهد، پرده از روی نظم ریاضی قرآن برداشته شد و اعجاز این کتاب مقدس بار دیگر بر جهانیان ثابت گردید. این صاحب نظران از این رهگذر نتیجه دیگری هم می‌گیرند که اشاره خواهیم کرد. در رأس این گروه افرادی همچون رشاد خلیفه و عبد الرزاق نوفل و ... هستند. در مقابل آنان، گروه دیگری از نویسندگان و صاحب‌نظران قرآنی، قرار دارند که این مطالب را نمی‌پذیرند. و برخی محاسبات آنان را خطاآلود می‌دانند. و حتی برخی نویسندگان با شدت هر چه بیشتر قسمتی از این مطالب را توطئه بهائیت معرفی می‌کنند و آن

(_____۱) هر چند که بحث ما در مورد اعجاز علمی قرآن است و علم را به معنای علوم تجربی عنوان کردیم و بدین ترتیب اعجاز عددی قرآن از بحث ما خارج است چرا که یک مبحث ریاضی و از علوم عقلی به شمار می‌رود. ولی از آنجا که این مطلب اهمیت ویژه‌ای دارد و در کتاب‌های اعجاز علمی قرآن از آن نام برده شده و کتاب‌های متعددی درباره آن نوشته شده است و از طرف دیگر اعجاز علمی به معنای اعم (علم که شامل علوم عقلی- نقلی- تجربی- شهودی) شامل آن می‌شود، از این رو ما به صورت مختصر به آن می‌پردازیم. (۲) ر. ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۱۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۰ را یک جریان انحرافی می‌دانند و در این مورد به ادعای نبوت رشاد خلیفه و کشته شدن او استشهاد می‌کنند. «۱» ما ابتدا گزارشی از کتاب‌ها و نویسندگان دو گروه بیان می‌کنیم و سپس نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

الف: موافقان اعجاز عددی قرآن:

اشاره

الف: موافقان اعجاز عددی قرآن: در این مورد افراد زیادی کتاب و مقاله نوشته‌اند که به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

۱. معجزة القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه:

۱. معجزة القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه: دکتر رشاد خلیفه در خانواده‌ای از صوفیان مصر در شهر «طنطه» متولد شد و در سال ۱۹۷۱ م در شهر مکه رسما به جرگه نائبان مکتب تصوف درآمد. او تحصیلات جدید خود را تا کارشناسی در دانشکده کشاورزی «عین الشمس» قاهره گذراند و سپس کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آریزونا (۱۹۵۹- ۱۹۶۱ م) آمریکا گذراند و سپس دکترای خود را در دانشگاه کالیفرنیا (۱۹۶۲- ۱۹۶۴ م) در رشته بیوشیمی گیاهی دریافت کرد. «۲» او به مدت سه سال در مورد قرآن با استفاده از رایانه تحقیق کرد و نتیجه این تحقیقات را در سال ۱۳۵۱ ش به روزنامه‌های دنیا داد. «۳» کتاب او تحت عنوان «معجزة القرآن الکریم» در سال ۱۹۸۳ م در بیروت چاپ شد «۴» و به زبان انگلیسی نیز در آمریکا چاپ شد. «۵» تمام کوشش رشاد خلیفه برای کشف معانی و اسرار حروف مقطعه قرآن صورت گرفته و ثابت کرده است که رابطه نزدیکی میان حروف مذکور، با حروف سوره‌ای که در آغاز آن قرار گرفته‌اند، وجود دارد. او برای محاسبات این کار از رایانه کمک گرفته است و بیان کرده که در ۲۹ سوره قرآن حروف مقطعه آمده است که مجموع این حروف ۲۸ حرف الفبای عربی را تشکیل می‌دهد

(_____ ۱) بسام نهاد جرّار، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ص ۲۱. (۲) ر. ک: رشاد خلیفه، اعجاز قرآن تحلیل آماری حروف مقطعه، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، مقدمه/ الف. (۳) همان، مقدمه/ ج. (۴) معجزة القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعة الاولی، ۱۹۸۳ م. (۵) ELCARIM EHT FO NOITAT NESERP LAUSIV NARUQ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۱ (یعنی: ا- ح- ر- س- ص- ط- ع- ق- ک- ل- م- ن- ه- ی) که گاهی آنان را حروف نورانی نامند. او نسبت این حروف را در ۱۱۴ سوره قرآن سنجیده است و به نتایجی رسیده است که به برخی آنها اشاره می کنیم: نسبت حرف «ق» در سوره «ق» از تمام سوره‌های قرآن بدون استثناء بیشتر است. مقدار حرف «ص» در سوره «ص» نیز به تناسب مجموع حروف سوره از هر سوره دیگر بیشتر است. و نیز حرف «ن» در سوره «ن و القلم» بزرگترین رقم نسبی را در ۱۱۴ سوره قرآن دارد. ایشان عدد ۱۹ را یک عدد اساسی در قرآن می‌داند که از «تسعة عشر» «۱» اخذ کرده و اعداد برخی آیات و کلمات را بر آنها تطبیق کرده و یک نظام ریاضی را ارائه می‌دهد. ایشان با محاسبات زیاد و جدول‌های متعدد به اثبات این مطالب می‌پردازد و نتایج زیر را می گیرد: الف: قرآن کلام خداست. محل حروف مقطعه قرآن در جای مشخص خود طرح پیشرفته توزیع الفبایی در سراسر قرآن را اثبات می کند. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که این گونه طرح پیشرفته توسط انسان، هر قدر هم متعالی باشد قابل وصول باشد. ایشان از رایانه می‌خواهد که تعداد تبدیل‌های ممکن را به منظور کتابی مثل قرآن که از لحاظ ریاضی دقیق و حساب شده است محاسبه کند که ۶۲۶ سپتیلون (۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۰۰۰/ ۶۲۶) می‌شود. که قطعا از توان و ظرفیت هر مخلوقی خارج است. و کسی نه در گذشته، نه حال و نه آینده قادر نخواهد بود اثری همتای قرآن بیاورد. و سپس اعجاز قرآن را از این مطلب نتیجه‌گیری می کند و حتی معجزات موسی (ع) و عیسی (ع) را از طریق قرآن اثبات می کند. «۲» ب: ترتیب موجود تدوین سوره‌های قرآن ترتیبی ملهم از ذات الهی است. ج: ترتیب نزول سوره‌های قرآن، آنچنان که امروزه می‌دانیم از جانب خدای تعالی است. د: محل نزول سوره‌های قرآن، اعم از مکی یا مدنی، مورد تأیید قرار می گیرد. ه: شیوه مخصوص کتابت کلمات در قرآن را خدای تعالی خود دستور فرموده است.

(_____ ۱) مدثر/ ۳۰. (۲) ر. ک: معجزة القرآن الکریم و اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، ص ۲۶۹- ۲۷۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۲ و لذا توصیه

می‌کند در کتابت قرآن (صلوة، به صلاة) تغییر داده نشود. و: طریق خاص قرآن در تقسیم هر سوره به آیات با امر الهی صورت گرفته است. ز: آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» جزء لا یتجزای هر سوره، بجز سوره ۹ (التوبه) است. که آن را با دلایلی از نظم ریاضی ثابت می‌کند. «۱»

۲. اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، تألیف رشاد خلیفه، ترجمه و ضمائم از سید محمد تقی آیت اللهی:

۲. اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، تألیف رشاد خلیفه، ترجمه و ضمائم از سید محمد تقی آیت اللهی: مترجم محترم کتاب را از نسخه اصل انگلیسی ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۵ توسط انتشارات دانشگاه شیراز منتشر شده است. ایشان مقدمه‌ای درباره معرفی نویسنده (رشاد خلیفه) و مقدمه‌ای به عنوان «سخن مترجم» اضافه کرده است. و ضمایمی نیز آورده که مقادیر حروف را بر اساس حروف ابجد حساب کرده و حتی برخی خطاهای متن انگلیسی را یادآور شده است. «۲»

۳. معجزة القرن العشرین من کشف سباعیّة و ثلاثیة اوامر القرآن الکریم، ابن خلیفه علیوی:

۳. معجزة القرن العشرین من کشف سباعیّة و ثلاثیة اوامر القرآن الکریم، ابن خلیفه علیوی: ایشان در کتاب خود که ۱۱۰ صفحه است، می‌گوید ۹۰٪ اوامر قرآن هفتگانه یا سه‌گانه یا یگانه است. و تکرار آنها در موارد خود لازم بوده است. برای مثال: امر «اعبدوا» (بپرستید) را سه بار به همه مردم خطاب کرده است؛ سه بار نسبت به اهل مکه در قرآن آمده و سه بار نسبت به پیامبر اسلام (ص) آمده است و شعیب پیامبر (ع) سه بار به قوم خود گفته است و نوح (ع) سه بار و هود (ع) سه بار و صالح (ع) سه بار و عیسی (ع) سه بار گفته‌اند که این سر غریب و عجیبی است. ایشان از این اعداد منظم اعجاز قرآن را نتیجه می‌گیرند. «۳»

۴. المنظومات العددیة فی القرآن العظیم، مهندس مصطفی ابو سیف بدران:

۴. المنظومات العددیة فی القرآن العظیم، مهندس مصطفی ابو سیف بدران: این کتاب در ۸۸ صفحه چاپ شده است و روابط ریاضی حروف مقطعه را بررسی کرده است. بویژه حالات مختلف لفظ «اللّه» را بررسی کرده است.

(_____ ۱) همان، ص ۲۷۱- ۲۷۵. (۲) اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، ص ۲۸۲- ۲۸۳. (۳) ر. ک: معجزة القرن العشرین، ص ۷ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۳

۵. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبد الرزاق نوفل:

۵. الاعجاز العددی للقرآن الکریم، عبد الرزاق نوفل: این کتاب در سه جزء جداگانه چاپ شده است و سپس تحت عنوان «اعجاز عددی در قرآن کریم» توسط مصطفی حسینی طباطبائی ترجمه شده است. ایشان تلاش کرده تا نظام ریاضی تکرار واژه‌ها را در قرآن نشان دهد. برای مثال: واژه دنیا ۱۱۵ بار و واژه آخرت نیز ۱۱۵ بار آمده است. واژه شیاطین و ملائکه هر کدام ۶۸ بار در قرآن آمده است. واژه حیات و مشتقات آن و نیز واژه موت ۱۴۵ بار در قرآن آمده است. ایشان در مقدمه کتاب، این امر را معجزه الهی می‌داند و می‌گوید این توازن در کلمات قرآن ثابت می‌کند که امکان ندارد قرآن، جز وحی الهی باشد. چرا که فوق قدرت انسان و بالاتر از عقل بشری است. «۱» (چرا که یک پیامبر در طول ۲۳ سال از قرآن سخن گفته و توانسته است توازن کلمات خود را در جنگ و صلح و ... حفظ کند و این غیر از معجزه چیز دیگری نیست.)

۶. اعجازات حدیثهٔ علمیهٔ و رقمیّهٔ فی القرآن، دکتر رفیق ابو السعود:

۶. اعجازات حدیثهٔ علمیهٔ و رقمیّهٔ فی القرآن، دکتر رفیق ابو السعود: ایشان در یک فصل کتاب خود معجزه اعداد و ارقام را در قرآن مطرح می‌کند و مطالبی شبیه مطالب عبد الرزاق نوفل می‌آورد. «۲» برای مثال می‌نویسد: الرحمن ۵۷ مرتبه الرحیم ۱۱۴ مرتبه الجزاء ۱۱۷ مرتبه المغفرهٔ ۲۳۴ مرتبه الفجار ۳ مرتبه الابرار ۶ مرتبه العسر ۱۲ مرتبه الیسر ۳۶ مرتبه قل ۳۳۲ مرتبه قالوا ۳۳۲ مرتبه ابلیس ۱۱ مرتبه استعاذه باللّه ۱۱ مرتبه المصیبهٔ ۷۵ مرتبه الشکر ۷۵ مرتبه الجهر ۱۶ مرتبه العلانیهٔ ۱۶ مرتبه الشدهٔ ۱۰۲ مرتبه الصبر ۱۰۲ مرتبه المحبهٔ ۸۳ مرتبه الطاعهٔ ۸۳ مرتبه (_____ ۱)

ر. ک: الاعجاز العددی للقرآن الکریم، الجزء الاول، ص ۱۰- ۱۱ و ص ۱۵ به بعد. (۲) اعجازات حدیثهٔ علمیهٔ و رقمیهٔ فی القرآن، (ص ۶۸- ۷۵) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۴

۷. کاربرد روش سیستم‌ها (راسل. ل. ا. ک) به ضمیمه تعبیر قرآن آربری، ترجمه محمد جواد سهلانی:

۷. کاربرد روش سیستم‌ها (راسل. ل. ا. ک) به ضمیمه تعبیر قرآن آربری، ترجمه محمد جواد سهلانی: ایشان در یک فصل کتاب مطالب رشاد خلیفه را ترجمه کرده و آورده است. «۱»

۸. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسّام نهاد جرّار:

۸. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسّام نهاد جرّار: ایشان پس از آنکه نظام ریاضی دکتر رشاد خلیفه را توضیح می‌دهد و به آن اشکالاتی می‌گیرد، به صورت جدیدی اعجاز عدد ۱۹ را در قرآن اثبات می‌کند. برای مثال می‌گوید: اعدادی که در قرآن آمده است ۳۸ عدد است و این عدد از مضاعف‌های عدد ۱۹ است. و نیز تعداد اعداد صحیحی که به صورت مکرر در قرآن آمده است ۲۸۵ بار است که این عدد هم از مضاعف‌های عدد ۱۹ (۲۸۵ ۱۹* ۱۵) است. ایشان فصل سوم کتاب (ص ۱۴۰- ۱۵۲) را به همین امر اختصاص داده است.

۹. تفسیر نمونه، آیهٔ اللّه مکارم شیرازی:

۹. تفسیر نمونه، آیهٔ اللّه مکارم شیرازی: ایشان در جلد دوّم تفسیر نمونه زیر آیه اوّل سوره آل عمران بحثی را از دکتر رشاد خلیفه به صورت مبسوط گزارش می‌کنند. ولی قضاوت در مورد صحت و سقم آن را نیازمند بررسی فراوان می‌دانند و لذا قضاوتی نمی‌کنند. ایشان پس از ذکر مطالب دکتر رشاد خلیفه این نتایج را می‌گیرند: الف: رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید. ب: این مطلب دلیل دیگری بر عدم تحریف قرآن است (چرا که اگر کلمه یا حرفی از قرآن کم می‌شد ارقام صحیح درنمی‌آمد) ج: اشارات پر معنا (در سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شود پس از ذکر این حرف، اشاره به حقانیت و عظمت قرآن شده است.) و در پایان نتیجه می‌گیرند که حروف قرآن که طی ۲۳ سال بر پیامبر (ص) نازل شده حساب بسیار دقیق و منظمی دارد که حفظ و نگهداری نسبت‌های آن بدون استفاده از مغزهای الکترونیکی امکان‌پذیر نیست. «۲»

(_____ ۱) کاربرد روش سیستم‌ها، (ص ۵۲- ۸۰) (۲) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۰۳- ۳۰۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۵

۱۰. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی:

۱۰. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی: ایشان کوشش نموده است تا اشکالاتی را که بر اعجاز عددی و محاسبات عبد الرزاق نوفل و رشاد خلیفه نموده‌اند جواب دهد. او در ابتدا تمام مطالب رشاد خلیفه و عبد الرزاق نوفل را خلاصه کرده و بیان نموده است. ایشان اشکالات را یکی پس از دیگری برمی‌شمارد و حتی برخی از آنها را به نقل از نامه‌های دکتر رشاد خلیفه پاسخ می‌دهد. ما در ادامه مطلب به برخی پاسخ‌های ایشان اشاره می‌کنیم.

۱۱. المعجزة، مهندس عدنان رفاعی:

۱۱. المعجزة، مهندس عدنان رفاعی: ایشان هم مطالبی شبیه سخنان عبد الرزاق نوفل و دکتر رفیق ابو السعود می‌آورند.

۱۲. الاعجاز العددی فی سورة الفاتحة، طلحة جوهر:

۱۲. الاعجاز العددی فی سورة الفاتحة، طلحة جوهر: ایشان نیز محور بحث خویش را عدد ۱۹ قرار داده است. و آیه «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را با آیه «تسعة عشر» «۱» مقایسه می‌کند. و در پایان آیاتی را که ۱۹ حرف دارد جمع آوری کرده است. و از همه مطالب کتاب اعجاز عددی و ریاضی قرآن را ثابت می‌کند.

۱۳. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کوروش جم‌نشان:

۱۳. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کوروش جم‌نشان: ایشان با توجه به آیه سوّم سوره و الفجر که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است به فکر افتاده است که شاید یک نظام عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن باشد. در نهایت جمع اعداد زوج دقیقا مساوی با جمع تعداد آیات قرآن یعنی ۶۲۳۶ و جمع اعداد فرد مساوی با ۶۵۵۵ است که حاصل جمع شماره سوره‌ها می‌باشد. و بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را اثبات می‌کند. «۲»

۱۴. ماوراء احتمال، عبد الله اریک:

۱۴. ماوراء احتمال، عبد الله اریک: برخی نویسندگان با استفاده از کتاب فوق مقاله‌ای تحت عنوان «بسم اللّه مفقوده»

(_____ ۱) مدثر/ ۳۰. (۲) ر. ک: بینات، بهار ۱۳۷۵، ش ۱، ص ۹۹. و نیز کیهان فرهنگی، ش ۶۷، ص ۷۱- ۷۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۶

نوشته و مدعی شده‌اند که نبودن بسم الله در صدر سوره توبه و تکرار آن در سوره نمل بسیار حکیمانه و از معجزات قرآن است. ایشان با استفاده از سوره‌ها این مطلب را اثبات می‌کند. «۱»

۱۵. من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، دکتر ابو زهرا نجدی:

۱۵. من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم، دکتر ابو زهرا نجدی: ایشان کار دکتر رشاد خلیفه را ادامه داده است و برای مثال می‌گوید در قرآن ۳۴ مرتبه واژه سجده آمده که اشاره به ۳۴ سجده نمازهای یومیه است.

ب: مخالفان اعجاز عددی قرآن:

اشاره

ب: مخالفان اعجاز عـددی قرآن: در این مورد به چنـد کتاب و مقاله برخورد کردیم که بدانها اشاره می‌کنیم و اسـتدلال‌های آنها را بیان می‌کنیم:

۱. تسعهٔ عشر ملکا، بیان ان فریهٔ الاعجاز العددی للقرآن خدعهٔ بهائیهٔ، حسین ناجی محمد محی الدین:

۱. تسـعهٔ عشر ملکا، بیان ان فریهٔ الاعجاز العددی للقرآن خدعهٔ بهائیهٔ، حسین ناجی محمد محی الدین: ایشان به شدت به کسانی که عدد ۱۹ را یکی از اسـرار قرآن می‌دانند حمله می‌کنند و آنها را نوعی دروغ بستن بر خدا دانسته است. «۲» سپس متذکر می‌شود که عدد ۱۹ از شـعارهای بهائیان است که در نظر مسـلمانان مرتد و کافر هستند؛ و شواهدی می‌آورد که سال در نظر آنان ۱۹ ماه است؛ هر ماهی نیز ۱۹ روز است؛ کتـاب «البیان» آنان ۱۹ قسـمت است و هر قسم آن ۱۹ باب است؛ و عـدد نمازهای یومیه آنها ۱۹ رکعت است و ... «۳» در بخش دیگر متذکر می‌شود که عدد ۱۹ مختص قرآن نیست و جملاتی را بیان می‌کند که بدون استفاده از رایانه بر اساس عدد ۱۹ شـکل گرفته است در حالی که مطالب آن باطل است. مثل: «لا بعث و لا حساب و لا جهنم؛ لا صـراط و لا جنـهٔ و لا نعیـــــم و ...» (۱۹ حرف (_____ ۱) ecitamehtaM ni egasseM s' doG- YTILIBABORP DNOVED) (به نقـل از کیهـان فرهنگی، پیشـین، ص ۷۳) (۲) تسـعهٔ عشر ملکا، ص ۱۱- ۱۲. (۳) همان، ص ۳۳- ۳۷. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۷ است و ۴ الف دارد. «۱» و سپس بیـان می‌کنـد که رابطه‌ای بین بسم الله الرحمن الرحیم و حروف مقطعه سوره‌ها و جهنم (نوزده ملک جهنم) وجود نـدارد. «۲» در بخش دیگری خطاهای عددی قائلین به اعجاز عددی را توضیح می‌دهد. «۳»

۲. المعجزهٔ القرآنیهٔ، دکتر محمد حسن هیتو:

۲. المعجزهٔ القرآنیهٔ، دکتر محمد حسن هیتو: ایشان تقریبا همان مطالب حسین ناجی محمد را تأیید و تکرار می‌کند.

۳. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسام نهاد جرّار:

۳. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، بسـام نهاد جرّار: ایشان هر چنـد خود به نوعی اعجاز عـدد ۱۹ را در قرآن پـذیرفته است امّا با ذکر مطالبی خطاها و اشـتباهات دکتر رشاد خلیفه را بیان کرده است. او می‌نویسـد: بعد از تحقیق در مورد تکرار حروف در سوره‌ها متوجه شـدم که دکتر رشـاد خلیفه به صورت عمـدی دروغ گفته است تـا اینکه به نتایـج مورد نظرش در تکرار حروف در هر سوره برسـد و ثابت کنـد که همگی بر عدد ۱۹ قابل تقسـیم است. «۴» ایشـان در جـای دیگر به انحراف فکری رشـاد خلیفه اشاره کرده و می‌گویـد پس از آنکه کتـاب «معجزهٔ القرآن الکریم» از ایشـان چـاپ شـد و اشـکالات آن ظاهر شـد، رشاد خلیفه (که امام جماعت مسـجد توسان بود) با نمازگزاران اختلاف پیـدا کرد. و او را طرد کردند و رشاد خلیفه مرکزی را افتتاح کرد و سـنّت را منکر شد. و در نهـــایت ادعـــای نبـــوت کرد. و ســـرانجام نیز بوســـیله کـــاردی در همـــان مرکز کشـــته شـــد. «۵» (_____ ۱) همـان، ص ۷۵- ۷۶ (البته سـخن ایشان قابل خدشه است چون جملات کوتاه با فکر قبلی و در یک زمان خاص و با همین هدف ساخته شده است. امّا قرآن کریم در طی ۲۳ سـال به صورت متفرق در جنـگ و صـلح و ... توسـط یـک انسان امّی آورده شـده است. و تناسب و نظام ریاضـی آن (اگر مبنای ۱۹ صحیح باشد) امر شگفت‌انگیزی است که از توان سخنرانان عادی بشر خارج است علاوه بر آن قرآن دارای محتوای بسیار بلند و همراه فصاحت و بلاغت است که این نظام ریاضـی نیز همراه آن شده است و این جملات همان سـخنان معمولی بشری است. پس قیاس این جملات با قرآن صـحیح نیست.) (۲) همان، ص ۱۱۱. (۳) همان، ص ۹۵. (۴) اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ص

۲۶. (۵) همان، ص ۲۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۸

۴. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی:

۴. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی: ایشان در مقاله‌ای مفصل در مجله کیهان اندیشه «۱» اشکالات متعددی نسبت به برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که اعجاز عددی را پذیرفته‌اند، مطرح می‌کند و این جریان را انحرافی دانسته که موجب سرگردانی افراد می‌شود. ایشان این نکته را متذکر می‌شوند که در قرآن به وصفی برخورد نمی‌کنیم که به جنبه لفظی قرآن، آن هم از زاویه اعجاز عددی نظر داشته باشد. (و همینگونه در احادیث) دکتر رشاد خلیفه می‌گفت: بسم الله الرحمن الرحیم دارای ۱۹ حرف و تک‌تک کلمات این آیه اوّل قرآن به صورتی که بر عدد ۱۹ قابل تقسیم است در قرآن به کار رفته است. چنانکه در کل قرآن ۱۹ مرتبه «بسم الله» و ۲۶۹۸ بار «اللّه» و ۵۷ بار «رحمن» و ۱۱۴ بار «رحیم» به کار رفته است. و ایشان در جواب می‌نویسد: از این آمار فقط رقم ۵۷ صحیح است و سپس تذکر می‌دهد که برای اینکه عدد «اللّه» درست شود باید واژه «بالله و تالله و للّه و فالله» را حساب کنیم امّا «اللّهم» را حساب نکنیم و یا واژه «اسم» در قرآن ۲۲ بار آمده و «باسم» فقط ۷ بار به کار رفته است «۲»-. «۳» سپس به استفاده‌های ذوقی از آیات قرآن اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ن» در سوره «ن و القلم» ۱۳۱ مرتبه آمده است نه ۱۳۲ مرتبه تا مضرب ۱۹ باشد. بخاطر همین دکتر رشاد خلیفه مجبور شده «ن» اوّل را به صورت «نون» بنویسد تا یک نون اضافه شود و یک نون هم از بسم اللّه الرحمن الرحیم آغاز سوره وام گرفته است تا

(_____ ۱) مجله کیهان اندیشه، ش ۶۷، ص ۶۲ به بعد. (۲) همان، ص ۶۶. (۳) آقای محمود احمدی در اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، ص ۱۵ از نامه‌های دکتر رشاد خلیفه پاسخ همین اشکال (تکرار اسم ۲۲ بار در قرآن) را اینگونه حکایت می‌کند: واژه «الاسم» در سوره حجرات بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ دلالت بر اسماء الله نمی‌کند و لغت اسم در سوره انعام/ ۱۲۱ مِمَّا لَمْ یُذْکَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَیْهِ و آیه ۱۳۸ لا یَذْکُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَیْهَا منفی است. و در نتیجه هر سه حذف شدند و ۱۹ اسم در قرآن باقی ماند. البته روشن است که پاسخ دکتر رشاد خلیفه در این مورد یک توجیه ناکافی است. چرا که ایشان از ابتدا گفته بود هر کدام از واژه‌های «بسم اللّه الرحمن الرحیم» در قرآن با ضریب ۱۹ بار تکرار شده است و نگفته بود که واژه الله- اسم- رحمن- رحیم به صورت مقید تکرار شده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۲۹ تعداد ۱۳۳ عدد نون تمام شود. «۱» و در سوره «طه» مجموع این دو حرف ۳۳۹ آمده است نه ۳۴۲ تا مضرب ۱۹ باشد. و ایشان تاء گرد را هاء محسوب کرده است. (زینهٔ- زینه) «۲» سپس ایشان در جواب مهندس عدنان رفاعی که گفته واژه «یوم» ۳۶۵ بار در قرآن آمده است. می‌نویسد: «یوم» را به صورت مفرد در نظر گرفته و در همان حال «یومئذ» و «یومکم» و «یومهم» را حساب نکرده است. در حالی که «بالیوم» و «فالیوم» را حساب کرده است. و بطور کلی اسلوب منطقی در موارد شمارش اعداد رعایت نشده است در بعضی موارد مفرد را حساب کرده‌اند و در برخی موارد (مثل جنات) مشتقات آن را هم حساب کرده‌اند. و سپس در پاسخ صاحب کتاب «آیت کبری» که می‌گوید: در اوایل اسلام نقطه‌گذاری نبوده پس باید حروف مجموعه (نقطه‌دار مثل ج) را با حروف مهمله (بدون نقطه مثل ح) حساب کرد. می‌نویسد که: اصل مطلب صحیح است امّا کتابت و نگارش چندان مهم نیست آنچه مهم است قرائت است و در عصر نزول مسلما حاء و خاء و جیم در تلفظ فرق داشته‌اند «۳» ایشان در پاسخ کورش جم نشان در مورد «اعجاز زوج و فرد» قرآن می‌نویسد: اشکال اساسی‌تر این است که چنین چیزی اثبات اعجاز قرآن نیست، زیرا به راحتی می‌توان کتابی نوشت و از آغاز بین ابواب و فصول و تعداد جملات آن چنین نظمی را جاسازی نمود. «۴» در جای دیگر، ایشان به عبد الرزاق نوفل اشکال می‌کند که لفظ ابلیس ۱۱ مرتبه در قرآن آمده است اما ادعای ایشان در مورد لفظ استعاذه صحیح نیست و لفظ صریح استعاذه ۷ مرتبه در قرآن آمده است و با مشتقات آن ۱۶ مرتبه آمده است. و سپس اشکال دیگری به عبد الرزاق نوفل می‌کند

که ارتباط مفهومی بین مصیبت و (_____ ۱)

البته این اشکال هم مبنائی است چون ممکن است دکتر رشاد خلیفه بگوید معیار تلفظ حروف قرآن (نه نوشته آن) بوده است. (۲) البته این اشکال هم مبنائی است چون ممکن است دکتر رشاد خلیفه بگوید معیار تلفظ حروف قرآن (نه نوشته آن) بوده است. (۳) عجیب است که ایشان در مقابل دکتر رشاد خلیفه معیار را خط عثمان طه می‌داند و به او اشکال می‌کند که چرا تلفظ را معیار دانسته است و در اینجا معیار را قرائت می‌داند. (۴) همانطور که گذشت اینگونه قیاس‌ها بین قرآن و کتابی که از اول با هدف نظم ریاضی و توسط یک فرد دانشمند نوشته شود صحیح نیست چرا که قرآن از یک انسان امّی در طی ۲۳ سال و در حالات مختلف با این نظم ریاضی آورده شده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۰ شکر (که هر کدام ۷۵ مرتبه با مشتقات آنها در قرآن آمده است) روشن نیست. «۱» در بخش دیگری متذکر می‌شود که بر فرض که تناسب و توازن‌ها در حدی از کثرت باشند که اتفاقی بودن این آمار و ارقام عادتا محال باشد، باز غیر بشری بودن قرآن را نمی‌توان نتیجه گرفت زیرا عقلا و عادتا محال نیست کسی کتابی تدوین کند و در عین حال چنین معادلاتی را در آن بگنجاند. «۲» ایشان در پایان، مطالب خود را خلاصه کرده و نتایجی می‌گیرد که عبارتند از: الف: اعجاز عددی قرآن که توسط رشاد خلیفه مطرح شد رد پای آن در کتاب «الاتقان» سیوطی مطرح است. ب: این، جریانی انحرافی و نامبارک بود که هیچ خدمتی به نشر فرهنگ قرآن نکرد. و خود رشاد خلیفه با طرح مطالبی مخرّب از جمله تعیین دقیق زمان برپایی قیامت (۱۷۰۹ ق) و ادعای رسالت خود را به کشتن داد. ج: آمار و ارقام اعلام شده در مورد نظم ریاضی قرآن غالبا درست نیست. د: در شمارش کلمات و حروف، روش واحدی را رعایت نمی‌کنند. ه: بر فرض که توازن و تناسبی در تکرار واژه‌های قرآن باشد، این به تنهایی معجزه بودن قرآن را ثابت نمی‌کند. زیرا مشابه این امور در کارهای بشری وجود دارد. و: بین نتیجه‌گیریهای خاصی که از توازن و تناسب کلمات گرفته می‌شود با اینگونه مطالب رابطه منطقی وجود ندارد. و پاره‌ای از این استنتاجها مبتلا به مغالطه «هست و باید» می‌باشند». ز: این جریان انحرافی دستاویزی برای معتقدان به تحریف قرآن می‌شود، که در مواردی که نظم ریاضی به حد نصاب نرسد نتیجه بگیرند که پس قرآن تحریف شده است. ح: استفاده شاعرانه (نه برهانی) از بعضی تناسب‌ها اشکال ندارد ولی این یک بیان خطابی و شاعرانه است. ط: در کتاب و سنّت هیچ اشاره و کنایه‌ای به وجود نظم ریاضی در قرآن دیده (_____ ۱)

البته شاید عبد الرزاق نوفل می‌توانست به این اشکال پاسخ دهد که لازمه مصیبت صبر است و اگر انسان همه چیز را از خدا بداند و در توحید کامل باشد همین بلاها و مصیبت‌ها را امتحان و موجب رشد و کمال می‌داند و لذا شکر می‌کند. (۲) اشکال این قیاس در پاورقی‌های قبلی گذشت و علاوه بر آن اعجاز یعنی امر خارق عادت و اگر واقعا این نظم ریاضی اثبات شود (بر فرض صحت صغری) آنگاه احتمال اینکه کسی در آینده بتواند چنین کاری بکند مانع اعجاز آن در زمان حال نیست چون این احتمالات بعید همیشه وجود داشته و با تحدی قرآن ناسازگار است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۱ نمی‌شود. بلکه قرآن کتاب هدایت و عمل است. ی: راه پی بردن به اعجاز قرآن تسلط به فنون ادبیات عرب و تلاوت فراوان و تأمل در قرآن است، نه سیر انحرافی فوق. «۱»

بررسی و جمع‌بندی:

بررسی و جمع‌بندی: در مورد اعجاز عددی قرآن اشاره به چند مطلب لازم است: ۱. از مطالب گذشته روشن شد که تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان نظم ریاضی قرآن را دنبال کرده‌اند و به نتایج قابل توجهی رسیده‌اند، هر چند که برخی از محاسبات آنها خطا بوده و یا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی همراه بوده است. از سخنان طرفین استفاده می‌شود که نظم ریاضی قرآن به صورت موجبه جزئیه مورد پذیرش موافقان و مخالفان اعجاز عددی واقع شده است اما به صورت موجبه کلیه (یعنی در همه موارد ادعا شده) مورد

قبول نیست. ۲. همانطور که گذشت مبنا بودن عدد ۱۹ در همه آیات و ارقام قرآنی، مخدوش است. اما این مطلب بدان معنا نیست که بگوئیم متفکران اسلامی که این سخن را گفته‌اند بهائی بوده یا منحرف بوده‌اند. اینگونه برخوردها در مطالب علمی صحیح بنظر نمی‌رسد. جالب این است که برخی از این افراد در حالی دکتر رشاد خلیفه و امثال او را متهم به انحراف فکری و ... می‌کنند که خود اعجاز عددی ۱۹ را به صورتی دیگر در کتاب خویش پذیرفته‌اند. «۲» ۳. نظم ریاضی قرآن (در همان موارد محدودی که وجود دارد و مورد پذیرش طرفین است) یک مطلب شگفت‌انگیز است چرا که یک فرد امّی و درس ناخوانده در طی ۲۳ سال کتابی با نظم خاص ریاضی آورده است که در حالات روانی مختلف مثل جنگ و صلح و در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت آورده شده است. (نه مثل یک دانشمند فارغ از همه چیز که در یک کتابخانه، با آرامش، کتابی منظم تدوین می‌کند) و مطالبی عالی و همراه با فصاحت و بلاغت در آن وجود دارد.

(_____ ۱) عباس یزدانی، کیهان اندیشه، ش ۶۷، مقاله اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، ص ۶۲- ۸۴ با تلخیص. (۲) ر. ک: بسام نهاد جرّار، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، ص ۲۱ و ۱۴۰. برخی احتمال می‌دهند که برخورد تندی که با دکتر رشاد خلیفه شده است بخاطر تمایل او به برخی مذاهب اسلامی و گرایش او به افکار خاص بوده است و شاید علت قتل او نیز ریشه در همین تندرویهای مخالفان او داشته باشد. بویژه که او اثبات کرده بود «بسم الله الرحمن الرحیم» در همه سوره‌ها جزئی از قرآن است و این یکی از مطالب اختلافی جهان اسلام بوده است. هر چند که برخی محاسبات دکتر رشاد خلیفه خطا بوده است امّا آیا مستحق این حمله‌ها و تهمت‌ها و قتل بود؟! پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۲ این مطلب خود بسی شگفت‌آور و عجیب است. امّا آیا می‌توان ادعا کرد که این نظم ریاضی اعجاز قرآن را نیز ثابت کند؟ در اینجا دو اشکال عمده وجود دارد: نخست آنکه، این مطلب از لحاظ صغری قابل خدشه است چرا که نظم ریاضی به صورت موجبه کلیه اثبات نشد و کثرت مطالب اثبات شده به طوری نیست که اعجاز را ثابت کند. و دوم از لحاظ کبری قابل خدشه است چرا که قرآن کریم که تحدّی و مبارزه‌طلبی کرده است (که اگر می‌توانید مثل قرآن را بیاورید) تحدّی آن عام نیست و شامل همه جنبه‌های اعجاز قرآن نمی‌شود و در قرآن نیز اشاره‌ای به اعجاز عددی آن نشده است. هر چند که ما در فصل اول کتاب به اشکال دوم پاسخ دادیم و بیان کردیم که ممکن است تحدّی قرآن عام باشد امّا اشکال اول هنوز سر جای خود باقی است، پس اعجاز علمی قرآن از طریق اعجاز عددی آن فعلاً قابل اثبات نیست. ۴. با توجه به مطالب فوق و عدم اثبات قطعی اعجاز عددی قرآن، نتایجی که دکتر رشاد خلیفه از این مطلب می‌گرفت مخدوش می‌شود و محل نزول سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها و شیوه کتابت و طریقه خاص تقسیم آیات اثبات نمی‌شود مگر آنکه به صورتی قطعی و جامع اعجاز عددی قرآن اثبات گردد. ۵. برخی از طرفداران اعجاز عددی قرآن از آن مطلب برای اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن و برخی بعنوان خطر توهم تحریف قرآن یاد کرده بودند، در حالی که اعجاز عددی، زبان گزارشی دارد، پس فقط می‌تواند بگوید که اینگونه نظم ریاضی هست امّا چگونه باید باشد را بیان نمی‌کند. بنابراین نظم ریاضی قرآن، دلیل بر تحریف‌پذیری یا تحریف ناپذیری قرآن نیست. ۶. برخی از اشکالات طرفداران اعجاز عددی قرآن، در سخنان مخالفان منعکس شد. و برخی اشکالات سخنان مخالفان اعجاز عددی قرآن را در پاورقی‌ها بیان کردیم و لذا تکرار نمی‌کنیم. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۳

بخش چهارم: قرآن و علوم زیست‌شناسی

۱. منشأ پیدایش حیات در زمین:

اشاره

۱. منشأ پیدایش حیات در زمین: یکی از مسایلی که همیشه فکر بشر را به خود مشغول کرده است مسأله حیات و چگونگی پیدایش آن در زمین بوده است. در این مورد متخصصان و صاحب‌نظران علوم، اظهار نظرهایی کرده‌اند و قرآن کریم نیز در برخی آیات به این مطلب اشاره کرده است که به دلیل انطباق آن با نظریات علمی، برخی این مطلب را از معجزات علمی قرآن دانسته‌اند. در اینجا به بررسی این آیات می‌پردازیم. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَ فَلا یُؤْمِنُونَ «۱» «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.» وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ «۲» «و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود.» وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی رِجْلَیْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی أَرْبَعٍ یَخْلُقُ اللَّهُ ما یَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ «۳» «و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتداء] از آبی آفرید. پس پاره‌ای از آنها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهار [پا] راه می‌روند. خدا هر چه بخواهد می‌آفریند. در حقیقت خدا بر هر چیزی توانا است.» وَ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراکِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِیَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّیْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَیْرَ مُتَشابِهٍ انْظُرُوا إِلی ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ یَنْعِهِ إِنَّ فِی ذلِکُمْ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ «۴» و همین مضمون در سوره ابراهیم/ ۳۲ و طه/ ۵۳.

(_____ ۱) انبیاء/ ۳۰. (۲) هود/ ۷. (۳) نور/ ۴۵. (۴) انعام/ ۹۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۶ «و اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد؛ پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم. و از آن [گیاه جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن، دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم. و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم. و [نیز] باغهایی از انگور و زیتون و انار- همانند و غیر همانند- خارج نمودیم. به میوه آن چون ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید. قطعا در اینها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست.»

بررسی لغوی و اصطلاحی:

بررسی لغوی و اصطلاحی: ۱. واژه «آب» (ماء) در اصل به معنی هر مایع غیر جامدی است چه آب مطلق باشد یا آب‌های مضاف (مثل آب میوه) ولی وقتی به صورت مطلق (ماء) استعمال می‌شود منصرف به آب خالص است. «۱» آب در اصطلاح به مایعی گفته می‌شود که از دو عنصر هیدروژن (۱/ ۱۱٪) و اکسیژن (۹/ ۸۸٪) ساخته شده است و در درجات حرارت پست اکسیژن زیاد جذب می‌کند یعنی در زمستان بیشتر از تابستان اکسیژن جذب می‌کند. «۲» ۲. واژه «دابهٔ» از ریشه «دبّ» به معنی حرکت خفیف و نرم است که در فارسی از آن به جنبیدن تعبیر می‌شود. «دابهٔ» شامل انسان و انواع حیوانات مثل حشرات و پرندگان و ... می‌شود. بلکه هر جانداری را که کوچکترین حرکتی می‌کند شامل می‌شود. البته در قرآن در معنای عام به کار رفته است مثل: ما مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُها «۳» و گاهی در مقابل انسان (حج/ ۱۸) و مقابل پرندگان (انعام/ ۳۸) نیز بکار رفته است. «۴» ۳. واژه «عرش» در لغت به معنای ارتفاع چیزی است و در مقابل «فرش» آمده است. یعنی چیزی که بالای سر گسترده شده و امتداد دارد. و لذا به سقف خانه عرش گویند و به تخت پادشاهان نیز در هنگامی که بر سر حضار پهن شده و محیط بر آنهاست عرش گویند. «۵» برخی صاحب‌نظران برآنند که عرش در قرآن به دو معنا استعمال شده است:

(_____ ۱) ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۲۲۰ ماده ماء. (۲) دکتر پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۴۰. (۳) هود/ ۶. (۴) التحقیق، ج ۳، ص ۱۶۳- ۱۶۴، ماده دبّ. (۵) التحقیق، ج ۸، ص ۸۵- ۸۶، ماده عرش. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۷ الف: تعبیری که کنایه از مقام سلطنت ربوبیت و تدبیر جهان است ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ. «۱» ب: مقصود موجودی حقیقی است که تحت تدبیر الهی است «۲» وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ «۳». البته برخی از مفسران نیز عرش را کنایه از حکومت و قدرت الهی می‌دانند.

«۴»

نکات تفسیری و اسرار علمی:

نکات تفسیری و اسرار علمی: ۱. استاد مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۳۰ سوره انبیاء وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ و آیه ۴۵ سوره نور وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ سه احتمال را مطرح می‌کنند: الف: منظور آب نطفه باشد. که در روایات نیز به آن اشاره شده است. اشکال این تفسیر آن است که همه جنبندگان از آب نطفه بوجود نمی‌آیند زیرا حیوانات تک سلولی و بعضی دیگر از حیوانات که مصداق جنبنده (دابه) هستند از طریق تقسیم سلولها بوجود می‌آیند نه نطفه. مگر اینکه گفته شود حکم بالا- جنبه نوعی دارد نه عمومی. ب: منظور، پیدایش نخستین موجود است زیرا طبق بعضی روایات اسلامی اولین موجودی که خدا آفرید آب است و انسانها را بعدا از آن آب آفرید. و هم طبق فرضیه‌های علمی جدید نخستین جوانه حیات در دریاها ظاهر شده است. ج: مقصود این است که در حال حاضر آب ماده اصلی موجودات زنده را تشکیل می‌دهد و قسمت عمده ساختمان آنها آب است. و بدون آب هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. «۵» ایشان در تفسیر آیه ۷ سوره هود وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ احتمال چهارمی را در مورد آیه ۳۰ سوره انبیاء مطرح می‌کنند و می‌نویسند: عرش در اصل به معنی سقف یا شیء سقف‌دار است و به تخت‌های بلند همچون تخت‌های سلاطین گذشته نیز عرش گفته می‌شود. و این کلمه بعدا به معنی قدرت به کار رفته است. واژه «ماء» معنای معمول آن «آب» است امّا گاهی به هر شیء مایع «ماء» گفته می‌شود.

(_____ ۱) اعراف/ ۵۴. (۲) استاد مصباح، معارف قرآن، دو جلدی، ص ۲۴۸- ۲۴۹. (۳) توبه/ ۱۲۹. (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۵ و المیزان، ج ۱۰، ص ۱۵۵. (۵) تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۴، ص ۵۰۸- ۵۰۹ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۸ و سپس نتیجه می‌گیرند که: در آغاز آفرینش، جهان هستی به صورت مواد مذابی بود (یا گازهای فوق العاده فشرده که شکل مواد مذاب و مایع را داشت) بنابراین جهان هستی و پایه تخت قدرت خدا نخست بر این ماده عظیم آبگونه قرار داشت. این همان چیزی است که در آیه ۳۰ سوره انبیاء نیز به آن اشاره شده است وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ. «۱» ۲. علامه طباطبائی (ره) در زیر آیه ۷ سوره هود وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ می‌نویسند: «هر چه که ما از اشیاء زنده می‌بینیم از آب خلق شده است پس ماده حیات آب است و بودن عرش بر آب کنایه از این است که ملک (حکومت و سلطه و قدرت) خداوند تعالی در آن روز، بر این آبی که ماده حیات است، مستقر بوده است. عرش ملک همان مظهر ملک (حکومت و قدرت) وست و استقرار عرش بر محلی همان استقرار ملک او بر آن محل است.» «۲» ۳. استاد معرفت با ذکر روایاتی در مورد آفرینش همه چیز از آب می‌نویسند که نصوص شرعی دلالت دارد که آب اولین چیزی بوده که از جسمانیات خلق شده است و سپس با ذکر آیه ۷ سوره هود وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ می‌نویسند: قبل از آنکه آسمان و زمین به وجود آید آب وجود داشته است. چرا که عرش کنایه از تدبیر است که همان علم خدا به مصالح وجود بنحو مطلق است. سپس آیات دیگر را می‌آورند (انبیاء/ ۳۰- نور/ ۴۵- فرقان/ ۵۴) و می‌گویند قرآن کریم اشاره دارد که اصل حیات از آب بوده است. ایشان با ذکر کلماتی از فخر رازی (نطفه- آب) در مورد آیات فوق متذکر می‌شود که محققان اهل تفسیر معتقدند که مقصود این آیات همان آبی است که اصل جمیع مخلوقات است که از آن حیوانات بسیط (تک سلولی) بوجود آمد. امّا اینکه اولین موجود زنده در آبهای دریاها یا ... چگونه بوجود آمد هنوز علم جواب صحیحی به آن نداده است. «۳» ایشان در مورد آیه ۳۰ سوره انبیاء وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ می‌نویسند که: «مقصود آن است که آب دخالت کاملی در وجود موجودات زنده دارد. همانطور که فرمود وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ «۴» و در بحث‌های علمی جدید معلوم شده است

(_____ ۱) همان، ج ۹، ص ۲۵ - ۲۶ با

تلخیص. (۲) المیزان، ج ۱۰، ص ۱۵۵. (۳) استاد معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۱- ۳۳. (۴) نور/ ۴۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۳۹ که آب با حیات ارتباط دارد. این معجزه جاویدان قرآن است.» «۱» ۴. یکی از نویسندگان معاصر با طرح آیات سوره نور/ ۴۵ و انبیاء/ ۳۰ می‌نویسد: «علم می‌گوید منشأ و مبدأ همه موجودات زنده آب بوده است و این همان مطلبی است که قرآن کریم قرن‌ها پیش از دانشمندان مذکور در چند آیه بدان اشارت نموده است. این است معجزه‌ای دیگر از آیات علمی قرآن که تا عمق جان مردم غیر مسلمان نفوذ می‌کند.» ایشان با اشاره به مسلمان شدن برخی زیست‌شناسان در أثر مطالعه آیات فوق «۲»، سخنان برخی از دانشمندان در مورد آغاز خلقت را می‌آورد و می‌نویسد: «ژرژ وانیایس بیشوف در کتاب خورشید و زمین و انسان می‌نویسد: آنچه می‌توان با قاطعیت نسبی گفت این است که حیات در محیط گرم آب آغاز شد». «۳» ۵. دکتر پاک‌نژاد با طرح آیه ۳۰ سوره انبیاء می‌نویسد: «اگر ملکولهای اسید آمینه یا ذرات ژلاتین در دریا بوجود آمد یک عمل شیمیائی انجام گرفت و چون دو جسم خشک روی هم أثری ندارد در کلیه موارد وجود آب از عناصر لازم است. به زبانی دیگر جائی که حیات وجود دارد عمل شیمیائی انجام می‌گیرد. و جائی که عمل شیمیائی انجام می‌گیرد، وجود آب حتمی است بدین معنا که وجود حیات به آب بستگی دارد ... آب عنصر جدا نشدنی از موجود زنده است که از دو عنصر هیدروژن و اکسیژن ساخته شده است.» ایشان در مورد پیدایش اولین سنگ بنای ماده زنده (ملکولهای اسیدهای آمینه) می‌نویسد: «در اوایل خلقت زمین رعد و برق‌های شدید بود و بارانهای دیوانه، دریاها پر می‌شد و کم‌کم ملکول‌های حاصله به هم می‌پیوست، پیوستی ملکولها از روی قوه جاذبه نبود بلکه کشش بار الکتریکی و علاقه شیمیائی بود.» «۴» اتم‌ها بهم فشرده شد ملکولها درست شد دریاها پر از ملکولها گردید. ملکولها بهم برخورده التصاق یافته ذرات ژلاتینی را درست می‌کردند. دریاها پر از ذرات ژلاتینی بود. غلظت زیادتر شد و در نتیجه قحطی بوجود آمد بسیاری از ذرات مردند و در

(_____ ۱) ر. ک: استاد معرفت، التمهید، ج ۶، ص ۳۴. (۲) م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۱۰۴. (۳) احمد امین، راه تکامل، ج ۶، ص ۳۲ و مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۵۲- ۵۴. (۴) ایشان توضیح می‌دهد که امروزه نیز در برخی آزمایشگاهها از آب و شوک الکتریکی ساخته شدن این ملکولهای اسید آمینه تجربه شده است. (در سال ۱۹۵۴ میلادی) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۰ برخی از اجساد آنها ماده سبز رنگی (کلروفیل) بوجود آمد. که از نور خورشید قوت می‌گرفت و اینها اولین گیاهان بودند. برخی فسیل‌های یافته شده در این مورد قدمت سه میلیارد ساله را نشان می‌دهد. اولین گیاهان یعنی ذرات کلروفیل گاه طعمه ذرات بزرگ ژلاتینی واقع می‌شدند و آنها که گیاه خوردند اولین جنبنده و «دابهٔ» روی زمین محسوب می‌شوند. «۱» سپس با طرح آیه ۴۴ سوره نور وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ می‌نویسد: «پیدا شدن جنبندگان از کنار دریا قطعی است زیرا موجودات زنده که احتیاج به انرژی داشتند در ابتدای خلقت از راه تخمیر و سپس اکسیداسیون انرژی تهیه می‌کردند. با پیدا شدن اکسیژن و بعد در نتیجه بوجود آمدن ازت که اشعه ماوراء بنفش را جذب می‌کند، موجودات توانستند از دریا خارج شده بر خشکی زندگی نمایند. امروز نیز این هنگامه خلقت در اقیانوس‌ها وجود دارد و دائم در هر گوشه‌ای حیات در شرف تکوین و تشکیل و تکامل است.» «۲» ۶. دکتر بی‌آزار شیرازی با ذکر آیه ۹۹ سوره انعام وَ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْءٍ می‌نویسد: برای مشاهده پیدایش نباتات (گیاهان) تاریخ زمین را از یک میلیارد سال قبل از میلاد در نظر مجسم می‌کنیم و سپس گرمای اولیه زمین و پر آب بودن زمین را تذکر می‌دهد و می‌نویسد: « (در این شرایط) فقط جاندارانی در رطوبت تاریک زندگی می‌کنند که از نوع موجودات ذره‌بینی مخصوص بوده‌اند. موجودات زنده میکروسکوپی اولیه بتدریج «کلروفیل» می‌سازند تا (انیدرید کربنیک) هوا را تجزیه کرده از این راه مواد لازم را برای نموشان تهیه نمایند. این افق جدید منجر به پیدایش نباتات می‌گردد ... سپس دوران‌های گیاهان را در طی چهار دوره بیان می‌کند: «الف: ابتدا گیاهانی به صورت جلبک‌ها در آب اقیانوسها پدیدار می‌کردند و بعد نخستین گیاهان خشکی به نام «دونین»

سر از خاک برمی‌دارند. بعد سرخسها و پنجه گرگ‌ها و دم اسب‌ها. ب: سرخس‌ها فراوان می‌شوند و گیاهان گلدار مانند بید و تبریزی و انجیر و ماگنولیا و در اواخر دوره بلوط و گردو ... پا به عرصه حیات می گذارند. ج: گیاهان تنوع و تکثیر بسیاری می‌یابند. (_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۳۵- ۱۴۴ با تلخیص. (۲) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۳۵- ۱۴۴ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۱ د: وضع گیاهان به صورت کنونی در جهان جلوه گر می گردد.» «۱» سپس ایشان آیه ۴۵ سوره نور وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ را ذکر می کند و می‌نویسد: «همانطور که در آیه فوق ملاحظه می‌نمایید قرآن منشأ حیات و نخستین گهواره جنبندگان را (آب) معرفی نموده است. علوم زیست‌شناسی نیز آب را اساس زندگی می‌داند. چنانکه تحقیقاتی که راجع به ساختمان عمومی جسم زنده به عمل آمده است می‌رساند که آب و کربن قریب ۹۸ درصد جسم موجود زنده را تشکیل می‌دهند. و نیز بررسیهای زمین‌شناسی می‌رساند که قبل از پیدایش «آب» حیات بر سطح زمین وجود نداشته و پس از پیدایش آب و ایجاد دریاها و اقیانوس‌ها تدریجا محیط مساعدی برای زندگی موجودات زنده و تنوع آنها فراهم گردیده است و جنبندگان اولیه ابتدا در دریا بوده و بعد به خشکی درآمده‌اند.» «۲» ۷. دکتر موریس بوکای با طرح آیه ۳۰ سوره انبیاء و ۴۵ سوره نور می‌نویسد: «عبارت مزبور می‌تواند این را معنا دهد که هر چیز زنده از آب به عنوان ماده اصلی ساخته شده است. یا اینکه هر چیز زنده اصلش آب است هر دو معنای ممکن، کاملا با داده‌های علمی موافقند دقیقا نیز چنین است که زندگی منشأ آبی داشته و آب، اولین تشکیل دهنده هر سلول زنده است. سپس به دو معنای «ماء» یعنی آب و مایع اشاره می کند و سپس به قول سوم در آیات مورد نظر (نطفه حیوان) اشاره می کند و تأکید می‌نماید که هر سه تفسیر با داده‌های علمی جدید منطبق است و هیچ یک از اساطیری که در زمان (نزول قرآن) درباره منشأ حیات شیوع فراوانی داشت در متن قرآن جائی ندارد.» «۳» ۸. دکتر هند کوروس صادق مصری که از باستان شناسان پیش از تاریخ است پس از تحقیقاتی که در سال ۱۳۵۴ ش در منطقه آذربایجان ایران انجام داد نظراتی بشرح زیر داد: «پانصد میلیون سال پیش زندگی در روی زمین شروع شده است. زندگی پستانداران از ۸۰ میلیون سال پیش و زندگی بشر از سه میلیون سال قبل شروع شده است.» «۴ » ۹. سید قطب با طرح آیه ۴۵ سوره نور وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ و آیه ۳۰ سوره انبیاء (_____ ۱) گذشته و آینده جهان، ص ۳۶- ۳۸ نقل از زمین‌شناسی و تکامل می کند. (با تلخیص) (۲) همان، ص ۳۹- ۴۲ با تلخیص. (۳) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۵۰- ۲۵۱ با تلخیص. (۴) احمد رهبری، باستان‌شناس عصر حجر، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۵۴ ش به نقل از انسان پیش از تاریخ، ص ۱۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۲ وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ دو مطلب را از آنها استفاده می کند. یکی اینکه آب محل پیدایش حیات بوده است (که از دریا پیدا شد) و سپس انواع و اجناس از آنها بوجود آمد. و دوم آنکه عنصر اساسی در ترکیب موجودات زنده همان آب است. «۱» ۱۰. برخی از صاحب‌نظران معاصر نیز آیه ۳۰ سوره انبیاء و ۴۵ سوره نور را در مورد تشکیل بدن انسان از آب دانسته‌اند. و می گویند که ۷۰٪ وزن انسان آب است و آب اساس تشکیل دهنده خون و ... است. پس می‌توان گفت که تمام موجودات زنده از آب زنده هستند. «۲»

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: ۱. از مجموع آیات مورد بحث (انبیاء/ ۳۰- نور/ ۴۵) بدست می‌آید که منشأ پیدایش موجودات از نظر قرآن «ماء» بوده است. که در مورد این «ماء» چهار احتمال داده شده بود: الف: مقصود امثال منی و نطفه باشد: این تفسیر با آیه ۴۵ سوره نور خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ سازگار است چون با توجه به ادامه آیه فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی ظاهرا در مورد جاندارانی مثل خزندگان، ساختمان چهار پایان و انسان‌هاست که از طریق نطفه و منی تولید مثل می کنند. اشکال این تفسیر آن بود که همه موجودات از منی

و نطفه بوجود نمی‌آیند. و ظهور آیه وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ «۳» همان عموم افرادی است. البته آیات خاصی در مورد خلقت انسان از آب جهنده (ماء دافق و ...) داریم که مخصوص انسان است و بعدا مورد بررسی قرار می‌دهیم. ب: مقصود این باشد که ماده اصلی موجودات زنده از آب تشکیل شده باشد. این تفسیر با ظاهر آیه ۳۰ سوره انبیاء وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ سازگار است ولی با ظاهر آیه ۴۵ سوره نور وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ سازگار نیست. چون سخن در سوره نور از منشأ خلقت است نه ماده تشکیل دهنده و عامل حیات موجودات. ج: مقصود پیدایش نخستین موجود از آب باشد. این تفسیر با هر دو آیه (انبیاء/ ۳۰- نور/ ۴۵) سازگار است. و یافته‌های علمی هم آن را تأیید می‌کند.

(_____ ۱) ر. ک: فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۱۱۱ و نیز التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۴- ۳۵. (۲) ر. ک: بسام دفضع، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، ص ۱۲۲- ۱۲۳. (۳) انبیاء/ ۳۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۳ د: مقصود مایع آب گونه‌ای باشد که خلقت جهان از آن بنا شده است. این تفسیر با معنای لغوی «ماء» سازگار است همانطور که با ظاهر آیات سازگار است ولی همانطور که بیان شد فقط ظاهر آیه ۴۵ سوره نور همان منی و نطفه است. تذکر: جمع کردن برخی از این تفسیرها با هم دیگر در یک آیه اشکالی ندارد. همانطور که برخی از مفسران به آن اشاره کرده‌اند. «۱» ۲. با توجه به تفسیرهای مختلف آیات مورد بحث نمی‌توان یک تفسیر را به صورت قطعی به آیات فوق نسبت داد و بقیه را نفی کرد. امّا هر کدام از معانی چهارگانه‌ای که مراد آیات باشد نوعی رازگوئی علمی است که توسط قرآن کریم در چهارده قرن قبل صورت گرفته است. این اشارات علمی، عظمت این کتاب الهی را می‌رساند ولی با توجه به این که برخی از فلاسفه یونان (مثل تالس) «۲» قبل از قرآن متذکر شده بودند که اصل هستی از آب است، لذا این مطالب قرآن اعجاز علمی این کتاب را اثبات نمی‌کند. ۳. تطبیق آیه ۹۹ سوره انعام وَ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْءٍ با مراحل پیدایش گیاهان از جلبک‌ها دریایی تا گیاهان فعلی توسط دکتر بی‌آزار شیرازی صحیح به نظر نمی‌رسد. چرا که ظاهر آیه ۹۹ سوره انعام نزول باران‌ها و تأثیرات آنها در رشد گیاهان و درختان را یادآوری می‌کند و آیه اشاره‌ای به مرحله اولیه خلقت (پیدایش گیاهان اولیه از آب) ندارد. و شاهد این مطلب آن است که خلقت اولیه جلبک‌ها و ... در دریاها شروع شد همانطور که نویسنده محترم تذکر می‌دهند امّا در این آیه سخن از نزول آب از بالا (آسمان) است. «۳» پس می‌توان گفت که سیاق آیه ۹۹ سوره انعام سیاق آیات سوره نحل/ ۶۵- حج/ ۶۳- عنکبوت/ ۶۳- روم/ ۲۴- لقمان/ ۱۰- فاطر/ ۲۷- ق/ ۹ است که مضمون آنها این است: وَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها. «۴»

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۰۹. (۲) نظرات دانشمندان در مورد خلقت جهان و اصل آن در مبحث مراحل خلقت جهان گذشت. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۶۹ و نیز برای اطلاعات بیشتر به تفسیرهای قرآن زیر آیه ۹۹ انعام مراجعه کنید. (۴) بقره/ ۱۶۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۴

۲. آیا انسان می‌تواند موجود زنده‌ای بوجود آورد؟

اشاره

۲. آیا انسان می‌تواند موجود زنده‌ای بوجود آورد؟ یکی از مسایلی که در عصر حاضر، پس از پیشرفتهای عظیم علوم تجربی، برای بشر مطرح شده است خلقت موجود زنده است. (انسان یا غیر انسان) برخی متخصصان علوم پزشکی و زیست‌شناسی معتقدند بشریت در دهه‌های أخیر در این راه گام‌هایی برداشته و مقدماتی را طی کرده است. برخی از صاحب‌نظران و مفسران قرآن این

مطلب را مورد توجه قرار داده و با ذکر برخی آیات قرآن در مورد امکان‌پذیر بودن یا غیر ممکن بودن آن اظهار نظر کرده‌اند. الف: در مورد امکان‌ناپذیری این امر به آیه زیر استناد شده است: یا أَیُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ یَخْلُقُوا ذُباباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ «۱» «ای مردم مثلی زده شده است گوش به آن فرا دهید، کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند هر چند برای این کار دست به دست هم بدهند» البته در بسیاری از آیات قرآن کریم سخن از ایجاد حیات و آفرینش زندگی توسط خداوند کریم شده است (انعام/ ۹۵- بقره/ ۲۸- یونس/ ۵۶- مؤمنون/ ۸۰- توبه/ ۱۱۶- دخان/ ۸- بقره/ ۲۵۸- ق/ ۴۳- روم/ ۴۰- نحل/ ۶۵) ولی آیه‌ای که به طور صریح دلالت بر حصر آفرینش به خدا کند نیافتیم و نیز کسی را که به این آیات در این مورد استدلال کرده باشد نیافتیم. ب: در مورد امکان‌پذیر بودن آن به آیه زیر استناد شده است: سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً مِنْهُ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ «۲» «و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست قطعا در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است.»

نکات تفسیری و اسرار علمی:

نکات تفسیری و اسرار علمی: ۱. استاد مکارم شیرازی با ذکر آیه ۷۳ سوره حج معمای حیات را به عنوان یک مسأله مبهم بشری مطرح کرده که در طول تاریخ بشر همچنان در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است و می‌گوید: (_____ ۱) حج/ ۷۳. (۲) جاثیه/ ۱۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۵ «جالب اینکه ناتوانی بشر امروز در برابر آفرینش یک مگس به همان اندازه است که در چهارده قرن قبل بود. البته جمعی از دانشمندان اظهار امیدواری می‌کنند که ما تدریجا این فرمول و آن شرایط را کشف می‌کنیم و شاید سرانجام بتوانیم سلولهای زنده را از ترکیب مواد بی‌جان بسازیم.» سپس در این امیدواری دانشمندان تشکیک می‌کند و سخن برخی دانشمندان را در این مورد نقل می‌کند که: «پروفسور هانز» می‌گوید: «تا هزار سال دیگر انسان به راز حیاتی پی خواهد برد ولی این امر دلیل بر این نیست که خواهد توانست مگس یا حشره دیگر و یا حتی سلول زنده‌ای بسازد.» «۱» ایشان ساختمان وجودی مگس را به دلایل مختلف پیچیده‌تر از سفینه‌های فضائی می‌داند (مثلا مگس رشد دارد و آنها ندارند) سپس می‌نویسد: «بر فرض که انسان قادر شود شرایط آغاز حیات و فرمول آن را کشف کند و سلول زنده بسازد ولی نباید فراموش کرد که: اولا این کار جز از طریق تقلید از جهان آفرینش و ترکیب مواد آن با هم شبیه صنایع مونتاژ سازی چیز [دیگری نخواهد بود. ثانیا بر فرض، ساختن یک سلول زنده حل شود مسأله موجودات پیچیده پر سلولی مطرح است مانند ساختمان یک مگس یا ملخ یا انسان. چه کسی می‌تواند امیدوار باشد که چنین اموری از طریق صنعتی امکان‌پذیر باشد.» «۲» و در تفسیر نمونه نیز در زیر آیه ۷۳ حج می‌نویسد: «همه بت‌ها و همه معبودهای آنها و حتی همه دانشمندان و متفکران و مخترعان بشر اگر دست به دست هم بدهند قادر بر آفرینش مگسی نیستند.» «۳» ۲. دکتر بی‌آزار شیرازی در مورد پیدایش حیات به بررسی چند نظریه می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که ایجاد حیات به دست بشر ممکن نیست: الف: برخی معتقدند پیدایش سلول زنده تصادفی است و بر اثر ترکیب مواد شیمیائی با آب در طول زمان بوده است (_____. ۱) راز آفرینش، ص ۱۳۹- ۱۴۱. (۲) پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۰۶- ۱۰۹. (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۷۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۶ سپس ایشان به رد این دیدگاه می‌پردازد که امروز ثابت و مسلم شده است که هر چند محیط مناسب و مساعد با حال حیات باشد ممکن نیست بتواند ایجاد حیات نماید. همچنین با هیچ نوع امتزاج و ترکیب مواد شیمیائی نمی‌توان جرثومه حیات را بوجود آورد. ب: برخی می‌گویند حیات جاویدان است و به شکل هاگ‌های زنده بسیار کوچک یا کوسموزون (naosomsoC) از منظومه‌ای به منظومه دیگر انتقال یافته و در طی یک تکامل عالی به صورت موجودات عالی‌تری درآمده است. (این فرضیه در سال ۱۸۶۵ توسط ریشتر

(rethciR) بیان گردید است.) «۱». سپس ایشان به رد این دیدگاه می‌پردازد. و از قول «کریسی موریسین» نقل می‌کند که این نظریه مردود است زیرا موجود زنده محال است که از برودت و سرمای شدید فضا بگذرد و یا در اشعه کیهانی قوی که در فضا پراکنده است تلف نشود. ج: پاره‌ای دیگر از دانشمندان که به آفریننده‌ای دانا و توانا معتقدند اظهار می‌دارند که چنین نظم دقیقی که در حیات برقرار است، با حساب تصاعد احتمالات، محال است از روی تصادف حادث شده باشد. سپس با ذکر منشأ حیات در علم جدید که از پرتوپلاسم (جرثومه حیات) است که یک ذره سلولی است می‌گوید: حیات نشانه‌ای از قدرت بی‌چون الهی است و اوست که در آغاز به موجودات مرده و بی‌جان حیات بخشیده است. «۲» ۳. دکتر پاک‌نژاد به آزمایشات سال ۱۹۵۴ میلادی که توسط «میلر» صورت گرفته است اشاره می‌کند که توانست چند اسید آمینه که خشت اول بنای ماده زنده است را بسازد و همان سال در آزمایشگاه کمبریج انگلستان دانشمندی کیفیت ترکیب یکی از ملکولهای فوق العاده پیچیده را روشن ساخت. ایشان با استناد به آیه وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ «۳» می‌خواهد ثابت کند که راه علم و قرآن در پیدایش حیات از همان آب و الکتریسته است و بشر توانسته است در این راه به موفقیت‌هایی برسد. «۴» ۴. یکی از نویسندگان معاصر در مورد ایجاد جنین در لوله آزمایش به سخنان برخی پزشکان اشاره می‌کند و سه راه آن را برمی‌شمارد:

(_____۱) ژرژ گاموف، سرگذشت زمین، به نقل از گذشته و آینده جهان، ص ۳۲- ۳۵. (۲) گذشته و آینده جهان، ص ۳۲- ۳۵. (۳) انبیاء/ ۳۰. (۴) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۳۶- ۱۳۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۷ الف: لقاح اوول و اسپرم در لوله آزمایش و قرار دادن آن در رحم اجاره‌ای (مادر دیگر) ب: لقاح اوول و اسپرم در لوله آزمایش و قرار دادن آن در رحم مادر اصلی. ج: لقاح اوول و اسپرم در لوله آزمایش و ادامه کار در لوله آزمایش تا کامل شدن کودک. سپس با استناد به سخنان یک زیست‌شناس فرانسوی متذکر می‌شود که این امر هنوز مشکلات فراوانی سر راه خود دارد. سپس در مورد نظر اسلام در این باره می‌گوید: خدای مهربان جمیع موجودات زمین و آسمان را در اختیار بشر قرار داده تا آنها را تسخیر کند و از آن بهره‌مند گردد. این مطلب در ۲۲ مورد از قرآن کریم مورد بحث گرفته است (مثل آیه ۱۳ جاثیه) سپس متذکر می‌شود که انتقال نطفه دارای محذورات شرعی است و از لحاظ اجتماعی نیز زیانبار است. «۱»

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. آیه‌ای که مورد استشهاد استاد مکارم شیرازی قرار گرفت (حج/ ۷۳) در مورد بت‌پرستان مشرک است که غیر از خدا، بت‌هائی را می‌پرستیدند که نفع و ضرری برای آنها نداشت و کاری از دست آنان ساخته نبود. و لذا خداوند در این فقره از آیات که از آیه ۷۱ سوره حج شروع می‌شود به نفی بت‌پرستی می‌پردازد وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً ... و سپس حالات مشرکین را در مقابل آیات الهی مطرح می‌کند (حج/ ۷۲) و آنگاه مثالی برای مشرکین بت‌پرست می‌زند که این بت‌های شما اگر همگی جمع شوند نمی‌توانند مگسی خلق کنند إِنَّ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ یَخْلُقُوا ذُباباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ «۲» و سپس می‌گوید هرگاه مگسی، چیزی از آنها برباید نمی‌توانند آن را باز پس گیرند وَ إِنْ یَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَیْئاً لا یَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ. آیات در مقام بیان ضعف بت‌ها در همه کارهاست این امری مسلم است ولی ربطی به این ندارد که انسان‌ها بتوانند چیزی خلق کنند. بنابراین دلیل ناتوانی انسان نیست و اثبات نمی‌کند که خلق مخصوص خداست. و جالب این است که استاد مکارم شیرازی در تفسیر نمونه نیز همین سیاق مذکور را

(_____۱) مصطفی زمانی، پیشگوئیهای علمی قرآن، ص ۱۲۲- ۱۲۹. (۲) حج/ ۷۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۸ برای آیات فوق پذیرفته‌اند. امّا باز اصرار دارند

از آیه استفاده کنند که بشر نمی‌تواند چیزی خلق کند. «۱» ۲. دکتر بی‌آزار شیرازی ادعا کرد که ثابت و مسلم است که ایجاد حیات حتی در شرایط مناسب ممکن نیست و درست در نقطه مقابل او دکتر پاک‌نژاد با ذکر آزمایشات علمی ثابت کرد که انسان در این زمینه پیشرفت‌هائی کرده است. با توجه به این دیدگاهها معلوم می‌شود که در مورد ایجاد حیات بین دانشمندان رشته‌های علمی اختلاف نظر وجود دارد و امر مسلم و ثابت شده‌ای در این زمینه نمی‌توان ادعا کرد. و احتمال پیشرفت‌های بعدی در زمینه ایجاد حیات بعید نیست. ۳. خلق و آفرینش به دو معنا می‌تواند باشد: الف: ایجاد اشیاء از عدم (ایجاد و انشاء) ب: نظم دادن اشیاء از ماده‌ای که قبلا ایجاد شده است (تقدیر) برخی از لغویین تصریح کرده‌اند که واژه «خلق» در این دو معنا بکار رفته است و برخی دیگر از لغویین می‌نویسند که در واژه خلق تأکید بر «ایجاد بر کیفیت مخصوص» است و لذا گفته شده که اصل خلق همان تقدیر است. به خلاف واژه «ایجاد» که مقصود در آن جهت ابداع وجود است به صورتی که قبلا نبوده است. «۲» علامه طباطبائی نیز خلق را به معنای جمع کردن اجزاء چیزی می‌داند. «۳» (یعنی چیزی که بوده است و ماده اولیه داشته است حالا سامان‌دهی شود.) با توجه به این معنای لغوی و اصطلاحی می‌توان گفت واژه «خلق» در قرآن به معنای دوم به کار می‌رود. و لذا به حضرت عیسی (ع) در قرآن نسبت داده شده که چیزهایی را به اذن خدا خلق می‌کرد. أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فِیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللَّهِ «۴» «من از گل برای شما [چیزی همانند شکل پرنده می‌سازم، آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرنده می‌شود.» پس می‌توانیم بگوییم که معنای اول خلق (ایجاد و انشاء از عدم) مخصوص خداست

---

(۱) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۶۸ به بعد. (۲) ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۰۸- ۱۱۰ و نیز ر. ک: مصباح اللغة، التهذیب. (۳) المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۸ و ۲۰۹. (۴) آل عمران/ ۴۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۴۹ چون انسان در اختراعات و ابداعات خود چیزی را از عدم نمی‌آورد و ماده اولیه اشیاء را بوجود نمی‌آورد. «۱» ولی خلق به معنای دوم (تنظیم و جمع اجزاء چیزی که قبلا بوده است) اختصاصی به خداوند ندارد. و همانطور که خداوند نطفه انسان را تنظیم می‌کند و کودکی بدنیا می‌آورد إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ «۲» به انسان نیز قدرتی داده است که اگر با فکر و اراده همراه شود می‌تواند چنین کند. و مانعی برای این کار نیست و دلیلی بر اختصاص نوع دوم خلق به خداوند نداریم. پس ممکن است با پیشرفت علمی، افراد دیگر بشر نیز بتوانند پرندگان و یا ماده اولیه حیات را خلق کنند و یا انسانی را از مخلوط کردن نطفه زن و مرد خلق کنند. «۳» پس نمی‌توان گفت که نظر قرآن مخالف این امر است.

۳. خلقت انسان اولیه و نظریه تکامل داروین:

اشاره

۳. خلقت انسان اولیه و نظریه تکامل داروین: پیدایش انسان در روی کره خاکی و قبل از آن پیدایش گیاهان و حیوانات همیشه یکی از مطالب سؤال‌انگیز بشر بوده است که در پی یافتن پاسخی صحیح بدان بوده است. در کتاب مقدس (تورات) و در قرآن کریم، مطالب و آیاتی وجود دارد که نوعی پاسخ به این پرسش بشر بوده است. در عصر جدید و در پی پیشرفت‌های علوم زیست‌شناسی و پیدایش نظریه‌های لامارک (۱۷۴۴- ۱۸۲۹ م) و چارلز داروین (۱۸۰۹- ۱۸۸۲ م) بازار این بحث گرم‌تر شد. و عالمان دین و دانشمندان علوم تجربی هر کدام به نقد و بررسی دیدگاههای یکدیگر پرداختند. در بین مسلمانان گروهی طرفدار نظریه تکامل (ترانسفورمیسم) شدند و به برخی از آیات قرآن استدلال کردند و برخی دیگر نیز طرفدار نظریه ثبات انواع (فیکسیسم) شدند و به برخی دیگر از آیات قرآن استدلال کردند. و حتی برخی آیات را (که ظاهرا موافق نظریه

(_____۱) برخی از فلاسفه معتقدند که انسان در هنگام تفکر و ایجاد تصورات ذهنی، به نوعی خلق می‌کند و این ضعیف‌ترین مرتبه خلق است. بنابراین عقیده، ممکن است گفته شود خلق به معنای اول نیز اختصاص به خدا ندارد مگر آنکه بگوییم انسان در تفکر و تصور در حقیقت همان وجود ذهنی خویش را به صورت‌های مختلف درمی‌آورد پس خلق از نوع دوم است نه اول. (۲) انسان/ ۲. (۳) البته کار حضرت عیسی (ع) همانطور که قرآن اشاره می‌کند (آل عمران/ ۴۹) آیت و معجزه بود. ولی این معجزات نسبت به مردم و علوم آن زمان معجزه بود. و معجزه جاوید نبود پس در زمانهای بعد ممکن است بشر با پیشرفت خود بتواند امثال آن کارها (شفا دادن بیماران و خلق پرندگان و ...) را انجام دهد و تنها معجزه جاویدان که هیچ کس در هیچ زمان نمی‌تواند مثل آن را بیاورد قرآن است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۰ تکامل است) دلیل اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. ما در این نوشتار بر آن نیستیم تا نظریه تکامل یا ثبات انواع را رد و اثبات کنیم و یا تعیین کنیم که کدام نظر صحیح است چرا که این مباحث از حوزه بحث ما خارج است و خود یک کتاب مستقل را می‌طلبد. «۱» ما در اینجا به نقل قول دو طرف و استدلال آنها به آیات قرآن اشاره می‌کنیم و آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم. تذکر: در این بحث ترجمه آیات قرآن را معمولا از کتاب‌هائی که خواسته‌اند این آیات را به نفع یا ضرر یک نظریه تفسیر کنند آورده‌ایم و لذا این ترجمه‌ها ممکن است به نوع خاصی صورت گرفته باشد و مورد تأیید ما نباشد ولی برای تکمیل بحث ناچار بودیم از آنها استفاده کنیم.

تاریخچه بحث تکامل و دیدگاههای دانشمندان علوم تجربی:

تاریخچه بحث تکامل و دیدگاههای دانشمندان علوم تجربی: در اینجا ابتدا به تاریخچه بحث تکامل و سپس تبیین دو نظریه تکامل (ترانسفورمیسم) و ثبات انواع (فیکسیسم) و سپس به دلایل طرفین اشاراتی خواهیم داشت. برخی صاحب‌نظران معتقدند که: «موضوع تکامل سالها قبل از میلاد مسیح (ع) مطرح بوده و پس از میلاد نیز بسیاری از دانشمندان عرب و اسلام به انحاء مختلف بدان اشاره کرده‌اند. از مسلمین «فارابی» در «آراء مدینه فاضله» و «قزوینی» در کتاب «عجائب المخلوقات» و «اخوان الصفا» در «رساله دهم» و «ابن مسکویه» در «تهذیب الاخلاق» و «الفوز الاصغر» و «ابن خلدون» و ... بوده‌اند.» پس نظریه تکامل از دیر زمان به صورت‌های مختلفی در تاریخ علم مطرح بوده است ولی در قرن نوزدهم میلادی با ظهور لامارک و داروین بحث درباره این مسأله اوج گرفت. «۲» طرفداران تکامل در ابتدا به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف: کسانی که تکامل را بر تمام موجودات حتی ماده و انرژی عمومیت می‌دهند (_____. ۱) استاد معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۵- ۴۳ خلاصه‌ای از «اصل الانواع»، را از استاد اسماعیل نقل می‌کند که در این مورد مفید است. (۲) به نظر می‌رسد که واژه «تکامل» گاهی در معنای خاص (تکامل سلسله موجودات از تک سلولی تا انسان) به کار می‌رود که تکامل انواع نامیده می‌شود و موضوع بحث ماست. و گاهی به معنای اعم به کار می‌رود (مثل تکامل جسمی- روحی- معنوی- علمی- تکامل اجتماعی- اخلاقی و ...) که شامل تکامل خاص نیز می‌شود. تا قبل از لامارک و داروین (قرن نوزدهم میلاد) تکامل اعم مطرح بوده امّا بعد از این افراد تکامل اخص مطرح شده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۱ ب: کسانی که آن را مربوط به موجودات زنده و آلی (گیاه و حیوان) می‌دانند. دانشمندان دسته اول به دو بخش تقسیم می‌شوند: ۱. کسانی که می‌گویند: نیروئی که منشأ پیدایش مراحل تکامل در موجودات بوده، ما فوق طبیعت و برتر از همه چیز است. ۲. کسانی که می‌گویند: هر چه هست و نیست در نهاد ماده نهفته است». «۱»

تبیین نظریه تکامل و اثبات انواع:

تبیین نظریه تکامل و اثبات انواع: همانطور که بیان شد، در میان دانشمندان علوم طبیعی دو فرضیه درباره آفرینش موجودات زنده، اعم از گیاهان و جانداران، وجود داشته است: الف: فرضیه تکامل انواع یا «ترانسفورمیسم» که می گوید انواع موجودات زنده در آغاز به شکل کنونی نبودند، بلکه در آغاز موجودات تک سلولی در آب اقیانوسها و از لابلای لجن‌های اعماق دریاها با یک جهش پیدا شدند یعنی موجودات بی‌جان در شرایط خاصی قرار گرفتند که از آنها نخستین سلول‌های زنده پیدا شد. این موجودات ذره‌بینی زنده تدریجا تکامل یافتند و از نوعی به نوع دیگر تغییر شکل دادند. از دریاها به صحراها و از آن به هوا منتقل شدند و انواع گیاهان آبی و زمینی و پرندگان به وجود آمدند. کاملترین حلقه این تکامل همین انسانهای امروزند که از موجوداتی شبیه به میمونهای انسان‌نما ظاهر گشتند. ب: فرضیه ثبوت انواع یا «فیکسیسم» که می گوید انواع جانداران هر کدام جداگانه از آغاز به همین شکل کنونی ظاهر گشتند، و هیچ نوع به نوع دیگر تبدیل نیافته است، و طبعا انسان هم دارای خلقت مستقلی بوده که از آغاز به همین صورت آفریده شده است. دانشمندان هر دو گروه برای اثبات عقیده خود مطالب فراوانی نوشته‌اند و جنگ‌ها و نزاع‌های زیادی در محافل علمی بر سر این مسأله درگرفته است. این جنگ‌ها از زمانی شدت یافت که لامارک (دانشمند جانورشناس معروف فرانسوی که در اواخر قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ می‌زیست) و سپس داروین دانشمند جانورشناس انگلیسی که در قرن نوزدهم می‌زیست، نظرات خود را در زمینه تکامل انواع با دلایل تازه‌ای عرضه کرد. ولی در محافل علوم طبیعی امروز شک نیست که اکثریت دانشمندان طرفدار فرضیه تکاملند.

(۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۵۷ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۲

دلایل طرفداران تکامل:

دلایل طرفداران تکامل: به آسانی می‌توان استدلالات آنها را در سه قسمت خلاصه کرد: نخست دلائلی است که از دیرین‌شناسی و به اصطلاح مطالعه روی فسیلها، یعنی اسکلت‌های متحجر شده موجودات زنده گذشته، آورده‌اند. آنها معتقدند مطالعات طبقات مختلف زمین نشان می‌دهد که موجودات زنده، از صورتهای ساده‌تر به صورتهای کاملتر و پیچیده‌تر تغییر شکل داده‌اند. تنها راهی که اختلاف و تفاوت فسیلها را می‌توان با آن تفسیر کرد، همین فرضیه تکامل است. دلیل دیگر، قرائنی است که از «تشریح مقایسه‌ای» جمع‌آوری کرده‌اند. آنها طی بحثهای مفصل و طولانی می گویند هنگامی که استخوان‌بندی حیوانات مختلف را تشریح کرده و با هم مقایسه کنیم شباهت زیادی در آنها می‌بینیم که نشان می‌دهد که از یک اصل گرفته شده‌اند. بالاخره سومین دلیل آنها قرائنی است که از «جنین‌شناسی» به دست آورده‌اند و معتقدند اگر حیوانات را در حالت جنینی که هنوز تکامل لازم را نیافته‌اند در کنار هم بگذاریم خواهیم دید که جنینها قبل از تکامل در شکم مادر، یا در درون تخم تا چه اندازه با هم شباهت دارند، این نیز تأیید می کند که همه آنها در آغاز از یک اصل گرفته شده‌اند.

پاسخهای طرفداران ثبوت انواع:

پاسخهای طرفداران ثبوت انواع: ولی طرفداران فرضیه ثبوت انواع یک پاسخ کلی به تمام این استدلالات دارند و آن اینکه هیچ یک از این قرائن قانع کننده نیست. البته نمی‌توان انکار کرد که هر یک از این قرائن سه‌گانه احتمال تکامل را در ذهن به عنوان یک «احتمال ظنی» توجیه می کند، ولی هرگز یقین‌آور نخواهد بود. به عبارت روشنتر، اثبات فرضیه تکامل و تبدیل آن از صورت یک فرضیه به یک قانون علمی و قطعی یا باید از طریق دلیل عقلی باشد، و یا از طریق آزمایش و حس و تجربه؛ غیر از این دو راهی نیست امّا از یکسو می‌دانیم دلائل عقلی و فلسفی را به این مسائل راهی نیست، و از سوی دیگر دست تجربه و آزمایش از مسائلی

کـه ریشه‌هـای آن در میلیون‌هـا سـال قبـل نهفتـه اسـت کوتـاه است!. آنچه مـا به حس و تجربه درک می‌کنیم این است که تغییرات سطحی با گذشت زمان به صورت جهش «موتاسیون» در حیوانات و گیاهان رخ می‌دهد، مثلا از نسل گوسفندان پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۳ معمولی ناگهان گوسـفندی متولد می‌شود که پشم آن با پشم گوسـفندان معمولی متفاوت است، یعنی بسـیار لطیف‌تر و نرمتر می‌باشد و همان سرچشـمه پیدایش نسـلی در گوسـفند بنام «گوسـفند مرینوس» می‌شود، با این ویژگی در پشم. و یا اینکه حیواناتی بر أثر جهش، تغییر رنگ چشم یا ناخن و یا شکل پوست بدن و مانند آن پیدا می‌کند. ولی هیچکس تا کنون جهشی ندیده است که دگرگونی مهمی در اعضای اصـلی بدن یک حیوان ایجاد کند و یا نوعی را به نوع دیگر مبدل سازد. بنابراین ما تنها می‌توانیم حدس بزنیم که تراکم جهشـها ممکن است یک روز سـر از تغییر نوع حیوان در بیاورد، و مثلا حیوانات خزنده را تبدیل به پرنـدگان کنـد، ولی این حـدس هرگز یک حـدس قطعی نیست، بلکه تنها یک مسأله ظنی است؛ چرا که ما هرگز با جهشـهای تغییر دهنـده اعضاء اصـلی به عنوان یک حس و تجربه روبرو نشده‌ایم. از مجموع آنچه گفته شد، چنین نتیجه می‌گیریم که دلائل سه‌گانه طرفـداران ترانسـفورمیسم نمی‌توانـد این نظریه را از صورت یـک فرضـیه فراتر برد، و به همین دلیـل، آنهـا که دقیقا روی این مسائل بحث می‌کنند، همواره از آن به عنوان «فرضیه تکامل» سخن می‌گویند نه قانون و اصل.

فرضیه تکامل و مسأله خداشناسی:

فرضیه تکامل و مسأله خداشناسی: بسیاری کوشش دارند میان این فرضیه و مسأله خداشناسی یکنوع تضاد قائل شوند و شاید از یک نظر حق داشـته باشـند. چرا که پیدایش عقیده داروینیسم جنگ شدیدی میان ارباب کلیسا از یکسو، و طرفداران این فرضـیه از سوی دیگر به وجود آورد، و به همین دلیـل، در آن عصـر به دلایـل سیاسـی، اجتماعی که اینجا جای شـرح آن نیست تبلیغات وسـیعی در گرفت که داروینیسم بـا خداشناسـی سازگـار نمی‌باشـد. ولی امروزه این مسأله برای ما روشن است که این دو با هم تضادی نـدارند یعنی مـا چه فرضـیه تکامل را قبول کنیم و چه آن را بر اثر فقـدان دلیل رد نمائیم در هر صورت می‌توانیم خداشـناس باشـیم. فرضـیه تکامـل اگر فرضـا هم ثابت شود، شـکل یک قانون علمی که از روی علت و معلول طبیعی پرده برمی‌دارد به خود خواهـد گرفت، و فرقی میـان این رابطه علت و معلـولی در عـالم جانـداران و دیگر موجودات نیست. آیـا کشف علـل طـبیعی نزول بـاران و جزر و مد دریاها و زلزله‌ها و ماننـد آن مانعی بر سـر راه خداشناسـی خواهد بود؟ مسـلما نه، بنابراین پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۴ کشف یک رابطه تکاملی در میان انواع موجودات نیز هیچگونه مانعی در مسیر شـناخت خـدا ایجاد نمی‌کند. تنها کسانی که تصور می‌کردنـد کشف علل طبیعی با قبول وجود خـدا منافات دارد می‌توانند چنین سـخنی را بگویند، ولی ما امروزه به خوبی می‌دانیم که نه تنهـا کشف این علـل ضـرری به توحیـد نمی‌زنـد بلکه خود دلایـل تـازه‌ای از نظـام آفرینش برای اثبـات وجود خـدا پیش پـای ما می‌گذارد. «۱»

فرضیه تکامل و پیدایش انسان:

فرضـیه تکامل و پیـدایش انسان: برخی محققان باستان‌شـناس پیش از تاریـخ معتقدنـد که: پانصـد میلیون سال پیش زندگی در روی زمین شـروع شده است. زندگی پسـتانداران از ۸۰ میلیون سال پیش و زنـدگی بشـر از سه میلیون سال قبل شـروع شده است و عصـر حجر را مربوط به دوره چهارم یخبنـدان (۷۵ هزار تا ۱۰ هزار سال پیش) می‌دانند که بشـر در این دوره بوجود آمده است. «۲» دکتر پاک‌نژاد می‌نویسد: پستانداران در چه زمان پیدا شده‌اند تاریخ صحیحی در دست نیست امروز تاریخ آنها را تا زمان خزندگان نیز به عقب برده‌اند. برخی از آنها بر درخت‌ها ماندند و در میان آنها حیوانی بنام «سمور» بود که از عجایب خلقتش داشتن انگشت شصت بود. به انـدازه گربه بزرگ بود و چشـمانی درشت داشت. اینها را ما قبل میمونها می‌نامند شاید شـصت میلیون سال پیش زیاد بودند.

پوزه اینها اندک اندک کوتاه شد و به صورت میمون‌های اولیه درآمدند. میمون‌ها کم کم به صورت چهار شکل مهم امروزی شدند (گوریل- ژیبون- اورانگوتان- شامپانزه) که آخری در رشد تکاملی از همه جلوتر است. بعد از آن چند نمونه معروف از میمون‌ها انسان‌نما شدند در سال ۱۹۶۲ م در کنیا جمجمه‌ای پیدا شد که زمان حیاتش به چهارده میلیون سال قبل می‌رسید. در تانگانیکای آفریقای شرقی، جمجمه‌ای مربوط به یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار سال قبل مربوط به انسانهای نسبتا تکامل یافته به نام «هومانابر» یافت شد که حدس می‌زنند با دانستن چند صد لغت سخن می گفته است؛ قبیله داشته و عمرش حدود چهل سال بوده است (_____. ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۸۱- ۸۵. (۲) احمد رهبری، انسان پیش از تاریخ، ص ۱۳، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش. ایشان از باستان‌شناسی عصر حجر نقل می کند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۵ (و انواع دیگری از انسانها نیز توسط دانشمندان و باستان‌شناسان یافت شده و می‌شود که مرتبا در مجلات علمی گزارش می‌شود.) انسانهای ما قبل تاریخ سابقه پانصد هزار ساله دارند امّا تاریخ انسانی فقط پنجاه هزار ساله است و ما قبل آن زمان تاریکی است. معروف‌ترین انسانهای ما قبل تاریخ «اوسترلومینیک پکینپک، پیک انتروپ، نئاندرتال و کرمانیون» هستند که به ترتیب سابقه ۵۵۰- ۳۰۰- ۱۵۰- ۳۵ هزار ساله دارند. اینها انسان بودند و کارهای انسانی می کردند. ابزارهای ظریف دسته‌دار نوک تیز برنده می‌ساختند و اکثرا آتش را می‌شناختند. انسانهای نئاندرتال مرده‌های خود را دفن می کردند چیزی را می‌پرستیدند و حتی آثار این آدمها که حدود شصت هزار سال قبل در غاری سکونت داشته‌اند (پیدا شده که) نشان می‌دهد عقیده به معاذ نیز وجود داشته است. انسانهای تاریخ‌دار و شبیه انسانهای امروزی از پنجاه هزار سال پیش رو به فزونی نهادند. ولی مشخص نیست که نسل آنها از دسته مخصوصی از میمون به نام «پریمات‌ها» یا انسان نماهای دیگر بوده‌اند. «۱» این انسانها ابزارهایی می‌ساختند که هنوز مورد استفاده بشر است (مثل قلاب ماهیگیری، تیر و کمان و ...) و کارهای مذهبی آنها برنامه و تشکیلات داشته است، ولی هنوز در غار زندگی می کردند. در حدود ده هزار سال قبل به تدریج شروع کردند از غار بیرون آیند و از لباس و چراغ استفاده کنند. از نظر دانش بیولوژی این (از غار بیرون آمدن در حدود ده هزار سال قبل) مبدء تمدن بشری شناخته شده است. «۲» ویل دورانت، مورخ مشهور، پس از ذکر مطالبی مشابه مطالب بالا- در مورد پیدایش انسان به تقسیم‌بندی دوره‌های آثار فرهنگی بشر می‌پردازد و آنها را اینگونه ذکر می کند: (_____ ۱) دکتر پاک‌نژاد تفاوت‌ها و تشابه‌های انسان و میمون را به صورت مفصل یادآوری می کند مثل اینکه خون آنها به چهار گروه AB, O, B, A تقسیم می‌شود و خون شامپانزه را می‌توان به انسان تزریق کرد. امّا شیر میمونها به کودک انسان نمی‌سازد (در حالی که شیر برخی حیوانات مثل گاو به کودک انسان سازگار است) مغز یک مرد تقریبا سه برابر یک میمون نر بزرگ است. قوسهای سه گانه گردن، پشت و صلب در انسان برجسته و در میمونها چنین نیست. امّا عمل جذب و هضم غذا در هر دو یکسان است. دوران بارداری بعضی میمون‌ها تقریبا مانند انسان ۲۷۰ روز است و با وجود یکی بودن ساختمان رحم و یکسان بودن ترشحات آبستنی و زایمان در هر دو جنس، امّا نطفه انسان نمی‌تواند هیچ حیوانی را آبستن کند. (ر. ک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۷۱- ۱۷۴.) (۲) دکتر پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۶۶- ۱۷۸ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۶ ۱. فرهنگ یا تمدن ما قبل شلی (حدود ۱۲۵ هزار سال ق. م) ۲. فرهنگ یا تمدن ما قبل شلی (۱۰۰ هزار سال ق. م) ۳. فرهنگ یا تمدن آشولی (حدود ۷۵ هزار سال ق. م) که آثار آن در اکثر نقاط دنیا به دست آمده است. ۴. فرهنگ موستری (حدود ۴۰ هزار سال ق. م) که آثار آن در تمام قاره‌ها آمیخته با بقایای انسان نئاندرتال دیده می‌شود. ۵. فرهنگ اورینیاکی (حدود ۲۵ هزار سال ق. م) ۶. فرهنگ سولوتره‌ای (۲۰ هزار سال ق. م) ۷. فرهنگ ماگدالنی (حدود ۱۶ هزار سال ق. م) در هر هفت دوره دست افزار سنگی انسان غیر صیقلی بودند. «۱»

فرضیه تکامل و قرآن:

اول: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه تکامل مورد استناد قرار گرفته است:

اشاره

اول: آیـاتی که در رابطه با اثبات نظریه تکامل مورد اسـتناد قرار گرفته است: ما این آیات را جـداگانه ذکر می‌کنیم و مورد بررسـی قرار می‌دهیم. این آیات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد.

الف: آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می‌داند:

الف: آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می‌داند: ۱. وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ «۲» «و هر چیز زنده را از آب بوجود آوردیم.» استاد مشکینی با طرح آیه فوق می‌نویسند: «آیه فوق دلالت بر آفرینش همه موجودات زنده اعم از نباتات و حیوانات از جمله انسان از «آب» دارد. پس اینجا قسـمتی از عقایـد قائلین به تکامل اثبات می‌شود.» «۳» سـید قطب نیز با ذکر آیه فوق آن را دلیل بر پیدایش حیات از آب می‌دانـد و اشاره می‌کند این همان چیزی است که علم جدید بیان کرده که اصل حیوانات زنده از آب است و زندگی از آب دریـــا پیـــدا شـــده و ســـپس انـــواع و اجنـــاس از آن پیـــدا شـــد. پس ایـــن مطلـــبی کـــه داروی‌ـــن را بر آن (_____۱) ویـل دورانـت، تاریـخ تمـدن، انتشارات آموزش انقلاب اسـلامی، چاپ دوم ۱۳۶۷ ش، فصل ششم، ص ۱۱۱- ۱۱۵. (۲) انبیاء/ ۳۰. (۳) تکامل در قرآن، ص ۲۳-۲۴. پژوهشـی در اعجـاز علمی قرآن، ص: ۲۵۷ تمجیـد می‌کننـد قرن‌هـا قبل از او قرآن بیان کرده بود. «۱» برخی از نویسـندگان در مورد پیـدایش حیات در زمین آورده‌انـد که: «پس از گذشت ۱۵۰۰ میلیون سال از عمر زمین تدریجا این کره سـرد شد و سـپس در درون آن فعـل و انفعالاـت شدیـدی از حرارت درونی و سـرمای برونی در گرفت و تکانهـا و زلزله‌هـای شدیـد اتفاق افتاد. و سـپس بخارهایی از زمین برخاست و ابرها تشـکیل شـد و باران‌ها آمـد و سـطح زمین را پوشانـد و دریاها تشـکیل شد. حدود پانصد میلیون سال زندگی در قعر دریاها به صورت ابتدائی بود. و موجودات تک سـلولی پیدا شد. و سـپس گروههای مختلف گیاهان و حیوانات دریایی حدود ۱۷۵ میلیون سال قبل پیدا شدند.» «۲» قبلا سخنان صاحب‌نظران دیگر در مورد خلقت همه چیز از آب و استناد آنان به این آیه را آورده‌ایم (در بحث «منشأ پیدایش حیات در زمین»)

بررسی:

بررسـی: در مورد این آیه بحث مفصـلی انجـام شـد و بیـان شـد که چهار تفسـیر مختلف (پیـدایش انسان از نطفه- پیـدایش نخستین موجود از آب- ماده اصـلی بـدن موجودات آب است- ماده اولیه جهان مایع آبگونه بوده) در مورد این آیه شـده است «۳» که فقط تفسیر اول به آیه فوق ناسازگار بود. بنابراین می‌توان به صورت احتمالی گفت که این آیه دلالت بر مرحله اول خلقت موجودات در آب دریاهـا دارد. ولی این تنها تفسـیر آیه نیست. ۲. وَ اللَّهُ خَلَقَ کُـلَّ دَابَّةٍ مِنْ مـاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِـی عَلی بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِـی عَلی رِجْلَیْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِـی عَلی أَرْبَعٍ یَخْلُقُ اللَّهُ مـا یَشـاءُ «۴» «و خداونـد تمـام جنبنـدگان را از آب آفریـد، پس برخی از آنها بر روی شکم خود (خزنـدگان) و برخی بر دو پا و برخی از آنها بر چهار پای خود راه می‌رونـد، خداوند هر آنچه بخواهد می‌آفریند.» اسـتاد

مشکینی در تفسیر این آیه می‌نویسد_____:

(۱) ر. ک: فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۱۱۱. (۲) عبد الغنی الخطیب، قرآن و علم امروز، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، ص ۱۲۹- ۱۳۰، با تلخیص. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۹، ص ۲۵- ۲۶ و نیز به مبحث «منشأ پیدایش حیات در زمین» و مبحث «مراحل خلقت انسان» در همین نوشتار مراجعه کنید. (۴) نور/ ۴۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۸ «تفسیر «آب» به نطفه جنس نر، بر خلاف ظاهر آیه می‌باشد بنابراین، آیه، با این قول که منشأ پیدایش موجود زنده، «آب مخلوط با خاک» است که مواد مساعد حیات در آن دو وجود دارد، بی‌انطباق نیست و بلکه رابطه نزدیکی بین آن دو می‌باشد و مقدم داشتن حیوانات «الماشی علی بطنه» (خزندگان) شاید به این علت باشد که معروف‌ترین این نوع جانداران «ماهیها» هستند که نخستین موجودات زنده از لحاظ زمان آفرینش می‌باشند. و حیوانات خزنده خشکی، بعد از آنها پدید آمدند، و منظور از «من یمشی علی رجلین» (برخی بر دو پای خود راه می‌روند) انسان و پرندگان و برخی انواع میمون‌ها هستند.» و همین آیه، با آوردن عبارت کلی «علی رجلین» (بر دو پا) عقیده آنهائی را که انسان و سایر جانداران را دو نوع مستقل از هم جدا می‌دانند باطل می‌سازد.» «۱» دکتر بی‌آزار شیرازی با توجه به علم فسیل‌شناسی و دیرین‌شناسی، آیه ۴۵ سوره نور را بر مراحل پیدایش حیوانات تطبیق می‌کند و می‌نویسد: «دوران اول: فسیل‌های تریلوبیت‌ها، انواع مرجان‌ها، ماهیان زره‌دار، سوسماران، ماران، لاک‌پشتان و تمساح‌ها و خزندگان زمینی پدید آمدند. این حیوانات جزء آن دسته‌اند که بر شکم راه می‌روند: فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی بَطْنِهِ. دوران دوم (دوره ژوراسیک): پرندگان پیدا شدند که قدیمی‌ترین آنها «ارکئورنیت» است که شبیه بچه کبوتر است ولی خوب نمی‌توانسته پرواز کند و ... این حیوانات جزء آن دسته‌اند که بر دو پا راه می‌روند: وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی رِجْلَیْنِ. دوران سوم: آثار نخستین پستانداران که در اواخر دوره دوم بوجود آمدند، پیدا شده است. در این دوره پستانداران مثل اسب، گاو، شتر، فیل و میمون، تنوع و کثرت پیدا کردند. و این حیوانات از آن دسته‌اند که بر چهار پا راه می‌روند: وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی أَرْبَعٍ.» «۲» دکتر پاک‌نژاد ابتداء به پیدایش موجودات تک سلولی از دریاها می‌پردازد و پس از شرح مفصلی به پیدایش ماهی‌ها اشاره می‌کند و سپس به فاصله سه مرحله بعدی اشاره می‌کند: اول: فاصله بین آنها که در آب بودند و به خشکی کوچ کردند بوجود آمد. این قسمت مخصوص ماهی‌ها و خزندگان بود که دستگاه تنفس و گردش خون نسبتا کاملی داشتند و راه رفتن این دسته بیشتر بر شکم بود.

(_____۱) تکامل در قرآن، ص ۲۴- ۲۵.

(۲) گذشته و آینده جهان، ص ۳۹- ۴۲ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۵۹ دوم: پرندگان بودند که با هوا سر و کار پیدا کردند و تغییر محیط دادند و تکامل یافتند. راه رفتن این دسته بیشتر بر دو پا بود. سوم: پستانداران، یعنی تخم‌گذار تبدیل به پستاندار و بچه‌آور شد. راه رفتن این دسته بیشتر بر چهار پا بود. سپس ایشان تحت عنوان: «اعجاز قرآن در مورد اشاره به حیواناتی که به تدریج تکامل یافتند» به تطبیق مراحل ذکر شده با آیه ۴۵ سوره نور وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی بَطْنِهِ ... می‌پردازد و آن را یکی از بزرگترین معجزات قرآن مطرح می‌کند. سپس توضیح می‌دهد که می‌توان آیه را به دو صورت معنا کرد: یکی اینکه هر ضمیر آیه را به ضمیر بعدی برگردانیم که اینگونه معنا شود: از جنبندگان خزندگان و از خزندگان پرندگان و از پرندگان پستانداران. و دیگر اینکه تمام ضمایر آیه را به «دابه» برگردانیم که اینگونه معنا می‌شود: جنبندگان از آب بودند و از آن‌ها خزندگان بوجود آمد بعد دوران پرندگان بود و در آخر پستانداران. سپس ایشان متذکر می‌شود که پذیرش نظریه تکامل با دینداری تنافی ندارد. «۱»

بررسی:

بررسی: ۱. در مورد این قسمت آیه ۴۵ سوره نور وَ اللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ بیان شد که سه تفسیر (آفرینش انسان از نطفه- پیدایش نخستین موجود از آب- ماده اصلی بدن موجودات آب است) «۲» شده است. ۲. تطبیق تقسیم‌بندی دوران‌های پیدایش گیاهان و حیوانات به سه قسمت آیه فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی رِجْلَیْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی أَرْبَعٍ صحیح بنظر نمی‌رسد. چرا که اینگونه انطباق با یافته‌های علمی ناسازگار است. چرا که در علوم زیست‌شناسی (همانطور که در کلام دکتر بی‌آزار شیرازی آمده بود) میمون در دوره سوم پیدا شده است. و طبق نظریه تکامل، انسان از ادامه نسل میمون‌ها بوجود آمد در حالی که بر طبق آیه حیواناتی که بر دو پا راه می‌روند (از جمله انسان) در دوره دوم قرار می‌گیرند (همانطور که استاد مشکینی نیز تصریح کرده بود) و این دو با هم تعارض دارد.

(_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۱۵۰- ۱۵۴. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۰۸- ۵۰۹ و نیز به مبحث «منشأ پیدایش حیات در زمین» و مبحث «مراحل خلقت انسان» در همین نوشتار مراجعه کنید. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۰ پس بهتر است که بگوییم آیه ۴۵ سوره نور در صدد بیان تقسیمات موجودات زنده فعلی دنیاست که اینان برخی بر دو پا و برخی بر چهار پا و برخی بر شکم می‌روند. و جالب اینکه فقره دوم و سوم با «واو» بر فقره اول عطف شده است فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی رِجْلَیْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلی أَرْبَعٍ که ترتیب و تفریع را نمی‌رساند. یعنی می‌تواند هر سه دسته خزندگان، دو پایان و چهارپایان با هم از آب (نطفه) بوجود آمده باشند. نکته دیگر این که شمارش حیوانات هم از باب حصر نیست بلکه بیان برخی مصادیق مهم است و گرنه برخی حیوانات پیش از چهار پا دارند و برخی شنا می‌کنند ولی در آیه ذکری از آنها نشده است. پس سیاق آیه ۴۵ سوره نور سیاق آیاتی است که خلقت انسان را از آب معرفی می‌کند. ۳. هر چند که نکات علمی آیه ۴۵ سوره نور و انطباق آن با یافته‌های علمی شگفت‌انگیز بوده و عظمت این کتاب الهی را نشان می‌دهد ولی ادعای آقای دکتر پاک‌نژاد در مورد معجزه علمی بودن مطالب آیه ۴۵ سوره نور از دو جهت قابل اشکال است. اول آنکه آیه فوق تفاسیر متعدد دارد و ادعای ایشان بنابر یک تفسیر صحیح است. پس نمی‌توان به صورت قطعی گفت آیه همان مراحل تدریجی و تکاملی خلقت حیوانات را بیان می‌کند تا معجزه علمی باشد. دوم آنکه بیان نمودیم که اصل تطبیق آیه با مراحل زیست‌شناختی تکامل حیوانات، مورد اشکال است.

ب: آیاتی که به سر مرحله خلقت اشاره دارند:

ب: آیاتی که به سر مرحله خلقت اشاره دارند: آیه‌های دیگری که مورد استناد طرفداران نظریه تکامل قرار گرفته است عبارتند از: وَ لَقَدْ خَلَقْناکُمْ ثُمَّ صَوَّرْناکُمْ ثُمَّ قُلْنا لِلْمَلائِکَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ «۱» «و همانا ما شما را آفریدیم و سپس شکل دادیمتان و سپس به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید» و نیز حجر/ ۲۸- ۲۹ و ص ۷۱ و سجده/ ۸- ۹ همین مضمون را دارد. استاد مشکینی با طرح آیه ۱۱ سوره اعراف می‌نویسد: «آیه فوق از جمله بهترین آیات قابل استفاده، برای اثبات این نظریه [تکامل است،

(_____ ۱) اعراف/ ۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۱ زیرا خداوند در این آیه بیان می‌کند که ابتدا او قبل از شکل دادن به انسان، او را آفرید و بعد از مدت نامعلوم (به قرینه کلمه ثم) او را به شکل انسان فعلی درآورده است. سپس بعد از مدتها، فرشتگان را امر به سجود در برابر یکی از افراد نوع انسان کرده است.» و سپس سه مرحله خلقت انسان را از آیه فوق اینگونه استفاده می‌کند: اول: مرحله بعد از خلقت و پیش از شکل گرفتن به صورت انسان (تکوین او از آب و خاک) دوم: مرحله بعد از پیدا کردن شکل «انسان» و پیش از انتخاب آدم از بین افراد نوع. سوم: مرحله انتخاب آدم از بین آنها و بعد از آن امر کردن فرشتگان به سجود بر آدم. «۱» ایشان در توضیح آیات

۲۸- ۲۹ سوره حجر إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ فَإِذا سَوَّیْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی فَقَعُوا لَهُ ساجِدِینَ و آیه ۷۱ سوره ص می گویند که مقصود از «بشر» در این آیه کل نوع اوست. یعنی نوع و طبیعت کلی اوست نه فرد بخصوص و برگزیده مانند «آدم». و در مورد واژه «تسویه» (جمله سویته) می گویند: تقریبا به معنای جاری ساختن انسان در مسیر تکامل است تا اینکه به صورت انسان درآمده و آماده نفخ روح ... گردد. «۲» جالب این است که استاد مکارم شیرازی مفسر معاصر، آیات ۲۶- ۲۸- ۲۹ سوره حجر را به عنوان مهمترین دلیل طرفداران ثبات انواع آورده‌اند و با توجه به قرینه ذکر سجده فرشتگان که بلا فاصله بعد از آیات فوق در سوره حجر آمده است. فَسَجَدَ الْمَلائِکَةُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِیسَ «۳» «فرشتگان همگی و بدون استثناء سجده کردند جز ابلیس» می گویند: «مقصود از انسان و بشر در آیات فوق شخص آدم است. و طرز بیان این آیات نشان می‌دهد که میان خلقت آدم از خاک و پیدایش صورت کنونی انواع دیگری وجود نداشته است و سپس در پاسخ به استدلال طرفداران نظریه تکامل به واژه «ثم» (در امثال آیه ۱۱ سوره اعراف) می‌نویسند: تعبیر به «ثم» که در بعضی آیات آمده و در لغت عرب برای «ترتیب با فاصله» آورده می‌شود هرگز دلیل بر گذشتن میلیون‌ها سال و وجود هزاران نوع نمی‌باشد بلکه هیچ مانعی ندارد که اشاره به فاصله‌هائی باشد که در میان مراحل آفرینش آدم از خاک و سپس گل خشک و سپس دمیدن روح الهی وجود داشته است. و

(_____ ۱) تکامل در قرآن، ص ۲۵- ۲۶ با تلخیص. (۲) همان، ص ۳۰- ۳۲. (۳) حجر/ ۳۰- ۳۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۲ لذا همین کلمه «ثم» درباره خلقت انسان در جنین و مراحلی را که پشت سر هم طی می کند آمده است (حج/ ۵) پس «ثم» همانگونه که در فواصل طولانی به کار می‌رود در فاصله‌های کوتاه هم استعمال می‌شود.» «۱»

بررسی:

بررسی: ۱. استفاده استاد مشکینی از آیه فوق در مورد سه مرحله خلقت انسان عجیب است. چون هیچ گونه اشاره‌ای در آیه ۱۱ سوره اعراف به مرحله سوم (انتخاب آدم از بین انسانها) نشده بود و صرف امر به ملائکه برای سجده بود. نمی‌دانیم ایشان این مرحله سوم را چگونه از آیه فوق استفاده کرده است. ۲. با توجه به سخنان دو طرف در مورد آیات مورد بحث می‌توان گفت که این آیات ظهوری در نظریه تکامل انواع ندارد.

ج: آیاتی که به مرحله اول آفرینش انسان اشاره می‌کند (ماده اولیه):

۱. ج: آفرینش انسان از خاک:

۱. ج: آفرینش انسان از خاک: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ طِینٍ ثُمَّ قَضی أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّی عِنْدَهُ «۲» «اوست که شما را از گل (آب و خاک) آفرید و سپس مهلتی مقرر کرد و مهلت مقرر پیش اوست.» و نیز ص/ ۷۱ و سجده/ ۸ و نیز مؤمنون/ ۱۲ همین مضمون را دارند. إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طِینٍ لازِبٍ «۳» «ما شما را از گل چسبنده آفریدیم.» إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ «۴» «من بشری از گل خشک که از لجن تیره رنگ ریخته شده است می‌آفرینم» استاد مشکینی درباره این آیات می‌نویسند: «تمامی این آیات وضع این نوع (انسان) را قبل از پیدا کردن شکل انسان بیان می کند و

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۸۸- ۸۹ با تلخیص. (۲) انعام/ ۲. (۳) صافات/ ۱۱. (۴) حجر/ ۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۳ مقصود فرد فرد انسانها نیست زیرا

فرد فرد انسانها از خاک آفریده نشده‌اند. اینکه می گوید «قضی اجلا» (مهلتی مقرر کرد) منظور این است که خداوند، آفرینش و تکوین انسان را، حتمیت و استواری بخشید که مدت آن پیش خودش معلوم است و شاید هم، این مدت همان مدت زمان فاصله بین آغاز آفرینش انسان از خاک تا تحقق تصویر و شکل دادن به انسان و تشکیل این نوع خاص از جانداران، می‌باشد.» «۱» ایشان در مورد آیات ۸- ۹ سوره سجده دو احتمال را مطرح می کنند: «اول اینکه بگوییم مقصود از (بدء خلق الانسان) آغاز آفرینش آدم باشد. که در این صورت نظریه ثبات انواع تأیید می‌شود. امّا اشکال این برداشت آن است که لازم می‌آید بقای نسل با تولید مثل بوسیله منی، قبل از تشکیل دادن و آراستن و نفخ روح در او انجام گیرد. دوم اینکه بگوییم مقصود آغاز آفرینش هر موجود زنده و سپس حرکت دادن آن در مسیر تکامل و آراستن و شکل دادن او به صورت «انسان» و سپس نفخ روح خدا (عقل) در او می‌باشد.» «۲» برخی دیگر از نویسندگان درباره آیه وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ «۳» نوشته‌اند که آیه فوق اشاره صریح است به اینکه انسان در ابتدا از خاک آفریده نشده است بلکه از سلاله‌ای آفریده شده که مقدمه ظهور نوع انسان شده است. «۴» و جالب این است که برخی دیگر همین آیه ۱۲ سوره مؤمنون را دلیل رد نظریه داروین دانسته‌اند «۵» و برخی به معنای عناصر تشکیل دهنده بدن انسان از خاک و آب دانسته‌اند. «۶» و برخی دیگر از نویسندگان آیات فوق را اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند از این جهت که جسم انسان از عناصر خاکی تشکیل شده و آیات مذکور نیز می گوید انسان را از خاک آفریدیم. و یا انسان از نطفه‌ای آفریده شده که از عناصر خاکی بوجود می‌آید. و در هر صورت آیه فوق را معجزه علمی دانسته‌اند. «۷»

(_____ ۱) تکامل در قرآن، ص ۲۶- ۲۷ با تلخیص. (۲) همان، ص ۳۲- ۳۳. (۳) مؤمنون/ ۱۲. (۴) ر. ک: دکتر مصطفی محمود، القرآن، محاولة لفهم عصری، ص ۵۳- ۵۵. (۵) ر. ک: بسام دفضع، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، ص ۱۵۲. (۶) ر. ک: بسام دفضع، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، ص ۱۵۲. (۷) محمد محمود اسماعیل، الاشارات العلمیة فی الایات الکونیة فی القرآن الکریم، ص ۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۴

بررسی:

بررسی: ۱. در مبحث «مراحل خلقت انسان» بحثی تحت عنوان «آفرینش انسان از خاک» داشتیم که در آنجا آیات مذکور مورد بررسی قرار گرفت و بیان شد که دو تفسیر عمده از این آیات شده است: اول اینکه همه انسانها از نطفه‌ای آفریده شده‌اند که مواد اولیه آن از غذاها و غذا از خاک بوجود آمده است. «۱» دوم اینکه فقط حضرت آدم از خاک آفریده شده و بقیه انسانها از نطفه آفریده شده‌اند. پس می‌توان گفت انسانها با واسطه آدم (ع) از خاک آفریده شده‌اند. «۲» پس نمی‌توان به صورت قاطع به قرآن نسبت دهیم که در این آیات مرحله‌ای از تکامل نوع انسان از خاک را می گوید؛ چرا که اگر تفسیر اول را بگیریم (نطفه از مواد خاکی) ربطی به مسأله تکامل ندارد. و اگر تفسیر دوم (خلقت آدم از خاک) را بگیریم بیشتر مؤید نظریه ثبات انواع می‌شود چون خلقت مستقیم انسان از خاک را گوشزد می کند. مگر آنکه گفته شود تعبیر «اجل» در آیه ۲ سوره انعام دلالت بر فاصله زمانی بین خلقت انسان از خاک می کند، که در این صورت مبحث بعدی پیش می‌آید. ۲. «اجل» در اصل به معنی مدت معین و «قضی اجل» به معنی تعیین مدت و یا به آخر رساندن مدت است امّا بسیار می‌شود که به آخرین فرصت نیز گفته می‌شود (مثل «اجل دین» یعنی آخرین موقع پرداخت بدهی) و اینکه به فرا رسیدن مرگ اجل می گویند به خاطر این است که آخرین لحظه عمر انسان در آن موقع است. امّا با توجه به آیات دیگر قرآن و روایات اهل بیت (ع) «اجل مسمی» در قرآن به معنی مرگ طبیعی و «اجل» به معنی مرگ زودرس است. «۳» پس معلوم می‌شود مقصود آیه، مدت بین خلق انسان تا مرگ است، یعنی: «اوست خدائی که شما را از گل آفرید پس از آن مدتی را مقرر ساخت که در این مدت، انسان در روی زمین پرورش یابد و تکامل پیدا کند و اجل حتمی (مرگ)

در نزد اوست.» و این مدت ربطی به مرحله تکامل از خاک تا انسان ندارد بلکه مرحله زندگی دنیاست. ۳. سلالهٔ به معنای برگزیده و خلاصه چیزی است و در آیه ۱۲ سوره مؤمنون برخی به (_____۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۳ و ص ۲۰۷ و ج ۱۷، ص ۱۲۵ و ج ۲۰، ص ۱۶۵ و نیز مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۸۶- ۸۸ و عبد الفتاح طباره، سیری در قرآن، ترجمه رسول دریایی، ص ۲۲۵ و بی آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۵۲. (۲) استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۳۳۰. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۴۸- ۱۴۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۵ معنای نطفه گرفته‌اند که ما حصل و برگرفته انسان است «۱» و در هر صورت این آیه دلالت بر فاصله زمانی بین خاک و سلالهٔ ندارد. و اگر بر نطفه هم دلالت داشته باشد این مطلب باز از مورد بحث خارج است. ۴. با توجه به احتمالات مختلف در آیات فوق که موجب می‌شود تفسیر قطعی از آیات ارائه نشود، پس مسأله اعجاز علمی در اینجا منتفی است. (در مبحث مراحل خلقت انسان توضیح بیشتری در مورد آیات فوق دادیم.)

۲. ج: آفرینش انسان از آب:

۲. ج: آفرینش انسان از آب: وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً «۲» «و او خداوندی است که از آب بشری آفرید و او را اصل نژاد و مایه تولید نسل انسان گردانید.» بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِینٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ «۳» «و آفرینش انسان را از گل (آب و خاک) آغاز کرد، سپس خلقت نسل او را بر اساس آنچه از آب بی‌قدر جدا می‌شود قرار داد.» استاد مشکینی به آیه ۵۶ سوره فرقان مثل همان تقریر آیات خلقت انسان از خاک استدلال کرده و می‌نویسد: «این آیات وضع این نوع (انسان) را قبل از پیدا کردن شکل انسان، بیان می‌کنند.» «۴»

بررسی:

بررسی: در مبحث «مراحل خلقت انسان» بحثی تحت عنوان «آفرینش انسان از آب» داشتیم و در آنجا بیان شد که در مورد آیات فوق دو تفسیر عمده وجود دارد. اول اینکه مقصود از خلقت انسان از آب این است که مقدار زیادی آب در بدن انسان (حدود ۷۰٪) وجود دارد. «۵ (_____» ۱) ر. ک: مفردات راغب ماده سل. (۲) فرقان/ ۵۴. (۳) سجده/ ۸- ۹. (۴) تکامل در قرآن، ص ۲۷. (۵) ر. ک: استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۳۲۰- ۳۲۹ و مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۹۷ و تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۵، ص ۱۲۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۶ دوم اینکه مقصود آن است که انسان از آب نطفه و منی آفریده شده است. «۱» بنابراین آیات فوق ربطی به مراحل تکامل خلقت انسان و نظریه داروین ندارند.

۳. ج: آفرینش انسان از نطفه:

۳. ج: آفرینش انسان از نطفه: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِیهِ «۲» «ما او را از آب نطفه درهم آمیخته خلق کردیم تا او را بیازمائیم.» و عبس/ ۱۹ (من نطفهٔ خلقه) نیز همین مضمون را دارد. استاد مشکینی در مورد آیه ۲ سوره دهر می‌نویسد: «معنای «نطفه» در آیه مزبور «آب» است که مواد و اجزاء بهم آمیخته داخل آن (امشاج)، آن را به صورت گل و لجن ریخته شده (حمأ مسنون) در آورده بودند و از همین ماده اولیه حیاتی، ابتدا سلولها و بعد، انواع جانوران نخستین و بعد حیوانات بالاتر و ... پدید آمده‌اند.» «۳» و در مورد آیه ۱۹ سوره عبس می‌نویسد: «بنابراین معنی آیه، در صورتیکه «نطفه» را به معنی «آب» بگیریم چنین می‌شود که: خداوند

نوع «انسان» را از آبی مخصوص (شاید همان آب آمیخته با گل و لای و عناصر زمینی یا خاکی باشد که موجودات زنده از آن بوجود آمده‌اند) آفرید. پس بر او مقدر ساخت که از حالتی به حالتی دیگر تغییر یابد. (تحول و تکامل) تا اینکه به صورت شکل «انسان» درآمد.» سپس به معنای دوم آیه توجه می‌کند که منظور از نطفه «منی» باشد که آیه خاص افراد انسان می‌شود نه نوع انسان. «۴»

بررسی:

بررسی: در مبحث «مراحل خلقت انسان» بیان کردیم که «نطفه» در لغت به معنای سیلان ضعیف هر چیزی است به آب خالص نیز نطفه اطلاق شده است و به نطفه مرد و زن، نطفه گویند. (_____ ۱) ر. ک: استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۳۲۹ و ۳۳۰ و موریس بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۲ و طب در قرآن، ص ۸۱ و تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۵، ۱۲۶ و ج ۱۷، ص ۱۲۶. (۲) دهر/ ۲. (۳) تکامل در قرآن، ص ۳۹. (۴) همان، ص ۴۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۷ چون سیلان دارد. و سپس معنای لغوی و اصطلاحی قرآنی نطفه را بررسی کردیم. در مورد تفسیر آیه ۲ سوره دهر یازده دیدگاه وجود داشت که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. اختلاط نطفه زن و مرد. ۲. به معنی استعدادهای درونی و عوامل وراثت. ۳. اختلاط مواد ترکیبی نطفه (اجزاء آن) ۴. همه اینها با همدیگر. ۵. به معنی تطورات نطفه در دوران جنینی. «۱» ولی کسی از مفسران را نیافتیم که «نطفه» را به معنای «آب» تنها (نه نطفه مرد نه مخلوط آنها) تفسیر کنند. و خود واژه امشاج هم قرینه است که آب مراد نیست. امّا اینکه «نطفه» به معنای آب همراه با گل و لجن باشد در معانی لغوی و اصطلاحی «نطفه» وجود ندارد. پس نطفه یا باید به معنای منی مرد یا مایع جنسی زن و مرد باشد و تفسیری که استاد مشکینی ارائه کرد موافق هیچکدام از معانی لغوی و اصطلاحی آیه نیست.

د: آیاتی که به مرحله دوم آفرینش انسان اشاره می‌کند (بعد از شکل‌گیری انسان و قبل از انتخاب آدم (ع)):

د: آیاتی که به مرحله دوم آفرینش انسان اشاره می‌کند (بعد از شکل‌گیری انسان و قبل از انتخاب آدم (ع)): كانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ ... «۲» «مردم همه گروه واحدی بودند، پس خداوند، پیامبران را به عنوان بشارت و بیم‌دهنده فرستاد و همراه آنها کتاب را براستی و حق فرود آورد تا درباره آنچه انسانها با هم اختلاف کرده‌اند، حکم کند و اختلاف نکردند در آن ...» و نیز آیه ۱۹ از سوره یونس همین مضمون را دارد. استاد مشکینی معتقدند که بعد از شکل گرفتن ساختمان وجودی انسان و قبل از انتخاب «آدم» از بین افراد انسانی، مرحله‌ای بر انسان گذشته است که همه امت واحدی بودند و بدون مذهب زندگی خود را در پرتو عقل خویش می‌گذراندند. ایشان دو آیه فوق را اشاره به این مرحله از حیات بشری می‌دانند و می‌نویسند: (_____ ۱) ر. ک: المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۹ و ۲۱۰ و نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۴. (۲) بقره/ ۲۱۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۸ «چنانکه از ظاهر آیه معلوم می‌شود، پیش از بعثت انبیاء زمانی بر انسانها گذشته است که آنها امت واحدی بودند و مفهوم واحد بودن مردم در آیه فوق چنانکه عده‌ای از مفسرین گفته‌اند و اخبار و روایات هم آن را تفسیر کرده‌اند، این است که بدون «مذهب» و احکام آسمانی بودند و با عقل‌ها، اندیشه‌ها و فهم‌های خودشان زندگی می‌کردند. پس آیه کاملا- با منظور ما (مرحله دوم از خلقت آدم در نظریه تکامل) منطبق

است.» و سپس واژه اول «اختلاف» را در آیه به معنای اختلافات مادی و دنیوی و تضادهای طبقاتی پیش از بعثت پیامبران معنا می‌کند. و واژه دوم اختلاف (در ادامه آیه) را به معنای اختلافات دینی و اعتقادی بعد از بعثت انبیاء معنا می‌کند. «۱» استاد مکارم شیرازی نیز از آیه ۲۱۳ سوره بقره چهار مرحله زندگی بشر را برداشت کرده‌اند: مرحله اول: زندگی ساده نخستین که هنوز بشر به زندگی اجتماعی عادت نکرده بود. تضادهائی نبود و طبق فطرت خدا را می‌پرستید. مرحله دوم: زندگی انسان شکل اجتماعی به خود می‌گیرد. مرحله سوم: تضادها و اختلافات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی به وقوع می‌پیوندد. مرحله چهارم: انبیاء از طرف خدا مأمور نجات انسان می‌شوند. و در پایان متذکر می‌شوند که: آغاز پیدایش دین و مذهب به معنای واقعی هم زمان با آغاز پیدایش انسان نبوده، بلکه هم زمان با آغاز پیدایش اجتماع و جامعه به معنای واقعی بوده است. بنابراین جای تعجب نیست که نخستین پیغمبر اولو العزم و صاحب آئین و شریعت، نوح پیامبر بود نه حضرت آدم (ع) «۲»

بررسی:

بررسی: از آیات فوق دو برداشت می‌توان کرد: الف: زندگی انسان پس از پیدایش در کره زمین دو مرحله داشته است یک مرحله بدون هیچ پیامبری بوده و بعد «آدم» از بین مردم برانگیخته شد. و زندگی انسان با دین و پیامبران آغاز شد. پس آدم اولین انسان روی زمین نبوده است. (و این با نظریه تکامل داروین سازگار است) ب: بعثت انبیاء دو گونه بوده است در مرحله اولیه بعد از خلقت آدم و گسترش نسل او پیامبران بدون کتاب و شریعت بودند که بشر را در حد زندگی اولیه فردی او راهنمایی می‌کردند.

(_____ ۱) تکامل در قرآن، ص ۲۷ - ۲۸.

(۲) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۶۹ در مرحله دوم که زندگی اجتماعی شروع شد و بشر محتاج قانون شد، پیامبرانی مثل حضرت نوح (ع) با شریعت و کتاب آمدند. بنابر برداشت دوم از آیه، آدم اولین انسان روی زمین بوده است (و این با نظریه ثبات انواع سازگار است) استاد مشکینی برداشت اول (الف) را داشته‌اند و آنچه که از ذیل کلام استاد مکارم برمی‌آید برداشت دوم (ب) است. با توجه به دو احتمال فوق در آیه نمی‌توان به صورت قطعی یکی از دو نظریه تکامل یا ثبات انواع را به آیه فوق نسبت داد.

ه: آیاتی که به مرحله سوم (انتخاب آدم از بین انسان‌ها) اشاره دارد:

ه: آیاتی که به مرحله سوم (انتخاب آدم از بین انسان‌ها) اشاره دارد: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ «۱» «به درستی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برگزید.» دکتر ید الله سحابی در مورد آیه فوق می‌گوید: «به تصریح این آیات (آل عمران/ ۳۳- اعراف/ ۱۱- سجده/ ۷- ۹) آدم از میان جمعی که مثل او بودند و از پیش با او می‌زیستند برگزیده شد ... و لهذا بیان آنکه نوع انسان از آدم پدید آمده است از نظر قرآن مبنا و اساس ندارد و به هیچ وجه درست نیست.» «۲» و در مقابل آقای مسیح مهاجری که معتقد است قرآن کریم به هیچ وجه فرضیه تکامل را تأیید نمی‌کند، در توجیه آیه ۳۳ سوره آل عمران می‌نویسد: «چون العالمین عام است، آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران از میان تمام مردم قبل و بعد خود برگزیده شده‌اند. و ممکن است بگوییم آدم (ع) بعد از مدتی که صاحب فرزندان ... شد برگزیده شد. (پس قبل از آدم انسانهای دیگری وجود نداشته‌اند)» «۳» استاد مکارم شیرازی نیز با رد سخنان برخی نویسندگان که آیه «علی العالمین» را دلیل مسأله تکامل انواع دانسته‌اند و می‌گویند: در عصر آدم (ع)، عالمیان یعنی «جامعه انسانی» وجود داشته است، بنابراین مانعی ندارد که

انسان نخستین که میلیون‌ها سال قبل بوجود آمده از حیوانات دیگر تکامل یافته، و «آدم» تنها یک انسان برگزیده بوده است، می‌نویسند: «هیچ گونه دلیلی در دست نیست که منظور از عالمین در اینجا انسانهای معاصر آدم بوده باشند بلکه ممکن است مجموع جامعه انسانیت در تمام طول تاریخ بوده باشد.

(_____ ۱) آل عمران/ ۳۳. (۲) خلقت انسان، ص ۱۰۸. (۳) نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، ص ۵۴ و ۵۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۰ بنابراین لزومی ندارد که معتقد باشیم در عصر آدم، انسانهای زیادی وجود داشتند که آدم از میان آنها برگزیده باشد.» «۱» استاد مصباح یزدی با طرح آیه ۳۳ آل عمران و نظراتی که می‌گوید «آدم از بین انسان‌های دیگر برگزیده شد.» می‌نویسند: «می‌توان گفت که: انسانی را بر همه انسانهایی که از پس او می‌آیند ترجیح دادم ... و اگر تنزل کنیم و بپذیریم که لازم است در عصر حضرت آدم، انسانهایی دیگر نیز باشند، می‌توانند فرزندان خود او بوده باشند.» «۲»

بررسی:

بررسی: با توجه به دو تفسیری که از آیه فوق شد آیه ۳۳ آل عمران در ردیف آیاتی قرار می‌گیرد که دو احتمال در معنای آنها می‌رود و نمی‌توان بطور قاطع گفت که آیه ظاهر یا نص در یک مورد است، تا دلیل بر نظریه تکامل انواع یا ثبات انواع باشد.

دوم: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه ثبات انواع (فیکسیسم) مورد استناد واقع شده است

اشاره

دوم: آیاتی که در رابطه با اثبات نظریه ثبات انواع (فیکسیسم) مورد استناد واقع شده است این آیات نیز به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف: آیاتی که خلقت همه انسان را از یک نفس واحد می‌داند:

الف: آیاتی که خلقت همه انسان را از یک نفس واحد می‌داند: هُوَ الَّذِی أَنْشَأَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ «۳» «او خدائی است که همه شما را از یک تن در آرامشگاه و ودیعتگاهی بیافرید.» و نیز نساء/ ۱- اعراف/ ۱۸۹- زمر/ ۶ همین مضمون را دارند. و نیز آیاتی که خطاب «بنی آدم» به انسان‌ها می‌کند، مثل: اعراف/ ۲۷- ۳۵- یس/ ۶۰- اسراء/ ۷۰. استاد مشکینی در طرح نظریه ثبات انواع (فیکسیسم) که معتقدند «آدم» نخستین انسانی است که خداوند او را آفریده و حواء دومین فرد از افراد نوع انسان می‌باشد و خداوند سایر افراد انسان را از نسل این دو فرد بوجود آورد، می‌نویسد: «از جمله آیات که پیروان عقیده فوق به آن استدلال می‌کنند آیاتی هستند که تمامی مردم را آفریده از «نفس واحد» (یک فرد) اعلام می‌کنند و در برخی آیات از جفت او نیز یاد

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۹۱. (۲) معارف قرآن، ص ۳۴۵. (۳) انعام/ ۹۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۱ کرده و هیچ اشکالی ندارد که نفس واحده را آدم و جفت او را حواء بدانیم.» سپس در تفسیر آیه ۹۸ سوره انعام می‌نویسد: «منظور آیه این است که خداوند شما را از آدم آفرید، پس

گروهی از شما هم اکنون در صلب پدران یا رحم مادران (مستقر) می‌باشید و گروهی نیز از شما تا روز قیامت در گورها به ودیعت نهاده (مستودع) شده‌اند.» سپس تفسیر دیگری از طرفداران نظریه تکامل انواع در مورد آیه ۹۸ سوره انعام ذکر می کنند و می‌نویسند: «معتقدین به تکامل در تفسیر آیه مزبور می گویند که خطاب شامل تمامی افراد نوع انسان (گذشته و آینده و حتی آدم و حواء) می‌شود. این است که می‌توان گفت مراد از «نفس واحده» (یک تن) همان موجود زنده نخستین از موجودات تک سلولی است که تمام موجودات زنده از آن بوجود آمده و با ترکیبات، فعل و انفعالات و تولید مثل، به صورت انواع مختلف جانداران و سرانجام به صورت «انسان» درآمده است. بنابراین معنی آیه اینگونه می‌شود: شما انسانها از نفس واحده (یک تن) آفریده شده‌اید، برخی از انواع تحول یافته به هم، از اجداد شما، مدت‌های زیادی بر روی زمین «مستقر» شدند ولی برخی از آن انواع جانداران، بطور محدود، موقت و مستودع (به صورت امانت) عمر کردند و بزودی از بین رفتند.» «۱» و سپس متذکر می‌شود که اگر تفسیر اول را هم بپذیریم با عقیده تکامل انواع منافات ندارد چرا که ممکن است همه انسانهای موجود زمین از نسل آدم و حواء بوده باشند ولی قبل از آدم و حواء نیز انسانهای دیگر بوده‌اند که منقرض شده‌اند. و نسل منتخب یعنی آدم که صاحب عقل بود باقی ماند. «۲» استاد مکارم شیرازی در مورد تعبیر «نفس واحده» در آیات فوق می‌نویسند: «منظور از نفس واحده یک واحد شخصی است و اشاره به نخستین انسانی است که قرآن او ر به نام «آدم» پدر انسان‌های امروز معروفی کرده و تعبیر «بنی آدم» که در آیات فراوانی از قرآن وارد شده نیز اشاره به همین است و احتمال اینکه منظور وحدت نوعی بوده باشد از ظاهر آیه بسیار دور است.» «۳»

(_____ ۱) تکامل در قرآن، ص ۴۶- ۴۷ با تلخیص. (۲) ر. ک: همان، ص ۴۸. (۳) تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۴۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۲ ایشان در مورد مستقر و مستودع نیز چند احتمال تفسیری را ذکر می کنند. «۱»

بررسی:

بررسی: نفس در آیات قرآن به معنای روح و ذات (و گاهی بدن انسان) آمده است «۲» و بر فرض قبول سخنان استاد مشکینی (نفس یعنی موجودات قبل از انسان) در نهایت توانسته‌ایم بگوییم که آیات مورد بحث دو تفسیر دارد یکی خلقت همه افراد از آدم و یکی خلقت آدم و انسانها از موجودی که قبل از آنها بوده است. تفسیر دوم با نظریه تکامل سازگار است همانطور که تفسیر اول با نظریه ثبات انواع سازگار است و کلام استاد مشکینی (سازگاری تفسیری اول با نظریه تکامل) مبتنی بر این فرض است که ثابت کنیم «آدم» با فاصله و واسطه حیوانات دیگر از خاک آفریده شده است. که در بحث بعدی آن را بررسی می کنیم. پس به طور قاطع نمی‌توان این آیه را دلیل نظریه تکامل یا ثبات انواع دانست.

ب: آیاتی که خلقت آدم (ع) را از خاک می‌دانند:

ب: آیاتی که خلقت آدم (ع) را از خاک می‌دانند: إِنَّ مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ «۳» «همانا مثل عیسی (ع) در پیش خداوند همانند مثل آدم است که خداوند او را از خاک آفرید. و سپس به او گفت موجود شو پس شد.» خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ کَالْفَخَّارِ «۴» «خداوند، انسان را از گل خشک همانند سفال بیافرید.» دکتر عدنان شریف تمام آیاتی را که خلقت انسان از خاک را مطرح می کند با نظریه داروین معارض می‌داند؛ چرا که می گوید انسان از خاک آفریده شده نه از موجود قبلی که زنده بوده است. «۵» استاد مشکینی در مورد آیه ۵۹ سوره آل عمران دو احتمال را مطرح می کند: اول اینکه آیه دلیل ثبات

انواع باشد. چرا که از ظاهر آیه برمی‌آید که خداوند آدم را از

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۶۷. (۲) تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۴۵ و نیز مفردات راغب، ماده نفس. (۳) آل عمران/ ۵۹. (۴) رحمن/ ۱۴. (۵) ر. ک: دکتر عدنان الشریف، من علوم الارض القرآنیهٔ، ص ۲۰۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۳ خاک آفرید یعنی او را از خاک صورت و شکل داد سپس به او گفت انسانی زنده باش پس چنین شد و این همان مطلوب عقیده ثبات انواع است. و وجه شبه در اینجا چگونگی آفرینش یعنی بدون پدر و مادر آفریده شدن است. دوم اینکه بگوئیم آیه با نظریه تکامل منافاتی ندارد. چرا که اشکالی در تشبیه عیسی (ع) به آدم (ع) از لحاظ خلقت از خاک، غذا، نطفه و علقه تا ولادت و بعد از آن نیست. و همچنین اشکالی نیست که بگوییم خداوند به عیسی (ع)، همراه پیامبری از همان آغاز زندگی عقل و نیروی درک و اندیشه از طریق اعجاز و اراده ماوراء طبیعی خود بر خلاف قانون طبیعت و ... اعطاء نمود چنان که به آدم نیز عقل و یا علم و نبوت را بدینگونه داد. وجه شبه در آیه همان همانندی در آفرینش و علم است. و «کن» (باش) که خداوند به آدم می‌گوید، بدین معنا است که: عاقل و عالم یا عالم و پیامبر باشد. و در اینجا وجه شبه در ذکر آفرینش از خاک، آفرینش اصلی و ذاتی است و می‌خواهد بطلان آنچه را در ذهن آنها (مسیحیان) فرو رفته یعنی اینکه می‌گویند آفرینش عیسی (ع) و آدم (ع) از طریق سنن و قوانین جاری خدائی در خلقت انسان، صورت نگرفته است، اعلام کند. «۱» ایشان در جای دیگر با طرح آیه ۱۴ سوره رحمن دو تفسیر از آیه می‌آورد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که این آیه به تنهایی بر ثبات انواع و بر تکامل انواع دلالت ندارد. و مجمل است و اثبات هر دو قول را می‌توان از آن برداشت کرد. «۲» دکتر احمد ابو حجر با طرح آیات فوق می‌نویسد: این آیات اشاره می‌کند که خدا آدم (ع) را در ابتدا از خاک به همین شکل آفرید و هیچ آیه از قرآن اشاره به تحول انسان از نوعی به نوع دیگر ندارد. «۳» استاد مکارم شیرازی در ذیل آیه ۵۹ سوره آل عمران پس از شرح شأن نزول آیه که در مورد مسیحیان نجران است و آنها ولادت حضرت عیسی (ع) را مطرح کردند و بدون پدر بودن او را دلیل الوهیت او گرفتند و آیات فوق به آنان پاسخ داد و چون مسیحیان قبول نکردند آنها را به مباهله دعوت کرد می‌گوید: منظور از (خلقه من تراب) در آفرینش آدم همان آفرینش جسم آدم و جنبه مادی او است و این مطلب به قرینه جمله‌های بعدی بدست می‌آید. که اشاره به (_____ ۱) تکامل در قرآن، ص ۵۵- ۵۶ با تلخیص. (۲) همان، ص ۵۴- ۵۵ با تلخیص. (۳) ر. ک: دکتر احمد عمر ابو حجر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، ص ۴۰۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۴ آفرینش حیات و روح می‌کند و می‌گوید ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ «سپس به او گفت موجود شو، او هم موجود گردید.» یعنی با فرمان آفرینش «حیات و روح» به کالبد آدم دمید. «۱» استاد مصباح یزدی نیز با طرح شأن نزول آیه ۵۹ سوره آل عمران و اینکه آیه در صدد پاسخ به پدر نداشتن حضرت عیسی (ع) بوده است، می‌نویسند: «این استدلال به درستی نشان می‌دهد که اگر فرض کنیم حضرت آدم (ع) از نسل میانگینی بین خاک و خود بوجود آمده، مثلاـ از انسانهایی که عقل نداشته‌اند، این استدلال نمی‌تواند استدلال تامی باشد زیرا نصارای نجران می‌توانستند بگویند، حضرت آدم از نطفه‌ای حیوانی بوجود آمده است. اگر ما این استدلال را تمام بدانیم- که هست- ناچار باید بپذیریم که حضرت آدم (ع) از نسل هیچ موجود دیگری بوجود نیامده است.» «۲»

بررسی:

بررسی: در اینجا توجه به دو نکته لازم بنظر می‌رسد: الف: به نظر می‌رسد که در آیه ۵۹ سوره آل عمران مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ می‌توان وجه شبه را به چند گونه تصور کرد: ۱. تشبیه از جهت پدر نداشتن آدم و عیسی (ع) ۲. تشبیه از جهت خلقت هر دو از

خاک با واسطه (یعنی مواد غذائی تبدیل به نطفه، علقه ... تا انسان شد) و در عیسی (ع) این کار از طریق حضرت مریم (ع) صورت گرفت و در آدم (ع) از طریق انسانها یا میمونهای نسل قبل از او. ۳. تشبیه از جهت نبوت هر دو باشد. ۴. تشبیه از جهت علم و عقل هر دو باشد. که معجزه‌آسا به آنها داده شد. ۵. تشبیه از جهت اصل خلقت از خاک (در مقابل مسیحیان که عیسی (ع) را خاکی نمی‌دانستند) وجه شبه‌های شماره سه و چهار در آیه مورد بحث از جمله «کن» (ادامه آیه) برداشت می‌شود. ولی به نظر می‌رسد جمله ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ در مقام بیان وجه شبه نباشد بلکه مرحله دوم خلقت را بیان می‌کند که ایجاد روح است و در تمام افراد انسان وجود دارد که در آیات دیگر تحت عنوان نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی به آن اشاره شده بود. (_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۳۵-۴۳۶ با تلخیص. (۲) معارف قرآن، ص ۳۴۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۵ وجه شبه اول با توجه به شأن نزول، نزدیک‌تر از وجه شبه سوم و چهارم است. امّا به هر حال فقط وجه شبه دوم یا پنجم در خود آیه تصریح شده است. چرا که جمله (خلقه من تراب) بیان وجه شبه عیسی (ع) و آدم (ع) است. که فقط به خاک اشاره کرده است. ب: در مورد خلقت عیسی (ع) از خاک دو احتمال وجود دارد: ۱. خلقت بلا واسطه از خاک ۲. خلقت با واسطه سلسله موجود از خاک (و همین دو احتمال در مورد آدم نیز وجود دارد.) امّا خلقت بلا واسطه از خاک در اینجا صحیح نیست چرا که حضرت عیسی (ع) بلا واسطه از خاک آفریده نشده است بلکه از جسم مریم (ع) بود که مریم (ع) با واسطه مواد غذائی او را از خاک بوجود آورد. پس فقط وجه شبه دوم (خلقت با واسطه از خاک) باقی می‌ماند و این مطلب شاهدی بر نظریه تکامل است نه بر نظریه ثبات انواع. البته این احتمال نیز در آیه فوق بعید نیست که بگوییم وجه شبه پنجم مراد است چرا که مسیحیان نجران اصل خلقت عیسی (ع) و خاکی بودن او را قبول نداشتند و او را غیر مخلوق و ماوراء طبیعی می‌دانستند. پس آیه در صدد رد این نظر آنهاست و در مقام بیان واسطه داشتن یا نداشتن خلقت آنها از خاک نیست. یعنی آیه در صدد بیان واسطه و عدم واسطه نیست پس نمی‌تواند دلیلی بر نظریه تکامل انواع یا ثبات انواع باشد.

سوم: آیاتی که قابل انطباق با هر دو نظریه تکامل و ثبات انواع هست:

سوم: آیاتی که قابل انطباق با هر دو نظریه تکامل و ثبات انواع هست: ۱. خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصِیمٌ مُبِینٌ «۱» «خداوند انسان را از نطفه بیافرید و آنگاه او به خصومت و دشمنی آشکار برخاست.» و همین مضمون در یس/ ۷۷ و النجم/ ۶۶. ۲. أَ کَفَرْتَ بِالَّذِی خَلَقَکَ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاکَ رَجُلًا «۲» «آیا به آن خدائی که ترا از خاک آفرید و سپس ترا به صورت مردی در آورد، کافر شدی» و نیز همین مضمون در فاطر/ ۱۱. ۳. الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ فِی أَیِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ «۳» «آن (خدائی که) ترا بیافرید پس به صورتی کامل بیاراست و بعد ترا به اعتدال آورد (به اندازه ساخت) و به هر صورتی که خود خواست ترا ترکیب و شکل داد (_____ ۱) نحل/ ۴. (۲) کهف/ ۳۷. (۳) انفطار/ ۸۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۶ ۴. خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ «۱» «انسان را از علق یا خون بسته ... آفرید.» که مراد از «علق» خاک چسبیده (طین لازب) یا خون بسته در رحم است (با توجه به تناسب با دو قول مختلف مورد بحث) «۲»

بررسی:

بررسی: هر چند که انطباق این آیات با هر دو نظریه قابل اشکال است ولی از آنجا که برخی از این آیات قبلا مطرح شد و بررسی شد و در مورد بقیه آیات صاحب نظران برای اثبات نظریه تکامل یا ثبات انواع به آنها استدلال نکرده‌اند. و لذا از بحث و تفصیل

بیشتر در این مورد پرهیز می کنیم.

جمع‌بندی و بررسی نهایی مبحث نظریه تکامل و قرآن:

جمع‌بندی و بررسی نهایی مبحث نظریه تکامل و قرآن: از طرفی نظریه‌های علمی در جوامع علمی معاصر به صورت نظریات «ابطال پذیر» مطرح می‌شود یعنی به صورت افسانه‌های مفید پذیرفته می‌شود و تا وقتی نظریه بهتری جانشین آن نشده از دایره علم بیرون نمی‌رود و لذا نظریه تکامل هر چند که اثبات قطعی نشده است، ولی امروزه یک نظریه مورد قبول اکثریت جامعه علمی (علوم تجربی) است. هر چند که هنوز هم نظریه ثبات انواع به صورت یک احتمال مطرح است. از طرف دیگر همانطور که مشاهده کردیم آیات قرآن قابل انطباق با نظریه تکامل و نظریه ثبات انواع هر دو هست و هیچ آیه‌ای بدست نیامد که نص باشد و یا ظهور قوی در یکی از دو طرف داشته باشد. پس نمی‌توان یکی از دو نظریه را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد.

تذکرات:

تذکرات: ۱. لازم نیست قرآن در مورد هر نظریه علمی به صورت اثبات یا نفی نظر داده باشد. چون کتاب هدایت است و اشارات علمی را در حد لزوم و در راستای هدف هدایت استفاده می کند. ۲. قبول یا ردّ نظریه تکامل با اثبات خدا و دیندار بودن یا نبودن انسانها ملازمه‌ای ندارد. یعنی همانطور که می‌توان نظریه تکامل را نپذیرفت و دیندار بود، می‌توان قائل به نظریه

(_____ ۱) علق/ ۲۱. (۲) استاد مشکینی، تکامل در قرآن، ص ۶۳- ۶۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۷ تکامل باشیم ولی وجود ناظم (خدا) را برای سلسله منظم موجودات (از تک سلولی تا انسان) ثابت کنیم و دیندار باشیم. همانطور که برخی از پزشکان متعهد به این امر تصریح کرده‌اند. «۱» ۳. پذیرش نظریه تکامل و انطباق آن با آیات قرآن دلیلی بر اعجاز علمی قرآن نیست؛ چرا که از طرفی آیات مورد استناد دارای احتمالات تفسیری متعددی بود و تفسیر موافق نظریه تکامل قطعی نبود و از طرف دیگر انطباق مراحل تطور موجودات زنده (تک سلولی تا انسان) بر آیات مورد استناد اشکالاتی داشت. (همانطور که ذیل آیه ۴۵ سوره نور بیان کردیم.)

۴. زوجیت:

اشاره

۴. زوجیت: زوجیت به معنای دو تا بودن، نر و ماده بودن می‌آید و قرآن کریم در آیات متعدد به زوجیت گیاهان بلکه همه اشیاء اشاراتی کرده است. این آیات عبارتند از: وَ مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ جَعَلَ فِیها زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ «۲» «و از هر گونه میوه‌ای در آن [زمین جفت جفت قرار داد. روز را به شب پوشاند قطعا در این [امور] برای مردمی که تفکر می کنند نشانه‌های وجود دارد» و همین مضمون در آیه ۵۲ سوره رحمن و ۵۳/ طه آمده است. أَ وَ لَمْ یَرَوْا إِلَی الْأَرْضِ کَمْ أَنْبَتْنا فِیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَرِیمٍ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً «۳» «مگر در زمین ننگریسته‌اند که چقدر در آن از هر گونه جفت‌های زیبا رویانیده‌ایم قطعا در این [هنرنمایی عبرتی است.» و همین مضمون در سوره حج/ ۵- لقمان/ ۱۰- ق/ ۷- طه/ ۵۳. سُبْحانَ الَّذِی خَلَقَ الْأَزْواجَ کُلَّها مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لا یَعْلَمُونَ «۴» «پاک [خدایی که از آنچه زمین می‌رویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی‌دانند، همه را نر و ماده گردانیده است.» وَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ «۵»

(_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج

۱، ص ۱۵۴. (۲) رعد/ ۳. (۳) شعراء/ ۷. (۴) یس/ ۳۶. (۵) ذاریات/ ۴۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۸ «و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید.» برخی نیز به این آیه برای اثبات زوجیت اتم (الکترون و پرتون) استناد کرده‌اند. «۱» هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ إِلَیْها «۲» «اوست آن کسی که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: ۱. به نظر می‌رسد که آیات فوق را می‌توان بدین صورت دسته‌بندی کرد که: گاهی قرآن سخن از زوجیت میوه‌ها می‌گوید. در مرتبه بعدی از زوجیت گیاهان می‌گوید. در مرتبه بعدی از زوجیت چیزهایی می‌گوید که انسان‌ها نمی‌دانند. در مرتبه بعدی از زوجیت همه اشیای جهان می‌گوید. ۲. هدف نهایی بیان زوجیت تذکر نشانه‌های الهی و به کار انداختن اندیشه انسان است إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً- إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ «۳» ۳. کلمه زوج در لغت به معنای زیر می‌آید: الف: در حیوانات به هر کدام از نر و ماده‌ای که قرینه یکدیگر زوج می‌گویند. ب: در غیر حیوانات به هر کدام از دو چیز قرینه همدیگر (مثل یک لنگه کفش) زوج گویند. ج: به هر چیزی که مقارن دیگری باشد و مشابه آن باشد زوج گویند. د: به هر چیزی که مقارن دیگری باشد و متضاد آن باشد زوج گویند. «۴»

تاریخچه:

تاریخچه: انسان تا قرن‌ها گمان می‌کرد که مسأله زوجیت و وجود جنس نر و ماده فقط در مورد بشر و حیوانات و برخی گیاهان مثل خرما صادق است. امّا کارل لینه (۱۷۰۷- ۱۷۸۷ م) گیاه‌شناس معروف سوئدی نظریه خود را مبنی بر وجود نر و ماده در بین همه گیاهان در (_____ ۱) عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶- ۱۵۷ استدلال ایشان در ادامه می‌آید. (۲) اعراف/ ۱۸۹. (۳) شعراء/ ۷- رعد/ ۳. (۴) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده زوج. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۷۹ سال ۱۷۳۱ م ارائه کرد و مورد استقبال دانشمندان قرار گرفت. «۱» امّا پس از مدتی «لینه» توسط ارباب کلیسا توقیف شد و کتاب‌های او به عنوان کتاب‌های ضلال اعلام گردید. «۲» سپس دانشمندان کشف کردند که ماده از تراکم انرژی به صورت ذرات بی‌نهایت ریزی که اتم نامیده می‌شود تشکیل یافته است و پس از گذشت مدتی مسأله زوجیت به همه اشیاء سرایت داده شد چرا که دانشمندان کشف کردند که واحد ساختمانی موجودات یعنی اتم از الکترونها (با بار منفی) و پروتون‌ها (با بار مثبت) تشکیل شده است. ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم گفت «هر جسم مادی مرکب است از الکترون‌ها و پروتون‌ها.» «۳» هر الکترون با سرعت سرسام‌آوری (۵۰ /۰۰۰ دور در ثانیه) به دور مرکز اتم یعنی پروتون‌ها می‌چرخد. البته در اتم ذرات سومی نیز یافت می‌شود که بنام نوترون خوانده می‌شود و از لحاظ بار الکتریکی خنثی است. «۴» فیزیکدانان أخیر در دوران اتم ذرات بنیادی دیگری بنام «کوارک» (krauQ) کشف کرده‌اند که ذرات تشکیل دهنده الکترون، نوترون و پروتون هستند و باعث به بوجود آمدن بار الکتریکی مثبت، منفی و خنثی در آنها می‌شوند. تا کنون شش نوع کوارک شناسائی شده است که دو نوع (U- D) در تشکیل مواد پایدار معمولی نقش مهمی دارند. کوارک U دارای بار الکتریکی دو سوم کوارک D دارای بار الکتریکی یک سوم است پروتون که دارای بار مثبت است از دو کوارک U و یک کوارک D تشکیل شده است. و از این طریق حاصل بار آن مثبت می‌شود. دو و سوم به علاوه سه و سوم- یک و سوم مساوی به علاوه یک و بر عکس یک نوترون دارای دو کوارک D و یک کوارک U بوده و بار آن خنثی است: یعنی «۵» منهای دو و سوم منهای سه سوم به علاوه یک و سوم مساوی صفر (_____ ۱)

ر. ک: پی‌یرروسو، تاریخ علوم، ص ۳۵۴ و ۴۰۸ به بعد، ترجمه حسن صفاری، و نیز گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۵۷ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷- ۳۷۸. (۲) ذکر الله احمدی، ارمغان روشنفکران، ص ۷۳ و م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۲۲ و نیز گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۵۷. (۳) ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ص ۹۵، ترجمه مرتضی صابر. (۴) ر. ک: مهندس محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۴۰- ۴۲. (۵) ر. ک: دکتر اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ص ۳۴- ۳۵، ترجمه بهروز بیضاوی. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۰

اسرار علمی:

اسرار علمی: بسیاری از مفسران و صاحب‌نظران به آیات فوق در مورد زوجیت گیاهان بلکه همه اشیاء استدلال کرده‌اند که در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. مرحوم طبرسی حدود ۹ قرن قبل در تفسیر مجمع البیان بر اساس نصوص قرآنی مسأله زوجیت گیاهان، حیوانات و حتی اشیاء دیگر را مطرح می‌کند و آن را می‌پذیرد. «۱» ۲. صاحب تفسیر نمونه زیر آیه ۳۶ سوره یس می‌نویسد: «آنچه مسلم است ازواج جمع زوج، معمولا به دو جنس مذکر و مؤنث گفته می‌شود؛ خواه در عالم حیوانات باشد یا غیر آنها، سپس توسعه داده و به هر دو موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگرند زوج اطلاق می‌شود ... وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز، چنانکه گفتیم در عصر نزول قرآن جز در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود و قرآن از آن پرده برداشته و در قرون اخیر از طرق علمی این مسأله به ثبوت رسید که مسئله زوجیت در عالم گیاهان یک مسئله عمومی و همگانی است.» «۲» و در ذیل آیه ۴۹ سوره ذاریات نیز پس از تذکر اینکه بسیاری از مفسران کلمه زوج را به معنی اصناف (مثل شب و روز و ...) دانسته‌اند می‌نویسند: «واژه زوج را معمولا به دو جنس نر و ماده می‌گویند خواه در عالم حیوانات باشد یا گیاهان و هرگاه آن را کمی توسعه دهیم تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می‌شود. و با توجه به اینکه قرآن در آیه فوق می‌گوید «من کل شیء» (از همه موجودات) نه فقط موجودات زنده، می‌تواند اشاره به این حقیقت باشد که تمام اشیاء جهان از ذرات مثبت و منفی ساخته شده و امروز از لحاظ علمی مسلم است که اتمها از اجزاء مختلفی تشکیل یافته‌اند از جمله اجزائی که دارای بار الکتریسته منفی هستند و الکترون نامیده می‌شوند و اجزائی که دارای بار الکتریسته مثبت هستند و پروتون نام دارند بنابراین الزامی نیست که شیء را حتما به معنی حیوان یا گیاه تفسیر کنیم و یا زوج را به معنی صنف بدانیم.» «۳»

(_____ ۱) ر. ک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۲۴. (دار احیاء التراث العربی) (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷- ۳۷۸. (۳) تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۷۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۱ ۳. در مقدمه کتاب اعجاز قرآن علامه طباطبائی (ره) آمده است: هنگامی که جهان در تاریکی جهالت به سر می‌برد قرآن در بیش از ده آیه از زوجیت گیاهان بحث کرده، تصریح می‌نماید که خدا همه گیاهان را جفت آفرید «۱» (رعد/ ۳- شعراء/ ۷ و ...) ۴. یکی از نویسندگان از آیه ۳۶ سوره یس سُبْحانَ الَّذِی خَلَقَ الْأَزْواجَ کُلَّها مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لا یَعْلَمُونَ استفاده می‌کند که: «کاملا روشن است که این آیه بر جفت داشتن گیاهان دلالت دارد و نیز از ذیل آیه که جفت داشتن را در مورد چیزهایی که خبر ندارند بیان می‌کند، چه بسا بتوانیم نیروی مثبت و منفی برق و نیز محیط میکروب یا ویروس‌ها و نیز اجزای اتم را استفاده کنیم.» «۲» ۵. نویسنده دیگری نیز با ذکر آیات مورد بحث زوجیت گیاهان و حتی زوجیت درون اتم بین الکترون و پروتون را استفاده می‌کند. «۳» ۶. احمد محمد سلیمان نیز در یک بحث که به صورت سؤال و جواب تنظیم شده است زوجیت ماده را از آیه ۴۹ سوره ذاریات بدست می‌آورد. «۴» ۷. مهندس محمد علی سادات نیز پس از یک مقدمه طولانی که ساختمان اتم را توضیح می‌دهد و سابقه تاریخی اشاره به اتم را تذکر می‌دهد، آیه ۴۹ سوره ذاریات را متذکر شده و می‌نویسد: «و لذا می‌توان «اتم» را موجودی زوج نامیده و از طریق تعمیم زوجیت در دل اتم‌ها، نتیجه گرفت که اساسا عالم ماده بر اساس زوجیت

بنا گردیده و هیچ موجود مادی از این قاعده کلی مستثنی نیست.» «۵» ۸. یکی از نویسندگان معاصر نیز پس از طرح زوجیت ماده (rettaM fO ytilauP) به آیات سوره ذاریات/ ۴۹- رحمن/ ۵۲- طه/ ۵۳- استناد کرده است. «۶» ۹. صاحب تفسیر نوین نیز با ذکر آیات مورد بحث آنها را اعجاز علمی قرآن می‌داند که اشاره به زوجیت کرده است و سپس توضیحات مفصلی در این مورد ارائه می‌دهد. «۷ (_____» ۱) علامه طباطبائی، اعجاز قرآن، ص ۱۵، ویراسته علیرضا میرزا محمد. (۲) عباسعلی سرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۳۵- ۳۶. (۳) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۵۷- ۶۰. (۴) احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۲۷- ۲۸، (۱۹۸۱ م) طبع خامس- دار العوده، بیروت. (۵) مهندس محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۳۹- ۴۳. (۶) ر. ک: لطیف راشدی، نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، ص ۲۴. (۷) محمد تقی شریعتی، تفسیر نوین، ص ۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۲ ۱۰. عبد الرزاق نوفل در مورد آیه ۱۸۹ سوره اعراف: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ إِلَیْها «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفریده و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.» پس از آنکه مقدمه‌ای در مورد «وحدت خلق» می‌آورد و اینکه ذرات بنیادی همه موجودات یکسان است می‌گوید: «این حقیقت علمی را که عصر جدید کشف کرده قرآن ۱۴۰۰ سال قبل با صراحت و وضوح بیان کرده که همه خلق الهی از نفس واحدی بوده است.» و سپس آیه فوق را می‌آورد و می‌گوید: «آیا این [نفس واحده پروتون و الکترون ... برق واحدی که مثبت و منفی دارد ... یعنی نفس واحده نیست ...» و حتی در مورد کلمه «لیسکن الیها» می‌گوید: «سبب سکون نفس واحد همان زوج است و این مطلبی است که علم بیان کرده که سکون پروتون و الکترون به خاطر اختلاف و تساوی آنها در برق است ...» «۱» ۱۱. طنطاوی در تفسیر الجواهر بحث گسترده‌ای در زمینه زوجیت گیاهان در زیر سوره ذاریات/ ۴۹ آورده است و اقسام دسته‌بندی گیاهان و حیوانات و ... را بررسی کرده و شکل‌های آنها را آورده است که ربطی به تفسیر آیه ندارد و فقط مطالب علمی است که به مناسبت آورده شده است. «۲»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. مطلبی را که عبد الرزاق نوفل در مورد آیه ۱۸۹ سوره اعراف نوشته است از چند جهت قابل اشکال است: اول: آنکه کلمه «نفس» و «زوج» از نظر لغوی و اصطلاحی دلالت بر الکترون و پروتون نمی‌کند و ایشان نیز در این مورد قرینه‌ای نیاورده‌اند. دوم: آنکه از نظر علمی صحیح نیست که کسی بگوید پروتون از الکترون پدید آمده (_____ ۱) ر. ک: عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۴- ۱۵۷. (۲) طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۷۰- ۲۰۱، دار الفکر. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۳ است (جعل منها زوجها) بلکه همانطور که گذشت هر کدام از الکترون و پروتون از تعدادی کوارک U و D تشکیل شده است. سوم: آنکه سیاق آیه مورد نظر با تفسیری که ایشان کرده تناسب ندارد چون در آیه می‌خوانیم: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ إِلَیْها فَلَمَّا تَغَشَّاها حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِیفاً فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُما لَئِنْ آتَیْتَنا صالِحاً لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم با او [حوا] درآمیخت باردار شد باری سبک و [چندی با آن [بار سبک گذرانید و چون سنگین بار شد، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی شایسته عطا کنی قطعا از سپاسگزاران خواهیم بود.» سیاق آیات در مورد باردار شدن زن از مرد (حوا از آدم) و بوجود آمدن فرزند است پس نفس واحد و زوج در اول آیه در همین مورد است و مراد مرد و زن هستند نه الکترون و پروتون. ۲. آیات دیگر (رعد/ ۳- شعراء/ ۷- یس/ ۳۶) ظاهر در زوجیت همه میوه‌ها و گیاهان است و همانطور که گذشت این مطلب از قرن هیجدهم کشف گردید و قبل از آن زوجیت به جز در مواردی مثل «نخل» مشخص نبود پس این

آیات نوعی رازگویی علمی و اعجاز علمی قرآن بوده است. ۳. زوجیت عمومی همه اشیاء نیز از آیه ۴۹ سوره ذاریات به خوبی استفاده می‌شود ولی تطبیق آن بر الکترون و پروتون قطعی نیست زیرا همانطور که گذشت امروزه ذرات بنیادین دیگری به نام کوارک‌ها شناخته شده که دارای بار مثبت و منفی هستند و لذا باز هم نمی‌توان به طور قطعی ادعا کرد که «زوجین» مذکور در آیه همان کوارک U و D باشد بلکه احتمالا می‌توانند این مطالب (الکترون- پروتون- کوارک‌ها و ...) از مصادیق «زوجین» محسوب شود. همانگونه که ممکن است اصناف موجودات (شب و روز و ...) نیز از مصادیق آن محسوب شود. ۴. هر چند که مصداق دقیق «زوجین» در آیه ۴۹ سوره ذاریات مشخص نیست ولی بیان زوجیت عمومی در همه اشیاء یکی از اشارات علمی قرآن و رازگویی‌های آن است که در صدر اسلام کسی از آن اطلاعی نداشته است. پس این مطلب نیز می‌تواند اعجاز علمی قرآن محسوب شود. ۵. ممکن است کسی ادعا کند که زوجیت عمومی موجودات با مسأله بکرزایی (تولید مثل برخی تک سلولی‌ها بدون نیاز به جنس مخالف) منافات دارد. این مطلب را در بخش بعدی بررسی خواهیم کرد و بیان می‌کنیم که منافاتی بین آنها نیست. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۴

تعارض زوجیت عمومی و بکرزائی:

تعارض زوجیت عمومی و بکرزائی: یکی از صاحب نظران می‌نویسد: «کسانی که این آیه شریفه قرآن (آیه زوجیت) را به این معنا گرفته‌اند که هر یک از انواع موجودات زیستی، نر و ماده دارند، یعنی هیچ موجود زیستی، اعم از حیوانات و نباتات وجود ندارند که نر و ماده نداشته باشد، حال ممکن است کسی بگوید علم زیست‌شناسی امروز این را نمی‌پذیرد، بلکه خلاف این را به ما می‌گوید، یعنی می‌گوید انواعی از موجودات زیستی وجود دارند که نر و ماده در میان آنها وجود ندارند.» «۱» برای روشن شدن اشکال لازم است به دو مطلب اشاره کنیم: نخست اینکه در آیات مربوط به زوجیت، برخی زوجیت میوه‌ها را بیان می‌کرد (رعد/ ۳) و برخی زوجیت گیاهان را تذکر می‌داد (شعراء/ ۷) و برخی زوجیت عمومی همه موجودات را اشاره می‌کرد: وَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ «۲» «و از هر چیزی دو گونه آفریدیم» دوم آنکه پدیده بکرزایی در میان تک یاختگان (تک سلولی‌ها) رواج دارد که در ابتدا مناسب است اطلاعاتی در مورد این موجودات و نحوه تکثیر آنها پیدا کنیم: تک یاختگان (تک سلولی‌ها) aozotorP به معنی حیوان تک یاخته است که پست‌ترین طبقه از سلسله حیوانات هستند که بدن آنها تنها از یک سلول (ralullecinU) ساخته شده است که دارای هسته مشخص و کامل هستند که بوسیله غشاء هسته‌ای محصور است. تا کنون بیش از سی هزار گونه آنها تشخیص داده شده است و اکثرا بطور آزاد در آب و خاک زندگی می‌کنند و برخی انگلی هستند. اندازه هر کدام ۱- ۱۵۰ میکرون است و تعدادی از آنها با چشم غیر مسلح قابل رؤیت است. تکثیر گونه‌های تک یاختگان مثل: آمیب‌ها- مژک‌داران- تاژک‌داران و ... به سه صورت است (_____: ۱) استاد مصطفی ملکیان، فصلنامه مصباح، ش ۱۰، ص ۶۶ (البته ایشان اضافه می‌کند که هر دو طرف این قضیه را بنابر فرض می‌گوید.) (۲) ذاریات/ ۴۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۵ الف: تکثیر غیر جنسی (lauxesA) که خود دارای صور مختلف است. ۱. تقسیم دوتایی (noissiF yraniB) که تک یاخته مادر از جهت طولی به دو تک یاخته دختر تقسیم می‌شود و در مژک‌داران از عرض تقسیم می‌شوند. ۲. شیزوگونی (ynogozihcS) یا تکثیر چندتایی، هسته مادر مکرر با چندین هسته دختر تقسیم می‌شود و سپس سیتوپلاسم تقسیم شده و اطراف هر هسته را می‌گیرد. ۳. جوانه زدن (gnidduB) بعد از رشد کامل سلول مقاومت غشاء سلولی در نقطه‌ای کم می‌شود و جوانه‌ای تشکیل می‌شود و مقداری از هسته و سیتوپلاسم مادر وارد آن می‌شود و رشد می‌کند تا آنکه از مادر جدا و زندگی مستقلی را شروع می‌کند. تذکر: این سه قسم تکثیر را می‌توان نوعی بکرزایی دانست. ب: تکثیر جنسی (lauxeS) چند صورت است که در مژک‌داران دیده می‌شود. ۱. آمیختگی (noidguinoC) در این روش دو تک یاخته با

یکدیگر جفت شد و آنگاه محتویات هسته آنها (میکرونو کلئوس‌ها) با یکدیگر تبادل حاصل کرده و سپس بصورت تک یاختگانی که هسته آنها تجدید سازمان یافته است از هم جدا می‌شوند. ۲. سنگامی ymagnyS () دو سلول جنسی نر و ماده بنام گامت با یکدیگر ملحق شده و تشکیل تخم می‌دهند. ۳. اسپوروگونی (ynogoropS) ابتداء در داخل اووسیست تک یاخته تعداد زیادی اسپوروزوئیت (setiozoropS) بوجود می‌آید (به طور غیر مستقیم تقسیم چندتایی) که بعدا طی مراحلی سلول‌های جنسی تشکیل می‌شوند که به طریق سنگامی با یکدیگر جفت می‌شوند. «۱»

بررسی تعارض زوجیت و بکرزایی:

بررسی تعارض زوجیت و بکرزایی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. همان‌طور که گذشت کلمه «زوج» در لغت به هر یک از دو چیزی گفته می‌شود که قرینه همدیگر باشند و یا مقارن، مشابه و یا متضاد باشند «۲»- «۳» پس نمی‌توان گفت که معنای لغت زوج منحصر در «نر و ماده» است از این رو در تک یاختگان که از طریق تقسیم سلولی دو تا می‌شوند دو زوج خلق شده است و لذا مشمول (_____ ۱) دکتر هرمز داور مزدی، انگل‌شناسی پزشکی، ص ۳۷- ۴۶، چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲ ش. (۲) ر. ک: مفردات راغب، ماده زوج. (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷- ۳۷۸ و ج ۲۲، ص ۳۷۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۶ کلمه زوج هستند چون از هر کدام از آنها دو چیز مقارن و مشابه پیدا می‌شود. ۲. در مسأله زوجیت عمومی همه اشیاء، همزمان بودن یا هم مکان بودن هر دو زوج ملاک نیست و لذا ممکن است دو زوج در دو مکان (مثل الکترون و پروتون که در هسته اتم و مدار اطراف آن هستند) و یا در دو زمان باشند. ۳. اشکال اساسی که باعث پیدایش پندار تعارض بین قانون زوجیت عمومی موجودات قرآن با مسأله بکرزائی شد این است که گمان کرده‌اند همیشه لغت زوج به معنای نر و ماده اصطلاحی است در حالی که معنای کلمه زوج اعم است و هر دو چیز مقارن مشابه یا متضاد را شامل می‌شود. پس تعارضی بین آیات قرآن در مورد قانون عمومی زوجیت و مسأله بکرزائی نیست.

۵. لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها)

اشاره

۵. لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها) هر موجود نر و ماده وقتی ثمر می‌دهند که زایا باشند و زایا شدن آنها به آمیزش دو جنس است. امّا آمیزش هر نوعی با نوع دیگر متفاوت است آمیزش گیاهان از راه گرده افشانی و آمیزش ابرها بوسیله برخورد ابرهایی با بار مثبت و منفی و آمیزش حیوانات و انسان غالبا با انتقال اسپرم‌ها با شیوه خاص است. قرآن کریم به مسأله آمیزش و زایا شدن ابرها و گیاهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: وَ أَرْسَلْنَا الرِّياحَ لَواقِحَ فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَسْقَيْناكُمُوهُ وَ ما أَنْتُمْ لَهُ بِخازِنِينَ «۱» «و بادها را باردار کننده فرستادیم و از آسمان، آبی نازل کردیم، پس شما را بدان سیراب نمودیم، و شما خزانه‌دار آن نیستید.» و در جای دیگر قرآن به نقش بادها در شکل گیری ابرها اشاره می‌کند و می‌فرماید: اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّياحَ فَتُثِيرُ سَحاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّماءِ كَيْفَ يَشاءُ وَ يَجْعَلُهُ كِسَفاً فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلالِهِ فَإِذا أَصابَ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ «۲» «خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان- هر گونه بخواهد- می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند، پس می‌بینی باران از لابلای آن بیرون می‌آید و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، رساند، بناگاه آنان شادمانی می‌کنند.» همین مضمون در سوره فاطر/ ۹ آمده است (_____. ۱) حجر/ ۲۲.

(۲) روم/ ۴۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۷

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: ۱. از سیاق آیات برمی‌آید که آیه اول و دوم در مقام شمارش آیات الهی و نعمت‌های او است و سپس در آیه اول به بحث قیامت اشاره‌ای می‌شود. ۲. شاید بهترین معادل فارسی کلمه لقاح واژه «زایا» است، این کلمه گاهی لازم است (مثل آنکه می‌گویند: شتر زایا است) و گاهی متعدی است (شتر نر شتر ماده را لقاح کرد- زایا کرد.) و در لغت به «شتر ماده» که شیر می‌دهد «اللقحة» گویند. و به بچه‌ای که در شکم است ملاقیح گویند. و به منی جنس مذکر نیز «لقاح» گفته شده است. «۱» در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که لغت لَقاح و لِقاح به معنای نتیجه دادن و زایا بودن یا زایا کردن است. و «لواقح» جمع «لاقح» است.

تاریخچه:

تاریخچه: در اینجا به دو تاریخچه اشاره می‌کنیم: الف: بشر از دیر زمان حتی قبل از اسلام اطلاع داشت که اگر نرینه‌های گیاهان را برای گرده افشانی بر سر شاخه‌های درختان میوه به کار نبرند عملا محصول گیاهان بسیار کم می‌شود مثلا در عربستان معمول بود که خوشه‌های نرینه خرما را برای گرده افشانی بر سر شاخه‌های گلدار درختان خرما بپاشند. امّا در اواخر قرن ۱۸ یا اوایل قرن نوزده و با پیدایش وسایل تحقیقاتی جدید از قبیل میکروسکوپ و غیره ... و پیدایش نوابغ و دانشمندان، کشف شد که بدون عمل جفت‌گیری و انجام تلقیح در حیوانات و گیاهان، تولید مثل امکان‌پذیر نیست (مگر در برخی گیاهان و حیوانات که تکثیرشان از طریق تقسیم سلول و راههای دیگر است) سپس معلوم شد که تولید مثل گیاهان عموما بر اساس تلقیح ذرات خیلی ریزه و ذره‌بینی بنام گرده یا پولن (niloP) است که عامل انتقال این گرده وسایل مختلف مثل حشرات و جریانهای شدید هواست. «۲»

(_____۱) ر. ک: مفردات راغب، ماده لقح.

(۲) ر. ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۲۳- ۲۶ و نیز مهندس محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ص ۳۱ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۸ ب: قرن‌ها بشر اطلاعی از کیفیت دقیق نزول باران از ابرها نداشت ولی در سالهای أخیر پس از پیشرفت‌هایی که در علم فیزیک صورت گرفت و در نتیجه رشته‌های جدیدی از قبیل هواشناسی (متئرولوژی) تأسیس یافت به مسأله تلقیح ابرها پی بردند و حتی بحث از باران مصنوعی شد. و در اینجا متوجه شدند که بادها نقش عجیبی در زایا شدن ابرها دارند یعنی از طرفی باعث تشکیل قطرات باران و دانه‌های برف می‌شوند و از طرف دیگر در باردار شدن ابرها به الکتریسته و تخلیه این بار نقش دارند. «۱» (در قسمت بعدی توضیح بیشتری خواهد آمد)

اسرار علمی:

اشاره

اسرار علمی: در مورد آیات مورد بحث، بویژه کلمه «لقاح» که در آیه ۲۲ سوره حجر مطرح شده است، مفسران و صاحب‌نظران سخنان مبسوطی دارند و سه دیدگاه مختلف در مورد آیه فوق وجود دارد که هر کدام به نوعی، لقاح را اشاره به مسائل علمی معرفی کرده‌اند که بدانها اشاره می‌کنیم:

الف: مقصود لقاح گیاهان است:

الف: مقصود لقاح گیاهان است: یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد: «ما بادها را فرستادیم که گیاهان را آبستن می‌کنند، در آیه

موضوع تلقیح گیاهان، به وسیله باد به روشنی بیان شده است. ضمنا مسئله نر و ماده داشتن گیاهان نیز استفاده می‌شود.» «۲» ملا فتح الله کاشانی (متوفی ۹۸۸ ق) نیز در تفسیر منهج الصادقین لقاح گیاهان را به عنوان یکی از دو احتمال در معنای آیه مطرح می‌کند و می‌نویسد: «فرستادیم بادها را آبستنتان به ابر، یعنی بردارندگان ابرها یا آبستن کنندگان درختها را به میوه؛ چه لواقح لازم و متعددی هر دو آمده.» «۳» برخی دیگر از نویسندگان نیز آیه فوق را در مورد گیاهان دانسته و می‌نویسند: چون گیاهان و گلها برای رسیدن به یکدیگر هیچ‌گونه حرکتی ندارند بعضی از حشرات

(_____۱) ر. ک: مهندس مهدی بازرگان، باد و باران در قرآن، ص ۵۹ و نیز سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ص ۳۵ به بعد. (۲) عباسعلی سرفرازی، رابطه علم و دین، ص ۳۶. (۳) منهج الصادقین، ج ۵، ص ۱۵۸، چاپ کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۶ ق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۸۹ و خصوصا باد عامل اصلی این وصال گردیده است. «۱» ایشان حتی استفاده می‌کنند که قرآن قانون ازدواج را مخصوص انسان و حیوان قرار نداده است. «۲» احمد محمد سلیمان در کتاب القرآن و الطب آیه مورد بحث (حجر/ ۲۲) را اشاره به لقاح گیاهان دانسته است و سپس عوامل لقاح را به عوامل رئیسی (مثل حشرات) و عوامل غیر رئیسی (مثل آب و انسان و ...) تقسیم می‌کند. سپس نقش بادها را در این زمینه مهم دانسته می‌گوید: علم کشف کرده که مهمترین گیاهان خشکی و آبی بوسیله باد تلقیح می‌شوند و از این روست که قرآن از میان عوامل لقاح عامل باد را ذکر کرد و سپس این مطلب را اعجاز قرآن می‌داند؛ چرا که بشریت در اواخر قرن ۱۸ یا اوایل قرن ۱۹ به مسئله تلقیح پی برد. در حالی که قرآن قرن‌ها قبل از آن تذکر داده بود. «۳» برخی دیگر از صاحب‌نظران عرب بدون هیچ توضیحی آیه ۲۲ سوره حجر را حمل بر لقاح اشجار کرده‌اند. «۴»

ب: مقصود لقاح ابرهاست:

ب: مقصود لقاح ابرهاست: مرحوم طبرسی (ره) (۵۴۸ ق) از اولین کسانی است که لقاح را به معنای آبستنی ابرها دانسته است و می‌نویسد: «بادها را لقاح کننده فرستادیم. یعنی وسیله لقاح و آبستنی ابرها به باران می‌شوند. پس از آسمان آب نازل کردیم، یعنی باران فرستادیم.» «۵» همین معنا را مهندس بازرگان می‌پذیرد و می‌نویسد: «آیه دلالت بر لقاح ابرها و بارور شدن آنهاست که در نتیجه آن لقاح، باران می‌بارد ...» و در جای دیگر می‌نویسد: «امّا باید دانست تأمین دو شرط فوق (وجود بخار آب در هوا و اشباع شدن و تقطیر آن در رسیدن هوای جوّ به حالت اشباع، کافی برای تشکیل ابر و ریزش باران نیست، یک عمل یا

(_____۱) عبد الکریم هاشمی‌نژاد، رهبران راستین، ص ۲۵۹ و ۲۶۳ و م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۲۳. (۲) ر. ک: آیة اللّه خوئی، مرزهای اعجاز، ص ۱۱۸ ترجمه استاد جعفر سبحانی. (۳) برگرفته از احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۲۴- ۲۶ دار العودة، بیروت. (۴) الشیخ خالد عبد الرحمن العک، الفرقان و القرآن، ص ۵۱۱. (۵) مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۳۴، مطبعة العرفان، بیروت. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹۰ شرط سوم نیز ضرورت دارد: «بارور شدن» یا عمل لقاح (noitalumitS noitanimreG). بخار آب ممکن است با وجود رسیدن به حالت اشباع تقطیر نشود و وقتی تقطیر شد، دانه‌ها آنقدر ریز و معلق در هوا بمانند که سقوط نکنند و باران نبارد، مگر آنکه با ذرات نامرئی نمک که به وسیله باد از روی دریاها آورده شده است، نطفه‌های جذب و آماس کننده‌ای تشکیل شود. یا مهمتر از آن، رطوبت هوا به دور برگه‌های متبلور برف که در ارتفاعات بالاتر منعقد شده و به وسیله باد پوشیده می‌شود، جمع گردد و بالاخره قطرات ریز اولیه باران در اثر اختلاط و تلاطم و تصادم بادها به هم بپیوندند تا رفته رفته درشت شده در اثر وزن نسبتا زیاد خود از خلال توده‌های ابر ساقط گردد ... تخلیه برق ما بین توده‌های مختلف ابر که در اثر اصطکاک با عوارض زمین و اجسام معلق در باد دارای الکتریسته‌های مخالف می‌شوند و این تخلیه، توأم با روشنائی و غرش شدید،

یونیزه شدن هوا و تشکیل ازن است که کمک فراوان به پیوستن و درست شدن و پختن قطرات می‌نماید ... خلاصه آنکه تشکیل و تقویت ابر و مخصوصا نزول باران یا برف بدون عمل لقاح که با دخالت و تحریک باد صورت می گیرد، عملی نمی‌شود.» «۱» سپس ایشان بقیه مفسران را تخطئه می کند که صراحت نداشته‌اند زیرا از کیفیت موضوع اطلاع نداشته‌اند. «۲» احمد امین نیز می‌نویسد: «منظور (از آیه) همان تأثیری است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد بنابراین آیه شریفه یک معجزه جاودانی است زیرا حدود هزار و سیصد و نود سال پیش، موضوعی را بیان داشته که عصاره و نتیجه تحقیقات علمی جدید است.» «۳» استاد مکارم شیرازی نیز تفسیر لقاح ابرها را برای آیه می‌پذیرند و تفسیر لقاح گیاهان را رد می کنند ایشان می‌نویسند: «لواقح» جمع «لاقح» به معنای بارور کننده است، در اینجا اشاره به بادهائی است که قطعات ابر را به هم پیوند می‌دهد و آنها را آماده باران می‌سازد.

(_____ ۱) ایجاد باران مصنوعی مانند تلقیح مصنوعی حیوانات است به این ترتیب که در هوای صاف یا با قطعات متفرق ابر که گرم و مرطوب و آماده برای ابر شدن بوده ولی در حال تأخیر تعادل باشد گرد یخ متبلور (انیدرید کربنیک) یا بعضی املاح سرد و جاذب الرطوبهٔ یا غبار آب بوسیله هواپیما می‌پاشند. (۲) ر. ک: باد و باران در قرآن، ص ۵۹ و ۱۲۶. (۳) احمد امین، راه تکامل، ص ۵۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹۱ سپس به دلیل رد تفسیر لقاح گیاهان می‌پردازند و می‌نویسند: «نمی‌توان آیه فوق را اشاره به (لقاح گیاهان) دانست چرا که بعد از این کلمه بلافاصله نازل شدن باران از آسمان (آن هم با فاء تفریع) آمده است که نشان می‌دهد تلقیح کردن بادها مقدمه‌ای برای نزول باران است.» البته ایشان تذکر می‌دهند که لقاح گیاهان را برخی به عنوان اعجاز علمی آیه فوق مطرح کرده‌اند. «۱» احمد عمر ابو حجر نیز آیه ۲۲ سوره حجر را به معنای لقاح ابرها گرفته‌اند و توضیحات مفصلی می‌دهند. «۲»

ج: مقصود لقاح ابرها و گیاهان است:

ج: مقصود لقاح ابرها و گیاهان است: برخی از نویسندگان آیه ۲۲ سوره حجر را ناظر به تلقیح در عالم نباتات (گیاهان) و دنیای ابرها دانسته‌اند. «۳» یکی دیگر از نویسندگان با طرح دو آیه مورد بحث (حجر/ ۲۲- روم/ ۴۷) آنها را اشاره به «بادهای نر» که ابرها را حرکت می‌دهند و در سرزمین‌های دیگر می‌برند و به باران تبدیل می‌شود، می‌داند. و سپس در ذیل آیات فوق، نقش بادها در گرده افشانی گلها و کشاورزی را مطرح می کند و آن را یکی از پیشگوئی‌های علمی قرآن می‌داند. «۴» مهندس محمد علی سادات با طرح آیه ۲۲ سوره حجر می‌نویسند: «با در نظر گرفتن اطلاعات و معلوماتی که علوم جدید تا به امروز در اختیار بشر قرار داده، بوضوح پیداست که آیه مذکور با معرفی باد به عنوان وسیله تلقیح در حالت کلی، پرده از روی دو راز بزرگ عالم خلقت (تلقیح گیاهان- تلقیح ابرها) برداشته و قرنها قبل از اینکه بشر به اتکاء علم و دانش خود پی به وجود آنها برد، آنها را برای بشر تعلیم فرموده. یکی از این دو اصل مسلم علمی همانا نقش اصلی و اساسی باد در تلقیح نباتات می‌باشد و امّا اصل دیگر موضوع تلقیح ابرها می‌باشد.» «۵ (_____» ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و نیز قرآن آخرین پیامبر، ص ۱۹۷. (۲) ر. ک: احمد ابو حجر، التفسیر العلمی للمیزان، ص ۴۶۱- ۴۶۳. (۳) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۶۲. (۴) ر. ک: مصطفی زمانی، پیشگوئی‌های علمی قرآن، ص ۹۱- ۹۳. (۵) زنده جاوید و اعجاز جاویدان، مهندس محمد علی سادات، ص ۳۵- ۳۶ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹۲ سپس ایشان با رد انحصار معنای آیه به تلقیح گیاهان بخاطر حرف «فاء» فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً می‌نویسد: «با اندک تعمقی در متن آیه و مقایسه آن با سایر آیات مشابه بوضوح پیداست که قسمت اول آیه حالت کلی داشته و حالت حصر و انحصاری در بین نیست. به عنوان مثال شواهدی از خود قرآن نقل می‌شود: وَ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْءٍ «۱» «و او کسی است که آب را از

آسمان فرو فرستاد و سپس بیرون آوردیم که بسبب آب هر گیاه و روئیدنی را ...» و همینطور آیه ۵۷ سوره اعراف می‌فرماید فَأَنْزَلْنا بِهِ الْماءَ فَأَخْرَجْنا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ «و به وسیله آن آب را فرو فرستادیم سپس بوسیله آن آب، بیرون آوردیم از زمین تمام ثمرات را» در هر کدام از آیات مذکور تنها به یک فونکسیون آب و صرفا به یکی از نتایج و اثرات نزول آن که روئیدن نباتات باشد، اشاره گردیده است در صورتی که می‌دانیم نتایج حاصله از نزول آب تنها به این یک مورد خلاصه نمی گردد. (در حالی که هر دو مورد حرف «ف» به اول «اخرجنا» اضافه شده است.) پس اگر در آیه شریفه مورد بحث نزول آب از آسمان را تنها یکی از نتایج عمل تلقیح بوسیله باد بدانیم، نه تنها تناسب با مورد خواهد داشت بلکه در غیر این صورت انحصار بی‌جائی از پیش خود بر آیه تحمیل کرده‌ایم.» «۲»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. کلمه «لواقح» در آیه وَ أَرْسَلْنَا الرِّياحَ لَواقِحَ «۳» می‌تواند به چهار معنا تصور شود: الف: و بادها را زایا و آبستن (حامل ابر) فرستادیم. ب: و بادها را زایا و آبستن (گرده گیاهان) فرستادیم.

(_____ ۱) انعام/ ۲۹. (۲) همان، ص ۳۹. (۳) حجر/ ۲۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹۳ ج: و بادها را زایا کننده و آبستن کننده (ابرها) فرستادیم. د: و بادها را زایا کننده و آبستن کننده (گیاهان) فرستادیم. از آنجا که لواقح در آیه به صورت مطلق آمده و مشخص نشده که لازم یا متعدی است و در صورت متعدی بودن، متعلق آن ابرها یا گیاهان است پس نمی‌توانیم هیچکدام از چهار احتمال را از آیه نفی کنیم. بلی در ادامه می‌فرماید فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً «۱» و تفریع و نتیجه گیری نزول باران از آسمان بدنبال فرستادن ابرها می‌تواند قرینه باشد که مراد آیه احتمال «الف یا ج» است. (حامل ابر بودن یا زایا کردن ابرها) ولی از طرف دیگر می‌توان گفت که صدر آیه یک مطلب کلی را می گوید (لقاح بادها) اعم از لقاح ابرها یا گیاهان و در دنباله آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکر می‌دهد و یا مصداق اکبر آیه را تذکر می‌دهد و یا مصداقی از آیه را متذکر می‌شود که بشر از آن اطلاع نداشته و اعجاز قرآن را اثبات می کند. همانطور که گذشت این مطلب در برخی از آیات دیگر قرآن مشابه دارد. مثل: وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْءٍ «۲» پس انحصار آیه در لقاح ابرها (دیدگاه دوم) یا لقاح گیاهان (دیدگاه اول) دلیل قاطعی ندارد. و معنای آیه اعم است. ۲. «لقاح» در آیه مورد بحث می‌تواند چیزی فراتر از لقاح ابرها و گیاهان باشد و لقاح ابرها و گیاهان دو مصداق برای لقاح باد است. ممکن است در آینده با پیشرفت علمی بشر تأثیرات ابرها در موارد دیگری نیز اثبات شود. ۳. اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها در آیه ۲۲ سوره حجر می‌تواند نوعی اعجاز علمی قرآن بشمار آید چرا که این مطلب تا سالهای أخیر برای بشر روشن نشده بود امّا اشاره قرآن به لقاح گیاهان هر چند که مطلب شگفت‌آوری است امّا اعجاز علمی قرآن به شمار نمی‌آید چرا که انسانها حتی قبل از اسلام به صورت اجمالی از تأثیر گرده افشانی برخی گیاهان اطلاع داشتند.

(_____ ۱) حجر/ ۲۲. (۲) انعام/ ۲۹ و مشابه آن اعراف/ ۵۷. (پس از فاء در «فاخرجنا» یکی از ثمرات باران بیان شده یعنی روئیدن گیاهان، ولی ثمرات باران منحصر در این مورد نیست.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹۵

بخش پنجم: قرآن و علوم پزشکی فصل اول: قرآن و علوم پزشکی فصل دوّم: قرآن و درمان بیماری‌ها فصل سوم: قرآن و اسرار خلقت در علوم پزشکی

درآمد:

درآمد: قرآن کریم بزرگترین پیام الهی برای بشریت است که هدف اصلی آن هدایت انسان به سوی نور است. اما قرآن همانگونه که درون انسان را نورانی می‌کند، برون و جامعه را نیز نورافشانی می‌کند و از این رو بود که نزول قرآن در عصر ظلمت و جهل و ظلم، چونان برقی درخشید و از اعراب و ملتهایی که اسلام را پذیرفتند در چند قرن چنان تمدن عظیمی بپا کرد که چشم جهانیان را خیره ساخت. یکی از عرصه‌های این تمدن عظیم، علوم پزشکی بود. به طوری که پس از مدت کوتاهی در کشورهای اسلامی پزشکان بزرگی رخ نمودند. و رشد علوم پزشکی در جهان اسلام چنان اوج گرفت که پی‌یر روسو در تاریخ علم خود می‌نویسد: «یکی از پادشاهان اروپا (منطقه باستیل) هنگامی که بیمار شد برای معالجه به نزد دشمنان خود (یعنی مسلمانان) به شهر قرطبه آمد.» «۱» در کشورهای اسلامی بیمارستانهای متعدد و پیشرفته بنا نهاده شد. بطوری که دکتر احمد عیسی بک در کتاب «تاریخ البیمارستانات فی الاسلام» حدود هشتاد بیمارستان را که در کشورهای اسلامی (در روزگار قدیم) برپا شده بود معرفی می‌کند. این امر از بیمارستان صحرائی پیامبر (ص) در میان چادرها در جنگ بدر شروع می‌شود و به امثال بیمارستان احمد بن طولون (تأسیس ۲۵۹ ق) و بیمارستان نور الدین (۵۵۶ ق) می‌رسد. که سه قرن تمام بیماران را بصورت رایگان معالجه می‌کرد و به گفته مورخان ۲۶۷ سال اجاق این بیمارستان خاموش نشد و ... و نیز بیمارستان کبیر منصوری (۶۸۴ ق) که در مصر ساخته شد و بزرگترین بیمارستان قرون وسطی بود که برای بیماران مختلف بخشهای جداگانه داشت و شامل قسمت‌های داروخانه،

(_____ ۱) پی‌یر روسو، تاریخ علوم، ص ۱۱۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹۸ تجربه خانه، بخش سرپایی، مطبخ، حمام، کتابخانه و یک مسجد و سالن مطالعه بود. در این بیمارستان پیشرفته بیمارانی که به بی‌خوابی مبتلا می‌شدند به قصه‌گویان حرفه‌ای گوش می‌دادند و هنگامی که یک بیمار فقیر معالجه می‌شد مبلغی از طرف بیمارستان به او می‌دادند تا در مدت استراحت احتیاج به کار کردن نداشته باشد. «۱» در شهرهای بزرگ برای مراقبت دیوانگان تیمارستانها ساختند و در زمان المقتدر بیش از هشتصد و شصت پزشک مرد و دو پزشک متخصص در امراض زنان و مامایی وجود داشت. «۲» اولین مدرسه پزشکی را در اروپا (سالیدین ایتالیا) مسلمانان ایجاد کردند. «۳» مسلمانان آثار جاویدانی را نیز به جهان عرضه کردند: محمد بن زکریای رازی (۲۵۱- ۳۱۳ ه. ق) که از استادان طب محسوب می‌شود کشف الکل (الکحل) را به او نسبت می‌دهند و از جمله آثار او طب منصوری و طب الملوک است. «۴» ابوریحان بیرونی (۳۶۲- ۴۳۰ ه. ق) نیز در پزشکی تحقیقات عمیقی داشت. «۵» و نیز شیخ الرئیس ابو علی سینا حسین بن عبد الله (۳۷۰- ۴۲۸ ق- ۹۸۰- ۱۰۳۷ م) که پزشک ماهری بود و کتاب قانون او یک دوره کامل طب است «۶» که تا سالها در دانشگاههای اروپا مورد استفاده بود.

راز رشد علوم پزشکی در بین مسلمانان:

راز رشد علوم پزشکی در بین مسلمانان: اسرار توجه مسلمانان به دانش و بویژه علوم پزشکی را باید در پیام‌های قرآن کریم و تعلیمات اسلامی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) جستجو کرد. قرآن در بیش از ۷۰۰ آیه ماده علم را به کار برده و بارها مسلمانان را دعوت به تفکر و تعمق در پدیده‌های طبیعت کرده است به طوری که در آن حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی گرد آمده است. «۷» اما در کنار این دعوت عمومی به دانش، موارد خاصی نیز وجود دارد که انسان را به

(_____ ۱) ر. ک: صبح الاعشی، ج ۳، ص ۳۶۹ و رحلهٔ ابن بطوطهٔ، چاپ پاریس، ج ۱، ص ۷۱ و محمد رضا حکیمی، دانش مسلمین، ص ۱۷۲- ۱۷۳ با تلخیص. (۲) عبد الرزاق نوفل، مسلمانان و دانش جدید، ص ۱۲۳. (۳) همان، ص ۶۹. (۴) محمدنژد، فرهنگ دانستنیها (جهان دانش)، ج ۱، ص ۷۴۵. (۵) همان، ص ۷۴۳. (۶) همان، ص ۲۵۰. (۷) دکتر مهدی گلشنی، قرآن و علوم طبیعت، ص ۵۹، نشر مطهر، ۱۳۷۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۲۹۹ طرف شاخه‌های علوم پزشکی متمایل می‌کند و شاید یکی از علل عمده توجه مسلمانان به علوم

پزشکی همین آیات باشد. برخی از این موارد عبارتند از: الف: دعوت انسان به تفکر و دقت در منشأ پیدایش انسان و مراحل خلقت او: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ «۱» «پس انسان بنگرد که از چه چیزی خلق شده است.» إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ «۲» «بدرستی که ما انسان را از آب نطفه مختلط آفریدیم.» ب: دعوت انسان به تفکر در ساختمان وجودی حیوانات: أَ فَلا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ... «۳» «آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است» پ: دعوت به شناخت غذاها: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ إِلى طَعامِهِ «۴» «پس انسان به غذای خویش بنگرد (و تفکر کند)» ت: حرام کردن برخی خوردنیها مثل گوشت خوک و مردار و شراب که موجب برانگیختن حس کنجکاوی مسلمانان برای پی بردن به حکمت آن احکام شد (در ادامه نوشتار این مطالب را توضیح خواهیم داد.) ث: برخی از احکام و عبادات مسلمانان با مسأله سلامت و بیماری مرتبط است و پزشکی می‌توانست در تشخیص این موضوعات کمک شایانی به فقه (احکام عبادت) باشد. مثال: روزه بر انسان سالم در ماه مبارک رمضان واجب است اما بر انسان بیماری که روزه برایش ضرر دارد یا موجب شدت بیماری او می‌شود واجب نیست. «۵» همچنین استعمال آب برای غسل و وضو در مورد بیمارانی که برای آنان ضرر دارد جایز نیست. «۶»

(_____ ۱) طارق/ ۵. (۲) انسان/ ۲. (۳) غاشیه/ ۱۷. (۴) عبس/ ۲۴. (۵) ر. ک: رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، در بحث تیمم و روزه از جمله توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۶۱۲ و ص ۳۵۶ از دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، فتوای ۱۲ نفر از مراجع تقلید، ۱۳۷۶ ش. (۶) ر. ک: رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، در بحث تیمم و روزه از جمله توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۶۱۲ و ص ۳۵۶ از دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، فتوای ۱۲ نفر از مراجع تقلید، ۱۳۷۶ ش. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۱

فصل اوّل: قرآن و بهداشت

مقدمه:

مقدمه: در قرآن کریم از برخی امور یاد شده که دارای جنبه تعبدی و دینی و جنبه بهداشتی است. یعنی برخی از احکام دینی که در قرآن بدانها تصریح شده دارای فواید پزشکی و بهداشتی است و رعایت آنها باعث جلوگیری از بیماریهای زیادی می‌شود. یعنی این احکام دارای مصلحت‌ها و حکمت‌هایی بوده که با پیشرفت علوم پزشکی بدانها پی برده‌ایم و به عبارت دیگر قرآن به برخی نکات اشاره می‌کند که علوم پزشکی و عقل آدمیان در صدر اسلام آنها را کشف نکرده بود و این خود نوعی اعجاز علمی قرآن محسوب می‌شود. در اینجا باختصار به برخی از آیات و احکام و حکمت‌های تشریع آنها اشاره می‌کنیم.

الف: بهداشت غذائی

۱. دعوت به غذاهای پاک و پاکیزه (طیّب):

اشاره

۱. دعوت به غذاهای پاک و پاکیزه (طیّب): غذای طیّب به چیزهای خوراکی پاک و پاکیزه گفته می‌شود که انسان از خوردن آنها لذّت می‌برد «۱» خدا در قرآن می‌فرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّباتِ ما رَزَقْناكُمْ «۲» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از

غـذاهای حلال و پاکیزه که ما نصیب شـما کرده‌ایم بخورید.» یا أَیُّهَا النَّاسُ کُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلالًا طَیِّباً «۳» «ای مردم از آنچه در زمیـــــــــن اســـــــــت حلاـــــــــل و پـــــــــاکیزه را تنـــــــــاول کنیـــــــــد.»

(_____۱) راغـب در مفردات می گویـد: و اصل الطیب ما تسـتلذه الحواس و ما تسـتلذه النفس. (۲) بقره/ ۱۷۲ و نیز همیـن مضـمون در بقره/ ۷۵- مائده/ ۴- ۵- اعراف/ ۱۵۷- ۱۶۰ و مؤمنـون/ ۵۱. (۳) بقره/ ۱۶۸- مائده/ ۸۸- و همین مضـمون در انفال/ ۶۹- نحل/ ۱۱۴. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۲ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَةَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ «۱» «بگو (ای پیامبر) چه کسـی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از خوردن غذاهای حلال و پاکیزه منع کرده است؟»

نزول:

نزول: برخی از طایفه‌های مشـرکین از قبیل خزاعه، بنی عامر و غیر آنها بعضی از انواع حبوبات و گوشتها را بدون دلیل بر خود حرام کرده بودند و آن را به خدا نسبت می‌دادند. آیه دوّم در صدد ردّ این اعمال و تهمت‌ها است. در این آیات بویژه آیه دوّم چند نکته تفسیری جالب وجود دارد: الف: آیه خطاب به همه مردم (ناس) اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان است. یعنی خوردن غذای حلال و پاکیزه برای عموم بشـریت مفید است و این مطلب مورد ابتلاء همه انسان‌هاست چرا که گاهی غذاهایی را بر اساس عقاید انحرافی یا خرافات و یا عادات بر خود ممنوع می کننـد و قرآن همه غـذاهای پاکیزه و حلال را جایز می‌شـمارد. ب: آیه دلالت بر حلّیت عام در تمام تصـرفات دارد؛ یعنی هر گونه تصـرفی در غذاهائی که خدا برای بشـر آفریده جایز است، مگر آنکه دلیل شـرعی خاصی آن را منع کنـد. (مثل حرمت گوشت خوک) پ: امتناع کردن (بـدون دلیل شـرعی) از آنچه که خدا برای انسان حلال کرده است، تشـریع حرام است. «۲» ت: حلال به چیزی می گویند که ممنوعیتی نداشته باشد و طیّب به چیزهایی گفته می‌شود که موافق طبع سالم انسانی باشد. «۳» قرآن کریم با نزول چنـد دسـته از آیات به اصـطلاح رژیم غذایی را برای بشـریت آورده است. و این امر را در چند مرحله انجام داده است: اوّل: از غـذای طیب بخوریـد. دوّم: از غـذای طیب حلال بخوریـد. سوّم: غـذاهای طیب را بر خود حرام نکنید (و با کســـــــانی کـــــــه غـــــــذاهای طیـــــــب را بر خـــــــود حرام می‌کننـــــــد برخـــــــورد می‌کنـــــــد)

(_____۱) اعراف/ ۳۲- و همین مضمون در مائده/ ۸۷. (۲) ر. ک: المیزان، ج ۱، ص ۴۱۸- ۴۱۹. (۳) ر. ک: نمونه، ج ۱، ص ۴۱۷. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۳ چهـارم: غـذاهای طیب را معرفی می کنـد (مثـل گـوشت- شـیر- عسـل و ... که در ادامه، آیـات مربـوط به آنهـا را می‌آوریم) پنجم: غذاهای خبیث را بر انسان حرام کرده است. «۱» شـشم: مواردی خاص از غذاهای خبیث و حرام (مثل خون- مردار ...) را نام برده و تحریم کرده است.

تاریخچه:

تـاریخچه: انسـان بصورت طبیعی از برخی غـذاها لـذت می‌برد و از آنجـا که اسـلام بر اسـاس فطرت انسان بنا نهاده شـده است به ما دستور می‌دهد که از غذاهای طیب (که موافق طبع انسان است و از آنها لذت می‌برد) بخورد. اما برخی از مکاتب در اثر انحرافات و تحریفـات از این مسیر مسـتقیم کنـار رفته و گـاهی خوردن غـذاهای طیب را ممنوع اعلام کرده‌انـد: «بودائیسم، بطور مطلق خوردن گوشت را برای پیروان خود منع کرده و هندوها نیز بخاطر مقدس شـمردن گاو، گوشت آن را نمی‌خورند. مذاهب دیگری نیز وجود

دارنـد که پیروان خود را از خوردن گوشت حیوانات و یا فرآورده‌های حیوانی (تخم مرغ، شـیر، پنیر و ...) به مـدت چهل یا نود روز در سال منع می‌کنند.» «۲»

احکام:

احکام: در مورد غذای انسان چند حکم اساسی در اسلام وجود دارد: ۱. غذا پاک باشد یعنی نجس نباشد. ۲. غذا پاکیزه باشد یعنی پلید (خبیث) نباشد. ۳. غذا حلال باشد، یعنی غذای حرام نباشد. ۴. دو گونه غذا حرام است: اول: غذایی که در قرآن یا روایات اهل بیت (ع) تحریم شده است. (مثل خون و ...) دوم: غذایی که از راه غیر مشـروع بدست آمده است و انسان مالک یا مجاز در تصـرف آن نباشـد. «۳ (_____» ۱) ر. ک: اعراف/ ۱۵۷. (۲) دکتر احمـد قرقوز و دکتر عبـد الحمیـد دیـاب، ترجمه علی چراغی، طب در قرآن، ص ۱۶۳. (۳) ر. ک: رساله‌هـای عملیه مراجع معظم تقلیـد، مبحث احکـام خوردنی‌هـا و آشامیـدنی‌ها و نیز کتابهـای فقهی مفصل مثل جواهر الکلام مبحث اطعمه و اشـربه. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۴

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسـرار علمی: در مورد حکمت‌های حرمت غـذاهای نجس و غذاهایی که در قرآن بطور خاص تحریم شده (مثل خون- مردار- و ...) در آینـده سـخن گفته می‌شود و اینـک در مورد بقیه موارد سـخن برخی از صاحب‌نظران را نقل می‌کنیم: «قرآن، انواع گونـاگونی از غـذاها را که ذائقه افراد را ارضـا کرده و برای جسم و روح آنهـا نیز مفیـد بوده و زیـانی به آنهـا نمی‌رسانـد را حلال فرموده است ... معنی کلمه طیب در منفعت و ارزش غـذایی محـدود نمی‌گردد، بلکه از آن نیز تجاوز می‌کنـد و فواید روانی غذا را نیز در بر می‌گیرد. برای اینکه غـذایی طیب باشـد باید حلال هم باشد کُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ حَلالًا طَیِّباً «۱» زیرا هنگامی که شخص از دسترنج خود غذا می‌خورد ضـمن دست‌یابی به یک لذت و نشـئه خاص، احساس سـعادت بزرگی نیز به وی دست می‌دهد، درسـت برخلاف آن روحیه حریصـی که روزی سایرین را به لطایف الحیل از چنگ آنها بیرون می‌آورد.» «۲» قرآن کریم از طرفی انسان را از خوردن غذاهای مضـر و خبیث باز می‌دارد و از طرف دیگر او را نسـبت به خوردن غذاهای پاک و مفید (طیب) توصـیه می‌کند و این دو دسـتور اسلامی، سلامتی و بهداشت جسم انسان را تأمین می‌کند؛ همانگونه که آرامش روانی و بهداشت اجتماعی انسانها را با قید «حلال» بودن غذا تأمین می‌کند.

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. توصـیه قرآن به غذای طیب و حلال تأثیرات مفیدی در بهداشت جسم و روان انسان دارد و این مطلب از خدمات بزرگ قرآن و اسلام به بشریت است. ۲. از آنجا که میل به غذاهای پاک و پاکیزه ریشه در طبع انسان دارد و امری است که از درون ساختمان وجودی او ریشه می‌گیرد، لذا دسـتور اسلام به خوردن غذاهای «طیب» به نوعی یک دستور ارشـادی است و حکم تأسیسـی محسـوب نمی‌شـود. پس نمی‌توان آن را یـک معجزه علمی قرآن محسوب کرد. البته در مورد حکم حلال بـودن غـذا و جزئیـات آن (_____، ۱)

مائده/ ۸۸. (۲) طب در قرآن، پیشین، ص ۱۶۳- ۱۶۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۵ احکامی وجود دارد که عقل و طبع انسان بدون راهنمایی الهی بدانها دست پیدا نمی‌کند. ۳. مطالبی که در مورد «طیب» و «حلال» بودن غذا گفته شد، می‌تواند بخشی از فلسفه و حکمت حکم باشد ولی علت منحصر حکم نیست و این احتمال وجود دارد که در تشریع این احکام مصالح و مفاسد دیگری نیز در نظر گرفته شده باشد.

۲. ممنوعیت غذاهای غیر بهداشتی (خبیث):

اشاره

۲. ممنوعیت غذاهای غیر بهداشتی (خبیث): خبائث به چیزهایی گفته می‌شود که پلید است، یعنی امور پست و فاسد و متعفن است بطوری که طبع انسان آنها را نمی‌پسندد. «۱» قرآن کریم می‌فرماید: وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ «۲» «و (آن رسول) بر آنان هر غذای پاکیزه و مطبوع را حلال و هر چیز پلید و منفور را حرام می‌گرداند.»

نزول:

نزول: آیه یکی از وظایف و اهداف انبیاء را بیان می‌کند که آنها آمدند تا چیزهای پاکیزه را حلال و امور پلید را حرام اعلام کنند. مسأله حلال کردن طیبات و حرام کردن چیزهای خبیث از فطریاتی است که همه ادیان الهی آن را پذیرفته‌اند. «۳» طیّبات یعنی آنچه را طبع سلیم می‌پسندد و خبیث یعنی امور تنفرآمیز که طبع سلیم نمی‌پسندد یعنی دعوت پیامبران موافق فطرت آدمی است.

تاریخچه:

تاریخچه: انسان بطور طبیعی از برخی غذاها متنفر است و از آنجا که اسلام موافق فطرت انسان است اینگونه غذاها را ممنوع و حرام اعلام کرده است. در ادیان گذشته هم رد پای این حکم به چشم می‌خورد. در تورات می‌خوانیم که: «هیچ مکروه مخور» و سپس حیوانات حلال (مثل گوسفند و ...) را نام می‌برد و می‌گوید: «و از همه مرغان طاهر بخور» «۴» و همانطور (_____۱) راغب در مفردات می‌گوید: «الخبیث ما یکره رداءة و خساسة محسوسا کان او معقولا ... [و الخبائث فی الایة] ای ما لا یوافق النفس من المحظورات. (۲) اعراف/ ۱۷۵. (۳) ر. ک: المیزان، ج ۸، ص ۲۹۴ و نیز تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۵۹. (۴) کتاب مقدس، سفر تثنیه، باب ۱۴، آیه ۳ و ۲۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۶ که گذشت برخی ادیان الهی قبل از اسلام خوردن مردار و خون و خوک را ممنوع اعلام کرده بودند و این امور مصادیقی از خبائث است.

احکام:

احکام: بر طبق آیه فوق و روایات اهل بیت (ع) برخی از غذاهای خبیث ممنوع و حرام اعلان شده است. در این راستا توجه به

حرمت این امور جالب است. ۱. خوردن چیزهای خبیث که طبیعت انسان از آن متنفر است (میوه گندیده و ...) حرام است. ۲. خوردن نجاسات حرام است. ۳. خوردن آب دماغ حرام است. ۴. فرو بردن آب‌بینی و خلط سینه که در فضای دهان وارد شده است حرام است. ۵. خوردن خاک حرام است. (مگر در موارد خاص) ۶. خوردن چیزهایی که موجب مرگ می‌شود حرام است. ۷. خوردن چیزهایی که برای انسان ضرر کلی دارد حرام است. ۸. خوردن گوشت یا شیر حیوان جلّال (حیوان حلال گوشتی که خوراک آن بر حسب عادت منحصر به مدفوع انسان باشد) حرام است. ۹. برخی اجزاء حیوان حلال گوشت مثل: خون، فضله، نری، فرج، تخم (دنبلان) بولدان (مثانه) و ... «۱» ۱۰- ۱۳. خوردن خون، مردار، گوشت خوک و شراب که بصورت مستقیم در آیات دیگر قرآن تحریم شده ولی می‌تواند مصداق غذای خبیث هم باشد. تذکر: اختلاف فتوای مختصری در این امور هست مثلا حرام بودن برخی از این امور بصورت فتوا و برخی بصورت احتیاط واجب است.

حکمت‌ها و اسرار:

حکمت‌ها و اسرار: یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: «خبائث چیزهایی است که در فارسی آنها را پلید می‌خوانند و در نزد مردم فاسد و گندیده و متعفن و غیر مطبوع است

(۱) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، و رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۷ فساد غذا و گندیدن و کپک زدن آنها بواسطه تأثیر میکروب‌ها و قارچ‌های سمی است که روی غذا نشسته و آنرا مسموم و آلوده می‌کند. روشن است که اینگونه غذاها موجب ابتلاء به امراض گوناگون می‌گردد. غذا در بدن تبدیل به سلول زنده می‌شود. از غذای نجس و آلوده و پلید، سلول پلید بوجود می‌آید و چون سلول‌ها عمر کوتاهی دارند از هفت روز تا چهل روز و احیانا تا هفت سال هم ممکن است سلولی در بدن زنده بماند.» «۱»

بررسی:

بررسی: ۱. ممنوعیت غذاهای پلید (غیر بهداشتی) و تنفرآمیز یکی از خدمات ادیان الهی به بشریت است، زیرا در شرایطی که میکروب کشف نشده بود و اثرات غذاهای پلید در بوجود آمدن بیماری‌ها روشن نبود آنها را ممنوع اعلان کردند و این خدمت بزرگی در جهت سلامتی جسم انسان‌ها بود. ۲. این مطلب خاص قرآن کریم نیست و همانطور که گذشت سابقه در ادیان گذشته دارد. ۳. از آنجا که تنفر انسان از غذاهای پلید یک امر طبعی و درونی انسان است، لذا این حکم قرآن کریم و ادیان الهی قبلی موافق طبیعت انسان است و به نوعی حکم ارشادی است و لذا نمی‌توان آن را یک معجزه علمی ادیان الهی یا قرآن محسوب کرد. البته جزئیات و مصادیق غذاهای خبیث و تشخیص آنها گاهی از دسترس عقل و طبع انسان خارج است که در این موارد احکام شریعت راهگشاست. ولی بحث ما در اینجا در مورد حکم کلی تحریم خبائث است. ۴. اینکه غذاهای پلید و تنفرآمیز ضررهای بهداشتی دارد و این یکی از اسرار و حکمت‌های تحریم آنهاست صحیح است. اما نمی‌توان استنباط کرد که این مطلب علت منحصر در تحریم آنها باشد. چون ممکن است عوامل دیگری (مثل اثرات معنوی و روحی و اخلاقی و اجتماعی مصرف این غذاها) هم در تحریم آنها نقش داشته باشد.

۳. ممنوعیت اسراف در غذا:

اشاره

۳. ممنوعیت اسراف در غذا: اسراف به معنای تجاوز از حدّ هر چیزی است «۲» و این مطلب در تغذیه به معنای پرخوری می‌آید، که مورد نکوهش قرآن قرار گرفته است. خدا در قرآن می‌فرماید:

(۱) احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۳۱۹ با تصرف مختصر در عبارات. (۲) مفردات راغب، ماده سرف. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۸ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ «۱» «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.»

نزول:

نزول: کلمه اسراف کلمه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده‌روی در کمیّت و کیفیت و بیهوده‌گرائی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود. این روش قرآن است که به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش فورا جلوی سوء استفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند. «۲» برخی از مفسران می‌نویسند: در اینجا چهار عنوان داریم: الف: تقتیر (اینکه کسی در مصرف چیزهایی که لازمه زندگی است کوتاهی کند که این امر مبغوض است.) ب: تبذیر (اینکه کسی اموال را در مصارف غیر عقلائی و غیر مشروع صرف کند که حرام است.) پ: قصد و اقتصاد (میانه‌روی که صرف اموال در مصارف مشروع عقلائی است که ممدوح است.) ت: اسراف؛ زیاده‌روی در مصرف است که در مقابل آن سه عنوان بالا است و مذموم می‌باشد. بلکه اسراف از گناهان کبیره شمرده شده است و آیاتی در مذمت آن نازل شده است از جمله همین آیه: إِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ زیرا عدم حب الهی دال بر مبغوضیت است بخصوص در این مقام که بمنزله علت تحریم است. «۳» در تفسیر مجمع البیان نیز عدم محبت الهی را به معنای مبغوضیت گرفته‌اند. «۴» برخی از صاحب‌نظران هم آن را در شمار گناهان کبیره آورده و توضیح داده‌اند. «۵»

تبیین موضوع:

تبیین موضوع: نیازهای طبیعی بدن انسان به عناصر اصلی غذائی (مواد قندی، چربی‌ها، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها و مواد معدنی) با توجه به سن، جنس، نوع فعالیت و حالت غریزی برای افراد

(۱) اعراف/ ۳۱. (۲) تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۷. (۳) سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان، ج ۵، ص ۳۰۶، با مختصر تصرف در عبارات. (۴) ر. ک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۱۲. (۵) شهید سید عبد الحسین دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۷۵ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۰۹ مختلف، متفاوت است. اگر تغذیه از حالت اعتدال خارج شود برای انسان ضرر دارد. یعنی «زیاد خوردن و کم خوردن هر دو مضر است و اعتدال مطلوب است.» «۱» اسراف مصادیق گوناگونی دارد. برخی پزشکان گونه‌های اسراف را اینچنین نوشته‌اند: ۱. زیاد خوردن و آشامیدن (خوردن بیش از حد نیاز بدن) ۲. فرو دادن سریع غذا بدون جویدن کامل. ۳. زیاده‌روی در خوردن یک نوع غذا. ۴. زیاده‌روی در برآوردن تمام خواسته‌های نفس. ۵. تجاوز از خوراکی‌های حلال و روی آوردن به خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های حرام. «۲» البته اسراف در بقیه امور زندگی (مثل بخشش، مجازات و ...) نیز می‌تواند جریان یابد ولی موضوع بحث ما در اینجا اسراف در تغذیه است. گاهی اسراف در غذا در مصادیق دیگری، مثل ضایع کردن و از بین بردن بدون دلیل غذا یا مصرف ناقص و

اتلاف بقیه آن نیز استعمال می‌شود. تذکر ۱: اسراف به حسب افراد و اشخاص و زمانها متفاوت است و مصادیق مختلفی می‌یابد و گاهی چیزی که برای یک نفر و در یک شرایط اسراف است برای دیگری نیست. تذکر ۲: نامطلوب بودن اسراف را همه بصورت فطری و عقلائی متوجه می‌شوند پس احکام شریعت در این مورد ممکن است ارشادی باشد.

احکام:

احکام: ۱. در حال سیری غذا خوردن مکروه است. ۲. پرخوری مکروه است. ۳. زیاد آب آشامیدن مکروه است. «۳» ۴. سه نوع اسراف همیشه حرام است: اوّل: ضایع کردن مال و بی‌فایده کردن آن. دوّم: صرف مال در آنچه که به بدن ضرر می‌رساند. سوّم: صرف کردن مال در مصارفی که شرعا حرام است. «۴»

(۱) اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۳۰۷. (۲) طب در قرآن، ص ۱۳۷. (۳) ر. ک: گناهان کبیره، ج ۲، ص ۸۵- ۸۷. (۴) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله و رساله‌های عملیه مراجع تقلید، مبحث احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۰

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسرار علمی: اعتدال در هر امری مطلوب است و اعتدال در تغذیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن به قاعده کلی منع اسراف در خوردن و آشامیدن اشاره می‌کند که امروزه در طب پیشگیری جایگاه ویژه‌ای دارد. غذا وسیله‌ای برای تأمین احتیاجات بدن انسان است که بدون آن سلامت انسان تامین نمی‌شود. اما اگر در مصرف همین غذا اسراف شود یعنی کسی اقدام به پرخوری کند سلامت او به خطر می‌افتد و این عوارض و بیماری‌ها را در پی دارد. برخی صاحب‌نظران ضررهای پرخوری را اینگونه می‌نویسند: ۱. سوء هاضمه و گشاد شدن معده که بزرگ شدن شکم را در پی خواهد داشت. ۲. بزرگ شدن بیش از حد معده که یک عارضه خطرناک است و اگر بموقع درمان نشود منجر به مرگ می‌شود. ۳. پیچ خوردن معده در اثر پرخوری بیش از حد که خطرناک است. ۴. حمله خناق سینه یا سوزش قلب، چرا که غذای بیش از حد نیاز به مثابه بار سنگینی است که بر دوش قلب گذاشته می‌شود و کاملا تأثیری همانند خستگی مفرط قلب بر اثر فعالیت زیاد بدنی دارد. ۵. پرخوری باعث عبور برخی میکروب‌ها و ویروس‌های بیماری‌زا از معده و نفوذ به سایر اجزاء و در نتیجه ابتلای شخص به بیماری‌هایی از قبیل وباء، تیفوئید و ... می‌گردد زیرا به علت کثرت غذا، تمام آن در معرض ترکیب شدن با اسیدهای معده قرار نمی‌گیرد و درست هضم نمی‌گردد و معمولا مسئولیت نابودی این میکروب‌ها و ویروس‌ها به عهده ترشحات اسیدی معده می‌باشد. ۶. احتمال پاره شدن معده در اثر ضربه یا فشار ناگهانی زیاد می‌شود. ۷. چاقی که خود یک بیماری خطرناک است و در اثر پرخوری و اسراف در خوردن یک نوع غذا بویژه مصرف بیش از حد چربی و شیرینی عارض می‌گردد (البته گاهی ارثی است.) ۸. پوسیدگی دندان که در اثر اسراف در مصرف مواد قندی مصنوعی و شیرینی است. ۹. تصلب شرائین (sisorelcsorehtA) که بیشتر در مورد افرادی پیدا می‌شود که مواد چربی زیاد مصرف می‌کنند و خون آنان غلیظ می‌شود. ۱۰. نقرس (tuoG) یک بیماری مفصلی و توأم با حملات دردناک است که بیشتر پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۱ افرادی بدان مبتلا می‌گردند که غذای اصلی آنان را مواد گوشتی تشکیل می‌دهد (اسراف در خوردن یک نوع غذا یعنی گوشت) ۱۱. سنگ کلیه، افرادی که بیشتر غذای آنان را مواد گوشتی، شیر و پنیر تشکیل می‌دهد بیش از دیگران در معرض ابتلاء به سنگ کلیه می‌باشند (اسراف در خوردن یک نوع غذا) ۱۲. پرخوری، آثار

روحی و روانی نیز دارد مثل: سستی اراده و کودنی و میل مفرط به خواب که در نهایت موجب تنبلی فرد می‌شود و نیز باعث افزایش شهوت جنسی می‌شود که کم کم انسان را به یک حیوان تبدیل می‌کند. ۱۳. پرخوری همراه با حرص و ولع (شره) غالبا ریشه روانی ناشی از محرومیت دارد. و ممکن است بدلیل افسردگی یا به علت لذت بردن از یک کار و یا تقلید از دیگران باشد. و گاهی ممکن است این عمل بصورت یک عمل غریزی مثل و یار در دوران بارداری باشد. «۱» ۱۴. افراط در گوشت خوردن موجب این امور می‌شود: مرض قند- آپاندیسیت- ورم روده- سرطان مهلک- فراهم آوردن مقدمات سکته- تصلب شرائین- زیاد شدن کلسترول خون که موجب پیری زودرس می‌شود- نقرس. «۲» برخی مفسران می‌نویسند: «یک دستور مهم بهداشتی جمله کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا است که در آیه آمده است گر چه بسیار ساده به نظر می‌رسد اما امروز ثابت شده است که یکی از مهمترین دستورات بهداشتی همین است، زیرا تحقیقات دانشمندان به این نتیجه رسیده که سر چشمه بسیاری از بیماریها: غذاهای اضافی است که به صورت جذب نشده در بدن انسان باقی می‌ماند.» (و سپس فواید پزشکی اعتدال و ضررهای پرخوری را برمی‌شمارند.) «۳» دکتر سید الجمیلی با ذکر آیه کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا (اعراف/ ۳۱) ادعا می‌کند که این آیه قرآن نوعی درمان سرطان را در پی دارد. ایشان می‌نویسد: مصرف ۳۵ سیگار در روز و بیشتر از آن موجب سرطان ریه می‌شود، در حالی که قرآن از اسراف نهی کرده است. «۴» دکتر صادق عبد الرضا علی نیز پس از ذکر آیه فوق (اعراف/ ۳۱) به بررسی بیماری‌هایی که در اثر اسراف پدید می‌آید می‌پردازد و آنگاه عوامل چاقی را بررسی می‌کند و روایات متعددی

(_____ ۱) طب در قرآن، ص ۱۳۷ - ۱۴۰.

(۲) ر. ک: دکتر غیاث الدین جزایری، اسرار خوراکی‌ها، ص ۲۴- ۶۵ و نیز فلسفه احکام، ص ۳۱۸. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۲. (۴) دکتر السید الجمیلی، الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۴۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۲ نیز در این موارد می‌آورد «۱» و یکی از آثار اسراف را سستی در عبادت می‌شمارد. «۲» عبد الرزاق نوفل نیز با طرح آیه ۳۱ سوره اعراف می‌گوید این آیه خلاصه علم طب اولین و آخرین است. سپس آیات دیگر اسراف را می‌آورد و آنگاه نهی از اسراف را اعم از خوردن و آشامیدن معرفی می‌کند. و سخنانی از پزشکان و صاحب‌نظران در مورد نکوهش اسراف می‌آورد. «۳»

بررسی:

بررسی: ۱. ارائه یک قاعده کلی در تغذیه (خوردن و آشامیدن معتدل و اسراف نکردن) یکی از مطالب عالی قرآن کریم است که نقش بسزایی در سلامتی انسان دارد و می‌تواند یکی از معجزات علمی قرآن محسوب شود چرا که این آیه در شرایطی نازل شد که هر انسانی علاقه به غذای زیادتر داشت و اطلاع کاملی از عوارض سوء پرخوری نداشتند و این امور با پیشرفت علوم پزشکی ظاهر گشت. مگر آنکه گفته شود که انسان‌ها از اعصار گذشته به مسأله اعتدال در تغذیه پی برده بودند و این چیزی نبوده که بر پزشکان مخفی باشد پس این حکم به نوعی ارشادی است و لذا نمی‌تواند اعجاز علمی قرآن محسوب شود. ۲. ضررهای بهداشتی و پزشکی جزئی از فلسفه و حکمت این حکم الهی است اما نمی‌تواند علت منحصر این حکم باشد چرا که ممکن است ضررهای دیگری (مثل آثار زیانبار روحی و معنوی) نیز در تشریع این حکم دخالت داشته است. ۳. برخی از آثاری که از لحاظ پزشکی نام برده شد (مثل سنگ کلیه و ...) علت منحصر آنها اسراف نیست بلکه یکی از علل این بیماری‌ها اسراف در تغذیه است، پس استناد همه این بیماریها به اسراف مبالغه‌آمیز است. همانطور که برخی از نویسندگان صاحبنظر به این مطلب اشاره کرده‌اند. «۴»

۴. ممنوعیت خوردن گوشت مردار:

اشاره

۴. ممنوعیت خوردن گوشت مردار: مردار عبارت است از جسم انسان یا حیوان مرده و در شریعت به جسم حیوانی گفته می‌شود که یا خود مرده باشد و یا بر خلاف دستور شرعی کشته شده باشد. خدا در قرآن می‌فرماید: (_____۱) دکتر عبد الرضا علی، القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۱۰ تا ص ۱۱۵. (۲) دکتر عبد الرضا علی، القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۱۰ تا ص ۱۱۵. (۳) عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۶۷ تا ص ۷۲. (۴) فلسفه احکام، ص ۳۱۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۳ إِنَّما حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَةَ وَ ... «۱» «همانا او گوشت مردار را بر شما حرام کرد و ...»

نزول:

نزول: آیه فوق در چهار سوره قرآن کریم با الفاظ مختلف تکرار شده است یعنی در سوره‌های انعام، نحل، بقره و مائده نازل گردیده است. به نظر می‌رسد که اولین بار در اوایل بعثت در مکه نازل شد و سپس در اواخر اقامت پیامبر (ص) در مکه تکرار شد. و در مدینه هم یک بار در اوایل حضور پیامبر (ص) و بار دیگر در اواخر عمر آن حضرت (در سوره مائده) نازل شد. در مورد علت تکرار بی‌سابقه این آیه در قرآن علل مختلفی بیان شده است از جمله: الف: اهمیت موضوع یعنی خطرات جسمی و روحی آن. ب: آلودگی مردم آن روزگار به این مطلب. «۲»

تاریخچه:

تاریخچه: مسأله پلید بودن مردار در ادیان قبل از اسلام نیز سابقه دارد. در تورات، این مطلب تأیید شده حتی این مسأله به حد افراط رسیده است به طوری که در تورات فعلی آمده است که: «هر کس در هنگام فوت یک انسان بر سر او حاضر باشد پس از فوت او نجس می‌شود. اگر چه دستی به میت نگذاشته باشد.» و نیز در تورات آمده است: «و اگر یکی از بهائمی که برای شما خوردنی است، بمیرد هر که لاش آن را لمس کند تا شام نجس باشد و هر که لاش آن را بخورد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد. و هر که لاش آن را بردارد رخت خود را بشوید و تا شام نجس باشد» «۳» «هیچ میته مخورید ...» «۴» «و خداوند به موسی گفت بکاهنان یعنی پسران هارون خطاب کرده به ایشان بگو کسی از شما برای مردگان خود را نجس نسازد جز برای خویشان نزدیک خود یعنی برای مادرش و پدرش و پسرش و دخترش و برادرش.» «۵» (_____۱) انعام/ ۱۴۵- نحل/ ۱۱۵- بقره/ ۱۷۳- مائده/ ۳. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۸. (۳) کتاب مقدس، سفر لاویان، باب ۱۱، آیه ۴۰- ۳۹. (۴) همان، سفر تثنیه، باب ۱۴، آیه ۲۱. (۵) همان، سفر لاویان، باب ۲۱، آیه ۱- ۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۴ و نیز در بین زرتشتیان دستورات سختی در مورد مرده قرار داده شده است از جمله آمده است که: مرده در رودخانه انداختن جنایت بزرگ است. چرا که آب رودخانه مقدس است و آن را پلید کرده است و لذا انجام دهنده این کار را به اعدام محکوم می‌کنند و پس از مرگ هر انسان، میت او و هر آنچه متعلق به اوست و حتی نزدیکان او نجس می‌شوند، اگر چه در شهر دیگری باشند. «۱»

احکام:

احکام: مردار به موجودی گفته می‌شود که بدون دستور شرعی (ذبح یا نحر) «۲» مرده باشد. در دین اسلام در مورد مردار چند حکم جداگانه وجود دارد: اوّل: مردار یکی از غذاهای ممنوع است و خوردن گوشت مردار حرام گردیده و گناه محسوب می‌شود. دوّم: مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است. «۳» سوّم: دفن کردن مرده انسان مسلمان واجب کفائی است و بر هر مسلمانی واجب است میت را طوری در زمین دفن کند که بوی آن بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند. «۴» البته زیر خاک کردن مرده کفّار یا حیوانی که فاسد می‌شود، لازم است چرا که موجب آلودگی محیط زیست و شیوع بیماریها می‌شود. چهارم: غسل مسّ میّت برای کسانی که به مرده انسان دست گذاشته‌اند با شرایطی واجب می‌شود. «۵» پنجم: نبش قبر میّت مسلمان اگر چه طفل یا دیوانه بوده باشد حرام است. «۶» برخی از احکام فوق مثل حکم اوّل (حرام بودن خوردن مردار) از آیه فوق (حرّم علیکم) استفاده می‌شود اما احکام دیگر را از روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بدست می‌آورند. «۷»

(_____ ۱) ر. ک: اوستا، ج ۲، و ندیداد، فروگرد دوازدهم، ص ۷۹۵ و نیز مطهرات در اسلام، ص ۱۲۰ به نقل از فلسفه احکام، احمد اهتمام، ص ۱۵۳. (۲) در شریعت اسلام برای استفاده انسان از گوشت حیوانات شرایطی قرار داده شده است که از جمله آنها دستور خاص سر بریدن (ذبح) و کشتن خاص شتر (نحر) است که این عمل موجب قطع رگهای گردن حیوان و در نتیجه خارج شدن خون بدن آن می‌شود. (برای اطلاعات بیشتر، ر. ک: رساله‌های عملیه احکام مراجع معظم تقلید، مبحث احکام سربریدن حیوانات) (۳) ر. ک: رساله‌های عملیه احکام مراجع معظم تقلید (مبحث مربوطه) (۴) ر. ک: رساله‌های عملیه احکام مراجع معظم تقلید (مبحث مربوطه) (۵) ر. ک: رساله‌های عملیه احکام مراجع معظم تقلید (مبحث مربوطه) (۶) ر. ک: رساله‌های عملیه احکام مراجع معظم تقلید (مبحث مربوطه) (۷) ر. ک: وسائل الشیعه و جواهر الکلام، کتاب الطهارات. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۵

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسرار علمی: در برخی از روایات اهل بیت (ع) به حکمت‌های نهفته در این آیه اشاره شده است و بعضی از مفسران و متخصصان علوم پزشکی در مورد این آیه اظهار نظر کرده و نکات علمی آن را برشمرده‌اند، که عبارتند از: ۱. روایات: عن الصادق (ع): «اما المیتهٔ فانه لم ینل منها احد الّا ضعف بدنه و ذهبت قوته و انقطع نسله و لا یموت آکل المیتهٔ الّا فجأهٔ. «۱»» امام صادق (ع)؛ بعد از ذکر مقدمه‌ای در مورد اینکه تمام این احکام به خاطر مصالح بشر است می‌فرماید: «اما مردار را هیچ کس از آن نمی‌خورد مگر اینکه بدنش ضعیف و رنجور می‌شود، نیروی او را می‌کاهد و نسل او را قطع می‌کند، و آن کس که به این کار ادامه دهد با مرگ ناگهانی (مثل سکته) از دنیا می‌رود.» عن الرضا (ع): «حرمت المیتهٔ لما فیها من افساد الابدان و الافهٔ و لانه یورث الماء الاصفر و ینخر الفم و ینتن الریح و یسیء الخلق و یورث القسوهٔ للقلب و قلهٔ الرأفهٔ و الرحمهٔ حتی لا یؤمن ان یقتل ولده و والده و صاحبه. «۲»» «امام رضا (ع) می‌فرماید: «حرام شدن مردار برای آن است که باعث فساد بدنها است و نیز برای این است که باعث ایجاد صفراء است. خوردن «میته» اصولا بدن را بدبو می‌نماید. و باعث بد اخلاقی، عصبانیت، قساوت قلب و از بین رفتن مهر و عطوفت می‌شود. تا آنجا که نمی‌توان در مورد شخصی که گوشت مردار می‌خورد از کشتن فرزند و پدر و رفیق خود ایمنی داشت.» و در روایت دیگر از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «و المیتهٔ قد جمد فیها الدم و تراجع الی بدنها فلحمها ثقیل غیر مرئی لانها یوکل لحمها بدمها.» «۳» «در مردار خونها منجمد می‌شوند، آن خونها در بدن مردار می‌مانند و خارج نمی‌شوند،

(_____ ۱) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

(۲) بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۵. (۳) همان، ص ۱۶۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۶ بنابراین گوشت مردار ثقیل و غیر گوارا است زیرا مردار چیزی است که گوشت آن را با خونش می‌خورند.» تذکر: در این روایات علاوه بر آنکه به آثار زیانبار جسمی خوردن گوشت مردار اشاره شده به آثار زیانبار روحی و معنوی آن نیز اشاره شده است. (مثل سخت دلی و کم شدن محبت) و این بعد از تأثیرات مردار خواری در علوم پزشکی عصر ما هم بدانها توجه شده است. ۲. در تفسیر نمونه می‌خوانیم: «دستگاه گوارش نمی‌تواند از مردار، خون سالم و زنده بسازد، بعلاوه مردار کانونی است از انواع میکروبها. اسلام علاوه بر اینکه خوردن گوشت مردار را تحریم کرده، آن را نجس هم دانسته تا مسلمانان کاملا- از آن دوری کنند.» «۱» ۳. برخی از پزشکان می‌نویسند: «خون، پس از مرگ جانور با توجه به ترکیبات آن (به رغم اینکه قبل از مرگ بهترین وسیله دفاع از بدن بود) به محل مناسبی برای رشد میکروبها تبدیل خواهد شد. در بدن مردار پس از یک ساعت خون در بدن رسوب می‌کند و پس از ۴- ۳ ساعت عضلات منقبض شده و به دلیل وجود اسیدها (فسفریک- فورمیک- لاکتیک) بدن خشک می‌شود و سپس حالت قلیائی به بدن برمی‌گردد و خشک شدن بدن برطرف می‌گردد و جسم به تصرف میکروبها درمی‌آید. ابتدا میکروبهای موجود در هوا و سپس میکروب‌های موجود در خون بدن شروع به تکثیر نموده و در نتیجه بدن متعفن و متلاشی می‌شود. محبوس بودن خون نیز تعفن را تسریع و به تولید مثل میکروب‌ها کمک می‌کند. امّا در ذبح شرعی (سر بریدن حیوان) با بریده شدن وریدها و شریانهای بزرگ گردن باعث خروج تمام خون بدن حیوان خواهد شد و دست و پا زدن حیوان ذبح شده نیز به این امر کمک خواهد کرد.» «۲» البته این مطالب در صورتی است که حیوان در اثر بیماری نمرده باشد و گر نه در این صورت خوردن گوشت آن بسیار خطرناک خواهد بود چرا که ممکن است به بیماریهای عفونی مثل «سل- سیاه زخم- سالمونللا» دچار شده باشند که در این موارد توصیه می‌کنند تا گوشت حیوان را بسوزانند. «۳»

(_____ ۱) مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۵. (۲) طب در قرآن، ص ۱۴۱- ۱۴۲. (۳) همان، ص ۱۴۲- ۱۴۳ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۷ ۴. یکی از نویسندگان می‌نویسد: «دستور ذبح حیوانات [تا مردار نشوند] نیز از این نظر است که اگر این حیوانات در معرض حمله میکروبی قرار گرفته‌اند و در حال ابتدائی و کمون بیماری باشند. چون خون در این موقع آلوده است؛ و نشانه‌های خارجی نزد حیوان نیست لذا اسلام از نظر کاستن سمیّت چنین گوشتی دستور ذبح داده است.» «۱» ۵. یکی از صاحب‌نظران در این مورد می‌نویسد: «میته (مردار) هر حیوانی باشد، مواد آلی حیوانی سریع الفسادیست خطرناک، زود عفونت حاصل کند هر چه هوا گرمتر فسادش بیشتر و بوی عفونت آن موذی‌تر و موجب تولید میکروب وبا می‌شود ... میکروب‌هایی که قبلا در بدن حیوان و انسان بوده بواسطه جان داشتن و بودن وسایل دفاعی [دفاع از میکروبها (مثل گلبولهای سفید که دفاع از میکروب‌های خارجی می‌کنند) تأثیر آن خنثی یا کم بود پس از خروج نفس حیوانی از قیود آزاد و شروع به فعالیت و ازدیاد می‌نماید و در تمام مناطق و مرزهای مملکت بدن منتشر و سطح بدن را فرا می‌گیرند. از این جهت محکوم به نجاست و در خصوص بدن انسان موجب غسل مس میت می‌شود.» «۲» ۶. مرحوم دکتر پاک‌نژاد می‌نویسد: «مردار خواری به خون خواری بستگی دارد، زیرا تا شاه رگهای مخصوص حیوان قطع نشود به اندازه کافی خون از بدنش خارج نمی‌شود و کمتر مرداری است که خون بدنش کاملا- خارج شده باشد.» «۳» ۷. صاحب‌نظران دیگری همچون سید جواد افتخاریان «۴»، دکتر عدنان شریف «۵» و سعید ناصر البرهان «۶» و حسن یاسین عبد القادر «۷» مطالب مشابهی در مورد آثار زیانبار مردار خواری آورده‌اند.

(_____ ۱) بهداشت اجتماعی در اسلام، ص ۳۸ به نقل از اسلام پزشک بی‌دارو، احمد امین شیرازی، ص ۴۹. (۲) فلسفه احکام، ص ۱۵۱- ۱۵۳. (۳) اولین دانشگاه و آخرین

پیامبر، ج ۸، ص ۲۱۰. (۴) ر. ک: سید جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۷۶ تا ص ۷۸. (۵) ر. ک: دکتر عدنان الشریف، من علم الطب القرآنی، ص ۲۱۱. (۶) ر. ک: سعید ناصر البرهان، القرآن و العلوم، ص ۱۵۷. (۷) ر. ک: حسن یاسین عبد القادر، الاعجاز الطبی فی الکتاب و السنهٔ، ص ۶۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۸

بررسی:

بررسی: ۱. یکی از خدمات بهداشتی ادیان الهی به فرهنگ بشری، مبارزه با خوردن گوشت مردار و جلوگیری از این عادت زشت و نیز دفن میت و مردار و پیشگیری از آلودگی محیط زیست انسانهاست و این مطلب در دین اسلام به صورت معقول و به دور از افراط و تفریط مطرح شده است. لذا حرمت گوشت مردار یکی از آیات علمی قرآن است که در محیط جهل آلوده عربستان بیان شد و تا قرنها برخی اسرار بهداشتی آن بر دانشمندان پوشیده بود. ۲. آیاتی از قرآن که حرمت خوردن مردار را بیان می‌کند فقط دلیل اعجاز علمی قرآن نیست، چرا که قبل از قرآن در کتب آسمانی قبلی این حکم مطرح شده و قرآن آن را تأیید کرده است. معجزه آن است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند امّا این حکم قبلا توسط انبیاء قبلی بیان شده بود، هر چند که همین مطلب (ممنوعیت خوردن مردار در آن ظرف زمانی و با توجه به اسرار بهداشتی آن که در آن اعصار مخفی بوده است) می‌تواند به عنوان اعجاز علمی انبیاء الهی و دلیل حقانیت ادیان الهی (نه فقط اسلام و قرآن کریم) مطرح شود. ۳. از آنجا که در قرآن کریم علت تحریم خوردن گوشت مردار تصریح نشده است، لذا نمی‌توان گفت که علّت منحصر این حکم، ضررهای بهداشتی آن است. هر چند که ضررهای بهداشتی و وجود میکروبهای مردار بر کسی پوشیده نیست، ولی این مطلب تنها می‌تواند جزئی از حکمت و فلسفه حرمت و نجاست مردار باشد. و چه بسا حرمت خوردن مردار و نجاست آن و لزوم غسل مسّ میت و دفن میّت مسلمان، دارای اسرار و حکمت‌های دیگری (علاوه بر مسائل بهداشتی) نیز باشد که در اثر گذشت زمان و پیشرفت‌های جدید علمی روشن شود. برای مثال در مورد خوردن گوشت مردار ممکن است حکمت ضررهای روحی و معنوی آن نیز مورد توجه بوده است و این مطلب دو شاهد دارد: اوّل اینکه به این پیامدهای روحی و معنوی در روایاتی که گذشت اشاره شده بود. دوّم اینکه خوردن گوشت مردار بطور مطلق حرام است. چه آنکه خودش مرده باشد و چه آنکه طبق دستور شریعت کشته (ذبح) نشده باشد. از این رو اگر حیوانی کشته شود ولی دستورات ذبح شرعی در مورد آن رعایت نشده باشد اگر چه از نظر بهداشتی سالم باشد و در سردخانه‌های مجهّز نگهداری شود و میکروب‌ها به آن حمله نکرده باشند باز هم خوردن آن حرام است. «۱»

(_____ ۱) ر. ک: رساله‌های علمیه مراجع معظم تقلید، بحث نجاسات قسمت مردار. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۱۹ در مورد دفن میت مسلمان نیز حکمت لزوم احترام به مسلمان قابل توجه و بررسی است. پس نمی‌توان حکمت این احکام را منحصر در ضررهای بهداشتی آن دانست و یا آن را به عنوان علّت حکم شناخت. ۴. مردار تولید کننده میکروب وبا نیست، بلکه مردار می‌تواند بستر مناسبی برای رشد میکروبهای موجود در بدن و محیط از جمله میکروب وبا باشد.

۵. ممنوعیت خوردن گوشت خوک:

اشاره

۵. ممنوعیت خوردن گوشت خوک: خوک یکی از حیوانات پستاندار است که در خشکی زندگی می‌کند. و گوشت و شیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی از نظر اسلام این حیوان در لیست غذاهای ممنوع قرار دارد. خدا در قرآن می‌فرماید: إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ ... «۱». «خداوند تنها (گوشت) مردار و خون و گوشت خوک و ... حرام کرده است.»

نزول:

نزول: همانطور که در مورد مردار و خون بیان شد، مضمون این آیه در چهار سوره قرآن (انعام- نحل- بقره- مائده) آمده است. که دو بار در مکه و دو بار در مدینه نازل شده است. «۲» علّت تأکید قرآن بر این مطلب همان أهمیّت موضوع و خطرات جسمی و روحی مصرف گوشت خوک و نیز آلودگی جامعه بشری به آن است به طوری که هنوز در برخی کشورهای جهان بویژه اروپا و آمریکا جزء غذاهای رسمی قرار دارد.

تاریخچه:

تاریخچه: استفاده از خوک به عنوان غذا تاریخچه‌ای چندین هزار ساله دارد به طوری که مصرف گوشت خوک در بین یهودیان نیز ممنوع است. و یکی از غذاهای حرام در شریعت موسی (ع) است. «۳»

(_____ ۱) بقره/ ۱۷۳- مائده/ ۳- انعام/ ۱۴۵- نحل/ ۱۱۵. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۶. (۳) کتاب مقدس، سفر لاویان، باب یازدهم، آیه ۷ (و خوک زیرا شکافته سم است و شکاف تمام دارد لیکن نشخوار نمی‌کند این برای شما نجس است.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۰ در انجیل حضرت عیسی (ع) نیز گناهکاران به خوک تشبیه شده‌اند. «۱» و در ضمن داستانها خوک به عنوان مظهر شیطان معرفی شده است. «۲» با این همه تأکید از طرف أدیان الهی هنوز مصرف این ماده غذائی در برخی نقاط دنیا (با وجود اثبات ضررهای جسمی و روحی آن) رواج دارد. در کشورهای اسلامی در أثر مبارزه جدی اسلام گوشت این حیوان مصرف نمی‌شود و لذا پیامدهای بهداشتی آن نیز مشاهده نمی‌شود. امّا در کشورهای غربی (اروپا و آمریکا) این ممنوعیت اعمال نمی‌شود. ولی با این حال بسیاری از مردم از مصرف آن دوری می‌گزینند. در برخی کشورها مثل برخی قسمتهای روسیه در اثر شیوع بیماری‌های وابسته به خوک (کرم ترکین یا ترشین) مصرف گوشت آن را ممنوع اعلام کرده‌اند. «۳»

احکام:

احکام: در شریعت اسلام در مورد خوک چند حکم صادر شده است: اوّل: خوردن گوشت آن حرام و ممنوع و گناه است. «۴» دوّم: خوردن شیر خوک حرام است. «۵» سوّم: خوکی که در خشکی زندگی می‌کند حیوان نجسی است که پاک نمی‌شود. «۶» چهارم: اگر خوک از ظرف، چیز روانی بخورد یا آن را بلیسد ظرف را با آب هفت بار بشویند. «۷» پنجم: خرید و فروش خوک جایز نیست. «۸» (چون عین نجس است)

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسرار علمی: در مورد فلسفه حرمت گوشت و نجاست خوک از دو جهت می‌توان سخن راند: اوّل: تأثیرات سوء روانی، معنوی و اخلاقی. برخی از مفسران می‌نویسند: «خوک حتی نزد اروپائیان که بیشتر گوشت آن را می‌خورند سمبل بی‌غیرتی است. و

(_____ ۱) عهد جدید، رساله دوّم پطرس رسول، باب ۲، آیه ۲۲. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۶. (۳) احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۱۶۴. (۴) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله و رساله‌های علمیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام خوردنیها. (۵) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله و رساله‌های علمیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام خوردنیها. (۶) همان، مبحث نجاسات. (۷) همان، مبحث مطهرات (البته در مورد کمیّت و کیفیّت این حکم بین مراجع اختلافاتی هست ولی اصل آن مورد توافق است.) (۸) همان، مبحث معاملات حرام. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۱ حیوانی کثیف است. خوک در امور جنسی فوق العاده بی‌تفاوت و لا ابالی است و علاوه بر تأثیر غذا در روحیات که از نظر علم ثابت است، تأثیر این غذا در خصوص لا ابالی‌گری در مسائل جنسی مشهود است.» «۱» یکی از نویسندگان می‌نویسد: «خوک غیرت ناموسی ندارد (نقطه مقابل خروس است) و دیوثی می‌کند و جفت خود را در معرض استفاده خوک‌های نر دیگر قرار داده، از این عمل علاوه بر آنکه باک ندارد لذّت هم می‌برد و این صفات و اخلاق او در گوشتش تأثیراتی دارد. از این جهت اشخاصی که تغذی به آن می‌کنند همان صفات و اخلاق رذیله را پیدا می‌کنند. و این در حالی است که غیرت از صفات کمال الهی است و در اسلام بر صفت غیرت تأکید شده است. و غیرت نسبت به دین و ناموس از صفات انبیاء و ائمه طاهرین: و مؤمنین است.» «۲» دوّم: ضررهای بهداشتی: بیماریهایی که توسط خوک به انسان منتقل می‌شود به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف: بیماریهایی که از جمله عوامل ابتلای به آنها گوشت خوک است: ۱. اسهال خونی: در امعای خوک انگلهایی به نام بالانتی دیوم (muditnalaB iloC) زندگی می‌کنند که از أهم منابع انتشار این بیماری در سرتاسر جهان است. ۲. یرقان عفونی (بیماری وایل): این بیماری از طریق آب‌های آلوده به ادرار خوک، سگ یا موش به انسان منتقل می‌شود. امّا منبع ابتلاء به یرقان عفونی از نوع (anomoR) فقط خوک است. ۳. انتامیب هیستولتیک (acitgdzsiH abematnE): که انسان را به اسهال آمیبی مبتلا- می‌نماید و خوک نقش ناقل این میکروب را به انسان ایفا می‌کند. ۴. بیماری شبه باد سرخ (diolepgrE): حیوانات زیادی و از جمله خوک به آن مبتلاء می‌گردند و از طریق این حیوانات به گروه خاصی از انسانها از قبیل قصّاب‌ها، دباغ‌ها و ماهی فروشان منتقل می‌گردد. که در انسان به صورت لکه‌های سرخ و دردناک توأم با سوزش شدید روی دست‌ها ظاهر می‌شود. ۵. میزان چربی و اسید اوریک موجود در گوشت خوک خیلی زیاد است و به همین دلیل در ابتلاء به بیماری‌های بسیاری نقش دارد که از جمله آنها می‌توان از بیماریهای تصلّب

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۶. (۲) احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۱۶۲ با تصرّف مختصر در عبارت. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۲ شرایین- دردهای مفصلی و مسمومیّتها، نام برد. «۱» ۶. خوک از خوردن چیزهای پلید و کثافات حتی مدفوع خود، باک ندارد. و لذا معده خود را لانه انواع و اقسام میکروب‌های امراض قرار داده و از آنجا به گوشت و خون و شیر آن سرایت می‌کند. «۲» و شاید حکمت اینکه در شریعت اسلام دستور داده شده است که ظرف آبی را که خوک از آن چیز روانی خورده یا لیسیده است هفت بار بشوئیم همین مطلب باشد. یعنی تماس مداوم و بی‌پروای خوک از طریق دهان با کثافات موجب آلودگی زیاد آن است. و لذا دو مرتبه آب ریختن در رفع آن کفایت نمی‌کند. ب: بیماریهایی که تنها علّت آنها خوردن گوشت خوک است: ۱. کرم کدوی خوک (muiloS aneaT): طول این کرم ۲- ۳ سانتی‌متر بوده و دارای آلت مکیدن و قلاب است. لارو این کرم سیستی سرک (casolulleC sucrecitsgS) نام دارد و در عضلات و مغز خوک یافت می‌شود. انسان با خوردن گوشت و یا مغز خام خوک

به آن مبتلا می‌شود. و دچار نارسائی‌هایی در دستگاه گوارش می گردد. (مثل کم اشتهایی- احساس درد- اسهال و یا یبوست) این بیماری که بصورت گسترده‌ای در جهان منتشر شده در کشورهای اسلامی که گوشت خوک مصرف نمی‌کنند به ندرت دیده می‌شود. «۳» یکی از بیماری‌هایی که توسط کرم کدو به وسیله گوشت خوک به انسان منتقل می‌شود مرض لادرری (eirerdaL) است. این بیماری در شهرهای مسیحی نشین فراوان یافت می‌شود. امّا در بین مسلمانان و یهودیان که از خوردن گوشت خوک احتراز می کنند به کلّی پیدا نمی‌شود. «۴» ۲. تری شینوز (silaripS allenihcirT): عبارت است از یک کرم ریز به طول ۳- ۵ میلی‌متر و از طریق خوردن گوشت خوک خام یا نیم پز وارد بدن انسان می‌شود. آثار این کرم در بدن انسان عبارت است از: خراشیدن و التهاب جداره امعاء- پیدایش جوشها و دملهای پراکنده در تمام بدن- تخم گذاری در عضلات انسان همراه با درد شدید عضلات و سختی تنفس و ناتوانی در سخن گفتن و جویدن غذا- گاهی نیز در اثر فلج شدن عضلات تنفسی و یا قلب منجر به مرگ می‌شود که تا کنون درمانی برای این حالت بدست نیامده است و کم

(_____ ۱) دکتر عبد الحمید دیاب و دکتر قرقوز، طب در قرآن، ص ۱۴۶- ۱۴۷. (۲) ر. ک: فلسفه احکام، ص ۱۶۱- ۱۶۲. (۳) طب در قرآن، ص ۱۴۶- ۱۴۷. (۴) ر. ک: فلسفه احکام، ص ۱۶۲- ۱۶۳ و اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۳ خونی و سرگیجه و تب‌های مخصوص از جمله آثار آن است. «۱» برخی نویسندگان از این کرم در فارسی با نام «ترشین» و «ترکین» یاد کرده و می‌نویسند: «کرم ترشین تنها به وسیله گوشت خوک به انسان منتقل می‌شود و به ماهیچه‌های بدن نفوذ کرده و به آسانی از بین نمی‌رود. و یک گرم گوشت خوک ممکن است هزارها عدد از این کرم همراه داشته باشد. و یک ترشین ماده تقریبا ۱۵۰۰ کرم جوان می‌زاید. این کرم می‌تواند به قلب نیز نفوذ کرده، تولید سکته‌های قلبی نماید. پختن گوشت، این کرم‌ها را نابود نمی‌سازد زیرا وقتی گوشت را حرارت می‌دهند، مواد سفیده‌ای گوشت، منعقد می‌شود و کرم در وسطاین اجرام منعقده از آسیب حرارت مصون می‌ماند. این قسمت‌های منعقده که کرم‌ها را در وسط خود محفوظ کرده‌اند، در معده حل نمی‌شوند و به روده‌ها می‌روند.» «۲» ترکین که داخل معده می‌شود هیچ دوای کرم کش یا «ورمیفوژی» قادر به دفع آن نیست. کرم ترشین در یک ماه پانزده هزار تخم‌ریزی می کند و در یک کیلو گوشت خوک ممکن است ۴۰۰ میلون نوزاد این کرم باشد. «۳» این کرم اولین بار توسط یک نفر انگلیسی به نام «سرجیمز پاژت» در سال ۱۸۳۵ میلادی کشف شد «۴» این بیماری در تمام دنیا به ویژه آمریکا و کانادا و اروپا شیوع دارد ولی در کشورهای اسلامی به دلیل حرام بودن مصرف گوشت خوک بسیار نادر است. «۵» ۳. گوشت خوک ثقیل الهضم است و معده را سخت در زحمت می‌اندازد. در اثر خوردن گوشت خوک اغلب سمیّتی به وجود می‌آید که در اصطلاح علمی آن را «بوتولیسم» می گویند. «۶» دکتر سید الجمیلی «۷» و دکتر صادق عبد الرضا علی «۸» و دکتر حمید النجدی «۹» و محمد کامل عبد الصمد «۱۰» و العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله «۱۱» و سید جواد افتخاریان «۱۲» نیز

(_____ ۱) طب در قرآن، ص ۱۴۶ - ۱۴۷.

(۲) اسرار خوراکیها، ص ۷۴ به نقل از اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۵۲- ۵۳. (۳) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۷ با تلخیص و نیز فلسفه احکام، ص ۱۶۴. (۴) اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۵۳- ۵۴. (۵) اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۵۳- ۵۴. (۶) همان، ص ۵۶. (۷) دکتر السید الجمیلی، الاعجاز الطبیّ الحدیث، دارو مکتبة الهلال بیروت، ص ۱۱۵. (۸) ر. ک: القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۱۹ تا ۱۲۱. (۹) دکتر النجدی، الاعجاز فی القرآن الکریم، ص ۳۲ تا ۴۴. (۱۰) محمد کامل عبد الصمد، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، ص ۲۳۱ تا ۲۳۵. (۱۱) العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله، الطب الوقائی فی الاسلام، ص ۱۶۶. (۱۲) سید جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۸۰ تا ۸۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۴ در کتابهای خود به آثار طبیّ مشابهی برای گوشت خوک اشاره می کنند.

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. یکی از برکات ادیان الهی برای بشریت جلوگیری از مبتلا شدن انسانها به بیماری‌ها و ناراحتی‌های جسمی و روحی است. ممنوعیت خوردن گوشت خوک و نجاست آن توسط ادیان الهی یکی از معجزات علمی ادیان الهی است چرا که این حکم در شرایطی صادر شده که هنوز بشر به اسرار علمی و ضررهای بهداشتی خوک پی نبرده بود. و تنها پیروان ادیان الهی (مثل اسلام و یهود) این حکم را به صورت تعبدی پذیرفته و عمل می‌کردند. و از ضررهای خوک بدور ماندند. امّا همیشه کسانی بوده و هستند که با وجود علم و اطلاع از اسرار علمی و بهداشتی احکام الهی دست به اقدام می‌زنند و با آلوده شدن به این امور زندگی خود و دیگران را به خطر می‌اندازند. ۲. ممنوعیت گوشت خوک که در قرآن کریم مطرح شده است اعجاز علمی انحصاری این کتاب آسمانی نیست چرا که این مطلب در کتب آسمانی قبلی مطرح شده بود. بلی این مطلب به عنوان اعجاز علمی برای انبیاء الهی مطرح می‌شود چرا که در شرایطی حرمت و نجاست خوک را مطرح کرده‌اند که بشریت هنوز همه ضررهای بهداشتی و معنوی آن را کشف نکرده بود. ۳. همانطور که در مورد مردار بیان شد، این ضررهای معنوی و بهداشتی گوشت خوک تنها می‌تواند حکمت و فلسفه حکم حرمت و نجاست آن را بیان کند و نمی‌تواند علت انحصاری آن احکام را بیان کند چرا که در قرآن کریم تصریح به این علّت نشده و از طرف دیگر با پیشرفت علوم پزشکی ممکن است اسرار جدیدی کشف شود که مصالح و مفاسد تازه‌ای را در مورد این احکام روشن نماید. ۴. برخی از ضررهای بهداشتی که در مورد گوشت خوک گفته شد قابل نقد است چون ممکن است کسی بگوید که ما خوک را در شرایط بهداشتی و به دور از این میکروب‌ها و عوامل بیماری‌زا پرورش می‌دهیم و سپس گوشت آن را از آلودگی (با روش‌های مختلف مثل حرارت بالا یا انجماد) دور می‌سازیم و در آن صورت علتی برای حرمت آن وجود ندارد. مگر آنکه به طور قطعی اثبات شود که کرم ترشین تحت هیچ شرایطی در گوشت خوک از بین نمی‌رود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۵ ۵. در مورد تأثیر گوشت خوک در مسائل روانی و روحی (مثل بی‌غیرتی) نیز باید گفت که این فقط یک حدس قوی است و هنوز از طریق منابع مستقل علمی تأیید نشده چون در معرض تجربه در شرایط کنترل شده علمی قرار داده نشده است. نتیجه: پس این ضررهای بهداشتی و اخلاقی فقط می‌تواند به عنوان فلسفه و حکمت حکم- نه علت انحصاری آن- مطرح شود. و هنوز باید منتظر کشفیات جدید علمی در این باره باشیم.

۶. ممنوعیت خوردن خون:

اشاره

۶. ممنوعیت خوردن خون: خون مایع سرخ رنگی است که در تمام رگ‌ها جریان دارد و بدن به وسیله آن تغذیه می‌شود. طعم آن اندکی شور و دارای بوی مخصوص؛ و مرکب از گلبولهای سفید و قرمز و پلاسما می‌باشد. مقدار آن در حیوانات پستاندار یک سیزدهم وزن آنهاست. انسانی که وزن بدنش ۶۵ کیلوگرم باشد، تقریبا ۵ کیلوگرم خون دارد. و در هر میلیمتر مکعب خون ۵ میلیون گلبول قرمز وجود دارد. «۱» خدا در قرآن می‌فرماید: إِنَّما حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَةَ وَ الدَّمَ ... «۲» «همانا او خوردن مردار و خون را بر شما حرام کرد.»

نزول:

نزول: مسأله حرمت خوردن خون در چهار سوره قرآن کریم با الفاظ مختلف تکرار شده است که در سه سوره نحل، بقره و مائده الفاظ کاملا شبیه به همدیگر است ولی در سوره انعام اینگونه آمده است: قُلْ لا أَجِدُ فِی ما أُوحِیَ إِلَیَّ مُحَرَّماً عَلی طاعِمٍ یَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ یَکُونَ مَیْتَةً أَوْ دَماً مَسْفُوحاً أَوْ لَحْمَ خِنزِیرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ «۳» «بگو ای پیامبر در احکامی که به من وحی شده، من چیزی را که برای خورندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه مردار حیوان مرده باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که آن پلید است.»

(_____ ۱) فرهنگ عمید، واژه «خون»، ص ۴۵۱. (۲) نحل/ ۱۱۵- بقره/ ۱۷۳- مائده/ ۳. (۳) انعام/ ۱۴۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۶ در این آیه تعبیر (دما مسفوحا) خون ریخته شده، آمده است. این در مقابل خون‌های کمی است که در لابلای مویرگ‌های گوشت حیوانات پس از سر بریدن در بدن آنها می‌ماند. که شاید قابل دفع نباشد و یا بسیار مشکل است. و ضمیر در عبارت «فانه رجس» با اینکه مفرد است ولی به عقیده بسیاری از مفسران به هر سه مورد (خون- مردار- خوک) نه فقط به خوک- برمی‌گردد و این با ظاهر آیه نیز سازگارتر است. یعنی این‌ها همه پلید هستند و با طبع انسان ناسازگارند. سؤال: در آیه قبل کلمه «انما» برای حصر (به معنای فقط) است و در این آیه هم غذاهای حرام را منحصر در چند مورد خاص می‌کند در حالی که گوشت‌های دیگری هم مثل گوشت درندگان (گرگ و ...) حرام است که در اینجا نیامده است. پاسخ: این حصر اضافی (نسبی است یعنی آیه در مقام نفی بدعت‌های مشرکان در مورد خوردنی‌هاست و نمی‌خواهد بفرماید که غیر از اینها چیز دیگری حرام نیست. یعنی می‌گوید این امور حرام است امّا چیزهایی که شما به عنوان بدعت حرام کرده‌اید حرام نیست. «۱» آیات سوره‌های نحل و انعام در سرزمین مکه و آیات سوره‌های بقره و مائده در مدینه نازل شده‌اند. و تکرار حرمت خون در قرآن بخاطر تأکید بر موضوع و خطرات جسمی و روحی آن و نیز شیوع عادت زشت خونخواری در مردمان عصر جاهلیت بوده است.

تاریخچه:

تاریخچه: مسأله خوردن خون در میان اقوام و ملل جهان سابقه‌ای طولانی داشته است. و گاهی از آن به عنوان یک غذای لذیذ استفاده می‌شده است. «در آمریکای شمالی (قدیم) با خون تغذیه می‌کردند ولی در این دوره (عصر حاضر) کشف شد که خوردن خون ضرر مهمی دارد.» «۲» در دوران جاهلیت نیز مردمان خون را می‌خوردند و یکی از غذاهای رسمی و مفید می‌دانستند. آنها خون گوسفند و گاو و ... را می‌گرفتند و در روده می‌ریختند و بر روی آتش بریان کرده و می‌خوردند. و به آن «علهز» می‌گفتند. آنها گوسفند را سر نمی‌بریدند که مبادا خونش بریزد و از بین برود بلکه آن را با قتل صبر می‌کشتند. به طوری که ممنوعیت خوردن خون در قرآن موجب نگرانی آنها شد. «۳»

(_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۲ به بعد. (۲) ر. ک: تمدن اسلام، ص ۱۸۵ از یکی از فلاسفه غرب بنام «پروست» نقل می‌کند. (۳) احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۱۴۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۷ در یهود هم مسأله حرمت خوردن خون سابقه دارد. به طوری که در تورات می‌خوانیم: «خون را مخور آن را مثل آب بر زمین بریز.» «۱»

احکام:

احکام: در شریعت اسلام چند حکم در مورد خون آمده است: اوّل: خون در لیست غذاهای ممنوعه است و خوردن آن حرام و گناه محسوب می‌شود. دوّم: خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد (یعنی هنگامی که رگ او بریده می‌شود خون آن می‌جهد) نجس است. «۲» و چیزهایی که در اسلام نجس شمرده می‌شود، با شرایطی خاص مانع صحت نماز است و لذا شخص نمازگزار باید بدن و لباس و خود را قبل از نماز از آلودگی به خون پاک کند. «۳» سوّم: خرید و فروش عین نجس جایز نیست مگر آنکه بتوان از آن استفاده حلال نمود. و خون با اینکه عین نجس است امّا خرید و فروش آن جایز است چون استفاده‌های حلال و معقول مثل تزریق خون برای نجات جان مجروحان و بیماران دارد. «۴»

حکمت و اسرار علمی:

حکمت و اسرار علمی: در مورد حرام بودن خوردن خون و نجس بودن آن و اسرار علمی و فلسفه وجودی این احکام سخنان متفاوتی توسط متخصصان علوم پزشکی و غذائی بیان شده است. روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. روایات: عن الصادق (ع) قال: «فلم حرم الدم المفسوح؟ قال: لانه یورث القساوة و یسلب الفواد رحمته و یعفن البدن و یغیر اللون ...» «۵» «مردی از امام صادق (ع) پرسید: چرا خداوند خوردن خون را حرام کرده است؟ امام (ع) فرمودند: برای آنکه خوردن خون باعث قساوت قلب و رفتن مهر و عاطفه است و خون‌خواری موجب تعفن بدن و تغییر رنگ چهره و بدن می‌شود (_____.» ۱) تورات، سفر تثنیه، باب ۱۲، آیه ۱۷. (۲) امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، و رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث نجاسات، بحث نجاست خون. (۳) همان، مبحث لباس نمازگزار. (۴) همان، مبحث معاملات حرام و نیز تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۹. (۵) بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۸ در روایتی می‌خوانیم: «آنها که خون می‌خورند آنچنان سنگ‌دل می‌شوند که حتی ممکن است دست به قتل پدر و مادر و فرزند خود بزنند.» «۱» ۲. مرحوم شهید پاک‌نژاد می‌نویسد: «خون در کشور بدن همانند شهری است که در کوچه و خیابان‌های شهر جاری است که در آغاز صاف و گوارا و سرانجام به کثافات آلوده می‌شود. خون هم بعد از گذشت از ریه و کبد و مشروب ساختن بدن به هنگام عبور از وریدها مسموم کننده است.» «۲» ۳. دکتر احمد قرقوز و دکتر عبد الحمید دیاب می‌نویسند: «خون غذای انسان نیست. چرا که پروتئین‌های پلاسما (آلبومین، گلاوبوبین، فیبرینوژن) بسیار کم است (حدود ۶- ۸ میلی گرم درصد) و ترکیبات خون بسیار دیر هضم است و یا به سختی جذب روده‌ها می‌شود. از آنجا که یکی از وظایف خون حمل کردن سموم و مواد زائد بدن (مثل اوره (aerU)- اسید اوریک (dicA cirU)- کریاتینین و گاز دی اکسید کربن (۲ oC) است، در صورتی که کسی خون را از طریق دهان بخورد به میزان زیادی از این مواد و سموم را وارد بدن خود کرده است. خون محیط مناسبی برای رشد انواع میکروب‌هاست که این میکروب‌ها را از ابزار کشتن (ذبح)، دستها، هوا، مگسها و ظرفی که خون در آن ریخته می‌شود جذب می‌کند و علاوه بر آن گاهی حیوانی که خون آن در دست ماست بیمار است (بویژه بیماریهای عفونی) که در آن صورت خطرناک‌تر است. هنگام خوردن خون از طریق دهان، میزان اوره خون به دلیل شکسته شدن پروتئین‌ها بالا- می‌رود و گاهی منجر به کما (amoC) می‌شود. برخی ادعا دارند که خوردن خون برای استفاده از ترکیبات آهن موجود در آن مفید می‌باشد. این سخن کاملا مردود است. زیرا آهن موجود در خون، آهن آلی است که نسبت به ترکیبات آهن غیر آلی بسیار کندتر و سخت جذب روده‌ها می‌شود ... خوردن کبد (جگر سیاه) و طحال «۳» حیوانات حلال گوشت که از نظر شرعی نیز بلا اشکال است می‌تواند مقدار قابل توجهی آهن به بدن برساند. و دانش پزشکی نیز هیچ (_____۱) وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

(۲) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۸، ص ۲۰۸. (۳) طبق نظر فقهای شیعه خوردن طحال (سپرز) ممنوع است و نویسنده بر مذاق اهل سنت سخن گفته است. (ر. ک: رساله‌های عملیه مراجع تقلید شیعه، مبحث خوردنی‌ها) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۲۹ گونه زیانی برای مصرف این دو قائل نیست بلکه بر عکس، ثابت شده که این دو عضو از نظر در برداشتن بسیاری از مواد غذائی، مفید می‌باشند. از جمله ماده قندزای گلوکوژن (negocolG) آهن، پروتئین و انواع ویتامین‌هاست. بدین ترتیب می‌بینیم که تا چه حد دانش پزشکی مهر تایید بر نظریات شرعی می‌زند.» «۱» ۴. برخی مفسران معاصر می‌نویسند: «هنگامی که خون از جریان می‌افتد و به اصطلاح می‌میرد، گلبولهای سفید (پاسداران و سربازان کشور تن) از بین می‌روند و به همین دلیل میکروب‌ها که میدان را خالی از حریف می‌بینند به سرعت زاد و ولد کرده گسترش می‌یابند. بنابراین اگر گفته شود خون به هنگامی که از جریان می‌افتد آلوده‌ترین اجزای بدن انسان و حیوان است گزاف گفته نشده است.» «۲» ۵. دکتر صادق عبد الرضا علی «۳» و محمد کامل عبد الصمد «۴» و العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله «۵» و سید جواد افتخاریان «۶» و حسین یاسین عبد القادر «۷» نیز در مورد آثار زیان‌آور خون‌خواری و عوارض پزشکی و بهداشتی آن مطالبی مشابه می‌آورند. ۶. اثرات روحی و معنوی خون خواری: شهید دکتر پاک‌نژاد می‌نویسد: «مهمتر از زیانهای خونخواری بر جسم ضررهای آن بر روان است. چوپانان همیشه برای اینکه سگ گله سبعیّت [درندگی بیشتر پیدا کند مدتی به او خون می‌خورانند.» «۸» برخی از مفسران معاصر می‌نویسند: «از سوی دیگر در علم غذاشناسی ثابت شده که غذاها از نظر تأثیر در غده‌ها و ایجاد هورمونها در روحیات و اخلاق انسان اثر می‌گذارند. از قدیم نیز تأثیر خونخواری در قساوت قلب و سنگ‌دلی به تجربه رسیده و حتی ضرب المثل شده است.» «۹»

(_____ ۱) طب در قرآن، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.

(۲) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۵- ۵۸۶. (۳) القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۱۸. (۴) الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، ص ۲۳۶. (۵) الطب الوقائی فی الاسلام، ص ۱۶۴. (۶) قرآن و علوم روز، ص ۷۸. (۷) الاعجاز الطبی فی الکتاب و السنة، ص ۶۷- ۶۹.

(۸) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۸، ص ۲۰۸. (۹) تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۰ تذکر: همانطور که گذشت در روایات اهل البیت: نیز به آثار سوء روانی و اخلاقی خونخواری اشاره شده است و آن را موجب قساوت قلب (سنگ‌دلی) خوانده‌اند.

بررسی:

بررسی: در اینجا به چند نکته در مورد حرمت خوردن خون و نجاست آن اشاره می‌کنیم: ۱. این مطلب از افتخارات ادیان الهی است که بر اساس پیام وحی با این عارضه بشری مخالفت کرده‌اند و «خورش خون» را از لیست غذاهای بشری حذف کرده‌اند. همین مطلب نشان می‌دهد که تا چه اندازه تمدن فعلی بشر مرهون زحمات انبیاء است. از همین رو است که قرآن چهار بار حرمت خوردن خون را تصریح کرده است به طوری که موفق شد این امر را از جامعه مسلمانان ریشه کن کند. ۲. حرمت خوردن خون یکی از آیات علمی انبیای الهی (مثل موسی (ع) و پیامبر اسلام (ص) است) و اعجاز علمی ادیان الهی محسوب می‌شود. چرا که این حکم در شرایطی در دین یهود و اسلام مطرح شده که اسرار علمی آن کشف نشده بود. پس ممنوعیت خوردن خون که در قرآن کریم مطرح شده اعجاز علمی انحصاری قرآن کریم محسوب نمی‌شود. چرا که قبل از قرآن در کتب آسمانی قبلی ذکر شده بود. ۳. ضررهای بهداشتی خون یکی از اسرار و حکمت‌های حرمت خوردن و نجاست خون است. ولی باز هم ثابت نمی‌شود که این ضررها علت منحصر این احکام باشد بلکه ممکن است در نظر قانون گذار اسلام مصالح و مفاسد دیگری هم مد نظر بوده است. که هنوز علوم پزشکی موفق به کشف آنها نشده‌اند. (مثل تأثیرات روانی و معنوی که اشاره شد.) ۴. برخی از زوایای بحث خون از نظر

علمی روشن نشده است و زمینه‌های خوبی برای تحقیقات آینده پژوهش گران می‌باشد. برای مثال چرا قرآن (دما مسفوحا) خون بیرون آمده از بدن حیوان و ریخته شده را حرام و نجس می‌داند امّا خونی که در بدن همان حیوان (که به دستور شرعی کشته شده) باقی می‌ماند را پاک می‌داند. رابطه خوردن خون با تغییرات روحی (مثل سنگ‌دلی) شفاف نیست و صرف احتمال تأثیر در هورمونها و یا ضرب المثل‌ها و عمل چوپانان نمی‌تواند مستند یک بحث علمی قرار گیرد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۱

۷. ممنوعیت نوشیدن شراب (خمر):

اشاره

۷. ممنوعیت نوشیدن شراب (خمر): خمر چیست؟ خمر به معنای پوشش است و هر چیزی که چیز دیگر را بپوشاند و مخفی کند «خمار» می گویند. ولی در اصطلاح شریعت به هر مایع مسکر (مست کننده) خمر گفته می‌شود. خواه از انگور گرفته شده باشد و یا از کشمش و خرما باشد و هر نوع مشروب الکلی را شامل می‌شود. استعمال واژه (خمر) برای مایعات مسکر به علت تناسبی است که بین معنای لغوی آن (پوشیدن) با این معنا وجود دارد، زیرا این مایعات به جهت مستی که ایجاد می کند، روی عقل پرده‌ای می‌افکنند و نمی گذارند بد را از خوب و زشت را از زیبا تمیز دهد. «۱» مشروبات مست کننده نام‌های مختلفی دارد، از قبیل: عرق، شامپاین، ویسکی، براندی، کنیاک، ودکا و آبجو، که همگی دارای الکل هستند ولی مقدار الکل آنها متفاوت است. برای مثال عرق ۶۶٪ الکل دارد ولی شراب الکل کمتری دارد. خمر محتوی مواد شیمیایی بسیاری است. ولی آنچه بیشتر مورد نظر ماست الکل اتیلیک (lohoclA lyhtA) با فرمول (HO ۲ HC ۳ HC) است که در حقیقت ماده اصلی خمر بوده و سبب تمام زیانهای ناشی از مصرف انواع آن است. این ماده از تخمیر قند انگور بوجود می آید «۲» و «۳»

مراحل برخورد قرآن با شرابخواری:

مراحل برخورد قرآن با شرابخواری: خداوند در قرآن کریم در چهار مرحله با مسأله شراب برخورد می کند که بسیار آموزنده است. در مرحله اوّل می‌فرماید: وَ مِنْ ثَمَراتِ النَّخِیلِ وَ الْأَعْنابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَکَراً وَ رِزْقاً حَسَناً «۴» «و از میوه‌های درختان نخل و انگور مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می گیرند.» کلمه «سکر» در لغت به چند معنا آمده است: شراب مست کننده، طعم طعام، سکون و ... «۵» اصل این کلمه به معنای سد مجرای آب است و مستی را سکر گویند چون راه معرفت

(_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۳. (۲) ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۴۸- ۱۴۹ و فلسفه احکام، ص ۱۵۸. (۳) الکلی را که از میوه‌ها می گیرند الکل اتیلیک گویند و الکلی را که از چوب می گیرند الکل متیلیک گویند. (۴) نحل/ ۶۷. (۵) ر. ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۷۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۲ را می‌بندد. «۱» کلمه «سکر» را در این آیه برخی از مفسران به معنای مسکرات (امثال شراب مست کننده) گرفته‌اند بنابراین آیه فوق اشاره‌ای کوتاه به نامطلوب بودن و تحریم شراب دارد. «۲» و برخی دیگر از مفسران آن را به معنای شیره خرما و شیره انگور گرفته‌اند. «۳» بنابراین در این مرحله بر استفاده‌های سالم و حلال از میوه انگور و خرما تأکید می‌شود و راه استفاده صحیح نشان داده می‌شود. این اولین مرحله در تربیت صحیح افراد و راه جلوگیری از عادات زشت است. در مرحله دوّم می‌فرماید: یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ قُلْ فِیهِما إِثْمٌ کَبِیرٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُما أَکْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما «۴» «درباره شراب و قمار از تو

سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارند. (ولی) گناه آنها از نفع آنها بیشتر است.» در این مرحله چند نکته قابل توجه است: اوّل: برخی از مسلمانان توجه به مسائلی مثل شراب و قمار داشته و از احکام آن سؤال می‌کردند و آیه در پاسخ پرسش‌های آنان نازل شده است. نقل شده که یکی از سؤال کنندگان عمر بن الخطاب بود. «۵» دوّم: قرآن کریم هنگامی که می‌خواهد شراب را حرام کند با نرمی و لطافت برخورد می‌کند و بطور تلویحی متذکر می‌شود که شراب‌خواری گناه است. سوّم: روش تربیتی قرآن بسیار جالب است چون در برخورد با دو پدیده زشت یعنی شراب‌خواری و قماربازی از همان ابتدا برخورد تند و سخت نمی‌کند بلکه با انصاف می‌فرماید که: اینها منافعی (مادی و زودگذر و شخصی مثل حالت برد در قمار و یا حالت فراموشی غم‌های زندگی در مستی و مالیات شراب برای دولت‌ها) دارد. امّا ضررهای (روحی و بهداشتی و اجتماعی) آن زیادتر است. «اثم» به آن حالتی گفته می‌شود که در روح و عقل انسان به وجود می‌آید و او را از رسیدن به نیکی‌ها و کمالات باز می‌دارد. «۶»

(۱) همان، ج ۲، ص ۵۰. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۹۰. (۳) ر. ک: اطیب البیان، ج ۸، ص ۱۵۱. (۴) بقره/ ۲۱۹. (۵) طب در قرآن، ص ۱۶۰. (۶) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۳ پس معنای آیه چنین می‌شود که شراب و قمار ضررهای بسیار گرانی به جان و جسم انسان وارد می‌کند. چرا که مانع کمالات و نیکی‌ها است. این برخورد جالب قرآن با پدیده شرابخواری باعث شد که بسیاری از مسلمانان این عادت زشت را ترک کردند. در مرحله سوم می‌فرماید: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُکاری حَتَّی تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ «۱» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گوئید.» در تفسیر این آیه چند دیدگاه در بین مفسران قرآن وجود دارد: الف: مراد از آیه این است که مسلمانان با حالت مستی که بعد از خوردن شراب حاصل می‌شود، وارد نماز نشوند. و این امر دو فایده مهم در بردارد: نخست اینکه مناجات با خدا مستلزم فهم و درک مطالب است و اگر کسی با حالت مستی در مقابل حضرت حق قرار گیرد علاوه بر آنکه نوعی بی‌ادبی است، از نماز نیز بهره‌ای نمی‌برد. دوّم اینکه با توجه به نزدیک بودن اوقات پنج‌گانه نماز واجب (بویژه در صدر اسلام) عملا کسی نمی‌توانست به شراب‌خواری روی آورد چون اگر صبح یا عصر شراب می‌خورد اثرات آن تا موقع نماز باقی می‌ماند. و این مطلب نوعی مبارزه با شراب‌خواری در جامعه بود و در حقیقت ممنوعیت موقت شراب‌خواری در زمان‌های خاص بود که مردم را آماده می‌کرد تا شراب را به صورت کلی بر آنان حرام کند. «۲» ب: برخی از مفسران شیعه و اهل سنت برآنند که مراد از مستی (سکر) در آیه فوق، مستی خواب است پس معنای آیه این می‌شود که با حالت خواب‌آلودگی نماز برگزار نکنید. و این مطلب در روایات متعددی نیز وارد شده است. «۳» امّا برخی دیگر از مفسران به این دیدگاه اشکال کرده‌اند که: این تفسیر از مفهوم حَتَّی تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ استفاده شده است. اگر چه در معنای «سکاری» داخل نباشد. «۴» به عبارت دیگر از جمله «تا بدانید چه می‌گویید» استفاده می‌شود که نماز خواندن در هر حالی

(۱) نساء/ ۴۳. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۹۵- ۳۹۶. (۳) ر. ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۸۳ و تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۱۷۷۱. (۴) چرا که جمله «حتی تعلموا ما تقولون» تعلیل است برای حکم آیه یعنی «لا- تقربوا الصلوة». پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۴ که انسان از هوشیاری کامل برخوردار نباشد، ممنوع است. خواه حالت مستی باشد یا باقی مانده حالت خواب باشد. «۱» پ: مقصود از «صلوة» در آیه مکان نماز یعنی مساجد باشد و تعبیر «الا- عابری سبیل» را قرینه این معنا گرفته‌اند. و معنای آیه این‌گونه می‌شود: «در حال سکر به مساجد نزدیک نشوید.» «۲» در مرحله چهارم خداوند می‌فرماید: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ* إِنَّما یُرِیدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ فِی الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ وَ یَصُدَّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ «۳» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (نوعی بخت آزمائی)

پلیدند و از عمل شیطان هستند از آنها دوری کنید تا رستگار شوید؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا با این همه زیان و فساد و با این نهی أکید، خودداری خواهید کرد.» برخی گفته‌اند این آیه در مورد «سعد بن ابی وقاص» نازل شد که به میهمانی مردی از انصار رفت و همراه غذا شراب نوشیدند (قبل از تحریم شراب در اسلام بوده است) و بعد از مستی شروع کردند که افتخارات خود را ذکر کنند و کم‌کم اختلاف بالا گرفت و استخوان شتری را به سر سعد زدند و او به پیامبر (ص) شکایت کرد و آیه نازل شد. در آیه فوق چند نکته قابل توجه است: اوّل: آیه حکم حرمت شراب را به صورت قطعی بیان کرده است. ولی این عمل پس از سه مرحله قبل بود که ذهنیت مسلمانان برای این حکم آماده شده بود. به طوری که پس از نزول آیه فوق پاسخ عمر بن خطاب (که یکی از شراب‌خواران دوران جاهلیت بود) این بود: «انتهینا ... انتهینا» یعنی دیگر نخواهیم نوشید دیگر نخواهیم نوشید. «۴» و با نزول این آیه هر که جامی در دست داشت آن را شکست، کوزه‌های شراب در کوچه‌ها ریخته شد. و جامعه مسلمانان یکپارچه به فرامین شریعت گردن نهاد. و این تأثیر شگفت‌انگیز روش تربیتی قرآن (_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵۶- ۳۵۷. (۲) مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۰. (۳) مائده/ ۹۰- ۹۱. (۴) طب در قرآن، ص ۱۶۱، و تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۶۸ (این مطلب را مسند احمد و سنن ابی داوود و سنن ترمذی از اهل سنت نیز نقل کرده‌اند.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۵ کریم بود که بصورت تدریجی و چند مرحله‌ای اجرا شد. دوّم: در این آیه حکم تحریم شراب به صورت خشک بیان نشده است بلکه ضررهای شراب خواری و قمار بیان شده است (که این مطلب هم از نظر تربیتی جالب توجه است) که عبارتند از: رجس (پلید) است، عمل شیطان است و او می‌خواهد با این عمل بین شما دشمنی ایجاد کند، و می‌خواهد با این عمل مانع شود که شما به یاد خدا باشید و به نماز بپردازید.

تاریخچه شرابخواری:

تاریخچه شرابخواری: قبل از ظهور اسلام، شراب‌خواری یک عادت بشری بود و در بین بسیاری از ملت‌ها شراب یک غذای رسمی (مثل چای در ایران) بود. چرا که مردم از ضررهای آن به صورت کامل اطلاعی نداشتند. تا آنجا که ما پژوهش کردیم ممنوعیت شراب قبل از اسلام سابقه نداشته و از احکام تأسیسی اسلام است. «۱» به طوری که پس از ممنوعیت شراب‌خواری در اسلام، سیل اعتراضات به سوی اسلام و رهبران مسلمانان سرازیر شد و بسیاری از این حکم تعجب کرده و علت آن را جویا می‌شدند. «۲» البته هنوز هم شراب‌خواری در بسیاری از کشورهای غیر مسلمانان به صورت آزاد رواج دارد و در این رابطه تبلیغات وسیعی نیز صورت می‌گیرد. ارنست رنان، مورخ فرانسوی می‌نویسد: «دین اسلام پیروان خویش را از بلاهای چندی من جمله شراب و خوک و لعاب دهان سگ نجات داده است.» «۳» اولین کسی که در حدود سال ۸۰۰ میلادی به وجود ماده‌ای در «خمر» پی برد که مذاق آن گرم و سریع التبخیر است و ذهن و بصیرت را از انسان دور می‌کند، جابر بن حیان (قرن دوّم هجری) بود ولی مقدار کمی از آن را بدست آورد. و آن را «غول» نامید. و بعدها آن را الکل نامیدند. «۴» (_____ ۱) در تورات و انجیل کنونی کلماتی هست که نشانه‌هایی برای تأکید نوشیدن شراب و خرید و فروش آن وجود دارد. در تورات، سفر تثنیه، باب ۱۴، آیه ۲۶ می‌خوانیم: «و نقره را برای هر چه دلت می‌خواهد از گاو و گوسفند و شراب و مسکرات و هر چه دلت از تو بطلبد بده و در آنجا به حضور یهوه خدایت بخور و خودت با خاندانت شادی نما». و در انجیل متی، باب ۲۶، آیه ۲۹ می‌خوانیم: «امّا به شما می‌گویم که بعد از این از میوه مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود تازه آشامم.» (۲) ر. ک: فلسفه احکام، ص

۱۵۶. (۳) فلسفه احکام، ص ۱۵۶، اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۴۶. (۴) طب در قرآن، ص ۱۶۲، البته برخی کشف الکل را به محمد بن زکریای رازی (۲۵۱- ۳۱۳) نسبت می‌دهند. (ر. ک: جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، ج ۱، ص ۷۴۵، تالیف محمد نژد) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۶

احکام:

احکام: در قرآن کریم و روایات أهل بیت (ع) در جهت مبارزه با مسکرات چند حکم صادر شده است: ۱. خوردن شراب و هر مایع مست کننده حرام است. «۱» این حکم از آیات قرآن (مائده/ ۹۰- ۹۱) بدست می‌آید و در برخی روایات خوردن شراب را بزرگترین گناه معرفی کرده است. ۲. شراب و هر چیزی که انسان را مست کند اگر خود به خود روان باشد نجس است. «۲» (البته در این مورد الکل صنعتی را استثناء کرده‌اند.) ۳. ظرفی که به وسیله شراب نجس شده است با آب قلیل (و بنابر نظر برخی مراجع در آب کر و جاری هم) سه مرتبه شسته شود و مستحب است و یا بهتر است هفت بار شسته شود. «۳» ۴. شخصی که شراب نوشد و در نزد قاضی اثبات شود به هشتاد ضربه شلاق محکوم می‌شود. «۴» تذکر: تأکید بر حرمت و نجاست شراب برای آن است که مسلمانان کاملا از آن دوری کنند. تا در معرض ضررهای روحی، اجتماعی و بهداشتی آن قرار نگیرند.

حکمت‌ها و اسرار علمی:

اشاره

حکمت‌ها و اسرار علمی: حرمت و نجاست شراب و مسکرات از چند جهت قابل بررسی است. و در روایات أهل بیت (ع) و سخنان متخصصان علوم پزشکی مطالب مختلفی در مورد ضررهای معنوی، اجتماعی و بهداشتی آن گفته شده است. که به طور خلاصه بدانها اشاره می کنیم:

الف: آثار شراب‌خواری در روایات:

الف: آثار شراب‌خواری در روایات: عن رسول الله (ص): «الخمر امّ الخبائث «۵» «خمر ریشه زشتی‌ها و جنایات و امور پلید است.» عن الباقر (ع): «ان مدمن الخمر کعابد وثن و یورثه الارتعاش و یهدم مروته و تحمله علی

(_____ ۱) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله و رساله‌های علمیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام خوردنی‌ها. (۲) همان، مبحث نجاسات (شراب) (۳) همان، مبحث مطهرات (آب) (۴) تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحدود، حد المسکر، مساله ۹. (۵) مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۱۳۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۷ التجسر علی المحارم من سفک الدماء و رکوب الزنا حتی لا یؤمنوا اذا سکر أن یثب علی حرمه و هو لا یعقل ذلک و الخمر لا تزید شاربها الاکل شر. «۱»» «دائم الخمر مانند بت‌پرست است، شراب برایش رعشه بدن پدید می‌آورد، مردانگی و انصاف و مروتش را نابود می کند، شراب است که شراب‌خوار را وادار بر جسارت بر نزدیکان و اقوام و خویشان و خون‌ریزی و زنا می‌نماید حتی در هنگام مستی نمی‌تواند از زنای با محارم ایمن باشد او پس از مستی این کار را بی‌توجه انجام می‌دهد. و شراب وادار کننده به هر نوع شر و اعمال ضد انسانی است.» در این روایات به برخی آثار زیانبار جسمی (مثل رعشه بدن) و برخی آثار روحی و روانی اشاره شده است. از همه مهمتر مسأله زایل شدن عقل است که به آن اشاره شده است.

ب: آثار معنوی و اجتماعی:

اشاره

ب: آثار معنوی و اجتماعی: در آیات قرآن و روایات أهل بیت (ع) به این آثار اشاره شده است که در مباحث گذشته بدان‌ها اشاره کردیم و اکنون نگاهی فهرست‌وار بدان‌ها می کنیم:

۱. خروج شراب خوار از حوزه انسانیت:

۱. خروج شراب خوار از حوزه انسانیت: «۲» شراب عقل را زایل می کند و بیان شد که «خمر» به معنای پوشش است و از آن جهت بدین نام نامیده شده که عقل فرد مست شده را می‌پوشاند و از کار می‌اندازد. عقل عالی‌ترین موهبت الهی به انسان است. اندیشه، امتیاز انسان است که او را از حیوانات جدا می‌سازد، پس هنگامی که شراب انسان را مست می کند و عقل را زایل می‌سازد او را از حوزه انسانیت خارج می‌سازد و به یک حیوان تبدیل می کند.

۲. ضررهای اجتماعی شراب‌خواری:

۲. ضررهای اجتماعی شراب‌خواری: شراب‌خواری از اعمال شیطانی است که شیطان می‌خواهد با آن بین انسانها دشمنی ایجاد کند. «۳» تذکر: کلمه شیطان در تعالیم اسلامی و قرآن اعم از «ابلیس» معروف است بلکه به هر موجود خبیث و حیله‌گر شیطان گفته می‌شود (_____. ۱) بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۴. (۲) دکتر السید الجمیلی در کتاب الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۱۷- ۱۱۹ ضررهای طبی و بهداشتی شراب‌خواری را برمی‌شمارد ولی مهمترین مطلبی که بر آن تکیه می کند همین است که شراب قدرت فکر و عقل انسان را از کار می‌اندازد. (۳) مائده/ ۹۰- ۹۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۸ شراب‌خواران بخاطر روحیه درنده خوئی و شرارت که در حال مستی غالبا پیدا می‌شود، دست به اعمال جنایت‌آمیز می‌زنند، به طوری که آمار زیادی از تصادفات و قتل و خودکشی و درگیری با پلیس، مربوط به افرادی است که از مشروبات الکلی استفاده می کنند. «۱» طبق آماری که برخی مؤسسات تحقیقاتی در غرب منتشر کرده‌اند: «۲» جرائم اجتماعی الکلیست‌ها از این قرار است: مرتکبین قتل‌های عمومی ۵۰٪ ضرب و جرح در اثر نوشیدن شراب ۸/ ۷۷٪ سرقت‌های مربوط به الکلیست‌ها ۵/ ۸۸٪ جرائم جنسی مربوط به الکلیست‌ها ۸/ ۸۸٪ یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: یکی از ضررهای مسکرات مردم آزاری است. شخص شراب‌خوار، مردم، همسایگان، پدر و مادر، خانواده و فرزندان خود را اذیت می کند. «۳»

۳. زیان‌های اقتصادی شراب‌خواری:

۳. زیان‌های اقتصادی شراب‌خواری: یکی از دانشمندان می گوید: «اگر دولت‌ها ضمانت کنند که درب نیمی از میخانه‌ها را ببندند می‌توان ضمانت کرد که از نیمی از بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها بی‌نیاز می‌شویم.» «۴» پس اگر تجارت مشروبات الکلی سودی زودگذر (مثل مالیات برای دولت‌ها) دارد امّا ضررهای آن بیشتر از نفع آن است. و این حقیقتی است که قرآن قرن‌ها قبل بیان داشت: وَ إِثْمُهُما أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما «۵»

۴. ضررهای معنوی شراب‌خواری:

۴. ضررهای معنوی شراب‌خواری: مصرف مسکرات به صورت کلی انسان را از دین دور می‌کند. ولی به صورت خاص قرآن کریم می‌فرماید: مانع یاد خدا و نماز است. «۶» یکی دیگر از ضررهای الکل در حوزه اخلاق است: در شخص الکلی عاطفه خانوادگی (_____۱) در آمریکا که در سال ۱۳۶۳ ش حدود ۱۰ میلیون الکلیست وجود داشت. ۲۵۰۰۰ مورد تصادف منجر به مرگ با اتومبیل و ۱۵۰۰۰ مورد قتل و خودکشی ۰۰۰/ ۵۰۰/ ۲ بازداشت توسط پلیس نتیجه آن بود. (ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۵۷) (۲) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۵، به نقل از انستیتوی پزشکی قانونی شهر «نیون» ۱۹۶۱ م. (۳) فلسفه احکام، ص ۱۵۹ با تلخیص عبارت. (۴) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۶. (۵) بقره/ ۲۱۹. (۶) مائده/ ۹۰- ۹۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۳۹ و محبت نسبت به زن و فرزند ضعیف می‌شود به طوری که مکرر دیده شده که پدرانی فرزندان خود را با دست خود کشته‌اند. «۱»

پ: آثار زیانبار خمر از نظر علوم پزشکی:

اشاره

پ: آثار زیانبار خمر از نظر علوم پزشکی: در این مورد بسیاری از صاحب‌نظران، پزشکان و مفسران، مطلب و کتاب نوشته‌اند. که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: در ابتدا مطلب دکتر دیاب و دکتر قرقوز را که توضیحات مشروحی در این زمینه داده‌اند می‌آوریم: الکل با سرعت شگفت‌انگیزی از طریق بافتهای مخاطی دهان و معده و ریه جذب شده، وارد خون می‌شود. یعنی به محض رسیدن جام محتوی مشروب به دهان، الکل جذب و سریعا وارد جریان خون می‌شود. پس از ورود الکل به معده با توجه به نسبت آب موجود در آن به تمام بافتهای بدن توزیع می‌گردد. اگر زن باردار مشروب الکلی مصرف کند، مقداری از الکل مصرف شده، به بدن جنینی که در شکم دارد می‌رسد و مستقیما روی مغز وی اثر می‌گذارد، زیرا تأثیر مستقیم الکل روی مغز است. دفع الکل: ۵- ۱۰ در صد الکل مصرف شده، بدون هیچ‌گونه تبدیلی به وسیله کلیه‌ها و ریه‌ها دفع می‌شود. امّا بقیه در معرض اکسیده شدن در کبد قرار گرفته و تبدیل به گاز دی اکسید کربن (OC ۲) و آب و انرژی می‌شود. میزان واحد کالری بدست آمده از یک گرم الکل در این عمل به ۷ کالری می‌رسد و همین مسئله موجب بروز بی‌میلی شدید به غذا در انسان می‌گردد، که نتیجه آن دچار شدن شخص به کمبود مواد غذائی در بدن است. مضار و مفاسد طبی الکل: مفاسد الکل را می‌توان به دو قسمت اصلی تقسیم کرد: مسمومیت الکلی حاد (مستی) و مسمومیت الکلی مزمن (اعتیاد) یا الکلیسم. اوّل: مسمومیت الکلی حاد: مصرف مقدار زیاد الکل، انسان را دچار گیجی و مستی می‌کند. چه شخص معتاد به الکل باشد و چه نباشد. عضوی که بیش از سایر اعضای بدن از الکل متأثر می‌گردد، مغز است. تأثیر الکل بر مغز همانند سایر مواد مخدر، تأثیری است تخدیری (tnesserpeD) حالت مستی موقعی بروز می‌کند که میزان الکل موجود در خون به ۵/ ۰٪ برسد. با افزایش میزان الکل موجود در خون شدت مستی نیز افزایش می‌یابد تا اینکه به بیهوشی و سپس مرگ منتهی گردد. این عوارض دماغی، شخص مست را در معرض این اخطار قرار می‌دهد: (_____۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۰ ۱. تصادف با اتومبیل و یا سقوط در رودخانه و یا گودال به دلیل عدم توانایی در حفظ تعادل به هنگام راه رفتن. ۲. تجاوز به حقوق دیگران و به راه انداختن مشاجرات بی‌دلیل به جهت فقدان تعقل و تفکر منطقی. ۳. اقدام به تجاوزات جنسی به دلیل ایجاد میل شدید به مقاربت جنسی در شخص. ۴. التهاب لوز المعده حاد، که بیماری بسیار خطرناکی بوده و ممکن است منجر به مرگ شود. ۵. زخم معده حاد که ممکن است منجر به مرگ شود. ۶. اغما (amoC)، که ممکن است با کمبود قند خون نیز همراه شود. اگر شخص مست به هنگام اغما در معرض سرما نیز قرار گیرد ممکن است بمیرد.

حتی برخی افراد مست با استنشاق بوی استفراغ خود نیز می‌میرند. ۷. مرگ بر اثر تنگی نفس و متوقف شدن قلب از فعالیت. شاید برخی در مقام اعتراض بگویند که مقدار کمی الکل موجب سکر نمی‌شود. در پاسخ می گوییم: خیر، حالتی وجود دارد که به نام «سکر» مرضی معروف است و در نتیجه نوشیدن مشروبات الکلی (چه کم و چه زیاد) برای افرادی که دارای شخصیتی متزلزل هستند حاصل می‌شود و به صورت جنون عقلی حاد ظاهر می‌شود. این حالت از چند ساعت تا ۲۴ ساعت به طول می‌انجامد و بعضی مواقع بیشتر از این مدت هم طول می کشد. این جنون به اشکال گوناگون نمود پیدا می کند که آن را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند: ۱. سکر مرضی توأم با هیجانات حرکتی، و آن حالتی از عصبانیت و هیجان شدید است که در آن فرد مست شروع به خراب کاری در اطراف خود می کند و ناخودآگاه داد و فریاد راه می‌اندازد و سپس بیهوش می گردد. ۲. سکر مرضی توأم با جنون و بدبینی، این حالت گاهی انسان را به خیانت و جنایت و خودکشی سوق می‌دهد. نمونه اینگونه افراد در جوامع امروزی بسیارند. به عنوان مثال موردی را نقل می کنیم که در زمستان سال ۱۹۷۶ در یکی از روستاهای حومه شهر حلب اتفاق افتاد. در این حادثه، مردی نیمه شب در حال مستی وارد منزل خود می‌شود و ناگهان به ذهنش خطور می کند که زنش به وی خیانت کرده است. این فکر تا بدانجا در او تقویت می‌شود که زن و چهار فرزند بیگناه خود را در خواب سر می‌برد. ۳. سکر مرضی توأم با خلسه، در این حالت فرد مست در عالمی رؤیائی زندگی پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۱ می کند که در حالت عادی آرزوی آن را داشته و خواب آن را می‌دیده است. این حالت نیز با بیهوش شدن فرد خاتمه می‌یابد. دوّم: مسمومیت الکلی مزمن (msilohclA): مصرف کنندگان مشروبات الکلی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: ۱. گروهی که در هر بار مقدار زیادی نوشابه‌های الکلی می‌نوشند. این گروه ممکن است در یک سال تا چهار بار دچار مسمومیت شوند. ۲. گروهی که به مصرف زیاد نوشابه‌های الکلی عادت کرده‌اند. این گروه بیش از ۱۲ بار در سال دچار مسمومیت می‌شوند، و حتی گاهی فقط با یک بار مصرف به مدت یک هفته تحت تأثیر عوارض آن خواهند بود. ۳. گروهی که کاملا- الکلی شده و سرنوشت خود را به الکل سپرده‌اند. این گروه حتی قادر نیستند یک روز را بدون نوشیدن مشروبات الکلی سر کنند. اعتیاد مزمن به الکل سبب وارد آمدن زیان‌های بسیاری به تمام دستگاههای بدن می گردد، که می‌توان این زیان‌های را با توجه به دستگاه‌های متضرر به شرح زیر تقسیم کرد:

الف: الکلیسم و بیماری‌های عصبی:

الف: الکلیسم و بیماری‌های عصبی: اعتیاد به الکل موجب ابتلاء به بیماری‌های عصبی زیر می گردد: ۱. ایجاد اختلال در کار تعدادی از اعصاب: در این حالت فرد الکلی دچار ضعف عضلات و لرزش اندامها و درد در ناحیه دست‌ها و پاها می گردد. ۲. ایجاد اختلال در کار یک عصب: در این حالت اختلالاتی در مسیر فعالیت آن عصب توأم با فلج موقت حاصل می‌شود. و یا توجه به نوع عصب، این اختلال ممکن است به صورت فلج عصب صورت و یا عصب چشم و یا فلج ناشی از نحوه خوابیدن بروز نماید، که حالت أخیر بیشتر در کشورهای به اصطلاح پیشرفته به چشم می‌خورد که در آن شخص در حال مستی (معمولا شنبه که فردایش تعطیل است) به صورتی می‌خوابد که اعصاب آرنج و سر استخوان‌های مچ دست و انگشتانش تحت فشار قرار می گیرند و بدین ترتیب عضلات محرک دست فلج می گردد. ۳. التهاب عصب بینایی: اکثر کسانی که به مشروبات الکلی اعتیاد دارند، از این بیماری که توأم با کاهش قدرت دید است، رنج می‌برند. این حالت در برخی موارد نادر نیز منجر به کوری می‌شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۲ ۴. داء الحصاف الکلی: یا گری خشک الکلی (جرب) این بیماری به فراوانی نزد الکلیستها مشاهده می‌شود. ۵. مجموعه بیماری‌های گوناگون دیگری نیز وجود دارند که بیشتر در میان افراد الکلی یافت می‌شوند. از جمله این بیماری‌ها می‌توان ورم غشای خارجی مغز، سیفلیس نخاعی، از بین رفتن سلول‌های مغزی و معلولیت‌های عضلانی را نام برد.

ب: الکل و بیماری‌های گوارشی:

ب: الکل و بیماری‌های گوارشی: از همان ابتدای ورود الکل به دستگاه گوارش، تخریب و فساد را با خود به ارمغان می‌آورد، از جمله: ۱. خراش غشاهای مخاطی دهان و حلق و آسیب رسیدن به پرزهای چشایی و ترک زبان. ۲. ظاهر شدن پلاک‌های سفید رنگ بر روی زبان (aikalpokueL) که غالبا به سرطان زبان مبدل می‌گردد. ۳. التهاب مری. ۴. استفراغ‌های شدید خونی به دلیل پاره شدن برخی از رگ‌ها در ناحیه اتصال مری به معده. ۵. سرطان مری. آمار نشان می‌دهد که ۹۰٪ بیماران مبتلا به سرطان مری را معتادان به الکل تشکیل می‌دهند. ۶. التهاب حاد معده. همه معتادان به الکل بلا استثنا به التهاب حاد معده مبتلا هستند. ۷. التهاب مزمن و پنهان معده. اکثر الکلیست‌ها گرفتار این بیماری می‌شوند. در پیدایش این بیماری، نقص پروتئین بدن نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در نتیجه این بیماری شخص به کم خونی ناشی از عدم جذب ویتامین B ۱۲ توسط بدن مبتلا می‌گردد که این حالت خود، بیمار را برای ابتلا- به سرطان معده آماده می‌سازد. ۸. سرطان معده. ۹۰٪ مبتلایان به سرطان معده از معتادان به مشروبات الکلی هستند که مصرف دخانیات نیز به این امر کمک می‌کند. ۹. زخم معده. یکی از پزشکان به نام دکتر گوردن می‌گوید: «۱۰- ۱۵ درصد از علل ابتلا به زخم معده، نوشیدن مشروبات الکلی است و از طرفی الکل مانع ظاهر شدن علائم ابتلا به این بیماری است، به همین دلیل خود بیمار ممکن است بدون متوجه شدن، مدت‌ها دچار خونریزی معده شود.» پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۳ ۱۰. ایجاد اختلال در جذب مواد غذائی در روده‌ها به دلیل بیمار بودن کبد، معده، امعاء و لوز المعده. ۱۱. الکل و لوز المعده: زیان‌هایی که الکل به لوز المعده می‌رساند عبارتند از: الف: التهاب حاد غذه لوز المعده، که در آن غده دچار هضم ذاتی (خودخوری) شده و سپس پاره می‌شود. به طوری که گفته شد، این بیماری خطرناکی است که بیشتر حالات دل دردها را نزد الکلیست‌ها تشکیل می‌دهد و علت ۷۰٪ این حالات، الکل است. ب: التهاب مزمن لوز المعده، که نقش به سزایی در سوء تغذیه، گوارش و جذب مواد غذایی دارد. ۱۲. الکل و کبد: امروزه بیماری‌های کبدی ناشی از مصرف مشروبات الکلی یکی از مشکلات خطرناک بهداشتی جهان به شمار می‌رود. کافی است بدانیم که نوشیدن خمر مهمترین عامل پیدایش حالات تشمع کبد (سیروز) در کشورهای غربی است. رابطه مصرف مشروبات الکلی با بیماری‌زایی، بحثی است گسترده و مفصل نه در حد این رساله. لذا فقط به بیان مختصر سه رابطه بسنده می‌کنیم: ۱. تأثیر بر کار تبادلات کبد که منجر به کاهش اندوخته قندی و افزایش و تراکم مواد چربی در کبد خواهد بود. ۲. تأثیر مباشر و مسموم کننده روی کبد. ۳. نقص غذایی بدن افراد الکلی به دلیل بی‌اشتهایی آنها که منجر به کاهش پروتئین، مواد قندی و چربی در بدن می‌شود. امّا مهمترین بیماریهای کبدی ناشی از نوشیدن مشروبات الکلی: تراوش چربی در کبد تراوش چربی در کبد توأم با زرد شدن بدن (یرقان)- التهاب حاد کبدی- تشمع کبد (سیروز) معمولا این بیماری‌ها کاملا به هم مرتبط هستند و همگی در نهایت به تشمع کبد منجر می‌شوند. این بیماری به هیچ عنوان درمان‌پذیر نیست زیرا کبد مرکز سوخت و ساز و تبادلات غذایی بدن است (msilobatem ehtfolartnecehT) از مهمترین نتایج تشمع کبد می‌توان به آب آوردن شکم و ظهور زگیل‌هایی در مری و سرطان کبد اشاره کرد. در فرانسه سالیانه ۲۲/ ۵۰۰ نفر و در آلمان ۱۶۰۰۰ نفر بر اثر تشمع کبد در نتیجه مصرف مشروبات الکلی می‌میرند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۴

ج: الکل و بیماریهای قلبی:

ج: الکل و بیماریهای قلبی: الکل رابطه نزدیکی با بسیاری از بیماری‌های قلبی دارد از جمله: ۱. ضعف ماهیچه‌های قلب، بویژه پس از نوشیدن آبجو به دلیل وجود کبالت در آن. ۲. نارسائیهای قلبی مادرزادی کودکان در صورتی که مادر در ماههای نخست بارداری مشروبات الکلی نوشیده باشد. لازم به گفتن است که عده‌ای الکل را به عنوان مسکن برای سوزش قلب به کار می‌برند، غافل از اینکه نتیجه عکس حاصل می‌شود. زیرا الکل با توجه به کالری‌های حرارتی آن، باعث چاقی شده و چربی خون را در دراز

مدت بالا می‌برد و همین مسأله باعث تشدید درد قلب می گردد و فقط به صورت موقتی و به عنوان مسکن عمل می کند.

د: الکل و نارسایی‌های خونی:

د: الکل و نارسایی‌های خونی: با توجه به اینکه الکل باعث کم‌اشتهایی و در نتیجه سوء تغذیه می گردد، عوارض زیر را در رابطه با خون در پی خواهد داشت: ۱. کاهش آهن خون. ۲. کاهش اسید کولیک در خون. ۳. کاهش ویتامین B ۱۲ در خون. ۴. کاهش گلبولهای قرمز خون و در نتیجه زرد شدن پوست بدن. ۵. بیماری هموسدرین (niredisomeH) الکل و بیماری‌های عفونی: اعتیاد به الکل بدن را ضعیف و ناتوان و مقاومت آن را بسیار کم می کند. لذا آمادگی ابتلاء به بیماری‌های عفونی به ویژه بیماریهای عفونی مسری در این افراد خیلی زیاد است که از جمله این بیماری‌ها می‌توان سل، سیفلیس، التهاب ریه، مالاریا، تب تیفوئید، بیماری‌های پوست و التهاب غدد عرقی زیر بغل را نام برد.

ه: الکل و فعالیت‌های جنسی:

ه: الکل و فعالیت‌های جنسی: الکل تأثیر زیادی روی فعالیت‌های جنسی دارد، از جمله: ۱. میل جنسی را افزایش می‌دهد، ولی موجب کاهش توان انجام فعالیت‌های جنسی می‌شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۵ ۲. ممکن است موجب کوچک شدن بیضه‌ها و بزرگ شدن پستان‌ها (در مرد) شود به ویژه اگر با بیماری کبد همراه باشد. ۳. موجب ایجاد نارسائی در رفتارهای جنسی زنان می‌شود. ۴. دگرگونیهایی را در نطفه به وجود می‌آورد که در نتیجه باعث تولد کودکان ناقص الخلقه می‌شود.

و: الکل و سرطان:

و: الکل و سرطان: الکل یکی از علل پنج گانه اصلی ابتدا به سرطان مغز است. این علل که در انگلستان به (۵- S -Ss) معروفند عبارتند از: ۱. سیگار کشیدن ۲ gnikomS. مشروبات الکلی ۳ stripS. عفونتها ۴ sisepS. ادویه ۵ ssecipS. سیفلیس silihpyS در تحقیقی که توسط دکتر «لورمی» به عمل آمده، مشخص گردیده که ۵۱ بیمار از اصل ۵۸ بیمار مبتلا به سرطان لوزه، زبان و حنجره از معتادان به الکل بوده‌اند. و این سرطان‌ها از بدترین انواع سرطان هستند زیرا قدرت تکلم و خورد و خوراک را از بیمار می گیرند و زندگی را برای او بسیار مشکل می‌سازند. ز: الکل و بارداری: مهمترین مسأله‌ای که در فرزندان زنان الکلی به چشم می‌خورد، وجود انواع معلولیت در ۳۳٪ آنهاست. این معلولیت‌ها ممکن است به شکل نقص در رشد، عقب‌ماندگی ذهنی، نقص خلقت ظاهری و ناراحتی‌های قلبی مادرزادی باشد. «۱» یکی از مفسران معاصر در این مورد مطالبی تحت عنوان «اثر الکل در نسل» بیان می کند و می‌نویسد: «کسی که در حین انعقاد نطفه مست است ۳۵٪ عوارض الکلسیم حاد را به فرزند خود منتقل می کند و اگر زن و مرد هر دو مست باشند صددرصد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود و کودکانی که فاقد نیروی کافی عقلانی و روحی بوده‌اند و از مادران الکلی بدنیا آمده‌اند ۷۵٪ و از پدران الکلی نیز ۷۵٪ بوده است. و کودکانی که در هنگام تولد توانایی زندگی را ندارند از پدران الکلی ۶٪ و از مادران الکلی ۴۵٪ است». «۲»

(۱) طب در قرآن، ص ۱۴۹ - ۱۵۶.

(۲) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۶ و یکی دیگر از نویسندگان می‌نویسد: «یکی از پزشکان آلمان ثابت کرده که تأثیر الکل تا سه نسل به طور حتمی باقی است به شرط اینکه این سه نسل الکلی نباشند.» «۱»

ح: الکل و بیماریهای روانی:

ح: الکل و بیماریهای روانی: عوارض روحی و ذهنی بسیاری وجود دارند که یا بر اثر اعتیاد به الکل و یا ترک ناگهانی و یک باره آن به وجود می‌آیند. از جمله مهمترین آنها: ۱. هذیان ارتعاشی (snemertmireliD)، که حالتی است حاد همراه با اختلالات عقلی، بی‌توجهی، رعشه و هیجان‌زدگی. ۲. جنون کورساکوف (۲» (mordnys fokasroK»، که عبارت است از ضعف ذاکره به علاوه هذیان‌گوئی+ التهاب پایانه‌های عصبی+ از بین رفتن قدرت تشخیص و شناخت. ۳. بیماری مغزی ورنیکه (yhtqpolyhp ecne s ' kcinreW): این بیماری علاوه بر عوارض جنون کورساکوف، عوارض دیگری نیز دارد که عبارتند از فلج عضلات چشم+ از دست دادن قدرت تفکر+ گیجی و بیهوشی. ۴. عقب‌ماندگی عقلی الکلی: ضعف ذاکره+ ناتوانی در کنترل عواطف+ اختلال در فعالیت‌های مغزی.

ط: مسائل متفرقه:

ط: مسائل متفرقه: ۱. الکل ممکن است باعث افزایش حملات نقرس شود، زیرا موجب افزایش اوره خون می‌گردد. ۲. ممکن است اعتیاد به الکل باعث به وجود آمدن سنگ‌های دو قلویی کلیه و یا ورم مثانه گردد. ۳. کاهش میزان قند خون در بدن پس از نوشیدن مشروبات الکلی ممکن است بسیار شدید و باعث بی‌هوشی و حتی مرگ شود. «۳» یکی از مفسرین معاصر در این مورد مطالبی تحت عنوان «اثر الکل در عمر» بیان می‌کند و می‌نویسد: (_____ ۱) اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۴۴ از علوم جنائی، ص ۸۶۳ نقل می‌کند. (۲) سرگی کورساکوف، عصب‌شناس روسی (۱۸۵۴- ۱۹۰۰) (۳) طب در قرآن، ص ۱۵۶- ۱۵۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۷ «یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می‌دارد که هرگاه از جوانان ۲۱ ساله تا ۲۳ ساله معتاد به مشروبات الکلی ۵۱ نفر بمیرند در مقابل از جوانهای غیر معتاد ۱۰ نفر هم تلف نمی‌شوند و بر اثر تجربیاتی که کمپانی‌های بیمه عمر کرده‌اند، ثابت شده است که عمر معتادان به الکل نسبت به دیگران ۲۵٪ تا ۳۰٪ کمتر است.» «۱» برخی دیگر از نویسندگان، کتاب «شیطان و بطری» را بهترین کتاب در این زمینه می‌دانند و به صورت مفصل همین ضررهای بالا را از آن نقل می‌کنند. «۲» در این مورد دکتر السید الجمیلی و محمد کامل عبد الصمد «۳» و العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله نیز بررسی مفصلی نموده‌اند. و بیماری‌های حاصل شده از شرابخواری در کشورهای غربی و اسلام را مقایسه کرده و در این رابطه مواد مخدر دیگر (مثل حشیش و ...) را نیز بررسی کرده‌اند. «۴»

بررسی:

بررسی: ۱. جلوگیری از نوشیدن شراب و حکم به پلید بودن آن یکی از معجزات علمی قرآن کریم است. چرا که در شرایطی این احکام صادر شد که بشریت با علاقه و اشتها به شراب‌خواری روی آورده بودند و از ضررهای بهداشتی آن اطلاع چندانی نداشتند. و حتی کتاب مقدس (تورات و انجیل‌ها) نیز تشویق‌گر این بودند. در حقیقت این ممنوعیت یکی از خدمات دین اسلام به بشریت بوده است. ۲. برخی از نویسندگان یکی از ابعاد اعجاز قرآن را تغییر جامعه عرب جاهلی و تحول عجیب و ناگهانی آنان (در کوتاهترین مدت) می‌دانند. «۵» از این زاویه نیز مسأله تحریم شراب و برخورد چهار مرحله‌ای با آن یعنی روش تربیتی قرآن در این زمینه و تغییر و تحول عجیبی که در جامعه ایجاد کرد (به طوری که جامها و ظرف‌های شراب را شکستند) می‌تواند یکی از تأثیرات اعجازآمیز قرآن باشد. یعنی از منظر علوم تربیتی این روش مؤثر چهار مرحله‌ای در برخورد با پدیده‌ای انحرافی در جامعه، (_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۴. (۲) فلسفه احکام، ص ۱۵۸- ۱۶۱. (۳) ر. ک: دکتر سید الجمیلی، الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۱۹ تا ۱۲۲ و محمد کامل عبد

الصمد، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، ص ۲۳۷. (۴) العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله، الطب الوقائی فی الاسلام، ص ۱۳۶ تا ص ۱۵۱. (۵) ر. ک: سید محمد باقر حکیم، علوم قرآن، ص ۱۲۹ چاپ دوم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۸ می‌تواند الگوی مناسبی برای ایجاد تغییرات مناسب و مبارزه مفاسد اجتماعی حاد باشد. ۳. ضررهای شراب‌خواری به ویژه ضررهای بهداشتی آن از حکمت‌های تحریم و نجاست شراب است. البته همانطور که گذشت مسأله مسکر بودن (مست‌کنندگی و زایل کردن عقل) مورد تأکید روایات بوده و لذا علمای اسلام در فقه اسلامی خوردن هر گونه مسکری را حرام می‌دانند. «۱» امّا باز هم نمی‌توان بطور قطع گفت که همین ضررهای بهداشتی علت انحصاری تحریم شراب است چرا که ممکن است مصالح و مفاسد دیگری نیز مورد نظر شارع بوده است. همانطور که در قرآن بر ضررهای اجتماعی شراب بیشتر پافشاری شده بود. «۲» ۴. در مورد برخی از این ضررهای بهداشتی و بیماری‌هایی که در مورد شراب‌خواران نسبت داده شد باید گفت که: اولاـ این بیماری‌ها همه‌گیر نیست بلکه برخی از این آثار در برخی از افراد هویدا می‌شود. ولی در برخی دیگر ظاهر نمی‌شود. (مثل سرطان، بیماری‌های عصبی، سکته مغزی و ...) که علت این امر می‌تواند قدرت متفاوت بدن افراد در مقابل آثار زیان‌بار شراب باشد. یعنی برخی افراد در مقابل برخی بیماریها مقاومت بیشتر دارند. ثانیا برخی از این بیماری‌ها علل مختلفی دارند که شراب‌خواری یکی از علل آنها یا زمینه‌ساز آنهاست پس نمی‌توان آن بیماری‌ها را نتیجه مستقیم و منحصر به فرد شراب خواری دانست. از این روست که برخی از این بیماری‌ها در جوامع مسلمان و حتی در افرادی که لب به شراب نیالوده‌اند نیز وجود دارد. پس ضررهای معنوی، اجتماعی و بهداشتی شراب فی الجمله وجود دارد و یکی از اسرار علمی و حکمت‌های حرمت و نجاست شراب است. امّا این ضررها به صورت بالجمله (در همه موارد و در همه افراد و جوامع) قابل انطباق نیست.

ب: بهداشت شخصی (جسمی)

۱. وضو:

اشاره

۱. وضو: وضو یعنی شستن صورت و دو دست و مسح سر و دو پا با شرایط خاص که یک عبادت محسوب می‌شود. در اسلام عباداتی وجود دارد که دارای دو جنبه است: یکی بعد عبادی آن که موجب تقرب انسان به خدا و کمال معنوی او می‌شود و دوّم بعد بهداشتی و درمانی آن که (_____ ۱) ر. ک: رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام خوردنی‌ها. (۲) مائده/ ۹۰- ۹۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۴۹ آثار مفیدی در محیط اجتماعی یا شخصی انسان دارد و سلامت انسان را تأمین می‌کند. نماز- وضو- غسل- روزه و ... از این قبیل عبادات هستند. قرآن کریم در مورد دستور وضو می‌فرماید: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَی الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَ أَیْدِیَکُمْ إِلَی الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِکُمْ وَ أَرْجُلَکُمْ إِلَی الْکَعْبَیْنِ ... ما یُرِیدُ اللَّهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لکِنْ یُرِیدُ لِیُطَهِّرَکُمْ وَ لِیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ. «۱» «ای اهل ایمان هنگامی که می‌خواهید برای نماز بپا خیزید دست و صورت خویش را بشوئید ... خدا هیچ گونه سختی برای شما قرار نخواهد داد ولیکن می‌خواهد تا (جسم و جان) شما را پاکیزه گرداند.»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: نماز در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و نمازگزار لازم است که برای انجام این عبادت مقدماتی را فراهم کند: ۱. وضو بگیرد. ۲. غسل کند (در صورتی که جنب و ... است) ۳. لباس و بدن خود را از نجاسات (مثل خون، بول و ...) پاک گرداند. ۴. مکان پاکی را برای سجده فراهم کند. هر چند که نماز یک امر معنوی و عبادت است و مقدمات آن مثل وضو و غسل عبادت محسوب می‌شود، امّا همین مقدمات موجب رعایت بهداشت شخصی می‌شود. آیه فوق به یکی از این مقدمات یعنی وضو اشاره می‌کند. در مورد این آیه چند نکته اساسی قابل بررسی است: الف: مقدمه نماز طهارت جسم (شستن دست و صورت و ...) و طهارت جان (حالت نورانیت و معنویتی که از وضو حاصل می‌شود) است. و از آنجا که بجا آوردن نماز در هر شبانه‌روز حدّاقل سه بار واجب است، لذا هر مسلمانی مجبور است حدّاقل سه بار در روز وضو بگیرد و دست و صورت خود را بشوید. ب: هدف از احکامی که در این آیه نازل شده به زحمت انداختن مسلمانان نیست بلکه هدف طهارت (جسم و جان) است و اینکه نعمت الهی بر مسلمانان کامل شود و سپاسگزار خداوند کریم گردند.

(_____ ۱) مائده/ ۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۰ پ: این آیه در سوره مائده واقع شده و سوره مائده از سوره‌هایی است که در مدینه و در اواخر عمر پر برکت پیامبر اسلام (ص) نازل شده است.

تاریخچه:

تاریخچه: شستن دست و صورت یک امر طبیعی است که انسان‌ها معمولا برای رفع کسالت و رخوت و ایجاد نشاط بعد از خواب و کار اقدام به آن می‌کنند. امّا وضو (یا شستن دست و صورت به نحو خاص) در برخی از ادیان قبل از اسلام نیز وجود داشته است. در آئین زرتشت هر روز صبح دست و روی خود را دو مرتبه شستشو می‌دهند. مرتبه اوّل باکومز و مرتبه دوّم بانیرک آب (نیرنگ آب) «۱» در کتاب مقدس (تورات و انجیل) نیز سخن از طهارت با آب، به صورت مکرر گفته شده است. «۲» در قاموس کتاب مقدس آمده است: «طهارت: پاکی، این حکم رسما و شرعا در شریعت موسوی از برای اوقات مختلفه وارد گشته، بتوسط پاشیدن آب و شستشو یا غسل معمول می‌گشت ...» «۳»

احکام:

احکام: ۱. وضو به عنوان مقدمه نماز بر هر شخص نمازگزار واجب می‌شود. «۴» ۲. برای طواف کعبه (تحت شرایطی خاص) وضو واجب می‌شود. و دست گذاشتن به قرآن کریم و نام خدا و پیامبران و ائمه (ع) بدون وضو جایز نیست. «۵» ۳. وضو به خودی خود مستحب است و خوب است انسان در هر حال وضو داشته باشد و حتی آن را تکرار کند، «۶» که نور است. ۴. در وضو ابتدا با نیّت خاص، صورت و سپس دست راست و سپس دست چپ شسته می‌شود. و آنگاه مسح سر و دو پا صورت می‌گیرد. «۷» ۵. در وضو مستحبات زیادی وجود دارد از جمله استنشاق (آب در بینی کردن) مضمضه (آب در دهان کردن)، مسواک و ...

(_____ ۱) مهندس بازرگان، فلسفه احکام، ص ۲۳۴. (۲) ر. ک: کتاب مقدس، سفر لاویان، باب ۱۵ و سفر اعداد، باب ۱۹ و انجیل لوقا، باب ۲، آیات ۲۲- ۲۴. (۳) مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۵۸۳ کلمه طهارت. (۴) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱- ۳۲، مبحث وضو. (۵) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱- ۳۲، مبحث وضو. (۶) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱- ۳۲، مبحث وضو. (۷) ر. ک: تحریر

الوسیله، ج ۱، ص ۳۱- ۳۲، مبحث وضو. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۱

حکمت‌ها و اسرار علمی:

اشاره

حکمت‌ها و اسرار علمی: در مورد فلسفه و حکمت‌های معنوی و علمی و بهداشتی وضو، مطالبی در روایات و سخنان صاحب‌نظران و پزشکان آمده است که بسیار جالب است: در اینجا برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. حکمت‌های وضو در روایات:

۱. حکمت‌های وضو در روایات: از امام رضا (ع) نقل شده که در مورد حکمت وضو فرمودند: «برای این است که بنده در مقابل پروردگار خود پاکیزه باشد و قابل مذاکره و مکالمه گردد و اطاعت امر مولی نموده از کثافات و نجاسات محترز و پاک گردد- و کسالت تن او بر طرف شود- و خواب از چشم او بیرون رود. تا این مطلب به پاکی قلب او در مقابل عظمت خالق منتهی شود- و سبب وجوب شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها، آن است که این اعضاء در نماز بیشتر به کار می‌آید زیرا نمازگزار با صورت سجده و خضوع می‌کند و با دست خود حاجات خویش را عرضه می‌کند و با سر خویش در حالت نماز رو به قبله می‌نماید. و با پاهایش قیام و قعود نماز را انجام می‌دهد.» «۱»

۲. نظام‌مند کردن نظافت شخصی:

۲. نظام‌مند کردن نظافت شخصی: یکی از پزشکان می‌نویسد: «شاید نظافت و پاکیزگی نزد برخی افراد مسأله‌ای ذوقی و شخصی و یا بستگی به وضع اقتصادی فرد یا دولت داشته باشد. امّا در قرآن نظافت امری است تحت نظام و ضابطه، به طوری که فرد مسلمان خود را ملزم می‌داند به عنوان یک واجب شرعی آن را در هر حال و به طور مستمر رعایت کند.» «۲»

۳. آثار وضو در بهداشت انسان:

۳. آثار وضو در بهداشت انسان: یکی از پزشکان در مورد وضو می‌نویسد: «اگر دست‌آوردهای علمی جدید را درباره بهداشت پوست مورد مطالعه قرار دهیم به عمق اهمیت تشریع وضو و طهارت در قرآن پی خواهیم برد.

(_____ ۱) احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۲۵۱ از اسرار الصلوة نقل می‌کند (با تصرف مختصر در عبارت) و نیز ر. ک: شیخ صدوق (۳۸۱ ق)، علل الشرایع، ص ۲۷۹- ۲۸۱ که به برخی علل بهداشتی وضو اشاره کرده است. (۲) طب در قرآن، ص ۱۲۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۲ بهداشت پوست در درجه اوّل بر نظافت و شستشوی بدن به ویژه قسمتهای باز آن متمرکز است نظافت مستمر پوست برای باز ماندن سوراخ‌های غدد عرقی و چربی امری حیاتی است به طوری که لازم می‌شود هر فرد روزانه حدّاقل دو بار دست و صورت و گردن خود را بشوید.» «۱» در مورد فواید بهداشتی وضو نوشته‌اند: «پیشگیری از ابتلا- به بسیاری از بیماری‌های گوارشی که به دلیل آلودگی دست‌ها عارض می‌شوند. مهمترین این بیماری‌ها، بیماری‌های عفونی (مثل وبا، تیفوئید، التهابات معوی [معدوی ، مسمومیتهای غذائی) معروفند. تأثیر مثبت بر فعالیت دستگاه گردش خون و نشاط یافتن شخص به دلیل تحریک اعصاب و ماساژ اعضای بدن. زدودن آلودگی‌های بدن و فراهم شدن شرایط مساعد برای فعالیت پوست.» «۲» یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد:

«دست و صورت که غالبا در معرض مزاولت و مباشرت با کثافات و میکروب‌های مختلفه می‌باشند در هر روزی چند مرتبه واجب شد به واسطه وضو شسته شود. به طوری که آب به بشره برسد، رفع چربی و کثافات و موانع وصول آب را بنماید. تا از ضرر میکروب‌های آن مصون ماند و نظافت اجباری حاصل شود. و استنشاق جلدی از مسامات بشره میسّر گردد. غیر از اعضای وضو باقی اعضای بدن زیر لباس است و کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می‌شود و لهذا این تکلیف مکرر و مداوم در همه روز و شب، ویژه تنظیف اعضاء وضو گردید تا مسامات باز شود و میکروب‌ها مرتفع گردد و استنشاق جلدی در همه این اعضاء حاصل شود. سابقا گمان می‌کردند ورود میکروب در داخل بدن منحصر به ثقب (سوراخ) مخرج و مدخل (مثل دهان) بدن است. أخیرا به ثبوت رسیده که ممکن است میکروب از همان مسامات جلدی وارد بدن شود. چون دست و صورت بیشتر در معرض کثافات واقع [می‌شود] و پا و سر کمتر است لهذا در سر و پا به مسح تنها اکتفا شد تا موجب حرج نشود.» و در دنباله می‌نویسد: «وضوی اسلامی عینا همان خاصیت ماساژ «۳» (ماساژ سوئدی) را به نحو اتم حاوی (_____ ۱) همان، ص ۱۳۰. (۲) همان، ص ۱۲۸- ۱۲۹. (۳) در متن و حاشیه توضیح می‌دهند که ماساژ مالش بدن است و ماساژ سوئدی آن است که تمام اعصاب را به کار می‌اندازد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۳ می‌باشد. زیرا وقتی روی سطح اعضاء وضو آب سرد رسید و محل آن سرد شد قهرا جریان خون به آن سمت شدت یافته و برای حفظ درجه ۳۷ از حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته اعضاء وضو تا به حال طبیعی برسد، دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه دوران خون که مهمترین جهازات بدن است به وجود آید. و بهداشت بدن را تأمین می‌نماید.» «۱» ۴. در مورد نوع آب وضو (سرد و پاک و مطلق بودن آن) و استنشاق (آب در بینی کردن) و مضمضه (آب در دهان کردن) و مسواک قبل از وضو، مطالب بهداشتی جالبی است که در روایات و سخنان صاحب‌نظران و پزشکان بدان‌ها اشاره شده و ما برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. «۲» دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا «۳»، دکتر السید الجمیلی «۴»، محمد سامی محمد علی «۵»، دکتر جمال الدین حسین مهران «۶»، و سعید ناصر الدهان «۷» نیز در این مورد مطالبی را آورده‌اند و فواید بهداشتی وضو را تذکر داده‌اند.

بررسی:

بررسی: ۱. دستور وضو به صورت اجباری یکی از خدمات ادیان الهی به انسان است که موجب نورانیت باطنی و معنویت خاص همراه با نظافت شخصی می‌گردد. ۲. همانطور که گذشت شستن دست و صورت به صورت طبیعی در برنامه روزانه انسانها وجود داشته و در برخی ادیان هم به صورت دستور وضو انجام می‌گرفته است. پس نمی‌توان این مطلب را حکم تأسیسی و اعجاز علمی قرآن کریم دانست، هر چند که انجام وضو به صورت خاص و شرایط آن در اسلام با دیگر مکاتب و ملل متفاوت است. ۳. وضو یک عبادت اسلامی است و نباید آن را در حد یک ماساژ و شستشوی ساده دست و صورت پایین آورد. هر چند که خواص بهداشتی آن قابل چشم پوشی نیست. ولی نباید آن را تک بعدی مطرح کرد. بلکه بعد اصلی و اصیل آن همان عبادت بودن آن است (_____ ۱) فلسفه احکام، ص ۲۳۲- ۲۳۵. (۲) فلسفه احکام، ص ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۶. (۳) ر. ک: دکتر عبد العزیز، اسماعیل پاشا، اسلام و طب جدید، ص ۱۰۳، ترجمه سید غلامرضا سعیدی. (۴) الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۲۰۷. (۵) ر. ک: الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۱۸۲- ۱۸۳. (۶) ر. ک: آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۳۲. (۷) ر. ک: القرآن و العلوم، ص ۱۴۹ و ۱۶۷ ایشان در مورد تیمم نیز مطالبی علمی می‌آورد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۴ ۴. اسرار علمی بهداشتی وضو می‌تواند جزئی از فلسفه و حکمت این حکم باشد امّا علت منحصر و تامه صدور آن نیست. بلکه مصالح دیگری (بویژه معنوی) مورد نظر اسلام بوده است. ۵. برخی از

مطالب بهداشتی (مثل پیشگیری از بیماری‌ها) در مورد وضو به صورت فی الجمله (در برخی موارد) صحیح است. ۶. برخی از مطالب که در فلسفه حکم وضو بیان شد (مثل تفاوت گذاشتن بین مسح سر و پا و شستن صورت و دست‌ها به دلیل بیشتر در معرض میکروب‌ها بودن) قابل اشکال است چون پا و سر و گردن مثل صورت در معرض میکروب‌ها است. بلکه گاهی پای انسان بیشتر مورد آزار میکروب‌ها قرار می‌گیرد. در حالی که دستور شستن گردن یا سر در وضو نیامده است.

۲. غسل:

اشاره

۲. غسل: غسل یعنی شستن تمام بدن با شرایط خاص (مثل نیت همراه با آب پاک و ...) که در شریعت اسلام به عنوان یک عبادت وارد شده است. امّا همانطور که گذشت این گونه عبادات دو جنبه (عبادی- بهداشتی) دارد. قرآن کریم در آیات متعددی افراد پاکیزه را ستایش کرده و آنها را محبوب خدا معرفی می‌کند. در مورد غسل تعبیر «طهارت» را به کار می‌برد و در چند مورد دستور انجام غسل می‌دهد: اوّل: افراد جنب (کسی که با جنس مخالف خود نزدیکی کرده یا به هر دلیل منی از او بیرون آمده است) غسل کنند: وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا ... ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. «۱» « (ای اهل ایمان هنگامی که می‌خواهید برای نماز بپا خیزید ...) و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) ... خدا هیچ گونه سختی برای شما قرار نخواهد داد و لیکن می‌خواهد تا (جسم و جان) شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند.» لغت «جنب» مصدر است که به معنی اسم فاعل آمده است و در اصل به معنای «دور شونده» است. زیرا ریشه اصلی آن که «جنابت» است به معنای «بعد و دوری» و شخص جنب را به این نام می‌خوانند چرا که باید در آن حال از نماز و توقف در مساجد و مانند آن دوری کند (_____. ۱) مائده/ ۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۵ در پایان آیه برای آنکه روشن شود هیچ گونه سخت‌گیری در دستورات گذشته (وضو- تیمم- غسل) در کار نبوده بلکه همه آنها بخاطر مصالح قابل توجهی تشریع شده می‌فرماید: «خداوند نمی‌خواهد شما را به اذیت بیفکند بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمت خود را بر شما تمام کند.» در حقیقت جمله‌های فوق بار دیگر این واقعیت را تأکید می‌کند که تمام دستورات الهی و برنامه‌های اسلامی به خاطر مردم و برای حفظ منافع آنها قرار داده شده و به هیچ وجه هدف دیگری در کار نبوده است. خداوند می‌خواهد با این دستورها هم طهارت معنوی و هم جسمانی برای مردم فراهم شود. «۱» دوّم: افراد حائض (زنان پس از دوره عادت ماهیانه خونریزی) غسل کنند. وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذىً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ «۲» «و از تو درباره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: چیز زیان‌بار و آلوده‌ای است، از این رو در حالت قاعدگی، از زنان کناره‌گیری کنید و با آنها نزدیکی ننمائید، تا پاک شوند و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده با آنان آمیزش کنید. خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و پاکان را نیز دوست دارد.» این آیه به صورت مفصل، در مبحث فلسفه تحریم آمیزش با زنان در حال حیض، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فقط در اینجا اشاره می‌کنیم که زنان در هر ماه حدود سه روز خون با اوصاف خاص می‌بینند که آن را خون عادت ماهیانه یا حیض نامند و زن را در این حالت حائض گویند. از آنجا که یهودیان معاشرت با این‌گونه زنان را ممنوع می‌دانستند و برخی اعراب مدینه تحت تأثیر آنان قرار گرفته بودند از حکم این زنان، از پیامبر (ص) سؤال شد و آیه فوق نازل گشت. جمله فَإِذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ می‌رساند که وقتی زنان پاک شدند نزدیکی با آنان جایز است. از این جمله برخی استفاده کرده‌اند

که غسل کردن برای زنان قبل از عمل زناشویی لازم است ولی اکثر فقهای شیعه می‌فرمایند: عمل زناشوئی بعد از پاکی زن از حیض و حتی قبل از غسل جایز است و وجوب غسل حیض را از دلایل دیگر ثابت می‌کنند. «۳» (_____۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۴ به بعد. (۲) بقره/ ۲۲۲. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۱ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۶ تذکر: البته غسل‌های دیگری نیز در اسلام وارد شده است. مثل غسل نفاس (برای زنان پس از زایمان) غسل استحاضه (برای زنان در خونریزی‌های خاص و با شرائط ویژه) غسل‌های مستحبی مثل غسل جمعه و عیدها و ...

تاریخچه:

تاریخچه: انسان به صورت طبیعی و غریزی پاکی خود را دوست دارد و حتی حیوانات هم به تنظیف بدن خود می‌پردازند که گاهی این تنظیف به صورت شستن بدن جلوه‌گر می‌شود. امّا غسل که شستن بدن به صورت مخصوص است قبل از اسلام در ادیان الهی دیگر سابقه داشته است. کتاب مقدس چند نفر را نجس معرفی می‌کند و غسل کردن را به آنان توصیه می‌کند: «هر کسی را که صاحب جریان لمس نماید و دست خود را به آب نشسته باشد رخت خود را بشوید و به آب غسل کند. و تا شام نجس باشد ...» «۱» «و چون منی از کسی درآید تمامی بدن خود را به آب غسل دهد و تا شام نجس باشد.» «۲» «و اگر زنی جریان دارد و جریانی که در بدنش است خون باشد هفت روز در حیض خود بماند و هر که او را لمس نماید تا شام نجس باشد ... و هر که بستر او را لمس کند رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و ...» «۳» «هر که میته آدمی را لمس کند هفت روز نجس باشد ... و هر که در بیابان گشته شمشیر یا میته یا استخوان آدمی یا قبری را لمس نماید هفت روز نجس باشد ...» «۴» و سپس آداب خاصی را برای پاکی آنان همراه با غسل بیان می‌کند. «۵» در مسیحیت نیز غسل تعمید (برای اطفال و بزرگسالان و در نزد برخی مسیحیان برای مردگان) وجود دارد «۶» و حتی در انجیل اشاره شده که یحیی (ع) حضرت عیسی (ع) را غسل تعمید داد. «۷»

احکام:

احکام: در مورد غسل احکام متعددی در اسلام وارد شده است که اشاره می‌کنیم: البته در (_____۱) کتاب مقدس، سفر لاویان، باب ۱۵، آیات ۱۱- ۲۳. (۲) کتاب مقدس، سفر لاویان، باب ۱۵، آیات ۱۱- ۲۳. (۳) کتاب مقدس، سفر لاویان، باب ۱۵، آیات ۱۱- ۲۳. (۴) کتاب مقدس، سفر اعداد، باب ۱۹، آیات ۱۱- ۲۰. (۵) کتاب مقدس، سفر اعداد، باب ۱۹، آیات ۱۱- ۲۰. (۶) ر. ک: قاموس کتاب مقدس، ص ۳۵۷، کلمه تعمید. (۷) انجیل متی، باب ۳، آیات ۱۳- ۱۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۷ مورد حائض و احکام غسل آن قبلا مطالبی را بیان کردیم و لذا تکرار نمی‌کنیم.) ۱. غسل‌های واجب هفت قسم است: جنابت- حیض- نفاس- استحاضه- مس میت- میت- غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند آنها واجب می‌شود. تذکر: غسل جنابت مستحب است امّا برای انجام نماز واجب می‌شود. ۲. شخص جنب چند چیز برای او حرام می‌شود: رساندن جائی از بدن به خط قرآن یا اسم خدا یا اسامی پیامبران و ائمه (ع)- رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی- توقف در مساجد دیگر- گذاردن چیزی در مسجد- خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد. ۳. غسل‌های زیادی در اسلام مستحب است. مثل غسل جمعه- عید فطر- عید قربان- غدیر- نوروز- زیارت- توبه- نشاط یافتن به جهت عبادت- سفر و ... «۱» تذکر: هر کدام از این غسل‌ها ممکن است فلسفه، حکمت و علت خاصی داشته

باشد ولی محور اصلی بحث ما در اینجا غسل جنابت و حیض است. و لذا خواننده محترم را به کتاب‌هایی که فلسفه احکام نوشته‌اند ارجاع می‌دهیم. «۲»

حکمت‌ها و اسرار علمی غسل:

اشاره

حکمت‌ها و اسرار علمی غسل: در این مورد برخی روایات اهل بیت (ع) و اظهار نظر صاحب‌نظران و پزشکان را می‌آوریم. (البته در مورد غسل حیض زنان در مباحث حیض، مطالبی بیان شد که تکرار نمی‌کنیم):

۱. حکمت غسل در روایات:

۱. حکمت غسل در روایات: از امام رضا (ع) نقل شده که در جواب مسائل محمد بن سنان فرمودند: «علت غسل جنابت نظافت است و آدمی خود را از کثافاتی که به او رسیده پاکیزه کند و سایر بدن را پاک گرداند زیرا منی از تمام بدن بیرون می‌آید از این رو لازم است که تمام بدن را پاکیزه کند.» «۳» تذکر: توجیه علمی این روایت در صفحات آینده خواهد آمد.

۲. اثر معنوی غسل:

۲. اثر معنوی غسل: غسل باعث نورانیت باطنی انسان می‌شود و حالت معنوی در انسان ایجاد می‌کند که روح را طهارت و نشاط می‌بخشد (_____. ۱) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، مبحث غسل. (۲) ر. ک: احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۲۵۲- ۲۶۲. (۳) فلسفه احکام، ص ۲۶۰، با تصرف مختصر در عبارات. و ر. ک: بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۸

۳. فواید بهداشتی غسل:

۳. فواید بهداشتی غسل: برخی از پزشکان در مورد فواید بهداشتی طهارت به ویژه بعد از مقاربت می‌نویسند: الف: نشاط بخشیدن به بدن و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه‌های عصبی موجود در پوست. ب: کاهش احتقان خون در پوست و دستگاه تناسلی و دفع خون‌های جمع شده در این قسمت‌ها به سایر قسمتهای بدن به ویژه قلب و مغز. ج: عمل غسل یک فعالیت عضلانی است که موجب نشاط قلب و حسن جریان خون در بدن و ورزش عضلات ارادی بدن است. د: غسل، سلامتی پوست را تأمین می‌کند تا بهتر به وظایف متعدد خود که از مهمترین آنها انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی بدن است، عمل نماید. ه: زدودن سلول‌های مرده، مواد چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست. «۱» یکی از مفسران در مورد فلسفه غسل و اینکه لازم است تمام بدن شسته شود می‌نویسد: «خارج شدن منی از انسان، یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زواید) بدلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می‌گردد و تمام سلول‌های تن به دنبال خروج آن در یک حالت سستی مخصوص فرو می‌روند ... طبق تحقیقات دانشمندان در بدن انسان دو سلسله اعصاب نباتی وجود دارد که تمام فعالیت‌های بدن را کنترل می‌کند، اعصاب سمپاتیک و اعصاب پاراسمپاتیک. این دو رشته اعصاب در سراسر بدن انسان و در اطراف تمام دستگاه و جهازات داخلی و خارجی گسترده‌اند. وظیفه اعصاب سمپاتیک تند کردن و به فعالیت وا داشتن دستگاه‌های مختلف بدن است و وظیفه اعصاب پاراسمپاتیک کند کردن فعالیت آنهاست ... و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب نباتی دستگاه‌های بدن به طور متعادل کار می‌کند. گاهی

جریان‌هایی در بدن رخ می‌دهد که این تعادل را به هم می‌زنند از جمله این جریان‌ها مسئله ارگاسم (اوج لذت جنسی) است که معمولاً مقارن خروج منی صورت می‌گیرد در این موقع سلسله اعصاب پاراسمپاتیک (اعصاب ترمز کننده) بر اعصاب سمپاتیک (اعصاب محرک) پیشی می‌گیرد و تعادل به شکل منفی به هم می‌خورد. این موضوع نیز ثابت شده است که از جمله اموری که می‌تواند اعصاب سمپاتیک را به (_____ ۱)

طب در قرآن، ص ۱۳۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۵۹ کار وا دارد و تعادل از دست رفته را تأمین کند تماس آب با بدن است. و از آنجا که تأثیر «ارگاسم» روی تمام اعضای بدن به طور محسوس دیده می‌شود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن به هم می‌خورد دستور داده شده است که پس از آمیزش جنسی یا خروج منی تمام بدن با آب شسته شود.» «۱» یکی از صاحب‌نظران معتقد است: «از طرفی روی پوست بدن منافذی است که قریب دو میلیون عدد هستند که از طریق آنها پوست مبادله گازی با هوای مجاور دارد. یعنی از آن طریق اکسیژن جذب می‌کند به طوری که هفت درصد تنفس بدن از این طریق است و از طرف دیگر گازهای سمی و عرق از پوست بیرون می‌رود که در اثر تبخیر دائمی عرق‌های خارج از پوست بدن، مواد سمی و کانی آن باقی می‌ماند و مواد گازی و مائی آن تصعید می‌شود. بنابراین رسوبی روی جلد از این مواد چربی و مواد کانی و سمی باقی می‌ماند. این رسوبات منافذ جلدی را مسدود می‌کند. و محیط مساعدی برای پرورش و ازدیاد انگلهای ساس و جرب و شپش می‌شود و در حال عمل آمیزش (در اثر حرکات زیاد) عرق زیادتری حاصل می‌شود و در نتیجه رسوبات زیادتری حاصل می‌شود. (به صورت متوسط در هر ۲۴ ساعت یک لیتر عرق از بدن خارج می‌شود. و اگر سوراخ‌های سطح بدن انسان با وسیله‌ای کاملا مسدود شود، طولی نمی‌کشد که انسان هلاک می‌شود.) لهذا شارع مقدس اسلام غسل جنابت را واجب فرمود تا بدن شسته و رسوبها که لانه انگلها است مرتفع گردد و از خطر آن مصونیت حاصل شود. و نیز غسل جنابت باعث می‌شود که منافذ پوستی بدن باز شود و تنفس جلدی که از لوازم سلامتی و حیات است عادی شود و حیات و نشاط را ارمغان می‌آورد. و اشاره به همین فایده است حدیث مشهور «تحت کل شعرة جنابة» «۲» (در زیر هر مویی جنابت است.) در سابق خیال می‌شد که منی از همان محل مخصوص بیرون می‌شود تا اینکه به قوت علم ثابت شد که منی از تمام بدن بیرون می‌آید. و به نقل یکی از پزشکان اصفهان می‌نویسد: «چون منی دارای مقداری مایع لزج است موسوم به موسین، اطراف سوراخ [های بدن را به خوبی می‌گیرد و به کلی تنفس [جلدی از دو میلیون سوراخ پوست قطع می‌شود.» هنگام عمل آمیزش در أثر حرکات عنیفه اعصاب خسته و منقبض می‌شود و غسل کردن (_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۴ به بعد. (۲) بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۵۰، روایت ۲۱ (امام رضا (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کنند.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۰ به آب گرم، اعصاب را منبسط و آنها را به حال طبیعی و عادی برمی‌گرداند و نیز جریان خون را در همه بدن تشدید و تجدید می‌نماید.» «۱»

۴. آثار اجتماعی غسل:

۴. آثار اجتماعی غسل: برخی از صاحب‌نظران به نقل از پزشکان می‌نویسند: «باید دانست که هرگاه شستشوی تام از بدن نشود، مورد سوء خلق می‌گردد. و به علاوه حالت معاشرت کم می‌شود. و ترک این غسل موجب کم شدن محبت و استشمام بوی تعفن می‌شود. و اشخاص تارک این عمل قوه شامه‌شان کم می‌شود.» «۲» «چون در روزهای جمعه و اعیاد ملی اسلامی روی اصول سیاسی از جانب شارع تشریفاتی برقرار و اجتماعات و نماز جمعه و نماز عید بر پا می‌گردد و خطابه‌ها و سخنرانی مذهبی طبق نیازمندی روز تأدیه می‌شود و از جاهای دور همه در یک جا دور هم گرد آیند و میتینگ اسلامی داده می‌شود. لهذا باید افراد خود را نظیف و پاکیزه نمایند و عرقهای بدن خود را بشویند تا موجب تنفر دیگران، در مجامع نشود لهذا دستور غسل که شستشوی تمام بدن است

در این ایام با تأکیدات زیادی از ناحیه شرع رسیده است.» «۳»

۵. فواید خاص غسل مسّ میت:

۵. فواید خاص غسل مسّ میت: برخی از نویسندگان در مورد غسل مسّ میت می‌نویسند: در سطح پوست بیمار تعداد زیادی میکروب وجود دارد. و از دکتر صدر الدین نصیری نقل می‌کنند که: «در هر سانتی متر مربع تقریبا ۴۰/۰۰۰ میکروب وجود دارد. برخی از میکروب‌ها هم پس از مرگ بیمار قوی شده و افزایش می‌یابند. در این هنگام سطح پوست، محل و کانون مهم سرایت و انتشار مستقیم بیماری‌های عفونی می‌باشد. شارع مقدس اسلام بدن میت را پیش از شستن پلید دانسته و برای جلوگیری از ابتلاء به بیماری‌ها نسبت به کسانی که بدن میت را مس کنند (و دست بمالند) غسل را لازم دانسته و شستن موضع آلوده را کافی ندانسته تا از آلوده شدن اشخاص به میکروب‌ها بقدر امکان جلوگیری شود.» «۴»

(_____ ۱) فلسفه احکام، ص ۲۵۲- ۲۵۹ (با تلخیص و تصرف مختصر در عبارات) و دکتر صادق عبد الرضا علی، القرآن و الطب الحدیث، ص ۲۲۳ تا ۲۳۰ و محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۱۸۳ نیز در این مورد مطالب مشابهی آورده‌اند. (۲) فلسفه احکام، ص ۲۵۲- ۲۵۹ (با تلخیص و تصرف مختصر در عبارات) (۳) همان، ص ۲۶۰. (۴) سید جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۲۸- ۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۱

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. دستور غسل یکی از خدمات ادیان الهی به انسان‌هاست که موجب طهارت معنوی روحی و بهداشت بدن انسان می‌گردد. ادیان الهی در این گونه امور راه صحیح زندگی معنوی و مادی را به انسان آموزش داده‌اند. ولی از آنجا که این عمل ریشه‌ای طبیعی و غریزی در انسان، بلکه در حیوانات دارد، لذا نمی‌توان گفت که این مطلب اعجاز علمی کتب آسمانی است بلکه ارشاد و تأیید یک عمل طبیعی انسان است. ۲. غسل یک عبادت است که مقدمه نماز قرار می‌گیرد و پایین آوردن آن در حد یک عمل بهداشتی صحیح به نظر نمی‌رسد. هر چند که آثار بهداشتی این دستور الهی بر کسی پوشیده نیست. ۳. آن چنان که از سخنان برخی صاحب‌نظران به دست می‌آمد علت وجوب غسل جنابت را مسائل بهداشتی می‌دانند. در حالی که غسل جنابت اساسا مستحب است و بخاطر اینکه مقدمه نماز است، واجب می‌شود. (نه از باب مسایل بهداشتی) پس مسائل بهداشتی ممکن است از اسرار علمی و حکمت صدور احکام غسل‌ها باشد امّا نمی‌توان ثابت کرد که علت منحصر و تامه غسل همان مسایل بهداشتی است بلکه ممکن است مصالح و مفاسد دیگری (مثل مسایل معنوی و اجتماعی) هم مورد نظر شارع بوده است. ۴. برخی از این آثار بهداشتی که از شستشوی بدن حاصل می‌شود. با شستشوی ساده بدن (بدون نیت و شرایط دیگر غسل) نیز حاصل می‌شود. پس معلوم می‌شود که این آثار هدف اصلی شارع مقدس اسلام نبوده است. بلکه حدّاکثر می‌توان گفت: دستور غسل فی الجمله (به صورت اجمالی) برخی از این آثار را نیز در پی دارد.

۳. طهارت لباس:

اشاره

۳. طهارت لباس: پاکی و پاکیزه بودن لباس یکی از خواسته‌های طبیعی انسان است که اسلام نیز بر آن تأکید کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ «۱» «و لباس خود را از هر عیب و آلایش پاکیزه‌دار.»

(_____ ۱) مدّثر/ ۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۲

نزول:

نزول: سوره مدثر، مکی است و از اولین سوره‌هایی است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است، خطاب آیه به پیامبر اکرم (ص) است که لباس خواب را به خود پیچیده بود. و به ایشان می‌فرماید: «ای کسی که لباس به خود پیچیده‌ای برخیز و انذار کن و تکبیر بگوی و لباس خود را پاک کن» در مورد اینکه مقصود از آیه فوق (طهارت لباس) چیست حدّاقل شش نظر در بین مفسران مطرح است: الف: منظور ظاهر آیه باشد یعنی «تطهیر لباس از نجاست برای نماز» مقصود است. ب: آیه کنایه از اصلاح عمل انسان باشد چون عمل به منزله لباس نفس است. پ: مراد از آیه تزکیه نفس از گناهان است. ت: منظور کوتاه کردن لباس است چون موجب می‌شود که از نجاسات روی زمین دور بماند. ث: منظور پاک کردن همسران از کفر و گناه است، چون همسر به منزله لباس انسان است. ج: منظور از آیه بدست آوردن اخلاق پسندیده است. علامه طباطبائی (ره) دیدگاه اوّل و دوّم را ترجیح می‌دهد. «۱» اشکالی که در اینجاست این است اگر آیه در مورد طهارت لباس باشد مخاطب آیه پیامبر (ص) است پس چگونه شامل بقیه مردم شود. برخی از صاحب‌نظران خواسته‌اند در این مورد چاره‌ای بیندیشند و لذا می‌نویسند: «در نظافت و پاکیزگی لباس در اسلام همان بس که اولین برنامه اسلام پس از اعتقاد به مبدأ و معاد و اظهار عظمت خداوند دستور نظافت لباس است. که در روز اوّل بعثت پیغمبر خاتم (ص) پس از مراجعت رسول خدا از جبل حرا به منزل خدیجه، خود را پوشانید به واسطه احساس سردی (در أثر اضطراب أمر نبوت و رسالت) جبرئیل نازل و آیات اوّل سوره مدثر را آورده در آیه چهارم فرمود: وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ «یعنی ای پیغمبر (ص) باید لباس‌هایت را پاکیزه نمائی و از قذارات و نجاسات احتراز فرمائید.»

(_____ ۱) ر. ک: المیزان، ج ۲، ص ۱۶۰- ۱۶۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۳ و به ضمیمه آیه کریمه لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ «۱» «همه شما امت باید تأسی به رسول خدا (ص) نمائید.» از اینجا ظاهر می‌شود نظافت لباس چقدر مورد عنایت خاص شارع مقدس بوده که پیش از همه برنامه‌ها و احکام اسلام شرف صدور پیدا کرده است.» «۲»

تاریخچه:

تاریخچه: طهارت و پاکیزگی لباس یکی از خواسته‌های طبیعی انسان است و لذا مشاهده می‌کنیم افرادی که به دین خاصی هم اعتقاد ندارند این مطلب را رعایت می‌کنند. (البته همیشه در بین انسانها افراد بی‌توجه و لاابالی وجود داشته‌اند که بر خلاف دستورات عقل، دین و فطرت خویش عمل می‌کنند.) در ادیان گذشته نیز بر طهارت لباس تأکید شده است. در کتاب مقدس در مورد آداب طهارت کسی که به واسطه تماس با مردگان نجس شده است می‌خوانیم: «و در روز هفتم خویشتن را تطهیر کرده رخت خود را بشوید و به آب غسل کند ...» «۳» و در جای دیگر نیز همین دستور را به کسانی می‌دهد که با مجروحان تماس دارند. «۴»

احکام:

احکام: در اسلام احکام متعدد و توصیه‌های فراوانی نسبت به لباس و پاکی آن صادر شده است. ۱. انسان نمازگزار باید لباس او در هنگام نماز پاک باشد. «۵» (مگر در موارد خاص و با شرایط ویژه) و گر نه نماز او باطل است. ۲. طهارت لباس شرط برخی اعمال حج است. «۶» (البته در برخی حالات مثل طواف و ...) ۳. پوشیدن لباس پاکیزه برای نماز، زیارت و داخل شدن در اجتماعات دینی مستحب است، که در این مورد روایات زیادی وارد شده است. «۷»

(_____ ۱) احزاب/ ۲۱. (۲) فلسفه احکام، ص ۲۱۷- ۲۱۸. (۳) کتاب مقدس، تورات، سفر اعداد، باب ۱۹، آیه ۱۹- ۲۰. (۴) همان، سفر لاویان، باب ۱۵، آیه ۱۱- ۱۲. (۵) تحریر الوسیله، ج ۱، مبحث احکام النجاسات، ص ۱۱۹. (۶) تحریر الوسیله، ج ۱، مبحث احکام النجاسات، ص ۱۱۹. (۷) ر. ک: فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۱- ۴۴۴ و میزان الحکمهٔ، ج ۱۰، ص ۹۲- ۹۴ «عن رسول الله (ص): من اتخذ ثوبا فلینظفّه» (هر کس لباس می‌پوشد آن را پاکیزه کند) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۴

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسرار علمی: ۱. برخی از پزشکان می‌نویسند: «در اسلام طهارت لباس یکی از شرایط صحت عبادت است، همین امر انسان مسلمان را ملزم می‌کند تا برای طهارت پوشاک خود اهمیت خاصی قائل شده و از آلوده شدن آن به وسیله نجاساتی که بیان گردید جلوگیری نماید. اهمیت این مسئله در حفظ انسان در برابر آلودگی‌ها بر کسی پوشیده نیست.» «۱» ۲. شرطیت طهارت لباس در نماز واجب و مستحب موجب می‌شود که انسان مسلمان مجبور باشد که حدّاقل هر روز پنج بار نجاسات را از لباس خود دور کند و این فواید بهداشتی فراوانی را به دنبال دارد. برخی از نویسندگان دیگر مثل محمد سامی محمد علی «۲» نیز به مطالب و اسرار بهداشتی فوق اشاره کرده‌اند.

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. اهمیت دادن ادیان الهی به پاکیزگی لباس و دستور تطهیر آن یکی از خدمات بهداشتی دین به بشریت است. امّا از آنجا که طهارت لباس یک خواست طبیعی و غریزی انسان است لذا این دستور نمی‌تواند اعجاز علمی کتاب‌های آسمانی محسوب شود. بلکه ارشاد و تأیید و تأکید یک خواست طبیعی و غریزی مفید است. ۲. دستور قرآن کریم به شخص پیامبر (ص) «ثیابک فطهر» یک دستور شخصی است. و لذا ممکن است کسی مدعی شود که شامل دیگران نمی‌شود. امّا همانطور که گذشت این اشکال وارد نیست چون از چند راه می‌توان این آیه را تعمیم داد: اوّل: از راهی که برخی صاحب‌نظران پیمودند یعنی با تمسک به آیه لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ «۳» یعنی آیه خاص پیامبر (ص) است امّا از آنجا که پیامبر (ص) طبق آیه دوم الگوی دیگران است پس بقیه مردم هم به دستور آیه اول عمل می‌کنند. دوّم: از طریق الغاء خصوصیت از شخص مخاطب (پیامبر اسلام (ص)) یعنی آیه هر

(_____ ۱) طب در قرآن، ص ۱۳۰- ۱۳۱.

(۲) ر. ک: محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۱۸۴. (۳) أحزاب/ ۲۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص:

۳۶۵ چند خطاب به پیامبر (ص) است (و سیاق آیات قبل و بعد هم این خصوصیت را تأیید می‌کند) امّا در مورد طهارت لباس هیچ خصوصیت خاصی در شخص پیامبر (ص) نیست و حدّاکثر می‌توان گفت که سزاوارتر است که نخست پیامبر (ص) لباس خود را پاکیزه کند. سوّم: از طریق روایاتی که در مورد نظافت لباس وارد شده است و به ما می‌فهماند که این حکم خاص پیامبر (ص) نیست. ۳. در این آیه احتمالات شش گانه‌ای مطرح شده است که استفاده طهارت و بهداشت لباس یکی از آن احتمالات بود، بنابراین به صورت قطعی نمی‌توان ادعا کرد که آیه فوق دلالت بر مقصود ما دارد. ۴. طهارت که به عنوان شرط لباس نمازگزار است، فواید بهداشتی آن می‌تواند جزئی از اسرار و حکمت‌های صدور این حکم باشد. امّا نمی‌توان گفت که علت منحصر یا تامه صدور حکم است بلکه ممکن است مصالح و مفاسد دیگری (مثل تأثیرات معنوی روحی و دوری از نجاسات در هنگام نماز) نیز در نظر شارع بوده است.

۴. پاکیزگی محیط زیست:

اشاره

۴. پاکیزگی محیط زیست: پاک بودن محیط زیست اعم از منزل شخصی، کوچه‌ها و خیابان‌ها، اماکن عمومی مثل مساجد و مدارس و ... تأثیر فراوانی در سلامت و بهداشت انسان دارد. قرآن کریم می‌فرماید: وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ «۱» «و (به او وحی کردیم که) خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجود کنندگان پاک و پاکیزه‌دار.»

نزول:

نزول: آیه فوق در مورد حضرت ابراهیم (ع) است، هنگامی که خانه کعبه برای عبادت مشخص گردید، به ایشان وحی می‌شود که: «این خانه مرا پاکیزه دار برای طواف کنندگان و ...» در مورد کلمه «طهّر» (پاک کن) که در آیه آمده است دو احتمال وجود دارد: نخست آنکه مراد از پاک کردن خانه خدا، زدودن ناپاکی معنوی باشد یعنی این خانه‌ای که مخصوص عبادت خداست از شرک و بت‌پرستی و امثال آن پاک کن (_____. ۱)

حج/ ۲۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۶ دوّم آنکه مقصود از پاک کردن خانه خدا أعم از برطرف کردن ناپاکی معنوی و مادی باشد یعنی این خانه را از شرک و نجاسات مادی پاک کن. علامه طباطبائی (ره) معنای اوّل را ترجیح می‌دهد. «۱» امّا هنگامی آیه دلالت بر طهارت مسجد از نجاسات دارد که معنای دوّم را بپذیریم.

تاریخچه:

تاریخچه: دوست داشتن طهارت و پاکیزگی محل سکونت و مراکز اجتماعات یک امر غریزی است که در همه انسانها وجود دارد. (البته همیشه انسانهای بی‌مبالات در هر اجتماعی هستند.)

احکام:

احکام: در اسلام احکام خاصی برای مساجد قرار داده شده است: ۱. نجس کردن مسجد جایز نیست. ۲. در صورتی که مسجد نجس شد بر همه مردم واجب کفائی که آن را پاک کنند. «۲»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسرار علمی: ۱. تطهیر محل عبادت، تأثیرات روحی و معنوی در انسان‌های عبادت کننده دارد. پس مهمترین حکمت این احکام مربوط به مسأله عبادت است که در مساجد برگزار می‌شود. ۲. تطهیر محیط زیست. در این باره یکی از پزشکان می‌نویسد: «این آیه بر لزوم پاکیزگی محیط زیست و به ویژه مساجد اشاره و تأکید دارد و یکی از شروط صحت نماز، اقامه آن در محلی پاکیزه و دور از نجاسات است.» «۳» ۳. نظافت اماکن و مساکن. برخی از صاحب‌نظران با تمسک به روایات خواسته‌اند این مطلب را به اثبات برسانند و می‌نویسند: «از مراجعه به احکام و سنن منازل و مساکن در وسائل و بحار و حلیة المتقین و آداب الشریعة و غیره ثابت می گردد که شارع مقدس عنایت خاصی به وسعت و پاکیزگی و نظافت منازل داشته است از جمله احکام منازل، چهل و هشت حکم در آداب الشریعة ضبط کرده است، که هفت حکم آن محل شاهد فعلی ماست که این هفت سنت و

(_____ ۱) المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۸. (۲) ر. ک: مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۰۱ به بعد احکام مساجد. (۳) طب در قرآن، ص ۱۳۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۷ حکم هر کدام مستقیما یا استلزاما دلالت دارد بر اینکه منزل و مسکن باید نظیف و پاکیزه و مطابق مقررات بهداشت محیط خانه و زندگی مؤمن تأمین گردد: ۱. فرش منزل باید پاکیزه باشد. ۲. محل جداگانه برای نماز در خانه قرار بدهند. ۳. سگ در خانه نگهداری نکنند. ۴. صحن و درب خانه را جاروب نمایند. ۵. به خانه درب بگذارند و دیواری اطراف بامها قرار دهند و پرده بیاوزند. ۶. درب ظروف غذا را باز نگذارند و روی آنها را بپوشانند. ۷. در خانه آب جاری یا کر قرار دهند.» «۱» و سپس ایشان روایاتی را در این زمینه می‌آورند، برای مثال می‌نویسند: عن رسول الله (ص): «لا تبیّتوا القمامة فی بیوتکم فاخرجوها نهارا فانها مقعد الشیطان» «زباله را در خانه و محیط زندگی خود نگاه ندارید که محل آرامگاه شیطان است.» عن رسول الله (ص): «بیت الشیطان فی بیوتکم بیت العنکبوت.» «خانه عنکبوت در منازل شما خانه شیطان است.» عن رسول اللّه (ص): «لا تنکبوا الغبار فانه منه تکون النسمة.» «غبار را حرکت و انگیزش ندهید چرا که باعث تولید تنگی نفس می‌شود.» تذکر ۱: در یک گرم غبار بین ۷۵۰۰۰۰ تا ۲۱۰۰۰۰۰ میکروب در زیر میکروسکوپ دیده می‌شود. «۲» تذکر ۲: در روایات گاهی از میکروب‌ها با عنوان شیطان یاد شده است و خطر آن گوشزد شده است. همانطور که قبلا بیان شد واژه «شیطان» در آثار اسلامی به هر موجود پلید و خبیث گفته می‌شود و اسم خاص «ابلیس» معروف نیست. «۳»

بررسی:

بررسی: در اینجا چند نکته لازم است: ۱. توجه ادیان الهی و به ویژه اسلام و قرآن به مسأله پاکی و طهارت یکی از خدمات علمی

(_____ ۱) فلسفه احکام، ص ۲۱۸ - ۲۲۰. (۲) ر. ک: فلسفه احکام، ص ۲۲۳ و وسایل الشیعه، احکام مساکن، باب دهم. (۳) فلسفه احکام، ص ۲۲۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۸ دین به بشریت است که موجب پاک شدن محیط زندگی بشر از آلودگی‌ها و نجاسات شده است. ۲. از آنجا که مسأله طهارت در ادیان قبل از اسلام مطرح بوده بلکه یک امر غریزی است، لذا دستورات دینی در این مورد ارشادی و تأکیدی

است و نمی‌توان گفت معجزه علمی قرآن یا کتب مقدس دیگر است. ۳. از آنجا که آیه مورد بحث (حج/ ۲۶) در مورد طهارت مسجد الحرام است و دستور خاص به حضرت ابراهیم (ع) است و از طرف دیگر ممکن است مقصود از آیه نجاسات معنوی (مثل شرک و بت‌پرستی) باشد، لذا نمی‌توان به صورت قطعی ادعا کرد که آیه فوق در مورد پاکی محیط زیست دلالتی دارد. بلی اگر مفاد آیه أعم از پاکی مادی و معنوی باشد ممکن است با الغاء خصوصیت شامل مساجد دیگر هم بشود. ۴. مسأله طهارت محیط زیست در اسلام مورد تأکید بوده و همان طوری که گذشت روایات متعددی در این زمینه وجود دارد

ج: بهداشت مسایل جنسی:

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه:

اشاره

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه: زنان به صورت عادی در هر ماه چند روز خون می‌بینند (حدّاقل ۳ روز و حدّاکثر ده روز) که اگر با اوصاف خاص (در بیشتر اوقات گرم، غلیظ، رنگ تیره و همراه با سوزش و فشار) همراه باشد به آن خون حیض، قاعدگی یا عادت ماهیانه گویند. قرآن کریم می‌فرماید: یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذیً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِی الْمَحِیضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّی یَطْهُرْنَ ... «۱» «و از تو درباره خون حیض سؤال می کنند، بگو: چیز زیان بار و آلوده‌ای است و لذا در حالت قاعدگی از زنان کناره‌گیری نمائید و با آنها نزدیکی ننمایید و به آنها نزدیک نشوید تا پاک شوند ...»

نزول:

نزول: آئین کنونی یهود و مسیحیت احکام ضد یکدیگر در مورد آمیزش مردان با چنین زنانی دارند جمعی از یهود می‌گویند: معاشرت مردان با اینگونه زنان مطلقا حرام است و لو اینکه بصورت غذا خوردن سر یک سفره و یا زندگی در یک اطاق باشد. (_____ ۱) بقره/ ۲۲۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۶۹ در مقابل این گروه مسیحیان می‌گویند: هیچ گونه فرقی میان حالت حیض و غیر حیض زن نیست، همه گونه معاشرت حتی آمیزش جنسی با آنان بی‌مانع می‌باشد. مشرکین عرب بخصوص آنها که در مدینه زندگی می‌کردند، کم و بیش به خلق و خوی یهود انس گرفته بودند و با زنان حائض مانند یهود رفتار می‌کردند و در زمان عادت ماهیانه از آنها جدا می‌شدند. همین اختلاف در آئین و افراط و تفریطهای غیر قابل گذشت، سبب شد که بعضی از مسلمانان از پیغمبر اکرم در این باره سؤال کنند و در پاسخ آنان این آیه نازل گردید. «۱» از آنجا که زنان در این حالت از نزدیکی با مردان تنفر دارند و با توجه به اینکه ممکن است برخی از مردان اراده خود را بر زنان تحمیل کنند، قرآن خطاب به مردان می‌کند و به آنان دستور دوری و عدم آمیزش با زنان را می‌دهد.

تاریخچه:

تاریخچه: دوری از زنان در حالت، حیض تاریخی طولانی در سرگذشت بشر دارد. ایرانیان قدیم معاشرت با زنانی را که در حالت

عادت ماهیانه بودند ممنوع می‌ساختند. «۲» در تورات کنونی می‌خوانیم که: «اگر زنی جریان دارد و جریانی که در بدنش است خون باشد هفت روز در حیض خود بماند و هر که او را لمس نماید تا شام نجس باشد و بر هر چیزی که در حیض خود بخوابد نجس باشد و بر هر چیزی که بنشیند چیزی نجس باشد و بر هر که بستر او را لمس کند رخت خود را بشوید و به آب غسل کند و تا شام نجس باشد ... و اگر مردی با او هم بستر شود و حیض او بر وی باشد تا هفت روز نجس خواهد بود.» «۳» ممنوعیت نزدیکی با زنان در این حالت (با وجود همه ضررهای بهداشتی آن) امروزه از طرف بسیاری از مردم جهان رعایت نمی‌شود و حتی از مسیحیان نقل شده که آن را جایز می‌شمارند. «۴» تذکر: در اسلام آن افراط و تفریطهایی که در برخی مذاهب و جوامع نسبت به زنان هست وجود ندارد بلکه فقط آمیزش با زنان در حال عادت ماهیانه ممنوع است.

(_____۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۱- ۹۲. (۲) ر. ک: شهید مطهری (ره)، مسأله حجاب، ص ۳۵ به بعد. (۳) کتاب مقدس، سفر لاویان، باب پانزدهم، آیه ۱۹- ۲۵. (۴) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۰

احکام:

احکام: در دین مبین اسلام چند حکم فقهی در مورد زنان حائض وجود دارد: ۱. جماع کردن در فرج هم برای مرد و هم برای زن حرام است. ۲. عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود بر حایض حرام است. ۳. تمام چیزهایی که بر جنب حرام است بر حائض هم حرام است، مثل: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا اسم خدا و پیامبران و ائمه (ع)- توقف در مساجد و گذاشتن چیز در آنها و رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)- خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد. ۴. طلاق دادن زن در این حالت باطل است. ۵. اگر کسی در حال حیض با زن نزدیکی کرد کفاره (جریمه نقدی برای گناه) بر او واجب می‌شود. «۱» ۶. پس از اتمام دوره حیض برای انجام نماز و ... غسل حیض بر زن واجب می‌شود. تذکر: برخی از این احکام از آیه قرآن استفاده شده و برخی دیگر از روایات اهل بیت (ع) بدست آمده است.

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسرار علمی: در مورد ممنوعیت آمیزش با زنان حائض در روایات اهل بیت (ع) مطالبی بیان شده و این امر موجب پیدایش برخی بیماری‌ها معرفی شده است. «۲» برخی از پزشکان و صاحب‌نظران نیز در مورد این حکم و اسرار علمی آن اظهارنظر کرده‌اند که پاره‌ای از سخنان آنان را نقل می‌کنیم: ۱. حکمت این حکم از طرفی مربوط به مردان است، یعنی عادت کردن آنها به صبر و جلوگیری از اسراف در شهوت‌رانی است و از طرف دیگر مربوط به زنان است. یعنی این حالت باعث ناراحتی زنان است که در صورت نزدیکی این ناراحتی تشدید می‌شود. ۲. جلوگیری از افراط و تفریط در مورد زنان: برخی مفسران معاصر می‌نویسند: «جمله‌های اوّل این آیه که امر به گوشه‌گیری و اعتزال فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِی الْمَحِیضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ و نهی از نزدیک شدن و آمیزش با زنان حائض می‌کند، در بدو نظر شباهتی به دستورات کنونی آئین یهود دارد لکن به قرینه جمله بعد فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللَّهُ

(_____۱) ر. ک: امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، و رساله عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام حائض و غسل جنابت. (۲) فلسفه احکام، ص ۲۵۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۱ که درباره آمیزش جنسی با زنان بعد از پاک شدن از خون حیض می‌باشد، معلوم می‌شود که مراد از

گوشه‌گیری و نزدیک نشدن، فقط دوری از آمیزش جنسی است. پس اسلام راه میانه را در مورد عادت ماهیانه زنان پیموده است و روش اسلام همه جا راه میانه است و از افراط و تفریط بر کنار است. در اینجا نیز از تندروی یهود جلوگیری کرده و گفته که معاشرت و هرگونه آمیزش و نشست و برخاست با زنان در این حالت، غیر از عمل جنسی هیچ‌گونه مانعی ندارد. همچنین از رفتار مسیحیان که هیچ‌گونه محدودیتی برای تماس با زنان حائض قائل نیستند جلوگیری کرده است و به این ترتیب ضمن حفظ احترام و شخصیت زن و ترک تحقیر او از کارهایی که زیانهای بهداشتی فراوانی برای مرد و زن دارد پیشگیری نموده است.» «۱» ۳. یکی از حکمت‌های این دستور الهی، مصون ماندن مرد و زن از بیماری‌ها است. یکی از پزشکان می‌نویسد: «در شرایط طبیعی، مهبل زن بوسیله ترشحاتی نرم می‌شود و از آسیب محفوظ می‌ماند و این ترشحات که خاصیت اسیدی (اسید لاکتیک dicA citcaL) دارد مهبل را از آلودگی توسط میکروب‌ها مصون می‌دارد. وجود خون در مهبل باعث تغییر این حالت می‌شود و نزدیکی با زنان به هنگام قاعدگی، میزان آلودگی را افزایش م دهد که ضررهایی برای مرد و زن دارد. چون از طرفی باعث ایجاد خراشهایی در مهبل (که التهاب یافته است) می‌شود. و غشای مخاطی رحم (که در حالت پوست اندازی و مثل زخم سرباز است) محل نفوذ میکروب‌ها از مهبل می‌شود. رحم نیز دچار التهاب می‌شود و در نتیجه باعث پیدایش دردهای شدید در رحم و احساس سنگینی آن و بالا رفتن تب می‌شود و در صورت شدید بودن التهاب ممکن است به سایر قسمتها هم سرایت کند و در نهایت زن را عقیم نماید. و نیز آمیزش موجب احتقان خون شده و خونریزی را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر مردی که در این حالت با زن نزدیکی کند در معرض بیماری قرار می‌گیرد و ممکن است دچار التهاب مجرای بولی شود. و گاهی این التهاب به سایر قسمتها از جمله بیضه‌ها سرایت می‌کند.» «۲» برخی از مفسران معاصر با طرح آیه: یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذیً «ای پیغمبر از تو

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳- ۹۴.

(۲) برگرفته از طب در قرآن، ص ۵۰- ۵۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۲ درباره حیض و احکام آن سؤال می‌کنند در پاسخ آن بگو «هو أذی» آن چیز زیان‌آور و ناپاکی است.» «۱» می‌نویسند: «در حقیقت این جمله فلسفه حکم اجتناب از آمیزش جنسی با زنان را در حالت قاعدگی که در جمله بعد آمده است را بیان می‌کند زیرا آمیزش جنسی با زنان در چنین حالتی علاوه بر اینکه تنفرآور است زیانهای بسیار به بار می‌آورد که طب امروز نیز آثار آن را اثبات کرده است از جمله: احتمال عقیم شدن مرد و زن و ایجاد یک محیط مساعد برای پرورش میکروب بیماری‌های آمیزشی چون سفلیس و سوزاک و نیز التهاب اعضای تناسلی زن و وارد شدن مواد حیض، که آکنده از میکروب‌های داخل بدن است، در عضو تناسلی مرد و غیر اینها که در کتب طب موجود است. لذا پزشکان، آمیزش جنسی با چنین زنانی را ممنوع اعلام می‌دارند ... اصولا خونی که به هنگام عادت ماهیانه دفع می‌شود خونی است که هر ماه در عروق داخلی رحم برای تغذیه احتمال جنین جمع می‌گردد. زیرا می‌دانیم که رحم زن در هر ماه تولید یک تخمک می‌کند، و مقارن آن عروق داخلی رحم بعنوان حالت آماده باش برای تغذیه نطفه مملو از خون می‌شود. اگر هنگامی که تخمک از لوله‌ای بنام شیپور «فالپ» عبور و وارد رحم می‌شود اسپرماتوزئید که نطفه مرد است در آنجا موجود باشد تشکیل جنین می‌دهد و خونهای موجود در عروق صرف تغذیه آن می‌گردد در غیر این صورت خونهای موجود بر أثر پوسته پوسته شدن مخاط رحم و شکافتن جدار رگهای رحم بصورت خون حیض از رحم خارج می‌شود. از این سخن روشن می‌شود که چرا آمیزش جنسی در این حال زیان‌آور و ممنوع است، زیرا رحم زن در موقع تخلیه این خونها هیچ گونه آمادگی طبیعی برای پذیرش نطفه ندارد. و به همین دلیل از آن صدمه می‌بینند.» «۲» و یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد: «در خون رگل (حیض) و زایمان علاوه بر میکروب‌هائی که در خونهای عادی بدن است میکروب‌های دیگری هست و ... اصولاـ نطفه مرد یا اسپر ماتوزئید و تخمدان زن خیلی پاک و عاری از میکروب است و خداوند اینطور اراده فرموده که این محل که در آنجا یک جسم صغیر غیر قابل رؤیت برای آدم شدن وجود می‌گیرد بری از هر کثافتی باشد.

(_____ ۱) در مفردات راغب می‌خوانیم: الاذی ما یصل الی الحیوان من الضرر امّا فی نفسه او جسمه أو تبعاته دنیویا کان او اخرویا (قل هو أذی) فسمی ذلک أذی باعتبار الشرع و باعتبار الطب. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۲- ۹۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۳ اگر هم اتفاقا میکروبی بدانجا راه پیدا کرد اسپرماتوزئیدها خود برای دفاع آماده‌اند و آن را از بین می‌برند. امّا در موقع حیض، میکروب‌های بسیاری بوسیله خون وارد شده که اسپرماتوزئیدها قدرت ندارند همه آنها را از بین بردارند و ناچار غلبه با میکروب می‌شود و نطفه ناقص و علیل می‌گردد.» «۱» ۴. فلسفه غسل بانوان بعد از حیض: صاحب‌نظری در این باره می‌نویسد: «الف: چون در حالت آلودگی حالت منفوریت برای شوهر و معاشرین حاصل می‌شود لهذا پس از حصول پاکی و انقطاع خون، غسل که شستشوی کامل همه بدن است برای او واجب گردید تا منفوریت او زایل و کاملا مطبوع (دلپذیر) گردد. ب: در این مدت نسبتا طولانی قاعدگی از عروقهای او [زن رسوب زیادی روی مسامات جلدی او جمع می‌شود و با غسل کردن علاوه بر حصول نظافت و پاکیزگی ظاهری (که از غرائز بشریت بلکه حیوانات است) مسامات و منافذ بدن او باز شده برای استنشاق جلدی آماده و کثافات جلدی او که لانه انگل‌هاست مرتفع می‌گردد. ج: در این مدت آلودگی، کثافات و میکروب‌های زیادی که در خونهای زن (زیادتر از خونهای عادی) موجود است و به اعضای بدن او قهرا سرایت کرده، لازم است تنظیف کامل به عمل آید تا اطمینان برای خودش و دیگران که با او معاشرند حاصل شود و اکمل تنظیفات غسل است.» «۲» ۵. استاد آیة اللّه معرفت نیز در مورد آیه ۲۲۲ سوره بقره ابتدا برخورد یهود با زنان حائض را بیان می‌کند و سپس دوری از زنان را در حال حیض به سبب ضرر جسمانی می‌دانند. و نکاتی علمی از تفسیر مراغی «۳» در این مورد نقل می‌کنند، که ممکن است نزدیکی در این حالت به عقیم شدن مردان منتهی شود. «۴» ۶. در مورد مسایل بهداشتی و طبی مسایل حیض و آیه ۲۲۲ سوره بقره آقای دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا «۵» و دکتر السید الجمیلی «۶» و دکتر صادق عبد الرضا علی «۷ (_____» ۱) فلسفه احکام، ص ۲۵۸ و ۲۷۰ به نقل از کتاب اسلام و علم امروز، ص ۴۲۸. (۲) فلسفه احکام، ص ۲۵۷- ۲۵۸ از کتاب اسلام و علم امروز، ص ۴۲۸ نقل می‌کند. (۳) ر. ک: تفسیر مراغی، ج ۱، ص ۱۵۷. (۴) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۸۱- ۱۸۲. (۵) ر. ک: دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا، اسلام و طب جدید، ص ۵۲ ترجمه سعیدی. (۶) ر. ک: دکتر السید الجمیلی، الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۲۳۳- ۲۳۴. (۷) ر. ک: القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۲۸- ۱۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۴ و عبد الرزاق نوفل «۱» و سید جواد افتخاریان «۲» نیز سخنانی مشابه دارند. ۷. ید اللّه نیازمند شیرازی «۳» نیز با ذکر آیه فوق ۲۲۲ سوره بقره آن را اعجاز علمی قرآن می‌خواند و چهار نکته علمی از آن استخراج می‌کند که عبارتند از: حیض برای زنان آزار و زحمت و بیماری و کم دوامی است- عادت عرب آن زمان به عدم رعایت بهداشت زنان- زیان نزدیکی در آن موقع برای مرد و زن- رفع خطر پس از ظهور آثار بهبودی کامل (از کلمه حتی در آیه استفاده می‌کند) و سپس توضیحات مفصّلی در این مورد و نکات علمی قاعدگی می‌دهد. «۳»

بررسی:

بررسی: ۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حال عادت ماهانه و دستور غسل و یا شستشوی پس از آن، از خدمات ادیان الهی به بشریت است. چرا که این حکم باعث جلوگیری ضررهای بهداشتی برای مردان و زنان بوده و از اذیت شدن زنان جلوگیری می‌کند. پس این احکام را می‌توان از دستورات بهداشتی و علمی ادیان الهی مثل یهود و اسلام دانست چرا که در شرایطی این احکام صادر شده که بشریت از ضررهای بهداشتی این امور اطلاع نداشته است. ۲. همانطور که بیان شد این دستور در ادیان قبل از اسلام از جمله

یهود وجود داشته است پس این حکم نمی‌تواند اعجاز علمی منحصر به فرد قرآن باشد. ۳. ضررهای بهداشتی و اسرار علمی ممنوعیت نزدیکی و غسل بعد از آن جزئی از حکمت‌ها و فلسفه صدور آن است. امّا علت تامه و منحصر این احکام نیست؛ چرا که ممکن است شارع مقدّس اسلام مصالح و مفاسد دیگری (مثل مسایل معنوی و روانی) را در نظر داشته است و لذا می‌بینیم که عبادتهای خاصی (مثل نماز) در دوره حیض برای زنان ممنوع است؛ و لو آنکه برای هر نماز یک غسل بکنند. ۴. این مطلب که گفته شد: حکمت این حکم مسأله تمرین صبر و جلوگیری از زیاده روی مردان در شهوت است، قابل اشکال است چرا که اسلام راههایی را برای جبران این دوران قرار داده است. برای مثال تعدد زوجات یکی از راه حل‌های این مطلب است. ۵. این مطلب که گفته شد: نزدیکی در حال حیض در أثر وجود میکروب‌ها باعث ناقص و علیل شدن نطفه می‌گردد، صحیح بنظر نمی‌رسد چرا که در این دوره امکان ازدواج تخمک

(۱) عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۴۴- ۱۴۸. (۲) ر. ک: سید جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۱۸۸- ۱۹۴. (۳) ید اللّه نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، ص ۵۴- ۶۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۵ زن با اسپرماتوزئید و لانه گزینی در رحم وجود ندارد تا بچّه حاصله ناقص یا کامل باشد.

۲. ممنوعیت زنا:

اشاره

۲. ممنوعیت زنا: زنا عبارت است از ارتباط نامشروع و غیر قانونی مرد و زن، که در قرآن کریم از آن به عنوان «فاحشه» (عمل زشت) یاد شده است و برای پیش‌گیری از این عمل دستور به ازدواج داده و خواستار حجاب زنان و کوتاه کردن نگاه مردان و زنان (غض) شده است و سپس در چند آیه و در چند مرحله آن را نکوهش و ممنوع کرده است: اول: قرآن می‌فرماید: وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنی إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ ساءَ سَبِیلًا «۱» «و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی ناپسند است.» در این آیه دو صفت «عمل زشت» و «راه ناپسند» را برای زنا برمی‌شمارد و آن را نکوهش می‌کند و این اولین مرحله برخورد با یک صفت ناپسند است. برخی از مفسران می‌نویسند که این آیه به سه نکته اشاره دارد: الف: آیه فوق نمی‌گوید زنا نکنید بلکه می‌گوید به این عمل شرم‌آور نزدیک نشوید و این علاوه بر تأکیدی که در بر دارد اشاره لطیفی به این نکته دارد که زنا غالبا مقدماتی دارد مثل چشم‌چرانی- ترک ازدواج جوانان، فیلم‌های بد، حضور در مکان‌های بد و ... که انسان را تدریجا به آن نزدیک می‌کند. ب: جمله (انه کان فاحشة) مشتمل بر سه تأکید است: (ان- استفاده از فعل ماضی کان- تعبیر فاحشه) که عظمت این گناه را نشان می‌دهد. پ: جمله (ساء سبیلا-) بیانگر این واقعیت است که این عمل راهی به مفاسد دیگر در جامعه می‌گشاید. «۲» دوم: هنگامی که قرآن صفات بندگان خدا را بر می‌شمارد می‌فرماید: وَ لا یَزْنُونَ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ یَلْقَ أَثاماً. «۳» «و زنا نمی‌کنند و هر کس چنین کند مجازاتش را خواهد دید.» در اینجا پاکدامنی از صفت‌های بندگان خاص خدا شمرده شده است و در ضمن تهدید

(۱) اسراء/ ۳۲- مکی. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۲ با تلخیص. (۳) فرقان/ ۶۸- مکی. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۶ به عقاب می‌کند که هر کس مرتکب این عمل زشت شود دچار عذاب الهی می‌شود. این مرحله دوم برخورد با یک عمل زشت است. سوم: هنگامی که زنان بعد از فتح مکه می‌خواستند با پیامبر (ص) بیعت کنند یکی از مواد عهدنامه آنها زنا نکردن بود. و در این رابطه قرآن فرموده است: یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا- یُشْرِکْنَ بِاللَّهِ شَیْئاً وَ لا یَسْرِقْنَ وَ لا یَزْنِینَ وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا یَأْتِینَ بِبُهْتانٍ

يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبايِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ «۱» «ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش طلب که خداوند آمرزنده و مهربان است». مفسران نوشته‌اند که این آیه روز فتح مکه نازل شد. هنگامی که پیامبر (ص) بر کوه صفا قرار گرفته بود و از مردان بیعت گرفت، زنان مکه که ایمان آورده بودند برای بیعت خدمتش آمدند. آیه فوق نازل شد و کیفیت بیعت با آنان را شرح داد. و پس از آن پیامبر (ص) از آنها بیعت گرفت. (برخی نوشته‌اند از روی لباس و برخی گفته‌اند توسط ظرف آبی که پیامبر (ص) دستش را در یک طرف آن گذارده بود بیعت گرفتند. «۲») در این آیه یکی از مواد شش‌گانه پیمان «زنا نکردن» قرار داده شده است. یعنی ترک زنا به صورت یک عهد و پیمان اجتماعی درمی‌آید. تذکر: در مرحله سوم عدم عمل به این کار زشت جزئی از یک پیمان عمومی قرار می‌گیرد تا به صورت یک تعهد مردمی درآید. چهارم: خداوند در سوره نور می‌فرماید: الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لا تَأْخُذْكُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لْيَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ* الزَّانِي لا يَنْكِحُ إِلَّا زانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَ الزَّانِيَةُ لا يَنْكِحُها إِلَّا زانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حُرِّمَ ذلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ «۳» «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت و محبت (کاذب) نسبت به

(_____ ۱) ممتحنه/ ۱۲- مدنی. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۴۴ به بعد. (۳) نور/ ۲- ۳، مدنی. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۷ آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند. مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد و این بر مؤمنان حرام شده است.»

نزول:

نزول: این آخرین مرحله برخورد با مرتکبین این عمل زشت است. چرا که قرآن کریم در آیات قبلی زمینه سازی کرد و ذهنیت مسلمانان را آماده ساخت و در این آیه با شدت هر چه بیشتر حکم صد شلاق را برای زناکاران (با شرایط خاص) قرار داد. این آیه مربوط به مدینه است که حکومت اسلام مستقر شده و مسلمانان با احکام اسلام آشنا شده‌اند. برخی از مفسران نوشته‌اند: «این آیه مشتمل بر سه دستور است: الف: حکم مجازات زنان و مردان آلوده به فحشا. ب: تأکید بر این که در اجرای این حد الهی گرفتار محبت‌ها و احساسات بی‌مورد نشوید. محبتی که نتیجه‌ای جز فساد و آلودگی در اجتماع ندارد. پ: دستور به حضور جمعی از مؤمنان در صحنه مجازات دهد، چرا که هدف تنها این نیست که گناهکار عبرت گیرد بلکه هدف آن است که مجازات او سبب عبرت دیگران هم بشود.» «۱» در مورد آیه سوم سوره نور (تحریم ازدواج مؤمنان با زناکاران) دو احتمال داده شده است: بعضی معتقدند که آیه تنها یک واقعیت عینی را بیان می‌کند که آلودگان همیشه دنبال آلودگان می‌روند. و هم جنس با هم جنس پرواز می‌کند اما افراد پاک و با ایمان هرگز تن به چنین آلودگی‌ها و انتخاب همسران آلوده نمی‌دهند و آن را بر خویشتن تحریم می‌کنند (و لذا ظاهر آیه جمله خبریه است) برخی معتقدند که این جمله بیان یک حکم شرعی و الهی است. مخصوصا می‌خواهد مسلمانان را از ازدواج با افراد زناکار باز دارد چرا که بیماری‌های اخلاقی همچون بیماری‌های جسمی غالبا واگیردار است. به علاوه نوعی ننگ است و فرزندان آنان نیز مشکوکند و شاید این، تفسیر جمله «حرم ذلک علی المومنین» است. شاهد دیگر شأن نزول آیه است که گفته‌اند (_____: ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۵۹ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۸ مردی از مسلمانان از پیامبر (ص) اجازه خواست تا با «ام مهزول»

(زنی که در عصر جاهلیت به آلودگی معروف بود و حتی پرچمی برای شناسایی بر در خانه خود نصب کرده بود) ازدواج کند، آیه فوق بدین مناسبت نازل شد. در روایات نیز از امام باقر و امام صادق (ع) آمده است که: «هر کس مشهور به این عمل شود و حد الهی بر او جاری گردد، با او ازدواج نکنید تا توبه‌اش ثابت شود.» «۱» تذکر: این برخورد چهار مرحله‌ای قرآن کریم از لحاظ تربیتی بسیار جالب است و می‌تواند الگویی برای برخورد با عادات زشت اجتماعی و گناهان رایج در جامعه باشد. در مرحله اول: صفات ناپسند زنا را بر می‌شمارد و مردم را از آن باز می‌دارد. در مرحله دوم: زنا نکردن را از صفات بندگان خدا شمرده و وعده عذاب اخروی می‌دهد. در مرحله سوم: زنا نکردن را جزئی از یک پیمان عمومی قرار می‌دهد. در مرحله چهارم: قوانین و مجازات‌های سختی برای مرتکبین قرار می‌دهد.

تاریخچه:

تاریخچه: مسأله ارتباط نامشروع با زنان بیگانه یکی از موضوعات بوده که از دیر زمان در تاریخ بشر و ادیان الهی مطرح بوده و غالب مردم از آن بیزار بوده و هستند. به طوری که داشتن غیرت نسبت به ناموس یکی از صفات پسندیده انسانی است و حتی نسبت بی‌غیرتی نوعی فحش محسوب می‌شود. در دین یهود هم این عمل ممنوع اعلام شده است. و در مجموعه قوانینی که به «ده فرمان» مشهور است در تورات فعلی آمده است: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، بر همسایه خود شهادت دروغ مده و ...» «۲» در انجیلهای کنونی هم زنا عمل ناپسندی محسوب می‌شود و حتی با اینکه طلاق در انجیل فعلی ممنوع اعلام شده، ولی اجازه داده شده که زنان را به علت زنا کردن طلاق دهند. از قول عیسی (ع) نقل می‌کنند: «و به شما می‌گویم هر که زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند زانی است و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کند.» «۳»

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۶۱ به بعد با تلخیص. (۲) کتاب مقدس تورات، سفر خروج، باب بیستم، آیه ۱۴- ۱۶. (۳) انجیل متی، باب ۱۹، آیه ۹- ۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۷۹

احکام:

احکام: در مورد عمل ناپسند زنا که کرامت انسانی را از بین می‌برد و انسان را به یک حیوان پست تبدیل می‌کند در اسلام احکام سختی قرار داده شده است: ۱. زنا کردن از گناهان کبیره است. ۲. برای زناکار حدود کیفری خاصی در اسلام قرار داده شده است؛ مثل قتل برای کسی که با محارم خود زنا کند، رجم (سنگسار کردن) برای زناکار محصن (همسردار) و صد ضربه شلاق برای زناکار غیر محصن و ... که تفصیل این امور در کتاب‌های فقهی آمده است. «۱»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

اشاره

حکمت‌ها و اسرار علمی: ارتباط نامشروع هر انسان با جنس مخالف خود، آثار زیانبار معنوی و بهداشتی و اجتماعی برای هر دو طرف به وجود می‌آورد. که در روایات اهل بیت (ع) و کتاب‌های پزشکی بدان‌ها اشاره شده است. در اینجا برخی از آنها را از نظر

می گذرانیم:

۱. آثار زنا در روایات:

۱. آثار زنا در روایات: در روایات آمده است که شخص زناکار از حوزه ایمان خارج می‌شود. برای مثال به این روایت توجه کنید: عن رسول اللّه (ص): «لا یزن الزانی حین یزنی و هو مؤمن و لا یسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن فانه اذا فعل ذلک خلع عنه الایمان کخلع القمیص» «شخص زناکار به هنگامی که مرتکب این عمل می‌شود مؤمن نیست و همچنین سارق به هنگامی که مشغول دزدی است ایمان ندارد چرا که به هنگام ارتکاب این عمل، ایمان را از او بیرون می‌آورند همانگونه که پیراهن را از تن بیرون می‌آورند.» «۲»

۲. آثار معنوی:

۲. آثار معنوی: انسان کسی است که بر اساس عقل و اندیشه و دین کارهای خود را در آن چهار چوب‌ها، قانون‌مند می‌کند و زنا یعنی ارتباط غیر قانونی و بدون ضابطه بین دو انسان (زن و مرد) که گاهی شکل خشن تجاوز جنسی را به خود می‌گیرد. (_____ ۱) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۶۳ (بحث حد زنا) (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۶۱ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۰ پس هنگامی که شخصی زنا می‌کند یعنی از کرامت انسانی خود عبور کرده و به صورت یک حیوان درآمده است. از این روست که این عمل با شأن انسانی انسان ناسازگار است. و شاید از همین رو باشد که قرآن از آن به عنوان عمل زشت (فاحشه و راه ناپسند ساءَ سَبِیلًا) یاد کرده است.

۳. آثار اجتماعی زنا:

۳. آثار اجتماعی زنا: برخی از مفسران در مورد فلسفه تحریم زنا می‌نویسند: الف: پیدایش هرج و مرج در نظام خانواده و از میان رفتن رابطه فرزندان و پدران، رابطه‌ای که وجودش نه تنها سبب شناخت اجتماعی است بلکه موجب حمایت اجتماعی و محبت می‌شود. ب: این عمل ننگین سبب انواع برخوردها و کشمکش‌های فردی و اجتماعی در میان هوسبازان است. پ: تجربه نشان داده و علم ثابت کرده است که این عمل باعث اشاعه انواع بیماری‌هاست. ت: این عمل غالبا سبب سقوط جنین و کشتن فرزندان و قطع نسل می‌گردد. چرا که چنین زنانی هرگز حاضر به نگهداری این گونه فرزندان نیستند. ث: هدف از ازدواج تنها مسأله اشباع غریزه جنسی نیست بلکه اشتراک زندگی و انس روحی و آرامش فکری و تربیت فرزندان و همکاری در شئون حیات از آثار ازدواج است که بدون اختصاص زن و مرد به همدیگر و تحریم زنا، هیچ یک از اینها امکان‌پذیر نیست. «۱»

۴. انتشار بیماری‌های آمیزشی در جامعه:

اشاره

۴. انتشار بیماری‌های آمیزشی در جامعه: بیماری‌های آمیزشی کدامند؟ بیماری‌های آمیزشی امراض بسیار مهمی هستند که به دلیل خطرناک و مسری بودن به عنوان مهمترین بیماری‌های پوستی (yyoloereneV) به شمار می‌روند. همچنین به دلیل ضایعات و اختلالاتی که در دیگر اعضای بدن بوجود می‌آورند در طب عمومی (ygolohlap lareneG) نیز جایگاه ویژه‌ای دارند.

بیماری‌هـــای مقـــاربتی بیماری‌هـــای زیر را شامـــل می‌شـــود: ۱. ســـیفلیس ۲ silihpys. ســـوزاک aehrronoG ۱) _____) تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۲ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۱ ۳. شانکر یا آتشک ۴ diorcnahC. گرانولوم آمیزشی sitamolunarg ۵ ainavonoD. التهاب مهبل «۱»

شیوع بیماری‌های مقاربتی:

شیوع بیماری‌های مقاربتی: «برخی پزشکان در رابطه با شیوع بیماریهای آمیزشی می گویند: علت اصلی انتشار و شیوع بیماری‌های مقاربتی اساسا به روابط جنسی آزاد و هر چیز که موجب برهم خوردن کانون خانوادگی گردد می‌باشد.» دکتر «جان بیستون» نیز در همین رابطه می گوید: «از قرائن به دست آمده ثابت می‌شود که اغلب بیماری‌های آمیزشی در نتیجه وجود روابط جنسی خارج از دایره ازدواج (زنا) شیوع پیدا می کند.» در ۲۰ سال أخیر دانشمندان به رغم کشف پنی‌سیلین (nillicineP) و پایین آمدن آمار مبتلایان به این بیماری‌ها، به خطر بزرگی که از این بابت متوجه بشریت است پی بردند. از این رو در سال ۱۹۶۴ اقدام به تشکیل یک سمینار بزرگ جهانی با حضور ۱۵۰۰ متخصص از ۵۰ کشور در آمریکا برای بحث پیرامون بیماری‌های مقاربتی نمودند و کلیه مطالب و مقالات ارائه شده در این سمینار را در کتابی به نام «عملکرد سمینار جهانی بیماری‌های مقاربتی» جمع آوری و منتشر نمودند. از بررسی‌های ارائه شده در این سمینار مشخص گردید که نسبت بیماری‌های مقاربتی در فاصله زمانی ۱۹۵۰- ۱۹۶۰ در ۷۱ کشور از مجموع ۱۰۵ کشور مورد مطالعه، افزایش یافته که اغلب این کشورها را کشورهای اروپائی تشکیل می‌دهند. یعنی از مجموع ۲۰ کشور اروپائی، در ۱۹ کشور آن بیماری‌های مقاربتی افزایش یافته بود. کمترین میزان رشد این امراض در کشورهای شرق مدیترانه بود که از مجموع ۱۲ کشور فقط در ۶ کشور افزایش بیماری‌های مقاربتی وجود داشت. در همین سمینار مشخص گردید که موارد ابتلا به سیفلیس در آمریکا در سال ۱۹۵۷ جمعا ۷۶۰۰ مورد بوده که این رقم در سال ۱۹۶۱ به ۲۰۸۰۰ مورد یعنی تقریبا ظرف فقط چهار سال، سه برابر شده بود و این بسیار وحشتناک است. اما موارد ابتلا به سوزاک فقط در کشور آمریکا به تنهایی به یک میلیون مورد در سال می‌رسد. امّا تخمین مبتلایان به سیفلیس در سرتاسر جهان در سال ۱۹۵۳ به ۲۰ میلیون نفر می‌رسید. «۲ (_____» ۱) ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۸۰- ۱۸۱. (۲) ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۸۱- ۱۸۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۲

۵. انتشار بیماری ایدز:

۵. انتشار بیماری ایدز: ایدز از بیماری‌هایی است که یکی از راههای عمده انتقال آن ارتباطهای جنسی است. این بیماری در یک دهه گذشته در سطح جهان به ویژه کشورهای اروپائی و آمریکائی شیوع قابل توجهی یافته است اما در سطح کشورهای اسلامی گسترش چندانی نیافته است و این مطلب به دلیل رعایت نسبی مسائل جنسی نامشروع توسط مسلمانان است.

۶. روش حکیمانه اسلام در جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی:

۶. روش حکیمانه اسلام در جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی: چرا این بیماری‌های آمیزشی و ایدز در کشورهای اسلامی (با وجود ضعف نسبی بهداشت در این کشورها در حال حاضر) آمار کمتری دارد. اما در جوامع صنعتی به ویژه اروپا و آمریکا با همه پیشرفتهای علمی و بهداشتی، آمار بیشتری دارد. جواب این پرسش را باید برخورد اسلام با این پدیده دانست. قرآن کریم از مقدمات عمل زنا شروع کرده و آنها را ممنوع ساخته است: اول: حجاب را برای زنان واجب کرده است. «۱» دوم: دستور داده مردان

و زنان مؤمن نگاه خود را در برخورد با نامحرمان کوتاه (غض) کنند. «۲» سوم: دستور به ازدواج داده است. «۳» چهارم: کسانی که نمی‌توانند ازدواج کنند، با عفّت خود را نگهدارند. «۴» و سپس در چهار مرحله با خود مسأله زنا برخورد کرده است. (ممنوعیت با ذکر معایب اخلاقی- وعده عذاب الهی بر آن- جزئی از عهدنامه عمومی قرار دادن- وضع مجازات شدید تازیانه بر آن) که این مراحل در ابتدای بحث مطرح شد. برخی از پزشکان در این باره می‌نویسند: «چه روشی باعث محدود کردن و کنترل این بیماری‌های هولناک از جوامع بشری است. در حالی که همه این روش‌ها تجربه شده‌اند ...؟ آنها به کارگیری پنی‌سیلین را تجربه کردند و شکست خوردند، مراکز فحشا را متمرکز کرده و تحت نظر گرفتند ولی سودی نبخشید، فرهنگ روابط جنسی صحیح را تبلیغ کردند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد ... همه

(_____ ۱) احزاب/ ۵۹. (۲) نور/ ۲۹- ۳۰.

(۳) نور/ ۳۲. (۴) نور/ ۳۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۳ این روشها تجربه شد ولی بدون نتیجه. چه می‌شود که روش اسلامی موفق در درمان این بیماری‌ها را تجربه کنند. روشی که افراد سطحی نگر و مغرضانی که مایلند رذیلت بر جوامع بشری حاکم شود، آن را سخت و شاق و دون شأن انسانی می‌دانند، در حالی که این روش عین رحمت و احترام به انسانیت است. چه می‌شود اگر روش درمانی قرآن را به کار ببندند. روشی که ابتدا روح انسان را درمان می‌نماید و سپس آن را با فضایل و خلق نیکو زینت می‌بخشد به طوری که خود داوطلبانه هر پستی و رذیلتی را رد کند و آنگاه فرمان می‌دهد با اجتناب از نگاه حرام خود را از مسائل تحریک کننده دور نگهدارد قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ «۱» و نیز با تأکید بر آسان گرفتن مهر، ازدواج را آسان نموده و از طرفی ارتکاب فواحش را نهی فرموده و اجتناب از آن را صفت مؤمنان رستگار قرار داده است. اما اگر این روش تربیتی والا، در کسی مؤثر واقع نشد و ندای نفس خود را اجابت کرده و مرتکب زنا شد، چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه آخرین دارو را که قادر است لگام به هواهای سرکش او بزند، به او بچشانند و تازیانه‌اش بزنند الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لا تَأْخُذْكُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لْيَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «۲» رسول خدا (ص) این روش را در جامعه اسلامی پیاده فرمود که در نتیجه، جز چند مورد زدن تازیانه که تعداد آنها از تعداد انگشتان تجاوز نمی‌کند، پیش نیامد و بدین طریق جامعه‌ای پاک به وجود آورد که جوامع امروزی ما پس از گذشت قرنها هنوز هم تا حدی از نعمت طهارت آن بهره‌مندند. ولی ملل غرب از پذیرش آن امتناع ورزیدند و در بیماری و بلا افتادند و تبدیل به جوامعی غرق در رذایل و آلودگی‌ها گردیدند وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِينَ ناراً. «۳» و «۴»

(_____ ۱) ای رسول به مردان مؤمن بگو تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند که این پاکیزگی برای جسم و جان شما اصلح است و البته خدا به هر چه کنید کاملا- آگاه است. و ای رسول زنان مؤمن را بگو تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را از عمل زشت محفوظ دارند (نور ۳۰- ۳۱) (۲) باید شما مؤمنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به حد تازیانه مجازات کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند (حد زنا در حضور جمعی از مؤمنان اجرا شود) (نور/ ۲- ۳) (۳) و بگو دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد پس هر که می‌خواهد ایمان آورد و هر که می‌خواهد کافر شود. ما برای ستمکاران آتشی مهیا ساخته‌ایم. (کهف/ ۲۹) (۴) ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۸۸- ۱۹۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۴ دکتر سید الجمیلی نیز در کتاب خویش در مورد زنا به صورت مفصل بحث می‌کند ایشان پس از طرح آیاتی از قرآن، بیماری‌های مختلفی را بر می‌شمارد که حاصل روابط نامشروع زن و مرد است. «۱» دکتر صادق عبد الرضا علی نیز با ذکر آیات مربوط به فواحش و زنا مطالب مفصلی در

مورد آثار آن از نظر پزشکی و اجتماعی ذکر می‌کند. «۲» در این مورد برخی نویسندگان دیگر همچون محمد سامی محمد علی «۳» و ... نیز سخنان مشابهی دارند.

بررسی:

بررسی: ۱. منع روابط جنسی نامشروع بین زن و مرد یکی از خدمات بزرگ ادیان الهی به بشریت بود و با توجه به اسرار بهداشتی و علمی آن که در اعصار گذشته برای بشر نامعلوم بوده می‌تواند یکی از معجزات علمی ادیان الهی به شمار آید. ۲. منع زنا با توجه به سابقه آن در یهود و مسیحیان نمی‌تواند یک معجزه علمی منحصر به فرد قرآن کریم محسوب شود. ۳. آثار زیانبار بهداشتی و اجتماعی زنا، می‌تواند از اسرار و حکمت‌ها و فلسفه‌های این حکم الهی (ممنوعیت زنا) باشد اما نمی‌توان ثابت کرد که علت انحصاری و تامه صدور حکم باشد چرا که ممکن است مصالح و مفاسد دیگری (مثل آثار روحی و معنوی) نیز در نظر شارع بوده و یا آثار زیانبار بهداشتی دیگری نیز در پس پرده این حکم باشد که هنوز کشف نشده است. ۴. انتشار بیماری‌های آمیزشی علل مختلفی دارد که یکی از عوامل آنها روابط نامشروع است. پس نمی‌توان گفت که در پی هر زنا این بیماری‌ها (سوزاک- سیفلیس و ...) پیدا می‌شود. بلکه ممکن است کسی مدعی شود که با رعایت مسائل بهداشتی (مثل کنترل بهداشتی زن و مرد قبل از آمیزش) می‌توان از ابتلاء به این امور جلوگیری کرد هر چند که تجربه ثابت کرده، این امور کاملا- قابل پیش‌گیری و کنترل نیست و اگر غریزه شهوت انسان از چهار چوب قانون و دین بگریزد دیگر قابل کنترل نیست و مشکلات بهداشتی زیادی برای انسان به وجود می‌آورد. پس این مطالب موجب می‌شود که در مورد علت تحریم زنا به صورت قطعی سخن نگوییم. و آن را تنها مستند به امور بهداشتی ندانیم (_____. ۱) دکتر سید الجمیلی، الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۲۳- ۱۳۳. (۲) دکتر صادق عبد الرضا علی، القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۸۴- ۲۰۷. (۳) محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۱۹۱- ۱۹۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۵

۳. ممنوعیت هم جنس‌بازی (لواط):

اشاره

۳. ممنوعیت هم جنس‌بازی (لواط): هم جنس بازی (لواط) عمل زشت و ناپسندی است که بر خلاف طبیعت و غریزه انسانی است و پیامبران الهی با این عادت زشت برخورد کرده‌اند. قرآن کریم در چند مورد، داستان قوم لوط را بیان کرده و در ضمن آن این عمل را سرزنش نموده و ممنوع اعلام می‌دارد: اول: أَ تَأْتُونَ الذُّکْرانَ مِنَ الْعالَمِینَ وَ تَذَرُونَ ما خَلَقَ لَکُمْ رَبُّکُمْ مِنْ أَزْواجِکُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عادُونَ «۱» «آیا در میان جهانیان شما به سراغ جنس ذکور می‌روید و هم جنس بازی می‌کنید آیا این زشت و ننگین نیست؟ و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می‌کنید؟ حقا شما قوم تجاوزگری هستید.» در اینجا قرآن قوم لوط را متجاوز می‌خواند چون کسی که غذای سالم نیروبخش را رها کند و به سراغ غذای مسموم و آلوده برود طغیانگر و تجاوزکار است. دوم: وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَکُمْ بِها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِینَ إِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ «۲» «و به خاطر آورید لوط را، هنگامی که با قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟ آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید نه زنان؟ شما گروه اسراف کار و منحرفی هستید.» نکته تفسیری: در آیه اول اشاره می‌شود که این گناه علاوه بر اینکه خود یک عمل زشت و فوق العاده ننگین است قبل از

شما در هیچ قوم و ملتی سابقه نداشته است و این زشتی، آن را چند برابر می‌کند زیرا پایه‌گذاری روش غلط و سنت شوم وسیله‌ای برای گناه دیگران در آینده خواهد شد. قوم لوط مردمی ثروتمند و مرفه و شهوت ران و هواپرست بودند. «۳» و طبق فرموده قرآن عمل زشت لواط را پایه‌گذاری کردند. سوم: وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَكُمْ بِها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِينَ أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نادِيكُمُ الْمُنْكَرَ ... «۴»

(۱) شعراء/ ۱۶۵ - ۱۶۶. (۲) اعراف/ ۸۰- ۸۱. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۴۲. (۴) عنکبوت/ ۲۸- ۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۶ «و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است. آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه تداوم نسل انسان را قطع می‌کنید و در مجلستان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟» چهارم: وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ فَما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُناسٌ يَتَطَهَّرُونَ «۱» «و لوط را به یادآور هنگامی که با قومش گفت: آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می‌روید در حالی که نتایج شوم آن را می‌بینید. آیا شما به جای زنان از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟ شما قومی نادانید. آنها پاسخی جز این نداشتند که به یکدیگر گفتند: خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید که اینها افرادی پاکدامن هستند.» نکات تفسیری: فاحشه به معنای کارهایی است که قبح آن روشن و آشکار است و در اینجا منظور همجنس‌گرایی، یعنی عمل ننگین لواط است. و جمله «انتم تبصرون» اشاره به این است که شما زشتی این عمل و عواقب شوم آن را با چشم خود می‌بینید. این آیه نشان می‌دهد که این عمل (لواط) نتیجه جهل و نادانی و بی‌خبری از قانون آفرینش و از همه ارزشهای انسانی است. در پایان آیه کلام قوم لوط را نقل می‌کند که آنقدر سقوط اخلاقی پیدا کرده بودند که در محیط آلوده آنان، پاکی جرم بود و خاندان پیامبر خدا (لوط) را به خاطر پرهیز از آلودگی و ننگ، تبعید می‌کنند. «۲» پنجم: وَ لَمَّا جاءَتْ رُسُلُنا لُوطاً سِيءَ بِهِمْ وَ ضاقَ بِهِمْ ذَرْعاً وَ قالَ هذا يَوْمٌ عَصِيبٌ وَ جاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَ مِنْ قَبْلُ كانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ قالَ يا قَوْمِ هؤُلاءِ بَناتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَ لَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ قالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ ما لَنا فِي بَناتِكَ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ ما نُرِيدُ ... «۳» «و هنگامی که رسولان ما (فرشتگان عذاب) به سراغ لوط آمدند از آمدنشان ناراحت شد و قلبش پریشان گشت و گفت: امروز روز سختی است، زیرا آنها را نشناخت و ترسید

(۱) نمل/ ۵۴- ۵۶. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۰۳- ۵۰۶. (۳) هود/ ۷۷- ۷۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۷ قوم تبهکار مزاحم آنها شوند. قوم او به قصد مزاحمت میهمانان به سرعت به سراغ او آمدند، و قبلا کارهای بد انجام می‌دادند، گفت ای قوم من، این‌ها دختران منند برای شما پاکیزه‌ترند با آنها ازدواج کنید و از زشت‌کاری چشم بپوشید از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟ گفتند: تو که می‌دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم و خوب می‌دانی ما چه می‌خواهیم.» نکته: در روایات و تفاسیر اسلامی آمده است: لوط در آن هنگام در مزرعه خود کار می‌کرد ناگهان دید عده‌ای از جوانان زیبا به سراغ او می‌آیند و مایلند مهمان او باشند. علاقه او به پذیرائی از مهمان از یک سو و توجه به این واقعیت که حضور این جوانان زیبا در شهری که غرق آلودگی انحراف جنسی است، موجب نوعی دردسر و احتمالا آبرو ریزی است و او را سخت در فشار قرار داد. «۱» قرآن در اینجا داستان قوم لوط و شدت علاقه آنان به عمل زشت لواط را نشان می‌دهد. همانطور که خواهیم گفت این داستان در کتاب مقدس (تورات) نیز به نوعی نقل شده است. ششم: خداوند در سوره قمر/ ۳۴ و ذاریات/ ۳۲- ۳۷ از عذاب قوم لوط سخن می‌گوید و آنها را مسرفین، مجرمین می‌نامد.

نزول:

نزول: از آنجا که عمل لواط اولین بار در قوم لوط پیدا شد، از این رو خداوند داستان این قوم را بارها متذکر شده و قرآن کریم در این آیات امور ذیل را در مورد عمل لواط، از زبان حضرت لوط، تذکر می‌دهد: ۱. در مرحله اول تذکر می‌دهد که خداوند همسرانی برای شما آفریده است. پس سراغ هم جنس خود نروید بلکه شهوت خویش را از راه طبیعی ارضاء کنید و آنها را متجاوزین می‌خواند. ۲. در مرحله دوم می‌فرماید این امری است که در طول تاریخ سابقه نداشته است که مردان شهوت خویش را با مردان ارضاء کنند و سپس با صفت فاحشه و اسراف از این عمل یاد می‌کند. ۳. در مرحله بعد از این عمل با صفت فاحشه و عمل منکر یاد می‌کند. ۴. در مرحله چهارم از آن با عنوان کار جاهلانه یاد می‌کند و با برخورد شدید مردم رو (_____۱) ر. ک: تفسیرهای قرآن از جمله تفسیر نمونه، ذیل هود/ ۷۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۸ برو می‌شود. که او را تهدید به اخراج از شهر می‌کنند و جرم حضرت لوط را «پاک بودن» اعلام می‌کند. در اینجا معلوم می‌شود که ریشه این عادت زشت دو چیز است: نخست جهل و دوم ناپاکی؛ و از این لحاظ است که باید با آن مبارزه شود. ۵. در مرحله پنجم وقتی رسولان الهی نزد حضرت لوط می‌آیند مردم به خانه او هجوم می‌برند و خواستار تحویل آن مردان الهی می‌شوند ولی حضرت لوط راه طبیعی ازدواج را پیشنهاد می‌کند و حتی حاضر می‌شود دختران خود را به ازدواج مهاجمین درآورد ولی آنها لجبازی کرده و خواستار هم جنس بازی می‌شوند که در نهایت عذاب الهی بر این قوم گناهکار نازل می‌شود. در اینجا خداوند از قوم لوط با عنوان «یعملون السیئات» کسانی که بر گناهکاری مداومت دارند یاد می‌کند.

تاریخچه:

تاریخچه: عمل لواط بر طبق نقل قرآن کریم اولین بار در قوم لوط هویدا شد و قبل از آن سابقه نداشته است. اسلام با شدت با آن مبارزه نموده و حکم به اعدام لواط کننده کرد. اما قبل از اسلام در کتاب مقدس (تورات) نیز از داستان حضرت لوط و آمدن رسولان الهی به منزلش و حمله مردم به آنان یاد شده است: «و در وقت عصر دو فرشته وارد سدوم شدند و لوط به دروازه سدوم نشسته بود و چون لوط ایشان را بدید به استقبال ایشان برخاست رو بر زمین نهاد و گفت اینک ای آقایان من به خانه بنده خود بیائید و شب را بسر برید ... و به خواب هنوز نرفته بودند که مردان شهر یعنی مردم سدوم از جوان و پیر تمام قوم از هر جانب خانه وی را احاطه کردند و به لوط ندا در داده گفتند آن دو مرد که امشب به نزد تو در آمده‌اند کجا هستند ... (لوط) گفت ای برادران من زنهار بدی مکنید اینک من دو دختر دارم که مرد را نشناخته‌اند ایشان را الان نزد شما بیرون آورم و آنچه در نظر شما پسند آید با ایشان بکنید لکن کاری به این دو مرد ندارید. زیرا که برای همین زیر سقف من آمده‌اند. گفتند دور شو ...» «۱» و سپس داستان عذاب قوم لوط را بیان می‌کند. «۲»_____

(۱) کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب نوزدهم، آیات ۱- ۱۰. (۲) همان، آیات ۲۴- ۳۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۸۹ اما اینک پس از گذشت قرنها از آن حادثه هنوز این عادت زشت در بین برخی جوامع اروپائی و آمریکائی وجود دارد. بلکه در برخی کشورها مثل انگلستان قانونی به تصویب رسید که هم جنس بازی را رسمی و قانونی کرد. آمار نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۰ هزار غلام بچه در انگلستان از طریق لواط کسب درآمد می‌کنند. «۱»

احکام:

احکام: در اسلام چند حکم در مورد این عادت زشت (لواط) وجود دارد: ۱. لواط حرام و از گناهان کبیره است. «۲» ۲. در صورت اثبات این عمل زشت، لواط کننده و لواط شونده (فاعل و مفعول) هر دو با شرایطی خاص اعدام می‌شوند. «۳» ۳. لواط کننده حق ندارد با مادر و مادر بزرگ و خواهر و دختر و نوه پسری لواط دهنده ازدواج کند. «۴» ۴. اگر با حیوانی حلال گوشت لواط شود گوشت و شیر آن حیوان حرام می‌شود. «۵»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

حکمت‌ها و اسرار علمی: ۱. این عمل زشت بر خلاف طبیعت و غرایز انسان است و موجب سقوط و انحطاط انسان می‌شود و او را به ناپاکی سوق می‌دهد. همانطور که در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده بود. أُناسٌ یَتَطَهَّرُونَ این ناپاکی ممکن است ناپاکی روحی یا جسمی و یا هر دو را شامل شود. ۲. ضررهای بهداشتی لواط: لواط، یعنی آمیزش از عقب، چه مفعول مرد باشد و چه زن. لواط ممکن است به صورت عادتی حاد و یا مزمن درآید که در حالت مزمن شخص به این فعل خبیث عادت پیدا می‌کند. اما زیان‌های بهداشتی ناشی از آن عبارتند از: الف: انقال کلّیه امراض آمیزشی که در بحث زنا بیان گردید یعنی سیفلیس، سوزاک، آتشک، گرانولوم آمیزشی و (_____ ... ۱)

ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۹۱- ۱۹۲. (۲) ر. ک: گناهان کبیره، شهید دستغیب، ج ۱، ص ۲۵۱. (۳) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۶۹ (کتاب الحدود، مبحث حد اللواط) (۴) ر. ک: همان و رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام ازدواج. (۵) ر. ک: رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، مبحث احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۰ ب: سست شدن عضلات مقعد و از دست دادن کنترل قضای حاجت، لذا ممکن است مدفوع شخص بدون اراده او خارج گردد. پ: انعکاس روانی و تحت تأثیر قرار گرفتن شخص (مفعول مرد) به طوری که تصور کند که مرد نیست و همین مسئله باعث ایجاد اختلالاتی در رفتار وی می‌گردد و دچار بیماری‌های روانی می‌شود، که از مهمترین این بیماری‌ها می‌توان بیماری مازوخیسم و سادیسم را نام برد. ت: از هم پاشیده شدن کانونهای خانوادگی به دلیل عدم تمایل مرد به آمیزش با همسر خود. ث: پیدایش ناراحتی‌های روانی بین زن و شوهر. «۱» ج: پیدایش و رشد بیماری ایدز در أثر لواط. «۲» دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا نیز در کتاب خویش که در مورد معجزات علمی قرآن نوشته است به ماجرای قوم لوط و منشأ زشتکاری آنها اشاره کرده و ذکر می‌کند که این عمل زشت در أثر ترشحات غده‌های صماء بوجود می‌آید که این بیماری برای اولین بار در عصر لوط به جامعه بشری سرایت نمود. و این موضوع برای ما تاریخ طبی امراض را تفسیر می‌کند. «۳» در مورد لواط و آثار بهداشتی آن برخی نویسندگان دیگر مثل محمد سامی محمد علی «۴» نیز سخنان مشابهی گفته‌اند. دکتر عدنان شریف نیز آثار سوء بهداشتی لواط را مطرح می‌کند و لواط را به اقسام مراهقه، لواط عرضی، لواط مرضی، لواط مسئول تقسیم می‌کند. «۵»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. ممنوعیت لواط با توجه به ضررهای روحی و بهداشتی آن یکی از خدمات بزرگ ادیان الهی به بشریت بوده است. هرگاه انحرافی در بشر پیدا شده این انبیاء الهی بوده‌اند که در صف مقدم مبارزه قرار

(_____۱) ر. ک: طـب در قرآن، ص ۱۹۱.

(۲) ر. ک: العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله، الطب الوقائی فی الاسلام، ص ۱۵۱- ۱۵۶ ایشان با ذکر آمار و مطالب علمی مسأله لواط و تـأثیر آن بر انتشـار بیماری ایـدز را بررسـی کرده است. و نیز دکتر محمود دیاب، الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، ص ۵۴- ۵۸ که پس از طرح مسأله لواط در قرآن به ایدز و انتشار آن توسط اعمال جنسی غیر طبیعی اشاره می‌کند. (۳) ر. ک: سید غلامرضا سعیـدی، اسـلام و طب جدیـد یـا معجزات علمی قرآن، ص ۱۲۸- ۱۲۹. (۴) ر. ک: محمـد سـامی محمـد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۱۹۴. (۵) دکـتر عـدنان الشـریف، مـن علم الطب القرآنی، ص ۱۹۵- ۲۰۴. پژوهشـی در اعجـاز علمی قرآن، ص: ۳۹۱ گرفته و تـا سـر حـد جـان فشـانی ایسـتاده‌اند. پس این مطلب یکی از خـدمات علمی و بهـداشتی ادیـان به انسـان است و بـا توجه به ضررهای بهداشتی آن که در آن اعصار پوشیده بوده می‌تواند یک معجزه علمی بوده باشد. ۲. این مطلب (ممنوعیت هم جنس بازی مردان) نمی‌توانـد تنها اعجاز علمی قرآن کریم محسوب شود چون همان‌طور که گذشت در کتاب مقدس نیز داسـتان حضـرت لوط (ع) آمده است. ۳. آثار زیانبار بهـداشتی لواط می‌توانـد جزئی از اسـرار و حکمت‌های علمی این حکم باشد، اما نمی‌توان گفت که علت تامه و منحصر صدور این حکم است. ممکن است مفاسد و مصالح دیگری مثل ضررهای روحی و معنوی و اجتماعی نیز مورد نظر شارع بوده که در صـدور این حکم تأثیر داشـته است؛ همانطور که ممکن است برخی از ضـررهای این عمل هنوز کشف نشـده باشد. ۴. برخی از آثـار بهـداشتی که در مورد لواط ذکر شـده ممکن است در مورد همه افراد مبتلاـ به این عادت زشت ظاهر نشود. پس این امور فی الجمله درست است. (نه بالجمله)

۴. ممنوعیت استمناء (جلق‌زدن خودارضائی):

اشاره

۴. ممنوعیت استمناء (جلق‌زدن خودارضائی): استمناء، یعنی اینکه کسی کاری کند که از خودش منی بیرون آید. این عمل در اسلام ممنـوع و حرام شـده است. قرآن کریم می‌فرمایـد: وَ الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حـافِظُونَ إِلَّا عَلی أَزْواجِهِمْ أَوْ مـا مَلَکَتْ أَیْمـانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُونَ «۱» «آنها که دامان خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کننـد جز با همسـران و کنیزان (که در حکم همسـرند) آمیزش نـدارد، چرا که در بهره‌گیری از اینها مورد سـرزنش نخواهنـد بود. و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است.»

نزول:

نزول: در دو جای قرآن کریم این آیات نازل شده است. اوّل: در سوره مؤمنون هنگامی که صـفات مؤمنان را بر می‌شمارد. دوّم: در سـوره معـارج هنگـامی کـه صـفات نمـازگزاران (مصـلّین) را ذکر می‌کنـد.

(_____۱) مؤمنون/ ۵- ۷، معارج/ ۲۹- ۳۱.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۲ حکـایت شـده که شخصـی از امـام صادق (ع) در مورد این عمل (اسـتمناء) سؤال کرد و حضـرت فرمود: «گناهی بزرگ است و کسـی که مرتکب این کار زشت شود هماننـد کسـی است که با خود ازدواج کند و اگر من بـدانم کسـی بـا خود این عمـل را انجـام می‌دهـد با او غـذا نخواهم خورد. آن شـخص از امام سؤال کرد: آیا از قرآن مجیـد دلیل بر

حرمت این کار وجود دارد؟ حضرت این آیه را قرائت فرمود: فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُونَ.» «۱» و «۲» تذکر: آیه فوق بیان یک حکم کلی است که هر کس از راه غیر ازدواج و مشروع به ارضاء غریزه جنسی خود بپردازد آن شخص از تجاوزکاران محسوب می‌شود و امام (ع) در اینجا تعیین مصداق کرده است یعنی یکی از موارد و مصادیق این حکم کلی را که استمناء است بیان کرده است و گر نه در خود آیه، کلمه استمناء نیست.

احکام:

احکام: در فقه اسلام برای استمناء چند حکم قرار داده شده است: ۱. استمناء حرام است و از گناهان کبیره است. «۳» ۲. کسی که در حال روزه استمناء کند روزه‌اش باطل است. «۴» ۳. در صورتی که برای حاکم شرع اثبات شود که کسی استمناء می کند می‌تواند او را حد (شلاق) بزند. «۵»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

اشاره

حکمت‌ها و اسرار علمی: متخصصان علوم پزشکی و صاحب‌نظران در مورد این عمل زشت آثار زیانبار فراوانی را ذکر کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم (_____: ۱) مؤمنون/ ۵- ۷، معارج/ ۲۹- ۳۱. (۲) سفینة البحار، جمع، ص ۱۷۹ و نیز همین مضمون در مورد آیه فوق از امام رضا (ع) نقل شده است، مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۳۵۶، باب نکاح. (۳) ر. ک: شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۱۱ از کبائر غیر منصوصه است. (۴) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۱، و رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، مبطلات روزه. (۵) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷ (کل من ترک واجبا او ارتکب حراما فللامام علیه السلام و نائبه تعزیره بشرط أن یکون من الکبائر) نیز جواهر الکلام، کتاب الحدود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۳

۱. آثار زیان‌بار روانی و اخلاقی:

۱. آثار زیان‌بار روانی و اخلاقی: برخی از نویسندگان آثار خودارضائی را اینگونه برمی‌شمارند: «تغییر اخلاق و مزاج به طور غیر قابل توضیح، حسادت، غم و کدورت، مالیخولیا و فکر گوشه‌گیری، از نتایج شوم ابتلای به این انحراف جنسی است.» «۱»

۲. أثر زیان‌بار اجتماعی:

۲. أثر زیان‌بار اجتماعی: یکی از صاحب‌نظران با نقل نوشته‌های کتاب «ناتوانی‌های جنسی» «۲» این گونه می‌نویسد: «این عمل، مبتلایان را به ضعف قوای شهوانی دچار می کند، جبون (ترسو) و بی‌حال بار می‌آیند، شهامت و درستی از آنان سلب می‌شود چه بسا اشخاصی هستند که در عنفوان جوانی در أثر مبتلا شدن به جلق چنان دچار ضعف قوای روحی و جسمی می‌شوند که معتادین به تریاک و شیره در مقابل آنان شیر نری به شمار می‌آیند.» «۳»

۳. آثار زیان‌بار آن از نظر جسمی:

۳. آثار زیان‌بار آن از نظر جسمی: «مشاهدات دکتر «هوپین سون» ثابت کرده که: عموم ناراحتی‌های مربوط به دستگاه تناسلی، از آثار استمناء است. و نیز ناراحتی‌های شبکیه چشم و مشیمیه از آن سرچشمه می‌گیرد. آثار عادت به این کار شنیع: صورت، رنگ اصلی خود را از دست می‌دهد و پژمرده می‌شود. حالت گرفتگی در سیمای آنها ظاهر می‌گردد. چشم‌های آنها با حلقه‌های کبود رنگی احاطه می‌شود. بعد از آن سستی و تنبلی در اعضای مختلف مشاهده می‌گردد که: نقصان حافظه، خرابی اشتها، مشکل شدن هضم، تنگی نفس، است. از اثرات و نشانه‌های این عمل نیز: کم خونی و ضایع شدن قوای جسمانی، روحی، دوران سر، صدای گوشها، کمردرد، سختی تنفس، کم شدن حافظه، لاغری و ضعف و سستی است.» «۴» یکی دیگر از صاحب‌نظران در این مورد می‌نویسد: «اشخاصی که سن آنها از چهل سال کمتر باشد استمناء نور چشم آنها را کم و ضعیف می‌کند و صدای آنها را منخفض می‌نماید و طراوت جوانی و حسن صورت را کم

(۱) اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۶۳- ۶۴ با تلخیص عبارت. (۲) مجموعه‌ای از نوشته‌های دکتر استون- دکتر کینسی- دکتر هوفمان- پرفسور گوسولن- پروفسور باژه- دکتر پودولسکی (کارشناسان امور جنسی) (۳) گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۱۲- ۳۱۳ از «ناتوانی‌های جنسی» صفحه ۴۸- ۵۲ نقل می‌کند. (۴) اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۶۳- ۶۴ با تلخیص عبارت. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۴

موجب عنین شدن (از کار افتادن نیروی جنسی) می‌گردد. مویها را سفید و به پیری زودرس مبتلا- می‌گردند. و سرعت انزال (برماتسم) از عوارض حتمی آن خواهد بود.» «۱» و «۲» دکتر عدنان الشریف نیز آثار پزشکی استمناء را بررسی کرده ولی متذکر می‌شود که استمناء در حال خواب امری طبیعی است که احتلام نامیده می‌شود «۳» و سید جواد افتخاریان نیز مطالب مشابهی دارد. «۴»

بررسی:

بررسی: در اینجا لازم است چند نکته روشن شود: ۱. ممنوعیت استمناء یکی از خدمات دین اسلام به بشریت بویژه جوانان است. در زمانی که بشر اطلاعی از ضررهای بهداشتی و روحی استمناء نداشت اسلام این عمل شنیع را حرام اعلام کرد. و این مطلب انطباق احکام اسلام با پیشرفت‌های علوم پزشکی را نشان می‌دهد. ۲. در قرآن کریم به طور صریح از استمناء سخنی به میان نیامده بلکه همانطور که گذشت قرآن یک قاعده کلی (ممنوعیت ارضاء غریزه جنسی از راه غیر ازدواج و مشروع) را بیان می‌کند که استمناء می‌تواند یکی از مصادیق آن قاعده باشد. پس این مطلب نمی‌تواند اعجاز علمی قرآن محسوب شود. ۳. آثاری که برای استمناء شمرده‌اند قسمتی از فلسفه و اسرار علمی این حکم را نشان می‌دهد. و علت تامه و منحصر صدور این حکم را بیان نمی‌کند. و ممکن است قانون‌گذار اسلام به مصالح و مفاسد دیگری نیز نظر داشته است. ۴. استمناء می‌تواند یکی از علل و عوامل موثر در بیماری‌ها و آثار زیان‌بار روحی و جسمی باشد که ذکر شد. برخی از این موارد علل و عامل دیگری نیز دارد (مثل کم خونی و ...) پس این آثار فی الجمله (نه در همه افراد و موارد) می‌تواند صحیح باشد.

(۱) فلسفه احکام، ص ۲۷۲ که از تمدن الاسلام، ص ۲۸۸ نقل می‌کند. (۲) برای اطلاعات بیشتر ر. ک: دکتر روح الله خالقی، جوانان، ازدواج و مسائل جنسی، دکتر علی قائمی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، شهید دستغیب، گناهان کبیره، استاد مکارم شیرازی، مشکلات جنسی جوانان، موریس دبس، بلوغ، اسماعیل پورسعید، ناتوانی‌های جنسی. (۳) ر. ک: دکتر عدنان الشریف، من علم الطب القرآنی، ص ۲۰۴- ۲۰۵. (۴) ر. ک: سید جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۱۱۳- ۱۱۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۵

د: قرآن و بهداشت روان انسان:

اشاره

د: قرآن و بهداشت روان انسان: برخی از آیات قرآن حاوی دستورات و سفارش‌هایی در زمینه عقاید، اخلاق، عبادات و ... است که در آرامش روانی و تعادل روحی انسان تأثیر مثبت دارد و نتیجه آنها سلامت روانی انسان است. چرا که موجب رفع اضطراب‌ها و نگرانی‌های بشر می‌شود. و به اصطلاح او را شفاء می‌دهد. «۱» این مطلب از سه جهت قابل بحث و بررسی و اثبات است. نخست از جهت آیاتی که در خود قرآن وجود دارد و آن را «شفاء» می‌خواند و دوم از جهت تاریخی و تأثیر شفابخشی قرآن در جامعه بشری و سوم از جهت علوم پزشکی که این تأثیرات را تأیید می‌کند. ما این مطلب را به صورت مختصر بیان می‌کنیم و مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول: آیات قرآن در مورد شفابخشی آن:

اول: آیات قرآن در مورد شفابخشی آن: در این مورد به چند آیه استدلال شده است: وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً «۲» «قرآن را نازل می‌کنیم که شفاء و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.» قَدْ جاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِي الصُّدُورِ «۳» «بتحقیق از سوی پروردگارتان اندرز و شفا دهنده دلها نازل شد.» قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدىً وَ شِفاءٌ «۴» «بگو این قرآن برای مؤمنان مایه هدایت و شفاء است.»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: ۱. واژه «من» در «من القرآن» ممکن است بیانیه باشد چرا که همه آیات قرآن شفا است ولی برخی احتمال داده‌اند برای تبعیض باشد و اشاره به نزول تدریجی قرآن باشد یعنی: ما قرآن (_____ ۱) مطالب این مبحث با مبحث بعدی (قرآن و درمان بیماریهای روانی) بسیار به هم نزدیک است و به خاطر پیوستگی مطالب آنها، در اینجا بحث را به صورت کامل آوردیم و در مبحث بعدی مختصرا اشاره می‌کنیم. (۲) اسراء/ ۸۲. (۳) یونس/ ۵۷. (۴) فصلت/ ۴۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۶ را نازل می‌کنیم و هر بخشی از آن که نازل می‌شود به تنهائی مایه شفا و رحمت است. «۱» ۲. واژه «شفاء» در مقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌ها است بنابراین نخستین کاری که قرآن در وجود انسان می‌کند همان پاکسازی از انواع بیماریهای فکری و اخلاقی فرد و جامعه است. و واژه رحمت همان مرحله تخلّق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه‌های فضایل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند. پس «شفاء» اشاره به پاکسازی و «رحمت» اشاره به بازسازی است. ۳. چگونه قرآن شفا بخش دردهاست؟ برخی مفسران قرآن در این زمینه می‌نویسند: «بدون شک بیماریهای روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی به بیماریهای جسمی او دارد. هر دو کشنده است، هر دو نیاز به طبیب و درمان و پرهیز دارد، هر دو گاهی سبب سرایت به دیگران می‌شود .. چه تشبیه جالب و پر معنا و پر مایه‌ای؟ آری قرآن نسخه حیات بخش است برای آنها که می‌خواهند با جهل و کبر و غرور و حسد و نفاق به مبارزه برخیزند. قرآن نسخه شفابخشی است برای برطرف ساختن ضعف‌ها و زبونی‌ها و ترس‌های بی‌دلیل، اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها، برای آنها که از بیماری عشق به دنیا، وابستگی به مادیات و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر شهوت‌ها رنج می‌برند. قرآن نسخه شفابخش جهانی است که آتش جنگ در هر سوی آن افروخته است و در زیر بار مسابقه

تسلیحاتی کمرش خم شده است.» «۲» نکته جالب آن است که داروهای شفابخش دردهای جسمانی، معمولاـ آثار نامطلوبی بر ارگانهای بدن می گذارند. اما این داوری شفابخش (یعنی قرآن) هیچ أثر نامطلوبی بر روی جان و فکر و روح انسان ندارد. «۳» ۴. در برخی روایات اسلامی نیز به بعد شفابخشی قرآن اشاره شده است: حضرت علی (ع) می‌فرماید: فاستشفوه من ادوائکم و استعینوا به علی لاوائکم فان فیه شفاء من اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضلال. «۴»

(_____۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۶- ۲۳۷. (۲) همان، ص ۲۳۸- ۲۳۹ با تلخیص. (۳) در نهج البلاغه، خطبه/ ۱۹۸ می‌خوانیم: «شفاء لا تخشی اسقامه» قرآن داروی شفا بخش است که هیچ بیماری از آن برنمی‌خیزد. (۴) نهج البلاغه، خطبه/ ۱۷۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۷ «از این کتاب بزرگ آسمانی برای بیماریهای خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بطلبید، چرا که در این کتاب درمان بزرگترین دردها است: درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت.» ۵. چرا در آیه فوق اشاره شده بود که ستمگران از قرآن نتیجه معکوس می گیرند؟ پاسخ آن است که: قرآن مثل قطره‌های خالص باران است که در باغها لاله روید و در شوره‌زار خس، قرآن همچون غذای نیروبخشی است که اگر یک دانشمند بخورد برای تعلیم و تربیت نیرو می گیرد. و اگر به یک ستمگر بدهی، برای بیدادگری بیشتر از آن سود می‌برد. در حالی که غذا یکسان است اما تفاوت در افراد و طرز تفکر آنهاست. افرادی که خمیر مایه وجودشان بر أثر کفر و ظلم و نفاق به شکل دیگری در آمده است، هر جانور حق را می‌بینند به ستیز با آن برمی‌خیزند، و این مقابله و ستیز با حق، بر پلیدی و گمراهی و زیانکاری آنها می‌افزاید و روح طغیان و سرکشی را در آنها تقویت می کند. پس قرآن مایه هدایت گمراهان است اما هدایت کسانی که در جستجوی حق هستند و با همین انگیزه به سراغ قرآن می‌آیند، نه افراد متعصب و لجوج که با دیدی منفی به سراغ قرآن می‌آیند، که مسلما از آن بهره‌ای نخواهند برد. «۱»

دوم: شفابخشی قرآن در بستر تاریخ:

دوم: شفابخشی قرآن در بستر تاریخ: بهترین دلیل برای اثبات شفابخشی قرآن، مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب قرآن و پیامبر (ص) در آغاز اسلام است. عرب‌ها قبل از ظهور اسلام گرفتار جهل، خونخواری و انواع بیماریهای اجتماعی و اخلاقی بودند. اما با نسخه شفابخش قرآن نه تنها درمان یافتند، بلکه آنچنان نیرومند شدند که ابر قدرت‌های جبار جهان را به زانو درآوردند. «۲» هنوز دویست سال از تعالیم قرآن سپری نشده بود که جامعه‌ای متمدن بوجود آوردند و به وحدت در تفکر و وحدت عملی جامعه دست پیدا کردند و تفرقه‌ها و غارتگری‌ها جای خود را به حاکمیت قانون داد. زنانی که برده‌وار زندگی می کردند و زنده به گور می‌شدند، نجات یافتند و در ارث پدر و مادر خود شریک شدند و حتی در امور اجتماعی دخالت می کردند. مردم جزیرة العرب که تعداد انگشت‌شماری با سواد داشتند، به علم و دانش روی آوردند

(_____۱) نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۷- ۲۳۸ با تلخیص و تصرف در عبارات. (۲) ر. ک: نمونه، ج ۱۲، ص ۲۴۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۸ و کتاب‌های فراوان نوشتند و محوریت علمی جهان را تا قرن‌ها بدست گرفتند. «۱» کسانی که به همدیگر رحم نمی کردند و غرق در رباخواری بودند، به ایثار و انفاق و قرض دادن روی آوردند. افراد ترسو تبدیل به شیران روز و عابدان شب شدند.

سوم: شفابخشی قرآن از منظر علوم پزشکی:

اشاره

سوم: شفابخشی قرآن از منظر علوم پزشکی: برخی از روانشناسان و جامعه‌شناسان، قرآن و مطالب آیات آن را مورد توجه قرار داده و تأثیرات آنها را در روان انسان مورد بررسی قرار داده‌اند و از این رهگذر شفابخشی قرآن را با علوم تجربی به اثبات رسانده و به نتایج جالب و شگفت‌انگیزی دست یافته‌اند. این گروه کارهای خود را در دو محور عمده ارائه کرده‌اند که بدانها اشاره می‌کنیم:

الف: تأثیرات قرائت قرآن بر کاهش درد، اضطراب و افسردگی:

الف: تأثیرات قرائت قرآن بر کاهش درد، اضطراب و افسردگی: در این مورد پژوهش‌های متعددی تحت شرایط کنترل شده و با توجه به ضوابط پزشکی توسط پزشکان متخصص یا زیر نظر آنان انجام شده و به نتایج مثبتی رسیده است که به برخی آنها اشاره می‌کنیم: ۱. آقای علیرضا نیک‌بخت نصر آبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را به موضوع: «بررسی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد بیماران بعد از اعمال جراحی شکم» اختصاص داده است «۲» و در پایان نتیجه گرفته که آوای قرآن باعث کاهش شدت درد و بیماران بعد از اعمال جراحی شکم می‌شود «۳» ما در اینجا چکیده مقاله ایشان را به صورت کامل نقل می‌کنیم. تذکر: برای آشنائی بیشتر با جدول‌های آماری و نتایج تحقیقات ایشان به ضمیمه شماره ۲ مراجعه کنید. ۲. در پژوهشی که توسط دو تن از محققان در تهران به روش آزمون اضطراب «کتل» انجام شد، نشان داده شده که در بین گروه آزمایشی ۶۰ نفره دختر که بصورت تصادفی از بین دانش‌آموزان دبیرستانی انتخاب شدند؛ گروهی که حدّاقل ۶ ماه روزانه نیم ساعت به قرائت

(_____۱) در این مورد به مقدمه همین بخش (قرآن و علوم پزشکی) مراجعه کنید. (۲) این پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، و زیر نظر آقای دکتر حسن عشایری و دکتر عیسی محمدی در سال ۱۳۷۳ به اتمام رسیده است. (۳) و نیز ر. ک: علیرضا نیکبخت، مجله طب و تزکیه، ش ۲۹، تابستان ۱۳۷۷، ص ۷۸، مقاله بررسی تأثیر آوای قرآن کریم در کاهش اضطراب. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۳۹۹ قرآن مجید می‌پرداختند میزان اضطراب و گرایش به افسردگی آنان به شکل چشمگیری کمتر از آزمودنیهای گروه مقایسه است. «۱» ۳. در تحقیق دیگری ثابت شد که مداومت بر قرائت قرآن کریم نقش مؤثری در مقابله با استرس دارد. همچنین فهم قرآن نیز در مقابله با استرس تأثیر دارد. «۲»

ب: تأثیرات آموزه‌های قرآن بر بهداشت روانی فردی و اجتماعی بشر:

ب: تأثیرات آموزه‌های قرآن بر بهداشت روانی فردی و اجتماعی بشر: برخی از محققان و متخصصان علوم پزشکی، پژوهش‌های متعددی در این مورد انجام داده‌اند و تأثیرات آموزه‌ها (دستورات و توصیه‌ها) و آیات قرآن را در بهداشت روانی فردی و اجتماعی انسان بررسی کرده‌اند. در این تحقیقات تجربی نتایج مثبت و چشمگیری در مورد برخی مفاهیم و دستورات قرآن بدست آمده است که در اینجا به صورت فهرست وار بدانها اشاره می‌کنیم «۳»: ۱. وحدت شخصیت انسان و رابطه آن با توحید قرآنی. یکی از صاحب‌نظران در این مورد می‌نویسد: «پژوهشها در منابع و مجموعه آثار در سلامت روان نشان می‌دهد که اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسأله در شخصیت سالم، وحدت روان و تعهد مذهبی است. وحدت روان با سیستم ارزشی که بتواند به حیات معنا و هدف دهد مرتبط است. در بین سیستم‌های ارزشی، مذهب بالاترین قابلیت را برای ایجاد وحدت شخصیت داراست. اساس و مبنای مذهب اسلام بر وحدت و توحید می‌باشد. وحدت شخصیت و یگانگی روان انسان، مظهر و نماینده بارز توحید ذات مقدس خالق است ...»

«۴ (_____» ۱) ر. ک: مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، آذر ۱۳۷۶، ص ۷۹، تحقیق مجید یوسفی لویه، فاطمه حسن‌پور. (۲) همان، ص ۸۸، تحقیق زهرا موسوی، منصوره جعفری، استاد ضرغام. (۳) درج کامل این تحقیقات از حوصله این نوشتار خارج است، اما علاقه‌مندان می‌توانند به منابع زیر مراجعه کنند: در آذر سال ۱۳۷۶ ش، به همت مسئولین دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، همایش «نقش دین در بهداشت روان» برگزار شد و ۶۷ مقاله و سخنرانی در مورد بهداشت روانی همراه با آیات قرآنی و روایات ارائه گردید. خلاصه آن‌ها نیز منتشر شد و نیز مجموعه چکیده ۴۰ سخنرانی در مورد بهداشت روانی، در سال ۱۳۷۶ توسط معاونت دانشجویی، فرهنگی، حقوقی و مجلس، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دفتر مطالعات اسلامی در بهداشت روانی منتشر شد. و نیز فصلنامه اندیشه و رفتار، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی، سال سوم ضمیمه شماره ۹- ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۶ ش، که ویژه نقش دین در بهداشت روان است، مقالات متعددی در این زمینه ارائه کرده است. و نیز فصلنامه علمی- پژوهشی، دانشگاه اسلامی، سال اول، شماره ۴، بهار ۷۷ مقالات متعددی از نقش دین در بهداشت روان به چاپ رسانده است. (۴) ر. ک: مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، پیشین، ص ۸۸، مقاله سید محمود میرزمانی و مجموعه سخنرانی‌ها، همان، سخنرانی ش ۳۱، از دکتر داود شاه‌محمدی. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۰ ۲. دمیدن روح امید و ممنوعیت یأس ناامیدی در قرآن و تأثیر آن در کاهش افسردگی. در قرآن کریم می‌خوانیم: وَ لا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكافِرُونَ «۱» «و از رحمت بی‌منتهای خدا نومید مباشید که هرگز هیچ کس از رحمت خدا نومید نیست، مگر کافران.» کتابهای مذهبی و بویژه قرآن کریم بر توکل به خدا و امید به فضل و رحمت الهی و مذمت ناامیدی و یأس تأکید دارند؛ بطوری که در اسلام ناامیدی از خدا یک گناه کبیره به حساب می‌آید. همین مطلب موجب می‌شود که مؤمنان همیشه شاداب و امیدوار باشند و به دامن افسردگی و یأس نیفتند. یکی از صاحب‌نظران در این زمینه می‌نویسد: «نتایج (یک آزمون) نشان داد بیمارانی که باورهای مذهبی قوی‌تر داشتند و اعمال مذهبی را انجام می‌دادند نسبت به گروه دیگر کمتر افسردگی داشتند و راه طولانی‌تری را در هنگام ترخیص از بیمارستان پیاده طی کردند. همچنین دانستن خداوند به عنوان منشأ قدرت و آرامش و انجام فرایض دینی به صورت معنی‌داری با درجه پایین افسردگی در هنگام ترخیص از بیمارستان ارتباط داشته است.» «۲» ۳. دعوت قرآن به صبر «۳» و تأثیر آن در کاهش فشارهای روانی. ۴. دعوت قرآن به توکل بر خدا «۴» و تأثیر آن در حل مشکلات و آرامش روانی. ۵. تأثیر یاد خدا در آرامش دل و رفع اضطراب و نگرانی. یکی از پزشکان صاحبنظر در این زمینه می‌نویسد: «واکنش سوگ ناشی از داغدیدگی، واکنش طبیعی است. تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که داشتن تفکر و عملکرد مذهبی به طور محسوس موجب کاهش شدت درد فقدان و دوره آن می‌شود.

(_____ ۱) یوسف/ ۸۷. (۲) فصلنامه اندیشه و رفتار (مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی) ضمیمه ش ۹- ۱۰ تابستان و پاییز ۱۳۷۶، ص ۴۱، پرسمن، لیونز، لارسون، استرین، ۱۹۹۰ م. (۳) بقره/ ۱۵۳ و ۱۵۵ و آل عمران/ ۲۰۰ و ... (۴) احزاب/ ۳- آل عمران/ ۱۵۹ و ... پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۱ این تأثیر از طریق مکانیسم‌های چندی صورت می‌گیرد، منجمله: اول: اعتقاد، ایمان و توکل به خداوند (dog ni tsurT) با نام و یاد او قلبها آرام می‌گیرد. أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ «۱» دوم: داشتن صبر و بردباری و تسلیم رضای خداوند و تسلیم نظام الهی و پناه بردن به خداوند در هنگام مصیبت‌ها إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ «۲» نیز موجب کاهش شدت و دوره سوگ می‌شود. سوم: بهره‌گیری از سمبلهای ایمانی و مذهبی از دیگر عوامل مهم و مؤثر در کاهش درد فقدان است. در شیعه نمونه متعالی این مراسم مربوط به عزاداریهای عاشورا است. عاشورا نمونه‌ای از هر نوع داغ را داراست داغ فرزند، داغ برادر، غم اسیری و مظهر متعالی وداع با زندگی. انسان مسلمان داغدار به هر میزان که بتواند خودش را جای داغداران کربلا قرار دهد و با آنها همانند سازی کند به

همـان میزان از فشار داغدیـدگی خودش کاسته می‌شود. «۳» ۶. ممنـوعیت خودکشـی در دین «۴» و تـأثیر آن در پایین آمـدن آمار خودکشـی در جوامع مـذهبی. در دوازده پژوهش که توسط «گارتنر» و همکاران (۱۹۹۱ م) مورد بررسـی قرار گرفتند بین اعتقادات مـذهبی و خودکشـی همبستگی منفی مشاهده شد ... و در شـماری از بررسـیهای این مسئله روشن شد افرادی که اعتقادات مذهبی قوی داشـتند نسبت به خودکشـی تنفر و انزجـار بیشـتری نشـان دادنـد. «استاک» در توضیح اینکه چرا افراد مـذهبی کمـتر دست به خودکشـی می‌زننـد دلایـل مختلفی ارائـه می‌دهـد که از آن جمله بالاـ بـودن عزت نفس و داشـتن مسئولیت اخلاقی است همچنین عواملی مانند اعتقاد به بخشایش پروردگار، اعتقاد به مبارزه با وسوسه‌های شیطانی از قبیل خودکشی، اعتقاد به عدالت و روز واپسین را از دیگر عوامـل می‌دانـد. «۵ (_____» ۱) رعد/ ۲۸. (۲) بقره/ ۱۵۵. (۳) مجموعه سـخنرانی همایش نقش دین در بهداشت روان، پیشـین، سـخنرانی ش ۳۱ از دکتر داود شـاه محمدی. (۴) وَ لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُمْ رَحِيماً. (نساء/ ۲۹) و نیز وسائل الشیعه، ج ۲۹، باب ۵، ص ۲۴. (۵) فصلنامه اندیشه و رفتار، پیشـین، ص ۳۹، مقـاله دکتر بـاقر غبـاری بنـاب تحت عنوان باورهای مـذهبی و اثرات آنها در بهـداشت روان. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۲ ۷. تأکید بر محبت به پدر و مادر و تأثیر آن در سـلامت روانی افراد خانواده. (اسراء/ ۲۴- بقره/ ۸۳) ۸. آیـات حجـاب در مورد بـانوان و نقش آن در سـلامت روانی زنـان. (نور/ ۳۱- احزاب/ ۵۹) ۹. اعتقـاد به معـاد و تـأثیر آن در تأمین بهداشت روانی. «۱» ۱۰. تأثیر نماز در آرامش روانی. «۲» (طه/ ۱۴ و ...) ۱۱. ممنوعیت بزهکاری در قرآن «۳» و تأثیر آن در کاهش این رفتار در بین افراد مذهبی (تأثیر اجتماعی) «۴» ۱۲. امر به معروف و نهی از منکر و تأثیرات آن بر جلوگیری از رشد عوامل آلوده کننـده فضـای جـامعه و تأثیر اجتماعی آن. (آل عمران/ ۱۰۴- ۱۱۰- ۱۱۴ و تـوبه/ ۷۱- ۱۱۲ و لقمـان/ ۱۷) ۱۳. ممنوعیت سوء ظن، تجسـس، تهمت و غیبت و تـأثیرات آنهـا در پـاکی فضای جامعه و امنیت اجتماعی و حفظ شخصـیت اجتماعی افراد. (حجرات/ ۱۱- ۱۲) ۱۴. آیات قرآن در مورد محبت، صـله رحم، بخشـش به دیگران و تأثیرات مثبت آن در اجتماع انسانی. (بقره/ ۸۳- ۱۸۰- ۲۱۵) ۱۵. ایجـاد فضـای سـالم جنسـی در اجتمـاع از طریق دسـتور حجـاب برای زنـان و ممنوعیت فحشاء در آیات قرآن. (نور/ ۳۰- ۳۱ و احزاب/ ۵۹) ۱۶. دسـتور ازدواج و تشـکیل خانواده و تأثیرات آن در آرامش فردی و سـلامت محیط اجتماع. (روم/ ۲۱) ما در اینجا نمی‌توانیم تمام تحقیقات پزشـکان و محققان را در مورد مطالب فوق نقل کنیم و فقط پاره‌ای از نتایج تحقیقات آنان را بیان کردیم. «۵ (_____» ۱) ر. ک: خلاـصه مقالاـت همـایش نقش دیـن در بهـداشت روان، پیشـین، ص ۶۷، مقـاله نعمـت اللّه گرز الـدین. (۲) خلاـصه مقالاـت همـایش نقش دین در بهداشت روان، پیشـین، ص ۳۴، مقاله محمـد امین جلیلونـد ص ۳۵ و ۴۵ مقاله دکتر عبـد الناصـر رفیع. (۳) مائده/ ۳۸. (۴) فصلنامه اندیشه و رفتار، پیشین، ص ۴۰. (۵) برای مطالعه بیشتر به منابعی که در اولین پاورقی این قسـمت معرفی شد، مراجعه کنید. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۳

نتیجه‌گیری و بررسی:

نتیجه‌گیری و بررسـی: در اینجا تـذکر چنـد نکته سودمند است: ۱. بـا توجه به مطالبی که از قرآن، روایات، تاریـخ مسـلمانان و علوم تجربی بیان شد، ویژگی شفابخشی قرآن کریم روشن گشت و تأثیرات قرآن در مورد درمان بیماریهای روحی و روانی بیان شد. این تأثیرات قرآن از همان صدر اسـلام مشهود بوده و شاهدی بر حقانیت این کتاب الهی است. تأثیرات قرآن بر بهداشت روانی انسان از مطالب شـگفت‌انگیزی است که با پیشـرفت علوم روانشناسی روشن‌تر شده است. ۲. تـوجه به این نکته ضـروری است که حکمت و فلسـفه دسـتورات و مطالب قرآن کریم (مثل نماز، صبر، توکل و ...) منحصـر در تأثیرات روانی آن نیست، بلکه تأثیرات معنوی (مثل

نزدیکی به خدا و تکامل روحی و ...) نیز دارد. ممکن است هنوز بسیاری از آثار آن برای ما روشن نشده باشد و از آن اطلاع نداشته باشیم. پس اگر آثار روانی آیه‌ای در حوزه بهداشت روانی بدست نیامده یا ثابت نشد و یا حتی آثاری که گفته شده، خلاف آن ثابت شد، این مطلب اشکالی را بر دین و قرآن وارد نمی‌سازد. چرا که ممکن است این امور علت تامه این احکام و آیات نباشد. بلکه این دستورات تعبدی دین است که با پیشرفت فکر و علم بشر، ممکن است قسمتی از مصالح و آثار سازنده آن کشف شود و برخی از آثار آن نیز کشف نشده باشد. ۳. شفابخشی قرآن و تأثیرات آن در بهداشت روانی انسان، اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی‌کند، چرا که این تأثیرات دو بخش است: بخش اول: مربوط به محتوای مطالب قرآن کریم است (مثل دستور به صبر و توکل و نماز و ...) که این آموزه‌ها در ادیان قبل از اسلام نیز وجود داشته است و تأثیرات این امور معنوی در بهداشت روانی انسان مخصوص قرآن کریم نیست، پس نمی‌تواند دلیل اعجاز علمی این کتاب مقدس باشد. بخش دوم: تأثیرات مربوط به قرائت قرآن است که لحن و صدای خواننده با موسیقی خاص قرآن در درمان بیماران اثر می‌گذارد و شدت ناراحتی آنان را کم می‌کند. بنظر می‌رسد که این مطلب هم، هر چند بسیار عجیب و جالب است و عظمت این کتاب مقدس را نمایان می‌کند، اما دلیلی بر اعجاز علمی قرآن کریم نیست. چرا که این پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۴ تأثیرات در مورد هر نغمه آهنگین و زیبا و دلنشین موسیقی طبیعی (مثل صدای آب و ...) وجود دارد بطوری که برخی تأثیرات آنها در آرامش روانی انسان مشهود است. و حتی برخی افراد در مورد موسیقی‌های غیر طبیعی (موسیقی مصنوعی و ساخت دست بشر) هم ادعا می‌کنند که تأثیرات آرام‌بخشی دارد. البته ممکن است ادعا شود که تأثیرات نوای قرآن بیشتر است چرا که همراه با معنویت است، ولی اثبات این مطلب احتیاج به پژوهش‌های بیشتر دارد. ۴. شناخت هر چه بیشتر تأثیرات قرآن در بهداشت روانی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌تواند ما را در شناخت بهتر قرآن و استفاده بیشتر از محضر آن در درمان بیماریهای روانی کمک کند و به عبارت دیگر تحقیقات تجربی در این زمینه کیفیت‌های امور معنوی را به صورت کمیت و آمار علوم تجربی در اختیار بشر قرار می‌دهد. و راههای جدیدی را در استفاده از وحی الهی برای ما می‌گشاید، که امید است این راهی که تازه آغاز شده، ادامه یابد و بشریت را به کمالات معنوی علاقمندتر کند و راه حق ادیان الهی و بویژه قرآن را به انسان سرگشته عصر حاضر بنمایاند. تذکر: همانطور که گذشت باید توجه داشت که آثار احکام و آیات قرآن در بهداشت روانی انسان، تمام آثار و مصالح این احکام نیست. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۵

فصل دوم: قرآن و درمان بیماری‌ها

الف: قرآن و درمان بیماری‌های روانی و روحی:

الف: قرآن و درمان بیماری‌های روانی و روحی: همان‌گونه که بیان شد قرآن کریم بیماری‌ها را منحصر به بیماری جسمی نمی‌داند بلکه می‌فرماید که گاهی دل و قلب و روح انسان بیمار می‌شود و در این هنگام خداوند یک نسخه شفابخش و طبیب حاذق فرستاده تا انسان را از بیماری نجات بخشد. خداوند قرآن را به عنوان شفا معرفی می‌کند: وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ «۱» «و ما آنچه از قرآن فرستادیم شفای دل و رحمت الهی برای مؤمنین است.» علاوه بر آنها یاد و ذکر خود را شفای بیماری قلب و روح انسان قرار داد. چنانچه حضرت علی (ع) در دعای کمیل می‌فرماید: یا من اسمه دواء و ذکره شفاء «ای کسی که نام تو دارو و یاد تو شفاست.» حضرت علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) به عنوان پزشک یاد می‌کند و در مورد ایشان می‌فرماید: «طبیب دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی (امضی) مواسمه یضع ذلک حیث الحاجة الیه و آذان صمّ و السنة بکم متبع بدوائه مواضع الغفلة و مواطن العبرة. «۲»» «او طبیبی است سیّار که با طب خویش همواره به گردش می‌پردازد مرهمهایش را به خوبی آماده ساخته حتی برای مواقع اضطرار و داغ کردن محل زخمها ابزارش را گداخته است (تا آنجا که مورد نیاز است قرار دهد) برای قلبهای نابینا، گوشهای

کر، زبانهای گنگ، با داوری خود در جستجوی بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

(_____ ۱) اسراء/ ۸۲. (۲) نهج البلاغه.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۶ تذکر: ما در فصل قرآن و بهداشت، مباحثی پیرامون بهداشت روانی بیان کردیم، از این رو در این قسمت به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

ب: قرآن و درمان بیماری‌های جسمی:

۱. عسل:

اشاره

۱. عسل: عسل غذای شیرینی است که اغلب به صورت مایع بوده و از زنبور عسل به دست می‌آید. در قرآن کریم از مواد غذایی مختلفی نام برده شده است اما تنها در مورد عسل است که آن را «شفا» نامیده است. قال اللّه تعالی: وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ ثُمَّ کُلِی مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ فَاسْلُکِی سُبُلَ رَبِّکِ ذُلُلًا یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ. «۱» «و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» و الهام غریزی نمود که: از کوهها و ثمرات گلها بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است به راحتی بپیما؛ از درون شکم نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود. که در آن شفا برای مردم است.»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: آیات فوق نکات ارزنده‌ای را در مورد زنبور عسل یادآور می‌شود، مثل وحی به آنان که در اینجا با توجه به ریشه لغوی (اشاره مخفی سریع) آمده است (یعنی وحی اصطلاحی که توسط جبرئیل بر پیامبران نازل می‌شود، مقصود نیست) و یا مسئله خانه‌سازی زنبوران که از محل بحث ما خارج است. «۲» قرآن کریم در آیه فوق از عسل به عنوان «شراب» یاد کرده است. و در آیه دیگری که در مورد بهشت است از «جوی‌هایی از عسل مصفّی» وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّی «۳» سخن می‌گوید.

تاریخچه:

تاریخچه: عسل از زمان‌های قدیم مورد توجه بشر بوده است. علاوه بر جنبه غذائی آن، در زمان

(_____ ۱) نحل/ ۶۸- ۶۹. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۵۹. (۳) محمد (ص)/ ۱۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۷ «بقراط» و در متون «تورات» به عنوان یک ضد عفونی کننده در بیماری‌های پوستی و زخمها مورد توجه بوده است. «۱» در کتاب مقدس می‌گوید: «همواره در اراضی مقدسه شیر و عسل جاری است.» «۲» فقیرترین و بی‌چاره‌ترین مردم عسل را توانند خورد. «۳»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

اشاره

حکمت‌ها و اسرار علمی: بسیاری از صاحب‌نظران، مفسران و پزشکان در مورد اهمیت غذائی و دارویی (شفابخشی) عسل سخن گفته و بر قرآن کریم آفرین گفته‌اند که آن را «شفا» خوانده است. در این میان یکی از کاملترین تحقیقات در این زمینه را از نظر می‌گذرانیم. و به برخی دیگر اشاره خواهیم کرد: «دکتر عبد الحمید دیاب و دکتر احمد قرقوز» نتایج تحقیقات، تجارب و آزمایشات علمای جهان به ویژه در روسیه و آمریکا را جمع‌آوری کرده‌اند و این گونه گزارش می‌کنند: اول: مواد تشکیل دهنده عسل: عسل دارای بیش از ۷۰ ماده مختلف است: ۱. عسل مهمترین منبع مواد قندی طبیعی است و تا کنون ۱۵ نوع قند در آن کشف گردیده است که از مهمترین آنها می‌توان به فرکتوز (قند میوه) به نسبت ۴۰٪ و گلوکز (قند انگور) به نسبت ۳۰٪ و قند نیشکر به نسبت ۴۰٪ [اشاره کرد.] و در مجموع یک کیلو گرم عسل ۳۲۵۰ کالری حرارت می‌دهد. ۲. عسل به لحاظ داشتن برخی از انواع مواد تخمیری در تبادلات غذایی و کمک به هضم غذا در میان خوراکی‌ها بالاترین مرتبه را دارد. مهمترین مواد تخمیری موجود در عسل عبارتند از آمیلاس (esalymA) که مواد نشاسته‌ای را مبدل به قند می‌کند و اینورتاس (esatrevnI) که قند معمولی را به قند انگور و قند میوه مبدل می‌سازد و نیز کاتالاس (esalataC)، پروکسیداز (esadixoreP) و لیپاز (۳) (esapiL. عسل دارای ویتامین‌های بسیار است که از جمله مهمترین آنها ویتامین B, ۲ B, B ۵، (اسید نیاسین)، B ۶ (پرودکسین)، ویتامین C، ویتامین K، ویتامین E و ویتامین A. هر چند مقدار این ویتامین‌ها در عسل زیاد نیست، ولی کافی و مفید می‌باشد. عسل مکان

(_____۱) طب در قرآن، ص ۲۰۳. (۲) سفر خروج، باب ۳، آیه ۱۷. (۳) ر. ک: قاموس کتاب مقدس، مستر هاکس، ص ۶۱۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۸ مناسبی برای حفظ این ویتامین‌هاست. البته مقدار این ویتامین‌ها بستگی به نوع شیره‌ای دارد که زنبور از گلها می‌گیرد. ۴. عسل دارای انواع پروتئین، اسیدهای آمینه و اسیدهای آلی مثل اسید فورمیک (dicA cimroF)، مشتقات کلروفیل، مقداری آنزیم و محرک‌های حیاتی (srotalumitsoiB) و رایحه‌های معطر می‌باشد. ۵. املاح معدنی در عسل فراوانند از جمله: کلسیم، سدیم، پتاسیم، منگنز، آهن، کلر، فسفر، گوگرد و ید. املاح موجود در عسل ۰۰۲/ ۰٪ وزن آن را تشکیل می‌دهد. ۶. بسیاری از محققین تأکید دارند که عسل دارای عوامل قوی ضد میکروب می‌باشد. همچنین اعتقاد بر این است که عسل دارای هورمون نباتی و نوعی هورمون جنسی (از مشتقات استروژن) است. می‌بینیم که عسل ماده‌ای است بسیار پیچیده و البته ممکن است با توجه به نوع گلهائی که زنبورها از آن تغذیه می‌کنند، عسل مناطق مختلف اندک تفاوتی با هم داشته باشند. «۱» دوم: خاصیت ضد میکروبی و ضد عفونی عسل: دانشمندان تأکید دارند که میکروب‌هایی که عامل بیماری انسانها هستند قادر به ادامه حیات در عسل نیستند و عملا عسل آنها را از بین خواهد برد. برای این خاصیت عسل نظریات بسیاری ارائه گردیده که از جمله آنها موارد زیر را می‌توان نام برد: ۱. وجود اسید فورمیک (dicA cimroF) در عسل که یک ماده ضد میکروب است. ۲. بالا بودن میزان مواد قندی موجود در عسل که ۸۰٪ از ترکیب آن را در بر می‌گیرد. خرما نیز به دلیل داشتن ترکیبات قندی بالا همین خاصیت را دارد و میکروب در آن رشد نمی‌کند. ۳. وجود موادی که مانع از رشد میکروب می‌شوند (eritibihnI lireretcabitnA) این مواد توسط زنبور ساخته می‌شود و در عسل‌های مصنوعی وجود ندارد. این نظریه نسبت به سایر نظریه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است. ۴. وجود آب اکسیژنه در عسل (H ۲ o ۲ neyordyH edixoreP) که ماده‌ای است میکروب‌کش.

(_____۱) ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۹۶- ۱۹۷ و نیز نعمت صدقی، معجزة القرآن، ص ۸۳- ۸۷ که خواص عسل را با ذکر آیات آن بررسی می‌کند. همچنین دکتر صادق عبد الرضا علی، القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۰۰ به بعد ایشان پس از ذکر آیه ۶۸ سوره نحل مواد تشکیل دهنده و انواع عسل (السنط-

الزعرور- البرتقال- الحنطة السوداء- الزيزفون) را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین استاد آیة اللّه معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۷۵- ۱۷۸ که خواص عسل و مواد آن را ذکر می‌کنند و نکاتی علمی در این مورد بیان می‌دارند و آن را حاوی بیش از ۷۰ ماده می‌دانند و از دکتر نزار الدقر، در کتاب مع الطب فی القرآن الکریم، ص ۱۸۲- ۱۹۱ مطالبی را می‌آورند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۰۹ واقعیت این است که خاصیت ضد میکروبی عسل در نتیجه وجود تمام عوامل یاد شده می‌باشد. اما خاصیت ضد عفونی عسل، دست عسل اغلب مواد غذایی از قبیل شیر و عصاره‌های گیاهی و غذاهای پخته است و هیچ‌گونه قارچی در آن رشد نمی‌کند، فاسد نمی‌گردد، رنگ، بو و طعم آن عوض نمی‌شود مشروط به اینکه آن را دور از رطوبت نگه‌داری نمایند. «۱» سوم: عسل و طب اطفال: عسل برای کودک هم یک ماده غذایی است «۲» و هم یک داروی بسیار ارزشمند زیرا: ۱. گلبول‌های قرمز خون را افزایش داده و رنگ آن را شفافیت می‌بخشد. ۲. حال عمومی کودک را به نحو قابل ملاحظه‌ای بهبود می‌بخشد. بویژه کودکانی که از نارسایی‌های دستگاه گوارش از قبیل اسهال، نارسایی در جذب مواد غذایی و یا سوء تغذیه و کم خونی رنج می‌برد. ۳. خاصیت ضد میکروبی آن، کودکان را از خطر ابتلای به بیماری‌های انگلی و عفونی مصون می‌دارد. ۴. باعث بهبودی کودکان بیمار شده و وزن آنها را افزایش می‌دهد. ۵. به درآمدن دندان کودکان کمک کرده و از پوسیدگی آنها جلوگیری می‌نماید. ۶. نیاز کودک را به ویتامین B ۶ مرتفع ساخته و به سوخت و ساز کلسیم و منیزیم در بدن کمک می‌کند و به همین دلیل، اکثر پزشکان توصیه می‌کنند که مقداری عسل به غذای روزانه کودک در تمام مراحل رشد اضافه شود. زیرا این عمل به رشد آنها کمک کرده و از ابتلای آنها به بیماری‌های خطرناک از قبیل اسهال و سوء تغذیه پیشگیری می‌کند. «۳» چهارم: عسل و پیشگیری از عوارض تابش انواع اشعه و سرطان: گاهی پرتو درمانی مستمر، هم برای بیمار و هم برای کارکنان مراکز درمانی و پزشکانی که با این وسیله سر و کار دارند مضر است. عوارض زیان‌آور این امر به صورت کم‌خونی، کاهش گلبولهای سفید خون، سردرد، ضعف عمومی، استفراغ، تب و ... ظاهر می‌شود و ثابت گردیده که تنقیه این افراد با محلول عسل موجب برطرف شدن سریع این عوارض می‌گردد. اگر قبل از مرحله درمان با اشعه،

(_____۱) ر. ک: طب در قرآن، ص ۱۹۷ و نیز دکتر السید الجمیلی، در (الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۹۷ به بعد) و نیز دکتر عبد الحمید محمد عبد العزیز در (الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، ص ۷۰ به بعد) مطالب مشابهی دارند. (۲) دکتر السید الجمیلی، همان، در این مورد مطالب مشابهی دارند اما آن را مخصوص عسل سفید می‌کنند. (۳) ر. ک: طب در قرآن، ص ۲۰۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۰ مقداری عسل به بیمار خورانده شود، از عوارض یاد شده مصون خواهد ماند. آمار نشان می‌دهد که به نسبت سایر حرف، زنبور داران به ندرت به سرطان مبتلا می‌شوند هر چند تا کنون دلیل علمی برای این امر اثبات نگردیده است. طبق این آمار، نسبت ابتلای کارکنان شاغل در کارخانه‌های مشروب سازی و زنبور داران به سرطان ۱۳ به یک است. یعنی ابتلای به سرطان نزد کارکنان کارخانه‌های مشروب سازی ۱۳ برابر کارکنان مراکز زنبورداری است. شاید به همین دلیل باشد که عسل یکی از ارکان اصلی رژیم‌های غذایی بیمارستان اورام سرطانی «ایسلر» در آلمان غربی را تشکیل می‌دهد. «۱» پنجم: کاربرد درمانی عسل: تأثیر بهی بخشی عسل کاملا مدلول صریح آیه قرآنی است که می‌فرماید: فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ. هنگامی که انسان بر قدرت این داروی الهی در بهبود بخشیدن بسیاری از بیماری‌ها از جمله بیماری‌هایی که دانش بشری تا کنون نتوانسته درمان مؤثری برای آنها بیابد، پی ببرد، واقعا شگفت‌زده می‌شود. مهمترین ویژگی که عسل را به عنوان یک دارو از سایر داروها متمایز می‌سازد، نداشتن عوارض زیان‌آور جنبی بر سایر اندام‌های بدن است. و بلکه بر عکس، حال عمومی سایر دستگاهها را نیز بهبود می‌بخشد که این خود در کوتاه کردن زمان بیماری و سرعت درمان مؤثر است.

۱. عسل و بیماری‌های پوستی (yjolotamreD):

۱. عسل و بیماری‌های پوستی (yjolotamreD): درمـان بیماری‌های پوستی بویژه جوش‌های چرکی و زخمهای کهنه و عفونی با عسـل از قـدیم الایـام یعنی از زمـان بقراط و متون تورات گرفته تا دوران ابن سـینا که معتقـد بود عسل در درمان دمل‌ها و زخمهای عمیق عفونی بسـیار سودمند است، رایج و متداول بوده است. در عصر حاضر نیز پزشکان بسیاری کاربرد عسل را در درمان این قبیل بیماری‌ها آزمایش کرده‌انـد. نتایج بدست آمده از این آزمایشات بدین شـرح بوده است: * عسل التیام زخم‌ها را سـرعت بخشـیده و آنهـا را از وجود میکروب پـاک می‌کنـد. زیرا در عسـل مـاده‌ای به نام گلوناس وجود دارد که کار ترمیم ضایعات بافت‌ها را تسـریع می‌بخشـد. * عسـل داروی مؤثر و منـاسبی برای معالجه زخم‌های پوستی مزمن می‌باشـد. به ویژه اگر ترکیبی از عسل و وازلین باشـد (وازلیـن ۵ / ۱ + ۵ / ۴ عسـل)* عسـل در درمـان زخم‌هـای چرکی از قبیـل دمل‌هـا و جوش‌هـای خـوش خیـم سـودمند (_____۱) ر. ک: طـب در قرآن، ص ۲۰۱،

دکتر السید الجمیلی نیز در کتاب الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۴۶ به عسل و تأثیرات ضد سـرطانی آن اشاره می‌کند. ولی آن را مخصوص عسل سـفید می‌دانـد. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۱ است زیرا رشـد میکروب‌هـا را متوقف سـاخته، پوست و اعصاب را تغذیه می‌نماید. * در زخمهای عمیق ناشی از گلوله هر چند توأم با شکستگی استخوان نیز باشد، کاربرد عسل به صورت پماد بسـیار نافع بوده و بهبودی را تسـریع می‌نمایـد. * در ضـماد زخم‌های ناشـی از برخی اعمال جراحی که احتمال عفونت در آنها وجود دارد (مانند عمل برداشـتن فرج)، سودمند می‌باشد. دکتر بولمان که یک پزشک جراح بیماری‌های زنان است، این روش را به کار برده و در پایان گزارشـی در همین زمینه می‌گوید: «دلایل بسـیار روشنی در دست دارم که مرا وادار می‌سازد تا درباره این ماده که در عین سادگی، پاسخ‌گوی تمام سـئوالات من در رابطه با زخمها و جوش‌های عفونی است، بیشتر بیندیشـیم. این ماده نه تنـد و سوزانـنده است و نه مسـموم کننـده. به طور ذاتی ضد عفونت است و ضد میکروب. دارویی است مغذی برای پوست. ارزان است و سهل الوصول و سـهل الاستعمال. و بالاتر از همه اینها، ماده‌ای است فعال و زنده.» بسیاری از دانشمندان ضرورت کاربرد وسیع عسل را چه به تنهـایی و چه به همراه سـایر ادویه در زمینه درمـان بیماری‌هـای پوستی حاد و مزمن به صورت کرم و یا مرهم و ... پیشـنهاد کرده‌اند. «۱» و «۲» تزریق موضـعی عسل: عده‌ای از پزشـکان تأکید دارند که از عسل می‌توان به صورت تزریق موضعی برای درمان خارش‌های حاد و مزمن پوستی استفاده کرد و نتیجه مطلوب گرفت.

۲. عسل و بیماری‌های گوارشی:

۲. عسل و بیماری‌های گوارشی: عناصر گوناگون شیمیایی موجود در عسل به نوعی است که قادر است تأثیرات نیکوئی بر برخی از بیماری‌های دسـتگاه گوارش بگـذارد. برای مثال: * به دلیل داشـتن آنزیم‌های گوارشـی، به هضم غـذا کمک می‌کنـد. این آنزیم‌ها عبارتنـد از: آمیلاـز، ساکـاراز، لیپـاز و ... * عسل از شـدت ترش کردن معـده می‌کاهـد (افزایش ترشـحات اسـیدی معـده را تعـدیل می‌کنـد.) برای زخم معـده و التهاب معده مفید است. کاهش ترشـحات اسـیدی معده را تعدیل می‌کند، و در حقیقت می‌توان گفت عسـل نقش مـؤثری در تنظیـم اسـیدهای معـده دارد. در (_____۱) طـب در قرآن، ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

(۲) در مورد کاربردهـای وسیع درمـانی عسـل نیز مراجعه کنیـد به: دکتر عـدنان الشـریف، من علم الطب القرآنی، ص ۲۱۹ به بعد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۲ همین زمینه یک بررسی جالب توسط پروفسور «خوتکین» بر روی تعداد زیادی از بیماران مبتلاـ به زخم معـده و زخم روده انجام گرفت. در این بررسـی گروهی از این بیماران را به روال معمول مراکز درمانی تحت معالجه قرار گرفتنـد و گروهی دیگر فقـط به وسـیله عسـل، نـتیجه فوق العـاده جـالب بود. ۶۱٪ از گروه اول کاملاـ بهبـود یـافته و ۱۸٪ آنها

کماکان از درد رنج می‌برند. اما از گروه دوم ۸۴٪ کاملا- بهبود یافته و ۹/ ۵٪ آنها کماکان از درد شکایت داشتند. دانشمندان بر این عقیده‌اند که عسل به طور مضاعف روی زخم معده تأثیر می گذارد: یک تأثیر موضعی که باعث التیام سریع زخم و تعدیل اسیدهای معده می گردد و یک تأثیر کلی که بر أثر آن حال عمومی بیمار بهتر شده و دستگاه عصبی او آرامش می‌یابد. * حسن تأثیر فعال عسل در درمان عفونت‌های روده‌ای به ویژه نزد اطفال، کاملا روشن و اثبات شده می‌باشد. از رسول اکرم (ص) نیز نقل گردیده که در موارد بسیاری خوردن عسل را برای درمان اسهال سفارش فرموده‌اند. * عسل به دلیل داشتن اسید فورمیک مانع از تخمیر می گردد زیرا این ماده روی میکروب‌های امعاء مؤثر می‌باشد. * عسل مانع به وجود آمدن یبوست است، به ویژه یبوستی که بعد از اعمال جراحی عارض می‌شود زیرا دارای اسانس‌های فراری است که باعث افزایش فعالیت روده‌ها می گردد. همین طور عسل دارای ماده گلوکوسید استراء ستیل است که در امعاء تبدیل به اوکسی متیل انتراکینون شده و مانع از ایجاد یبوست می گردد. * در اکثر بیماری‌های کبدی و کیسه صفرا اگر عسل را جزء رژیم غذای بیمار قرار دهند، مفید و مؤثر خواهد بود زیرا عسل برای بافت‌های کبد یک ماده مغذی است و ذخیره مواد قندی در کبد را افزایش می‌دهد. اگر عسل را با گرده گل و شاه‌انگبین (غذای ملکه زنبورهای عسل) ممزوج کنند، به دلیل داشتن املاح معدنی، ویتامین‌ها، هورمون‌ها، اسیدها و ... در اکثر بیماری‌های کبد مؤثر بوده و فعالیت تبادلات مواد قندی کبد را افزایش می‌دهد. دکتر کخ این قدرت تأثیر در عسل را مرهون ماده‌ای به نام (yrotcaF cilitaeulG) می‌دانند که تأثیری ویژه بر کبد و دستگاه جریان خون و قلب دارد. «۱»

(_____۱) ر. ک: طب در قرآن، ص ۲۰۵- ۲۰۶ و العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله، الطب الوقائی فی الاسلام، ص ۱۷۲- ۱۷۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۳

۳. عسل و بیماری‌های تنفسی:

۳. عسل و بیماری‌های تنفسی: * در بیماری سل: عسل تأثیر مفیدی بر بیماری سل دارد و شاید این حسن تأثیر در نتیجه این باشد که عسل مقاومت بدن را در مقابل التهاب سلی افزایش می‌دهد. خوراندن ۱۰۰- ۱۵۰ گرم عسل به بیمار مبتلا- به سل ریوی باعث می‌شود که وزن بیمار نسبت به سایر بیمارانی که عسل نخورده‌اند افزایش یافته، از میزان سرفه وی کاسته و شفافیت خون او زیاد شود. * سیاه سرفه و التهاب حنجره و گلو: از بیماری‌هایی هستند که عسل در بهبودی آنها بسیار مؤثر است. * التهاب ریه: مصرف عسل در التهاب ریه و برطرف کردن سرفه سودمند است. و به همین دلیل شرکت داروئی namrettaN آلمان عسل را به ترکیبات داروئی ضد سرفه خود اضافه کرده است. از جمله شربت musorleM که یکی از بهترین داروهای ضد سرفه و التهاب قصب الریه به ویژه برای اطفال می‌باشد. * در بیماری‌های آسم و ذات الریه، عسل به صورت شربت به همراه کلرور کلسیم و محلول دیمدرول مصرف می‌شود.

۴. عسل و درمان بیماری‌های چشم:

۴. عسل و درمان بیماری‌های چشم: عسل را از قدیم الایام در معالجه بیماری‌های چشم به کار می‌برده‌اند و به نتایج مطلوبی نیز دست می‌یافتند. امروزه تجارب و آزمایشات بی‌شمار تأثیر و فایده عسل را در درمان بیماری‌های زیر ثابت کرده است: * التهاب پلک‌ها. * انواع التهابات قرنیه از قبیل التهاب سلی چشم، سیفلیس و تراخم. * آلودگی و زخم قرنیه. * انواع سوزش‌های چشم، (با به کارگیری ترکیبی از عسل با روغن ماهی.) به همین دلیل اکثر پزشکان توصیه می کنند که در ترکیبات داروئی ضد التهابات چشمی عسل را نیز به دلیل خاصیت ضد میکروبی، طراوت بخشی، مغذی و ترمیم کنندگی بافت‌ها (noitarenegeR) بویژه در قرنیه، ملحوظ دارند. جدیدترین مطلبی که درباره عسل و بیماری‌های چشم منتشر گردیده، کتابی است از دو محقق به نامهای

ماکسیمنکو و بالوتینا درباره معالجه نزدیک‌بینی (aipoyM) در این کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۴ موفقیت عسل در جلوگیری از پیشرفت بیماری و بهبودی دید چشم و افزایش قدرت بینایی طی تجارب فراوانی اثبات گردیده است.

۵. عسل و درمان بیماری‌های زنان و زایمان:

۵. عسل و درمان بیماری‌های زنان و زایمان: * درمان استفراغهای دوران بارداری. از نظر علمی ثابت گردیده که اگر محلول ملکائین عسلی (عسل+ نوکائین) را فقط ۲- ۳ بار به صورت تزریق وریدی بکار برند، اکثر حالات استفراغ دوره بارداری را از بین می‌برد. * تزریق وریدی محلول تصفیه شده عسل (۴۰٪) شرایط زایمان کم درد و راحتی را برای زائو فراهم می‌کند. * در التهاب مهبل، عسل را به مدت ۶ روز به جداره مهبل، گردن رحم و قسمت‌های خارجی دستگاه تناسلی می‌مالند. البته قبل از مالیدن عسل موضع را باید با آب اکسیژنه شستشو داد. نتایج مثبت پس از گذشت فقط یک روز با برطرف شدن خارش و سوزش آشکار می‌شود و پس از ۲- ۳ روز میکروبهای مهبل از بین می‌روند. به نظر می‌رسد ماده (nibihnI) موجود در عسل است که موجب از بین رفتن میکروب‌ها می‌گردد. از طرفی عسل باعث افزایش ترشح اسید مهبل می‌شود و این خود در نابودی میکروب‌ها بسیار کمک می‌کند. * خارش فرج: در معالجه خارش‌هایی که ریشه نامشخصی دارند و معالجات معمولی درباره آن مؤثر نمی‌باشد، عسل داروئی است مؤثر که ارزش تجربه را دارد. * دکتر کابلون معتقد است که تزریق محلول ۳۳٪ عسل و ۵/ ۰٪ نوکائین در مثانه بهترین روش درمانی برای معالجه التهاب حاد مثانه می‌باشد. * پس از انجام اعمال جراحی زنان به ویژه در قسمت فرج استفاده از عسل از هر نوع پماد دیگری مؤثرتر و در التیام سریع زخم‌ها مفیدتر است.

۶. عسل و درمان بیماری‌های گوش، حلق و بینی:

۶. عسل و درمان بیماری‌های گوش، حلق و بینی: * عسل و انواع سرماخوردگی: از قدیم گفته شده که سرما خوردگی‌ها (زکام، انفلوونزا و گریپ) بدون معالجه در مدت هفت روز و با معالجه در یک هفته!! بهبود می‌یابند (کنایه از اینکه دارو تأثیر چندانی در بهبودی سریع این بیماری‌ها ندارد.) ولی گویا عسل این قاعده را تغییر داده است؛ زیرا تجربه ثابت کرده در صورت مصرف عسل همراه با پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۵ شیر داغ و یا با عصاره لیمو و یا با چای، مدت بیماری به سه روز تقلیل می‌یابد. * التهاب پنهان مجاری تنفسی: مانند التهاب پنهان بینی و حلق که با معالجات معمولی بهبود نیافته باشند. در این گونه موارد عسل را به صورت محلول رقیق شده در آب در آورده و استنشاق می‌نمایند. این عمل نتایج بسیار خوبی در پی خواهد داشت. * التهاب مزمن سینوسها و التهاب چرکی مزمن گوش میانی اگر با محلول عسل شستشو داده شوند، بهبود می‌یابند، زیرا استفاده از محلولی که ۳۰٪ آن را عسل تشکیل دهد، برای متوقف ساختن رشد انواع میکروب‌ها کفایت می‌کند. * زکام حاد (sitinihR) و التهاب حلق و نایژه‌ها را برطرف می‌سازد. * در التهاب خشک بینی و حلق، معالجه با عسل نتایج سودمند و امیدوار کننده‌ای در برخواهد داشت. * التهاب دهان (esohthpA) در برابر معالجه موضعی با عسل به مدت پنج روز، واکنش مساعد نشان می‌دهد.

۷. عسل و درمان بیماری‌های قلبی:

۷. عسل و درمان بیماری‌های قلبی: عسل باعث می‌شود خون بیشتری به عضله قلب برسد و از طریق مواد قندی موجود در آن انرژی بیشتری به قلب می‌دهد. همچنین باعث انبساط شریان‌های اکلیلی قلب شده و در تنظیم ضربان نامنظم قلب نیز مؤثر می‌باشد. مهمترین بیماری‌های قلبی که عسل در درمان آنها مؤثر است عبارتند از: * التهاب دیفتریایی قلب که گاهی نیز توأم با نامنظم بودن ضربان می‌باشد. * پس از اعمال جراحی به عنوان تقویت کننده. * خناق سینه یا سوزش قلب. * ناتوانی توأم با پایین آمدن ضربان

قلب چه همراه با سوزش سینه باشد و چه نباشد.

۸. عسل و بیماری‌های کلیه:

۸. عسل و بیماری‌های کلیه: در مواردی که فعالیت کلیه دچار نارسائی گردد، از عسل به دلیل دارا بودن مقدار اندکی پروتئین و املاح معدنی می‌توان به عنوان رژیم غذایی استفاده کرد و به عنوان داروی مؤثر نیز نتیجه بخش خواهد بود. عده‌ای از پزشکان با استفاده از عسل در ترکیبات گیاهی مثل عصاره تره و یا روغن زیتون و یا عصاره لیمو، نتایج مثبتی در دفع سنگ مثانه به دست آورده‌اند. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۶

۹. عسل و دستگاه عصبی:

۹. عسل و دستگاه عصبی: عسل در حالات زیر مفید خواهد بود: * گرفتگی مویرگ‌های مغزی. * در درمان داء الرقص (aerohc)* به عنوان آرام‌بخش دستگاه عصبی. * التهاب عصب سیاتیک با استفاده از ملکاتین (nitaclaM) و در پایان، عسل در درمان کم خونی مفید بوده، گلبول‌های قرمز و هیموگلوبین را افزایش می‌دهد و خاصیت ضد خونریزی دارد و از این بابت می‌تواند نقص ویتامین K بدن را جبران کند. در خاتمه بحث درباره این داروی جادوئی، لازم به تذکر می‌دانیم که معالجه با عسل باید زیر نظر پزشک معالج انجام شود نه سر خود، زیرا ممکن است که نتیجه مطلوب به دست نیاید. با توجه به آنچه به صورت خلاصه گذشت، به حیطه تأثیر وسیع این ترکیب عجیب که خداوند حشره کوچکی را مأمور تهیه آن فرموده، پی می‌بریم. حشره‌ای که شاید از نظر حجم کوچک باشد ولی از نظر نظم و تلاش و کوشش و انجام وظایف بسیار آگاه و با مهارت و بزرگ است. بحث درباره عسل در این مختصر نمی‌گنجد و شاید اسرار بسیاری وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده زیرا: وَ ما أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا «۱»

بررسی:

بررسی: ۱. در اینکه عسل خواص غذایی و درمانی فراوان دارد، جای تردید نیست همان‌گونه که اشاره صریح قرآن به «شفا» بودن عسل فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ یک مطلب علمی است. ۲. با توجه به اینکه قبلاـ در فرهنگ پزشکی بشر تا حدودی پی به این مطلب برده بودند (_____ ۱) «آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است» (اسراء/ ۸۵) تذکر: در مورد عسل روایات متعددی از طریق اهل بیت: وارد شده است (ر. ک: بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲ به بعد و ج ۶۲، ص ۳۲۴ به بعد) و برخی از پزشکان و صاحب‌نظران دیگر نیز مطالب جالبی آورده‌اند. (ر. ک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، ص ۱۲۹ به بعد- اسرار خوراکی‌ها، ص ۲۷۲ به بعد و اسلام پزشک بی‌دارو، ص ۱۱۴ به بعد.) و مکرر از آن به عنوان اعجاز علمی قرآن یاد کرده‌اند. طب در قرآن، ص ۱۹۵- ۲۱۰. و نیز ر. ک: دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا، اسلام و طب جدید، ص ۱۶۶- ۱۶۸ ترجمه سید غلامرضا سعیدی. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۷ و امثال «بقراط» از روش شفابخشی عسل استفاده می‌کردند و حتی در تورات نیز از عسل به عنوان نیکی یاد شده است. پس نمی‌توان گفت که این مطلب اعجاز علمی قرآن کریم است. فقط می‌توانیم بگوییم که این آیه قرآن فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ ارشادی است یعنی تأیید مطلبی است که پزشکان و کتب مقدس قبل از اسلام متذکر آن شده بودند. پس این مطلب علیرغم اصرار بسیاری از صاحب‌نظران و پزشکان محترم، یک اعجاز علمی قرآن نیست. بلکه یک مطلب علمی است که قرآن کریم بر آن مهر تأیید زده است. ۳. با توجه به انواع مختلف زنبورهای عسل و مناطق متفاوت که دارای گیاهان مختلفی است، در نتیجه عسل‌هایی با رنگ‌ها و خواص مشترک یا

متفـاوتی به دست می‌آیـد. از این رو ممکن است برخی از این آثـار در مورد همه عسل‌هـا صادق نباشـد. بلکه این مطالب در مورد، عسل فی الجمله صحیح است.

۲. روزه:

اشاره

۲. روزه: روزه (صوم) عبـارت است از غـذا نخوردن از صـبحگاهان تـا اول شب (بـا نیت و شـرایط ویژه که در کتابهـای فقهی دینی موجود است)، که این عمـل تـأثیرات روحی و جسـمی فراوانی برای انسان می‌گـذارد و مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است. در مرحله اول روزه‌داران را وعـده بخشـش و اجر عظیم می‌دهـد: وَ الصَّائِمِينَ وَ الصَّائِمـاتِ وَ الْحافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الـذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَ الذَّاكِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِيماً «۱» «و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک دامن و زنان پاک دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» برخی مفسران گفته‌اند که آیات فوق پس از سؤال «اسماء بنت عمیس» همسر جعفر بن ابی طالب نازل شده است. او هنگامی که با همسـرش از حبشه برگشت به دیـدن همسـران پیامبر (ص) آمـد و از آنان پرسـید که آیا چیزی از قرآن درباره زنان نازل شـده اسـت؟ آنهـا گفتنـد: نـه و اسـماء خـدمت پیـامبر (ص) رسـید و عرض کرد: جنس زن گرفتـار خسـران و زیـان اسـت و

(_____ ۱) احزاب/ ۳۵. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۸ پیـامبر (ص) فرمود: چرا؟ او گفت: چون در اسـلام و قرآن فضـیلتی درباره آنها هماننـد مردان نیامـده است و اینجا بود که آیات فوق نازل شد. «۱» در مرحله دوم روزه را بر مسلمانان واجب می‌کند: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَرِيضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ... «۲» «ای افرادی که ایمان آورده‌اید روزه بر شـما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شـد، تا پرهیزکار شویـد. چنـد روز معـدودی را باید روزه بدارید و هر کس از شـما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بـدارد. و بر کسـانی که روزه برای آنهـا طاقت فرساست، همچون بیماران مزمن و پیرمردان و پیرزنان لازم است کفاره بدهنـد. مسـکینی را اطعام کنند و کسـی که کار خیری انجام دهد برای او بهتر است و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید. (روزه در چنـد روز معدود ماه رمضان است) ماهی که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده است. پس آن کس از شـما که در مـاه رمضـان در حضـر باشـد (در سـفر نباشـد) روزه بـدارد و آن کس که بیمار یا در سـفر اسـت روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد. خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه زحمت شما را.»

نکات تفسیری:

نکات تفسـیری: قرآن کریم در این آیات به چنـد نکته اساسـی توجه می‌دهد: ۱. روزه بر اقوام قبـل از ما (مسـلمانان) نیز واجب بوده است و یک دستور بدون سابقه‌ای نیست. ۲. هدف قانونگذار از روزه تقوا (حفظ جسم و روح از ضرر) است. ۳. مدت و زمان روزه

(ماه رمضان) مشخص شده است (_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۷. (۲) بقره/ ۱۸۳- ۱۸۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۱۹ ۴. کسانی که عذری دارند (مثل بیماران- مسافران ...) باید قضای روزه را بعدا بجا آورند. ۵. کسانی که طاقت روزه ندارند روزه بر آنان واجب نیست و بجای آن مقداری از مال خویش را در راه خدا بدهند. ۶. روزه برای انسانها بهتر است اگر به اسرار آن آگاهی یابند. «خیر» بودن روزه مطلب مهمی است که قرآن کریم بدان اشاره می‌کند و بسیاری از اسرار و حکمت‌های روزه در همین نکته نهفته است. ۷. خداوند قصد به زحمت انداختن انسانها را ندارد بلکه می‌خواهد که انسان راحت باشد. پس در اسرار این احکام راحتی انسان نهفته است. در مرحله سوم: روزه به عنوان کفاره برخی گناهان و اعمال قرار گرفته و واجب می‌شود مثل وجوب ده روز روزه برای کسی که در ایام حج قربانی نیابد. «۱» و در دیه قتل خطایی دو ماه روزه قرار داده شده است. «۲» و نیز در کفاره قسم نیز دو ماه روزه قرار داده شده است. «۳» همانگونه در کفاره ظهار نیز دو ماه روزه قرار داده شده است. «۴» شاید قرار دادن این روزه‌ها برای سختی و زحمت آن باشد و شاید هم برای توجه بیشتر انسان به روزه و نوعی توفیق یافتن برای این عمل عبادی و بهداشتی باشد.

تاریخچه:

تاریخچه: روزه در ادیان قبل از اسلام سابقه‌ای طولانی دارد و با شرایط ویژه‌ای و با انواع خاصی (مثل روزه سکوت) وجود داشته است. قرآن کریم به این سابقه در دو مورد اشاره می‌کند. نخست در هنگام تشریع روزه می‌فرماید: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ «۵» «ای افرادی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما نوشته شده همان‌گونه که برای کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد.» و در آیه دیگری به روزه حضرت مریم (س) اشاره می‌کند: (_____ ۱) بقره/ ۱۹۶. (۲) نساء/ ۹۲. (۳) مائده/ ۸۹. (۴) مجادله/ ۳. (۵) بقره/ ۱۸۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۰ فَإِمَّا تَرَیِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَداً فَقُولِی إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً فَلَنْ أُکَلِّمَ الْیَوْمَ إِنْسِیًّا «۱» «و هر گاه کسی از انسانها را دیدی، با اشاره بگو: من برای خداوند رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام» تذکر: روزه حضرت مریم «سکوت» بوده است و از لحن آیه برمی‌آید که روزه سکوت برای قوم او شناخته شده بوده است اما این نوع از روزه در اسلام مشروع نیست. «۲» کتاب مقدس نیز پیروان یهودیت و مسیحیت را به روزه‌داری فرا می‌خواند و می‌گوید: چهل روز روزه داشتن موسی (ع) و ایلیا (ع) و عیسی مسیح (ع) به طور معجزه و خارق عادت بوده است. «۳» قوم یهود غالبا در موقعی که فرصت یافته، می‌خواستند اظهار عجز و تواضع در حضور خدا نمایند روزه می‌داشتند تا گناهان خود را اعتراف نموده به واسطه روزه توبه رضای حضرت اقدس الهی را تحصیل نمایند. «۴» مخصوصا در مواقع مصیبت عام روزه غیر مرسوم قرار می‌دادند و در این صورت اطفال شیرخواره و گاهی حیوانات را نیز از چرا منع می‌کردند. «۵» شروع روزه و امتناع از خوراک از غروب آفتاب بود که آن شب و فردا را تا غروب بدون خوراک بسر می‌برند. حضرت مسیح (ع) نیز فرمود که شاگردانش بعد از فوت او روزه خواهند داشت. «۶» حواریان آن حضرت نیز در موقع لزوم (روزه را) منظور و معمول می‌داشتند. لکن امری بر حتمیت و وجوب آن نفرمودند. «۷»

احکام:

احکام: در اسلام، احکام متعددی درباره روزه و شرایط و پیامدهای آن وضع شده است که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره

می کنیم (_____: ۱) مریم/ ۲۶. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵. (۳) سفر تثنیه، ۹/ ۹- اول پادشاهان ۱۹/ ۸. (۴) سفر داوران، ۲۰/ ۲۶ و ۱ سموئیل ۷/ ۶ و ۲ سموئیل ۱۲/ ۱۶ و نحمیا ۹/ ۱ و ارمیا ۳۶/ ۹. (۵) یوئیل، ۲/ ۱۶ و دانیال، ۱۰/ ۲ و ۳. (۶) لوقا، ۵/ ۳۴ و ۳۵. (۷) انجیل متی، ۶/ ۱۶- ۱۸ و رساله رومیا ۱۴/ ۱- ۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۱ ۱. روزه بر هر شخص مسلمان مکلف در ماه رمضان واجب است. ۲. اگر کسی عمدا روزه خود را ترک کند علاوه بر قضای روزه، کفاره هم بر او واجب می‌شود. یعنی یا باید یک برده در راه خدا آزاد کند و یا شصت روز روزه بگیرد و یا شصت فقیر را غذا دهد. ۳. روزه بر مریض و مسافر و افراد کهنسال که طاقت ندارند واجب نیست. (با شرایط خاص) ۴. در روزهای خاص روزه‌های مستحبی وجود دارد. مثل ماه شعبان و رجب، برخی عیدها مثل عید غدیر و ... «۱»

حکمت‌ها و اسرار علمی:

اشاره

حکمت‌ها و اسرار علمی: در مورد اسرار علمی و تأثیر روزه در پیشگیری و درمان برخی بیماری‌ها، بسیاری از پزشکان و صاحب‌نظران، اظهار نظر کرده و کتاب‌ها در این زمینه نوشته‌اند. در روایات اهل بیت (ع) نیز اشاراتی بدان‌ها شده است. «۲» ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. روزه در روایات:

۱. روزه در روایات: در احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بر آثار روزه بویژه آثار معنوی آن تأکید شده است، اما ما در اینجا به یک روایت اکتفا می کنیم: عن النبی (ص): صوموا تصحّوا «۳» «روزه بگیرید تا سالم باشید.»

۲. روزه موجب تقویت اراده و قوای روحی انسان می‌شود.

۲. روزه موجب تقویت اراده و قوای روحی انسان می‌شود. در این رابطه برخی از پزشکان می‌نویسند: «از طرفی دیگر روزه می‌تواند تأثیرات نیکویی بر روح انسان نیز داشته باشد که به صورت رقت احساس و عواطف، خیرخواهی، دوری از جدل و درگیری و دشمنی با دیگران ظاهر می‌شود. روزه‌دار احساس می کند روحی متعالی و فکری بلند دارد.» «۴» اما درباره رابطه روزه با وظایف جنسی، می‌توان گفت روزه باعث تقویت اراده روحی انسان می گردد و او را قادر می‌سازد تا با نفس خود به مجاهده برخاسته و از اعمالی که منجر به ارتکاب گناه می‌شود (مثل نگاه حرام و فکر کردن درباره رذایل و معاصی که منجر به (_____۱) ر. ک: تحریر الوسیله، مبحث الصوم. (۲) ر. ک: سید حسین موسوی راد، روزه، درمان بیماری‌های روح و جسم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶ ش. (۳) بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۵. (۴) ر. ک: طب در قرآن، ص ۲۱۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۲ افزایش ترشحات هورمون‌های جنسی می گردد) خودداری نماید. لذا روزه روش موفقی برای اجتناب از ارتکاب گناه بوده و هست و پیامبر اکرم جوانانی را که از ازدواج سرباز می‌زدند مورد خطاب قرار داده می‌فرمود: «یا معشر الشباب، من استطاع منکم الباءة، فلیتزوج، و من لم یستطع فعلیه بالصیام فانه له وجاء.» «۱» «شکی نیست که انحراف جوانان در مسائل جنسی به عدم تهذیب عواطف و کنترل غرایز جنسی آنها برمی گردد و همین عامل نقش به سزایی را در ناتوانی آنها در رویاروئی با مسائل ملی ایفا می کند. زیرا این رویاروئی

نیازمند داشتن ایمان قوی و تحمل مشکلات و از خودگذشتگی است.» «۲»

۳. تأثیر مثبت روزه بر بیماری‌ها:

۳. تأثیر مثبت روزه بر بیماری‌ها: برخی از پزشکان نوشته‌اند: خلاصه اینکه امروزه تأثیر مثبت روزه بر بسیاری از بیماری‌ها به اثبات رسیده است مهمترین این بیماری‌ها عبارتند از: * امراض دستگاه گوارش از قبیل التهاب حاد معده. * چاقی. * تصلب شرایین، بالا رفتن فشار خون و خناق سینه. * التهاب مزمن کلیه. * آسم. * اختلالات روانی و اخلاقی. «۳»

۴. تأثیر روزه در پیشگیری از بیماری‌ها:

۴. تأثیر روزه در پیشگیری از بیماری‌ها: برخی از پزشکان می‌نویسند: «روزه برنامه‌ای است برای نظام بخشیدن به ابعاد مختلف زندگی به صورت ادواری، که در آن انسان‌های مؤمن خود را ملزم می‌دانند سالی یک ماه به آن عمل کنند و این کار تأثیر عمیقی بر روح و جسم آنها بر جای می‌گذارد. روزه یک تدبیر وقائی و یک روش درمانی برای بسیاری از حالات مرضی است، و شاید دستگاه گوارش بیش از سایر اندام‌های دیگر از آن بهره‌مند شود. به همین لحاظ بحث را به اختصار درباره غریزه هضم نزد انسان آغاز می‌کنیم (_____: ۱) ای گروه جوانان، هر کس از شما قادر به تهیه خانه‌ای باشد، ازدواج کند و کسی که توانایی آن را نداشته باشد روزه بگیرد که روزه برای او سپری است در مقابل معاصی. (۲) ر. ک: طب در قرآن، ص ۲۱۴. (۳) ر. ک: طب در قرآن، ص ۲۱۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۳ دستگاه گوارش را دهان، غدد بزاقی، معده و غدد مترشحه آن، کبد و لوز المعده و ترشحات هضمی و صفراوی آنها و امعاء و ترشحات آنها تشکیل می‌دهد. تمام این اعضا مشترکا فعالیت می‌کنند تا غذا هضم شده و آماده جذب گردد. غذای جذب شده توسط خون به کبد حمل می‌گردد تا در آنجا تصفیه شده و به طور دقیق و به حسب نیاز بدن توزیع و مازاد آن ذخیره گردد. عمل هضم در اینجا پایان نمی‌پذیرد، بلکه مواد غذایی به وسیله شریان‌ها به تمام اندام‌ها و سلول‌های بدن حمل می‌گردد تا هر یک غذای مورد نیاز خود را از قبیل اسیدهای آمینه، چربی و سایر مواد از آن بردارند و به مصرف ترمیم، تکاثر و رشد برسانند. ضمنا مواد اضافی و زاید موجود در سلول‌ها نیز همزمان تحویل خون می‌گردد تا آنها را از طریق کلیه‌ها، ریه‌ها و روده بزرگ دفع نماید. در کلیه این مراحل، قلب، دستگاه گردش خون، مغز و اعصاب نیز مشارکت دارند. می‌بینیم که عمل غذا خوردن با بلعیدن لقمه پایان نمی‌پذیرد بلکه این اولین مرحله کار است. با بلعیدن لقمه، تمام دستگاههای بدن وارد فعالیت می‌شوند تا عمل هضم و جذب به نحو مطلوب انجام پذیرد. هر چند اکثر افراد در انجام فعالیت‌های روزانه خود چه بدنی باشد و چه روحی و فکری کوتاهی می‌کنند، تعداد کمی نیز با فرو دادن بی‌حساب مواد غذایی در مشغول کردن معده خود قصور می‌ورزند. لذا دستگاه گوارش را می‌توان پرکارترین دستگاه بدن نامید. و همانطور که استراحت برای اعضای مختلف بدن لازم و ضروری است، برای دستگاه گوارش نیز امری حیاتی واجب است. و چه بهترین استراحت از طریق پیروی از یک برنامه ثابت غذایی و در طول یک ماه باشد تا به فواید و دست آوردهای غیر قابل انکار و بسیاری نایل شویم از جمله: * خلاصی بدن از چربی‌های متراکمی که در صورت افزایش تبدیل به بیماری چاقی می‌شود. گرسنگی بهترین روش درمان بیماری چاقی و آب کردن چربیهای اضافی بدن است. و از طرفی انسان را از عوارض زیان‌آور جنبی داروهایی که اشتها را کم می‌کنند، مصون می‌دارد. * دفع فضولات و سموم متراکم در بدن. * فرصت دادن به سلول‌ها و غدد بدن برای تجدید قوا و انجام وظایف خود به نحو مطلوب و کامل. * استراحت نسبی کلیه‌ها و دستگاه ادرار. * کاهش رسوبات چربی در شریان‌ها و پیش‌گیری از تصلب شرایین. * گرسنگی باعث می‌شود که پس از پایان روزه بدن از خود واکنش نشان دهد. این پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۴ واکنش به صورت میل به غذا و نشاط و فعالیت

و تحرک است. در حالی که قبلاـ خوردن غذا به صورت یک عادت خسته کننده درآمده بود. اگر آداب روزه را همان‌طور که شارع مقدس تکلیف فرموده و رسول خدا (ص) برای ما سنت قرار داده بجا آورده شود، می‌تواند بهترین روش درمانی با گرسنگی باشد. روشی که اروپائیان در این اواخر به اهمیت آن پی برده‌اند. در همین رابطه یک پزشک اتریشی به نام بارسیلوس می گوید: «ممکن است فایده گرسنگی در معالجه، برتر از کاربرد دارو باشد.» پزشک دیگری به نام دکتر هلبا (ableH) بیماران خود را چند روز از غذا خوردن منع می کرد و سپس برای آنها غذاهای سبک تجویز می‌نمود. علت کارآیی روزه در معالجه را می‌توان به دلیل روی آوردن بدن به مصرف مواد غذایی ذخیره شده در خود دانست. در صورت کاهش ورود مواد غذایی از خارج به بدن، رژیم غذایی شدیدی در بدن حکم فرما خواهد شد. سپس بدن برای زنده ماندن خودخوری را آغاز خواهد کرد و این کار را به ترتیب با مصرف ذخایر قندی، چربی‌ها، بافت‌های پروتئینی از کار افتاده و ... شروع خواهد کرد. ملاحظه می کنیم که درمان با روزه بر از بین بردن بافت‌های مریض و از کار افتاده تکیه دارد که بعد از روزه مجددا ترمیم خواهد شد. شاید به همین دلیل باشد که عده‌ای و از جمله دکتر «باشوتین» معتقد باشند که روزه می‌تواند جوانی را به انسان باز گرداند. «۱» تذکر: برای اینکه از روزه بهره کامل بگیریم، لازم است آداب آن را به طور صحیح بجا آوریم از جمله تأخیر در خوردن افطار و تعجیل در خوردن سحری و عدم اسراف در خوردن غذا هم از نظر کمیت و هم از لحاظ کیفیت. «۲» در مورد روزه و حکمت‌ها و اسرار علمی آن دکتر السید الجمیلی «۳» و دکتر عدنان الشریف «۴» و محمد سامی محمد علی «۵» و دکتر جمال الدین حسین مهران «۶» و سید جواد افتخاریان «۷» نیز مطالبی مشابهی گفته‌اند (_____. ۱)

ر. ک: طب در قرآن، ص ۲۱۱- ۲۱۳. (۲) همان، ص ۲۱۶. (۳) ر. ک: الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۲۱۳- ۲۱۵. (۴) دکتر عدنان الشریف، من علم الطب القرآنی، ص ۲۵۹- ۲۷۴. (۵) ر. ک: الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۱۸۷- ۱۸۹. (۶) ر. ک: دکتر جمال الدین حسین مهران، آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۳۴- ۳۶. (۷) ر. ک: سید جواد افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۴۶- ۵۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۵

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. لزوم روزه‌داری برای انسان یک هدیه الهی است که از طرف انبیاء: به بشر ابلاغ شده است. آثار مفید روحی و بهداشتی روزه و اسرار آن کاملا روشن است و این یک مطلب علمی است که در ادیان الهی وجود دارد. (هر چند که مقدار و شرایط روزه ممکن است در ادیان دیگر متفاوت بوده و یا در غیر اسلام در طول اعصار دگرگون یا تحریف شده باشد.) با توجه به اینکه در اعصار گذشته مردم اسرار علمی روزه را نمی‌دانستند و آن را اجبارا انجام می‌دادند و بشریت در عصر حاضر به فواید پزشکی روزه پی برده است ممکن است بگوییم که حکم روزه‌داری یکی از معجزات علمی ادیان الهی است. البته این احتمال هم هست که گفته شود اصل پرهیز از غذا در بیماریها، از دیر زمان مورد توجه پزشکان بوده است و روزه نوعی تأیید این دستور پزشکی است. اما می‌توان به این احتمال پاسخ داد که روزه در ادیان الهی، مخصوص انسان‌های سالم است اما پرهیز پزشکی ویژه انسان‌های بیمار است. ۲. روزه را نمی‌توان یک معجزه علمی انحصاری قرآن محسوب کرد چرا که همان‌گونه که گذشت و خود قرآن نیز بدان تصریح دارد، روزه، در ادیان قبل از اسلام سابقه داشته است و یک حکم تأسیسی اسلام نیست. ۳. روزه در اصل یک عبادت است که برای نزدیکی انسان به خدا و تعالی روحی و معنوی او قرار داده شده است پس اگر چه روزه فواید بهداشتی و درمانی دارد ولی نباید آن را در حد یک دستور رژیم غذایی پایین آورد و از فواید عظیم معنوی آن غافل و محروم شویم. ۴. اسرار پزشکی که در مورد روزه گفته شد جزئی از فلسفه و حکمت حکم وجوب روزه است و این مطلب ثابت نمی کند که علت تامه و منحصر صدور این حکم همین فواید پزشکی است. بلکه ممکن است مصالح و مفاسد دیگری نیز

مورد نظر شارع بوده است. ۵. تأثیر روزه در برخی از بیماری‌ها که نام برده شد (مثل امراض دستگاه گوارش) ممکن است در برخی موارد و با نظر پزشک معالج قابل اجرا و مفید باشد و چه بسا که طبق تشخیص پزشکان روزه برای برخی از این افراد مضر باشد که در آن صورت روزه حرام است. پس این آثار فی الجمله (در برخی موارد) صحیح است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۶

۳. نماز:

اشاره

۳. نماز: قرآن کریم در آیات متعددی به مسلمانان دستور می‌دهد که هر روز نماز برپا دارند و مسلمانان در صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء نمازهای واجب را به جا می‌آورند که هفده رکعت است و نیز نمازهای مستحب فراوان در شریعت اسلام آمده و توصیه شده است. «۱» نماز علاوه بر آنکه یاد خداست و ارتباط عبد با معبود را برقرار می‌کند شامل حرکاتی مثل ایستادن، خم شدن (رکوع) و به خاک افتادن (سجده) می‌شود. یکی از نویسندگان از این حرکات نماز استفاده می‌کند و نوعی اعجاز علمی برای نماز یادآور می‌شوند چرا که این حرکات باعث جلوگیری از بیماری‌هایی در انسان می‌شود و در حقیقت در حکم ورزش صبحگاهی، شامگاهی و نیمه روز است. در این مورد می‌گوید: حرکات اجباری که در نمازهای شبانه روز هست ۱۱۹ عدد است و آن حرکات از بیماریهایی نظیر «دوالی الساقین» از طریق حرکت سریعتر خون و تقویت دیواره‌های ضعیف ساق‌های پا جلوگیری می‌کند. و این مطلب را از طریق رسم شکل‌ها و عکس‌های متعدد اثبات می‌کند «۲». و آن را «معجزة الصلوة فی الوقایة من مرض دوالی الساقین» «۳» می‌نامد. برخی نویسندگان مثل محمد سامی محمد علی نیز در مورد آثار تمرینی و ورزش نماز سخن گفته‌اند. و تحریک عضلات بدن، نشاط قلب و گردش خون، تقویت عضلات رگ‌ها و تقویت مغز را از آثار آن شمرده‌اند. «۴» دکتر دیاب و دکتر قرقوز با ذکر آیه ۲ سوره مؤمنون الَّذِینَ هُمْ فِی صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ خشوع را وسیله‌ای برای رشد قدرت تمرکز حواس در انسان معرفی می‌کند که می‌توان از آن در تمام مراحل زندگی بهره برد. «۵» همچنین برخی نویسندگان مثل العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله «۶» و سعید ناصر الدهان «۷» مشابه همین مطالب را گفته‌اند.

(_____۱) ر. ک: تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلوة و نیز رساله‌های عملیه مراجع تقلید. (۲) ر. ک: محمد السید ارناووط، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۹۲- ۹۷. (۳) به نظر می‌رسد مقصود ایشان همان «واریس» پا باشد. که رگ‌ها از ساق پشت پا بیرون می‌زند. (۴) ر. ک: محمد سامی محمد علی، الاعجاز العلمی فی القرآن، ص ۱۸۶. (۵) ر. ک: طب در قرآن، ص ۶۶- ۶۷. (۶) العمید الصیدلی عمر محمود عبد الله، الطب الوقائی فی الاسلام، ص ۲۳۹. (۷) سعید ناصر الدهان، القرآن و العلوم، ص ۱۴۹- ۱۵۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۷

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته مفید است: ۱. به نظر می‌رسد که قرآن کریم با اهداف معنوی دستور به انجام نماز می‌دهد. و لذا می‌فرماید: أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْرِی «۱» «نماز را به خاطر یاد من به پا دار» و آن را مانع فحشاء و منکرات معرفی می‌کند. «۲» پس هدف اصلی این عبادات همان امور معنوی و دینی است. البته ممکن است نماز آثار جسمانی برای انسان داشته باشد و فوایدی در سلامت جسمی داشته باشد. ولی این مطلب در آیات قرآن تصریح نشده و از حکمت‌ها و اهداف نماز شمرده نشده است. پس تحدّی قرآن

با آن صورت نمی‌گیرد. و بر فرض اثبات این تأثیرات جسمانی، این مطلب اعجاز علمی قرآن نیست. چرا که اعجاز علمی وقتی است که مطلبی در قرآن آمده و اسرار علمی داشته که مقصود شارع بوده است ولی مردم عصر نزول از آن اطلاع نداشته باشند. ۲. در مورد خشوع در نماز که یک حالت خوب مؤمنان است باید گفت که خشوع مقدمه نماز است و آن حالت خضوع و تذللی است که در اعضاء ظاهری انسان آشکار شود (بویژه در چشم یعنی حالت نگاه و سخن گفتن) «۳» که انسان در مقابل خدا خود را موجودی بی‌نهایت کوچک در مقابل بی‌نهایت بزرگ می‌بیند و لذا خاشع می‌شود. اما این مطلب ربطی به تمرکز حواس ندارد، البته لازمه خشوع و حضور قلب در نماز همان تمرکز حواس هم هست. ولی این مطلب مقصود نماز نیست بلکه همانطور که گذشت اهدافی که قرآن برای نماز بیان کرده است، اهداف معنوی و دینی است. بلی ممکن است در کنار آن فواید دیگری مثل نظم، تمرکز حواس، سلامت جسمی، بهداشت جسم و لباس و ... به دنبال نماز حاصل شود.

(_____ ۱) طه/ ۱۴. (۲) عنکبوت/ ۴۵. (۳) ر. ک: سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ماده خشع. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۲۹

فصل سوّم: قرآن و اسرار خلقت انسان (از نظر پزشکی)

درآمد:

درآمد: قرآن کریم در زمانی نازل شد که علم پزشکی در ابتدای راه بود و پزشکان اطلاعات زیادی از کارکرد دستگاه‌های درون بدن انسان نداشتند و اسرار آنها را نمی‌دانستند. طب یونانی و ایرانی بر مجامع علمی آن روزگاران حاکم بود ولی رشد چندانی در زمینه تشریح بدن انسان نداشت. کالبد شکافی و تشریح اعضای درونی انسان در چند صد سال أخیر مورد توجّه جدّی پزشکان قرار گرفت. و در دستور کار دانشگاه‌های بزرگ واقع شد. در بین جوامع صدر اسلام، جامعه عرب بهره کمتری از علوم پزشکی داشت، امّا در همان زمان برخی از آیات قرآن به اسرار پنهان آفرینش بدن انسان اشاره می‌کند، اسراری که قرن‌ها بعد و با استفاده از وسایل پیشرفته کشف گردید. بیان این گونه مطالب در قرآن کریم نوعی رازگوئی و خبر از غیب و مطالب کشف نشده بود. اینک مطالب اینگونه آیات را بررسی می‌کنیم:

مراحل خلقت انسان:

مراحل خلقت انسان: قرآن کریم در موارد متعددی سخن از خلقت انسان گفته و مراحل آن را تذکر داده است هر چند که این آیات به ما درس خداشناسی و معادشناسی می‌دهد، امّا نکات و اشارات علمی ارزنده‌ای را در بر دارد که موجب حیرت متخصصان علوم پزشکی در اعصار مختلف شده است. و آن را نه تنها دلیل اعجاز علمی قرآن بلکه دلیل اعجاز بلاغی قرآن نیز گرفته‌اند. «۱» در ابتداء این آیات را از نظر می‌گذرانیم. و سپس خلقت کودک را از نظر قرآن مرحله بندی می‌کنیم و آنگاه هر مرحله را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم (_____: ۱) دکتر دیاب و قرقوز، طب در قرآن، ص ۸۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۰ خداوند در سوره مؤمنون می‌فرماید: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ* ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فِي قَرارٍ مَكِينٍ* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ «۱» «و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را [به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت مضغه گردانیدیم، و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید

آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.» و در سوره حج می‌فرماید: یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ وَ مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی وَ مِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلی أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیْلا یَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئاً ... «۲» «ای مردم اگر درباره برانگیخته شدن در شک هستید، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه، دارای خلقت کامل و [احیانا] خلقت ناقص تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدّتی معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم، آنگاه شما را [به صورت کودک برون می‌آوریم سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم تا به حد رشدتان برسید و برخی از شما [زودرس می‌میرید، و برخی از شما به غایت پیری می‌رسد به گونه‌ای که پس از دانستن [بسی چیزها] چیزی نمی‌داند.» و در سوره غافر (مؤمن) می‌فرماید: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیُوخاً وَ مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی مِنْ قَبْلُ وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّی وَ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ «۳» «او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آنگاه از علقه‌ای، و

(_____ ۱) مؤمنون/ ۱۲- ۱۴. (۲) حج/ ۵.

(۳) غافر/ ۶۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۱ بعد شما را [به صورت کودکی برمی‌آورد، تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید. و از میان شما کسی است که مرگ پیش‌رس می‌یابد و تا [بالاخره به مدتی که مقرر است برسید، و امید که در اندیشه فرو روید.» و در سوره قیامت می‌فرماید: أَ لَمْ یَکُ نُطْفَةً مِنْ مَنِیٍّ یُمْنی ثُمَّ کانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّی فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی «۱» «مگر او [قبلا] نطفه‌ای از منی نبود که ریخته می‌شود؟ پس علقه [آویزک شد و [خدایش شکل داد و درست کرد، و از آن، دو جنس نر و ماده را قرار داد.» و در سوره علق خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ «۲» اشاره به یک مرحله یعنی علق کرده است. و در سوره طارق خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ «۳» اشاره می‌کند که انسان از آبی جهنده خلق شده است. و در سوره دهر (انسان) می‌فرماید: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِیهِ فَجَعَلْناهُ سَمِیعاً بَصِیراً «۴» «ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم و وی را شنوا و بینا گردانیدیم.» و در سوره سجده می‌فرماید: الَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِینٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِیهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِیلًا ما تَشْکُرُونَ «۵» « (او) همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. سپس [تداوم نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود؛ آنگاه او را درست اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد. چه اندک سپاس می‌گذارید.»

(_____ ۱) قیامت/ ۳۷- ۳۹. (۲) علق/ ۲. (۳) طارق/ ۶. (۴) دهر (انسان)/ ۲. (۵) سجده/ ۶- ۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۲

فهرست مراحل خلقت انسان تا مرگ:

فهرست مراحل خلقت انسان تا مرگ: بر اساس آیات قرآن می‌توان مراحل خلقت انسان را از ابتدای کار پدر و مادر تا تولد کودک اینگونه دسته‌بندی کرد. ۱. مرحله خاک. (تراب- طین) ۲. مرحله آب. (ماء- ماء دافق- ماء مهین) ۳. مرحله منی. (نطفهٔ من منی) ۴. مرحله نطفه مخلوط. (نطفهٔ امشاج) ۵. مرحله علقه. (علقهٔ) ۶. مرحله مضغه. (مضغهٔ) ۷. مرحله تنظیم و تصویر و شکل‌گیری. (تسویه و تصویر) ۸. مرحله شکل‌گیری استخوانها. (عظاما) ۹. مرحله پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها. فَکَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ۱۰. مرحله آفرینش جنس جنین. (مذکر و مؤنث) ۱۱. مرحله آفرینش روح یا دمیدن جان در انسان. خَلْقاً آخَرَ و نَفَخَ فِیهِ مِنْ رُوحِهِ مطالبی پیرامون پیدایش گوش و چشم. وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ ۱۲. مرحله تولد طفل. نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ۱۳. مرحله بلوغ. ۱۴. مرحله کهن سالی. ۱۵. مرحله مرگ. البته برخی مفسران و پزشکان به گونه‌ای دیگر از آیات استفاده کرده و مراحل خلقت انسان را از نظر قرآن

هفت مرحله دانسته‌اند. «۱» اینک هر کدام از این مراحل را از نظر قرآن کریم و علوم پزشکی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

(_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳ و نیز شیخ خالد عبد الرحمن العک، الفرقان و القرآن، ص ۴۹۳ و نیز استاد معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۳

تاریخچه:

تاریخچه: دکتر «موریس بوکای» در مورد تاریخچه جنین‌شناسی و شناخت پیدایش انسان از تخم مخلوط زن و مرد و تطورات و مراحل جنین می‌نویسد: «باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده عصر جدید مقایسه کرد، موافق بودنشان با اینها واضح است لیکن همچنین بی‌نهایت مهم است که آنها را با عقاید عمومی که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع می‌بود مواجهه داد تا معلوم گردد انسانهای آن زمان تا چه اندازه از نظراتی شبیه آنچه در قرآن درباره این مسائل عرضه شده دور بودند. فی الواقع این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریبا روشنی از این مسائل پیدا می‌کنیم. در تمام مدت قرون وسطی، اساطیر و نظرات صوری بی‌پایه، منشأ متنوع‌ترین آراء و تا چندین قرن پس از آن ساری و جاری بود. آیا می‌دانید که مرحله‌ای اساسی در تاریخ جنین‌شناسی تصدیق «هاروی» «۱» در سال ۱۶۵۱ میلادی بود مشعر بر اینکه «هر چیز که می‌زید در آغاز از تخمی می‌آید.» و اینکه جنین بتدریج بخشی از پس بخشی درست می‌شود؟ امّا در آن عصر با وجود اینکه دانش نوزاد از اختراع جدید میکروسکوپ برای موضوع مورد توجه ما بسیار استفاده می‌کرده است، همچنان درباره نقش‌های متقابل تخم و اسپرماتوزئید بحث وجود داشت. طبیعیدانان بزرگ مثل «بوفن» «۲» و «بونه» «۳» از تو در همی جرثومه‌ها دفاع می‌کردند (یعنی) تخمدان حوا، مادر نوع انسان، حاوی جرثومه‌های تو در توی هم قرار گرفته همه موجودات بشری می‌بوده است. این بیش از هزاره‌ای پیش از آن عصر است، که در آن عقایدی تخیلی شایع بود و انسانها قرآن را می‌شناختند. بیانات قرآن در باب تولید مثل انسان، حقایق اساسی را که انسانها قرونی چند برای کشف آن گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است.» «۴»

(_____ ۱) yevraH پزشک انگلیسی (۱۵۷۶- ۱۶۵۷ م) (۲) noffuB طبیعی دان و نویسنده فرانسوی (۱۷۰۷- ۱۷۸۸ م) (۳) tennB فیلسوف و طبیعی‌دان سوئیسی (۱۷۲۰- ۱۷۹۳ م) (۴) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶- ۲۷۷ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۴

مرحله اوّل: آفرینش انسان از خاک:

اشاره

مرحله اوّل: آفرینش انسان از خاک: قبل از ورود به بحث لازم است که دو مطلب از هم جدا شود: یکی خلقت حضرت آدم (ع) از خاک که در برخی آیات (مثل آل عمران/ ۵۹- سجده/ ۶) بدان اشاره شده است و دوّم خلقت همه انسانها از خاک که در برخی آیات (مؤمنون/ ۱۲- حج/ ۵- غافر/ ۶۷) بدان اشاره شده است. در قسمت دوّم یعنی خلقت همه انسانها از خاک، در برخی آیات از آن به عنوان «تراب» یاد شده است (غافر/ ۶۷- حج/ ۵) و در برخی دیگر از آن به عنوان «طین» یاد شده است (مؤمنون/ ۱۲) تذکر: «تراب» به خاک و خود زمین گفته می‌شود. ولی «طین» به خاکی که با آب مخلوط شده است گویند. «۱»

اسرار علمی:

اسرار علمی: گروهی از مفسران و متخصصان و صاحب‌نظران در مورد این آیات و انطباق آنها با یافته‌های علوم تجربی اظهار نظر کرده‌اند و دو تفسیر از آیات فوق ارائه کرده‌اند: الف: همه انسانها از نطفه‌ای آفریده شده‌اند که مواد اولیه آن از غذاها و غذاها از خاک بوجود آمده است: ۱. صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «آیه ۱۲/ مؤمنون: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ، به آغاز وجود همه انسانها اعم از آدم و فرزندان او اشاره می‌کند که همه به خاک باز می‌گردند و از گل برخاسته‌اند.» «۲» البته در مورد آیه/ ۶ سجده وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِينٍ می‌گویند که: «پیدا است این آیه سخن از آفرینش «آدم» می‌گوید نه همه انسانها. چرا که ادامه نسل او در آیه بعد مطرح است.» «۳» و در مورد آیه ۵/ حج و ۶۷/ غافر هر دو احتمال (خلقت همه انسانها از خاک یا خلقت حضرت آدم از خاک) را مطرح می‌کنند «۴» و می‌نویسند:

(_____ ۱) ر. ک: مفردات راغب، ماده «ترب» و «طین». (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۰۷. (۳) همان، ج ۱۷، ص ۱۲۵. (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵، و ج ۱۴، ص ۲۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۵ «ممکن است منظور از خاک در اینجا خاکی باشد که آدم از آن آفریده شد، و نیز امکان دارد اشاره به این باشد که همه انسانها قطع نظر از این نیز از خاکند، چرا که تمام مواد غذائی که نطفه را تشکیل می‌دهد و سپس مواد تغذیه کننده آن هم از خاک گرفته می‌شوند. البته بدون شک قسمت قابل توجهی از بدن انسان را «آب» و قسمتی را «اکسیژن» و «کربن» تشکیل می‌دهند که از خاک گرفته نشده ولی از آنجا که ستون اصلی تمام اعضای بدن را موادی که از خاک گرفته شده تشکیل می‌دهد این تعبیر کاملا صحیح است که: انسان از خاک است.» «۱» ۲. یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد: «اگر در آفرینش کمی دقت و تأمل کنیم، در خواهیم یافت که تمام چیزهایی که به جسم آدمی حیات می‌بخشد از قبیل میوه‌جات، سبزیجات، غلّات، خشکبار، گندم، برنج و خلاصه آنچه موتور بدن انسان را به کار می‌اندازد، همه از خاک گرفته شده‌اند. نطفه انسان نیز خود مولود غذاهای گوناگونی است که مستقیما از خاک مایه می‌گیرند. از جمله عناصر لازم برای بدن که در زمین نیز یافت می‌شوند عبارتند از: کلسیم- سدیم- پتاسیم- آهن- مس- مولیبدن- گوگرد- کامیول- کبالت- منیزیم- منگنز- روی- آلومینیم- روبیدم، که مقادیر آنها کم و بیش (به استثنای یکی دو تا) در حدود میکرو گرم یعنی یک هزارم گرم در ۱۰۰ سی‌سی خون است. و عناصری که در بدن بسیار یافت می‌شوند عبارتند از: اکسیژن- کربن- ازت- هیدروژن. آری این مطلبی است که چهارده قرن پیش بیان می‌دارد. و دقیقا مطابق کشفیات علم جدید در زمینه جنین انسانی است. زیرا علم، بنیان ساختمانی انسان را از خاک می‌داند. علم جدید می‌گوید نطفه زن و مرد متشکل از همان مواد و عناصر متشکّله زمین است.» «۲» ۳. عبد الفتاح طباره می‌نویسد: «علم جدید بنیان ساختمان وجود انسان را از خاک می‌داند.» «۳» ۴. دکتر بی‌آزار شیرازی نیز کلمه «طین» در آیه ۱۲/ مؤمنون را همینگونه تفسیر می‌کند. «۴»

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۳. (۲) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۸۶- ۸۸ با تلخیص و نیز ر. ک: محمد رضا جوهری‌زاده، تمدن و علوم اسلامی، ص ۲۲۵. (۳) عبد الفتاح طباره، سیری در قرآن، ترجمه رسول دریایی، ص ۲۲۵. (۴) دکتر بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۵۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۶ ب: فقط حضرت آدم از خاک آفریده شد و بقیه انسانها از نطفه آفریده شدند امّا می‌توان گفت انسانها با واسطه آدم (ع) از خاک آفریده شدند: استاد مصباح یزدی می‌نویسند: «انسان نخستین تنها از تراب یا طین خلق شده است ولی انسان‌های مراحل بعدی از نطفه آفریده شده‌اند. پس به سایر انسانها نیز به لحاظ مبدأ بعید می‌توان گفت از تراب و به لحاظ مبدأ قریب، از نطفه آفریده شده‌اند.» «۱»

بررسی:

بررسی: در مورد دو تفسیر آیات مورد بحث (طین- تراب) و اسرار علمی آنها توجه به چند نکته لازم است: ۱. از آنجا که در آیات فوق دو تفسیر عمده وجود داشت و هر دو نیز قرائنی را به همراه دارد؛ چرا که ظاهر آیه خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ «۲» این است که همه انسان‌ها از خاک آفریده شده‌اند و تفسیر اوّل را تقویت می‌کند. امّا آیه: بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ «۳» می‌تواند قرینه‌ای برای تفسیر خلقت انسان از تراب باشد و آیات دیگر را تفسیر کند که مقصود خلقت انسان اولیه (حضرت آدم (ع)) از خاک است. و بقیه را از نطفه آفریده‌اند. و بر این اساس تفسیر دوم تقویت می‌شود. البته ممکن است کسی در مورد حضرت آدم (ع) هم نظریه تکامل را بپذیرد و بگوید او هم با واسطه از مواد خاکی آفریده شده است. و همان ظاهر تفسیر اوّل را تقویت کند. (تفصیل این بحث را به مبحث تکامل و خلقت آدم (ع) وا می‌گذاریم.) ۲. اگر تفسیر دوّم آیات را بپذیریم اعجاز علمی در کار نیست و اگر تفسیر اوّل را بپذیریم باز هم این مطلب یک اشاره علمی قرآن و از لطایف قرآنی است امّا اعجاز علمی محسوب نمی‌شود. چرا که استفاده انسان از گیاهان، حیوانات و مواد زمین برای همه افراد در طول تاریخ قابل مشاهده حسّی بوده است و اشاره مبهم قرآن در این زمینه چیزی بیشتر از همان مطلب نیست. هر چند که علم جدید مقدار و مواد تشکیل دهنده خاک و بدن را کشف کرده است ولی قرآن با این اشاره مبهم به آن مواد اشاره‌ای ندارد.

(_____ ۱) معارف قرآن، ص ۳۳۰. (۲) غافر/ ۶۷. (۳) سجده/ ۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۷

مرحله دوّم: آفرینش انسان از آب:

اشاره

مرحله دوّم: آفرینش انسان از آب: قرآن کریم در آیات متعددی به خلقت همه موجودات زنده از «آب» و یا خلقت انسان از «آب» اشاره می‌کند. که گاهی به مطلق آب اشاره دارد و گاهی به آب با صفتی خاص اشاره می‌کند. برای مثال در این آیات به خلقت موجودات زنده از آب به صورت مطلق اشاره می‌کند: وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ «۱» «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.» وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ «۲» «و خداست که هر جنبنده‌ای را آبی آفرید.» و در این آیه به خلقت انسان از مطلق آب اشاره می‌کند: وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً «۳» «و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی نسبی و دامادی قرار داد.» و در این آیات به خلقت انسان از آب با صفتی خاص اشاره می‌کند: مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ «۴»- از چکیده آبی پست «۵» مِنْ ماءٍ مَهِينٍ «۶»- از آب پست مِنْ ماءٍ.؟؟؟. «۷»- از آب جهنده

واژه «آب» در لغت:

واژه «آب» در لغت: اصل عبری آن (می، میم) و سریانی (میا) است و در عربی تغییر شکل داد و «ماء» شد.

(_____ ۱) انبیاء/ ۳۰. (۲) نور/ ۴۵. (۳) فرقان/ ۵۴. (۴) سجده/ ۸. (۵) این آب (منی) ظاهرا آبی بی‌ارزش و بی‌مقدار است. امّا از نظر ساختمان و سلولهای حیاتی شناور در آن و همچنین ترکیب مخصوص مایعی که سلولها در آن شناورند بسیار ظریف و فوق العاده دقیق و پیچیده است و از نشانه‌های عظمت پروردگار و علم و قدرت او محسوب می‌شود. پس کلمه «مهین» در آیه که به معنی ضعیف و حقیر و ناچیز است اشاره به وضع ظاهری آن می‌باشد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۶.) (۶) مرسلات/ ۲۰. (۷) طارق/ ۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص:

۴۳۸ این لغت در اصل به معنی «هر مایع غیر جامدی» است چه آب مطلق باشد یا آب‌های مضاف (مثل آب میوه) ولی وقتی بصورت مطلق (ماء) استعمال شود منصرف به آب خالص است. «۱» پس مقصود آب خالص است.

اسرار علمی:

اشاره

اسرار علمی: بررسی خلقت موجودات زنده غیر انسان از آب یک بحث مستقل لازم دارد امّا در مورد خلقت انسان از آب چند بحث علمی وجود دارد که صاحب نظران علوم تجربی و مفسران قرآن بدان پرداخته‌اند و ما در اینجا آن چند بحث را دنبال می کنیم:

اوّل: مقصود از خلقت انسان از آب چیست؟

اوّل: مقصود از خلقت انسان از آب چیست؟ در این مورد دو دیدگاه در بین دانشمندان وجود دارد: الف: مقصود از خلقت انسان از آب این است که مقدار زیادی آب در بدن انسان وجود دارد. یعنی آب بیشترین ماده تشکیل دهنده بدن انسان است. برخی از صاحب‌نظران نیز به این دیدگاه تصریح کرده‌اند: ۱. استاد مکارم شیرازی در تفسیر آیه وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ «۲» حدّاقل دو احتمال را مطرح می کند که یکی از آنها همین مطلب مورد بحث ماست؛ ایشان می‌نویسند: «حیات همه موجودات زنده- أعم از گیاهان و حیوانات- به آب بستگی دارد ... این موضوع نیز قابل توجه است که طبق تحقیقات دانشمندان، قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می‌دهد (در حدود هفتاد درصد)» «۳» ایشان در تفسیر آیه وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً «۴» می‌نویسند: «جمعی معتقدند منظور از بشر نخستین انسان یعنی آدم (ع) است چرا که آفرینش او از

(_____۱) ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۲۲۰ (ماده ماء) (۲) انبیاء/ ۳۰. (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶. ایشان در ادامه توضیح می‌دهند که: جالب اینکه دانشمندان امروز معتقدند که نخستین جوانه حیات در اعماق دریاها پیدا شده به همین دلیل آغاز حیات و زندگی را از آب می‌دانند و اگر قرآن آفرینش انسان را از خاک می‌شمرد، نباید فراموش کنیم منظور از خاک همان طین (گل) است که ترکیبی است از آب و خاک. و سپس به یک پرسش پنهان پاسخ می‌دهند: «اینکه بعضی ایراد کرده‌اند که آفرینش فرشتگان و جن با اینکه موجودات زنده‌ای هستند مسلما از آب نیست پاسخش روشن است زیرا هدف موجودات زنده‌ای است که برای ما محسوس است.» (۴) فرقان/ ۵۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۳۹ «طین» یعنی معجونی از آب و خاک بود. نکره بودن بشرا (انسانی را) گواه این معنا است ... از این گذشته بدون شک بیشترین قسمت وجود انسان را آب تشکیل می‌دهد. بطوری که می‌توان گفت ماده اصلی وجود هر انسانی آب است ...» و سپس جمع بین معانی آیه را ممکن می‌دانند. «۱» ۲. استاد مصباح یزدی در ذیل آیه وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً «۲» می‌نویسند: «می‌توان گفت منظور از ماء، همان آب معروف است. و اگر می گوید انسان از آب آفریده شده است بنابر آن است که: وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ «۳» چون به هر حال انسان موجود زنده‌ای است و قرآن مبدأ پیدایش هر موجود زنده‌ای را آب می‌داند.» «۴» ۳. یکی دیگر از نویسندگان معاصر در مورد آیه ۵۴ سوره فرقان می‌نویسد: «دانشمندان زیست‌شناس بر این عقیده‌اند که دو سوّم بدن انسان را آب تشکیل داده است. مثلا یک فرد هفتاد کیلوئی، پنجاه لیتر

آب در بدن خود نگهداری می‌کند. و این نسبتی است ثابت. و باز همین دانشمندان بر این نظر و عقیده‌اند که اگر انسانی ۲۰٪ از آب بدن خود را از دست بدهد، دوباره سلامتی خود را باز نخواهد یافت.» و سپس این مطلب را اعجاز علمی قرآن می‌شمارند. «۵» ۴. یکی دیگر از صاحب‌نظران معاصر با ذکر مطلب فوق اضافه می‌کند که: «آب یاخته‌های بدن انسان دارای مقدار زیادی پتاسیم بوده و عملا فاقد نمک است. ولی آب خارج از یاخته‌ها عملا پتاسیم ندارد بلکه دارای مقدار زیادی نمک است و این ترکیب آب خارج از یاخته‌ها جزء بجزء به آب دریائی شباهت دارد که میلیونها سال قبل اولین اشکال حیات در آن شکل می‌گرفت و بعدها وقتی که موجودات آبی به خشکی روی آوردند (دریای درون) را نیز با خود آوردند. چون بدون آن زندگی بر ایشان در خشکی ممکن نبود. این پدیده شگفت‌انگیز، گفته قرآن را تأیید می‌کند که می‌فرماید: اوست خدائی که انسان را از آب آفرید.» «۶»

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

(۲) فرقان/ ۵۴. (۳) انبیاء/ ۳۰. (۴) معارف قرآن، سه جلدی، ص ۳۲۹- ۳۳۰. (البته در عبارت ایشان دو احتمال وجود دارد. یکی همان مطلب مورد بحث ماست و دیگر اینکه مقصود منشأ پیدایش اولیه انسان باشد.) (۵) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۹۷. (۶) بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، چاپ دوّم، ص ۵۲- ۵۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۰ ایشان در جای دیگر می‌نویسند: «تحقیقاتی که راجع به ساختمان عمومی جسم زنده به عمل آمده است می‌رساند که آب و کربن قریب ۹۸٪ جسم موجود زنده را تشکیل می‌دهند. «۱» ب: مقصود از خلقت انسان از آب این است که انسان از نطفه و منی آفریده شده است. برخی از صاحب‌نظران نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند: ۱. استاد مکارم شیرازی در تفسیر آیه وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ «۲» دو احتمال مطرح می‌کند که یکی همین مطلب مورد بحث ماست ایشان در احتمال دوّم می‌نویسد: «اینکه «ماء» در اینجا اشاره به آب نطفه است که موجودات زنده معمولا از آن بوجود می‌آیند» «۳» و نیز در تفسیر آیه وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً «۴» سه احتمال مطرح می‌کند که در احتمال دوّم می‌نویسد: «امّا جمعی دیگر معتقدند که منظور از «ماء» آب نطفه است. که همه انسانها به قدرت پروردگار توسط آن بوجود می‌آیند ... گواه این تفسیر جمله ذیل آیه فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً است.» «۵» و نیز در تفسیر آیه ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ «۶» فقط یک احتمال را مطرح می‌کنند و می‌نویسد: «جعل در اینجا به معنی آفرینش و نسل به معنی فرزندان و نوه‌ها در تمام مراحل است. سلاله در اصل به معنی عصاره و فشرده خالص هر چیز است و منظور از آن در اینجا نطفه آدمی است که در حقیقت عصاره کل وجود او می‌باشد.» «۷» ۲. استاد مصباح یزدی با طرح آیه وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً «۸» و آیه خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ «۹» می‌نویسند_____:

(۱) همان، ص ۳۹. (۲) أنبیاء/ ۳۰. (۳) تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶. (۴) فرقان/ ۵۴. (۵) همان، ج ۱۵، ص ۱۲۶. (۶) سجده/ ۸. (۷) تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۶. (۸) فرقان/ ۵۴. (۹) طارق/ ۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۱ «نطفه و ماء دافق، همه «آب» است و قابل جمعند و هر یک از جهتی اطلاق شده است و از اینجا نیز، به دست می‌آید که «ماء» در اصطلاح قرآن منحصر به همان مادّه ویژه‌ای که از ترکیب اکسیژن و هیدروژن بدست می‌آید و خاصیت یونیزاسیون دارد، نیست؛ بلکه اصطلاحی است با گستره وسیع که شامل نطفه هم می‌شود. ماء دافق بسیار است که چیزی جز نطفه نیست ... تقریبا می‌توان گفت که «ماء» در این موارد به معنای مایع است؛ امّا آیا این اطلاق مجازی است یا حقیقی، بحث دیگری است. می‌توان گفت ماء در اصل لغت وضع شده برای مایع سیّال خاصی مرکب از هیدروژن و اکسیژن ولی از باب توسّع- که نوعی مجاز است- به هر مایعی اطلاق شده است.» «۱» سپس ایشان همین احتمال را ترجیح می‌دهند. «۲» ۳. دکتر موریس بوکای نکته‌ای ظریف از آیه ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ «۳» استفاده می‌کند و می‌نویسد: «اگر قرآن از مایعی باور کننده متشکل از عناصر گوناگون صحبت می‌دارد ما را از این امر مطلع می‌سازد که نسل انسان از چیزی که از این مایع استخراج می‌شود فراهم می‌گردد این است معنای آیه ۸ سوره سجده. کلمه عربی که در اینجا «کنتیسانس» «۴» (سلالهٔ) ترجمه شده شیء استخراج شده از شیء دیگر، بهترین بخش یک چیز را تعیین می‌کند که آن

را بـدین طریـق یـا طریـق دیگر ترجمـه کننـد، موضـوع جزئی از یـک کـل اسـت.» «۵» سـپس اشـاره می‌کنـد که فقـط یک سـلول اسپرماتوزئید از بین چندین ده میلیون عنصر صادر از مرد موفق می‌شود که درون تخمک نفوذ کند. و تعداد بیشماری در راه مانده و موفق نخواهنـد شد. پس این بخش بسـیار ناچیزی مسـتخرج از مایعی با ساختمانی پیچیده خواهد بود که ابراز فعالیت خواهد کرد. و در پایان نتیجه می‌گیرد که: «در نتیجه چطور می‌شود از توافق متن قرآنی با شناخت علمی‌ای که از این پدیده در عصرها داریم تحت تـأثیر قرار نگرفـت.» «۶ (_____» ۱) معارف قرآن، سه جلدی، ص ۳۲۹. (۲) همان، ص ۳۳۰. (۳) سجده/ ۸. (۴) ۵) ecnessetniuQ) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهنـدس ذبیح اللّه دبیر، ص ۲۷۲. (۶) همان، ص ۲۷۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۲ ۴. دکتر دیاب و دکتر قرقوز نیز نکته‌ای ظریف از آیه مِنْ سُـلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ «۱» استفاده می‌کنند و می‌نویسند: «مشاهده می‌کنیم که از میان صدها میلیون اسپرماتوزئید فقط تعداد کمی به تخمک می‌رسند و الباقی در میان راه می‌میرند و از میان دهها اسپرمی که به تخمک رسیده‌اند فقط یک عدد موفق به شکافتن دیواره شفاف تخمک شده و در لقاح سرنوشت ساز شرکت می‌کند این معنا از کلام خداوند (در دو آیه سجده/ ۸- قیامت/ ۳۷) کاملا اسـتنباط می‌شود. زیرا حرف «من» حرف تبعیض است یعنی: انـدکی از بسـیار. لفظ «سـلالهٔ» نیز همین معنا را دارد.» «۲»

بررسی:

بررسـی: در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. در مورد تفسـیر آیـات مورد بحث می‌توان گفت که احتمال الف (وجود آب زیاد در تشـکیل بدن موجودات زنده) و احتمال ب (خلقت موجودات زنده از منی) در مورد آیات انبیاء/ ۳۰- نور/ ۴۵- فرقان/ ۵۴ وجود دارد امّـا ظهور این آیات در احتمال الف بیشتر است. و برعکس در آیات سوره‌های سـجده/ ۸- مرسلات/ ۲۰- طارق/ ۶ احتمال ب ظاهر است. بلکه می‌توان گفت که ظهوری در احتمال الف ندارد. و لذا برخی مفسـران در تفسیر این آیات اصلا اشاره‌ای به احتمال الف نکرده‌انـد. تـذکر: اگر مقصود از آیات احتمال ب (خلقت موجودات زنده از منی) باشد این بحث مربوط به مرحله سوم خلقت انسان می‌شود که در ادامه بدان می‌پردازیم. ۲. بنابر پذیرش احتمال الف (تشـکیل بدن موجودات زنده از آب زیاد) این مطلب یک راز علمی است که قرآن قرن‌هـا قبل آن را گوشـزد کرده است و نشانه عظمت علمی این کتاب الهی است. ولی این مطلب نمی‌تواند دلیل اعجاز علمی قرآن باشـد چرا که تأثیر آب در حیات انسان و موجودات زنـده از دیر باز برای بشـر معلوم بوده است. حتی برخی دانشـمندان یونـان قـدیم آن را گوشـزد کرده‌انـد. «۳» (_____۱) سجده/ ۸. (۲) طب در قرآن، ص ۸۱ بـا تلخیص. (۳) ر. ک: عبـد الغنی الخطیـب، قرآن و علم امروز، ترجمه دکـتر اسـد اللّه مبشّـری، ص ۱۲۱ که از قول «آمیـدوکل» فیلسوف یونانی نقل می‌کنـد که عامل تکوین زندگی در اثر چهار عنصـر است: گرمی آتش و سـردی هوا و رطوبت آب و خشـکی خاک. (و نیز ر. ک: دکتر غلاب، فلسـفه یونان، ج ۱، ص ۴۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۳ به علاوه این آیات (انبیاء/ ۳۰- نور/ ۴۵- فرقان/ ۵۴) دارای احتمالات متعدد است پس نمی‌توان یک مطلب قطعی را در این مورد به قرآن نسبت داد. و با یک مطلب علمی آن را انطباق داد تا دلیل اعجاز علمی قرآن باشد. ۳. در مورد استفاده دکتر دیاب و قرقوز از آیه ۸ سوره سجده لازم به تذکر است که سـلالهٔ به معنی قسمت خوب هر چیز را گویند که از آن جدا شده باشد. «۱» و ظهور «من» در آیه مورد نظر در معنای «بیان» است (من بیانیه) یعنی جنس این سـلاله از آب پست است. به علاوه اگر معنای «من» را تبعیض بگیریم با معنای «سـلالهٔ» (جدا شده از چیزی) یکی می‌شود و در حقیقت قسمت دوم آیه مِنْ ماءٍ مَهِینٍ تکرار معنای کلمه «سلاله» می‌شود. در حالی که اگر «من» به

معنای بیانیه باشد این تکرار لازم نمی‌آید. پس برداشت این دو پزشک از آیه ۸ سوره سجده با ظاهر آیه مناسبت ندارد. ۴. در مورد برداشت دکتر بوکای از آیه ۸ سوره سجده لازم به ذکر است که در مورد واژه «سلاله» دو احتمال وجود دارد: نخست آنکه مقصود خلاصه و جزئی برتر از انسان (اسپرماتوزئید) باشد. دوّم آنکه مقصود جزئی نیکو و برتر از کل منی مرد (که شامل ده‌ها میلیون اسپرم است) باشد. یعنی اسپرمی که موفق می‌شود با اوول زن لقاح کند و تخمک را تشکیل می‌دهد. سخن ایشان با احتمال دوّم سازگار است امّا با احتمال اوّل که مورد نظر برخی مفسران (مثل صاحب تفسیر نمونه) بود سازگار نیست.

دوّم: مقصود از ماء دافق و صلب و ترائب چیست؟

اشاره

دوّم: مقصود از ماء دافق و صلب و ترائب چیست؟ خداوند در یکی از آیاتی که در مورد خلقت انسان از آب سخن می گوید می‌فرماید: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ «۲» «پس باید انسان بنگرد که از چه چیزی خلق شده است، انسان از آبی جهنده آفریده شد، (آبی که) از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید.» برخی از مفسران، مترجمان و متخصصان علوم پزشکی در مورد این آیه سخنانی گفته‌اند که موجب ابهام این آیه و ناسازگاری آن با یافته‌های علوم پزشکی شده است. برای مثال گفته‌اند که: «مراد از صلب و ترائب، پشت مرد و سینه زن است». و لذا برخی افراد

(_____ ۱) ر. ک: مفردات راغب، ماده سلّ.

(۲) طارق/ ۵- ۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۴ مثل دکتر بوکای صریحا می‌نویسد که: «این ترجمه‌ها نوعی تعبیر است و بعلاوه بسیار کم قابل فهم است.» «۱» و «۲» در حالی که با بررسی دقیق این آیه متوجه می‌شویم که نه تنها قرآن در اینجا سخنی مخالف علم نگفته است بلکه اشاراتی علمی همراه با رعایت کمال ادب بیان نموده است. در اینجا لازم است که چند نکته تفسیری و علمی روشن شود تا مقصود آیات فوق معلوم گردد:

۱. ماء دافق:

۱. ماء دافق: مفسران در این مورد دو دیدگاه دارند هر چند که در مسأله سه احتمال وجود دارد: الف: اینکه مراد از «ماء دافق» همان منی مرد است که بصورت جهنده از او خارج می‌شود. (و دافق به معنی «مدفوق» یا «ذو دفق» آمده است.) «۳» ب: مراد از «ماء دافق» همان آب مشترک زن و مرد است که در رحم مخلوط می‌شود و یک آب می‌شود. این مطلب از کلام برخی مفسرین به دست می‌آید. «۴» ج: مراد از ماء دافق چیزی باشد که از زنان خارج می‌شود (اوول) تا از ترکیب آن با اسپرم‌ها نطفه اولیه کودک تشکیل شود

بررسی:

بررسی: کودک انسان به دنبال تشکیل و رشد تخمک بوجود می‌آید که هر تخمک از دو قسمت تشکیل می‌شود: یکی «اسپرماتوزوئید» مرد و دیگری «اوول» زن. هر مرد در هنگام آمیزش، قطراتی از منی با جهش از او خارج می‌شود. در منی صدها میلیون «اسپرماتوزئید» وجود دارد «۵» که معمولا- یکی از آنها خود را به «اوول» زن می‌رساند و با آن ترکیب می‌شود و تشکیل تخمک می‌دهد و سپس به کندی حرکت می کند تا در رحم زن مستقر می‌شود و کم کم رشد کرده و کودکی به دنیا می‌آید.

(_____ ۱) دکتر موریس بوکای، مقایسه‌ای

میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۹. (۲) سخنان آنها و نقد آن بدنبال می‌آید. (۳) علامه طباطبائی (ره)، المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۹، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹ ق. چاپ سوّم. (۴) زمخشری، الکشاف، ذیل آیات فوق می‌گوید: و لم یقل ماءین لامتزاجهما فی الرحم ... (ج ۴، ص ۷۳۵، نشر دار الکتاب العربی، ۱۴۰۶ ق) (۵) تعداد اسپرم‌ها را در هر عمل زناشوئی بین دویست تا سیصد میلیون دانسته‌اند. ر. ک: پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور، ص ۳۰ و بهداشت ازدواج از نظر اسلام، ص ۴۲ و مصطفی زمانی، پیشگوئیهای علمی قرآن، ص ۱۱۸، انتشارات پیام اسلام. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۵ پس با توجه به مسایل علمی فوق می‌توان احتمال نخست را پذیرفت که مراد از «ماء دافق» همان منی مرد است که با جهش بیرون می‌آید. و با ظهور آیه نیز سازگار است. و این بدان جهت است که چیزی که از زنان خارج می‌شود (اوول) جهشی ندارد. و در هنگام حرکت به طرف رحم هم به کندی حرکت می‌کند. پس دیدگاه دوّم در مورد «ماء دافق» (آب مشترک زن و مرد) صحیح به نظر نمی‌رسد. و احتمال سوّم را نیز کسی نگفته است. پس اساسا منتفی است.

۲. مراد از «صلب» چیست؟

۲. مراد از «صلب» چیست؟ در این مورد چند احتمال وجود دارد: الف: در مورد این لغت، راغب می‌گوید: صلب «چیز شدید و سخت» را گویند و به همین مناسبت به مرد اطلاق می‌شود. «۱» ب: برخی احتمال داده‌اند که مراد استخوان پشت مرد «۲» (ستون فقرات) باشد و در راستای همین معنا، دکتر قرقوز و دکتر دیاب در مورد معنای کلمه صلب می‌نویسند: «صلب شامل ستون فقرات کمر و استخوان خارجی و از نظر عصبی در برگیرنده مرکز تنظیم رفتارهای جنسی است. رشته‌های عصبی که از صلب (ستون فقرات) نشأت گرفته‌اند، دستگاه تناسلی را عصب می‌دهند. از این رشته‌ها می‌توان شبکه خورشیدی، شبکه عصبی خاجی و رشته‌های عصبی دستگاه تناسلی را نام برد. این رشته‌های عصبی با رشته‌های عصبی مسئول انقباض و انبساط شریانهای خونی و نعوظ و رخوت آلت تناسلی و کلیه امور مربوط به فعالیت‌های جنسی تلاقی می‌کنند. اگر بخواهیم منطقه صلب را که مسئول این عصب دهی می‌باشد مشخص کنیم، می‌گوئیم که این منطقه در محدوده‌ای بین مهره دوازدهم پشتی و مهره اوّل و دوّم کمری و دوّم و سوّم و چهارم خاجی قرار دارد.» «۳» پ: برخی نیز احتمال داده‌اند که کل بدن انسان که بین استخوان سینه و پشت واقع می‌شود مراد باشد. «۴» (_____» ۱) مفردات راغب اصفهانی، ماده صلب. (۲) فخر رازی، تفسیر کبیر، ذیل آیه ۵- ۷ سوره طارق و نیز مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۲. (۳) طب در قرآن، ص ۳۱. (۴) علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، زیر آیه ۵- ۷ سوره طارق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۶ ت: برخی نیز احتمال داده‌اند که مراد محل خروج منی مرد باشد. «۱» و در راستای همین معنا دکتر پاک‌نژاد صلب را بمعنای دستگاه نطفه ساز مردانه می‌داند. «۲» ث: برخی از لغویین نیز احتمال داده‌اند که مقصود استخوان مرد باشد. «۳» ج: برخی از لغویین نیز احتمال داده‌اند که مقصود مطلق قوت و شدت باشد. «۴» ح: برخی از لغویین نیز احتمال داده‌اند که مقصود مبدأ پیدایش منی باشد یعنی دستگاه گوارش. «۵»

بررسی:

بررسی: با توجه به اینکه همه اقوال در مورد مرد و یا محل خاصی از بدن او (مثل پشت یا ستون فقرات) است. اجمالا معلوم می‌شود که مراد از صلب، زن یا قسمتی از بدن او نیست. امّا با توجه به معنای ترائب که بعدا می‌آید، صلب به معنای «پشت مرد» صحیح‌تر به نظر می‌رسد. و امّا معنای لغوی شدت (الف- ج) نمی‌تواند مقصود باشد چرا که منی از صرف شدت بیرون نمی‌آید بلکه از مصادیق آن اشیاء شدید است و در بدن مرد پشت او را صلب گویند چون بسیار شدید، محکم و قوی است. و امّا معنای سوّم (پ) که کل

بـدن مرد مراد باشـد اگر بگوئیم از مجموع تعبیر صـلب و ترائب این مطلب مقصود است چیزی است که در پایـان بحث به آن اشاره می‌کنیم و آن را بـا معنـای دوّم جمع می‌کنیم. ولی اگر از کلمه صـلب کل بـدن مرد اراده شود قابل قبول نیست چون لازم است که ترائب نیز «زن» معنـا شود و منی از بین این دو خـارج نمی‌شود بلکه از درون مرد خارج می‌شود. و امّا معنای چهارم (ث) که مقصود محل دستگاه نطفه ساز مرد باشد نیز قابل قبول نیست چرا که منی از بین آن و ترائب خارج نمی‌شود بلکه از داخل دستگاه نطفه ساز خـارج می‌شود مگر آنکه بگوئیم کلمه «بین» به معنی داخـل است که در این صورت خلاـف ظـاهر معنای لفظ را گرفته‌ایم. و امّا در مـورد معنـای پنجـم (ث) یعنی اسـتخوان مرد اگر منظـور اسـتخوان پشـت مرد باشـد اشـکالی نـدارد و الّـا کلمه صـلب به معنی مطلق اســتخوان نمی‌آیــد (_____. ۱) رسـتگاری جویباری، تفسـیر البصائر، زیر آیه ۵- ۷ سوره طارق. (۲) اولین دانشـگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۰. (۳) مصطفوی، التحقیق فی کلمـات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۳. (۴) مصـطفوی، التحقیق فی کلمـات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۳. (۵) مصطفوی، التحقیق فی کلمـات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۶۳. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۷ و امّا در مورد معانی هفتم (ح) یعنی دسـتگاه گوارش اگر مقصود اسـتفاده از کل جمله ما بَیْنَ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ باشد ممکن است به صورت کنائی در بعضـی موارد محتمل باشد امّـا اگر بخواهیم از خود لفـظ صـلب چنین معنـائی برداشت کنیم صـحیح نیست. چون چنین معنـا و اسـتعمالی در مورد صـلب سـراغ نداریم.

۳. مقصود از «ترائب» چیست؟

۳. مقصود از «ترائب» چیست؟ در این مورد، معـانی متعـددی گفته شـده است که به صورت مختصـر اشاره می‌کنیم: الف: اسـتخوان محل گردنبند زن «۱» (ترائب از ریشه تراب است و از آنجا که استخوان سینه زن نرم است و آسان حرکت می‌کند و لذا ترائب گفته شده است) ب: بین دو سـینه زن. «۲» پ: بین دو کتف و سـر. «۳» ت: استخوان سینه و گلوگاه. «۴» ث: عصاره قلب. «۵» ج: دست و چشم و پا و ... «۶» (سرتاسر بدن) چ: محل خروج اوول زن. «۷» دکتر پاک‌نژاد نیز در همین راستا می‌نویسد: «چاره‌ای جز این نداریم که صـلب را دسـتگاه نطفه سـاز مردانه و ترائب را دسـتگاه نطفه سـاز زنانه بـدانیم.» و سـپس این مطلب را با ظاهر آیه اینگونه توجیه می‌کنـد که: «وقتی به کتب لغت مراجعه نموده و محل آنها را که مربوط به قسـمت پشتی و قـدامی سـتون فقرات یعنی جای اولیه‌ای که بیضه و رحم قرار می‌گیرنـد بدانیم (قبل از شـش ماهگی جنین تخم و تخمدان هر دو در پشت قرار دارند و پس از شـش ماهگی در جنس نر هر دو به پائین کشـیده شـده و در پوسـته بیضه قرار می‌گیرنـد و به وضع عادی درمی‌آینـد. و در جنس ماده نیز مختصـر جابجا شـده در دو طرف پهلو محاذی لوله‌های رحم جایگزین می‌شوند) می‌توانیم آیه قرآن را به ترتیب زیر، مراحل آفرینش خلقت آدمی دانسـت (_____. ۱) مجمع البیـان، زیر آیه و نیز لسان العرب و تفسیر نمونه با این تفاوت که ترائب را جمع تربیه گرفته‌اند. (۲) تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، ج ۴، ص ۵۳۲ و مجمع البیان، ذیل آیه. (۳) تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، ج ۴، ص ۵۳۲ و مجمع البیان، ذیل آیه. (۴) تفسیر ابن کثیر (تفسـیر القرآن العظیم)، ج ۴، ص ۵۳۲ و مجمع البیـان، ذیل آیه. (۵) تفسـیر البصـائر، زیر آیه و نیز تفسـیر ابن کثیر. (۶) مجمع البیـان، زیرا آیه. (۷) البصـائر، زیر آیه. پژوهشـی در اعجـاز علمی قرآن، ص: ۴۴۸ از آب دافق کنـار و اطراف نخـاع خلقت شـد. در صلب و ترائب دو قسـمت وابسـته به بیضه و رحم جای داشت. سـپس از مجرا و گذرگاه که بیضه و تخمدان باشد گذشت ... ناگفته نمانـد چون متاسـتازهای سـرطان بیضه در وهله اوّل اطراف سـتون فقرات تظاهر می‌کند ممکن است بزودی اعلام دارند که بین مایع اطراف نخاع و مایع موجود در مجاری منی ساز بیضه ارتباط مسـلم و قطعی برقرار است.» «۱» ح: بین نخاع و سینه هر شخص. «۲» خ: ترائب به چیزهـای جفت و مسـاوی در بـدن انسـان گفته می‌شـود. و لـذا به انگشـتان دست و دو اسـتخوان ران پـای انسـان نیز ترائب

گویند. (یعنی منطقه‌ای که آلت تناسلی مرد در آن قسمت واقع شده است «۳») در همین راستا دکتر دیاب و دکتر قرقوز نیز پس از نقل معانی مفسرین می‌نویسند: «اکنون که میدان معنا تا این حد گسترده است ما آن معنا را برمی‌گزینیم که با حقایق علمی نیز موافقت دارد. یعنی ترائب را عبارت از استخوان‌های میان هر دو پا فرض می‌کنیم.» «۴» و استاد آیة اللّه معرفت نیز همین معنا را پذیرفته‌اند. «۵»

بررسی:

بررسی: اصل لغت ترائب به دو معنای «خضوع و تسلیم» و هر «دو چیز مساوی در بدن» است و بنظر می‌رسد که اکثر معانی و احتمالاتی که در آیه مطرح شد استعمالاتی در مصادیق همین دو معناست.

(_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۰- ۲۴۱. (۲) البصائر، ذیل آیه. (۳) ر. ک: تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه، از ضحاک (که از تابعین تابعین در تفسیر است) این معنا را نقل می‌کند. (قال ضحاک: الترائب بین الثدیین و الرجلین و العینین ...) و در مقاییس اللغه نیز گوید: ترب: اصلان احدهما التراب و ما یشتق منه و الاخر تساوی الشیئین. و صاحب التحقیق بعد از آنکه اصل معنای لغوی را مسکنة و خضوع کامل می‌داند می‌گوید: امّا خروجه من بین الصلب و الترائب فلعلّ المراد خروجه من بین العمود الفقری و هو الصلب المنتهی الی العجز و بین الفخذین المعبّر عنهما بالترائب لکونهما من اسافل الاعضاء ... (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۸۳- ۳۸۴) (۴) طب در قرآن، ص ۳۲. (۵) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۶۲- ۶۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۴۹ امّا با توجه به معانی «ترائب» و احتمالاتی که داده‌اند چند معنا برای آیه یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ ممکن است بیان شود: اوّل: آبی که از پشت مرد و سینه زن خارج می‌شود. این معنا موافق اکثر معانی ترائب است که تعبیر سینه و استخوان سینه زن دارد. و در همین راستا یکی از مترجمان قرآن آیه ۶- ۷ سوره طارق را اینگونه ترجمه می‌کند: «از آب جهنده‌ای خلق شده [که از صلب مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می‌آید.» «۱» برخی از مفسران همین معنا را پذیرفته و در صدد توجیه علمی آن برآمده‌اند. «۲» امّا با توجه به اینکه این جمله یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ صفت ماء دافق است و اوول زن حالت جهندگی ندارد، نمی‌تواند احتمال قوی به حساب آید. و صاحب التحقیق نیز با طرح همین احتمال آن را غیر صحیح می‌داند. چون منی از بین پشت مرد و سینه زن یعنی وسط آنها خارج نمی‌شود. بلکه از درون مرد خارج می‌شود. «۳» دوّم: آبی که از پشت و سینه مرد خارج می‌شود. فخر رازی این مطلب را بصورت یک احتمال ذکر می‌کند. ولی این مطلب توجیه علمی و معقول ندارد مگر آنکه گفته شود مراد کل وجود مرد است که بین استخوان سینه و پشت واقع شده است. سوّم: جنین از رحم زن خارج می‌شود که میان پشت و قسمت جلوی بدن او قرار می‌گیرد. «۴» این احتمال هم ضعیف است چون در معنای کلمه «صلب» پشت زن گفته نشده بود. چهارم: صلب مظهر محکمی و سختی و خشن بودن مرد است و ترائب مظهر لطافت زن است پس مراد اسپرم مرد و اوول زن است. «۵» این احتمال هم ضعیف است چرا که معنای آیه مجازی می‌شود علاوه بر آن قبلا بیان شد که اوول زن حرکت کند دارد.

(_____ ۱) استاد فولادوند، ترجمه قرآن. (۲) سیّد قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۸۷۷، دار الشروق، ۱۴۰۲ ق، الطبعة العاشرة. (۳) مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۸۴ (و امّا تفسیر الایه الکریمه بالخروج من بین ظهر الرجل و صدر المرأة فغیر صحیح فان حقیقة اللفظین غیر ما فسّروهما و لان الماء لا یخرج من بین ظهر الرجل و صدر المرأة من وسطهما.) (۴) تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۶۵. بصورت احتمال ذکر می‌کند. (۵) همان و نیز صاحب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز این مطلب را به صورت توضیح یک احتمال ذکر کرده است. ج ۶، ص ۲۶۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۰ پنجم: آبی که از بین دستگاه نطفه ساز مرد و دستگاه زن

خارج می‌شود. یعنی همان معنایی که دکتر پاک‌نژاد در مورد صلب و ترائب پذیرفتند. امّا این احتمال نیز قابل قبول نیست چون منی از داخل دستگاه نطفه ساز مرد خارج می‌شود نه از بین دو دستگاه نطفه ساز مرد و زن. و بر همین اساس است که خود ایشان هم مجبور شده است این معنا را توجیهی بعید کند. ششم: منی مرد از بین پشت و پیش روی او خارج می‌شود. این معنا مورد پذیرش برخی مفسران واقع شده است. «۱» و شواهدی برای آن اقامه شده است از جمله آنکه، عمده‌ترین عامل پیدایش منی «نخاع شوکی» است که در پشت مرد واقع است و سپس قلب و کبد است. که یکی زیر استخوانهای سینه و دیگری در میان این دو قرار دارد. و همین سبب شده که تعبیرما بَیْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ برای آن انتخاب شود. «۲» پس می‌توان گفت که نطفه مرد از میان پشت و روی او خارج می‌شود. و از طرف دیگر در هنگام خروج منی هیجان تمام بدن را فرا می‌گیرد. و بعد از آن تمام بدن سست می‌شود. لذا برخی گفته‌اند در حقیقت منی از تمام بدن خارج می‌شود. «۳» هفتم: آب منی از بین پشت و دو استخوان پا (محل آلت تناسلی) خارج می‌شود. این معنا موافق معنای أخیر در کلمه ترائب است که شواهد متعددی از لغت و تفسیر به همراه داشت و مورد پذیرش برخی پزشکان نیز بود چرا که با مطالب علمی پزشکی سازگار است. استاد آیة اللّه معرفت نیز همین معنا را می‌پذیرد و از قول دکتر کنعان الجائی نیز همین را ذکر می‌کنند. «۴» دکتر دیاب و قرقوز در این زمینه می‌نویسند: «ماء دافق همان آب مرد یعنی منی است که از میان صلب و ترائب (استخوان پاها) او خارج می‌شود ... تمام نقاط و مجاری عبور منی از نظر کالبد شکافی در محدوده صلب و ترائب قرار دارند. غدد کیسه‌ای پشت پروستات (که ترشحات آنها قسمتی از منی را تشکیل می‌دهد) نیز در محدوده صلب و ترائب قرار گرفته‌اند. سپس با اشاره به غدد کیسه‌ای ترشح کننده منی و وظایف آنها می‌نویسند: این دو غده ترشح کننده هستند که ترشحات آنها بخشی از مایع منی را تشکیل می‌دهد.

(_____۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۶۷. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۶۷. (۳) همان، ص ۳۶۶. (۴) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۶۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۱ ترشحات این غدد به رنگ زرد بوده و از نظر فرکتوز بسیار غنی است همچنین این غدد در عمل جهشی منی به خارج و به صورت دفعات بر اثر انقباض عضلات آنها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. پس می‌توان گفت: منی از میان صلب مرد به عنوان یک مرکز عصبی- تناسلی امر کننده و ترائب او به عنوان رشته‌های عصبی ماء مور به اجرا، خارج می‌شود. و در واقع خروج منی با تناسق و هماهنگی کامل بین آمر و مأمور انجام می‌پذیرد و این مسأله از نظر علمی نیز اثبات رسیده است. با توجه به توضیحات فوق هیچ اشکالی در این مسأله باقی نمی‌ماند که قرآن این موضوع را به گونه‌ای اعجازآمیز و به صورت موعظه بیان فرموده است.» «۱»

نتیجه‌گیری:

نتیجه‌گیری: بنظر می‌رسد که می‌توان معنای ششم و هفتم را با هم جمع کرد و این معنا با کلام علامه طباطبائی (ره) (مراد کل بدن انسان باشد) نیز قابل جمع است. و با مبانی علمی هم ناسازگاری ندارد؛ بلکه علم مؤید آن است. چرا که قرآن می‌فرماید: «منی مرد از بدن او که بین پشت و جلوی او (که منظور محل آلت تناسلی اوست) خارج می‌شود». و این مطلب با ظهور آیه شریفه که صفت برای «ماء دافق» است سازگارتر است. پس آیه ربطی به زنان ندارد تا با مبانی علمی خروج منی و جهنده نبودن اوول ناسازگار باشد. نکته ۱: قرآن کریم سخن پروردگاری حکیم و عالم است که در اوج فصاحت، بلاغت و ادب بیان شده است. ادب قرآن در بیان مطالب جنسی کاملا- روشن است. بنظر می‌رسد که در اینجا نیز برای اینکه نام آلت تناسلی انسان به صراحت برده نشود از تعبیرما بَیْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ «آب جهنده‌ای که از ما بین پشت (مرد) و دو استخوان پای» استفاده شده است. نکته ۲: این تعبیر قرآن کریم گر چه اشاره‌ای لطیف به مسایل علمی است و بار دیگر عظمت این کتاب آسمانی را روشن می‌سازد امّا این مطلب نمی‌تواند

دلیل اعجاز علمی قرآن باشد. چرا که خروج منی از بدن انسان و دستگاه تناسلی که بین پشت و دو استخوان جلوی بدن است فی الجمله برای بشر قابل حسّ بوده است. پس قرآن کریم در این مورد خبر غیبی

(_____ ۱) طب در قرآن، ص ۳۲ - ۳۳ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۲ را بیان نکرده است. و مطالب علمی دکتر پاک‌نژاد در رابطه با دخالت مایع اطراف ستون فقرات در منی نیز به صورت احتمالی بیان شد و چیز خاصی را اثبات نکرد.

سوّم: منشأ منی کجاست (صلب- ظهور)؟

اشاره

سوّم: منشأ منی کجاست (صلب- ظهور)؟ قرآن کریم در مورد نسل انسان‌ها اشاره به پشت (کمر) می‌کند و در این مورد دو تعبیر در قرآن یافت می‌شود که مورد توجه برخی پزشکان قرار گرفته و آن را نوعی اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا «۱» «و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا گواهی دادیم.» خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ «۲» «از آب جهنده‌ای خلق شده [که از بین صلب و ترائب بیرون می‌آید.»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: در مورد آیه دوّم (صلب و ترائب) در صفحات پیشین، بحث مبسوطی داشتیم و بیان شد که مقصود از صلب و ترائب همان بین کمر مرد و دو استخوان ران اوست که کنایه از دستگاه تناسلی مرد است. پس محور اصلی سخن را در اینجا آیه اوّل قرار می‌دهیم. در مورد این آیه مفسران و صاحب‌نظران شش احتمال و دیدگاه را مطرح کرده‌اند: الف: محدثین و اهل ظاهر گفته‌اند که: منظور این است که فرزندان آدم تا پایان دنیا به صورت ذرات کوچکی از پشت آدم خارج شدند و فضا را پر کردند. در حالی که دارای شعور بوده و قادر به سخن گفتن بودند. «۳» ب: منظور استعدادی است که خداوند در ذرات نخستین انسان (یعنی نطفه تا جنین) قرار داده تا بتوانند حقیقت توحید را درک کنند (فطرت توحیدی) «۴»

(_____ ۱) اعراف/ ۱۷۲. (۲) طارق/ ۶- ۷.

(۳) ر. ک: علامه مجلسی (ره)، مرآة العقول، ج ۷، ص ۳۸. (۴) المنار، ج ۹، ص ۳۸۷ و فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۶۷۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۳ ج: مقصود عالم ارواح است یعنی خداوند قبل از خلقت اجساد انسانها، ارواح آنها را آفرید و مخاطب ساخت. این تفسیری است که از برخی روایات استفاده کردند. و استاد مکارم شیرازی بدون اشاره به قائل، نقل می‌کند. «۱» د: مقصود گفتگوی انبیاء با برخی مردم است، که دلائل توحید را از انبیاء شنیدند و پاسخ مثبت دادند. (زبان قال) «۲» ه: زبان حال همه انسانها بعد از بلوغ و عقل است که با دیدن آیات الهی به یکتائی او اعتراف می‌کنند. این تفسیر را از بلخی و رمانی نقل می‌کنند. «۳» و: مقصود عالم ملکوت و وجود جمعی موجودات نزد خداست که با شهود باطنی خدا را مشاهده کرده و به وحدانیت او اعتراف می‌کنند. (دیدگاه علامه طباطبائی (ره)) «۴» ما در این مختصر در صدد نقد و بررسی اقوال مفسرین در مورد تفسیر این آیه نیستیم. چرا که از موضوع بحث ما خارج است و فقط به بررسی مطالب علمی آیه می‌پردازیم. «۵» واژه «ذرّیه» که در آیه ۱۷۲ سوره اعراف آمده است به معنای فرزندان کوچک و خردسال است و در مورد ریشه لغوی آن چند احتمال داده شده است: ۱. از «ذرء» (بر وزن زرع) به معنای آفرینش باشد. بنابراین مفهوم اصلی «ذریه» با مفهوم مخلوق و آفریده شده برابر است. ۲. بعضی آن را

از «ذرّ» (بر وزن شرّ) دانسته‌اند که به معنای موجودات بسیار کوچک همانند ذرات غبار و مورچه‌های بسیار ریز می‌باشد. از این نظر که فرزندان انسان نیز در ابتداء از نطفه بسیار کوچکی آغاز حیات می‌کنند. ۳. احتمال دارد از ماده «ذرو» (بر وزن مرو) به معنی پراکنده ساختن باشد. و به فرزندان انسان ذریه گویند چون پس از تکثیر به هر سو در روی زمین پراکنده می‌شوند. «۶» و جمله «من ظهورهم» بدل از جمله «من بنی آدم» است. و واژه «ظهر» به معنی «پشت انسان» است اگر چه به معنای «قوت و شدت» هم به کار می‌رود. «۷ (_____» ۱) استاد مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۳، ص ۱۱۰. (۲) تفسیر ابو الفتوح رازی، ج ۵، ص ۳۲۶. (۳) ر. ک: شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۵، ص ۲۷. (۴) المیزان، ج ۸، ص ۳۳۴ به بعد. (۵) این شش قول در تفسیر موضوعی پیام قرآن جمع‌آوری شده و مورد نقد و بررسی مفصل قرار گرفته است. (پیام قرآن، ج ۳، ص ۱۰۸ تا ۱۱۵.) (۶) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده ذرو و نیز تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴- ۵. (۷) ر. ک: مفردات راغب و نیز التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۴

اسرار علمی:

اسرار علمی: در مورد آیات فوق برخی پزشکان اینگونه اظهار نظر کرده‌اند: ۱. دکتر قرقوز و دکتر دیاب درباره آیه ۱۷۲ سوره اعراف می‌نویسند: «از همان هنگام که انسان به صورت پاره گوشتی (جنین جوان) در شکم مادر قرار گرفته، دو برجستگی از طناب پشتی (drocotoN) که بعدا ستون فقرات را تشکیل خواهد داد، بوجود می‌آیند. این دو برجستگی را لوله‌های تناسلی (eglit latineG) می‌نامند. جنسیت جنین بوسیله این لوله‌های تناسلی شناخته می‌شود. اگر مقرر شده که جنین پسر باشد، این دو لوله از هفته ششم عمر جنین شروع به ساخت بافتهای مشابه بافتهای بیضه می‌کنند. و امّا اگر مقرر شده که جنین دختر باشد، این لوله‌های تناسلی از هم متمایز شده تا در هفته دهم بافت‌هایی شبیه بافت‌های تخمدان را تشکیل دهند. بدین ترتیب بیضه‌ها و تخمدان‌ها که از یک مبدأ یعنی کمر انسان نشأت گرفته‌اند به تولید عروسها و دامادها می‌پردازند تا از تلاقی آنها بقای نسل بشر ادامه یابد. و بدین طریق متوجه می‌شویم که چگونه ذریه و نسل انسان از پشت او پا به عرصه هستی می‌گذارد و به بیان اعجازآمیز قرآن در این زمینه که چهارده قرن پیش بیان گردیده واقف می‌شویم.» «۱» سپس ایشان برای توجیه کلمه «صلب» در آیه ۷ سوره طارق متذکر می‌شود که ستون فقرات کمر و استخوان خارجی از نظر عصبی در برگیرنده مرکز تنظیم رفتارهای جنسی است. و منطقه خاص صلب که مسئول این عصب دهی است را بین مهره دوازدهم پشتی و مهره اوّل و دوّم و سوّم و چهارم خاجی می‌داند. «۲» ۲. دکتر پاک‌نژاد نیز در مورد آیه ۱۷۲ سوره اعراف می‌نویسد: «تخم و تخمدان هر دو از اول خلقت در پشت قرار دارند و پس از چندی (وقتی جنین در حدود شش ماه دارد) در جنس نر هر دو پایین کشیده شده در پوسته بیضه قرار گرفته به وضع عادی درمی‌آید. و در جنس ماده نیز مختصر جابجا شده در دو طرف پهلو محاذی لوله‌های رحم جایگزین می‌شود. پیدایش نسل و ذریه را نیز می‌دانیم در اثر روانه شدن و نزدیک شدن و سرانجام یکی (_____ ۱) طب در قرآن، ص ۷۷- ۷۸ با تلخیص. (۲) همان، ص ۳۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۵ شدن یکی از دو جزء از جنس نر و ماده (نطفه پدر و نطفه مادر) صورت خواهد گرفت. این دو جزء از ابتدای پیدایش پدر و مادر در آنها به ودیعت نگهداری شده و سرانجام به صورت دو جزء تولید مثل (گامت نر و گامت ماده) درآمده به هم آمیخته جنین را می‌سازند و می‌دانیم که گامت ماده و نر یکی به تخمدان و دیگری به تخم ارتباط دارد. و لذا وقتی قرآن می‌فرماید: «چون پروردگارت از اولاد آدم از پشتشان ذریه ایشان را گرفت.» «۱» شاید اشاره به همین مطلب یعنی به محل اولیه تخم و تخمدان باشد.» سپس اشاره می‌کند که آیه تفسیرهای متعددی دارد. «۲» و در جای دیگر از همین مطلب (جای قرار گرفتن اولیه بیضه تخمدان در پشت انسان) برای تفسیر آیه ۷ سوره طارق استفاده می‌کند. «۳» (که عین عبارت او در بحث قبل آورده شد.) ۳. استاد مکارم شیرازی پس از آنکه شش قول

مفسرین را نقل کرده است. دیدگاه دوم (استعدادی که خداوند در ذرات نخستین انسان یعنی نطفه و سپس جنین قرار داده تا بتوانند حقیقت توحید را درک کنند) و پنجم (زبان حال انسانها بعد از بلوغ و عقل که به یکتائی خدا اعتراف می‌کنند) را برمی‌گزیند. و بقیه دیدگاه‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد. و سپس در توضیح دیدگاه دوم می‌نویسند: «به این ترتیب «عالم ذر» همان عالم جنین است و سؤال و پاسخ به زبان حال صورت گرفته نه به زبان قال. و این مطلب شواهد و نظائر زیادی در کلمات عرب و غیر عرب دارد.» «۴»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. دلالت تعبیر «من ظهورهم» بر دو برجستگی طناب پشتی جنین که منشأ لوله‌های تناسلی (تخم و تخمدان) مرد و زن است، جای تأمل است. چرا که اگر ظاهر لفظ آیه را در نظر بگیریم می‌گوید: «ذریه انسان از پشت و کمر او اخذ شد.» یعنی ظاهر آیه اخذ ذریّه از پشت انسان به صورت مستقیم و بالفعل است (نه بالقوه و منشأ پیدایش) در حالی که ذریه انسان از اسپرم و اوول است که بالفعل از بیضه‌ها و تخمدان زن خارج می‌شوند نه از پشت آنها. (_____ ۱) اعراف/ ۱۷۲. (۲) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۳۷- ۲۳۸. (۳) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ص ۲۴۰- ۲۴۱. (۴) پیام قرآن، ج ۳، ص ۱۰۹ تا ص ۱۱۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۶ و لذا این ظهور آیه قابل اخذ نیست پس یا باید عبارت «من ظهورهم» را بر معنای کنائی حمل کنیم و بگوییم مقصود آیه این است که «از نسل انسانها» همانطور که در تعبیرات عرفی می‌گوییم: «این افراد تا هفت پشت فلان هستند». و مراد نسل بعد نسل است. و لکن این تعبیرات عرفی فقط در فارسی است و در لغت عرب چنین تعبیری در مورد «ظهر» نیافتیم. و یا بگوئیم «من» نشویه است و می‌خواهد بگوید منشأ پیدایش ذریه انسان پشت او است اگر چه مستقیم و بالفعل اینگونه نیست. بنابراین سخن دکتر پاک‌نژاد و دکتر قرقوز و دکتر دیاب وجهی پیدا می‌کند. ۲. آیه ۱۷۲ سوره اعراف در مورد منشأ ذریه انسان اگر بر طبق احتمالی معنا شود که دکتر پاک‌نژاد و دیاب و قرقوز معنا کردند می‌تواند نوعی رازگوئی علمی قرآن باشد. امّا به هیچ وجه دلالتی بر اعجاز علمی قرآن ندارد، چرا که: اولا: در آیه فوق حدّاقل شش احتمال تفسیری وجود دارد که سخن این پزشکان فقط بنا بر احتمال دوم (ب) صحیح بود. ثانیا: در مورد ماده «ذر» چند ریشه لغوی ذکر شد. که باز نکته علمی این پزشکان محترم بنابر یک احتمال صحیح بود. ثالثا: در مورد کلمه «ظهر» چند احتمال ذکر شد که تفسیر علمی آیه بنا بر یک احتمال صحیح بود. پس با توجه به احتمالات فوق در آیه ۱۷۲ سوره اعراف نمی‌توان یک تفسیر را به صورت قطعی به آیه نسبت داد و آن را دلیل اعجاز علمی آیه فوق داشت. ۳. واژه «صلب» نیز دلالتی بر منشأ پیدایش انسان از پشت افراد ندارد. چرا که در آیه ۷ سوره طارق می‌خوانیم مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ «از بین صلب و ترائب» یعنی منی از بین پشت مرد و دو استخوان ران او (دستگاه تناسلی او) بیرون می‌آید. و تعبیر «من بین» می‌رساند که منشأ آب خصوص پشت مرد نیست. ۴. یک اشکال و پاسخ آن: برخی از پزشکان با طرح آیه ۱۷۲ سوره اعراف وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ اشکالی را مطرح کرده‌اند که حاصل آن چنین است: «پشت حضرت آدم (ع) جای این همه ذریه را نخواهد داشت.» «۱» پاسخ: هر چند که با توجه به احتمالات تفسیری آیه مورد بحث جواب این اشکال (_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۳۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۷ روشن است امّا در اینجا تذکر دو مطلب لازم است: اولا: در آیه سخن از آدم نیست بلکه سخن از «بنی آدم» (نسل آدم) است. و ثانیا: سخن از پشت حضرت آدم نیست تا بخواهد همه ذریه او در پشت او جمع شوند بلکه «ظهورهم» (پشت نسل آدم) در آیه مطرح است. پس بنظر می‌رسد که طرح اشکال بخاطر عدم دقت در خود آیه بوده است.

مرحله سوّم: آفرینش انسان از منی:

اشاره

مرحله سوّم: آفرینش انسان از منی: قرآن کریم در چند مورد سخن از «منی» می‌گوید و خلقت انسان را از آن می‌داند: أَ فَرَأَیْتُمْ ما تُمْنُونَ أَ أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخالِقُونَ «۱» «آیا آنچه را [که به صورت منی فرو می‌ریزید دیده‌اید؟ آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم.» وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی مِنْ نُطْفَةٍ إِذا تُمْنی «۲» «و هم اوست که دو نوع می‌آفریند: نر و ماده از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود.» أَ لَمْ یَکُ نُطْفَةً مِنْ مَنِیٍّ یُمْنی «۳» «مگر او [قبلا] نطفه‌ای از منی نبود که ریخته می‌شود؟» تذکر: آیاتی که در بحث «خلقت انسان از آب» مورد استناد قرار گرفت بنابر یک تفسیر نظر به منی داشت پس آن آیات نیز می‌تواند در اینجا مورد استناد قرار گیرد. آیات مورد نظر عبارتند از: انبیاء/ ۳۰- نور/ ۴۵- فرقان/ ۵۴- سجده/ ۸- مرسلات/ ۲۰- طارق/ ۶.

منی در لغت:

منی در لغت: راغب اصفهانی منی را به معنای تقدیر (اندازه زدن) می‌داند. و آیات فوق را به معنای تقدیر کردن الهی می‌داند. «۴» صاحب مقاییس اللغه نیز اصل کلمه را از تقدیر می‌داند و معتقد است منی انسان را منی گویند چون که خلقت انسان از آن مقدر می‌شود (_____. ۱) واقعه/ ۵۸ - ۵۹. (۲) نجم/ ۴۵- ۴۶. (۳) قیامت/ ۳۷. (۴) مفردات راغب اصفهانی، ماده منی. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۸ امّا صاحب التحقیق می‌گوید: اصل واژه منی به معنی آرزو و درخواست بدست آوردن چیزی همراه با تقدیر است. و به منی انسان نیز منی گویند چون ظهور شهوت انسان (خواستن و آرزوی چیزی) است. «۱» کلمه منی مکرر در لغت در مورد «ماء الرجل» (آب مرد) به کار رفته است امّا در مورد زن به کار نرفته است مگر در التحقیق که در قسمت اظهار نظر نویسنده در زیر کلمه نطفهٔ «۲» «منی مرد و زن» استعمال کرده‌اند امّا از آنجا که ایشان از لغویین معاصرند و این معنا در لغات قدیمی به کار نرفته پس در مورد قرآن قابل قبول نیست.

منی از نظر علم پزشکی:

منی از نظر علم پزشکی: از نظر اصطلاحی به مایعی که از مردان در هنگام نزدیکی (یا انزال) خارج می‌شود منی گویند که معمولا حاوی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزئید است. «۳» گاهی به نطفه مرد (اسپرماتوزئید) کرمک نیز گفته می‌شود. این اسپرم‌ها در طول مجاری منی ساز بیضه که چندین متر است ساخته و پرداخته و بتدریج برای خروج تکامل می‌یابند. کرمک‌ها دراز هستند و طول آنها ۱۰- ۱۰۰ مو (هر مو یک میلیونم متر است) می‌باشند. دارای سر و گردن و یک دم بسیار متحرک که با آن در هر ثانیه می‌توانند ۱۴ - ۲۳ میکرون حرکت نمایند. کرمک‌ها (اسپرم‌ها) در مهبل زن ریخته می‌شود. به عبارت دیگر، کرمک‌ها بوسیله جهش‌های مخصوص آلت به طرف دهانه رحم پرتاب می‌شوند. کرمک‌ها با مقداری از ترشحات نامبرده (مذی- وذی، ترشحات غده‌های پروستات و غدد داخلی) در مهبل می‌ماند. قسمت اعظم آنها از مخاط مهبل جذب شده وارد دستگاه گردش خون گردیده و طراوت و تازگی خاصی به زن می‌دهد. بسیاری از کرمک‌ها نیز به طرف سوراخ بسیار تنگ دهانه رحم هجوم می‌آورند. این سوراخ که به اندازه چشم سوزنی است همیشه مملو از ترشحی است که اجازه ورود بسیاری از جنبندگان و موجودات ذرّه‌بینی را به رحم (_____ ۱) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۸۵- ۱۸۶. (۲) همان، ج ۱۲، ص ۱۶۰. (۳) پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه

دکتر بهادری و شکور، ص ۳۰. البته برخی از پزشکان تعداد اسپرم‌های مرد را بین ۲ تا ۵۰۰ میلیون عدد در هر انزال متغیر می‌دانند. (ر. ک: دکتر پاک‌نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۱) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۵۹ نمی‌دهد. ولی نسبت به کرمک‌ها خاصیت «شیمو تاکسی» مثبت از طرف مهبل و منفی از داخل رحم دارد. یعنی وقتی کرمک‌ها در مهبل هستند آنها را به داخل رحم می‌کشاند و هنگامی که در رحم هستند آنها را از خود دور می‌سازد. رحم که پشت مثانه راست روده قرار گرفته، جسمی است گوشتی و تو خالی تقریبا به اندازه یک گردو، یک سوراخ از جلو دارد. که به مهبل باز می‌شود و دو سوراخ در دو زاویه فوقانی، طرفی که به لوله‌های رحم باز می‌گردد. لوله‌های رحم ۱۰- ۱۴ سانتی‌متر طول دارند و سر تقریبا آزادشان مجاور تخمدان‌هاست. کرمک‌ها از رحم به طرف لوله می‌روند و با سرعت ۱۱ میلی‌متر در ساعت در مدت ۴ ساعت به وصال تخمک (که در لوله رحم قرار گرفته است) می‌رسند. «۱» و «۲» اسپرم‌ها که همراه با مایعی لزج از مجرای تناسلی مرد خارج می‌شوند در مجرای تناسلی (مهبل) زن ریخته می‌شوند. و فقط ۳۰۰ تا ۵۰۰ عدد آن به ناحیه باروی می‌رسند. و فقط یکی از آنها برای باروی مورد نیاز است. اسپرماتوزئیدها به سرعت از مهبل وارد زهدان و متعاقبا وارد لوله‌های زهدانی می‌گردد. «۳» دکتر دیاب و قرقوز این جریان را اینگونه تشریح می‌کنند: «کاروان داماد (اسپرم‌ها) مسابقه هیجان‌انگیزی است که بین حدود ۵۰۰ میلیون اسپرماتوزئید برگزار می‌گردد. این مسابقه از مهبل زن شروع و با رسیدن اسپرم‌ها به تخمک (اوول زن) ختم نمی‌شود. بلکه با اختراق جداره شفاف تخمک بوسیله یکی از اسپرم‌ها به پایان می‌رسد. زیرا ممکن است دهها اسپرم به تخمک برسند ولی تنها یکی از آنها موفق به عبور از دیواره تخمک گردد.» «۴» مسأله قابل توجهی که به هنگام رها شدن تخمک به چشم می‌خورد مایع شفاف و چسبنده‌ای است با خاصیت قلیائی که در دهانه رحم ظاهر می‌شود و فقط به مدت دو روز ادامه می‌یابد. این ماده نطفه‌ها را جذب کرده و آنها را قادر می‌سازد براحتی از لوله رحم گذشته و در مسابقه هیجان انگیز رسیدن به تخمک شرکت کنند. «۵»

(_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۱ تا ۲۴۷ با تلخیص. (۲) آقای بی‌آزار شیرازی در کتاب گذشته و آینده جهان، ص ۵۶ سرعت حرکت اسپرم‌ها را ۱۵ کیلومتر در ساعت اعلام می‌کند. اما منبعی علمی برای این سخن ارائه نکرده است. (۳) ر. ک: رویان‌شناسی لانگمن، ص ۲۹- ۳۰. (۴) طب در قرآن، ص ۸۱. (۵) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۰ در تفسیر نمونه نیز زیر آیه ۵۸ سوره واقعه مشابه همین مطالب علمی را آورده‌اند. «۱» عبد الرزاق نوفل نیز با ذکر آیات ۵- ۶ سوره طارق مشابه همین مطالب علمی را در مورد منی و اسپرم ذکر می‌کند. «۲» تذکر ۱: برای اطلاع بیشتر به شکل الف و ب در ضمیمه شماره ۱ توجه کنید. تذکر ۲: نکته قابل توجهی در تعبیر قرآن کریم «منی» وجود دارد چرا که خداوند می‌توانست بجای این واژه از واژه‌های دیگر استفاده کند، اما این واژه را که دلالت بر تقدیر و اندازه‌گیری دارد انتخاب کرد و امروزه می‌دانیم که صفات ارثی مردان از طریق همین اسپرم‌ها منتقل می‌شود و در حقیقت تقدیر می‌شود.

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. در تفسیر نمونه در تفسیر آیه ۵۸ واقعه أَ فَرَأَيْتُمْ ما تُمْنُونَ می‌خوانیم: «آیا از نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید آگاهید.» «۳» و در تفسیر آیه ۴۶ سوره نجم مِنْ نُطْفَةٍ إِذا تُمْنى می‌خوانیم: «و از نطفه‌ای که خارج می‌شود و در قرارگاه رحم می‌ریزد.» «۴» و در ترجمه قرآن استاد فولادوند در ترجمه آیه ۳۷ قیامت أَ لَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنى می‌خوانیم: «مگر او [قبلا] نطفه‌ای نبود که [در رحم ریخته می‌شود؟!» «۵» نکته قابل توجه در این تفسیر و ترجمه این است که در هر سه مورد بر این نکته تأکید شده که منی یا نطفه مرد در رحم زن ریخته می‌شود. در حالی که: اولا- منی مرد در مهبل یا مجرای تناسلی زن ریخته می‌شود. (همانطور که در مبحث علمی گذشت) ثانیا: در آیات فوق مکان ریختن منی مشخص نشده است و به صورت مطلق

بیان شده است (_____. ۱) تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱- ۲۴۲. (۲) عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۱۴. (۳) تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۱. (۴) همان، ص ۵۵۹. (۵) استاد محمد مهدی فولادوند، ترجمه قرآن، نشر دار القرآن الکریم، قطع جیبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷ ش. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۱ شاید آنچه که موجب این ترجمه و تفسیر شده است این باشد که منی مرد غالبا در حال آمیزش با زنان خارج می‌شود. و پس از ریختن منی در مهبل (مجرای تناسلی) اسپرم‌ها با تلاش فراوان و با کمک مایعی که از دهانه رحم ترشح می‌شود از لوله رحم عبور می کنند تا به تخمک برسند و پس از لقاح برای لانه گزینی به دیواره رحم بروند. در حالی که این مطالب به معنی ریخته شدن منی مرد داخل رحم زن نیست و در ضمن همیشه هم منی مرد داخل مجرای زنان ریخته نمی‌شود. پس ترجمه و تفسیر فوق صحیح بنظر نمی‌رسد. تذکر: در ضمن در ترجمه استاد فولادوند کلمه «منی» ترجمه نشده است. (مگر او نطفه‌ای از منی نبود که ریخته می‌شود؟) ۲. خلقت انسان از منی چیزی است که قرآن آن را به صورت کلی و سر بسته بیان کرده است. هر چند که تعبیر قرآن کریم یعنی «منی» در مورد مایع جنسی مردان بسیار ظریف و دقیق انتخاب شده است و این یکی از اشارات علمی قرآن است که عظمت این کتاب الهی را نشان می‌دهد. اما از آنجا که انسان‌ها به صورت محسوس این مرحله از خلقت بشر را می‌دیدند و فی الجمله از دخالت منی در تشکیل طفل اطلاع داشتند (هر چند که تمام رموز و اسرار علمی آن را نمی‌دانستند) پس نمی‌توان گفت که تذکر این مطلب اعجاز علمی قرآن است.

خلقت همسر آدم (ع) و عیسی (ع) و پدیده دو جنسی حقیقی (بکرزائی):

خلقت همسر آدم (ع) و عیسی (ع) و پدیده دو جنسی حقیقی (بکرزائی): قرآن کریم در مورد پیدایش همسر آدم (ع) و ادامه نسل او می‌فرماید: یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها وَ بَثَّ مِنْهُما رِجالًا کَثِیراً وَ نِساءً «۱» «ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید.» خداوند در آیاتی سخن از تولد حضرت عیسی (ع) بدون پدر می کند و می‌فرماید: إِنَّ مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ «۲» «در واقع، مثل عیسی (ع) نزد خدا همچون مثل [خلقت آدم است [که او را از خاک آفرید.» (_____ ۱) نساء/ ۱. (۲) آل عمران/ ۵۹.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۲ وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ مَرْیَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِها مَکاناً شَرْقِیًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجاباً فَأَرْسَلْنا إِلَیْها رُوحَنا فَتَمَثَّلَ لَها بَشَراً سَوِیًّا قالَتْ إِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْکَ إِنْ کُنْتَ تَقِیًّا قالَ إِنَّما أَنَا رَسُولُ رَبِّکِ لِأَهَبَ لَکِ غُلاماً زَکِیًّا قالَتْ أَنَّی یَکُونُ لِی غُلامٌ وَ لَمْ یَمْسَسْنِی بَشَرٌ وَ لَمْ أَکُ بَغِیًّا قالَ کَذلِکِ قالَ رَبُّکِ هُوَ عَلَیَّ هَیِّنٌ وَ لِنَجْعَلَهُ آیَةً لِلنَّاسِ وَ رَحْمَةً مِنَّا وَ کانَ أَمْراً مَقْضِیًّا فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَکاناً قَصِیًّا «۱» «و در این کتاب از مریم یاد کن، آنگاه که از کسان خود، در مکانی شرقی به کناری شتافت و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل بشری خوش اندام بر او نمایان شد [مریم گفت: اگر پرهیزکاری، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. گفت: من فقط فرستاده پروردگار توام، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم. گفت: چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام؟ گفت: [فرمان چنین است، پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است، و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم، و [این دستوری قطعی بود. پس [مریم به او [عیسی (ع)] آبستن شد و با او به مکان دور افتاده‌ای پناه جست.» تذکر: تولد عجیب و حیرت انگیز حضرت عیسی (ع) (و برخی حوادث شگفت دیگر در مورد او) باعث شد تا عده‌ای از پیروانش او را پسر خدا و عده‌ای دیگر او را خدا بنامند. از طرف دیگر برخی که نتوانستند این نشانه الهی را باور کنند به حضرت مریم (س) تهمت ناروا زدند که قرآن از این زن پاکدامن دفاع کرده و می‌فرماید: وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فِیهِ مِنْ رُوحِنا «۲» «و مریم دخت عمران را،

همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او روح خود را دمیدیم.» ولی در عصر ما با پیشرفت علوم پزشکی این پرسش مطرح است که اگر انسان از مخلوط اسپرماتوزئید و اوول (گامت نر و ماده) بوجود می‌آید پس چگونه حضرت عیسی (ع) فقط از «تخمک» مادر بوجود آمد.

اسرار علمی خلقت آدم (ع) و عیسی (ع):

اسرار علمی خلقت آدم (ع) و عیسی (ع): ۱. برخی از متخصصان علوم پزشکی خواسته‌اند از طریق پدیده دو جنسی حقیقی مطلب دو آیه آل عمران/ ۵۹ و نساء/ ۱ را حلّ کنند و می‌نویسند: (_____۱) مریم/ ۱۶- ۲۲. (۲) تحریم/ ۱۲.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۳ «شخص دو جنسی حقیقی (msitidorhpamreH eurT) فردی است که گنادهای او شامل هم بافت‌های بیضه و هم بافت‌های تخمدان است. و از لحاظ تئوری و کلاسیک باید به عنوان مذکر، قدرت آبستن نمودن و به عنوان مؤنث، قدرت آبستن شدن را دارا باشد. چنین دو جنس کاملی سابقه مضبوط ندارد اما افرادی دیده شده‌اند که در آنها لزوما اسپرماتوژنزیس همراه با اوول اسیون و قاعدگی وجود داشته است ... دو جنسی حقیقی از نظر مورفولوژی بر حسب شکل و محل گنادها به ترتیب زیر طبقه بندی شده است: ۱- ۱. در یک طرف شخص در یک گناد (sitsetovO) یعنی مجتمع تخمدان و بیضه وجود دارد و در طرف دیگر یک بیضه یا یک تخمدان دیده می‌شود. ۱- ۲. اووتستیس‌های دو طرفه یعنی مجتمع تخمدان و بیضه هم در طرف راست و هم در طرف چپ وجود دارد. ۱- ۳. بیضه در یک طرف و تخمدان در طرف دیگر قرار دارد. ایشان در ابتدای بحث ترجمه آیه اول سوره نساء را آورده است (که اشاره به این مطلب دارد که حضرت آدم (ع) می‌تواند از نوع دو جنسی حقیقی باشد و از او همسرش بوجود آمده باشد) و در پایان می‌نویسد: «شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ حالات گوناگونی است که هر یک می‌تواند احتمالا پاسخی برای انطباق مسئله حضرت مریم (س) با مسائل طبی باشد. اگر چه پاسخ‌های دیگر هم دارد.» «۱» ۲. برخی از نویسندگان در مورد خلقت عیسی (ع) می‌نویسند: «انسان‌ها عادت کرده‌اند وجود فرزند را با تأثیرگذاری و دخالت پدر قبول کنند، غافل از اینکه ممکن است زنی بدون دخالت و نزدیکی با مردی باردار شود و فرزندی سالم به دنیا آورد. و این موضوع با قواعد علمی و اکتشافات دانشمندان در مسئله بکرزایی (پارتنوژنز) «۲» کاملا- منطبق است. از جمله بکرزایی در نوعی از حشرات مانند شته و بعضی از جانداران مانند ستاره دریایی، کرم ابریشم و ملکه زنبور عسل. در جانداران مذکور گاهی تخمک‌ها، بدون عمل لقاح، رشد و نمو خود را شروع می‌کنند و در (_____۱) دکتر محمد صادق رجحان (استاد نمونه دانشگاه علوم پزشکی تهران)، بافت‌شناسی انسانی پایه (بافت‌شناسی پزشکی)، انتشارات چهر، ۱۳۷۰ چاپ دهم، ص ۷۶۵- ۷۶۶. (۲) . sisenegonetreaP پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۴ جانداران ذرّه‌بینی نیز مانند باکتریها، میکروبها و ویروسها تولید مثل بدون عمل لقاح انجام می‌پذیرد. حتی «فیلوکسرا و استاتریکس» «۱» می‌توانند تا ده نسل بدون دخالت نر تولید مثل کند.» «۲» ۳. دکتر «آلکسیس کارل» فیزیولوژیست و زیست‌شناس مشهور فرانسه درباره بکر زایی قورباغه می‌نویسد: «وقتی به میزان سهمی که پدر و مادر، هر یک در تولید مثل دارند فکر می‌کنیم، باید آزمایشهای «لوب و باتایون» را به خاطر بیاوریم که از تخمک بارور نشده قورباغه‌ای بدون دخالت اسپرماتوزئید و نطفه نر به وسیله تکنیک‌های خاصی قورباغه جدیدی می‌توان به وجود آورد. به این ترتیب ممکن است یک عامل شیمیائی یا فیزیکی را جانشین سلول نر کرد ولی در هر حال وجود یک عامل ماده لازم و ضروری است.» «۳» ۴. و برخی دیگر نوشته‌اند که: دانشمندان توانسته‌اند موش ماده‌ای را (بدون اینکه با موش نر آمیزش کند) با جریان مخصوص الکتریسیته بارور کنند و بچه‌ای را به دنیا آورد. «۴» ۵. دکتر «موریس بوکای» در مورد خلقت عیسی (ع)

می‌نویسد: «انجیل‌ها (همانند قرآن) داستان واحدی را درباره مبادی زیستی عیسی (ع) عرضه می‌کنند. نمو عیسی (ع) در رحم مادر بیرون از قوانین طبیعی مشترک بین همه افراد بشر انجام شده، بدین شرح که تخم حاصله از تخمدان مادرش نیازی به تلاقی اسپرماتوزئیدی که از طرف پدر آمده باشد تا جنینی و سپس فرزند قابل زیستی تشکیل دهد، نداشته است. پدیده‌ای که منتهی به تولد فرد عادی بدون دخالت عنصر تلقیح کننده می‌گردد «بکرزائی» نامیده می‌شود.» حشرات متنوع، برخی بی‌مهرگان و بطور بسیار نادر: نوعی گزیده پرندگان چنین حالتی دارند و سپس ذکر می‌کند که در آزمایشات بکرزائی بر روی پستانداران تا خرگوش پیش رفته‌اند و جنین در مرحله بسیار ابتدائی بدست آورده‌اند. ولی جلوتر نرفته‌اند و هیچ نمونه‌ای

(_____ ۱) . xiretatsav arexolyhP

۲)) ر. ک: گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۱۰- ۱۱۱ و نیز علامه حسینی طهرانی، نور ملکوت قرآن، ص ۱۲۴ و نیز استاد مکارم شیرازی و استاد جعفر سبحانی، پرسشها و پاسخهای مذهبی، ج ۲، ص ۴۱ و نیز دکتر مجذوب صفا، پنجگام، ص ۱۱۵. (۳) دکتر آلکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه دکتر دبیری، ص ۱۰۴. (۴) دکتر احمد بهشتی، عیسی پیام‌آور اسلام، ص ۳۲۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۵ از بکرزائی نه آزمایشی و نه طبیعی نزد آنها شناخته شده نیست. «۱» ۶. برخی دیگر از نویسندگان تحت عنوان «یک واقعه حیرت انگیز» گزارش خانم «امی ماری جونز» را می‌دهند که فرزندی بدون پدر بدنیا آورد و پزشکان پس از مطالعات و آزمایشات به این نتیجه رسیدند که در خون دختر بچه او (مونیکا) کوچکترین علامت یا اثر مرد خارجی وجود ندارد و تنها خون هورمونهای مادر اوست که وجود او را درست کرده است. «۲» سپس از قول دکتر «گلدمان» زیست‌شناس می‌نویسد که: زنان ممکن است بدون دخالت مرد باردار شوند و کودک سالمی به دنیا بیاورند و در این صورت کودک از هر لحاظ کپیه مادرش می‌شود. برای اینکه بدون دخالت مرد، زن باردار شود، کافی است که بعضی سلولهای جنس او تحریک شود. «۳»

بررسی:

بررسی: ۱. اینکه حضرت عیسی (ع) بدون پدر متولد شده است از نظر آیات قرآن امری مسلم است. اما اولا: این یک معجزه الهی بوده است همانطور که خود قرآن می‌فرماید: وَ لِنَجْعَلَهُ آیَةً لِلنَّاسِ «۴» و ثانیا: این حاملگی مریم (س) علتی داشته است که قرآن از آن تعبیر به دخالت «روح» می‌کند. فَأَرْسَلْنا إِلَیْها رُوحَنا فَتَمَثَّلَ لَها بَشَراً سَوِیًّا «۵» فَنَفَخْنا فِیهِ مِنْ رُوحِنا «۶» و این روح الهی به صورت بشری بر مریم ظاهر شد و با او گفتگو کرد و به او خبر داد که چنین اتفاقی (حامله شدن مریم به عیسی (ع)) را خدا خواسته است. پس نمی‌توان گفت که این مطلب یک بکرزائی بوده است. چرا که از طرفی بکرزائی هر چند که امری مسلم باشد و در حیواناتی غیر از انسان یافت شود ولی در مورد انسان، نه به صورت آزمایشی و نه طبیعی به انجام نرسیده و نمونه ندارد. و از طرف دیگر بر فرض امکان بکرزائی در انسانها اشکال این است که چرا دستگاه‌های تولید مثل حضرت مریم (س) به یکباره تغییر حالت

(_____ ۱) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح اللّه دبیر، ص ۱۱۸. (۲) مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۱۲- ۱۱۳، از روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۸۲۰ نقل می‌کنند. (۳) همان و نیز ذکر اللّه احمدی، علوم جدید از دیدگاه اسلام (ارمغان روشنفکران)، ص ۱۰۷. (۴) مریم/ ۲۱. (۵) مریم/ ۱۷. (۶) تحریم/ ۱۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۶ داد و بکرزا شد. و صرف امکان بکرزائی نمی‌تواند این اشکال را برطرف کند. بلی پدیده بکرزائی و انجام عملی آن در برخی حیوانات می‌تواند «امکان بکرزائی» را در عالم خارج به صورت یک احتمال در مورد حیوانات دیگر هم مطرح کند، پس محال نیست که یک حیوان یا انسان به صورت بکرزائی (و بدون تماس با جنس نر) بچه‌ای بدنیا آورد. اما این مطلب «تحقق خارجی بکرزائی» در مورد حضرت مریم (ع) را اثبات نمی‌کند. بلکه بر طبق

آیات قرآن عاملی دیگر (روح الهی) در این امر دخالت داشته است. اما در مورد اینکه روح الهی چیست؟ تقریبا همه مفسران معروف، روح را در اینجا به جبرئیل فرشته بزرگ خدا تفسیر کرده‌اند «۱» و تعبیر روح از او به خاطر آن است که هم روحانی است و هم وجودی حیات‌بخش است. و اضافه روح به خدا، در اینجا دلیل بر عظمت و شرافت این روح است (یعنی اضافه تشریفیه است) ۲. در مورد خلقت همسر حضرت آدم (ع) از وجود ایشان که در سوره نساء آیه ۱: خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها مطرح شده بود. دو احتمال مطرح شده است: الف: مقصود از «نفس» در آیه فوق بدن انسان باشد. «۲» و لذا خلقت همسر آدم (حواء) از خود بدن او بوده است که طبق روایت تورات، حواء از دنده چپ آدم (ع) آفریده شد. «۳» و برخی روایات غیر معتبر (اسرائیلیات) نیز همین مطلب را می گوید. و خلقت حواء به صورت بکرزائی از حضرت آدم (ع) طبق این تفسیر می‌تواند مطرح شود. ب: مقصود از خَلَقَ مِنْها زَوْجَها خلقت حواء از جنس آدم (ع) (جنس بشر) باشد. و این معنا با توجه به آیات دیگر قرآن قابل اثبات است که می‌فرماید: وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها «۴» «از نشانه‌های قدرت خدا این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا بوسیله آنها آرامش بیابید.»

(_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۶ و دیگر تفاسیر زیر آیه ۱۷ سوره مریم. (۲) واژه نفس در قرآن کریم گاهی به معنای «بدن» نیز می‌آید مثل آیه ۳۲ مائده (من قتل نفسا بغیر نفس) ولی در غالب موارد به معنای شخصیت واقعی انسان یعنی روح انسان می‌آید. البته بعد دوم انسان اسامی و صفات گوناگونی دارد (مثل قلب، نفس، روح، فؤاد، عقل و ...) که هر کدام به اعتباری به آن اطلاق می‌شود. (۳) در کتاب مقدس، تورات، سفر پیدایش، باب دوم، شماره ۲۱ می‌خوانیم: «و خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد.» (۴) روم/ ۲۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۷ وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً «۱» «خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد.» اینکه در این آیات می‌خوانیم: «همسران شما را از شما قرار داد» معنی آن این است که از جنس شما قرار داد نه از اعضای بدن شما. و حتی در روایتی از امام باقر (ع)، خلقت حواء از یکی از دنده‌های آدم (ع) شدیدا تکذیب شده و تصریح گردیده که حواء از باقی مانده خاک آدم (از جنس آدم) آفریده شده است. «۲» پس با توجه به مطالب فوق تفسیر دوّم آیه اثبات می‌شود و تفسیر اوّل رد می‌شود پس پیدایش حواء از آدم به صورت بکرزائی به دو دلیل قابل ردّ است: اوّل: اینکه مبنای این سخن خلقت حواء از بدن آدم است که در تفسیر اول رد شد. دوّم: اینکه بکرزائی مستلزم حاملگی و زایش آدم (ع) است که سخن باطلی است و حتی کسانی که بکرزائی را قبول دارند آن را در جنس ماده برخی حیوانات (نه در جنس نر) می‌پذیرند.

مرحله چهارم: خلقت انسان از نطفه:

اشاره

مرحله چهارم: خلقت انسان از نطفه: قرآن کریم در موارد متعددی نطفهٔ را به عنوان یکی از مراحل خلقت انسان معرفی می کند. این معرفی به چند صورت انجام پذیرفته است: الف: گاهی سخن از مطلق نطفهٔ می کند: خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ «۳» «انسان را از نطفه‌ای آفریده است، آنگاه ستیزه‌جوئی آشکار است.» فَإِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ «۴» «پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم سپس از نطفه، سپس از علقه.» ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فِي قَرارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً «۵» «سپس او را [به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم.»

(_____ ۱) نحل/ ۷۲. (۲) ر. ک: تفسیر

عیاشی به نقل از تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۴۵- ۲۴۶. (۳) نحل/ ۴ و نیز یس/ ۷۷. (۴) حج/ ۵ و نیز نزدیک به همین مضمون در سوره‌های غافر/ ۶۷ و کهف/ ۳۷ و فاطر/ ۱۱. (۵) مؤمنون/ ۱۳- ۱۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۸ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ «۱» «از نطفه‌ای خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید.» ب: گاهی سخن از نطفه مخلوط می‌کند: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ «۲» «ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم تا او را بیازمائیم.» «انسان را خلق کردیم از مخلوط نطفه (زن و مرد) که از حالی به حالی شده است.» «ما او را از آب نطفه مختلط بی‌حس و شعور خلق کردیم.» «۳» ج: انسان از نطفه‌ای از جنس منی آفریده شده است: أَ لَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنى «۴» «مگر او [قبلا] نطفه‌ای از منی نبود که ریخته می‌شود.» مِنْ نُطْفَةٍ إِذا تُمْنى «۵» «از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود.»

نطفه در لغت:

نطفه در لغت: نطفه در لغت به معنای سیلان ضعیف چیزی است. و به معنای آب صاف کم یا زیاد نیز آمده است. و نطفه شامل چیزی که از مرد و زن برای آمیزش خارج می‌شود می‌گردد. پس به منی مرد و زن نطفه گویند چون سیلان دارند. «۶» تذکر: همانطور که مشاهده شد کلمه «نطفه» در لغت مخصوص مردان نیست بلکه شامل آب مرد و زن می‌شود.

نطفه در اصطلاح:

نطفه در اصطلاح: نطفه در اصطلاح عبارت است از چیزی که از مردان یا زنان برای لقاح و تشکیل جنین

(_____ ۱) عبس/ ۱۹. (۲) انسان/ ۲. (۳) ترجمه اول آیه از استاد فولادوند و موافق نظر استاد مکارم شیرازی است و ترجمه دوم از دکتر پاک‌نژاد است که موافق نظر علامه طباطبائی (ره) در المیزان نیز هست و معنای سوّم از الهی قمشه‌ای است. (بزودی این مورد را بررسی خواهیم کرد.) (۴) قیامت/ ۳۷. (۵) النجم/ ۴۶. (۶) ر. ک: فیومی، مصباح اللغة- راغب اصفهانی، مفردات و نیز مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۵۸ تا ۱۶۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۶۹ خارج می‌شود که در مورد آب مردان به آن منی گویند و از نظر پزشکی شامل میلیون‌ها اسپرماتوزئیدها است (که در بحث قبل گذشت) و در مورد آب زنان به آن تخمک (اوول) «۱» گویند. این تخمک‌ها دایره‌ای هستند به قطر متوسط ۱۳۵ مو و گاهی تا ۲۰۰ مو می‌شوند که با چشم دیده می‌شوند. و تعداد آنها کلا حدود چهار صد هزار عدد است که در دوران بارداری نزدیک به چهار صد عدد آنها از زن خارج می‌شود. یعنی در هر ماه سیزده عدد. «۲» البته فقط یک عدد از این تخمک‌ها کامل شده و خارج می‌شوند. و بقیه (حدودا ۱۲ عدد دیگر) تحلیل می‌روند. اسپرماتوزئید به سرعت از مهبل (مجرای تناسلی زن) وارد زهدان و متعاقبا وارد لوله‌های زهدانی می‌گردد. این صعود احتمالا به دلیل انقباضات ماهیچه‌ای زهدان و لوله می‌باشد. باروی (گشنیده شدن- لقاح- noitadnoceF, noitazilitreF) فرایندی است که در آن گامت‌های مرد و زن با هم ادغام می‌شود. باروری در ناحیه حبابی لوله زهدان اتفاق می‌افتد. این ناحیه وسیع‌ترین قسمت لوله بوده و نزدیک تخمدان قرار گرفته است. در حالی که اسپرماتوزئید می‌تواند ۲۴ ساعت در مجرای تولید مثل زن زنده بماند، تصور می‌شود که تخمک ثانوی اگر باروی نشود ۱۲ تا ۱۴ ساعت پس از تخمک گذاری می‌میرد. «۳» تذکر: به شکل الف و ب در ضمیمه مراجعه فرمایید. استاد آیة اللّه معرفت می‌نویسند: نطفه بر سه چیز اطلاق می‌شود: ۱. نطفه مرد که همان اسپرم‌ها (حیوانات منی) هستند. ۲. نطفه زن که همان اوول (البویضه) است. ۳. نطفه مخلوط (یا امشاج) که از آب مرد و زن تشکیل می‌شود. «۴» علامه طباطبائی (ره) در زیر آیه ۲ سوره انسان (دهر) می‌نویسند: النطفة فی الاصل بمعنی الماء القلیل غلب استعماله فی ماء الذکور من

الحیوان الذی یتکوّن منه مثله». «۵» «نطفه در اصل به معنی آب کم است که استعمال آن غالبا در مورد آب جنس نر از حیوانات است آبی که از آن تولید مثل می‌شود.» (_____ ۱) ۲) muvO) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۴۱ و نیز طب در قرآن، ص ۷۷- ۷۸. (۳) رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ص ۲۳ و ص ۲۹. (۴) التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۱. (۵) المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۰ سخن علامه از دو جهت قابل اشکال است: نخست آنکه نطفه به معنی آب چه کم یا زیاد می‌آید نه آب کم همانطور که برخی از لغویین قدیمی بدین مطلب تصریح کرده‌اند. «۱» و دوّم آنکه نطفه به معنی آب مردان و زنان استعمال شده است. و برخی از مفسرین و لغویین قدیم و جدید بدان تصریح کرده‌اند. «۲» و دلیلی بر غلبه آن در آب مردان نیافتیم بلکه برخی استعمالات آن در قرآن کریم نُطْفَةً فِی قَرارٍ مَکِینٍ- نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ- خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً نشان می‌دهد که مقصود نطفه‌ای است که شامل آب مرد و زن (اسپرماتوزئید و اوول) می‌شود.

نطفه در قرآن کریم:

نطفه در قرآن کریم: همانطور که گذشت قرآن کریم گاهی سخن از مطلق نطفه، نطفه مخلوط و نطفه‌ای که از جنس منی است می‌کند. نیز مشاهده کردیم که واژه «نطفه» معنایی وسیع دارد و شامل عامل تولید مثل مرد و زن می‌شود. با توجه به این دو مقدمه می‌توان گفت که قرآن هرگاه سخن از نطفه‌ای که از جنس منی است می‌نماید مقصودش همان منی مرد است و این مطلب از نظر استعمال لغت بلا اشکال است. و لذا ما آیات ۳۷ سوره قیامت و ۴۶ سوره نجم را در بحث منی آوردیم و مورد بحث قرار دادیم. و اما وقتی قرآن سخن از نطفه مخلوط می‌کند (انسان/ ۲) مقصودش همان تخمک (اوول) زن و اسپرماتوزئید مرد پس از لقاح است، یعنی هنگامی که این دو با هم ترکیب شد به نام نطفه امشاج خوانده می‌شود. و اما هنگامی که قرآن سخن از «نطفه» به صورت مطلق (بدون قید «من منی» و «امشاج») می‌گوید مقصود چیست؟ به نظر می‌رسد که در این مورد نیز تخمک لقاح یافته و ترکیب شده با اسپرم مقصود است بخاطر دلایل و شواهد زیر: ۱. در سوره مؤمنون آیه ۱۳- ۱۴ دو قید آورده است که فقط بر تخمک لقاح یافته قابل تطبیق است در آنجا می‌فرماید: ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فِی قَرارٍ مَکِینٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً (_____ ۱) ر. ک: الفیومی، مصباح اللغة و نیز الخلیل الفراهیدی، العین (النطفة الماء الصافی قل او کثر) (۲) ر. ک: الفیومی، مصباح اللغة و مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۵۹ و مجمع البیان، ج ۵، زیر آیه ۲ سوره دهر. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۱ «سپس او را [به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم.» مفسرین تصریح می‌کنند که مقصود از «قرار مکین» در این آیه رحم است. و نطفه پس از لقاح در رحم قرار می‌گیرد. به علاوه آن چیزی که تبدیل به علقه (خون بسته آویزان زالو شکل) می‌شود همان نطفه لقاح یافته با اسپرم است و گر نه نطفه مرد یا زن به تنهایی نمی‌تواند به صورت علقه درآید و یا در رحم استقرار یابد و بماند. ۲. سیاق سوره‌های حج/ ۵- یس/ ۷۷- غافر/ ۶۷- کهف/ ۳۷ و فاطر/ ۱۱ نیز شبیه سیاق آیه ۱۴ سوره مؤمنون است. ۳. همانگونه که گذشت واژه «نطفه» در لغت اعم از نطفه مرد و زن است پس هر جا که این واژه به کار رفت اگر قرینه‌ای قوی وجود داشت بر نطفه خاص مرد یا زن حمل می‌شود (مثل نطفه من منی) امّا هر گاه قرینه‌ای نبود ناچاریم آن را بر معنای اعم حمل کنیم که شامل نطفه مرد و زن می‌شود. ۴. در سوره عبس/ ۱۹ و نحل/ ۴، نیز می‌توانیم قرینه‌ای برای اعم بودن پیدا کرد. چرا که در سوره عبس/ ۱۷- ۱۹: قُتِلَ الْإِنْسانُ ما أَکْفَرَهُ مِنْ أَیِّ شَیْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ و در سوره نحل/ ۴: خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ سخن از جنس انسان و خلقت آن گفته شده است و روشن است که جنس انسان از نطفه مرد به تنهایی خلق نشده است بلکه از مجموع نطفه مرد و زن خلق شده است.

نتیجه‌گیری:

نتیجه‌گیری: واژه نطفه که در لغت اعم از نطفه مرد و زن است، در قرآن کریم در مورد نطفه زن و مرد (اوول و اسپرماتوزئید) یعنی نطفه لقاح یافته و بارور شده به کار می‌رود مگر آنکه قرینه‌ای مشخص کند که منظور خصوص نطفه مرد است.

اسرار و نکات علمی:

اسرار و نکات علمی: در مورد آیات مربوط به «نطفه» مفسران و نیز صاحب‌نظران اظهار نظرهایی کرده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱. طبرسی (ره) در مجمع البیان در مورد آیه ۲ سوره انسان: مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ چند پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۲ دیدگاه را مطرح می‌کند: الف: مراد آب مرد و زن است که با هم مخلوط می‌شود. این سخن از ابن عباس، عکرمه و مجاهد نقل شد و مورد قبول مرحوم طبرسی نیز هست. ب: نطفه‌ای که مخلوط از حالات است حالت علقه، حالت مضغه و حالت استخوان ... تا انسان شود. ج: نطفه‌ای که مخلوط از رنگ‌های نطفه زن و مرد است. د: نطفه‌ای که مخلوط با خون حیض است. و لذا پس از حاملگی خون حیض قطع می‌شود. ه: نطفه‌ای که مخلوط از رگ‌هایی است. و: نطفه‌ای که مخلوط از طبایع مختلفی است که در انسان وجود دارد. (مثل حرارت، برودت و ... «۱») ۲. علامه طباطبائی (ره) در مورد آیه دوم سوره انسان: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ می‌نویسند: «أمشاج» جمع مشیج به معنی مخلوط و ممزوج است. و این وصف که برای نطفه آورده شد یا به اعتبار اجزاء نطفه است که مختلف است و یا به اعتبار اختلاط آب مرد و زن است و «ابتلاء» به معنی تبدیل حالات چیزی از حالی به حالی و از صورتی به صورتی است مثل تغییر حالت طلا در کوره و مقصود از ابتلاء خداوند نسبت به خلق انسان در نطفه، همان است که در آیات دیگر بیان شده که نطفه را علقه و علقه را مضغه و ... می‌کند. تا به خلق آخر برسد. برخی گفته‌اند ابتلاء به معنی امتحان بوسیله تکلیف است و این معنا بوسیله فاء تفریع در ادامه آیه فَجَعَلْناهُ سَمِيعاً بَصِيراً دفع می‌شود چرا که اگر مراد از ابتلاء تکلیف بود باید آیه بر عکس می‌شد چون امتحان متفرع بر سمیع و بصیر بودن است.» «۲» ۳. استاد مکارم شیرازی آیه ۲ سوره دهر را اینگونه ترجمه می‌کنند: «ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزمائیم.» و سپس می‌نویسند: امشاج جمع مشج یا مشیج به معنی شیء مخلوط است. ایشان در مورد آفرینش انسان از نطفه مخلوط چند احتمال را مطرح می‌کنند:

(_____ ۱) مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۰۶- ۴۰۷ زیر آیه ۲ سوره انسان. (۲) المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۹ و ص ۲۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۳ الف: اختلاط نطفه مرد و زن و ترکیب اسپرم و اوول. همانگونه که در روایات اهل بیت (ع) اجمالا به آن اشاره شده است. ب: اشاره به استعدادهای مختلف درون نطفه از نظر عامل وراثت از طریق ژنها و مانند آن باشد. ج: اشاره به اختلاط مواد مختلف ترکیبی نطفه باشد. د: اختلاط همه اینها با همدیگر باشد. سپس ایشان نتیجه می‌گیرند که معنای أخیر جامع‌تر و مناسب‌تر است. ه: أمشاج اشاره به تطورات نطفه در دوران جنینی باشد. (بصورت احتمال مطرح می‌شود.) سپس «نبتلیه» را اشاره به رسیدن انسان به مقام تکلیف و تعهد و مسئولیت و آزمایش و امتحان می‌دانند. و چشم و گوش را که در آخر آیه مطرح می‌شود ابزار شناخت که مقدمه آزمایش است می‌دانند. و این معنا را در مقابل احتمال دیگر (ابتلاء بمعنای تطورات و تحولات جنین) ترجیح می‌دهد. سپس به نکات علمی در رابطه با آیه اشاره می‌کنند و ابتداء نکاتی علمی در مورد اسپرم و اوول می‌گویند. و آن را از عجائب و شگفتیهای بزرگ جهان آفرینش می‌دانند که با پیشرفت علم جنین‌شناسی پرده از اسرار آن برداشته شد. و از جمله اشاره می‌کنند که: «برخی از دانشمندان معتقدند که نطفه زن دارای الکتریسته مثبت است و اسپرم دارای الکتریسته منفی و لذا به سوی هم کشیده می‌شوند. امّا هنگامی که

اسپرم وارد تخمک شد بار الکتریکی آن را منفی می‌کند و به همین دلیل اسپرم‌های بی‌شمار دیگر که در اطراف آن وجود دارند از آن رانده می‌شوند. و بعضی نیز گفته‌اند با ورود اسپرم ماده شیمیائی مخصوص ترشح می‌شود که سایر اسپرم‌ها را می‌راند.» «۱» و نیز ایشان در تفسیر واژه «خصیم» در آیه: خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ «۲» دو احتمال ذکر می‌کند: یکی اینکه به معنی قدرت انسان بر سخن گفتن و محاجه و استدلال باشد که برخی مفسران گفته‌اند و دیگر اینکه به معنی مسابقه و منازعه‌ای باشد که میان اسپرم‌ها هنگام حرکت به سوی اوول در رحم مادر صورت می‌گیرد، که سرانجام یکی از آنان موفق می‌شود با اوول ترکیب شود و بقیه شکست خورده و نابود می‌شوند. و این

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۴ تا ص ۳۳۹. (۲) نحل/ ۴- یس/ ۷۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۴

مطلب علمی را یکی از شگفتی‌ها و نکات بدیع و ظریف جنین می‌داند. «۱» و نیز ایشان در تفسیر آیه ۱۳ سوره مؤمنون: ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فِي قَرارٍ مَكِينٍ نکته‌ای علمی درباره قرار مکین بیان می‌کنند و می‌نویسند: «تعبیر از رحم به قرار مکین (قرارگاه امن و امان) اشاره به موقعیت خاص رحم در بدن انسان است، در واقع محفوظترین نقطه بدن که از هر طرف کاملا تحت حفاظت قرار گرفته ستون فقرات و دنده‌ها از یک سو، استخوان نیرومند لگن خاسره از سوی دیگر پوششهای متعدد شکم از سوی سوم، حفاظتی که از سوی دستها به عمل می‌آید از سوی چهارم، همگی شواهد این قرارگاه امن و امان است.» «۲» ۴. دکتر پاک‌نژاد با تشریح زیبایی، آمیزش تخمک و اسپرم را شرح می‌دهد: «حدود ۲ تا ۵۰۰ میلیون اسپرم که در مهبل زن ریخته شده است در یک مسابقه به طرف سوراخ ریز مهبل می‌روند. و تعدادی از آنها از سوراخ عبور کرده و طول رحم را طی می‌کنند و سپس به لوله‌های رحم که ۱۰- ۱۴ سانتی‌متر طول دارد می‌رسند. آنها با سرعت ۱۱ میلی متر در ساعت در حال حرکت هستند. از طرف دیگر تخمکی از جداره تخمدان زن جدا شده و بوسیله دهانه لوله رحم که خاصیتی مکنده دارد بعلیده می‌شود. در لوله‌های رحم کرک‌های بسیار ملایم و ظریف وجود دارد که سرشان به طرف رحم تمایل دارد همینکه تخمک بین آنها قرار گرفت. به کمک ترشحات داخلی لوله او را به طرف رحم می‌رانند. ناگهان تخمک و اسپرم‌ها به هم می‌رسند و هزاران کرمک (اسپرم) بوصال رسیده معشوق خود (تخمک) را در برمی‌گیرند. و سرهای خود را بر تخمک می‌گذارند. این حالت بیشتر به جنگ و جدال و مسابقه شبیه است. بالاخره یکی از کرمک‌ها تخمک را سوراخ کرده در آن وارد می‌شود. سپس ایشان با ذکر آیه ۲ سوره دهر (انسان): إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ «انسان را خلق کردیم از مخلوط نطفه (زن و مرد) که از حالی به حالی شده است.» نتیجه می‌گیرد که: نطفه‌ای که انسان از آن ساخته می‌شود مخلوطی از نطفه‌های زن و مرد است. و نطفه زن و مرد برای امشاج و مخلوط شدن و انسان درست کردن به بلایا و

(_____ ۱) پیام قرآن، ج ۲، ص ۸۴. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۰۷- ۲۰۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۵

دگرگونیهائی دچار می‌شوند. (نصف می‌شوند، کرموزمها نصف می‌شود و غیره ...) گر چه برخی امشاج را مخلوطی از صفت ملائکه و حیوان یا نر و ماده یا ژن و ژنتیک دانسته‌اند. سپس با تذکر اینکه این مطالب یکی از معجزات است، تذکر دیگری می‌دهند که: چون خدا آزمایش کننده است و امتحان (نبتلیه) در محیط آزاد معنا دارد لذا می‌توان گفت عقل در نطفه هم دخالت دارد. «۱» ۵. دکتر دیاب و دکتر قرقوز نیز با طرح آیه ۲ سوره انسان: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ آن را چنین ترجمه می‌کنند: «ما او را از نطفه‌ای مختلط (بی‌حس و شعور) خلق کردیم.» و سپس توضیحات مفصلی راجع به حرکت تخمک و اسپرم‌ها می‌دهند و می‌نویسند: «پس از انجام لقاح، فعل و انفعالات سلولی دقیق و شگفت‌انگیزی صورت می‌پذیرد که منتهی به اتحاد نطفه و تخمک می‌گردد. و بدین طریق تعداد کرموزومها به حد نصاب می‌رسد از این پس تخمک لقاح یافته را تخم (togyZ) می‌نامند. تخمک لقاح یافته به قدرت تازه‌ای دست می‌یابد و از طریق این قدرت کار تقسیم و نمو را برای تشکیل جنین آغاز می‌کند. بدین طریق پدر و مادر صفات ارثی خود را به طور مشترک

به جنین منتقل می‌نمایند.» «۲» ۶. یکی از نویسندگان معاصر نیز با طرح آیات مربوط به خلقت انسان مراحل آن را مطابق با علم جدید امبریولوژی (جنین‌شناسی «۳») معرفی می‌کند و سپس آیه ۲ سوره دهر را اینگونه ترجمه می‌کند: «بدرستی که ما خلق کردیم انسان را از نطفه (مخلوط اسپرم و اوول) مرد و زن در حالی که با هم آمیخته و مخلوط شدند ...» «۴» ۷. یکی دیگر از صاحب نظران آیه ۲ سوره دهر را اینگونه ترجمه می‌کند: «ما انسان را از نطفه مخلوط (سلول تخم) پدید آوردیم.» و سپس می‌گوید این آیه را سه گونه می‌توان تفسیر کرد: الف: اینکه بشر را مرکّب از نیم سلول نر و نیم سلول ماده (تخمک و کرمک) آفریده‌ایم. (_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱: ص ۲۴۳ تا ص ۲۴۹. (۲) طب در قرآن، ص ۸۰- ۸۱. (۳). ۴) ygoloyrbmE) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۸۹- ۹۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۶ ب: اینکه نطفه انسان نیمی حیوان و نیمی فرشته (عقل) است. ج: اینکه ما انسان را از نطفه‌ای که مخلوط از مواد وراثتی پدر و مادر است آفریده‌ایم. چه اینکه یاخته‌های جنسی انسان شامل ۴۸ عدد کروموزوم می‌باشد. که هر کدام از ذرات متعددی بنام «ژن» ترکیب یافته‌اند، این ژنها نقش مهمی در ساختمان سلول زنده بعهده دارند و بعضی از این ذرات بسیار ریز حاصل حالات و صفات پدر و مادر می‌باشند. «۱» ۸. یکی دیگر از صاحب‌نظران با طرح این مطلب که در عصر پیامبر (ص) نطفه انسان بیش از یک ماده متعفن چیز دیگری تلقی نمی‌شد ولی قرآن کریم تحت عنوان «امشاج» مطلبی بیان کرده است، متذکر می‌شود که: نطفه انسان دارای ۴۶ عامل وراثت و هر عامل بین ده هزار تا صد هزار علامت و اطلاعات مخصوص بخود می‌باشد. ایشان در مورد کلمه امشاج چند احتمال را مطرح می‌کند: الف: مقصود از کلمه «امشاج» (مخلوط متراکم) این است که عناصر انسان متراکم است. ب: نطفه مخلوطی از اوصاف پدر و مادر است که بوسیله ژن‌ها به کودک منتقل می‌شود. «۲» ج: مقصود از کلمه امشاج آمیزش نطفه زن و مرد و ترکیب یافتن دو نطفه و به صورت جنین درآمدن است. و سپس نتیجه می‌گیرد که: هر چه هست کلمه امشاج به ما می‌فهماند که خلقت بشر از نظر قرآن دقیق‌تر از آن است که بشر فکر می‌کند و از طرف دیگر این کلمه چون معانی مختلفی دارد به ما ثابت می‌کند که محمد (ص) نمی‌توانسته اینگونه حقایق را که برای پیروانش قابل رؤیت نبوده به طور صریح بیان کند و از سوی دیگر هم نمی‌توانسته حقایق را کتمان نماید. لذا حقایق را ناگزیر طوری بیان فرموده که آنان بتوانند از آن به اندازه استعداد خویش درک نمایند. «۳» ۹. دکتر «موریس بوکای» در مورد آیه ۲ سوره دهر: (ما انسان را از نطفه‌ای مخلوط آفریدیم) می‌نویسد: «بسیاری مفسران، مانند پرفسور حمید اللّه، در این مخلوطها عنصر مذکر و عنصر مؤنث را می‌بینند. مصنفان قدیم هم نمی‌توانستند کمترین ایده‌ای از فیزیولوژی باروری و خصوصا از آنچه که شرایط زیست‌شناختی (بیولوژیک) جانب زن است (_____ ۱) بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۵۷، چاپ دوّم. (۲) این نظر را به دکتر ید اللّه سحابی در کتاب خلقت انسان، ص ۱۴۷ نسبت می‌دهند. (۳) مصطفی زمانی، پیشگوئیهای علمی قرآن، ص ۱۱۷- ۱۲۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۷ داشته باشند، همان نظر را می‌داشتند. امّا مفسران جدید، مانند «منتخب» نشر شورای عالی امور اسلامی قاهره این طرز دید را اصلاح کرده و در اینجا تشخیص می‌دهند که قطره منی واجد عناصر گوناگونی است. سپس توضیح می‌دهد که منی از عناصر گوناگون زیر تشکیل شده است: الف: ترشحات بیضه‌ها یعنی اسپرماتوزئید غوطه‌ور در مایعی (سرم گونه.) ب: ترشحات کیسه‌های تخمی که نزدیک پروستات هستند و ترشح خاصی بدون عناصر بارور کننده دارند. ج: ترشحات پروستات که به منی، ظاهر خامه‌ای و بوی ویژه‌اش را می‌دهد. د: ترشحات غدد محلق به مجاری ادرار (غدد کوپر- مری- لیتره) اینها هستند منشأهای این «مخلوطها» که کاملا بنظر می‌رسد قرآن از آنها صحبت می‌دارد.» «۱» ۱۰. ممکن است گفته شود که: بسیاری افراد در طول اعصار و بویژه قبل از ظهور اسلام گمان می‌کردند که زن یک مزرعه و ظرف است و نقشی در انعقاد نطفه و جنین ندارد. و فقط اختلاف در این بود که آیا صفات کودک همه از پدر است یا نصف آن از پدر و نصف دیگر از جد پدری اوست و یا صفات از نسل‌های طولانی (غیر از

مادر) به ارث می‌رسد. «۲» و جالب این است که مرحله اساسی در تاریخ جنین‌شناسی تصدیق «هاروی» در ۱۶۵۱ میلادی بود مشعر بر اینکه: «هر چیز که می‌زید در آغاز از تخمی می‌آید.» «۳» پس با توجه به کشفیات جدید در مورد انتقال صفات از پدر و مادر (از طریق کروموزوم‌ها و ژن‌ها) می‌توان گفت که تعبیر «نطفهٔ امشاج» (مخلوط نطفه زن و مرد) نوعی رازگویی علمی برخلاف عقاید مردم زمان نزول قرآن است. ۱۱. یکی از نویسندگان معاصر در این مورد می‌نویسد: «باری کلمه امشاج کلمه‌ای است که معنای وسیعی دارد و هر چه بر علم بشر افزوده شود اهمیت آن و قرآن کریم برای ما روشن‌تر می‌گردد و اینک نمونه آن: از جهت تحقیقات علمی در زمینه وراثت تجزیه دقیق یک کروموزوم حائز کمال اهمیت است زیرا ممکن می‌گردد در بیماریهای موروثی و مظاهری مانند پیری بنحو (_____ ۱)

مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۱- ۲۷۲. (۲) عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۱۲. (۳) دکتر موریس بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۸ مطلوب اعمال نفوذ کرد. هر یک از ۴۶ عامل وراثت دارای ده‌ها هزار تا صدها هزار اطلاعاتی بیشتر از ویروس کروموزومی است.» «۱»

جمع‌بندی:

جمع‌بندی: در مورد آیه ۲ سوره دهر: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ چند تفسیر شده بود: الف: در مورد نطفه دو دیدگاه وجود داشت: برخی آن را به معنای نطفه مرد گرفته بودند و برخی اعم معنا کرده بودند. به عنوان مثال، دکتر پاک‌نژاد و اکثر صاحب نظران آن را اعم از نطفه مرد و زن معنا کردند. ولی علامه طباطبائی (ره) و دکتر موریس بوکای آن را به معنای نطفه مرد دانسته بودند. تذکر ۱: بر اساس همین دو معنای نطفه، معانی کلمه امشاج هم متعدد شده است. تذکر ۲: با توجه به مطالبی که در مورد واژه «نطفه» در لغت و قرآن و اصطلاح بیان کردیم روشن شد که این واژه در قرآن به معنای عامل تولید مثل (آب) مرد و زن به کار می‌رود. (معنای اعم) مگر آنکه قرینه خاصی موجب اختصاص آن به مرد شود. ب: در مورد امشاج چند دیدگاه وجود داشت: ۱. اختلاط آب مرد و زن. ۲. مخلوطی از اسپرم و اوول (تخمک) ۳. مخلوطی از ژن‌های زن و مرد. ۴. مخلوطی از صفات پدر و مادر. ۵. مخلوطی از رنگ‌های نطفه زن و مرد. تذکر: این پنج معنا با یک دیگر قابل جمع و ادغام است. ۶. مخلوطی از صفت حیوانیت و ملائکه (عقل) ۷. مخلوطی از عناصر تشکیل دهنده نطفه یا منی. ۸. مخلوط نطفه با خون حیض. ۹. مخلوطی از رگ‌ها. ۱۰. مخلوطی از طبایع مختلف در انسان (برودت، حرارت ...) ۱۱. مخلوطی از حالات مختلف (علقه، مضغه و ...)

(_____ ۱) مصطفی زمانی، پیشگوئی‌های علمی قرآن، ص ۱۱۹- ۱۲۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۷۹ ج: در مورد کلمه «نبتلیه» نیز چند دیدگاه وجود داشت: ۱. حالات مختلف نطفه (نظر مورد قبول علامه طباطبائی (ره) و دکتر پاک‌نژاد) ۲. آزمایش نطفه بوسیله تکلیف (نظر مورد قبول صاحبان تفسیر نمونه)

نقد و بررسی:

نقد و بررسی: در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. آمدن واژه نطفه در قرآن کریم به این صورت (که اعم از آب زن و مرد است) بویژه آیه ۲ سوره انسان (نطفهٔ امشاج) اگر آن را به معنای مخلوطی از عناصر تشکیل دهنده منی و یا مخلوطی از نطفه زن و مرد بگیریم، یکی از شگفتی‌های علمی قرآن کریم است. چرا که هر دو تفسیر بر خلاف تصور عرب معاصر نزول قرآن بوده است. و بالاتر از فکر آنان است و این مطالب علمی در سده‌های أخیر کشف گردید. پس این یک رازگوئی علمی قرآن کریم است. امّا

این مطلب دلیل اعجاز علمی قرآن نمی‌شود چرا که از طرفی احتمالات متعددی در معنای «امشاج» مطرح شده است پس یک معنای قطعی مشخص نمی‌شود و از طرف دیگر، قرآن اشاره‌ای به عناصر تشکیل دهنده نطفه نکرده بلکه مطلبی کلی و مبهم را بیان داشته است. و از طرف سوم برخی پزشکان قدیمی مثل جالینوس حکیم گفته بودند که زن و مرد هر دو نطفه دارند. هر دو قدرت تصویر دارند ولی قدرت بذر مرد قوی‌تر از زن است. «۱» و علامه مجلسی (ره) نیز از ارسطو و برخی حکما نقل می‌کند که زن منی اصطلاحی ندارد امّا رطوبتی شبیه به منی دارد که مجازا به آن منی گویند که منی مرد با آن مخلوط می‌شود. هر چند که منی مرد فاعل و منی زن منفعل است. «۲» پس معلوم می‌شود مخلوط بودن (امشاج) نطفه زن و مرد قبل از قرآن نیز مطرح بوده است پس این مطلب اعجاز علمی قرآن به شمار نمی‌آید. ۲. سخنان مرحوم طبرسی در مجمع البیان از چند جهت قابل تأمل است: الف: اگر مقصود از کلام ایشان در بند «د» (نطفه مخلوط با خون حیض است) این باشد که نطفه مرد با خون حیض مخلوط شود این سخن با مبانی علمی ناسازگار است چون خون حیض یعنی خونی که در هنگام عادت ماهیانه دفع می‌شود، همان خونی است که در

(_____ ۱) القانون فی الطب، المقالة الاولی من الفن العشرین، ج ۲، ص ۵۳۲- ۵۳۴. (۲) علامه مجلسی (ره)، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۹۰ من کتاب السماء و العالم و التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۷۲- ۷۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۰

هر ماه در عروق داخلی رحم برای تغذیه احتمالی جنین جمع می‌گردد و در صورت لقاح تخمک با اسپرماتوزئید خون موجود صرف تغذیه آن می‌شود و در غیر این صورت خونهای موجود بر اثر پوسته شدن مخاط رحم و شکافته شدن رگهای رحم به صورت خون حیض از رحم خارج می‌شود. «۱» پس خون حیض مخلوط با منی مرد نمی‌شود و تشکیل نطفه نمی‌دهد بلکه منی مرد با تخمک زن ترکیب می‌شود و تشکیل جنین می‌دهد. و اگر مقصود از کلام ایشان در بند «د» این باشد که نطفه زن و مرد پس از ترکیب و تشکیل سلول تخم در دیواره رحم جایگزین می‌شوند و از خون رحم تغذیه می‌کنند همان خونی که اگر این تخمک نبود تبدیل به خون حیض می‌شد، این سخن درستی است و با مبانی علمی سازگار است. ب: سخن ایشان در بند «و» (مخلوط بودن نطفه انسان از طبایع مختلف مثل برودت، حرارت ...) بر اساس طب قدیم است و این مطلب می‌رساند که مفسران قدیمی نیز از علوم طب زمان خویش برای تفسیر آیه استفاده می‌کردند. ۳. دو اشکال سخن علامه طباطبائی (ره) در تعریف لغوی و اصطلاحی «نطفه» بیان شد و لذا تکرار نمی‌کنیم. ۴. کلام دکتر پاک‌نژاد، صدر و ذیل آن ناسازگار است چرا که در صدر سخن آیه را به گونه‌ای معنا می‌کند (مخلوط نطفه زن و مرد که از حالی به حالی شده است) که ابتلاء را به معنی تغییر حالت معنا می‌کند. و در ذیل سخن «ابتلاء» را به معنای آزمایش و امتحان معنا می‌کند و این دو معنا در آیه قابل جمع نیستند. ۵. واژه «بی‌حس و شعور» در ترجمه آیه ۲ سوره انسان در کتاب طب در قرآن دکتر دیاب و دکتر قرقوز (ما او را از نطفه‌ای مختلط بی‌حس و شعور خلق کردیم) و نیز در ترجمه استاد الهی قمشه‌ای آمده است. البته احتمال دارد که مترجم کتاب طب در قرآن (علی چراغی) این ترجمه را از استاد الهی قمشه‌ای گرفته باشد. ولی به هر حال این واژه «بی‌حس و شعور» در آیه مورد بحث (من نطفة امشاج) نیامده است و این ترجمه غیر قابل قبول است. ۶. قرآن می‌فرماید: نِساؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ «۲» «زنان شما کشتزار شمایند.» پس مزرعه

(_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳. (۲) بقره/ ۲۲۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۱

بودن زنان در قرآن پذیرفته شده است. ولی این مطلب مستلزم این نیست که زن نقشی در تشکیل نطفه نداشته باشد بلکه همانطور که گذشت، قرآن نطفه را مخلوط (و امشاج) می‌داند. ۷. لغت «امشاج» که جمع مشج یا مشیج است به معنی چیز حقیری است که با چیزی دیگر مخلوط شده باشد ولی در کتب لغت سخنی از «تراکم» در ماده این لغت نیافتیم. «۱» و لذا سخن نویسنده کتاب «پیشگوئیهای علمی قرآن» که آن را به معنی عناصر متراکم دانسته‌اند خالی از دلیل است. ۸. اصرار دکتر بوکای بر معنا کردن «امشاج» به مخلوطی از عناصر تشکیل دهنده نطفه مرد و نیز اصرار

دیگران بر معنا کردن «امشاج» به مخلوطی از نطفه زن و مرد یا مخلوط ژن‌ها و صفات، صحیح به نظر نمی‌رسد. چرا که تعبیر قرآن «امشاج» (مخلوطها) است. و این تعبیر می‌تواند با مخلوط نطفه زن و مرد و مخلوط عناصر تشکیل دهنده نطفه سازگار باشد. به عبارت دیگر نطفه «امشاج» (نطفه‌ای که از مخلوطهاست) افراد و مصادیقی مختلفی دارد. یک فرد آن، مخلوط اسپرماتوزئید و اوول است و یک فرد آن مخلوط شدن از عناصر مختلف تشکیل دهنده نطفه زن یا نطفه مرد است. پس جمع این معانی در تفسیر آیه اشکالی ندارد همانطور که برخی مفسران و لغویین بدان اشاره مختصری کرده بودند. «۲» تذکر: بنابراین ترجمه‌های سه‌گانه‌ای که در صدر بحث از آیه ۲ سوره دهر (از استاد مکارم شیرازی، استاد فولادوند و مرحوم الهی قمشه‌ای) نقل شد خالی از اشکال نیست چون بهتر بود که آیه را اینگونه ترجمه می‌کردند: «همانا ما انسان را از مخلوطهای نطفه آفریدیم.»

مرحله پنجم: آفرینش انسان از علق:

اشاره

مرحله پنجم: آفرینش انسان از علق: قرآن کریم مراحل مختلفی را در مورد خلقت یادآوری می‌کند. یکی از این مراحل «علق» است. این تعبیر شش بار و در پنج آیه به صورتهای مختلف در قرآن به کار رفته است: در سوره علق می‌خوانیم: (_____ ۱) ر. ک: الجوهری، صحاح اللغة، ابن فارس، مقاییس اللغة، ابن منظور، لسان العرب و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۱۵ ماده مشج. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۴ به بعد و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۱۶. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۲ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ «۱» «بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید.» و در سوره حج می‌خوانیم: فَإِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ «۲» «پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم، سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه.» و در سوره مؤمنون این تعبیر دوبار آمده است: ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً «۳» «آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت مضغه گردانیدیم.» و نظیر همین مطلب را در سوره غافر می‌خوانیم: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ «۴» «او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آنگاه از علقه‌ای.» و با تعبیر دیگری در سوره قیامت می‌خوانیم: أَ لَمْ یَکُ نُطْفَةً مِنْ مَنِیٍّ یُمْنی ثُمَّ کانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّی «۵» «مگر او [قبلا] نطفه‌ای نبود که ریخته می‌شود؟ پس علقه [آویزک شد و [خدایش شکل داد و درست کرد؟!»

نزول:

نزول: به اعتقاد اکثر مفسران، سوره علق نخستین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد. و برخی ادعا کرده‌اند که اتفاق مفسران بر آن است که پنج آیه نخست سوره علق در آغاز وحی بر رسول خدا (ص) نازل شده است. بدین صورت که: پیامبر (ص) به کوه (غار حرا) رفته بود جبرئیل آمد و گفت: ای محمد بخوان! پیامبر (ص) فرمود: من قرائت کننده نیستم. جبرئیل او را در آغوش گرفت و فشرد و بار دیگر گفت بخوان؛ پیامبر (ص) همان جواب را (_____ ۱) علق/ ۱ - ۲. (۲) حج/ ۵. (۳) مؤمنون/ ۱۴. (۴) غافر/ ۶۷. (۵) قیامت/ ۳۸- ۳۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۳ تکرار کرد، بار دوم نیز جبرئیل این کار را کرد و همان جواب را شنید و در سومین بار گفت: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ ... (تا آخر آیه پنجم) «۱»

علق در لغت:

علق در لغت: محور بحث علمی این آیه واژه «علق» است. علق بر وزن فرس، جمع علقه است که در معانی متعددی مثل خون بسته، زالو و ... استعمال شده است. ولی اصل همه معانی آن به یک معنا برمی‌گردد یعنی: «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود». و از آنجا که زالو و خون بسته به چیز دیگری می‌چسبند و بدان آویزان می‌شود علق نامیده شده است. «۲» و لذا گاهی کلمه «علقه» در فارسی به «آویزک» ترجمه می‌شود. «۳»

اسرار علمی:

اسرار علمی: در مورد کلمه علق در آیه دوم سوره علق چهار احتمال داده شده است: الف: مراد همان خون بسته‌ای است که از ترکیب اسپرم مرد با اوول زن حاصل می‌شود و سپس داخل رحم زن می‌شود و بدان آویزان می‌شود. برخی از پزشکان می‌نویسند: «پس از پیوستن نطفه مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می‌شود و به صورت یک توده سلولی در می‌آید که به شکل توت است (و به آن مارولا aluraM گویند) در رحم لایه گزینی می‌کند، یعنی سلولهای تغذیه کننده به درون لایه مخاطی رحم نفوذ کرده و به آن معلّق (آویزان نه کاملا- چسبیده به رحم) می‌شوند. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبای علق آورد.» «۴» اگر این معنا را بپذیریم اطلاق کلمه «علق» بر خون بسته در آیه فوق به چند مناسبت است: یکی چسبنده بودن آن «۵» (خون بسته‌ای که برای مکیدن خون به بدن می‌چسبد (_____.) ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۳ و نیز تفسیر ابو الفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۹۶ که همین معنا را از بسیاری مفسران عامه و خاصه نقل می‌کنند. (۲) ر. ک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ماده علق. و نیز مفردات راغب همان ماده. (۳) ر. ک: فولادوند، ترجمه قرآن، آیه ۳۸/ قیامت. (۴) دکتر عبد الحمید دیاب و دکتر احمد قرقوز، طب در قرآن، ص ۸۶ با تلخیص. (۵) این مناسبت را تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۶ ذکر کرده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۴ و دوم آویزان شدن آن (آویزک) به جدار رحم. و سوم و چهارم مطلبی است که دکتر پاک‌نژاد بدان تصریح کرده است. او می‌نویسد: «آدمی از علقه خلق شد بسیار عجیب است زیرا ۱۵ قرن قبل اشاره به حالت اولیه جنین کرده که مشابه زالو است. وجه تشابه زالو با مرحله ایجاد جنین اینکه از هر دو ماده‌ای بنام «هپارین» ترشح می‌شود که خون در موضع منعقد نشود و قابل تغذیه باشد ... علقه چسبیده به عضو خود را جمع می‌کند و هر دو در اینجا تقریبا به یک شکل در می‌آیند. هر دو تقریبا در اصل ساختمان که از خارج به داخل قوام خود را از دست می‌دهند مشابه‌اند.» «۱» و پنجم تغذیه از خون است که در هر دو مشترک است. استاد آیة اللّه معرفت نیز همین معنای «علقه» را می‌پذیرد و توضیح می‌دهند که این علقه در روز هفتم به جداره رحم می‌چسبد. «۲» دکتر حامد احمد حامد نیز مرحله علقه را در روز هشتم می‌داند که به جدار رحم می‌چسبد. «۳» برخی از پزشکان نیز تشبیه جنین به «علقه» را از آن جهت دانسته‌اند که شکلش مانند زالو (علقه) کاملا مستطیل می‌باشد. و این حالت تقریبا در چهار هفته اوّل ادامه دارد. «۴» ب: مقصود از علق همان نطفه مرد (اسپرماتوزئید) است. علق یا زالو کرم کوچک و سیاه رنگی است که به طول هشت سانتی‌متر و وزن متوسط پنج گرم است. زالو هر بار می‌تواند به اندازه یک فنجان قهوه خون انسان یا حیوانی را بمکد. و نطفه مرد از میلیون‌ها حیوانک (اسپرم) «۵» تشکیل شده که همگی به شکل زالو هستند. و چون وارد رحم زن می‌شوند زالووار به دیواره رحم می‌چسبند. «۶» (_____۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۱، ص ۱۱۰ و ۱۱۱. (۲) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۲ (ایشان احتمال دیگری نیز در ص ۱۰۴ همان کتاب مطرح می‌کنند که بدان اشاره خواهیم کرد.) (۳) ر. ک: دکتر حامد احمد حامد، الایات العجاب فی رحلة الانجاب، ص ۹۶، دار القلم،

دمشق. (۴) دکتر عبد العزیز اسماعیل پاشا، اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، ص ۱۸۲، انتشارات برهان، بی‌تا، بی‌جا. (۵) در هنگام نزدیکی تعداد ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزئید از مرد خارج می‌شود. ولی فقط یکی از آنها برای باروری مورد نیاز است. ر. ک: پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور (۱۹۹۰ م)، ص ۳۰، انتشارات شرکت سهامی چهر، تهران، ۱۳۷۰ ش. (۶) گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۹۹. و نیز ر. ک: محمد رضا جوهری‌زاده، تمدن و علوم اسلامی، ص ۳۲۰ و ماهنامه دانستنیها، ش ۳۰۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۵ اسپرم‌های مردان با زالو چند شباهت دارند: ۱. زالو و اسپرم سری بزرگ و تنه‌ای نسبتا دراز دارند. ۲. حرکت هر دو در مایع به صورت مارپیچ است. ۳. هر دو دو تاج نسبتا بلند بر سر دارند. ۴. محل هر دو در مایع (آب یا منی) است. ۵. تغذیه زالو از خون است و اسپرم هم پس از ترکیب با اوول به دهانه جفت (رحم مادر) می‌چسبد و از خون رحم تغذیه می کند. «۱» همین مطلب را صاحب تفسیر نمونه به صورت خلاصه آورده‌اند و می‌نویسند: «درست است که در آن زمان اینگونه مسائل هنوز شناخته نشده بود، ولی قرآن مجید از طریق اعجاز علمی پرده از روی آن برداشته است.» «۲» استاد آیة اللّه معرفت نیز همین معنای علق را به عنوان تفسیر دوم علقه می‌پذیرند و توضیح می‌دهند که تعداد آنها ۲۲۰ میلیون در هر بار دفع است و طول آنها ۵۵ میکرون است که با چشم دیده نمی‌شود. «۳» برخی دیگر از صاحب‌نظران با ردّ معنای اوّل علق (خون بسته) آن را به تفاسیر قدیمی نسبت داده‌اند و می گویند ریشه این تفسیر عدم اطلاع آنان از مبدء تکون انسان و وجود اسپرماتوزئیدها بوده است که به شکل زالو هستند. ایشان می‌نویسند: «امّا در لغت علق به معنی زالو هم آمده است ممکن است آیه شریفه را حمل بر همین معنا کنیم که علق به معنی کرمهائیست درشت یا ریزه که در آب شناورند.» «۴» برخی از نویسندگان مصری هم این مطلب را اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند چرا که در زمان نزول آیه میکروسکوپ وجود نداشت بلکه میکروسکوپ در حوالی سال ۱۵۹۰ کشف شد و انسانها نمی‌دانستند که هزاران موجود ریز شبیه به کرم (یا بچه قورباغه) در منی آنها وجود دارد، ولی قرآن از این راز پرده برداشت. «۵» یکی دیگر از نویسندگان معاصر، علق را به معنای کرمی که به دیواره رحم می‌چسبد و

(_____ ۱) ر. ک: مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۱۰۰ و ۱۰۱ و نیز دکتر سید عباس ملائک، قرآن و دانش پزشکی، ص ۱۶ به بعد و ک. م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۱۱۳ با تلخیص. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۷. (۳) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۰۴ به بعد. (۴) احمد اهتمام، فلسفه احکام، ص ۲۲ و ۲۳. (۵) ر. ک: احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ص ۱۱۸ و ۱۱۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۶ زالو و حیوان شناور خون خور تصور کرده‌اند و سپس می گوید: «اتفاقا امروزه وقتی اسپرماتوزئید را زیر میکروسکوپ می گذارند انبوه کثیر کرمهای زنده شناوری را مشاهده می کنند که این کرمها وقتی وارد رحم می‌شوند مانند زالو به دیواره رحم می‌چسبند.» «۱» ج: علق به معنای موجود «صاحب علاقه» باشد که اشاره‌ای است به روح اجتماعی انسان و علقه آنها به یکدیگر که در حقیقت پایه اصلی تکامل بشر و پیشرفت تمدنها را تشکیل می‌دهد. د: مقصود از علق گل آدم (ع) بوده که حالت چسبندگی داشته است. که در این صورت مراد از انسان در آیه فوق حضرت آدم (ع) (نه مطلق انسانها) است.

بررسی:

بررسی: در مورد اعجاز علمی قرآن در مسأله «علق» تذکر چند مطلب لازم است: ۱. تفسیر سوّم و چهارم برای کلمه «علق» مناسب نیست و با ظاهر و سیاق آیات تناسب ندارد و کسانی هم که احتمال این دو معنا را پذیرفته‌اند فقط در مورد آیه دوم سوره علق گفته‌اند و در مورد آیات دیگر ذکر نکرده‌اند. «۲» ۲. تفسیر دوّم (علق به معنای زالو و اسپرماتوزئید) نیز با آیات فوق مناسبت ندارد. چرا که مخالف سیاق آیات سوره حج/ ۵- مؤمنون/ ۱۴- غافر/ ۶۷ و قیامت/ ۳۸ است. در این آیات علقه به عنوان واسطه بین دو

مرحله تکامل انسان یعنی نطفه (منی) و مضغه (گوشت) قرار گرفته است. در حالی که اسپرم‌ها در مرحله اوّل (نطفه یا منی) هستند. و سپس با اوول زن ترکیب شده و به صورت خون بسته معلق به رحم درمی‌آیند. (_____ ۱) ر. ک: بی‌آزار شیرازی، قرآن و طبیعت (گذشته و آینده جهان)، ص ۵۳، انتشارات طباطبائی، قم، ۱۳۴۹ ش، چاپ دوّم. ایشان در سه مورد خطا کرده‌اند: اوّل اینکه جمله «العلق دود یتعلق بالحلق» را ترجمه کرده است: «کرمی که به دیواره رحم می‌چسبد.» در حالی که جمله به معنای: کرمی است که به حلق می‌چسبد. دوّم اینکه می‌گوید اگر اسپرماتوزئید را زیر میکروسکوپ قرار دهند که ظاهرا منظور ایشان این است که اگر منی انسان را زیر میکروسکوپ گذارند. سوّم اینکه می‌گوید این کرم‌ها (اسپرم‌ها) وقتی وارد رحم می‌شوند به دیواره آن می‌چسبند که این مطلب خطاست چون این کرم‌ها پس از ترکیب با اوول زن (تخمک) به صورت تخم درآمده و سپس وارد رحم شده و به رحم می‌چسبد. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۶ و ج ۱۴، ص ۲۴ و ص ۲۰۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۷ امّا در آیه دوّم سوره علق خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ کلمه «علق» به عنوان واسطه بین دو مرحله منی و مضغه مطرح نشده است و لذا ابتدا به نظر می‌رسد که می‌تواند با تفسیر دوّم (علق به معنای زالو و اسپرماتوزئید) سازگار آید. امّا این مطلب هم به دو دلیل صحیح نیست: اولاـ با توجه به آیات دیگر (مؤمنون- حج- قیامت- غافر) کلمه «علق» در سوره علق تبیین می‌شود. و معلوم می‌گردد که مقصود از آن همان خون بسته است که به رحم آویزان شده است. و ثانیا: اگر علق را به معنای زالو گرفتیم باید آیه را برخلاف ظاهر آن تفسیر کنیم. چون معنای تحت اللفظی آیه این می‌شود: «خداوند انسان را از زالو آفرید.» و برای تصحیح معنا لازم است که بگوییم مراد آن است که: «خداوند انسان را از چیزی شبیه زالو (اسپرماتوزئید) آفرید.» یعنی ترکیب «چیزی شبیه» را در تقدیر بگیریم. (خلق الانسان من مثل علق) و این خلاف ظاهر آیه است. ۳. تفسیر اوّل آیه (علق به معنای خون بسته آویزان به رحم) با سیاق آیات متناسب است بویژه آنکه این مرحله از خلقت انسان در علم جنین‌شناسی جدید به عنوان واسطه‌ای بین نطفه و مضغه (گوشت شدن) محسوب می‌شود یعنی حدود ۲۴ ساعت این خون بسته به جدار رحم آویزان است و از خون آن تغذیه می‌کند تا شکل‌گیری علقه کامل شود. و خداوند در قرآن با آنکه می‌توانست از تعبیر «خون بسته» (الدم المنقبضة او المتصلة) استفاده کند امّا تعبیر زیبای «علق» را به کار برد که هم خون بسته بودن و هم آویزان بودن آن را برساند. با توجه به عدم پیشرفت علم جنین‌شناسی در ۱۴ قرن قبل و عدم آگاهی مردم و پزشکان از این مرحله دقیق و ظریف تکامل انسان، می‌توان نتیجه گرفت که این نوعی رازگوئی قرآن است که بشر را به اسرار خلقت خویش آگاه می‌کند. ۴. امّا با این حال آیه فوق از نظر مطلب و محتوا اعجازی را در بر ندارد چرا که معجزه آن است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند. و اعجاز علمی قرآن در غیب‌گوئی آن است که دیگران نتوانند به طریق عادی از آن اطلاع یابند و آن خبر را بیاورند. در حالی که اگر مردم زمان صدر اسلام هم اقدام به پی‌گیری نطفه در درون زنان تازه حامله شده از طریق کالبد شکافی می‌نمودند پی می‌بردند که یک مرحله از خلقت انسان خون بسته آویزان است. همانطور که بعدها این مطلب علمی روشن شد. هر چند در آن زمان این امر انجام نشده و خبر قرآن برای آنان تازگی داشت و این مطلب عظمت قرآن را می‌رساند ولی دلیلی برای عجز مردم و معجزه بودن این مطلب نیست. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۸

پرورش انسان در سه فضای تاریک:

پرورش انسان در سه فضای تاریک: یکی از مواردی که قرآن کریم به اسرار خلقت انسان اشاره کرده است، پرورش او در سه لایه تاریکی و یا سه ظلمت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: یَخْلُقُکُمْ فِی بُطُونِ أُمَّهاتِکُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ «۱» «شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکی‌های سه‌گانه خلق کرد.»

نکته تفسیری:

نکته تفسیری: این آیه با توجه به سیاق آن در مورد عظمت آفرینش خداوند و بیان قسمتی از نعمت‌های گوناگون او در مورد انسان‌هاست و لذا در ادامه آیه می‌فرماید: ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ لَهُ الْمُلْکُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّی تُصْرَفُونَ «این است پروردگار شما، که حکومت (در عالم هستی) از آن اوست هیچ معبودی جز او وجود ندارد با این حال چگونه از راه حق منحرف می‌شوید.» کلمه ظلمت به معنای عدم نور است یعنی هر جائی که نور نباشد و تاریک باشد. «۲»

اسرار علمی:

اسرار علمی: محور اساسی بحث علمی آیه فوق کلمه «ظلمات ثلاث» است؛ در این مورد صاحب‌نظران مسایل علمی و مفسران قرآن چند احتمال داده‌اند: الف: مقصود از ظلمت‌های سه‌گانه، ظلمت شکم مادر و ظلمت رحم و مشیمه (کیسه مخصوصی که جنین در آن قرار گرفته است) می‌باشد، که در حقیقت سه پرده ضخیم است که بر روی جنین کشیده شده است. صورت گران معمولی باید در مقابل نور و روشنائی کامل صورتگری کنند امّا آفریدگار انسان در آن ظلمتگاه عجیب چنان نقش بر آب می‌زند که همه مجذوب تماشای آن می‌شوند. مجمع البیان این مطلب (ظلمت شکم- رحم- مشیمه) را از امام باقر (ع) و ابن عباس و ... نقل کرده و ترجیح می‌دهد. «۳ (_____» ۱) زمر/ ۶. (۲) مفردات راغب، ماده ظلم. (۳) طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۸۷، (ده جلدی- بیروت) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۸۹ سپس این احتمال در برخی کتاب‌های لغت قدیمی مثل مفردات راغب آمده است «۱» و مورد پذیرش صاحبان تفسیر المیزان و نمونه «۲» و برخی مترجمان قرآن قرار گرفته است. «۳» ب: مقصود از ظلمت‌های سه‌گانه، گوشت، پوست و خون باشد: در دعای عرفه امام حسین (ع) اینگونه آمده است: «و ابتدعت خلقی من منی یمنی، ثم اسکنتنی فی ظلمات ثلاث: بین لحم و جلد و دم، لم تشهر بخلقی ...» «۴» «آغاز آفرینش مرا از قطرات ناچیز منی قرار دادی، سپس مرا در ظلمت‌های سه‌گانه، در میان گوشت، پوست و خون ساکن نمودی، آفرینش مرا آشکار نساختی ...» ظاهر کلام نورانی امام حسین (ع) آن است که مقصود گوشت و پوست و خون مادر باشد یعنی همان شکم مادر که کودک را احاطه کرده است. و لذا حدّاقل در بیان مصداق یک ظلمت (خون) با احتمال اوّل (الف) متفاوت است. ج: مقصود از سه ظلمت همان سه پرده‌ای است که جنین داخل آنهاست «۵» که عبارتند از: ۱. پرده آمینون (enarbmem citoinmA) این پرده حفره آمینون را که پر از مایع زلالی است به نام مایع آمینوتیک و جنین در آن شناور است، احاطه می‌کند. ۲. پرده کورین (enarbmem cenoirohC) که سلول‌های سطحی آن به داخل غشاء مخاطی رحم نفوذ می‌کند. ۳. کیسه (پرده) زرد (۶» (bmem audisiD» که عبارت است از غشای مخاطی جداره رحم پس از لانه گزینی تخمک که بعدا جفت را تشکیل خواهد داد. و به این دلیل جفت نامیده می‌شود که به همراه جنین از رحم خارج می‌شود. برخی از پزشکان با تطبیق ظلمت‌های سه گانه آیه مورد بحث با این سه پرده آن را اعجاز (_____۱) مفردات راغب، ماده ظلم. (۲) المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۸۴. (۳) محمد مهدی فولادوند، ترجمه قرآن، زیر آیه ۶/ زمر، ایشان با اینکه مطالب خارج از ترجمه را کمتر می‌آورد. ولی در اینجا می‌نویسد: تاریکیهای سه‌گانه [مشیمه و رحم و شکم . (۴) ر. ک: ابن طاووس (ره)، مصباح الزائر و نیز شیخ عباس قمی (ره)، مفاتیح الجنان. (۵) دکتر السید الجمیلی، الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۵۹. (۶) این لایه گاهی صفحه «دسیدوائی» خوانده می‌شود. و آن عبارت است از لایه‌ای با عملکرد در اندومتر و در طی زایمان ریزش می‌کند. و شامل دسیدوای اصلی یا حقیقی (قاعده‌ای) (silasaB audiceD و لایه دسیدوای کپسولی (siraluspaC

audiceD) و دسیدوای دیواره‌ای (silateiraP audiceD) است. که لایه کپسولی در اثر کشش از بین می‌رود. (پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور، (۱۹۹۰ م)، ص ۱۱۰ و ۱۱۲، انتشارات شرکت سهامی چهر، (۱۳۷۰ ش) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۰ علمی قرآن نامیده‌اند. «۱» یکی از نویسندگان سه پرده مذکور را با نام‌های: آمینوس «۲»، کوریون، آلان توئید «۳» یاد کرده است و یادآوری می‌کند که پرده أخیر چون سدّی محکم مانع از آسیب‌هایی است که از جانب هوا، نور، آب و باد متوجه جنین می‌شود. در فاصله میان پرده آمینوس و جنین مایعی وجود دارد که هرگاه ضربه‌ای خارجی به شکم مادر وارد آید، این ضربه به مایع منتقل می‌شود و توسط مایع مذکور خنثی می‌شود. و سپس نتیجه می‌گیرد که آیه ۶ سوره زمر مطابق دانش امبریولوژی «۴» (علم جنین‌شناسی) است. «۵» یکی دیگر از نویسندگان نیز با طرح همین سه پرده می‌گوید: پرده آلان توئید در ناحیه شکمی جنین است و مربوط به لوله هاضمه آن بوده به جذب غذا کمک می‌کند. «۶» برخی از کسانی که در تفسیر قرآن قلم زده‌اند نیز همین سه پرده را در تفسیر علمی آیه پذیرفته‌اند و به صورت مفصل توضیح می‌دهند که کار پرده اوّل تغذیه، حمایت و حفظ حرارت جنین است و کار پرده دوّم انتقال غذا و اکسیژن به کودک است این پرده دوّم (کورین) همان است که به نام مشیمه نامیده می‌شود. «۷» و کار پرده سوّم احاطه جنین و خروج با همراه آن است. «۸»

(_____۱) ر. ک: دکتر دیاب و قرقوز، طب در قرآن، ص ۹۳ (کتاب مذکور رساله دکترای این دو پزشک است) و نیز دکتر حامد احمد حامد، الایات العجاب فی رحلة الانجاب، ص ۱۱۶. (۲) نویسنده در کتاب، آمینوس ضبط کرده بود امّا اصل آن (noinmA) آمینون است. (دکتر هوشمند ویژه- فرهنگ پزشکی) (۳) آلان‌توئید (slotnallA) یکی از اعضائی است که جنین را می‌پوشاند و قسمت پایین آن به مثانه و قسمت بالای آن به اوراک (suhcarU) امتداد می‌یابد. (فرهنگ پزشکی- انگلیسی- فارسی- دکتر محمد هوشمند ویژه- چاپ دوّم- ۱۳۶۶) ولی ظاهرا مطلب نویسنده محترم با نوشته‌های رویان‌شناسان مطابق نیست و آنان آلان توئید را به عنوان پرده مطرح نمی‌کنند بلکه به عنوان قسمتی در بند ناف مطرح می‌کنند. (ر. ک: رویان‌شناسی لانگمن، ص ۱۲۲.) (۴) ۵) ygoloyrbmE) ر. ک: مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۹۶ و نیز فضل اللّه کمپانی، ماهیت و منشأ دین، ص ۲۰۴ و مجله دانشمند، ش ۶۷. (۶) بی‌آزار شیرازی، قرآن و طبیعت (گذشته و آینده جهان)، ص ۶۶. (۷) ایشان اینگونه گفته بود. امّا در فرهنگ پزشکی دکتر هوشمند ویژه، noinmA (آمینون) را مشیمه جنین (داخلی‌ترین غشائی که جنین را در بر می‌گیرد و کیسه آمینون یا کیسه آب را تشکیل می‌دهد) نامیده است. (۸) شیخ خالد عبد الرحمن العک، الفرقان و القرآن، ص ۴۹۱ و ۴۹۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۱ لفائفی می‌گوید. «۱» د: برخی دیگر از صاحب‌نظران گفته‌اند که ظلمت‌های سه‌گانه شامل ظلمت بیضه، ظلمت تخمدان و ظلمت رحم است. «۲» ه: برخی نیز گفته‌اند که مقصود «ظلمت، صلب (پشت پدر) و رحم و مشیمه (کیسه رحم)» باشد. ولی علامه طباطبائی (ره) این احتمال را خطا می‌داند چون صریح آیه این است که این ظلمت‌ها در شکم مادران (فی بطون امهاتکم)- نه پشت مردان- است. «۳» و: برخی نیز احتمال داده‌اند که مقصود «تاریکی شب، تاریکی رحم و تاریکی شکم» مراد باشد. «۴» که این معنا نیز خلاف ظاهر قرآن است.

بررسی:

بررسی: در مورد اعجاز علمی قرآن و تطبیق آیه ظلمت‌های سه‌گانه با یافته‌های علمی تذکر چند نکته لازم است: ۱. پرده‌ها و فضاهایی جنین انسان را احاطه کرده است: الف: پرده‌ها (از بیرون به داخل) عبارتند از: لایه پوستی شکم لایه گوشتی رحم (دیواره زهدان) دسیدوای دیواره‌ای (زرد) دسیدوای کپسولی لایه کوریون لایه آمینون ب: فضاها (از بیرون به داخل) عبارتند از: فضای بین

پوست شکم و رحم فضای بین رحم دسیدوای دیواره‌ای (البته این دو به هم چسبیده‌اند) فضای بین دسیدوای دیواره‌ای و کپسولی (که پس از مدتی در اثر رشد جنین از بین می‌رود) فضای بین کوریون و آمینون (حفره کوریونی) فضای بین آمینون و جنین تذکر ۱: برای اطلاعات بیشتر به شکل پ در ضمیمه شماره ۱ مراجعه کنید. تذکر ۲: حفره آمینونی پر از مایع آبکی روشن است که بخشی از آن توسط سلولهای آمینونی تولید شده لکن در اساس از خون مادری منشأ می‌گیرد: که از ۳۰ میلی لیتر تا ۱۰۰۰ میلی لیتر تغییر می‌کند. «۱» ۲. احتمال چهارم و پنجم و ششم (د- ه- و) هیچ دلیلی ندارد. و نمی‌توان بدون قرینه و دلیل ظلمت‌های سه‌گانه آیه را بر این سه مورد حمل کرد. بلکه این احتمال‌ها مخالف ظاهر آیه قرآن است چون در آیه (زمر/ ۶) سخن از خلقت انسان درون شکم مادر است و ظلمت‌های سه‌گانه در این قلمرو معرفی شده است در حالی که در احتمال چهارم سخن از بیضه است و در احتمال پنجم سخن از صلب است و در احتمال پنجم نیز سخن از تاریکی شب است که خارج از شکم مادر قرار دارند. ۳. احتمال سوم (سه پرده آمینون، کوریون و زرد) نیز هیچ قرینه قطعی معین کننده ندارد چرا که همانطور که گذشت، پرده‌ها و لایه‌های اطراف جنین شش عدد است و تعیین سه عدد آنها به عنوان مصداق ظلمت‌ها در آیه مورد بحث، کلامی بدون دلیل است. و علاوه بر آن «ظلمت» به فضای خالی از نور گفته می‌شود نه به پرده‌ای که تاریکی را ایجاد می‌کند. پس برای تعیین مصادیق ظلمت‌ها باید به دنبال فضاهای بین این لایه‌ها و پرده‌ها باشیم در حالی که نویسندگانی که احتمال سوم را پذیرفته‌اند بر پرده‌ها تأکید می‌کنند. پس نمی‌توانیم ظلمت‌های سه گانه آیه را بر این سه پرده اطراف جنین تطبیق کنیم. ۴. احتمال اوّل (ظلمت شکم مادر و رحم و مشیمه) و احتمال دوّم (ظلمت‌های میان پوست، گوشت و خون) قابل جمع است. چرا که مراد از مشیمه همان آمینون است و همانطور که بیان کردیم حفره آمینون پر از مایع آبکی است که در اساس از خون مادر منشأ می‌گیرد. و این دو احتمال نسبت به احتمال‌های دیگر بهتر است چون: اولا: محور این دو احتمال همان فضاهای بین پرده‌هاست.

(۱) ر. ک: پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور، از ص ۱۰۸ تا ص ۱۲۳ تا بویژه ص ۱۱۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۳ ثانیا: همانطور که بیان شد از شش فضای موجود بین پرده‌ها سه عدد آنها در اثر بزرگ شدن جنین از بین می‌رود. و سه فضای بین پوست شکم و رحم- بین کوریون و آمینون (بین گوشت رحم و آمینون)- و بین آمینون و جنین (حفره آمینونی) باقی می‌ماند. این سه فضا قابل تطبیق با سه ظلمت ذکر شده در آیه هست. امّا باز هم به صورت قطعی نمی‌توان این مطلب را به قرآن نسبت داد. چرا که ممکن است مراد حتمی فضاهایی غیر از سه مورد مذکور باشد و از طرفی ممکن است با پیشرفت علم پزشکی در جنین‌شناسی تحولات تازه‌ای رخ دهد و اطلاعات جدیدی بدست آید. از طرف دیگر ممکن است مراد از ظلمت در آیه مورد بحث تاریکی معمولی (خالی بودن محیط از نور حسّی) نباشد. «۱» هر چند که این احتمال أخیر قرینه و دلیل تقویت کننده‌ای ندارد. پس با توجه به کشفیات جنین‌شناسی و موافقت با ظاهر قرآن در بین چهار احتمال معانی آیه، احتمال اوّل و دوّم بهتر است. و این دو احتمال هم به یک معنا و تفسیر برمی‌گردد. ۵. هر چند که این آیه با طرح ظلمت‌های سه‌گانه و تطبیق آن با یافته‌های جدید پزشکی اعجاب همگان را برانگیخته و عظمت قرآن و مفسّر راستین آن یعنی امام حسین (ع) را اثبات کرده است، امّا این رازگویی قرآن یک اعجاز علمی محسوب نمی‌شود چرا که خبری معجزه است که دیگران نتوانند از راه عادی بدان پی ببرند. در حالی که سه لایه شکم- رحم- مشیمه (آمینون) با هر کالبد شکافی ساده‌ای قابل رؤیت است. لذا برخی

نویسندگان قرن‌ها قبل این مطلب را در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند. برای مثال راغب اصفهانی (متوفی ۵۰۳ ه. ق) به این لایه‌ها اشاره کرده است. پس این مطلبی نیست که فقط علم جدید پزشکی بدان دست یافته باشد. هر چند که با کشفیات جدید پزشکی معنای آیه روشن‌تر شد و عظمت و دقت علمی آن به اثبات رسید.

مرحله ششم: آفرینش انسان از مضغه:

اشاره

مرحله ششم: آفرینش انسان از مضغه: قرآن کریم در مراحل خلقت انسان پس از علقه مرحله‌ای دیگر بنام «مضغه» را مطرح می‌سازد که در دو آیه و سه بار از آن سخن گفته است: (۱) در کتابهای لغت گفته شده که گاهی تعبیر ظلمات به صورت مجازی در مورد جهل و شرک و فسق به کار می‌رود. و در قرآن نیز بدین صورت استعمال شده است مثل: یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ (بقره/ ۲۷۵)- أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ (ابراهیم/ ۵) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی، ماده ظلم. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۴ فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً «۱» «پس آن علقه را [به صورت مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم.» ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ «۲» «سپس از علقه، آنگاه از مضغهٔ دارای خلقت کامل و [احیانا] خلقت ناقص تا قدرت خود را بر شما روشن گردانیم.»

بررسی لغوی:

بررسی لغوی: الف: مضغه به معنای غذای جویده شده و گوشت جویده آمده است. پس مضغه عبارت است از قطعه‌ای از گوشت که شبیه گوشت جویده شده است. «۳» ب: مخلّقه تعبیری است که برای مبالغه در خلق به کار می‌رود و خلق به معنای ایجاد چیزی بر کیفیت مخصوص است. و این کلمه برای مبالغه و تأکید و نسبت فعل به مفعول می‌آید. یعنی ناظر به جهت وقوع فعل است. پس تعبیر به مخلّقه در مورد مضغهٔ اشاره به این است که حقیقت خلق و تحقق آن (یعنی ایجاد بر کیفیت مخصوص و تعیین خصوصیات و مقدرات) در این مرتبه است. و امّا غیر مخلّقه به این معناست که تعیین برخی خصوصیات (تماما یا بعضا) در این مرتبه مضغه نیست. «۴»

اسرار علمی:

اسرار علمی: ۱. استاد مکارم شیرازی در مورد آیه ۵ سوره حج ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ می‌نویسند: «کم‌کم جنین شکل یک قطعه گوشت جویده شده به خود می‌گیرد بی‌آنکه اعضای مختلف بدن در آن مشخص باشد. امّا ناگهان در پوسته «جنین» تغییراتی پیدا می‌شود و شکل آن متناسب با کاری که باید انجام دهد تغییر می‌یابد و اعضای بدن کم‌کم ظاهر می‌شود. امّا جنین‌هایی که از این مرحله نگذرند و همچنان به صورت سابق و یا ناقص بمانند ساقط می‌شوند و از رده خارج می‌گردند. جمله مخلقه و غیر مخلقه ممکن است اشاره به این مرحله باشد یعنی «کامل الخلقه» و «غیر کامل الخلقه». «۵» (۱) مؤمنون/ ۱۴. (۲) حج/ ۵. (۳) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی، و نیز التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۲۴- ۱۲۵، ماده مضغ. (۴) ر. ک: التحقیق، ج ۳،

ص ۱۱۲ و نیز ج ۱۱، ص ۱۲۶. (۵) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۵ ۲. استاد مصباح یزدی در مورد «مضغه» می‌نویسند: «مفسرین گفته‌اند از ماده مضغ (جویدن) است زیرا در این مرحله مانند گوشت جویده شده است. امّا آنچه بیشتر نیاز به توضیح دارد تعبیر «مخلّقه» و «غیر مخلّقه» است. بی‌شک منظور این نیست که هر انسانی هم از مضغه مخلّقه و هم از غیر مخلّقه، آفریده می‌شود؛ بنابراین چنین نیست که این دو، دو مرحله پیاپی برای مضغه است؛ بلکه منظور این است که مضغه در مرحله تکامل خود به دو قسم تقسیم می‌گردد: گاه به صورت مخلّق درمی‌آید و گاه نه و ساقط می‌شود و به مرحله بعدی یعنی جنین نمی‌رسد. و امّا لغت مخلّق: اهل تفسیر و لغت در مورد آن اختلاف دارند: برخی گفته‌اند تخلیق به معنای تسویه است (خلّق العود- سوّاه) صاف کردن چوب کج یا برطرف کردن ناهمواری آن تخلیق است. پس مخلّقه به معنای مسواة می‌شود. که در برخی آیات هم تعبیر ثُمَّ سَوَّاهُ (سجده/ ۹) وجود دارد. پس در اینجا نیز بعد از مضغة می‌توان گفت مرحله کامل‌تر تسویه مضغه است. برخی نیز گفته‌اند منظور تصویر است. برخی دیگر گفته‌اند: مخلّق یعنی تام الخلقه. خلّق الشیء یعنی أتمّ خلقه. به هر حال، پس از مضغه گاهی جنین به حدی می‌رسد که اعضاء آن معلوم است و تصویر پیدا می‌کند که در آن صورت مخلّق است و گاهی در همان حدّ قبل از تصویر ساقط می‌شود که در این صورت غیر مخلّق است.» «۱» ۳. علامه طباطبائی (ره) مخلّقه و غیر مخلّقه را به معنی تام الخلقه و غیر تام الخلقه می‌داند و سپس با «تصویر» جنین تطبیق می‌کند که در هنگام نفخ روح تصویر آن کامل می‌شود. «۲» ۴. دکتر قرقوز و دکتر دیاب در تشریح مرحله مضغه می‌نویسند: جنین در حالت مضغه دو مرحله عمده را پشت سر می‌گذارد: نخست: مرحله مضغه نامتمایز (یا غیر مخلّقه) که تا پایان هفته چهارم ادامه دارد و هیچگونه تمایزی در اعضای بدن وجود ندارد. دوّم: مرحله مضغه متمایز (یا مخلّقه) که از ابتدای هفته پنجم «۳» شروع می‌شود. در

(_____ ۱) معارف قرآن، ص ۳۳۸ - ۳۳۹.

(۲) المیزان، ج ۱۴، ص ۳۴۴. (۳) در برخی کتاب‌های پزشکی معتبر دانشگاهی، مرحله تمایز لایه‌های سه‌گانه را بنام گاسترولاسیون می‌خوانند و شروع آن را از هفته سوم می‌دانند. (پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و شکور، ص ۵۷) با توجه به اینکه دکتر قرقوز و دیاب نیز بعدا تذکر سه هفته را می‌دهند. شاید منظور ایشان در اینجا ظهور تغییرات در نمای خارجی جنین است به طوری که با چشم دیده شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۶ این مرحله تمایز لایه‌های زاینده و تغییر شکل و حرکت سلولهای آنها (noitatnereffeD) شروع می‌شود. خداوند از این مرحله به نام «تخلّق» یاد کرده است زیرا هر یک از این لایه‌ها مسئولیت تشکیل یکی از دستگاه‌ها یا اندامهای بدن را بعهده می‌گیرند. (مضغه متخلّق) این مرحله تمایز لایه‌های زاینده تقریبا در ماه سوم بارداری پایان می‌پذیرد. در این زمان طول جنین ۱۰ سانتی‌متر و وزن آن معادل ۵۵ گرم است. بدین ترتیب پی به اعجاز قرآن می‌بریم آنجا که می‌فرماید: ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ «۱» و «۲» پس از اینکه در مرحله علقه، جنین کاملا (در رحم) جایگزین شد مرحله مضغه از هفته سوم آغاز می‌شود. و دو بخش مهم آن یعنی توده داخلی سلولی و لایه تروفوبلاست به ترتیب شروع به تشکیل جنین و اندامهای فرعی جنین می‌کنند. ابتدا سلولهای توده داخلی تشکیل سه لایه زاینده جنینی می‌دهند که عبارتند از: الف: لایه اکتودرم (mredotcE): این لایه عامل بوجود آمدن نخاع، مغز، اعصاب و بشره پوست و غشاهای مخاطی دهان و بینی است. ب: لایه مزودرم (mredoseM): این لایه عامل بوجود آمدن قلب، رگهای خونی، خون، استخوان، عضلات، کلیه‌ها، قسمت میانی پوست و قسمتی از غدد داخلی است. ج: لایه آندودرم (mredodnE): این لایه عامل بوجود آمدن دستگاه‌های گوارش، تنفس، غده تیروئید، کبد و لوز المعده است. ۵. دکتر پاک‌نژاد درباره مضغه می‌نویسد: «المضغة القطعة التی تمضغ من لحم و غیره، قطعه جویده شده‌ای از گوشت یا غیر آن که در ابتدا یکنواخت و مخلقه است و سپس تشکیلات و سلول‌های ناهمجور غیر مخلقه‌ای در او بوجود می‌آید. (هموژن، هتروژن) پس از اینکه به صورت مضغه در آمد عروق مشبکه‌ای در فواصل تشکیلات گوشت مانند ناهمجور بوجود می‌آید.» «۳» آن گاه توضیحات جالبی در مورد رشد جنین می‌دهند که به

صورت خلاصه می‌آوریم: «جنین در ۲۴ ساعت اوّل در رحم لانه گزینی می‌کند. روز دوّم به اندازه یک بذر کوچک است نزدیک به ۱۳۵ ساعت پس از مقاربت مانند یک دانه گیاه که یک تکمه مانند در آن

(_____۱) حج/ ۵. (۲) طب در قرآن، ص ۸۷ و ۸۸ با تلخیص. (۳) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۷ در حال رویش است که به آن رویان گویند. ۱۶۰ ساعت پس از مقاربت در وسطش شیاری بوجود آمده که در این هنگام تشکیلاتی که باید مغز، روده و پی‌ها و غیره را درست کنند از هم مجزا می‌شوند. وقتی ۲۰ روز از عمرش می‌گذرد ۱/۵ میلی‌متر طول دارد و در روز ۲۷ سلول‌های جای قلب می‌لرزد. جنین قلبش در چهار هفتگی ۶۰ مرتبه در دقیقه می‌زند. که در این ماه ده هزار برابر وزن سلول اولیه است. در آخر دو ماه طول رویان ۲۳ میلی‌متر و وزن آن ۱/۲۵ گرم است. چون به ۱/۵ سانتی رسید جوانه‌های دست و پا نیز پیداست و جای قلب بزرگ و بند ناف طویل و باریک است. در ۳۵ روزه دست و پا شکل جداگانه دارند. چون به ۴/۲ سانتی رسید شکل انسان حقیقی را دارد.» «۱» ۶. دکتر «موریس بوکای» نیز در مورد آیه ۵ سوره حج و ۱۴ سوره مؤمنون نکات علمی جالبی را بیان می‌کند. او می‌نویسد: «گوشت (جویده) ترجمه کلمه «مضغه» است مانند گوشت (تازه) ترجمه کلمه «لحم» است. این تمایز شایسته تذکر است جنین بدوا جرم کوچکی است که در مرحله‌ای از رشدش با چشم غیر مسلح کاملا به صورت گوشت جویده پدید می‌گردد ... می‌دانیم که در حین رشد جنین، برخی قسمت‌ها با آنچه که بعدها فردی خواهد شد کاملا نامتناسب ظاهر می‌گردند و برخی دیگر متناسب می‌مانند. آیا این، معنی کلمه «مخلّقة» نیست که «با تناسب ساخته شده» معنی می‌دهد و در آیه ۵ سوره حج (از تکه گوشت متناسب و نامتناسب) برای تذکار همین امر به کار رفته است؟» «۲» تذکر: در ضمیمه شماره ۱ شکل‌های، ث- ت- ج- چ- را ملاحظه فرمایید. «۳»

جمع‌بندی:

جمع‌بندی: از سخنان متخصصان علوم پزشکی برمی‌آید که جنین انسان از هنگام لقاح تخمک و کرمک (اوول و اسپرم) تا شش روز در راه است تا در رحم جایگزین شود. «۴» سپس در رحم لانه

(_____۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۷. (۲) مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۵- ۲۷۶. (۳) برای اطلاعات علمی بیشتر از رشد جنین در مرحله مضغه (هفته سوم رشد جنین به بعد) رجوع کنید به رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ص ۵۷ به بعد. (۴) ر. ک: رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ص ۳۸ و شکل‌های الف و ب در ضمیمه. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۸ گزینی می‌کند و بصورت آویزک (علق) تا ۱۴ روز به رشد خود ادامه می‌دهد. و از هفته سوم بارداری دوره تمایز لایه‌های زاینده (مضغه) را می‌گذارند «۱» که تا ماه سوم بارداری ادامه دارد. امّا این مضغه همیشه یک حالت ندارد و مراحل و حالات گوناگونی دارد. که در قرآن کریم از آن تعبیر به مخلّقه و غیر مخلّقه «۲» شده است. در مورد این تعبیر قرآن چند دیدگاه وجود داشت: الف: مقصود جنین کامل الخلقه و ناقص الخلقه باشد. (این نظر استاد مکارم شیرازی بود) ب: مقصود از مخلقه همان مرحله تسویه جنین باشد. ج: مقصود از مخلقه همان مرحله تصویر جنین باشد. (یعنی اعضاء آن هویدا شود) علامه طباطبائی (ره) و استاد مصباح یزدی متمایل به این نظر بودند. د: مقصود از مخلّقه همان مضغهٔ متخلق و شکل یافته و متمایز (تمایز لایه‌های زاینده اعضاء)، و مقصود از غیر مخلقه، مضغهٔ غیر متمایز (قبل از پایان هفته چهارم بارداری) باشد. این نظر دکتر دیاب و دکتر قرقوز بود. ه: مقصود همان مضغه است که در حالت یکنواخت است. و غیر مخلّقه، مضغه‌ای است که متمایز شده و تشکیلات و سلول‌های ناهمجور دارد؛ این نظر دکتر پاک‌نژاد بود. و: مقصود از مخلّقه همان قسمت‌هایی از مضغهٔ است که با آنچه بعدا می‌شود تناسب دارد و غیر مخلّقه آن قسمت‌هایی از مضغه است که با آنچه

بعدا می‌شود تناسب ندارد. این نظر دکتر موریس بوکای بود. اگر مقصود از «مخلّقه» همان تسویه باشد (معنای ب) از مورد بحث اینجا خارج است و در مرحله هفتم آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. معنای «ج» (جنین صورت یافته) با معنای «د» (مضغهٔ متخلّق و متمایز) قابل جمع و ادغام است. شاید بتوان گفت که با معنای «ب» (تسویه) نیز قابل جمع است. چرا که تسویه و تصویر و تمایز مضغهٔ، معانی نزدیک به هم دارند. در این صورت مرحله مضغه به دو مرحله گوشت کوبیده غیر متمایز و متمایز تقسیم می‌شود که مرحله اوّل همان مضغه صرف (غیر مخلقه) است و مرحله دوّم مضغه مخلقه یا متمایز یا تسویه شده است. (که در بحث بعدی مورد بررسی قرار می‌دهیم.) و معنای لغوی آیه با معنای «د» که دکتر قرقوز و دکتر دیاب می‌گفتند تناسب بیشتری دارد.

(_____۱) ر. ک: همان، ص ۵۷ به بعد. (۲) حج/ ۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۴۹۹

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. تعبیر قرآن بسیار زیبا و شگفت‌انگیز (مضغهٔ مخلقه و غیر مخلقه- حج/ ۵) است که با یافته‌های پزشکی جدید هماهنگ است و جنین را در این دوره (هفته سوم به بعد) به صورت گوشت کوبیده معرفی می‌کند و اشاره‌ای لطیف به تمایز لایه‌های آن (مخلقه- ایجاد بر کیفیت مخصوص و تعیین خصوصیات) می‌کند. این مطلب با توجه به عدم پیشرفت جنین‌شناسی در عصر نزول قرآن یک نوع رازگوئی قرآن کریم است و عظمت این کتاب الهی را نشان می‌دهد. ۲. این اشاره علمی قرآن دلیل اعجاز علمی آن نیست، چرا که با توجه به احتمالات متعدد در معنای (مخلّقه و غیر مخلّقه) نمی‌توان یک معنای علمی خاص را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد و اعجاز علمی آن را اثبات کرد. ۳. معنایی که دکتر دیاب و قرقوز از واژه مخلقه (مضغه متمایز و متخلق) کردند با معنایی که دکتر پاک‌نژاد از همین واژه مخلّقه (یکنواخت) کرد کاملا متضاد بود. معنایی که دکتر دیاب و قرقوز کردند با معنای لغوی مخلّقه (مبالغه در ایجاد بر کیفیت مخصوص و تعیین خصوصیات) سازگارتر است. ۴. معنایی که استاد مکارم شیرازی در مورد غیر مخلّقه کردند (غیر کامل الخلقه که به صورت سابق یا ناقص بمانند و ساقط شوند) با معنای لغوی سازگار نیست. چرا که معنای «سقوط و از رده خارج شدن» در معنای «غیر مخلّقه» لحاظ نشده است و غیر مخلّقه حدّاکثر می‌تواند دلالت بر عدم تعیین خصوصیات و مقدرات در مرحله مضغه کند. همین اشکال به استاد مصباح یزدی نیز وارد است، چرا که ایشان هم «سقوط» را در معنای غیر مخلّقه لحاظ کرده است. در حالی که در لغت یا آیه تصریحی به این معنا (سقوط) نشده است. مگر آنکه مقصود ایشان این باشد که نتیجه غیر مخلقه بودن یعنی غیر تام و غیر متمایز بودن و ناقص بودن، هلاک است. تذکر: در تعبیر «غیر مخلّقه» دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه بگوئیم مقصود مضغه‌ای است که اصلا خلق نشده است (غیر مخلوق) و دوم اینکه بگوییم مقصود مضغه‌ای است که خلق شده امّا مقدرات و خصوصیات آن مشخص نشده است. و احتمال اوّل با سیاق آیه ناسازگار است چون مطلب آیه در اینجا بعد از خلقت مضغه را می‌گوید و در ادامه پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۰ آیه هم به خروج طفل منتهی می‌شود. پس اگر آیه بر احتمال اوّل معنا شود تناقض صدر و ذیل آیه لازم می‌آید (مضغه‌ای که خلق شده است اینگونه صفتی دارد که دو قسم است، خلق شده و خلق نشده- هلاک شده) پس فقط احتمال دوم صحیح بنظر می‌رسد تا بتواند مجموع (مخلّقه و غیر مخلّقه) صفت برای مضغه باشد. (گوشت کوبیده‌ای که این صفت دارد دو قسم است برخی اقسام آن مقدرات آن مشخص است و برخی مشخص نیست- یا بگوییم- گوشت کوبیده‌ای که این صفت دارد دو بخش است بخشی از آن خصوصیات و مقدرات آن مشخص شده و برخی مشخص نشده است.)

مرحله هفتم: تصویر و تسویه انسان:

اشاره

مرحله هفتم: تصویر و تسویه انسان: قرآن کریم در چند مورد سخن از تسویه جنین انسان کرده است گاهی آن را بعد از مرحله نطفه ذکر کرده است و گاهی بعد از مرحله علقه ذکر کرده است و گاهی بعد از کلمه خلق آورده است. در مجموع تسویه را مرحله‌ای از آفرینش انسان معرفی می‌کند. در برخی دیگر از آیات، سخن از نقاشی خداوند در رحم انسان می‌کند و او را صورتگر معرفی می‌کند. از آنجا که مفاهیم و مضامین این آیات با همدیگر نزدیک است ما آنها را به صورت یک مرحله معرفی کردیم. قرآن کریم می‌فرماید: ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ «۱» «سپس [تداوم نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود؛ آنگاه او را درست اندام کرد، و از روح خویش در او دمید.» أَ كَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا «۲» «آیا به آن کسی که تو را از خاک سپس از نطفه آفرید، آنگاه تو را [به صورت مردی در آورد کافر شدی؟» ثُمَّ كانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثى «۳» «پس علقه [آویزک شد و [خدایش شکل داد و درست کرد. و از آن دو جنس نر و ماده را قرار داد (_____.» ۱) سجده/ ۹ و قریب به همین مضمون در حجر/ ۲۹ و ص/ ۷۲. (۲) کهف/ ۳۷. (۳) قیامت/ ۳۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۱ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى «۱» «همان که آفرید و هماهنگی بخشید.» الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ فِي أَيِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَكَّبَكَ «۲» «همان کسی که تو را آفرید، و [اندام تو را سامان بخشید به هر صورتی که خواست تو را ترکیب کرد.» هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى «۳» «اوست خدای خالق نوساز صورتگر که بهترین نامها [و صفات از آن اوست.» هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحامِ كَيْفَ يَشاءُ «۴» «اوست کسی که شما را آن‌گونه می‌خواهد در رحمها صورتگری می‌کند.» تذکر: در بحث مضغهٔ در تفسیر آیه مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ «۵» بیان شد که برخی گفته بودند مقصود از «مخلّقه» همان تسویه و یا تصویر و یا تمایز مضغه است و در همان جا بیان شد که اگر این تفسیر را بپذیریم آیه ۵ سوره حج ملحق به مرحله تسویه می‌شود، چرا که تسویه جنین با مضغه مخلّقه یکی می‌شود.

دیدگاه لغویین:

دیدگاه لغویین: الف: سوّی: مساوات همان تعادل است که گاهی با کمیت (وزن و کیل) و گاهی با کیفیت است. و گاهی مساوات دو چیز نسبت به هم است و گاهی اعتدال چیزی فی نفسه است. و تسویه در آیات فوق به معنی قرار دادن چیزی به صورت معتدل متوسّط در عمل و نظم و تدبیر و تکمیل است و به عبارت دیگر قرار دادن چیزی بر طبق مقتضای حکمت است. «۶» ب: باریء: ریشه این لغت همانطور که در مفردات و مقاییس و مصباح اللغهٔ و التحقیق بیان شده است از ماده «برأ» است (نه ماده بری که ریشه بریّه است) «۷» و این واژه به دو معنا می‌آید یکی خلق و دیگری به معنای دوری از چیزی مثل عیب و نقص. اگر باریء را از (_____ ۱) اعلی/ ۲. (۲) انفطار/ ۷- ۸. (۳) حشر/ ۲۴. (۴) آل عمران/ ۶. (۵) حج/ ۵. (۶) ر. ک: مفردات راغب اصفهانی و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۲۸۰- ۲۸۱. (۷) هر چند که ماده بری و برء معانی آن نزدیک است و برخی لغویین هم معنای جامع آنها را «دوری از نقص و عیب» دانسته‌اند. امّا الباریء را لغویین در ماده برء آورده‌اند نه ماده بری. (التحقیق، ج ۱، ص ۲۴۰) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۲ معنای اوّل (خلق) بگیریم، در آیه: هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ «۱» معنای «خالق» و «باریء» تکرار و تأکید می‌شود. و لذا برخی از لغویین گفته‌اند که مقصود از خلق، ایجاد همراه با تقدیر است و آن تقدیر کلی علمی است که اولین مرحله وجود است و مرحله دوم یعنی برء هنگامی است که تقدیر به مرحله عمل و فعلیت و ایجاد خارجی برسد. و سپس مقام تصویر است. «۲» و اگر

باریء را از معنای دوم (دوری از عیب و نقص که لازمه آن تکمیل و تسویه است) «۳» بگیریم در این صورت باریء به معنای تکمیل کننده و تعدیل و تسویه کننده است.

نکات تفسیری و اسرار علمی:

نکات تفسیری و اسرار علمی: در اینجا برخی از مفسران و صاحب‌نظران علوم پزشکی اظهار نظرهایی کرده‌اند که قابل دقت و تأمل است: ۱. مرحوم طبرسی در مورد آیه ۳۸ قیامت کلمه «فسوی» را اینگونه تفسیر می‌کند: تسویه خلق و صورت و اعضاء باطنی و ظاهری در شکم مادر مقصود است. و برخی گفته‌اند: بعد از ولادت که قوت انسان تکمیل می‌شود. و برخی گفته‌اند: خلقت جسم است و تسویه آن برای افعال که هر عضوی عمل خاص خود را انجام می‌دهد. و قریب به همین مضمون را در سوره انفطار/ ۷ و اعلی/ ۲ می‌نویسند. «۴» ۲. علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیه ۷ سوره انفطار الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ می‌نویسند: «از تدبیر الهی خلقت انسان با تمام اجزاء وجودی است سپس تسویه آن به قرار دادن هر عضوی در جای مناسب خویش بر طبق مقتضای حکمت است سپس عدل اعضاء کرد یعنی توازن متعادل بین اعضاء او قرار داد که برخی را قوی و برخی را ضعیف کرد تا همدیگر را تکمیل کنند.» «۵» ۳. استاد مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۷ انفطار الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ فِی أَیِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ آن را اشاره به چهار مرحله عظیم خلقت می‌دانند که عبارتند از:

(_____ ۱) حشر/ ۲۴. (۲) حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۴۱ (ماده برء) (۳) برخی از لغویین تصریح می‌کنند که تسویه در مفهوم برأ و بری هر دو هست. (همان، ص ۲۴۰) (۴) مجمع البیان، ج ۵، زیر آیات فوق. (۵) المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۳ خلقک- اصل آفرینش. سواک- مرحله تسویه و تنظیم که هر عضوی از اعضاء پیکر او را با نظم‌بندی عجیبی موزون ساخت. عدلک- تعدیل میان قوا و اعضای پیکر و هماهنگی و رابطه آنها با یکدیگر که این اعضاء کار یکدیگر را تکمیل می‌کنند. فی ایّ صورة ما شاء رکبک- ترکیب و صورت‌بندی انسان در مقایسه با موجودات دیگر که صورت نوع انسان موزون و زیبا و بدیع است و همچنین سیرتی زیبا دارد. و صورت‌های افراد انسان نیز با هم متفاوت است. «۱» در مورد تسویه در آیه ۳۸ سوره قیامت می‌نویسند: «سوّی از ماده «تسویه» به معنای صاف کردن و نظام بخشیدن است. بعضی آن را اشاره به آفرینش روح می‌دانند. بعضی نیز خلق را اشاره به آفرینش روح و جمله «سوّی» را اشاره به تنظیم و تعدیل اعضای پیکر آدمی می‌شمرند و بعضی دیگر آن را به تعدیل و تکمیل تفسیر کرده‌اند. ولی ظاهر این است که تعبیرات آیه چنان جامع و وسیع است که هر گونه آفرینش و تنظیم و تعدیل و تکاملی را که روی علقه تا هنگام وضع حمل انجام می‌گیرد شامل می‌شود.» «۲» ایشان کلمه «الباری» را اینگونه ترجمه می‌کنند: «خداوندی که مخلوقات را بی‌کم و کاست و بدون هیچ شبیهی از قبل، ایجاد کرد.» و سپس در مورد «باریء» سه احتمال ذکر می‌کنند: الف: از ماده برء (بر وزن قفل) به معنی بهبودی و رهائی از امور ناخوشایند و لذا باریء به کسی گفته می‌شود که چیزی را بدون کم و کاست و کاملا موزون ایجاد کند. ب: از ماده «بری» (بر وزن نفی) به معنی تراشیدن چوب که آن نیز به منظور موزون ساختن آن انجام می‌گیرد. «۳» ج: باریء کسی است که چیزی را بی‌سابقه و بدون نمونه قبل ابداء کند. «۴»

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۲۱- ۲۲۲ با تلخیص. (۲) پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۹. (۳) در معنای لغوی باری گذشت که این لغت را لغویین در ریشه برء آورده‌اند نه ریشه بری، و لذا کلام ایشان در اینجا عجیب است. (۴) تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۴. استاد آیة اللّه معرفت مرحله تصویر و تسویه و تعدیل را در هفته پنجم تا هفتم می‌دانند. «۱» ۵. همانطور که بیان شد اگر در بحث «مضغه» تفسیر مخلقه (حج/ ۵) را به تسویه، تمایز و تصویر بپذیریم، مرحله تسویه با مضغه مخلقه یکی می‌شود و همان مباحث علمی

که در مورد تمایز جنین در هفته سوم بارداری به سه لایه زاینده اکتودرم، مزودرم و آندودرم مطرح شد «۲»، در اینجا نیز مطرح می‌شود. ۶. دکتر پاک‌نژاد در مورد آیه ۲۴ سوره حشر می‌نویسد: «اواخر سوره حشر با آنکه خدا را اسامی فراوانی است پروردگار چند عدد از آن را به عنوان اسمای حسنای خود انتخاب و ذکر کرده که با مداقه کافی می‌بینیم این اسماء عصاره و عنوان تمام آراء معنوی و مادی و مراحل گوناگون تطور و دگرگونی و تکامل زندگی اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، طبیعی و سیاسی می‌باشد ... سه اسمی که خلاصه دو آیه طولانی همین قسمت است که درباره جنین‌شناسی نقل شد. هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ- خالق (آفریننده) بارىء (ای الممیز) کسی که مخلقه را از غیر مخلقه متمایز می‌سازد- مصور (تصویر کننده) انسانی.» «۳» ۷. یکی از صاحب‌نظران در مورد مراحل ساختمان جنین با ذکر آیه ۲۴ سوره حشر می‌نویسد: ساختمان جنین را در سه مرحله زیر می‌توان خلاصه کرد: الف: آفرینش توده سلول‌ها یا مصالح ساختمانی بدن یک انسان. ب: مجزا شدن سلول‌ها از یکدیگر و رفتن هر یک به جای خود. ج: تصویر و صورت‌بندی جنین. این سه مرحله را قرآن کریم در ضمن سه کلمه بیان داشته است: اوّل: هو اللّه الخالق: اوست خدائی که آفریننده (انبوه سلول‌ها) است. دوّم: البارى: خدائی که جداکننده (سلول‌ها) است. سوّم: المصوّر: خداوند پیکر سازی که به این سلول‌ها صورت انسانی می‌دهد. و سپس آیه ۶ سوره آل عمران را ذکر می‌کند. «۴»

(_____ ۱) التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۸. (۲) ر. ک: طب در قرآن، ص ۸۷- ۸۸ و رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ص ۵۷. (۳) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۸. (۴) بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۶۱- ۶۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۵

جمع‌بندی:

جمع‌بندی: در مجموع از آیات مورد بحث می‌توان نتیجه گرفت که خداوند در قرآن کریم یک مرحله یا چند مرحله نزدیک بهم را در این آیات مورد بحث، تحت عنوان «بارىء، تسویه، تصویر» بیان می‌کند «۱»، که این مرحله پس از انعقاد نطفه و علقه و احتمالا مضغهٔ. است در این مرحله، اعتدال، تکمیل و تنظیم اعضاء پیکر جنین و برطرف کردن عیوب آنها و نیز صورتگری آن انجام می‌پذیرد.

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. سخن آقای دکتر پاک‌نژاد در مورد «بارىء» که آن را به معنای ممیز و جدا کننده مخلقه از غیر مخلقه دانسته‌اند با معانی لغوی و تفسیر آیه ۲۴ سوره حشر تناسبی ندارد؛ چرا که همانطور که گذشت، بارىء در لغت به معنی «خالق یا دور کننده از عیب» است و مفسرین نیز آن را به معنای «ایجاد کننده بدون سابقه و شبیه یا ایجاد کننده بدون کم و کاست» معنا کرده بودند. بنابراین، سخن آقای بی‌آزار شیرازی در مورد «بارىء» در آیه ۲۴ سوره حشر (خدائی که جدا کننده سلول‌هاست) نیز مبنای لغوی و تفسیری ندارد. مگر آنکه گفته شود که بارىء بمعنای تسویه است و تسویه به معنای تنظیم اعضای طفل در مرحله جنینی است و لازمه این تنظیم تمایز است که در آن صورت معنا کردن واژه «باری» با معنای «لازم لازم کلمه» است. ۲. این اشارات علمی قرآن به اعتدال و تنظیم و تکمیل جنین در مرحله تسویه و تصویر، بیان اسرار علمی است، که بشر عصر نزول از ریز مسایل علمی آن اطلاعی نداشت. و این عظمت علمی قرآن را می‌رساند. امّا این مطالب نمی‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند چرا که بشر با مشاهده و حسّ

(۱) به نظر می‌رسد که در آیات ۷- ۸ سوره انفطار الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ فِی أَیِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ تصویرگری، بیان

دیگری از مرحله تسویه و تعادل است و مرحله جدائی نیست و لذا بوسیله حرف عطف (ف- واو) آورده نشده است. و اگر در آل عمران/ ۶ و حشر/ ۲۴ به صورت جدا آورده شده است در آنجا نامی از تسویّه برده نشده است. و امّا در مورد باریء هم بیان شد که یا تأکید خالق است و یا به معنی تکمیل و تسویه است. البته بنابر یک تفسیر «مضغه مخلقه» هم در این مرحله جای می گرفت که در آن صورت به معنای تسویه می‌آمد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۶ از دیر زمان دریافته بود که اجمالاـ تنظیم اعضاء و صورت گری طفل در درون شکم مادر صورت می گیرد. قرآن کریم نیز در این آیات غیر از یک مطلب کلی در این باره نمی‌فرماید. پس اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی کند.

مرحله هشتم: شکل‌گیری استخوان‌ها:

مرحله نهم: پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها:

اشاره

مرحله نهم: پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها: ما این دو مرحله را با همدیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم چرا که بسیار به هم نزدیک هستند و بحث از دو مرحله با همدیگر موجب تکمیل بحث می‌شد و لذا مفسران و متخصصان علوم پزشکی هم این دو مرحله را با هم بررسی کرده‌اند. قرآن کریم در مورد این دو مرحله از خلقت جنینی انسان می‌فرماید: فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً «۱» «و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم.» نکته: «عظام» جمع «عظم» به معنای استخوان است.

نکات علمی:

نکات علمی: در مورد این آیه برخی مفسران، پزشکان و صاحب نظران سخنان متعارضی گفته‌اند که آنها را مرور می کنیم: ۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد آیه ۱۴ سوره مؤمنون می‌نویسند: «این آیه شریفه نه فقط به شکل گیری و تکوین استخوان پیش از گوشت (عضلات) به گونه‌ای بدیع اشاره دارد (بطوریکه گوشت را به عنوان «کسا» «پوشش» نام برده و برای کسانی که با علم کالبد شکافی سر و کار دارند کاملا واضح است که عضلات طوری استخوان‌ها را در برگرفته‌اند که گویی پوششی برای استخوان هستند) بلکه به نظر ما به مرحله تمایز و تخلق که از این مضغه کوچک آغاز می‌شود نیز اشاره دارد.» و سپس اضافه می کند که: «رشد سریع جنین پس از ماه سوم آغاز می‌شود و اندامهای شکل یافته به سوی تکامل (_____ ۱) مؤمنون/ ۱۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۷ می‌روند. برخی از این اندامها مانند جفت، دستگاه گوارش و قلب از همان دوران جنینی فعالیت خود را آغاز می کنند و مغز استخوان به تولید خون می‌پردازد ...» «۱» ۲. یکی از نویسندگان در مورد آیه مورد بحث مطلبی را از برخی پزشکان اینگونه حکایت می کند: «جنین بعد از آنکه مرحله علقه و مضغه را پشت سر گذاشت تمام سلولهایش تبدیل به سلولهای استخوانی می‌شود و بعد از آن تدریجا عضلات و گوشت روی آن را می‌پوشاند. بنابراین جمله فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً «۲» یک معجزه علمی است که پرده از روی این مسأله که در آن روز برای هیچ کس روشن نبود، برمی‌دارد. زیرا قرآن نمی گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان و گوشت کردیم، بلکه می گوید: «ما مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و بر استخوان‌ها لباس گوشت پوشاندیم.» اشاره به اینکه مضغه نخست تبدیل به استخوان می‌شود و بعد از آن گوشت روی آن را می‌پوشاند.» «۳» ۳. یکی دیگر از صاحب‌نظران

می‌نویسد: «انتخاب کلمه «کسونا» یکی از معجزات علمی قرآن است، زیرا امروز ثابت شده که استخوان‌ها قبل از نسوج گوشتی پدیدار می‌شوند.» «۴» ۴. دکتر عدنان الشریف در مورد مرحله استخوان و گوشت می‌نویسد: «از هفته هفتم بارداری، قسمتی (semotorelcS) از بافت‌های غضروفی به بافت‌های استخوانی تبدیل می‌شود تا ستون فقرات و استخوان را تشکیل دهد. و در هفته هشتم بارداری بقیه (emotoyM) به عضلات تبدیل می‌شود که ستون فقرات را می‌پوشاند. همانطور که بقیه استخوان‌ها به وسیله عضلات پوشیده می‌شود.» «۵» ۵. استاد آیة اللّه معرفت با توضیح تشکیل استخوان و عضلات این مرحله را در هفته پنجم تا هفتم پس از انعقاد نطفه می‌دانند. «۶» ۶. استاد مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۱۴ سوره مؤمنون، ابتداء مطلبی را که در بالا- از

(_____ ۱) طب در قرآن، ص ۸۹. (۲) مؤمنون/ ۱۴. (۳) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۸۸ و نیز دکتر ابو تراب نفیسی، زندگی، اسلام و دانش امروزی، ص ۳۲. (۴) اعجاز قرآن از نظر علوم امروز، ص ۲۹. (۵) دکتر عدنان الشریف، من علم الطب القرآنی، ص ۵۹، دار العلم للملایین. (۶) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۸۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۸ پزشکان حکایت کردیم آورده‌اند که در آن مطلب آیه به عنوان معجزه علمی قرآن مطرح شده بود و سپس تحت عنوان: «لباس مقاوم بر استخوان‌ها» می‌نویسند: «اصولا اینکه از عضلات تعبیر به «لباس» می‌کند خود گویای این واقعیت است که اگر این لباس بر استخوان‌ها نبود، بسیار اندام انسان زشت و نازیبا بود. (درست همانند اسکلت‌هائی که همه ما خود آن یا لا أقل عکس آن را دیده‌ایم.) از این گذشته، لباس، حافظ بدن است، عضلات نیز حافظ استخوان‌ها هستند و اگر آنها نبودند ضربه‌هائی که بر بدن وارد می‌شد استخوان‌ها را مرتبا صدمه می‌زد یا می‌شکست. همچنین کاری را که لباس در حفاظت انسان از گرما و سرما می‌کند گوشتها در نگهداری استخوان‌ها که ستون اصلی بدن هستند انجام می‌دهند اینها همه نشان دهنده دقت قرآن در تعبیرات است.» «۱» و نیز ایشان در تفسیر موضوعی پیام قرآن تأکید می‌کند که در مرحله عظام سلولهای گوشتی همگی تبدیل به سلولهای استخوانی می‌شود. «۲» ۷. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن نیز همین مطلب (تبدیل همه سلولها به استخوان) را نقل می‌کند. «۳» ۸. عبد الرزاق نوفل پس از طرح آیه ۱۴ سوره مؤمنون شرح مفصلی از خواص استخوان‌ها در بدن می‌دهد. و اینکه امروزه در علم تاریخ و باستان‌شناسی از طریق استخوان‌ها به جنس مردگان، طول عمر آنها و ... پی می‌برند. سپس می‌گوید که تأکیدات قرآن بر استخوان نوعی پیشی گرفتن بر این مباحث علمی است. قرآن صدها سال قبل از علم به زنده بودن استخوان و اهمیّت آن در وظایف انسان اشاره کرده است. در حالی که صاحبان علوم صدها سال می‌پنداشتند که استخوان‌ها، تکیه‌گاههای محکم انسان هستند که حیات ندارند. سپس وظایف استخوان‌ها در خون سازی بدن و تأثیرات آنها بر سلسله اعصاب را متذکر می‌شود. «۴» ۹. پروفسور «توماس وی سادلر» در کتاب «رویان‌شناسی پزشکی لانگمن» تشکیل استخوان و گوشت را اینگونه تشریح می‌کند:

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۱۲- ۲۱۳. (۲) پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۷. (۳) سید قطب، فی ظلال القرآن، ذیل آیه ۱۴ مؤمنون. (۴) القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۲۲ تا ۱۲۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۰۹ الف: در طی سوّمین هفته رشد جنین، مشخص‌ترین حادثه گاسترولاسیون می‌باشد فرآیندی که هر سه لایه زایای رویانی (اکتودرم- مزودرم- اندودرم) در رویان تشکیل می‌شود. «۱» (به تصویر «چ» در ضمیمه شماره ۱ توجه کنید) ب: از لایه اکتودرمی اعضا و ساختمانهایی که در ارتباط با دنیای خارج باقی می‌مانند ایجاد می‌گردد. مثل: دستگاه عصبی، اعصاب محیطی، پوشش حسی گوش و بینی و چشم، پوست از جمله مو و ناخن، غده هیپوفیز، پستان و غدد عرق و مینای دندان. از لایه مزودرمی این اعضاء ایجاد می‌شود: سلکروتوم (غضروف و استخوان)، دستگاه ادراری تناسلی، طحال و غدد فوق کلیوی، دستگاه رگی که شامل قلب و سرخرگها، سیاهرگ‌ها، رگهای لنفی و تمام سلولهای خونی و لنفی می‌باشد، سومیت‌ها میوتوم (بافت ماهیچه‌ای)، درماتوم (بافت زیرپوستی) و از لایه اندودرمی این اعضاء ساخته می‌شود: دستگاه معدی روده‌ای، دستگاه

تنفسی و مثانه، پارانشنیم تیروئید، پاراتیروئید، کبد و لوز المعده. «۲» تذکر: نکته قابل توجه آن است که استخوان‌ها از لایه میانی (مزودرم) تشکیل می‌شود که بوسیله دو لایه دیگر (اکتودرم و اندودرم) پوشیده شده که از آن دو لایه پوشاننده اکثر اعضای گوشتی بدن مثل پوست، غدد، دستگاه معدی روده‌ای و تنفسی و ... ساخته می‌شود. و لذا می‌توان گفت که لایه مزودرم بویژه قسمت سلکتروم (غضروف و استخوان) توسط دو لایه دیگر پوشیده می‌شود. (در تصویر «چ» در ضمیمه به جایگاه لایه مزودرم دقّت شود) ج: دستگاه استخوان‌بندی از مزودرم مجاور محوری و صفحه جانبی (لایه تنه‌ای) و ستیغ عصبی تشکیل می‌گردد. که از قسمت اوّل سلول‌های سازنده استخوان و از قسمت دوّم سلولهای سازنده شانه و استخوانهای طویل و از قسمت سوّم استخوان صورت پدید می‌آید. «۳» تذکر: نکته قابل توجه آن است که همانطور که قرآن پوشیده شدن گوشت را بعد از پیدایش استخوان می‌داند. ساخته شدن سلولهای سکلروتوم (emotorelcS) که باعث پیدایش غضروف و استخوان می‌شود از هفته چهارم بارداری شروع می‌شود. «۴» و امّا (_____ ۱)

رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور، ص ۵۷، تجدید نظر ۱۹۹۰ م، چاپ ۱۳۷۰ انتشارات شرکت سهامی چهر، تهران (این کتاب هم اکنون کتاب درسی دانشگاه‌های ایران در رشته پزشکی می‌باشد.) (۲) همان، ص ۹۳. (۳) همان، ص ۱۵۴. (۴) همان، ص ۷۸- ۷۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۰ سلولهای ماهیچه‌ای (میوتوم emotoyM) پس از سکلروتوم ساخته می‌شود. «۱» که شامل ماهیچه‌های مخطط، صاف و ماهیچه قلب می‌شود. سلولهای میوتومی در نواحی دیواره بدن و اندامها دو نیمه شده بطرف محلهای دائمی خود مهاجرت کرده، طویل و دوکی می‌گردند ... در انتهای سومین ماه خطوط عرضی مشخص برای ماهیچه مخطط پیدا می‌شود. «۲» همچنین سلولهای پوستی اینگونه تشکیل می‌شود: در ابتداء رویان (جنین) توسط یک ردیف از سلولهای اکتودرمی پوشیده شده است. در شروع ماه دوّم این «اپی تلیوم» تقسیم شده و لایه‌ای از سلولهای پهن بنام پری درم (mredireP) یا اپی تریکیوم (muihcirtiPE) بر روی سطح قرار می‌گیرد. با افزایش بیشتر سلولهای لایه بازال (قاعده‌ای، زایا) ناحیه سوّمی بنام ناحیه واسطه‌ای یا بینابینی تشکیل می‌گردد. سرانجام در انتهای ماه چهارم روپوست آرایش قطعی خود را بدست آورده و در آن چهار لایه می‌توان تشخیص داد. «۳» (طبقه زایا- لایه ضخیم خاردار- لایه دانه دار- لایه شاخی) (به شکل «ح» در ضمیمه شماره ۱ توجّه کنید.)

یک اشکال علمی:

یک اشکال علمی: یکی از صاحب‌نظران معاصر از سر دلسوزی تعارضی را بین علم و آیه ۱۴ سوره مؤمنون مطرح می‌کند و می‌گوید: «در زیست‌شناسی امروز اعتقاد بر این است که جنین در رحم مادر، ابتدا حالت گوشتی صرف دارد، یک تکه گوشت است که بعدا قسمت‌هایی از آن، تکاثف بیشتری پیدا می‌کند و کلسیم بیشتری جذب آن قسمت‌ها می‌شود و کم کم درون این گوشت، استخوان‌هایی پدید می‌آید. در ابتداء استخوانی وجود ندارد، بلکه یک تکه گوشت بسیار نرم است که کم‌کم در قسمت‌هایی از آن یک حالت سفتی و محکمی ایجاد می‌شود و به استخوان تبدیل می‌گردد. حال ممکن است کسی بگوید این یافته علمی با گزاره یا گزاره‌هایی از دین یا ادیان مثلا با این آیه قرآن که می‌گوید: فَکَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً یعنی بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم تعارض دارد.» «۴» (_____» ۱)

همان، ۷۸- ۷۹. (۲) همان، ص ۱۷۶- ۱۷۷. (۳) همان، ص ۴۰۵- ۴۰۶. (۴) استاد مصطفی ملکیان، فصلنامه مصباح، ش ۱۰، تابستان ۱۳۷۳، مقاله «بررسی گونه‌های تعارض بین علم و دین»، ص ۶۶- ۶۷ و نیز مسایل جدید کلام از همان نویسنده، ص ۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۱

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. مطلبی که استاد مکارم شیرازی و سید قطب و برخی معاصرین از یک پزشک نقل می‌کنند که تمام سلول‌های جنین تبدیل به سلولهای استخوانی می‌شود و سپس کم کم گوشت و عضلات روی آنها را می‌پوشاند و آن را اعجاز علمی قرآن می‌دانند؛ از دو جهت قابل اشکال است: الف: همانطور که بیان شد، متخصصان علم جنین‌شناسی تصریح کرده‌اند که جنین اولیه انسان به سه لایه تقسیم می‌شود که سلولهای استخوانی (سلکروتوم) از لایه وسطی (مزودرم) تشکیل می‌شود. پس همه سلولهای جنین تبدیل به استخوان نمی‌شود و این مطلبی که نقل کرده‌اند از لحاظ علمی قابل قبول نیست. ب: در قرآن کریم می‌فرماید: فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً «۱» جالب این است که قرآن قبل از این جمله در همین آیه می‌فرماید: ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فِی قَرارٍ مَکِینٍ یعنی تعبیر «جعل» (قرار دادن) می‌آورد امّا در اینجا تعبیر، تغییر کرده و واژه «خلق» آمده است. کلمه «خلق» به معنای ایجاد تنها نیست بلکه ایجاد همراه با کیفیت مخصوص است و حتی برخی لغویین گفته‌اند اصل لغت خلق به معنای تقدیر (اندازه زدن) است. «۲» بنابراین ترجمه آیه تنها ایجاد استخوان نیست بلکه ایجاد گوشت کوبیده با کیفیت خاص (استخوانی و محکم شده) است. به عبارت دیگر این استخوان همان «مضغه مخلّقه» است یعنی گوشت کوبیده‌ای که تسویه و تعدیل شده و تمایز یافته است. توضیح آنکه خداوند در سوره حج/ ۵ می‌فرماید: مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ که در مورد این آیه در مباحث قبل بحث شد و به این نتیجه رسیدیم که مضغه (جنین گوشتی) به دو مرحله غیر متمایز و متمایز تقسیم می‌شود. و مرحله استخوان‌بندی جنین (عظام) مصداق مرحله تمایز یافتن جنین (مخلّقه) است. همانطور که برخی صاحب‌نظران نیز به این مطلب تصریح کرده بودند. «۳» پس نتیجه می‌گیریم که مضغهٔ دو قسم است مخلّقهٔ و غیر مخلّقهٔ. و مضغه مخلّقه همان جنین تمایز یافته است (که اعضاء و استخوان‌بندی و ... آن مشخص (

_____ ۱) مؤمنون/ ۱۴. (۲) ر. ک: مصباح اللغهٔ، مقاییس اللغهٔ و التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۰۹. (۳) طب در قرآن، ص ۸۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۲ شده است) پس مضغه به دو قسم استخوانی (عظام) و غیر استخوانی تقسیم می‌شود. چرا که معنای تمایز همین تقسیم به چند قسم (استخوان، اعضاء و ...) است. و از این مطالب می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که نمی‌توان گفت: مقصود قرآن این است که تمام «مضغه» (جنین گوشتی) تبدیل به استخوان شده است، بلکه قسمت استخوانی جنین قسمتی از تمایز جنین است به اعضاء و جوارح و گوشت و استخوان ... و از اینجا معلوم می‌شود که سخن منقول در تفسیر نمونه و فی ظلال و ... (در مورد تبدیل تمام سلول‌های جنین به سلولهای استخوانی) با خود آیه ۱۴ سوره مؤمنون نیز سازگار نیست. ۲. مقصود استاد ملکیان از اشکال (تعارض یافته‌های علوم زیست‌شناسی با آیه ۱۴ سوره مؤمنون، فکسونا العظام لحما) ممکن است یکی از این دو چیز باشد: الف: آیه قرآن می‌فرماید: «همه سلولهای جنین استخوانی است و سپس گوشت بر آنها پوشانده می‌شود.» امّا علوم زیست‌شناسی می‌گوید: «جنین گوشت نرم است که برخی سلولهای آن به استخوان تبدیل می‌شود.» و این دو گزاره با هم سازگار نیست. امّا با توجه به مطالبی که ما بیان کردیم ثابت شد که مرحله عظام (استخوانی) همان مضغه مخلّقه (جنین گوشتی متمایز) است و جنین در این مرحله شامل قسمت‌های متمایز مثل استخوان، اعضاء، گوشت و ... می‌شود. پس معنای آیه ۱۴ سوره مؤمنون این نیست که تمام سلولهای جنین تبدیل به استخوان می‌شود، و اگر مراد آیه این است که برخی سلولهای جنین تبدیل به استخوان می‌شود، دیگر تعارضی با گزاره علمی فوق ندارد. ب: ممکن است مقصود ایشان از اشکال این باشد که: با توجه به اینکه جنین در ابتدا گوشت بود و سپس به سلولهای گوشتی و استخوانی تقسیم شد دیگر معنا ندارد که بگوئیم استخوانی پدید آمد و سپس گوشتی بر آن پوشیده شد. امّا با توجه به مطالب علمی که از کتاب رویان‌شناسی پزشکی لانگمن بیان کردیم روشن شد که سلولهای استخوانی (سکلروتوم) از لایه میانی جنین (مزودرم) پدید می‌آید. این سلولها قبل از سلولهای ماهیچه‌ای و پوستی پدید می‌آید. پس در

حقیقت این سلولهای استخوانی بوسیله دو لایه دیگر جنین (اکتودرم و اندودرم) پوشیده شده و پس از پیدایش سلولهای استخوانی، سلولهای ماهیچه‌ای و پوستی روی آنها را مثل لباسی می‌پوشاند. ۳. آیه ۱۴ سوره مؤمنون اشارات علمی حیرت‌انگیزی دارد و همانطور که ملاحظه شد پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۳ با جدیدترین یافته‌های جنین شناسان منطبق است. و این عظمت علمی قرآن کریم را ثابت می‌کند. امّا این مطلب نیز اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی‌کند؛ چرا که اشاره قرآن بسیار مجمل و کلی است و نمی‌توان گفت که بشریت در زمان نزول قرآن اطلاعی از این مطلب کلی نداشت (هر چند که ریز مطالب علمی آن را نمی‌دانست) انسانها معمولا در طول عمر خود بچه‌های سقط شده انسان‌های دیگر را می‌بینند. و یا در هنگام استفاده از گوشت حیوانات حامله با بچه‌های ناقص آنها برخورد کرده بودند پس معمولا برخی افراد فرق جنین کامل (همراه استخوان و گوشت) و ناقص (گوشتی) را می‌دانستند. و این مطلب که گوشت بر روی استخوان قرار می‌گیرد و مانند لباس آن را می‌پوشاند نیز روشن بوده است. پس با توجه به اطلاعات اجمالی بشر از جنین انسان‌های دیگر و حیوانات و با توجه به کلی بودن آیه نمی‌توان آن را اعجاز علمی قرآن به شمار آورد. «۱»

مرحله دهم: آفرینش جنس جنین (مذکر یا مؤنث):

اشاره

مرحله دهم: آفرینش جنس جنین (مذکر یا مؤنث): قرآن کریم در مورد مراحل خلقت انسان در چند مورد به مرحله شکل گیری «پسر و دختر» در جنین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ثُمَّ کانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّی فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی «۲» «پس علقه [آویزک شد و [خدایش شکل داد و درست کرد. و از آن، دو جنس نر و ماده را قرار داد.» وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی مِنْ نُطْفَةٍ إِذا تُمْنی «۳» «و هم اوست که دو نوع می‌آفریند: نر و ماده از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود.» لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَخْلُقُ ما یَشاءُ یَهَبُ لِمَنْ یَشاءُ إِناثاً وَ یَهَبُ لِمَنْ یَشاءُ الذُّکُورَ أَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُکْراناً وَ إِناثاً وَ یَجْعَلُ مَنْ یَشاءُ عَقِیماً إِنَّهُ عَلِیمٌ قَدِیرٌ «۴» «فرمانروائی [مطلق آسمان و زمین از آن خداست؛ هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد یا آنها را پسر (ان) و (_____ ۱) البته ممکن است ترتیب بیان مراحل (مضغه- عظام- پوشاندن عظام به وسیله گوشت) در قرآن اعجازآمیز باشد که این مطلب به اعجاز کلی آیه ۱۴ سوره مؤمنون و بیان کلی مراحل بر می‌گردد که در پایان مورد بررسی قرار می‌گیرد. (۲) قیامت/ ۳۸- ۳۹. (۳) النجم/ ۴۵- ۴۶. (۴) شوری/ ۴۹- ۵۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۴ دختر (انی) توأم با یکدیگر می‌گرداند، و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد. اوست دانای توانا.» تذکر: در سوره لیل/ ۳ و حجرات/ ۱۳ نیز اشاره‌ای به مذکر و مؤنث شده است.

نکات علمی:

نکات علمی: ۱. در مبحث «مضغه» دکتر دیاب و دکتر قرقوز بیان کردند که دوره تمایز لایه‌های جنین (مضغه مخلقه یا حالت تسویه) از هفته سوم شروع و در ماه سوم ختم می‌شود. «۱» برخی از منابع معتبر پزشکی نیز تصریح کرده‌اند که: «در طی سومین ماه صورت جنین بیشتر شکل صورت انسان بخود می‌گیرد ... اعضاء تناسلی خارجی به آن حد تکامل یافته که در دوازدهمین هفته جنس جنین را با امتحان وضع ظاهری می‌توان مشخص ساخت.» «۲» نکته جالب توجه اینجاست که قرآن مرحله خلقت جنس جنین (مذکر و مؤنث بودن آن را) پس از مرحله تسویه قرار داده است. فَسَوَّی فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی و این همان زمانی است که مرحله مضغه و تسویه در سه ماهگی تمام می‌شود و جنس جنین از نظر پزشکی قابل تشخیص است. یعنی رتبه تعیین جنسیت در

مراحل خلقت انسان در قرآن کریم و علم جنین‌شناسی کاملا منطبق با یکدیگر است. دکتر دیاب و قرقوز در مورد تشکیل دستگاه تناسلی جنین می‌نویسند: «از همان هنگام که انسان به صورت پاره گوشتی (جنین جوان) در شکم مادر قرار گرفته، دو برجستگی از طناب پشتی (drcotoN) که بعدا ستون فقرات را تشکیل خواهد داد بوجود می‌آیند. این دو برجستگی را لوله‌های تناسلی (eglitlatineG) می‌نامند جنسیت جنین بوسیله این لوله‌های تناسلی شناخته می‌شود. اگر مقرر شده که جنین پسر باشد این دو لوله از هفته ششم عمر جنین شروع به ساخت بافتهای مشابه بافتهای بیضه می‌کنند و به ترشح هورمونهای جنسی نر (negordnA) که اساس شکل‌گیری دستگاه تناسلی را در دوران جنینی تشکیل می‌دهد، می‌پردازند. امّا اگر مقرر شده که جنین دختر باشد، این لوله‌های تناسلی از هم متمایز شده تا در هفته دهم بافتهایی شبیه بافتهای تخمدان را تشکیل دهند. شکل‌گیری دستگاه تناسلی (_____ ۱) ر. ک: طب در قرآن، ص ۸۷.

(۲) رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ص ۹۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۵ مؤنث به دلیل نبودن هورمونهای نر صورت می‌پذیرد و نه به سبب وجود هورمونهای مؤنث و بدین طریق تخمدان‌ها ساخته می‌شود.» «۱» ۲. دکتر پاک‌نژاد در مورد تشخیص جنس کودک در رحم مادر می‌نویسند: «در جنین سه ماهه به سختی و در چهار ماهه به آسانی می‌توان دید که نوع جنس نر است یا ماده.» «۲» ۳. استاد مکارم شیرازی در توضیح آیه ۳۹ سوره قیامت فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثى تشکیل جنس مذکر و مؤنث را یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های مربوط به جنین‌شناسی می‌دانند و سپس نکته‌ای جالب را تذکر می‌دهند؛ می‌نویسند: «در این که چگونه و تحت چه عواملی جنین مذکر یا مؤنث می‌شود؟ هیچکس پاسخی در برابر این سؤال ندارد، یعنی علم هنوز جوابی برای آن پیدا نکرده است. ممکن است پاره‌ای از مواد غذائی یا داروها در این امر مؤثر باشد ولی مسلما تأثیر آن سرنوشت ساز و تعیین کننده نیست. ولی با این حال عجیب این است که همیشه یک تعادل نسبی در میان این دو جنس (مرد و زن) در همه جوامع دیده می‌شود. و اگر تفاوتی باشد چندان چشمگیر نیست. فکر کنید اگر روزی این تعادل بهم بخورد ... چه مفاسد عظیمی به وجود می‌آید. ولی آن کس که انسان را برای زندگی سالم آفریده است، این تعادل عجیب و مرموز را در آن حاکم کرده است. آری خداوند طبق مشیت و حکمتش به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد و به هر کس بخواهد فرزند دختر می‌دهد: يَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ إِناثاً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ الذُّكُورَ «۳» ولی این مشیت و اراده حساب شده است.» «۴» ۴. استاد آیة اللّه معرفت با طرح آیات ۴۵- ۴۶ سوره نجم نتیجه می‌گیرند که تعیین جنس جنین بوسیله نطفه مرد است و این مطلب از کروموزوم (س) یا کروموزوم (ی) است. و این مطلب از نظر پزشکی نیز تأیید شده است. و سپس نظر بوعلی سینا و جالینوس و علامه مجلسی (ره) را نقل می‌کند که زن و مرد هر دو منی دارند امّا منی مرد قوی‌تر است و منی زن حالت قابلیت و انفعال دارد و نام منی بر (_____ ۱) طب در قرآن، ص ۷۷- ۷۸. (۲) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۰. (۳) شوری/ ۴۹. (۴) پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۹ و ص ۸۴- ۸۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۶ آن مجازی است. و با ذکر آیه ۲۲۳ بقره نتیجه می‌گیرند که زن کشتزار کودک است و مرد است که بذر نطفه جنین را می‌دهد. «۱» برخی از نویسندگان معاصر نیز همین نظر را انتخاب کرده‌اند و در مورد آیات ۴۵- ۴۶ نجم بیان می‌کنند و با مطالب پزشکی تطبیق کرده‌اند و توضیح می‌دهند که اسپرم مرد یا کروموزم «Y» دارد که مذکر است و یا کروموزوم «X» دارد که مؤنث است امّا اوول زن همیشه کروموزوم «X» دارد. و با توجه به ۲۳ جفت بودن کرموزوم‌ها همیشه این مرد است که تعیین کننده نهائی جنس جنین است. «۲» و نظیر همین مطالب را برخی نویسندگان دیگر مثل «محمد السید ارناووط» نوشته‌اند. «۳» ۵. دکتر پاک‌نژاد می‌نویسد: «یک دیدگاه این است که تعیین جنسیت بستگی به سلول‌های پدر دارد. یعنی کروموزوم Y در کرمک (اسپرماتوزئید) است که تعیین کننده است (۴۴ +X +Y جنس نر)- (۴۴ +۲ X ماده) و دیدگاه دیگری نیز هست که می‌گوید عامل تعیین جنس نر همراه کروموزوم Y نیست بلکه عامل تعیین کننده جنس همراه یکی از کرموزم‌های دیگر است که ناشناخته است.

که در هر دو جنس کرمک و تخمک (اسپرماتوزئید و اوول) وجود دارد.» «۴»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. اشارات علمی قرآن به جنس جنین (مذکر یا مؤنث) و مرحله خاص تشکیل آن بعد از تسویه از مطالب جالب و شگفت‌انگیز قرآن است که بار دیگر عظمت این کتاب الهی را نشان می‌دهد. امّا این مطلب به تنهائی اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی‌کند «۵»، چرا که اشاره قرآن به صورت کلی و سر بسته است و اسرار ریز آن را بیان نکرده است و این مطلب کلی تا حدودی قابل حدس و یا مشاهده حسّی در کودکان سقط شده بوده است. (_____۱) ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۷۱- ۷۵. (ایشان از کتاب مع الطب فی القرآن الکریم، ص ۲۷ و القانون فی الطب، المقالة الاولی من الفن العشرین، ج ۲، ص ۵۳۲- ۵۳۴ و نیز بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۹۰ مطالبی را نقل می‌کنند.) (۲) بسام دفضع، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، ص ۱۶۵- ۱۶۶. (۳) محمد السید ارناووط، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۲۸۲. (۴) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۵۵- ۲۵۷. (۵) هر چند که ممکن است ادعا شود جمع مراحل خلقت و چینش آنها به نحو خاص خود نوعی اعجاز علمی است، این مطلب در پایان مباحث جنین مورد بحث قرار می‌گیرد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۷ ۲. اختیار پسر یا دختر شدن جنین با کیست؟ با خدا یا عوامل طبیعی (مثل غذا و دارو)؟ قرآن در سوره شوری/ ۴۹- ۵۰ تمام امور مربوط به جنس جنین را بدست خدا می‌داند. ولی سیاق این آیات نشان می‌دهد که در مقام قدرت نمایی خداست. و لذا با جمله لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَخْلُقُ ما یَشاءُ ... شروع می‌شود. پس معنای این آیات این نیست که اسباب طبیعی (مثل غذا و دارو) نمی‌تواند در تعیین جنسیت و تغییر آن نقشی ایفا کند، بلکه این دارو و غذا هم اسبابی هستند که خداوند مؤثر قرار داده است. اگر انسان موفق به کشف روابط و تأثیر و تأثرات آنها شود، شاید بتواند نقش تعیین کننده‌ای در جنس جنین داشته باشد. همانطور که برخی پزشکان نوید آن را داده‌اند. و این به معنی نفی قدرت خدایا نفی مضمون آیات ۴۹- ۵۰ سوره شوری نیست. پس کلام استاد مکارم شیرازی که تأثیر غذا و دارو را در تعیین جنس جنین سرنوشت ساز و تعیین کننده نمی‌دانند، قابل قبول نیست؛ مگر آنکه منظور ایشان نفی استقلال تأثیر از این امور باشد. (یعنی تأثیر مستقل از خدا ندارد) ۳. مطلبی که استاد معرفت و برخی پزشکان در مورد تعیین جنس جنین توسط «مرد» نقل کردند همانطور که ملاحظه شد با یک دیدگاه در علم پزشکی مطابقت داشت پس با توجه به اینکه در این مورد دو دیدگاه در علم پزشکی وجود دارد و به صورت قطعی هنوز در این مورد چیزی اثبات نشده است، نمی‌توان یکی از دو دیدگاه را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد. هر چند که ظهور آیه در دیدگاه اوّل (تعیین جنسیت کودک بوسیله مرد) است. با توجه به اینکه قبلا بیان شد که «نطفه» به منی مرد و زن و نیز منی مخلوط آنها گفته می‌شود، آیات فوق (نجم/ ۴۵- ۴۶) قابل انطباق با هر دو دیدگاه هست.

علم به جنس جنین قبل از تولد:

علم به جنس جنین قبل از تولد: آیا تعیین جنس جنین (مذکر یا مؤنث) قبل از تولد ممکن است؟ برخی از صاحب‌نظران معتقدند که اطلاع انسان از جنس جنین (مذکر یا مؤنث) ممکن نیست و این علم مخصوص خداست. در این مورد به آیات زیر استدلال کرده‌اند. از طرف دیگر در عصر حاضر بشر توانسته است بوسیله سونوگرافی و اسباب علمی دیگر اطلاعاتی راجع به جنس جنین (قبل از تولد) پیدا کند و این مطلب با ظاهر این آیات تنافی دارد. لذا برخی از مفسران و صاحب‌نظران در پی پاسخگویی و توجیه

برآمده‌اند. ابتداء آیات مورد بحث را مرور می‌کنیم: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۸ اللَّهُ یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلَّ أُنْثی وَ ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کُلُّ شَیْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ «۱» « (تنها) خدا می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم بار گیرد. و [نیز] آنچه را که رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد.» إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ وَ یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحامِ وَ ما تَدْرِی نَفْسٌ ما ذا تَکْسِبُ غَداً وَ ما تَدْرِی نَفْسٌ بِأَیِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِیمٌ خَبِیرٌ «۲» «در حقیقت، خداست که علم [به قیامت نزد اوست و باران را فرو می‌فرستد و آنچه را که در رحم‌هاست می‌داند و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد. در حقیقت، خداست [که دانای آگاه است.» وَ ما تَحْمِلُ مِنْ أُنْثی وَ لا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ «۳» «و هیچ مادینه‌ای بار نمی‌گیرد و بار نمی‌نهد مگر به علم او.»

نکات علمی:

نکات علمی: ۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد آیه ۳۴ سوره لقمان می‌نویسند: «در مورد تفسیر وَ یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحامِ بحث و جدل بسیار شده است. بسیاری از مردم تصوّر کرده‌اند که پیشرفت دانش پزشکی که قادر گردیده جنسیت جنین را پیش از تولد مشخص کند با این آیه در تناقض است. زیرا آگاهی از جنس جنین در رحم یکی از پنج موردی است که در این آیه علم به آنها فقط به خداوند نسبت داده شده است. و سپس توضیح می‌دهند که: اعضای تناسلی جنین تا ماه سوّم بارداری شکل مشخصی ندارد هر چند جنس جنین از همان لحظه لقاح با توجه به نوع نطفه رقم خورده است، ولی تا هفته هفتم جنسیت جنین نامشخص خواهد ماند و نمی‌توان تشخیص داد که اعضای تناسلی داخلی یا خارجی جنین از کدام نوع است، تخمدان یا بیضه. برخی از دانشمندان که در این زمینه فعالیت دارند سعی کرده‌اند با خارج کردن مقداری از مایع آمینوتیک (مایع درون جفت که جنین را احاطه کرده است) و آزمایش آن، در همان اوایل شکل‌گیری جنین به جنسیت جنین پی ببرند. اگر کروموزمهای موجود در این مایع نوع (XX) باشد، جنین دختر و اگر از نوع (Xy) باشد، پسر خواهد بود. نتیجه تحقیقات این دانشمندان با موفقیت همراه بود. (_____ ۱) رعد/ ۸. (۲) لقمان/ ۳۴. (۳) فاطر/ ۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۱۹ و سپس می‌گوید: این مسأله به هیچ وجه تناقضی با آیه فوق ندارد. و شاهدی از سخن ابن کثیر در تفسیرش می‌آورد که: اینها (پنج مورد علم) مفاتیح غیب هستند و علم به آن را کسی نمی‌داند مگر اینکه خداوند به وی آموخته باشد. و تناقضی بین اختصاص علم غیب به ذات باریتعالی و آموختن مقداری از این علم (مانند علم اطلاع از جنسیت جنین در رحم) به بندگان وجود ندارد. و سپس چند تفاوت، بین علم خالق و مخلوق در این مورد می‌گذارد: الف: خداوند از همان لحظه لقاح بلکه قبل از آن از جنس جنین اطلاع دارد بر خلاف بندگان. ب: علم خدا نیاز به واسطه ندارد به خلاف بندگان. ج: علم خدا در معرض سهو و خطا نیست به خلاف بندگان. د: علم خدا به همه خصوصیات طفل در رحم است و کامل است (علم به جنسیت، طول، شکل، حواس، مدّت عمر، سعادت، شقاوت و ...) به خلاف علم انسان که جزئی است. و در پایان به آیه ۱۱ فاطر استشهاد می‌کند.» «۱» ۲. یکی از نویسندگان معاصر با طرح آیات ۸ سوره رعد- ۳۴ سوره لقمان- ۷۸ سوره نحل می‌نویسد: «فرضیه‌هایی برای تشخیص جنین ارائه شده است ولی طبق آمارهای به دست آمده اکثر تشخیص‌ها مطابق فرضیه‌های ارائه شده از سوی دانشمندان درست از آب درنمی‌آید. «ژان ل. ریووآر» می‌گوید: تا امروز هیچ یک از دانشمندان و زیست شناسان نتوانسته‌اند در زمان آمیزش (اسپرم با اوول) که جنسیت طفل تحقّق می‌یابد، آن را تشخیص دهند. دکتر اشرف فردوسی می‌گوید: اگر در آینده علم بشر به درجه‌ای برسد که پسر یا دختر بودن جنین را در چند ماهگی تعیین نماید، هرگز نخواهد توانست وضع آن را وقتی که به صورت سلّولی بیش نیست، توصیف نماید. در صورتی که خداوند در این موقع نیز می‌داند که او پسر است یا دختر.» «۲» ۳. دکتر پاک‌نژاد در این مورد می‌نویسد: «امروزه امکان انتخاب نوع نوزاد را به والدین نوید می‌دهند و گامهای مؤثری در این زمینه

برداشته شده و در مورد خرگوش موفقیت‌هائی داشته است. امروز زمزمه این

(_____ ۱) طب در قرآن، ص ۵۲ - ۵۵ با

تلخیص. (۲) گودرز نجفی، مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۱۰۲- ۱۰۳ و نیز سید جمال الدین حجازی، ازدواج در نظام آفرینش، ص ۲۲۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۰ است که این ترکیبات یک عمل شیمیائی بیش نیست و تعیین نوع جنس دیگر به دلخواه و توافق پدر و مادر و بیشتر مادر خواهد بود.» «۱» ۴. استاد مکارم شیرازی در مورد آیه ۸ سوره رعد اللَّهُ یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ أُنْثی دو نظر را در دو کتاب خویش برگزیده است: در تفسیر نمونه می‌نویسد که در آیه فوق چند احتمال وجود دارد: الف: اشاره به صورتهای سه‌گانه حمل باشد که گاهی به موعد مقرر متولد می‌شود و گاهی قبل از موقع ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ و گاهی بعد از موعد مقرر تولد می‌یابد وَ ما تَزْدادُ. خداوند همه اینها را می‌داند و از تاریخ تولد جنین و لحظه آن بی‌کم و کاست آگاه است. این از اموری است که هیچ کس و هیچ دستگاهی دقیقا نمی‌تواند آنرا مشخص کند. این علم مخصوص ذات پاک پروردگار است و دلیل آن هم روشن است چرا که استعداد رحمها و جنین‌ها کاملا- متفاوت می‌باشد و هیچ کس از این تفاوتها دقیقا آگاه نیست. ب: بعضی، جمله‌های سه‌گانه آیه را اشاره به سه حالت از اعمال رحم در ایام بارداری می‌دانند. جمله اوّل ما تَحْمِلُ کُلُّ أُنْثی اشاره به خود جنین است که رحم آن را حفظ می‌کند. و جمله دوّم ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ اشاره به خون حیض است که در آن می‌ریزد و جذب جنین می‌گردد. و جمله سوّم ما تَزْدادُ اشاره به خون‌های اضافی است که در ایام حمل احیانا به خارج ریخته می‌شود و یا در هنگام تولد و بعد از آن دفع می‌گردد. سپس معنای «ب» را به علامه طباطبائی (ره) در المیزان نسبت می‌دهند و معنای «الف» را خود انتخاب می‌کنند. چرا که ظاهر آیه همان است و روایات نیز آن را تأیید می‌کند. «۲» امّا ایشان در تفسیر موضوعی می‌نویسند: ظاهر آیه این است که این از علوم خاص الهی است که ویژگیهای جنین را قبل از تولد از هر نظر می‌داند. نه تنها از مسأله جنسیت بلکه از تمام استعدادها، ذوقها و صفات ظاهر و باطن جنین با خبر است. «۳» تذکر: در آیه ۸ سوره رعد: اللَّهُ یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ أُنْثی ممکن است واژه «ما» به دو معنا آید: الف: «ما» را موصول بدانیم در این صورت آیه اینگونه معنا می‌شود: «خدا می‌داند آنچه را هر ماده‌ای بار گیرد.» پس کل خصوصیات مربوط به جنین مراد است (نه فقط زمان تولد)

(_____ ۱) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج

۱، ص ۲۵۵- ۲۵۷. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۳۳- ۱۳۵ با تلخیص. (۳) پیام قرآن، ج ۲، ص ۸۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۱ ب: «ما» را مصدریه بدانیم: و آیه به این صورت ترجمه شود: «خدا می‌داند حامله شدن هر ماده‌ای را.» در این صورت مقصود آیه این است که فقط خداست که می‌داند آیا فلان زن حامله می‌شود و یا آمیزش شوهرش با او بی‌ثمر است و اسپرم‌های او دفع می‌شود ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ این تفسیر مورد قبول برخی معاصرین (استاد آیة اللّه معرفت) است. «۱» استاد مکارم شیرازی در مورد آیه ۳۴ سوره لقمان وَ یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحامِ نیز می‌نویسند: «لحن آیه و روایاتی که در مورد آن نقل شده دلالت دارد که علم به قیامت، طفل داخل شکم و ... مخصوص خداوند است. امّا از روایات به خوبی برمی‌آید که مقصود از آگاهی خدا از این امور آگاهی از تمام خصوصیات (جنس جنین، زشتی و زیبائی، صفات اخلاقی، سعادت و شقاوت و بهشتی یا جهنمی بودن و ...) است که از علوم غیبی محسوب می‌شود. پس عدم اطلاع مردم از این امور به معنای عدم اطلاع از تمام خصوصیات آنهاست.» پس: «اگر روزی وسائلی در اختیار بشر قرار گیرد- که هنوز آن روز فرا نرسیده است- و از پسر یا دختر بودن جنین به طور قطع آگاه شوند باز این امر مسأله‌ای ایجاد نمی‌کند. چرا که آگاهی از جنین به آن است که تمام خصوصیات جسمانی، زشتی و زیبائی، سلامت و بیماری، استعدادهای درونی، ذوق علمی و فلسفی و ادبی و سایر صفات و کیفیات روحی را بدانیم و این امر برای غیر خدا امکان‌پذیر نیست.» «۲» و در مورد آیه ۱۱ فاطر می‌نویسند: «آری مسأله بارداری و تحولات و دگرگونیهای بسیار عجیب و پیچیده جنین، سپس رسیدن به مرحله وضع حمل و ... به قدری ظریف و دقیق است که جز به اتکای علم بی‌پایان خداوند امکان‌پذیر نیست

و اگر نظام حاکم بر آن سر سوزنی اختلال یابد برنامه حمل یا وضع حمل دچار آشفتگی و یا اختلال می گردد و به فساد و تباهی می کشد.» «۳ » ۵. مرحوم طبرسی در مورد آیه ۳۴ سوره لقمان می گوید: یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحامِ علم به

(_____ ۱) در هر صورت نمی توانیم تفسیر

الف (که علم به زمان تولد خاص خداست) استاد مکارم شیرازی را در مورد آیه بپذیریم چرا که امروزه ساعت تولد کودک نیز مشخص می‌شود. پزشکان از روی قرائن و شواهد هر زن حامله‌ای، این امر را مشخص می‌سازند (هر چند که همیشه احتمال خطا در علوم بشری و بدأ وجود دارد.) از طرف دیگر این تفسیر با معنای «ما» (چه موصول و چه مصدری بگیریم) سازگار نیست. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۹۹ با تلخیص. (۳) همان، ج ۱۱، ص ۲۰۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۲ تمام خصوصیات جنین در رحم مادر را غیر از خدا ندارد. و این مطلب از ائمه هدی: روایت شده است. «۱» ۶. صاحب تفسیر اطیب البیان در مورد آیه ۳۴ سوره لقمان می‌نویسد که این آیات در ردّ منجمین (غیب گویان) بوده است که از روی حدس چیزهایی می گفته‌اند. «۲»

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: ۱. با توجه به تفسیر آیات مورد بحث روشن می‌شود که: الف: آیه ۱۱ سوره فاطر اتکای امور به علم الهی را نشان می‌دهد و ربطی به تعیین جنس جنین ندارد چه رسد که انحصار این علم به خدا را ثابت کند. ب: آیه ۸ سوره رعد نیز طبق دو احتمال در مورد «اصل حمل و بارداری» و یا «زمان آن» است ربطی به تعیین جنس جنین ندارد. و بنابر احتمال دیگر مربوط به کل مطالب و علوم مربوط به طفل است که در این صورت سیاق این آیه با انحصار علم به خدا در آیه ۳۴ سوره لقمان یکسان می‌شود و در نتیجه بحث مذکر و مؤنث بودن محور آیه نیست (در بند بعدی توضیح بیشتر می‌آید.) ج: در آیه ۳۴ سوره لقمان وَ یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحامِ نیز دو احتمال قابل طرح است: اوّل: آنکه مقصود از آن، انحصار علم جنین به خدا باشد که در این صورت بر اساس استفاده از «ما» موصول که عمومیت دارد و بر طبق روایات، علم به تمام خصوصیات و سرنوشت نهایی انسان مراد است که منحصر در خداست و هیچ انسانی بدان دسترسی ندارد (مگر آنکه خدا آن علم را به او عطا کند) در این صورت، اطلاع انسان از جنس مذکر و مؤنث جنین در هر مرحله (قبل از تشکیل نطفه یا هنگام تشکیل جنین و ..) هیچ ضرری به انحصار علم جنین به خدا (با تمام خصوصیات) نمی‌زند چون این علم جزئی است و آیه می‌فرماید: علم به تمام امور جنین برای انسان امکان ندارد. دوّم: احتمال دارد بگوئیم که جمله وَ یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحامِ و جمله قبل از آن وَ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ دو جمله معترضه است همانطور که در مورد جمله دوّم برخی مفسران احتمال داده‌اند. «۳» بنابراین تفسیر علم به نزول باران و خصوصیات آن مخصوص پروردگار نیست. و

(_____ ۱) مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۲۴. (۲) طیب، اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۴۴۱. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۹۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۳ انحصار آن از آیه استفاده نمی‌شود. و معنای جمله وَ یَعْلَمُ ما فِی الْأَرْحامِ هم این است که خدا آنچه را که در رحم مادران است می‌داند. ولی از آنجا که این دو جمله معترضه است سیاق انحصار علم این امور (قیامت، مرگ و ...) به خدا، شامل این قسمت آیه نمی‌شود. و امّا روایاتی که در این مورد نقل شده، اخبار آحاد است که بر فرض صحت، در تفسیر قرآن (بویژه علم خدا که از عقاید است) حجت نیست. «۱» پس بنا بر احتمال دوّم اصلا علم جنین‌شناسی در مورد مذکر یا مؤنث بودن و حتی صفات و خصوصیات، مخصوص خدا نیست و هر انسانی می‌تواند با دقت و کاوش در روابط پدیده‌ها و واکنش‌های شیمیائی کرموزوم‌ها و سلولهای جنین و تأثیرات غذاها و داروها، پی به جنس جنین ببرد و این امر منحصر به قبل از انعقاد نطفه یا بعد از آن و در حال جنین و غیر آن نیست. پس نتیجه می گیریم که: آیات مطرح شده در این بحث، تعارضی با یافته‌های علوم پزشکی در مورد اطلاع از جنس جنین ندارد. ۲. برخی از مطالبی که دکتر قرقوز و دکتر دیاب در مورد تفاوت‌های علم خدا و بشر در مورد جنسیت جنین بیان کردند قابل اشکال

است. چرا که با بیانی که ما آوردیم علم به جنسیت جنین قبل و بعد از لقاح برای انسان و خدا تفاوتی ندارد. همانطور که علم به خصوصیات دیگر جنین (مثل طول، شکل و ...) نیز برای انسان، قبل از تولد ممکن است.

مرحله یازدهم: آفرینش روح (دمیدن جان در جنین)

اشاره

مرحله یازدهم: آفرینش روح (دمیدن جان در جنین) قرآن کریم در چند آیه سخن از آفرینشی دیگر و دمیدن روح در جنین می کند و آن را به عنوان مرحله‌ای از تطورات جنین معرفی می کند و می‌فرماید: ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِیهِ مِنْ رُوحِهِ «۲» «آنگاه او را درست اندام کرد، و از روح خویش در او دمید.» و نیز همین مضمون در سوره ص/ ۷۲ و حجر/ ۲۹ در مورد خلقت آدم آمده است. فَکَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ «۳» «بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم.»

(_____ ۱) در این مورد ر. ک: آیة اللّه خوئی؛ مصباح الاصول، ج ۲، مبحث حجیت خبر واحد و نیز تفسیر المیزان ذیل آیه ۴۴ سوره نحل. (۲) سجده/ ۹. (۳) مؤمنون/ ۱۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۴

نکات تفسیری و علمی:

نکات تفسیری و علمی: ۱. استاد مکارم شیرازی در مورد آیه ۹ سوره سجده وَ نَفَخَ فِیهِ مِنْ رُوحِهِ می‌نویسند: «تعبیر به نفخ (دمیدن) کنایه‌ای است برای حلول روح در بدن آدمی، گوئی تشبیه به هوا و تنفس شده است، هر چند نه این است و نه آن.» و سپس اشکالی را مطرح می کنند و پاسخ می‌دهند که: «اگر گفته شود نطفه انسان از آغاز که در رحم قرار می گیرد و قبل از آن یک موجود زنده است بنابراین نفخ روح چه معنا دارد؟ پاسخ این است: در آغاز که نطفه منعقد می‌شود تنها دارای یک نوع «حیات نباتی» (گیاهی) است، یعنی فقط تغذیه و رشد و نمو دارد، ولی از حس و حرکت که نشانه «حیات حیوانی» است و همچنین قوه ادراکات که نشانه «حیات انسانی» است در آن خبری نیست. امّا تکامل نطفه در رحم به مرحله‌ای می‌رسد که شروع به حرکت می کند و تدریجا قوای دیگر انسانی در آن زنده می‌شود و این همان مرحله‌ای است که قرآن از آن تعبیر به نفخ روح می کند.» و در جای دیگر اضافه می کند که: «قبل از اینکه روح انسانی در او زنده شود، در حقیقت بیشتر شبیه یک گیاه است تا حیوان و انسان، به همین دلیل در روایات اسلامی آمده است که جنین قبل از آنکه به این مرحله برسد هرگز دیه کامل ندارد. امّا وقتی به این مرحله رسید دیه آن دیه یک انسان کامل خواهد بود.» «۱» سپس اضافه می کنند که: «اضافه روح به خدا به اصطلاح اضافه تشریفی است یعنی یک روح گرانقدر و پر شرافت که سزاوار است روح خدا نامیده شود در انسان دمیده شد.» «۲» ایشان در مورد آیه ۱۴ سوره مؤمنون ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ می‌نویسند: «انشأ همانگونه که ارباب لغت گفته‌اند به معنی ایجاد کردن چیزی توأم با تربیت آن است این تعبیر نشان می‌دهد که مرحله أخیر با مراحل قبل (مرحله نطفه و علقه و مضغه و گوشت و استخوان) کاملا- متفاوت است.

(_____ ۱) پیام قرآن، ج ۲، ص ۷۸ با تلخیص. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۵ این همان مرحله‌ای است که جنین وارد مرحله حیات انسانی می‌شود حس و حرکت پیدا می کند و به جنبش درمی‌آید که در روایات اسلامی از آن تعبیر به مرحله «نفخ روح» (دمیدن روح در کالبد) شده است. «۱» اینجاست که انسان با یک جهش بزرگ، زندگی نباتی و گیاهی را پشت سر گذاشته و گام به جهان حیوانات و از آن برتر به جهان انسان‌ها می گذارد و فاصله آن با مرحله قبل آنقدر زیاد است که تعبیر از آن با جمله «ثم

خلقنا» (سپس خلق کردیم) کافی نبود و لذا «ثم انشأنا» فرمود.» «۲» ۲. استاد مصباح یزدی با ذکر آیه ۱۴ مؤمنون ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ می‌نویسند: «برخی احتمال داده‌اند که «انشأناه خلقا آخر» دنباله همان عظم و لحم (مرحله استخوان سازی و گوشت بر روی آن کشیدن) است ولی برخی دیگر تأکید دارند که منظور دمیدن روح است و نه تنها این موضوع بلکه اتحاد روح و بدن و اینکه روح جسمانیهٔ الحدوث است نیز استفاده می‌شود.» «۳» سپس ایشان موارد کاربرد واژه روح در قرآن را برمی‌شمارد، که عبارتند از: روح القدس (بقره/ ۸۷)- روحی که مؤمنان را تأیید می‌کند (مجادله/ ۲۲)- حضرت عیسی (ع) (نساء/ ۱۷۱)- قرآن (شوری/ ۵۲)- روحی که اعظم از فرشتگان است و یا فرشته‌ای بزرگ است (قدر/ ۴)- روحی که به مریم نازل شد (مریم/ ۱۷) و آنگاه می‌نویسند: روح در قرآن در دو مورد استعمال حقیقی دارد: در مورد روح انسان و در مورد موجودی که از سنخ فرشتگان است. سپس در مورد روح الهی که در انسان دمیده می‌شود (سجده/ ۹) آن را اضافه تشریفی می‌داند. چرا که نمی‌تواند منظور آن باشد که چیزی از خدا جدا شده و در انسان قرار گرفته است. (همانطور که برخی در صدر اسلام و زمان ائمه (ع) این توهم را کرده بودند) چون خدا بسیط است و جزء ندارد. و در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که روح چیست: «اجمالا- از قرآن برمی‌آید که در آدمی، جز بدن، چیز بسیار شریف نیز وجود دارد ولی مخلوق خداست نه جزئی از خدا. و تا آن چیز شریف در انسان بوجود نیاید، آدمی، (_____ ۱) ر. ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۴۱، حدیث ۵۶- ۵۷. (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۱۱- ۲۱۲. (۳) معارف قرآن، دو جلدی، ص ۳۴۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۶ انسان نمی‌گردد. و چون در حضرت آدم بوجود آمد شأنی یافت که باید فرشتگان در برابر او خضوع کنند.» و سپس روح را از امر خدا می‌داند و می‌گوید: «این فعل و انفعالات عالم مادی که موجب امکان استعدادی برای پیدایش موجودی می‌شود. در اصل پیدایش روح وجود ندارد و روح با فرمان خدا پیدا می‌شود.» و در آخر به آیه أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ باز می‌گردد و می‌نویسد: ظاهرا هر مرحله نسبت به مرحله‌ای دیگر، آفرینش دیگری است پس چرا تنها پس از نفخ روح فرمود آفرینش دیگری است. علت این است که مردم مراحل قبلی را در می‌یابند و می‌دانند، ولی مرحله روح چون برای ما قابل شناخت نیست می‌فرماید «خلقا آخر» آفرینش دیگری است از نوع فعل و انفعالات طبیعی و مادی نیست چیز دیگری است. این می‌تواند شاهدی باشد بر اینکه روح (خلق آخر) از سنخ موجودات غیر مادی است. به علاوه چون ما در مورد روح به حسب استعمالات قرآنی و عرفی، دریافتیم که شرط اساسی آن دارا بودن شعور و ادراک است پس اگر با برهانی ثابت کردیم که شعور مجرد است اثبات خواهد شد که روح انسانی نیز مجرد است. «۱» ۳. استاد مشکینی در مورد «روح» احتمال دیگری مطرح می‌کند: ایشان با ذکر آیات ۸- ۹ سجده نفخ روح خدا را به «نبوت، علم و عقل» تفسیر می‌کند و می‌نویسد: «بعید نیست که نفخ روح در اینجا به معنی اعطاء مقام پیامبری و دانش (علم الاسماء) به انسان و تجهیز او با عقل باشد و اطلاق «روح» به علم و معارف حقه، صحیح و وارد است. زیرا روح مایه نخستین و وسیله زندگی است و آن بر دو قسم است روح جسدی- روح نفسانی که روح نفسانی عبارت از دانش‌ها و معارف دینی است که درون‌ها یا خویشتن‌های انسانی (نفوس) را زنده نگه می‌دارد.» «۲» ۴. دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد نفخ روح می‌نویسند: «عموما مهمترین اتفاقی که پس از ماه سوم برای جنین پیش می‌آید، حرکت و فعالیت قلب و رشد سریع جنین و شکل‌گیری اندام‌های خارجی است. در ماه سوم و ابتدای ماه چهارم به دلیل عصب دار شدن اندام‌ها، حرکت جنین آغاز می‌شود و زن باردار در (_____ ۱) معارف قرآن، دو جلدی، از ص ۳۴۹ تا ص ۳۵۹ با تلخیص و تصرف در عبارات. (۲) تکامل در قرآن، ص ۳۳- ۳۴ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۷ ماه چهارم حرکت جنین را کاملا- احساس می‌کند و معمولا- جنین دختر زودتر از پسر، حرکت را شروع می‌کند. ضربان قلب جنین از ابتدای ماه چهارم آغاز شده و کاملا شنیده می‌شود. قرآن پس از بیان مراحل خلقت جنین به این مرحله نیز اشاره نموده است. ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ «۱» شاید آگاه‌ترین فرد به این مرحله و حتی بیش از پزشکان، مادری است که با اولین

حرکت جنین چیزی در درون خود احساس می‌کند که از قبل وجود نداشته است. احساس می‌کند که روح دیگری در اعماق او بوجود آمده است. و بالاتر از آن دانشمندان پی برده‌اند که جنین در اواخر دوران بارداری قادر به شنیدن می‌باشد. و نخست صدای ضربان قلب مادر را می‌شنود.» سپس با ذکر آیه: فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ ساجِدِينَ «۲» می‌نویسد: «عاملی که از گل بی‌ارزش موجودی می‌سازد که ملائک مکرم در برابرش سجده کنند بعد انسانی است و نه بعد سلولی. این بعد را خداوند در حالی به انسان عطا می‌فرماید که در شکم مادر قرار گرفته است و آن زمانی است که ملائکه‌ای را به سوی او می‌فرستد تا روح را در او بدمد.» «۳» ۵. یکی دیگر از صاحب‌نظران با ذکر آیه ۱۴ مؤمنون می‌نویسد: «پس از صورت‌بندی جنین، مرحله دمیدن روح فرا می‌رسد در این هنگام خداوند تحول شگفت‌انگیزتری در جنین پدید می‌آورد یعنی که روح و جان را در او می‌دمد و جنین مرده را زنده می‌گرداند.» «۴» ۶. دکتر پاک‌نژاد با ذکر آیه ۱۴ مؤمنون و حدیثی از امام صادق (ع) اذا بلغ الولد اربعهٔ اشهر فقد صار فیه الحیوهٔ‌می‌نویسد: «در چهار ماهگی آثار حیات بدو روی می‌آورد. دانش بیولوژی هنوز پاسخگوی این قسمت نبوده یعنی حد فاصل مرحله حیات با مرحله قبل از آن را نمی‌تواند مشخص سازد. نطفه‌ها موجود زنده‌اند و دارای حیات. شاید مقصود حضرت از شروع حیات در اینجا شروع هماهنگی و همکاری بین الاعضاء است که مقارن چهار ماهگی شروع می‌شود.» «۵»

(_____ ۱) مؤمنون/ ۱۴. (۲) ص/ ۷۱. (۳) طب در قرآن، ص ۸۹- ۹۲ با تلخیص. (۴) بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۶۶. (۵) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱، ص ۲۶۳- ۲۶۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۸

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: از آیات قرآن برمی‌آمد که پس از مرحله تسویه و تنظیم و تعادل اعضای بدن انسان در رحم مادر، مرحله دیگری به نام «نفخ روح» وجود دارد. و معلوم شد که مراد از نفخ روح، قرار دادن جزئی از خدا در انسان نیست بلکه اضافه تشریفی است. یعنی روحی بزرگ و شریف در انسان دمیده می‌شود که حقیقت آن بر ما معلوم نیست. ولی از موارد استعمال روح معلوم شد که روح امری مجرد و همراه شعور و ادراک است (یا حدّاقل گروه زیادی از فلاسفه و متکلمان مسلمان روح را امری مجرد می‌دانند.) امّا در مورد سخنان پزشکان و مفسران تذکر چند نکته لازم است: ۱. استاد مکارم شیرازی و دکتر دیاب و دکتر قرقوز و برخی صاحب نظران، دمیدن روح در جنین انسان را همان مرحله حرکت جنین (در سه یا چهار ماهگی) و حیات حیوانی می‌دانند. این تطبیق قابل تأمل و اشکال است؛ چرا که در قرآن کریم اشاره‌ای به حرکت جنین نشده است و فقط سخن از خلقت دیگر و دمیدن روح الهی شده است. علاوه بر آن، اگر مقصود از دمیدن روح همان حرکت جنین و حیات حیوانی بود چرا از آن تعبیر به روح الهی می‌شد که مستوجب سجده فرشتگان می‌شود. توضیح آنکه این روح الهی که در آدم دمیده شد (ص/ ۷۲- حجر/ ۲۹) انسان را سزاوار سجده فرشتگان کرد. اگر مقصود از روح الهی همان حیات حیوانی بود پس می‌باید تمام حیوانات سزاوار سجده ملائکه شوند. پس معلوم می‌شود این روح الهی چیزی بالاتر از حیات حیوانی است. بلی ممکن است گفته شود که حرکت جنین شاید نشانه مادی دمیده شدن روح باشد؛ ولی نمی‌توان گفت که دمیدن روح همان مرحله حرکت جنین و حیات حیوانی است. ۲. تعیین زمان دقیق ۴ ماهگی برای زمان شروع فعالیت قلب و حرکت جنین نیز نمی‌تواند مطلب دقیقی باشد. چرا که همانطور که برخی پزشکان بیان کردند این زمان از سه تا چهار ماهگی متغیر است. برخی از منابع معتبر پزشکی، تشخیص حرکات جنین توسط مادر را در ماه پنجم دانسته‌اند. «۱» ۳. آیا بیان این مرحله (نفخ روح و خلق دیگر) می‌تواند دلیلی بر اعجاز علمی قرآن کریم باشد؟

(_____ ۱) رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ص ۹۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۲۹ پاسخ این پرسش منفی است. چرا که اولا حقیقت نفخ روح و خلقت دیگر، برای

مـا روشن نیست و تطبیق آن‌هـا بـا شـروع فعالیت و حرکت جنین هم قابل قبول نبود. و لـذا بیان این مطلب از سوی قرآن، اگر چه در جای خود مهم و مفید است، ولی دلیلی بر اعجاز علمی قرآن کریم نیست.

پیدایش گوش و چشم:

پیـدایش گوش و چشم: قرآن کریم به دنبـال شـمارش مراحـل خلقت انسان از پیـدایش گوش و چشم و فؤاد سـخن می گویـد و این مطلب را به چنـد صورت بیان کرده است: الف: گاهی این مرحله را پس از طی مراحل اولیه نطفه ذکر می کنـد: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْناهُ سَـمِيعاً بَصِيراً «۱» «ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریـدیم تا او را بیازمائیم و وی را شـنوا و بینا گردانیدیم.» ب: گاهی این مرحله را پس از دمیـدن روح ذکر می کنـد: ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا ما تَشْكُرُونَ «۲» «آنگاه او را درست انـدام کرد و از روح خویش در او دمیـده و برای شـما گوش و دیـدگان و دلها قرار داد چه اندک سپاس می گذاریـد.» ج: در سوره نحل این مرحله را پس از تولـد ذکر می کنـد: وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَـيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْـكُرُونَ «۳» «و خدا شـما را از شـکم مادرانتان- در حالی که چیزی نمی‌دانستید- بیرون آورد، و برای شـما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسـگزاری کنید.» ظاهر سوره ملک نیز این است که این مرحله پس از خلقت اولیه انسـان بوده است. قُـلْ هُوَ الَّذِی أَنْشَـأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا ما تَشْـكُرُونَ «۴» «بگو: اوست آن کسـی کـه شـما را پدیـد آورده و برای شـما گـوش و دیـدگان و دل‌هـا آفریـده اسـت. چـه کـم سپاسـگزارید.»

(_____ ۱) انسـان/ ۲. (۲) سـجده/ ۹. (۳) نحل/ ۷۸. (۴) ملک/ ۲۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۰ د: گاهی نیز از این مرحله به صورت مطلق یاد می‌شود: در سوره احقاف/ ۲۶ و مؤمنون/ ۷۸ در مورد ایجاد چشم و گوش و قلب به صورت مطلق سخن گفته شده است یعنی بدنبال مرحله خاصی از خلقت نیامده است.

فؤاد در لغت:

فؤاد در لغت: واژه «فأد» در اصل به معنی شدت و حرارت است و لذا به حالت گوشت بریان شده گفته می‌شود. و فؤاد به قلب (روح و نفس) انسان گفته می‌شود هنگامی که بوسیله حرارت ایمان و محبت و توجه به حـد خلوص و پاکی برسـد. روح انسان در مرحله «قلب» در حال تحوّل و اضـطراب است و هنگامی که با حرارت حوادث و شدت تحولات پخته شد و ساکن شد و اضـطراب و تحول آن برطرف شـد، آماده درک و تشـخیص مصالـح و مفاسد می‌شود و این مرحله فؤاد است. پس فؤاد همان قلب و روح انسان اسـت که در مرحله پاکی، خلوص و تفکر قرار گرفته است. «۱» لذا برخی مفسران از آن با عنوان عقل یاد کرده‌اند. «۲»

نکات تفسیری و علمی:

اشاره

نکات تفسـیری و علمی: در این مبحث لازم است مطالب مربوط به پیدایش گوش و چشم و فؤاد را در چند مرحله بیان کنیم و مورد بررسی قرار دهیم، این مطلب را با طرح چند پرسش و پاسخ سامان می‌دهیم:

اوّل: پیدایش چشم و گوش در چه مرحله‌ای از تطورات جنین انجام می‌پذیرد:

پاسخ‌ها:

پاسخ‌ها: ۱. در برخی کتاب‌های معتبر پزشکی در مورد پیدایش دستگاه گوش و چشم آمده است: «گوش در بالغین یک واحد تشریحی را تشکیل می‌دهد که دو عمل شنوائی و تعادلی را انجام می‌دهد معذلک در رویان، گوش از سه بخش متمایز تشکیل شده است (گوش خارجی- میانی- داخلی) نخستین نشانه رشد گوش را می‌توان در یک رویان تقریبا ۲۲ روزه به صورت ضخیم شدن اکتودرم سطحی در هر طرف رومبانسفال پیدا کرد. و در هفته چهارم گوش (_____ ۱) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۹- ۱۱. (۲) ر. ک: پیام قرآن، ج ۲، ص ۹۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۱ داخلی از اکتودرم سطحی جدا می گردد.» «۱» در رویان ۲۲ روزه چشم در حال رشد به صورت یک زوج ناودان کم عمق در هر طرف فرو رفتگی مغز قدامی ظاهر می‌شود. و در انتهای هفته چهارم رشد به صورت یک جفت حبابهای بینائی در هر طرف مغز قدامی رشد می کند. «۲» ۲. دکتر دیاب و دکتر قرقوز می‌نویسند: «حسّ شنوایی در جنین قبل از بینایی فعال می‌شود. اکنون ثابت شده که جنین قبل از بینایی از حس شنوایی برخوردار می‌شود. دانشمندان با ارسال فرکانسهای صوتی به طرف یک زن باردار که آخرین روزهای دوران بارداری را می گذارند، مشاهده کردند که جنین با انجام حرکاتی به این اصوات پاسخ می‌دهد. در صورتی که جنین تا قبل از تولد قادر به دیدن نیست.» و در جای دیگر متذکر می‌شوند که: نخستین صدائی که گوشهای او را نوازش می‌دهد صدای ضربان قلب مادر اوست.» «۳» نتیجه: پس از منظر علوم پزشکی پیدایش و تکوین چشم و گوش از اوایل دوره بارداری است که جنین دوره تمایز لایه‌ها (مضغهٔ) را می گذراند. و شروع فعالیت گوش از اواخر دوران بارداری (قبل از تولد) است.

دوّم: آیا مقصود قرآن کریم در آیات مورد بحث، ذکر یک مرحله خلقت است یا تذکر نعمت‌ها؟ پاسخ‌ها:

دوّم: آیا مقصود قرآن کریم در آیات مورد بحث، ذکر یک مرحله خلقت است یا تذکر نعمت‌ها؟ پاسخ‌ها: ۱. استاد مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۷۸ سوره نحل کلمه «فؤاد» را به معنی «عقل» ترجمه می کند «۴» و در مورد آیه ۹ سوره سجده می‌نویسند: «قرآن در آخرین مرحله که پنجمین مرحله آفرینش انسان محسوب می‌شود، اشاره به نعمت‌های گوش و چشم و قلب کرده است، البته منظور در اینجا خلقت این اعضاء نیست چرا که این خلقت قبل از نفخ روح صورت می گیرد بلکه منظور حسّ شنوائی و بینائی و درک خرد است.» «۵ (_____» ۱) پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی لانگمن، ص ۳۸۲- ۳۹۳ با تلخیص، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور، تجدید نظر ششم ۱۹۹۰ م، چاپ انتشارات شرکت سهامی چهر ۱۳۷۰ ش، تهران ایران. (۲) همان، ص ۳۹۴ تا ۴۰۴ با تلخیص. (۳) طب در قرآن، ص ۵۷ و ۹۰. (۴) پیام قرآن، ج ۲، ص ۹۱. (۵) تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۲ ۲. یکی از نویسندگان معاصر از آیه ۹ سجده استفاده می کند که پس از اتمام دوره ابتدایی خلقت جنین و دمیده شدن روح در انسان، در آن هنگام گوش و چشم و قلب به او داده می‌شود و ساختمان آنها تکمیل می‌شود. «۱»

نتیجه‌گیری:

نتیجه‌گیری: ظاهر آیاتی که در مورد چشم و گوش و فؤاد در قرآن آمده است در صدد بیان یک مرحله خاص از خلقت جنین نیست، چرا که: الف: آیات سوره احقاف/ ۲۶ و مؤمنون/ ۷۸ فقط بصورت مطلق سخن از ایجاد چشم و گوش و قلب می‌کند. و بدنبال مرحله خاصی از خلقت نیامده است. ب: آیات سوره نحل/ ۷۸ و ملک/ ۲۳ در صدد بیان نعمت‌های الهی در حق انسان است و جمله «تشکرون» که در پایان هر دو آیه آمده است شاهد آن است. به علاوه «قرار دادن چشم و گوش و فؤاد» را پس از خلقت انسان و تولد او مطرح کرده است. در حالی که اگر سخن از مرحله ایجاد چشم و گوش بود باید همراه یا پس از مرحله مضغه مطرح می‌شد چرا که پیدایش چشم و گوش در جنین از اوایل دوره بارداری (حدودا ۲۲ روزگی) است. نکته قابل توجه آنکه کلمات السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ با حرف «واو» به جملات قبلی آیه عطف شده است پس ترتیب را نمی‌رساند و نمی‌خواهد بفرماید که خلقت چشم و گوش و فؤاد پس از خلقت اولیه کودک و پس از تولد است. ج: در مورد آیه ۹ سوره سجده نیز می‌توان گفت که جملات وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا ما تَشْكُرُونَ در صدد بیان نعمت‌های الهی است همانطور که برخی از مفسران گفته بودند و شاهد آن جمله «تشکرون» که در آخر آیه واقع شده است. بعلاوه اگر آیه در صدد بیان خلقت چشم و گوش و فؤاد بود می‌بایست آن را پس از مرحله تسویه و قبل از نفخ روح بیان می‌کرد، در حالی که اینگونه بیان نشده است. بلکه فرمود: ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ ... و در ضمن معنا ندارد که فؤاد (قلب متفکر یا عقل) بعد از «نفخ روح» مطرح شود. در حالی که قلب، روح، نفس، عقل، فؤاد، همگی ابعاد و اسامی یک واقعیت (بعد دوم انسان یعنی شخصیت واقعی او) است. (_____ ۱) گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۹۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۳ تذکر: اگر کسی بگوید که مقصود از سمع و بصر و فؤاد خلقت بالقوه این امور در جنین نیست بلکه حالت فعلیت آنها (شنیدن، دیدن، تفکر) است که برخی بعد از نفخ روح شروع می‌شود (مثل سمع) و برخی بعد از تولد شروع می‌شود. (مثل دیدن و تعقل) در این صورت باید گفت که دیگر آیه در صدد بیان مراحل خلقت و تکوین جنین انسان (خلقت اصل گوش، چشم، فؤاد) نیست، بلکه در صدد بیان کارکرد آنهاست و از موضوع بحث ما در اینجا خارج می‌شود. (در قسمت چهارم همین بحث آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم) د: در مورد آیه إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْناهُ سَمِيعاً بَصِيراً «۱» قبلا بیان شده بود که دو احتمال تفسیری در آن وجود دارد. اوّل: آنکه ابتلاء به معنای آزمایش انسان باشد و چشم و گوش ابزار شناخت و مقدمه آزمایش است. «۲» دوّم: آنکه ابتلاء به معنی تحولات جنین باشد (طرفداران این دیدگاه، فاء تفریع را دلیل ردّ احتمال اوّل گرفته‌اند.) «۳» بنابر احتمال اوّل مقصود از قرار دادن چشم و گوش بیان مرحله‌ای از خلقت نیست بلکه آیه در مقام بیان ابزار و مقدمات آزمایش است. امّا بنابر احتمال دوّم آیه در صدد بیان مرحله‌ای از خلقت جنین است و جالب این است که پیدایش گوش و چشم را پس از مخلوط شدن نطفه قرار داده است. و این با یافته‌های علمی هم سازگار است زیرا بیان شد که پیدایش چشم و گوش از اوایل دوران بارداری (حدود ۲۲ روزگی) شروع می‌شود.

سوّم: چرا قرآن از بین حواس ظاهری و باطنی انسان فقط چشم و گوش و فؤاد را ذکر کرده است؟ پاسخ:

سوّم: چرا قرآن از بین حواس ظاهری و باطنی انسان فقط چشم و گوش و فؤاد را ذکر کرده است؟ پاسخ: استاد مکارم شیرازی در زیر آیه ۹ سوره سجده می‌نویسند: «اگر از میان تمام حواس «ظاهر» و «باطن» تنها روی این سه (گوش، چشم، فؤاد) تکیه کرده، بخاطر این است که مهمترین حس ظاهری انسان که رابطه نیرومندی میان او و جهان خارج برقرار می‌کند، گوش و چشم است. گوش، اصوات را درک می‌کند (_____ ۱) انسان/ ۲. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۰۶- ۴۰۷. (۳) تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۲۱۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۴ و

مخصوصا تعلیم و تربیت بوسیله آن انجام می گیرد و چشم وسیله دیدن جهان خارج و صحنه‌های مختلف این عالم است. نیروی عقل و خرد نیز مهمترین حس باطنی انسان و یا به تعبیر دیگر حکمران وجود بشر است. و به این ترتیب، خداوند در این آیه مهمترین ابزار شناخت را در ظاهر و باطن وجود انسان بیان کرده است چرا که علوم انسانی یا از طریق «تجربه» بدست می‌آید و ابزار آن چشم و گوش است و یا از طریق تحلیلها و استدلالهای عقلی، و وسیله آن عقل و خرد است، که در قرآن از آن به «افئدهٔ» تعبیر شده، حتی درک‌هائی که از طریق وحی یا اشراق و شهود بر قلب انسان صورت می گیرد باز بوسیله همین «افئده» می‌باشد. اگر این ابزار شناخت از آدمی گرفته شود، ارزش وجودی او تا سر حد یک مشت سنگ و خاک سقوط می کند.» «۱» برخی از نویسندگان بیان می کنند که: گوش ما ارتعاشاتی را که بین ۳۲ تا ۲۰ /۰۰۰ بار در ثانیه است می‌شنود. «۲» قسمت اوّل صداهای بسیار قوی و قسمت دوّم مثل نغمه‌های لطیف است. پس ما بسیاری از صداها را نمی‌شنویم. و چشم ما نیز رنگهائی را می‌بیند که ارتعاش آن بین حدّاقل ۴۵۰ و حدّاکثر ۷۵۰ بیلیون بار در ثانیه باشد، که به صورت قرمز و بنفش دیده می‌شود. پس ما بسیاری از رنگ‌ها را نمی‌بینیم. «۳» نکته جالب آن است که اکثر علوم انسان مستقیما از این دو حسّ یعنی بینائی و شنوائی و یا بواسطه این دو به دست می‌آید. دکتر علی محمد سلامهٔ نیز کتابی در مورد شنوائی و بینائی در قرآن کریم نوشته و این موضوع را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده است. و استفاده‌های آنها را برای مسلمانان و کفار بیان کرده است. «۴» دکتر محمد کمال عبد العزیز نیز درباره گوش، حنجره و بویایی و اهمیت آن از منظر قرآن، کتابی نوشته است. «۵»

(_____۱) تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۸- ۱۲۹. (۲) این اعداد به صورت تقریبی است و برخی کتاب‌ها با اختلاف کمی نیز نقل کرده‌اند. (۳) ر. ک: سید جواد، افتخاریان، قرآن و علوم روز، ص ۱۸۰- ۱۸۸. (۴) دکتر علی محمد، سلامهٔ، السمع و البصر فی القرآن الکریم، ص ۸۱ به بعد. (۵) دکتر محمد کمال، عبد العزیز، اعجاز القرآن فی حواس الانسان (الانف و الاذن و الحنجرهٔ) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۵

چهارم: چرا قرآن معمولا وسیله شنوائی (سمع) را قبل از وسیله بینائی (ابصار) ذکر می‌کند؟ پاسخ‌ها:

چهارم: چرا قرآن معمولا وسیله شنوائی (سمع) را قبل از وسیله بینائی (ابصار) ذکر می کند؟ پاسخ‌ها: ۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز در این مورد می‌نویسند: «کلمات سمع و بصر در کنار هم جمعا ۱۹ بار در قرآن وارد شده که در ۱۷ مورد آن کلمه سمع قبل از بصر قرار گرفته است. «۱» واقعیت این است که هر دو عضو، یعنی گوش و چشم از حواس گرانبها و مهمی هستند که انسان به وسیله آنها می‌تواند با عالم خارج ارتباط برقرار کند ... لکن در قرآن آوردن لفظ شنوایی قبل از بینایی تقریبا به صورت یک قاعده درآمده است.» و سپس از نظر علمی علّت این امر (تقدم شنوائی بر بینائی در قرآن) را چند چیز می‌دانند: الف: حس شنوائی در جنین قبل از بینائی فعال می‌شود. در صورتی که جنین تا قبل از تولد قادر به دیدن نیست. (سخن ایشان به صورت کامل قبلا گذشت) ب: فراگیری نطق در درجه اوّل از طریق شنوایی انجام می‌پذیرد و اگر نوزادی «کر» به دنیا آمد، ایجاد ارتباط با افراد و هماهنگی با محیط خارجی برایش دشوار خواهد بود. و همین مسأله می‌تواند باعث قصور عقلی و ادراکی و ذهن و شعور وی گردد. در مقابل افراد زیادی نابینا متولد شده‌اند ولی توانسته‌اند مدارج عالی علمی را طی کنند. و سپس ابو العلاء معری شاعر مقتدر عرب را مثال می‌زند و مترجم در پاورقی طه حسین ادیب مصری و مرحوم خزائلی را مثال می‌زند که با وجود نابینائی در زندگی موفق بوده‌اند. ج: چشم (تنها) مسئول وظیفه بینائی است ولی گوش مسئول وظیفه شنوایی و حفظ تعادل است. «۲» ۲. استاد مکارم شیرازی در مورد آیه ۷۸ سوره نحل می‌نویسد: «طبق این آیه، در آغاز، انسان هیچ علمی نداشت و حتی گوش و چشم نداشت. سپس خداوند قدرت شنیدن و دیدن و اندیشیدن را به او داد. شاید ذکر سمع (گوش) قبل از ذکر ابصار (چشم‌ها) اشاره به این است که در نوزادان

نخست فعالیت گوش شروع (_____ ۱) در موارد دیگر هم به سبب خاصی چشم قبل از گوش آمده است مثل هود/ ۲۴. (۲) طب در قرآن، ص ۵۷- ۵۸ با تلخیص. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۶ می‌شود و بعد از مدّتی چشم‌ها توانائی دید پیدا می‌کند. حتی بعضی معتقدند که گوش در عالم جنین، کم و بیش قدرت شنوائی دارد و آهنگ قلب مادر را می‌شنود و به آن عادت می‌کند.» «۱» ۳. عبد الرزاق نوفل در مورد تقدیم سمع بر بصر با ذکر آیات متعددی می‌نویسد: «وجه دیگری از اعجاز این آیه (نمل/ ۷۸) در علم جنین‌شناسی روشن شده است. ترتیب حواس در این آیه (سمع، بصر، فؤاد) برای تعلیم حقایق وجود به انسان است که علم در سالهای أخیر بدان پی برده است. و آن اینکه ترتیب خلق حواس در کودک اینگونه است که طفل هنگام تولد می‌شنود ولی تا مدتی نمی‌بیند و بعد از ۱۵ روز تاریکی و روشنائی را تشخیص می‌دهد و بعد از مدتهای زیاد می‌تواند حواس دیگر و عقل خود را به کار اندازد. و این ترتیب مطلبی است که قرآن بر آن تأکید می‌کند.» «۲»

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. برخی نویسندگان خواسته بودند از آیه ۹ سوره سجده استفاده کنند که پیدایش گوش و چشم و قلب پس از دمیدن روح در بدن است. از مطالب گذشته روشن شد که آیه ۹ سوره سجده در مقام بیان مرحله‌ای از خلقت جنین نیست و لذا استفاده ایشان با ظاهر آیه سازگار نیست. علاوه بر آن از نظر پزشکی نیز پیدایش گوش و چشم در اوایل بارداری (حدود ۲۲ روزگی) شروع می‌شود نه پس از تکمیل جنین و دمیده شدن روح و لذا مطلب ایشان از نظر پزشکی هم قابل قبول نیست. ۲. آیه ۲ سوره دهر (انسان) نکته‌ای شگفت‌انگیز درباره پیدایش گوش و چشم پس از مخلوط شدن نطفه بیان می‌کرد ولی این مطلب اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی‌کند چرا که: اولا: آیه مورد بحث دارای دو تفسیر بود و انطباق آن با مسایل پزشکی بنا بر یک تفسیر صحیح بود پس نمی‌توانیم مطلب علمی را به صورت قطعی به آیه نسبت دهیم. ثانیا: آیه مطلب فوق را به صورت کلی و مجمل می‌گوید. و مطلب کلّی به این صورت برای بسیاری از افراد (و بدون اطلاع از یافته‌های جدید پزشکی) هم قابل حدس و فهم بوده است. (_____ ۱) پیام قرآن، ج ۲، ص ۹۱. (۲) القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۳۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۷ ۳. در مباحث قبلی بیان شد که شروع خلقت چشم و گوش تقریبا همزمان (حدودا ۲۲ روزگی) است پس تقدیم سمع بر بصر نمی‌تواند دلیل خلقت زودتر گوش نسبت به چشم باشد. لذا مطلبی که عبد الرزاق نوفل بر آن تأکید می‌کرد (ترتیب خلقت سمع و بصر و فؤاد) قابل قبول نیست. بلی قبلا گذشت که ممکن است بگوییم آیات سوره سجده/ ۹ و نحل/ ۷۸ و ملک/ ۲۳ در صدد بیان شنوائی و بینائی و تعقل بالفعل انسان است و بخاطر همین، سمع و بصر و فؤاد را پس از خلقت طفل و تولد و نفخ روح او بیان کرده است. بنابراین احتمال تقدیم سمع بر بصر ممکن است اشاره به شروع به کار آنها باشد که گوش زودتر (در اواخر بارداری) از چشم شروع به کار می‌کند و در این صورت یک مطلب شگفت‌انگیز علمی قرآن محسوب می‌شود. ۴. با توجه به اینکه تقدیم سمع بر بصر در همه آیات قرآن کریم صادق نیست، موارد استثناء دارد و ممکن است این تقدیم بخاطر مسایل ادبی و یا بیان راحت‌تر آن و ... باشد و لذا نمی‌توان به صورت قطعی گفت که تنها علت تقدیم همان مسایل علمی (چشم و گوش) باشد. بنابراین این مطلب نمی‌تواند دلیل اعجاز علمی قرآن باشد.

مرحله دوازدهم: تولد طفل:

اشاره

مرحله دوازدهم: تولد طفل: قرآن کریم در مواردی تولد نوزاد را یکی از مراحل پیدایش انسان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا «۱» «آنگاه از علقه‌ای [شما را آفرید] و بعد شما را [به صورت کودکی برمی‌آورد.» وَ نُقِرُّ فِي الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا «۲» «و آنچه را اراده کنیم تا مدتی معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم، آنگاه شما را [به صورت کودک برون می‌آوریم.» وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئاً «۳» «و خدا شما را از شکم مادرانتان خارج ساخت در حالی که چیزی نمی‌دانستید (_____.» ۱) غافر/ ۶۷. (۲) حج/ ۵. (۳) نحل/ ۷۸. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۸

نکات تفسیری و علمی:

نکات تفسیری و علمی: ۱. استاد مکارم شیرازی در تفسیر آیه ۵ سوره حج می‌نویسند: خداوند بیرون فرستادن جنین از رحم را به خودش نسبت می‌دهد. ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا این تعبیر اهمیت مسأله تولد را که امروز دانشمندان به آن پی برده‌اند روشن می‌سازد. چه عاملی زمان تولد را تنظیم می‌کند؟ و تحت چه شرایطی فرمان خروج به جنین داده می‌شود؟ و چگونه تمام اعضای بدن خود را آماده این تحول مهم می‌کنند؟ تحت چه عواملی کودک تدریجا معلق می‌گردد تا با سر متولد شود؟ آیا می‌داند تولد او با پا غیر ممکن یا بسیار مشکل است؟ چه کسی به تمام عضلات بدن مادر دستور می‌دهد شدیدترین فشار را روی جنین برای خارج شدن بیاورند؟ هنگامی که ندرتا این سیستم به هم می‌خورد و اطبا مجبور به «سزارین» می‌شوند اهمیت آن معلوم می‌شود، و شاید وجود چنین افراد نادری هشداری است به همگان تا به اهمیت این موضوع بیندیشند ... به این ترتیب مسأله تولد با تمام شاخ و برگ حساب شده‌اش آیتی دیگر از آیات او است. سپس به دگرگونیهای عجیب لحظه تولد در سیستم زندگانی نوزاد، که برای تطبیق دادن او با محیط جدید کاملا ضروری است، اشاره می‌کند. و می‌نویسد: الف: دگرگون شدن سیستم گردش خون: به این صورت که مسأله گردش خون در جنین یک گردش ساده است. زیرا حرکت خونهای آلوده به سوی ریه‌ها برای تصفیه انجام نمی‌گردد. چون در آنجا تنفسی وجود ندارد، لذا دو قسمت قلب او (بطن راست و چپ) که یکی عهده‌دار رساندن خون به اعضاء و دیگری عهده‌دار رساندن خون به ریه برای تصفیه است به یکدیگر راه دارد، امّا به محض اینکه جنین متولد شد، این دریچه بسته می‌شود و خون دو قسمت می‌گردد بخشی به سوی تمام سلولهای بدن برای تغذیه فرستاده می‌شود و بخش دیگری به سوی ریه‌ها برای تنفس. ب: ریه‌ای که قبلا- در رحم مادر کاملا- ساخته و آماده شده با یک فرمان الهی ناگهان به کار می‌افتد این راستی از عجائب است. جنین که تا در شکم مادر است اکسیژن لازم را از خون مادر می‌گیرد ولی بعد از تولد باید خودکفا باشد. و از طریق ریه و تنفس اکسیژن را دریافت دارد. ج: بسته شدن بند ناف و خشکیدن و افتادن آن (بند ناف راه تغذیه جنین بوسیله جفت از خون مادر است.) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۳۹ د: دهان و معده و روده‌ها که در دوران جنینی کاملا- ساخته و آماده شده امّا به کار نیفتاده‌اند ناگهان به کار می‌افتند. ایشان سپس گریه کودک و خواص آن را به صورت مفصل ذکر می‌کنند. «۱» ۲. یکی دیگر از صاحب‌نظران با طرح آیه ۷۸ سوره نحل جریان تولد نوزاد را یکی از شگفت‌انگیزترین حوادث دستگاه آفرینش می‌داند. و می‌نویسد: «اولین ضربه‌ای که به نوزاد وارد می‌شود سقوط ناگهانی درجه حرارت است. درجه حرارت دنیای رحم ۳۷ درجه است ولی حرارت محیط خارج کمتر یا بیشتر می‌باشد. و اینکه نوزاد چطور می‌تواند در یک چنین تغییراتی زیاد، درجه حرارت را تحمل کند. خود یکی از معماهای علم طب است. از طرفی جنین ۹ ماه تمام را در ظلمت محض بسر برده است و چشمهای او نور و روشنائی را نمی‌شناسد ولی همین چشمها در یک آن وارد دنیای خیره کننده ما می‌شود. و باید یک چنین نور خیره کننده‌ای را

تحمل کند. جنین ۹ ماه تمام در محیطی مرطوب و لزج زندگی کرده است ولی پس از تولد باید در محیط خشکی به زندگی ادامه دهد. تا قبل از تولد جنین از راه ناف تغذیه می‌کرد و اینک باید یاد بگیرد که با دهان تغذیه کند و بلا واسطه از اکسیژن هوا استنشاق نماید.» «۲»

بررسی:

بررسی: ۱. اینکه تولد یکی از شگفت انگیزترین مراحل حیات انسان است امری مسلم است. ولی اشاره قرآن به آن به تنهائی نمی‌تواند گویای تمام اسرار علمی آن باشد. ۲. تذکر مرحله تولد و طفولیت در قرآن به تنهائی اعجاز علمی قرآن را اثبات نمی‌کند. بلی در این مورد مطالب جالب دیگری در قرآن آمده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

زمان بارداری:

اشاره

زمان بارداری: قرآن کریم در مورد بارداری زنان بارها سخن گفته است و برخی صاحب‌نظران و پزشکان از این آیات برداشت‌هایی نموده‌اند که مطابق با یافته‌های پزشکی است و آنها را دلیل بر اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. این مطالب در چند محور خلاصه می‌شود (_____: ۱) پیام قرآن، ج ۲، ص ۸۷- ۸۹ با تلخیص و تصرف در عبارات. (۲) بی‌آزار شیرازی، گذشته و آینده جهان، ص ۶۸- ۶۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۰

۱. کوتاهترین مدت بارداری شش ماه است:

اشاره

۱. کوتاهترین مدت بارداری شش ماه است: قرآن کریم از طرفی در دو مورد می‌فرماید که مدت شیرخواری کودک دو سال است: وَ الْوالِداتُ یُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کامِلَیْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ یُتِمَّ الرَّضاعَةَ «۱» «و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند [این حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند.» وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلی وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فِی عامَیْنِ «۲» «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی. و از شیر باز گرفتنش در دو سال است.» از طرف دیگر می‌فرماید که مجموع شیرخواری کودک و بارداری مادر ۳۰ ماه است: وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً «۳» «و انسان را [نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد. و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است.»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: الف: اگر مدت شیرخواری یعنی دو سال را از سی ماه کم کنیم باقیمانده شش ماه می‌شود یعنی حدّاقل مدت

بارداری شش ماه و حدّاکثر مدت شیرخواری ۲۴ ماه است. و این مطلب مورد پذیرش فقهاء و مفسران قرآن قرار گرفته است. «۴» ب: از تعبیر قرآن در آیات فوق می‌توان استفاده کرد که هر قدر از مقدار حمل کاسته شود باید بر مقدار دوران شیرخواری افزود، به گونه‌ای که مجموعا سی ماه تمام را شامل گردد. از ابن عباس شاگرد بزرگ امیر المؤمنین (ع) نیز نقل شده که هرگاه دوران بارداری زن ۹ ماه باشد باید ۲۱ ماه فرزند را شیر دهد و اگر حمل ۶ ماه باشد باید ۲۴ ماه شیر دهد. «۵»

(_____ ۱) بقره/ ۲۳۳. (۲) لقمان/ ۱۴. (۳) احقاف/ ۱۵. (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۷. (۵) تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۱

تاریخچه:

تاریخچه: از برخی پزشکان قدیمی مثل جالینوس (۱۳۱- ۲۱۰ م) و ابن سینا (۳۷۰- ۴۲۸ ق) نقل شده که خود با چشم مشاهده کرده‌اند که فرزندی بعد از شش ماه به دنیا آمده است. «۱» در جامعه اسلامی نیز این حکم مورد قبول بوده است و در وقایع تاریخی صدر اسلام بدان عمل شده است. حکایت شده که مردی با زنی ازدواج کرد و آن زن پس از شش ماه فرزندی بدنیا آورد، عثمان پنداشت که این زن قبل از ازدواج مرتکب زنا شده است و در نظر داشت درباره او حد زنا جاری کند. ابن عباس که در مجلس حاضر بود، اظهار داشت: اگر این زن به قرآن استناد نماید که فرمود: وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً و فِصالُهُ فِی عامَیْنِ برای دوران بارداری شش ماه باقی می‌ماند. و بدین ترتیب آن زن تبرئه گردید. «۲»

احکام:

احکام: آیه‌های فوق در مورد دو حکم شرعی مورد استناد واقع می‌شود: الف: اگر زنی متهم به حاملگی از زنا شد، در حالی که مدت شش ماه از نزدیکی او با همسر قانونی‌اش می گذرد تبرئه می‌شود؛ چون حدّاقل مدت بارداری شش ماه است. ب: حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی مخصوص مادر است. او است که می‌تواند در این مدت فرزند خود را شیر دهد و از او نگهداری کند: (هر چند که می‌توانند این مدت را با توافق پدر و مادر کمتر کنند.) و هزینه زندگی مادر از نظر غذا و لباس- حتی در صورتی که طلاق بگیرد- در دوران شیر دادن بر عهده پدر نوزاد است. «۳»

اسرار علمی:

اسرار علمی: خبر دادن قرآن از حدّ اقل مدت بارداری (شش ماه) مورد توجه فقهاء، مفسران و پزشکان واقع شده است. برخی از پزشکان می‌نویسند: «پیش از آنکه دانش پزشکی اثبات کند که حدّاقل زمان لازم برای بارداری شش ماه است، قرآن این مطلب را به روشنی بیان کرده است ...» و سپس به آیات فوق استشهاد نموده‌اند و می‌نویسند:

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۷. (۲) طب در قرآن، ص ۲۲. (۳) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۳۲- ۱۳۳ و نیز تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۷۹ و نیز کتاب الحدود، حد الزنا. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۲ «طب نوین نیز به همین نتیجه رسیده است؛ یعنی جنین اگر شش ماه تمام در رحم مادر باشد، پس از تولد زنده خواهد ماند. تولد جنین کمتر از شش ماهه را سقط می‌نامند، زیرا زنده نخواهد ماند و تولد جنین در فاصله شش تا نه ماهگی را زایمان زودرس می‌نامند. نوزادانی که به صورت زودرس متولد می‌شوند، با مراقبت‌های ویژه پزشکی زنده می‌مانند. حدّاقل مدت قانونی بارداری در اکثر کشورها همان شش ماه منظور شده است.» «۱» دکتر شهید پاک‌نژاد نیز همین محاسبه را در مورد حدّاقل زمان بارداری می‌پذیرد و سپس می‌نویسد: «ولادت همانگونه که حضرت علی (ع) فرمودلا تلد المرأة

لاقل من ستهٔ اشهرتا شش ماهگی است و هر چه بیشتر بماند رشد بهتری یافته از دوران شیردادنش که مجموعا سی ماه است کاسته می‌گردد. ولی بچه ناتوان شش ماه افتاده حتما باید ۲۴ ماه شیر بخورد. (۳۰ ۶+ ۲۴)» «۲» تذکر: همانطور که گذشت مطلب اوّل (حدّاقل مدت بارداری شش ماه است) مورد قبول مفسران و فقهاء واقع شده و مطلب دوّم (کم و زیاد شدن مدت شیر خواری بر اساس مدت حمل) نیز مورد قبول برخی مفسران قرار گرفته و از ابن عباس نیز نقل شده است. «۳» برخی از منابع معتبر پزشکی جدید می‌نویسند: «جنین که در طی ماه ششم و در نیمه اوّل ماه هفتم به دنیا آید، مشکل است که بتواند زنده بماند. اگر دستگاه‌های چندی در بدن قادر به انجام فعالیت می‌باشند، دستگاه تنفسی و دستگاه عصبی مرکزی به حد کافی تمایز نیافته و همکاری بین این دو دستگاه هنوز برقرار نشده است.» «۴» برخی از نویسندگان معاصر مثل بسام دفضع در کتاب الکون و الانسان بین العلم و القرآن «۵» نیز به همین مطلب برای کوتاه‌ترین مدت حمل (شش ماه) استناد کرده و با مطالب علمی تطبیق کرده‌اند.

(_____ ۱) دکتر قرقوز و دکتر دیاب، طب در قرآن، ص ۲۲- ۲۳. (۲) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۱، ص ۱۰۹. (۳) تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۷. (۴) پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر مسلم بهادری و دکتر عباس شکور، ص ۹۹ (تنظیم ۱۹۹۰ م) (۵) الکون و الانسان بین العلم و القرآن، ص ۲۰۲- ۲۰۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۳

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. بر اساس احتساب مدت شیرخواری (دو سال) و کم کردن آن از سی ماه معلوم می‌شود که حدّاقل مدت بارداری از نظر قرآن شش ماه است. این مطلب مهمی است که در صدر اسلام بسیاری از افراد متوجه آن نبودند (همانطور که در مورد قضاوت عثمان دیدیم.) این مطلبی است که از نظر پزشکی به اثبات رسیده است و بار دیگر با پیشرفت علوم تجربی یکی از اشارات علمی قرآن روشن گردید. ۲. این اشاره علمی قرآن به همه اهمیت آن نمی‌تواند اعجاز علمی قرآن شمرده شود، چرا که همانطور که نقل کردیم برخی پزشکان مثل جالینوس قبل از اسلام ادعا کرده‌اند که کودکانی را دیده‌اند که شش ماهه به دنیا آمده‌اند. در حالی که اعجاز در محتوای خبر وقتی صادق است که کسی از طریق عادی به آن خبر دسترسی پیدا نکند.

۲. زمان تشخیص قطعی بارداری:

اشاره

۲. زمان تشخیص قطعی بارداری: برخی از صاحب‌نظران و پزشکان به دو آیه قرآن در مورد تشخیص زمان بارداری استشهاد کرده‌اند، که عبارتند از: وَ الَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً «۱» «و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می گذارند [همسران چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند.» وَ الْمُطَلَّقاتُ یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ وَ لا یَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ یَکْتُمْنَ ما خَلَقَ اللَّهُ فِی أَرْحامِهِنَّ «۲» «و زنان طلاق داده شده، باید مدت سه پاکی انتظار کشند، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده، پوشیده دارند.»

نزول و نکات تفسیری:

نزول و نکات تفسیری: آیه اوّل در مورد زنانی نازل شده است که شوهر آنان فوت کرده است. رعایت احترام

(_____ ۱) بقره/ ۲۳۴. (۲) بقره/ ۲۲۸.

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۴ شوهر فوت شده موضوعی فطری است که در اقوام مختلف مورد توجه بوده است و آداب و رسوم گوناگون و گاهی همراه با افراط در این مورد رواج پیدا کرده است. برخی از قبائل پیشین پس از مرگ شوهر زن را آتش زده و یا برخی دیگر او را همراه با مرد دفن می‌کردند. برخی دیگر زن را همیشه از ازدواج مجدد محروم می‌ساختند و یا او را مجبور می‌ساختند که با لباس کثیف تا مدتی کنار قبر شوهر، زیر خیمه‌ای سیاه بماند. «۱» آیه فوق بر تمام این خرافات خط بطلان کشید ولی احترام حریم زوجیت را با رعایت زمان عده (چهار ماه و ده روز) به طور شایسته‌ای امضا کرد یعنی در این مدت زنان حق ازدواج با مردان دیگر را ندارند. آیه دوّم در مورد زنانی نازل شده است که به هر دلیل از شوهر خود جدا گشته و طلاق می‌گیرند. در این مورد چند نکته تفسیری وجود دارد: الف: «قروء» که مفرد آن «قرء» است هم به «عادت ماهیانه» (خونریزی ماهیانه زنان) و هم به «پاک شدن از آن» گفته می‌شود. ولی در روایات اسلامی تصریح شده که مقصود از «ثلاثة قروء» همان سه مرتبه پاک شدن زن از خون حیض است. علاوه بر آنکه برخی از مفسران و لغویین نیز تصریح کرده‌اند که «قرء» دارای دو جمع است «قروء» و «اقراء». قرء که جمع آن قروء باشد به معنای پاکی است و آنکه جمع آن اقراء است به معنای حیض است و با توجه به آنکه در آیه فوق «قروء» آمده است پس به معنای پاکی زن است. «۲» ب: در اسلام چند چیز است که خبر آن به زنان واگذار شده و گفتار خود زن در این موارد سند است و آن عبارت است از: عادت داشتن، پاک بودن و حاملگی. «۳» آیه فوق بدین مطلب اشاره می‌کند که برای زنان جایز نیست که از این حق سوء استفاده کرده و بر خلاف واقع سخنی بگویند. وَ لا یَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ یَکْتُمْنَ ما خَلَقَ اللَّهُ فِی أَرْحامِهِنَّ و کتمان مطرح شده در آیه با دو معنا سازش دارد: یکی کتمان فرزند (پوشیده داشتن خبر حاملگی) و دوّم مخفی داشتن عادت ماهیانه. «۴» یعنی زن نباید خبر حاملگی یا عادت ماهیانه (حیض) خود را مخفی بدارد.

(_____ ۱) ر. ک: اسلام و عقاید بشری به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۳۶. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۷ و نیز قاموس اللغة. (۳) عن الصادق (ع): قد فوض اللّه الی النساء ثلاثة اشیاء الحیض و الطهر و الحمل (نمونه، ج ۲، ص ۱۰۸) (۴) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۵

احکام:

احکام: زنان حق ندارند در زمان عدّه، ازدواج جدیدی بنمایند. عدّه زنانی که شوهرانشان از دنیا می‌روند چهار ماه و ده روز قمری است و عده زنانی که طلاق می‌گیرند به این صورت است که هرگاه مرد با زن نزدیکی کرده باشد صبر می‌کند تا زن او یک بار عادت ماهیانه شود و در پاکی بعدی او را طلاق می‌دهد و از موقع طلاق نیز باید دو عادت ماهیانه دیگر صبر کنند و در هنگام شروع عادت سوّم (که سه پاکی کامل شده است) از عده خارج می‌شود. یعنی در حقیقت زن به اندازه چهار عادت ماهیانه (که سه پاکی کامل بین آنها بوده است) صبر می‌کند که با احتساب زمان قبل از عادت ماهیانه اوّل و با توجه به حدود یک ماه بودن مدت حیض و پاکی زنان می‌توان گفت که زمانی حدود چهار ماه بین نزدیکی شوهر اوّل تا زمان اتمام عدّه می‌گذرد. «۱» البته با توجه به کم و زیاد بودن مدت حیض و پاکی زنان در برخی موارد هم کمتر از چهار ماه می‌شود. «۲»

اسرار علمی و حکمت‌ها:

اسرار علمی و حکمت‌ها: برخی از مفسران، پزشکان و صاحب‌نظران در مورد آیات فوق اظهار نظر کرده‌اند و حتی مفاد آن را اعجاز قرآن دانسته‌اند: ۱. دکتر دیاب و قرقوز در مورد آیه اوّل (عده زنانی که شوهر آنها فوت کرده) می‌نویسد: «قطعی‌ترین راه

تشخیص حاملگی دو علامت دارد: حرکت جنین و شنیدن صدای ضربان قلب او. امّا سایر علائم از قبیل قطع سیکل ماهیانه، ویار و غیره، علائم یقینی (_____ ۱) البته طبق فتاوای مراجع معظم تقلید در صورتی که فاصله بین دو عادت ماهیانه زن سه ماه باشد. در آن صورت عده زن در طلاق سه ماه است. (امّا این مورد بندرت اتفاق می‌افتد و در حقیقت یک استثناء است) ر. ک: رساله‌های عملیه مراجع تقلید، مبحث طلاق، عده زنان. (۲) شاید بتوان گفت که حکمت تفاوت عده زنان در وفات و طلاق این باشد: زنانی که تصمیم به طلاق از شوهر دارند قبل از طلاق تا مدتی در حال نزاع و کشمکش هستند و بطور طبیعی نزدیکی صورت نمی‌گیرد و لذا احتمال حاملگی کمتر است وعده آنان نیز کمتر در نظر گرفته شده است. امّا زنان جوانی که شوهرشان فوت می‌کند غالبا زندگی طبیعی خود را تا آخرین روزهای قبل از فوت شوهر داشته‌اند و لذا احتمال نزدیکی و حاملگی زیادتر است و از طرف دیگر با فوت شوهر این زنان بی‌سرپرست شده غالبا توانایی اداره یک کودک را ندارند و لذا احتیاط بیشتری لازم است و از این رو عده آنان زیادتر در نظر گرفته شده است. البته اینها همه احتمالات در فلسفه و حکمت حکم است و اصل این احکام تعبدی است و شاید علل دیگری داشته باشد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۶ نیستند. زیرا بسیاری از بیماریها نیز ممکن است همین عوارض را داشته باشند. این دو علامت (حرکت و شنیده شدن صدای قلب جنین) از ماه چهارم بارداری به بعد امکان‌پذیر است. و این همان چیزی است که قرآن چهارده قرن پیش آن را بیان فرموده است أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً. اعجاز این آیه بقدری روشن است که نیاز به توضیح ندارد. خداوند در این آیه تأکید دارد که زنان بعد از فوت شوهر باید تا چهار ماه ازدواج مجدد نکنند و این همان، مدتی است که برای اطمینان از بارداری یا عدم آن لازم است. حکمت و اهمیت این مسأله را پزشکان قانونی بهتر از دیگر افراد درک می‌کنند. زیرا باید مشخص باشد که جنین از شوهر فوت شده است یا خیر، تا اقوام شوهر در گذشته نتوانند بخاطر تصاحب اموال او منکر فرزند شوند و مادر را به زنا و فساد متهم نموده یا ادعا کنند که فرزند از شوهر دوّم است و مشکلات بسیاری که ممکن است در این رابطه پیدا شود.» «۱» ۲. عبد الرزاق نوفل در مورد آیه دوّم (عده زنانی که طلاق گرفته‌اند) می‌نویسد: «سه قرء عبارت است از سه حیض یا به اندازه سه ماه و ثابت شده که علامت‌های حاملگی چه ظاهری یا داخلی بعد از این مدت بروز پیدا می‌کند. امّا علامت ظاهری حاملگی همان بزرگ شدن قسمت پایین شکم است. و امّا علامت داخلی عدم عادت ماهیانه (خونریزی حیض) در سه ماه متوالی و اضطرابات معده (ویار) است. که این علامت‌ها دلیل حاملگی زن است.» و سپس به سخنان مؤلف کتاب «قصهٔ جنین» «۲» استشهاد می‌کند که آن را برنده جایزه بهترین کتاب معرفی کند. و از قول ایشان نقل می‌کند که جنین در طی دو ماه، به اندازه نصف کل طول زمان ولادت رشد می‌کند و در ماه سوم همه دستگاه‌های بدنش ظاهر می‌شود. و در این موقع است که شکی در حاملگی باقی نمی‌ماند چون مادر حرکت فرزند را در درون خود حسّ می‌کند. و این مطلب اعجاز علمی قرآن را نشان می‌دهد. «۳» ۳. برخی از مفسران معاصر، در مورد آیه دوم (عده زنانی که طلاق داده شده‌اند) دو حکمت را یادآوری می‌کنند. اوّل: «از آنجا که غالبا بهم خوردن خانواده‌ها ضربه‌های جبران ناپذیری بر پیکر اجتماع وارد (_____ ۱) طب در قرآن، ص ۹۱. (۲) مارجریت شیاجلبرت فی کتابها قصهٔ جنین الحائز علی جائزهٔ افضل الکتب العلمیهٔ. (القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۳۵) (۳) مارجریت شیاجلبرت فی کتابها قصهٔ جنین الحائز علی جائزهٔ افضل الکتب العلمیهٔ. (القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۳۵) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۷ می‌کند، اسلام مقرراتی وضع کرده که تا آخرین مرحله امکان از گسستن خانواده جلوگیری بعمل آید ... یکی از این مقررات که خود عامل تأخیر طلاق و متزلزل نمودن آن می‌گردد و در این آیه مورد بحث واقع شده، نگاهداشتن «عدّه» است که مدت آن سه «قرء» تعیین شده است.» و سپس با اشاره به علل اختلافات خانوادگی که در حالت عصبانیت منتهی به طلاق می‌شود، می‌نویسند: «بسیار می‌شود که اندک مدتی که از این کشمکش گذشت، زن و مرد به خود آمده پشیمان می‌شوند.

خصوصا از این جهت که می‌بینند با متلاشی شدن کانون خانواده در مسیر ناراحتیهای گوناگونی قرار خواهند گرفت ... مخصوصا با دستوری که اسلام در باره خارج نشدن زن از خانه در طول مدت عدّه داده است، حس تفکر در او برانگیخته می‌شود و در بهبود روابط او با شوهر کاملا مؤثر است.» «۱» دوم: «یکی دیگر از فلسفه‌های «عدّه» روشن شدن وضع زن از نظر بارداری است. درست است که یک بار دیدن عادت ماهیانه معمولا دلیل بر عدم بارداری زن است. ولی گاه دیده شده که زن در عین بارداری، عادت ماهیانه را در آغاز حمل می‌بینند، از این رو برای رعایت کامل این موضوع دستور داده شده که زن، سه بار عادت ماهیانه ببیند و پاک شود، تا بطور قطع عدم بارداری از شوهر سابق روشن گردد و بتواند ازدواج مجدد کند.» «۲» ۴. همان مفسر در مورد حکمت‌های آیه اوّل (عده زنانی که شوهر آنها از دنیا رفته است) نیز بر دو نکته تأکید می‌کند: نخست: اینکه رعایت حریم زندگانی زناشوئی حتی بعد از مرگ همسر موضوعی فطری است که همه اقوام به آن توجه کرده (و گاهی افراط کرده‌اند) و اسلام آن را بطور شایسته‌ای امضاء کرده است و بر خرافات و افراطها خط بطلان کشیده است. (سخن ایشان قبلا به صورت کامل نقل شد) و دوّم: مسأله بارداری احتمالی زن و یقین به خالی بودن رحم از نطفه همسر پیشین. «۳»

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۶ و ۱۰۷. (۲) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۸. (۳) ر. ک: همان، ص ۱۳۶ و ۱۳۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۸

بررسی:

بررسی: در اینجا توجه به چند مطلب لازم است: ۱. لزوم نگاهداشتن عده برای زنانی که شوهرانشان از دست رفته امری مفید بوده است و همانطور که گذشت باعث حفظ احترام شوهر فوت شده می‌گردد. همانگونه که عده برای زنانی که طلاق گرفته‌اند نیز مفید است و در بسیاری از موارد (بویژه در طلاق رجعی) موجب اتصال دوباره مرد و زن و ادامه زندگی خانوادگی می‌شود و این فلسفه و حکمت‌ها در این موارد قابل انکار نیست. ۲. رعایت عدّه توسط بانوان (طلاق گرفته و زنانی که شوهر آنان فوت کرده) موجب می‌شود تا اطمینان به حاملگی یا به عدم آن پیدا کنند و از مشکلات و تهمت‌های بعدی پرهیز شود. و این مطلب نیز یکی از حکمت‌ها و اسرار این حکم است، امّا نمی‌توان ادعا کرد که این مطلب علت تامه حکم عدّه است چرا که احتمال دارد اسرار، مصالح و حکمت‌های دیگری نیز در تشریع این حکم دخالت داشته است و لذا برخی از مفسران معاصر می‌نویسند: «جالب توجه این که در احکام اسلامی در مورد عدّه، به این معنا تصریح شده که اگر هیچ گونه احتمالی در مورد بارداری زن در میان نباشد باز باید زنانی که همسرشان فوت شده‌اند، عده نگاهدارند؛ و نیز به همین دلیل، آغاز عدّه، مرگ شوهر نیست بلکه موقعی است که خبر مرگ شوهر به زن برسد هر چند بعد از ماهها باشد و این خود می‌رساند که تشریع این حکم قبل از هر چیز بخاطر حفظ احترام و حریم زوجیت است اگر چه مسأله بارداری احتمالی زن در این قانون مسلما مورد توجه بوده است.» «۱» ۳. در مطالب عبد الرزاق نوفل و دکتر دیاب و دکتر قرقوز چند نکته قابل ملاحظه است: اوّل: اینکه عبد الرزاق نوفل ادعا کرد که مقصود از «ثلاثة قروء» همان سه حیض (عادت ماهیانه) است در حالی که ما از لغت و با توجه به روایات و کلمات مفسرین اثبات کردیم که مقصود از «قروء» سه پاکی است. دوّم: اینکه اینان ادعا کردند که حرکت فرزند در شکم مادر از ماه چهارم حاملگی بروز پیدا می‌کند. در حالی که برخی کتاب‌های جدید و معتبر پزشکی بروز آن را از ماه پنجم می‌دانند. «۲»

(_____ ۱) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۳۷. (۲) ر. ک: پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور (تجدید نظر ششم ۱۹۹۰ م) ص ۹۸، انتشارات شرکت سهامی چهر (۱۳۷۰ ش) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۴۹ و این مطلبی است که حدودا مطابق با عده زنان شوهر از دست داده است. (چهار ماه و ده روز) امّا عده زنانی که در طلاق شوهران هستند، همانطور که بیان شد، در بیشتر

موارد حدود چهار ماه می‌شود. و لذا حدودا با این مطلب علمی مطابقت دارد. (هر چند که در برخی موارد مطابقت ندارد) «۱» ۴. مسأله رعایت عدّه برای زنان و مطابقت فی الجمله زمان آن با یافته‌های پزشکی هر چند که از شگفتی‌های قرآن کریم است و دقت علمی این کتاب الهی را می‌رساند، امّا نمی‌تواند اعجاز علمی قرآن به شمار آید چرا که: اولا: حرکت جنین در شکم مادر از پنج ماهگی قابل حسّ بوده و این امری نیست که جدیدا کشف شده باشد و خبری باشد که از راه عادی برای مردمان قابل دسترسی نبوده باشد تا اخبار قرآن از آن، نوعی اعجاز محسوب گردد. ثانیا: احتمال دارد که تعیین زمان عده (ثلاثهٔ قروء و چهار ماه و ده روز) بر اساس مصالح و علل و حکمت‌های متعددی بوده که برخی از آنها تاکنون کشف نشده باشد. همانطور که گذشت مسایلی همچون جلوگیری از فروپاشی خانواده و احترام به شوهر فوت شده، در شمار فلسفه‌ها و حکمت‌های تعیین عدّه شمرده شده است. پس یکی از حکمت‌ها یا فواید تعیین عده زنان، اطلاع قطعی از وضعیت حاملگی زنان است. و ثالثا: این مطلب (تطابق زمان عده با علم به وجود جنین در شکم مادر) در همه موارد صادق نیست چرا که اگر تنها علت و معیار تعیین زمان عدّه وفات همان علم حسّی مادر به وجود جنین بود می‌باید زمان محاسبه عدّه از زمان آخرین نزدیکی و یا حدّاقل فوت شوهر باشد در حالی که معیار شرعی تعیین زمان عدّه همان موقع رسیدن خبر فوت است. و علاوه بر آن برخی موارد از عدّه طلاق (مثل عدّه زنانی که سه ماه است) با برخی از محاسبات پزشکی (احساس حرکت کودک در ماه پنجم) سازگار نمی‌افتد.

۳. مدّت ثابت زمان بارداری:

اشاره

۳. مدّت ثابت زمان بارداری: قرآن کریم در مورد مدّت زمان حاملگی زنان در چند مورد سخن گفته است: وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی «۲» «و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحمها قرار می‌دهیم.» (_____۱) بیان کردیم که در برخی موارد عده این زنان سه ماه است. (۲) حج/ ۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۰ أَ لَمْ نَخْلُقْکُمْ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ فَجَعَلْناهُ فِی قَرارٍ مَکِینٍ إِلی قَدَرٍ مَعْلُومٍ فَقَدَرْنا فَنِعْمَ الْقادِرُونَ وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ «۱» «مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟ پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم تا مدتی معین. و توانا آمدیم و چه نیک تواناییم. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان» «۲» برخی از مترجمین این قسمت أخیر آیه را اینگونه ترجمه می‌کنند: «و ما تقدیر مدت رحم (و تعیین سرنوشت او تا ابد) کردیم که نیکو مقدّر حکیمی هستیم.» «۳»

نکات تفسیری:

نکات تفسیری: ریشه اختلافات مترجمان و مفسران در مورد آیه فوق آن است که ماده «قدر» که «قدرنا و القادرون» از آن گرفته شده در لغت به دو معنای «قدرت» و «تقدیر و اندازه» آمده است. «۴» علامه طباطبائی (ره): تفسیر دوّم آیه را می‌پذیرد. (ما تقدیر جمیع مقدرات و صفات و احوال کودک در رحم را کردیم و ما خوب تقدیر کننده‌ای هستیم) و معنای اوّل (قدرت) را به صورت یک احتمال ذکر می‌کند. «۵» صاحب تفسیر نمونه: در مورد آیه فوق با اشاره به معنای اوّل (سپس ما آن را در قرارگاه مناسب و محفوظ و آماده قرار دادیم تا مدتی معین ما قدرت بر این کار داشتیم پس ما قدرتمند خوبی هستیم ...) معنای دوّم را با این عبارات نفی می‌کند: «بعضی از مفسران این آیه را چنین تفسیر کرده‌اند که: ما نطفه را با اندازه‌گیریهای لازم و مقدرات مختلف و ویژگیهائی در جسم و جان تقدیر نمودیم و خوب تقدیر کننده‌ای هستیم. ولی این تفسیر با توجه به اینکه متن قرآن و قرائت معروف

بدون تشدید است بعید به نظر می‌رسد هر چند بعضی گفته‌اند که ماده ثلاثی مجرد نیز به معنی اندازه‌گیری آمده است ولی در استعمال معمول «قادر» به این معنا استعمال نمی‌شود.» «۶»

(_____ ۱) مرسلات/ ۲۰ - ۲۴. (۲) ترجمه استاد فولادوند. (۳) ترجمه الهی قمشه‌ای. (۴) ر. ک: مفردات راغب، ماده قدر. (۵) ر. ک: المیزان، ج ۲۰، ص ۱۶۷. (۶) تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۰۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۱

اسرار علمی:

اسرار علمی: ۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز با اشاره به آیه ۲۰- ۲۳ مرسلات می‌نویسند: «رحم قرارگاه و جایگاه استواری برای محصول بارداری (جنین) است. ولی برای یک مدت زمان تعیین شده و تقریبا ثابت که به دوران بارداری معروف است. و تقریبا ۲۷۰- ۲۸۰ روز یا ۴۰ هفته است یعنی معادل ده ماه قمری یا نه ماه شمسی که پس از آن جنین قادر خواهد بود در دنیای جدیدی به زندگی خود ادامه دهد. قرآن این مدت زمان را به نام «قدر معلوم» «۱» یاد می‌کند. و در سوره حج از این فاصله زمانی به نام «اجل مسمّی» «۲» یعنی مدت از قبل تعیین شده یاد شده است. اعجاز این آیات در این نیست که به مدت بارداری اشاره نموده، بلکه در این است که گفته است این مدت بهترین و مناسب ترین مدت ممکن است فَقَدَرْنا فَنِعْمَ الْقادِرُونَ. «۳» و اگر این مدت کم یا زیاد شود، زیان آن متوجه جنین یا مادر او خواهد بود. اگر مدت بارداری بیش از ۴۲ هفته به طول انجامد (با احتساب ابتدای آخرین سیکل ماهیانه) بارداری طولانی نامیده می‌شود. و اگر کمتر از ۳۸ هفته باشد آن را زایمان زودرس می‌نامند. مدت بارداری طبیعی بین ۳۸ الی ۴۲ هفته می‌باشد.» «۴» سپس ایشان به صورت مفصل خطرات بارداری طولانی را برمی‌شمارد. (مثل سختی زایمان- کاهش اکسیژن جنین و خطر مرگ برای او- زیان‌هایی که متوجه مادر می‌شود.) و آنگاه زیان‌های زایمان زودرس را برمی‌شمارد. (مثل ضعف و ناتوانی سیستم دفاعی بدن نوزاد که در ۵۰٪ موارد منتهی به مرگ نوزاد می‌شود و آمادگی نوزادان زودرس برای ابتلاء به برخی بیماری‌ها مثل یرقان.) «۵» ۲. شهید دکتر پاک‌نژاد نیز به همین مطلب علمی در مورد آیات سوره مرسلات تصریح کرده است. «۶ » ۳. پروفسور توماس وی سادلر در رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، می‌نویسد: عموما

(_____ ۱) مرسلات ۲۰ - ۲۳. (۲) حج/ ۵. (۳) مرسلات/ ۲۳. (۴) طب در قرآن، ص ۹۹. (۵) همان، ص ۱۰۰- ۱۰۳. (۶) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۱، ص ۱۰۹. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۲ طول زمان بارداری ۲۸۰ روز یا ۴۰ هفته پس از آخرین قاعدگی می‌باشد، یا به عبارت دقیق‌تر ۲۶۶ روز یا ۳۸ هفته پس از باروری. «۱» و در جای دیگر می‌نویسد: «متخصصین زایمان تاریخ تولد را ۲۸۰ روز یا ۴۰ هفته پس از اولین روز خونریزی آخرین قاعدگی محاسبه خواهند نمود. در زنانی که دارای دوره قاعدگی منظم ۲۸ روزه می‌باشند روش محاسبه تقریبا دقیق است لکن زمانیکه چرخه‌های قاعدگی نامنظم باشد در محاسبه ممکن است به میزان زیاد اشتباه بوجود آید.» «۲»

بررسی:

بررسی: در اینجا تذکر چند نکته لازم است: ۱. اینکه قرآن کریم مقدار زمان بارداری را اندازه‌ای مشخص می‌داند و در پزشکی نوین هم مدت زمان بارداری را تقریبا ثابت می‌دانند، نشان می‌دهد که کشفیات جدید علمی بار دیگر اشارات علمی قرآن را تبیین کرد و در فهم بهتر آیات قرآن ما را کمک کرد. و این مطالب عظمت آیات قرآن را نشان می‌دهد. ۲. از آنجا که مدت زمان بارداری یک امر تجربی بوده که از زمان‌های دور مورد توجه همه افراد و بویژه پزشکان بوده است و کم و بیش مشخص بوده که مدت بارداری تقریبا ۹ ماه است، لذا قرآن کریم مطلبی را تذکر می‌دهد که تقریبا همه می‌دانند تا نعمت‌های خداوند را یادآور

شود. به همین دلیل است که در آیات سوره مرسلات/ ۲۰ با سؤال تقریری شروع می‌کند: أَ لَمْ نَخْلُقْكُمْ «آیا شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟ پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم تا مدتی معین.» اگر جواب این پرسش‌ها روشن نبود استفهام تقریری معنا نداشت. شاهد دیگر بر اینکه این آیات بیان نعمت خداست این است که در پایان می‌فرماید: وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ «در آن روز وای بر تکذیب کنندگان». در سوره حج آیه ۵ نیز در آغاز آیه مورد بحث و در آیه بعدی سخن از قیامت است: يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ ... ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِ الْمَوْتى ... یعنی مراحل خلقت انسان به عنوان شاهدی برای دفع شک در مورد رستاخیز آورده شده (_____ ۱) پروفسور توماس. وی. سادلر، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه دکتر بهادری و دکتر شکور، (۱۹۹۰ م)، ص ۹۶، انتشارات چهر. (۲) همان، ص ۱۰۲ و ۱۰۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۳ است. و شاهد رستاخیز باید مطلب واضحی باشد، بطوری که همه مردم آن را درک کنند تا بتوان به آن استشهاد کرد. از این رو مفسران قرآن نیز از آیات فوق تحت عنوان «دلائل معاد در علم جنین و گیاهان» «۱» یاد کرده‌اند. یعنی همین برداشت ما را داشته‌اند. پس تذکر اینکه مدت بارداری معین است و مطابقت آن با یافته‌های دانش تجربی نمی‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند چرا که این، خبر از امور غیبی نیست، بلکه خبر از اموری است که تقریبا همه مردم می‌دانند و یادآوری آن برای این است که نعمت‌های الهی را متذکر شوند. ۳. در مورد مطلب اوّل دکتر دیاب و قرقوز (تعیین ۴۰ هفته به عنوان قدر معلوم و اجل مسمّی) باید گفت که: همانطور که از پزشکی لانگمن شاهد آوردیم نمی‌توان در مورد زمان بارداری زمان دقیقی را مشخص کرد بلکه متخصصان پزشکی در مورد زنانی که قاعدگی منظم دارند از کلمه «تقریبا دقیق» برای مدت ۲۶۶ روز استفاده می‌کنند و در مورد زنانی که قاعدگی نامنظم دارند محاسبه را همراه با اشتباهات بزرگ می‌دانند. شاید در این مورد متغیرهای دیگری وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده و بعدها بتوانند با کشف آنها تاریخ دقیق تولد را مشخص سازند. پس نمی‌توان اینگونه امور ثابت نشده را به طور قطعی به قرآن نسبت دهیم و بگوییم که مقصود قرآن از «قدر معلوم» و «اجل مسمّی» همان ۴۰ هفته است. ۴. در مورد مطلب دوّم دکتر دیاب و قرقوز (که از این قسمت آیه فَقَدَرْنا فَنِعْمَ الْقادِرُونَ «۲» استفاده کرده بودند که بهترین و مناسب‌ترین مدت بارداری همان ۴۰ هفته است) تذکر سه نکته لازم است: نخست آنکه این استفاده مبتنی بر مطلب اوّل ایشان است (که قدر معلوم را ۴۰ هفته پنداریم) و آن مطلب در شماره قبل ردّ شد. دوّم آنکه دو احتمال در معنای ماده «قدر» در آیه فوق وجود دارد یعنی «قدرت» و «تعیین اندازه» «۳» و لذا این قسمت آیه به دو صورت ترجمه شده بود: «و توانا آمدیم و چه نیک توانایی» «ما تقدیر مدت رحم کردیم که نیکو مقدّر حکیمی هستیم» (_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۷. (۲) مرسلات/ ۲۳. (۳) هر دو احتمال (قدرت- تقدیر) در مفردات راغب آمده است (ماده قدر) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۴ و برداشت این دو پزشک از آیه فوق فقط بر اساس احتمال دوّم صحیح است. ولی با توجه به روشن بودن حدود زمان بارداری برای مردم (که زمان دقیق آن برای پزشکان جدید هم معلوم نیست) و اینکه اگر زایمان دیر یا زود اتفاق افتد موجب ضررهایی برای کودک و مادر می‌شود. (هر چند که مردم همه ضررها را به تفصیل نمی‌دانستند) و با توجه به سیاق آیات (مرسلات/ ۲۰- ۲۴) که در مقام شمارش نعمت‌های خداست، پس باز هم می‌توان گفت این مطلب اعجاز علمی قرآن را ثابت نمی‌کند. همانطور که صدر آیه قَدَرٍ مَعْلُومٍ دلالت بر اعجاز علمی قرآن نداشت؛ چرا که آیه خبر از مطالبی می‌دهد که مردم می‌دانند (و لو اجمالا) و محتوای خبر آیه از اخبار غیبی نیست که کسی نداند و نتواند مثل آن را بیاورد.

مرحله سیزدهم: بلوغ

اشاره

مرحله سیزدهم: بلوغ قرآن کریم بلوغ را یکی از مراحل خلقت و زندگی بشر می‌شمارد و از آن به عنوان مرحله‌ای متمایز در عرصه زندگی او یاد می کند و می‌فرماید: ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ «۱» «و بعد شما را [به صورت کودکی برمی‌آورد، تا به کمال قوت خود برسید.» ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ «۲» «آنگاه شما را [به صورت کودک برون می‌آوریم سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم تا به حد رشدتان برسید.» و در جای دیگر احکام خاصی بر بلوغ اطفال مترتب می کند مثل اجازه دخول گرفتن در موارد خاص (نور/ ۵۹) و دادن اموال یتیم به او بعد از بلوغ و رشد است. (نساء/ ۶- انعام/ ۱۵۲- اسراء/ ۳۴- کهف/ ۸۲)، همچنین دادن نبوت و مقدمات آن به برخی انبیاء که بعد از بلوغ اشد بوده است. (یوسف/ ۲۲- قصص/ ۱۴)

مقصود از «بلوغ اشدّ» چیست؟

مقصود از «بلوغ اشدّ» چیست؟ «شدّ» به معنی قوت چیزی در مقابل سستی آن است. «اشدّ» جمع «شد» است و جمع می‌آید تا اشاره به این باشد که لازمه قوت آن است که تمام قوای ظاهری و باطنی از جمیع جهات قوی شود. (_____ ۱) غافر/ ۶۷. (۲) حج/ ۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۵ «بلوغ اشدّ» در افراد با استعدادهای مختلف، متفاوت است و بر طبق موضوع و حکم تغییر می کند. (مثل بلوغ جنسی- بلوغ مالی- بلوغ علمی و عقلی و ...) از این رو برخی، مشخص کردن زمان معینی برای آن را صحیح ندانسته‌اند. و گفته‌اند از بیست سال تا چهل سال بر اساس اشخاص و موضوعات مختلف متفاوت است. «۱» استاد مکارم شیرازی «بلوغ اشد» را به معنی رسیدن به حد رشد و بلوغ و کمال جسم و عقل دانسته‌اند. «۲» و در جای دیگر متذکر می‌شوند که: «اشد» از ماده «شد» به معنی گره محکم است و اشاره به استحکام جسمانی و روحانی می‌باشد. برخی گفته‌اند جمعی است که مفرد ندارد و برخی آن را جمع «شد» (بر وزن سد) می‌دانند. «۳» علامه طباطبائی (ره) می‌نویسد: بلوغ اشد این است که قوای انسان قوی شود و این غالبا در ۱۸ سالگی است. «۴» امّا از نظر شریعت بلوغ حدّی از سن است که پس از آن انسان مکلف به تکالیف الهی است و قبل از آن حق تصرف در اموال خود را ندارد. بلوغ به سه نشانه شناخته می‌شود: اوّل رویش موی خشن بر عانه و دوّم خروج منی و سوّم به کامل شدن پانزده سال قمری. «۵»

جمع‌بندی:

جمع‌بندی: به نظر می‌رسد که ذکر مرحله «بلوغ اشد» رسیدن به قوت، در تمام قوای جسمی و روحی است که در آیات ۵ سوره حج و ۶۷ سوره غافر، مقصود رسیدن به اوج زندگی است. یعنی انسان پس از تولد سه مرحله را پشت سر می گذارد: الف: مرحله طفولیت که در حال ضعف است و به طرف رشد و قوت می‌رود. ب: مرحله «بلوغ اشد» که مرحله قوت در همه قوای جسمی و نفسانی است. ج: مرحله پیری و کهنسالی که رو به ضعف می‌رود. در این قسمت آیات فوق مرحله دوّم را متذکر می‌شود و در این آیه نیز به این مطلب اشارت رفته است: (_____ ۱) ر. ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۷- ۲۸. (۲) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۸. (۳) ر. ک: همان، ج ۹، ص ۳۶۰. (۴) ر. ک: المیزان، ج ۱۱، زیر آیه ۳۲ یوسف. (۵) تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۶ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفاً وَ شَیْبَةً «۱» «خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید. آنگاه پس از ناتوانی قوّت بخشید، سپس بعد از قوّت، ناتوانی و پیری داد.»

مرحله چهاردهم: کهن سالی (پیری)

اشاره

مرحله چهاردهم: کهن سالی (پیری) قرآن کریم در چند مورد سخن از پیری انسان می گوید و آن را مرحله‌ای از زندگی بشر معرفی می کند و می‌فرماید: ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخاً «۲» «تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید.» ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئاً «۳» «تا به حد رشدتان برسید و برخی از شما [زودرس می‌میرد، و برخی از شما به غایت پیری می‌رسد. به گونه‌ای که پس از دانستن [بسی چیزها] چیزی نمی‌داند.» اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفاً وَ شَيْبَةً «۴» «خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آنگاه پس از ناتوانی قوّت بخشید، سپس بعد از قوّت، ناتوانی و پیری داد.» وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلا يَعْقِلُونَ «۵» «و هر که را عمر دراز دهیم، او را در خلقت دچار افت می کنیم (در خلقتش بکاستیم)، آیا نمی‌اندیشید؟» فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْماً يَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِيباً «۶» «پس اگر کفر بورزید، چگونه از روزی که کودکان را پیر می گرداند، پرهیز توانید کرد؟»

(_____ ۱) روم/ ۵۴. (۲) غافر/ ۶۷. (۳) حج/ ۵. (۴) روم/ ۵۴. (۵) یس/ ۶۸. (۶) مزمل/ ۱۷. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۷

اسرار علمی:

اسرار علمی: ۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز با ذکر آیه ۵ سوره حج در مورد پیری مطالب مفصلی دارند که خلاصه آن‌ها را ذکر می کنیم: «پست‌ترین مرحله یا پیری، آخرین مرحله از مراحل زندگی انسانی است. کسانی که سن پنجاه سالگی یا بالاتر از آن را پشت سر گذاشته‌اند، احساس می کنند که همه چیز در وجود آنها در حال تغییر و افول است ... دانشمندان پی برده‌اند که میزان این دگرگونی در سال بین ۰/ ۵ الی ۱/ ۳ درصد می‌باشد. به عنوان مثال قلب در هر دقیقه ۷۰- ۸۰ بار منقبض و منبسط می‌شود یعنی بیش از ۱۰۰/ ۰۰۰ بار در روز و بیش از ۳۶ میلیون بار در سال. این فعالیت مستمر قلب از توان و قدرت آن می کاهد و در نتیجه تزریق خون به بافت‌ها و از جمله کلیه‌ها کاهش می‌یابد. کلیه‌ها برای افزایش فشار خون توسط قلب شروع به ترشح ماده‌ای بنام رنین (nineR) می کند و بدین ترتیب بالا رفتن سن منجر به بالاتر رفتن فشار خون می‌شود.» سپس چکیده مطالعات دانشمندان در مورد سرّ پیری را اینگونه گزارش می کند: «سلول‌ها قادر به دفع تمام مواد زائدی که در نتیجه فعل و انفعالات شیمیائی در داخل آن صورت پذیرفته نمی‌باشند و این مواد زائد به مرور زمان و طی گذشت سال‌ها جمع شده و خود سلول‌های زنده را از بین می‌برند. بدین ترتیب بدن به مرور زمان وارد مرحله ضعف و پیری می‌شود.» سپس با ذکر آیه ۵۴ سوره روم به مقایسه دوره کودکی و پیری و شباهت‌های آنها می‌پردازد و می‌نویسد: «زاویه فک پایین نزد کودکان به صورت منفرجه است. این زاویه در جوانی به شکل قائم و یا حاده درمی‌آید و در پیری مجددا درست مانند ایام کودکی به شکل منفرجه در می‌آید.» سپس با ذکر آیه ۶ سوره یس می‌نویسد: «سلول‌های بدن که همیشه در حال تجدید و نوسازی از طریق تخریب و ساخت است در نیمه اوّل زندگی عملیات ساخت و ترمیم بر اعمال تخریب غلبه دارد ولی در نیمه دوّم عمر، عملیات انهدام (noitarenegeD) بر عمل بازسازی (noitanenegeR) غلبه دارد. این، علت بهبودی سریع شکستگی‌های استخوان و زخمها نزد کودکان و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۸ کندی آن در نزد افراد مسن را برای ما روشن می‌سازد. و بدین ترتیب زیبائی این آیه قرآن برای ما روشن‌تر می گردد که می‌فرماید: وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلا يَعْقِلُونَ «۱» این آیه شریفه یک حقیقت علمی و یک سنّت لا یتغیر زندگی

را نیز که کلیه موجودات زنـده بطور مطلق از آن پیروی می‌کننـد برای مـا روشن می‌سـازد.» «۲» ۲. در مورد آیه یَوْماً یَجْعَلُ الْوِلْـدانَ شِیباً «۳» دکتر دیـاب و قرقوز می‌نویسـند: «دگرگونی‌هـای شدیـد روحی باعث می‌شود تغییرات عضوی در بـدن بوجود آیـد ... پس ممکن است ترس شدید و ناگهانی باعث سـفید شدن رنگ موی سـر و صورت شود و بیماری‌های بهک (سفید شدن رنگ پوست) و از دست دادن کنترل ادرار که در نتیجه ترشـحات ادرنالین و استروئیـدها عارض می‌شود، را به همراه داشـته باشد.» «۴» ۳. مفسرین در مورد آیه یَوْمـاً یَجْعَلُ الْوِلْـدانَ شِـیباً «۵» سه احتمـال داده‌انـد: «الف: کودکـان بخـاطر طولانـی بودن روز قیامت پیر می‌شونـد. این احتمـال را بعیـد می‌داننـد چرا که آیه ناظر به حوادث هولناک است نه طول مـدت روز قیامت. ب: کودکان در قیامت آثار پیری در آنهـا ظـاهر می‌شود؛ امّا این امر در اثر حوادث سـخت و هولناک قیامت است. در همین دنیا نیز افرادی را می‌بینیم که بر اثر سـنگینی حادثه ناگهان طی چند روز و حتی طی چند ساعت موهای سیاهشان سـفید می‌شود. ج: برخی گفته‌اند آیه معنای کنائی دارد؛ یعنی کنایه از عظمت یک حادثه بزرگ است مثل وقتی که می‌گویند: «این حادثه مرا پیر کرد.» «۶»

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: قرآن کریم در چند مورد سخن از دوران کهن سالی انسان گفته است و آن را مرحله‌ای از زندگی بشر می‌داند و نیز آن را مرحله ضـعف و کـاستی خلقت معرفی می‌کنـد. از نظر علمی نیز این آثار در انسان وجود دارد و اسـرار خاص خویش را دارد که بیـان شـد. در اینجا (_____ ۱) یس/ ۶۸. (۲) طـب در قرآن، ص ۱۱۹- ۱۲۱ بـا تلخیص. (۳) مزمل/ ۱۷. (۴) طب در قرآن، ص ۶۸. (۵) مزمل/ ۱۷. (۶) ر. ک: علامه طباطبـائی (ره)، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۴۷ و اسـتاد مکارم شـیرازی، پیام قرآن، ج ۵، ص ۱۰۹. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۵۹ تذکر چند نکته لازم است: ۱. این اشاره علمی قرآن کریم به دوره پیری و اسرار علمی آن بسیار زیبا و جالب است. امّا از طرفی قرآن این مطلب را به صورت کلی بیـان کرده است و وارد جزئیـات نشـده و از طرف دیگر، کـاستی قـدرت انسـان و ضـعف آن در پیری برای بشـریت امری مشـهود و محسوس بوده است و لذا نمی‌توان گفت که این مطالب قرآن دلیل اعجاز علمی آن است. ۲. در مورد آیه یَوْماً یَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِیباً «۱» ملاحظه شد که سه احتمال در تفسـیر آیه وجود دارد، که فقط بنابر احتمال دوّم (ب) می‌توانیم مطلب آیه را بـا تغییرات عضوی ناشـی از دگرگونی‌های شدیـد روحی تطبیق کنیم. پس نمی‌توانیم این مطلب را به صورت قطعی به قرآن نسـبت دهیم و بگـوئیم اعجـاز علمی قرآن را ثـابت می‌کنـد. و از طرف دیگر اگر بخـواهیم آیه را در مصـداق و مورد خاصـی (بیمـاری بهک) متعین بـدانیم خالی از اشـکال نیست بلکه تطبیق بـدون دلیل و قرینه است. تـذکر: البته بایـد توجه داشت که صـحنه قیـامت غیر از جهـان مـادی و دنیوی ماست و معیارها و مسائل خاص خود را دارد و لـذا نمی‌توان تمام خصوصـیات این جهانی را بر مطالب اخروی تطبیق کرد. بلکه در سرای آخرت بسیاری از اسم‌هایی که ما به کار می‌بریم (مثل یوم- میزان و ...) مفاهیم و مصادیق خاص خود را دارد.

مرحله پانزدهم: مرگ:

اشاره

مرحله پانزدهم: مرگ: قرآن کریم هنگامی که مراحل خلقت انسان (از منی- مضغه ...) را برمی‌شمارد سپس مرحله مرگ را واپسین مرحله زنـدگی انسان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیُوخاً وَ مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی مِنْ قَبْلُ وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَـمًّی وَ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ «۲» «و تا سالمند شوید و از میان شـما کسی است که مرگ پیش رس می‌یابد و تا [بالاخره به مدتی که مقرر است برسید، و امید که

در انـدیشه فرو رویـد.» ثُمَّ لِتَبْلُغُـوا أَشُـدَّكُمْ وَ مِنْكُـمْ مَـنْ يُتَـوَفَّى وَ مِنْكُـمْ مَـنْ يُرَدُّ إِلى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلا يَعْلَـمَ مِـنْ بَعْـدِ عِلْمٍ شَـيْئاً «۳»

(_____ ۱) مزمـل/ ۱۷. (۲) غـافر/ ۶۷. (۳)

حج/ ۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۰ «سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم تا به حد رشدتان برسید و برخی از شما [زودرس می‌میرید و برخی از شما به غایت پیری می‌رسید به گونه‌ای که پس از دانستن [بسی چیزها] چیزی نمی‌داند.» قرآن کریم مرگ را برای همه انسانها سرنوشتی حتمی می‌داند و می‌فرماید: كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ «۱» «هر جانداری چشنده [طعم مرگ است.» أَيْنَما تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ «۲» «هر کجا باشید شما را مرگ در می‌یابد، هر چند در برج‌های استوار باشید.» قرآن کریم در مورد موعد مرگ می‌فرماید: وَ ما تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ «۳» «و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد.» قرآن کریم در مورد زمان مرگ می‌فرماید: وَ لَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذا جاءَ أَجَلُها «۴» «و [لی هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی‌افکند.» تذکر: قرآن کریم در مورد مرگ و مطالب پس از آن (معاد) در آیات زیادی سخن گفته است. برخی از مفسران و صاحب‌نظران به تطبیق برخی آیات معاد با مطالب علمی پرداخته‌اند. ولی این مطلب یک بحث مستقل و دامنه‌داری است که باید در جای دیگر به آن بپردازیم. در اینجا فقط مسأله مرگ را از یک زاویه خاص (به عنوان آخرین مرحله زندگی انسان) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اسرار علمی:

اسرار علمی: ۱. دکتر دیاب و دکتر قرقوز با ذکر آیاتی از قرآن در مورد مسایل علمی مرگ می‌نویسند: «اگر بوسیله میکروسکوپ الکترونیکی درون یک سلول پیر را بکاویم، بر روی آن رسوباتی مشاهده خواهیم کرد که دانشمندان نام رسوبات پیری بر آن نهاده‌اند. این (_____ ۱) آل عمران/ ۱۸۵ و نیز انبیاء/ ۳۵ و عنکبوت/ ۵۷. (۲) نساء/ ۷۸. (۳) لقمان/ ۳۴. (۴) منافقون/ ۱۱ و همین مضمون در اعراف/ ۳۴. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۱ رسوبات عبارت است از مواد شیمیائی غریبی که در سلولهای مغز و عضلات جمع شده و رنگ ویژه‌ای به آن می‌بخشد. این مواد عبارتند از مواد پروتئینی و شبه پروتئینی و چربیهای اکسیده شده. این مواد گاهی به مرور زمان به صورت شبکه‌های تار عنکبوتی درآمده و سلول را به سوی سرنوشتی سوق می‌دهند که راه فراری برایش نماند و آن چیزی جز مرگ نیست.» سپس مرگ را از دیدگاه دیگری مورد بررسی قرار می‌دهند و می‌نویسند: «مرگ موجودات زنده ضرورتی است لازم برای توالی نسلها و گرنه اگر زندگی و حیات همین نسل موجود دست نخورده باقی بماند، پس از مدت کوتاهی جمعیت کره زمین به حدّی خواهد رسید که دیگر مجال ظهور و ادامه حیات برای نسل‌های بعد وجود نخواهد داشت. قرآن کریم نیز در موارد متعدد به ضرورت و حتمیت مرگ اشاره فرموده است.» كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ «۱» آن گاه در مورد زمان و مکان مرگ می‌نویسند: «زمان و مکان از قبل تعیین شده برای مرگ هر کس از امور غیبی است و احدی از آن آگاه نمی‌باشد. و این خود یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است. موارد بسیاری وجود دارد که پزشکان زمان فرا رسیدن مرگ بیماری را تعیین کرده و در این راه دچار اشتباه شده‌اند؛ و چه بسیار افرادی که مرگ آنها از نظر دیگران امری محقق پنداشته شده بود ولی از مرگ نجات یافته‌اند». و سپس آیات ۱۴۵/ آل عمران و ۲۷/ رحمن را شاهد آورده است. «۲» ۲. استاد مکارم شیرازی درباره واژه «موت» می‌نویسند: «موت درست نقطه مقابل حیات است لذا آن هم انواع مختلفی دارد که هر کدام نقطه مقابل نوعی حیات است. از جمله: الف: موت نباتی (گیاهی): همانگونه که قرآن درباره باران می‌گوید أَحْيَيْنا بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً «۳» «ما به وسیله آن سرزمین مرده را زنده کردیم.» ب: موت حیوانی در مقابل حیات حسّی (زندگی حیوانی) ج: موت عقلانی یعنی جهل در مقابل حیات عقلانی (زندگی انسانها)

(_____ ۱) آل عمران/ ۱۸۵- انبیاء/ ۳۵ و نیز

نساء/ ۷۸ و آل عمران/ ۱۶۸. (۲) طب در قرآن، ص ۱۲۱ و ۱۲۲. (۳) ق/ ۱۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۲ د: موت به معنی غم و اندوه: چنانکه قرآن می گوید: وَ یَأْتِیهِ الْمَوْتُ مِنْ کُلِّ مَکانٍ وَ ما هُوَ بِمَیِّتٍ «۱» «غم و اندوه از هر سو به او می‌رسد و او مرده نیست.» ه: موت به معنای خواب چنانکه گفته‌اند «خواب موت خفیف است». همانگونه که موت خواب سنگین است. «۲» و: تحلیل تدریجی: بعضی موت را به معنی تحلیل تدریجی یک موجود زنده نیز دانسته‌اند و «موته» حالتی شبیه جنون است. گوئی عقل و علم در آن حالت می‌میرد.» «۳»

جمع‌بندی و بررسی:

جمع‌بندی و بررسی: از مجموع آیات مربوط به مرگ بدست می‌آید که مرگ یک قانون عمومی الهی است که در مورد همه جانداران اجرا می‌شود. از مطالبی که ذکر شد روشن شد که مرگ یک قسم نیست بلکه اقسامی دارد. (که بررسی تفصیلی آنها از موضوع بحث ما خارج است) مثل: مرگ نباتی (گیاهی) حیوانی (حسّی) عقلانی (انسانی) و خواب. امروزه از نظر پزشکی نیز مرگ را به اقسامی تقسیم می کنند: مرگ مغزی- مرگ قلبی و ... امّا مرگ از منظر قرآن نابودی و فنا نیست بلکه دریافت کامل نفس، روح و شخصیت انسان (توفّی) «۴» است. که زندگی دیگری را در جهان دیگر ادامه می‌دهد. پس هر چند که مرگ، پایان به نظر می‌آید امّا آغازی دیگر است. در اینجا تذکر چند مطلب لازم است: ۱. مطلبی که دکتر دیاب و قرقوز در مورد پیدایش رسوبات پیری در سلول‌ها و مرگ نهائی آنها گفتند فقط با مرگ نباتی و حیوانی قابل تطبیق است در حالی که پدیده مرگ از نظر قرآن مراحل بالاتر (توفی نفس) را نیز شامل می‌شود.

(_____ ۱) ابراهیم/ ۱۷. (۲) قرآن می‌فرماید: اللَّهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حِینَ مَوْتِها وَ الَّتِی لَمْ تَمُتْ فِی مَنامِها فَیُمْسِکُ الَّتِی قَضی عَلَیْهَا الْمَوْتَ وَ یُرْسِلُ الْأُخْری إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (زمر/ ۴۲) «خدا روح مردم را در هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند و [نیز] روحی را که در [موقع خوابش نمرده است [قبض می کند]؛ پس آن [نفسی را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می‌دارد. و آن دیگر [نفسها] را تا هنگام معین [به سوی زندگی دنیا] باز پس می‌فرستد قطعا در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی [از قدرت خدا] است.» (۳) پیام قرآن، ج ۲، ص ۹۸ با تلخیص. (۴) زمر/ ۴۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۳ ۲. در قرآن کریم سخن از عدم اطلاع انسان از مکان مرگ خویش گفته شده است (لقمان/ ۳۴) که این مطلب موارد استثناء زیادی دارد (مثل اخبار ائمه اطهار: و برخی اولیاء الهی از مکان مرگ خویش) که مفسران گفته‌اند اطلاع انسان‌ها در این موارد از مکان مرگ خویش با اذن الهی بوده است یعنی خدا خواسته که بدانند و گر نه علم مستقل در این زمینه‌ها ندارند. «۱» امّا در مورد عدم امکان اطلاع انسان از زمان مرگ خویش، در قرآن آیه‌ای نیافتیم که به این مطلب تصریح کند. بلی در قرآن اشاره شده است که اجل (حتمی) افراد مشخص است و هنگامی که فرا رسد تأخیری در آن صورت نمی گیرد. ولی نفرموده است که انسان می‌تواند از زمان مرگ خویش (بویژه مرگ نباتی و حیوانی و مرگ مغزی و قلبی که در پزشکی بیشتر مطرح است) اطلاعی پیدا کند. چه مانعی دارد که پزشکی بتواند با ابزارهای علمی، زمان مرگ طبیعی (مرگ قلبی یا مغزی) کسی را پیش‌بینی کند و درست هم باشد. و عدم اطلاع فعلی پزشکان از این امر یا اشتباهات آنها در این زمینه دلیل عدم امکان این امر در آینده نیست. پیش‌بینی این امور مثل پیش‌بینی دقیق یک کشاورز از سرنوشت دانه‌ای است که کاشته است که چه موقع جوانه می‌زند، رشد می کند، میوه می‌دهد و .. البته همیشه احتمال خطا در علوم بشری وجود دارد همانگونه که احتمال پیش آمدهای غیر منتظره (مثلا- تغییرات در حوزه اجل معلّق در مورد مرگ) وجود دارد. که از دسترس پیش‌بینی بشر عادی خارج است. پس سخن آقای دکتر دیاب و دکتر قرقوز در مورد عدم اطلاع انسان از مکان مرگ صحیح است، امّا در مورد زمان مرگ صحیح بنظر نمی‌رسد. مگر آنکه گفته شود عدم اطلاع از مکان مرگ مستلزم عدم

اطلاع از زمان آن نیز هست. ۳. وجود مرگ و قطعی بودن آن برای همه انسانها و عدم اطلاع از مکان مردن و .. از اموری است که معمولا بشریت به صورت کلی و مجمل از آن اطلاع داشته و دارند. لذا حتمی بودن مرگ انسان‌ها و تطبیق آن با یافته‌های پزشکی در مورد سلولها نمی‌تواند دلیل اعجاز علمی قرآن باشد. (_____ ۱) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۹۹- ۱۰۰. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۴

جمع‌بندی و بررسی نهائی مراحل خلقت انسان:

جمع‌بندی و بررسی نهائی مراحل خلقت انسان: ما مراحل خلقت انسان تا مرگ را طی پانزده مرحله مورد بررسی قرار دادیم و با توجه به مطالب علمی و تفسیر آیات مورد بحث به این نتیجه رسیدیم که هر کدام از این مراحل و انطباق آنها با یافته‌های علوم تجربی اعجاب انسان را برمی‌انگیزد و عظمت قرآن را نشان می‌دهد. امّا هیچکدام از این مراحل به تنهایی نتوانست دلیلی مستقل بر اعجاز علمی قرآن باشد. حال پرسش آن است که آیا بیان این مراحل پانزده‌گانه به صورت منظم و مرتب می‌تواند دلیل اعجاز علمی قرآن کریم باشد؟ به نظر می‌رسد که نظم و ترتیبی که قرآن در بیان مراحل خلقت انسان تا مرگ بیان کرده است (بویژه در سوره‌های حج/ ۵، مؤمنون/ ۱۲- ۱۴، غافر/ ۶۷) در عصر نزول قرآن مطالبی بدیع و تازه بوده است و مردم آن زمان از آوردن مثل آن ناتوان بوده‌اند. و همانطور که دکتر «موریس بوکای» بیان کرد این مطالب از ذهنیت مردم آن زمان دور بوده است؛ بلکه تا قرن نوزدهم بشر دید روشنی از این مطالب و مراحل نداشت. «۱» پس می‌توان گفت که آیات مربوط به خلقت انسان و نظم و ترتیب بیان مراحل آن در مجموع دلیلی بر اعجاز علمی قرآن است و عظمت آیات این کتاب الهی و اتصال آن به منبع غیبی را به اثبات می‌رساند (_____. ۱) ر. ک: مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶- ۲۷۷ (متن سخن ایشان در اوّل این مبحث در تاریخچه آورده شد) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۵

فهرست آیات

فهرست آیات فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ (بقره/ ۲۱) ۷۰ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِراشاً (بقره/ ۲۲) ۱۷۴ وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ... (بقره/ ۲۲) ۶۴، ۸۳ وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ (بقره/ ۲۳) ۶۹، ۷۹ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا (بقره/ ۲۴) ۷۰ ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (بقره/ ۲۹) ۲۶، ۲۷، ۱۲۸ فَیَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما یُفَرِّقُونَ بِهِ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ (بقره/ ۱۰۲) ۶۴ یُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ (بقره/ ۱۰۲) ۶۳ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (بقره/ ۱۰۶) ۸۱ وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ (بقره/ ۱۱۵- ۱۴۲) ۱۹۲ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ (بقره/ ۱۵۶) ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۴۰۱ وَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها (بقره/ ۱۶۴) ۲۴۳ یا أَیُّهَا النَّاسُ کُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلالًا طَیِّباً (بقره/ ۱۶۸) ۳۰۱ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ (بقره/ ۱۷۲) ۳۰۱ إِنَّما حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِیرِ وَ ... (بقره/ ۱۷۳) ۳۱۹ لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ (بقره/ ۱۷۷) ۱۹۲ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ أَیَّاماً مَعْدُوداتٍ فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَرِیضاً أَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَیَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَی الَّذِینَ یُطِیقُونَهُ ... (بقره/ ۱۸۳- ۱۸۵) ۴۱۸، ۴۱۹ فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلاثَةِ أَیَّامٍ فِی الْحَجِّ (بقره/ ۱۹۶) ۱۰۷ کانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَ مُنْذِرِینَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتابَ بِالْحَقِّ .. (بقره/ ۲۱۳) ۲۶۷ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ قُلْ فِیهِما إِثْمٌ

كَبِيرٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُما أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما (بقره/ ۲۱۹) ۳۳۲، ۳۳۸ وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذىً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (بقره/ ۲۲۲) ۳۵۵، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۶ نِساؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ (بقره/ ۲۲۳) ۴۸۰ وَ الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ وَ لا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ ما خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحامِهِنَّ (بقره/ ۲۲۸) ۵۴۳، ۵۴۴ وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضاعَةَ (بقره/ ۲۳۳) ۵۴۰ وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً (بقره/ ۲۳۴) ۵۴۳، ۵۴۶ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ (بقره/ ۲۷۵) ۴۹۳ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحامِ كَيْفَ يَشاءُ (آل عمران/ ۶) ۵۰۱ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ (آل عمران/ ۳۳) ۲۶۹ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْراً بِإِذْنِ اللَّهِ (آل عمران/ ۴۹) ۲۴۸ إِنَّ مَثَلَ عِيسى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (آل عمران/ ۵۹) ۲۷۲، ۲۷۴، ۴۶۱ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (آل عمران/ ۵۹) ۲۷۴ وَ رَسُولًا إِلى بَنِي إِسْرائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ ... (آل عمران/ ۴۹) ۵۵ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُداوِلُها بَيْنَ النَّاسِ (آل عمران/ ۱۴۰) ۱۰۷ كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ (آل عمران/ ۱۸۵) ۵۶۰ كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ (آل عمران/ ۱۸۵) ۵۶۱ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ (آل عمران/ ۱۹۰) ۴۴ يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها وَ بَثَّ ... (نساء/ ۱) ۴۶۱، ۴۶۶ وَ لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُمْ رَحِيماً (نساء/ ۲۹) ۴۰۱ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُكارى حَتَّى تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ (نساء/ ۴۳) ۳۳۳ أَيْنَما تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ (نساء/ ۷۸) ۵۶۰ يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُوراً مُبِيناً (نساء/ ۱۷۴) ۵۶ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ... ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ .. (مائده/ ۶) ۳۴۹، ۳۵۴ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ (مائده/ ۳۳) ۱۳۶ وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّباً (مائده/ ۸۸) ۳۰۴ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ* إِنَّما يُرِيدُ الشَّيْطانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ ... (مائده/ ۹۰- ۹۱) ۳۳۴ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضى أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ (انعام/ ۲) ۲۶۲ وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ ... (انعام/ ۴) ۲۳۵ وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْءٍ (انعام/ ۲۹) ۲۹۲، ۲۹۳ إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ ... (انعام/ ۴۵) ۳۱۳ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۷ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ (انعام/ ۹۸) ۲۷ وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْءٍ (انعام/ ۹۹) ۲۴۰، ۲۴۳ مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ (انعام/ ۱۲۱) ۲۲۸ لا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْها (انعام/ ۱۳۸) ۲۲۸ قُلْ لا أَجِدُ فِي ما أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّماً عَلى طاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَماً مَسْفُوحاً ... (انعام/ ۱۴۵) ۳۲۵ وَ لَقَدْ خَلَقْناكُمْ ثُمَّ صَوَّرْناكُمْ ثُمَّ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ (اعراف/ ۱۱) ۲۶۰ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف/ ۳۱) ۳۰۸، ۳۱۱ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ (اعراف/ ۳۲) ۳۰۲ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (اعراف/ ۵۴) ۱۰۵ ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ (اعراف/ ۵۴) ۲۳۷ فَأَنْزَلْنا بِهِ الْماءَ فَأَخْرَجْنا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ (اعراف/ ۵۷) ۲۹۲ وَ إِلى ثَمُودَ أَخاهُمْ صالِحاً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ ... (اعراف/ ۷۳) ۵۵ وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَكُمْ بِها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِينَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (اعراف/ ۸۰- ۸۱) ۳۸۵ وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغارِبَهَا (اعراف/ ۱۳۷) ۱۸۶ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلى أَنْفُسِهِمْ ... (اعراف/ ۱۷۲) ۴۵۲، ۴۵۶ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ (اعراف/ ۱۷۵) ۳۰۵ وَ لكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَواهُ ... (اعراف/ ۱۷۶) ۱۳۷ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِيَسْكُنَ إِلَيْها فَلَمَّا تَغَشَّاها حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفاً فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُما لَئِنْ آتَيْتَنا صالِحاً لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (اعراف/

۱۸۹) ۴۸، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۸۳ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیم (توبه/ ۱۲۹) ۲۳۷ أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ (یونس/ ۳۸) ۶۹، ۸۳ قَدْ جاءَتْکُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ (یونس/ ۵۷) ۳۹۵ وَ لا یُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (یونس/ ۷۷) ۶۵ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُها (هود/ ۶) ۲۳۶ وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ (هود/ ۷). ۱۱۵، ۱۱۷، ۲۳۷، ۲۳۸ أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ .. (هود/ ۱۳) ۶۹، ۷۱ وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ (هود/ ۳۰) ۲۳۵ وَ لَمَّا جاءَتْ رُسُلُنا لُوطاً سِیءَ بِهِمْ وَ ضاقَ بِهِمْ ذَرْعاً وَ قالَ هذا یَوْمٌ عَصِیبٌ وَ جاءَهُ قَوْمُهُ یُهْرَعُونَ إِلَیْهِ وَ مِنْ قَبْلُ کانُوا یَعْمَلُونَ السَّیِّئاتِ قالَ یا قَوْمِ هؤُلاءِ بَناتِی هُنَّ أَطْهَرُ لَکُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لا تُخْزُونِ فِی ضَیْفِی أَ لَیْسَ مِنْکُمْ رَجُلٌ رَشِیدٌ قالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ ما لَنا فِی بَناتِکَ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّکَ لَتَعْلَمُ ما نُرِیدُ ... (هود/ ۷۷- ۷۹) ۳۸۶ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۸ وَ لا- تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لا یَیْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکافِرُونَ (یوسف/ ۸۷) ۴۰۰ اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها (رعد/ ۲) ۱۴۸ لَعَلَّکُمْ بِلِقاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ (رعد/ ۲) ۱۵۶ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمًّی (رعد/ ۲) ۱۵۶، ۱۶۶، ۲۰۷ وَ مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ جَعَلَ فِیها زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (رعد/ ۳) ۲۷۷، ۲۷۸ اللَّهُ یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ أُنْثی وَ ما تَغِیضُ الْأَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کُلُّ شَیْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ (رعد/ ۸) ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد/ ۲۸) ۴۰۱ أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ (ابراهیم/ ۵) ۴۹۳ وَ ذَکِّرْهُمْ بِأَیَّامِ اللَّهِ (ابراهیم/ ۵) ۱۰۷ أَ لَمْ یَأْتِکُمْ نَبَؤُا الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِینَ مِنْ بَعْدِهِمْ لا- یَعْلَمُهُمْ ... (ابراهیم/ ۹) ۵۶ قالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ وَ لکِنَّ اللَّهَ یَمُنُّ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ ... (ابراهیم/ ۱۱) ۵۷ وَ یَأْتِیهِ الْمَوْتُ مِنْ کُلِّ مَکانٍ وَ ما هُوَ بِمَیِّتٍ (ابراهیم/ ۱۷) ۵۶۲ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ (ابراهیم/ ۲۴) ۱۳۴ وَ سَخَّرَ لَکُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دائِبَیْنِ (ابراهیم/ ۳۳) ۱۵۶ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها (ابراهیم/ ۳۴) ۱۲۹ وَ أَرْسَلْنَا الرِّیاحَ لَواقِحَ فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَسْقَیْناکُمُوهُ وَ ما أَنْتُمْ لَهُ بِخازِنِینَ (حجر/ ۲۲) ۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۳ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (حجر/ ۲۶) ۴۱ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ فَإِذا سَوَّیْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی فَقَعُوا لَهُ ساجِدِینَ (حجر/ ۲۸- ۲۹) ۲۶۱ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (حجر/ ۲۹) ۲۶۲ فَسَجَدَ الْمَلائِکَةُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِیسَ (حجر/ ۳۰- ۳۱) ۲۶۱ خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصِیمٌ مُبِینٌ (نحل/ ۴) ۲۷۵، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۳ وَ أَلْقی فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ أَنْ تَمِیدَ بِکُمْ (نحل/ ۱۵) ۱۸۳ وَ لِلَّهِ یَسْجُدُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَ الْمَلائِکَةُ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ (نحل/ ۴۹) ۱۹۶ وَ مِنْ ثَمَراتِ النَّخِیلِ وَ الْأَعْنابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَکَراً وَ رِزْقاً حَسَناً (نحل/ ۶۷) ۳۳۱ وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ ثُمَّ کُلِی مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ فَاسْلُکِی سُبُلَ رَبِّکِ ذُلُلًا یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ (نحل/ ۶۸- ۶۹) ۴۰۶ وَ اللَّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً (نحل/ ۷۲) ۴۶۷ وَ اللَّهُ أَخْرَجَکُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِکُمْ لا تَعْلَمُونَ شَیْئاً وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ ... (نحل/ ۷۸) ۵۲۹، ۵۳۷ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ (نحل/ ۸۹) ۳۶، ۳۸ إِنَّما حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَةَ وَ الدَّمَ ... (نحل/ ۱۱۵) ۳۲۵ وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنی إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ ساءَ سَبِیلًا (اسراء/ ۳۲) ۳۷۵ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۶۹ تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِیهِنَّ (اسراء/ ۴۴) ۱۹۶ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَساراً (اسراء/ ۸۲) ۳۹۵، ۴۰۵ وَ ما أُوتِیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیلًا (اسراء/ ۸۵) ۸۱، ۴۱۶ قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ ... (اسراء/ ۸۸) ۶۷، ۸۰، ۸۱ وَ تَرَی الشَّمْسَ إِذا طَلَعَتْ تَتَزاوَرُ عَنْ کَهْفِهِمْ (کهف/ ۱۷) ۱۶۲ وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِینَ ناراً (کهف/ ۲۹) ۳۸۳ أَ کَفَرْتَ بِالَّذِی خَلَقَکَ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاکَ رَجُلًا (کهف/ ۳۷) ۲۷۵، ۵۰۰ وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ مَرْیَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِها مَکاناً شَرْقِیًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ ... (مریم/ ۱۶- ۲۲) ۴۶۲ فَأَرْسَلْنا إِلَیْها رُوحَنا فَتَمَثَّلَ لَها بَشَراً سَوِیًّا (مریم/ ۱۷) ۴۶۵ وَ لِنَجْعَلَهُ آیَةً لِلنَّاسِ (مریم/ ۲۱) ۴۶۵ فَإِمَّا تَرَیِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَداً فَقُولِی إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً فَلَنْ أُکَلِّمَ الْیَوْمَ إِنْسِیًّا (مریم/ ۲۶) ۴۲۰ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْرِی (طه/ ۱۴) ۴۲۷ فَإِذا حِبالُهُمْ وَ عِصِیُّهُمْ یُخَیَّلُ إِلَیْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّها تَسْعی (طه/ ۶۶) ۶۴ قالَ رَبِّی یَعْلَمُ الْقَوْلَ فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (انبیاء/

۴) ۱۹۶، ۲۰۳ بَلْ قالُوا أَضْغاثُ أَحْلامٍ، بَلِ افْتَراهُ بَلْ هُوَ شاعِرٌ فَلْيَأْتِنا بِآيَةٍ كَما أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ (انبياء/ ۵) ۵۵ أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُونَ (انبياء/ ۳۰) ۹۴، ۹۸، ۱۰۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۵۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (انبياء/ ۳۳) ۱۵۶ وَ كَفى بِنا حاسِبِينَ (انبياء/ ۴۷) ۳۶ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (حج/ ۱) ۲۰۷ وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ (حج/ ۲۶) ۳۶۵ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَ نُقِرُّ فِي الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ ... (حج/ ۵) ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۶۷، ۴۸۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۱، ۵۱۱، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۹، وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً ... (حج/ ۷۱) ۲۴۷ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَيْئاً لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ (حج/ ۷۳) ۲۴۷ يا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُباباً ... (حج/ ۷۳) ۲۴۴، ۲۴۷ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ (مؤمنون/ ۲) ۴۲۶ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ إِلَّا عَلى أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنِ ابْتَغى وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ (مؤمنون/ ۵- ۷) ۳۹۱، ۳۹۲ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ طِينٍ* ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فِي قَرارٍ مَكِينٍ* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۰ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ ... (مؤمنون/ ۱۲- ۱۴) ۲۶۳، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۹۴، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، وَ لَقَدْ خَلَقْنا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرائِقَ (مؤمنون/ ۱۷) ۱۲۶ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ (مؤمنون/ ۱۸) ۱۱۷ الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لا تَأْخُذْكُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لْيَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ* الزَّانِي لا يَنْكِحُ إِلَّا زانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَ الزَّانِيَةُ لا يَنْكِحُها إِلَّا زانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حُرِّمَ ذلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (نور/ ۲- ۳) ۳۷۶، ۳۸۳ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (نور/ ۳۰- ۳۱) ۳۸۳ وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ (نور/ ۴۴) ۲۴۰ وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ ... (نور/ ۴۵) ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۴۳۷ وَ لا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ يَلْقَ أَثاماً (فرقان/ ۶۸) ۳۷۵ وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً (فرقان/ ۵۴) ۲۶۵، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰ تَبارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّماءِ بُرُوجاً وَ جَعَلَ فِيها سِراجاً وَ قَمَراً مُنِيراً (فرقان/ ۶۱) ۱۳۵ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً (شعرا/ ۷) ۲۷۸ أَ وَ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنا فِيها مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً (شعرا/ ۷) ۲۷۷ وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (شعرا/ ۸۰) ۳۶، ۴۷ أَ تَأْتُونَ الذُّكْرانَ مِنَ الْعالَمِينَ وَ تَذَرُونَ ما خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْواجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عادُونَ (شعرا/ ۱۶۵- ۱۶۶) ۳۸۵ وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ فَما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُناسٌ يَتَطَهَّرُونَ (نمل/ ۵۴- ۵۶) ۳۸۶، ۳۸۹ وَ تَرَى الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ (نمل/ ۸۹) ۱۷۳، ۱۸۴ فَذانِكَ بُرْهانانِ مِنْ رَبِّكَ إِلى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ (قصص/ ۳۲) ۵۶ وَ لُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَكُمْ بِها مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعالَمِينَ أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نادِيكُمُ الْمُنْكَرَ ... (عنكبوت/ ۲۸- ۲۹) ۳۸۵ وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها (روم/ ۲۱) ۴۶۶ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّياحَ فَتُثِيرُ سَحاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّماءِ كَيْفَ يَشاءُ وَ يَجْعَلُهُ كِسَفاً فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلالِهِ فَإِذا أَصابَ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (روم/ ۴۸) ۲۸۶ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفاً وَ شَيْبَةً (روم/ ۵۴) ۵۵۶ خَلَقَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها (لقمان/ ۱۰) ۱۴۸ وَ لَوْ أَنَّ ما فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ ... (لقمان/ ۲۷) ۱۳۸ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۱ كُلٌّ يَجْرِي إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى (لقمان/ ۲۹) ۱۵۶ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ ما فِي الْأَرْحامِ وَ ما تَدْرِي نَفْسٌ ما ذا تَكْسِبُ غَداً وَ ما تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (لقمان/ ۳۴) ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۶۰ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (سجده/ ۴) ۱۰۵ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ

مِنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ (سجده/ ۵) ۱۳۵ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِينٍ (سجده/ ۶) ۴۳۴، ۴۳۶ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا ما تَشْكُرُونَ (سجده/ ۶- ۹) ۴۳۱ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ (سجده/ ۸- ۹) ۲۶۵، ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۹، ۵۳۲ لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/ ۲۱) ۳۶۴ وَ الصَّائِمِينَ وَ الصَّائِماتِ وَ الْحافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَ الذَّاكِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِيماً (احزاب/ ۳۵) ۴۱۷ وَ ما تَحْمِلُ مِنْ أُنْثى وَ لا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ (فاطر/ ۱۱) ۵۱۸ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى (فاطر/ ۱۳) ۱۵۷، ۱۶۸ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَلِيماً غَفُوراً (فاطر/ ۴۱) ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴ سُبْحانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْواجَ كُلَّها مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لا يَعْلَمُونَ (يس/ ۳۶) ۴۳، ۲۷۷، ۲۸۱ وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (يس ۳۷- ۳۸) ۴۹، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَها أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (يس/ ۴۰) ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵ وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلا يَعْقِلُونَ (يس/ ۶۸) ۵۵۶، ۵۵۸ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ رَبُّ الْمَشارِقِ (صافات/ ۵) ۱۸۶ إِنَّا زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا بِزِينَةٍ الْكَواكِبِ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ مارِدٍ لا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلى وَ يُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جانِبٍ (صافات/ ۶- ۸) ۱۱۵، ۱۴۰، ۱۹۶، ۲۰۴ إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طِينٍ لازِبٍ (صافات/ ۱۱) ۲۶۲ فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ ساجِدِينَ (ص/ ۷۱) ۵۲۷ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُماتٍ ثَلاثٍ (زمر/ ۶) ۴۸۸ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِها وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنامِها فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يُرْسِلُ الْأُخْرى إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (زمر/ ۴۲) ۵۶۲ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۲ رَفِيعُ الدَّرَجاتِ (غافر/ ۱۵) ۳۶ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخاً وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (غافر/ ۶۷) ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۸۲، ۵۳۷، ۵۵۹ وَ جَعَلَ فِيها رَواسِيَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَكَ فِيها وَ قَدَّرَ فِيها ... (فصلت/ ۱۰) ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵ ثُمَّ اسْتَوى إِلَى السَّماءِ وَ هِيَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قالَتا أَتَيْنا طائِعِينَ (فصلت/ ۱۱) ۹۳، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۸۲ فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أَوْحى فِي كُلِّ سَماءٍ أَمْرَها وَ زَيَّنَّا السَّماءَ ... (فصلت/ ۱۲) ۱۰۴، ۱۱۵ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدىً وَ شِفاءٌ (فصلت/ ۴۴) ۳۹۵ خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ (فصلت/ ۹) ۱۰۴، ۱۱۱ قُلْ أَ إِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَنْداداً ذلِكَ رَبُّ الْعالَمِينَ وَ جَعَلَ فِيها رَواسِيَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَكَ فِيها وَ قَدَّرَ فِيها أَقْواتَها فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَواءً لِلسَّائِلِينَ ثُمَّ اسْتَوى إِلَى السَّماءِ وَ هِيَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قالَتا أَتَيْنا طائِعِينَ فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أَوْحى فِي كُلِّ سَماءٍ أَمْرَها وَ زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا بِمَصابِيحَ وَ حِفْظاً ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (فصلت/ ۹- ۱۲) ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۲۲ وَ مِنْ آياتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فِيهِما مِنْ دابَّةٍ وَ هُوَ عَلى جَمْعِهِمْ إِذا يَشاءُ قَدِيرٌ (شورى/ ۲۹) ۱۹۵، ۱۹۸ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ ما يَشاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ إِناثاً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْراناً وَ إِناثاً وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشاءُ عَقِيماً إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (شورى ۴۹- ۵۰) ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۷ أَلا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (شورى/ ۵۳) ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷ صِراطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ (شورى/ ۵۳) ۱۴۳ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْداً (زخرف/ ۱۰) ۱۷۴ حَتَّى إِذا جاءَنا قالَ يا لَيْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ (زخرف/ ۳۸) ۱۹۲ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِينٍ (دخان/ ۱۰) ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۱۵ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (جاثيه/ ۱۳) ۲۴۴ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ كُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ ... (احقاف/ ۱۵) ۵۴۰، ۵۴۱ فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ (محمد ص)/ ۱۵) ۴۱۰، ۴۱۶، ۴۱۷ وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى (محمد ص)/ ۱۵) ۴۰۶ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ (حجرات/ ۱۱) ۲۲۸ وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَكاً (ق/ ۹) ۱۳۲، ۱۳۵ أَحْيَيْنا بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً (ق/ ۱۱) ۵۶۱ وَ السَّماءِ ذاتِ الْحُبُكِ (ذاريات/ ۷) ۱۵۱ وَ فِي السَّماءِ رِزْقُكُمْ وَ ما تُوعَدُونَ (ذاريات/ ۲۲) ۱۳۵ وَ السَّماءَ بَنَيْناها بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ

(ذاریات/ ۴۷) ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۰۸ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۳ وَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (ذاریات/ ۴۹) ۲۷۷، ۲۸۴ وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (طور/ ۶- ۷) ۲۱۳ أَمْ یَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لا یُؤْمِنُونَ فَلْیَأْتُوا بِحَدِیثٍ مِثْلِهِ إِنْ کانُوا صادِقِینَ (طور/ ۳۳- ۳۴) ۶۹ وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی مِنْ نُطْفَةٍ إِذا تُمْنی (نجم/ ۴۵- ۴۶) ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۸، ۵۱۳ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ (قمر/ ۱) ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴ خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ کَالْفَخَّارِ (رحمن/ ۱۴) ۲۷۲ رَبُّ الْمَشْرِقَیْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَیْنِ (رحمن/ ۱۷) ۱۹۳ یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ (رحمن/ ۲۹) ۱۹۶، ۲۰۳ أَ فَرَأَیْتُمْ ما تُمْنُونَ أَ أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخالِقُونَ (واقعه/ ۵۸- ۵۹) ۴۵۷، ۴۶۰ هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی (حشر/ ۲۴) ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴ یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللَّهِ شَیْئاً وَ لا یَسْرِقْنَ وَ لا یَزْنِینَ وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا یَأْتِینَ بِبُهْتانٍ یَفْتَرِینَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا یَعْصِینَکَ فِی مَعْرُوفٍ فَبایِعْهُنَّ ... (ممتحنه/ ۱۲) ۳۷۶ وَ لَنْ یُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذا جاءَ أَجَلُها (منافقون/ ۱۱) ۵۶۰ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَیْنَهُنَّ (طلاق/ ۱۲) ۱۲۶، ۱۹۶، ۲۰۵ وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فِیهِ مِنْ رُوحِنا (تحریم/ ۱۲) ۴۶۲، ۴۶۵ هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِی مَناکِبِها (ملک/ ۱۵) ۱۸۱ قُلْ هُوَ الَّذِی أَنْشَأَکُمْ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِیلًا ما تَشْکُرُونَ (ملک/ ۲۳) ۵۲۹، ۵۳۲ وَ یَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمانِیَةٌ (حاقه/ ۱۷) ۱۲۷ فَلا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ إِنَّا لَقادِرُونَ (معارج/ ۴۰) ۱۸۶، ۱۹۴ وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِراجاً (نوح/ ۱۶) ۱۱۶ فَکَیْفَ تَتَّقُونَ إِنْ کَفَرْتُمْ یَوْماً یَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِیباً (مزمل/ ۱۷) ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۵۹ وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ (مدّثر/ ۴) ۳۶۱، ۳۶۲، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴ أَ لَمْ یَکُ نُطْفَةً مِنْ مَنِیٍّ یُمْنی ثُمَّ کانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّی فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی (قیامت/ ۳۷- ۳۹) ۴۳۱، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۸۲، ۵۰۰، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِیهِ فَجَعَلْناهُ سَمِیعاً بَصِیراً (انسان/ ۲) ۲۴۹، ۲۶۶، ۲۹۹، ۴۳۱، ۴۴۹، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۲۷، ۴۷۵، ۴۷۸، ۵۲۹، ۵۳۳ أَ لَمْ نَخْلُقْکُمْ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ فَجَعَلْناهُ فِی قَرارٍ مَکِینٍ إِلی قَدَرٍ مَعْلُومٍ فَقَدَرْنا فَنِعْمَ الْقادِرُونَ وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ (مرسلات/ ۲۰- ۲۴) ۴۳۷، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴ أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ کِفاتاً (مرسلات/ ۲۵) ۱۴۸، ۱۷۸ وَ الْجِبالَ أَوْتاداً (نبأ/ ۷) ۱۸۳ وَ بَنَیْنا فَوْقَکُمْ سَبْعاً شِداداً (نبأ/ ۱۲) ۱۲۶ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۴ وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها (نازعات/ ۳۰) ۱۷۷ أَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمِ السَّماءُ بَناها رَفَعَ سَمْکَها فَسَوَّاها وَ أَغْطَشَ لَیْلَها وَ أَخْرَجَ ضُحاها وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها أَخْرَجَ مِنْها ماءَها وَ مَرْعاها وَ الْجِبالَ أَرْساها (نازعات/ ۲۷- ۳۳) ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۲۵ قُتِلَ الْإِنْسانُ ما أَکْفَرَهُ مِنْ أَیِّ شَیْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (عبس/ ۱۷- ۱۹) ۴۶۸، ۴۷۱ فَلْیَنْظُرِ الْإِنْسانُ إِلی طَعامِهِ (عبس/ ۲۴) ۲۹۹ إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْکَدَرَتْ (تکویر/ ۱- ۲) ۲۰۷، ۲۱۰ وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ (تکویر/ ۶) ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۳ إِذَا السَّماءُ انْفَطَرَتْ وَ إِذَا الْکَواکِبُ انْتَثَرَتْ (انفطار/ ۱- ۲) ۲۰۷، ۲۱۱ وَ إِذَا الْبِحارُ سُجِّرَتْ (انفطار/ ۳) ۲۱۱، ۲۱۳ الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ فِی أَیِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ (انفطار/ ۷- ۸) ۲۷۵، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۵ فَلْیَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِبِ إِنَّهُ عَلی رَجْعِهِ لَقادِرٌ (طارق/ ۵- ۸) ۴۵، ۲۹۹، ۴۳۱، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۳۷، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۶ الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی (اعلی/ ۲) ۵۰۱ أَ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ ... (غاشیه/ ۱۷) ۲۹۹ وَ إِلَی الْأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ (غاشیه/ ۲۰) ۱۹۰ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها ... (شمس/ ۱) ۱۵۵ وَ الْأَرْضِ وَ ما طَحاها (شمس/ ۶) ۱۷۶ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ (علق/ ۱- ۲) ۲۷۶، ۴۳۱، ۴۸۷، ۴۸۲، ۴۸۳ إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها (زلزلة/ ۱) ۴۷ و تکونُ الْجِبالُ کَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (قارعه/ ۵) ۲۰۷ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۵

فهرست روایات

فهرست روایات الم یکونوا اربابا فی اقطار الارضین ۱۴۱ اما المیتة فانه لم ینل منها احد الّا ضعف بدنه و ذهبت قوته و انقطع نسله و لا یموت آکل المیتة الّا فجأة ۳۱۵ ان اللّه تبارک و تعالی لم یدع شیئا تحتاج الیه الامة الا نزله فی کتابه و بیّنه لرسوله ۳۷ ان مدمن الخمر

کعابـد وثن و یورثه الارتعـاش و یهـدم مروته و تحمله علی التجسر علی المحـارم من سـفک الـدماء و رکوب الزنا حتی لا یؤمنوا اذا سکر أن یثب علی حرمه و هو لا یعقل ذلک و الخمر لا تزید شاربها الا کل شـر ۳۳۶ ان مشرق الشتاء علی حده و مشرق الصیف علی حده ۱۹۳ بیت الشیطان فی بیوتکم بیت العنکبوت ۳۶۷ حرمت المیتـهٔ لما فیها من افساد الابـدان و الافهٔ و لانه یورث الماء الاصـفر و ینخر الفم و ینتن الریـح و یسـیء الخلق و یورث القسوهٔ للقلب و قلهٔ الرأفهٔ و الرحمهٔ حتی لا یؤمن ان یقتل ولده و والده و صاحبه ۳۱۵ الخمر امّ الخبائث ۳۳۶ الدهر یومان یوم لک و یوم علیک ۱۰۷ سبحان اللّه، الیس اللّه یقول بغیر عمد ترونها؟ قلت بلی، فقال ثم عمد و لکن لا ترونها ۱۵۱ صوموا تصحّوا ۴۲۱ طبیب دوار بطبه قد احکم مراهمه و احمی (امضـی) مواسمه یضع ذلک حیث الحاجهٔ الیه و آذان صمّ و السـنهٔ بکم متبع بـدوائه مواضع الغفلهٔ و مواطن العبرهٔ ۴۰۵ فاستشـفوه من ادوائکم و اسـتعینوا به علی لاوائکم فان فیه شفاء من اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضـلال ۳۹۶ فتق الاجواء ... ثم فتق بین السموات العلی ۹۸ فلم حرم الدم المفسوح؟ قال: لانه یورث القساوهٔ و یسـلب الفواد رحمته و یعفن البدن و یغیر اللون ۳۲۷ فهم حکام علی العالمین و ملوک فی اطراف الارضین ۱۴۱ فی سـتهٔ ایـام یعنی فی سـتهٔ اوقـات ۱۰۷ لاـ اله الّا اللّه ربّ السـموات السبع و ربّ الارضـین السبع ۱۴۱ لاـ تبیّتوا القمامـهٔ فی بیوتکم فاخرجوها نهارا فانها مقعد الشیطان ۳۶۷ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۶ لا تلد المرأهٔ لاقل من سـتهٔ اشـهر ۵۴۲ لا تنکبوا الغبار فانه منه تکون النسـمهٔ ۳۶۷ لاـ یزن الزانی حین یزنی و هو مؤمن و لاـ یسـرق السـارق حین یسـرق و هو مؤمن فانه اذا فعل ذلک خلع عنه الایمـان کخلع القمیص ۳۷۹ المعجزهٔ علامـهٔ للّه لاـ یعطیهـا الّا انبیاءه و رسله و حججه لیعرف به صـدق الصادق من کـذب الکاذب ۵۸ و ابتدعت خلقی من منی یمنی، ثم اسـکنتنی فی ظلمات ثلاث: بین لحم و جلد و دم، لم تشهر بخلقی ... ۴۸۹ و الارضین المـدحوهٔ و الجبال ذات الطول ... ۱۴۱ و المیتـهٔ قـد جمـد فیها الدم و تراجع الی بدنها فلحمها ثقیل غیر مرئی لانها یوکل لحمها بدمها ۳۱۵ و رکوبها اعناق سـهول الارضـین ۱۴۱ هـذه النجوم التی فی السـماء مـدائن مثل المـدائن التی فی الارض مربوطـهٔ کل مدینهٔ الی عمود من نور ۱۹۹ یا معشر الشباب، من استطاع منکم الباءهٔ، فلیتزوج، و من لم یستطع فعلیه بالصیام فانه له و جاء ۴۲۲ یا من اسمه دواء و ذکره شفاء ۴۰۵ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۷

نمایه اعلام، اشخاص و موضوعات

نمایه اعلام، اشخاص و موضوعات «آ- ا» ائمه (ع) ۵۸، ۸۹، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۷۰، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۶۳ آب ۹۴، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۳۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۳۹، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۸، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۵ آب اکسیژنه ۴۰۸، ۴۱۴، آب آوردن شکم ۳۴۳ آب قلیل ۳۳۶ آب کر ۳۳۶ آبجو ۳۳۱، ۳۴۴ ابداعات ۲۴۹ ابر ۱۱۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۵، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳ ابر نـو اختـر ۲۰۹ ابراهیـم (ع) ۴۷، ۶۱، ۳۶۵، ۳۶۸ ابرهای هیـدروژنی ۹۶ ابلیس ۲۲۹، ۲۶۱، ۳۳۷، ۳۶۷ ابن اسحاق النظام ۷۶ ابن بطوطهٔ ۲۹۸ ابن خلدون ۲۵۰ ابن خلیفه علیوی ۲۲۲ ابن سلیمان الخطابی البستی ۷۳ ابن طاووس ۴۸۹ ابن عباس ۹۸، ۱۵۷، ۱۷۳، ۴۷۲، ۴۸۸، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲ ابن عطیه ۷۳ ابن فارس ۵۷، ۴۸۱ ابن کثیر ۱۵۷، ۴۴۷، ۴۴۸، ۵۱۹ ابن کواء ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۵ ابن مسعود ۱۵۷ ابن مسکویه ۲۵۰ ابن منظور ۱۷۹، ۴۸۱ ابـن میثم البحرانی ۷۲ ابوالسـعود، دکتر رفیق ۲۰۰، ۲۲۳، ۲۲۵ ابو علی سینا ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۲۹۸، ۴۱، ۵۱۵، ۵۴۱ آپاندیسیت ۳۱۱ اپی تریکیـوم ۵۱۰ اپی تلیـوم ۵۱۰ آتش ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۵۹، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۵۵، ۳۲۶، ۴۴۲ آتشک ۳۸۱، ۳۸۹ الاتقـان فی علوم القرآن ۳۶، ۵۹، ۶۰، ۶۷، ۶۹، ۲۱۹، ۲۳۰ اتم ۴۸، ۲۱۲، ۲۳۹، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۶ اتمسفر ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۸۲ اتومبیل ۱۶۳، ۱۶۷، ۳۳۸، ۳۴۰ آثار البلاد ۱۲۷ اثبات زوجیت ۲۷۸ اثبات وجود خدا ۲۵۴ اجتماع نقیضین ۵۰ اجرام آسـمانی ۱۱۴، ۱۵۰، ۲۱۲، ۲۱۳ احتراق هسته‌ای ۲۱۰ احتلام ۳۹۴ احتیـاط واجب ۳۰۶ احکام تعبدی ۸۹ احکـام خوردنی‌هـا و آشامیـدنی‌ها ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۹ احمـد حامـد، دکتر حامـد ۴۸۴، ۴۹۰ احمـدی، ذکر الله ۲۷۹، ۴۶۵

احمدی، محمود ۲۲۵، ۲۲۸ احیاء العلوم ۳۵، ۳۷ اخبار غیبی ۱۵، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۵۵۴ اختراعات ۲۴۹ اختراعات و اکتشافات قرن بیستم ۱۴۴ اخترشناسان ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۴۳، ۱۵۹، ۱۷۱ اخترشناسی کوپرنیکی ۲۴ اختلاف افق‌های زمین ۱۸۹ اختلاف فتوا ۳۰۶ اختلافات دینی و اعتقادی ۲۶۸ اختلالات روانی و اخلاقی ۴۲۲ اختلالات عقلی ۳۴۶ اخلاق ۲۶، ۳۸، ۳۲۹، ۳۳۸، ۳۹۵ اخلاق الهی ۳۹۶ اخوان الصفا ۲۵۰ اخوان المسلمین ۳۲ آداب الشریعهٔ ۳۶۶ ادب قرآن ۴۵۱ ادبیات ۶۶ ادبیات عرب ۵۰، ۷۰، ۲۳۱ ادبیات فارسی ۱۲۵ ادرنالین ۵۵۸ ادعای نبوت ۲۲۷، ۲۳۰ آدم (ع) ۴۱، ۱۱۰، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۸۶، ۵۲۶ ادویه ۳۴۵ ادیان الهی ۲۳، ۱۰۹، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۵۶، ۳۷۸، ۴۲۵ ادیب ۷۰، ۷۸ ادیبان ۷۷ آذربایجان ۲۴۱ آراء مدینه فاضله ۲۵۰ اراده ۴۲۱، ۵۳۷ آرام، احمد ۲۱۲ آرامش دل ۴۰۰ آرامش روانی ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۴ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۸ آرامش فردی ۴۰۲ آرامش فکری ۳۸۰ آرامی ۱۳۴ آرای کلامی ۲۶ ارباب کلیسا ۲۵۳، ۲۷۹ ارتباط نامشروع ۳۷۵، ۳۷۹ ارتباطهای جنسی ۳۸۲ ارث ۳۷ ارسطو ۴۷۹ ارشمیدس ۱۷۰، ۱۸۵ ارضاء غریزه جنسی ۳۹۲ ارکئورنیت ۱۲۳، ۲۵۸ آرمسترانک ۱۹۷ ارمغان روشنفکران ۲۷۹ ارمیا ۴۲۰ ارناووط، محمد السید ۴۲۶، ۵۱۶ آرنج ۳۴۱ اروپا ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۴۲، ۱۷۱، ۲۹۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۸۲، ۳۸۹ اروپائیان ۱۰۳، ۳۲۰، ۴۲۴ اریک، عبد الله ۲۲۵ از اتم تا ستاره ۱۴۵ از جهان‌های دور ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۶۰ ازت ۴۳۵ ازدواج ۲۸۹، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۲۲، ۵۴۵، ۵۴۶ ازدواج در نظام آفرینش ۵۱۹ ازلام ۳۳۴ آزمایش ۲۵۲ آزمایشگاه ۲۴۶ آزمایشهای لوب و باتایون ۴۶۴ آزمون اضطراب کتل ۳۹۸ اساس البلاغه ۵۶ اسب ۱۲۳، ۲۵۸ اسپرم ۲۸۶، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۹، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۸، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۷، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۱ اسپرماتوزئید ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵، ۴۳۳، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۶ اسپرماتوژنزیس ۴۶۳ اسپوروزوئیت ۲۸۵ اسپوروگونی ۲۸۵ استاتریکس ۴۶۴ استاک ۴۰۱ استثمار ۴۲ استحاضه ۳۵۷ استخدام علوم در فهم قرآن ۴۹ استخراج علوم از قرآن ۲۲، ۴۶ استخوان سینه ۴۴۷ استرخوس ساموسی ۱۷۰، ۱۸۵ استرس ۳۹۹ استروئیدها ۵۵۸ استروژن ۴۰۸ استرین ۴۰۰ استعاذه ۲۲۹ استفراغ ۴۰۹ استقراء ۵۰ استمناء ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴ استنشاق ۳۵۰، ۳۵۳ استون، دکتر ۳۹۳ اسرائیلیات ۴۶۶ اسرار الصلوة ۳۵۱ اسرار حروف مقطعه ۲۲۰ اسرار خلقت ۷۵ اسرار خوراکیها ۳۱۱، ۳۲۳، ۴۱۶ اسرار علمی ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۸، ۱۰۲، ۱۶۰، ۱۸۸، ۱۹۸ اسرار غیبی ۷۷، ۷۸ اسرار قرآن ۲۲۶ اسراف ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۷۰، ۳۸۷، ۴۲۴ اسقراء ۴۹ اسکناس ۶۴ اسلام پزشک بی‌دارو ۳۰۹، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۹۳، ۴۱۶ اسلام‌شناسی ۴۲ اسلام و طب جدید ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۹۰، ۴۱۶، ۴۸۴، ۴۹۱ اسلام و علم امروز ۳۷۳ اسلام و هیئت ۱۰۳، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۹ آسم ۴۱۳، ۴۲۲ اسماء بنت عمیس ۴۱۷، ۴۱۸ اسماعیل پاشا، دکتر عبد العزیز ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۹۰، ۴۱۶، ۴۸۴، ۴۹۰، ۴۹۱ اسماعیل، محمد محمود ۲۶۳ آسمان ۹۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۸۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۵۱۳ آسمان اول ۱۳۱، ۱۳۳ آسمان پایین ۱۱۵ آسمان دنیا ۱۸۲، ۱۹۶ آسمان مادی ۱۵۴ آسمان معنوی ۹۴، ۱۰۸، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۵۴ آسمان ملکوتی ۱۳۹ آسمان و زمین ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۵۵، ۱۸۳ آسمان هشتم ۱۲۸ آسمان‌ها ۴۴، ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴ آسمانها ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۴۰، ۴۳، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۴۴ آسمانها و زمین ۴۵، ۹۴، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۸۶، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۳۵ آسمانهای هفتگانه ۲۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۲، ۱۹۶ اسهال ۳۲۲، ۴۰۹، ۴۱۲ اسهال آمیبی ۳۲۱ اسهال خونی ۳۲۱ اسید آمینه ۲۳۹، ۲۴۶ اسید اوریک ۳۲۱، ۳۲۸ اسید فسفریک ۳۱۶ اسید فورمیک ۳۱۶، ۴۰۸، ۴۱۲ اسید لاکتیک ۳۱۶، ۳۷۱ اسید کولیک ۳۴۴ اسید نیاسین ۴۰۷ اسیدهای آلی ۴۰۸ اسیدهای آمینه

۴۰۸، ۴۲۳ آسیموف، ایزاک ۱۹۷ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۷۹ الاشارات العلمیۀ فی الایات الکونیۀ فی القرآن الکریم ۲۶۳ اشارات علمی قرآن ۱۴۹ آشامیدن ۳۱۰، ۳۱۲ اشراق ۵۳۴ اشعه کیهانی ۲۴۶ اشعه ماوراء بنفش ۲۴۰ اصالت حس ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴ اصحاب ۲۱، ۲۲ آصف ۶۶ اصفهانی، ابو مسلم ۹۸ اصل الانواع ۲۵۰ اصل علیت ۶۸ اصل کیهان شناختی ۹۶ اصل هستی ۲۴۳ اصلاح جامعه ۳۱، ۶۴، ۶۵ اصول اعتقادات ۵۹ اصول الفقه ۸۶، ۸۷ اصول الکافی ۶۶، ۹۸ اصول ریاضی فلسفه طبیعت ۱۴۹ اضطراب ۳۹۸، ۳۹۹ اضواء من القرآن علی الانسان و نشأۀ الکون ۱۹۸ اطفال ۴۱۲ اطفال شیرخواره ۴۲۰ اعتدال ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱ اعتضاد السلطنه، علی قلی ۱۷۳ اعتیاد ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۴ اعتیاد به الکل ۳۴۶ اعجاز ادبی ۸۴ الاعجاز البیانی ۷۰ اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۱ الاعجاز الطبی فی القرآن ۳۱۱، ۳۳۷، ۳۴۷، ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۸۴، ۳۹۰، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۲۴، ۴۸۹ الاعجاز الطبی فی الکتاب و السنۀ ۳۲۹ الاعجاز العددی فی سورۀ الفاتحۀ ۲۲۵ الاعجاز العددی للقرآن الکریم ۲۲۳ الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم) ۱۰۳، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۴۷ الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۱۴، ۳۲۳، ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۸۴، ۳۹۰، ۴۲۴، ۴۲۶، ۵۱۶ الاعجاز العلمی و الغیبی ۱۵۲ اعجاز القرآن فی حواس الانسان ۵۳۴ اعجاز بلاغی ۴۲۹ اعجاز بیانی و ادبی ۸۳ اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم ۲۲۵ اعجاز زوج و فرد ۲۲۹ اعجاز عددی ۲۱۹، ۲۲۸ اعجاز عددی در قرآن کریم ۲۲۳ اعجاز عددی قرآن ۱۷، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۲ اعجاز عددی قرآن کریم و رد شبهات ۲۲۵، ۲۲۸ اعجاز عددی و ریاضی ۲۲۵ اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن ۲۲۸، ۲۳۱ اعجاز علمی ۲۱، ۲۴ اعجاز قرآن ۶۰، ۶۵، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۸۱ اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی ۱۲۸، ۱۵۳، ۱۷۹، ۱۹۰، ۳۷۴، ۵۰۷ اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲ اعجازات حدیثۀ علمیۀ و رقمیۀ فی القرآن ۲۲۳ الاعجاز الطبی الحدیث ۳۲۳ الاعجاز الطبی فی الکتاب و السنۀ ۳۱۷ اعداد صحیح ۲۲۴ اعدام ۳۱۴، ۳۸۸، ۳۸۹ اعراب ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۱۲۹، ۲۹۷ اعراب مدینه ۳۵۵ اعصاب ۴۱۱، ۴۲۳، ۴۹۶ اعصاب پاراسمپاتیک ۳۵۸ اعصاب سمپاتیک ۳۵۸ اعصاب محیطی ۵۰۹ اعصاب نباتی ۳۵۸ اعیاد ملی اسلامی ۳۶۰ آغاز خلقت ۹۷، ۱۰۴، ۱۸۳، ۲۳۹ آغاز و انجام جهان ۱۴۶ اغما ۳۴۰ آفتاب ۲۴، ۱۶۱، ۱۶۷، ۲۰۷ افتخاریان، سید جواد ۱۰۰، ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۶۰، ۳۷۴، ۳۹۴، ۴۲۴، ۵۳۴ آفریقای شرقی ۲۵۴ آفرینش ۱۱۱، ۱۴۳، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۸ آفرینش از خاک ۲۷۳ آفرینش آسمان ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۸۲ آفرینش آسمانها ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۴۵ آفرینش آسمانها و زمین ۱۹۵، ۱۹۸ آفرینش انسان ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۶، ۴۳۱، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۵۷، ۴۸۱ آفرینش انسان از خاک ۲۶۴ آفرینش بدن انسان ۴۲۹ آفرینش جهان ۴۰، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۴۶ آفرینش حیات ۲۷۴ آفرینش روح ۴۳۲، ۵۰۳ آفرینش زمین ۱۲۴ آفرینش ستارگان ۱۱۵، ۱۲۳ آفرینش کوهها ۱۲۴، ۱۲۵ آفرینش کیهان ۱۱۵ افسردگی ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰ افطار ۴۲۴ افعال ذات و صفات ۳۵ افعال و صفات خدا ۳۵ افکار التقاطی ۳۰ افلاک نه‌گانه ۲۷ افلاک هشتگانه ۱۲۷ اقالیم هفتگانه ۱۳۹ اقتدار ۱۳۸ اقتصاد ۳۴، ۳۷، ۳۰۸ الاقتصاد فی اصول الاعتقاد ۷۳ اقرب الموارد ۵۷ اقصی، رضا ۱۴۵، ۱۴۶ اقلیم‌های هفتگانه ۱۳۷ اقیانوس‌ها ۲۰۹، ۲۴۰، ۲۴۱ اقیانوسها ۲۴۰، ۲۵۱ اکتشافات قرن بیستم (سیارات) ۱۹۷ اکتودرم ۴۹۶، ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۳۰، ۵۳۱ اکسیداسیون ۲۴۰ اکسیژن ۱۰۴، ۱۱۴، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۳۹، ۳۵۹، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۹۰، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۵۱ الاکلیل فی استنباط التنزیل ۳۶ الگزیستانسیالیست ها ۲۳ آل ابراهیم ۲۶۹ آل کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین ۷۲، ۷۳، ۷۴ آل عمران ۲۶۹ آلات ضرب ۱۸۷ آلان توئید ۴۹۰ آلبومین ۳۲۸ آلت تناسلی ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۱ التهاب اعضای تناسلی ۳۷۲ التهاب پایانه‌های عصبی ۳۴۶ التهاب پلک‌ها ۴۱۳ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۰ التهاب پنهان بینی ۴۱۵ التهاب چرکی مزمن گوش میانی ۴۱۵ التهاب حاد کبدی ۳۴۳ التهاب حاد معده ۳۴۲، ۴۲۲ التهاب حلق و نایژه‌ها ۴۱۵ التهاب حنجره و گلو ۴۱۳ التهاب خشک بینی و حلق ۴۱۵ التهاب دهان ۴۱۵ التهاب دیفتریایی قلب ۴۱۵ التهاب ریه ۳۴۴، ۴۱۳ التهاب سلی چشم ۴۱۳ التهاب عصب بینایی ۳۴۱ التهاب عصب سیاتیک ۴۱۶ التهاب قصب الریه ۴۱۳ التهاب مجرای بولی ۳۷۱ التهاب مری ۳۴۲ التهاب مزمن سینوسها ۴۱۵ التهاب مزمن کلیه ۴۲۲ التهاب مزمن لوز المعده ۳۴۳ التهاب مزمن و پنهان معده ۳۴۲ التهاب معده ۴۱۱ التهاب مهبل ۳۸۱، ۴۱۴

التهابات قرنیه ۴۱۳ التهابات معدوی ۳۵۲ آلفون، هانس ۹۶ الکتریسته ۲۴۶، ۲۸۰، ۲۸۸، ۲۹۰، ۴۶۴، ۴۷۳ الکل ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶ الکل اتیلیک ۳۳۱ الکل صنعتی ۸۶، ۳۳۶ الکل متیلیک ۳۳۱ الکلیست ۳۳۸ الکلیستها ۳۴۲ الکلیسم ۳۴۱ آلمان ۳۴۳، ۴۱۰، ۴۱۳ آلودگی ۳۲۲، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۷ آلومینیم ۴۳۵ الهی قمشه‌ای ۴۸، ۴۶۸، ۴۸۰، ۴۸۱، ۵۵۰ ام مهزول ۳۷۸ امام باقر (ع) ۳۶، ۱۵۷، ۳۳۶، ۳۷۸، ۴۶۷، ۴۸۸ امام جماعت ۲۲۷ امام حسن (ع) ۱۹۴ امام حسین (ع) ۱۹۴، ۴۸۹، ۴۹۳ امام رضا (ع) ۶۵، ۶۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۳۱۵، ۳۵۱، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۹۲ امام زمان (ع) ۱۶ امام سجاد (ع) ۱۵۷ امام صادق (ع) ۵۸، ۱۵۷، ۱۹۴، ۲۰۲، ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۷۸، ۳۹۲، ۵۲۷، ۵۴۴ امام علی (ع) ۲۱، ۹۸، ۱۰۷، ۱۴۱، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۳، ۳۹۶، ۴۰۵، ۵۴۰، ۵۴۲ امامت ۶۲، ۶۵ امبریولوژی ۴۷۵ امت واحد ۲۶۷، ۲۶۸ امر به معروف و نهی از منکر ۴۰۲ امراض آمیزشی ۳۸۹ آمریکا ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۲۰، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۹، ۴۰۷ امعاء ۳۴۳ املاح معدنی ۴۱۲، ۴۱۵ امنیت اجتماعی ۴۰۲ آمنیوس ۴۹۰ امور حسی و تجربی ۳۴ امور عامه ۳۵ امور غیبی ۵۶۱ امور مادی ۶۰ آموزش عقاید ۶۱، ۶۴، ۶۵ آموزش فلسفه ۳۴ امی ۷۱، ۷۴ آمیب‌ها ۲۸۴ آمیختگی ۲۸۵ آمیدوکل ۴۴۲ آمیزش ۲۸۶، ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۹۱، ۴۶۴ آمیزش با زنان ۳۵۵ آمیزش جنسی ۳۵۹، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۲ آمیلاز ۴۱۱ آمیلاس ۴۰۷ امین شیرازی، احمد ۳۱۷ امین، احمد ۲۳، ۱۵۹، ۱۹۰، ۲۱۲، ۲۳۹، ۲۹۰ آمینوتیک ۴۸۹ آمینون ۴۹۲، ۴۹۳ انار ۲۳۶ اناکسیمندر ۱۰۹ اناگزاگور ۱۰۹ انبساط جهان ۱۴۶ انتامیب هیستولتیک ۳۲۱ انتخاب آدم ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۹ انتروپی ۲۱۳ انتشارات اساطیر ۱۱۱ انتشارات آستان قدس رضوی ۲۰۳ انتشارات اسوه ۳۲، ۳۹ انتشارات آموزش انقلاب اسلامی ۲۵۶ انتشارات برهان ۴۸۴ انتشارات پیام اسلام ۲۰۱، ۲۰۲، ۴۴۴ انتشارات چهر ۴۶۳، ۴۸۴، ۴۸۹، ۵۰۹، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۲ انتشارات دانشگاه شیراز ۲۲۲ انتشارات طباطبائی ۴۸۶ انتشارات فوژان ۹۹ انتشارات قدیانی ۴۹ انتشارات کیهان ۹۵ انتشارات معارف اسلامی ۸۶ انجیر ۱۲۳، ۲۴۰ انجیل ۲۴، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۳۲۰، ۳۳۵، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۶، ۳۷۸، ۴۶۴ انجیل لوقا ۳۵۰ انجیل متی ۳۳۵، ۳۵۶، ۳۷۸، ۴۲۰ انحراف ۴۲۲ انحراف جنسی ۳۸۷، ۳۹۳ آندودرم ۴۹۶، ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۱۲ اندیشه پرواز ۱۵۰ انرژی ۹۴، ۹۵، ۱۱۷، ۱۶۷، ۲۰۹، ۲۴۰، ۳۳۹ آنزیم ۴۰۸ آنزیم‌های گوارشی ۴۱۱ انسان ۴۰، ۴۳، ۶۹، ۸۱، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۶، ۱۵۸، ۱۷۶، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۶۱، ۳۷۹، ۳۹۵، ۴۳۰، ۵۲۴، ۵۲۹ انسان پیش از تاریخ ۱۲۳، ۲۴۱، ۲۵۴ انسان سازی ۴۱ انسان‌شناسی ۴۱ انسان موجود ناشناخته ۴۶۴ انسانهای ما قبل تاریخ ۲۵۵ انستیتوی پزشکی قانونی شهر نیون ۳۳۸ انشتین ۱۶۷ انصار ۳۳۴ انصاف ۳۳۷ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۱ انفاق ۳۹۸ انفجار خورشید ۲۱۴ انفجارات هسته‌ای ۱۶۷ انفلوونزا ۴۱۴ انکسیانوس ۱۸۶ انکسیمندر ۱۸۷ انگل ۲۸۴ انگل‌شناسی پزشکی ۲۸۵ انگلستان ۲۴۶، ۳۸۹ انگلیسی ۷۹، ۲۲۲ انگور ۲۳۶، ۳۳۱، ۳۳۲ انیدریدکربنیک ۲۴۰، ۲۹۰ اوبلاـکر، دکتر اریک ۴۹، ۹۵، ۹۶، ۱۶۷، ۲۰۹، ۲۷۹ اورانگوتان ۲۵۴ اورانوس ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۹ اوره ۳۲۸، ۳۴۶ اوستا ۳۱۴ اوسترلومینیک پکینپک ۲۵۵ اوکسی متیل انتراکینون ۴۱۲ اولیاء الهی ۶۵ اولین انسان ۲۶۸، ۲۶۹ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ۱۷، ۳۰، ۱۱۷، ۱۳۳، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۷۷، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۴۱۶، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۸۴، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۷، ۵۴۲، ۵۵۱ اومانیسم ۴۱ اووتستیس‌های ۴۶۳ اووسیست ۲۸۵ اوول ۲۴۷، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۵، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۷، ۵۱۶، ۵۱۹ اوول اسیون ۴۶۳ آویزک ۴۸۳ اهتمام، احمد ۸۶، ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۵۱، ۳۵۷، ۴۸۵ اهل آسمان‌ها ۱۹۹ اهل ایمان ۳۴۹ اهل بیت (ع) ۲۱، ۵۸، ۹۷، ۹۸، ۱۴۹، ۱۷۸، ۲۶۴، ۲۹۸، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۵۷، ۳۷۰، ۳۷۹، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۷۳ اهل تفسیر ۲۳۸، ۴۹۵ اهل حدیث ۳۲ اهل سنت ۲۷، ۳۰، ۶۱، ۲۱۵، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۴ اهل سیاست ۷۷ اهل کتاب ۱۱۲ اهل مکه ۲۲۲ آهن ۳۲۹، ۳۴۴، ۴۰۸، ۴۳۵ آهن آلی ۳۲۸ آهن غیر آلی ۳۲۸ آهنگ قرآن ۸۱ آیات آفاقی و انفسی ۴۰ آیات الاحکام ۳۷ الآیات العجاب فی رحلة الانجاب ۴۸۴، ۴۹۰ آیات الهی ۲۸۷ آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم ۳۵۳، ۴۲۴ آیت اللهی، سید محمد تقی ۲۲۰،

۲۲۲ آیت کبری ۲۲۹ ایثار ۳۹۸ ایجی ۶۱ ایدز ۳۸۲، ۳۹۰ ایران ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۴۳، ۴۸، ۷۳، ۷۴، ۸۵، ۲۴۱ ایرانیان ۳۶۹ ایمان ۵۲، ۵۴، ۶۶، ۹۴، ۱۴۹، ۲۳۶، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۳، ۴۰۱، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۲، ۵۳۰ اینورتاس ۴۰۷ آیه ۶۲ «ب» باد و باران در قرآن ۲۸۸، ۲۹۰ بادکنک ۲۰۹ بادها ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۳ بار مثبت ۲۸۳ بـار مثبت و منفی ۲۸۶ باران ۹۸، ۱۱۷، ۱۳۱، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۹۷، ۵۱۸ باران مصنوعی ۲۸۸، ۲۹۰ باربور، ایان ۲۴، ۴۲ باردار ۴۶۳ بارداری ۳۱۱، ۳۴۴، ۳۴۵، ۴۱۴، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴ بارسیلوس ۴۲۴ بـارور شـدن ۲۹۰ بـازال ۵۱۰ بازرگـان، مهنـدس مهـدی ۲۱۳، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۵۰ بـاژه، پرفسـور ۳۹۳ باستان‌شـناسان ۷۴، ۲۴۱ باستان‌شناسی عصر حجر ۱۲۳، ۲۵۴ باستان‌شناسی ۵۰۸ باشوتین ۴۲۴ باطن ۳۷، ۱۹۴ بافت‌شناسی انسانی پایه (بافت‌شناسی پزشکی) ۴۶۳ باکتریها ۴۶۴ بالانتی دیوم ۳۲۱ بالوتینا ۴۱۳ باورهـای مـذهبی و اثرات آنها در بهـداشت روان ۴۰۱ بت‌پرست ۳۳۷ بت‌پرستی ۳۶۵، ۳۶۸ بت‌پرسـتان مشرک ۲۴۷ بت‌ها ۲۴۵، ۳۳۴ بچه کبـوتر ۱۲۳ بحـار الأنوار ۲۷، ۳۷، ۵۸، ۶۶، ۱۲۸، ۲۱۵، ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۳۷، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۶، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۷۹، ۵۱۶ بحر محیط ۱۸۷ بخار ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۸۲، ۲۰۹ بخار آب ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۸۲، ۲۹۰ بخت‌آزمائی ۳۳۴ بداهت حسی ۵۰ بداهت عقلی ۵۰ بدران، مهندس مصـطفی ابو سیف ۲۲۲ براندی ۳۳۱ برج حمل ۱۶۱ بردباری ۴۰۱ بردگی ۴۲ برده ۴۲۱ بررسـی گونه‌های تعارض بین علم و دین ۵۱۰ بررسـی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۲ کـاهش درد بیمـاران بعـد از اعمال جراحی شـکم ۳۹۸ برزخ ۲۶ برف ۲۸۸، ۲۹۰ برق ۱۰۹ برمـاتسم ۳۹۴ برنامه‌ریزی ۱۲۶ برنج ۴۳۵ برهان ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۶۲ البرهان فی علوم القرآن ۳۶، ۴۷، ۵۱، ۷۳ برهان، سعید ناصر ۳۱۷ بزهکاری ۴۰۲ بشارت ۱۴۷ بطلمیوس ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۸۵ بطلمیوس دلس ۱۵۹ بطلمیوس غریب ۱۵۹ بطلمیوس قلوذی ۱۵۹ بطون قرآن ۳۹ بعثت ۳۱۳، ۳۶۲ بعثت انبیاء ۲۶۸ بعثت پیامبران ۲۶۸ بقراط ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۷ بکرزائی ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷ بلاشر ۱۴۶، ۱۴۷ بلاغت ۱۵، ۲۹، ۵۳، ۶۶، ۷۲، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۳۱، ۴۵۱ بلاغی، شـیخ محمد جواد ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷ بلاغی، صدر الدین ۱۴۶ بلخی ۴۵۳ بلعم باعورا ۱۳۷ بلقیس ۶۶ بلوط ۱۲۳، ۲۴۰ بلوغ ۳۹۴، ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۵۵، ۵۵۵ بلوغ جنسی ۵۵۵ بلـوغ علمی ۵۵۵ بند ناف ۴۹۷، ۵۳۸ بندگان ۳۰۲، ۳۷۵، ۳۷۸ بنی‌آدم ۲۷۰، ۲۷۱ بنی اسرائیل ۱۱۲ بنی عامر ۳۰۲ بنیادهای دینی مسیحیت ۲۸ بوتولیسم ۳۲۳ بودائیسم ۳۰۳ بوفن ۴۳۳ بوکـای، دکتر موریس ۲۴، ۳۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۴۶، ۱۶۴، ۲۰۵، ۲۴۱، ۲۶۶، ۴۳۳، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۶۴، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۶۴ بول ۳۴۹، ۳۵۸ بول دان ۳۰۶ بولمان ۴۱۱ بویایی ۵۳۴ بهائی ۲۳۱ بهائیان ۲۲۶ بهادری، دکتر مسلم ۴۴۴، ۴۵۸، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۰۹، ۵۳۱، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۵۲ بهبودی، محمد باقر ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱ بهداشت ۸۷، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۵۱، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۸، ۴۲۷ بهداشت اجتماعی ۳۰۴ بهداشت ازدواج از نظر اسلام ۴۴۴ بهداشت پوست ۳۵۲ بهداشت روان ۳۹۵ بهداشت روانی ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴ بهداشت شخصی ۳۴۹ بهداشت غذائی ۳۰۱ بهـداشت محیط ۳۶۷ بهزاد، دکـتر محمـود ۱۰۰ بهشـت ۱۳۵، ۴۰۶، ۵۲۱ بهشـتی ۲۳ بهشـتی، دکتر احمـد ۴۶۴ بی‌آزار شیرازی، عبـد الکریم ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۳، ۲۱۳، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۴، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۵۹، ۴۷۶، ۴۸۶، ۴۹۰، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۲۷، ۵۳۹ بی‌غیرتی ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۷۸ بی‌مهرگان ۴۶۴ البیان فی تفسیر القرآن ۶۰، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۱۵۷، ۲۲۶ بیدادگری ۳۹۷ بیروت ۲۶، ۳۵، ۳۶، ۴۷، ۸۳، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۲۲۰، ۲۸۱، ۲۸۹، ۳۲۳، ۴۸۸ البیرونی، ابوریحان ۱۴۹، ۱۷۱، ۲۹۸ بیستون، جان ۳۸۱ بیضاوی، بهروز ۴۹، ۹۶، ۱۶۷، ۲۰۹، ۲۷۹ بیضه ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۵، ۴۶۳، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۱۸ بیضه‌ها ۳۴۵، ۳۷۱، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۷۷ بیمارسـتان احمـد بن طولـون ۲۹۷ بیمارسـتان اورام سـرطانی ایسـلر ۴۱۰ بیمارسـتان صحرائی ۲۹۷ بیمارسـتان کبیر منصوری ۲۹۷ بیمارستان نور الدین ۲۹۷ بیماری مغزی ورنیکه ۳۴۶ بیماری مفصلی ۳۱۰ بیماری وایل ۳۲۱ بیماری‌های اخلاقی ۳۷۷ بیماری‌های آمیزشـی ۳۷۲، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۴ بیماری‌هـای انگلی ۴۰۹ بیماری‌هـای پوست ۳۴۴ بیماری‌هـای پوستی ۳۸۰، ۴۰۷، ۴۱۰ بیماری‌های تنفسـی ۴۱۳ بیماری‌هـای چشم ۴۱۳ بیماری‌هـای روانی ۳۴۶، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۴ بیماری‌هـای روحی و روانی ۴۰۳، ۴۰۵

بیماری‌های زنان و زایمان ۴۱۴ بیماری‌های عصبی ۳۴۸ بیماری‌های عفونی ۳۴۴ بیماری‌های قلبی ۴۱۵ بیماری‌های کبدی ۴۱۲ بیماری‌های کلیه ۴۱۵ بیماری‌های گوارشی ۳۴۲، ۳۵۲ بیماری‌های گوش، حلق و بینی ۴۱۴ بیماری‌های مقاربتی ۳۸۰، ۳۸۱ بیماریهای فکری و اخلاقی ۳۹۶ بیماریهای قلبی ۳۴۴ بینایی ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۷ بیّنه ۵۴، ۵۵، ۶۲ بیوشیمی گیاهی ۲۲۰ بیولوژی ۱۱۷، ۵۲۷ بیهوشی ۳۳۹، ۳۴۶ «پ» پادشاهان ۱۴۱، ۲۳۶ پاراتیروئید ۵۰۹ پارانشیم ۵۰۹ پارتنوژنز ۴۶۳ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۳ پارسائی ۶۵ پاژت، سرجیمز ۳۲۳ پاک‌نژاد، دکتر سید رضا ۱۷، ۳۰، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۳۳، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۰، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۸، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۷، ۵۴۲، ۵۵۱ پاکدامن ۳۸۶ پاکدامنی ۶۵، ۳۷۵ پاکیزه ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۳۱، ۳۴۹، ۳۵۵ پاندول فوکو ۱۹۰ پایان جهان ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۴ پتاسیم ۴۰۸، ۴۳۵، ۴۳۹ پدر و مادر ۳۲۸، ۴۰۲، ۴۳۲ پرتو درمانی ۴۰۹ پرتوپلاسم ۲۴۶ پرتون ۲۱۲، ۲۷۸ پرتوی از قرآن ۱۴۶ پرده آمینون ۴۸۹ پرده کورین ۴۸۹ پرزهای چشایی ۳۴۲ پرسشها و پاسخهای مذهبی ۴۶۴ پرسمن ۴۰۰ پرندگان ۱۲۳، ۲۰۱، ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۵۹ پرنده ۵۵، ۱۸۰، ۲۴۸ پرواز ۱۷۹، ۱۸۰ پروتئین ۳۲۹، ۳۴۲، ۴۱۵ پروتئین‌ها ۳۰۸ پروتون ۴۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۶ پرودکسین ۴۰۷ پروست ۳۲۶ پروستات ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۷۷ پروکسیداز ۴۰۷ پرهیزکاران ۱۴۳ پری‌درم ۵۱۰ پریمات‌ها ۲۵۵ پزشک ۲۳ پزشکان ۱۵، ۲۸، ۳۰، ۶۶، ۲۴۶، ۲۷۷، ۲۹۷، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۳۹، ۳۵۱، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۷۲، ۳۸۱، ۴۰۲، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۸۴، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۵۲، ۵۶۱ پزشکان قانونی ۵۴۶ پستان ۱۵۸، ۳۴۵، ۵۰۹ پستانداران ۱۱۸، ۱۲۳، ۲۴۱، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۵۹ پسر ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۷ پلاسما ۹۶، ۱۴۵، ۳۲۵، ۳۲۸ پلانک، ماکس ۲۷۹ پلوتن ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱ پلوتون ۱۵۹ پلیس ۳۳۸ پنجگام ۴۶۴ پنجه گرگ‌ها ۱۲۳، ۲۴۰ پنی‌سیلین ۳۸۱، ۳۸۲ پنیر ۳۰۳، ۳۱۱ پودولسکی، دکتر ۳۹۳ پور سعید، اسماعیل ۳۹۴ پوزیترونها ۹۵ پوزیتیویست‌ها ۲۳، ۳۴ پوست ۴۱۱، ۴۸۹ پوسیدگی دندان ۳۱۰ پول ۶۵ پولن ۲۸۷ پیام قرآن ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۵۱، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۴۵، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۷۴، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۵۸، ۵۶۲ پیامبر (ص) ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۷، ۴۴، ۵۷، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۸، ۱۰۲، ۱۴۸، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۹۷، ۴۰۵، ۴۱۲، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۷۶، ۴۸۲ پیامبران الهی ۵۴، ۶۶، ۳۸۵ پیدایش آسمانها ۲۶ پیدایش انسان ۲۵۴ پیدایش جهان ۹۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۰ پیدایش جهان هستی ۱۰۹ پیدایش حیات ۴۲، ۱۱۷، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۵۷ پیدایش خورشید ۱۱۶ پیدایش زمین ۱۱۶ پیدایش شب و روز ۱۲۵ پیدایش کوهها ۱۲۳ پیدایش موجودات ۹۹ پیدایش و مرگ خورشید ۱۱۵، ۲۱۲ پیرزنان ۴۱۸ پیرمردان ۴۱۸ پیروان فلسفه ارسطوئی ۲۶ پیری زودرس ۳۱۱، ۳۹۴ پیشرفت علوم و صنایع ۴۴ پیشگوئی‌های علمی قرآن ۱۶۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۴۷، ۲۹۱، ۴۴۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۱ پیشگیری از بیماری‌ها ۳۵۴ پیغمبر اولوا العزم ۲۶۸ پیک انتروپ ۲۵۵ پیمان اجتماعی ۳۷۶ «ت» تابستان ۱۶۱، ۱۹۳، ۲۳۶ تابعین ۴۴۸ تاریخ ۴۰۳، ۴۳۶، ۵۰۸ تاریخ اسلام ۴۶ تاریخ آفرینش ۱۴۴ تاریخ البیمارستانات فی الاسلام ۲۹۷ تاریخ التمدن الاسلامی ۲۵ تاریخ بشر ۲۴۴، ۳۷۸ تاریخ پیامبر (ص) ۵۰ تاریخ تمدن ۲۵۶ تاریخ حکماء ۱۵۹ تاریخ زمین ۲۴۰ تاریخ‌شناسی ۴۱ تاریخ علم ۱۷۰، ۲۵۰ تاریخ علوم ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۷۰، ۲۷۹، ۲۹۷ تاریخ علوم قرآن ۷۸ تاریخ فلسفه، از بنتام تا راسل ۴۲ تاریخ نهضتهای دینی سیاسی معاصر ۲۸ تاریخ و علوم قرآن ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۷۳ تاریخچه زمان ۹۵، ۱۴۴ تاریکی ۱۵۶، ۲۰۷، ۲۱۰ تازیانه ۳۷۶، ۳۸۲، ۳۸۳ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۴ تاژک داران ۲۸۴ تالس ۱۰۹، ۲۴۳ تأمل در قرآن ۲۳۱ تانگانیکای ۲۵۴ تئوری نور ۱۴۹ تأویل ۳۱، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۱۹۴ تب ۴۰۹ تب تیفوئید ۳۴۴ تبادل فرهنگی ۲۵ تبریزی ۲۴۰ تجاوز به حقوق دیگران ۳۴۰ تجاوز جنسی ۳۴۰، ۳۷۹ تجربه ۳۲، ۳۴، ۲۵۲، ۳۲۵، ۵۳۴ تجربه خانه ۲۹۸ تجربه علمی ۵۰ تجرید الاعتقاد ۵۹ تجزیه نور ۱۴۴ تجسس ۴۰۲ تجلیل، ابو طالب ۱۷۲ تحدی ۵۴، ۶۰، ۶۲، ۶۳،

۶۴، ۶۵، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۲۳۲، ۴۲۷ تحریر الوسیلة ۶۳، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۷۰، ۳۷۹، ۳۸۹، ۳۹۲، ۴۲۱، ۴۲۶، ۵۴۱، ۵۵۵ تحریک اعصاب ۳۵۲ تحریک پایانه‌های عصبی ۳۵۸ تحریم شراب ۳۳۵، ۳۴۸ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۹۴، ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۶، ۲۳۶، ۲۴۸، ۴۳۸، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۹۴، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۱۱، ۵۳۰، ۵۵۵ تحقیقات تاریخی و ادبی ۲۴ تحقیقات تجربی ۳۹۹، ۴۰۴ تحلیل زبانی ۴۲ تحول انسان ۲۷۳ تخم ۳۰۶، ۴۴۷، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۷۵، ۴۸۶ تخم مرغ ۳۰۳ تخمدان ۳۷۲، ۴۳۳، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۳، ۴۶۹، ۴۹۱، ۵۱۴، ۵۱۸ تخمک ۳۷۲، ۳۷۴، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۷، ۵۱۶ تخمیر ۲۴۰، ۳۳۱ تدبیر الهی ۲۳۷ تدوین سوره‌های قرآن ۲۲۱ ترائب ۴۴۳، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۶ تراخم ۴۱۳ تراکم انرژی ۲۷۹ ترانسفورمیسم ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳ تربیت ۳۸، ۳۸۰، ۳۹۶ تربیت شدگان مکتب قرآن ۳۹۷ ترتیب عناصر ۲۷ ترحم ۳۸۳ ترس ۵۵۸ ترک زبان ۳۴۲ ترکیبات آهن ۳۲۸ ترمودینامیک ۲۱۳، ۲۱۵ تروفوبلاست ۴۹۶ تری شینوز ۳۲۲ تریاک ۳۹۳ تسبیح ۱۹۶ تسخیر ستارگان ۱۴۵ تسخیر ماه ۵۰ تسعهٔ عشر ۲۲۱، ۲۲۵ تسعهٔ عشر ملکا، بیان ان فریهٔ الاعجاز العددی للقرآن خدعهٔ بهائیهٔ ۲۲۶ تسلیم ۴۰۱ تشریح ۴۲۹ تشریح مقایسه‌ای ۲۵۲ تشمع کبد ۳۴۳ تصلب شرایین ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳ تصویر جهان در فیزیک جدید ۲۷۹ تضادهای طبقاتی ۲۶۸ تضادهای علوم ۵۳ تطور هنر ۱۱۹ تعادل روحی ۳۹۵ تعارض بین علم و دین ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۵۲، ۸۲، ۱۲۰ تعارض علم و قرآن ۱۶ تعالی روحی ۴۲۵ تعالیم اسلامی ۳۳۷ تعدد زوجات ۳۷۴ تعلیق الخبراء ۱۲۹، ۱۳۰ تعلیم ۶۳، ۶۵ تعلیم و تربیت ۳۹۷، ۵۳۴ تعهد مذهبی ۳۹۹ تغذیه ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۲۵، ۳۷۲، ۵۲۴ تغییر وضع اجتماعی ۳۱ تفسیر اطیب البیان ۵۹، ۱۳۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۶، ۳۰۸، ۳۳۲، ۵۲۲ تفسیر آلاء الرحمن ۷۴، ۷۷ تفسیر الایات الکونیهٔ فی القرآن الکریم ۱۱۹ تفسیر البصائر ۴۴۶، ۴۴۷ تفسیر الجواهر ۱۷، ۳۸، ۹۹، ۱۳۳، ۱۶۳، ۲۸۲ تفسیر الجوهری ۴۸۱ تفسیر الدر المنثور ۲۱۵ التفسیر العلمی للآیات الکونیهٔ فی القرآن ۱۱۸ التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان ۸۳، ۱۲۹، ۱۳۰، ۲۷۳، ۲۹۱ تفسیر القرآن الحکیم (المنار) ۳۸ تفسیر القرآن العظیم ۴۴۷ تفسیر البصائر ۴۴۸ تفسیر الکشاف ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۱۲۲، ۲۰۰، ۴۴۴ تفسیر المنار ۲۰۲، ۴۵۲ تفسیر برهان ۱۰۷، ۱۵۱ تفسیر به رأی ۳۱، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۸۵ تفسیر پرتوی از قرآن ۱۷۷ تفسیر تبیان ۵۹، ۴۵۳ تفسیر جواهر القرآن ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۴۷ تفسیر روح المعانی ۲۱۵ تفسیر صافی ۳۶، ۴۰، ۹۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۳ تفسیر طبری ۱۶۰ تفسیر عقلی ۴۶ تفسیر علمی ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۸۵ تفسیر علی بن ابراهیم ۱۵۱، ۱۹۹ تفسیر عیاشی ۱۵۱، ۴۶۷ تفسیر فلسفی ۲۲ تفسیر قرآن ۱۵، ۲۱، ۲۶، ۳۲، ۵۱، ۵۲ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۵ تفسیر قرطبی ۳۳۳ تفسیر قمی ۹۸، ۱۰۴ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) ۲۶، ۹۸، ۹۹، ۱۲۹، ۱۳۹، ۲۰۰، ۲۱۵، ۴۴۵، ۴۸۳ تفسیر محاسن التأویل ۱۲۹ تفسیر مراغی ۳۷۳ تفسیر منهج الصادقین ۵۹، ۲۸۸ تفسیر نمونه ۱۷، ۳۰، ۳۸، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۸۱، ۸۲، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۴، ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۲ ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۶، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۴، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۱۲، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۶۳ تفسیر نور الثقلین ۳۷، ۹۷، ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۰۳، ۳۳۳، ۵۲۵ تفسیر نوین ۲۸۱ التفسیر و المفسرون ۲۲، ۲۶، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۷، ۵۱، ۵۳، ۱۲۷ تقرب الی الله ۴۵ تقرب انسان ۳۴۸ تقطیر ۲۹۰ تقلید ۲۴۵ تقلید کورکورانه ۳۰ تک سلولی

۲۳۸، ۲۵۰، ۲۸۳، ۲۸۴ تک یاختگان ۲۸۴، ۲۸۵ تکامل اجتماعی ۲۵۰ تکامل آفرینش ۱۱۸ تکامل انواع ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۷۳ تکامل جسمی ۲۵۰ تکامل در قرآن ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۶، ۵۲۶ تکامل روحی ۴۰۳ تکثیر جنسی ۲۸۵ تکثیر غیر جنسی ۲۸۵ تکلیف ۶۰، ۴۷۲، ۴۷۹ تکوین خورشید ۱۰۰ تلقیح ابرها ۲۸۸ تلقیح گیاهان ۲۹۲ تلقیح مصنوعی ۲۹۰ تمثیل منطقی ۸۷ تمدن ۲۸، ۴۳ تمدن اسلامی ۴۴، ۳۲۶ تمدن آشولی ۲۵۶ تمدن زمین ۱۹۷ تمدن ما قبل شلی ۲۵۶ تمدن و علوم اسلامی ۴۳۵، ۴۸۴ تمدن و فرهنگ ۲۹ تمساح‌ها ۲۵۸ التمهید فی علوم القرآن ۵۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۹۹، ۱۴۷، ۱۵۲، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۵۰، ۳۷۳، ۴۰۸، ۴۳۲، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۶۹، ۴۷۹، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۶ تنبلی ۳۱۱ تنظیم رفتارهای جنسی ۴۵۴ تنفیه ۴۰۹ تنگی نفس ۳۴۰، ۳۶۷، ۳۹۳ توبه ۳۵۷، ۳۷۸ توحید ۷۳، ۷۴، ۱۷۳، ۳۹۹، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۵ توحید قرآنی ۳۹۹ توده‌های زحمتکش ۴۳ تورات ۲۴، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۲۴۹، ۳۱۳، ۳۲۷، ۳۳۵، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۶۳، ۳۶۹، ۳۷۸، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۷، ۴۶۶، توکل ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳ توکلی صابری، علیرضا ۱۹۷ تولد ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸ تولد طفل ۴۳۲ تهافت الفلاسفه ۲۵ تهذیب ۴۲۲ تهذیب الاخلاق ۲۵۰ التهذیب ۲۴۸ تهران ۲۷، ۱۲۷، ۳۹۸، ۴۴۴، ۴۶۰، ۴۸۴، ۵۰۹، ۵۳۱ تهمت ۴۰۲ تیر و کمان ۲۵۵ تیروئید ۵۰۹ تیفوئید ۳۱۰، ۳۵۲ تیمارستانها ۲۹۸ تیمم ۲۹۹، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۷۰ «ث» ثبات انواع ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶ ثبات زمین ۱۸۴ ثروت ۶۵ ثقل اصغر ۲۱ ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن ۷۳ «ج» جائی، دکتر کنعان ۱۶۹، ۴۵۰ جابر بن حیان ۳۳۵ الجابی، سلیم ۱۰۳ جادو ۶۳ جادوگر ۶۴ جاذبه ۲۱۱ جاذبه خورشید ۱۵۰، ۱۷۲ جاذبه زمین ۱۵۰ جالینوس ۴۷۹، ۵۱۵، ۵۴۱، ۵۴۳ جامد ۱۱۹ جامع البیان فی تفسیر القرآن ۱۶۰ جامعه اسلامی ۵۴۱ جامعه انسانی ۲۶۹ جامعه بی‌طبقه ۳۱ جامعه‌شناسان ۳۹۸ جامعه‌شناسی ۳۴ جامعه عرب ۷۶، ۴۲۹ جامعه عرب جاهلی ۳۴۷ جامعه مدرسین ۵۹، ۶۰، ۸۶، ۲۹۹ جانداران ۲۵۱ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۶ جانداران ذره‌بینی ۴۶۴ جانوران ۲۰۰، ۲۶۶ جاهلیت ۳۷۸ جایگاه ثوابت ۱۳۳ جبر ۴۷ جبرئیل ۳۶۲، ۴۶۶، ۴۸۲، ۴۸۳ جبون ۳۹۳ جدل ۴۷ جرائم جنسی ۳۳۸ جراحی شکم ۳۹۸ جرب ۳۴۲، ۳۵۹ جرثومه حیات ۲۴۶ الجرجانی، عبد القادر ۷۲ جریان خون ۳۵۸ جریانهای الکتریکی ۹۷ جزائر فلکی ۱۱۷ جزائری، دکتر غیاث الدین ۳۱۱ جزر و مد ۲۵۳ جزیرة العرب ۴۳، ۷۵، ۱۲۰، ۳۹۷ جزیرة العرب ۱۲۰ جعفر بن ابی طالب ۴۱۷ جعفری، منصوره ۳۹۹ جفت ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳ جگر سیاه ۳۲۸ جلبک‌ها ۱۲۳، ۲۴۰ جلبک‌های دریایی ۲۴۳ جلق زدن ۳۹۱، ۳۹۳ جلوه‌های فیض ۴۳ جلیلوند، محمد امین ۴۰۲ جم‌نشان، کورش ۲۲۵، ۲۲۹ جماع ۳۷۰ جمعه ۱۱۲، ۳۶۰ الجمیلی، دکتر سید ۱۵۷، ۱۶۸، ۳۱۱، ۳۲۳، ۳۳۷، ۳۴۷، ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۸۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۲۴، ۴۸۹ جن ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۸۱، ۲۰۲، ۴۳۸ جنابت ۳۵۷ جنات ۲۲۹ جنایت ۳۳۶، ۳۴۰ جنب ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۷۰ جنبندگان ۱۱۸، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۵۷، ۲۵۹ جنس نر ۲۵۸ جنگ ۳۷، ۷۵، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۱، ۳۹۶ جنگ بدر ۲۹۷ جنوب ۱۸۷، ۱۸۸ جنون کورساکوف ۳۴۶ جنین ۲۴۶، ۲۶۲، ۳۳۹، ۳۷۲، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۸، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۳ جنین‌شناسی ۲۵۲، ۴۳۳، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۲۳، ۵۳۶ جو زمین ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۴، ۲۰۰ جوامع اسلامی ۳۰، ۳۱، ۳۲، جوامع صنعتی ۳۸۲ جوامع مذهبی ۴۰۱ جوانان ۴۲۲ جوانان مسلمان ۳۱ جوانان، ازدواج و مسائل جنسی ۳۹۴ جوانه زدن ۲۸۵ جواهر الکلام ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۹۲ الجواهر فی تفسیر القرآن ۳۶، ۱۶۳، ۲۸۲ جوش هسته‌ای ۲۰۹ جوشش هسته‌ای ۱۶۷ الجوهر، طلحة ۲۲۵ جوهری‌زاده، محمد رضا ۴۳۵، ۴۸۴ جهاد دانشگاهی ۲۸۵ جهالت ۲۸۱ جهان ۴۰، ۴۱، ۴۲ جهان اسلام ۲۹، ۳۲، ۱۲۷، ۲۳۱ جهان آفرینش ۲۴۵ جهان دانش، فرهنگ دانستنیها ۱۷۶، ۱۹۴، ۲۹۸، ۳۳۵ جهان هستی ۱۰۵، ۱۹۸، ۲۳۸ جهان‌های دور ۱۵۰ جهانیان ۲۰۲ جهل ۲۵، ۲۹۷، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۹۳ جهل مرکب ۴۴ جهنم ۲۲۷، ۵۲۱ جینز، جمیس ۱۱۵ «چ» چاقی ۳۱۰، ۴۲۲، ۴۲۳ چای ۳۳۵، ۴۱۵ چراغی، علی ۳۰۳، ۴۸۰ چربی ۳۱۰، ۳۲۱، ۳۴۳،

۳۵۲، ۴۲۳، ۴۲۴ چربی‌ها ۳۰۸ چشم ۳۴۱، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۷۳، ۵۰۹، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷ چشم‌چرانی ۳۷۵ چهارپایان ۲۴۲، ۲۶۰ «ح» حائض ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳ حاجیان ۳۶۵ حاد ۲۹، ۵۳ حاکمیت قانون ۳۹۷ حاملگی ۴۷۲ حبوبات ۳۰۲ حج ۱۰۷، ۳۶۳، ۴۱۹ حجاب ۳۷۵، ۳۸۲، ۴۰۲ حجازی، سید جمال الدین ۵۱۹ حجت ۵۶، ۵۷ حد ۳۷۸، ۵۴۱ حد المسکر ۳۳۶ حد زنا ۳۸۳ حدود ۳۷ حدود کیفری ۳۷۹ حرا ۳۶۲ حرارت طبیعی بدن ۳۵۳ حرام ۸۵، ۸۶، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۴۸، ۳۷۰، ۳۸۹ حرکت ابرها ۱۷۳ حرکت ارتعاشی شمسی ۱۷۲ حرکت ارتعاشی قمری ۱۷۲ حرکت اقبالیه زمین ۱۷۲ حرکت انبساطی جهان ۲۰۸ حرکت انتقالی ۴۹، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۷ حرکت انتقالی آفتاب ۱۶۶ حرکت انتقالی خورشید ۵۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۲ حرکت انتقالی زمین ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۰ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۷ حرکت پوسته زمین ۱۸۴ حرکت تقدیم اعتدال ربیعی و خریفی ۱۷۲ حرکت حسی ۱۸۲ حرکت خورشید ۴۴، ۸۲، ۱۲۷، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۸ حرکت درونی خورشید ۱۶۹ حرکت دورانی ۱۶۳ حرکت دورانی خورشید ۱۶۹ حرکت زمانی ۱۶۹ حرکت زمین ۴۴، ۵۰، ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۲ حرکت ظاهری ۱۶۴ حرکت قاره‌ای ۱۸۴ حرکت کرات آسمانی ۱۸۳ حرکت کوهها ۱۷۳، ۱۷۴ حرکت وضعی ۱۱۲، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰ حرکت وضعی خورشید ۱۶۵، ۱۶۶، حرکت وضعی زمین ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۴ حروف مقطعه ۴۷، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۷ حروف نورانی ۲۲۱ حس ۳۲، ۱۶۴، ۲۵۲ حساب ۴۷ حساب ابجد ۳۶ حسادت ۳۹۳ حسب النبی، دکتر منصور محمد ۱۶۳ حسد ۳۹۶ حسن‌پور، فاطمه ۳۹۹ حسن عدل ۸۹ حسین بن خالد ۱۵۱ حسین مهران، دکتر جمال الدین ۳۵۳، ۴۲۴ حسینی طباطبایی، مصطفی ۲۲۳ حسینی طهرانی، علامه ۴۶۴ حسینیه ارشاد ۴۲ حشرات ۱۱۰، ۲۳۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۴۶۳، ۴۶۴ حشره ۲۴۵ حشیش ۳۴۷ حضور قلب ۴۲۷ حفره آمینون ۴۸۹ حق الیقین ۷۶ حق‌طلبی ۶۵ حقانیت ادیان الهی ۳۱۸ حقانیت اسلام ۳۰، ۵۲، ۸۸ حقیقی، ک. م. ۲۳۹، ۲۷۹، ۲۸۹، ۴۸۵ حکم ارشادی ۳۰۷ حکم الهی ۳۷۷ حکم تأسیسی ۳۰۴، ۳۵۳، ۴۲۵ حکم شرعی ۸۷، ۳۷۷ حکما ۷۳ حکمای فارس ۱۸۷ حکمت ۴۰، ۷۷، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۱۳۸، ۳۰۵ حکمت الهی ۶۴ حکومت ۳۷، ۲۳۷ حکومت الحادی کمونیستی ۲۸ حکومت الهی ۱۲۸ حکیم، سید محمد باقر ۶۱، ۷۶، ۳۴۷ حکیمی، محمد رضا ۲۹۸ حلال ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۹ حلب ۳۴۰ حلبی، دکتر علی اصغر ۲۸ حلق ۳۴۲ حلیة المتقین ۳۶۶ حمام ۲۹۸ حمله به دین ۲۸ حمله میکروبی ۳۱۷ حمید الله ۱۶۴، ۴۷۶ حنجره ۳۴۵، ۵۳۴ حنفی، احمد ۱۱۸ حوا ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۸۳، ۴۳۳، ۴۶۶، ۴۶۷ حواریان ۴۲۰ حیات ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۲۳، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۶ حیات جاویدان ۲۴۶ حیات حیوانی ۵۲۴ حیات نباتی ۵۲۴ حیض ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۲۰، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶ حیوان ۲۰۲، ۲۵۱، ۲۸۹، ۳۷۹، ۳۸۰، ۵۲۴ حیوان جلال ۳۰۶ حیوانات ۹۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۰۰، ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۷، ۴۲۰، ۴۳۶ حیوانات بسیط ۲۳۸ حیوانات تک سلولی ۲۳۷ حیوانات دریایی ۲۵۷ حیوانات غول‌پیکر ۱۹۹ «خ» خاخامهای یهود ۱۲۷ خاصیت شیمو تاکسی ۴۵۹ خاک ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۹، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۴، ۳۰۶، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۶۱، ۴۸۲، ۵۰۰، ۵۳۴ خالقی، دکتر روح اللّه ۳۹۴ خانواده ۳۸۰، ۴۰۲، ۵۴۷، ۵۴۹ خانواده و مسائل جنسی کودکان ۳۹۴ خانه خدا ۳۶۶ خانه‌سازی ۲۰۰ خباثت ۳۰۶ خبیث ۳۰۳ خداشناسی ۳۸، ۲۵۳، ۲۹۸، ۴۲۹ خدمات بهداشتی ۳۶۴ خدیجه (س) ۳۶۲ خرافات ۴۴، ۳۰۲، ۵۴۴ خرده سیارات آستروئید ۱۳۱ خرگوش ۴۶۴، ۵۱۹ خرما ۲۷۸، ۳۳۱، ۳۳۲، ۴۰۸ خرمشاهی، بهاء الدین ۲۴، ۴۲ خروس ۳۲۱ خزائلی ۵۳۵ خزاعه ۳۰۲ خزندگان ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۲۳، ۲۴۲، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰ خزنده ۲۵۳ خسران ۳۹۵ خشکبار ۴۳۵ خشکسالی ۲۱۵ خشوع ۴۲۷ خضوع ۳۵۱، ۴۲۷ الخطیب، عبد الغنی ۱۰۹، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۵۷، ۴۴۲ خلاصه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان ۴۰۲ خلط ۳۰۶ خلق ۲۴۸، ۲۴۹ خلق نیکو ۳۸۳ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۸ خلقت ۱۲۰، ۲۴۴، ۴۶۱ خلقت آدم ۲۶۸ خلقت از خاک ۲۷۳ خلقت آسمان ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۸ خلقت آسمان و زمین ۹۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴ خلقت

آسمانها ۲۵، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵ خلقت آسمانها و زمین ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۹ خلقت انسان ۴۳، ۴۴، ۱۲۱، ۱۲۴، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۹، ۴۲۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۷۶، ۴۸۸ خلقت جهان ۹۶، ۱۰۸، ۱۱۴، ۲۴۳ خلقت حیوانات ۲۶۰ خلقت زمین ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۲۳۹ خلقت کوهها ۱۲۱، ۱۲۲ خلیفه، رشاد ۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲ خمر ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۳ خمینی (ره)، امام روح الله الموسوی ۶۳، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۵۷، ۳۷۰ خناق سینه ۳۱۰، ۴۱۵، ۴۲۲ خواب ۳۱۱، ۳۵۰، ۳۵۱ خواب‌آلودگی ۳۳۳ خوابگردها ۱۶۰، ۱۷۰، ۱۷۱ خوئی، آیة الله سید ابو القاسم ۶۰، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۱۷۵، ۲۸۹، ۵۲۳ خوتکین ۴۱۲ خودارضائی ۳۹۱، ۳۹۳ خودکشی ۳۳۸، ۳۴۰، ۴۰۱ خورشید ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۴۰ خوک ۳۰۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۵ خون ۸۷، ۸۹، ۲۵۵، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۹، ۳۴۹، ۳۷۲، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۶، ۵۰۷ خون بسته ۲۷۶ خونریزی معده ۳۴۲ خیابان‌ها ۳۶۵ خیال ۶۴ خیانت ۳۴۰ «د» داء الحصاف الکلی ۳۴۲ داء الرقص ۴۱۶ دائم الخمر ۳۳۷ دادفرما ۹۵، ۱۴۴ دادگاه تفتیش عقاید ۲۳، ۲۴ دار احیاء التراث العربی ۱۶۱، ۲۸۰ دار الشروق ۴۴۹ دار العلم للملایین ۲۲۰، ۵۰۷ دار العوده ۱۰۲، ۲۸۱، ۲۸۹ دار الفکر ۱۶۳، ۲۸۲ دار القتیبة ۸۳ دار القلم ۴۸۴ دار الکتاب العربی ۱۰۲ دار الکتب الاسلامیة ۲۳، ۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۴۴۴ دار الکتب العلمیة ۲۶، ۳۶ دار المعرفة ۳۵، ۳۶، ۴۷، ۱۶۰ دارو مکتبة الهلال ۳۲۳ داروخانه ۲۹۷ داروین ۲۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۸، ۲۷۲ داروینیسم ۲۵۳ داستان اوران ۴۱ داغدیدگی ۴۰۰ دانستنی‌های جهان علم ۱۹۷ دانش پزشکی ۵۱۸ دانش عصر فضا ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۹۷، ۲۰۰ دانش مسلمین ۲۹۸ دانشکده ادبیات ۱۲۳ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۲۴۱، ۲۵۴ دانشکده کشاورزی عین الشمس ۲۲۰ دانشگاه آریزونا ۲۲۰ دانشگاه علوم پزشکی تهران ۴۶۳ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران ۳۹۹ دانشگاه کالیفرنیا ۲۲۰ دانشگاه ناپل ۸۲ دانشگاه‌های اروپا ۲۵، ۲۹۸ دانشمندان اخترشناس ۱۹۷ دانشمندان اروپایی ۸۲ دانشمندان اسلامی ۲۹، ۱۷۱ دانشمندان امامیه ۲۷ دانشمندان دینی ۲۳ دانشمندان روم شرقی ۱۷۱ دانشمندان زیست‌شناس ۱۱۷، ۴۳۹ دانشمندان زیست‌شناس ۱۱۸ دانشمندان ستاره‌شناس ۲۱۳ دانشمندان عرب ۲۵۰ دانشمندان علوم طبیعی ۲۵۱ دانشمندان فضایی ۱۹۷، ۲۰۰ دانشمندان کیهان‌شناس ۹۳، ۱۴۶ دانشمندان مسلمان ۲۵، ۳۰، ۳۳، ۴۸، ۱۲۷ دانشمندان نجوم ۱۴۷ دانشمندان یونان قدیم ۴۴۲ دانیال ۴۲۰ داور مزدی، دکتر هرمز ۲۸۵ دایرة البروج ۱۷۲ دایره ۳۶، ۱۸۷ دایره استوایی ۱۷۲ دباغ‌ها ۳۲۱ دبس، موریس ۳۹۴ دبیر، مهندس ذبیح الله ۲۴، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۴۶، ۱۶۴، ۴۴۱، ۴۶۵ دبیری، دکتر ۴۶۴ دخانیات ۳۴۲ دختر ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۷ درباره دوران افلاک ۱۷۰ دراز، دکتر محمد عبد الله ۷۳ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن ۲۳، ۳۲، ۳۵، ۳۹، ۴۲، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۸۹ درجات دایره ۳۹ درخت ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۳۸ درخت خرما ۲۳۶ درختان ۱۱۳، ۲۴۳ درد ۳۹۸ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۸۹ دردهای مفصلی ۳۲۲ درماتوم ۵۰۹ درندگان ۳۲۶ درنده خوئی ۳۳۸ دروغ ۲۲۷، ۳۷۸ دروغ بستن بر خدا ۲۲۶ دریا ۱۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰ دریاها ۴۳، ۱۰۹، ۱۷۶، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۹۰، ۴۳۸ دریایی، رسول ۱۴۶، ۲۶۴، ۴۳۵ دزدی ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹ دستغیب، عبد الحسین ۳۰۸، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۴ دستگاه اداری تناسلی ۵۰۹ دستگاه تناسلی ۳۵۸، ۳۹۳، ۴۱۴، ۴۴۵، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۶، ۵۱۴ دستگاه تنفسی ۵۰۹ دستگاه عصبی ۵۰۹ دستگاه گردش خون ۳۵۳، ۴۲۳ دستگاه گوارش ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۴۲، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۹۶، ۵۰۷ دستگاه معدی روده‌ای ۵۰۹ دستگاه‌های راه شیری ۹۶ دستگاههای نجومی ۱۹۰ دستور زبان ۳۳ دستورات الهی ۳۵۵ دسیدوای ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۲ دف ۱۸۷ دفاع از حقایق دینی ۲۸ دفتر انتشارات اسلامی ۵۹، ۶۰، ۷۲، ۲۹۹، ۴۲۱ دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۲۴، ۳۰ دفضع، بسام ۲۴۲، ۲۶۳، ۵۱۶، ۵۴۲ دفن میت ۳۱۸، ۳۱۹ الدقر، دکتر نزار ۴۰۸ دلایل الاعجاز و

الشافیهٔ ۷۲ دلیل شرعی ۳۰۲ دلیل عقلی ۴۸، ۵۰، ۲۵۲ دم اسب‌ها ۱۲۳، ۲۴۰ دمای بدن ۳۵۸ دمشق ۱۰۳، ۱۹۸، ۲۱۴، ۴۸۴ دموکریت ۱۰۹ دنبلان ۳۰۶ دندان ۴۰۹ دنیای ستارگان ۱۵۰، ۱۶۰ دو جنسی ۴۶۲، ۴۶۳ دوالی الساقین ۴۲۶ دود ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۲۰۸، ۲۱۵ دوران بارداری ۲۵۵ دوران جاهلیت ۳۳۴ دوران جنینی ۲۶۷ دوران‌های زمین‌شناسی ۱۲۳ دورانت، ویل ۲۵۵، ۲۵۶ دوربین کیهانی پالومار ۱۴۴ دوره ایلخانی ۱۷۱ دوره چهارم یخبندان ۲۵۴ دوره ژوراسیک ۲۵۸ دوره‌های خلقت جهان ۱۰۵ دولت ۳۳۲، ۳۳۸ دونین ۲۴۰ ده فرمان ۳۷۸ دهان ۳۳۹، ۳۴۲، ۴۲۳، ۴۹۶، ۵۳۹ الدهان، سعید ناصر ۳۵۳، ۴۲۶ دی اکسید کربن ۳۲۸، ۳۳۹ دیاب، دکتر عبد الحمید ۳۰۳، ۳۲۲، ۳۲۸، ۳۳۹، ۴۰۷، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۹۰، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۶، ۵۱۴، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۳ دیرین‌شناسان ۱۲۳ دیرین‌شناسی ۲۵۲، ۲۵۸ دیمدرول ۴۱۳ دین ۳۷، ۳۸، ۲۶۸، ۳۲۱، ۳۳۸، ۳۶۳، ۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۰۱، ۴۰۳ دیوانگان ۲۹۸ دیوانه ۳۱۴ دیوثی ۳۲۱ دیه ۵۲۴ دیه قتل خطایی ۴۱۹ «ذ» ذات الریه ۴۱۳ ذات الهی ۲۲۱ ذبح ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۸ ذبح شرعی ۳۱۶ ذرات بنیادی ۲۸۲ ذرات مثبت و منفی ۲۸۰ ذوب هسته‌ای ۱۶۷ ذوق علمی ۵۲۱ ذهبی ۲۲ ذهن ۳۳، ۴۴، ۸۱، ۵۳۵ ذی القعده ۱۷۸ «ر» رابطه علم و دین ۲۴، ۳۰، ۴۴، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۸۱، ۲۸۸ رابطه قرآن با علم ۲۷ راز آسمانهای هفتگانه ۱۳۰ راز آفرینش ۲۴۵ راز حیات ۲۴۵ الرازی، فخر الدین ۲۵، ۲۶، ۷۲، ۹۸، ۹۹، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۹، ۲۰۰، ۲۱۵، ۲۳۸، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۸۳ رازی، محمد بن زکریا ۲۹۸، ۳۳۵ رأس الجدی ۱۹۴ رأس السرطان ۱۹۴ راستگوئی ۶۲ راسل، برتراند ۴۲ راشدی، لطیف ۱۵۲، ۲۸۱ راغب اصفهانی، ابو القاسم ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۷۳، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۰۲، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۵، ۲۸۷، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۷۲، ۴۳۴، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۸۳، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۱، ۵۵۰، ۵۵۳ رأفت ۳۷۶، ۳۸۳ رافعی، محمد صادق ۷۳ راه تکامل ۲۳، ۱۵۹، ۱۹۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۹، ۲۹۰ راههای خداشناسی در طبیعت ۱۷۲ رایانه ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۶ رباخواری ۳۹۸ ریس ۱۲۳ رجال سیاست ۸۲ رجحان، دکتر محمد صادق ۴۶۳ رجم ۳۷۹ رحلهٔ ۲۹۸ رحم ۲۴۷، ۲۷۱، ۲۷۶، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۵، ۴۳۰، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۱، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۰ ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۸، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۵۱ رحمت ۳۹۶ رحمت الهی ۴۰۵ رخوت ۳۵۰، ۴۴۵ رژیم‌های جبار ۴۳ رسائل ابن سینا ۲۶، ۱۲۷ رسالت ۳۶۲ رساله دوم پطرس رسول ۳۲۰ رساله دهم ۲۵۰ رساله رومیا ۴۲۰ رساله موائد ۱۷۸ رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۶، ۳۴۸، ۳۷۰، ۳۸۹، ۳۹۲، ۴۲۶، ۵۴۵ رستاخیز ۲۰۷، ۲۱۱، ۵۵۲ رستگاری جویباری ۴۴۶ رشته‌های عصبی ۴۴۵ رشد علم بشر ۱۱۹ رصدخانه لاول ۱۴۴ رضائی اصفهانی، محمد علی ۱۸، ۳۲ رضایی‌فر، مهندس جعفر ۹۹، ۱۶۳، ۱۹۶، ۲۰۵ رطوبت ۴۴۲ رعد و برق ۲۳۹ رعشه ۳۳۷، ۳۴۶ رفاعی، مهندس عدنان ۲۲۵، ۲۲۹ رفتارهای جنسی زنان ۳۴۵ رفع اضطراب و نگرانی ۴۰۰ رفع کسالت ۳۵۰ رفیع، دکتر عبد الناصر ۴۰۲ رکوع ۳۶۵، ۴۲۶ رگل ۳۷۲ رگهای خونی ۴۹۶ رمانی ۴۵۳ رنان، ارنست ۳۳۵ رنین ۵۵۷ روابط جنسی ۳۸۱، ۳۸۴ روابط نامشروع ۳۸۴ روانشناسان ۳۹۸ روانشناسی ۴۰۳ روبیدم ۴۳۵ روح ۳۱، ۱۱۷، ۱۲۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۳۰۴، ۳۳۲، ۴۰۵، ۴۶۶، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۶۲ روح اجتماعی ۴۸۶ روح القدس ۵۲۵ روح الهی ۴۶۶، ۵۲۸ روح انسان ۳۸۳ روح خدا ۴۱ روحانی، منوچهر ۱۶۰ روحیات ۳۲۹ رودخانه ۳۱۴، ۳۴۰ روده ۳۲۶، ۴۹۷ روده بزرگ ۴۲۳ روده‌ها ۳۴۳ روز ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۵۶، ۲۷۷ روز جزا ۳۷۷ روز واپسین ۴۰۱ روزنامه اطلاعات ۱۹۷، ۴۶۵ روزه ۴۳، ۸۵، ۲۹۹، ۳۴۹، ۳۹۲، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۵ روزه سکوت ۴۱۹ روزه‌های مستحبی ۴۲۱ روزه، درمان بیماری‌های روح و جسم ۴۲۱ روسو، پی‌یر ۱۷۰، ۲۷۹، ۲۹۷ روسیه ۲۸، ۴۰۷ روش اسلامی ۳۸۳ روش تربیتی قرآن ۳۳۴ روش حسی ۳۰، ۳۲ روش درمانی قرآن ۳۸۳ روش قیاسی ۳۱ روشنفکران ۳۰، ۳۲ روشنفکران مسلمان ۲۹ روغن زیتون ۴۱۵ روغن ماهی ۴۱۳ روم ۲۵، ۳۰، ۳۲، ۴۳، ۷۴ روی ۴۳۵ رویان‌شناسی پزشکی لانگمن ۴۴۴، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۹، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۲۸،

۵۳۱، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳ رهبری، احمد ۱۲۳، ۲۴۱، ۲۵۴ ری‌شهری، محمد محمدی ۳۴ ریاضی ۲۱۹ ریاضیات ۲۵، ۲۶، ۳۵، ۱۳۷ ریشتر ۲۴۶ ریووآر، ژان. ل ۵۱۹ ریه ۳۲۸، ۳۳۹، ۵۳۸ ریه‌ها ۴۲۳ «ز» زالو ۴۷۱، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷ زایمان ۳۵۶، ۴۱۴، ۵۵۲ زباله ۳۶۷ زبان ۳۴۲، ۳۴۵ زبان انگلیسی ۲۲۰ زبان دین ۴۲ زبان دینی ۲۷، ۴۲، ۱۲۸ زبان عرب ۷۲، ۸۰ زبان عربی ۲۱، ۲۸، ۳۲، ۷۹ زبان علم و دین ۱۲۰ زبان علمی ۴۲ زبان فارسی ۱۷۸ زبان فرانسه ۱۶۴ زبان قرآن ۴۱ زبان یونانی ۱۷۱ زبانهای گنگ ۴۰۵ زبور داود ۱۶۰ زحل ۲۶، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۹ زخم روده ۴۱۲ زخم قرنیه ۴۱۳ زخم معده ۳۴۰، ۴۱۱، ۴۱۲ زرتشت ۳۵۰ زرتشتیان ۳۱۴ زرکشی، بدر الدین محمد بن عبد الله ۳۶، ۷۳ زکام ۴۱۴ زکام حاد ۴۱۵ زگیل ۳۴۳ زلزله ۱۸۴، ۲۰۷، ۲۵۳ زمانی، مصطفی ۱۶۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۴۷، ۲۹۱، ۴۴۴، ۴۷۶، ۴۷۸ زمخشری، محمود بن عمر ۳۷، ۵۶، ۱۹۹، ۴۴۴ زمستان ۱۶۱، ۱۹۳، ۲۳۶ الزملکانی ۷۱، ۷۳ زمین ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۴۰، ۴۳، ۴۹، ۷۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۷، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۱ ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۵۷، ۲۷۷، ۳۰۱، ۵۱۳ زمین‌شناس ۱۰۹ زمین‌لرزه ۴۷ زمین و آسمان ۲۴۷ زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۳ زمین و زمان ۱۷۰ زمین‌شناسی ۴۱، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۲۴۱ زمین‌شناسی و تکامل ۱۲۳، ۲۴۱ زمین‌های هفتگانه ۱۰۳، ۱۲۶، ۱۴۱ زنا ۳۳۷، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۹، ۵۴۱، ۵۴۶ زناشویی ۳۵۵ زناکار ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۳ زناکاران ۳۷۷ زنان ۳۵۵ زنان پاک دامن ۴۱۷ زنان روزه‌دار ۴۱۷ زنان مؤمن ۳۷۶ زنای با محارم ۳۳۷ زنبور داران ۴۱۰ زنبور عسل ۴۰۶، ۴۰۸ زندگی اجتماعی ۲۶۹ زندگی، اسلام و دانش امروزی ۵۰۷ زنده به گور ۳۹۷ زنده جاوید و اعجاز جاویدان ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۰، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱ زوج ۲۲۵ زوج و فرد در قرآن ۲۲۵ زوجیت ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۵۴۴، ۵۴۸ زوجیت گیاهان ۳۰، ۴۴، ۴۹، ۷۵، ۸۲، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴ زوجیت ماده ۲۸۱ زوجیت میوه‌ها ۲۷۸، ۲۸۴ زهدان ۴۶۹ زهره ۲۶، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۷۲، ۲۰۹ زیارت ۳۵۷، ۳۶۳ زیانهای بهداشتی ۳۷۱ زیتون ۲۳۶ زیدان، جرجی ۲۵ زیست‌شناسان ۴۲، ۲۳۹، ۵۱۹ زیست‌شناس ۲۴۷ زیست‌شناسی ۳۴، ۱۱۹، ۲۴۴، ۵۱۰ «ژ» ژن ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۱ ژولیو ۲۱۲ ژیبون ۲۵۴ «س» ساحر ۶۳ ساحران ۶۴، ۶۵، ۶۶ سادات، مهندس محمد علی ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۰، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱ سادلر، توماس. وی ۴۴۴، ۴۵۸، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۰۸، ۵۳۱، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۲ سادیسم ۳۹۰ سازگاری علم و دین ۱۷، ۲۳ ساس ۳۵۹ ساکاراز ۴۱۱ ساکنان آسمان از نظر قرآن ۱۳۲، ۲۰۰ سالمونلا ۳۱۶ سالیدین ایتالیا ۲۹۸ سامی، محمد علی ۱۰۳، ۲۱۴، ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۸۴، ۳۹۰، ۴۲۴، ۴۲۶ سبحانی، آیة الله جعفر ۱۷۵، ۲۸۹، ۴۶۴ سبزواری، حاج ملا هادی ۱۲۸ سبزیجات ۴۳۵ سبع سموات ۲۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۸ سبعیت ۳۲۹ سپرز ۳۲۸ سپهر، مهدی ۱۷۱ ستارگان ۴۴، ۴۹، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۷۰، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۵ ستارگان ثابت ۱۹۷ ستاره ۱۰۹، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۰۵، ۲۰۹ ستاره دریایی ۴۶۳ ستاره‌شناسان ۲۱۲ ستاره عیوق ۱۴۵ ستاره محتضر ۲۰۹ ستاره وگا ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۲ ستاره‌های دنباله‌دار ۱۳۱ ستمکاران ۳۳ ستمگران ۳۹۵، ۳۹۷ ستون فقرات ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۴، ۵۰۷ ستون نامرئی ۱۵۲ ستون‌های نامرئی ۱۴۹ سجده ۱۹۶، ۲۲۶، ۲۶۰، ۲۶۲، ۳۴۹، ۳۵۱، ۴۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸ سجده فرشتگان ۲۶۱ سجده واجب ۳۵۷، ۳۷۰ سجود ۲۶۱، ۲۶۵ سحابی، دکتر ید الله ۲۶۹، ۴۷۶ سحابیهای سیاره‌نما ۲۰۹ سحر ۵۴، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴ سدوم ۳۸۸ سدیم ۴۰۸، ۴۳۵ سر احمد خان هندی ۲۸ سرگذشت زمین ۱۰۰ سرخرگها ۵۰۹ سرخس‌ها ۱۲۳، ۲۴۰ سردرد ۴۰۹ سرطان ۳۱۱، ۳۴۵، ۳۴۸، ۴۰۹، ۴۱۰ سرطان بیضه ۴۴۸ سرطان ریه ۳۱۱ سرطان زبان ۳۴۲ سرطان کبد ۳۴۳ سرطان لوزه ۳۴۵ سرطان مری ۳۴۲ سرطان معده ۳۴۲ سرفرازی، عباسعلی ۲۴، ۳۰، ۴۴، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۸۱، ۲۸۸ سرقت ۳۳۸ سرگذشت زمین ۲۴۶ پژوهشی در اعجاز

علمی قرآن، ص: ۵۹۲ سرگیجه ۳۲۳ سرماخوردگی ۴۱۴ سرنوشت زمین ۱۱۶ سریانی ۱۳۴ سزارین ۵۳۸ سستی اراده ۳۱۱ سعادت ۳۰۴، ۵۱۹، ۵۲۱ سعادت بشر ۱۵۲ سعد بن ابی وقاص ۳۳۴ سعید بن جبیر ۹۸ سعیدی، سید غلامرضا ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۹۰، ۴۱۶، ۴۸۴ سفال ۲۷۲ سفر ۷۵، ۳۵۷ سفر اعداد ۳۵۰، ۳۵۶، ۳۶۳ سفر پیدایش ۱۱۰، ۳۸۸، ۴۶۶ سفر تثنیه ۳۱۳، ۳۳۵، ۴۲۰ سفر خروج ۳۷۸، ۴۰۷ سفر داوران ۴۲۰ سفر فضایی ۱۹۷ سفر لاویان ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۵۰، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۹ سفر تثنیه ۳۰۵ سفینهٔ البحار ۱۹۹، ۳۹۲ سفینه‌های فضائی ۲۴۵ سقوط جنین ۳۸۰ السکاکی ۷۲ سکته ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۲۳ سکته مغزی ۳۴۸ سکر مرضی ۳۴۰ سکون خورشید ۱۶۰ سکون زمین ۱۸۴ سگ ۳۲۱، ۳۲۹، ۳۳۵، ۳۶۷ سل ۳۱۶، ۳۴۴ سل ریوی ۴۱۳ سلاطین ۲۳۷ سلامت روانی ۴۰۲ سلامت محیط ۴۰۲ سلامهٔ، دکتر علی محمد ۵۳۴ سلطان ۵۴، ۵۷ سلطنت ۱۲۸ سلکروتوم ۵۰۹، ۵۱۱ سلول ۲۴۱، ۲۸۴، ۳۰۷ سلول زنده ۲۴۵ سلول‌های مغزی ۳۴۲ سلولهای استخوانی ۵۱۲ سلولهای ماهیچه‌ای ۵۱۰، ۵۱۲ سلیفر ۱۴۴ سلیمان (ع) ۶۶ سلیمان، احمد محمد ۱۰۲، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۷، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۹، ۴۸۵ السمع و البصر فی القرآن الکریم ۵۳۴ سموئیل ۴۲۰ سمور ۲۵۴ سنت ۲۲۷، ۲۳۰ سنگ دل ۳۲۸ سنگ دلی ۳۲۹، ۳۳۰ سنگ کلیه ۳۱۱، ۳۱۲ سنگ مثانه ۴۱۵ سنگ‌های دو قلویی کلیه ۳۴۶ سنگامی ۲۸۵ سنگسار ۳۷۹ سنگهای آسمانی ۲۱۲ سنن ابی داوود ۳۳۴ سنن تاریخی ۷۵ سنن ترمذی ۵۱، ۳۳۴ سوء تغذیه ۳۴۳، ۴۰۹ سوء ظن ۴۰۲ سوخت هسته‌ای ۲۰۹ سوره ابراهیم (ع) ۵۶، ۵۷، ۹۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۲۳۵، ۴۹۳، ۵۶۲ سوره احزاب ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۸۲، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۱۷ سوره احقاف ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۴۰ سوره اسراء ۶۸، ۷۰، ۸۱، ۱۲۶، ۱۹۶، ۲۷۰، ۳۷۵، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۱۶، ۵۵۴ سوره اعراف ۴۸، ۵۵، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۳۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۸۵، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۵۶۰ سوره آل عمران ۴۴، ۵۵، ۱۰۷، ۱۱۱، ۲۲۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۳۴، ۴۶۱، ۴۶۲، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۶۰، ۵۶۱ سوره انبیاء ۳۶، ۵۵، ۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۳، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۵۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۷، ۵۶۰، ۵۶۱ سوره انسان (دهر) ۲۴۹، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۹۹، ۴۳۱، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۵۲۹، ۵۳۳، ۵۳۶ سوره انشقاق ۲۰۷ سوره انعام ۳۹، ۵۸، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۶، ۵۵۴ سوره انفال ۳۰۱ سوره انفطار ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۷۵، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۵ سوره بقره ۲۶، ۲۷، ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۹۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۰۱، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۸، ۳۵۵، ۳۶۸، ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۸۰، ۴۹۳، ۵۱۶، ۵۲۵، ۵۴۰، ۵۴۳ سوره تحریم ۴۶۲، ۴۶۵ سوره تکویر ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵ سوره توبه ۵۸، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۷، ۲۴۴، ۴۰۲ سوره جاثیه ۲۴۴، ۲۴۷ سوره حاقه ۵۸، ۱۲۷، ۲۰۷ سوره حج ۱۱۲، ۱۴۹، ۲۰۷، ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۶۲، ۲۷۷، ۳۶۵، ۳۶۸، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۴ سوره حجر ۴۱، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۵۰۰، ۵۲۳، ۵۲۸ سوره حجرات ۲۲۸، ۴۰۲، ۵۱۴ سوره حدید ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۲۴ سوره حشر ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۵ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۳ سوره دخان ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۴۴ سوره ذاریات ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۲۰۸، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۸۷ سوره رحمن ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۸۱، ۵۶۱ سوره رعد ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۴۰۱، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۲ سوره روم ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۸۶، ۲۹۱، ۴۰۲، ۴۶۶، ۵۵۶، ۵۵۷ سوره زخرف ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۹۲ سوره زلزال ۲۰۷ سوره زمر ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۷۰، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۵۶۲ سوره سبأ ۵۸ سوره سجده ۹۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۵، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۹، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۷، ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۷ سوره شعراء ۳۶، ۴۷،

۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۸۵ سوره شمس ۴۵، ۱۵۵، ۱۷۲، ۱۷۶ سوره شوری ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۶۱، ۲۰۶، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۵ سوره ص ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۵۰۰، ۵۲۳، ۵۲۷ سوره صافات ۵۸، ۱۱۵، ۱۴۰، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۶۲ سوره طارق ۴۵، ۲۹۹، ۴۳۱، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۰ سوره طلاق ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۶ سوره طور ۶۹، ۲۰۷، ۲۱۳ سوره طه ۶۳، ۶۴، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۷۷، ۲۸۱، ۴۰۲، ۴۲۷ سوره عبس ۲۶۶، ۲۹۹، ۴۶۸، ۴۷۱ سوره علق ۲۷۶، ۴۳۱، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷ سوره عنکبوت ۵۸، ۲۴۳، ۳۸۵، ۴۲۷، ۵۶۰ سوره غاشیه ۱۹۰، ۲۹۹ سوره غافر ۳۶، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۳۷، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۴ سوره فاطر ۵۸، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۴۳، ۲۷۵، ۲۸۶، ۴۶۷، ۴۷۱، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲ سوره فجر ۲۲۵ سوره فرقان ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۵، ۲۰۷، ۲۳۸، ۲۶۵، ۳۷۵، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۷، سوره فصلت ۵۸، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۷۲، ۱۸۲، ۳۹۵ سوره ق ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۵، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۷ سوره قارعه ۲۰۷ سوره قدر ۵۲۵ سوره قصص ۵۶، ۵۵۴ سوره قلم ۲۲۱، ۲۲۸ سوره قمر ۵۸، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۳۸۷ سوره قیامت ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۴۳۱، ۴۴۲، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۱۳، ۵۱۵ سوره کهف ۱۱۵، ۱۶۲، ۱۹۲، ۲۷۵، ۳۸۳، ۴۶۷، ۴۷۱، ۵۰۰، ۵۵۴ سوره لقمان ۱۱۵، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۸۳، ۲۴۳، ۲۷۷، ۴۰۲، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۶۰، ۵۶۳ سوره لیل ۵۱۴ سوره مائده ۵۸، ۱۳۶، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۴، ۴۰۲، ۴۱۹، ۴۶۶ سوره مؤمنون ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۴۴، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۳۰۱، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۲۶، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۶۴ سوره مجادله ۴۱۹، ۵۲۵ سوره محمد (ص) ۴۰۶ سوره مدثر ۲۲۱، ۲۲۵، ۳۶۱، ۳۶۲ سوره مرسلات ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۰، ۲۰۷، ۴۳۷، ۴۴۲، ۴۵۷، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴ سوره مریم (س) ۶۶، ۱۹۶، ۴۲۰، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۵۲۵ سوره مزمل ۱۹۲، ۲۰۷، ۵۵۶، ۵۵۹ سوره معارج ۱۱۲، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۱۳، ۳۹۱، ۳۹۲ سوره ملک ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۷۲، ۱۸۱، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۷ سوره ممتحنه ۳۷۶ سوره منافقون ۵۶۰ سوره نازعات ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۰۷ سوره نبأ ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۳، ۲۰۷ سوره نجم ۲۷۵، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۷۰، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷ سوره نحل ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۷۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۵، ۳۰۱، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۱، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۳، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۹ سوره نساء ۵۶، ۲۷۰، ۳۳۳، ۴۰۱، ۴۱۹، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۵۲۵، ۵۵۴، ۵۶۰، ۵۶۱ سوره نمل ۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۴، ۲۲۶، ۳۸۶، ۵۳۶ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۴ سوره نوح ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲ سوره نور ۵۸، ۲۰۰، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۷، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۳، ۴۰۲، ۴۳۷، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۷، ۵۵۴ سوره واقعه ۲۰۷، ۴۵۷، ۴۶۰ سوره هود ۵۸، ۶۹، ۷۱، ۱۰۵، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۳۸۶، ۳۸۷، ۵۳۵ سوره یس ۴۳، ۴۴، ۴۹، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۳، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸ سوره یوسف ۱۱۲، ۴۰۰، ۵۵۴، ۵۵۵ سوره یونس ۶۵، ۶۹، ۸۳، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۲۴۴، ۲۶۷، ۳۹۵ سوریه ۱۷ سوزاک ۳۷۲، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۹ سوزش قلب ۳۱۰، ۳۴۴، ۴۱۵ سوسماران ۱۲۳، ۲۵۸ سوگ ۴۰۰، ۴۰۱ سوگند ۱۵۵، ۱۷۶، ۱۸۶، ۱۹۴، ۲۲۵ سومیت‌ها میوتوم ۵۰۹ سون، هوپین ۳۹۳ سونوگرافی ۵۱۷ سهلانی، محمد جواد ۲۲۴ سیارات ۴۴، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۷۰، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵ سیارات هفتگانه ۲۶، ۱۲۹، ۱۳۹ سیاره ۱۳۸، ۱۴۰ سیاه زخم ۳۱۶ سیاه سرفه ۴۱۳ سیاهرگها ۵۰۹ سیب ۱۵۰ سیتوپلاسم ۲۸۵ سید امیر علی ۲۸ سید جمال الدین اسد آبادی ۲۸ سید قطب ۳۲، ۷۳، ۲۴۱، ۲۵۶، ۴۴۹، ۵۰۸، ۵۱۱ سید مرتضی ۷۶، ۷۸ سیر تحول علوم تجربی در جهان اسلام ۱۷۱ سیروز ۳۴۳ سیری در قرآن ۱۴۶،

۲۶۴، ۴۳۵ سیریوس ۲۱۲ سیستی سرک ۳۲۲ سیفلیس ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۷۲، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۹، ۴۱۳ سیفلیس نخاعی ۳۴۲ سیگار ۳۱۱ سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ۲۷، ۳۶، ۵۹، ۶۰، ۶۷، ۶۹، ۲۱۹، ۲۳۰ «ش» شارع مقدس ۳۶۶، ۳۷۴، ۴۲۴ شاطبی ۷۰ شاطبی، ابو اسحاق ۳۷ شامپانزه ۲۵۴، ۲۵۵ شامپاین ۳۳۱ شأن نزول ۵۰، ۲۷۵ شانکر ۳۸۱ شاه انگبین ۴۱۲ شاه محمدی، دکتر داود ۳۹۹، ۴۰۱ شب ۱۰۶، ۱۵۶، ۲۷۷ شب و روز ۴۵، ۱۰۶، ۱۱۰ شبانه روز ۱۱۲ شبر، سید عبد الله ۷۴، ۷۵، ۷۶ شبکه خورشیدی ۴۴۵ شبکه عصبی خاجی ۴۴۵ شبکیه چشم ۳۹۳ شبه فلزات ۱۱۴ شپش ۳۵۹ شتر ۵۶، ۱۲۳، ۱۸۱، ۲۵۸، ۲۸۷، ۲۹۹، ۳۱۴ شتر ماده ۲۸۷ شتر نر ۲۸۷ شراب ۸۵، ۸۶، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۸، ۴۰۶ شرابخوار ۳۳۷، ۳۳۸ شرابخواری ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۷، ۳۴۸ شرارت ۳۳۸ شرح الاصول الخمسه ۷۲ شرح منظومه ۱۲۸ شرح مواقف ۶۱ شرع ۱۲۸ شرق ۱۷۴، ۲۰۲ شرک ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۴۹۳ شرکت چاپ مهین ۱۲۸ شریان‌های اکلیلی ۴۱۵ شریعت ۸۵، ۱۸۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۲۷، ۳۵۴، ۵۵۵ شریعت اسلام ۸۶، ۴۲۶ شریعتی، دکتر علی ۴۲ شریعتی، محمد تقی ۲۸۱ الشریف، دکتر عدنان ۲۷۲، ۳۱۷، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۱۱، ۴۲۴، ۵۰۷ شعبده‌باز ۶۴ شعر ۶۶، ۷۲ شعله ۹۴، ۱۰۴ شعیب پیامبر (ع) ۲۲۲ شفا دادن بیماران ۲۴۹ شفاء ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۶ شفابخشی ۴۰۳ شفابخشی قرآن ۳۹۸ شفای ابو علی سینا ۲۵ شقاوت ۵۱۹، ۵۲۱ شکافتن زمین‌ها ۲۱۱ شکل زمین ۱۹۱ شکور، دکتر عباس ۴۴۴، ۴۵۸، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۰۹، ۵۳۱، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۵۲ شکوفه ۲۳۶ شگفتی‌هائی از اعجاز در قرآن کریم ۲۰۳ شلاق ۳۳۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۹۲ شمال ۱۸۷ شمس ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۸۲ شمسین ۱۹۳ شناخت آیات الهی ۴۴ شناخت حضوری ۴۱ شناخت طبیعت ۳۲ شناخت واقعی انسان ۳۴ شنبه ۱۱۲، ۱۱۴ شنوائی ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷ شوروی ۲۸، ۱۹۷، ۲۰۰ شوره‌زار ۳۹۷ شوک الکتریکی ۲۳۹ شهادت ۳۷۸ شهامت ۳۹۳ شهرستانی، سید هبة الدین ۱۰۲، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۵ ۱۰۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸ شهوت ۳۷۴، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۶ شهوت جنسی ۳۱۱ شهوت رانی ۳۷۰ شهود ۵۳۴ شیاجلبرت، مارجریت ۵۴۶ شیاطین ۲۲۳ شیخ صدوق ۳۵۱ شیخ طوسی ۵۹، ۷۳، ۴۵۳ شیخ عباس قمی ۴۸۹ شیخ قاسمی ۱۲۹ شیر ۲۵۵، ۳۰۳، ۳۱۱، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۵ شیره ۳۹۳ شیره انگور ۳۳۲ شیره خرما ۳۳۲ شیزوگونی ۲۸۵ شیطان ۱۹۳، ۳۲۰، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۶۷ شیطان و بطری ۳۴۷ شیعه ۲۷، ۳۰، ۱۲۷، ۱۶۰، ۲۱۵، ۴۰۱ شیعیان ۲۱، ۸۵ شیمی ۳۴، ۳۸، ۳۹ شیمیا ۱۳۴ «ص» صاحبان خرد ۴۵ صاحبی، لاله ۱۴۴ صادق مصری، دکتر هند کوروس ۲۴۱ صادقی، دکتر محمد ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۵۳ صالح (ع) ۵۵، ۲۲۲ صبح ۴۲۶ صبح الاعشی ۲۹۸ صبر ۲۳۰، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳ صحاح اللغة ۴۸۱ صداقت، سید علی اکبر ۳۰ صدای آب ۴۰۴ صدر اسلام ۴۹، ۵۰، ۷۰، ۷۷، ۱۴۷، ۱۸۷، ۲۰۱، ۳۰۱، ۳۳۳، ۴۰۳، ۴۲۹، ۴۸۷، ۵۲۵، ۵۴۱ صدر الدین نصیری ۳۶۰ صدر، شهید سید محمد باقر ۶۱، ۷۶ صدقی، نعمت ۴۰۸ صفا، دکتر مجذوب ۴۶۴ صفات ارثی ۴۷۵ صفات خدا ۷۳ صفات صابرین ۱۴۳ صفاری، حسن ۲۷۹ صلب ۲۷۱، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶ صلح ۷۵، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۱ صله رحم ۴۰۲ صوفیان ۲۲۰ «ض» ضحاک ۴۴۸ ضد الکترونها ۹۵ ضد عفونت ۴۱۱ ضد عفونی ۴۰۸، ۴۰۹ ضرب و جرح ۳۳۸ ضررهای اجتماعی ۳۴۸ ضررهای بهداشتی ۳۲۴، ۳۴۸، ۳۶۹، ۳۸۹ ضرغام ۳۹۹ ضعف عمومی ۴۰۹ ضعف قوای شهوانی ۳۹۳ ضلالت ۳۹۷ «ط» طالقانی، آیة الله سید محمود ۱۴۶، ۱۷۷ طب ۲۵، ۲۹۸ طب الملوک ۲۹۸ الطب الوقائی فی الاسلام ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۴۷، ۳۹۰، ۴۱۲، ۴۲۶ طب ایرانی ۴۲۹ طب در قرآن ۲۶۶، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۹، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۶، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۵۱، ۵۵۸، ۵۶۱ طب عمومی ۳۸۰ طب قدیم ۴۸۰ طب منصوری ۲۹۸ طب نوین ۵۴۲ طب یونانی ۴۲۹ طباره، عبد الفتاح ۱۴۶، ۲۶۴، ۴۳۵ طباطبایی، سید محمد حسین ۲۲، ۲۶، ۳۱، ۴۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰،

۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۳۸، ۲۴۸، ۲۸۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۱، ۴۹۵، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۰، ۵۵۵، ۵۵۸ طبرسی، شیخ ابی علی الفضل بن الحسن ۳۷، ۵۹، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۷۳، ۲۸۰، ۲۸۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۸، ۵۰۲، ۵۲۱ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر ۱۶۰ طبقات جو زمین ۲۰۱ طبقات داخلی زمین ۱۳۷ طبل ۱۸۷، ۱۹۱ طبیعت ۴۰، ۴۴، ۶۰، ۱۴۰ طبیعیات ۲۶ طحال ۳۲۸، ۵۰۹ طعام حرام ۳۲۵ طفل ۳۱۴، ۵۰۰، ۵۱۹، ۵۳۶ طلا ۴۷۲ طلاق ۳۷۸، ۵۴۱، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸ طلوع ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴ طلوع اسلام ۱۹۴ طنطاوی جوهری ۱۷، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۸، ۹۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۶۳، ۲۸۲ طنطه ۲۲۰ طواف ۳۶۳، ۳۶۵ طواف کعبه ۳۵۰ طوسی، خواجه نصیر الدین ۵۹، ۶۵، ۱۲۷ طه حسین ۵۳۵ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۶ طهارت ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۶۸، طهارت لباس ۳۶۲، ۳۶۴ طهارت مسجد ۳۶۶ طهارت معنوی ۳۶۱ طیب ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴ طیب، آیهٔ الله سید عبد الحسین ۵۹، ۳۰۸، ۵۲۲ «ظ» ظالمان ۱۴۳ ظاهر قرآن ۵۱ ظلم ۲۹۷، ۳۹۷ ظلمت ۱۱۷، ۴۸۸ ظواهر قرآن ۳۹، ۴۰، ۴۷ ظهر ۴۲۶ ظهرین ۱۹۳ ظهور اسلام ۱۸۵، ۳۹۷ «ع» عادات زشت ۳۷۸ عادت ماهیانه ۳۵۵، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۱، ۴۷۹، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸ عاطفه ۳۲۷ عاطفه خانوادگی ۳۳۸ عالم ارواح ۴۵۳ عالم ذر ۴۵۵ عالم طبیعت ۱۳۷ عالمین ۲۰۳ عبادات ۳۴۹، ۳۹۵، ۴۲۷ عبادت ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۴۲۵ عباسیان ۱۲۷ عبد الرحمن العک، شیخ خالد ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۸۹، ۴۳۲، ۴۹۰ عبد الرضا علی، دکتر صادق ۳۱۱، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۶۰، ۳۷۳، ۳۸۴، ۴۰۸ عبد الصمد، محمد کامل ۱۰۳، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۴۷ عبد العزیز، دکتر محمد کمال ۵۳۴ عبد القادر، حسین یاسین ۳۱۷، ۳۲۹ عبده، شیخ محمد ۲۸، ۷۲ عبرت ۳۷۷ عبری ۱۳۴ عثمان ۵۴۳ عثمان طه ۲۲۹ عجائب المخلوقات ۲۵۰ عجایب خلقت ۴۳ عجم ۷۰، ۷۷ العجوز، شیخ احمد محیی الدین ۱۹۰ عدالت ۴۰۱ عداوت ۳۳۴ عدم تحریف قرآن ۲۲۴ عدم مانع ۸۶ عده ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹ عذاب ۴۸، ۵۱، ۲۱۵، ۳۸۳، ۳۸۷، ۳۸۸ عذاب الهی ۳۸۸ عرب ۵۳، ۷۰، ۷۷، ۷۸، ۱۸۰، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۸۹، ۳۷۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۷۹، ۵۳۵ عرب جاهلی ۳۹۷ عرب‌ها ۳۹۷ عربستان ۲۵، ۳۰، ۲۸۷، ۳۱۸ عربی ۱۱۲ عرش ۲۷، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷ عرف عرب ۱۸۱ عرفا ۳۵ عرق ۳۳۱، ۳۵۹ عزاداریهای عاشورا ۴۰۱ عزت نفس ۴۰۱ عسل ۳۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷ عشائین ۱۹۳ عشایری، دکتر حسن ۳۹۸ عشری، عبد المنعم السید ۱۱۹ عصاره تره ۴۱۵ عصاره قلب ۴۴۷ عصاره لیمو ۴۱۵ عصاره‌های گیاهی ۴۰۹ عصبانیت ۳۱۵ عصر آدم (ع) ۲۷۰ عصر جاهلیت ۳۲۶ عصر حجر ۲۵۴ عصر ظلمت ۲۹۷ عصر نزول ۲۲۹، ۴۲۷ عضلات ارادی ۳۵۸ عضلات تنفسی ۳۲۲ عطاء ۱۵۷ عطارد ۲۶، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۰۹ عطوفت ۳۱۵ عفت ۴۳ عفونت ۳۱۷ عفونت‌های روده‌ای ۴۱۲ عفونتها ۳۴۵ عقاید ۶۴، ۳۹۵ عقد الثریا ۱۶۵ عقل ۳۰، ۶۸، ۸۱، ۸۹، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۸، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۴، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۷، ۳۶۳، ۳۷۹، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۶، ۴۷۶، ۵۲۶، ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۵۵، ۵۶۲ عقل بشری ۲۲۳ عقیم ۳۷۱، ۵۱۴ عکرمه ۹۸، ۱۵۷، ۴۷۲ علامه حلی ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۸۶ علت تامه ۸۶ علت حکم ۸۶ علت ناقصه ۸۷ علق ۲۷۶، ۴۳۱، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۸، علقه ۲۷۳، ۲۷۴، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۴، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۲۴، ۵۳۷ علل الشرایع ۸۶، ۳۵۱ علل واقعی احکام ۸۸ علم ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۴، ۴۶، ۸۱، ۹۸، ۱۳۶، ۲۷۳، ۲۷۴، ۴۰۳، ۵۲۶، ۵۶۲ علم أئمه (ع) ۳۹ علم اصول ۵۹ علم الاسماء ۵۲۶ علم الهی ۵۲۲ علم پزشکی ۳۶، ۴۲۹، ۴۵۸ علم تاریخ ۳۳، ۳۵ علم تفسیر ۲۲، ۵۱، ۵۹ علم حصولی ۳۳ علم حضوری ۳۵ علم حقیقی ۳۴ علم خدا ۳۸ علم رجال ۳۳ علم‌زدگی ۱۶ علم زیست‌شناسی ۲۸۴ علم غیب ۱۰۲ علم قطعی ۲۹ علم کلام ۵۹ علم محوری در تفسیر قرآن ۴۶ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۷ علم نجوم ۱۲۸، ۱۴۰، ۱۶۳، ۱۷۱ علم و تمدن در اسلام ۱۷۱ علم و دین ۲۴، ۴۲ علمای اسکندریه ۱۳۳ علمای اسلامی ۱۸۷، ۳۴۸ علمای بزرگ شیعه ۲۷ علوم ادبی ۷۷ علوم القرآن ۶۱، ۷۶ علوم انسانی ۳۴ علوم بشری ۲۳، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۹۳ علوم پزشکی ۵۱، ۲۴۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۶۲، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۰۶، ۵۲۳، ۵۳۱ علوم پیامبران ۳۵ علوم تجربی ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲،

۵۳، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۴۸، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۴، ۲۷۶، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۳۴، ۴۳۸، ۵۴۳، ۵۶۴ علوم تعبدی شرعی ۳۵ علوم جدید از دیدگاه اسلام (ارمغان روشنفکران) ۴۶۵ علوم دقیقه (غریبه) ۶۰ علوم ریاضی ۳۶ علوم زمین‌شناسی ۱۴۰ علوم زیست‌شناسی ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۹، ۵۱۲ علوم شهودی ۳۵ علوم طبیعی ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۹، ۲۵۱، ۲۹۸ علوم ظاهری ۳۴ علوم ظنی ۵۱، ۵۲ علوم عقلی ۲۳، ۳۵، ۲۱۹ علوم غربی ۳۱ علوم غیبی ۵۲۱ علوم غیر حقیقی ۳۳ علوم قابل تجربه حسی ۳۴ علوم قرآن ۳۷، ۵۰، ۵۹، ۳۴۷ علوم کیهان‌شناسی ۱۳۳، ۲۰۶، ۱۴۲ علوم نظری ۳۳ علوم نقلی ۳۵ علوم و فنون بشری ۲۹ علوم و معارف غیر تجربی ۳۴ علوم یونان ۱۵ علهز ۳۲۶ علی اطلال المذاهب المادی ۳۲ علی، دکتر عبد الرضا ۳۱۲ عمر ابو حجر، دکتر احمد ۸۳، ۱۲۹، ۲۷۳، ۲۹۱ عمر بن خطاب ۳۳۲، ۳۳۴ عمران ۴۶۲ عملکرد سمینار جهانی بیماری‌های مقاربتی ۳۸۱ عمید الصیدلی، عمر محمود عبد الله ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۴۷، ۳۹۰، ۴۱۲، ۴۲۶ عنصر اکسیژن ۲۱۱ عنکبوت ۳۶۷ عنین ۳۹۴ عوارض دماغی ۳۳۹ عواطف ۴۲۱، ۴۲۲ عهد جدید ۳۲۰ عید غدیر ۴۲۱ عید فطر ۳۵۷ عید قربان ۳۵۷ عیسی الحلبی ۱۲۹ عیسی (ع) ۴۲، ۴۳، ۶۶، ۸۴، ۱۲۷، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۲۰، ۳۵۶، ۳۷۸، ۴۲۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۲۵ عیسی (ع) پیام‌آور اسلام ۴۶۴ العین ۴۷۰ «غ» غار ۲۵۵ غار حرا ۴۸۲ غباری بناب، دکتر باقر ۴۰۱ غدد بزاقی ۴۲۳ غدد عرق ۵۰۹ غدد فوق کلیوی ۵۰۹ غده تیروئید ۴۹۶ غده هیپوفیز ۵۰۹ غدیر ۳۵۷ غذاهای پلید ۳۰۷ غذاهای ممنوعه ۳۲۷ غذای حلال ۳۰۲ غذای نجس ۳۰۷ غرب ۱۵، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۲، ۱۷۴، ۲۰۲ غربی‌ها ۲۴، ۳۰، ۳۳ غروب ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴ غروب آفتاب ۴۲۰ غرور ۳۹۶ غریزه ۳۸۴، ۳۸۵ غریزه جنسی ۳۸۰ غزالی، ابو حامد ۲۵، ۲۷، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۷ غسل ۸۷، ۳۱۴، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۷۰، ۳۷۳ غسل استحاضه ۳۵۶ غسل تعمید ۳۵۶ غسل جمعه ۳۵۶، ۳۵۷ غسل جنابت ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۷۰ غسل حیض ۳۵۷ غسل مس میت ۳۶۰ غسل نفاس ۳۵۶ غشاء سلولی ۲۸۵ غشای مخاطی رحم ۳۷۱ غلاب، محمد ۱۰۹، ۴۴۲ غلات ۴۳۵ غیبت ۴۰۲ غیرت ۳۷۸ غیرت ناموسی ۳۲۱ «ف» فاحشه ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۶، ۳۸۷ فارابی ۱۳۳، ۲۵۰ فارسی ۷۹، ۱۱۳، ۲۳۶، ۲۸۷، ۳۰۶، ۳۲۳، ۴۵۶، ۴۸۳ فئودالیسم ۳۱ فتح مکه ۳۷۶ فتحعلی شاه ۱۷۳ فحش ۳۷۸ فحشا ۳۷۷، ۳۸۲، ۴۰۲، ۴۲۷ فرانسه ۳۴۳، ۴۶۴ الفراهیدی، خلیل ۴۷۰ فرایض دینی ۴۰۰ فرج ۳۰۶، ۳۷۰ فرد ۲۲۵ فردوسی، دکتر اشرف ۵۱۹ فرزند ۳۲۸ فرشتگان ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۶۰، ۲۶۱، ۴۳۸، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۸ فرشتگان عذاب ۳۸۶ فرشته ۳۸۸، ۴۷۶ فرضیه تکامل ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴ فرعون ۴۳، ۵۶ فرعونیان ۱۸۹ فرفره ۱۷۷ الفرقان فی تفسیر القرآن ۱۵۳ الفرقان و القرآن ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۸۹، ۴۳۲، ۴۹۰ فرکتوز ۴۰۷، ۴۵۱ فروع الکافی ۳۶۳ فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث ۱۸۴، ۲۳۹، ۲۷۹، ۲۸۹، ۲۸۵ فروگرد دوازدهم ۳۱۴ فرهنگ ۷۶ فرهنگ اروپایی ۳۱ فرهنگ اورینیاکی ۲۵۶ فرهنگ بشری ۳۱۸ فرهنگ پزشکی ۴۱۶، ۴۹۰ فرهنگ دانستنیها ۱۵۹ فرهنگ روابط جنسی ۳۸۲ فرهنگ سولوتره‌ای ۲۵۶ فرهنگ عمید ۳۲۵ فرهنگ غرب ۳۱ فرهنگ قرآن ۲۳۰ فرهنگ ماگدالنی ۲۵۶ فرهنگ موستری ۲۵۶ فرهنگ و تمدن ۷۶ فریدمن، الکساندر ۲۰۸ فساد ۳۷۷ فسفر ۴۰۸ فسق ۴۹۳ فسیل ۲۴۰ فسیل‌شناسان ۱۲۳ فسیل‌شناسی ۲۵۸ فسیل‌های تریلوبیت‌ها ۲۵۸ فسیلها ۲۵۲ فشار خون ۴۲۲ فشارهای روانی ۴۰۰ فصاحت ۱۵، ۲۹، ۶۶، ۷۲، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۳۱، ۴۵۱ فصلنامه اندیشه و رفتار ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲ فصلنامه علمی پژوهشی، دانشگاه اسلامی ۳۹۹ فصلنامه مصباح ۲۸۴، ۵۱۰ فضایل ۳۸۳ فضایل انسانی ۳۹۶ فضل ۴۰۰ فضله ۳۰۶ فطرت ۲۶۸، ۳۰۳، ۳۶۳، ۴۵۲ فعالیت‌های جنسی ۳۴۴، ۴۴۵ فعل و انفعالات هسته‌ای ۲۱۳ فقه ۸۶، ۲۹۹ فقه اسلامی ۳۴۸، ۳۹۲ فقه شیعه ۸۷ فقهاء ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲ فقهای شیعه ۳۲۸، ۳۵۵ فقیر ۴۲۱ فقیه ۲۳ فلاسفه ۲۲، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۷۳، ۱۰۹، ۲۴۹، ۵۲۸ فلاسفه غرب ۳۳، ۳۲۶ فلاسفه یونان ۱۰۹، ۱۲۰، ۲۴۳ فلامریون، کامبل ۱۷۱ فلج ۳۴۱ فلزات ۱۱۴ فلسفه ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۷۴، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۷۱، ۳۰۵ فلسفه احکام ۸۶، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۹۴، ۴۸۵ فلسفه اخلاق ۳۵ فلسفه تاریخ ۳۵ فلسفه اخلاق ۳۵ فلسفه حسی ۳۲ فلسفه یونان ۲۶، ۱۰۹، ۴۴۲ فلک ۱۵۸

فلک آسمان ۱۱۰ فلک اطلس ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۹ فلک الافلاک ۲۶، ۱۲۷ فلک ثوابت ۱۵۹ فلک قمر ۱۵۹ فلک نهم ۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳ فلک هشتم ۲۷، ۱۳۳ فلوته خوس ۱۷۰، ۱۸۵ الفندی، دکتر محمد جمال الدین ۱۳۲، ۲۰۳ فوتونها ۹۵ الفوز الاصغر ۲۵۰ فولادوند، محمد مهدی ۱۴۸، ۴۴۹، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۹، ۵۵۰ فهم قرآن ۴۶، ۳۹۹ فی ظلال القرآن ۲۴۲، ۲۵۷، ۴۴۹، ۴۵۲، ۵۰۸، ۵۱۲ فیبرینوژن ۳۲۸ فیثاغورث ۱۷۰، ۱۸۵ فیزیک ۳۴، ۳۸، ۴۱، ۲۰۹، ۲۸۸ فیزیک جدید ۱۳۴ فیزیک کیهانی ۹۳، ۱۴۰ فیزیک نوین ۴۹، ۹۶، ۱۶۷، ۲۰۹، ۲۷۹ فیزیکدانان جدید ۱۶۷ فیض الاسلام ۱۷۸ فیض کاشانی، محمد محسن ۳۶ فیکسیسم ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۷۰ فیل ۲۵۸ فیلسوف ۲۳، ۴۴۲ فیلسوفان ۸۲ فیلوکسرا ۴۶۴ فیومی ۵۶، ۵۷، ۴۶۸، ۴۷۰ «ق» قائمی، دکتر علی ۳۹۴ قابیل ۴۲ قارچ ۴۰۹ قارچ‌های سمی ۳۰۷ قاره‌ها ۲۵۶ قاضی ۳۳۶ قاضی عبد الجبار ۷۲ قاضی، محمد ۱۷۰ قاعدگی ۳۵۵، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۵۵۲، ۵۵۳ قاموس اللغة ۵۴۴ قاموس قرآن ۱۲۸، ۱۴۱، ۴۲۷ قاموس کتاب مقدس ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۷، ۳۵۰، ۳۵۶، ۴۰۷ قانون ۸۲، ۲۶۹، ۲۹۸، ۳۸۴، ۵۴۸ قانون جاذبه ۱۵۱ قانون جاذبه عمومی ۱۴۸، ۱۵۰ قانون زوجیت عمومی ۲۸۶ قانون طبیعت ۲۷۳ قانون علمی ۲۵۲ قانون علیت ۶۲ القانون فی الطب ۲۵، ۴۷۹، ۵۱۶ قانون‌گذاری ۳۱ قانون‌گریز از مرکز ۱۵۰ قاهره ۲۲۰ قبله ۴۴، ۳۵۱ قتاده ۹۸ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۵۹۹ قتل ۳۲۸، ۳۳۸، ۳۷۸، ۳۷۹ قتل صبر ۳۲۶ قدرت ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۴۳ قدرت الهی ۴۳ قدرت بینایی ۴۱۴ قذارات ۳۶۲ قرائت ۲۲۹، ۳۹۹ قرائت قرآن ۳۹۸، ۴۰۳ قرآن آخرین پیامبر ۲۹۱ القرآن الکریم و العلم الحدیث ۱۶۳ قرآن کریم ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۵، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۸۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۸، ۴۹۳، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۴ قرآن و آخرین پدیده‌های علمی ۹۹، ۱۶۳، ۱۹۶، ۲۰۵ القرآن و الطب الحدیث ۳۱۲، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۶۰، ۳۷۳، ۳۸۴، ۴۰۸ القرآن و الطب ۲۸۱، ۲۸۷، ۲۸۹، ۴۸۵ القرآن و العلم الحدیث ۴۸، ۱۰۲، ۱۶۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۷۸، ۲۸۲، ۳۱۲، ۳۷۴، ۴۶۰، ۴۷۷، ۵۰۸، ۵۳۶، ۵۴۶ القرآن و العلم ۱۰۲، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۷، ۲۱۴ القرآن و العلوم ۳۱۷، ۳۵۳، ۴۲۶ قرآن و دانش پزشکی ۴۸۵ قرآن و دیگران ۳۰ قرآن و طبیعت ۴۸۶ قرآن و علم امروز ۱۰۹، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۵۷، ۴۴۲ قرآن و علوم روز ۱۰۰، ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۶۰، ۳۷۴، ۳۹۴، ۴۲۴، ۵۳۴ قرآن و علوم طبیعت ۲۹۸ القرآن یتجلی فی عصر العلم ۱۷۵، ۱۹۰ القرآن، محاولة لفهم عصری ۲۶۳ قرب الهی با ۱۳۹ قربانی ۴۱۹ قرشی، سید علی اکبر ۱۴۱، ۴۲۷ قرض دادن ۳۹۸ قرقره ۱۷۷ قرقوز، دکتر احمد ۳۰۳، ۳۲۲، ۳۲۸، ۳۳۹، ۴۰۷، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۹۰، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۶، ۵۱۴، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۳ قرنیه ۴۱۳ قرون وسطی ۲۳، ۲۸، ۱۶۹، ۲۹۷، ۴۳۳ قزوینی ۲۵۰ قساوت قلب ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۰ قسم ۳۵۷ قسم‌های قرآن ۴۵ قصاب‌ها ۳۲۱ قصهٔ جنین ۵۴۶ قصص عهدین ۲۴ قصص قرآن ۱۴۶ قصه‌گویان ۲۹۸ قضای حاجت ۳۹۰ قضای روزه ۴۱۹، ۴۲۱ قضایای اعتباری ۳۳ قضایای اولیه ۵۰ قضایای حقیقی ۳۴ قضایای شخصی ۳۳ قضایای کلی حقیقی ۳۳ قضایای یقینی ۵۲ قضیه علمی ۵۰ قطار ۴۹ القطب الراوندی ۷۳، ۷۴ قطب جنوب ۱۸۷ قطب شمال ۱۸۸ قطب مغناطیسی ۱۸۷ قطر استوائی ۱۸۷ قطر قطبی ۱۸۷ قطع عقلی ۵۱ قطع نسل ۳۸۰ قلاب ماهیگیری ۲۵۵ قلب ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۴۰، ۳۵۸، ۴۰۵، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۵۰، ۴۶۶، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۴۶، ۵۵۷ قلبهای نابینا ۴۰۵ قم ۱۸، ۳۰، ۳۹، ۴۰، ۷۰، ۸۶، ۲۰۰، ۲۹۹، ۴۲۱، ۴۸۶ قمار ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵

قماربازی ۳۳۲ قمر ۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸ قمیحا، نزیه ۱۷۵، ۱۹۰ قند انگور ۴۰۷ قند خون ۳۴۰، ۳۴۶ قند میوه ۴۰۷ قند نیشکر ۴۰۷ قواعد تفسیری ۱۶ قوانین اسلام ۴۳، ۶۳ قوانین حاکم بر طبیعت ۲۲ قوانین حرکت ۱۵۲ قوانین کلی حرکت سیارات ۱۵۰ قوای روحی ۴۲۱ قورباغه ۴۶۴، ۴۸۵ قوم ثمود ۵۵، ۵۶، ۷۴ قوم عاد ۵۶، ۷۴ قوم لوط ۷۴، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰ قوم نوح ۵۶، ۱۴۲ قوه بینائی ۶۴ قوه جاذبه ۲۳۹ قهرمانان تمدن ۱۵۰ قهوه ۴۸۴ قیاس فقهی ۸۷ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۰ قیاس منصوص العلة ۸۶ قیامت ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۳۰، ۲۷۱، ۲۸۷، ۳۸۳، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۵۲، ۵۵۸، ۵۵۹ «ک» کابلون ۴۱۴ کاپلستون ۴۲ کاتالاس ۴۰۷ کاربرد روش سیستم‌ها (راسل. ل. ا. ک) به ضمیمه تعبیر قرآن آربری ۲۲۴ کارخانه‌های مشروب سازی ۴۱۰ کارشناسان امور جنسی ۳۹۳ کارل، دکتر آلکسیس ۴۶۴ کاشانی، ملا فتح الله ۵۹، ۲۸۸ کافر ۲۲۶، ۳۸۳، ۵۰۰ کافران ۴۰۰ کالبد شکافی ۴۲۹، ۴۵۰، ۴۸۷ کالج کامبریج ۱۵۰ کامو، آلبر ۴۱ کامیول ۴۳۵ کانادا ۳۲۳ کانت ۲۳ کانون خانوادگی ۳۸۱ کاهش احتقان خون ۳۵۸ کبالت ۳۴۴، ۴۳۵ کبد ۳۲۸، ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۴۵، ۴۱۲، ۴۲۳، ۴۵۰، ۴۹۶، ۵۰۹ کبوتی ۱۶۵ کپرنیک ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۵ کپک زدن ۳۰۷ کپلر ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۷۰ کتاب ۳۶، ۳۸، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۳۹ کتاب الحدود ۳۳۶ کتاب مقدس ۲۴، ۲۸، ۸۲، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۶۰، ۱۶۹، ۲۱۹، ۲۴۹، ۳۰۵، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۹، ۳۷۸، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۱، ۴۰۷، ۴۲۰، ۴۶۶ کتاب هدایت ۲۳۱، ۲۷۶ کتاب‌های آسمانی ۳۶۴ کتاب‌های پزشکی ۳۷۹ کتاب‌های فقهی ۳۷۹ کتابخانه ۲۹۸ کتابخانه مسجد جعفری (قیطریه) ۱۲۷ کتابفروشی اسلامیه ۲۸۸ کتابهای آسمانی ۷۳، ۸۵ کتابهای فقهی ۴۱۷ کتابهای مقدس ۲۳ کتب آسمانی ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۶۱ کتب مقدس ۴۱۷ کترون ۴۸، ۹۵، ۲۱۲، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۶ کنف ۴۴۷ کثافات ۳۵۱، ۳۵۲ کخ ۴۱۲ کدورت ۳۹۳ کر ۶۳ کرات ۲۷، ۹۴، ۱۰۴، ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۹۸ کرات آسمانی ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۹، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱ کرامت ۵۴، ۶۲، ۶۳، ۶۵ کرامت انسانی ۳۸۰ کربلا ۴۰۱ کربن ۱۱۴، ۲۴۱، ۴۳۵، ۴۴۰ کرسی ۲۷، ۱۲۸، ۱۳۳ کرسی و عرش ۱۲۸ کرم ابریشم ۴۶۳ کرم ترشین ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۴ کرم ترکین ۳۲۰، ۳۲۳ کرم کدو ۳۲۲ کرم کدوی خوک ۳۲۲ کرمانیون ۲۵۵ کروموزوم ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۳ کروی بودن زمین ۱۸۸ کرویت زمین ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲ کره آتش ۱۵۹ کره آسمانی ۱۶۴ کره آفتاب ۱۶۵ کره بخار ۱۰۲، ۱۰۴ کره خاک ۱۷۹ کره زمین ۱۸۲، ۲۱۲ کره قمر ۱۵۹ کره مسکونی ۱۹۷ کره نهم ۱۵۹ کره هشتم ۱۵۹ کره هوا ۱۵۹ کریاتینین ۳۲۸ کریسی موریسین ۲۴۶ کشاورزی ۲۹۱ کشتی ۱۵۸، ۱۶۸، ۱۸۷ کشش بار الکتریکی ۲۳۹ کشف الکل ۲۹۸، ۳۳۵ کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد ۵۹، ۶۰، ۶۵ کشمکش ۳۳۱ کشورهای اروپائی ۳۸۱، ۳۸۲ کشورهای اسلامی ۲۸، ۳۸۲ کشورهای شرق مدیترانه ۳۸۱ کشورهای غربی ۳۰، ۳۴۳، ۳۴۷ کعبه ۳۶۵ کفار ۵۲، ۱۰۳، ۲۱۵، ۳۱۴، ۵۳۴ کفاره ۳۷۰، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۱ کفاره ظهار ۴۱۹ کفاره قسم ۴۱۹ کفر ۹۴، ۱۰۱، ۳۹۷، ۵۵۶ کلام عربی ۷۲ کلر ۴۰۸ کلرور کلسیم ۴۱۳ کلروفیل ۲۴۰، ۴۰۸ کلسترول ۳۱۱ کلسیم ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۳۵، ۵۱۰ کلیانتوس آسوسی ۱۷۰، ۱۸۵ کلیسا ۲۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۸۶ کلیسائیان ۲۸ کلیه‌ها ۴۲۳، ۴۹۶ کم اشتهایی ۳۲۲، ۳۴۴ کم‌خونی ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۰۹، ۴۱۶ کمال معنوی ۳۴۸، ۴۰۴ کمبریج ۲۴۶ کمپانی، فضل الله ۴۹۰ کمردرد ۳۹۳ کنت، آگوست ۳۴ کنترل عواطف ۳۴۶ کنترل غرایز جنسی ۴۲۲ کنتیسانس ۴۴۱ کنیاک ۳۳۱ کنیزان ۳۹۱ کوارک ۹۵، ۲۷۹، ۲۸۳ کواکب ۹۷، ۱۵۸ کوپرنیک ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۷۱ کوپرنیکس ۱۷۰ کوپرنیکوس ۱۷۱ کوتوله سفید ۲۰۹ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۱ کوچه‌ها ۳۶۵ کودک ۲۴۹، ۲۵۵، ۴۰۹، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۴، ۴۸۹، ۴۹۰، ۵۱۵، ۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۴ کودکان ۳۴۴، ۴۰۹، ۵۱۶، ۵۵۶، ۵۵۷ کورساکوف، سرگی ۳۴۶ کوریون ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳ کوستلر، آرتور ۱۶۰، ۱۷۰، ۱۷۱ کوسموزون ۲۴۶ کومز ۳۵۰ الکون و الانسان بین العلم و القرآن ۲۴۲، ۲۶۳، ۵۱۶، ۵۴۲ کوه صفا ۳۷۶ کوهها ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۴۱، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۰۷، ۲۱۲، ۴۰۶ کهانت ۶۴ کهبانگ ۹۷، ۱۴۵ کهکشان ۹۵، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۵ کهکشان راه شیری ۴۹، ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۶۲ کهکشان شجاع ۱۴۵ کهکشان‌های دور شونده ۹۶ کهکشانها ۴۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۱،

۱۳۳ ، ۱۴۲ ، ۱۴۸ ، ۲۰۸ کیسه صفرا ۴۱۲ کینسی، دکتر ۳۹۳ کینه ۳۳۴ کیهان ۴۱ ، ۹۵ کیهان اندیشه ۲۳۱ کیهان‌شناس ۱۰۹ کیهان‌شناسان ۹۴ کیهان فرهنگی ۲۲۵، ۲۲۶ کیهان و راه کهکشان ۹۷، ۱۴۵، ۲۰۸، ۲۱۰ کیهان‌شناسان ۲۰۹ کیهان‌شناسی ۴۱، ۴۴، ۹۳، ۱۱۹، ۱۵۵ «گ» گارتنر ۴۰۱ گاز ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۳، ۲۱۲ گاسترولاسیون ۴۹۵، ۵۰۹ گالیله ۲۴، ۳۰، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۹۰ گامت ۲۸۵، ۴۵۵، ۴۶۲ گاموف، ژرژ ۹۵، ۱۰۰، ۱۴۶، ۱۸۴، ۲۱۲، ۲۴۶ گاو ۱۲۳، ۲۵۵، ۲۵۸، ۳۰۳، ۳۲۶، ۳۳۵ گاهواره ۱۷۵، ۱۷۶ گذشت زمین ۱۸۴ گذشته و آینده جهان ۱۱۷، ۱۲۳، ۲۱۳، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۶۴، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۵۹، ۴۷۶، ۴۸۶، ۴۹۰، ۵۰۴، ۵۲۷، ۵۳۹ گرانش ۹۵ گرانولوم آمیزشی ۳۸۱، ۳۸۹ گربه ۲۵۴ گردش خون ۴۲۶ گردش زمین ۱۵۹ گردش وضعی ۱۸۸ گردو ۱۲۳، ۱۷۷، ۲۴۰، ۴۵۹ گرده ۲۸۷ گرده افشانی ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۱ گرده گل ۴۱۲ گرز الدین، نعمت الله ۴۰۲ گرگ ۳۲۶ گرما ۱۶۷، ۲۰۹ گروههای التقاطی ۳۳ گروههای مارکسیستی ۲۹ گریپ ۴۱۴ گسترش جهان ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۰۸ گسترش زمین ۱۲۵ گلاوبوبین ۳۲۸ گلبول‌های قرمز ۳۴۴، ۴۰۹، ۴۱۶ گلبولهای سفید ۳۱۷، ۳۲۵، ۳۲۹، ۴۰۹ گلدمان ۴۶۵ گلشنی، دکتر مهدی ۲۹۸ گلوکز ۴۰۷ گلوکوژن ۳۲۹ گلوکوسید استراءستیل ۴۱۲ گلوناس ۴۱۰ گلها ۲۹۱، ۴۰۶، ۴۰۸ گمراهان ۳۹۷ گمراهی ۳۹۷ گناه ۴۳، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۳۶، ۴۲۱، ۴۲۲ گناهان ۳۷۸، ۴۱۹، ۴۲۰ گناهان کبیره ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۷۹، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴ گناهکار ۳۷۷، ۳۸۸ گناهکاران ۱۴۷، ۳۲۰ گندم ۴۳۵ گنهکاران ۱۴۳ گوارش ۳۴۳ گوردن ۳۴۲ گوریل ۲۵۴ گوسفند ۳۰۵، ۳۲۶، ۳۳۵ گوسفند مرینوس ۲۵۳ گوسفندان ۲۵۲، ۲۵۳ گوسولن، پرفسور ۳۹۳ گوش ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۷۳، ۵۰۹، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷ گوشت ۳۰۳، ۳۱۱ گوشت خوک ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵ گوشه‌گیری ۳۹۳ گوشهای کر ۴۰۵ گوگرد ۴۰۸، ۴۳۵ گونز ۱۲۳ گیاه ۱۱۸، ۲۰۲، ۲۳۶، ۲۵۱، ۵۲۴ گیاه‌شناسی ۴۱ گیاهان ۲۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۲۵، ۲۰۰، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۴۳۶، ۵۵۳ «ل» لاپلاس ۹۹ لارسون ۴۰۰ لاری ۲۳ لاغری ۳۹۳ لاک‌پشتان ۲۵۸ لاکپشت‌ها ۱۲۳ لاله ۳۹۷ لامارک ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱ لایه eH اتمی ۱۳۰ لایه H اتمی ۱۳۰ لایه N مولکولی ۱۳۰ لایه O اتمی ۱۳۰ لایه آمینون ۴۹۱ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۲ لایه خلأ ۱۳۰ لایه کوریون ۴۹۱ لایه‌های هموسفر ۱۳۰ لباس ۳۲۷، ۳۶۳، ۳۷۶ لپتونها ۹۵ لسان العرب ۱۷۹، ۴۴۷، ۴۸۱ لطایف قرآنی ۴۳۶ لعاب دهان ۳۳۵ لغت ۳۳، ۳۵، ۱۳۶، ۱۸۱ لغت عرب ۲۶۱ لغویین ۵۵، ۵۶، ۲۴۸، ۴۸۱، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۱۱ لقاح ۲۴۷، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۹۷، ۵۱۹، ۵۲۳ لقاح ابرها ۲۹۰ لقاح بادها ۲۹۳ لقاح گیاهان ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳ لقمان ۱۴۹ لواط ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱ لواط شونده ۳۸۹ لواط عرضی ۳۹۰ لواط کننده ۳۸۹ لواط مرضی ۳۹۰ لواط مسئول ۳۹۰ لوترکپل، ادوارد ۹۹ لوح محفوظ ۳۸ لورا واکسیا واگلیری ۸۲ لورمی ۳۴۵ لوز المعده ۳۴۰، ۳۴۳، ۴۲۳، ۴۹۶، ۵۰۹ لوسیت ۱۰۹ لوط (ع) ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۱ لوقا ۴۲۰ لوله آزمایش ۲۴۶، ۲۴۷ لوله‌های تناسلی ۴۵۴، ۴۵۵، ۵۱۴ لوله‌های زهدانی ۴۵۹، ۴۶۹ لومتر، ژرژ ۱۴۴ لیپاز ۴۰۷، ۴۱۱ لینه، کارل ۲۷۸، ۲۷۹ لیونز ۴۰۰ «م» ما بعد الطبیعه ۳۳ ما تنها نیستیم ۱۹۷ ما خسر العالم بانحطاط المسلمین ۳۲ ما بعد الطبیعهٔ ۱۷۱ ماده ۳۱، ۹۴، ۲۵۱، ۲۷۹ ماده اولیه حیات ۲۴۹ ماده اولیه حیاتی ۲۶۶ مادی‌گری ۵۳ ماران ۲۵۸ مارکسیستها ۳۱ مارکسیسم ۲۳، ۲۸ مارولا ۴۸۳ مارها ۱۲۳ ماری جونز، امی ۴۶۵ مازوخیسم ۳۹۰ ماساژ ۳۵۲ ماساژ سوئدی ۳۵۲ مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات ۱۵۷ ماسویچ، پروفسورآ. ۲۱۳ ماکسیمنکو ۴۱۳ ماگنولیا ۲۴۰ مالاریا ۳۴۴ مالیات ۳۳۲، ۳۳۸ مالیخولیا ۳۹۳ مؤمن ۳۷۹، ۳۸۲ مؤمنان ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۰۰ مؤمنین ۴۰۵ مأمون ۲۵ ماوراء طبیعت ۶۰، ۶۶، ۱۳۷ ماوراء طبیعی ۲۷۵ ماورای طبیعت ۲۳، ۲۶، ۳۴ ماه ۲۶، ۴۵، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵ ماه رجب ۴۲۱ ماه رمضان ۴۱۸، ۴۲۱ ماه شعبان ۴۲۱ ماه مبارک رمضان ۲۹۹ ماهنامه دانستنیها ۴۸۴ ماهنامه مکتب اسلام ۱۹۰ ماهی فروشان ۳۲۱ ماهی‌ها ۲۵۸ ماهیان زره‌دار ۱۲۳، ۲۵۸ ماهیت و منشأ دین ۴۹۰ ماهیچه‌های مخطط ۵۱۰ ماهیها ۲۵۸ مایع ۱۱۹ مایع جنسی ۲۶۷ مباحث کیهان‌شناختی ۲۰۸ مبالغه ۱۷۹ مبانی اعتقادات در اسلام ۱۸۴

مبانی فلسفی و علمی یونان ۲۵ مبانی کلامی ۸۵ مباهله ۲۷۳ مبدأ هستی ۴۴، ۱۵۴، ۳۶۲ مبشری، دکتر اسد الله ۱۰۹، ۲۰۴، ۲۵۷، ۴۴۲ متئررولوژی ۲۸۸ متاستاز ۴۴۸ متافیزیک ۲۳، ۳۵، ۱۱۷، ۱۲۱ متکلمان ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۲، ۶۱، ۶۵، ۵۲۸ مثالهای علمی قرآن ۴۳ مثانه ۳۰۶، ۴۵۹، ۵۰۹ مجاری تنفسی ۴۱۵ مجازات ۳۰۹، ۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۳ مجاهد ۴۷۲ مجرمین ۳۸۷ مجسطی ۱۲۷ مجلسی، علامه محمد باقر ۲۷، ۶۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۴۵۲، ۴۷۹، ۵۱۵ مجله اطلاعات علمی ۱۶۷ مجله بینات ۳۶، ۴۶، ۱۳۴، ۲۲۵ مجله دانشمند ۴۹۰ مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ۳۹۹، ۴۰۰ مجله طب و تزکیه ۳۹۸ مجله کیهان اندیشه ۲۲۸ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۹۳، ۲۸۰، ۲۸۹، ۳۰۸، ۳۳۱، ۳۳۴، ۴۴۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۸، ۴۹۱، ۵۰۲، ۵۲۲ مجمع الفکر الاسلامی ۳۴۷ مجموعه بی‌نهایت ۸۰ مجموعه سخنرانی همایش نقش دین در بهداشت روان ۴۰۱ مجموعه سخنرانیهای سومین کنفرانس دار القرآن الکریم ۴۰ محارم ۳۷۹ محاسبات ریاضی ۲۰۳ محاسن التأویل ۱۲۹ محال عادی ۶۲ محال عقلی ۶۰، ۶۲ محال نقلی ۶۲ محبت ۳۶۰، ۳۷۶، ۴۰۲، ۵۳۰ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۳ محدثان ۳۲ محذورات شرعی ۲۴۷ محصن ۳۷۹ محققان ۲۳۸، ۴۰۲ محققان باستان‌شناس ۲۵۴ محمد بن سنان ۳۵۷ محمد عبد العزیز، دکتر عبد الحمید ۴۰۹ محمد قطب ۳۲ محمد محی الدین، حسین ناجی ۲۲۶ محمدی، سید محمد امین ۹۷، ۱۴۵، ۲۰۸ محمود، دکتر مصطفی ۷۳، ۲۶۳ محمودی، عباسعلی ۱۳۲، ۲۰۰ محیط استوائی ۱۸۷ محیط آلوده ۳۸۶ محیط زندگی ۳۶۸ محیط زیست ۳۱۸، ۳۶۵، ۳۶۸ محیط قطبی زمین ۱۸۷ مخالفان اعجاز عددی قرآن ۲۲۶ مختصر ابن کثیر ۱۵۷ مدار جنوب ۱۹۴ مدار شمالی ۱۹۴ مدار نجوم ۱۵۸ مدارس ۳۶۵ مدخلی بر آموزه‌های جهان شناختی اسلام ۱۷۱ مدرسة الامام امیر المؤمنین (ع) ۳۰ مدرسه پزشکی ۲۹۸ مدنی ۲۲۱، ۳۷۶ مدینه ۱۲۵، ۱۷۷، ۳۱۳، ۳۲۶، ۳۵۰، ۳۶۹ مذاهب اسلامی ۲۳۱ مذهب ۲۶۸، ۳۹۹ مرآة العقول ۴۵۲ مراحل آفرینش ۱۱۱ مراحل آفرینش آدم ۲۶۱ مراحل پیدایش جهان ۱۲۰ مراحل تکامل ۲۵۱، ۲۶۶ مراحل خلقت ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۲۴۳، ۲۹۹ مراحل خلقت انسان ۲۶۴، ۲۶۵، ۴۳۲ مراحل زیست‌شناختی تکامل ۲۶۰ مراکز درمانی ۴۰۹ مراکز علمی ۸۵ مراهقه ۳۹۰ مرتاضان ۶۲، ۶۳، ۶۵ مرتد ۲۲۶ مرجان‌ها ۱۲۳، ۲۵۸ مرحله اولیه خلقت ۲۴۳ مردار ۸۷، ۸۹، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۶ مردار خواری ۳۱۷ مردان پاک‌دامن ۴۱۷ مردان روزه‌دار ۴۱۷ مردانگی ۳۳۷ مردگان ۳۵۶ مرزهای اعجاز ۱۷۵، ۲۸۹ مرزهای نجوم ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۰ المرسی، ابن ابی الفضل ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۷ مرض قند ۳۱۱ مرض لادرری ۳۲۲ مرعشی شهرستانی، علامه سید محمد حسین ۱۶۶، ۱۷۸ المرکز العربی للکتاب ۴۷ مرکز جهان ۱۵۹، ۱۸۵ مرکز کهکشان ۱۶۸ مرکز نشر کتاب ۱۳۶ مرگ ۲۶۴، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۲۲، ۳۳۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۵۲۳، ۵۵۱، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳ مرگ خورشید ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۵ مرگ قلبی ۵۶۲ مرگ مغزی ۵۶۲ مری ۳۴۲، ۳۴۳ مریخ ۲۶، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۹ مریض ۴۲۱ مریم (س) ۴۳، ۶۶، ۲۷۴، ۲۷۵، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۶، ۵۲۵ مزامیر ۱۶۰ مزودرم ۴۹۶، ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۲ مژک‌داران ۲۸۴، ۲۸۵ مس میت ۳۵۷ مسائل بهداشتی ۳۸۴ مسائل جنسی ۴۲۲ مسابقه تسلیحاتی ۳۹۶ مساجد ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۰ مسافر ۴۱۸، ۴۲۱ مسافران ۴۱۹ مسأله حجاب ۳۶۹ مسایل جدید کلام ۵۱۰ مسایل جنسی ۳۶۸ مست ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۰ مستحب ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۶۴ مستدرک الوسایل ۳۳۶، ۳۹۲ مستمسک العروة الوثقی ۳۶۶ مستی ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹ مسجد ۲۹۸، ۳۵۷، ۳۶۶ مسجد الحرام ۳۵۷، ۳۶۸، ۳۷۰ مسجد النبی (ص) ۳۵۷، ۳۷۰ مسجد توسان ۲۲۷ مسح ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱ مسخ ۶۴ مسدس ۱۸۷ مسرفان ۳۰۸ مسرفین ۳۸۷ مسکر ۳۳۱ مسکرات ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۸ مسلمانان ۱۵، ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۴۴، ۵۲، ۱۲۷، ۱۷۱، ۱۹۱، ۲۲۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۹، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۲، ۴۰۳، ۴۱۸، ۴۲۶، ۵۳۴ مسلمانان و دانش جدید ۲۹۸ مسمومیت الکلی ۳۳۹ مسمومیت الکلی مزمن ۳۴۱ مسمومیتها ۳۲۲ مسمومیتهای غذائی ۳۵۲ مسند احمد ۳۴ مسواک ۳۵۰، ۳۵۳ مسیحیان ۲۴، ۱۳۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۵۶، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۸۴ مسیحیان نجران ۲۷۳، ۲۷۵ مسیحیت ۶۷، ۱۲۷، ۳۵۶، ۳۶۸، ۴۲۰ مسیر تکامل ۲۶۳ مشائین ۲۶ مشارق ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۳ مشارق و مغارب ۱۸۶ مشترک لفظی ۱۳۶ مشتری ۲۶، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۷۲ مشرق ۴۹، ۱۵۸،

۱۷۱، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۴ ۲۰۱، ۲۰۳ مشرق‌ها ۱۸۶ مشرقین ۱۹۳ مشرک ۳۷۷ مشرکان ۳۲۶ مشرکین ۱۲۶، ۲۴۷، ۳۰۲ مشرکین عرب ۷۳، ۳۶۹ مشروبات الکلی ۳۳۱، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷ مشکلات بهداشتی ۳۸۴ مشکلات جنسی جوانان ۳۹۴ مشکینی اردبیلی، آیة الله علی ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۶، ۵۲۶ مشیمه ۴۸۸، ۴۹۰ مشیمیه ۳۹۳ مصالح و مفاسد احکام ۸۵ مصباح الاصول ۵۲۳ مصباح الزائر ۴۸۹ مصباح اللغة ۵۷، ۲۴۸، ۴۶۸، ۴۷۰، ۵۰۱، ۵۱۱ مصباح المنیر ۵۶ مصباح یزدی، محمد تقی ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۴۱، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۱۱۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۳۷، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۴، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۲۵ مصر ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۸، ۷۳، ۲۲۰، ۲۹۷ مصطفوی، حسن ۵۵، ۵۸، ۹۴، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۶، ۲۳۶، ۲۴۸، ۴۳۸، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۳، ۵۰۲، ۵۵۵ مصلحت ۸۵ مصلین ۳۹۱ مصیبت ۱۴۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۴۰۱ مضغه ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۴، ۵۳۲، ۵۵۹ مضمضه ۳۵۰، ۳۵۳ مطالب شگفت‌انگیز قرآن ۱۰۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۱، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۷۵، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۰، ۵۰۷، ۵۱۹، ۵۳۲ مطبخ ۲۹۸ مطبعة العرفان ۲۸۹ مطبعة الغری ۱۰۳ مطهرات در اسلام ۳۱۴ مطهری، شهید مرتضی ۳۱، ۳۲، ۳۶۹ مظفر ۳۳، ۵۶، ۸۶، ۸۷ مع الطب فی القرآن الکریم ۴۰۸، ۵۱۶ مع القرآن فی الکون ۱۳۲ معاد ۲۶، ۴۵، ۷۴، ۲۵۵، ۳۶۲، ۴۰۲، ۵۵۳، ۵۶۰ معادشناسی ۴۲۹ معادن ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۷۶ معارف الهی ۴۰ معارف دینی ۴۵ معارف قرآن ۳۱، ۳۸، ۴۱، ۷۳، ۱۱۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۳۷، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۴، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۹۵، ۵۲۵، ۵۲۶ معاشرت ۳۶۰ معالم القرآن فی عوالم الاکوان ۱۹۰ معاملات حرام ۳۲۰، ۳۲۷ معانی و نظم قرآن ۸۱ معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۳۰ معتزله ۷۲ معجزات انبیاء ۵۶ معجزة الصلوة فی الوقایة من مرض دوالی الساقین ۴۲۶ معجزة القرآن ۴۰۸ معجزة القرآن الکریم ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۷ المعجزة القرآنیة ۱۵۲، ۲۲۷ معجزة القرن العشرین من کشف سباعیة و ثلاثیة اوامر القرآن الکریم ۲۲۲ المعجزة ۲۲۵ معجزه ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۹، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۷، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۲۳۹، ۲۴۹، ۴۲۰، ۴۸۷ معجزه ادبی ۷۲ معجزه اعداد ۲۲۳ معجزه بلاغی قرآن ۱۶۶ معجزه جاوید ۲۴۹ معجزه علمی ۹۹ معده ۳۱۰، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۳، ۴۲۳، ۵۳۹ معرفت ۳۴ معرفت تجربی ۲۳ معرفت دینی ۲۳ معرفت فطری ۴۱ معرفت یقینی ۳۴ معرفت، آیة الله محمد هادی ۵۹، ۷۶، ۷۷، ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۲، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۵۰، ۳۷۳، ۴۰۸، ۴۳۲، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۶۹، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱ معری، ابو العلاء ۵۳۵ معلولیت‌های عضلانی ۳۴۲ مغارب ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۳ مغرب ۴۹، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۳، ۴۲۶ مغرب‌ها ۱۸۶ مغربی، عبد القادر ۱۲۹ مغز ۳۳۹، ۴۲۳، ۴۹۶، ۴۹۷ مغزهای الکترونیکی ۲۲۴ مغفرت ۴۱۷ مفاتیح الجنان ۴۸۹ مفاتیح الغیب ۲۵ مفاسد اجتماعی ۳۴۸ مفاسد الکل ۳۳۹ مفتاح العلوم ۷۲ المفردات فی غریب القرآن ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۰۲، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۵، ۲۸۷، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۷۲، ۴۳۴، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۸، ۴۸۳، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۱، ۵۵۰، ۵۵۳ مفسده ۸۵ مفسران ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۸، ۶۵، ۸۱، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۵ ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۸۰، ۱۸۹، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۳۷، ۳۳۹، ۴۱۷، ۴۳۲، ۴۵۰، ۴۶۶، ۴۸۱، ۵۰۶، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۶۰ مفسران اسلامی ۳۱ مفسران سنی ۲۸ مفسران شیعه ۲۸، ۳۳۳ مفسران شیعه و سنی ۳۰ مفسران قرآن ۱۲۲، ۲۴۴، ۳۹۶، ۴۳۸، ۵۵۳ مفسران مسلمان ۲۹ مفسران مسیحی ۲۴ مفسران معاصر ۴۰، ۴۲ مقابله ۴۷ مقاربت ۳۵۸، ۴۹۶ مقاربت جنسی ۳۴۰ مقام پیامبری ۵۲۶ مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم ۲۴، ۳۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۴۶، ۱۶۴، ۲۰۵، ۲۴۱، ۲۶۶، ۴۳۳، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۶۵، ۴۷۷، ۴۹۷، ۵۶۴ مقاییس اللغة ۵۷، ۱۷۶، ۴۴۸، ۴۵۷، ۴۸۱، ۵۰۱، ۵۱۱ مقدسین ۱۲۷ مقعد ۳۹۰ مکارم شیرازی، آیة الله ناصر ۱۷، ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۶۶، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۴۵،

۱۵۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۳، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۹۰، ۳۱۶، ۳۹۴، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۹۴، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۸، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۶۱ مکتب اتمی ۱۰۹ مکتب الاعلام الاسلامی ۲۰۰ مکتب مراغه ۱۷۱ مکتبهٔ دار الفتح ۱۹۸ مکتبهای الحادی ۲۳، ۲۸ مکعب ۱۸۷ مکلف ۴۲۱ مکه ۱۲۵، ۲۲۰، ۳۱۳، ۳۲۶، ۳۷۶ مکی ۲۲۱، ۳۶۲، ۳۷۵ مگس ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۳۲۸ ملائک، دکتر سید عباس ۴۸۵ ملائکه ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۲۳، ۲۶۲، ۴۷۵، ۵۲۷ ملاقیح ۲۸۷ ملخ ۲۴۵ ملکائین عسلی ۴۱۴ ملکاتین ۴۱۶ ملکه زنبور عسل ۴۱۲، ۴۶۳ ملکیان، مصطفی ۲۸۴، ۵۱۰، ۵۱۲ ممکنات ۱۵۴ من الاعجاز البلاغی و العددی للقرآن الکریم ۲۲۶ من علم الطب القرآنی ۳۱۷، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۱۱، ۴۲۴، ۵۰۷ من علوم الارض القرآنیهٔ ۲۷۲ منابع آب ۱۲۵ منابع اقتصادی ۴۲ منابع شش‌گانه شناخت ۴۰ منبع تولید ۴۲ المنتخب فی التفسیر ۱۲۹، ۱۳۰ منتخب نشر شورای عالی امور اسلامی قاهره ۴۷۷ منجمان ۲۷ منجمان اروپایی ۱۷۱ منجمین ۵۲۲ منشأ پیدایش انسان ۲۹۹ منشأ پیدایش حیات ۲۵۷ منشأ پیدایش موجود زنده ۲۵۸ منشأ حیات ۲۴۱، ۲۴۶ منشأ خلقت ۲۴۲ منطق ۳۵، ۷۴، ۸۶ المنطق ۳۳، ۵۶، ۸۶، ۸۷ منطقه استوایی ۱۳۷ منطقه حاره ۱۳۷ منطقه منجمد شمالی و جنوبی ۱۳۷ منطقیین ۳۳ المنظومات العددیهٔ فی القرآن العظیم ۲۲۲ منظومه خورشید مرکزی ۱۷۱ منظومه زمین مرکزی ۱۷۱ منظومه سیاره‌ای ۲۰۵ منظومه شمسی ۴۹، ۹۷، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۷، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰ منظومه‌ها ۱۳۱ منکر ۳۸۷ منکرات ۴۲۷ منگنز ۴۰۸، ۴۳۵ منی ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۷، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۹۱، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۹، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۵۵، ۵۵۹ منیزیم ۴۰۹، ۴۳۵ مواد سمی ۳۵۹ مواد غذائی ۲۷۵، ۳۴۳ مواد قندی ۳۰۸، ۴۱۲، ۴۱۵ مواد مخدر ۳۳۹، ۳۴۷ مواد مذاب ۱۶۸، ۱۷۹ مواد معدنی ۳۰۸ موازین تفسیری ۳۹ الموافقات ۳۷ مواهب آفرینش ۳۰۸ موتاسیون ۲۵۲ موجبه جزئیه ۲۳۱ موجبه کلیه ۲۳۱، ۲۳۲ موجود زنده ۲۴۴ موجودات تک‌سلولی ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۷۱، ۲۷۷ موجودات ذره‌بینی ۱۹۹، ۲۴۰، ۲۵۱ موجودات زنده ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۷۱، ۲۷۷، ۲۸۰ موجودات ماوراء طبیعی ۱۲۰ موجودات ناشناخته ۴۴ مور ۴۲ مورفولوژی ۴۶۳ موسسه النشر الاسلامی ۷۰ موسوی راد، سید حسین ۴۲۱ موسوی لاری ۱۸۴ موسوی، زهرا ۳۹۹ موسی (ع) ۴۳، ۵۶، ۶۶، ۶۷، ۸۴، ۲۲۱، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۳۰، ۴۲۰ موسیقی ۷۷، ۴۰۴ موسیقی خاص قرآن ۴۰۳ موسیقی قرآن ۷۳ موسین ۳۵۹ موش ۳۲۱، ۴۶۴ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۶ موعظه ۴۵۱ مولیبدن ۴۳۵ مونتاژ ۲۴۵ مونیکا ۴۶۵ موهبت الهی ۳۳۷ مویرگ‌های مغزی ۴۱۶ مهاجری، مسیح ۲۶۹ مهبانگ ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۴۵ مهبل ۳۷۱، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۴ مهر ۳۱۵، ۳۲۷، ۳۸۳ مهندسان ۱۵، ۲۸، ۳۰ میانه‌روی ۳۰۸ میت ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۵۷ میته ۳۱۷ میخ ۱۸۴ میردامادی، سید حسین ۲۰۳ میرزا محمد، علیرضا ۵۹، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۸۱ میرزا محمد، علیرضا ۱۷۴ میر زمانی، سید محمود ۳۹۹ میر محمدی، آیهٔ الله سید ابو الفضل ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۷۳، ۷۸ میزان الحکمهٔ ۳۴، ۵۸، ۳۶۳ المیزان فی تفسیر القرآن ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۸، ۴۰، ۴۸، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۴، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۸، ۲۶۷، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۶۲، ۳۶۶، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۵۳، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۵، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۲۳، ۵۳۳، ۵۵۰، ۵۵۵، ۵۵۸ میکروب ۲۸۱، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۵۲، ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۶۴ میکروسکوپ ۲۱۲، ۲۸۷، ۳۶۷، ۴۳۳، ۴۸۵، ۴۸۶ میکروسکوپ الکترونیکی ۵۶۰ میکرونوکلئوس‌ها ۲۸۵ میل جنسی ۳۴۴ میل جنوبی ۱۹۴ میل شمالی ۱۹۴ میلر ۲۴۶ میمون ۲۵۵، ۲۵۸ میمون‌ها ۲۵۸، ۲۵۹ میمونها ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۷۴ میمونهای انسان‌نما ۲۵۱ مینای دندان ۵۰۹ میندل ۱۲۳ میوتوم ۵۱۰ میوه ۱۱۰ میوه گندیده ۳۰۶ میوه‌جات ۴۳۵ میوه‌ها ۲۸۳ «ن» نائبان مکتب تصوف ۲۲۰ نئاندرتال ۲۵۵، ۲۵۶ ناتوانی‌های جنسی ۳۹۳، ۳۹۴ ناخن ۵۰۹ ناراحتی‌های روانی ۳۹۰ نارسایی‌های خونی ۳۴۴ ناسخ و منسوخ ۵۰ ناقه صالح ۶۷ نامحرمان ۳۸۲ ناموس ۳۲۱، ۳۷۸ نباتات ۲۵۶، ۲۸۴ نبش قبر ۳۱۴ نبوت ۳۱، ۵۲، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۶۸، ۷۴، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۲۷۳،

۲۷۴، ۳۶۲، ۵۲۶ نبوغ ۳۱ نپتون ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۹ نثر طوبی ۵۹، ۱۷۸ نجاسات ۳۰۶، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۸ نجاست شراب ۳۳۶ النجدی، حمید ۱۱۸ النجدی، دکتر ابو زهرا ۲۲۶ النجدی، دکتر حمید ۳۲۳ نجس ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۵۶ نجف ۱۰۳ نجفی، گودرز ۱۰۰، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۱۲، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۱، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۶۴، ۴۷۵، ۴۸۴، ۵۰۷، ۵۱۹، ۵۳۲ نجوم ۲۵، ۹۳ النجوم فی سالکها ۱۱۵، ۲۱۳ نجوم یونانی ۲۶ نحر ۳۱۴ نحیما ۴۲۰ نخاع ۴۴۸، ۴۹۶ نخاع شوکی ۴۵۰ نخل ۲۸۳، ۳۳۱ ندوی، سید ابو الحسن ۳۲ نذر ۳۵۷ نر و ماده ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۴۵۵ نری ۳۰۶ نرینه خرما ۲۸۷ نزدیکی به خدا ۴۰۳ نزول باران ۱۴۵، ۱۵۴، ۲۵۳، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۵۲۲ نزول سوره‌های قرآن ۲۲۱ نزول قرآن ۱۵، ۴۴، ۶۷، ۷۵، ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۰۴، ۲۴۱، ۲۸۰، ۲۹۷، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۹۹، ۵۱۳، ۵۶۴ نژد، محمد ۱۵۹، ۱۷۶، ۱۹۴، ۲۹۸، ۳۳۵ نشاط ۳۵۰ نشر دار القرآن الکریم ۴۶۰ نشر دانشگاهی ۲۴، ۴۲ نصارای نجران ۲۷۴ نصر، دکتر سید حسین ۱۷۱ نصوص شرعی ۲۳۸ نطفه ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۹۹، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۵، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۶، ۵۰۰، ۵۰۵، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۶ نظافت ۸۷ نظافت لباس ۳۶۳، ۳۶۵ نظام آفرینش ۲۵۴ نظام افلاک کلیه و جزئیه ۲۷ نظام تشریع ۷۴ نظام ریاضی ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷ نظام عالم ۱۵۴ نظام عدل ۷۴ نظام هستی ۲۱۲ النظریة القرآنیة الکونیة حول خلق العالم ۱۰۳ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۷ نظریه انفجار بزرگ ۱۰۳ نظریه بطلمیوسی ۷۵ نظریه تکامل ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۴۳۶ نظریه تکامل از دیدگاه قرآن ۲۶۹ نظریه تکامل انواع ۲۸، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۷۱ نظریه ثبات انواع ۲۴۹، ۲۶۴، ۲۶۹، نظریه ظنی ۵۰ نظریه‌های کیهان‌شناسی یونانی ۱۲۷ نظم ۸۹، ۱۲۶ نظم جهان ۱۷۳ نظم ریاضی ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲ نظم ریاضی قرآن ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۱ نعمت‌های الهی ۱۸۰ نعوظ ۴۴۵ نفاس ۳۵۷ نفاق ۳۱، ۳۹۶، ۳۹۷ نفخ روح ۲۶۱، ۲۶۳، ۴۹۵، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۷ نفس ۲۷۲، ۴۶۶، ۵۳۰، ۵۶۲ نفس واحده ۲۷۱ نفیسی، دکتر ابو تراب ۵۰۷ نقرس ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۴۶ نقره ۳۳۵ نقش دین در بهداشت روان ۳۹۹ نقصان حافظه ۳۹۳ نکاح ۳۷۸، ۳۹۲ نگاه حرام ۳۸۳، ۴۲۱ نگرشی به علوم طبیعی در قرآن ۱۵۲، ۲۸۱ نماز ۴۳، ۴۴، ۸۹، ۳۲۷، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۴، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۲۶، ۴۲۷ نماز جمعه ۳۶۰ نماز ظهر و عصر ۱۹۳ نماز مغرب و عشاء ۱۹۳ نمازگزار ۳۲۷، ۳۵۰، ۳۶۳، ۳۶۵ نمازگزاران ۲۲۷، ۳۶۵، ۳۹۱ نمازهای یومیه ۲۲۶ نمک ۲۹۰، ۴۳۹ نوترون ۲۷۹ نوح (ع) ۱۲۶، ۲۲۲، ۲۶۸، ۲۶۹ نور ۹۴، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۶۷، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۴۰، ۲۹۷، ۳۵۰، ۴۸۸ نور ملکوت قرآن ۴۶۴ نورانیت باطنی ۳۵۷ نوروز ۳۵۷ نوری، آیة الله حسین ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۴، ۱۹۷، ۲۰۰ نوشابه‌های الکلی ۳۴۱ نوفل، عبد الرزاق ۱۷، ۳۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۶۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۹۸، ۳۱۲، ۳۷۴، ۴۶۰، ۴۷۷، ۵۰۸، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۶، ۵۴۸ نوکائین ۴۱۴ نویسندگان عرب ۱۶۲ نویسندگان مصری ۴۸۵ نهاد جرار، بسام ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۱ نهایة الایحار فی درایة الایحاربه ۷۲ نهج البلاغه ۹۸، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۴۱، ۱۷۸، ۳۹۶، ۴۰۵ نهضت ترجمه ۲۵ نهنگ‌ها ۱۱۰ نیازمند شیرازی، ید الله ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۳، ۱۷۹، ۱۹۰، ۳۷۴ نیازمند، رضا ۳۶ نیت ۳۵۴، ۴۱۷ نیرک آب ۳۵۰ نیرنگ آب ۳۵۰ نیروی برقاطیس ۹۷ نیروی جاذبه ۱۱۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۰۸ نیروی جنسی ۳۹۴ نیروی گرانش ۲۰۹ نیکبخت نصرآبادی، علیرضا ۳۹۸ نیکوکاران ۱۴۷ نیکوکاری ۱۹۲ نیوتن ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۷ «و» واجب ۳۵۷، ۳۶۴ واجب کفائی ۳۱۴، ۳۶۶ واریس ۴۲۶ وازلین ۴۱۰ و اسپرم ۲۴۷ واکنش‌های هسته‌ای ۹۵، ۹۶ و اندیشه ۳۷۹ وانیایس بیشوف، ژرژ ۲۳۹ وبا ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۵۲ وباء ۳۱۰ وجدی، فرید ۳۲، ۷۳ وحدت ۳۹۹ وحدت خلق ۲۸۲ وحدت روان ۳۹۹ وحی ۲۳، ۲۹، ۳۰، ۴۵، ۵۲، ۸۹، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۴۲، ۱۶۸، ۲۲۳، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۶۵، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۳۳، ۴۸۲، ۵۳۴ ودکا ۳۳۱ وراثت ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸ ورزش ۳۵۸، ۴۲۶ ورم روده ۳۱۱ ورم غشای خارجی مغز ۳۴۲ ورم مثانه ۳۴۶ ورمیفوژی ۳۲۳ وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة ۱۴۱، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۸، ۳۶۶،

۳۶۷، ۴۰۱ وسوسه‌های شیطانی ۴۰۱ وصفی، دکتر محمد ۴۹۱ وضع حمل ۵۰۳، ۵۲۱ وضو ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۷۰ وعده عذاب ۳۷۸، ۳۸۲ ولکوف ۱۷۰ وندیداد ۳۱۴ ویار ۳۱۱، ۵۴۶ ویت، برایت ۴۲ ویتامین ۳۲۹، ۳۴۲، ۳۴۴، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۶ ویتامین‌ها ۳۰۸، ۴۱۲ ویروس ۲۸۱، ۴۷۸ ویروسها ۲۰۱، ۳۱۰، ۴۶۴ ویژه، دکتر هوشمند ۴۹۰ ویسکی ۳۳۱ ویلارد، ری ۹۷، ۱۴۵، ۲۰۸ ویلیام هاولینگ، استفن ۹۵، ۱۴۴ ویلیامز، تروورای ۱۴۴ «ه» هابل ۱۴۴ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۸ هابل، ادوین ۹۵ هابیل ۴۲ هابیل و قابیل ۳۱، ۴۱ هارون ۳۱۳ هارون الرشید ۲۵ هاروی ۴۳۳، ۴۷۷ هاشمی‌نژاد، عبد الکریم ۲۸۹ هاکس، جیمز ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۷، ۳۵۰، ۴۰۷ هاگ‌های زنده ۲۴۶ هانز، پروفسور ۲۴۵ هبوط خورشید ۱۶۱ هپارین ۴۸۴ هتروژن ۴۹۶ هدایت ۱۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۲۹۷، ۳۹۷، ۴۱۸ هدایت دینی و معنوی ۴۰ هذیان ارتعاشی ۳۴۶ هذیان‌گوئی ۳۴۶ هراکلیت ۱۱۰ هرثل ۱۹۷ هرکلیتوس ۱۸۷ هرکیل ۱۶۳، ۱۶۹ هسته ۲۱۲ هفت آسمان ۲۶، ۲۷، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۶ هفت آسمان و زمین ۱۲۶ هفت دریا ۱۳۸ هفت زمین ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۴۰، ۲۰۶ هفتگانه بودن آسمانها ۲۷ هلبا ۴۲۴ هلیوم ۹۵، ۱۱۴، ۱۶۷، ۲۰۹، ۲۱۳ همایش نقش دین در بهداشت روان ۳۹۹ همجنس بازی ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱ همجنس‌گرایی ۳۸۶ همسایه ۳۷۸ هموژن ۴۹۶ هموگلوبین ۴۱۶ هند ۱۷، ۲۸ هندسه ۳۶، ۳۹، ۴۷، ۱۹۰ هندوها ۳۰۳ هنرنمایی ۲۷۷ هوا ۱۰۹، ۱۵۸، ۲۰۱، ۳۲۸ هواپیما ۱۶۳ هواشناسی ۱۴۰، ۲۸۸ هود (ع) ۲۲۲ هورمون جنسی ۴۰۸ هورمون نباتی ۴۰۸ هورمون‌ها ۴۱۲ هورمون‌های جنسی ۴۲۲ هورمونها ۳۲۹، ۳۳۰ هوفمان، دکتر ۳۹۳ هومانابر ۲۵۴ هویل، فرد ۹۶ هیأت ۴۷ هیئت ۲۶، ۹۳، ۹۹، ۱۱۰، هیات ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۴ هیئت بطلمیوسی ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۷ هیئت جدید ۱۶۲، ۱۸۹ هیئت جدید کپرنیکی ۱۹۷ هیئت قدیم ۱۶۱ هیتو، دکتر محمد حسن ۱۵۲، ۲۲۷ هیجان‌زدگی ۳۴۶ هیدروژن ۹۵، ۹۶، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۶۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۳۹، ۴۳۵، ۴۴۱ هیوم ۲۸، ۳۴ «ی» یاد خدا ۳۳۸، ۴۰۰ یأس ۴۰۰ یافته‌های اخترشناسی نوین ۱۵۰ یافته‌های کیهان‌شناسی ۲۱۰ یبوست ۳۲۲، ۴۱۲ یحیی (ع) ۳۵۶ یخبندان ۱۲۳ ید ۴۰۸ ید بیضاء ۵۶، ۶۷ یرقان ۳۴۳، ۵۵۱ یرقان عفونی ۳۲۱ یزدانی، عباس ۲۲۸، ۲۳۱ یکتایی، مجید ۱۴۴ یکشنبه ۱۱۲ یوئیل ۴۲۰ یوسفی لویه، مجید ۳۹۹ یونان ۲۵، ۳۰، ۳۲، ۸۵، ۱۸۷ یونانیان ۱۳۳، ۱۸۷، ۱۹۱ یونوسفر ۱۳۰ یونیزاسیون ۴۴۱ یهود ۱۱۲، ۱۲۷، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۸۴، ۴۲۰ یهودی ۸۸ یهودیان ۱۲۰، ۱۳۲، ۱۴۲، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۵۵ یهودیت ۶۷، ۴۲۰ یهوه ۳۳۵ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۰۹

فهرست منابع

فهرست منابع ۱- ابو السعود، دکتر رفیق، ۱۴۱۰ ق، الاعجاز حدثیه و علمیّه و رقمیّه فی القرآن، دار المعرفة، دمشق. ۲- احمدی، محمود، ۱۳۷۱ ش، اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، انتشارات احمدی، بی‌جا. ۳- احمد حامد، دکتر حامد، ۱۹۹۶ م، الایات العجاب فی رحلة الانجاب، دار القلم، دمشق، الطبعة الاولی. ۴- ارناووط، محمد السید، بی‌تا، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، مکتبة مدبولی، قاهرة. ۵- اسماعیل پاشا، دکتر عبد العزیز، بی‌تا، ترجمه غلامرضا سعیدی، اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، انتشارات برهان، بی‌جا. ۶- آسیموف، ایزاک، ۱۳۶۱ ش، ترجمه علیرضا توکلی صابری، اکتشافات قرن بیستم (سیارات)، شرکت سهامی انتشار، تهران. ۷- افتخاریان، سید جواد، ۱۳۶۲ ش، قرآن و علوم روز، انتشارات افتخاریان، تهران. ۸- امین، احمد، بی‌تا، ترجمه بهشتی، لاری و امامی، راه تکامل، انتشارات دار الکتب الاسلامیة، هفت جلدی. ۹- امین شیرازی، احمد، ۱۳۷۳ ش، اسلام پزشک بی‌دارو، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم. ۱۰- انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل: تورات، انجیل و ملحقات آنها) ۱۱- اهتمام، احمد، ۱۳۴۴ ش، فلسفه احکام، چاپخانه اسلام، اصفهان. ۱۲- اوبلاکر، اریک، فیزیک نوین، ۱۳۷۰ ش، ترجمه بهروز بیضاوی، انتشارات قدیانی، تهران. ۱۳- بدران، مهندس مصطفی ابو سیف، ۱۴۱۸ ق، المنظومات

العددیـة فی القرآن العظیم برهـان احصـائی فی احکـام البناء القرآنی، مکتبـة وهبـة، قاهره. ۱۴- بوکـای، موریس، ۱۳۶۵ ش، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم. و همین کتاب تحت عنوان «عهـدین، قرآن و علم» توسط حسن حبیبی ترجمه شده است انتشارات سـلمان، ۱۳۷۵ ش، تهران. و نیز ترجمـه عربی آن تحت عنوان «التوراة و الانجیل و القرآن و العلم الحـدیث» توسط انتشارات دار الکنـدی، بیروت، ۱۳۹۸ ق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۰ و نیز ترجمه عربی تحت عنوان «دراسـة الکتب المقدسـة فی ضوء المعـارف الحدیثـة» توسط دار المعارف، قاهره، ۱۹۷۸ م. ۱۵- باربور، ایان، ۱۳۶۲ ش، ترجمه بهاء الـدین خرمشاهی، علم و دین، مرکز نشـر دانشـگاهی، تهران. ۱۶- بازرگان، مهدی، ۱۳۳۳ ش، مطهرات در اسـلام، شـرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوم. ۱۷- بازرگان، مهدی، ۱۳۵۳ ش، بـاد و باران در قرآن، به اهتمام سیـد محمد مهدی جعفری. ۱۸- البحرانی، سید هاشم الحسینی، ۱۳۳۴ ش، البرهـان فی تفسیر القرآن، دار الکتب العلمیـة، قم، پنج جلدی. ۱۹- بی‌آزار شـیرازی، عبـد الکریم، ۱۳۴۹ ش، گذشـته و آینـده جهـان، انتشـارات طباطبائی، قم، چاپ دوم. ۲۰- پاک‌نژاد، دکتر سـید رضا، ۱۳۵۰ ش، اولین دانشـگاه و آخرین پیـامبر، کتابفروشـی اسـلامیه، ج ۱ و ۱۱. ۲۱- روسـو، پی‌یر، ۱۳۴۴ ش، تاریخ علوم، مؤسـسه انتشـارات امیر کبیر، تهران چـاپ چهارم، ترجمه چاپ چهل و دوم کتاب. ۲۲- تجلیـل، ابو طالب، ۱۳۷۲ ش، راههای خداشناسـی در طبیعت، دفتر انتشـارات اسـلامی، قم، چاپ دوم. ۲۳- تاج‌آبادی، حسین، ۱۳۷۲ ش، انسـان و علوم انسانی از دیـدگاه اسـلام، واحـد انتشارات دانشـگاه آزاد اسـلامی نراق. ۲۴- الجمیلی (دکـتر سـید)، ۱۹۸۷ م، الاعجـاز الطـبی فی القرآن، دارو مکتبة الهلال، بیروت. ۲۵- الجائی، سـلیم، بی‌تا، النظریـة القرآنیـة الکونیة حول خلق العالم، مطبعة نضـر، دمشق. ۲۶- جزائری، دکتر غیـاث الدین، ۱۳۶۵ ش، اسـرار خوراکیها و زبان خوراکیها، بی‌تا، چاپخانه سپهر تهران. ۲۷- حقیقی، ک، م، بی‌تـا، فروغ دانش جدیـد در قرآن و حـدیث، انتشـارات لوکس (نویـد)، شـیراز، ج ۱. ۲۸- حنفی، احمـد، بی‌تـا، التفسـیر العلمی للایـات الکونیـة فی القرآن، دار المعارف، مصر. ۲۹- حسب النبی، دکتر منصور محمـد، ۱۹۹۱ م، القرآن و العلم الحدیث، الهیئة المصـریة العامة للکتاب، مصر. ۳۰- حسـین مهران، دکتر جمال الدین، ۱۹۹۲ م، آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، مکتبـة الانحلو المصـریة، قاهرة. ۳۱- حسین فاروقی، دکتر محمـد اقتدار، ۱۳۷۴ ش، ترجمه احمد نمایی، گیاهان در قرآن، بنیاد پژوهشـهای اسـلامی آسـتان قدس رضوی، چاپ اول. ۳۱- حسین فاروقی، دکتر محمد اقتدار، ۱۳۷۴ ش، ترجمه احمد نمایی، گیاهان در قرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول. ۳۲- الحر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۹۱ ق، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الرابعة، بیست جلدی. ۳۳- حکیم، سید محمد باقر، ۱۴۱۷ ق، علوم القرآن، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة الثالثة. ۳۴- حلبی، علی اصـغر، ۱۳۷۱ ش، نهضت‌هـای دینی- سیاسـی معاصـر، انتشـارات بهبهـانی، تهران. ۳۵- الحـویزی، عبـد العلی بـن جمعه العروسی، ۱۳۸۳ ق، تفسـیر نور الثقلین، المطبعـة العلمیة، قم، پنج جلدی. پژوهشـی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۱ ۳۶- خرمشاهی، بهاء الـدین، ۱۳۷۲ ش، قرآن پژوهی، مرکز، نشـر فرهنگی مشـرق، تهران. ۳۷- خمینی، امـام روح الله الموسـوی، ۱۳۹۰ ق، تحریر الوسـیله، دار الکتب الاسلامیه، قم، دو جلد. ۳۸- خوئی، آیة الله سـید ابو القاسم، ۱۳۹۴ ق، البیان فی تفسـیر القرآن، المطبعة العلمیة، قم. ۳۹- الخطیب، عبـد الغنی، ۱۳۶۲ ش، ترجمه دکتر اسـد الله مبشـری، قرآن و علم امروز، مؤسـسه مطبوعاتی عطائی، تهران. اصـل کتـاب تحت عنوان «اضواء من القرآن علی الانسان و نشأة الکون» در مکتبـة دار الفتـح، دمشق، ۱۳۹۰ ق، به چاپ رسـیده است. ۴۰- خلیفه، رشاد، ترجمه سـید محمد تقی آیت اللهی، ۱۳۶۵ ش، اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، دانشـگاه شیراز. ۴۱- خلیفه، رشاد، ۱۹۸۳ م، معجزة القرآن الکریم، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعـة الاولی. ۴۲- دفضع، بسّام، بی‌تا، الکون و الانسان بین العلم و القرآن، مطبعة الشام، بی‌جا. ۴۳- دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، ۱۴۰۴ ق، مع الطب فی القرآن الکریم، مؤسسة علوم القرآن، دمشق، الطبعـة السابعة. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی‌تا، تهران. ۴۴- دیاب، دکتر محمود، ۱۴۰۸ ق، الاعجـاز الطبی فی القرآن الکریم، مطبوعـات دار الشـعب، قـاهره. ۴۵- دسـتغیب، شـهید عبد الحسین، ۱۳۶۱ ش،

گناهان کبیره، کانون ابلاغ انـدیشه‌های اسـلامی، بی‌جا، دو جلـدی. ۴۶- داور مزدی، دکـتر هرمز، ۱۳۷۲ ش، انگل‌شناسـی پزشکی، جهاد دانشـگاهی، چاپ چهارم. ۴۷- الذهبی، محمد حسین، ۱۳۹۶ ق، التفسیر و المفسرون، دار الکتب الحدیثهٔ بی‌جا، دو جلدی. ۴۸- رضـائی فر، مهنـدس جعفر، ۱۳۷۵ ش، قرآن و آخریـن پدیـده‌های علمی، انتشـارات فـوژان. ۴۹- راشـدی، لطیف، ۱۳۷۷ ش، نگرشـی به علوم طبیعی در قرآن، نشـر سـبحان، تهران. ۵۰- رهبری، احمـد، ۱۳۷۴ ش، از مجموعه دانسـتنیهای قرآن، انسـان پیش از تاریـخ (پیدایش انسان)، انتشارات مارلیک، تهران. ۵۱- راسل. ل. ا. ک، ترجمه محمد جواد سـهلانی، بی‌تا، کاربرد روش سیسـتم‌ها به ضـمیمه تعبیر قرآن آربری، انتشارات بعثت، تهران. ۵۲- رضائی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۶۵ ش، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشـارات اسوه، قم. ۵۳- رازی، فخر الـدین، ۱۴۱۱ ق، تفسـیر کبیر (مفاتیـح الغیب)، دار الکتب العلمیهٔ، بیروت، ۳۲ جلد. ۵۴- رشید رضا، محمد، بی‌تا، تفسیر القرآن الحکیم الشـهیر بتفسیر المنار، دار المعرفهٔ، بیروت، الطبعهٔ الثانیهٔ، ۱۲ جلد. ۵۵- الراغب الاصفهانی، ابو القاسم الحسین بن محمـد، ۱۳۳۲ ش، المفردات فی غریـب القرآن، المکتبـهٔ الرضویـهٔ، تهران. ۵۶- ری شـهری، محمد محمدی، ۱۳۶۷، میزان الحکمهٔ، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۲ ۵۷- زیدان، جرجی، بی‌تا، تاریـخ التمـدن الاسـلامی، دار المکتبـهٔ الحیاهٔ، بیروت، پنـج جلـد در دو مجلـد. ۵۸- زمخشـری، محمود بن عمر، بی‌تـا، تفسـیر الکشاف، دار الکتاب العربی، بیروت، چهار جلـد. ۵۹- الزرکشـی، بدر الدین محمد بن عبد الله، ۱۴۱۰ ق، البرهـان فی علوم القرآن، دار المعرفـهٔ، بیروت، چهار جلد. ۶۰- زمانی، مصطفی، ۱۳۵۰ ش، پیشـگوئیهای علمی قرآن، انتشارات پیام اسـلام، قم. ۶۱- سلامهٔ، دکتر علی محمد، ۱۹۸۶ م، السـمع و البصـر فی القرآن الکریم، منشورات جمعیهٔ الدعوهٔ الاسلامیهٔ العالمیهٔ، طرابلس لیبی. ۶۲- سامی، محمـد علی، بی‌تـا، الاعجـاز العلمی فی القرآن الکریـم، دار المحبـهٔ، بیروت و همـان ۱۴۱۶ ق، دار النـور، دمشـق. ۶۳- سرفرازی، عباسعلی، ۱۳۶۴ ش، رابطه علم و دین، دفتر نشـر فرهنگ اسلامی، تهران. ۶۴- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، ۱۴۰۷ ق، الاتقان فی علوم القرآن، دار الکتب العلمیـهٔ، بیروت، دو جلد. ۶۵- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، ۱۴۰۵ ق، الاکلیل فی استنباط التنزیل. ۶۶- سـید قطب، ۱۳۸۶ ق، فی ظلال القرآن، دار احیـاء الـتراث العربی، بیروت، الطبعـهٔ الخامسـهٔ، ۸ جلـدی. ۶۷- سحابی، یـد اللّه، ۱۳۵۱ ش، خلقت انسـان در بیـان قرآن، شـرکت سـهامی انتشار، تهران چاپ سوم. ۶۸- سبزواری، حـاج ملا هادی، ۱۳۶۹ ش، شـرح منظومه، انتشارات علّامه، قم، چاپ ششم. ۶۹- سادات، مهندس محمد علی، ۱۳۵۷، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، انتشارات فلق تبریز. ۷۰- سپهر، مهدی، ۱۳۷۰ ش، سیر تحوّل علوم تجربی در جهان اسلام، مرکز اطلاعات علمی و فنی مجتمع فولاد مبارکه. ۷۱- سـادلر، پروفسـور تومـاس، وی، ۱۳۷۰ ش، ترجمه دکـتر مسـلم بهـادری و دکتر عبـاس شـکور، رویان‌شناسـی پزشـکی لانگمن، (تجدید نظر ششم ۱۹۹۰ م)، انتشارات شرکت سهامی چهر. ۷۲- سلیمان، احمد محمد ۱۹۸۱ م، القرآن و الطب، دار العودهٔ، بیروت، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۷۳- سلیمان، احمد محمد، القرآن و العلم. ۷۴- الشریف، دکتر عدنان، ۱۹۹۰ م، من علم الطب القرآنی، دار العلم للملایین، بیروت. ۷۵- الشریف، دکتر عدنان، ۱۹۹۴ م، من علوم الارض القرآنیـهٔ (الثوابت العلمیهٔ فی القرآن الکریم)، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعـهٔ الثانیهٔ. ۷۶- شهرسـتانی، سید هبهٔ الدین، ۱۳۵۶ ش، اسـلام و هیئت، مطبعـهٔ الغری فی النجف. ۷۷- شریعتی، محمد تقی، ۱۳۳۵ ش، تفسـیر نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۷۸- شریعتی، دکتر علی، اسلام‌شناسی، حسینیه ارشاد، تهران، جزوه ۱۵ و ۱۶. ۷۹- شاه محمدی، دکتر داود، ۱۳۷۶ ش، ایمان مذهبی به عنوان یکی از عوامل کاهش دهنده شدت و دوره سوگ، مجموعه چکیـده ۴۰ سـخنرانی، همـایش نقش دیـن در بهـداشت روان، ش ۳۱، دانشـگاه علوم پزشـکی و خـدمات بهداشتی درمانی ایران. پژوهشـــی در اعجـاز علمی قرآن، ص: ۶۱۳ ۸۰- صـادقی، دکـتر محمـد، بی‌تـا، زمیـن و آسـمان و سـتارگان از نظر قرآن، کتابفروشـی مصـطفوی بوذر جمهری، تهران، چاپ دوم. ۸۱- صادقی، دکتر محمـد، ۱۴۰۸ ق، الفرقـان فی تفسـیر القرآن بالقرآن و السـنهٔ، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۲- صدقی، نعمت، بی‌تا، معجزهٔ القرآن، نشـر عالم الکتب، قاهره. ۸۳- صدوق، شیـخ صـدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بابویه قمی، ۱۳۸۵ ق، علل الشـرایع، مکتبـهٔ الحیدریهٔ نجف، و مکتبهٔ

الداوری، قم. ۸۴- صداقت، سید علی اکبر، بی‌تا، قرآن و دیگران، نشر روح، قم. ۸۵- طباطبائی، علامه سید محمد حسین، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن، دار الکتب الاسلامیة، تهران، الطبعة الثانیة. و نیز ۱۳۹۳ ق، مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعة الثالثة، ۲۰ جلدی. ۸۶- طباطبائی، علامه سید محمد حسین، ۱۳۶۲ ش، اعجاز قرآن، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم. ۸۷- طباطبائی، علامه سید محمد حسین، بی‌تا، روش رئالیسم، با پاورقی‌های استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، قم، پنج جلد. ۸۸- طیب، سید عبد الحسین، تفسیر اطیب البیان. ۸۹- طبرسی، شیخ ابی علی الفضل بن الحسن (امین الاسلام)، ۱۳۹۵ ق، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، المکتبة الاسلامیة، تهران، ده جلد در پنج مجلد، چاپ پنجم. ۹۰- طنطاوی جوهری، بی‌تا، الجواهر فی تفسیر القرآن، دار الفکر، سیزده جلد. ۹۱- طالقانی، آیة اللّه سید محمود، ۱۳۴۸ ش، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران. ۹۲- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۳۹۳ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت، ۳۰ جلد در ۱۲ مجلد. ۹۳- طوسی، خواجه نصیر الدین و علامه حلّی، ۱۴۰۷ ق، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم. ۹۴- علیوی، ابن خلیفه، ۱۴۰۳ ق، معجزة القرن العشرین فی کشف سباعیة و ثلاثیة اوامر القرآن الکریم، دار الایمان، دمشق. ۹۵- عبد العزیز دکتر محمد کمال، بی تا، اعجاز القرآن فی حواس الانسان (دراسة فی الانف و الاذن و الحنجره فی ضوء الطب و علوم القرآن و الحدیث)، مکتبة ابن سینا، مصر. ۹۶- عبد الصمد، محمد کامل، ۱۴۱۰ ق، الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم)، دار المصریة اللبنانیة، قاهرة. ۹۷- عمر ابو حجر، دکتر احمد، ۱۴۱۱ ق، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دار قتیبة، بیروت- دمشق. ۹۸- عشری، عبد المنعم السیّد، ۱۹۸۵ م، تفسیر الایات الکونیة فی القرآن الکریم، الهیئة المصریة العامة للکتاب، مصر. ۹۹- عبد الرحمن العک، شیخ خالد، ۱۴۱۴ ق، الفرقان و القرآن، الحکمة للطباعة و النشر، سوریه. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۴ ۱۰۰- عبد الرضا علی، دکتر صادق، ۱۴۱۱ ق، القرآن و الطب الحدیث، دار المورخ العربی، بیروت. ۱۰۱- العمید الصیدلی، عمر محمود عبد الله، ۱۴۱۰ ق، الطب الوقائی فی الاسلام، شرکة معمل و مطبعة الزهراء الحدیثة، عراق، موصل. ۱۰۲- غزالی، ابو حامد، ۱۴۰۲ ق، احیاء العلوم (الاحیاء)، دار المعرفة، بیروت، چهار جلدی. ۱۰۳- غزالی، ابو حامد، بی‌تا، جواهر القرآن، المرکز العربی للکتاب، بیروت- دمشق. ۱۰۴- غباری ثباب، دکتر باقر، ۱۳۷۶ ش، باورهای مذهبی و اثرات آنها در بهداشت روان، فصلنامه اندیشه و رفتار (مجله روانپزشکی بالینی)، ش ۹- ۱۰. ۱۰۵- الفندی، دکتر محمد جمال الدین، ۱۳۷۱ ش، ترجمه سید حسین میر دامادی، شگفتی‌هائی از اعجاز در قرآن کریم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۰۶- القمیحا، نزیه، ۱۴۱۷ ق، القرآن یتجلی فی عصر العلم، دار الهادی، بیروت. ۱۰۷- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۱ ش، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، هفت جلد در سه مجلد. ۱۰۸- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۱ ش، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، چهار جلد. ۱۰۹- کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۴۶ ش، تفسیر منهج الصادقین، کتابفروشی اسلامیه، تهران. ۱۱۰- کاشانی، محمد محسن فیض، ۱۴۰۲ ق، تفسیر صافی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانیة، ۵ جلدی. ۱۱۱- کوستلر، آرتور، ترجمه منوچهر روحانی، خوابگردها. ۱۱۲- گلشنی، دکتر مهدی، ۱۳۷۵ ش، قرآن و علوم طبیعت، نشر مطهر، تهران. ۱۱۳- محمودی، عباسعلی، ۱۳۶۲ ش، ساکنان آسمان از نظر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران چاپ چهارم. ۱۱۴- محی الدین العجوز، شیخ احمد، ۱۴۰۷ ق، معالم القرآن فی عوالم الاکوان، دار الندوة الجدیدة، بیروت. ۱۱۵- محمود اسماعیل، محمد، ۱۴۱۱ ق، الاشارات العلمیة فی الایات الکونیة فی القرآن الکریم، دار الدعوة، اسکندریة. ۱۱۶- معرفت، آیة الله محمد هادی، ۱۴۱۷ ق، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ج ۶. ۱۱۷- محمد عبد العزیز، دکتر عبد الحمید، بی‌تا، الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، مکتبة ابن سینا، قاهره. ۱۱۸- مطهری، شهید مرتضی، ۱۳۷۲ ش، علل گرایش به مادیگری، انتشارات صدرا، تهران، قم، جلد اول مجموعه آثار. ۱۱۹- مطهری، شهید مرتضی، پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم. (که متن از علامه طباطبائی است) ۱۲۰- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۸، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد. ۱۲۱- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۷ ش، معارف قرآن، انتشارات در راه حق،

قم. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۵ ۱۲۲- مظفر، محمد رضا، ۱۳۶۸ ش، اصول الفقه، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد. ۱۲۳- مظفر، محمد رضا، ۱۴۰۲ ق، المنطق، دار التعارف للمطبوعات، بیروت. ۱۲۴- مجلسی، علامه محمد تقی، ۱۳۸۵ ش، بحار الانوار، المکتبهٔ الاسلامیهٔ، تهران، ۱۱۰ جلد. ۱۲۵- مهاجری، مسیح، ۱۳۶۳ ش، نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۲۶- مشکینی اردبیلی، آیهٔ الله علی، بی‌تا، ترجمه حسینی‌نژاد، تکامل در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۲۷- مصطفوی، حسن، ۱۳۷۱ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران، الطبعهٔ الاولی. ۱۲۸- مکارم شیرازی، آیهٔ الله ناصر، ۱۳۷۳ ش، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیهٔ، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج) ۱۲۹- مکارم شیرازی، آیهٔ الله ناصر، ۱۳۶۷، تفسیر به رأی، مطبوعاتی هدف، قم، چاپ هفتم. ۱۳۰- مکارم شیرازی، آیهٔ الله ناصر، پیام قرآن، انتشارات نسل جوان، قم. ۱۳۱- مکارم شیرازی، آیهٔ اللّه ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، دار الکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ دوم. ۱۳۲- ملکیان، مصطفی، ۱۳۷۳ ش، بررسی گونه‌های تعارض بین علم و دین، فصلنامه مصباح، ش ۱۰، پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۳- میر محمدی زرندی، سید ابو الفضل، ۱۳۷۵ ش، تاریخ و علوم قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم. چاپ چهارم. ۱۳۴- نوفل، عبد الرزاق، ۱۴۰۹ ق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، مطبوعات الشعب، قاهرهٔ، الجزء الاول، الطبعهٔ الثالثهٔ. ۱۳۵- نوفل، عبد الرزاق، ۱۴۱۱ ق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، مطبوعات الشعب، قاهرهٔ، الجزء الثانی، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۱۳۶- نوفل، عبد الرزاق، ۱۴۰۷ ق، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، مطبوعات الشعب، قاهرهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. تذکر: همین کتاب توسط دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق، به صورت تک جلدی نیز منتشر شده است. ۱۳۷- نوفل، عبد الرزاق، ۱۴۰۴ ق، القرآن و العلم الحدیث، دار الکتاب العربی، بیروت. ۱۳۸- نهاد جرّار، بسّام، ۱۴۱۴ ق، اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن الکریم، المؤسسهٔ الاسلامیهٔ، بیروت، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۱۳۹- ناجی محمد محی الدین، حسین، ۱۴۰۵ ق، تسعهٔ عشر ملکا بیان ان فریهٔ الاعجاز العددی للقرآن خدعهٔ بهائیهٔ، الزهراء للاعلام العربی، قاهره. ۱۴۰- النجدی، دکتر حمید، ۱۴۱۴ ق، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، مطبعهٔ جوهر الشام، دمشق. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۶ ۱۴۱- نیازمند شیرازی، ید اللّه، ۱۳۳۵ ش، اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، شرکت چاپ میهن، چاپ چهارم. ۱۴۲- ناصر الدین، سعید، ۱۳۸۵ ق، القرآن و العلوم، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، کربلاء. ۱۴۳- نوری، آیهٔ اللّه حسین، ۱۳۷۰ ش، دانش عصر فضا، نشر مرتضی، قم. ۱۴۴- نجمی، محمد صادق و هاشم هریسی، ۱۳۶۱ ش، شناخت قرآن، بی‌تا، بی‌جا. ۱۴۵- نجفی، گودرز، ۱۳۷۷ ش، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نشر سبحان، تهران. ۱۴۶- نیکبخت نصرآبادی، علیرضا، ۱۳۷۳ ش، بررسی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد بیماران بعد از عمل جراحی شکم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم پزشکی، تهران. ۱۴۷- نژد، محمد، ۱۳۷۴ ش، جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم. ۱۴۸- هیتو، دکتر محمد حسن، ۱۴۰۹ ق، المعجزهٔ القرآنیهٔ (الاعجاز العلمی و الغیبی) موسسهٔ الرسالهٔ، بیروت. ۱۴۹- هیک، جان، ۱۳۷۲ ش، ترجمه بهرام راد، ویراسته بهاء الدین خرمشاهی، فلسفه دین، انتشارات بین المللی هدی، تهران. ۱۵۰- ویلارد، ری (و دیگران)، ۱۳۷۴ ش، کیهان و راه کهکشان، ترجمه سید محمد امین محمدی، مؤسسه کتاب همراه، تهران. ۱۵۱- ویلیام هاوکینگ، استفن، تاریخچه زمان، ۱۳۷۲ ش، ترجمه حبیب الله دادفرما،- زهره داد فرما، انتشارات کیهان، تهران، چاپ دوم. ۱۵۲- یزدانی، عباس، ۱۳۷۵ ش، اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، کیهان اندیشه، ش ۶۷، مؤسسهٔ کیهان، قم. ۱۵۳- یاسین عبد القادر، حسین، ۱۴۱۷ ق، الاعجاز الطبی فی الکتاب و السنهٔ، مکتبهٔ وهبهٔ، قاهره، الطبعهٔ الاولی. ۱۵۴- یوسفی لویه، مجید، و فاطمه حسن‌پور، ۱۳۷۶ ش، تأثیر تلاوت قرآن بر کاهش اضطراب و افسردگی، خلاصه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران. .elcariM ehT fo noitaT neserP lausiV naruQ .۱۶۱ ecitamehtaM nI egasseM s 'doG -ytiliborP dnoyeD .۱۶۰ ۱۹۹۰ noitidE htxiS .D .hp ,reldaS .W .T .ygoloykbmE lacideM s ' namgnaL .۱۵۹ ۱۹۸۸ lirpA /kooB matnaB A emiT fo

yrotsiH feirB A .۱۵۸ .kciH nhoJ .noigileR fo yhposolhp ehT .۱۵۷ ruobrB .G naI .noigileR dna yrotsiH feirB A .۱۵۸ .kciH nhoJ .noigileR fo yhposolhp ehT .۱۵۷ ruobrB .G naI .noigileR dna پژوهشی در اعجاز ecneics ni seussI .۱۵۶ elliacuB eciruaM :ecneics dna naruQ eht elbib ehT .۱۵۵ علمی قرآن، ص: ۶۱۷ ضمیمهٔ شماره «۱» شکل الف: نمایش شمائی سه مرحله رخنه به تخمک. در مرحله یک اسپرماتوزوئید سد تاج شعاعی را می‌شکند، در مرحله دو یک یا بیشتر اسپرماتوزوئید به منطقه شفاف رخنه می‌کند. در مرحله سه، یک اسپرماتوزئید به پرده تخمک نفوذ کرده و در آنجا پرده پلاسمائی خود را از دست می‌دهد. در گوشه عکس اسپرماتوزوئید طبیعی با کلاهک سر اکروزومی آن دیده می‌شود. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۸ شکل ب: بارور شدن تخمک به وسیله اسپرمها در لوله رحم انجام می‌شود. شکل پ: A، ترسیم شمائی یک رویان پنج هفته‌ای برای نشان دادن ساختمانهائی که از حلقه نافی اولیه عبور می‌نماید. B، ترسیم شمائی بند ناف اولیه یک رویان ده هفته‌ای. C، قطع عرضی از ساختمانهای در محاذات حلقه نافی. D، قطع عرضی از بند ناف اولیه که بیرون‌زدگی حلقه‌های روده‌ای را بداخل بند ناف نشان می‌دهد. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۱۹ شکل ت: A، منظره پشتی یک رویان شانزده روزه پیش سومیتی. شیار و گره اولیه دیده می‌شوند. B، نمای پشتی یک رویان هیجده روزه پیش سومیتی. رویان گلابی شکل بوده و ناحیه سری آن تا حدودی پهن‌تر از انتهای دمی آن می‌باشد. C ، عکسبرداری رویان هیجده روزه انسان از سطح پشتی. به گره اولیه (گره هنسن)، به نوتوکورد که در قسمت جلوی آن گسترش می‌یابد توجه کنید. کیسه زرده تا اندازه‌ای دارای منظره‌ای خالدار می‌باشد. طول رویان ۲۵/ ۱ میلیمتر و پهن‌ترین قسمت آن ۶۸/ ۰ میلیمتر است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۲۰ شکل ث: A، نمای پشتی رویان اواخر دوره پیش سومیتی (حدودا نوزده روزه)، (تغییر داده شده از داویس) آمنیون برداشته شده است. صفحه عصبی بطور وضوح دیده می‌شود. B، نمای پشتی یک رویان حدودا بیست روزه انسانی (تغییر داده شده از اینگلس)، به پیدایش سومیت‌ها و تشکیل شیار و چین‌های عصبی توجه کنید. C، میکرو گراف میکروسکوپ الکترونی اسکنینگ از یک رویان موش (تقریبا برابر ۲۰ روزه انسانی) که بروز مشخص مرحله ناودان عصبی را نشان می‌دهد. چین‌های عصبی جمجمه‌ای عملا خود را به مناطق مغز قدامی (F، پروزانسفال)، مغز میانی (M، مزانسفال) و مغز خلفی (H، رومبانسفال) تقسیم کرده است. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۲۱ شکل ج: A، نمای جانبی یک رویان ۱۴ سومیتی (حدودا ۲۵ روزه) به برجستگی ناحیه دور قلبی (پریکاردی) و نخستین و دومین کمانهای حلقی توجه کنید. B، ترسیم شمائی کناره چپ یک رویان ۲۵ سومیتی حدودا ۲۸ روزه را نشان می‌دهد. سه کمان حلقی اول و صفحات عدسی و شنوائی دیده می‌شوند (تغییر داده شده از استریتر) شکل چ: مقاطع عرضی که رشد لایه ژرمینال مزودرمی را نشان می‌دهد. A، هفده روزه، B، نوزده روزه، C، بیست روزه، D، بیست و یک روزه. ورقه مزودرمی نازک، منجر به ایجاد ساختمان مزودرم مجاور محوری (سومیت‌های آینده)، مزودرم واسطه‌ای (واحدهای برون ریز «دفعی» آینده)، و صفحه جانبی می‌شود. این صفحه به دو لایه مزودرم دیواره‌ای و احشائی تقسیم شده که حفره سلومی داخل رویانی را می‌پوشاند. شکل ح: ترسیم شمائی برای نشان دادن تشکیل پوست در مراحل مختلف رشد. A، در هفته پنجم، B، هفته هفتم؛ C، ماه چهارم؛ D، در هنگام تولد پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۲۲ ضمیمه شماره «۲» ۱, ۲. RUORG FEILER NIAP نمودار شماره (۱): نمایش شدت درد قبل و بعد از مداخله در گروههای آزمون و مقایسه آن با متغیر مشابه در گروههای شاهد. مطابق نمودار فوق متوسط شدت درد قبل از گوش فرا دادن به قرآن کریم نسبت به بعد از گوش فرا دادن به آن در گروههای آزمون (اعم از ۶ ساعت اول و یا ۶ ساعت دوم) و همینطور متوسط شدت درد قبل و بعد در گروههای شاهد (اعم از ۶ ساعت اول و یا ۶ ساعت دوم) کاهش محسوس داشته است. جهت تعیین سطح معنی‌دار بودن بین کاهش شدت درد در دو مرحله قبل و بعد در گروههای آزمون و شاهد از آزمون آماری t زوج شده استفاده شده که نتیجه آزمون با (. ۵۰ P)؟؟؟ تفاوت معنی‌داری را در کاهش شدت درد در دو گروه نشان داده است. ۱, ۲. RUORG FEILER NIAP نمودار شماره (۲): مقایسه میانگین کاهش شدت درد در گروهی که ۶ ساعت اول به قرآن گوش فرا داده‌اند با

۶ ساعت دوم همان گروه که به قرآن گوش نداده‌اند. طبق نمودار فوق میانگین کاهش شدت درد در گروهی که ۶ ساعت اول قرآن دریافت داشته‌اند (۹۴/ ۱) و در گروه شاهدان (/ ۰ ۷۱) بوده است. بطوریکه در نمودار مشخص است تفاوت محسوسی در کاهش شدت درد در گروه قرآنی نسبت به گروه غیر قرآنی وجود دارد که برای تعیین سطح معنی دار بودن آن از آزمون آماری T زوج شده استفاده شده که نتیجه آزمون تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد (. ۵۰ P)؟؟ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص: ۶۲۳ PUORG. ۲(S. ۵. Q-- .F ۶ QN) FEILER NIAP نمودار شماره (۳): مقایسه میانگین کاهش شدت درد در گروهی که ۶ ساعت دوم به قرآن گوش فرا داده‌اند با ۶ ساعت اول خود که به قرآن گوش نداده‌اند. مطابق نمودار فوق میانگین درجه کاهش درد در گروهی که ۶ ساعت دوم قرآن دریافت داشته‌اند (۰۸/ ۲) بوده است در حالیکه گروه شاهد آن که به قرآن گوش نداده‌اند (۸۸/ ۰) بوده، بطوریکه در نمودار مشخص است تفاوت محسوسی در دو مرحله مشاهده می‌شود که برای تعیین سطح معنی دار بودن آن از آزمون آماری t زوج شده استفاده شده که نتیجه آزمون تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد (R. ۵۰)؟؟؟ NGIS PUORG. ۱, ۶ LAROIV AHEB. نمودار شماره (۴): مقایسه میانگین شدت علائم رفتاری در گروههای قرآنی و غیر قرآنی. مطابق نمودار فوق در گروهی که به قرآن گوش فرا داده‌اند امتیاز نمره گریه در اثر شدت درد (۱۲) ولی در گروه شاهد (۲۲) بوده است، بترتیب تکرار حرف یا لغت در گروه قرآنی (۱۹) ولی در گروه شاهد (۲۷) و علائم چهره‌ای در گروه قرآنی (۵۳) ولی در گروه شاهد (۱۳۰) و حرکات موتوری شدید (غلطیدن و چرخش در تخت) در گروه قرآنی (۱۳) و در گروه شاهد (۱۶) بوده است. آزمون آماری T تفاوت معنی‌داری را در شدت نمره گریه کردن و شدت علائم چهره‌ای نشان داده است (p. ۵۰)؟؟ SEGNAHC PB .LOTSYS (QN ,Q) نمودار شماره (۵): مقایسه میانگین کاهش فشار خون سیستول در گروهی که به قرآن گوش فرا داده‌اند با گروه شاهد خود. مطابق نمودار فوق میانگین کاهش فشار خود سیستول در گروه قرآنی (۸/ ۴) و در گروه غیر قرآنی (۴۶/ ۱) بوده است آزمون t تفاوت معنی‌داری را در کاهش میزان فشار خون سیستول در گروه قرآنی و غیر قرآنی نشان داده است (P. ۹. ۳ t. ۵۰)؟؟؟.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،

گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹